



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



الحق  
علیه  
صلاوة  
وسلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir

ریشه‌ها و جلوه‌های

شعر

خوزه‌آلبرتو صمصمان

در طول تاریخ

تالیف میرزا تقی میرزا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ریشه ها و جلوه های تشیع حوزه علمیه اصفهان در طول تاریخ

نویسنده:

سید حجت موحد ابطحی

ناشر چاپی:

دفتر تبلیغات المهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان



## فهرست

فهرست	۵
ریشه ها و جلوه های تشیع حوزه علمیه اصفهان در طول تاریخ	۳۵
مشخصات کتاب	۳۵
جلد ۱	۳۵
اشاره	۳۵
إهداء	۳۷
پیش گفتار	۳۹
روش ما در مباحث کتاب	۴۱
۱- نامها و امتیازات طبیعی و معنوی اصفهان در طول تاریخ	۴۳
اشاره	۴۳
اسامی شهر اصفهان در طول تاریخ	۴۵
امتیازات طبیعی و معنوی اصفهان	۴۵
سی مستجاب الدعوه در اصفهان ، در طول تاریخ	۴۵
طهورت، برای حفظ کتب علمی اصفهان را برگزید	۴۶
اصفهان ، سخنگوی زمین	۴۷
اصفهان و فارس ، از زبان رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلهِی وَ سَلَّمَ	۴۸
اشاره ای به تاریخ اصفهان	۵۳
ورود جمعی از صحابه رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلهِی وَ سَلَّمَ به اصفهان	۵۵
۲- عظمت علمی و دینی اصفهان در آئینه افکار صاحب نظران	۵۷
اشاره	۵۷
عظمت علمی و دینی اصفهان در آئینه افکار صاحب نظران	۵۹
۱- حکیم رومی	۵۹
۲- مقدسی	۶۰
۳- شُعْشُئَل بن سَعْد ... مافزوخی اصفهانی	۶۰
۴- سَمْعانی	۶۲
۵- یاقوت حموی	۶۲
۶- ابوالفداء، عماد الدین اسماعیل	۶۳
۷- حمد الله مستوفی قزوینی	۶۴
۸- ابن بطوطه	۶۴
۹- شوالیه شاردن فرانسوی	۶۵
آماری جالب و مهم	۶۷
۱۰- زین العابدین شیروانی	۶۷
۱۱- صاحب روضات الجنّات	۶۸
۱۲- سیرزا حسین خان تحویلدار	۷۱
صفات زهای اصفهانی	۷۵
۱۳- محقق مهدی اصفهانی	۷۶
۱۴- دائرة المعارف الإسلامیة	۷۷
۱۵- سید محسن امین عاملی	۷۸
۱۶- محمد فرید وجدی	۷۸
۱۷- جابری انصاری	۷۹

۷۹	.....	۱۸- علی أكبر دهخدا
۸۱	.....	۱۹- حسین نور صادقی
۸۱	.....	۲۰- رفیعی مهر آبادی
۸۲	.....	۲۱- نشریه اداره اوقاف اصفهان
۸۳	.....	۲۲- دکتر محمد معین
۸۳	.....	۲۳- غلامحسین مصاحب
۸۴	.....	۲۴- دایره المعارف الإسلامیة الشیعیه
۸۶	.....	۲۵- دکتر لطف الله هنرفر
۸۷	.....	اظهار نظری دیگر
۸۸	.....	اصفهان ، ستاره جهان اسلام
۸۹	.....	۲۶- دکتر فضل الله صلواتی
۹۰	.....	۲۷- دایره المعارف تشیع
۹۱	.....	۲۸- عبد الغفور بلوشی
۹۳	.....	۲۹- سخاوی
۹۴	.....	۳۰- سید مصلح الدین مهدوی اصفهانی
۹۴	.....	نگرشی دیگر
۹۵	.....	توصیفی دیگر
۹۶	.....	۳۱- مجتبی ایمانته
۹۸	.....	۳۲- عباس نصر
۹۹	.....	۳۳- عنوچهر قدسی
۱۰۳	.....	۳- ریشه ها و نشانه های تشیع در تاریخ گذشته اصفهان
۱۰۳	.....	اشاره
۱۰۵	.....	ریشه ها و نشانه های تشیع در تاریخ گذشته اصفهان
۱۰۵	.....	نقش حیاتی امیر المؤمنین علی علیه السلام در فتح اصفهان
۱۰۷	.....	ورود امام حسین علیه السلام به اصفهان!
۱۰۸	.....	سلمان فارسی ، افتخار اسلام و مکتب أهل البيت عليهم السلام و آبروی ایران و اصفهان
۱۱۵	.....	سلمان فارسی اصفهانی است
۱۱۷	.....	سلمان مجدداً به اصفهان آمده است
۱۱۷	.....	دختری از سلمان ، در شهر اصفهان
		یک بانوی اصفهانی ، راهنمای سلمان فارسی به سوی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آلهی و سلم از سلمان فارسی نقل گردیده ، که در هنگامی که در باغستانهای مدینه به صورت غلامی، کار می کرده، و در صد راه یافتن به پیامبر اسلام علییونه بوده ، یک بانوی اصفهانی را می بیند و از
۱۱۹	.....	یزید بن قیس ارحبی اولین نماینده امام علی علیه السلام در اصفهان
۱۲۱	.....	میخنف بن سُلَیم، والی اصفهان از طرف امام علی علیه السلام
۱۲۲	.....	حارث بن اَبی الحارث بن ربیع، نماینده والی اصفهان
۱۲۳	.....	عمرو بن سَلَمه، والی یا نماینده والی اصفهان
۱۲۳	.....	تذکر قابل توجه
۱۲۴	.....	ورود مالک اشتر نخعی به اصفهان
۱۲۴	.....	مسجد شعیای نبی علیه السلام اولین مسجد بزرگ اصفهان مربوط به دوره خلافت علی علیه السلام
۱۲۵	.....	جامع خوشینان و احتمال اتحاد با مسجد شعیای نبی صلی الله علیه و آلهی و سلم
۱۲۶	.....	نایغه جعدی ، تبعیدی معاویه به اصفهان
۱۲۹	.....	شش سال نفوذ حکومت مختار بر اصفهان
۱۲۹	.....	اقامت سعید بن جبیر (مفتقر قرآن و شهید راه امام علی علیه السلام) در اصفهان

۱۳۲	قاسم بن ابی ایوب اصفهانی (عرج)، بنهادهنده سعید بن جبیر
۱۳۲	شتردار امام علی بن موسی الرضا علیه السلام در سفر خراسان اصفهانی بوده است
۱۳۳	عبد الرحمن اصفهانی، تشیع ابوعانیت امام علی التقی علیه السلام
۱۳۵	این یاد شاله اصفهانی و ملاقات امام زمان (عج)
۱۳۵	محدثین اصفهانی، از اصحاب ائمه علیهم السلام
۱۳۶	عبد الله بن محمد کنانی، شکنجه دیده راه تشیع
۱۳۷	اسحاق بن سعد قَطْرُ بَنِي، فرماندار اصفهان، وعاشق دلباخته امام زمان علیه السلام
۱۳۸	فقه‌اء بزرگ شیعه، در اصفهان مشهور به تعصب و تستن
۱۳۸	جربانی جالب و کشف حقیقی آرزشمند
۱۳۹	شیخ ابوسعود رازی اصفهانی، مدافع حریم امیرالمؤمنین علی علیه السلام
۱۴۱	نقش شیخ ابو مسعود، در جلوگیری از سب امیر المؤمنین علی علیه السلام
۱۴۴	نقش خاندان علمی تقی، در نشر احادیث اهل بیت علیهم السلام در اصفهان
۱۴۴	سلیمان بن أحمد طبرانی اصفهانی
۱۴۶	اصفهان و عزاداری بر امام حسین علیه السلام در دورا آل بویه و ...
۱۴۷	عزاداری بر امام حسین علیه السلام در اوج قدرت اهل تستن در اصفهان
۱۴۹	نشر احادیث فضائل علی علیه السلام و اهل البیت: اصفهان
۱۵۰	اثری بزرگ و قابل توجه از تشیع، در اصفهان، در اوائل قرن هشتم
۱۵۳	سنگ قبر تاریخی میر علی شهیدان، نشانه های تشیع در اصفهان
۱۵۵	دومناره جویباره، مژین به نام مقدس پنج تن اثری از تشیع در قرن هشتم اصفهان
۱۵۶	مسجد جامع کاج و نام پنج نور مقدس اثری از قرن هشتم
۱۵۷	مسجد جامع اُشترجان و نام اهل البیت علیهم السلام
۱۵۹	آثار و نشانه های تشیع، در بقعه پیر بکران
۱۶۰	تاج الدین حسین صاعدی اصفهانی، مذهب تشیع را می پذیرد
۱۶۱	استشفای یک زمین گیر اصفهانی، از امیرالمؤمنین علی علیه السلام
۱۶۲	یک اصفهانی از اصحاب خاتم امام زمان (عج)، در هنگام ظهور
۱۶۵	۴- جلوه های ولایت اهل البیت علیهم السلام در شهر اصفهان
۱۶۵	اشاره
۱۶۷	اصفهان شهر جود و ایثار، در راه دین و اهل البیت علیهم السلام
۱۶۹	اصفهان، شهر تعظیم شعائر مکتب ولایت و امامت در دوره معاصر
۱۷۳	اصفهان و ضریح سازی و کاشی کاری و دیگر هنرهای مذهبی
۱۷۴	خاطره های تاریخی و به یاد ماندنی در مورد ضریح حضرت ابوالفضل علیه السلام
۱۷۷	۵- زندگی و مزار امامزادگان از ریشه های رشد تشیع در منطقه اصفهان
۱۷۷	اشاره
۱۷۹	پیش گفتار
۱۷۹	امامزادگان، و عوامل نفوذ معنوی و اجتماعی آنها
۱۸۰	بارگاههای ملکوتی و باشکوه
۱۸۲	پاسخ به سؤالی قابل توجه
۱۸۲	تأکید خداوند متعال، و رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آٰلِهِ وَسَلَّمَ بر محبت اهل البیت علیهم السلام
۱۸۷	سخنی شیوا، از علامه مجلسی
۱۸۸	۲- فضائل و کمالات، و خدمات دینی و علمی و اجتماعی امامزادگان علیهم السلام
۱۸۸	۱- علم و دانش

۱۸۹	۲-مقامات معنوی
۱۹۰	۳-آثار و خدمات اجتماعی
۱۹۰	۴-مبارزه با ظلم
۱۹۱	ورود امامزادگان و دراری رسول خدا صلی الله علیه و آلهی و تسلم به اصفهان
۱۹۲	الف-نام امام زادگان اصفهان،در کتب تراجم و أنساب
۱۹۳	ب-مزارهای امامزادگان ، در اصفهان
۱۹۴	۱- امامزاده ابراهیم علیه السلام
۱۹۵	۲-امامزاده ابراهیم علیه السلام ( امامزاده نومی)
۱۹۷	۳-امامزاده أحمد علیه السلام
۱۹۹	بقعه و بارگاه امامزاده أحمد علیه السلام
۲۰۱	۴-امامزاده اسحاق علیه السلام
۲۰۳	۵-امامزاده اسماعیل علیه السلام
۲۰۷	۶-امامزاده حمزه علیه السلام ( شاه میر حمزه)
۲۰۸	۷-امامزاده زید علیه السلام ( شاهزید)
۲۱۰	آخرین تعمیرات امامزاده زید
۲۱۱	۸-امامزاده زینب علیها السلام (زینبیه)
۲۱۲	نسب حضرت زینب علیها السلام
۲۱۷	بقعه و مزار و حرم زینبیه
۲۱۸	تشکیل هیئت أمناء،توسعه آستانه مقدسه
۲۱۹	آستانه زینبیه،از بقعه های علمی اصفهان
۲۱۹	۹-امامزاده علی علیه السلام ( درب امام)
۲۲۰	بقعه و بارگاه امام زاده درب امام
۲۲۲	۱۰-امامزاده سیدعلی علیه السلام
۲۲۳	۱۱-امامزاده محسن علیه السلام
۲۲۴	۱۲-امامزاده محمّد علیه السلام
۲۲۵	۱۳-امامزاده أبوالعباس علیه السلام ( محمّد)
۲۲۶	ساختنمان قدیمی امامزاده أبو العباس علیه السلام
۲۲۷	ساختنمان مفضل و باشکوه فعلی
۲۲۹	کرامتی بزرگ ، از امامزاده أبوالعباس
۲۳۰	دفن مرحوم آیه الله امامی ، در جوار امامزاده أبوالعباس،وتحوّلی بزرگ
۲۳۱	سنگ نوشته قبر آیه الله امامی
۲۳۲	حرم امامزاده أبوالعباس ، مدفن علماء و مؤمنین
۲۳۲	۱۴-امامزاده هارون ولایت علیه السلام
۲۳۳	ساختنمان سخن و سرای هارونیه
۲۳۵	آخرین تعمیرات
۲۳۶	بیش از چهارصد و پنجاه امامزاده در استان اصفهان
۲۴۵	شرح حال اجمالی از سایر امامزادگان اصفهان و حومه
۲۴۷	۶-محدثین شیعة اصفهان،از ریشه های تشیع در اصفهان
۲۴۷	اشاره
۲۴۹	محدثین شیعة اصفهانی،از ریشه های تشیع اصفهان
۲۴۹	۱-آمنه بنت عتّاب طباطبائی علوی

- ٢٥٠-..... إبراهيم ابن اسماعيل طباطبا
- ٢٥١-..... إبراهيم بن شيبة اصفهاني
- ٢٥١-..... إبراهيم بن قتيبة اصفهاني
- ٢٥١-..... إبراهيم بن محمد بن سعيد...ثقفى اصفهاني
- ٢٥٢-..... أحمد بن أبي الترقى ، الغزاة الإصفهاني
- ٢٥٢-..... أحمد بن أحمد بن فضل اصفهاني
- ٢٥٢-..... أحمد بن عبد الرحمن...بين قدامه السعدى
- ٢٥٣-..... أحمد بن علي اصفهاني
- ٢٥٥-..... أحمد بن محمد ستارى
- ٢٥٦-..... أحمد بن محمد بن أنسب اصفهاني
- ٢٥٧-..... أحمد بن محمد ( ابن فادشاه )
- ٢٥٧-..... أحمد بن محمد بن بطة اصفهاني
- ٢٥٨-..... أحمد بن مفصل أبوسلمة اصفهاني،باأحمد بن أحمد بن فضل اصفهاني
- ٢٥٩-..... أحمد بن يعقوب اصفهاني
- ٢٦٠-..... ادريس بن عبد الله اصفهاني
- ٢٦٠-..... أسعد بن عبد القاهر بن أسعد اصفهاني
- ٢٦١-..... بدران بن شريف اصفهاني
- ٢٦١-..... براقه اصفهاني
- ٢٦١-..... جعفر بن سلمة اصفهاني
- ٢٦٢-..... جعفر بن محمد بن سعيد ثقفى
- ٢٦٢-..... حسن بن عطاء بن ... شاذويه
- ٢٦٢-..... حسن بن علوية اصفهاني
- ٢٦٣-..... سرقى بن سلامة اصفهاني
- ٢٦٤-..... سعيد بن أبي الزجا، صيرفى اصفهاني
- ٢٦٤-..... سليمان بن داود بنقرى اصفهاني
- ٢٦٥-..... عباد بن عباس طالقانى اصفهاني
- ٢٦٦-..... عبد السلام الإصفهاني
- ٢٦٦-..... عبد الله بن أحمد...بن خشنام اصفهاني
- ٢٦٧-..... عبد الله بن راشد اصفهاني
- ٢٦٧-..... عبد الله بن محمد اصفهاني
- ٢٦٨-..... عبدالله بن محمد بن عبد الوهاب اصفهاني
- ٢٦٩-..... عبد الواحد اصفهاني
- ٢٦٩-..... عثمان اصفهاني
- ٢٧٠-..... علي بن أحمد بن عبد الله اصفهاني أسوارى
- ٢٧٠-..... علي بن حسن بن محمد بن منته
- ٢٧١-..... علي بن عبد الله بن أحمد، أبو الحسن اصفهاني أسوارى
- ٢٧١-..... علي بن عبدالله بن أسد اصفهاني
- ٢٧٣-..... علي بن عبدالله بن كوشيد اصفهاني
- ٢٧٤-..... علي بن فرات اصفهاني
- ٢٧٤-..... علي بن محمد بن...ثقفى اصفهاني
- ٢٧٤-..... علي بن محمد بن شيرة اصفهاني

۲۷۵	.....	۴۳- عمر الإصفهانی
۲۷۵	.....	۴۴- قاسم بن محمد اصفهانی
۲۷۶	.....	۴۵- محمد الأصفهانی
۲۷۷	.....	۴۶- محمد بن أحمد بن بشر اصفهانی
۲۷۷	.....	۴۷- محمد بن الحسن الأسديّ ، القاضي الإصفهانی
۲۷۷	.....	۴۸- محمد بن الحسين بن عبد الزحمان الإصفهانی
۲۷۸	.....	۴۹- محمد بن سعيد اصفهانی
۲۷۹	.....	۵۰- محمد بن سليمان اصفهانی
۲۸۰	.....	۵۱- محمد بن عبد الرشيد اصفهانی
۲۸۱	.....	۵۲- محمد بن عبد الله ( ابن مُمَلَّك اصفهانی )
۲۸۲	.....	۵۳- محمد بن عليّ كاتب اصفهانی
۲۸۳	.....	۵۴- محمد بن غالب اصفهانی
۲۸۴	.....	۵۵- محمد بن سنّده اصفهانی
۲۸۵	.....	۵۶- محمد بن مهران اصفهانی
۲۸۶	.....	۵۷- منصور بن عبد الله اصفهانی
۲۸۸	.....	۵۸- هبه الله بن داود اصفهانی
۲۸۹	.....	۶۰- أبو اسحق بن بحير اصفهانی
۲۸۹	.....	۶۱- أبو الحسن اصفهانی
۲۹۰	.....	۶۲- أبوشيبه اصفهانی
۲۹۱	.....	۶۳- أبو الطّيف بن أحمد اصفهانی
۲۹۲	.....	۶۴- أبو نصر بن أبي مسعود اصفهانی
۲۹۲	.....	۶۵- الإصفهانی
۲۹۳	.....	۷- نامدارانی از مفاخر علمی و ادبی شیعة اصفهان از قرن سوّم تا دهم
۲۹۳	.....	اشاره
۲۹۵	.....	نامدارانی از مفاخر علمی و ادبی شیعة اصفهان از قرن سوّم تا دهم
۲۹۵	.....	۱- ابراهيم بن محمد بن سعيد ... تقفی اصفهانی
۲۹۸	.....	۲- أحمد بن أبي يعقوب.. اصفهانی ( يعقوبی )
۳۰۱	.....	۳- أحمد بن علوة اصفهانی
۳۰۳	.....	۴- حمزة اصفهانی
۳۰۴	.....	۵- أبو الفرج اصفهانی
۳۰۷	.....	تألیفات أبو الفرج اصفهانی
۳۰۸	.....	تشعّ أبو الفرج اصفهانی، نشانه ای از رشد فرهنگ تشعّ، در تاریخ گذشته اصفهان
۳۰۹	.....	نقش أبو الفرج اصفهانی، در نشر روایات فضائل و مصادب أهل البيت عليهم السلام
۳۰۹	.....	خاندان علمی أبو الفرج اصفهانی
۳۱۰	.....	۶- اسماعیل بن عتّاد « صاحب بن عتّاد »
۳۱۵	.....	نقش صاحب بن عتّاد، در ترویج علم و ادب
۳۱۶	.....	جود و بخشش صاحب بن عتّاد
۳۱۷	.....	نقش صاحب بن عتّاد، در ترویج تشعّ
۳۱۷	.....	تألیفات صاحب بن عتّاد
۳۱۸	.....	حوزه درسی صاحب بن عتّاد
۳۱۸	.....	أهمیت معنوی علم و حدیث، در دیدگاه صاحب بن عتّاد

۳۱۹	..... علوم و دانشهای صاحب بن عباد
۳۲۰	..... آسائید صاحب بن عباد
۳۲۰	..... شاگردان و مصاحبین علمی و ادبی صاحب بن عباد
۳۲۱	..... قلب و زبان و علم و ادب صاحب ، در خدمت أهل البيت عليهم السلام
۳۲۶	..... کتابخانه عظیم صاحب بن عباد
۳۲۶	..... آتش زدن کتابخانه صاحب
۳۲۷	..... درگذشت و مراسم تشییع و دفن صاحب
۳۲۷	..... بقعه و مقبره صاحب بن عباد
۳۲۸	..... مرثیه های سروده شده در رثای صاحب
۳۲۹	..... مرثیه ای جالب با تأیید و إلهامی إلهی
۳۳۰	..... ۷-أحمد بن ابراهیم ( أبوالعبّاس ضنی )
۳۳۳	..... ۸-أحمد بن محمد بن یعقوب ( ابن مسکویه )
۳۳۶	..... نمونه ای از شاگردان ابن مسکویه
۳۳۶	..... ابن مسکویه اولین نویسنده کتاب مُدَوّن أخلاقی
۳۳۶	..... تألیفات و آثار قلمی ابن مسکویه
۳۳۷	..... ۹-شیخ الزّینس، أبوعلی سینا
۳۴۰	..... تشیع، مذهب و مکتب بوعلی سینا
۳۴۱	..... حالات روحی و معنوی بوعلی سینا
۳۴۱	..... بوعلی سینا و علاقه و ایمان به امیرالمؤمنین علی علیه السلام
۳۴۲	..... بوعلی سینا در کتب تراجم و تاریخ و دایره المعارفها
۳۴۳	..... بوعلی سینا و اصفهان
۳۴۳	..... ۱۰-حافظ أبونعمیم اصفهانی
۳۴۵	..... خاندان حافظ أبونعمیم اصفهانی
۳۴۶	..... ۱۱-مفضّل بن سعد ( مافزوخی ) اصفهانی
۳۴۷	..... ۱۲-راغب اصفهانی
۳۴۹	..... تألیفات راغب اصفهانی
۳۵۰	..... مذهب راغب اصفهانی
۳۵۱	..... ۱۳-حسین بن علی بن عبد الضمد ( طغرانی )
۳۵۲	..... طغرانی از دیدگاه صاحب نظران
۳۵۴	..... اشعار از طغرانی درباره أهل البيت عليهم السلام
۳۵۶	..... کتابها و تألیفات طغرانی
۳۵۷	..... ۱۴-عبد الزّحیم بن أحمد ( ابن الإخوه )
۳۵۷	..... جهل سال فقاویت علمی ابن اخوه در اصفهان
۳۶۰	..... ۱۵-جمال الدّین، محمد بن عبدالزّراق اصفهانی
۳۶۲	..... ۱۶-کمال الدّین اسماعیل اصفهانی
۳۶۳	..... کمال الدّین ، در یک نگاه
۳۶۳	..... ۱۷-شیخ أسعد بن عبد القاهر بن أسعد اصفهانی
۳۶۵	..... ۱۸-صانن الدّین، علی بن محمد ( تُرکّه )
۳۶۷	..... مظلومیت و سختیهای زندگی صانن الدّین
۳۶۸	..... تألیفات صانن اصفهانی
۳۶۹	..... ۱۹-شیخ علی بن عبد العالی ( محقّق کُرکک ) اصفهانی

۳۷۲	..... آثار اجتماعی محقق کرکلا
۳۷۳	..... آثار قلمی و تألیفات محقق کرکی
۳۷۳	..... مشایخ و آساتید ، و شاگردان و راویان از محقق کرکی
۳۷۴	..... حکمی تاریخی و بی نظیر، برای محقق کرکی
۳۷۴	..... نقش محقق کرکی در تأسیس حوزه علمیه اصفهان
۳۷۵	..... شهادت محقق کرکی در روز عید غدیر ، در شهر نجف اشرف
۳۷۶	..... ۲۰- شیخ عبد العالی کرکلا اصفهانی
۳۷۹	..... ۸- چهره های علمی و ادبی شیعه در اصفهان از قرن سوم تا دهم
۳۷۹	..... اشاره
۳۸۱	..... چهره های علمی و ادبی شیعه اصفهان از قرن سوم تا دهم
۳۸۱	..... عدم امکان آشنایی کامل با بزرگان شیعه اصفهان در دوره حاکمیت مخالفین
۳۸۲	..... نمونه ای از چهره های علمی و ادبی شیعه در قرن سوم
۳۸۲	..... ۱- بندگان بن عبد الحمید کرخی اصفهانی
۳۸۴	..... ۲- موسی بن عبدالملک اصفهانی
۳۸۵	..... نمونه ای از چهره های علمی و ادبی شیعه در قرن چهارم
۳۸۵	..... ۱- ۱- أبو الحسن، محمد بن أحمد... بن طباطبای علوی
۳۸۶	..... ۲- محمد بن بحر اصفهانی
۳۸۷	..... ۳- علی بن حمزه اصفهانی
۳۸۷	..... ۴- أبو محمد بن عبد الله اصفهانی
۳۸۸	..... ۵- عتاد بن عباس طالقانی اصفهانی
۳۸۹	..... ۶- عبد الله بن محمد اصفهانی (خازن)
۳۹۱	..... نمونه ای از چهره های علمی و ادبی شیعه در اصفهان در قرن پنجم
۳۹۱	..... ۱- أحمد بن محمد بن حسن اصفهانی ( امام مرزوقی)
۳۹۲	..... ۲- أحمد بن محمد بن ذر الإصفهانی
۳۹۳	..... ۳- زید بن علی حسینی
۳۹۳	..... ۴- أبو عبد الله معصومی ( محمد بن أحمد)
۳۹۴	..... ۵- أبو مسلم، محمد بن علی نحوی اصفهانی
۳۹۴	..... ۶- بدران بن شریف اصفهانی
۳۹۵	..... ۷- حسن بن عباس رستمی اصفهانی
۳۹۵	..... ۸- آمنه بنت عتاد ، طباطبائی علوی
۳۹۶	..... نمونه ای از چهره های علمی و ادبی شیعه در اصفهان
۳۹۶	..... ۱- أبو الحسن علی (ضریب نحوی)
۳۹۷	..... ۲- جبهه الله بن أحمد... آسدی اصفهانی
۳۹۷	..... ۳- شرفشاه بن عبد المطلب اصفهانی
۳۹۸	..... نمونه ای از چهره های علمی و ادبی شیعه در اصفهان در قرن هفتم
۳۹۸	..... ۱- قاضی نظام الدین، محمد بن اسحق بن مطهر اصفهانی
۳۹۹	..... ۲- شیخ فتح بن علی بن محمد بنداری اصفهانی
۳۹۹	..... ۳- نظام الشرف بن قوام الشرف اصفهانی
۴۰۰	..... ۴- مولی عبد الله (حاسب)
۴۰۰	..... ۵- کمال الدین، محمد بن عبدالرشید اصفهانی
۴۰۱	..... نمونه ای از چهره های علمی و ادبی شیعه در اصفهان در قرن هشتم



- ۴۰۱-۱-أفضل أئمة الدين ، محمد بن حبيب الله اصفهانی ( تركة )
- ۴۰۲-۲-عباد بن أحمد بن...شرفشاه(گلستانه)
- ۴۰۳-۳-سید حیدر بن محمد بن...شرفشاه (گلستانه)
- ۴۰۴-۴-عباد بن یحیی بن...شرفشاه(گلستانه )
- ۴۰۵- نمونه ای از چهره های علمی و ادبی شیعه دراصفهان در قرن نهم
- ۴۰۵-۱-خواجه أفضل الدین محمد صدر( تركة )
- ۴۰۵-۲-طاهر بن عرب اصفهانی
- ۴۰۷-۳-عماد بن محمد ، منجم اصفهانی
- ۴۰۷-۴-محمد بن علی تركة
- ۴۰۸-۵-غیاث الدین،علی ایران اصفهانی حسینی
- ۴۰۸- نمونه ای از چهره های علمی و ادبی شیعه دراصفهان در قرن دهم
- ۴۰۸-۱-محمد حافظ (مخترع اصفهانی)
- ۴۰۹-۲-میر قوام الدین ، حسن نقیب اصفهانی
- ۴۱۰-۳-شیخ کمال الدین بن محمد اصفهانی
- ۴۱۰-۴-شمس الدین محمداصفهانی
- ۴۱۱-۵-کمال الدین ، درویش محمد اصفهانی عاملی
- ۴۱۲-۶-أفضل الدین ، محمد ( تركة ) اصفهانی
- ۴۱۴-۷-شیخ علی منشار عاملی اصفهانی
- ۴۱۵-۸-میر محمد اصفهانی ( معز الدین)
- ۴۱۷- داستانی جالب از مقام معنوی میر معزالدین و شیخ بهایی
- ۴۱۷-۹-ملک محمد اصفهانی
- ۴۱۸-۱۰-ملا مختار اعمی ، قاری اصفهانی
- ۴۱۹-۱۱-محمد بن حیدراصفهانی ( میرگی)
- ۴۱۹-۱۲-شیخ یونس مفتی
- ۴۲۰-۱۳-شیخ ابراهیم بن علی خوانساری اصفهانی
- ۴۲۰-۱۴-أبو القاسم اصفهانی
- ۴۲۱-۱۵-محمد بن صدرالدین اصفهانی
- ۴۲۱-۱۶-شیخ رشید الدین بن ابراهیم اصفهانی
- ۴۲۱-۱۷-رشید الدین اصفهانی
- ۴۲۲-۱۸-شیخ عنایت الله اصفهانی
- ۴۲۲-۱۹-علی بن حسن زورهای اصفهانی ( مفسر)
- ۴۲۴-۲۰-کمال الدین حسین (ضمیری اصفهانی)
- ۴۲۷-۹- خاندانهای علمی شیعه در طول تاریخ اصفهان
- ۴۲۷- اشاره
- ۴۲۹- خاندانهای علمی اصفهان
- ۴۲۹-۱-خاندان علمی اطحی بیدهی
- ۴۳۱-۲-خاندان علمی ازه ای
- ۴۳۲-۳-خاندان علمی امامی
- ۴۳۶-۴-خاندان علمی که ( آل تركة)
- ۴۳۹-۵-خاندان علمی تویسرکانی
- ۴۴۱-۶-خاندان علمی جزائری

۴۴۴	۷- خاندان علمی حافظ ابو نعیم اصفهانی
۴۴۵	۸- خاندان علمی حسین آبادی (آقا میرزا محمد جواد)
۴۴۹	۹- خاندان علمی خاتون آبادی
۴۵۶	۱۰- خاندان علمی خادمی ( خادم الشریعه )
۴۶۰	۱۱- خاندان علمی خراسانی
۴۶۲	۱۲- خاندان علمی خوانساری ( ملا علی اکبر)
۴۶۳	۱۳- خاندان علمی رضوی خوانساری
۴۶۴	۱۴- خاندان علمی روضاتی
۴۷۱	۱۵- خاندان علمی سلطان العلماء (خلیفه سلطان ، مرعشی های اصفهان)
۴۷۵	۱۶- خاندان علمی سید العراقین ( میر عمادی)
۴۷۶	۱۷- خاندان علمی شفقی
۴۷۸	۱۸- خاندان علمی شَفَرُوهُ
۴۷۹	۱۹- خاندان علمی شمس آبادی (آل رسول)
۴۸۰	۲۰- خاندان علمی شهرستانی
۴۸۱	۲۱- خاندان علمی شهشاهی
۴۸۳	۲۲- خاندان علمی شیخ الإسلام سبزواری
۴۸۸	۲۳- خاندان علمی صدرالدین عاملی
۴۹۵	خاندان علمی طباطبائی
۴۹۶	۲۴- خاندان علمی طباطبائی های اصفهان
۵۰۱	۲۵- خاندان علمی طباطبائی نائینی اصفهانی
۵۰۳	۲۶- خاندان علمی طباطبائی بروجردی اصفهانی
۵۰۴	۲۷- خاندان علمی فاضل سراب و جویبارهای
۵۰۷	۲۸- خاندان علمی فقیه احمد آبادی
۵۱۰	۲۹- خاندان علمی قزوینی
۵۱۰	۳۰- خاندان علمی کتابی (کتابفروش)
۵۱۲	۳۱- خاندان علمی کلیاسی (کریاسی)
۵۱۷	۳۲- خاندان علمی گلستانه
۵۲۰	۳۳- خاندان علمی مازندرانی (ملا صالح)
۵۲۴	افتخاراتی بزرگ
۵۲۶	۳۴- خاندان علمی مجلسی
۵۳۶	چهار داماد برجسته
۵۳۷	الف- ملا محمد صالح مازندرانی
۵۳۷	ب- ملا محمد علی آسترآبادی
۵۳۷	ج- ملا میرزای شیروانی
۵۳۸	د- میرزا کمال الدین محمد فسانی
۵۳۸	۳۵- خاندان علمی مسجد شاهی (نجفی)
۵۴۵	۳۶- خاندان علمی مشایخ بید آباد
۵۴۹	۳۷- خاندان علمی موحد ابطحی
۵۵۱	عنايات الهی ، و تشویق های مؤثر
۵۵۸	عنايتی الهی
۵۵۹	۳۸- خاندان علمی موسوی ( حاج میرزا بدیع)

۵۶۰	.....	۳۹- خاندان علمی موسوی درجهای اصفهانی
۵۶۳	.....	۴۰- خاندان علمی موسوی زنجانی
۵۶۴	.....	۴۱- خاندان علمی مهدوی (نحوی)
۵۶۸	.....	۴۲- خاندان علمی میرداماد(میردامادی)
۵۷۳	.....	۴۳- خاندان علمی میر محمد صادقی و «مدرس»
۵۷۹	.....	۴۴- خاندان علمی نائب الصدر
۵۸۰	.....	۴۵- خاندان علمی نواب لاهیجی
۵۸۱	.....	۴۶- خاندان هزار جریبی اصفهانی
۵۸۵	.....	۱۰- آثاری بزرگ از حوزه علمیه اصفهان
۵۸۵	.....	اشاره
۵۸۷	.....	آثاری بزرگ از حوزه علمیه اصفهان
۵۸۷	.....	نقش حوزه علمیه اصفهان ، در اجازات حدیث
۵۸۹	.....	حضور شصت مجتهد جامع الشرائط در یک مجالس علمی
۵۹۰	.....	جمعیت حوزه علمیه اصفهان در زمان علامه مجلسی
۵۹۱	.....	انتشار بسیار گسترده صحیفه سجادیه از اصفهان، با عنایت امام زمان (عج)
۵۹۴	.....	قاضی امیر حسین اصفهانی و آشنایی با فقه اُرضا علیه السلام
۵۹۵	.....	حادثه ای شگفت ، و کشف حقیقتی ارزشمند درباره فقه اُرضا علیه السلام
۵۹۶	.....	انتشار وسیع کتاب فقه اُرضا علیه السلام از اصفهان، و نقش مجلسین
۵۹۶	.....	حوزه علمیه اصفهان و تلاش برای حفظ میراثهای علمی
۵۹۷	.....	نمونه ای جالب
۵۹۷	.....	شهرت مختصر برای طلاب حوزه علمیه، مانع رشد علمی و اجتماعی آنها نمی شود
۵۹۹	.....	۱۱- اصفهان، خاستگاه و محل پرورش چهره های بزرگ مرجعیت و زعامت علمی و دینی جهان تشیع
۵۹۹	.....	اشاره
۶۰۲	.....	اصفهان خاستگاه و محل پرورش چهره های بزرگ مرجعیت و زعامت علمی و دینی جهان تشیع
۶۰۲	.....	۱- وحید اصفهانی ، مشهور به بهمنی(استاد الكل)
۶۰۹	.....	داستانهایی جالب و شیرین
۶۱۴	.....	۲- آیه الله العظمی ، آقا شیخ محمد حسین اصفهانی(صاحب فصول)
۶۱۶	.....	۳- صاحب جواهر الکلام(فقیه نامدار شیعه)
۶۱۹	.....	۴- میرزای بزرگ شیرازی(امام مجتهد)
۶۲۲	.....	انگیزه هجرت میرزای شیرازی به اصفهان، واسانید او
۶۲۵	.....	۵- آیه الله، آقا سید محمد فشارکی
۶۲۶	.....	۶- آیه الله العظمی ، آقا سید محمد کاظم یزدی
۶۲۹	.....	۷- آیه الله العظمی ، شیخ الشریعه اصفهانی
۶۳۰	.....	۸- آیه الله العظمی نائینی
۶۳۲	.....	۹- آیه الله العظمی ، آقا شیخ محمد حسین اصفهانی
۶۳۴	.....	۱۰- آیه الله العظمی ، آقا سید أبو الحسن اصفهانی
۶۳۷	.....	۱۱- آیه الله العظمی بروجردی
۶۴۰	.....	۱۲- آیه الله العظمی خوانساری
۶۴۳	.....	۱۲- چهره های علمی اصفهان در دوره اخیر
۶۴۳	.....	اشاره
۶۴۵	.....	چهره های علمی اصفهان در دوره اخیر

۶۴۵	۱- آیه الله العظمیٰ بیهقانی
۶۴۷	۲- آیه الله شهید شمس آبادی
۶۴۹	۳- آیه الله خراسانی
۶۴۹	۴- آیه الله خادمی
۶۵۰	۵- آیه الله لنکرانی
۶۵۱	۶- آیه الله فیاض
۶۵۲	۷- آیه الله علامه فانی
۶۵۴	۸- آیه الله مهدوی هریستانی
۶۵۵	۹- آیه الله طیب
۶۵۷	۱۰- آیه الله ادیب
۶۵۹	۱۱- آیه الله موحد لبطحی
۶۶۰	۱۲- علامه میرجهانی
۶۶۳	۱۳- آیه الله امامی
۶۶۴	۱۴- آیه الله صافی اصفهانی
۶۶۵	۱۵- آیه الله صادقی
۶۶۷	۱۶- آیه الله اردکانی
۶۶۸	چند چهره دیگر
۶۷۲	اعتذار
۶۷۳	۱۳- حوزه علمیه اصفهان و تربیت زنهاى عالمه و مجتهده
۶۷۳	اشاره
۶۷۵	حوزه علمیه اصفهان و تربیت زنهاى عالمه و مجتهده
۶۷۵	۱- دختر صاحب بن عباد
۶۷۶	۲- آمنه بنت عباد
۶۷۶	۳- آمنه بنت عبد الکریم
۶۷۷	۴- همسر شیخ بهائی
۶۷۷	۹ تا ۱۰- چند بانوی دانشمند از خاندان مجلسی
۶۷۷	الف- آمنه بنت المجلسی
۶۷۸	ب- زینب بیگم
۶۷۸	ج- مریم بیگم
۶۷۸	د- دختر ملا عزیز الله مجلسی
۶۷۹	ه- مادر میرزا حیدرعلی ، دختر آقا بزرگ مازندرانی
۶۷۹	۱۰- حمیده رویدشتی اصفهانی
۶۸۰	۱۱- فاطمه رویدشتی
۶۸۰	۱۲- خواهر ملا رحیم
۶۸۰	۱۳- شهربانو
۶۸۰	۱۴- مریم بیگم
۶۸۱	۱۵- آغا سلطان
۶۸۱	۱۶- سلطان بیگم
۶۸۱	۱۷- نسیم خاتون
۶۸۲	۱۸- فاطمه بیگم
۶۸۲	۱۹- بانو عفت لڑمان امین

۶۸۳	.....	۲۰- بانوی مجتهدة ایرانی
۶۸۳	.....	شخصیت و روش و آثار بانوی امین ایرانی
۶۸۵	.....	بانوی ایرانی از دیدگاه فقهاء و اعلام دین
۶۸۹	.....	خلاصه ای از صفات و روحیات بانوی امین
۶۹۱	.....	جمله های برجسته و راهگشا، از بانوی مجتهدة امین
۶۹۴	.....	ملاقات علمای بزرگ ، با ، بانوی ایرانی
۶۹۴	.....	تألیفات بانوی ایرانی
۶۹۵	.....	بانوی امین، از مشایخ اجازه حدیث
۶۹۶	.....	مکتب فاطمه علیها السلام ، از آثار بانوی ایرانی
۶۹۷	.....	دعوت رسمی برای همکاری
۶۹۷	.....	سروده های شعراء ، درباره بانوی امین
۷۰۳	.....	شخصیت بانوی ایرانی ، در منابع و مآخذ گوناگون
۷۰۵	.....	باتوان دانشمند ، در دوره معاصر
۷۰۷	.....	فهرست مطالب
۷۲۹	.....	تشکر و قدردانی
۷۳۱	.....	جلد ۲
۷۳۱	.....	اشاره
۷۳۴	.....	۱- نقش مساجد اصفهان در فعالیتهای درسی و حوزه ای
۷۳۴	.....	اشاره
۷۳۵	.....	نقش مساجد در فعالیتهای درسی و حوزه های
۷۳۵	.....	۱- مسجد جمعه ( جامع )
۷۳۷	.....	مسجد جامع مرکز تعلیم و تربیت اسلامی
۷۳۸	.....	صفا صاحب ، محل تدریس صاحب بن عباد
۷۳۸	.....	مسجد جامع و فعالیتهای درسی علامه مجلسی و اجداد او
۷۳۹	.....	رونق علمی مسجد جامع در زمان علامه مجلسی
۷۴۰	.....	یادگاری از دوره رونق علمی مسجد جامع
۷۴۰	.....	۲- مسجد جامع جورجیر از آثار صاحب بن عباد
۷۴۱	.....	۳- مسجد جامع عباسی « مسجد امام »
۷۴۳	.....	تأسیس جامع جدید ، بر مبنای فعالیت علمی
۷۴۴	.....	چهره های از مدرّسین مسجد جامع عباسی
۷۴۶	.....	۴- مسجد شیخ لطف الله
۷۵۵	.....	وجه نامگذاری مسجد
۷۵۵	.....	ارتباط مسجد شیخ لطف الله و مدرسه خواجه ملک
۷۵۶	.....	۵- مسجد لُنبان
۷۵۷	.....	فعالیت علمی در مسجد لبنان
۷۵۸	.....	۶- مسجد علی
۷۵۹	.....	مناره مسجد علی
۷۶۰	.....	فعالیت علمی در مسجد علی
۷۶۰	.....	۷- مسجد حکیم
۷۶۱	.....	۸- مسجد سید
۷۶۵	.....	مسجد و مدرسه سید، مرکز علم و تدریس

۷۶۶	.....	۹- مسجد حاج محمد جعفر آباده ای
۷۶۷	.....	۱۰- مسجد خنایطها
۷۶۸	.....	۱۱- مسجد ایلچی
۷۷۰	.....	۱۲- مسجد نوبازار
۷۷۲	.....	۱۳- مسجد جارچی
۷۷۳	.....	۱۴- مسجد بابا محمد علی سقا ( مسجد امامی)
۷۷۵	.....	اشاره ای قابل توجه
۷۷۷	.....	۲-مدارس علمیه اصفهان ، قبل از دوره صفویه
۷۷۷	.....	اشاره
۷۷۹	.....	مدارس علمیه اصفهان قبل از دوره صفویه
۷۷۹	.....	۱- مَدْرَسِ اِبْنِ سِینَا
۷۸۰	.....	۲- مدرسه امامیه
۷۸۲	.....	۳- مدرسه اوزون حسن
۷۸۳	.....	مدرسه باباقاسم
۷۸۳	.....	۴-مدرسه باب القصر
۷۸۴	.....	۵- مدرسه باقریه دریکوشک
۷۸۷	.....	آثاری از سابقه مدرسه دریکوشک
۷۸۸	.....	مدرسه باشیر دریکوشک
۷۸۸	.....	۶- مدرسه تاج الملك
۷۸۸	.....	۷- مدرسه ترکها
۷۹۰	.....	۸- مدرسه جعفریه
۷۹۳	.....	۹-مدرسه جلال الدین منکبَرینی
۷۹۳	.....	۱۰- مدرسه جلالی
۷۹۴	.....	۱۱- مدرسه جوهان
۷۹۴	.....	خاندان بزرگ و علمی شفروه و تشیع
۷۹۵	.....	شخصیتی بزرگ و شیعه مذهب ، از خاندان شفروه
۷۹۷	.....	حادثه ای جالب ، و اشعاری بدیع ، و شور و عشقی ریشه دار
۷۹۹	.....	۱۲-مدرسه حاج حسن
۸۰۰	.....	۱۳- مدرسه خواجه صدرالدین علی طیب
۸۰۱	.....	۱۴- مدرسه دوم خواجه صدرالدین علی طیب
۸۰۱	.....	۱۵- مدرسه سوم خواجه صدر الدین علی طیب
۸۰۱	.....	۱۶- مدرسه خواجه ملک « مدرسه شیخ لطف الله »
۸۰۶	.....	سرگذشت مدرسه خواجه ملک
۸۰۷	.....	آثاری از مدرسه خواجه ملک
۸۰۸	.....	مدفن ابن سینا ، نزدیک مدرسه خواجه ملک
۸۱۰	.....	۱۷- دار التبیاده
۸۱۲	.....	مدرسه درهشت
۸۱۲	.....	۱۸-مدرسه درویشان
۸۱۲	.....	۱۹- مدرسه سلطان بخت آغا از نشانه های مهم تشیع در اصفهان
۸۱۴	.....	مدرسه در دشت ، از مدارس متعلق به شیعه است
۸۱۶	.....	۲۰- مدرسه سمیرمی

- ۸۱۶- مدرسه سلطان محمد سلجوقی
- ۸۱۷- مدرسه عظیم سید رکن الدین محمد یزدی
- ۸۲۰- مدرسه شمسیه
- ۸۲۰- مدرسه شهسپان
- ۸۲۱- مدرسه شوری
- ۸۲۲- مدرسه شیخ ابوسعود رازی
- ۸۲۳- مدرسه شیخ یوسف پناه
- ۸۲۳- مدرسه صدر منصور
- ۸۲۴- مدرسه صدریه
- ۸۲۴- مدرسه علی بن سهل بن زهر
- ۸۲۵- مدرسه فخریه
- ۸۲۶- مدرسه کران
- ۸۲۷- مدرسه مسجد جامع (جمعه)
- ۸۲۸- مدرسه ملکشاهی
- ۸۳۰- مدرسه ملکه خاتون
- ۸۳۰- مدرسه نظامیه اصفهان
- ۸۳۲- قابل توجه
- ۸۳۳- مدرسه نقاشان
- ۸۳۵- مدارس علمیه دوره صفویه که باقی مانده است
- ۸۳۵- اشاره
- ۸۳۷- مدارس علمیه اصفهان از دوره صفویه که تاکنون باقی مانده است
- ۸۳۷- مدرسه امام صادق علیه السلام
- ۸۳۷- مدرسه ابراهیم بیگ
- ۸۳۸- مدرسه أحمد آباد
- ۸۳۸- ۱-مدرسه اسماعیلیه
- ۸۳۸- ۲- مدرسه الماسیه
- ۸۴۰- آثاری از مدرسه الماسیه
- ۸۴۰- ۳- مدرسه امامزاده اسماعیل (( مدرسه ابراهیم بیگ ))
- ۸۴۴- مدرسه جده
- ۸۴۵- ۴-مدرسه جد بزرگ
- ۸۴۷- چهره های علمی مدرسه ی جده بزرگ
- ۸۵۱- آثاری از مدرسه جده بزرگ
- ۸۵۲- ۵- مدرسه جده کوچک
- ۸۵۳- چهره های علمی مدرسه ی جده کوچک
- ۸۵۴- آثاری از مدرسه جده کوچک
- ۸۵۶- ۶-مدرسه جلالت
- ۸۵۷- تعمیرات اساسی جدید مدرسه جلالیه
- ۸۵۸- ۷- مدرسه چهارباغ «مدرسه امام صادق»
- ۸۵۹- تاریخ بنای مدرسه
- ۸۶۳- راه حلی برای مشکل تفاوت در نقل
- ۸۶۴- مساحت مدرسه چهارباغ

۸۶۴	حجرات مدرسه چهارباغ
۸۶۵	وضعیت کلی و ترکیب عمومی مدرسه چهارباغ
۸۶۶	زیبائیهای مدرسه چهارباغ
۸۶۶	کتابخانه های مدرسه ، ترویجی آزارش های مکتب اهل البيت
۸۶۸	تعمیرات مدرسه چهارباغ
۸۶۸	کتابخانه مدرسه چهارباغ
۸۶۹	مجلس عظیم افتتاح مدرسه سلطانی ( چهارباغ)
۸۷۱	جمعی از بزرگان حاضر در مجلس افتتاح مدرسه
۸۷۲	مطلبی مورد توجه و قابل بررسی درباره کاروانسرای مجاور مدرسه
۸۷۳	چهره های علمی در مدرسه چهارباغ ( سلطانی)
۸۸۰	سایر مدرستین و طلاب برجسته مدرسه چهارباغ
۸۸۱	آثاری از فعالیت علمی در مدرسه چهارباغ
۸۸۲	وضعیت کنونی مدرسه چهارباغ از نظر درسی
۸۸۲	مدرسه سلطانی
۸۸۲	۸- مدرسه حاج شیخ محمد علی
۸۸۳	نمونه ای از مدرستین مدرسه حاج شیخ محمد علی
۸۸۵	مدرسه حکیمیه
۸۸۵	مدرسه حوایبگم
۸۸۵	۹- مدرسه خالصیه
۸۸۶	دو سنگ نوشته تاریخی ، در رابطه با مدرسه
۸۸۷	تجدید بنای مدرسه خالصیه
۸۸۸	سید نعمت الله جزائری ، اولین مدرّس مدرسه خالصیه
۸۹۰	جلسات بحث علمی در مدرسه خالصیه
۸۹۱	۱۰- مدرسه ذوالفقار
۸۹۳	تجدید بنای مدرسه ذوالفقار
۸۹۴	برنامه مفصل و گسترده مدرسه ذوالفقار
۸۹۶	مدرستین مدرسه ذوالفقار
۸۹۸	۱۱- مدرسه رفیعہ سلیمانیه
۹۰۰	۱۲ - مدرسه سارو تقي « مدرسه آقا شیخ محمد علی »
۹۰۰	مدرسه سلطانی چهارباغ
۹۰۱	۱۳ - مدرسه سلیمانیه
۹۰۲	مدرسه سید جزائری
۹۰۲	۱۴- مدرسه شیعیه دردشت
۹۰۴	داستانی عجیب و معجزه ای بزرگ
۹۰۵	آثاری از فعالیت علمی در مدرسه شیعیه
۹۰۶	۱۵ - مدرسه عربان « مدرسه آیه الله خادمی »
۹۰۷	تجدید بنای مدرسه
۹۰۸	علماء و مدرستین مدرسه آیه الله خادمی
۹۰۹	۱۶- مدرسه و مسجد علیقلی آقا
۹۱۱	۱۷- مدرسه کاسه گران
۹۱۳	علماء ومدرستین در مدرسه کاسه گران





۹۶۴	مدرسة اسماعيلية تخت فولاد
۹۶۴	۸- مدرسة افتخار الملك
۹۶۵	مدرسة أفندی
۹۶۵	۹- مدرسة ايلچی
۹۶۵	۱۰- مدرسة باغ سهيل
۹۶۶	۱۱- مدرسة بريخان خانم
۹۶۶	مدرسة توشمال باشی
۹۶۶	۱۲- مدرس حاج طاهر شيرازی
۹۶۷	مدرسة حاج عبد الغفار صراف
۹۶۷	۱۳- مدرسة حاجي محمّد باقر
۹۶۸	۱۴- مدرسة حکمتيه
۹۶۸	۱۵- مدرسة حکيم
۹۶۹	۱۶- مدرسة خاتون آبادی ( اسماعيليه ) در تخت فولاد
۹۷۰	۱۷- مدرسة خارج دروازه حسن آباد
۹۷۰	۱۸- مدرسة خرابه
۹۷۱	۱۹- مدرسة خليفه سلطان
۹۷۲	۲۰- مدرسة خواجه محبت «خواجه مُحب» محبتيه»
۹۷۳	مدرسة خواجه مُحب
۹۷۳	مدرسة خواجه محزم
۹۷۳	۲۱- مدرسة دارالبطيخ
۹۷۴	۲۲- مدرسة دارالشفاء
۹۷۵	۲۳- مدرسة دار العلم
۹۷۵	۲۴- مدرسة دده خاتون
۹۷۶	۲۵- مدرسة زهراء بيگم
۹۷۶	۲۶- مدرسة زينب بيگم
۹۷۷	مدرسة سعيديه
۹۷۷	۲۷- مدرسة شاه «مدرسة مسجد جامع عباسي»
۹۷۸	چهره های علمی مدرسة مسجد جامع عباسي
۹۸۰	۲۸- مدرسة شاهپوريه
۹۸۰	۲۹- مدرسة شاهزاده ها «مدرسة حکيم»
۹۸۲	۳۰- مدرسة شاه طهماسب
۹۸۲	۳۱- مدرسة شاه عباس
۹۸۴	۳۲- مدرسة شيعية أحمد آباد
۹۸۵	۳۳- مدرسة شمس آباد
۹۸۶	۳۴- مدرسة شهرستان
۹۸۶	۳۵- مدرسة شيخ الإسلام
۹۸۷	۳۶- مدرسة شيخ بهائي
۹۸۸	۳۷- مدرسة شيخ عليخان زنگنه
۹۸۸	۳۸- مدرسة شيخ لطف الله
۹۸۹	۳۹- مدرسة صدر أعظم
۹۸۹	مدرسة صدر عائنه

- ۴۰ - مدرسه صفویه «صفوی» ..... ۹۹۰
- ۴۱ - مدرسه عباس آباد ..... ۹۹۲
- ۴۲ - مدرسه عیدیه ( سعیدیه) ..... ۹۹۲
- ۴۳ - مدرسه فاضل هندی ..... ۹۹۳
- ۴۴ - مدرسه فاطمیه ..... ۹۹۳
- ۴۵ - مدرسه قاسمیه هاشمیه ..... ۹۹۴
- ۴۶ - مدرسه قرچقای بیک یا مدرسه کلیاسی ..... ۹۹۴
- ۴۷ - مدرسه قطبیه ..... ۹۹۶
- ۴۸ - ۴۹ - ۵۰ - مدرسه های قیصریه کهنه و کوچه عربان ..... ۹۹۷
- ۵۱ - مدرسه کیشه ..... ۹۹۸
- ۵۲ - مدرسه کمرزین ..... ۹۹۸
- ۵۳ - مدرسه کوچک، در محله سر نیم آورد ..... ۹۹۹
- مدرسه کوچه عربان ..... ۱۰۰۰
- مدرسه کوچه کلیاسی «مدرسه کلیاسی» ..... ۱۰۰۰
- ۵۴ - مدرسه گچ کُنان ..... ۱۰۰۰
- ۵۵ - مدرسه مادر شاه ..... ۱۰۰۱
- ۵۶ - مدرسه مبارکه ..... ۱۰۰۲
- مدرسه مبارکته ..... ۱۰۰۲
- مدرسه محتبیه ..... ۱۰۰۲
- ۵۷ - مدرسه محرمه ..... ۱۰۰۲
- ۵۸ - مدرسه محمد صالح بیک ..... ۱۰۰۳
- ۵۹ - مدرسه مرتضویه ..... ۱۰۰۳
- ۶۰ - مدرسه مریم بیگم ..... ۱۰۰۳
- مدرسه مسجد شاه ..... ۱۰۰۶
- ۶۱ - مدرسه مشعلدار باشی ..... ۱۰۰۷
- ۶۲ - مدرسه مقصود عشار ..... ۱۰۰۷
- ۶۳ - مدرسه مقصودیه ناظرته ..... ۱۰۰۷
- ۶۴ - مدرسه میرزاخان ..... ۱۰۰۸
- ۶۵ - مدرسه و مسجد میرزا رضی ..... ۱۰۰۸
- شخصیتی عجیب و شگفتی آفرین ..... ۱۰۰۹
- ۶۶ - مدرسه میرزا عبد الله أفندی ..... ۱۰۱۱
- ۶۷ - مدرسه میرزا قاضی ..... ۱۰۱۲
- مدرسه ناظرته ..... ۱۰۱۲
- ۶۸ - مدرسه نجفقلی بیک ..... ۱۰۱۲
- ۶۹ - مدرسه نجفیه ، معروف به مدرسه نوشمال باشی ..... ۱۰۱۳
- ۷۰ - مدرسه نزدیک مسجد لبنان ..... ۱۰۱۳
- ۷۱ - مدرسه نواب ..... ۱۰۱۳
- ۷۲ - مدرسه وزیر «مدرسه صدر عاتمه» ..... ۱۰۱۴
- مدرسه هاشمیه قاسمیه ..... ۱۰۱۴
- هفت مدرسه خواجو ..... ۱۰۱۴
- هفت مدرسه ، دنبال نهر فرشادی ..... ۱۰۱۵

۱۰۱۸	.....	مدرسه علمیه اصفهان پس از دوره صفویه تاکنون
۱۰۱۸	.....	اشاره
۱۰۲۰	.....	مدرسه علمیه اصفهان پس از دوره صفویه تاکنون
۱۰۲۱	.....	۱- مدرسه الغدير
۱۰۲۲	.....	نامگذاری مدرسه
۱۰۲۳	.....	۲- مدرسه أمير المؤمنين علي عليه السلام
۱۰۲۳	.....	مدرسه أمين التوله
۱۰۲۳	.....	۳- مدرسه علمیه باقر العلوم عليه السلام
۱۰۲۴	.....	۴- مدرسه با قلعه «مدرسه صدر باقلعه»
۱۰۲۵	.....	۵- مدرسه جواديه
۱۰۲۶	.....	۶- مدرسه ركن الملک
۱۰۲۸	.....	مدرسه سيد العراقين
۱۰۲۸	.....	۷- مدرسه بزرگ صدر «مدرسه صدرته»
۱۰۲۹	.....	تأسیس و بنای مدرسه صدر و مؤسس آن
۱۰۳۱	.....	اقدامات تکمیلی و نماسازی مدرسه بعد از فوت مرحوم صدر
۱۰۳۳	.....	تعمیرات گسترده و کاشی کاری مدرسه صدر
۱۰۳۴	.....	تعمیرات اساسی و نوسازی های دوره معاصر
۱۰۳۵	.....	نکاتی که از وقفنامه مدرسه صدر استفاده می شود
۱۰۳۶	.....	مدرسه صدر، مرکز تدریس و تحصیل مجتهدین بزرگ
۱۰۴۹	.....	دیگر مدرّسین مدرسه صدر
۱۰۴۹	.....	مدرسه صدر باقلعه
۱۰۴۹	.....	۸- مدرسه صدر چهارباغ خواجه
۱۰۵۲	.....	۹- مدرسه محمودیه
۱۰۵۳	.....	۱۰- مدرسه مسجد رحيم خان
۱۰۵۴	.....	۱۱- مدرسه میرزا مهدی
۱۰۵۵	.....	چهره های علمی مدرسه میرزا مهدی
۱۰۵۸	.....	۶- مدارس علمیه اصفهان ، مخصوص بانوان
۱۰۵۸	.....	اشاره
۱۰۶۰	.....	مراکز تحصیل علوم دینیّه برای طبقه نسوان
۱۰۶۰	.....	مکتب فاطمه علیها السلام
۱۰۶۲	.....	مکتب حضرت زینب علیها السلام
۱۰۶۳	.....	مدرسه الزهراء علیها السلام
۱۰۶۴	.....	مدرسه التقيسه علیها السلام
۱۰۶۵	.....	مدرسه کتابخانه أميرالمؤمنين عليه السلام
۱۰۶۶	.....	۷- کتابخانه های اصفهان ، در دوره های گوناگون
۱۰۶۶	.....	اشاره
۱۰۶۸	.....	کتابخانه های اصفهان
۱۰۶۸	.....	کتابخانه های اصفهان در دوره های قبل از صفویه
۱۰۶۸	.....	۱- کتابخانه عظیم إسماعيل بن عتّاد
۱۰۶۹	.....	۲- کتابخانه بزرگ مسجد جامع
۱۰۷۰	.....	۳- کتابخانه شيخ أبوسعود

- ۴- کتابخانه مدرسه حاج حسن ..... ۱۰۷۰
- ۵- کتابخانه نظامیه اصفهان ..... ۱۰۷۱
- ۶- کتابخانه خاندان خجندیان «آل خجند» ..... ۱۰۷۱
- ۷- کتابخانه مدرسه بابا قاسم ..... ۱۰۷۱
- ۸- کتابخانه مدرسه سلطان بخت آغا ..... ۱۰۷۱
- کتابخانه های اصفهان در دوره صفویه ..... ۱۰۷۲
- ۱- کتابخانه شیخ علی منشار عاملی ..... ۱۰۷۲
- ۲- کتابخانه شیخ بهائی ..... ۱۰۷۲
- ۳- کتابخانه میرداماد ..... ۱۰۷۳
- ۴- کتابخانه مدرسه ملا عبد الله ..... ۱۰۷۳
- ۵- کتابخانه ابن خاتون ..... ۱۰۷۳
- ۶ و ۷- کتابخانه های محقق سبزواری و میرفندرسکی ..... ۱۰۷۴
- ۸- کتابخانه فیض کاشانی ..... ۱۰۷۴
- ۹- کتابخانه خاندان خوانساری ..... ۱۰۷۵
- ۱۰- کتابخانه خاندان خاتون آبادی ..... ۱۰۷۵
- ۱۱- کتابخانه صفویه ..... ۱۰۷۵
- ۱۲- کتابخانه محمد مقیم ..... ۱۰۷۶
- ۱۳- کتابخانه میرفندرسکی ..... ۱۰۷۶
- ۱۴- کتابخانه میرزا عنایت الله اصفهانی ..... ۱۰۷۶
- ۱۵- کتابخانه علامه مجلسی، پر برکت ترین کتابخانه های اصفهان ..... ۱۰۷۷
- ۱۶- کتابخانه شیخ أبو طالب زاهدی ..... ۱۰۷۸
- ۱۷- کتابخانه ملا عبد الله آفندی ..... ۱۰۷۹
- ۱۸- کتابخانه حزین لاهیجی ..... ۱۰۸۰
- ۱۹- کتابخانه مدرسه چهارباغ ..... ۱۰۸۰
- ۲۰- کتابخانه مدرسه آقا کمال خازن ..... ۱۰۸۱
- ۲۱- کتابخانه مدرسه ایلچی ..... ۱۰۸۱
- ۲۲- کتابخانه نائب الصدر ..... ۱۰۸۲
- ۲۳- تا ... ..... ۱۰۸۲
- کتابخانه های اصفهان، بعد از دوره صفویه ..... ۱۰۸۳
- ۱- کتابخانه عظیم سید شفتی ..... ۱۰۸۵
- ۲- کتابخانه خاندان قزوینی ..... ۱۰۸۶
- ۳- کتابخانه خاندان خوانساری «روضانی» ..... ۱۰۸۶
- ۴- کتابخانه حاج میرزا محمد هاشم چهارسوقی ..... ۱۰۸۷
- ۵- کتابخانه امام جمعه ها ..... ۱۰۸۸
- ۶- کتابخانه آخوند ملا حسین ..... ۱۰۸۸
- ۷- کتابخانه ملا باشی ..... ۱۰۸۸
- ۸ و ۹- کتابخانه مدرسه یا قلعه و مدرسه رکن الملك ..... ۱۰۸۸
- ۱۰- کتابخانه متجم باشی ..... ۱۰۸۹
- ۱۱- کتابخانه حکیم نجم اصفهانی ..... ۱۰۸۹
- ۱۲- کتابخانه مستوفی ..... ۱۰۸۹
- ۱۳- کتابخانه حاج آقا میرالدین ..... ۱۰۸۹

- ۱۴- کتابخانه حاج میرزا أبو الهدی کلیاسی ..... ۱۰۹۰
- ۱۵ - کتابخانه آقا شیخ محمد رضا نجفی ..... ۱۰۹۰
- ۱۶- کتابخانه بیان الواعظین ..... ۱۰۹۰
- ۱۷ - کتابخانه حاج سید علی نجف آبادی ..... ۱۰۹۰
- ۱۸ - کتابخانه کلیاسی ..... ۱۰۹۱
- ۱۹ - کتابخانه الفت ..... ۱۰۹۱
- ۲۰ - کتابخانه صدر هاشمی ..... ۱۰۹۲
- ۲۱ - کتابخانه مرحوم مقدس ..... ۱۰۹۲
- ۲۲ - کتابخانه حاج شیخ کرمانی ..... ۱۰۹۲
- ۲۳ - کتابخانه طبیب زاده ..... ۱۰۹۳
- ۲۴ - کتابخانه سید العراقین ..... ۱۰۹۳
- ۲۵ - کتابخانه کتابی ..... ۱۰۹۳
- ۲۶ - کتابخانه مدرسه صدر ..... ۱۰۹۳
- ۲۷ - کتابخانه معلم حبیب آبادی ..... ۱۰۹۴
- ۲۸ - کتابخانه آیه الله خادمی ..... ۱۰۹۴
- ۲۹ تا ۳۴ - شش کتابخانه ، در شش مدرسه ..... ۱۰۹۴
- ۳۵ - کتابخانه عمومی الزهرا عليها السلام ..... ۱۰۹۵
- ۳۶ - کتابخانه عمومی امیر المؤمنین علیه السلام ..... ۱۰۹۶
- ۳۷-کتابخانه مرقد مطهر علامه مجلسی ..... ۱۰۹۶
- ۳۸ - کتابخانه مدرسه ذوالفقار ..... ۱۰۹۷
- سایر کتابخانه ها ..... ۱۰۹۷
- کتابخانه های دانشگاه اصفهان ..... ۱۰۹۷
- ۱- کتابخانه مرکزی دانشگاه اصفهان ..... ۱۰۹۸
- ۲- کتابخانه دانشکده ادبیات و علوم انسانی ..... ۱۰۹۹
- ۳- کتابخانه دانشکده زبانهای خارجی ..... ۱۱۰۰
- ۴- کتابخانه دانشکده علوم ..... ۱۱۰۰
- ۵- کتابخانه دانشکده علوم اداری و اقتصاد ..... ۱۱۰۰
- ۶- کتابخانه دانشکده علوم تربیتی ..... ۱۱۰۰
- سایر کتابخانه های دانشگاه اصفهان ..... ۱۱۰۱
- کتابخانه های اداره ارشاد اسلامی و شهرداری و مراکز فرهنگی و خیریه ای ..... ۱۱۰۱
- ۱- کتابخانه تخصصی دارالقرآن الکریم ..... ۱۱۰۲
- ۲- کتابخانه عمومی مجتمع فاطمیة عليها السلام ..... ۱۱۰۲
- ۳- کتابخانه عمومی حضرت ولین عصر «عج» ..... ۱۱۰۲
- ۴- کتابخانه عمومی این مسکوبه ..... ۱۱۰۲
- ۵- کتابخانه عمومی ابوالفرج اصفهانی ..... ۱۱۰۲
- ۶- کتابخانه عمومی ارشاد ..... ۱۱۰۲
- ۷- کتابخانه بنیاد فرهنگی امیرقلی آمینی ..... ۱۱۰۳
- ۸- کتابخانه عمومی توحید ..... ۱۱۰۳
- ۹- کتابخانه عمومی جلال الدین همایی ..... ۱۱۰۳
- ۱۰- کتابخانه تخصصی امیرالمؤمنین علیه السلام ..... ۱۱۰۳
- ۱۱-کتابخانه عمومی علامه امینی ..... ۱۱۰۳

- ۱۲ - کتابخانه خانه کودک و نوجوان باغ غدیر ..... ۱۱۰۳
- ۱۳ - کتابخانه عمومی راغب اصفهانی ..... ۱۱۰۴
- ۱۴ - کتابخانه عمومی صائب ..... ۱۱۰۴
- ۱۵ - کتابخانه عمومی طغرانی اصفهانی ..... ۱۱۰۴
- ۱۶ - کتابخانه عمومی قدس ..... ۱۱۰۴
- ۱۷ تا ۲۲ - کتابخانه های کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان ..... ۱۱۰۴
- ۲۳ - کتابخانه تخصصی مرکز مطالعات ملل و نخل ..... ۱۱۰۵
- ۲۴ - کتابخانه عمومی شهید مفتح ..... ۱۱۰۵
- ۲۵ - کتابخانه عمومی میرداماد ..... ۱۱۰۵
- ۸- بقعه ها و مقبره ها ، نشانی از عظمت علمی اصفهان ..... ۱۱۰۷
- اشاره ..... ۱۱۰۷
- بقعه ها و مقبره ها ، نشانی از عظمت علمی اصفهان ..... ۱۱۰۹
- ۱- مزار عالم محدث ، امامزاده اسماعیل علیه السلام ..... ۱۱۰۹
- ۲- بقعه صاحب بن عباد ..... ۱۱۱۱
- چگونگی بقعه صاحب ابن عباد در حال حاضر ..... ۱۱۱۲
- اشاره ای به شخصیت علمی و اجتماعی صاحب ..... ۱۱۱۲
- مرقد آیه الله ادیب در جوار صاحب بن عباد ..... ۱۱۱۴
- ۳- مقبره خاندان نژاده «آل ترکه» ..... ۱۱۱۴
- ۴- مرقد ملا تاجا ..... ۱۱۱۵
- ۵- مزار دو عالم شهید ، سید جعفر و سید مرتضی «جعفریه» ..... ۱۱۱۵
- صلوات بر چهارده معصوم ، بالای در ورودی جعفریه ، نشانه سابقه تشیع اصفهان ..... ۱۱۱۷
- ۶- بقعه آقا سید مرتضی ..... ۱۱۱۸
- دفن بانویی صالحه ، و رونق و تعمیر جعفریه ..... ۱۱۱۹
- دفن عالمی بزرگ و شایسته ..... ۱۱۲۰
- ۷- بقعه عالم شهید ، سید علاء الدین محمّد «شهشهان» ..... ۱۱۲۰
- ۸- مقبره یا بقعه علامه مجلسی ..... ۱۱۲۱
- قبرهای تازه در بقعه علامه مجلسی ..... ۱۱۲۶
- ۱- مرحوم آیه الله طبیب زاده ..... ۱۱۲۶
- ۲- آیه الله میر جهانی ..... ۱۱۲۸
- ۳- آیه الله صافی اصفهانی ..... ۱۱۲۸
- مدفن خیر آندیشی آرزومند ، در بقعه علامه مجلسی ..... ۱۱۲۹
- ۹- سر قبر آقا ..... ۱۱۳۱
- ۱۰- مقبره حاجی کلیبسی ..... ۱۱۳۲
- ۱۱- بقعه و مقبره سید شفتی ..... ۱۱۳۴
- ۱۲- بقعه آقا سید حسن مدرّس ..... ۱۱۳۶
- ۱۳- مقبره و بقعه آقا نجفی ..... ۱۱۳۸
- ۱۴- زینبیه ..... ۱۱۴۰
- سایر بقاع علمی اصفهان ..... ۱۱۴۰
- تخت فولاد، نمایانگر عظمت علمی اصفهان ..... ۱۱۴۱
- تخت فولاد، یاد آور چهره های درخشان ..... ۱۱۴۲
- تاریخچه گورستان تخت فولاد، و دفن اموات در آن ..... ۱۱۴۳

- ۱۱۴۴- ..... اهمیت معنوی و تاریخی گورستان تخت فولاد
- ۱۱۴۵- ..... لسان الأرض ، نشانه ای تاریخی و معنوی ، در تخت فولاد
- ۱۱۴۶- ..... قبر حضرت یوشع علیه السلام ، نشانه ای تاریخی و معنوی برای تخت فولاد و لسان الأرض
- ۱۱۴۶- ..... تخت فولاد ، محلّ عبادت و تحصیل علم
- ۱۱۴۷- ..... تهاجمی بی رحمانه و جاهلانه ، و دفاعی آگاهانه و دلسوزانه
- ۱۱۴۸- ..... ساماندهی تکیه ها و بقعه های تخت فولاد
- ۱۱۴۹- ..... آسناد تاریخی و به یاد ماندنی
- ۱۱۵۰- ..... متن فتوای آیه الله العظمی گلپایگانی
- ۱۱۵۱- ..... مقاله کیهان فرهنگی
- ۱۱۵۳- ..... متن نامه و طومار مردم منتدین اصفهان
- ۱۱۵۵- ..... اشاره ای به تکیه ها و بقعه ها و مساجد و مدارس تخت فولاد
- ۱۱۵۷- ..... ۱- تکیه اباده ای «حاج محمّد جعفر»
- ۱۱۵۸- ..... ۲- تکیه و بقعه آقا حسین خوانساری «بقعه العلماء»
- ۱۱۶۰- ..... تعمیر و ساماندهی تکیه و بقعه خوانساری
- ۱۱۶۰- ..... ۳- تکیه آقارضا «تکیه سادات»
- ۱۱۶۲- ..... کرامتی جالب
- ۱۱۶۳- ..... ۴- تکیه آقا سید ابوجعفر
- ۱۱۶۵- ..... ۵- تکیه آقا شیخ محمّد تقی رازی «تکیه مادر شاهزاده»
- ۱۱۶۸- ..... ۶- بقعه آقا محمّد بیدآبادی
- ۱۱۷۰- ..... ۷- تکیه آقا میرزا ابوالمعالی کلباسی
- ۱۱۷۱- ..... ۸- تکیه آقا میرزا محمّد باقر «صاحب روضات»
- ۱۱۷۳- ..... ۹- بقعه امین «بانوی ایرانی»
- ۱۱۷۴- ..... ۱۰- بقعه و تکیه بابا رکن الدین
- ۱۱۷۶- ..... ۱۱- تکیه بروجردی «تکیه در بکوشکها»
- ۱۱۷۸- ..... ۱۲- تکیه نویسرکانی
- ۱۱۷۹- ..... ۱۳- تکیه جهانگیرخان قشقایی «تکیه آقا سید محمّد ترک»
- ۱۱۸۰- ..... ۱۴- تکیه خاتون آبادی
- ۱۱۸۱- ..... ۱۵- بقعه و مدرسه و مسجد رکن الملک
- ۱۱۸۲- ..... ۱۶- تکیه ریزی
- ۱۱۸۳- ..... ۱۷- مقبره سادات أحمد آبادی «مزار صاحب مکیال المکارم»
- ۱۱۸۶- ..... ۱۸- تکیه سید العراقین
- ۱۱۸۸- ..... ۱۹- بقعه آیه الله شهید شمس آبادی، و تکیه شهداء
- ۱۱۸۹- ..... ۲۰- تکیه شهشهایی
- ۱۱۹۱- ..... قبرستان عمومی تخت فولاد
- ۱۱۹۱- ..... بخش شرقی قبرستان عمومی
- ۱۱۹۱- ..... ۲۱- مزار ملا اسماعیل خواجویی
- ۱۱۹۲- ..... ۲۲- مرقد مطهر فاضل اصفهانی «هندی»
- ۱۱۹۳- ..... قبر فاضلان
- ۱۱۹۴- ..... تأسیس بقعه فاضل هندی
- ۱۱۹۵- ..... ۲۳- تکیه فاضل سراب «تکیه جویباره ای»
- ۱۱۹۶- ..... ۲۴- تکیه کارزونی و دو بقعه علمی آن



۱۱۹۶	ألف : بقعة آیه الله درجه ای و آخوند گزی و...
۱۱۹۸	ب : بقعة آیه الله صدیقین
۱۲۰۰	حکیم أردستانی
۱۲۰۱	۲۵- لسان الأرض
۱۲۰۲	۲۶- تکیه مقدس
۱۲۰۲	۲۷- تکیه ملک
۱۲۰۴	توضیح:
۱۲۰۵	۲۸- تکیه میر
۱۲۰۶	۲۹- تکیه و بقعة میرزا رفیعی نائینی
۱۲۰۷	۳۰- بقعه و تکیه میر محمد صادقی
۱۲۰۸	۳۱- تکیه و بقعة واله
۱۲۰۹	پایان بخش مطالب
۱۲۱۱	۹- علم طب، و چهره های آن ، در حوزه علمیه اصفهان
۱۲۱۱	اشاره
۱۲۱۳	علم طب ، و چهره های آن ، در حوزه علمیه اصفهان
۱۲۱۳	۱- این مثنوی ، طیب اصفهانی
۱۲۱۴	۲- أبو الفرج اصفهانی
۱۲۱۵	۳- عبد الرحیم بن علی ... اصفهانی
۱۲۱۵	۴- این مسکوئه ... رازی اصفهانی
۱۲۱۶	۵- أبوعلی سینا، طیب نامدار اسلامی
۱۲۱۶	۶- حکیم أبوالقاسم ، طیب اصفهانی
۱۲۱۷	۷- محمد بن عبد الله اصفهانی «طیب»
۱۲۱۷	۸- میرزا شریف حکیم اصفهانی
۱۲۱۸	۹- میرزا هدایت الله طیب اصفهانی
۱۲۱۸	۱۰- محمد سعید بن محمد صادق طیب اصفهانی
۱۲۱۸	۱۱- ذو التون طیب اصفهانی
۱۲۱۹	۱۲- میرزا حسین طیب
۱۲۱۹	۱۳- شرف الدین حسن «حکیم شفائی»
۱۲۲۰	۱۴- میر محمد مؤمن تکابنی اصفهانی
۱۲۲۱	۱۵- میرزا عبدالرزاق طیب اصفهانی
۱۲۲۱	۱۶- ملا جلال الدین محمد طیب
۱۲۲۲	۱۷- سید هاشم طیب
۱۲۲۲	۱۸ تا ۲۰ - سید عبد الباقي طیب و خاندان علمی او
۱۲۲۴	۲۱- میرزا نصیر طیب اصفهانی شیرازی
۱۲۲۶	آثار تألیفی میرزا نصیر
۱۲۲۶	۲۲- جلال الدین محمد طیب
۱۲۲۷	۲۳- میرزا رضا طیب
۱۲۲۷	۲۴- میرزا أبو الحسن طیب
۱۲۲۷	۲۵- میرزا محمد طیب
۱۲۲۸	۲۶- میرزا محمد بن أحمد طیب
۱۲۲۸	۲۷- میرزا زین العابدین طیب

- ۱۳۲۸ - میرزا مهدی طبیب
- ۱۳۲۸ تا ۲۱ - میرزا محمّد باقر حکیم باشی و چند چهره از خاندان علمی او در طب
- ۱۳۳۰ - سید علی اکبر صدر الأقطاء
- ۱۳۳۰ - میرزا محمّد حسین طبیب
- ۱۳۳۰ - سید عبد الوهاب «معین الأقطاء»
- ۱۳۳۱ و ۳۶ - سید مصطفی «مؤتد الأقطاء» و پدر او
- ۱۳۳۱ - میرزا محمّد طبیب اصفهانی محلّه نوی
- ۱۳۳۲ - میرزا ابوالقاسم طبیب اصفهانی
- ۱۳۳۳ - حاج میرزا علی آقا شیرازی اصفهانی
- ۱۳۳۴ - طبیب جامع ، آیه الله موحد ابطحی، آخرین چهره علمی طب قدیم در اصفهان
- ۱۳۳۷ - حوزه ها و مدارس علمیه ، در توابع اصفهان
- ۱۳۳۷ - اشاره
- ۱۳۳۹ - حوزه ها و مدارس علمیه در دیگر شهرهای استان اصفهان
- ۱۳۳۹ - ۱ - اردستان
- ۱۳۴۰ - مسجد امام حسن علیه السلام در اردستان
- ۱۳۴۰ - امامزاده های متعدّد، و جلوه های علم و تشیع در اردستان
- ۱۳۴۱ - مدارس علمیه اردستان
- ۱۳۴۱ - الف - مدرسه حاج حسین نورالدین
- ۱۳۴۲ - ب - مدرسه طاهرته
- ۱۳۴۲ - ج - مدرسه علمیه جدید التّاسیس
- ۱۳۴۳ - کچو متقال
- ۱۳۴۳ - مدرسه علمیه حاج میرزا علی
- ۱۳۴۴ - مهر آباد
- ۱۳۴۵ - ۲ - بوده «فوده»
- ۱۳۴۵ - ۳ - خاتون آباد
- ۱۳۴۶ - مدرسه علمیه خاتون آباد
- ۱۳۴۶ - ۴ - خمینی شهر
- ۱۳۴۸ - مدارس علمیه خمینی شهر
- ۱۳۴۸ - الف - مدرسه علمیه مشکوه
- ۱۳۴۸ - ب - مدرسه علمیه امامیه
- ۱۳۴۹ - ج - مدرسه حضرت حجه «عج»
- ۱۳۴۹ - د - مدرسه باقر العلوم علیه السلام
- ۱۳۴۹ - ۵ - خوانسار
- ۱۳۵۰ - خاندانهای علمی خوانسار
- ۱۳۵۱ - چهره های بزرگ علمی برخاسته از خوانسار
- ۱۳۵۴ - مدارس علمیه خوانسار
- ۱۳۵۴ - الف - مدرسه علمیه مریم بیگم
- ۱۳۵۵ - ب - مدرسه علمیه میرباقری
- ۱۳۵۶ - ج - مدرسه عظیم ولی عصر «عج»
- ۱۳۵۶ - حوزه علمیه ولی عصر «عج» خوانسار
- ۱۳۵۸ - خانه های علماء ، مدرسه های پربرکت

۱۳۵۹	کتابخانه فاضل
۱۳۵۹	۶- خوراسگان
۱۳۶۰	مدرسه علمیه امام صادق علیه السلام
۱۳۶۱	مدرسه علمیه خواران
۱۳۶۱	کتابخانه امامزاده ابوالعباس علیه السلام
۱۳۶۱	۷- داران
۱۳۶۲	۸- دُرُجِه
۱۳۶۲	مدرسه علمیه امام حسین علیه السلام
۱۳۶۲	۹- دستجرد جرقویه
۱۳۶۳	مدرسه علمیه دستجرد
۱۳۶۳	۱۰- دولت آباد
۱۳۶۳	۱۱- دهقان
۱۳۶۴	۱۲- رهنان «رئان»
۱۳۶۵	۱۳- زَین شهر
۱۳۶۵	مدرسه علمیه زَین شهر
۱۳۶۵	مفاخر علمی زَین شهر
۱۳۶۶	۱۴- زواره
۱۳۶۷	زواره ، مدینه السادات
۱۳۶۷	سابقه تشیع در زواره
۱۳۶۷	شهر زواره، خاستگاه چهره های بزرگ علمی
۱۳۶۸	بقعه های دینی زواره، سندی بر دیانت و تشیع و فرهنگ مذهبی زواره
۱۳۶۹	مدرسه علمیه حاج لطفعلی خان
۱۳۷۰	۱۵- سمیرم
۱۳۷۰	مدرسه علمیه امام جعفر صادق علیه السلام
۱۳۷۱	۱۶- شَهر فیروزان
۱۳۷۱	۱۷- شاه تور «شاهپور»
۱۳۷۱	مدرسه علمیه شاهپور
۱۳۷۲	۱۸- شهرضا «قمشه»
۱۳۷۴	مدارس علمیه شهرضا
۱۳۷۴	الف - مدرسه حسینیة سادات
۱۳۷۵	ب - مدرسه علمیه صاحب الزمان علیه السلام
۱۳۷۵	ج - مدرسه اقدمیه
۱۳۷۶	د- مدرسه علمیه امام حسین علیه السلام
۱۳۷۶	ه - مدرسه علمیه امام صادق علیه السلام
۱۳۷۷	و - دار العلم «مدینه العلم صاحب الزمان «عج»»
۱۳۷۸	شمار طلاب شهرضا
۱۳۷۸	۱۹ - طالخونجه
۱۳۷۸	مدرسه علمیه قائم آل محمد «عج»
۱۳۷۹	۲۰- فریدون شهر
۱۳۷۹	۲۱- فلاورجان
۱۳۷۹	مدرسه علمیه فلاورجان

- ۲۲- قَمَضَر ..... ۱۲۸۰
- مدرسه علمیه ولی عصر علیه السلام ..... ۱۲۸۰
- ۲۳- کاشان ..... ۱۲۸۱
- قاطعیت و بایبندی شدید مردم کاشان ، نسبت به مکتب أهل البيت عليهم السلام در طول تاریخ اسلام ..... ۱۲۸۱
- کاشان ، در دیدگاه ستاج فرانسوی از نظر دینی و علمی و مذهبی ..... ۱۲۸۶
- سابقه و اهمیت علمی کاشان ..... ۱۲۸۷
- مزار امامزادگان فراوان در منطقه کاشان ، نشانه بارزی از فرهنگ تشیع در این سرزمین ..... ۱۲۸۹
- امامزاده علی بن محمد الباقر علیه السلام نماینده امام باقر علیه السلام ، در منطقه کاشان ..... ۱۲۸۹
- اعزام حضرت سلطنتعلی علیه السلام ، از طرف امام باقر علیه السلام ..... ۱۲۹۱
- خاندانهای علمی کاشان ..... ۱۲۹۳
- چهره های علمی بزرگ کاشان ..... ۱۲۹۴
- بقعه های دینی کاشان ، نشانه ای از سابقه علمی کاشان ..... ۱۳۰۳
- مدارس علمیه کاشان ..... ۱۳۰۳
- مدارس علمیه شیعه ، قبل از دوره صفویه ..... ۱۳۰۴
- الف - مدرسه صفویه ..... ۱۳۰۵
- ب - مدرسه خواجه معین ..... ۱۳۰۵
- ج - مدرسه مجدیه ..... ۱۳۰۵
- د- مدرسه شرفیه ..... ۱۳۰۶
- ه- مدرسه عزیزیه ..... ۱۳۰۶
- و - مدرسه خان ..... ۱۳۰۶
- ز- مدرسه علی بن فضل الله ..... ۱۳۰۷
- ح- مدرسه بابا ولی ..... ۱۳۰۷
- ط - مدرسه خواجه تاج الدین ..... ۱۳۰۸
- مدارس علمیه کاشان ، از دوره صفویه تا کنون ..... ۱۳۰۸
- الف - مدرسه علمیه سلطانی «مدرسه امام» ..... ۱۳۰۸
- ب - مدرسه آقا بزرگ ..... ۱۳۱۰
- ج - مدرسه میان چال ..... ۱۳۱۱
- د- مدرسه درب پلان «مصطفویه» ..... ۱۳۱۲
- ه- مدرسه زرآقینه ..... ۱۳۱۳
- و - مدرسه حسینیه ..... ۱۳۱۳
- ز- مدرسه و کتابخانه اعتمادی ..... ۱۳۱۳
- ح- مدرسه محمد صالح بیک ..... ۱۳۱۳
- ط - مدرسه حاج محمد حسین تبریزی ..... ۱۳۱۴
- ی - مدرسه حاج سید مرتضی ..... ۱۳۱۴
- یا □ مدرسه فاضل نراقی ..... ۱۳۱۴
- یب - مدرسه علمیه آیه الله پثری ..... ۱۳۱۵
- مکتب کوثر ..... ۱۳۱۵
- ۲۴- کچو مشقال ..... ۱۳۱۶
- ۲۵ - گلپایگان ..... ۱۳۱۶
- مدارس علمیه گلپایگان ..... ۱۳۱۹
- الف - مدرسه ای قدیمی ..... ۱۳۱۹

- ب و ج - مدرسه کوی دروازه خوانسار و مدرسه کوی علیا ..... ۱۳۱۹
- د - مدرسه مسجد حجه الاسلام ..... ۱۳۱۹
- ه- مرکز ففالتیهای علمی و تبلیغی ..... ۱۳۱۹
- و- مدرسه آیه الله وحید ..... ۱۳۲۰
- ز- مدرسه بزرگ آیه الله العظمی گلپایگانی ..... ۱۳۲۰
- ۲۶ - مَوَازِن ..... ۱۳۲۱
- ۲۷ - مَهْرآبَاد ..... ۱۳۲۱
- ۲۸ - نائین ..... ۱۳۲۱
- الف - مدرسه ایمزاده ..... ۱۳۲۲
- ب - مدرسه علمیه جعفری ..... ۱۳۲۲
- مفاخر علمی نائین ..... ۱۳۲۳
- ۲۹ - نجف آباد ..... ۱۳۲۴
- وجه نامگذاری به نام «نجف آباد» ..... ۱۳۲۴
- مفاخر علمی نجف آباد ..... ۱۳۲۵
- مدارس علمیه و کتابخانه های نجف آباد ..... ۱۳۲۶
- الف - مدرسه الخججه ..... ۱۳۲۶
- ب - مدرسه جامعه الإمام المنتظر «عج» ..... ۱۳۲۷
- ج - مسجد مرحوم آیه الله حججی ..... ۱۳۲۸
- د- کتابخانه مسجد مرحوم آیه الله حججی ..... ۱۳۲۸
- ه- کتابخانه زهرائیه علیها السلام ..... ۱۳۲۸
- و - حوزه علمیه زهرائیه علیها السلام ..... ۱۳۲۹
- ز- حوزه علمیه فاطمیه علیها السلام ..... ۱۳۲۹
- ۳۰ - نَطَّنَز ..... ۱۳۲۹
- ۱۱- اصفهان از دیدگاه شعراء و سراینندگان بزرگ ..... ۱۳۳۱
- اشاره ..... ۱۳۳۱
- اصفهان از دیدگاه شعراء و سراینندگان بزرگ ..... ۱۳۳۲
- شهرام محمندی «آذرخش» «معاصر» ..... ۱۳۳۴
- سید عباس حسامی «حساس» «معاصر» ..... ۱۳۳۸
- مهرداد «ووستا» علی اکبر کی پور «مستی»، جواد «آذر» ..... ۱۳۴۲
- مرحوم استاد سید عبد الکریم امیری فیروزکوهی ..... ۱۳۴۶
- آقای شکرالله فردانی «بیان» «معاصر» ..... ۱۳۵۲
- یزمان بختیاری ..... ۱۳۵۵
- آقای محمود شاهرخی «جذبه» «معاصر» ..... ۱۳۵۷
- حمید سیزواری «حمید» «معاصر» ..... ۱۳۶۲
- حسین سرور اصفهانی «سرور» ..... ۱۳۶۵
- رضا صفیرا «سعید» ..... ۱۳۷۴
- محمد «أبوالقاسم» جندقیان «شفیق اصفهانی» ..... ۱۳۸۱
- مصطفی هادوی «شهر» ..... ۱۴۰۲
- محمد علی صاعد «صاعد» ..... ۱۴۰۴
- علی شیرانی «صخت» ..... ۱۴۱۲
- مجتبی کاظم زاده «عطوفی» ..... ۱۴۲۵

۱۴۳۷	محمود عندلیب «عندلیب»
۱۴۴۱	محمد قدسی «قدسی»
۱۴۶۷	آقای محمد قهرمان (از مشهد مقدس)
۱۴۷۰	آقای محمد حسن صفوی «قیصر»
۱۴۷۳	حسن بهنیا «متین»
۱۴۸۴	محمد علی مردانی «مردانی»
۱۴۸۸	آقای عباس کی منش «مشفق کاشانی»
۱۴۹۴	آقای جعفر «نوا» «معاصر»
۱۴۹۸	آقای محمد کاظم «واله»، شاعر و خوشنویس معروف اصفهان
۱۵۰۰	همای شیرازی
۱۵۰۲	۱۲- فهرست منابع و مأخذ
۱۵۲۷	۱۳- فهرست اعلام
۱۵۸۵	۱۴- فهرست مطالب
۱۶۱۵	درباره مرکز

## ریشه ها و جلوه های تشیع حوزه علمیه اصفهان در طول تاریخ

### مشخصات کتاب

نام کتاب : ..... ریشه ها و جلوه های تشیع و حوزه علمیه اصفهان - جلد اول

مؤلف: ..... میر سید حجّه موحد أبطحی موسوی اصفهانی

حروفچینی و صفحه آرائی:..... محبّ الزّهراء علیها السلام اصفهان

لیتوگرافی و چاپ : ..... امیر - قم

تاریخ انتشار : ..... عید سعید غدیر خم ۱۴۱۸ قمری

ناشر : ..... دفتر تبلیغات المهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف ) اصفهان

قیمت : ..... ۲۰۰۰ تومان

اصفهان - حوزه علمیه - مدرسه صدر و مدرسه ذوالفقار

میر سید حجّه موحد أبطحی

ص: ۱

جلد ۱

اشاره





به پیشگاه خاتم رسولان و أشرف أنبياء ، حضرت محمد بن عبد الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ پایه گذار مکتب تشیع ، و گوینده کلام تاریخی و نورانی

يا عَلِيُّ أَنْتَ وَشِيعَتُكَ الْفَائِزُونَ

و به آستان مقدس أمير المؤمنين عليه السلام ، امام و پیشوای بزرگ مکتب تشیع و به محضر منور صدیقہ کبری ، فاطمہ زهراء عليها السلام، اولین شهیده ، در راه دفاع و حمایت از مکتب تشیع .

و به درگاه مبارک همه امامان معصوم عليهم السلام ، پرچمداران و مشعلداران بزرگ تاریخ درخشان و سراسر افتخار مکتب تشیع .

و به آستان ملك دربان بقیه الله الأعظم ، حجة بن الحسن العسكري (عج) مصلح بزرگ و حقیقی جهان بشریت ، و منتقم خون امامان مظلوم و شهید ، و شهیدان بزرگ از چهره های علمی و ادبی مکتب تشیع، این اثر ناقابل إهداء می گردد .

میر سید حجة موحد ابطحي

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَلْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا وَنَبِيِّنَا، الْبَشِيرِ النَّذِيرِ الَّذِي بُعِثَ رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَعَلَى آلِهِ وَعِترتهِ  
الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ لَا سَمِيْمًا بَقِيَّتِهِ اللَّهُ فِي الْأَرْضِينَ، الْحُجَّهٖ بِنِ الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيِّ، عَجَّلَ اللَّهُ فَوْجَهُ وَلَعَنَهُ اللَّهُ عَلَى أَعْيَادِهِمْ أَجْمَعِينَ مِنْ  
الآنِ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ.

ص: ٤

در سال ۱۴۰۰ قمری برای افتتاح حوزه علمیه ای در شهر نور آباد ممسنی ، در استان فارس، با حضور جمعی از علماء و طلاب و مردم با ایمان ، و به همراهی مرحوم آیه الله ، آقای حاج سید احمد فقیه امامی قُدس سرّه ، مسافرت نمودیم و در روز هفدهم ربیع الأوّل ، سالروز میلاد مقدّس پیامبر اکرم حضرت محمّد بن عبد الله صِلَى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ و رئیس مذهب تشیّع ، حضرت امام جعفر بن محمّد الصادق علیه السلام در جشن با شکوهی شرکت جستیم ، و در آن جشن بزرگ ، این نویسنده کمترین ، سخنانی مراسم را بر عهده داشتم، و در یک بررسی فشرده ، از حوزه علمیه و ریشه های آن ، و بیان نمونه هائی برجسته از حوزه های علمیه اسلام و جهان تشیّع ، همانند حوزه و مدرسه عظیم پیامبر اکرم صِلَى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ در مدینه منوره ، و حوزه و مجمع علمی بزرگ امام علی علیه السلام در مسجد کوفه ، و حوزه علمیه و مرکز بزرگ علمی امام صادق علیه السلام در مدینه ، و نیز حوزه علمیه شیعه در بغداد با زعامت شیخ مفید و سید مرتضی و شیخ طوسی (رضوان الله علیهم) و حوزه علمیه شیعه در نجف ، با زعامت شیخ طوسی قُدس سرّه و نیز حوزه های بزرگ قم و اصفهان و...، یاد نمودم، که شدیداً آیه الله امامی قُدس سرّه از تشویق های بزرگوارانه خود، دریغ نفرمودند.

همین جریان محدود، مقدمه ای شد برای یک سلسله تحقیقات بعدی درباره مدارس علمیه و حوزه های کوچک و بزرگ شیعه، در شهرهای ایران و خارج، و برای این منظور، در طول هفده سال، متجاوز از بیست مسافرت، به نقاط مختلف و استانهای کشور انجام دادم، و در هر سفر از چندین شهر بزرگ و کوچک، و از مدارس علمیه و کتابخانه ها و سایر مراکز علمی و دینی مربوط

به حوزه های علمیّه در هر شهر، دیدار کردم، و درباره تاریخ و سیر تحولات و رشد و رکورد آنها تحقیق نمودم، و با بررسی وضعیت آن مدارس و کتابخانه ها، و آشنائی با علماء و بزرگان آن شهرها، با سابقه حوزه ای در آن بلاد، آشنا شدم. تاکنون، مجموعه بسیار جالبی از یادداشتها و عکس و تصویرها، راجع به هر حوزه ای تهیه گردیده، و بسیاری از آنها منظم شده و آماده چاپ گردیده است.

اولین جلد از مجموعه یاد شده، به عنوان پیش درآمدی برای آن بررسی، با نام « آشنائی با حوزه های علمیّه شیعه، در طول تاریخ » به چاپ رسیده، و چندین مجلد دیگر نیز، آماده چاپ می باشد.

در ضمن این بررسی گسترده، اهمیت حوزه علمیّه اصفهان، و سوابق درخشان آن، بیش از پیش، جلب توجه نموده، و تصمیم گرفتم، در یک بررسی مفصل تر، سوابق علمی و تشیع اصفهان را، مورد ارزیابی نسبتاً کامل قرار دهم، و ریشه های عمیق عشق مردم اصفهان را نسبت به مکتب ولایت و مذهب تشیع، مورد تجزیه و تحلیل قرار دهم، تا معلوم گردد که، گرچه اصفهان در طول چند قرن، در اثر قدرت و سلطه جائرانه و جابرائه عده ای از دشمنان تشیع و اهل البیت علیهم السلام، رنگ و نمای حکومت اموی و عباسی و... داشته و به عنوان شهر دشمنی با ائمه و اهل البیت علیهم السلام شناخته شده، ولی در همان زمانها نیز، در میان مردم اصفهان، ریشه های تشیع، و عشق نسبت به اهل البیت علیهم السلام، شدیداً مطرح بوده است.

در بخشهای: « محدّثین اصفهان »، « چهره های علمی و بزرگ اصفهان از قرن سوم تا دهم »، « امامزادگان اصفهان »، « خاندانهای علمی اصفهان »، « مدارس علمیّه اصفهان در دوره های قبل از صفویه »، « مساجدی که در اصفهان، مرکز

فَعَالِيَّتِ علمی بوده»، «ریشه‌ها و مظاهر تشیع اصفهان در گذشته زمان» و...، مطالب سودمندی برای اثبات سابقه قوی و ارزشمند تشیع در اصفهان، عرضه نموده ایم. و هم چنین، در بخش‌های گوناگون کتاب، عظمت علمی و فرهنگ غنی و دیرینه اصفهان، و اهمیت حوزه علمیّه شیعه و مظاهر و پایگاه‌های آن، در معرض افکار پژوهشگران و علاقه‌مندان، قرار گرفته است.

## روش مادر مباحث کتاب

برای نشان دادن عظمت علمی اصفهان، و سوابق تشیع، و مظاهر درخشان اعتقاد پاک مردم این شهر، نسبت به مکتب ولایت و امامت، و مذهب اهل البیت علیهم السلام مراکز و نهادهای مهمی را، موضوع بحث قرار داده ایم و تحت عناوین: «مدارس علمیّه»، «مساجدی که مرکز علمی بوده اند»، «کتابخانه‌ها»، «بقعه‌های علمی»، «خاندانهای علمی» و...، علاوه بر معرفی آنها، از شخصیت‌های برجسته و شایسته‌ای که در رابطه با آن مراکز بوده، و به عنوان مؤسس یا مدرّس یا مؤلف یا...، به آن مرکز و مجمع ارزشمند، وابسته بوده اند یاد نموده، و به عظمت شخصیت و آثار و برکات علمی - اجتماعی آنها اشاره نموده، و بدین وسیله، عمق و گسترش علمی و دینی اصفهان را، به نمایش گزارده ایم. و هم چنین با مطرح ساختن مباحثی از قبیل:

۱- نقش حیاتی امیر المومنین علی علیه السلام، در فتح اصفهان

۲- ورود امام حسن علیه السلام به اصفهان

۳- سلمان فارسی، افتخار اسلام و تشیع، و آبروی ایران و اصفهان

۴- نماینده‌های امیر المومنین علی علیه السلام در اصفهان

۵- شش سال حاکمیت قدرت مختار ثقفی بر اصفهان

ص: ۷

۶- عبد الله بن محمد کنانی اصفهانی ، شکنجه دیده راه تشیع

۷- اسحاق بن سعد قَطْرُبَلِّي ، فرماندار اصفهان، وعاشق دلباخته امام زمان (عج)

۸- نقش خاندان علمی ثقفی در نشر احادیث أهل البيت عليهم السلام در اصفهان

۹- عزاداری بر امام حسین علیه السلام ، در اوج قدرت أهل تسنن در اصفهان

۱۰- نشر احادیث فضائل علی علیه السلام از اصفهان

۱۱- چهره های بزرگ و نامدار علمی شیعه ، از قرن سوم تا دهم

۱۲- مدارس علمیّه اصفهان قبل از صفویّه

۱۳- ریشه ها و نشانه های تشیع اصفهان در گذشته زمان

۱۴- معرّفی خاندانهای علمی شیعه در قرنهای اوّلیه و ... ، ریشه های تشیع را در اصفهان ، مورد توجه قرار داده ، و عظمت این شهر را در زمینه سابقه فداکاری در راه ولایت أهل البيت عليهم السلام به اثبات رسانده ایم ، و نیز با طرح مباحثی از قبیل :

۱- آسامی شهر اصفهان در طول تاریخ

۲- امتیازات طبیعی و معنوی اصفهان

۳- اصفهان ( فارس ) از زبان رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

۴- اشاره ای به تاریخ اصفهان

۵- اصفهان ، در آئینه افکار صاحب نظران

۶- اصفهان ، در آئینه شعر و ادب ، و سروده های شعراء بزرگ

و ... ، به شکلی عام ، فرهنگ عمومی ، و روحیات اجتماعی مردم این شهر را مورد معرّفی و تمجید قرار داده ایم .

## ۱- نامها و امتیازات طبیعی و معنوی اصفهان در طول تاریخ

اشاره

ص: ۹





## اسامی شهر اصفهان در طول تاریخ

نام شهر اصفهان، در دوره های مختلف به اشکال و صور گوناگون، مطرح گردیده، که ذیلاً اشاره می نمائیم:

۱- آنزان ۲- گابیان ۳- گابیه ۴- جی ۵- اسپاهان ۶- سپاهان ۷- اسپهان ۸- صفهان ۹- اسفاهان

۱۰- اصبهان ۱۱- اسپهان ۱۲- اسفهان ۱۳- اسباهان ۱۴- اصفهان.

و نیز در گذشته زمان، به نامهای: گابایاکی، اسپادانا، اسپدان، آپادان، آپادانا، یهودیه، دار الیهودی، اصیدانه مینامیده اند.

## امتیازات طبیعی و معنوی اصفهان

حافظ ابونعیم اصفهانی، و حافظ ابو الشیخ، و مفضل بن سعد (مافزوخی اصفهانی)

و دیگر بزرگانی که در باره اصفهان، کتاب یا مقاله ای نوشته اند (از متقدمین و متأخرین) فضیلت های گوناگونی درباره اصفهان ثبت کرده اند، که مقداری از آنها جنبه معنوی دارد، و بخشی از آن، از مزایای طبیعی به شمار می رود، و ما در ضمن بخش های گوناگون این کتاب، به بسیاری از آنها اشاره نموده ایم، و در این قسمت نیز، به برخی دیگر، اشاره می نمائیم، و کسانی که مایل باشند به تفصیل بیشتر دست یابند، به کتب یاد شده و امثال آنها، از تألیفات متأخرین، مراجعه نمایند.

## سی مستجاب الدعوه در اصفهان، در طول تاریخ

حافظ ابو نعیم، و نیز حافظ ابو الشیخ أنصاری، حدیثی را نقل نموده اند، با این

مضمون ، که وقتی نمود در صدد برآمد که با خدای آسمانها به جنگد، به همهٔ مردم شهرها دستور فرستاد که با او همکاری کنند و نیرو به فرستند ، و همه، به فرمان او گردن نهادند ، جز شهر اصفهان ، و به همین جهت ، سی نفر از مردم شهر را با غل و زنجیر بستند ، و به حضور ابراهیم خلیل علیه السلام و نمود آوردند ، آن سی نفر با دیدار ابراهیم علیه السلام ، به آن حضرت ایمان آوردند ، و لذا ابراهیم خلیل علیه السلام به آنها دعا نمود و در پیشگاه الهی عرضه داشت:

اللَّهُمَّ اجْعَلْ أَبَدًا بِأَصْبَهَانَ ثَلَاثِينَ رَجُلًا يُسْتَجَابُ دُعَائِهِمْ

یعنی خدایا! همیشه در اصفهان ، سی نفر را مستجاب الدعوه قرار بده (۱)

### طهمورث، برای حفظ کتب علمی، اصفهان را برگزید

نقل کرده اند که ، طهمورث دستور داد ، در کشور پهناور ایران ( که زیر نفوذ او بود) محلی را برگزینند ، که از نظر آب و خاک ، سالم و مناسب باشد ، و پس از بررسی های کامل ، جایی را مناسب تر از اصفهان نیافتند ، آنگاه دستور داد نوشته های علمی را در پوست هائی قرار دهند و در بهترین و سالم ترین نقطهٔ اصفهان نگهداری نمایند ، و شاهد این مطلب ، نوشته هائی است که در منطقهٔ جی پیدا شده است (۲).

حافظ ابونعیم اصفهانی نیز ، دربارهٔ این که اصفهان به عنوان مرکز نگهداری کتب و اسنایر علمی، برگزیده شده بوده است، می نویسد:

برخی از پادشاهان ، در گذشتهٔ تاریخ و در زمانهای دور، در صدد برآمدند که سرزمینی را پیدا کنند که برای نگهداری کتب علمی و اسناد ارزشمند

ص: ۱۲

---

۱- ذکر أخبار أصبهان ، جلد ۱، صفحه ۴۰ و طبقات المحدثین یا صبهان ، ج ۱ ص ۱۴۸ - ۱۴۹

۲- بحار الأنوار ، جلد ۶۰، صفحه ۲۳۸

دانش ها و تحقیقات اندیشمندان ، مناسب باشد ، و آن اسناد و مدارک ، در مدّت زمان طولانی تری باقی بماند، و از پوسیدگی و آندراس در امان بماند ، و از خطر زلزله ها و خسف ها و نیز از رطوبت زمین دور باشد ، و دوره های طولانی تری باقی بماند ، و برای این منظور ، تحقیقی گسترده انجام دادند، و شهرها و سرزمین های گوناگونی را مورد مطالعه قرار دادند، و محلی را مناسب تر و جامع تر از اصفهان و مدینه جی ، برای خصوصیات مورد نظر نیافتند ، و لذا ساختمانی محکم و مورد اطمینان ساختند ، و آن کتب و اسناد و مدارک علمی را در آن قرار دادند ، و آن ساختمان تا زمان ما ( دوره حافظ ابونعیم ) باقی مانده ، و به نام ( سارویه ) نامیده می شود، و قسمتی از این ساختمان محکم ، در سالهای گذشته ویران گردید ، و قسمت زیادی از کتابها و آثار علمی گذشتگان ، که در زمینه اصناف علوم و دانش های قدیم بود، و به زبان و خط فارسی قدیم نوشته شده بود ، به دست آمد (۱).

### اصفهان ، سخنگوی زمین

مورّخین و محدّثین و نویسندگان بزرگ ، در اکثر کتابهایی که درباره اصفهان نوشته اند ، به این مطلب اشاره نموده اند که ، در هنگامی که به آسمان و زمین دستور الهی داده شد که :

إِنِّي طَوْعًا أَوْ كَرْهًا (۲) زمین اصفهان جواب داد و اعلام اطاعت نمود .

بنا بر این ، اصفهان دهان زمین و زبان گویای آن است ، و بنا بر نقل مشهور

« فَمِ الْأَرْضِ وَلِسَانُهَا » یا « فَمِ الدُّنْيَا وَلِسَانُهَا »

ص: ۱۳

---

۱- ذکر أخبار اصفهان ، جلد ۱ ، صفحه ۳۷ - ۳۸

۲- سوره فصلت، آیه ۱۱

می باشد، و به همین جهت، قسمتی از سرزمین تخت فولاد را (لسان الأرض، یعنی زبان زمین) می نامند (۱).

### اصفهان و فارس، از زبان رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

روایات متعددی از حضرت خاتم الأنبياء، محمد بن عبد الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، نقل شده، که در آنها، از مردم فارس (ملت ایران = مردم فارسی زبان) به نحو عموم، و از مردم اصفهان، تحت عنوان سلمان فارسی و قوم او (۲) تجلیل شده، و به عنوان طالبین دین و ایمان و علم و نیکوکاری، و هم چنین به پیروی از آثار و سنت رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، و رقیق القلب بودن، معرفی گردیده اند، که ذیلاً، با تفصیل نسبی، روایاتی را در این زمینه، نقل می نمایم.

۱- اصفهانیها، طالب و به دست آورنده ایمانند

در هنگامی که سوره جمعه نازل شد، و پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ به این آیه را قرائت فرمودند: وَآخِرِينَ مِنْهُمْ لَمَّا يَلْحَقُوا بِهِمْ (۳)، برخی از اصحاب، در حضور پیامبر قوازه عرضه داشتند، کسانی که مشمول این آیه اند، و هنوز به مؤمنین ملحق نشده اند، کیانند؟ پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ توجهی نفرمودند، تا این که اصحاب، دو یا سه بار، سؤال را تکرار نمودند، در این هنگام، رسول خدا دست مبارکش را بر روی بدن سلمان گذاردند و فرمودند: لَوْ كَانَ الْإِيمَانُ عِنْدَ الثَّرِيَّا (۴) لَنَالَهُ رِجَالٌ

ص: ۱۴

- ۱- ذکر اخبار اصفهان، جلد ۱، صفحه ۴۱ و محاسن اصفهان، صفحه ۴ - ۵ و روضات الجنات، جلد ۱، صفحه ۷، و سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، صفحه ۱۷، و بسیاری از کتب و مقالاتی که درباره اصفهان، نوشته شده است
- ۲- سلمان فارسی، أهل اصفهان (جی) بوده، و در بخش مربوط به سلمان، اثبات نموده ایم
- ۳- سور □ جمعه، آیه ۳
- ۴- ثریا = پروین، شش ستاره کوچک در کوهان ثور (لغتنامه دهخدا)

مِنْ هَؤُلَاءِ ، وَبِنَابِرِ نَقْلِ دِيْغَرِي ، فَرَمُودَنْد: لَنَا لَهُ هَذَا وَ أَصْحَابُهُ (۱)(۲) .

۲- سلمان و قوم او ، جوینده و پابند دین می باشند

در هنگامی که رسول خدا، آیه (وَإِنْ تَوَلَّوْا يَسْتَبَدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ) (۳) را تلاوت نمودند ، اصحاب آن حضرت عرضه داشتند : یا رسول الله ، چه کسانی هستند که اگر ما از اسلام روگردان شویم ، خداوند آنها را به جای ما قرار میدهد ،

فَضْرَبَ رَسُولُ اللَّهِ ، عَلَى فَيْحِ سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ ثُمَّ قَالَ: هَذَا وَقَوْمُهُ، لَوْ كَانَ الدِّينَ مُعْلَقًا بِالثُّرَيَّا ، لَنَا لَهُ رِجَالٌ مِنَ الْفَرَسِ (۴) .

۳- ایرانی ها طالب علم اند ، گرچه از کنار ستار ثریا باشد

عَنْ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ : قَالَ : إِقْتَرَبُوا يَا بَنِي فَرْوَخَ ، إِلَى الذِّكْرِ، وَ اللَّهُ إِنَّ مِنْكُمْ لَرِجَالًا، لَوْ أَنَّ الْعِلْمَ مُعْلَقٌ بِالثُّرَيَّا، لَتَنَاوَلُوهُ (۵) یعنی پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ فرمود: نزدیک شوید ای

ص: ۱۵

۱- طبقات المحدثین یاصیهان ، جلد ۱ ، صفحه ۳۹ و ذکر اخبار اصبهان جلد ۱ ، صفحه ۲ ، این حدیث به نحو متعدد نقل گردیده ، و حافظ ابونعیم، می گوید: و الحدیث صحیح متفق علیه . و در صفحه ۸ ذکر اخبار اصبهان ، همین مضمون از امام علی علیه السلام ، نقل شده است

۲- یعنی اگر ایمان در نزد ستار ثریا باشد ، مردانی از این دسته ( اهل فارس ) به آن دست می یابند، و در روایت دیگر نقل شده که این مرد ( سلمان فارسی ) و اصحاب او ، به آن ، دست می یابند

۳- سوره محمد ، آیه ۳۸

۴- ذکر اخبار اصبهان ، جلد ۱ ، صفحه ۳. یعنی، رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ در جواب سؤال اصحاب، دست زدند به ران سلمان فارسی ، و فرمودند: (آن جانشین ها) این مرد و قوم او هستند ، همانا اگر دین به ستاره ثریا بسته باشد، مردانی از فارس ، به آن دست می یابند

۵- ذکر اخبار اصفهان ، جلد ۱ ، صفحه ۴

بنی فَرّوخ (۱) به سوی ذکر (قرآن) ، به خدا قسم ، از شما مردانی هستند که ، اگر علم و دانش به ستارهٔ ثریا بسته باشد ، به آن دست می یابند .

۴-بیشترین بهرهٔ اسلام ، نصیب ایرانی ها است

رسول گرامی اسلام صَلَّی اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ فرمود: **أَعْظَمُ النَّاسِ نَصِيْبًا فِي الْإِسْلَامِ أَهْلُ فَارَسَ ، لَوْ كَانَ الْإِسْلَامُ فِي الثَّرِيَا لَتَنَاوَلَهُ رِجَالٌ مِنْ أَهْلِ فَارَسَ (۲)** .

یعنی بیشترین بهرهٔ مردم از اسلام ، نصیب اهل فارس است، و اگر اسلام در ثریا باشد ، مردانی از فارس، به آن دست می یابند .

۵- سلمان و قوم او ، یابندگان بَرّ و نیکوکاری اند

در هنگامی که آیه (و إن تولّوا یستبدل قومًا غیرکم) نازل گردید ، از رسول خدا صَلَّی اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ سؤال شد، که مقصود از آیه ، چه کسانی هستند؟ پیامبر اکرم صَلَّی اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ اشاره به سلمان نمودند ، و فرمودند : این مرد و قوم او هستند ، قسم به خدائی که جانم در دست قدرت او است ، اگر نیکوکاری و بَرّ، به ستارهٔ ثریا بسته باشد ، مردانی از فارس، به آن دست می یابند (۳).

۶- اگر ایمان ، به عرش معلق باشد، مردانی از عجم به آن دست می یابند

رسول خدا فرمود: ای گروه موالی (عجم) نزدیک شوید به ذکر (قرآن) ، زیرا عرب ، روگردان شده‌اند، و همانا اگر ایمان معلق به عرش (الهی) باشد،

ص: ۱۶

۱- منظور از بنی فَرّوخ ، ایرانیان می باشند

۲- ذکر أخبار إصبهان، جلد ۱، صفحه ۴

۳- ذکر أخبار إصبهان ، جلد ۱ ، صفحه ۵... هذا و قومه و الدّی نفسی بیده ، لو كان البرّ منوطاً بالثّریا، لنالَهُ رَجُلٌ من فارس

کسانی از شما پیدا می شوند که آن را طلب کنند(وبه دست آورند) (۱).

۷- رقت قلب ایرانیان ، آنها را به دین و ایمان می رساند

قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: لَوْ كَانَ الدِّينُ أَوْ الإِسْلَامُ عِنْدَ الثَّرِيَا (مُعَلَّقًا بِالثَّرِيَا) لَتَنَاوَلَهُ رِجَالٌ مِنْ فَارِسٍ ، بِرِقَّةِ قُلُوبِهِمْ (۲) .

و قال صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ : لَوْ كَانَ هَذَا الدِّينُ مُعَلَّقًا بِالنَّجْمِ ، لَتَمَسَّكَ بِهِ قَوْمٌ مِنْ أَهْلِ فَارِسٍ ، لِرِقَّةِ قُلُوبِهِمْ (۳) .

۸- پیروی از سنت و آثار رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و صلوات بر آن حضرت

از صفات ایرانیان است

قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: يَا سِلْمَانُ ! لَوْ كَانَ الدِّينُ مُعَلَّقًا بِالثَّرِيَا لَتَنَاوَلَهُ نَاسٌ مِنْ أَهْلِ فَارِسٍ ، يَتَّبِعُونَ سُنَّتِي وَيَتَّبِعُونَ آثَارِي وَ يُكْثِرُونَ الصَّلَاةَ عَلَيَّ... (۴) .

۹- فَاؤُسُ عَصَبَتِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ

سعید بن جبیر ، از ابن عباس ، نقل می نماید که : در نزد رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ ، از

ص: ۱۷

۱- ذکر أخبار إصبهان ، جلد ۱ صفحه ۶. اُذْنُوا يَا مَعْشَرَ الْمَوَالِي، اِلَى الذُّكْرِ ، فَإِنَّ الْعَرَبَ قَدْ أَعْرَضَتْ، وَإِنَّ الْإِيمَانَ لَوْ كَانَ مُعَلَّقًا بِالْعَرْشِ، كَانَ مِنْكُمْ مَنْ يَطْلُبُهُ

۲- ذکر أخبار إصبهان ، جلد ۱ ، صفحه ۶ رسول خدا فرمود: اگر دین یا اسلام ، نزد ستار [ ثریا ] (یا معلق به ثریا) باشد ، مردانی از فارس به آن دست می یابند، زیرا دلهایی رقیق دارند (وقسی القلب نیستند)

۳- ذکر أخبار إصبهان ، جلد ۱ ، صفحه ۷ سلمان از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ نقل نموده که فرمودند : اگر این دین (اسلام) به ستارهای معلق باشد ، گروهی از اهل فارس، به آن متمسک می شوند، زیرا ، دلهایشان نرم است(وازقساوت قلب، دورند)

۴- ذکر أخبار إصبهان ، جلد ۱ ، صفحه ۷ رسول خدا فرمود: ای سلمان ! اگر دین به ستار [ ثریا ] بسته شده باشد مردمی از اهل فارس به آن دست می یابند ، که پیرو سنت من و تابع آثار من هستند، و بر من ، بسیار صلوات می فرستند

فارس یاد شد ، آن حضرت فرمودند : فارس عصبتنا (۱) أهل البيت ، و از سعید بن جبیر سؤال شد ، که مقصود از این سخن ( عصبه بودن فارس) چیست ؟ در جواب گفت که : مردم فارس ، فرزندان اسحق نبی علیه السلام، عموی فرزندان اسماعیل نبی علیه السلام می باشند (۲) .

۱۰- رؤیائی عجیب از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ

حدیفه می گوید : رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ فرمودند : دیشب در عالم خواب دیدم ، گویا گوسفندانی سیاه ، به دنبال من می آیند ، سپس گوسفندانی سفید به دنبال آنها ، به پیروی از من در آمدند ، و ( آنقدر زیاد شدند) که دیگر، گوسفندان سیاه را نمی دیدم ، یکی از حاضرین به عنوان تعبیر خواب، عرضه داشت:

آن گوسفندان سیاه، عربها هستند، و گوسفندان سفید، مردم عجم می باشند ، که پیروی از شما می نمایند و آنقدر زیاد می شوند ، که عربها در میان آنها، دیده نمی شوند ( و به حساب نمی آیند ) . رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ فرمودند : مَلَكٌ هُمْ ، همینطور تعبیر نموده است (۳) .

و این بود نمونه هائی ، از احادیث رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ دربارهٔ أهل فارس،

ص: ۱۸

۱- عَصَبَةٌ، به معنی یک گروه و جمعیت قوی و بهم پیوسته است ، و عَصَبَةٌ به معنی خویشان پدری است ، و مقصود در اینجا ( با توجه به کلام سعید بن جبیر ، که در دنبالهٔ حدیث نقل گردیده) عَصَبَةٌ است ، به فتح عین ، و احتمال هم داده می شود که مقصود این باشد که ، نیروی منسجم و بهم پیوستهٔ أهل البيت، ملت فارس هستند

۲- ذکر أخبار إصبهان ، جلد ۱، صفحه ۱۱

۳- ذکر أخبار إصبهان ، جلد ۱، صفحه ۰۹ قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ اِنِّي رَأَيْتُ اللَّيْلَةَ كَأَنَّ غَنَمًا سُودًا تَتَّبِعُنِي ، ثُمَّ أَرْدَفَتْهَا غَنَمٌ بَيْضٌ ، حَتَّى لَمْ أَرَ السُّودَ فِيهَا، فقال... يا رسول الله، هذه الغنم السود، العرب تَتَّبِعُكَ و هذه الغنم ألبيض هي العجم تَتَّبِعُكَ، فَتَكْثُرُ حَتَّى لَا تُرَى الْعَرَبُ فِيهَا، فقال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ، هكذا عَبَّرَهَا الْمَلَكُ



(سلمان و قوم او) و در این زمینه ، دهها حدیث با عبارت های گوناگون ، نقل گردیده ، که حافظ ابونعیم ، در جلد ۱ ، از ذکر اخبار اصبهان ، از صفحه ۱ تا ۱۴ ، نقل نموده است .

ستایش هائی دیگر

علاوه بر احادیثی که نقل نمودیم ، عبارتهائی از قبیل : **انَّ اُسَیْعَدَ الْعَجَمَ بِالْاِسْلَامِ** ، **أَهْلُ فَاَرْسِ (۱)** و **مُضْمُونِي عَجِيبٌ** ، دربارهٔ اعتماد پیامبر صلی الله علیه و آلهی و سلم و به موالی و عجم ، با این عبارت : **وَ اَللّٰهُ لَآنَا اَوْثَقُ بِهِمْ مِنْكُمْ اَوْ مِنْ بَعْضَةِ كُمْ (۲)** و عبارت **نَزَلَتْ هَذِهِ الْاَيَةُ (سوره بقره، آیه ۶۲)** **فِي اَصْحَابِ سَيِّلْمَانِ الْفَاَرْسِي** ، و **كَانَ مِنْ اَشْيَارِ فِهِمْ (۳)** و اینکه سلمان از کسانی است که : **عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ (۴)** نقل گردیده است ، که نشان میدهد ، لیاقت و شایستگی ایرانی های با ایمان ، و مخصوصاً اصفهانیهها ، ( هم شهری های سلمان فارسی ) مورد عنایت و توجه خاص رسول خدا صلی الله علیه و آلهی و سلم بوده است .

### اشاره ای به تاریخ اصفهان

اصفهان ، در دورهٔ هخامنشی ، به نام (کی) شناخته میشده ، که به (جی) تبدیل گشته است ، و در هنگام فتح اصفهان ، با نام (جی) خوانده می شده است، و (پاراتیکا) که آن را منطقهٔ فریدن می دانند، از نواحی مشهور و آباد آن، بوده است.

ص: ۱۹

---

۱- ذکر اخبار اصبهان ، جلد ۱ ، صفحه ۱۲

۲- ذکر اخبار اصبهان ، جلد ۱ ، صفحه ۱۲

۳- ذکر اخبار اصبهان ، جلد ۱ ، صفحه ۱۳

۴- ذکر اخبار اصبهان ، جلد ۱ ، صفحه ۱۴

در دوره اشکانیان ، اصفهان قلمرو یکی از پادشاهان جزء ( ساتراپ ) بوده است . در دوره ساسانیان ، اصفهان محل سکونت هفت خانواده بزرگ ایرانی که مشاغل عمده و مناصب سلطنتی داشته اند ، بوده ، و جزء قلمرو حکمرانی آنان محسوب می شده است .

اصفهان در دوره خلافت دومین خلیفه غاصب ، به وسیله مسلمانان ، و با استفاده از راهنمایی های امیرالمؤمنین علی علیه السلام ، فتح گردید ، و حدود سه قرن ، فرمانروایانی از طرف مرکز حکومت و خلافت ، در این شهر ، حکومت و فرمانروائی داشتند .

رکن الدوله دیلمی ، دو محله شهرستان و یهودیه را متحد نمود، و دیوار بین دو محله را برداشت .

اصفهان ، در دور آل بویه و سلجوقیان و صفویه ، به خاطر عنایت و توجه زیاد ، به رشد چشم گیری نائل گردید و مدارس و مساجد و ساختمانهای مهم دیگری در آن ساخته شد ، و مخصوصاً در عهد صفویه ، آنقدر رشد یافت ، که جمعیت آن را تا یک میلیون نفر نوشته اند(۱).

حمله مغول ، و تهاجم تیمور ، و غلبه افغانها بر اصفهان ، از تلخ ترین و زیانبارترین حوادث تاریخ اصفهان می باشد ، که تلفات انسانی و خسارات فرهنگی و اقتصادی ، و زیانهای اجتماعی آن ، قابل احصاء نیست .

در نیم قرن اخیر، توجه به اصفهان و تعمیر و ترمیم خرابیها ، و حفظ و نگهداری میراثهای فرهنگی و آثار باستانی ، و نیز تأسیس مراکز مهم اقتصادی و نظامی و فرهنگی ، موجب رشد مجدد و توسعه و آبادی چشم گیر

ص: ۲۰

اصفهان گردیده، و فقط جمعیت شهر اصفهان، طبق برآوردی که در سال ۱۳۶۶ شمسی انجام شده، ۱۱۰۸۰۰۹ می باشد (۱)، و با توجه به کیفیت اجراء برنامه های عمرانی و اقتصادی جاری، که در حال انجام می باشد، و وجود عوامل مهم و حیاتی، همانند: آب و هوای ممتاز، وجود زاینده رود، ذوب آهن و صنایع فولاد مبارکه، صنایع نظامی، حوزه علمی و دانشگاههای بزرگ، معادن متنوع، و هم چنین مزایای فراوان معنوی و انسانی، که در این شهر وجود دارد، از جاذبه های بزرگ به شمار می رود، که موجب افزایش روز افزون جمعیت اصفهان و شهرهای تابعه آن می باشد.

در حال حاضر، شهر اصفهان من حیث المجموع، پس از تهران، (که پایتخت کشور و مرکز همه مسائل سیاسی و اجتماعی و اقتصادی کشور است) در ردیف مهم ترین شهرهای کشور می باشد، و در بعضی از ابعاد، برجسته ترین و ممتاز ترین شهر ایران به شمار می رود.

### ورود جمعی از صحابه رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ به اصفهان

حافظ أبونعیم، در جلد اول ذکر أخبار اصفهان، صفحه ۴۳ به بعد، از جمعی از صحابه رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ یاد می کند، که وارد اصفهان شده اند، و احياناً دارای شخصیت برجسته، و دارای آثار و برکاتی بوده اند، که ما در این کتاب، به چندین چهره آنها که از مفاخر اسلام و تشیع بوده اند، در جاهای مناسب، توجه نموده، و از آنها یاد کرده ایم، و درباره حضور و برکاتشان، در حد امکان و با رعایت اهداف کتاب حاضر، بحث نموده ایم.

ص: ۲۱

---

۱- جغرافیای کامل ایران، جلد ۱، صفحه ۳۰۷، و با محاسبه جمعیت حومه نزدیک شهر، که در اصفهان، به کارهای علمی و فنی و اقتصادی اشتغال دارند، رقم بسیار بالاتری به دست می آید

هو سبحان الله

گلمایه اصفهان ز آبی دگراست

اینخاک خمیر با گلابی دگراست

خورشید که بر زمین بتابد یکسان

اینجا چو دمید آفتابی دگراست

(صاعد)

ص: ۲۲

## ۲- عظمت علمی و دینی اصفهان در آئینه افکار صاحب نظران

اشاره

ص: ۲۳



از دیرزمان، نظریه های جالبی درباره اصفهان، از نظر علمی، دینی، اخلاقی و ...، اظهار شده است که بسیاری از آنها، در برگیرنده نکات ارزشمند و جالبی می باشد، که در میان هزاران اظهار نظر، به چند نمونه اشاره می نمائیم، و این فصل را به علاقمندان آشنائی با عظمت علمی و دینی این شهر تاریخی و ملت آن، تقدیم می نمائیم:

### ۱- حکیم رومی

فیروز بن یزدجرد، از بعض پادشاهان روم درخواست نمود که حکیمی بزرگ و طیبی حاذق، انتخاب کند و او را برای ارزیابی شهرها و بلاد محل حکومت فیروز، و معرفی مزایای آن شهرها اعزام نماید. یک حکیم رومی، برای این منظور انتخاب و معرفی گردید، فیروز به او مأموریت داد که به شهرها سفر کند و نظریه های خودش را درباره بهترین شهرها و مزایای آنها، اعلام دارد، پس از آن که حکیم و دانشمند رومی در ضمن مسافرت به شهرها، ارزیابی علمی و دقیق خود را انجام داد، اصفهان را برگزید (۱)، و در ادامه ارزیابی و اظهار

ص: ۲۵

---

۱- ذکر اخبار اصفهان، جلد ۱، صفحه ۳۴ ... و وقع اختیاره علی اصفهان فأقام بها .... یعنی ... اصفهان را برگزید و در آن اقامت جست ...

نظر درباره شهرها، اظهار داشت: ...وَوَجَدْنَا أَعْقَلَ أَهْلِ مَمْلَكَتِهِ إِصْبَهَانَ و... (۱) و بدین وسیله ، حکیم رومی ، هوش و ذکاوت ، و عقل و اندیشه اصفهانی ها را ، به عنوان برترین مردم ، مورد تأیید قرار داد.

## ۲- مقدسی

محمد بن احمد مقدسی ، از دانشمندان و جغرافی دانهای اواخر قرن چهارم ، در کتاب ارزشمند خود به نام ، (أحسن التقاسیم) در ضمن صفات و خصوصیات مثبت و منفی اصفهان و مردم آن، می نویسد : یهودیه: قصبه اصفهان ، بزرگ و آباد و پرجمعیت و پربرکت و شهر بازرگانی است . چاههای شیرین ، میوه های گوارا ، هوایش خوب ، آبش سبک ، خاکش شگفت انگیز ، جایش خوب است. بازرگانان بزرگ ، هنرمندان ماهر دارد...، جامعشان با نمازگزاران ، آباد است ... من پس از جامع مصر ، نماز آبادتر از جامع ایشان ندیده ، و شهری پرجمعیت تر از شهر ایشان نشنیده و در همه کشور اسلام ، خاکی بدین خوبی نیافته ام . مردمش اهل سنت و جماعت و ادب و بلاغتند. چقدرقاری و ادیب و صاحبدل که این شهر بیرون داده است ... (۲) .

## ۳- مفضل بن سعد ... مافروخی اصفهانی

این دانشمند و محقق بزرگ ، که از مفاخر علمی قرن پنجم هجری میباشد ، در کتاب گرانقدر خود، به نام (محاسن اصفهان)، در تمجید و تجلیل از اصفهان ، و آب و هوا و محاسن و زیبایی های آن ، گامی برجسته برداشته ، و به شکل

ص: ۲۶

---

۱- ذکر أخبار اصبهان جلد ۱ ، صفحه ۳۶ ، یعنی : یافتیم که عاقل ترین اهل مملکت وی (فیروز) مردم اصفهان هستند

۲- أحسن التقاسیم ، جلد ۲ ، صفحه ۵۷۹ - ۵۸۰



محققانه ای ، برتری اصفهان را بر سایر بلاد ، از نظر مزایای طبیعی و عقلی و علمی ، اثبات نموده و نوشته است :

وَمِنْ أَقْوَى الْقَوَاعِدِ وَالْأَسَاسِ فِي تَبْيِينِ عُقُولِهِمْ عَلَى عُقُولِ سَائِرِ النَّاسِ، وَأَنَّهَمْ أَحْضَرُوهُمْ جَوَابًا وَ أَكْثَرُوهُمْ صَوَابًا ، حِكَايَاتُ رَشِيقَةٍ وَ نَوَادِرُ أُنَيْقَةٍ مِنْ أَقَلِّ أَهْلِهَا حِجِّيٍّ وَ أَنْزَرِهِمْ نُهْيٍّ وَ أَعْجَزِهِمْ عَنِ الْجِدَالِ وَ النَّظَارِ وَأَعْيَاهُمْ بِالسَّجَالِ وَ الْفَخَارِ، وَ أَضْيَعَرِهِمْ خَطَرًا فِي ذَوِي الْأَخْطَارِ ، وَ أَخْطَرِهِمْ قَدْرًا بَيْنَ أَوْلَى الْأَقْدَارِ...<sup>(۱)</sup>.

و با عبارت فوق ، برای اثبات برتری عقلی و ذهنی اصفهانی ها، از داستانهای مربوط به طبقات ضعیف العقل بهره جسته ، که در ضمن ضعف عقلانی ، دارای سرعت انتقال و تیزهوشی و حاضر جوابی هستند، و این همه نشان می دهد ، که قدرت تعقل و تفکر و هوشمندی اصفهانی ها ، در چه حدی از کمال و برتری می باشد .

مافزوخی ، در مجموع کتاب ، علاوه بر معرفی مزایای اصفهان از نظر طبیعی ، در نشان دادن چهره های علمی و ادبی و مفاخر گوناگون انسانی اصفهان کوشیده و این شهر را جایگاه عقل و اندیشه ، علم و دانش ، ایمان و فضیلت معرفی نموده و با ذکر مساجد و معابد ، کتابخانه ها و مراکز علمی ، شهر اصفهان را از نظر علمی و دینی ، در قلّه رفیع عظمت و إعتلاء نشان داده ، و این شهر تاریخی را جامع محاسن ، و مجمع فضائل ، و مجتمع مفاخر ، به شمار آورده است <sup>(۲)</sup> .

و در یک کلام ، اصفهان را ، قُبَّةُ الْإِسْلَامِ <sup>(۳)</sup> و سَيِّدُ الْبِلْدَانِ <sup>(۴)</sup> خوانده ،

ص: ۲۷

---

۱- محاسن اصفهان ، صفحه ۴۳

۲- برای آشنائی بیشتر ، مطالعه کتاب ( محاسن اصفهان ) لازم می باشد

۳- محاسن اصفهان ، صفحه ۶

۴- محاسن اصفهان ، صفحه ۴

و حدیثی از امام حسن علیه السلام نقل نموده ، که فرمودند : تَدَاوُوا بِمَاءِ زَرْزَرٍ وَذُ(۱) فَإِنَّ فِيهِ شِفَاءً كُلِّ دَاءٍ (۲) . یعنی : با آب زاینده رود بیماری هایتان را معالجه کنید ، که در او شفاء هر دردی است.

#### ۴- سَمْعَانِي

سمعانی که از دانشمندان بزرگ قرن ششم هجری است ، دربارهٔ اصفهان می نویسد : از این شهر جماعتی از علماء در هر رشته و فنّ علمی ، چه در گذشته و چه در زمان حال برخاسته اند ، و دربارهٔ تاریخ این شهر ، کتابهای زیادی در دوره های قدیم و جدید نوشته شده است (۳) ، و آنگاه ، جمعی از علماء بزرگ اصفهان را یاد می نماید.

#### ۵- ياقوت حموي

ياقوت حموي ، که از دانشمندان اوائل قرن هفتم میباشد ، در کتاب ارزشمند مُعْجَمُ الْبُلْدَانِ می نویسد : اصفهان شهری است عظیم و مشهور ، و از اعلام و اعیان شهرها ... ، از شهر اصفهان علماء و پیشوایان و ائمهٔ هر رشته و فنّی برخاسته اند ، تا آنجا که از هیچ شهری ، این شمار از دانشمندان و چهره های علمی ، بر نخوایسته است ، مخصوصاً در زمینهٔ علوّ اَسْنَادِ (۴) ، زیرا که عمر اهل اصفهان طولانی می شود ، و ضمناً عنایت فراوانی به شنیدن حدیث دارند ، و در اصفهان ،

ص: ۲۸

---

۱- زَرْزَرٍ ، همان زاینده رود است که در لهجهٔ قدیم چنین تلفظ می شده است

۲- محاسن اصفهان ، صفحه ۵

۳- الْأَنْسَابِ سَمْعَانِي ، جلد ۱ ، صفحه ۲۹۰ - ۲۹۱

۴- علوّ اَسْنَادِ ، اصطلاحی است مربوط به علم ( درایه الحدیث ) ، و به معنی کمی تعداد وسائط رجال حدیث ، تا امام و پیغمبر علیهم السلام میباشد

شمار زیادی از حُفَاطِ حَدِيثِ (۱) هستند ، که به شمار و إحصاء در نمی آیند ، وعده ای از کتابهای تاریخی ، درباره آن نوشته شده است... (۲).

وَمِنْ نَسَبٍ إِلَى إِصْرٍ بِهَانَ مِنَ الْعُلَمَاءِ، لِأَيُّحْصُونَ إِلَّا أَنَّنِي أَدُّكُرُّ مِّنْ أَعْيَانِ أُمَّتِهِمْ جَمَاعَةً عَلَيَّتْ عَلَي نَسَبِهِمْ فَلَا يُعْرَفُونَ إِلَّا بِالْإِصْبَهَانِي، مِنْهُمْ الْحَافِظُ الْإِمَامُ أَبُو نَعِيمٍ أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ... (۳).

یعنی کسانی که از دانشمندان ، نسبت به اصفهان داده شده اند و اصفهانی خوانده می شوند ، به شمار در نمی آیند ، جز این که من از شخصیت‌های پیشوایانشان ، جماعتی را که عنوان اصفهانی ، بر نسبت آنها غالب شده و شناخته نمی‌شوند جز به عنوان اصفهانی یاد میکنم ، که از آنها است ، حافظ ، امام ، ابونعیم ، أحمد بن عبد الله ...

### ۶- أبو الفداء، عماد الدین اسماعیل

نابغه و جغرافی دان مشهور در کتاب ارزشمند « تَقْوِيمُ الْبُلْدَانِ » ، که در سال ۷۲۱ تألیف آن پایان یافته (۴) به نقل از این حَوْقِل ، اصفهان را از پر نعمت ترین و وسیع ترین بلاد دانسته است (۵).

ص: ۲۹

---

۱- حافظ ، اصطلاحی است مربوط به علم الحدیث ، و به کسی گفته که بقیه در صفحه بعد بقیه از صفحه قبل حدیث شناس و مدافع و نگهدارنده آن باشد ، یا به کسی که ، یکصد هزار حدیث از حفظ داشته باشد و... (لغتنامه دهخدا، و کتب مربوط به درایه الحدیث)

۲- معجم البلدان ، جلد ۱ ، صفحه ۲۰۶ و ۲۰۹

۳- معجم البلدان ، جلد ۱ ، صفحه ۲۱۰

۴- ترجمه تقویم البلدان ( مقدمه ) ، صفحه هشت

۵- ترجمه تقویم البلدان ، صفحه ۴۸۹

محقق و مورخ و جغرافی دان مشهور و نامدار نیمه اول قرن هشتم هجری ، حمد الله مستوفی ، در کتاب نُزْهَةُ الْقُلُوبِ ، از شهر اصفهان و آب و هوا و خاک و میوه جات بسیار خوب آن، و نیز ، از دوری آن از زلزله و بیماریهای سخت و مُزمن، ( همانند وبا و ... ) و فراوانی و خوبی نعمتها و میوه های آن تمجید نموده، و سپس نوشته است: در آن شهر ، مدارس و خانقاهات و أبواب خیر بسیار است ، از جمله مدرسه...و در طاعت ، درجه تمام دارند... (۱).

## ۸- ابن بطوطه

سیاح بزرگ و نامدار ، و دانشمند محقق نیمه دوم قرن هشتم ، ( ابن بطوطه ) در سفرنامه مشهور و گرانقدر خود ، که یادگاری است بسیار ارزشمند ، از مسافرتها بسیار ، به بلاد و کشورهای گوناگون ، درباره اصفهان و دیدار و خاطره جالبش از این شهر ، می نویسد :

اصفهان که از شهرهای عراق عجم است ، شهری بزرگ و زیبا است ، ولی اکنون قسمت زیادی از آن، در نتیجه اختلافاتی که بین سنیان و شیعیان آن شهر، به وقوع می پیوندد ، به ویرانی افتاده (۲) ... مردم اصفهان ، مردمی زیبارویاند ، رنگ آنان سفید و روشن و متمایل به سرخی است و شجاعت و نترسی ، از

ص: ۳۰

---

۱- نزّه القلوب ، صفحه ۴۸- ۴۹

۲- از نکته هائی که عموم مورخین در مورد شهر اصفهان ، متعرض شده اند ، اختلافات دامنه داری است که هر چند وقت یک بار ، تحت عنوانی ، شعله ور میشده ، و زیانهای زیادی به بار می آورده است ، گاهی تحت عنوان نزاع شافعیان و حنبلیان ، گاهی تحت عنوان دسته حیدری و نعمتی و ...

صفات بارز ایشان می باشد. اصفهانیان مردمانی گشاده دست اند. هم چشمی و تفاخری که میان آنان در مورد اِطعام و مهمان نوازی وجود دارد، منشاء حکایات غریبی شده است، مثلاً- اتفاق می افتد که یک اصفهانی، رفیق خود را دعوت میکند و می گوید ( بیا برویم نان و ماس « ماست » با هم بخوریم ) ولی وقتی او را به خانه می برد، انواع غذاهای گوناگون پیش او می آورد، و اصفهانی ها به این رویه خود مباهات زیاد می کنند ...

در این شهر، در زاویه منسوب به شیخ علی بن سهل که شاگرد جنید بوده است منزل کردم، این زاویه، مورد احترام و زیارتگاه مردم اصفهان است، و در آن برای مسافرین غذا داده می شود، و گرمابه ای عالی، مفروش به رخام دارد، که دیوارهایش از کاشی است، این حمام وقف است، و از مراجعه کنندگان پولی مطالبه نمی شود... (۱).

## ۹-شوالیه شاردن فرانسوی

سیاح دانشمند و محقق فرانسوی، که در قرن یازدهم هجری، دو نوبت و هر بار چندین سال، در اصفهان اقامت جسته و خصوصیات و چگونگی شهر و مردم اصفهان را ثبت نموده، و سپس منتشر ساخته (۲)، درباره شهر اصفهان و مزایای آن، عباراتی دارد که ذیلاً به برخی از آنها، اشاره می نمائیم:

شهر اصفهان با حومه آن، یکی از بزرگترین شهرهای دنیا است. اطراف آن کمتر از دوازده لیو یا بیست و چهار میل نیست ( لیو، چهار کیلومتر است،

ص: ۳۱

---

۱- سفرنامه ابن بطوطه، ترجمه محمد علی موحد، جلد ۱، صفحه ۲۱۱ - ۲۱۲

۲- سفرنامه شاردن، قسمت شهر اصفهان، ترجمه حسین عریضی، (مقدمه) صفحه « الف » و « ب »

بنابراین دوازده لیو، چهل و هشت کیلومتر، یا هشت فرسخ می شود - مترجم).

ایرانیان، به عنوان مبالغه، از عظمت آن می گویند (اصفهان نصف جهان) .. به زعم بعضی، جمعیت شهر اصفهان، بالغ بر یک میلیون و صد هزار نفر است، برخی دیگر، ساکنین آن را، ششصد هزار می دانند(۱).

... خلاصه، به عقیده من (اصفهان به اندازه شهر لندن که پرجمعیت ترین شهرهای اروپا است، جمعیت دارد)، در بازارها، آنبوه جمعیت چنان است که جلو هر سواری، خادمی میدود تا معبری برای او باز کند، زیرا در صدها محل، جمعیت آنقدر زیاد است که گوئی روی هم ریخته اند (۲).... به هر حال، شهر اصفهان یکی از پرجمعیت ترین بلاد است(۳)

... چون از طرفی هم هوای ایران خشک است، و هم مردم آن همه روزه، صبح و عصر، جلوی خانه خود را رفته (۴) و آب می پاشند، سرگین و کثافت و گرد و غبار، به اندازه کوچه های شهرهای ممالک اروپائی ندارد (۵).

از هر سو شهر اصفهان را تماشا کنیم، آن را مانند جنگل یا بیشه ای می بینیم که فقط از خلال اشجار، گنبدهای کبود و مناره های بلندی که برای اذان ساخته شده اند، دیده می شود (۶).

ص: ۳۲

۱- سفرنامه شاردن، صفحه ۱

۲- سفرنامه شاردن، صفحه ۲

۳- سفرنامه شاردن، صفحه ۲

۴- رفتن، روفتن = رویدن، پاک کردن خاک و خاشاک (فرهنگ معین)

۵- سفرنامه، صفحه ۴، مقایسه جالبی است. نظافت شهر در مقایسه با اروپا، در زمان حاکمیت فرهنگ شیعه در اصفهان، جلب توجه می نماید

۶- سفرنامه شاردن، صفحه ۵

... این است شرح مفصل شهر اصفهان که بزرگترین و زیباترین شهرهای مشرق زمین می باشد. برای آن که عظمت و بزرگی آن بیشتر معلوم گردد، ایرانیان افسانه کوچکی نقل میکنند... (۱).

اصفهان دارالعلم شرق است، و علم و دانش، از آن، به بلاد و اقطاع مختلف، مخصوصاً هندوستان، پراکنده می شود

### آماري جالب و مهم

شاردن، در ادامه می نویسد: نتیجه یادداشتهای من این است که: در داخل حصار شهر اصفهان، بناهای زیر وجود دارد: ۱۶۲ مسجد، ۴۸ مدرسه و ۱۰۸۲ کاروانسرا و ۲۷۳ حمام و ۱۲ قبرستان... (۲) (۳).

... آب و هوای آن (شهر اصفهان)، سالم ترین نقاطی است که من در دنیا دیده ام، مثل معروفی است که: هر که سالم به اصفهان وارد شود، هرگز بیمار نخواهد شد...، و علت آن، همانا خشکی و لطافت بی نهایت آن است (۴).

### ۱۰- زین العابدین شیروانی

حاجی زین العابدین شیروانی، که از دانشمندان قرن سیزدهم می باشد، در کتاب (بُستانُ السَّیَّاحِ)، ضمن ذکر جنبه های مثبت و منفی مردم اصفهان، و بیان عقائد دینی مردم آن در طول تاریخ، می نویسد: أهل اصفهان، نزد آبنای زمان،

ص: ۳۳

۱- سفرنامه شاردن، صفحه ۱۷۰

۲- سفرنامه شاردن، صفحه ۱۷۰

۳- عدد ۱۶۲ مسجد و ۴۸ مدرسه و ۲۷۳ حمام، حاکی از شدت توجه مردم شیعه اصفهان، به ایمان و علم و بهداشت است

۴- سفرنامه شاردن، صفحه ۱۷۱

فَطْنٍ وَ زِيرِكٍ ، چنانچه لفظ زیرک و اصفهانی در عدد جُمل یکی است (۱).

## ۱۱- صاحب روضات الجنّات

فقیه اصولی ، و رجالی نامدار و محقق ، آقا سید محمد باقر چهارسوقی خوانساری ، در کتاب شریف روضات الجنّات ، به مناسبت شرح حال ابراهیم بن محمد ثقفی کوفی اصفهانی ، بررسی و بحث مفصّلی ، راجع به شهر اصفهان و عظمت آن می نماید ، که فرازهایی از آن را نقل می نمائیم : ... اصفهان شهری است عظیم ... و از بزرگترین شهرهای اسلام ، که به جز شهر بغداد ( که مرکز علم و حدیث است ) در میان تمام بلاد اسلامی ، بالاترین مرتبه را ، در علم الحدیث ، و درس و نشر آن دارد (۲). قیلَ وَ مِنْ جَلِّی الْمَنَاقِبِ أَنَّهَا لَمْ یُتَسَمَّ بِهَا مِصْرٌ (۳).

و از کتاب محاسن اصفهان ، تألیف مافروخی ، نقل می نماید : اِصْفَهَانُ بِلَدَةٌ قَدِ اسْتَبَدَّتْ لَهَا مِنْ أَيْدِيهِ الْبَيْضِ قِسْمَهَا وَ وَفَّرَ مِنْ مَوَاهِبِ الْغُرَسِ هَمَهَا ، وَ صَدَّرَ فِي جَرِيدِهِ الْبِلَادِ إِسْمَهَا ، وَ الْحَقَّ بِرُسُومِ الْجِنَانِ رَسْمَهَا ، فَلَا مَزِيدَ عَلَيْهَا ، طِيبَ بُقْعِهِ وَ سَعَةَ رُقْعِهِ وَ زَكَاءَ تَزْيِهِ وَ صَفَاءَ طِينِهِ وَ أَعْتَدَالِ هَوَاءِهِ وَ عُذُوبَةَ مَاءِهِ وَ نِظَافَةَ أُوطَانِهِ وَ ظَرَافَةَ قِطَانِ لِكُونِهَا فِي نَقْطَةِ الْإِعْتِدَالِ وَ حَيْرِ الْكَمَالِ مِنَ الْإِقْلِيمِ الرَّابِعِ الْأَوْسَطِ مِنَ الْأَقَالِيمِ السَّبْعَةِ ، الْمَجْمَعِ عَلَى وَفُورِ حَظِّهَا مِنَ النَّبِيلِ وَ كَثْرَةِ خَلَاقِهَا مِنَ الْفَضْلِ ، وَ هِيَ بِالْمِغْيَارِ الْبُرْهَانِي وَ الْإِعْتِبَارِ الْقِيَاسِي ، سُرَّةُ الْأَرْضِ وَ عُرْتُهَا وَ سَيِّدَةُ الْبُلْدَانِ وَ حَرَّتُهَا (۴).

ص: ۳۴

۱- بستان الشیاحه ، صفحه ۱۱۰

۲- روضات الجنّات ، جلد ۱ ، صفحه ۵ ، هی من أكبر مُدن الإسلام و أكثرها حدیثاً ، ما خلا بغداد

۳- روضات الجنّات ، جلد ۱ ، صفحه ۵ ، یعنی از مناقب آشکار این است که ، به نام آن (اصفهان) هیچ شهری نامیده نشده است

۴- روضات الجنّات ، جلد ۱ ، صفحه ۷



و از حافظ ابونعیم نقل می نماید که : هنگامی که دستور الهی به زمین و آسمان صادر شد که : **إِنْتِيَا طَوْعاً أَوْ كَرْهًا (۱)** ، زمین اصفهان به عنوان زبان زمین (**فَمِ الْأَرْضِ لِسَانُهَا**) اجابت نمود و اطاعت خود را اعلام داشت (۲) .

و از حسین بن خوانسار جرباذقانی ، نقل می نماید که : **أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَرَمُوا : تَدَاوُّو بِمَاءِ زَنْدِهِ زُودَ ، فَإِنَّ فِيهِ شِفَاءً كُلِّ دَاءٍ (۳)**

و سپس می نویسد: اصفهان قبه الإسلام و همتای مدینه السلام (بغداد) است و چنین قبه و سرزمینی ، در میان قبه ها و سرزمین ها ، عجیب و شگفت آور است ، و لقب و عنوان او در میان لقیها ، برتری خاص دارد (۴) .

فضائل مشهور و مشهود اصفهان ، و خصال پسندیده و به شمار آمده آن ، به مرتبه ای شریف و جایگاهی برجسته رسیده است ، که هیچ کس از عقلاء ، آن را انکار نمی کند ، و هیچ دستی توان دفع آن را ندارد (۵) .

امام حسن بن علی علیه السلام ، در راه سفر به جرجان ( گرگان ) وارد اصفهان گردیدند ... و همیشه ، چهره هائی از ابدال و ابرار و صلحاء و اخیار ، در اصفهان اقامت داشته اند ، و به نقلی ، همیشه سی نفر مستجاب الدعوه ، در میان آنها بوده

ص: ۳۵

---

۱- سورة فَصَّلَتْ ، آیه ۱۱

۲- روضات الجنّات ، جلد ۱ ، صفحه ۷

۳- روضات الجنّات ، جلد ۱ ، صفحه ۷ ، یعنی با آب زاینده رود ، دردهای خود را مداوا کنید ، زیرا در آن ، شفاء هر دردی است

۴- روضات الجنّات ، جلد ۱ ، صفحه ۸ قبه الإسلام و ضَرَّه مدینه السلام فاعجَبَ بها من قبه فی آلقباب و أحسن بلقبها بین الألقاب

۵- روضات الجنّات ، جلد ۱ ، صفحه ۸

است (۱). آنگاه از جامع جورجیر ، که به وسیله صاحب بن عبّاد ساخته شده ، یاد میکند (۲) و فضیلت های فراوانی را در قالب شعر و نثر ، برای اصفهان ذکر می نماید و می نویسد :

أَقُولُ : إِنَّ الْحَقَّ أَنَّهَا أَرْفَعُ مِنْ كُلِّ هَذِهِ الْأَوْصَافِ بَكْثِيرٍ ، وَ كَفَاهَا مُنْقَبَهُ أَنَّ جُلَّ أَرْبَابِ الْحِكْمِ وَالْأَدَابِ إِزْتَقَوْا إِلَى مِيدَارِ جِهَمٍ وَ اسْتَوْفَوْا نَصَائِبَهُمْ مِنَ الْعِلْمِ ، فِيهَا (۳)

یعنی : همانا حق این است که ، اصفهان از همه اوصاف یاد شده ، بسیار بالاتر است ، و همین بس برای منقبت اصفهان ، که عمده صاحبان علم و حکمت و ادب ، در این شهر بزرگ ، به قلّه های رفیع کمال و درجات بالای علمی ، صعود نموده ، و بهره های خود را از دانش و بینش ، در این شهر ( آرزوشمند و با عظمت ) به دست آورده اند ، ( و به عنوان چهره های درخشان ، در عالم علم و تحقیق ، درخشیده اند ).

آنگاه صاحب روضات ، روایاتی را که در مذمت اهل اصفهان رسیده نقل نموده ، و می فرماید : اینها ، به دورهای مربوط است ، که قدرت و نفوذ و سیطره امویان ، بر شهر اصفهان ، جوّ عمومی این شهر را ، گرفتار دشمنی و عداوت با اهل البیت علیهم السلام عموماً ، و امیرالمؤمنین علی علیه السلام خصوصاً ، نموده بوده است (۴)

و در پایان ، از منارجنبان و عظمت مُحَيَّرِ الْعُقُولِ آن ، یاد نموده و می نویسد :

من بارها و بارها ، با جمعی زیاد ، از این دو مناره ، دیدن نموده ام ، که وقتی یکی از آنها را حرکت دهند ، هر دو مناره و بقعه و تمام ساختمان ، شدیداً

ص: ۳۶

۱- روضات الجنّات ، جلد ۱ ، صفحه ۱۰

۲- در بخش « مساجد مرکز علمی اصفهان » ، از جامع جورجیر ، به تفصیل بحث کرده ایم

۳- روضات لجنّات ، جلد ۱ ، صفحه ۱۸

۴- روضات الجنّات ، جلد ۱ ، صفحه ۱۸ - ۱۹

به حرکت می آید، و به شکل عجیبی، متمایل به راست و چپ می شود، و هیچکس سرّ این مطلب را نفهمیده، و معمارهای ماهر، همه یقین دارند که این حرکت عجیب، در این ساختمانی که با گچ و آجر ساخته شده، و حرکت یک مناره، موجب حرکت مناره دیگر و بقعه و ساختمان می شود، با قواعد معماری، هماهنگی ندارد، و حتی خارجی ها و فرنگی ها، که مرتباً به دیدن این اثر عجیب می آیند، حیرت زده می شوند، و هیچ توجیهی نیافته اند (۱).

و از نکته های جالب، درباره منارجنبان اصفهان این است که، این دو مناره و بقعه مجاور آن، بر روی قبر کسی ساخته شده، که بارها در حوادث مختلف، تر و تازه دیده شده، و هیچ گونه تغییری نیافته بوده، و این مطلب را، بسیاری از موثّقین دیده و شهادت داده اند (۲).

## ۱۲- میرزا حسین خان تحویلدار

یکی از دانشمندان محقق و متتبع، به نام میرزا حسین، فرزند محمّد ابراهیم خان، تحویلدار اصفهان در اواخر قرن سیزدهم (۳)، کتابی را به نام «جغرافیای اصفهان» تألیف نموده، که مطالب بسیار سودمندی در آن گرد آورده، و در معرفی جغرافیای طبیعی و انسانی، و آمار اصناف شهر، قدم مثبتی برداشته است

در بخشی از کتاب، در ضمن معرفی ۱۹۹ نوع از اصناف مردم اصفهان، چنین می نویسد:

ص: ۳۷

---

۱- روضات الجنّات، جلد ۱، صفحه ۱۹ - ۲۰

۲- روضات الجنّات، جلد ۳، صفحه ۳۰۶، در ذیل شرح حال داود بن عمر بن ابراهیم شاذلی اسکندری

۳- شروع در تألیف کتاب (جغرافیای اصفهان) سال ۱۲۹۴ هجری قمری بوده است (جغرافیای اصفهان - مقدمه، صفحه ۱)

نوع یک نوع مجتهدین و فضلاء ، در اصفهان بسیارند ، و به شماره در نمی آیند

هیچ ولایت در روی زمین ، مانند این بلد ، فقیه و عالم ندارد ...

چون مقتضیات موجود ، و موانع مفقود ، و در هر فن ، استادِ فاضلِ کامل ، زیاد است ، لذا محصلین علوم از بلاد ، در اینجا اجتماع میکنند ، و فارغ التحصیل می شوند ، و برای ریاست بلدان ، به اوطان ( خویش ) معاودت می کنند ، و برخی ... اقامت را ترجیح می دهند .

قریب آلِ اجتهاد ، فراوان و مجتهدِ مُجاز ، از صد نفر متجاوز

مُفتیِ جایز الفتوی و جامع الشرائط متعدّد

نوع دوّم : نوع فضلاء و علمای صاحب مسند و منصب ...

نوع سوّم : نوع طلاب و محصلین علوم . در اصفهان کلیه تحصیل کننده ها

بی حساب است . مدارس بسیار است که از قدیم ، موقوفات برای آنها باقی مانده ، به مصارف طلاب و محصّلین می رسد ، بدین جهت همه مدرسه ها مملو از ملّا ، در خانه ها هم علاوه بر اینها ، مکان و سکنی دارند .

بعضی خانواده های علماء ، که الان هر کدام ، سلسله محسوب می شوند ، از قرار تفصیل است : خانواده مرحوم حاجی محمّد ابراهیم کلباسی ... - خانواده مرحوم حاجی محمّد جعفر آبادهای ... - خانواده مرحوم حاجی محمّد ابراهیم قزوینی ... ، خانواده مرحوم آقا سیّد صدرالدین ..... - خانواده مرحوم ملّا علی اکبر خوانساری ..... ، خانواده مرحوم ملّا علی اکبر و ملّا عبدالله اژیّه ... خانواده مرحوم ملّا صالح مازندرانی ..... و سایر علماء ، که صاحب محراب و منبر و احکام شرعیّه هستند ، در این شهر بسیارند .

عادت خلق اصفهان بر آن است که ، اغلب پنج وقت فریضه را نماز فرادی نمی کنند ، و اکثر به جماعت حاضر می شوند ،

نوع چهارم: نوع حکمای الهی. کَمَلین و محصّیلین این فن، در اصفهان زیاد بودند، بسیار از بلاد بعیده آمده، بعد از تکمیل باز معاودت نمودند. اسامی استادان علم و خانواده های ایشان که در این شهر است: مرحوم ملا علی نوری، که ثانی ملا صدراى شیرازی بود، و در عصر خود، استاد کل...، مرحوم میرزا محمّد حسن چینی، استادی بود در علم، قریب الدرجه مرحوم میرزا حسن نوری، و در تقریر، اکمل، و بحر وجودش بسیار با وسعت...، مرحوم آقا سید رضی لاریجانی، از اعظم علماء این فن بوده، که مقابلی با مرحوم ملا علی نوری می نمود...، مرحوم حاجی محمّد جعفر لاهیجی، کهنه استاد بوده...، مرحوم آقا سید یوسف اعمی، استاد کاملی بود...، مرحوم ملا حسن نائینی، مردی بود از اوتاد، در علوم دین و دنیا یگانه، و در عالم توحید، مردانه...، در همه علوم، استاد و فرید دهر بود، خاصه حکمت الهی و انواع علوم ریاضی، از صبح تا به شام، طلاب علوم مختلفه، دسته دسته، پیوسته به مدرسش حاضر می شدند، و استفاده می کردند...، مرحوم آقا علی اصغر همدانی، آن هم در همه چیز فرد بود...، مرحوم میرزا مهدی رشتی...، جناب آقای میرزا أبو الحسن (۱)...، در علوم ادبیه و ریاضی و غیره، کامل، و در حکمت الهی، وحید دوران، سی سال است مجرّدانه، در تهران تدریس می نماید، و در این فنّ شریف، استاد کامل بی نظیر...، جناب آقای آقا محمّد رضا قمشه ای، از عظماء علماء این فن، و خدمت غالب استادان بزرگ را درک نموده، و تحصیل فرموده...، سالها است در اصفهان تدریس می نماید...

نوع پنجم : سادات عالی درجات و سلاسل ایشان . سلسله سادات امام جمعه ... ، سلسله سادات پاقلعه ، معروف به سادات مدرّس ... ، سلسله سادات خواجه‌ئی ، سلسله سنگینی است ... ، سلسله سادات طباطبائی ، در همه جا هستند سلسله سادات بید آبادی ، اولاد مرحوم حاجی سید محمد باقر حجه الاسلام ( شفتی ) ... سلسله سادات امامی ، که زیاد و فراوانند ، سلسله سادات تکمه چین ... ، سلسله سادات چهارسوق شیرازیها ( سادات روضاتی - خوانساری ) ، سلسله سادات کلشادی ... ، سلسله سادات قاضی عسکر ... ، سلسله سادات میر محمد صادقی ... سلسله سادات سید منصوری ... ، سلسله سادات یزد آبادی ... ، سلسله سادات گلستانه ... ، سلسله سادات شاهشاهانی ( شهشاهانی ) (۱) (۲) .

میرزا حسین خان ، در دنباله مطالب یاد شده ، از نوع میرزایان استیفاء ، و سلاسل ( سلسله های ) ایشان ، که از قدیم در جزو ارباب قلم اصفهان ، صاحبان منصب و مسند بوده اند (۳) ، و هم چنین ، از نوع اطباء و نوع روضه خوانان ، که طبیبان روحانند (۴) ، و نیز ، از نوع علماء هیئت و نجوم و رمل و جفر و عدد و هندسه و جبر و مقابله و جرّ اُتقال و مناظر و مرایا و سایر فنون ریاضی ، از علوم غریبه و غیره ، که در زمان صفویه شیوع تمام داشته ، بلکه همه علوم ایران در آن عهد ، به حدّ کمال رسیده (۵) یاد نموده ، و معرفی کرده ،

ص: ۴۰

۱- جغرافیای اصفهان ، از صفحه ۶۶ تا ۷۰

۲- در بخش ( خاندانهای علمی اصفهان ) ، بسیاری از این خاندان های علم و سیادت را ، مورد بحث و معرفی قرار داده ایم

۳- جغرافیای اصفهان ، از صفحه ۷۶ تا ۷۹

۴- جغرافیای اصفهان ، صفحه ۸۰

۵- جغرافیای اصفهان ، صفحه ۸۰ تا ۸۳

و سپس از نوع خوشنویسان و نوع شعراء یاد کرده<sup>(۱)</sup>، و بدین وسیله، اصفهان را مرکز علم و دانش و هنر و ذوق و سلیقه و ابتکار و قریحه معرفی نموده است

نویسنده یاد شده، علاوه بر مطالب فوق، در بخش معرفتی و بیان صفات و حالات و عادات مردم اصفهان، اقلیت آنها را، گرفتار صفات بد، از قبیل: ریاکاری و فساد و نفاق و...، دانسته، و اکثریت آنها را، گروه مقلدین و مقدسین و محسنین، از عامی و عالم، که محاسن واقعی دارند، تقریباً هفت عشر از مردم اصفهان دانسته و نوشته است:

غالباً مروج آداب شریعت و مرید مجتهدین و واعظین و مواظب نماز جماعت و اذکار، و مراقب مسائل دین و قرآن و پرهیزکار و خالص العقیده، و حلال خور و صادق القول، و متواضع و مهمان پذیر، و آبرو دوست و میانه رو و با عصمت، و غیور و حلیم و ظریف و با شرم، و با حقوق و با حساب

و دورانیش و مال بین و محتاط، می باشند<sup>(۲)</sup>

### صفات زنه‌ای اصفهانی

نویسنده یاد شده، اکثریت زنه‌ای اصفهانی را، با چنین اوصافی ستوده است: ... بعد از فراغت از خانه داری، مشغول خیاطی و چرخ ریزی و سایر هنرها و کسب های یدی (دستی) و أخذ مسائل شرعیّه (هستند)، و مواظب نماز و روزه، و معتقد به ختم و ادعیه (می باشند). تکاهل و تعیش و بطالت، میان آنها ننگ است...، چندین سبب دارد که غالب زنه‌ای این شهر، خود سر و بدهوا

ص: ۴۱

---

۱- جغرافیای اصفهان، صفحه ۸۴

۲- جغرافیای اصفهان، صفحه ۱۲۹

نیستند ، یکی از اوامر و نواهی و مواعظ علماء و فضلاء ، که کوچه به کوچه ، ملاً و مجتهد سکنی دارند ، و در اجرای حدود شرعیّه ، دائم ساعی و جاهد می باشند ، و یکی مواظبت خویشان و شوهران بر ایشان، و یکی کثرت عیال باری و زحمت خانه داری ... (۱).

### ۱۳- محمد مهدی اصفهانی

نویسنده محقق ، محمد مهدی اصفهانی ، در کتاب ( نصف جهان ) تحقیق مفصل و جالبی درباره اصفهان نموده ، و در ضمن بخشهای کتاب ، چنین توصیفی دارد

از جمله ممکنه معروفه اصفهان ، یکی تخت فولاد است ...، و قبور جمعی از اجمعه علماء و عرفاء و حکماء در آن است ، و اکثری مقبره دارند، و عماراتی که در اینجا است ، تکیه می نامند، و از جمله : تکیه میر ابوالقاسم فندرسکی استر آبادی است ، که به تکیه میر معروف است ، مشارالیه ، حکیمی فاضل ، و عارفی کامل بوده است ...، و دیگر قبر آقا محمّد بید آبادی اصفهانی است ، که حکیمی عارف و دانائی کاشف اسرار بوده ، و از قدماء ، بابا رکن الدین است ، صاحب تکیه و دستگاه ، که مرحوم محمّد تقی مجلسی ، کرامت غربی از او نقل می کند ... و دیگر از علماء ، آقا حسین و آقا جمال خوانساری ، و میر اسماعیل خاتون آبادی ، و میرزا محمّد علی ، مشهور به میرزا مظفر ، و فاضل هندی و ملاً مهرباب مازندرانی ، و مرحوم شیخ محمد تقی و جمعی کثیر ، که شمار آن ممکن نیست ، در آنجا می باشند (۲) ... در اصفهان ، چهارصد مسجد جامع

ص: ۴۲

---

۱- جغرافیای اصفهان ، صفحه ۱۳۰

۲- نصف جهان ، صفحه ۴۵ - ۴۶



بزرگ، و یک مسجد قابل ذکر هست (۱)، و از جمله آن چهارصد مسجد، یکی مسجد جامع عتیق است، که مخصوصاً به مسجد جامع موسوم است ... دوّم از مساجد بزرگ معتبر، مسجد جامع عباسی است، که به مسجد شاه معروف و در سمت جنوب میدان نقش جهان است ... ، مسجد جامع سوّم، مسجد موسوم و مشهور به مسجد حکیم است ... مسجد جامع چهارم، مسجدی است که مرحوم حاجی سیّد محمّد باقر مجتهد رشتی در محله بید آباد ساخته است ... ، أمّا مسجد دیگر، که قابل بیان و تعریف است، مسجد مشهور به شیخ لطف الله است ... (۲).

أمّا مدارس این شهر ... (نویسنده یاد شده، از صفحه ۶۹ تا ۷۳ کتاب خود، به معرّفی آنها پرداخته است).

#### ۱۴-دائرة المعارف الإسلامیة

در این دائرة المعارف، که به زبانهای آلمانی و انگلیسی و فرانسوی، منتشر شده، و سپس به زبان عربی ترجمه گردیده، در جلد ۲، از صفحه ۲۵۸ تا ۲۶۳، به بحث درباره اصفهان و عظمت آن پرداخته شده، و این شهر، با عبارت جامع:

هِيَ الآنَ أَهْمُ مَدِينِ الْعِرَاقِ الْعَجَمِيِّ (۳) مهمترین شهر در تمامی عراق عجم، معرّفی گردیده است، و مسجد شاه (مسجد امام = جامع عباسی) در اصفهان، از زیباترین ساختمانهای عالم

ص: ۴۳

۱- منظور از مسجد قابل ذکر، که جامع نیست مسجد شیخ لطف الله است، که از اهمیت قابل توجهی برخوردار می باشد، ولی جزء مساجد جامع به شمار نمی رود و عمدتاً خاندان سلطنتی، از آن استفاده می نموده اند، و مسجد بزرگ عباسی

(مسجد شاه = مسجد امام) مسجد جامع بوده است

۲- نصف جهان فی تعریف الإصفهان، صفحه ۶۰ به بعد

۳- دائرة المعارف الإسلامیة، جلد ۲، صفحه ۲۵۸

دانسته شده (۱) و نیز ، در آن کتاب ، آثاری از هنر و معماری اصفهان ، تشریح

شده است .

### ۱۵- سید محسن امین عاملی

علامه محقق ، آیه الله ، آقا سید محسن امین شامی عاملی ، در کتاب شریف أعيان الشَّيعة ، می نویسد : اصفهان ، شهری است بزرگ و مشهور ، که از اعلام و أعيان بلاد می باشد ... ، از این شهر ، بسیاری از علماء مسلمین برخاسته اند ، و اهل آن در زمان قدیم ، منحرف از مسیر مکتب اهل البيت عليهم السلام بوده اند ... ،

و لکن در زمان حکومت صفویّه ، دار الملک و دار العلم گردید

و همه اهل آن ، شیعه شدند، تا به امروز . اهل اصفهان ، معروف به تیز هوشی و حذاقت و خوش فکری ، و صنعتهای ارزشمند و ریشه دار ، می باشند (۲).

### ۱۶- محمد فرید وجدی

دانشمند بزرگ عرب ، محمد فرید وجدی ، در دائره المعارف مشهور خود می نویسد : اصفهان ، شهری است از مشهورترین شهرهای فارسی ... که در گذشته ، پایتخت بلاد فارسی بوده، و هم اکنون از بزرگترین بلاد عجم ، به شمار

ص: ۴۴

---

۱- أمّيا مسجد الشّاه الذی لا یزال قائماً فهو مُغَطّی تماماً بالأجر المَطْلَیّ بالمیناء ... وهذا المسجد من أجمل بنايات العالم (ص ۲۶۱) یعنی : امّیا مسجد شاه که همیشه برپا است ، پس همه اش پوشیده شده به آجر لعاب دار ( کاشی ) می باشد... و این مسجد از زیباترین ساختمانهای عالم می باشد

۲- أعيان الشَّيعة ، چاپ قدیم ، جلد ۱، قسم دوّم، صفحه ۲۳۰ ، چاپ جدید جلد ۱، صفحه ۱۹۵

## ۱۷- جابری انصاری

دانشمند محقق و متتبع ، حاج میرزا حسن خان انصاری ، در کتاب (تاریخ اصفهان و ری ) می نویسد : ... مردمش عموماً دانش پژوهند . هر یک خواندن و نبشتن نیکو میدانند ، صنعتگران و دگان داران ، أشعار بزرگانی از شعرای پارسی زبان را محفوظ دارند ، و تجارشان حاذق و دانا و أصحاب نشاط و خوش گذرانند (۲)(۳).

عدد ( اصفهانی ) را با ( زیرک ) « ۲۳۷ » مطابق یافته اند ، و بزرگ دلیل بر زیرکی اصفهانیان ، گردش حضرت سلمان به گرد جهان ، در پیدایش حق ، چون از روایات صحیحه ، به یقین رسیده ، که حضرتش از دهقان زادگان جی اصفهان، بوده است (۴).

## ۱۸- علی اکبر دهخدا

دانشمند محقق و متتبع ، و چهره نامدار فرهنگ و ادب فارسی ، علی اکبر دهخدا ، در لغتنامه دهخدا، در یک بررسی بسیار مفصل و جامع در جلد هفتم ، از صفحه ۲۷۷۴ تا ۲۸۰۸ ، درباره تمام مشخصات تاریخی ، معماری ، علمی

ص: ۴۵

---

۱- دائرة المعارف فرید وجدی ، جلد ۱ ، صفحه ۳۸۴

۲- منظور ، خوش گذرانی نامشروع نیست ، بلکه انتخاب روش هائی در گفتار و رفتار و معاشرت است ، که موجب انبساط روح و شادی روان می باشد ، که نمونه آن ، استفاده از شوخی های ملیح و نمکین و نشاط آور است

۳- تاریخ اصفهان و ری ، صفحه ۴

۴- تاریخ اصفهان و ری ، صفحه ۵ - ۶ ( پاورقی )

و فرهنگی و آثار بزرگ تاریخی اصفهان بحث نموده ، و ستایش هائی از این شهر دارد ، که ذیلاً به برخی از آنها توجه می نمائیم : ... هوای لطیف دارد و أهل وی زیرک باشند در صناعتها ... (۱)، أغلب ، شجاع و مبتکر و کریم و مهمان نوازند ، و در این باره اخبار عجیبی از آنان نقل شده است ... و در علوم و صناعت ، ماهرند (۲) ، مدارس قدیم ، بحمد الله هنوز دائر است ، و طلاب علوم قدیم ، عده ای در دوره مقدمات و عده ای در علوم شرعی اشتغال به فقه و اصول و حکمت دارند ، درس خارج هم در اصفهان معمول است ، طب قدیم نیز تدریس می شود ... ، در مدارس عمده ، از قبیل : مدرسه صدر و چهارباغ و جدّه بزرگ و جدّه کوچک و مدرسه نیم آورد و مدرسه ملا عبد الله ، طلابی اشتغال به تحصیل و مباحثه دارند ... ، کتب درسی ... از قبیل : معالم و شرایع و شرح لمعه و ریاض و مکاسب و کفایه و قوانین و کتب طبّی از قبیل : شرح نفیسی و شرح اسباب و قانون شیخ الرئیس و کتب چگمی و کلامی ، از شرح منظومه و شرح تجرید و شرح اشارات و شوارق و أسفار تدریس می گردد (۳) .

... شهر زیبای اصفهان ، از قدیم ترین روزگاران ، مرکز صنایع و هنرهای زیبا بوده و شاهکارهای هنری هنرمندان آن ، هم اکنون نیز در بناهای باشکوه تاریخی آن شهر ، متجلی است و دیده هر بیننده را خیره می سازد . در این بناها هنرنمایی هائی به چشم می خورد که نشانه چیره دستی هنرمندان این شهر در

ص: ۴۶

- 
- ۱- جلد ۷، صفحه ۲۷۷۴ ، ستون دوّم
  - ۲- جلد ۷، صفحه ۲۸۰۲ ستون اوّل ، البته باید دانست که درباره صفات مردم اصفهان در کتابها ، به نحو متناقض ، قضاوت شده و ممکن است ، مربوط به دروه های مختلف ، یا محله های گوناگون و شرائط متفاوت بوده است
  - ۳- جلد ۷، صفحه ۲۸۰۲ ، ستون اوّل

صنایع معماری، بنائی، محراب سازی، مناره سازی، گنبد سازی، کاشی کاری و جز اینها است ... (۱).

## ۱۹- حسین نور صادقی

وی در کتاب ( اصفهان ) می نویسد: یگانه شهر بزرگ ایران، اصفهان است، که از قدیم ترین آزمون تاریخی بجا مانده، و در تمام تواریخ، نام آن دیده می شود، حتی اگر به کتیبه های میخی، که متعلق به دو یا سه هزار سال پیش از میلاد است مراجعه شود، می بینیم ( آنزان ) که شامل ناحیه اصفهان بوده، حد شرقی ممالکی است که بابلی ها از آن اطلاع داشته اند، و قبل از کورش، مرکز اقتدار هخامنشیان، در اصفهان بوده، و پس از کورش، اسم آنزان، تبدیل به گابیان شده، و استرابن هم، آن را به این اسم نامیده است. لفظ گابیان کم کم تبدیل به گابید و آن، به جی، تغییر یافت.

مورخین، نامش را به صور مختلفه، اسپهان، اسپهان، اسپهان، اسپهان، اسپدان و آپادانا نوشته اند ... در تمام دوره ساسانیان، شهر اصفهان، مقر حاکم آن ولایت، و یکی از ضرابخانه های بزرگ بوده، و حتی در صدر اسلام هم، ضرابخانه بزرگی بوده است (۲).

## ۲۰- رفیعی مهر آبادی

نویسنده متتبع، مرحوم أبو القاسم رفیعی مهر آبادی، در مقدمه کتاب ارزشمند ( آثار ملی اصفهان ) می نویسد:

ص: ۴۷

---

۱- جلد ۷، صفحه ۲۸۰۵، ستون دوم

۲- اصفهان، از حسین نور صادقی، صفحه ۱ و ۲

قدر مسلم این است که اصفهان در گذشته، اهمیت تاریخی بسزائی داشته... و رجال و علماء و محدثان و عرفاء و شعراء و ادباء و... و مردمانی هنرمند و حرفت‌اندوز و بصیر، از آنجا برخاسته‌اند، و در آزمون پیش از اسلام و بعد از آن، حوادثی بزرگ و تحولاتی سترگ، در آن روی داده است (۱).

## ۲۱- نشریه اداره اوقاف اصفهان

اصفهان از آغاز ظهور و نشر اسلام در ایران، دارای سوابق ممتد و مشعشع تاریخی می‌باشد، و با داشتن مساجد بسیار کهن و اماکن مقدسه، تاریخچه وقف آن اعصار، فوق العاده مهم و شایان توجه است.

مسجد جمعه اصفهان، که قسمتهای مختلف آن، نمودار فن معماری و سلیقه و ذوق هنرمندان ایران، طی قرون متمادی است و تحولات ساختمانی و گچ‌بری و آجرکاری و کاشی‌سازی و اقسام هنرهای جالب در حجاری و مثبت‌کاری و غیره، از قرون اولیه اسلام را نشان می‌دهد و از نودار شاهکارهای باستانشناسی ایران، در دوره‌های دیلمی، سلجوقی و صفوی می‌باشد.

میدان شاه (منظور میدان امام است) مسجد شاه (منظور مسجد امام است)، مسجد شیخ لطف الله، عالی قاپو، چهلستون، مدرسه چهارباغ، مساجد و مدارس و مناره‌ها و امامزاده‌ها و بقعه‌ها و کاروانسراهائی که در کلیه نواحی اصفهان و اطراف شهر وسیع، وجود دارد، این منطقه را شهری تاریخی به دنیا معرفی کرده و مجموعه‌ای از آثار معماری و هنری ایران، طی مدتی قریب ده قرن گذشته، می‌باشد.

ص: ۴۸

و به موازات همین اهمیت تاریخی و باستانشناسی ، اصفهان از لحاظ توسعه اوقاف و کثرت موقوفات ، شایان اهمیت و مطالعه است ، و با داشتن مساجد و آبنیه خیریه قدیمی ، تاریخچه وقف آن ، از اعصار قدیم ، به دوران آل بویه و سلجوقیان و دیلمیان ، می رسد (۱).

## ۲۲- دکتر محمد معین

در بخش اعلام فرهنگ معین ، از آبادی گسترده اصفهان در زمان صفویه یاد شده ، تا آنجا که نقل نموده ، آن را نصف جهان دانسته اند ، و جمعیت اصفهان را در ردیف اول شهرهای جمعیت کشور ، پس از تهران دانسته و در پایان گفتار ، بیان نموده است :

اکنون ، از حیث آثار تاریخی ، از معروف ترین شهرهای ایرانست (۲).

## ۲۳- غلامحسین مصاحب

دانشمند محقق ، غلامحسین مصاحب ، در دائره المعارف خود ، که به نام ( دائره المعارف فارسی ) نامیده شده ، می نویسد :  
... پایتخت چند سلسله از سلاطین سابق ایران ، سومین شهر بزرگ و از شهرهای تاریخی کشور ، در ۴۲۰ کیلومتری تهران ..... دارای آب و هوای معتدل و فصول منظم است . اصفهان مملو از آثار هنری و اماکن تاریخی است ، از جمله ، مسجد جمعه ، مسجد شاه ، و مساجد دیگر ... مدرسه ها ... امکان زیارتی

ص: ۴۹

---

۱- سپاسگزاری از مردم ، نشریه اوقاف اصفهان مربوط به سال ۵ - ۱۳۴۶ شمسی ص ۱۰

۲- فرهنگ معین ، جلد ۵ ، صفحه ۱۵۴

و مقبره ها و بقعه ها... مناره ها ... کاخها و میدانها و خیابانها و باغها و پلها .....(۱).

## ۲۴-دائرة المعارف الإسلامیة الشیعیه

در این دائرة المعارف ، در تحت عنوان اصفهان ، در جلد ۶ از صفحه ۲۳ تا ۳۲، به شکل مبسوطی شرح و تفصیل داده شده ، و زیبایی های این شهر از نظر طبیعی و مناظر دل انگیز ، مورد معرّفی قرار گرفته ، و از زاینده رود و ساختمانها و آثار تاریخی مهم اصفهان ، همانند : مسجد جامع ، مسجد شاه ( مسجد امام فعلی )، مسجد شیخ لطف الله ، مسجد و مدرسه چهارباغ ، مناره های مهم و تاریخی و ... معرّفی گردیده ، و عظمت علمی و دینی شهر ، با ذکر نمونه هائی از

خاندانهای علمی ، همانند : خاندان صدر ، مجلسی ، خوانساری ، طباطبائی ، تویسرکانی ، کلباسی ، شفتی ، مدرّس ، خاتون آبادی ، فشارکی ، روضاتی و ...، و ذکر چهره هائی از شخصیت های علمی و معرّفی بانوی بزرگ و مجتهدة ایرانی ، مورد توجه قرار داده شده ، و شعرای نامدار و عرب زبانی که از اصفهان درخشیده اند و در عالم ادب عربی و اسلامی ، نام و عنوان یافته اند، همانند : عبدان اصفهانی ، أبو سعید رستمی ، أبو محمد خازن ، أبو العلاء أسدی ، أبو الحسین غویری و ... ، شاهد کمال ادبی اصفهان ، حتی در ادب عربی ، به شمار آمده ، و سپس چنین توضیح داده شده است : وَعَدَا عَنِ الشُّعْرِ وَالْأَدَبِ ، فَصَدَّ أَخْرَجَتْ إِضِيْفَهُانُ أَغْلَامَ الْفُقَهَاءِ وَالْمُجِدِّثِينَ ... وَبَعِيدَ أَنْ سَادَ التَّشْيِيعُ فِيهَا ، أَضِيْحَبَتْ ذَاتَ حَوْزِهِ عِلْمِيَّةٍ شِيعِيَّةٍ مِنْ أَكْبَرِ الْحَوَازَاتِ الْعِلْمِيَّةِ، وَتَتَالَى فِيهَا ، كِبَارُ عُلَمَاءِ الشَّيْعَةِ ، حَتَّى الْيَوْمِ (۲).

ص: ۵۰

---

۱- دائرة المعارف مصاحب ، جلد ۱، صفحه ۱۶۲

۲- دائرة المعارف الإسلامیة الشیعیه ، جلد ۶، صفحه ۲۵



و در جای دیگری نوشته است :

وَلَا تَزَالُ إِصْفَهَانُ، حَتَّى الْيَوْمِ مَقَرًّا لِلدِّرَاسَاتِ الدِّيْنِيَّةِ وَيَبْلُغُ عَدَدُ طُلَّابِهَا مَا يَزِيدُ عَلَي

خَمْسِمِائِ طَالِبٍ تَأْوِيهِمُ الْمَدَارِسُ الْأَتِيَّةُ...، و آنگاه هجده مدرسه علمیه دینیه را ، اسم برده است (۱).

و هم چنین در معرفی شهر اصفهان ، از مزار و بقعه علامه مجلسی و اجتماع زائرین برای زیارت آن بزرگمرد ، و نیز از مقبره صاحب بن عباد، یاد نموده و مهاجرت علماء بزرگ را از دیگر بلاد اسلامی ، همانند جبل عامل ، نشانه علم دوستی و دین داری و قدر شناسی مردم اصفهان شمرده ، و بیان داشته است که ، مسجد شیخ لطف الله عاملی ، که برای یک دانشمند عاملی ساخته شده ، نشانه وفاداری و علاقمندی اصفهان به علم و دانش می باشد (۲). و در یک عبارت کوتاه ، از مرکزیت علمی و دینی و تشیع اصفهان ، چنین یاد شده است :

... وَ لَكِنَّ إِصْفَهَانَ صَارَتْ فِي دَوْلَةِ الصَّفَوِيِّينَ دَارَ الْمُلْكِ وَ دَارَ الْعِلْمِ ، وَ صَارَ جَمِيعُ أَهْلِهَا الْمُسْلِمِينَ ، شِيعَةً إِلَى الْيَوْمِ (۳).

ص: ۵۱

۱- عدد ۵۰۰ طلبة و شمار ۱۸ مدرسه علمیه ( در عبارت فوق )، مربوط به زمان تنظیم مقاله ، به وسیله نویسنده آن ، سید حسن امین ، فرزند علامه ، سید محسن امین ، صاحب کتاب اعیان الشیعه است ، و گرنه ، در حال حاضر ، اصفهان بیش از دو هزار و پانصد طلبة و بیش از سی عدد مدرسه آباد و مورد استفاده و مسکونی و محل درس دارد

۲- در عبارت دائره المعارف یاد شده، آمده است : مسجد الشیخ لطف الله العاملی ، هذا اثر من جبل عامل فی اصفهان ، اثر لعالم عاملی ، سلیل علماء عاملین ، احتضنتهم اصفهان فکانوا أكفاء هذا الإحتضان بما بذلوه من علم و عمل و اخلاص ، و كانت اصفهان وفيه لهم بما یسیرت لهم من سبل و ما مهدت لهم من وسائل ، ثم حفظت ذکراهم فی هذا المسجد العظیم الذی إذا کان یحمل اسم واحد منهم ، فأنما هو رمز لهم جميعاً... ( صفحه ۳۱ )

۳- دائره المعارف الإسلامیه الشیعیه ، جلد ۶ ، صفحه ۲۵

استاد باستان شناس معروف، آقای دکتر هنرفر، در کتاب (راهنمای اصفهان) می نویسد: اصفهان از جمله شهرهایی است که، شاید تاریخ و سابقه آن، به سابقه و قدمت کشور ایران، برسد، و در عموم دوره های تاریخی، از شهرهای بزرگ و مشهور ایران، به شمار می رفته است. نویسندگان قدیم، بنای اصفهان را به طهمورث دیوبند، سومین پادشاه از سلسله پیشدادیان، نسبت داده اند. از جمله، صاحب نسب نامه، که در ابتدای سلطنت سلجوقیان، می زیسته، و رساله ای در أنساب ملوک پارس نوشته، در این مورد تصریح نموده و می گوید: که طهمورث، ابتداءً دو بنا و آبادی، در این محل نزدیک به یکدیگر طرح نموده و بساخت، و یکی را، سارویه و دیگری را مهرین، نام نهاد و به مرور زمان، جمعیت و آبادی آنجا زیاد شده به یکدیگر پیوست، و شهری معتبر گردید.

آنچه مسلم است، بانی این شهر، هر که بوده از اهل علم و حکمت و با کمال دانش و حذاقت و مهارت بوده، و با دقت زیاد و ملاحظه کیفیت خاک و خوبی آب و هوا، و نزدیکی آب به سطح زمین، و دسترسی به رودخانه و سایر محاسن در این محل بنای شهری نموده، چه هیچ موضعی از اطراف دور و نزدیک جلگه ای که شهر اصفهان در آن واقع شده، متصف به این صفات نیست (۱).

اصفهان پیوسته مهد علم و ادب ایران بوده، و در رشته های مختلف علم و ادب و تاریخ و فلسفه، مردان بزرگی از آن برخاسته اند...، در بعضی فنون شعر و ادب، مانند قصیده سرائی و ترجیع بند، اصفهان سخنوران بزرگی مانند:

ص: ۵۲

جمال الدّین عبد الزّزاق و کمال الدّین اسماعیل و هاتف ، داشته است (۱).

مدارس قدیمه اصفهان ، محلّ تدریس و تحصیل علوم مذهبی و الهیات و حکمت و ادبیات بوده است ... ، معمولاً زندگی طلبگی ، بسیار ساده و بی پیرایه بوده ، اطاق طلبه ، با فرشی بسیار ساده مفروش می شده ، و غذای او ، ساده ترین مأكولات بوده است ، از این جهت ، تمام حواس آنها متوجّه تحصیل و فراگرفتن معارف زمان می شده ، و أغلب ، در بین آنها نوابغی به ظهور می رسیده اند .

کلیه دانشمندان و رجال علمی و سیاسی قدیم ایران ، مانند : خواجه نظام الملک و ابن سینا و أبوریحان بیرونی و إمام غزالی و خواجه نصیر طوسی و سایرین از علماء و أدباء و روحانیون طراز اول و حکماء و فلاسفه ، مدارج تحصیلی را ، در همین نوع از مدارس طلبه نشین ، پیموده اند (۲) .

### اظهار نظری دیگر

باستان شناس یاد شده ، در کتاب اصفهان ، ( در مقدمه ) نوشته است :

اصفهان از شهرهای بسیار قدیمی ایران است . حُسن موقع جغرافیائی و طبیعی آن در مرکز فلات ایران و خاک حاصلخیز و وجود زاینده رود ، در همه دروانهای گذشته ، به آن امکان داده است که ، از مراکز مهم فعالیت‌های نژاد آریائی ساکن این مرز و بوم باشد . همیشه آب و هوای آن در خوبی ، ضرب المثل نویسندهگان و شعرا بوده ، و مردم آن ، به داشتن هوش و ذکاوت فوق العاده ، و ابتکار و هنرمندی ، ممتاز بوده اند .

خاک اصفهان را ، از دیرباز هنر پرور ، و مردم آن را ، هنر آفرین ، معرّفی

ص: ۵۳

---

۱- راهنمای اصفهان ، نشریه سازمان جلب سیاحان ، چاپ ۱۳۴۵ شمسی ، صفحه ۴۱

۲- راهنمای اصفهان ، از دکتر هنرفر ، صفحه ۱۲۴ - ۱۲۵

کرده اند ... ، در دوره های اسلامی تاریخ ایران ، و طی چهارده قرن اخیر ، پیوسته از شهرهای مهم ایران به شمار رفته ، و چند دوره پایتخت بوده ، بخصوص در دوران سلاجقه ، پایتخت امپراتوری پهنآوری بوده ، که یک مرز آن ، رود جیحون ، و مرز دیگرش دریای مدیترانه بوده است ، و در دوران صفویّه ، که پایتخت این سلسله بوده ، شهرت جهانی داشته است . درباره تاریخ و جغرافیا و رجال و نویسندگان و شعراء و آثار تاریخی و اماکن مقدّسه و سنن و آداب و رسوم و شعائر محلی آن ، از قرن سوّم هجری تا زمان حاضر ، کتب متعدّدی به وسیله مورّخان و نویسندگان ، تدوین شده است (۱)(۲).

### اصفهان ، ستار جهان اسلام

هم چنین باستان شناس نامی و محقق یاد شده ( دکتر هنرفر ) در کتاب ( آشنائی با شهر تاریخی اصفهان ) ، توصیفی جالب ، از اصفهان و عظمت تاریخی و طبیعی و علمی آن نموده ، که ذیلاً نقل می گردد :

اصفهان از شهرهای بسیار قدیمی است ، و موجودیت تاریخی آن ، به هزاره سوّم قبل از میلاد هم ، می رسد . حُسن موقع طبیعی و جغرافیائی آن ، در مرکز فلات ایران ، و خاک حاصلخیز و مصون بودن از آفات ارضی و سماوی ، و وجود زاینده رود ، در همه دوره های گذشته ، به آن امکان داده است که از

ص: ۵۴

---

۱- اصفهان از دکتر هنرفر ، ( مقدّمه )

۲- دکتر لطف الله هنرفر ، در معرّفی آثار برجسته اصفهان ، و شناساندن آثار هنر و ذوق و ابتکار و علم و دانش مردم اصفهان ، نقش بسیار مهمی ایفاء نموده ، و کتاب مشهور او ( گنجینه آثار تاریخی اصفهان ) ، در یک هزار و چهل صفحه ، به راستی ، نقش اساسی در این زمینه ، ایفاء نموده است

مراکز مهمّ فعالیت های اقوام آریائی ساکن این مرز و بوم باشد .

در دوره های اسلامی تاریخ ایران ، و طیّ پانزده قرن اخیر ، پیوسته از شهرهای مهمّ ایران محسوب می شده ، و در دوره های آل زیار و آل بویه و سلاجقه و صفویّه ، پایتخت ایران بوده است ، و بخصوص ، در دوران سلجوقیان ، پایتخت امپراطوری گسترده ای بوده ، که یک مرز آن رود سیحون ، و مرز دیگرش سواحل شرقی دریای مدیترانه بوده است ، و از سال ۱۰۰۶ هجری به بعد ، که پایتخت شاه عباس اوّل از قزوین به اصفهان انتقال یافت ، در مدّتی قریب به یک قرن و نیم ، پایتخت سلسله صفویّه بوده ، و شهرت جهانی داشته است . مورّخین و باستان شناسان و ایران شناسان خارجی یک قرن اخیر اروپا ، اصفهان را در ردیف شهرهای مهمّ درجه اوّل تاریخی دنیا ، مانند پکن و ونیز و رم و فلورانس ، معرّفی کرده اند ، و

از نظر نفاست و اهمّیت تاریخی - اسلامی آن ، ستاره جهان اسلام

لقب گرفته است (۱)

## ۲۶- دکتر فضل الله صلواتی

دبیر کنگره بزرگداشت اصفهان ، آقای دکتر صلواتی ، در مقدمه ای بر کتاب (الإصفهان) از (سید علی جناب) می نویسد :

اصفهان ، در طول اعصار و قرون ، مرکز تلاش و فعالیت و هنر و صنعت بوده است . چه بسیار شایستگی که توانستند در این شهر بزرگ ، منشأ خدمات و آثار ارزنده ای برای مردم باشند ، و چه بسیار گامهای مفید و مؤثری که برای اعتلای انسانیت برداشتند و در دوران پرشکوه پیروزی انقلاب اسلامی نیز ،

ص: ۵۵

---

۱- آشنائی با شهر تاریخی اصفهان ، صفحه پنج و شش

مردم اصفهان نقش سازنده خود را به نحو احسن ایفاء نمودند و با تربیت عالمانی شایسته، فقیهانی با تقوی، هنرمندانی متعهد، شاعرانی متبحر، به تاریخ خود جلای بیشتری بخشیدند.

کنگره بزرگداشت اصفهان، بهانه ای بود تا اندیشمندان کشور، گوشه هائی از این ارزشها را به جهانیان و به نسل آینده، نشان دهند و نوشته ها و کتابهائی را در زمینه فرهنگ و تاریخ این مرز و بوم، عرضه نمایند (۱).

## ۲۷-دائرة المعارف تشیع

در دائرة المعارف تشیع، جلد ۲، از صفحه ۲۱۵ تا ۲۲۰، درباره عظمت علمی و ادبی و تاریخی و هنری اصفهان، و تا صفحه ۲۲۸، در معرفی جمعی از چهره های برجسته علمی و ادبی شیعه، که از مفاخر اصفهان می باشند، بحث و بررسی شده است. در این بررسی، علاوه بر بیان مزایای طبیعی و اجتماعی اصفهان، از آثار تاریخی و معماری های هنرمندانه آن، بحث شده و نقش برجسته علماء و رهبران اصفهان، در مسائل علمی و دینی و اجتماعی، مورد توجه قرار گرفته، و در ضمن این بررسی، آمده است:

اصفهان در دوره اسلامی، فقهاء، دانشمندان، فیلسوفان، تاریخ نگاران، عرفاء، شاعران و هنرمندان بسیاری، در دامان خود پرورده است، و شمار زیادی از علمای اسلامی، در این شهر، به تحصیل علوم پرداختند.

پاره ای از علماء، در جاهای دیگر، تولد یافتند و بر آمدند، اما به واسطه طول اقامتشان در اصفهان، به اصفهانی شهرت یافتند، و برخی نیز در اصفهان

ص: ۵۶

تولد و پرورش یافتند، اما از این شهر بیرون رفته، و در جاهای دیگر سکونت گزیدند.

از علمای شیعی اصفهان، أبو الفرج اصفهانی (م ۳۵۶ ق) أبوعلی مسکویه (م ۴۲۱ ق) أبونعیم اصفهانی (م ۴۳۰ ق) شاه علاء الدین محمد اصفهانی (م ۸۵۰ ق) ملا محمد تقی مجلسی (م ۱۰۷۰ ق) ملا محمد باقر، مجلسی دوم (م ۱۱۱۱ ق) آقا محمد بیدآبادی (م ۱۱۹۸ ق) محمد ابراهیم کلباسی (م ۱۲۶۱ ق) شیخ محمد حسن اصفهانی، معروف به صاحب جواهر (م ۱۲۶۶ ق) ( أبو المعالی کلباسی (م ۱۳۱۵ ق) سید ابوالحسن اصفهانی... و از گویندگان نامی این شهر: شفائی اصفهانی، شیخ محمد حزین، آذر بیگدلی، هاتف اصفهانی، مجمر اصفهانی، واله اصفهانی، سروش اصفهانی و... را می توان نام برد (۱).

## ۲۸- عبد الغفور بلوشی

دانشمند محقق، عبد الغفور بلوشی، در مقدمه کتاب طبقات المحدثین یا صبهان، جمله هائی جالب درباره سابقه علمی اصفهان آورده، که ذیلاً به برخی از آنها، اشاره می نمائیم: ... اصفهان از قرون اولیه اسلامی محلّ مهاجرت علماء، برای به دست آوردن حدیث بوده، و طالبین حدیث، در این شهر، بار می انداخته اند، تا آنجا که شهر اصفهان، در کثرت حدیث، و علوّ سند (۲) با شهر بغداد ( که مرکز

ص: ۵۷

۱- دائره المعارف تشیع، جلد ۲، صفحه ۲۱۹

۲- علوّ سند، اصطلاحی است مربوط به علم درایه الحدیث، و به معنی کم بودن واسطه های نقل حدیث است، که در اثر طولانی بودن عمر محدثین، با شمار کمتری از وسائط، سلسله راویان، حدیث را به پیامبر و امام، متصل می نموده اند

علوم اسلامی بوده ( مشابهت داشته ( و پهلو به پهلو می زده است ) (۱).

... أهل اصفهان در نو آوری ، در صناعات دستی محلی و دقیق ، بی نظیرند ، و در این زمینه ، همانند ندارند ... ، در هر فنی ، صنعت گران اصفهانی ، بر دیگر صنعتگران برتری دارند، تا جایی که یک روسری به اندازه چهار زرع می بافند ، که فقط وزن آن چهار مثقال است ( و با موادی بسیار کم ، محصولی بزرگ و دقیق عرضه می نمایند ) و نیز ، کوزه گری هنرمند ، کوزه ای می سازد ، به وزن چهار مثقال ، که هشت رطل آب در آن جای می گیرد، و بر همین مقیاس ، هنرمندان ( مبتکر و ظریف کار اصفهانی ) در همه زمینه ها ، آثار هنری خود را عرضه می نمایند (۲).

اصفهان شهری است عظیم ، از برجسته ترین و پر آوازه ترین شهرها ، که در برگیرنده اقسام صفات شایسته ، از قبیل خاک پاکیزه ، هوای سالم ، گوارائی آب ، جو با صفا ، بدنهای سالم ، صورت زیبای مردم ، مهارت و حذاقت در علوم و صنایع ، می باشد (۳).

... به خاطر اهمیت و برجستگی های اصفهان بوده ، که همیشه مردم دیگر شهرها ، با دید شگفتی و إعجاب به اصفهان می نگریسته اند، و مایل بوده اند که به اصفهان هجرت کنند ، و اثر این توجه ، همانا دانشمندان بزرگ و پیشوایان علوم و صنعتگران ماهر و تجار حاذقی هستند ، که از این سرزمین ارزشمند برخاسته اند ، و در عالم علم و صنعت درخشیده اند ، و گواه این علاقه شدید به

ص: ۵۸

---

۱- طبقات المحدثین یاصبهان ، جلد ۱ ، صفحه ۱۵ ( مقدمه )

۲- طبقات المحدثین یاصبهان ، صفحه ۳۶

۳- طبقات المحدثین یاصبهان ، جلد ۱ ، صفحه ۳۷ به نقل از قزوینی



شهر اصفهان ، یکی گفتار سعید بن مسیب ( که از تابعین بزرگ است ) می باشد ، که گفته است : اگر من مردی از قریش نباشم ، دوست می دارم از اهل فارس یا اصفهان باشم(۱)، و نیز گفتار او است که اظهار داشته : اگر آرزو داشته باشم که اهل شهری باشم ، آرزویم این است که از اهل اصفهان باشم (۲) .

... تعجب و شگفتی نیست اگر اصفهان ، خانه سنت پیامبر صلی الله علیه و آلهی و سلم ، و محل مهاجرت علماء ، و بار انداز سفر آنها باشد ، و مساجد و مدارس آن، جایگاه شور و نشاط علماء و دانشمندان قرار گیرد، تا جائی که نظام الملک ، در قرن پنجم، یکی از مدارس بزرگ خود را ، در شهر اصفهان ، تأسیس نموده است (۳)

فَصَارَتْ حَقًّا ، دَارَ هِجْرِهِ لِلْعُلَمَاءِ وَ مَحَلَّ نَشَاطِهِمْ حَتَّى أَقْبَلَ بَعْضُ الرُّؤَسَاءِ وَ الْعُمَالِ يَتَنَشَّطُونَ إِمَّا فِي تَلْقَى الْحَدِيثِ أَوْ إِكْرَامِ الْمُحَدِّثِينَ (۴) .

كَانَ لِاصْبَهَانَ مَكَانَهُ عِلْمِيَّةً مَرْمُوقَةً بِحَيْثُ صَارَتْ مَقْصِدَ الْقَاصِي وَالِدَانِي وَ لِأَسِيْمَا بَعْدَ مَا اسْتَبَوَتْهَا عَيْدٌ مِنْ كِبَارِ الْحِفَاطِ الْمُحَدِّثِينَ (۵)

## ۲۹- سخاوی

كَانَتْ إِصْفَهَانُ تَضَاهِي بَعْدَادَ فِي الْعُلُوِّ وَ الْكَثْرَةِ (۶).

ص: ۵۹

۱- لو لم اكن رجلا- من قریش ، لاحتببت أن أكون من أهل فارس أو إصبهان ( ذکر اخبار اصبهان ، جلد ۱ ، ص ۳۹ ، و طبقات المحدثین یا صبهان ، جلد ۱ ، صفحه ۳۹ )

۲- لو تمنيت أن أكون من أهل اصبهان ، ( طبقات المحدثین یا صبهان جلد ۱ ، صفحه ۳۹ و ذکر أخبار إصبهان ، جلد ۱ ، صفحه ۳۹ )

۳- طبقات المحدثین یا صبهان ، جلد ۱ ، صفحه ۴۱

۴- طبقات المحدثین ، جلد ۱ ، صفحه ۶۸

۵- طبقات المحدثین ، جلد ۱ ، صفحه ۶۷ - ۶۸

۶- طبقات المحدثین باصفهان ، جلد ۱ ، صفحه ۶۸

یعنی: اصفهان همانند بغداد بود در علو اسناد و فراوانی حدیث و نشر آن

### ۳۰- سید مصلح الدین مهدوی اصفهانی

نویسنده متبّع و مشهور، مرحوم آقای سید مصلح الدین مهدوی، متوفای: ۱۴۱۶ قمری، در مقدمه تذکره القبور مرحوم آخوند گزی، که به نام رجال اصفهان منتشر نموده، نوشته است: شهر اصفهان از قدیم ترین ازمینه تاریخی، مجمع ارباب فضل و کمال و مرکز اصحاب وجد و حال بوده، و همیشه علماء بسیار و فضلاء و دانشمندان بی شمار، از آن برخواسته اند، و چون در مرکز

عراق عجم (طبق تقسیمات قدیم) و بالتّیجه در مرکز مملکت، واقع بوده است اور چندین دوره، پایتخت سلاطین واقع شده است، که مهمترین آنها در زمان سلاجقه، و بعداً در زمان صفویّه بوده، پادشاهان بزرگ، در آبادی ظاهری آن کوشیده، و علماء، بر اهمیت واقعی آن افزوده اند. علی هذا، در هر زمانی عدّه ای از بزرگان، همّت نموده، و کتبی در تاریخ و جغرافیا و رجال اصفهان، نگاشته اند، که از آن جمله است ... (۱).

### نگرشی دیگر

و نیز، دانشمند محقق و متبّع، یاد شده، که درباره شرح حال علماء و بزرگان اصفهان، تألیفات زیاد از خود بجای گذارده و در حدود هشتاد اثر قلمی دارد، در مقدمه کتاب دانشمندان و بزرگان اصفهان، می نویسد:

اصفهان از قرون اولیه اسلام، مرکز علم و دانش بوده، علماء و عرفاء و حکماء و شعراء و محدّثین و زوّاه و وعّاظ و گویندگان زیادی از آنجا

ص: ۶۰

بر خاسته اند، که جهت اخذ علم و حدیث به این شهر و آن شهر مسافرت نموده، و به خدمت بزرگان علم و رواه احادیث رسیده، و از هر یک، نکته ای آموخته، تا خود عالمی بزرگ و حافظی ثقه، یا فیلسوفی عالیقدر و عارفی گرانمایه، و شاعری نامدار شده اند، سپس به مؤلّد خود مراجعت نموده یا برای خدمت بیشتری به علم و دانش، در غربت، زندگانی را به سر برده اند. برای نمونه، کتاب ذکر اخبار اصفهان، تألیف حافظ ابونعیم اصفهانی، در حدود دو هزار نفر از آنان را نام می برد.

در کتاب حاضر، از هر بیست نفر از این مردان، (که در طول تاریخ علمی اصفهان، درخشیده اند) شاید به نام یک نفر اشاره شده باشد، آنهم بیشتر از علماء شیعه، از عهد صفویّه تا قرن حاضر (۱).

### توصیفی دیگر

و هم چنین نویسنده مذکور، در مقدمه کتاب دار العلم شرق (مخطوط) به مناسبت بحث درباره مدارس فراوان اصفهان، می نویسد:

... می توان بطور حتم و یقین، اظهار نظر کرد که در قرن یازدهم و دوازدهم هجری قمری، مهمترین پایگاه علمی شیعه، و مرکز تجمّع هزاران نفر عالم و فقیه و حکیم و فیلسوف و ادیب و شاعر و مورّخ و گوینده و نویسنده بوده است (۲).

و همین بزرگمرد، در مقاله ای که در کتاب (محیط ادب) (۳) به چاپ

ص: ۶۱

---

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، (مقدمه) صفحه (و)

۲- دار العلم شرق (مخطوط)، صفحه ۲

۳- کتاب محیط ادب، مجموعه ای است از مقالات گوناگون (سی مقاله) از دانشمندان و نویسندگان عالیقدر، که به عنوان تجلیل و بزرگداشت مرحوم استاد سید محمد محیط طباطبائی، در سال ۱۳۵۷ شمسی، به چاپ رسیده است

رسیده، پس از اشاره به تحقیقات و تألیفات زیادی که دربارهٔ اصفهان انجام شده، نوشته اند: ... لکن به صراحت باید اقرار کرد که، آنچه تا کنون دربارهٔ اصفهان گفته و نوشته اند، نیمی از وصف اصفهان بیش نیست، و هنوز نکات تاریک و مبهم، در تاریخ این شهر باستانی که

همیشه یکی از مراکز مهم علم و ادب و فقه و حدیث بوده

و سالها دارالملک و دار السلطنه و پایتخت با عظمت مملکت ایران بوده است، فراوان است (۱). می توان به طور یقین گفت:

اصفهان همیشه مجمع فضلاء و نویسندگان و مَحَطُّ رِحَالِ فُقَهَاءِ و مَحَدِّثِیْنَ

و مرکز تدریس ادباء و مفسرین بوده، و از روی حق و انصاف

آنجا را دار العلم لقب داده اند (۲).

### ۳۱- مجتبی ایمانیه

نویسنده گرامی (تاریخ فرهنگ اصفهان) با استفاده از تحقیقات وسیع خود، و بهره مندی از تحقیقات مرحوم صدر هاشمی، و محقق نامدار، استاد جلال الدین همائی و ...، بحث و بررسی و معرفی جالبی در مورد فرهنگ غنی و ریشه دار اصفهان نموده، که فرازهایی از آن را نقل می نمائیم:

... از این زمان (اواخر قرن سوم) به بعد، فرهنگ اصفهان رو به تکامل نهاد، و هر زمان به پیشرفت بیشتری نائل گردید، و در حقیقت مرکزی بود برای کسب علم، چنان که بالاخره به این شهر، دار العلم اطلاق گردید، و این لقب از زمانهای قدیم، و در کتب تاریخ، همراه نام اصفهان بوده است، و اگر بیشتر

ص: ۶۲

---

۱- محیط ادب، صفحه ۹۵

۲- محیط ادب، صفحه ۹۹

ترقیات علمی و ادبی و صنعتی ایران را، از تجلیات روح اصفهان و رهین قریحه و ذوق سرشار مردم این سرزمین بدانیم، چندان دور نرفته، و سخنی به گزاف نگفته ایم.

ایران، مهد ذوق و ادب، و سرزمین هنر و صنعت است و بیشتر مایه این گونه موهبت های طبیعی خدا داده را، باید در ساحل زاینده رود، یا در اعماق روح لطیف و ذهن کنجکاو مردم اصفهان، و سرانگشتان هنر آفرین پروردگان این آب و خاک، جستجو کرد. یکی از دانشمندان می گوید:

هر جا شعری لطیف می شنوم، یا صنعتی ظریف می بینم

قلبم آسوده نمی شود، تا آنگاه که در روح سخنور، و بازوی کارگر

پیوندی از نژاد مردم اصفهان می یابم

این سخن چندان گزاف نیست، زیرا اگر به تاریخ ادبی و صنعتی ایران رجوع کنیم، می بینیم که: در اغلب نهضت های ادبی و صنعتی، اگر اصفهان پیشوا و پیشقدم نبوده

باری، دستی در کار داشته است.

آب و هوای اصفهان را، در تربیت و نمو ادب و صنعت، خاصیتی است که در هیچ کجا نظیر آن را نتوان یافت. مردم این سرزمین هم دارای طبع سلیم و ذوق لطیف هستند و هم روح ابتکار و اختراع در آنها به حد کمال موجود است. اگر خود مخترع چیزی نبوده اند، آن را از دیگران گرفته و چنان سر و صورت داده، و به سر حد کمالش رسانیده اند، که زاد فکر خود آنها محسوب شده است.

احیاناً می بینیم که یک جنبش ادبی یا صنعتی، از جای دیگر آغاز می شود، اما چون به محیط سراسر ذوق و هوش اصفهان می رسد و یک چند (مدت) زیر دست استادان چابک اندیشه، پرورش می یابد، در مدت اندک، یکی از مظاهر

بر جستهٔ آدب و هنر را، نمایان می‌سازد. این خاصیت، در تمام دوره‌های تاریخی، در محیط ذوق پرور اصفهان، وجود داشته است (۱).

در عهد صفویّه، بازار علم و دانش هم در اصفهان رواج و رونق یافت.

علماء و دانشمندان از هر ناحیه، روی به اصفهان آورده، و اهالی شهر هم، به تعلیم و تعلم گرائیدند، و تحصیل علوم و معارف عقلی و نقلی شایع گردید، و بالنتیجه، قرن یازدهم هجری، یعنی دورهٔ شیخ بهائی، میرداماد، ملا صدرا، میرفندرسکی، شیخ علینقی کمره‌ای، و امثال آن نوابغ را به وجود آورد، که از دوره‌های برجستهٔ نهضت علمی ایران محسوب می‌شود، در این قسمت هم مردم اصفهان سهمی وافر داشتند، و محیط اصفهان در ایجاد این نهضت، بی‌اندازه مؤثر افتاد، چرا که می‌دانیم پرورش محیط و اقلیم و استعداد اهالی هر ناحیه، در تربیت فکر و قریحه مؤثر است (۲).

### ۳۲-عباس نصر

آقای عباس نصر، در مقدمه‌ای بر کتاب «الأصفهان» از مرحوم سید علی جناب می‌نویسد: اصفهان، که یکی از شهرهای مبنائی برای کشور ایران در تمام دوران تاریخ بوده و هست، بسی قابل تحقیق و مطالعه است. توجه مستشرقین، طی چندین قرن گذشته، به این شهر، و مطالعات ظریف و عمیق آنها در این باره، بدون دلیل نیست، و سخن از این نقش بنیادی می‌گوید. اگر از تاریخ آن سخن به میان آید، سرگذشت آن تا اعماق اساطیر و افسانه‌ها ریشه دارد، از یک سو به سلیمان و نوح متصل، و از سوی دیگر، پایگاه نهضت کاوه

ص: ۶۴

---

۱- تاریخ فرهنگ اصفهان، صفحه ۱۲ - ۱۴

۲- تاریخ فرهنگ اصفهان، صفحه ۱۷

آهنگر بر علیه ضحاک خونخوار، معرفی می گردد.

اگر از فرهنگ و اسلام، سخن به میان آید، سیمای سلمان فارسی که تا معراج «منا أهل البيت» عروج نمود، مجسم، و نظامیه ها و حوزه های علمیه این شهر، که قرنهای معادگاه عاشقان علم و معارف اسلامی بوده است، ترسیم می شود. اگر از هنر، سخن گوئیم، که آوازه آن، تا ماوراء بحار پیچیده است...، به هر تقدیر شهر اصفهان، از شهرهای کلیدی ایران، و همواره مؤثر بر اطراف و اکناف بوده است.

بنابر این، شناخت اصفهان، به عنوان شناخت بخشی از یک مجموعه، که نام ایران بر آن است، ضروری و قابل تجزیه و تحلیل است (۱).

### ۳۳- منوچهر قدسی

استاد و ادیب بزرگوار، آقای منوچهر قدسی، در ضمن مقاله ای جالب، که برای درج در کتاب «اصفهان در شعر شعراء» (مخطوط) ارسال نموده، چنین نوشته اند: اصفهان، آئینه تمدن و فرهنگ و موزه جاودانی ایران است...، در کجای مشرق زمین، مجموعه ای چون مسجد جامع اصفهان را می توان سراغ کرد که: آئینه تمام نمای هفت قرن فرهنگ و تمدن باشد، از قرن ششم تا قرن سیزدهم، از عهد ملکشاه سلجوقی تا دوران فتحعلی شاه قاجار. و مجموعه ای بهم پیوسته، چون مجموعه نقش جهان (۲) را، کجا می توان یافت، که این گونه مشحون از جواهر آثار، در مهندسی و معماری و نقاشی و خطاطی و کاشی

ص: ۶۵

---

۱- اصفهان، از مرحوم جناب، چاپ دوم، مقدمه، صفحه ده و یازده

۲- مقصود، میدان امام، و مسجد امام، و مسجد شیخ لطف الله، و عالی قاپو، و قیصریه، و...، می باشد

کاری و زرگری و حجاری و دهها هنر دیگر بوده، و هر هنر، در حدّ اعلاّی دل انگیزی و کمال، عرضه شده باشد.

اینجا، جادوی هنر روح و روان آدمی را، افسون و تسخیر می کند. اینجا دستهای آفریننده و عبقریت و نبوغ هنرمندانی اصفهانی، در هر زمینه، چنان نقش بدیعی در برابر دیدگان می گشاید و آدمی را مسحور و مجذوب میکند، که هنر بر ظرف ادراک بیننده، فزونی می گیرد...

چند سال پیش که در فراغتی، به بوسیدن آستان معلّی ملائک پاسبان حضرت رضا علیه السلام توفیق یافتم، در تماشای موزه آن آستان قدس، نخستین مطلبی که جلب نظر کرد این بود که در بین آن همه اشیاء فاخر، به جز یک منبر خاتم از صنعتگران چیره دست شیرازی، به تقریب، مابقی همه آثار، همه ساخته و پرداخته دست سحر آفرین هنرمندان اصفهانی بود.

آری! نه تنها در زمینه هنر، که در مسائل علمی نیز،

همواره اصفهان از درخششی خیره کننده، برخوردار بوده است

در طول قرنها، مکتب اصفهان به قدری پر بار بوده که طالبان علم، از اقصی بلاد ایران، بدین سامان شدّ رحال می نمودند. ختّام به منظور کسب فیض از استادان مکتب سینوی، سالیان دراز در این شهر زیست، آخوند ملا صدرا، معلومات نفیس خود را در این دیار تکمیل کرد(1).

آنگاه، نویسنده مقاله، در زمینه شعر و ادب (و سبک های گوناگون شعر)، نقّاشی، خطاطی (و اقسام آن، از قبیل ثلث، نستعلیق، شکسته، نسخ) بحث کرده، و نقش اصلی و استادی اصفهانی ها را در همه موارد، به نظر رسانده

ص: ۶۶



و سپس از هنرهای دیگر، از قبیل تذهیب و تشعیر، سوخت معرق، کاشی کاری، معماری، صحافی و قطّاعی، آینه بندی، حجّاری، قطار بندی و...، یاد نموده، و پیش کسوتی و استاد اصفهانی ها را مطرح ساخته، و نوشته است:

حق مطلب را در باره اصفهان أداء کردن میسر نیست

و آنگاه، مقاله را با رباعی ذیل، به پایان رسانده است:

یارب! کدام روز مبارک بنا نهاد

معمار آفرینش و، بانئ کُن فکان

شهری که عقل خیره شود از ره قیاس

« جان جهان » لقب نهادش، یا « جهان جان »

یکجهان جانی دهم جان جهان ای اصفهان

در جهان مانی همواره جاودان ای اصفهان

قرنها باشد که تاریخ وطن را زیوری

بلکه باشی زیب تاریخ جهان ای اصفهان

از منار و مسجد و محرابهایت میرسد

قرنها بر گوش آوای اذان ای اصفهان

تخت فولادت چو رضوانت از آیات حق

بس بهشتی اندر او دارد مکان ای اصفهان

مهر گردون مات روحانیت ذیشان توست

کاخترانشان هشته سر بر آستان ای اصفهان

هو الحقّ

سپاهان که شهریست بس دل پذیر

نه مانند دارد نه شبه و نظیر

مخوانش سپاهان بهشتیش خوان

به از کوثر آن زنده رودش بدان

بُود دور از مردم آن ملال

که صاحب جمالند و صاحب کمال

به شهری چنین هست یک انجمن

در آن گرد آیند اهل سخن

همه شعر گوی و سخن آفرین

که بر طبع هر یک هزار آفرین

(داوود صفا)

ص: ۶۸

### ۳- ریشه ها و نشانه های تشیع در تاریخ گذشته اصفهان

اشاره

ص: ۶۹



## ریشه ها و نشانه های تشیع در تاریخ گذشته اصفهان

با یک سیر مطالعاتی، در تاریخ اصفهان، در قرون اولیه اسلامی، با یک سلسله مطالب جالب و نقطه های درخشان دینی و اجتماعی، و نیز با چهره های برجسته و گرانقدری مواجه می شویم، که به عنوان ریشه های تشیع در اصفهان، و از نشانه های ورود اعتقاد و وابستگی به مکتب اهل بیت علیهم السلام، به شهر اصفهان (از همان قرنهای اول و دوم و سوم هجری) به شمار می رود و به خوبی روشن می سازد که علیرغم سیاست مخالفین مکتب امامت و تشیع، در همه ادوار تاریخ اصفهان، ارتباط با پیشوایان شیعه و اهل بیت علیهم السلام و حمایت و پشتیبانی از این مذهب الهی و مکتب انسان ساز، (با درجات متفاوت) وجود داشته است.

در این بخش، به نمونه هایی از مباحث یاد شده، از قرن اول تا دهم هجرت،

توجه می نمائیم، و اشاره می کنیم که در بخشهای دیگر کتاب نیز، همانند: بخش «امامزادگان در اصفهان» و بخش «محدثین اصفهان» و بخش «چهره های علمی شیعه از قرن سوم تا دهم» و ...، در این زمینه، به نمونه های جالب دیگری، می پردازیم.

## نقش حیاتی امیر المؤمنین علی علیه السلام در فتح اصفهان

در هنگامی که خلیفه غاصب (خلیفه دوم) خبردار شد که لشکری عظیم و منسجم و بی نظیر (۱) از شهرهای: ماه، اصفهان، همدان، ری، قومس، آذربایجان و نهاوند، به سوی مسلمانها حمله ور شده اند و مسلمانها و شخص

ص: ۷۱

---

۱- زَحَفَ لِلْمُسْلِمِينَ زَحْفٌ لَمْ يُزَحَفْ لَهُمْ بِمِثْلِهِ . یعنی: پیش تاختند برای جنگ با مسلمین، لشکری که همانند آن، برای حمله به سوی مسلمین، سابقه نداشت

خلیفه ، احساس خطر شدید نمودند ، خلیفه ، جلسه ای تشکیل داد و از مسلمانها نظر خواهی نمود ، برای چگونگی عکس العمل در برابر این تهاجم بزرگ ، و هر کدام از حاضرین ، نظریه ای دادند ، ولی مولای متقیان علی علیه السلام نظریه بسیار جالبی ارائه نمودند ، که به پیروزی مسلمانها بر لشکر مهاجم ، انجامید و آن راهنمایی تاریخی چنین بود: ... ثُمَّ قَامَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ، فَحَمَدَ اللَّهَ وَ أَثْنَى عَلَيْهِ ، فَقَالَ ... وَ لَكِنِّي أَرَى أَنْ تَبْعَثَ إِلَى أَهْلِ الْكُوفَةِ فَتَسِيرَ ثَلَاثِيهِمْ وَ تَدَعَ ثَلَاثًا فِي حِفْظِ ذُرَارِيهِمْ وَ جَمْعِ جَزِيَّتِهِمْ وَ تَبْعَثَ إِلَى أَهْلِ الْبَصْرَةِ فَلْيُورُوا بِبِعْثِ (۱) و خلیفه ، نظر امیرالمؤمنین علی علیه السلام را پذیرفت .

راهنمایی امیر المؤمنین علیه السلام و عنایت آن حضرت، و فرستادن امام حسن مجتبی علیه السلام همراه لشکر اسلام ، به پیروزی مسلمانها انجامید و اصفهان و سایر بلاد ، فتح گردید و این فتح تاریخی و بزرگ ، از آثار و برکات وجود مقدس علی علیه السلام و فرزندشان امام مجتبی علیه السلام ، و آنفاس ملکوتی آن بزرگواران به شمار می رود .

ورود امام حسن علیه السلام به اصفهان

از مفاخر دینی و تاریخی اصفهان ، ورود سبط اکبر ، پیشوای دوّم ، حضرت امام حسن بن علی علیهما السلام ، به این شهر می باشد .

بسیاری از مورّخین و صاحبان تراجم، نوشته اند که در جریان لشکرکشی

ص: ۷۲

---

۱- ذکر أخبار اصفهان ، جلد ۱ ، صفحه ۱۹ - ۲۰ ، یعنی : ... سپس علی بن ابی طالب علیه السلام بپا خواستند و پس از حمد و ثنای خداوند فرمودند : ... لکن من نظر می دهم که بفرستی به سوی اهل کوفه و دو سوّم آنها را حرکت دهی ، و یک سوم آنها را برای نگهداری از فرزندانشان و جمع آوری مالیاتهایشان باقی بگذاری ، و بفرستی به سوی اهل بصره ، پس آنها توریه کنند ( و وانمود نمایند که لشکری اعزام می کنند، در حالی که لشکرکشی واقعی نداشته باشند)

مسلمانها به سوی گرگان برای فتح آن ، حضرت امام حسن علیه السلام در آن لشکر حضور داشتند ، و در سر راهشان وارد اصفهان گردیدند(۱).

علامه و محدث بزرگوار ، ملا محمد تقی مجلسی ، از بزرگان اساتید خود نقل نموده ، که در جریان جنگ مسلمانها با ایرانیان ، أمير المؤمنين علی علیه السلام موافقت نمودند که امام حسن مجتبی علیه السلام همراه لشکریان باشند، و به برکت آن حضرت ، فتوح مختلف انجام گرفت، و در هنگامی که در اولین برخورد لشکر اسلام با لشکر رستم ( سپهسالار لشکر یزدجرد ) مسلمانها شکست خوردند ، امام حسن علیه السلام دعائی نوشتند و بر علم بستند ، و مسلمانها فاتح شدند و بدین وسیله ، برکت حضور امام مجتبی علیه السلام آشکار گردید . در ضمن این سفر، امام حسن علیه السلام وارد اصفهان گردیدند ، و در مسجد لُنبان ، نماز خواندند و در حمامی که محاذی در مسجد جامع عتیق بوده ، ( آن دری که به نام در پیزُربافان خوانده می شده ) وارد شدند و غسل نمودند ، و آن حمام به نام امام حسن علیه السلام شهرت داشته است . مرحوم ملا محمد تقی مجلسی می نویسد : جدم آن حمام را در زمان طفولیت ، به من نشان داد، و آن حمام خراب بود و سپس به جایش کاروانسرائی ساختند (۲) .

### ورود امام حسین علیه السلام به اصفهان !

با این که در جائی تصریح به تشریف فرمائی امام حسین علیه السلام به اصفهان

ص: ۷۳

- 
- ۱- ذکر أخبار إصبهان جلد ۱ ، صفحه ۴۴ ، طبقات المحدثین بإصبهان جلد ۱ ، صفحه ۱۹۱ ، محاسن اصفهان ، صفحه ۳۵
  - ۲- شرح فارسی من لایحضره الفقیه ، باب الخمس ، صفحه ۴۴ - ۴۵ و روضه المتقین ( شرح عربی من لایحضره الفقیه ) جلد ۳ ، صفحه ۱۵۶ ( با تلخیص )

نشده ، ولی با توجه به اینکه برخی از مورّخین ، همانند : بلاذری (۱) و خاتون آبادی (۲) و حمزه بن یوسف سهمی (۳) نوشته اند ، در لشکرکشی مسلمانها به جرجان و طبرستان ( گرگان و مازندران ) ، امام حسن و امام حسین علیهما السلام حضور داشته اند ، و با توجه به اینکه سفر به اصفهان و ورود به آن ، در مسیر جرجان بوده ، پس بعضی نتیجه گرفته اند ، که امام حسین علیه السلام نیز ، به شهر اصفهان وارد گردیده اند (۴) . ولی با توجه به اختلافات موجود دربارهٔ حوادث تاریخی دوران فتوح اسلامی ، اثبات این مطلب ، مشکل به نظر می رسد ، زیرا با توجه به عظمت شخصیت امام حسین علیه السلام و نبودن هیچ گونه اثری از ورود آن حضرت به اصفهان ، این مطلب کاملاً دور از واقع می نماید .

### سلمان فارسی ، افتخار اسلام و مکتب أهل البيت عليهم السلام و آبروی ایران و اصفهان

اولین چهرهٔ برجستهٔ اصفهانی (۵) که به شرف اسلام نائل آمد ، و نه تنها از برجسته ترین چهره های اسلامی قلمداد گردید ، بلکه از مفاخر عالم اسلام و مکتب أهل البيت عليهم السلام ( مذهب تشیع ) محسوب شد ، و موجب آبروی ایران و اصفهان گردید ، سلمان فارسی می باشد ، که چهرهٔ درخشان او در طول تاریخ

ص: ۷۴

- 
- ۱- فتوح البلدان ، صفحهٔ ۳۴۳
  - ۲- وقایع السنین و الأعوام ، صفحهٔ ۸۶
  - ۳- تاریخ جرجان سهمی ، صفحهٔ ۷
  - ۴- به تاریخ تشیع اصفهان ، صفحهٔ ۹۸ ، مراجعه شود
  - ۵- قبل از آنکه سلمان فارسی مشرف به اسلام شود ، زنی اصفهانی ، در محضر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آٰلِهِ وَ سَلَّمَ مسلمان گردیده بود، و همو بود که سلمان را به محلّ پیامبر راهنمایی نمود ( محاسن اصفهان، صفحهٔ ۲۴، و ذکر أخبار اصفهان، جلد ۱، صفحهٔ ۷۶-۷۷)



اسلام و ایران ، مورد توجه عموم دانشمندان و صاحبان تألیف و تصنیف و تحقیق بوده، و در عالم حدیث و رجال و تراجم و تفسیر و کلام و تاریخ و ...، به عنوان یکی از میزترین شخصیت های اسلامی و بارزترین چهره های دینی و علمی ، مورد توجه گسترده و عمیق قرار گرفته است . و علاوه بر معرفتی گسترده شخصیت علمی و ایمانی او ، در لابلای احادیث وارده از معصومین علیهم السلام ، و در میان رجال حدیث، و نیز در ضمن تراجم بزرگان اسلامی و ایرانی ، و هم چنین ، در ضمن مباحث تفسیری و کلامی و اعتقادی ، و به مناسبت مطالب تاریخی و جغرافیائی ، عده ای از محققان و نویسندگان ، مقاله های مستقل ، و کتابهای اختصاصی درباره شخصیت و زندگی و ایمان و علم و فضیلت آن بزرگمرد نوشته اند ، همانند :

۱- أخبار سلمان محمدی ، از عبد العزیز جلودی ، متوفای ۳۰۲ (۱).

۲- أخبار سلمان و زهده و فضائله، از شیخ صدوق، متوفای ۳۸۱ (۲) .

۳- سلمان الفارسی ، از شیخ عبد الله سبیتی ، از علماء قرن پانزدهم (۳) .

۴ و ۵ - سلمان پاک ، به زبان فرانسوی ، از لوئیس ماسینیون فرانسوی ، متوفای ۱۹۶۲ میلادی ، و ترجمه آن به زبان عربی ، از عبدالرحمن بدوی مصری (۴) ( از علمای نیمه دوم قرن پانزدهم) .

۶- سلمان محمدی ، از سید شوکت علی (۵) .

ص: ۷۵

۱- الذریعه ، جلد ۱ ، صفحه ۳۳۲

۲- الذریعه ، جلد ۱ ، صفحه ۳۳۳

۳- الذریعه ، جلد ۱۲ ، صفحه ۲۱۹

۴- الذریعه ، جلد ۱۲ ، صفحه ۲۱۹

۵- الذریعه ، جلد ۱۲ ، صفحه ۲۱۹

۷- سلمائیه ، در فضائل سلمان و ابوذر و عمار و مقداد ، از شیخ محمد کاظم هزار جریبی ، از علماء قرن سیزدهم (۱).

۸- نَفْسُ الرَّحْمَانِ فِي فَضَائِلِ سَلْمَانَ ، از حاج میرزا حسین نوری طبرسی ، متوفای ۱۳۲۰ (۲).

۹- وفات سلمان فارسی ، موجود در کتابخانه مرحوم خوانساری (۳).

آری ، در مشهورترین و معتبرترین کتابهای چهارده قرن تاریخ درخشان اسلام و ایران ، اعم از تألیفات شیعی و سنی ، در زمینه های گوناگون علمی و دینی (که احصاء آنها به نحو کامل میسر نیست ، ولی آنچه در دسترس همگان می باشد ، به صدها کتاب حدیث و رجال و تراجم و تفسیر و کلام و تاریخ و دیوان شعر و ... می رسد) ، به خوبی می توان عظمت این چهره بزرگ عالم تشیع و افتخار ایران و اصفهان را شناخت ، و دریافت که او نه تنها عالمی بزرگ ، و مؤمنی والامقام ، و پارسائی عظیم الشان و ... بوده ، بلکه از جانب

خداوند مورد تأیید غیبی ، و در پیشگاه رسول خدا صَلَّی اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ ، و در محضر امیرالمؤمنین علی علیه السلام صاحب سرّی امین ، و در نزد ائمه معصومین علیه السلام . چهره ای دلباخته و پاکباخته ، و مفتخر به مقام « سَلْمَانٌ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ » بوده است

به عنوان نمونه ، برای روشن شدن گستردگی مطالب و فضائل گوناگون ، در ارتباط با سلمان فارسی ، می توان به اعیان الشیعه ، جلد ۷ ، چاپ جدید ، با صفحات بزرگ ، از صفحه ۲۷۹ تا ۲۸۷ و بحار الأنوار علامه مجلسی ، جلد

ص: ۷۶

۱- الذریعه ، جلد ۱۲ ، صفحه ۲۲۰

۲- ریحانه الأدب ، جلد ۳ ، صفحه ۳۹۰

۳- الذریعه ، جلد ۲۵ ، صفحه ۱۱۹

۲۲، از صفحه ۳۱۵ تا ۳۹۲، و ذکر اخبار إصبهان، از حافظ ابی نعیم اصفهانی، جلد ۱، صفحه ۴۸ تا ۵۷، و طبقات المحدثین بأصبهان، از حافظ ابی الشیخ أنصاری، جلد ۱، صفحه ۲۰۳ تا ۲۳۶ مراجعه نمود.

و در این بررسی، تنها به ذکر جمله هائی نورانی، از منبع أنوار الهی، پیامبر أكرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ و امامان معصوم علیهم السلام و برخی از بزرگان و علماء دین، درباره عظمت علم و ایمان سلمان، اکتفا می نمایم.

۱- رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ : سلمان از ما اهل بیت است (۱).

۲- رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ : ای سلمان! اگر علم تو بر مقدار عرضه شود، همانا او کافر میگردد (۲).

۳- رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ : همانا خداوند مرا مأمور ساخته به دوستی چهار نفر ... علی بن ابی طالب و مقدار بن أسود و أبوذر غفاری و سلمان فارسی (۳).

۴- أمير المؤمنين علی علیه السلام : ای أباذر! اگر سلمان برای تو بازگو می نمود آنچه را می داند، همانا میگفتی، خدای رحمت کند قاتل سلمان را (۴).

۵- أمير المؤمنين علی علیه السلام : ای أباذر، همانا سلمان، در (رحمت) الهی است

ص: ۷۷

۱- سَلْمَانٌ مِّنْ أَهْلِ الْبَيْتِ ، طبقات المحدثین یا صبهان ، جلد ۱، صفحه ۲۰۵

۲- يَا سَلْمَانُ ! لَوْ عُرِضَ عِلْمُكَ عَلَى مِقْدَادٍ لَكَفَرَ . یعنی ظرفیت روحی و توان تحمل مقدار (با همه عظمتی که داشته) به درجه سلمان نمی رسد، و او نمی تواند با عقل و اندیشه خود، معلومات سلمان را تحمل نماید

۳- إِنَّ اللَّهَ أَمَرَنِي بِحُبِّ أَرْبَعَةٍ ... عَلِيَّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَ الْمِقْدَادِ بْنِ الْأَسْوَدِ وَ أَبُوذَرَّ الْغِفَارِيِّ وَ سَلْمَانَ الْفَارَسِيِّ

۴- يَا أَبَاذَرَّ ! إِنَّ سَلْمَانَ لَوْ حَدَّثَكَ بِمَا يَعْلَمُ ، لَقُلْتَ رَحِمَ اللَّهُ قَاتِلَ سَلْمَانَ . این جمله نشان دهنده اندازه قدرت تحمل سلمان، نسبت به معارف بلند و علوم عجیبه است

در زمین ، هر که او را بشناسد مؤمن ، و هر کس او را انکار کند کافر است (۱).

۶- أمير المؤمنين علي عليه السلام : همانا سلمان از ما اهل بيت است (۲) . ۷- أمير المؤمنين علي عليه السلام: سلمان فارسی مثل لقمان حكيم است (۳) .

۸- امام باقر عليه السلام : او ، سلمان محمدی است ، همانا سلمان از ما اهل بيت است (۴) .

۹- امام باقر عليه السلام : همه پس از پیامبر مرتد شدند جز سه نفر... مقداد بن أسود و أبوذر غفاری و سلمان فارسی (۵) .

۱۰- امام باقر عليه السلام : آنها ( مقداد ، أبوذر و سلمان ) هستند که آسیا (ی ولایت) بر آنها دُور می زند ، و خودداری کردند از این که بیعت کنند با ابي بكر... (۶) .

۱۱- امام باقر ، از پدرانشان ، از علي عليهم السلام : تنگ شد زمین برای هفت نفری که به وسیله آنها روزی می خوردید و به وسیله آنها یاری می شوید و به وسیله آنها باران بر شما می بارد ، از آنها است سلمان فارسی و مقداد و أبوذر و عمار و حذیفه ... و آنها هستند که بر ( جنازه ) فاطمه زهراء عليها السلام نماز خواندند (۷) .

ص: ۷۸

۱- يا أَبَدْرَ إِنَّ سَلْمَانَ بَابُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ ، مَنْ عَرَفَهُ كَانَ مُؤْمِنًا وَمَنْ أَنْكَرَهُ كَانَ كَافِرًا

۲- إِنَّ سَلْمَانَ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ

۳- سَلْمَانُ الْفَارِسِيُّ مِثْلُ لُقْمَانَ الْحَكِيمِ ( أعيان الشيعة ، جلد ۷ ، صفحه ۲۸۶ ) چاپ جدید

۴- ... ذَلِكَ سَلْمَانَ الْمُحَمَّدِي ، إِنَّ سَلْمَانَ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ

۵- كَانَ النَّاسُ أَهْلَ الرَّذَّةِ بَعْدَ النَّبِيِّ إِلَّا ثَلَاثَةً ... الْمِقْدَادُ بْنُ الْأَسْوَدِ وَ أَبُوذَرَّ الْغِفَارِيُّ وَ سَلْمَانَ الْفَارِسِيُّ

۶- هُوَ لِأَيِّ الدِّينِ دَارَتْ عَلَيْهِمُ الرَّحَى وَ أَبَوْا أَنْ يُبَايَعُوا لِأَبِي بَكْرٍ...

۷- ضَاقَتِ الْأَرْضُ بِسَبْعِهِ ، بِهِمْ تُرْزَقُونَ وَ بِهِمْ تُنْصَرُونَ وَ بِهِمْ تُمَطَّرُونَ ، مِنْهُمْ سَلْمَانُ الْفَارِسِيُّ وَ الْمِقْدَادُ وَ أَبُوذَرُّ وَ عَمَارٌ وَ حَذِيفَةُ

... وَ هُمُ الَّذِينَ صَلَّوْا عَلَيَّ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ ( رجال كشي ، صفحه ۲۰۱۲ )

۱۲- امام باقر علیه السلام: در هنگامی که مهاجرین و انصار، اعلام آمادگی کردند که در راه علی علیه السلام و بیعت با آن حضرت، تاحد جان ایستادگی کنند و امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: اگر راست می گوئید، فردا با سر تراشیده نزد من بیائید، و در دو نوبت، فقط علی علیه السلام و سلمان و مقداد و ابوذر سر تراشیدند (و حاضر شدند) (۱).

۱۳- امام باقر علیه السلام: نگوئید سلمان فارسی، بلکه بگوئید سلمان محمدی، او مردی از ما اهل بیت است (۲).

۱۴- امام باقر علیه السلام: سلمان مَحَدَّث بود (۳).

۱۵- امام باقر علیه السلام: سلمان از متوسمین بوده است (که آگاه و موعظه پذیر و عبرت گیرنده اند) (۴).

۱۶- امام صادق علیه السلام: سلمان علم اول و آخر را درک کرده، و او دریائی است پایان ناپذیر، و او از ما اهل بیت است (۵).

۱۷- امام صادق علیه السلام: سلمان مَحَدَّث بود... خداوند به سوی او ملکی را

ص: ۷۹

۱- جاء المهاجرون والأنصار و غيرهم بعيد ذلك إلى علي عليه السلام فقالوا... فوالله لئنموتن قدامك فقال علي عليه السلام إن كنتم صادقين، فأغدوا غداً عليّ محلقين، فخلق أمير المؤمنين و خلق سلمان و خلق مقداد و خلق أبوذر و لم يخلق غيرهم، ثم أنصرفوا، فجاءوا مرة أخرى... فما خلق إلا هؤلاء الثلاثة... (رجال كشي، صفحه ۱۴)

۲- مه، لا تقولوا سلمان الفارسي و لكن قولوا سلمان المحمدي، ذلك رجل من أهل البيت

۳- كان سلمان مَحَدَّثاً

۴- كان سلمان من المتوسمين

۵- أدرك سلمان علم الأول و العلم الآخر، و هو بحر ينزح و هو من أهل البيت

می فرستاد، که در گوش او می خواند، و چنین و چنان می گفت (۱).

۱۸ - ... به امام صادق علیه السلام عرضه داشتم که آیا سلمان ، مُحَدَّث بود؟ فرمودند

بله ، گفتم چه کسی برای او حدیث میکرد ؟ فرمود: ملکی بزرگوار(۲).

۱۹ - امام صادق علیه السلام : به سلمان اسم أعظم آموخته شده بود(۳).

۲۰ - امام موسی بن جعفر علیه السلام : در هنگامی که روز قیامت میشود ، ندائی داده می شود که کجایند حواریین رسول خدا ، حضرت محمد بن عبد الله ، آنهایی که عهد پیامبر را نشکستند و بر آن عهد باقی ماندند ؟ پس سلمان و مقداد و ابوذر ، بر می خیزند(۴).

۲۱ - سلمان فارسی : ... همانا علم فراوانی به من عطا شده ، و اگر همه آنچه را میدانم ، برای شما بازگو کنم ، گروهی میگویند او دیوانه است و گروهی دیگر می گویند، خدایا قاتل سلمان را بیا مرز ... (۵).

۲۲ - فضل بن شاذان : در میان مردم، مردی فقیه تر از سلمان پیدا نشد(۶).

ص: ۸۰

۱- كَانَ سَلْمَانُ مُحَدَّثًا ... يَبْعَثُ اللَّهُ إِلَيْهِ مَلَكًا يَنْفِرُ فِي أُذُنِهِ يَقُولُ : كَيْتَ وَكَيْتَ

۲- ... قُلْتُ لِلصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، أكَانَ سَلْمَانُ مُحَدَّثًا ؟ قَالَ نَعَمْ ، قُلْتُ مَنْ يُحَدِّثُهُ ؟ قَالَ مَلَكٌ كَرِيمٌ

۳- سَلْمَانُ عَلَّمَ إِسْمَ الْأَعْظَمِ ( أَعْيَانُ الشَّيْعَةِ ، جلد ۷ ، صفحه ۲۸۷ ، و معجم رجال الحديث ، جلد ۸ ، صفحه ۱۹۱ )

۴- إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ نَادَى مُنَادٍ أَيْنَ حَوَارِيِّ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ ، رَسُولِ اللَّهِ ، الَّذِينَ لَمْ يَنْقُضُوا الْعَهْدَ وَ مَضَوْا عَلَيْهِ ؟ فَيَقُومُ سَلْمَانُ وَ الْمُقَدَّادُ وَ أَبُوذَرٍّ ...

۵- قَدْ أَتَيْتُ الْعِلْمَ كَثِيرًا ، وَ لَوْ أُخْبِرْتُكُمْ بِكُلِّ مَا أَعْلَمُ ، لَقَالَتْ طَائِفَةٌ لِمَجْنُونٍ ، وَقَالَتْ طَائِفَةٌ أُخْرَى اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِقَاتِلِ سَلْمَانَ ... (

بخشی از خطبه سلمان ، در دفاع از خلافت علی علیه السلام ، و در دفاع از حق آل محمد علیهم السلام )

۶- مَا نَسَأَ فِي الْإِسْلَامِ رَجُلٌ مِنْ كَافَّةِ النَّاسِ كَانَ أَفْقَهَ مِنْ سَلْمَانَ

۲۳ - كعب الأخبار : سلمان از علم و حكمه پر بود (۱).

۲۴ - ابن شهر آشوب : سلمان اول کسی است که در اسلام تصنیف نموده ، و (کتاب نوشته ) پس از جمع نمودن علی علیه السلام قرآن را (۲) .

۲۵ - علامه حلّی : سلمان فرزند اسلام است (۳) (۴) .

و همین بس در مفاخر سلمان ، که روایات مربوط به ستایش سلمان و بیان عظمت و جلالت او ، به حدّ تواتر رسیده است (۵) .

### سلمان فارسی اصفهانی است

ابن عباس ، حدیث مفصلی را از زبان سلمان نقل می کند که در برگیرنده حوادث زندگی و شرح مسافرتهاى او ، و کشیش ها و راهب هائی که با آنها ملاقات داشته ، و در نزد آنها به کسب کمال و علم پرداخته، می باشد که آخرین نفر آنها ، در عُمُوریه روم بوده، و او سلمان را به سوی پیامبر اکرم صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَ آٰلِہِیْ وَ سَلَّم هدایت کرده ، و سلمان با نشانه هائی که از آن راهب دریافت کرده بود، پیامبر گرامی عه را شناخت و اسلام اختیار نمود .

در ابتدای این حدیث ، سلمان می گوید: من مردی از اهل اصفهان بودم ، از قریه ای که آن را ( جی ) می نامیدند (۶).

ص: ۸۱

۱- سَلْمَانُ حُشِيَّ عِلْمًا وَ حِكْمَةً

۲- إِنَّ سَلْمَانَ ، أَوَّلَ مَنْ صَنَّفَ فِي الْإِسْلَامِ بَعْدَ جَمْعِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ كِتَابَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ

۳- ... سَلْمَانَ بَنُ الْإِسْلَامِ ...

۴- برای دستیابی به مدارك مطالب یاد شده ، می توان از رجال کُشی ، تنقیح المقال، معجم رجال الحدیث ، بحار الأنوار ، أعیان الشَّیعه ، بهره گیری نمود

۵- معجم رجال الحدیث ، جلد ۸ ، صفحه ۱۹۸

۶- بحار الأنوار، ج ۲۲ ، ص ۳۶۲ و طبقات المحدثین یاصبهان، ج ۱ ، ص ۲۰۹

چنانچه در حدیث دیگری ، سلمان از اهل جی (۱) معرّفی شده (۲) و در حدیثی دیگر، به صراحت ، ( جی ) شهر اصفهان معرّفی گردیده است (۳).

البته در برخی از منابع تاریخی و تراجم، أصل سلمان از فارس و از رامهرمز معرّفی گردیده ، با ذکر احتمال اصفهانی بودن او (۴) و در برخی دیگر از احادیث آمده است که ، تولّد و نشو و نمای سلمان ، در رامهرمز بوده ولی پدرش اهل اصفهان بوده است (۵) .

بنابراین حدیث ، سلمان هم رامهرمی و هم اصفهانی است ( به دو مناسبت) و شاهد این احتمال ، حدیث دیگری است ، در کتاب طبقات المحدثین یاصبهان ، که در ضمن آن آمده است : سَلْمَانُ الْفَارِسِيُّ يُكْنَى أبا عَبْدِ اللَّهِ وَ هُوَ مِنْ أَهْلِ رَاهُزْمَرٍ ، مِنْ أَهْلِ إِصْبَهَانَ ، مِنْ قَرْيَةٍ يُقَالُ لَهَا جِي ... (۶) و هم چنانکه ملاحظه می نمائید ، در یک عبارت ، سلمان هم اصفهانی و از قریه جی معرّفی شده ، و هم

از اهل رامهرمز .

و در هر صورت ، انتساب سلمان به اصفهان ، مسلم می باشد و حافظان بزرگی ، همانند : حافظ ابونعیم و حافظ ابو الشیخ ، سلمان را از مفاخر اصفهان

به شمار آورده اند .

ص: ۸۲

۱- جی نام قدیم اصفهان و سپس نام بخشی از اصفهان بوده است

۲- طبقات المحدثین یاصبهان ، ج ۱ ص ۲۲۲ و ذکر أخبار اصبهان، ج ۱، ص ۵۰

۳- إِنَّ سَلْمَانَ الْخَيْرِ قَالَ كُنْتُ رَجُلًا مِنْ أَهْلِ جِي مَدِينَةِ إِصْبَهَانَ ( ذکر أخبار اصبهان ج ۱، ص ۵۰)

۴- الاستيعاب جلد ۲، صفحه ۶۳۴ و بحار الأنوار جلد ۲۲ ص ۳۹۰، به نقل از ابن أبي الحديد

۵- عَنْ سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ ، قَالَ إِنِّي كُنْتُ فِيمَنْ وُلِدَ بِرَاهُزْمَرٍ وَبِهَا نَشَأْتُ وَ أَمَا أَبِي فَمِنْ أَهْلِ إِصْبَهَانَ ... ( ذکر أخبار اصبهان جلد

۱، صفحه ۵۰ و طبقات المحدثین یاصبهان جلد ۱، صفحه ۲۱۸)

۶- طبقات المحدثین یاصبهان ، جلد ۱، صفحه ۲۳۴



شخصی به نام ابی الحجاج آزدی، سلمان را در اصفهان دیده و دربارهٔ قدر، بحث و سؤال نموده، و سلمان برای او پاسخ و توضیح داده است (۱) که از این حدیث استفاده می‌شود که سلمان در دورهٔ اسلامی، به اصفهان وارد شده و از عبارت همین حدیث، در کتاب طبقات المحدثین، استفاده می‌شود که اصل او هم از اصفهان بوده است، زیرا أبو الحجاج آزدی می‌گوید: لَقِيْتُ سَلْمَانَ بِأَصْبَهَانَ وَكَانَ فِي قَرْيَتِهِ .... (۲) و با این عبارت، اقامت سلمان را در شهر و دیار خودش، معرفی نموده است.

### دختری از سلمان، در شهر اصفهان

سلمان فارسی، سه دختر داشته، که یکی از آنها در اصفهان بوده، و جماعتی، خود را از فرزندان و نسل او می‌دانسته‌اند و دو دختر دیگر، در کشور مصر، اقامت اختیار نموده بوده‌اند (۳).

**یک بانوی اصفهانی، راهنمای سلمان فارسی به سوی پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ از سلمان فارسی نقل گردیده، که در هنگامی که در باغستانهای مدینه به صورت غلامی، کار می‌کرده، و در صدد راه یافتن به پیامبر اسلام علیونه بوده، یک بانوی اصفهانی را می‌بیند و از او سراغ پیامبر را می‌گیرد و آن زن، سلمان را**

از سلمان فارسی نقل گردیده، که در هنگامی که در باغستانهای مدینه به صورت غلامی، کار می‌کرده، و در صدد راه یافتن به پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بوده، یک بانوی اصفهانی را می‌بیند و از او سراغ پیامبر را می‌گیرد و آن زن، سلمان را

ص: ۸۳

- 
- ۱- ذکر أخبار إصبهان ج ۱، ص ۵۵ و طبقات المحدثین یا صبهان، ج ۱ صفحه ۲۸۸
  - ۲- به طبقات المحدثین جلد ۱، صفحه ۲۲۹ مراجعه شود
  - ۳- ذکر أخبار إصبهان ج ۱، صفحه ۵۲ و طبقات المحدثین، جلد ۱، صفحه ۲۲۸

به سوی آن حضرت ، راهنمایی می نماید (۱).

حافظ أبو نُعَيْمِ إصفهانی ، چندین حدیث نقل میکند درباره زنی اصفهانی ، که قبل از سلمان فارسی مسلمان شده بود، و همو ، راهنمای سلمان به سوی پیامبر گردید (۲) و در یکی از این احادیث آمده است که ، نه تنها آن زن، اسلام اختیار کرده بود ، بلکه دوستان و خانواده او ، همه به دین اسلام ، مشرف شده بودند .

حَدَّثَنِي سَلْمَانُ ، قَالَ : كُنْتُ رَجُلًا مِنْ أَهْلِ جَيْ ، فَذَكَرْتُ إِسْلَامَهُ ، قَالَ : فَطُفْتُ

فِي مَكَّةَ فَإِذَا امْرَأَةٌ مِنْ أَهْلِ بِلَادِي فَسَأَلْتُهَا وَكَلَّمْتُهَا

فَإِذَا بِمَوَالِيهَا وَ أَهْلِ بَيْتِهَا قَدْ أُسْلِمُوا كُلُّهُمْ وَ سَأَلْتُهَا عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلِمَ ، فَقَالَتْ : يَجْلِسُ فِي الْحِجْرِ إِذَا صَاحَ عَضْفُورُ مَكَّةَ

مَعَ أَصْحَابِهِ حَتَّى إِذَا أَضَاءَ لَهُ الْفَجْرُ تَفَرَّقُوا (۳) .

و در حدیث دیگری آمده است:

كُنْتُ مِنْ إِصْبَهَانَ مِنْ قَرْيَةٍ يُقَالُ لَهَا ( جِي ) ، فَلَمَّا قَدِمْتُ يَثْرِبَ أُرِيدُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلِمَ رَأَيْتُ امْرَأَةً إِصْبَهَانِيَّةً قَدْ سَبَقْتَنِي إِلَى الْإِسْلَامِ فَسَأَلْتُهَا عَنِ خَبْرِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلِمَ فَدَلَّتْنِي عَلَيْهِ (۴) .

ص: ۸۴

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۲۸

۲- ذکر أخبار اصفهان ، جلد ۱، صفحه ۷۶

۳- ذکر أخبار اصفهان ، جلد ۱، صفحه ۷۷ یعنی ... حدیث گفت برای من سلمان و فرمود: من مردی از اهل جی بودم ، سپس داستان مسلمان شدن خود را ذکر نمود و گفت : پس در مکه گردش کردم ، پس ناگاه زنی از اهل شهرهای خودم را دیدم و از او سؤال نمودم و با او گفتگو کردم، در آن هنگام متوجه شدم که دوستان و خاندان او ، همه مسلمان شده اند ، و در باره پیامبر از او سؤال نمودم ، گفت : در آن هنگام که مرغ شب مکه به فریاد می آید، او و یارانش ، در حجر گرد هم می آیند (و به گفتگو می پردازند ) تا اینکه روشنی صبح می دمَد و آنها متفرق می گردند

۴- محاسن اصفهان ، صفحه ۲۴

یکی از چهره های شایسته از اصحاب امیرالمؤمنین علی علیه السلام، که مدتی از طرف آن حضرت حاکم شهرهای اصفهان و ری و همدان بوده، یزید بن قیس ارحبی است (۱). وی از تبعیدیهای حکومت عثمان بن عفان بوده (۲) و در جریان جنگ صفین، یکی از چند نفری است که از طرف امیرالمؤمنین علی علیه السلام برای بحث و مناظره، به سوی معاویه اعزام گردیدند و هر کدام سخنانی در دفاع از حقانیت راه علی علیه السلام و فضائل آن حضرت، ایراد نمودند (۳).

او در جریان جنگ صفین، سخنرانی کوبنده و پرشوری در ترغیب و تحریص بر جهاد و مبارزه با لشکر معاویه و یاران او، ایراد نمود (۴).

یزید بن قیس، از شهود وصیت نامه علی علیه السلام است که شرح آن در کتاب کافی نقل گردیده و تاریخ آن، دهم جمادی الأولى ۳۷ هجری میباشد، و به دست آن حضرت نوشته شده (۵)، و در تاریخ یعقوبی، نامه ای از امیرالمؤمنین علیه السلام خطاب به او، نقل گردیده است (۶).

ابن حجر عسقلانی و زرکلی، او را رئیسی بزرگ و رهبر قزّاء کوفه در جریان

ص: ۸۵

- ۱- رجال شیخ طوسی، صفحه ۶۲، جامع الزّواہ، جلد ۲، صفحه ۳۴۴ و معجم رجال الحدیث، جلد ۲۰، صفحه ۱۱۹
- ۲- وقعه صفین، نصر بن مزاحم، صفحه ۱۲۱
- ۳- وقعه صفین ص ۱۹۷ - ۱۹۸ و تاریخ طبری ج ۴، صفحه ۲ (حوادث سال ۳۷)
- ۴- رقعه صفین، صفحه ۲۴۷
- ۵- فروع کافی، جلد ۷، صفحه ۴۹ - ۵۱ (کتاب الوصایا، باب صدقات النّبی و ...)
- ۶- تاریخ یعقوبی جلد ۲، صفحه ۱۱۱ (چاپ مرکز انتشارت علمی و فرهنگی با ترجمه آیتی)

شورش بر علیه سعید بن عاص ( نماینده عثمان در کوفه ) و رئیس پلیس (شرطه) کوفه ، و از یاران علی علیه السلام در جنگها، دانسته اند(۱).

از داستانهای زندگی یزید بن قیس ، به خوبی معلوم می شود که ، او مردی فصیح و بلیغ و شجاع و پرجوش و خروش ، و مدیر و مدبّر بوده است .

وی از شهدای جنگ صفین بوده(۲) و در هنگامی که به زمین افتاد و أصحاب امیر المؤمنین علیه السلام او را به سوی مَعشکر ( لشکرگاه ) می بردند ، مالک اشتر بر او عبور کرد و این جمله را فرمود:

هذا وَ اللهُ الصَّبرُ الْجَمیلُ وَ الْفِعْلُ الْکَریمُ(۳).

مرحوم مامقانی، رجالی محقق و نامدار ، از مجموع قضایائی که درباره یزید بن قیس نقل گردید ، نتیجه گیری نموده و می فرماید :

وَ لیزیدَ هذا مَواقِفُ مَشکُورَةٌ مَعَ عَلیِّ عَلیهِ السَّلامِ بِصِفَتینِ وَ خُطَبُ مَشهُورَةٌ تَدُلُّ عَلی ثُبَاتِهِ وَ قُوَّةِ اِیمانِهِ ... وَ قَوْلُ الشَّیخِ بُولایِیْتِهِ عَمَلَ الرَّئیِّ وَ غَیْرِهِ هُوَ شَهَادَةٌ بِعَدَالَةِ الرَّجُلِ وَ ضَبْطِهِ ، لِمَا تَبَهَّنَا عَلَیْهِ غَیْرَ مَرَّةٍ ، مِنْ عَدَمِ تَعَقُّلِ تَسْلِیطِهِ عَلیهِ السَّلامِ غَیْرَ الْعَدْلِ الضَّابِطِ عَلی أَمْوالِ الشَّیعَةِ وَ أَنْفُسِهِمْ وَ أَعْرَاضِهِمْ ، وَ یُمْکِنُ اسْتِفَادَةُ وَثاقَتِهِ وَ عَدالَتِهِ مِنْ جَعْلِ امیرِ الْمُؤْمِنینَ إِيَّاهُ مِنْ شُهُودِ وَصِیَّتِهِ الْمَنقُولِهِ فی ... (۴) .

با توجه به مطالب بالا ، به خوبی روشن می شود که حاکم بودن یزید بن قیس بر اصفهان و ری و همدان ، که در بسیاری از منابع معتبر تاریخی ذکر گردیده (۵)

ص: ۸۶

۱- الإصابه ج ۶، صفحه ۳۶۰، شماره ۹۴۰۹ و الأعلام زرکلی، ج ۹، صفحه ۲۴۱

۲- الأعلام زرکلی ، جلد ۱، صفحه ۲۴۲

۳- أعیان الشَّیعہ، چاپ جدید ، جلد ۱۰، صفحه ۳۰۵

۴- تنقیح المقال، جلد ۳، صفحه ۳۲۸

۵- ذکر أخبار إصبهان، جلد ۲، صفحه ۳۴۳ و طبقات المحدثین یاصبهان، جلد ۱، صفحه ۲۷۸ (در ذیل عنوان مِخْتَفِ بن سُلَیْم) و صفحه ۳۱۱ و شرح من لا یحضره الفقیه فارسی ، باب الخمس، صفحه ۴۵، و نیز اکثر مدارکی که در این قسمت ، مورد استفاده قرار گرفت

از مفاخر تاریخی اصفهان به شمار می رود .

### مِخْنَف بن سُلَیْم، والی اصفهان از طرف امام علی علیه السلام

مخنف بن سلیم غامدی ، که به اعتقاد ابن عبد البر و ابن مندّه و أبو نعیم ، از صحابه رسول خدا صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَسَلَّمَ بوده ، و مرحوم شیخ طوسی قُدَسُ سِرُّهُ او را از أصحاب امیر المؤمنین علیه السلام شمرده ، و در رجال برقی ، او را جزء أصحاب یَمَنِ آن حضرت دانسته ، و ابن داود ، در رجال خود، او را از خواص أصحاب علی علیه السلام و کوفی دانسته ، و دارای شخصیتی مبرّز بوده است(۱) ، از طرف امیر المؤمنین علیه السلام به حکومت اصفهان گمارده شده ، و مدّتی پس از یزید بن قیس ، والی و حاکم اصفهان بوده است (۲).

در جریان جنگ صفین ، امیر المؤمنین علیه السلام نامه ای جالب برای او نوشتند ، و او را دعوت به شرکت در جهاد بر علیه معاویه نمودند ، و او حارث بن ابی الحارث بن ربیع را به جای خود نصب کرد، و به محضر علی علیه السلام شتافت و در جنگ صفین شرکت جست (۳) و بر بخشی از لشکر صفین ، همانند : قبیلۀ ( اَزْد و بجیله و خنعم و ... ) امارت یافت (۴) .

هنگامی که حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام در زمان بازگشت از بصره ،

ص: ۸۷

۱- به کتب رجال مورد اشاره ، مراجعه شود

۲- بحار الأنوار ، جلد ۳۲ ، صفحه ۳۵۷ و طبقات المحدثین ، یاصبهان ، جلد ۱ ، صفحه ۲۷۷ و ذکر أخبار إصبهان ، جلد ۱ ، صفحه ۷۲

۳- بحار الأنوار، ج ۳۲ ، صفحه ۳۹۹ - ۴۰۰ ، وقعه صفین ، از نصر بن مزاحم صفحه ۱۰۴ - ۱۰۵

۴- وقعه صفین ، صفحه ۱۱۷

جمعی از مسلمانها را بر کوتاهی نمودن در میدان جنگ سرزنش می فرمودند ، نگاهی به مخنف نمودند ، و فرمودند :

لَكِنَّ مِخْنَفَ بْنَ سُلَيْمٍ وَ قَوْمَهُ لَمْ يَتَخَلَّفُوا (۱) و بدین وسیله او را مورد تجلیل و تکریم قرار دادند .

مرحوم مامقانی ، از مجموع برنامه های امیر المؤمنین علیه السلام نسبت به وی ، و اقدامات او در اطاعت و حمایت از علی علیه السلام ، نتیجه گیری نموده که ، او نه تنها از چهره های مُوثَّق بوده ، بلکه مرتبه ای فوق عدالت داشته است (۲) .

### حارث بن اَبی الحارث بن ربیع، نماینده والی اصفهان

پس از آنکه امیر المؤمنین علی علیه السلام مِخْنَفَ بْنَ سُلَيْمٍ ( حاکم منصوب خود ) را طیّ نامه ای ، به سوی میدان صفین فرا خواندند، در همان نامه دستور دادند که

فَإِذَا أَتَيْتَ بِكِتَابِي هَذَا فَاسْتَخِلْفْ عَلَيَّ عَمَلِكَ أَوْ تَقَّ أَصْحَابِكَ فِي نَفْسِكَ وَ أَقْبِلْ إِلَيْنَا

و او ، حارث بن اَبی الحارث بن ربیع را ( که از قوم او بود ) بر اصفهان گمارد و خود ، به میدان صفین حاضر گردید (۳) .

حافظ ابونعیم ، در أخبار اصفهان ، جلد ۱ ، صفحه ۷۳ ، از شخصی یاد می کند به نام حارث بن عبد الله بن عبد عوف بن أصرم ، که از طرف امیر المؤمنین علی علیه السلام والی اصفهان بوده ، و نابغه جعدی ( شاعر شیعه و نامدار عرب و اسلام ) در دوره

ص: ۸۸

---

۱- وقعه صفین ، ص ۸ ، یعنی : لکن مخنف بن سلیم و قوم او ، از مسئولیت جنگ تخلف نمودند

۲- تنقیح المقال ، جلد ۳ ، صفحه ۲۰۷

۳- وقعه صفین ، صفحه ۱۰۴ - ۱۰۵ و بحار الأنوار ، جلد ۳۲ صفحه ۴۰۰

معاویه که تبعید به اصفهان گردید ، به همراهی حارث بن عبد الله ، ( که قبلاً حاکم از طرف علی علیه السلام بود ) وارد اصفهان گردید .

### عَمْرُو بنِ سَلْمَه، والی یا نماینده والی اصفهان

به نوشته شیخ طوسی ، عمرو بن سلمه جرمی ، از أصحاب رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ می باشد (۱) و حافظ ابونعیم ، در قضیه انتصاب مخنف بن سلیم به حکومت اصفهان ، درباره او می نویسد :

كَانَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ اسْتَعْمَلَ يَزِيدَ بْنَ قَيْسِ عَلِي الرُّيِّ ، ثُمَّ اسْتَعْمَلَ مِخْنَفَ بْنَ سُلَيْمِ عَلِي إِصْبَهَانَ، وَ اسْتَعْمَلَ عَلِي إِصْبَهَانَ عَمْرُو بْنَ سَلْمَهٍ ... (۲) که عبارت یاد شده دو احتمال دارد ، اول این که ضمیر در ( استعمل ) دوّم به مخنف بن سلیم برگردد ، پس عمرو بن سلمه نماینده ای است از طرف مخنف در اصفهان و دوّم این که ضمیر یاد شده ، به علی علیه السلام برگردد ، که مفاد آن این است که عمرو بن سلمه نیز ، از طرف امیر المؤمنین علیه السلام منصوب به حکومت اصفهان گردیده است ، ولی در تاریخ ابن اثیر ، به صراحت آمده است :

اسْتَعْمَلَ عَلِي عَمْرُو بْنَ سَلْمَهٍ عَلِي إِصْبَهَانَ ،

فَقَدِمَ وَ مَعَهُ مَالٌ وَ زُقَاقٌ ، فِيهَا عَسَلٌ وَ سَمْنٌ (۳)

### تذکر قابل توجه

درباره حاکم هائی که از طرف امیرالمؤمنین علی علیه السلام بر اصفهان منصوب

ص: ۸۹

۱- رجال شیخ طوسی ، صفحه ۳۲ ، معجم رجال الحدیث ، جلد ۱۳ ، صفحه ۱۰۵

۲- ذکر أخبار إصبهان ، ج ۱ ، ص ۷۲ ، طبقات المحدثین بإصبهان ، ج ۱ ، ص ۲۷۸

۳- الکامل فی التّاریخ ، جلد ۳ ، صفحه ۴۰۰

گردیده اند ، اختلاف وجود دارد، و اظهار نظر قطعی ، آسان به نظر نمی رسد ، و احتیاج به بررسی های وسیع تری دارد .

### ورود مالک اشتر نخعی به اصفهان

از افتخاراتی که برای اصفهان ذکر شده، ورود مالک اشتر نخعی (یاور پاکبخته و فداکار امیر المؤمنین علی علیه السلام) به این شهر می باشد .

حافظ ابونعیم می نویسد:

مَالِكُ الْأَشْطَرِ بْنِ الْحَارِثِ ... بْنِ النَّخَعِ ، كَانَ يَأْصِبُ بَهَانَ أَيَّامَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ، فِيمَا ذُكِرَ عَنْ عُمَيْرِ بْنِ سَعِيدٍ ، قَالَ : دَخَلْتُ عَلِيَّ الْأَشْطَرِ يَأْصِبُ بَهَانَ فِي أَنْاسٍ مِنَ النَّخَعِ نَعُوذُهُ ، مَاتَ مَسْمُومًا بِالْقُلْزُومِ سَنَةَ سَبْعٍ وَ ثَلَاثِينَ (۱).

مضمون عبارت بالا این است که ، مالک اشتر در ایام خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام در اصفهان بوده ، و شخصی به نام عمیر بن سعید بر او وارد شده ، در حالی که جمعی از قبیله نخع همراه او بوده اند، و سپس می نویسد : مالک ، در سال ۳۷، در محل قلزم ، در اثر مسمومیت در گذشت .

با توجه به قضایای تاریخی جنگ صفین ، و اعزام مالک به سوی مصر و شهادت او در میان راه ، در محلی به نام قلزم ، اثبات ورود مالک اشتر به اصفهان ، مشکل می باشد ، گرچه احتمال می رود ، که مالک اشتر ، در یک مأموریت مخصوص ، از طرف امام علی علیه السلام مسافرتی به اصفهان نموده است .

### مسجد شعیای نبی علیه السلام، اولین مسجد بزرگ اصفهان مربوط به دوره خلافت علی علیه السلام

بر جانب شمالی مرقد شعیای نبی علیه السلام ، کتیبه ای به خط نستعلیق برجسته از

ص: ۹۰



دوره سلطان حسین صفوی موجود بوده ، که نشان می داده ، اولین مسجد بزرگی که در اصفهان ساخته شده ، مسجد شعیبا علیه السلام بوده است و آن را أبو العباس مفتی ، در زمان خلافت امام علی بن ابی طالب علیه السلام بنا کرده و الب ارسال آن را تعمیر کرده است .

متن کتیبه که به خط علی نقی امامی در سال ۱۱۱۲ هجری نوشته شده ، به این شرح می باشد : وَجَدْنَا فِي كِتَابِ أَصْفَا (۱) ، أَنَّ أَوَّلَ مَسْجِدٍ كَبِيرٍ بُنِيَ بِأَصْفَهَانَ مَسْجِدُ شُعَيْبَا، وَبَنَاهُ أَبُو الْعَبَّاسِ الْمُفْتَى فِي زَمَنِ عَلِيِّ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَعَمَرُهُ أَلْبُ أَرْسِلَانَ بَعْدَ تَيْفٍ وَخَمْسِ مِائَةٍ، بَعْدَ مَا غَلَبَهَا بِقُوَّتِهِ وَقَدْ أُمِرَ بِعِمَارَتِهِ فِي عَامِ أَحَدِ عَشَرَ وَمِائَةٍ وَأَلْفٍ وَبِعِبَارِهِ أُخْرَى هِيَ مَرْقُودُ شُعَيْبِ النَّبِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامِ ، عَلِيِّ نَقِيِّ الْإِمَامِيِّ ۱۱۱۲ (۲) .

از این عبارت ، اهمیت مسجد شیعیان و سابقه تاریخی آن ، و انتسابش به شیعه ، و امام اول آنها ، ( امام علی علیه السلام ) به خوبی استفاده می شود (۳) .

### جامع خوشینان و احتمال اتحاد با مسجد شعیای نبی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

حافظ ابونعیم اصفهانی می نویسد : قول صحیح این است که مسجد خوشینان

ص: ۹۱

- ۱- کتاب اصففا ، تفسیر قرآن متوسطی است ، که ملا محسن فیض کاشانی ( حکیم و فقیه و مفسر و نابغه نامدار ) نوشته است ( الذریعه الی تصانیف الشیعه ، جلد ۲ ، صفحه ۱۲۴ )
- ۲- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۵۲۲ ، و آثار ملی اصفهان ، صفحه ۷۵۲ البته باید توجه داشت ، در تعمیراتی که در سالهای اخیر انجام گرفته ، این کتیبه از بین رفته است ، فقط در کتیبه اطراف محراب مسجد شیعیان علیه السلام ، قسمت اول عبارات کتیبه یاد شده موجود است ( به گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۵۳۳ مراجعه شود )
- ۳- البته در کتاب مجمل التواریخ و القصص ، که در سال ۵۲۰ هجری تألیف شده ، و با تصحیح ملک الشعراء بهار ، به چاپ رسیده ، در صفحه ۵۲۴ آمده است : جامع خوشینان ، نخستین مسجد بود که به اصفهان کردند در اسلام ، و بناء آن أبوحناس ... کرد در خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام ... و به نظر دکتر لطف الله هنرفر ، محل خوشینان ، همین محلی است که ، مسجد شعیای نبی در آن است ، ولی از جامع خوشینان اثری باقی نیست ( گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۵۲۱ )

اول مسجد بزرگی است که در اصفهان ساخته شده و شخصی به نام ابوحنّاس ، در زمان خلافت امام علی بن ابی طالب علیه السلام آن را بنا نموده است (۱).

هم چنان که در پاورقی بخش مسجد شعیای نبی علیه السلام یاد آور شدیم ، دکتر لطف الله هنرفر ، استاد و متخصص باستانشناسی ، و صاحب نظر در تاریخ آثار باستانی اصفهان ، عقیده دارد که ، محله خوشینان ، همین محلی است که مسجد شعیای نبی علیه السلام در آن واقع است . بنابراین احتمال دارد که مسجد محله مذکور، همان مسجد شعیای نبی علیه السلام باشد و ابوحنّاس ، کنیه دیگری برای ابو العباس مفتی باشد ، و یا این که ، ابوحنّاس معمار و بنای مسجد ، و ابو العباس مفتی ، کارفرما و بانی آن بوده است .

### نابغه جعدی ، تبعیدی معاویه به اصفهان

یکی از شعراء برجسته تاریخ عرب و اسلام و تشیع ، قیس بن عبد الله ، یا قیس بن کعب بن عبد الله ، یا عبد الله بن قیس ، می باشد که کنیه او ابولیلی است و به نابغه جعدی، شهرت دارد . وی، از چهره های مشهور اصحاب رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَسَلَّمَ است، و در زمرة مُحَضَّرَمین (۲) میباشد و در هر دو دوره جاهلیت و اسلام ، شعر سروده است .

از مزایای برجسته نابغه جعدی ، این است که ، در دوره جاهلیت نیز ، به

ص: ۹۲

---

۱- ذکر اخبار اصفهان، جلد ۱، صفحه ۱۷، طبقات المحدثین یا صبهان ، جلد ۱، صفحه ۵۶. وَالصَّحِيحُ : أَنَّ مَسْجِدَ خَشِينَانَ ، أَوَّلَ مَسْجِدٍ كَبِيرٍ بُنِيَ بِإِصْبَهَانَ ، بِنَاءِ أَبُوْحَنَّاسٍ ... فِي خِلَافَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ ...

۲- مُحَضَّرَمٌ ، یعنی کسی که جاهلیت و اسلام را درک نموده ، و شاعری که هر دو دوره را دیده باشد ( همانند حسان بن ثابت ، کعب بن زهیر ، عمرو بن معدیکرب ، نابغه جعدی و ... )

یگانگی خدا معتقد بوده، و از مسکرات و أنصاب و أزلام، پرهیز می کرده و به حکم عقل فطری خود، از یک ستری منہیات دینی، دوری می جسته است (۱) و به عبارت دیگر: پیرو دین ابراهیم خلیل علیه السلام بوده (۲) و در همان دوره، به حمد و تسبیح و ثنای پروردگار، اشتغال داشته است، و از جمله اشعار او در دوره قبل از اسلام این است: (۳)

الْحَمْدُ لِلَّهِ لَا شَرِيكَ لَهُ \*\*\* مَنْ لَمْ يَقْلُهَا ، فَنَفْسُهُ ظَلَمًا

نابغه جعدیه، در هنگامی که شرفیاب محضر حضرت محمد بن عبد الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ گردید، اشعاری سرود که مورد تحسین آن حضرت واقع شد، و به او فرمودند: أجدت (۴)، و مشمول دعای آن حضرت گردید که فرمودند:

لَا يُفْضُضُ اللَّهُ فَاكٌ يَا لَا يُفْضُضُ فُوكٌ

یعنی: خدا دهن را نشکند یا دهن شکسته مباد

نابغه جعدیه، از رفتارهای عثمان بن عفان، در دروان خلافت جائزانه او، رنجیده شد (۵)، و به بهانه زیارت فامیل و شوق به بادیه و صحرا، از مدینه خارج گردید.

معاویه به مروان نامه نوشت، و دستور داد (که به بهانه ای) أهل و خانواده نابغه را دستگیر کند و به زندان بیندازد و اموال او را غارت نماید، و دلیلش این بود که نابغه، در جریان جنگ صفین، در رکاب علی علیه السلام حاضر بود، و از

ص: ۹۳

۱- ریحانه الأدب، جلد ۶، صفحه ۸۵

۲- أعيان الشيعة، چاپ جدید، جلد ۸، صفحه ۶۶

۳- أسد الغابه، جلد ۵، صفحه ۲۹۲، الاستيعاب، جلد ۴، صفحه ۱۵۱۵

۴- یعنی: نیکو گفتمی

۵- ریحانه الأدب، جلد ۶، صفحه ۸۵

دوستاناران امیر المؤمنین علیه السلام و ستایش گران آن حضرت و سرایندگان شعر در حمایت از امیرالمؤمنین علیه السلام ، به شمار می رفت (۱).

و نیز معاویه ، نابغه جعدی را به اصفهان تبعید نمود ، و او به همراهی حارث بن عبد الله بن عبد عوف (که پیش از آن ، از طرف امیر المؤمنین علی علیه السلام والی اصفهان بود ) وارد اصفهان گردید (۲) و نابغه ، پس از مدتی اقامت در این شهر ، در گذشت .

نابغه جعدی ، در دوره قبل از اسلام اشعاری ممتاز سروده ، بنابراین از شعراء ممتاز عرب و جاهلیت محسوب می گردد ، و در دوره اسلام ، سروده هایش از برجستگی برخوردار بوده ، از این جهت از مفاخر شعراء عالم اسلامی به حساب می آید ، و در حمایت از علی علیه السلام و حقانیت آن حضرت شعر گفته ، بنابراین از شعراء مکتب اهل البيت عليهم السلام و جهان شیعه ، به شمار آمده است .

روح پاک و اندیشه متعالی ، تدبیر در آیات قرآن ، دقت در آیات الهی ، تفکر در عالم خلقت و نشانه های صنیع پروردگار و ... ، از اشعار نابغه جعدی ، آشکار می باشد . درباره عمر نابغه جعدی ، نظرات متفاوت ، اظهار گردیده ، از قبیل :

۱۱۲ - ۱۲۰ - ۱۸۰ - ۲۰۰ - ۲۲۰ - ۲۳۰ - ۲۴۰ و نوشته اند که ، دندانهایش ، در تمام عمر سالم و سفید بوده ، و هر کدام از آنها می افتاده ، به جایش دندان نو ، در می آمده است ، و این ، در اثر دعای پیامبر صلی الله علیه و آلهی و سلم بوده ، که فرمودند :

لَا يَفْضُضُ اللَّهُ فَاكًا (۳)

ص: ۹۴

---

۱- أعيان الشَّيْخَة ، چاپ جدید ، جلد ۶ ، صفحه ۲۶۳

۲- ذکر أخبار إصبهان ، جلد ۱ ، صفحه ۷۲

۳- ريحانه الأدب ، به نقل از ناسخ التواريخ ، الاستيعاب جلد ۴ ، صفحه ۱۵۱۶

وفات نابغه جعدی ، در حدود سال ۶۵-۷۰ در اصفهان واقع گردیده است .

نابغه جعدی در کتب تاریخ ، تراجم ، ادبیات ، دائره المعارف ها و ... ، مورد توجه می باشد و عموماً شرح حال مفصّلی از او نوشته اند ، و علامه امین ، در دو مورد ( یکی تحت عنوان حَبان بن قیس ، نابغه جعدی ، در جلد ۶ ، چاپ جدید ، صفحه ۲۵۹ ، به بعد و دیگری تحت عنوان عبد الله بن قیس ... النَّابغه الجعدی ، جلد ۸ ، صفحه ۶۵ به بعد ) به نحو بسیار مفصّل ، و در مورد سوّم ( تحت عنوان نابغه جعدی ، جلد ۱۰ ، صفحه ۱۹۹ ) به نحو مختصر ، در باره این شاعر بزرگوار ، بحث کرده اند ، و ما در این کتاب ، به خاطر اقامت اجباری او ( به عنوان تبعید ) در اصفهان ، ( آن هم به خاطر دوستی و دفاع از مکتب و ولایت علی علیه السلام ) از او یاد نموده ایم .

### شش سال نفوذ حکومت مختار بر اصفهان

پس از شهادت امام حسین علیه السلام ، و قیام مختار بن ابی عبیده ثقفی ، مدّت شش سال ، دامنه حکومت او ، بر کوفه و بصره تا شهرهای ری و خراسان و نهاوند و حدود اصفهان و حدود آذربایجان ، گسترش داشته و به نام او خطبه می خوانده اند ، و سکه به نام او می زده اند ، و والیان و شحنگان و ثواب او ، در شهرهای مسلمان نشین ، قدرت و نفوذ و تسلط داشته اند (۱).

### اقامت سعید بن جبیر (مفسر قرآن و شهید راه امام علی علیه السلام) در اصفهان

سعید بن جبیر ، یکی از چهره های برجسته شیعه ، و از مفاخر عالم اسلام میباشد ، که در تفسیر قرآن و فقه و حدیث ، مقامی بس أرجمند داشته ، و اولین

ص: ۹۵

نویسنده کتاب درباره تفسیر قرآن به حساب آمده (۱) و امام صادق علیه السلام در باره او فرموده اند: او پیروی از علی بن الحسین علیهما السلام می نمود و علی علیه السلام او را ستوده اند، و به همین جهت حجّاج بن یوسف، او را به شهادت رسانده است (۲).

فضل بن شاذان، که خود از چهره های برجسته علمی و دینی شیعه است، درباره سعید بن جبیر فرموده: لَمْ يَكُنْ فِي زَمَنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ فِي أَوَّلِ أَمْرِهِ إِلَّا خَمْسَةُ أَنْفُسٍ، سَعِيدُ بْنُ جُبَيْرٍ وَ... (۳) و با این بیان، او را، یکی از پنج چهره بزرگ شیعه، که در اول امامت امام زین العابدین علیه السلام، پیشوائی آن حضرت را پذیرفتند، به شمار آورده است.

صاحب مناقب، او را جَهْبَدُ (۴) العلماء (نکته سنج دانشمندان) دانسته، و نوشته است، که او در دو رکعت نماز، تمامی قرآن را تلاوت میکرد، و فرموده: در روی زمین کسی نبوده است که محتاج علم او نباشد (۵). مَقْدِسِي او را، فقيه وَرِع، و از اعلام تابعین دانسته، و ابن حجر، او را (ثقة ثبت فقيه) خوانده است (۶). سعید بن جبیر، در هنگام دستگیری مناظره ای کوبنده با حجّاج بن یوسف داشته، که با استناد به آیات قرآن، او را خوار و ذلیل نموده، و در نهایت، به دستور حجّاج، به شهادت رسیده است.

ص: ۹۶

- 
- ۱- تأسیس الشیعه لعلوم الإسلام، صفحه ۳۲۲
  - ۲- رجال کشی، صفحه ۱۱۰ و جامع الزّواہ، جلد ۱، صفحه ۳۵۹
  - ۳- رجال کشی، صفحه ۱۰۷، ذیل عنوان سعید بن مسیب و جامع الزّواہ جلد ۱، صفحه ۳۵۹
  - ۴- جَهْبَدُ و جِهْبَدُ، هر دو ضبط شده است
  - ۵- مناقب ابن شهر آشوب، جلد ۴، صفحه ۱۷۶ و تنقیح المقال، جلد ۲، صفحه ۲۵ ما عَلَى الْأَرْضِ أَحَدٌ إِلَّا وَهُوَ مُحْتَاجٌ إِلَى عِلْمِهِ
  - ۶- تنقیح المقال، جلد ۲، صفحه ۲۶

وی پس از شهادت ، در هنگامی که سر مقدّس او به زمین افتاد ، کلمه طیبه لا إله إلا الله را بر زبان جاری ساخت (۱).

سعید بن جبیر ، مدّتی در اصفهان در محله سنبلان (۲) اقامت داشته ، و در مسجدی به نام جُلجُلَه بن یَدیل تمیمی ، نماز می خوانده است . این مسجد در حال حاضر ، در کنار صحن و بقعه امام زاده درب امام واقع است و درب خیلی قدیمی دارد که به سوی صحن امامزاده باز می شود (۳) .

آن بزرگوار ، در اصفهان وارد بر قاسم بن ابی اُیوب ( أعرج ) بوده ، و مدّت دو سال در این شهر ، اقامت داشته است (۴) .

سعید بن جبیر ، در سنّ ۴۹ سالگی ، در سال ۹۵ هجری ، به دست خون آشام مشهور ، حجاج بن یوسف ثقفی ، دشمن سرسخت امیر المؤمنین علی علیه السلام به شهادت رسید ، و پس از شهادت او ، حجاج ، به کرمهائی مبتلا شد و به درک واصل گردید و در اثر دعای سعید بن جبیر ، دیگر موفّق به کشتن کسی نگردید ، و پس از مرگ ، در عالم خواب گفته بود ، که برای هر قتلی یک بار مرا کشتند ولی برای قتل سعید بن جبیر ، مرا هفتاد بار کشتند (۵) . از نسل این شهید سعید ، سه پسر به نامهای : عبد الله و محمّد و عبد الملک ، مورد ذکر قرار گرفته اند (۶) .

ص: ۹۷

- 
- ۱- تنقیح المقال، جلد ۲، صفحه ۲۶
  - ۲- محله سُبُلان ، گاهی سُبُلستان و چُمَلان ، چُلّمان و ... ، نیز ، خوانده می شده ، و در نزدیکی بقعه و امامزاده درب امام می باشد ، و در حال حاضر، در حاشیه خیابان ابن سینا قرار گرفته است
  - ۳- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۳۵۲ و تاریخ اصفهان و ری ، صفحه ۲۴۸
  - ۴- ذکر أخبار اصبهان ، جلد ۲، صفحه ۱۵۹
  - ۵- تنقیح المقال ، جلد ۲، صفحه ۲۶
  - ۶- طبقات المحدثین یا صبهان ، جلد ۱، صفحه ۳۱۵

یکی از مفاخر محدثین و علماء اصفهان ، قاسم بن اَبی اَیوب می باشد ، که کنیه او ابن بهرام بوده ، و به او ( اعرج ) گفته می شده است .

همچنان که در بخش مربوط به « سعید بن جبیر » اشاره نمودیم ، حافظ ابونعیم اصفهانی می نویسد : دو سال سعید بن جبیر ( عالم و مفسّر بزرگ شیعه و شهید راه ولایت ) بر خاندان قاسم بن اَیوب وارد گردید و در محله سنبلان ، در نزد آنها سکونت داشت (۱) .

از این قضیه به خوبی معلوم می گردد ، که نه تنها قاسم اصفهانی ( اعرج ) شیعه بوده ، بلکه با پذیرائی دو ساله ، از سعید بن جبیر و پناه دادن به او ( در حالی که سعید بن جبیر تحت تعقیب حکومت اموی و حجاج بن یوسف ثقفی خونخوار ، بوده است ) جهادی بزرگ در راه مکتب تشیع نموده و این قضیه از مفاخر اصفهان ، و نشانه ای از ریشه های ولایت ، در مردم این شهر به شمار می رود .

#### شتردار امام علی بن موسی الرضا علیه السلام در سفر خراسان، اصفهانی بوده است

مردی از اهل کرمند ( از روستاهای ناحیه اصفهان )

شتردار حضرت امام علی بن موسی الرضا علیه السلام در سفر به سوی خراسان بوده است ، و در هنگامی که می خواست مراجعت کند ، عرضه داشت یا بن رسول الله ، مرا به چیزی از دستخط مبارکتان مفتخر سازید ، که به وسیله آن تبرک بجویم ، ( و آن مرد از

ص: ۹۸



عامّه بود ) ، و امام هشتم علیهم السلام ، این حدیث را برای او نوشتند :

كُنْ مُجِبًّا لِّاَلِ مُحَمَّدٍ وَ اِنْ كُنْتَ فَاسِقًا ، وَ مُجِبًّا لِّمُحِبِّيهِمْ وَ اِنْ كَانُوا فَاسِقِينَ

یعنی دوستدار آل محمد باش ، گرچه فاسق باشی ، و دوستدار دوستان آنها باش ، گرچه آنها ، فاسق باشند(۱).

### عبد الرحمن اصفهانی، و تشیع اوباعنایت امام علی النقی علیه السلام

فقیه و محدث و مفسّر نامدار ، قطب الدین راوندی ، در کتاب نفیس الخرائج و الجرائح داستان عجیبی را نقل می نماید که گوشه ای از ریشه های تشیع در شهر اصفهان را ، روشن می سازد و از معجزاتی از امام هادی علیه السلام ، پرده بر میدارد و شرح آن چنین است :

جماعتی از اهل اصفهان ، همانند : أبو العباس أحمد بن نصر ، و أبو جعفر محمد بن علویّه ، نقل نمودند که در اصفهان مردی بوده به نام عبد الرحمن و شیعه بوده است . به او گفته شد سبب تشیع تو و اعتقادت به امامت امام علی نقی علیه السلام و نفی دیگران چیست ؟ گفت من قضیه ای را مشاهده نمودم که مرا به این اعتقاد کشانید ، به این شرح :

من مرد فقیری بودم ، ولی با جرأت و زبان آور ، در سالی از سالها مردم اصفهان مرا با جمعی دیگر رهسپار دربار متوکل عباسی نمودند ، برای دادخواهی و تظلم - ما ، در دربار متوکل بودیم که امر شد به إحضار علی بن محمد (ابن الرضا) علیه السلام ، من به یکی از حاضرین گفتم این مرد کیست که او را

ص: ۹۹

---

۱- بحار الأنوار، چاپ اسلامیّه ، جلد ۶۹ ، صفحه ۲۵۳ و مستدرک الوسائل ، چاپ مؤسسه آل البيت علیهم السلام ، جلد ۱۲ ،

إحضار نموده اند؟ گفت: مردی است علوی که رافضیان او را امام خود میدانند، و سپس گفت، برنامه قتل او در کار است.

پس من تصمیم گرفتم که بررسی کنم این مرد کیست؟ پس او در حالیکه سوار بر اسبی بود آمد و مردم در طرف راست و چپ راه ایستاده بودند و او را تماشا می کردند. در هنگامی که چشم من به او افتاد، محبت او در دلم قرار گرفت و شروع کردم به دعا نمودن برای دفع بلاء، و شرّ متوکل از او، پس در میان مردم عبور مینمود، و به یال اسب خود چشم دوخته بود، و به راست و چپ نگاه نمیکرد، و من هم در حال دعای به او بودم، وقتی در برابر من قرار گرفت، رو به من نمود و فرمود: خدا دعایت را مستجاب کند، و عمرت را طولانی نماید، و مال و فرزندان را فراوان قرار دهد (۱).

عبد الرحمن گفت، پس من به خود لرزیدم، و در میان همراهانم افتادم، و آنها از من می پرسیدند چه شد؟ گفتم خیر است، و به آنها خبر ندادم، سپس به اصفهان بازگشتیم، و خداوند راههایی از مال به سوی من گشود، تا آنجا که امروز در خانه ام را بر اموالی میندم، که قیمتش هزار هزار درهم است، و این غیر از اموال من در خارج خانه می باشد، و ده فرزند نصیب شده، و در حال حاضر هفتاد و چند سال دارم، و من معتقد به امامت آن حضرت شده ام، زیرا خبر از درون من داشت، و خداوند دعای آن بزرگوار را درباره من و برای من، مستجاب فرمود (۲).

ص: ۱۰۰

---

۱- در عبارت حدیث آمده است: إِسْتَجَابَ اللَّهُ دُعَائَكَ وَ طَوَّلَ عُمْرَكَ وَ كَثَّرَ مَالَكَ وَ وَاوَدَّكَ

۲- الخرائج و الجرائح، چاپ مؤسسه الإمام المهدي، جلد ۱، صفحه ۳۹۲ و إثبات الهداه بالنصوص و المعجزات، جلد ۶، صفحه ۲۳۶، و بحار الأنوار، جلد ۵۰، صفحه ۱۴۱

مرحوم شیخ صدوق قُدسُ سِرِّه در کتاب اکمال الدّین ، در شمار کسانی که به شرف ملاقات حضرت بقیه الله الأعظم ، حجّه بن الحسن العسکری (عج) نائل گردیده ، و معجزه ای از آن حضرت مشاهده نموده اند ، ابن بادشاله ، یا ، ابن پادشاکه ، را ذکر نموده اند(۱) که نشان میدهد شخصیت یاد شده نه تنها شیعه بوده ، بلکه از نخبگان و برجستگان شیعه اصفهانی بوده است .

مرحوم امین شامی ، در اعیان الشّیعه از او یاد نموده است(۲) .

### محدّثین اصفهانی ، از اصحاب ائمّه علیهم السلام

چنانچه به تفصیل ، در بخش محدّثین اصفهانی ، بررسی نموده و توضیح داده ایم ، روشن می گردد ، که جمعی از محدّثین شیعه اصفهانی ، از اصحاب ائمّه معصومین علیهم السلام بوده اند . ذیلاً ذکر نام ، از آنها یاد می نمائیم :

۱- عبد السلام اصفهانی از اصحاب امام باقر علیه السلام

۲- أبو الحسن اصفهانی از اصحاب امام صادق علیه السلام

۳- ابراهیم طباطبا از اصحاب امام صادق علیه السلام به نقل شیخ طوسی

۴- ادريس بن عبد الله اصفهانی از اصحاب امام صادق علیه السلام

۵- عثمان اصفهانی از اصحاب امام صادق علیه السلام

۶- عمر اصفهانی از اصحاب امام صادق علیه السلام

۷- محمّد بن سلیمان اصفهانی از اصحاب امام صادق علیه السلام

۸- ابراهیم بن شیبۀ اصفهانی از اصحاب امام جواد و امام هادی علیهما السلام

ص: ۱۰۱

---

۱- اکمال الدّین صدوق ، چاپ دار الکتب الإسلامیّه، ص ۴۴۳، باب ۴۳ حدیث ۱۶

۲- اعیان الشّیعه، جلد ۲، چاپ جدید ، صفحه ۲۶۱

۹- اَبی شَیبه اصفهانی از اصحاب امام جواد علیه السلام

۱۰- مُحَمَّد بن مُنَدَّه اصفهانی از اصحاب امام جواد علیه السلام

۱۱- سُرّی بن سَلَمَه اصفهانی از اصحاب امام هادی علیه السلام

۱۲- عبد الله بن مُحَمَّد اصفهانی از خواص اصحاب امام هادی علیه السلام

۱۳- علی بن مُحَمَّد بن شیرَه اصفهانی کاشانی از اصحاب امام هادی علیه السلام به نقل از شیخ طوسی .

۱۴- أحمد بن مُحَمَّد بن سیّاری اصفهانی از معاصرین امام حسن عسکری علیه السلام

و دارای تصنیفات فراوان .

۱۵- شیخ مُحَمَّد بن غالب اصفهانی از نزدیکان امام حسن عسکری علیه السلام و واسطه نقل زیارت شهدای کربلاء .

۱۶- شخصی با عنوان الإصفهانی ، از راویان از امام صادق علیه السلام که در کتاب کافی ذکر شده ، و احتمال دارد یکی از روات بالا باشد .

وجود محدّثین یاد شده ، در میان اصحاب ائمه علیهم السلام ، از ریشه های تشیع ، در شهر اصفهان به شمار می رود .

### **عبد الله بن مُحَمَّد کِنانی ، شکنجه دیده راه تشیع**

محدّث عظیم الشّان ، عبد الله بن مُحَمَّد کِنانی ، مُکَنّی به أبو الولید ، که از ابن ادریس و اَبی داود ، نقل حدیث نموده ، و بر اَحادیث بسیاری احاطه داشته ، و در طلب حدیث و نوشتن آن ، مشهور بوده است .

حافظ ابونعیم درباره او می نویسد :

كَانَ كَثِيرَ الْحَدِيثِ ، مَشْهُورًا بِالطَّلَبِ وَ الْكِتَابَةِ

این محدّث بزرگوار ، علناً اعتقاد شیعی خود را مطرح می ساخته و خلافت

أبی بکر را، آشکارا انکار می نموده است (۱).

حاکم اصفهان، جمعی از علماء و مشایخ حدیث اصفهان، همانند: أبومسعود رازی و محمّد بن بکار و محمّد بن الفرّج و زید بن خَرّشه و برخی دیگر را جمع نمود، که با او مباحثه نمایند، ولی آن بزرگمرد، بر اعتقاد خود پافشاری نمود، و لذا او را چهل تازیانه زدند، و مردم را از اطراف او پراکنده کردند، و حدیث او را ترک نمودند.

### اسحاق بن سعد قَطْرُ بَلّی، فرماندار اصفهان، وعاشق دلباخته امام زمان علیه السلام

اسحاق بن سعد قطر بلی، در حدود دوره متوکل (در نیمه اول قرن سوم) فرماندار و حاکم اصفهان بوده، و ابراهیم بن ممشاد اصفهانی (شاعر متعصب دربار متوکل) او را هجو کرده، به وسیله اشعاری، که یکی از آنها این است:

بِاللّهِ مَا اتَّخَذَ الْإِمَامَةَ مَذْهَبًا \*\*\* إِلَّا، لِكُنِّي يَبْكِي لِذِكْرِ الْقَائِمِ

یعنی: به خدا قسم (اسحاق بن سعد) مذهب امامت (و تشیع) را مذهب خود قرار نداده، جز این که با یاد قائم (آل محمّد) علیه السلام بگرید (۲).

از این شعر بر می آید، که اسحاق بن سعد، به طور آشکار، مذهب امامت را پذیرفته بوده، و در یاد حضرت قائم (عجل الله فرجه الشریف) میگریسته، و ابراهیم بن ممشاد، ندیم متوکل عباسی، از این گریستن به عنوان نقطه ضعف او یاد نموده است (۳).

ص: ۱۰۳

۱- ذکر أخبار أصبهان، جلد ۲، صفحه ۴۹

۲- معجم الأدباء، جلد ۲، صفحه ۲۰

۳- به أعيان الشيعة، چاپ جدید، جلد ۳، صفحه ۲۷۰ نیز، مراجعه شود

یکی از مطالب اشتباه ، ولی جا گرفته در اذهان عمومی خواص و عوام ، این است که اصفهان قدیم را منحصرأ محل سکونت و فعالیت اهل تسنن ، و بالأخص متعصبین آنها ، میدانند ، در حالی که حقیقت امر غیر از این است ، بلکه هم چنان که از بخش های مربوط به معرفی بزرگان محدثین و علماء و ادباء شیعه اصفهانی ، استفاده می نمائیم ، در اصفهان قدیم ، بسیاری از فقهاء و علماء عالیقدر شیعه ، زندگی و فعالیت علمی داشته اند که به خاطر جو عمومی حاکم در اصفهان ، و قدرت سیاسی و حکومتی اهل تسنن ، عظمت شخصیت علمی و دینی آنها ، از نظرها دور مانده است و برای روشن شدن مطلب ، به این جریان توجه نمائید .

### جریانی جالب و کشف حقیقی ارزشمند

از جعفر بن ابی السری ، نقل شده که گفت: از ابن عقده (۱) با اصرار خواستم احادیثی را برای من نقل کند ، که از من فوت شده است ، این عقده ، سؤال نمود از کجائی ؟ گفتم از اصفهان ، گفت : شهر ناصبی ها ( و محل دشمنان علی و فرزندان او علیهم السلام ) ؟ گفتم : چنین نگوئید ، در میان مردم اصفهان فقهاء شیعه

ص: ۱۰۴

---

۱- وی ، حافظ نامدار شیعه ، أبو العباس ، أحمد بن محمد بن سعید بن عقده ( مشهور به ابن عقده ) ، متوفای ۲۰۲ یا ۳۰۳ می باشد ، که از ارکان علم حدیث و از بزرگترین حفاظ و ضبط کنندگان حدیث بوده ، که دارقطنی درباره اش می گوید : بعد از ابن مسعود ( صحابی رسول خدا ) محدثی اَحْفَظ از ابن عقده دیده نشده ، و خود او فرموده : که یکصد و بیست هزار حدیث با سند آنها در حفظ داشته است ، و سیصد هزار حدیث در تحت مذاکره و بررسی و تکمیل شرائط روایت ، داشته است . ابن عقده همان است که ، شمار شاگردان امام صادق علیه السلام را به چهار هزار رسانده ، با ذکر حدیث از آنها (به کتب رجال رجوع شود)

هستند و گفت: شیعه معاویه؟ گفتیم نه، بلکه شیعه علی علیه السلام و در میان آن همه شیعه، علی علیه السلام را عزیز تر از چشم و فرزندان و اهل خود می دانند (۱).

(وَمَا فِيهِمْ إِلَّا مَنِ عَلَىٰ أَعْرَ عَلَيْهِ مِنْ عَيْنِهِ وَ أَهْلِهِ) و از این جریان به خوبی معلوم می گردد که قدرت رسمی و سیاسی و حکومتی اهل تسنن در اصفهان، مانع از مجاهدت و کوشش علمی اصفهانی های شیعه مذهب، نگردیده، بلکه بسیاری از اصفهانی های قدیم، در اثر حق طلبی و حق جوئی، راه معرفت و ارادت نسبت به امیر المؤمنین علی علیه السلام را پیموده، و در این راه مقدس فداکاریها نموده اند، گرچه زحمات آنها، مورد تبلیغ و تشویق نیروهای حاکم نبوده است.

### شیخ ابومسعود رازی اصفهانی، مدافع حریم امیر المؤمنین علی علیه السلام

از شخصیت های برجسته ای که در شهر اصفهان نقش بسیار مهمی در دفاع از حریم مولی الموحّدین امیر المؤمنین علی علیه السلام ایفاء نموده اند، شیخ حافظ، ابو مسعود، احمد بن فرات بن خالد بن مسعود رازی اصفهانی، متوفّا و یا شهید سال ۲۵۸ هجری، می باشد. وی، از پیشوایان و حفاظ حدیث است، که کتابهایی تصنیف نموده و از مشایخ بزرگ حدیث، استفاده کرده، و بزرگان علم حدیث، از او بهره برده اند و خود او گفته، از ۱۷۵۰ نفر حدیث نوشتم ولی در کتابهایم، فقط از ۳۱۰ نفر حدیث ضبط نمودم، و بقیه را رها ساختم (۲).

ص: ۱۰۵

---

۱- الکنی و الألقاب، مرحوم قمی، جلد ۲، صفحه ۴۴۳

۲- تهذیب التهذیب، جلد ۱، صفحه ۶۶ - شیخ ابومسعود گفته: هزار هزار حدیث و پانصد هزار (یک میلیون و پانصد هزار حدیث) از هزار و هفتصد استاد نوشتم، و در کتابهایم پانصد هزار از آن را ثبت نمودم (تذکره الحفاظ ذهبی، جلد ۲ ص ۵۴۴)

مجموعاً ، مدّت ۴۵ سال در اصفهان اقامت داشته و حدیث گفته است(۱) .

برخی او را برای فتوی دادن برای نصف دنیا ، کافی دانسته اند و برخی دیگر اظهار داشته اند که : زیر آسمان ، حافظ تر از او در مورد احادیث رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ یافت نمی شود .

و هم چنین ، برخی او را با تعبیر تَقَهُ دُو تَصَانِيف ، ستوده ، و برخی دیگر نوشته اند ، که او هر حدیثی را پانصد بار تکرار میکرده ، تا بر حفظ آن مسلط شود ، و عموماً ، او را از ائمه حَقَّاق حدیث ، به شمار آورده اند (۲) .

ولی باید دانست که شخصیت اعتقادی شیخ ابو مسعود ، در هاله ای از ابهام گرفتار است .

برخی او را سنی صوفی میدانند ، و برخی دیگر او را ، شیعه ای بزرگ و مجاهد و شهید راه دفاع از امیرالمؤمنین علی علیه السلام ، برشمرده اند .

با توجه به این که عموماً ، در کتب تراجم و رجال اهل سنت ، مورد تجلیل قرار گرفته ، و در زمان حاکمیت اهل سنت ، قبر او بقعه و مزاری مورد توجه داشته و در کنار مزار او خانقاه بوده ، احتمال سنی بودن او تقویت می شود ، ولی از طرف دیگر ، در دوره صفویه که عنایت و قاطعیتی ویژه ، در محو آثار اهل سنت داشته اند ، و با وجود علماء بزرگی ، همانند : مجلسین و ... ، که پرچمدار حفظ آثار شیعه بوده اند ، بقعه و مزار شیخ ابومسعود ، باقی مانده و مورد توجه و زیارت بوده ، احتمال تشیع او تقویت می گردد .

ص: ۱۰۶

---

۱- ذکر اخبار اصبهان ، جلد ۱ ، صفحه ۸۳

۲- به تهذیب التهذیب ابن حجر عسقلانی و تذکره الحفاظ ذهبی و طبقات المحدثین یا صبهان و ذکر اخبار اصبهان و تقریب التهذیب و سایر کتب رجال و تراجم ، مراجعه شود



ولی در هر حال، خدمتی بزرگ از این محدّث و فقیه و خطیب نامدار، نسبت به ساحت مقدّس امیر المؤمنین علی علیه السلام، صادر شده که در بررسی ریشه های تشیع در شهر اصفهان، جایگاهی بزرگ دارد، که ذیلاً بیان می داریم:

شیخ ابومسعود رازی در مسیر سفر حجّ بیت الله، وارد اصفهان گردید و در آن هنگام متوجّه شد، که جمع زیادی از مردم اصفهان، تحت تأثیر حکومت دشمنان اهل البیت علیهم السلام در سبّ امیر المؤمنین علیه السلام کوشش دارند و گویندگان رسمی، در بالای منبرها، به مقام منبع آن حضرت جسارت مینمایند، لذا هدایت مردم را، بر حجّ بیت الله، ترجیح داد و تصمیم گرفت آنها را از این گناه و انحراف بزرگ، رهائی بخشد، و چهار سال در شهر اصفهان اقامت جست، و همه روزه در جامع عتیق در بازار رنگرزان مینشست، و مردم حاضر می شدند، و او در هر روزی، چهار حدیث در فضائل و مناقب یکی از اصحاب پیغمبر صلی الله علیه و آلهی و سلم، برای آنها بیان مینمود، ولی مشخص نمی کرد که آن شخصی که دارای آن فضائل و مناقب است، کدام یک از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آلهی و سلم می باشد، تا این که مردم تشنه و شائق شدند، که نام آن صحابی را بدانند و لذا اصرار فراوان نمودند، و او در ضمن خطبهای مفصّل (۱) و با بیانی بسیار کوبنده و رسا، پس از توصیف فراوان گفت:

ص: ۱۰۷

---

۱- این خطبه مفصّل را که داراری فصاحت و بلاغت عجیبی است، و مشتمل بر حدود سیصد فضیلت و منقبت و صفت ممتاز، برای علی علیه السلام است، مرحوم بیان آلواعظین در کتاب خلد برین یا تاریخ گویندگان اسلام، جلد ۱، صفحه ۱۹۲ تا ۱۹۵، نقل نموده است

و در این هنگام ، همه از رفتار زشت خود توبه نمودند ، و جماعتی در اثر غصه برای عمل زشت و ننگین خود ، مُردند ، و برخی گفته اند که رقم آنها به چهارصد نفر رسید(۱).

علامه محقق ، حاج آقا بزرگ طهرانی ، این جریان را نقل نموده ، و سند آن را چنین بیان کرده است :

رَأَيْتُ النُّسَيْخَةَ ضِمْنَ مَجْمُوعِهِ ... مِنْ كُتُبِ السَّيِّدِ مُحَمَّدٍ خَلِيفِهِ ، أَوَّلُ سَنَدِهِ ، أَخْبَرَنَا الشَّيْخُ الرَّشِيدُ مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْمَدَنِيُّ ، ثُمَّ الْإِصْفَهَانِيُّ ، إِجَازَةً قَالَ : حَدَّثَنِي الصَّدْرُ الْإِمَامُ ، صَدْرُ الدِّينِ ، عَبْدُ الصَّمَدِ ، قَالَ : حَدَّثَنِي وَالِدِي الصَّدْرُ السَّعِيدُ ، صَدْرُ الدِّينِ ، أَبُو شُجَاعٍ ، مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّطِيفِ الْخُجَنْدِيِّ ، قَالَ : حَدَّثَنِي الْإِمَامُ فَضْلُ اللَّهِ ، مُحَمَّدُ الدِّيَنَوْرِيُّ ، قَالَ : حَدَّثَنِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ، الْحَسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي مَنْصُورِ الْقُرُونِيِّ ، قَالَ : حَدَّثَنِي عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ سَعِيدِ بْنِ عَبْدِ الصَّهْرِ الْإِصْفَهَانِيُّ الشَّهْرَسْتَانِيُّ ، قَالَ : حَدَّثَنِي الْإِمَامُ الْحَافِظُ (۲) قَالَ : كُنْتُ فِي صُحْبَةِ الْإِمَامِ الشَّهِيدِ ، أَبِي مَسْعُودٍ ، أَحْمَدَ بْنِ الْفَرَاتِ الرَّازِيِّ ، خَرَجْنَا لِطَلَبِ الْحَجِّ فَلَمَّا وَصَلْنَا إِلَى إِصْفَهَانَ ، فَرَأَيْنَا أَهْلَهَا مُظْهِرِينَ سَبَّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ الْمَنَابِرِ فَقَالَ : أَصِيحَابًا ! رَأَيْتُ الْأَشْتِغَالَ بِهَدَايِهِ هَؤُلَاءِ أَهَمَّ مِنَ الْحَجِّ ، فَأَقَامَ أَرْبَعَ سَنَوَاتٍ ... (۳) .

از عبارت بالا استفاده میشود که ، شیخ ابومسعود شهید شده ، و مرحوم ملا احمد بیان را عقیده بر این است که ، آن بزرگمرد ، در اثر تحریک ناصبی ها

ص: ۱۰۸

۱- خلد برین ، صفحه ۱۹۵

۲- مقصود از ، الإمام الحافظ ، حافظ بزرگ اصفهان ، ابوصالح ، عبدالرحمن بن سعید اصفهانی است، که ساکن بغداد گردیده، و از روایان از شیخ أبو مسعود رازی بوده است (خلد برین ، ص ۱۹۰)

۳- الذریعه الی تصانیف الشیعه ، جلد ۲۱ ، صفحه ۴۰۵ - ۴۰۶

به دست مردم جاهل ، در راه دفاع از علی علیه السلام ، به شهادت رسیده است(۱).

پس از ماجرای قتل او ، بقعه و بارگاهی برای او ساخته شد ، که به مرور زمان موقوفاتی بر آن وقف گردید ، و خانقاه و بازار و چهارسو و حمام و باغی ( برای کورها و عاجزهایی که به زیارت می آیند ) و دیگر متعلقات ، در کنار بقعه او به وجود آمد ، و در دوره سلطان یعقوب آق قویونلو ، در سال ۸۹۵ ساختمان باشکوهی با تزیینات فراوان ، برای مزار او ، به وسیله محمد بن جلال الدین عربشاه ، ساخته شد که بخشی از آن هنوز باقی است (۲).

در حدود یکصد و پنجاه سال قبل ، مرحوم آقا سید صدر الدین عاملی ( داماد شیخ جعفر کبیر ، کاشف الغطاء ) که مقیم اصفهان گردیده بودند ، در اثر نظریه خاصی که در مورد سنی و صوفی بودن شیخ ابو مسعود داشتند ، دستور برهم زدن دستگاه بقعه و مزار او را دادند و از زیارت او جلوگیری نمودند ، ولی مرحوم ملا احمد بیان می نویسد: کسانی که به تشکیلات و مزار شیخ ابومسعود خیانت کردند ، عده ای به زودی تلف شدند و کسانی که نقش کمتری داشتند ، به فقر و گرفتاری مبتلا گردیدند (۳).

در هر حال ، برنامه یاد شده ، و جلوگیری شیخ ابومسعود رازی از سب و شتم و جسارت نسبت به ساحت مقدس امیر المؤمنین علی علیه السلام ، از مفاخر و حسنات برجسته عمر او می باشد ، و به همین دلیل ، مرقد و مزار او ، در طول زمان ، مورد توجه مردم بوده است .

ص: ۱۰۹

- 
- ۱- خلد برین ، جلد ۱ ، صفحه ۱۹۵
  - ۲- شرح مفصل بقعه و بارگاه شیخ ابومسعود را ، در کتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، از صفحه ۳۵۳ تا ۳۵۸ و نیز در کتاب آثار ملی اصفهان ، از صفحه ۸۰۵ تا ۸۰۸ مطالعه نمائید
  - ۳- خلد برین ، صفحه ۱۹۷-۱۹۸

## نقش خاندان علمی ثقفی، در نشر احادیث اهل البیت علیهم السلام در اصفهان

چنانچه در بخش معرفتی چهره علمی ابراهیم بن محمد بن سعید ثقفی، و برادران او (جعفر بن محمد بن سعید و علی بن محمد بن سعید ثقفی) بیان نموده ایم، روشن می شود که این خاندان (۱) مخصوصاً ابراهیم بن محمد سعید، نقش برجسته ای در نشر احادیث اهل البیت علیهم السلام در اصفهان داشته اند.

و جالب ترین صحنه کوشش علمی او، در راه نشر فضائل اهل البیت علیهم السلام داستان کتاب (المعرفه) او است، که آنقدر در زمینه فضائل اهل بیت و مثالب و زشتی های دشمنان خاندان رسالت، صراحت و قاطعیت داشت، که شیعیان کوفه، به او پیشنهاد نمودند که این کتاب را در معرض افکار دیگران قرار ندهد، به خاطر اینکه ممکن است مطالب آن را قبول نکنند، ولی، ابراهیم بن محمد ثقفی، اصفهان را که از نظر تعصب شدید بر علیه اهل بیت علیهم السلام، شهرت فراوانی داشت، انتخاب نمود و در این شهر، احادیث کتاب را منتشر ساخت.

تفصیل مطلب را در قسمت معرفتی ابراهیم بن محمد ثقفی، در بخش « نامداران علمی و ادبی شیعه در اصفهان از قرن سوم تا دهم » مطالعه فرمائید.

### سلیمان بن أحمد طبرانی اصفهانی

أبو القاسم، سلیمان بن أحمد بن أيوب بن مطير لخمى طبرانى، مشهور به « مُسْنَدُ الدُّنْيَا » متولّد ۲۶۰ و متوفّای ۳۶۰ (۲).

وی، در طبریّه شام متولّد شده، و برای کسب علم و شنیدن حدیث، از آن

ص: ۱۱۰

---

۱- نسب این خاندان، به خاندان مختار بن ابی عیبه ثقفی می رسد

۲- ذکر أخبار اصبهان، جلد ۱، صفحه ۳۳۵

سرزمین به سوی عراق و حجاز و مصر و شهرهای جزیره مسافرت نموده، و سی و سه سال گردش علمی کرده و در آخر، در اصفهان توطن نموده است (۱).

او در همین شهر وفات یافته و در جوار قبر حَمَمَه ( که یکی از صحابه بوده و در جنگ مسلمانها با ایرانیها، وارد اصفهان شده و از دنیا رفته و در همین شهر مدفون گشته (۲) ) به خاک سپرده شده است.

طبرانی، هزار استاد و شیخ حدیث داشته (۳)، و سی سال بر روی حصیر خوابیده، و به جمع و حفظ حدیث مشغول بوده است (۴).

تصنیفات مهمی انجام داده، و شاگردان زیادی داشته، که از او نقل حدیث نموده‌اند، و از آثار او معجم کبیر و معجم اوسط و معجم صغیر می باشد، و از شاگردان و راویان از او، حافظ ابونعیم اصفهانی و أبو العباس أحمد بن عقیده، می باشند و به نقل مرحوم قمی در الکنی و الألقاب، ابن عقیده، برای طبرانی اهمیّت زیادی قائل بوده است.

طبرانی، گرچه از علماء و مشایخ حدیث أهل سنّت است، ولی روایات بسیاری در فضائل أمير المؤمنین و خاندان رسالت علیهم السلام، نقل نموده که در کتب شیعه مورد استفاده می باشد.

ص: ۱۱۱

---

۱- ریحانه الأدب، جلد ۴، صفحه ۳۱

۲- آقای سید مصلح الدین مهدوی در کتاب دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۳۹۷ می نویسد: در محلّه طوقچی، مجاور قبر صاحب بن عباد، مقبره قدیمی با گنبدی خشتی بود، که اخیراً آن را خراب کرده و حسیّتیّه بنا کردند، معروف در بین عوام آن بود که نام مدفون در بقعه، تبردار است، و ظاهراً تبردار، تصحیف شده طبرانی است

۳- الکنی و الألقاب، جلد ۲، صفحه ۴۴۳

۴- ریحانه الأدب، جلد ۴، صفحه ۳۱

صاحبان کتب تراجم و رجال (أعمّ از شیعه و سنی) شرح حال او را نوشته اند، که به عنوان نمونه از کتابهای: ذکر أخبار إصبهان، مرآة الجنان، میزان الاعتدال، وفيات الأعیان، لسان المیزان، روضات الجنّات، ریحانه الأدب، أکنی و الألقاب قمی، یاد می نمائیم.

### اصفهان و عزاداری بر امام حسین علیه السلام در دورۀ آل بویه و ...

عزاداری بر سید الشهداء، امام حسین علیه السلام، سابقه دیرینه دارد که از نظر فکری و اعتقادی، به راهنمائیها و عمل انبیاء عظام، مخصوصاً حضرت خاتم الأنبیاء محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آلهی و سلم، و أئمة معصومین علیهم السلام، منتهی می گردد، و از نظر تاریخی، از هنگام شهادت آن حضرت، در میان دوستان و هواداران أهل البیت علیهم السلام مطرح بوده، و گاهی با مقداری آزادی، و در برخی از زمانها، در شدت تقیه و ترس، و همراه با آزار و شکنجه دشمنان، انجام می گرفته است.

در دوره آل بویه، که مردمانی دوستاند اهل بیت و طرفدار شیعه بوده اند، عزاداری بر مظلومین أهل البیت علیهم السلام، بالأخص سید الشهداء، امام حسین علیه السلام علنی گردید، و در شکلی وسیع در شهرهای گوناگون رواج یافت، و شیعیان با پرچمهای عزا و دستجات بزرگ، در بازارها و معابر عمومی و مجامع مردمی، به عزاداری می پرداختند.

در شهرهای اصفهان و ساوه و همدان، و دیگر بلاد ایران و عراق، جمع زیادی از پیروان تشیع، و دوستانداران أهل البیت علیهم السلام زندگی می نمودند، تا آنجا که در قرنهای پنجم و ششم هجری، در پاره ای از این شهرها، از جمله، اصفهان و همدان و ساوه، تعداد شیعه به قدری زیاد بوده، که مراسم عاشوراء را

### عزاداری بر امام حسین علیه السلام در اوج قدرت اهل تسنن در اصفهان

خواجه أبو منصور، محمود بن أحمد بن عبد المنعم بن ماشاذه اصفهانی، معروف به ابن ماشاذه (۲) فقیه و واعظ و مفسر بوده، و در یازدهم ربیع الثانی ۵۳۶ هجری، در اصفهان فوت شده (۳) و از علماء و پیشوایان دینی، در نیمه اول قرن ششم بوده است. وی از شخصیت‌های بزرگ علمی شافعیه می باشد، که، سبکی، در طبقات الشافعیه، او را چنین توصیف کرده است:

... مِنْ أَعْيَانِ الْعُلَمَاءِ وَ مَشَاهِيرِ الْفُضَلَاءِ، دَوَى الْحِشْمَةِ وَ الْجَاهِ . تَفَقَّهَ عَلَى أَبِي بَكْرٍ الْخُجَنْدِيِّ وَ عَبْدِ الْوَهَّابِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْقَامِي، وَ سَمِعَ مِنْهُمْ الْحَدِيثَ وَ مِنَ الْإِمَامِ أَبِي الْمُظَفَّرِ السَّمْعَانِيِّ وَ مِنْ خَلْقٍ، وَ حَدَّثَ وَ أَمْلَى عِنْدَهُ مَجَالِسَ . رَوَى عَنْهُ الْحَافِظُ ابْنُ عَسَاكِرٍ فِي مُعْجَمِ شُيُوخِهِ، تُوْفِّيَ فُجَاءَةً، لَيْلَةَ الْجُمُعَةِ ثَانِي عَشَرَ رَبِيعِ الْأَخْرِ، سَنَةَ سِتِّ وَثَلَاثِينَ وَ خَمْسِمِائِهِ (۴).

و در طبقات الشافعیه عبد الرحیم اسنوی آمده است:

ص: ۱۱۳

۱- آل بویه و اوضاع زمان ایشان، صفحه ۴۵۲. برای آشنائی بیشتر، با وضعیت عزاداری و سائر شعائر دینی شیعه و بزرگداشت مراسم غدیر و عاشوراء، در قرنهای چهارم و پنجم و ششم، در بلاد گوناگون، به کتاب یاد شده، از صفحه ۴۵۰ تا ۴۸۲ مراجعه شود

۲- این ماشاذه، کنیه چندین نفر از علماء و محدثین و فقهاء قدیم اصفهان میباشد. (دانشمندان و بزرگان اصفهان صفحه ۶۰)

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۶۰

۴- تعلیقات کتاب نقض، جلد ۲، صفحه ۱۰۹۲ از محدث ارموی، به نقل از طبقات الشافعیه سبکی، جلد ۴، صفحه ۳۰۳

كَانَ إِمَامًا مُفَسِّرًا ، تَفَقَّهَ عَلَى أَبِي بَكْرٍ الْخُجَنِدِيِّ ، فَازَ تَفَعَّ شَأْنَهُ وَبَعِيدَ صَيْتَهُ وَصَارَ أَوْحِيدَ وَقْتِهِ وَ الْمَرْجُوعَ إِلَيْهِ فِي بَلَدِهِ ، وَ أُمَّلَى عِدَّةَ مَجَالِسٍ ، وَ كَانَ وَاِعْظًا فَصِيحًا مُفَوِّهًا حُلُوَ الْعِبَارَةِ (۱).

چنانچه ملاحظه می نمائید ، سبکی در طبقات الشافعیه ، او را از اعیان علماء و از مشاهیر فضلاء و صاحب حشمت و جاه و آبرو ، معرّفی نموده ، و اسنوی نیز در کتاب خود، او را امام و پیشوا و مفسّری معرّفی نموده ، که شأن و مقامش بالا-رفته و آوازه اش به همه جا رسیده است ، و در زمان خود ، چهرهٔ یگانه گردیده ( صَارَ أَوْحِيدَ وَقْتِهِ ) و مرجع دینی مردم بوده ، و واعظی فصیح و خوش بیان و شیرین سخن ، شمرده شده است .

مرحوم عبد الجلیل قزوینی ، که از بزرگان علماء شیعه در قرن ششم بوده ، می نویسد : خواجه بو منصور ماشاده ، به اصفهان که در مذهب سنّت در عهد خود مقتدا بوده است ، هر سال این روز ( روز عاشوراء )

این تعزیت به آشوب و نوحه و غریو داشته اند و هر که رسیده باشد ، دیده و دانسته باشد و انکار نکند (۲). چنانچه ملاحظه می نمائید در قرن ششم ، و در اوج قدرت اهل تسنّن، در شهر اصفهان ، عزاداری بر امام حسین علیه السلام و مراسم عاشوراء ، به صورت آشوب و نوحه و غریو ( و فریاد ) بر پا می گردیده و رهبری این عزاداری را ، چهرهٔ بزرگ علمی و مشهور آن زمان ، خواجه أبو منصور، ابن ماشاده (ماشاده)، بر عهده داشته است .

ص: ۱۱۴

---

۱- طبقات الشافعیه اسنوی ، جلد اوّل ، صفحهٔ ۱۰۵ - ۱۰۶

۲- کتاب نقض ، صفحهٔ ۳۷۱ ، از انتشارات انجمن آثار ملی



در میان داستانهای جالب درباره دوستی و حمایت چهره های برجسته ای از مردم اصفهان ، نسبت به علی علیه السلام در گذشته تاریخ ، قصه حدیثی بسیار مفصل (در حدود شش صفحه) می باشد ، که سلیمان بن أحمد بن ایوب لخمی (طبرانی اصفهانی ) ، آن را در اصفهان نوشته و منتشر ساخته است (۱) که در این حدیث ، سلیمان بن مهران اعمش می گوید: در دل شبی ، منصور دوانیقی مرا احضار کرد، و من متوجه شدم که در این دل شب ، منصور دوانیقی مرا نخواست ، مگر به خاطر سئوالی درباره فضائل علی علیه السلام ، و اگر من از آن فضائل یاد کنم ، مرا خواهد کشت ، و لذا وصیت نمودم و کفن پوشیدم و بر او وارد شدم ، مرا نزدیک خود خواند و هنگامی که بوی حنوط از من استشمام کرد، گفت : راست بگو و گرنه ترا به دار میزنم ، بگو این بوی حنوط از چیست ؟ گفتم من فکر کردم راجع به فضائل علی علیه السلام مرا احضار کرده ای ، و اگر در این باره سخن بگویم مرا میکشی ، لذا کفن پوشیدم و حنوط کردم و وصیت نمودم و آمدم . منصور گفت:

ای سلیمان چند حدیث در فضائل علی علیه السلام نقل می کنی ؟

گفتم مقدار کمی ، گفت چه مقدار ؟ گفتم :

ده هزار حدیث و بیشتر

گفت : به خدا برایت حدیثی در فضائل علی علیه السلام نقل می کنم ، که تمام حدیثهایی که شنیده‌ای فراموش کنی ! و آنگاه داستان مفصّلی را نقل نمود ، و دو

ص: ۱۱۵

۱- وَ أَخْبَرَنَا سُلَيْمَانُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ أَيُّوبَ اللَّخْمِيُّ ، فِيمَا كَتَبَ إِلَيْنَا مِنْ إِصْبَهَانَ ، قَالَ : حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْقَاسِمِ بْنِ مُسَاوِرِ الْجَوْهَرِيِّ ، سَنَةَ سِتِّ وَ ثَمَانِينَ وَمِائَتَيْنِ ، قَالَ : ... ، كَمَا أَنَّ فِي هَذِهِ عِبَارَةً ، بِاتِّجَاهٍ إِلَى تَارِيخِ يَدِهَا ، اسْتِفَادَةً مِنْهَا ، تَارِيخِ نَامَةِ نَوِيسِي ، أَوَّلِ قَرْنِ سَوِّمِ بُوْدَةِ اسْتِ

فضیلت بزرگ از علی علیه السلام بیان کرد و در آخر، گفت :

اهْدَانِ الْحَدِيثَانِ فِي يَدِكَ؟ فَقُلْتُ: لَا، فَقَالَ يَا سُلَيْمَانُ: حُبُّ عَلِيٍّ اِيْمَانٌ وَ بُغْضُهُ نِفَاقٌ

وَ اللّٰهُ لَا يُحِبُّهُ اِلَّا مُؤْمِنٌ، وَلَا يُبْغِضُهُ اِلَّا مُنَافِقٌ

سلیمان بن مهران اعمش می گوید: گفتم آیا در امان هستم؟ منصور گفت: لک الأمان، گفتم: چه میگوئی درباره قائل حسین علیه السلام؟ گفت: بسوی آتش و در آتش (جهنم) است، گفتم هر کس بکشد فرزند رسول خدا را، به سوی آتش و در آتش است؟ (۱).

قَالَ: الْمَلِكُ عَقِيمٌ يَا سُلَيْمَانُ

سپس منصور گفت خارج شو و آنچه را شنیدی برای مردم نقل کن (۲).

### آثری بزرگ و قابل توجه از تشیع، در اصفهان، در اوائل قرن هشتم

در مسجد جامع عتیق اصفهان (مسجد جمعه)، که آثار گوناگونی از دوره های مختلف تاریخ اصفهان را در بر دارد و نمایشگاهی از فرهنگ و هنر چهارده قرن اسلامی است، و آثاری از دوره های سلجوقی، مغولی، صفوی و... را در خود حفظ نموده، مسجد او لجائیئو و محراب محمد ساوی، نشان دهنده فرهنگ و اعتقاد شیعی، در دوره قبل از صفویه است، و به خوبی نمایانگر

ص: ۱۱۶

---

۱- سلیمان بن مهران، با این عبارت، اشاره نموده، به کشتار وسیع منصور دوانیقی، از سادات و ذراری رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ، در زندانها و در درگیریهای مختلف

۲- تمام این حدیث مفصل، در امالی صدوق، چاپ مؤسسه علمی (بیروت) از صفحه ۳۵۳ تا ۳۵۸ و در بحار الأنوار، جلد ۳۷، صفحه ۸۸ تا ۹۳، نقل گردیده است

حاکمیت شیعه و فرهنگ آن ، در اصفهان در قرن هشتم ، می باشد .

در شبستان اولجایتو ، طاقهای آجری متنوع و زیباترین محراب گچ بری مسجد جامع واقع شده ، و شبستان یاد شده ، به نام مسجد اولجایتو مشهور است و محراب زیبای آن نام سلطان محمد خدابنده ( اولجایتو ) و وزیر دانشمند او ، محمد ساوی ( خواجه سعد الدین محمد مستوفی ساوجی ) و تاریخ ساختمان آن ( ۷۱۰ ) هجری را ، در بردارد .

کتیبه تاریخی این محراب ، که در صفحه وسط آن ، به خط ثلث بسیار زیبا ، گچ بری شده ، به شرح زیر است :

#### سلطان محمد (۱)

هَذَا الْمِحْرَابُ الْمُسَيَّطُ مِنْ مِصْرَاتِ الْعِمَارَاتِ الَّتِي إِتَّفَقَتْ إِعَادَتُهَا ، فِي أَيَّامِ مَعْدِلَةِ السُّلْطَانِ ، حَامِي حُوزَةِ الْإِسْلَامِ وَالْإِيمَانِ ،  
غِيَاثِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ، ظِلُّ اللَّهِ فِي الْأَرْضِينَ ، حَرَسَ اللَّهَ بِبَقَائِهِ الْإِسْلَامَ ، مِنْ فَوَاضِلِ صَدَقَاتِ الْعَمِيمَةِ الصَّاحِبِيَّةِ الْأَعْظَمِيَّةِ ، صَاحِبِ  
دِيْوَانِ الْمَمَالِكِ شَرْقًا وَغَرْبًا ، بُعْدًا وَقُرْبًا ، سَعِدِ الْحَقِّ وَالْدِّينِ ، الْمَخْصُوصِ بِعِنَايَةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ، مُحَمَّدِ السَّوَوِيِّ ، أَعَزَّ اللَّهُ أَنْصَارَهُ  
وَ ضَاعَفَ آفِيْدَارَهُ ، تَوَلَّاهُ الْعَبْدُ الضَّعِيفُ الرَّجِي إِلَى رَحْمَةِ اللَّهِ تَعَالَى وَ غُفْرَانِهِ ، عَضُدُ بَنِ عَلِيٍّ الْمَاسْتَرِيِّ ، أَحْسَنَ اللَّهُ عَاقِبَتَهُ فِي  
صَفَرِ سَنَةِ عَشْرٍ وَ سَبْعِمِائِهِ ، حَتَّمَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى بِالْخَيْرِ وَالظَّفَرِ

که از عبارت بالا تاریخ ۷۱۰ استفاده می شود .

در حاشیه اطراف این کتیبه ، به خط ثلث ، عبارات زیر گچ بری شده است ، که نشانه روشنی از تشیع و مذهب شیعه دوازده امامی ، می باشد .

عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ الْجُعْفِيِّ ، قَالَ سَمِعْتُ جَابِرَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيَّ ، يَقُولُ : لَمَّا أُنزِلَ

ص: ۱۱۷

۱- به جهت احترام ، نام سلطان محمد ، در بالای کتیبه قرار داده شده است

اللَّهُ عَلَى نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ : يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ ، قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَدْ عَرَفْنَا اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَمَنْ أُولُو الْأَمْرِ الَّذِينَ قَرَنَ اللَّهُ طَاعَتَهُمْ بِطَاعَتِهِ وَطَاعَةَ رَسُولِهِ ، فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ ( در آخرین قسمت از کتیبه ، بعد از کلمه ( السَّلَام ) نام استاد کار محراب ، به شرح زیر گچ بری شده ( عمل حیدر ) و سپس دنباله حدیث در حاشیه فرورفتگی محراب ، در دو ردیف ، نوشته شده است این چنین :

هُمْ خُلَفَائِي يَا جَابِرُ وَأَيْمَةُ الْمُسْلِمِينَ بَعْدِي ، أَوْلَهُمْ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ، ثُمَّ الْحَسَنُ ، ثُمَّ الْحُسَيْنُ ، ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ ، ثُمَّ مُحَمَّدٌ بْنُ عَلِيٍّ الْمَعْرُوفُ فِي التَّوْرِيهِ بِالْبَاقِرِ ، وَسَيِّدُ تَدْرِكِهِ يَا جَابِرُ ، فَإِذَا لَقَيْتَهُ قَاقِرْتُهُ مِنْي السَّلَامَ ، ثُمَّ الصَّادِقُ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ ، ثُمَّ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ ، ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى ، ثُمَّ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ ، ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ ، ثُمَّ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ ، ثُمَّ سَيِّمِيُّ وَكُتَيْبِيُّ ، حُجَّهَ اللَّهُ فِي أَرْضِهِ وَبَقِيَّتُهُ فِي عِبَادِهِ ، بِنُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ ،

ذَاكَ الَّذِي يَفْتَحُ اللَّهُ تَعَالَى ذِكْرَهُ ، عَلَى يَدِهِ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا وَبِهِ حُطَّ كُوفِي مَشْبِكٍ ، در بالای فرورفتگی محراب ، نوشته شده است :

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ ، عَلِيُّ وَلِيُّ اللَّهِ

و در حاشیه بزرگ محراب ، کتیبه زیر گچ بری شده است :

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قَالَ الصَّادِقُ الْمُصَدِّقُ ، رَسُولُ الرَّحْمَنِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَنْ بَنَى مَسْجِدًا كَمَفْحَصِ قَطَاهِ ، بَنَى اللَّهُ لَهُ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ سَلَامُ اللَّهِ وَرَسُولُهُ وَمَلَائِكَتُهُ ، مَنْ اخْتَلَفَ إِلَى الْمَسْجِدِ أَصَابَ إِحْدَى الثَّمَانِ : أَحْمًا مُسِيئًا تَفَادًا فِي اللَّهِ ، أَوْ عَلِيمًا مُسِيئًا تَطْرَفًا ، أَوْ آيَةً مُحْكَمَةً ، أَوْ رَحْمَةً مُنْتَظَرَةً ، أَوْ كَلِمَةً رَدَّةً ( تَرُدُّهُ ) عَنْ رَدَى ، أَوْ يَسْمَعُ كَلِمَةً تَدُلُّ عَلَى هُدَى ، أَوْ يَتْرُكُ ذَنْبًا خَشِيئَةً أَوْ

همچنانکه ملاحظه نمودید ، حدیث خلافت و وصایت دوازده امام معصوم ، و جمله « عَلِيُّ وَلِيُّ اللَّهِ » و نیز جمله « علیه سلام الله و رسوله و ملائکته » ، به دنبال

حدیث أميرالمؤمنین علی علیه السلام ، از صریحترین نشانه های تشیع حاکم بر سلطان و وزیر او ، و فرهنگ و اعتقاد موجود در آن تاریخ ( ۷۱۰ ) در اصفهان می باشد

### سنگ قبر تاریخی میر علی شهید، از نشانه های تشیع در اصفهان

یکی از قسمتهای محله احمد آباد، کوی دار البطح می باشد که در زبان مردم ، محله دالبطی ( دالبتی ) یا دالبیطی ( دالبیتی ) تلفظ می شود ، و در این محل ، مقبره خواجه نظام الملک طوسی ، یا تربت نظام ، قرار گرفته است .

در مقبره خواجه نظام الملک ، قبر چندین نفر از پادشاهان یا وزراء و شاهزادگان سلجوقی ، و نیز عده ای از علماء ، قرار گرفته است .

یکی از سنگ قبرهائی که در مقبره خواجه نظام الملک وجود دارد ، متعلق به میر علی شهید است ، که نوشته های روی سنگ ، نشان دهنده تشیع او و نیز مقام دینی و پست و مقام ظاهری او می باشد . در حاشیه سنگ قبر مرمری قرمز رنگ ( به طول ۱۴۵ / ۱ متر و عرض ۲۵ سانتی متر ) به خط ثلث ، عبارات زیر حجاری شده است :

هذا قبر المرحوم الشهيد ، افتخار الزمان ، سلاله الوزراء فی الأوان ، آلواصل الی رحمه الله ، الملك الولی ، خواجه جمال الملّه و الدین ، میر علی الصّاحب الأعظم المرحوم خواجه ... و توقی فی یوم الثلاثاء ثالث شوال سنه تسع و خمسين و ثمانمأه الهجریه النبویه صلعم .

ص: ۱۱۹

و در یک لوحه فوقانی این سنگ ، به خط بنائی برجسته نوشته شده است :

لا- إله إلا الله ، مُحَمَّدٌ رَسُوْلُ اللهِ ، عَلِيٌّ وَلِيُّ اللهِ (۱) از نوشته های فوق ، معلوم می شود که صاحب قبر ، مقام وزارت داشته و به شهادت رسیده ، و از شیعیان امیر المؤمنین علیه السلام بوده ، و از چهره های دینی به شمار می رفته (۲) ، و به لقب «جمال الملّه و الدّین» ملقب بوده ، و شهادت او در سال ۸۵۹ ، در نیمه قرن هشتم ، واقع گردیده است .

از نکته های جالب در تربت نظام ( مقبره خواجه نظام الملک ) این است که در میان نوشته های سنگ قبر خواجه نظام الملک ، که از مرمر می باشد و طول آن بیش از دو متر و عرض آن ۴۵ سانتی متر و ارتفاع آن ۳۸ سانتی متر است ، و مشتمل می باشد بر آیات قرآنی ، همانند : آیه : قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ ... و آیه شَهِدَ اللهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ... و قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ ... ، این جمله های نورانی نوشته شده ، و حجاری گردیده است :

لا- إله إلا الله ، مُحَمَّدٌ رَسُوْلُ اللهِ ، عَلِيٌّ وَلِيُّ اللهِ (۳) و هم چنین در تربت نظام ، سنگ مرمری دیگری هست ، متعلق به قبر شخصی به نام محمد مؤمن ، که در حاشیه سنگ قبر ، به خط ثلث ، آسامی

ص: ۱۲۰

---

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، از دکتر هنرفر، صفحه ۲۴۴ آثار ملی اصفهان صفحه ۷۹۱

۲- در رجال اصفهان ، ص ۱۹۴ ، او را از بزرگان علماء زمان خودش دانسته است

۳- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۲۳۷ ، این نوشته ، هماهنگ است با آنچه مرحوم علامه سید محسن امین عاملی ، صاحب اعیان الشیعه ، نوشته و خواجه نظام الملک را در زمره وزراء شیعه مذهب سلجوقیان ، به شمار آورده و در جلد پنجم (چاپ جدید) از صفحه ۱۶۵ تا ۱۶۹ ، در پنج صفحه بسیار بزرگ ، شرح حال مفصّلی از او نوشته و او را در شمار اعیان و بزرگان شیعه ، بر شمرده است

چهارده معصوم علیهم السلام حجاری شده ، و در جانب زیرین سنگ ، به خط ثلث نوشته شده ، فی سابع عشرین رمضان المبارک سنه ثلاث و عشرين و تسعماءه (۱) که نشان دهنده تاریخ ۹۲۳ ( اوائل قرن دهم) می باشد و از نشانه های تشیع اصفهان در قرون گذشته ، محسوب می گردد .

و نیز سنگ قبر دیگری است به طول ۸۰ و عرض ۲۲ سانتی متر ، که با خط نستعلیق بر آن نوشته شده : وفات مرحمت پناه ، جمال الدین ابن محمد بن عالیحضرت شهریار ، خاجه ( خواجه ) صفی الدین محمد ، بتاریخ شهر رمضان سنه ثلاث و خمسين و تسعماء ، و در میان نوشته های سنگ قبر یاد شده ، این دو بیت زیبا و نورانی ، جلب توجه می کند :

نَادِعِلِيًّا مَظْهَرَ الْعَجَائِبِ \*\*\* تَجِدُهُ عَوْنًا لَكَ فِي النَّوَابِ

كُلُّ هَمٍّ وَغَمٍّ سَيَنْجَلِي \*\*\* بَوْلَايَتِكَ يَا عَلِيُّ يَا عَلِيُّ (۲)

که از نوشته های فوق بر می آید ، صاحب قبر شیعه بوده ، و در سال ۹۵۳ ، از دنیا رفته است.

### دومناره جویباره، مزین به نام مقدس پنج تن ائری از تشیع در قرن هشتم اصفهان

در محله جویباره ( جوباره ) در مسیر یکی از کوچه های آن، آثار سر در مجللی ، که بر فراز آن دو مناره دار الضیافه ، واقع شده (۳) ، مشاهده می شود ،

ص: ۱۲۱

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۲۴۳

۲- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۲۴۴

۳- این سر در و دو مناره آن ، در حال حاضر ، در حاشیه جنوبی خیابان کمال واقع گردیده است

و به طوری که از نام آن استنباط می گردد، این اثر تاریخی، سر در یک مهمانسرای مجلل بوده است. در داخل مقرنسهای مناره ها، هر (سوسن) یا (طاس) شامل یک کلمه است، و کلمات موجود، به خط ثلث سفید معرق، بر زمینه کاشی لاجوردی به شرح زیر است:

محمد و علی و فاطمه و الحسن و الحسين

پوشش تزییناتی مناره های مزبور، به خط بنائی فیروزه ای، بر زمینه شطرنجی آجری، در هفت رنگ به شرح زیر است:

ردیف اول کلمه الله \*\*\* ردیف دوم تکرار کلمه اکبر

ردیف سوم تکرار کلمه الله \*\*\* ردیف چهارم تکرار کلمه محمد

ردیف پنجم تکرار کلمه و علی \*\*\* ردیف ششم تکرار کلمه و حسن

ردیف هفتم تکرار کلمه و حسین (۱). پروفیسور پوپ، بنای این مناره را اواخر قرن هشتم هجری میدانند، و آقای (سمیث) تاریخ آن را، در ربع اول قرن هشتم هجری بیان نموده است (۲).

#### مسجد جامع کاج و نام پنج نور مقدس، اثری از قرن هشتم

در ۲۴ کیلومتری مشرق اصفهان، در شمال بستر زاینده رود، محلی به نام کاج می باشد، که جزء بلوک برآن شمالی به شمار می رود.

گنبد مسجد جامع کاج، که در این محل ساخته شده، مانند بیشتر بناهای برج

ص: ۱۲۲

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صفحه ۲۸۹ - ۲۹۱

۲- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صفحه ۲۹۱ به نقل از آثار ایران جلد اول جزء دوم (ترجمه فارسی)، صفحه ۱۸۱



مانند آن دوره (قرن هشتم) ، به شکل (کلاه خود) ساخته شده است . گنبد مذکور در وسط صحن متناسبی قرار داشته ، و در اطراف آن ملحقاتی بوده که از بین رفته است .

در پوشش داخلی گنبد، چهار شکل مربع به خط بنائی با آجر قرمز، بر زمینه سفید آجری که دو به دو ، قرینه اند وجود دارد، که در دو مربع متقابل ، نام (محمد) و در دو مربع دیگر نام (علی) نوشته شده است .

در قسمت پائین گنبد و روی جرزها ، به خط بنائی با گچ ، در فاصله آجرها ، آسامی ، الله . محمد . علی . حسن . و حسین ، خوانده می شود و کلمات دیگری هم نقش بوده است که فعلاً وجود ندارد (۱).

پروفسور پوپ، تاریخ ساختمان این مسجد را اواخر قرن هشتم میداند (۲).

در مجاورت مسجد کاج ، امامزاده ابراهیم علیه السلام وجود دارد که تاریخ بنای آن ۱۰۰۲ ( دوره حکومت شاه عباس کبیر صفوی ) می باشد (۳) .

### مسجد جامع اشترجان و نام اهل البیت علیهم السلام

اشترجان ( اشترگان ) در جنوب غربی اصفهان و در ۱۲ کیلومتری (پیر بکران) می باشد و در منطقه لنجان قرار دارد .

مسجد جامعی در این محل ساخته شده ، در اواخر سلطنت ایلخان مسلمان

ص: ۱۲۳

۱- ظاهراً نام فاطمه علیها السلام نیز ، همراه کلمات یاد شده ، بوده است

۲- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۲۸۳ - ۲۸۴ و نیز ارجاع به کتاب (بررسی هنرهای ایران) ، جلد ۲ ، صفحه ۱۳۱ -

۹۳۲ تألیف پروفسور پوپ، به زبان انگلیسی

۳- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۲۸۵ - ۲۸۶

مغول ، سلطان محمد خدابنده ( اولجایتو )، که یکی از ابنیه نفیس و بسیار جالب استان تاریخی اصفهان می باشد .

این مسجد دارای دو سر در تاریخی در سمت شمال و مشرق است . سر در شمالی که متجاوز از ۱۲ متر ارتفاع دارد ، دارای مقرنس عالی و کاشی کاری و خطوط و کتیبه هائی است، و در طرفین آن، دو مناره موجود است که بیش از دو سوّم آن به مرور زمان خراب شده (۱) ولی بقایای آنها هنوز ، از عظمت سابق و نفاست بنای مذکور ، حکایت می کند .

نکته قابل توجه در مناره های سر در شمالی مسجد اشترجان ، آن است که مناره های یاد شده ، مانند مناره های بنای تاریخی اصفهان ( منار جنبان ) متحرک هستند (۲) .

بانی مسجد ، فخرالدین محمد بن محمود بن علی اشترجانی ، ملک الوزراء زمان سلطان ابوسعید بهادرخان ، می باشد و مترجم کتاب محاسن اصفهان ، حسین بن محمد بن ابی الرضا، علوی آوی ، از او تجلیل نموده ، و جمله ( طاب ثراه ) ، برای او نوشته ، و او را غم خوار زبردستان ، و دل بسته احوال بیچارگان ، معرفی نموده است (۳) .

در یک شکل چهار ضلعی در زیر مقرنسه های مسجد جامع اشترجان ، در جهت مقابل سر در ، به خط بنائی آجری بر زمينه فیروزه ای ، اسامی چهارده معصوم علیهم السلام ذکر شده است (۴) .

ص: ۱۲۴

- 
- ۱- در آثار ملی اصفهان ، صفحه ۸۲۳، ارتفاع مناره ها را بیست متر دانسته است
  - ۲- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۲۶۷
  - ۳- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۲۷۰
  - ۴- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۲۷۱ و آثار ملی اصفهان، صفحه ۸۲۳

و هم چنین ، در زیر پنجره های اطراف گنبد مسجد ، به خط بنائی بر زمینه شطرنجی ، کلمه ( الله ) به طور مکرر گچ بری شده ، و بر روی جرزهای داخل گنبد و بر روی جرزهای داخل ایران ، به خط بنائی بر زمینه شطرنجی در مربع های بزرگ ، اسامی ( محمد ) و ( علی ) و ( حسن ) و ( حسین ) به نحو مکرر ، گچ بری شده است (۱). تاریخ بنای این مسجد ، ۷۱۵ می باشد (۲).

### آثار و نشانه های تشیع ، در بقعه پیر بکران

یکی از آثار باستانی و تاریخی اصفهان ، که متعلق به اوائل قرن هشتم است و تاریخ آن از ۷۰۳ تا ۷۱۲ می باشد ، بقعه پیر بکران است که در سی کیلومتری جنوب غربی اصفهان واقع گردیده ، و مقبره یکی از مدرسین و علماء و عرفاء آن زمان ، به نام محمد بن بکران ، متوفای ۷۰۳ ، می باشد و در میان نوشته های ساختمان بقعه ، صلوات بر چهارده معصوم علیهم السلام ، گچ بری شده است بدین شرح:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ الْمُضِيَّطَفِي وَ صَلِّ عَلَى عَلِيٍّ الْمُزْتَضِي وَ صَلِّ عَلَى فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ وَ صَلِّ عَلَى خَدِيجَةَ الْكُبْرَى وَ صَلِّ عَلَى حَسَنِ مُجْتَبَا ( الْمُجْتَبَى ) وَ صَلِّ عَلَى

حُسَيْنِ شَهِيدِ كَرْبَلَا وَ صَلِّ عَلَى زَيْنِ الْعَابِدِينَ ، وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدِ بَاقر ، وَ صَلِّ عَلَى جَعْفَرِ صَادِق ، وَ صَلِّ عَلَى مُوسَى الْكَاطِمِ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدِ تَقِيِّ ، وَ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ نَقِيِّ

وَ صَلِّ عَلَى حَسَنِ الْعَسْكَرِيِّ ، وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدِ مَهْدِيِّ (۳) از این اثر تاریخی ، به خوبی استفاده میشود که در آن زمان ، فرهنگ و مذهب تشیع نه تنها در اصفهان ، بلکه در اطراف آن نیز ، حاکم گردیده بوده

ص: ۱۲۵

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۲۷۳ و آثار ملی اصفهان ، صفحه ۸۲۴

۲- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۲۷۲ و آثار ملی اصفهان ، صفحه ۸۲۳

۳- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۲۵۷

است، و از عبارت فوق (که گرچه عربی است، ولی رعایت قواعد عربیت در آن نگردیده، و در جاهائی که باید ألف و لام به کار رود، همانند: الحسن المجتبی و الحسین الشّهد بکربلا و ...، به صورت ساده نوشته شده) مشخص می گردد که:

این عبارت و این اظهار علاقه، از فکر و اعتقاد عمومی، سرچشمه گرفته،

و مستند به یک شخص عالم یا والی متنّفذ نمی باشد.

### تاج الدّین حسین صاعدی اصفهانی، مذهب تشیع را می پذیرد

عالم واعظ، تاج الدّین، حسین بن شمس الدّین محمّد واعظ، که از معاصرین با شیخ بهائی بوده، و از خاندان علمی صاعدیان میباشد (۱)، از مذهب آباء و اجداد خود (که حنفی بوده اند) دست برداشت، و در زمره علماء شیعه قرار گرفت.

وی، شاگرد شیخ منصور بن عبد الله شیرازی، و مشهور و معروف به (راستگو) شارح تهذیب الاصول بوده (۲)، و از او اجازه داشته است (۳).

ص: ۱۲۶

۱- خاندان صاعدیان (یا آل صاعد) یکی از خاندانهای علمی و معروف اصفهان بوده، که ریاست علمی و دینی، در این شهر داشته، و پیرو مذهب حنفی بوده اند، و چندین قرن، در زمینه های علمی و اجتماعی، منشأ حرکات و اقداماتی بوده اند که در تاریخ گذشته اصفهان، نقش اساسی داشته است و جدال هائی که بین خاندان صاعدیان و خجندیان (که آنها هم خاندان علمی بوده و ریاست شافعیان را داشته اند) به طور مستمر وجود داشته، و شرح آن، در کتب تاریخ نقل گردیده است

۲- الذریعه، جلد ۱۳، صفحه ۱۷۰

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۲۵

ابن بطوطه، سیاح مشهور و نامدار نیمه اول قرن هشتم هجری، در سفرنامه خود، از سفر به مشهد مقدس امیرالمؤمنین علی علیه السلام (نجف اشرف) یاد میکند، و از چگونگی اعتقاد شیعیان به مرقد مطهر امام علی علیه السلام، و کراماتی که از حرم و قبر مطهر آن حضرت ظاهر می شود یاد نموده، و می نویسد:

از شهرهای عراق هر کس بیمار شود، نذری برای روضه علی علیه السلام می کند... و نقیب این نذرها را در خزانه حرم می گذارد... خزانه مزبور بسیار بزرگ و موجودی آن به قدری هنگفت است که قابل ضبط نمی باشد (۱).

و نیز می نویسد: همه مردم این شهر (نجف)، رافضی مذهب اند و از این روضه (حرم امام علی علیه السلام)، کرامت ها ظاهر می شود که منشأ عقیده مردم بر اینکه قبر علی علیه السلام در آن است، همان کرامت ها می باشد. از جمله آن که، در شب بیست و هفتم رجب که «لَيْلَةُ الْمَحْيَا» (۲) می نامند، عراقیان و خراسانیان و فارسیان و رومیان، گروه گروه، سی تن و چهل تن، بعد از نماز خفتن، در آنجا گرد می آیند و بیماران افلیج و زمین گیر را روی ضریح مقدس می گذارند، و خود به نماز و ذکر و قرآن و زیارت مشغول می شوند، و چون پاسی از شب گذشت، همه مریضها که شفا یافته و صحیح و سالم گشته اند برخاسته، ذکر:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ، عَلِيُّ وَآلِيهِ وَسَلَّمَ، و این حکایت در میان آنان، به حد استفاضه (۳) رسیده، و گرچه

ص: ۱۲۷

۱- سفرنامه ابن بطوطه، جلد ۱، صفحه ۱۸۶

۲- مَحْيَا = زندگی - لَيْلَةُ الْمَحْيَا، یعنی شبی که انسانهای گرفتار و محروم به زندگی بر میگردند

۳- استفاضه = شهره داشتن خبر را گویند و خبر مستفیض آن است که نقل کننده های متعدّد دارد و مشهور است

من، خود آن شب را درک نکردم، داستان آن را از اشخاص مورد اعتماد شنیدم و در مدرسه حرم، سه تن از این اشخاص را دیدم که هر سه زمین گیر بودند، یکی از روم آمده بود، و دیگری از اصفهان و سومی از خراسان، از حالشان جویا شدم، گفتند امسال به « ليله المحيا » نرسیده اند، و منتظرند که سال آینده آن شب را درک کنند.

در این شب مردم از شهرهای مختلف در نجف جمع می شوند، و بازار بزرگی در آن شهر برپا می شود، که تا مدت ده روز بر قرار می ماند (۱).

چنانچه ملاحظه می نمائید، شخص اصفهانی یاد شده، تا آن حدّ به أمير المؤمنين عليه السلام و مقام بالای معنوی و کرامت های آن حضرت اعتقاد داشته، که برای بهره مندی از عنایت آن حضرت، عازم بوده که یک سال در نجف اشرف بماند، تا آن که از فیض و برکت آن امام بزرگوار استفاده نماید.

### یک اصفهانی از أصحاب خاصّ امام زمان (عج) در هنگام ظهور

در روایات متعدده، أصحاب خاصّ امام زمان، حضرت بقیه الله الأعظم (عج) در هنگام ظهور، از همه شهرها معرفی گردیده اند، چنانچه در روایتی از امام هشتم، علی بن موسی الرضا علیه السلام آمده است:

وَ اللَّهُ لَوْ قَدْ قَامَ قَائِمُنَا ، يَجْمَعُ اللَّهُ إِلَيْهِ شِيعَتَهُ مِنْ جَمِيعِ الْبُلْدَانِ (۲).

و در روایت دیگری از امام باقر علیه السلام آمده است :

... فَيَقُومُ ثَلَاثَ مِائَةٍ أَوْ تَيْفٌ عَلَى الثَّلَاثِمِائِ ، خَمْسُونَ مِنْ أَهْلِ الْكُوفَةِ وَ سَائِرُهُمْ مِنْ

ص: ۱۲۸

۱- سفرنامه ابن بطوطه، جلد ۱، صفحه ۱۸۵-۱۸۶

۲- بحار الأنوار، ج ۵۲، صفحه ۲۹۱، الزام الناصب، صفحه ۱۸ و ... یعنی به خدا قسم، هنگامی که قائم ما قیام کند، خداوند شیعیان او را به سوی او (میخواند) و جمع می نماید، از همه شهرها

أَفْنَاءِ النَّاسِ، لَا يُعْرِفُ بَعْضُهُمْ بَعْضًا، إِجْتَمَعُوا عَلَيَّ غَيْرِ مِيعَادٍ (۱).

ولی در یک روایت ، به تفصیل کامل ، نام شهرهائی که أصحاب حضرت بقیه الله الأعظم (عج) از آنها می باشند ، ذکر شده و در ضمن آن ، از شهر اصفهان یک نفر به نام ( یونس ) معرفی گردیده است (۲).

و در همین زمینه ، شاعر نامدار معاصر ، آقای محمّد علی مردانی در ضمن قصیده ای غزّاء ، راجع به اصفهان ، چنین سروده است:

در طلوع دولت مهدی امام منتظر \*\*\* تا شود عالم سراسر گلستان ، ای اصفهان

عدّه یاران آن مولا به هنگام قیام \*\*\* سیصد است و سیزده پاکیزه جان ، ای اصفهان

زان گروه حق طلب ، جمعی ز فرزندان توست \*\*\* در رکاب حضرت صاحب زمان ، ای اصفهان (۳)

ص: ۱۲۹

---

۱- الزام النَّاصِبِ صَفْحَةُ ۲۲۶ و بحار الأنوار ، جلد ۵۲ ، صَفْحَةُ ۳۰۶ یعنی : ... پس به پا می خیزند سیصد نفر و یا مقداری بیشتر ، پس حمله دشمن را از او دفع میکنند و از آنها ، پنجاه نفر از کوفه و بقیه از مردمی هستند که شناخته نیستند و بعض آنها ، بعضی دیگر را نمی شناسند و بدون وعده قبلی ، همه جمع شده اند

۲- الزام النَّاصِبِ ، صَفْحَةُ ۲۰۰

۳- فرازهای دیگری از همین قصیده را ، در بخش « اصفهان از دیدگاه ، شعراء و أهل أدب » نقل نموده ایم

هو الحقّ

اگر چه خوش نبود سیر بوستان تنها

گرفته ایم اجازت ز باغبان تنها

من و دوچشم تر و خاک کربلا صائب

ز عافیت طلبان سیر اصفهان تنها

ص: ۱۳۰



## ۴- جلوه های ولایت اهل البیت علیهم السلام در شهر اصفهان

اشاره

ص: ۱۳۱



از فرازهای جالب در خصوصیات اخلاقی و دینی مردم اصفهان، وسعت و عظمت فعالیت های آنها در زمینه خدمات دینی و اجتماعی، با رنگ و عطر وابستگی به أهل البيت عليهم السلام می باشد که از یک طرف، نشانه جود و بخشش متکی به اندیشه و تعقل و محاسبات اجتماعی، و از طرف دیگر، نشان دهنده روح ایمان و اعتقاد اسلامی و از طرف سوم، علامت دل بستگی کامل به پیامبر اکرم صَلَّی اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ و ائمه معصومین عليهم السلام و ذراری آنها می باشد.

ساختن هزاران مسجد بزرگ و کوچک، که بعضی از آنها در هر دوره ای، از مهمترین آثار معماری و کاشی کاری و خطاطی و گچ بری و حجاری و ... می باشد، ساختن بقعه ها و مزارهای چشمگیر و جالب برای امامزادگان عليهم السلام و علماء بزرگ، ( در داخل اصفهان )، و کمک به ساختمان و توسعه و ترمیم و تزیین حریم های ائمه معصومین عليهم السلام ( در عتبات مقدسه )، تأسیس دهها مرکز بزرگ درمانی و بیمارستانی و آزمایشگاهی و ...، همانند: بیمارستان عسکریه علیه السلام، و زایشگاه نرجس خاتون علیها السلام و آزمایشگاه و رادیولوژی مهدیه علیه السلام و دار الشفاء حضرت زهرا مرضیه علیها السلام و ...، تأسیس صدها صندوق

قرض الحسنه (۱) که در سطح وسیع ، به کمک نیازمندان به وام می شتابند ، تأسیس دهها مؤسسه خیریه ، که در کمک به ایتام ، معلولین و سالخوردهگان ، و نیازمندان جامعه ، ( در زمینه های امور درمانی ، در بخش های گوناگون ) ، تهیه تجهیزیه ، کمک به ازدواج جوانها ، تهیه و تعمیر مسکن ، تأمین هزینه تحصیل علم ( تا حد دانشگاه ) ، کمک به پرداخت وام ، تأمین سرمایه کسب ، تهیه لباس و پوشاک برای مستمندان و ... ، تلاش و کوششی تحسین برانگیز و موجب إعجاب دارند ، که در سطح کشور پهناور ایران ، از اهمیت برجسته و فوق العاده ممتازی برخوردار است ، و با توجه به خصوصیات و کیفیت دینی و معنوی آن ، خدمات یاد شده در درجه اول می باشد .

و نیز ، تأمین بودجه های لازمه برای اداره حوزه های علمیه ، از طریق پرداخت وجوهات شرعیّه و تبرّعات ، که ( چنانچه در بالا اشاره نمودیم ) از یک طرف ، نیاز به گذشت و جود و بخشش دارد ، و از طرف دیگر ، بینش و اندیشه و دقت نظر می طلبد ، که بودجه ها ، به اهداف مقدّس دینی و اجتماعی و گشودن گره های پیچیده اجتماعی کمک کند ، و از طرف سوم ، برای بهره برداری از آثار روحی و اجتماعی آن بخشش و ایثارها ، در راه نشر فرهنگ دینی و رشد اخلاق اسلامی ، احتیاج به پشتکار و فعالیت تبلیغی و ارشادی دارد ، که خوشبختانه مردم اصفهان در همه موارد یاد شده ، در اثر عنایات الهی و توجهات صاحبان ولایت علیهم السلام ، به موفقیت های بسیار

ص: ۱۳۴

---

۱- در شهر اصفهان متجاوز از یکصد صندوق قرض الحسنه ، و در سطح استان اصفهان ، در حدود پانصد صندوق ، مشغول به فعالیت می باشد ، و در بسیاری از شهرها و روستاهای کشور ، مردم اصفهان اقدام به تأسیس صندوق قرض الحسنه و خیریه نموده اند ، و جالب است بدانیم . تأسیس اولین صندوقهای قرض الحسنه در کشور ایران ، در شهر اصفهان انجام گرفته است ،

### اصفهان ، شهر تعظیم شعائر مکتب ولایت و امامت در دوره معاصر

از درخشان ترین جلوه های تشیع مردم اصفهان ، تعظیم شعائر مکتب اهل البیت علیهم السلام می باشد ، که در قالب های گوناگون به نمایش گذارده می شود

و در این مبحث به چندین سرفصل اشاره می نمائیم :

۱- تشکیل بزرگترین جشنها و مراسم شادمانی ، در مناسبت های مربوط به میلاد ائمه معصومین علیهم السلام و عید سعید غدیر ، و عید الزهراء علیها السلام ، که در این جشنهای بسیار گسترده ، مسجدها ، حسینیه ها ، مدرسه ها و (حتی در بعضی از مناسبت ها ، « همانند جشن میلاد امام زمان عجل الله فرجه » خیابانها و کوی و برزن ها ) با انواع و اقسام چراغانی ، و نصب تابلوهای پلاکاردها ، و فرشهای قیمتی و زینتی ، تزئین می گردد ، و با نشر پوسترها و اطلاعیه ها و کارتهای تبریک ، اظهار شادمانی و سرور می گردد ، و توزیع انواع و اقسام شیرینی و میوه ، در مجالس جشن و نیز در گذرها و خیابانها ، به شکلی جالب و در سطحی گسترده انجام می گیرد ، و نیز در موارد متعدد ، مردم متمکن و با ایمان و ولایت ، به إطعام و إحسان عمومی می پردازند .

۲- تشکیل بزرگترین مراسم عزاداری و سوگواری ، به مناسبت شهادت معصومین علیهم السلام و برخی از امامزادگان عظیم الشان ، همانند : حضرت زینب و حضرت معصومه و حضرت رقیه و ... علیهم السلام که به شکل حرکت دادن دستجات عزاداری در روز شهادت هر یک از امامان معصوم علیهم السلام و تشکیل مجالس سوگواری در سطحی بسیار گسترده ، مخصوصاً در آیام عاشوراء و آیام فاطمیه

انجام میشود، و در بسیاری از مناسبت ها، شمار آن مجالس به بیش از یک هزار مجلس می رسد، که هر مجلسی مرکب از ده شب یا ده روز صبح یا ده روز عصر می باشد، و در هر مجلس، چندین گوینده و مدّاح و مرثیه سرای، به سوگواری و ذکر فضائل و مصائب می پردازند، و در مجالس شب و صبح، علاوه بر پذیرائی ساده، اِطعام عمومی انجام می شود، و بالخصوص در مناسبت عاشورای حسینی و ایّام فاطمیّه، حرکت دستجات عزاداری در سطحی بسیار وسیع انجام می گیرد، و شمار دستجات عزای حسینی، به متجاوز از یکصد عدد، و شماره دستجات عزای فاطمی به دهها دسته عزاداری بالغ می گردد، که در شبها و روزهای دهه عاشوراء و دهه فاطمیّه اوّل و دوّم، به حرکت در می آیند.

۳- تشکیل مجالس دینی، با نام اهل البیت علیهم السلام و تحت عنوان سوگواری ائمه معصومین علیهم السلام در تمامی دوره سال انجام می شود، و هیچ ماه و دهه ای، شهر اصفهان خالی از مجالس فراوان برای اهل البیت علی نیست، و در این جلسات، تفسیر قرآن، بحثهای تربیتی و اخلاقی، و عموم مطالب دینی و اجتماعی، توسط علماء و خطباء عالقدر، بیان می گردد.

۴- احیاء مراسم فاطمیّه علیها السلام ( جشنها و عزاداری ها) بالخصوص، در سطحی بسیار وسیع، از یک هزار و چهار صدمین سال شهادت فاطمه زهراء علیها السلام ( در سال ۱۴۱۱ قمری ) تا کنون، که در قالب توسعه و گسترش بسیار چشمگیر سوگواری و حرکت دستجات عزاداری ( با شمار زیاد ) و نصب پلاکاردهای عزا در تمام فلکه ها و میدانها و بازارها و خیابانهای شهر، و سیاه پوش کردن مسجدها و حسینیه ها و نصب پوسترهای متعدّد و متنوّع در سطح مدارس، مساجد، ادارات، مغازه ها و ... انجام گرفته، و به تدریج به سطح کشور

و رسانه های عمومی نیز ، شدیداً سرایت کرده است (۱) و شرح فشرده ای از این مراسم را در کتاب « یادواره یک هزار و چهارصدمین سال شهادت فاطمه زهراء عليها السلام » نوشته و منتشر نموده ام .

و هم چنین جشنها و مراسم سرور میلاد فاطمه زهراء عليها السلام ، به شکلی بسیار جالب و گسترده توسعه یافته ، و محافل بسیار عظیمی در اصفهان تشکیل می شود، و چراغانی های پرشکوهی انجام می گردد .

۵- تشکیل جلسات هفتگی بسیار وسیعی به عنوان : جلسه دعای ندبه ، جلسه دعای توسل ، جلسه زیارت جامعه ، جلسه زیارت آل یس ، جلسه زیارت عاشوراء ، جلسه دعای کمیل ، جلسه مداحی و مرثیه سرایی ، جلسه بحث و سؤال و جواب دینی و ... ، که شمار اینها در هر هفته ، به صدها مجلس می رسد ، و بسیاری از این جلسات با حضور صدها تا هزاران نفر، تشکیل می گردد و از شکوه و جلوه جالبی برخوردار می باشد .

۶- سفرهای زیارتی همانند : مسافرت به مکه معظمه و مدینه منوره (۲) مشهد مقدس ، سوریه (حرم حضرت زینب و حضرت رقیه و سایر

ص: ۱۳۷

---

۱- نویسنده کمترین ، از اولین سال این حرکت پربرت و اثر معنوی و تبلیغی ، تاکنون ( در سال ۱۴۱۷ قمری ) در جریان این اقدام دینی و ولایی بوده ام ، و به عنوان یک خدمتگزار کوچک در آستان مقدس فاطمه زهراء عليها السلام عرض ادب داشته ، و در سامان دادن و ایجاد حرکت در زمینه های گوناگون ، به خدمتگذاری مشغول بوده ام ، امید است مقبول درگاه آن حضرت واقع گردد

۲- در حال حاضر ، ملت شریف ایران ، از زیارت عتبات عالیات عراق ( نجف اشرف و کربلائی معلی و کاظمین و سامراء ) در اثر سلسله حوادث تلخی که به دنبال تسلط حکومت کافر بعثی عراق رخ داده ، محروم می باشند

أهل البيت عليهم السلام) قم، و مسجد جمکران و ... که در بسیاری از موارد، به شکل کاروانهای زیارتی و در مواردی به صورت فردی و خانوادگی، انجام می‌گیرد و شمار این سفرهای زیارتی، در مقایسه با دیگر شهرها، از افزایش و برتری بسیار بالایی برخوردار می‌باشد، که به عنوان نمونه، در روز تولد حضرت بقیه الله الأعظم (عج) در سال ۱۴۱۷ قمری، علاوه بر کاروانهای متعدّد و زائران شخصی، فقط یک کاروان زیارتی با ۱۲۱ عدد اتوبوس مسافری (مطابق کلمه یا علی که به حرف اُ بجد ۱۲۱ می‌باشد) به سوی شهر مقدّس قم و مسجد جمکران، با شکوه فراوان حرکت کردند و چشم همه زائران مسجد جمکران و علاقمندان امام زمان (عج) را، روشن و قلب دوستداران آن حضرت را شاد نمودند.

۷- تأسیس خیریه‌ها و مراکز مهم و گسترده دینی و علمی و اجتماعی، به نام نامی چهارده معصوم و فرزندان والامقام آنها عليهم السلام که نشان دهنده عشق عمیق و ارادت آگاهانه مردم اصفهان نسبت به أهل البيت عليهم السلام می‌باشد و با توجه به این که شمار این مؤسسه‌های علمی و دینی و خیریه و مراکز اجتماعی، به هزاران عدد می‌رسد، به خوبی، ظهور و تجلّی عشق و ارادت عمومی مردم نسبت به مکتب امامت و ولایت عليهم السلام به نمایش در می‌آید.

۸- اطعام و احسان و پخش جوایز در سطحی گسترده، در دوره سال و در مناسبت‌های گوناگون، به نام نامی أهل البيت (أئمة معصومین و فرزندان آنها عليهم السلام) و به خصوص اطعام عمومی در اکثر مجالس دینی، که شمار آنها در تمامی سال و در سطوح مختلف، غیر قابل شمارش می‌باشد.

۹- تأسیس بناهای بسیار و باشکوه فراوان، با زیربنای وسیع و معماری و حجاری و کاشی کاری زیبا، بانام: حسینیّه، بیت العلیّ، فاطمیّه،



دار الزهراء ، بيت الزهراء ، مهدیه ، بيت الزینب ، بيت العباس و ...، که شمار آنها (مخصوصاً تحت عنوان حسینیّه) بسیار می باشد، و بخشی از آنها در شهرهای دیگر همانند : کربلای معلی و مشهد مقدّس ، ساخته شده است .

۱۰ - نشر کتابها و مقاله ها و پوستره‌های مربوط به خاندان رسالت ، در فرصت های و مناسبت های گوناگون ، مخصوصاً در ایام شهادت صدیقۀ طاهره ، فاطمه زهراء علیها السلام .

### **اصفهان و ضریح سازی و کاشی کاری و دیگر هنرهای مذهبی**

ضریح های زیبایی که بر روی قبر امامان علیهم السلام و امامزاده ها علیهم السلام نصب می شود ، و نیز درهای حرمها و رواقها ، که در آنها از روکش یا آب طلا و نقره استفاده می شود، و با خطاطی و مینیاتور و قلمزنی ، و هنرهای ظریفه ای که مربوط به درودگری و صنایع چوب می باشد ، تزئین می گردد ، و در شمار تزئینات مذهبی برجسته محسوب می شود ، عموماً در شهر مذهبی اصفهان و به دست هنرمندان اصفهانی ساخته میشود ، و هم چنین ، زیباترین منبرها ، با استفاده از تراش های زیبا، و خطاطی و طراحی جالب و هنرمندانه ، در این شهر ولایت ساخته می شود .

و نیز ، کاشی کاریهای حرم های ائمه علیهم السلام و امامزادگان علیهم السلام در سراسر کشور و خارج آن ، که با بهره گیری از بهترین خطاطی و طراحی و نقاشی و رنگ آمیزی ، جلوه ای روحانی و ملکوتی دارد، و یکی از آثار برجسته هنری و خلاقیت روح با ایمان بشر ، در طول قرون به شمار آمده ، همه و همه از آثار هنرمندان و خطاطان و طراحان و نقاشان با ایمان و ولایت اصفهان می باشد ، که جلوه های برجسته آن ، در کشور عراق ، در حرم ائمه معصومین علیهم السلام و بسیاری

از امامزادگان علیهم السلام مدفون در شهرهای گوناگون آن، و نیز در شام (سوریه) در حرم حضرت زینب و حضرت رقیه علیها السلام، و در ایران، در حرم امام هشتم علی بن موسی الرضا علیه السلام و حضرت معصومه علیها السلام و عموم امامزادگان علیهم السلام، که بی شمارند، و هم چنین مساجد کشورهای مختلف، همانند: ایران، عراق، پاکستان، هند، کویت و ... دیده می شود، همه و همه از ذوق سرشار و ابتکار و خلاقیت و روح لطیف و هنرمند اصفهانی های با ایمان و ولایت، نشأت می گیرد (۱). و هم چنین معماری مذهبی، حجاریهای هنرمندانه، با رنگ و آب، و حال و هوای دینی، در همه مراکز اسلامی، در جای جای جامعه بزرگ اسلامی، در کشورهای مختلف، از آثار خلاقیت روح ایمانی اصفهانی ها، به خوبی نمایان می باشد.

### خاطرهای تاریخی و به یاد ماندنی در مورد ضریح حضرت اباالفضل علیه السلام

یکی از آثار هنری - مذهبی اصفهان، که عظمت ویژه تاریخی یافت، ضریح مقدس حضرت اباالفضل العباس علیه السلام می باشد، که به دستور مرجع عالیقدر شیعه، حضرت آیه الله العظمی، آقا سید محسن طباطبائی حکیم قدس سره در شهر اصفهان، و با همت و همکاری مردم این سامان، و به دست هنرمندان اصفهانی، ساخته شد، که حمل و نقل آن از اصفهان به شهر مقدس کربلا، بیش از یک هفته

ص: ۱۴۰

۱- جالب توجه است که، سازندگان ضریح ها و درها و منبرها و ... با تمام ابعاد هنری که دارند و هنرمندان کاشی ساز، با درج آیات و احادیث و اشعار مناسب، در متن ضریح ها و ... و نیز لوحه های کاشی و صفحات درخشان آن، به شکلی ظریف و لطیف، فرهنگ و معارف شیعه را ترویج می نمایند و بینندگان فراوان آثار هنری خود را متوجه نشانه های عظمت خاندان رسالت می نمایند و محتوای اعتقادی و اخلاقی ارزشمندی را در قالب هنرهای زیبا، عرضه می دارند

به طول انجامید، و در تمامی شهرها و روستاهای مسیر طولانی بین دو شهر، استقبال عجیب و پرشور و بی سابقه ای از ضریح مقدّس، انجام گرفت، و هزاران گاو و گوسفند قربانی گردید، و زنها، طلاهای خود را بر روی ماشین های حامل قطعات ضریح، و اتوبوس های همراهان ضریح، می انداختند، و عظمت حضرت ابا الفضل علیه السلام و ایمان و اعتقاد قلبی و بی نظیر مردم، نسبت به آن حضرت، در دو کشور ایران و عراق، و در شهرها و روستاهای مسیر راه، آن چنان به نمایش گذارده شد، که دوست و دشمن را به حیرت و تعجب واداشت.

در میان اشعار فراوانی که به مناسبت ساخت ضریح مقدّس حضرت ابا الفضل علیه السلام سروده شده، این چند بیت را که مربوط به مادّه تاریخ ساخت ضریح می باشد، به عنوان نمونه نقل می نمائیم (۱).

بر طبق امر آیت حق ( حضرت حکیم ) \*\*\* آن کس که حکم او به همه شیعیان رواست

شد این ضریح، ساخته در شهر اصفهان \*\*\* شهری که گر جهان هنر خوانمش سزااست

تاریخ این ضریح (طلائی) چنین سرود \*\*\* (عبّاس میر جنگ و علمدار نینواست)

و هم چنین از سروده ارزشمند مرحوم استاد جلال الدین همائی (سنا) که به ضریح مقدّس حضرت ابا الفضل العبّاس علیه السلام نوشته شده، شعر آخر آن را که

ص: ۱۴۱

---

۱- تاریخ ساخت ضریح ۱۳۸۴ قمری برابر با سال ۱۳۴۴ شمسی میباشد، و اشعار یاد شده، در کتاب آئینه ایثار، صفحه ۱۴۰ - ۱۴۲ نقل گردیده است

ماده تاریخ می باشد ، ذکر می نمائیم .

بهر تاریخ ، همائی «سنا» گفت (بین \*\*\* کایت صنّع پدیدار شد از حکم حکیم)

عکس



## ۵- زندگی و مزار امامزادگان از ریشه های رشد تشیع در منطقه اصفهان

اشاره

ص: ۱۴۳



قبل از آن که به معرّفی برخی از امامزادگان مدفون در منطقه اصفهان پردازیم ، و اشاره ای به شمار فراوان آنها ، در مجموع شهر و حومه این شهر تاریخی بنمائیم ، مقدمه ای را درباره نقش امامزادگان در طول زمان ، و در عموم بلاد ، و نیز علل و عوامل نفوذ معنوی و اجتماعی آنها ، تقدیم خوانندگان عزیز می نمائیم ، امید است برای آگاهی نسبت به عظمت و آثار و برکات آن عزیزان خدا و رسول مفید باشد، و برای این کمترین ( نویسنده حقیق و نیازمند شفاعت رسول الله و ائمه معصومین و خاندانشان علیهم السلام ) ذخیره ای باشد ، برای روزی که در باره آن گفته شده :

يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ

### امامزادگان ، و عوامل نفوذ معنوی و اجتماعی آنها

با مطالعه تاریخ اسلام و مسلمین ، و بررسی تاریخ بلاد و مراکز بزرگ تمدن و قدرت مسلمین ، می یابیم که فرزندان پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ و امامزادگان علیهم السلام ، از نفوذ معنوی و اجتماعی فراوانی برخوردار بوده اند ، و با این که قدرتهای طاغوتی بسیار خطرناکی ، همانند : امویان و عباسیان ، در طول چندین قرن ، و در عموم بلاد اسلامی، در سرکوبی علویان و فاطمیان ( سادات و ذراری رسول خدا و علی مرتضی و فاطمه زهراء علیهم السلام ) از هیچ گونه وسیله ای ( اعم از نظامی و سیاسی و اقتصادی و تبلیغی ) صرف نظر نمی کرده اند ، و همیشه در میدانهای نبرد و در زندانها ، و نیز در صحنه های اجتماعی ، به قلع و قمع و منزوی ساختن آنها ، همت می گماشته اند ، ولی با این حال در کشورهای حجاز ، مصر ، عراق ، ایران ، سوریه ، لبنان و ... ، هزاران هزار بقعه مورد توجه ، و صحن و سرای باشکوه ،

و گنبد و مناره جالب توجه ، با عنوان : « إمامزاده » یا « آستانه » یا « مقام » یا « مقبره » یا « بقعه » ملاحظه می شود که گروه گروه ، و دسته دسته ، زائرین را از راههای دور و نزدیک ، به خود جذب می نماید ، و محلّ اجتماع دلهای با ایمان ، و قلبهای با صفا ، و عاطفه های دینی ، می باشد .

### بارگاههای ملکوتی و باشکوه

آستانه مقدسه بانوی بزرگ تاریخ اسلام و أهل البیت علیهم السلام ، حضرت زینب علیها السلام در مصر ، و نیز آستانه مقدسه نفیسه خاتون، در همان کشور، و صحن و بارگاه عظیم دیگری ، به نام حضرت زینب علیها السلام در شام (سوریّه)، و هم چنین ، حرم و مقام بسیار مجلل حضرت رقیه علیها السلام در شام ، و مقامات متعلّق به أهل البیت علیهم السلام در باب الصّغیر شام ( دمشق ، مرکز حکومت امویان ) و زیارتگاههای بسیار فراوان سادات و امامزادگان ، در کشور عراق ، و صحن و سرای بسیار عجیب و شگفت انگیز حضرت معصومه علیها السلام در قم، و بارگاه چشم گیر و بزرگ حضرت عبد العظیم علیه السلام در شهر ری ، و صحن و بارگاه مجلل حضرت أحمد بن موسی ( شاه چراغ ) در شیراز ، که هر کدام از این زیارتگاههای باشرافت ، نمایشگاهی است بزرگ از هنر ، ابتکار ، سلیقه ، صنعت ، ایمان و اعتقاد و عواطف پاک هزاران هزار معمار ، خطاط ، استاد کار بنا ، حجّار ، گچ بُر ، نقّاش ، کاشی کار، طراح و ... و اثری است بزرگ ، از روح ایثار ، جود و بخشش و فداکاری مردان و زنان با ایمانی که ، در راه حفظ آثار عزیزان خدا و رسول صِلَى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلهِی وَ سَلَمَ ، از هیچ گونه انفاق و نیکوکاری ، دریغ نکرده اند، و سرمایه و ثروت غیرقابل احصائی را ، در راه حفظ و نگهداری این مکانهای مقدّس ، و تجلّی و شکوه این بارگاههای ملکوتی ، به مصرف رسانیده و خرج کرده اند .



آری ، در هر شهر بزرگ و کوچک ، یا هر روستا و ده ، و هر دشت و صحرائی قدم بگذاری ، امامزاده هائی می بینی که نه تنها صحن و سرای مورد توجه ، و زائر و هوادار فراوان دارند، بلکه در بعضی از شهرها ، رقم این امامزاده ها به دهها می رسد ، و در بعضی موارد، صحن و سرا ، و گنبد و مناره و ضریح و رواق یک امامزاده ، از دیدنی ترین آثار و بناهای آن شهر ، و شکوه و جلال آن ، در آن شهر ، بی نظیر و بی مانند است ، و اجتماع مردم در آن صحن و سرا ، از بزرگترین اجتماعات آن شهر و دیار می باشد ، و

باصفا ترین دلها ، و شیفته ترین قلبها ، در آن اجتماعات بزرگ ،

گرد هم می آیند ، و پاکترین زمزمه ها ، و عمیق ترین ناله ها ،

و پرسوز ترین مناجاتها را ، در جوار آن امامزاده سر میدهند ،

و به پرستش حق و انس با اولیای او ، می پردازند .

چه بسیار لذت بخش و روح افزاست ، ساعتی زیارت و دعا و سوز و گداز در حرم حضرت أبا الفضل العباس علیه السلام در کربلا ، و حرم حضرت زینب و حضرت رقیه علیهما السلام در سوریه ، و حرم حضرت معصومه علیها السلام در قم ، و حرم حضرت عبد العظیم علیه السلام در شهر ری ، و حرم حضرت أحمد بن موسی علیه السلام در شیراز ، و نیز هر کدام از حرمهای یادگارهای رسول خدا صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَ آٰلِهِ وَ سَلَّمَ ، در گوشه و کنار بلاد اسلام ، که در هر کدام از آنها ، ستاره های فروزان به خاک افتاده ، و در زمین فرو رفته است ، چنانچه دعبل خزاعی در اشعار (مدارس آیات) خود اشاره نموده ، و در محضر امام علی بن موسی الرضا علیه السلام خوانده است که :

أَفَاطِمُ قَوْمِي يَا بَنَّةَ الْخَيْرِ فَأَنْدُبِي \*\*\* نَجُومَ سَمَاوَاتٍ بِأَرْضِ فَلَاتٍ

یعنی : ای فاطمه زهراء علیها السلام وای دختر بهترین ها ، برخیز و ندبه و گریه کن ،

بر ستاره های آسمان (فضیلت) که در زمین بی آب و علف و صحرای خشک ،

افتاده اند .

### پاسخ به سؤالی قابل توجه

در اینجا سؤالی را مطرح مینمائیم که ، دلیل این مطالب چیست ؟ چرا آن همه دشمنی ، امامزادگان را از صفحه تاریخ حذف نموده ؟ و چرا اینهمه عظمت ، در طول چهارده قرن ، به نمایش در آمده است ؟ و جواب این سؤال را در دو قسمت خلاصه مینمائیم .

### تأکید خداوند متعال ، و رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ بر محبت أهل البيت عليهم السلام

اولین دلیل این همه عظمت ، دستورهای اکید و توصیه های مکرری است که ، در قرآن مجید و کلمات رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ ، برای مودت ذوی القربی ، و محبت نسبت به أهل البيت عليهم السلام و حمایت از ذراری رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ عموماً ، و نیکان آنها بالخصوص ، وارد شده است ، که ذیلاً به چهارده مورد از آنها ، اشاره می نمائیم :

۱- قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى (۱).

یعنی : ای پیامبر ! بگو از شما اجر و مزدی نمی خواهم ، جز اظهار دوستی درباره نزدیکانم .

۲- قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ : إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ أُجْرَتِي عَلَيْكُمْ ، الْمَوَدَّةَ فِي أَهْلِ بَيْتِي

ص: ۱۴۸

۱- سوره شوری ، آیه ۲۳

نَبِيٌّ سَأَلَكُمْ غَدًا عَنْهُمْ ، فَمُخِفٌ بِكُمْ فِي الْمَسْأَلَةِ (۱).

یعنی ، رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمودند: همانا ، خداوند مزد مرا بر شما ، دوستی أهل بیت من قرار داده ، و من فردای قیامت ، در باره آنها از شما سؤال میکنم ، و در این سؤال ، اصرار و إلحاح خواهم نمود .

۳ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ : أَيُّمَا رَجُلٍ صَنَعَ إِلَى رَجُلٍ مِنْ وُلْدِي صَنِيعَةً ، فَلَمْ يُكَافِئْهُ عَلَيْهَا ، فَأَنَا الْمُكَافِيءُ لَهُ عَلَيْهَا (۲) .

یعنی ، رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمودند: هر مردی که به یکی از فرزندان من خدمتی نیکو نمود ، و آن فرزند ، پاداش آن را نداد ، من پاداش آن عمل نیک را ( به آن مرد نیکوکار ) خواهم داد ، و جبران خواهم نمود .

۴- قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ : أَكْرَمُوا ذُرِّيَّتِي ، الصَّالِحِ اللَّهِ وَالطَّالِحِ لِي (۳) .

یعنی ، رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمودند: گرامی دارید ذرّیه مرا ، صالح ( آنها ) را برای خدا ، و بد ( آنها ) را ، برای خاطر من .

۵ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ : أَكْرَمُوا أَوْلَادِي ، الصَّالِحُونَ لِلَّهِ ، وَالطَّالِحُونَ لِي (۴) .

یعنی ، رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمودند : گرامی دارید اولاد مرا ، شایستگان آنها را برای خدا ، و ناشایستگان آنها را ، برای من .

۶- قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ : أَرْبَعَةٌ أَنَا لَهُمْ شَفِيعٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ، الْمُكْرِمُ لِذُرِّيَّتِي مِنْ بَعْدِي ، وَالْقَاضِي

ص: ۱۴۹

۱- شرف النبی از ابوسعید خردگوشی ، صفحه ۲۵۲

۲- أمالی شیخ طوسی ، جلد ۱ ، صفحه ۳۶۵ و بحار الأنوار ، جلد ۶ ، صفحه ۲۲۵

۳- جامع الأنساب روضاتی ، صفحه ۵۴ ، به نقل از سراج الأنساب

۴- جامع السعادات ، جلد ۲ ، صفحه ۲۱۴ ، و جامع الأخبار ، صفحه ۱۶۶ ، و جامع الأنساب ، صفحه ۵۴

لَهُمْ حَوَائِجُهُمْ ، وَ السَّاعِ لَّهُمْ فِي أُمُورِهِمْ عِنْدَ اضْطِرَارِهِمْ ، وَ الْمُحِبُّ لَهُمْ بِقَلْبِهِ وَ لِسَانِهِ (۱).

یعنی ، رسول خدا صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ فرمودند : چهار دسته و گروهند ، که من در روز قیامت شفاعت آنها را می‌نمایم ، یکی آنکه ذرّیه مرا پس از من اِکرام نماید ، و دوّم آنکه حاجت ذرّیه مرا روا نماید ، و سوّم آنکه کوشش نماید در کارهای ذرّیه من ، در وقتی که آنها نیاز به همکاری دارند ، و چهارم آنکه ذرّیه مرا با قلب و زبان خود دوست بدارد .

أبوسعید واعظ خرگوشی ، که از علماء و حَفَظ حدیث اهل سنّت است ، همین روایت را با کمی اختلاف نقل نموده ، که ذیلاً بیان میداریم .

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ : أَرْبَعَةٌ أَنَا لَهُمْ شَفِيعٌ وَ لَوْ أَتَوْا بِذُنُوبِ أَهْلِ الْأَرْضِ ، الضَّارِبُ بِسَيْفِهِ أَمَامَ ذُرِّيَّتِي ، وَ الْقَاضِي لَهُمْ حَوَائِجَهُمْ ، وَ السَّاعِي لَهُمْ فِي حَوَائِجِهِمْ عِنْدَمَا اضْطَرُّوا إِلَيْهِ ، وَ الْمُحِبُّ لَهُمْ بِقَلْبِهِ وَ لِسَانِهِ (۲).

یعنی ، رسول خدا صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ فرمودند : چهار دسته اند ، که من شفیع آنها خواهم بود ، گرچه گناهان اهل زمین را مرتکب شده باشند ، اوّل ، کسی که در جلو ذرّیه من شمشیر بزند ( و با شمشیر در راه آنها بجنگد ) و ... ، و علامه حلّی ، در ضمن وصایای خود به فرزندش ، فخرالمحقّقین ، سفارش اکید در مورد ذرّیه رسول خدا و علویّین می‌نماید ، و حدیثی را مشابه حدیث فوق نقل نموده با مقداری تفاوت ، که جالب توجه می‌باشد (۳).

ص: ۱۵۰

۱- عیون أخبار الرضا، جلد ۱، ص ۲۵۳ ، و أمالی شیخ طوسی، جلد ۱، ص ۳۷۶

۲- شرف النبی ، صفحه ۲۷۴

۳- قواعد الأحكام، علامه حلّی ، صفحه آخر، بخش وصیت علامه به فرزندش ، و جامع الأنساب ، صفحه ۶۰

۷- قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: مَنْ أَحْتَقَرَ أَوْلَادِي أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْهُ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ (۱).

یعنی ، رسول خدا صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِیْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: هر کس حقیر بشمارد اولاد مرا، خدا گوش و چشم او را می گیرد ( و گوش شنوا و چشم بینا ، از او سلب می شود ) .

۸- قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: ادَّبُوا أَوْلَادَكُمْ عَلَى ثَلَاثِ خِصَالٍ ، حُبِّ نَبِيِّكُمْ وَحُبِّ أَهْلِ بَيْتِهِ وَقِرَاءَةِ الْقُرْآنِ ... (۲).

یعنی ، رسول خدا صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِیْهِ وَسَلَّمَ فرمودند : ادب کنید فرزندان خود را بر سه خصلت و رفتار، دوستی پیامبرتان ، و دوستی اهل بیت او ، و قرائت قرآن ...

۹- قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: اجْبُونِي لِحُبِّ اللَّهِ وَاجْبُوا أَهْلَ بَيْتِي لِحُبِّي (۳).

یعنی ، رسول خدا صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِیْهِ وَسَلَّمَ فرمودند : دوست بدارید مرا، به خاطر دوستی خدا ، و دوست بدارید اهل بیت مرا ، به خاطر دوستی من .

۱۰- قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: مَنْ صَنَعَ إِلَى أَحَدٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يَدًا كَافِيَتْهُ عَنْهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ (۴).

یعنی ، رسول خدا صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِیْهِ وَسَلَّمَ فرمودند : هر کس که ، نیکی کند با یکی از اهل بیت من ، در روز قیامت ، من مکافات خواهم نمود .

۱۱- قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: مَنْ زَارَ وَاحِدًا مِنْ أَوْلَادِي فِي الْحَيَاةِ وَبَعْدَ الْمَمَاتِ ، فَكَأَنَّمَا زَارَنِي (۵).

یعنی ، رسول خدا صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِیْهِ وَسَلَّمَ فرمودند : هر کس یکی از اولاد مرا در زمان حیات ، یا پس از مرگ او ، زیارت کند ، گویا مرا زیارت کرده است .

ص: ۱۵۱

۱- میزان الأنساب ، صفحه ۸ ، به نقل از فضائل السادات

۲- الجامع الصغیر ، سیوطی ، جلد ۱ ، صفحه ۱۴

۳- شرف النبی ، خرگوشی ، صفحه ۲۵۹

۴- شرف النبی ، صفحه ۲۷۰

۵- یادداشهای سید مصلح الدین مهدوی ، به نقل از مشاهد العتره و جامع الأخبار

۱۲- قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: مَنْ زَارَنِي أَوْ زَارَ أَحَدًا مِنْ ذُرِّيَّتِي، زُرْتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَأَنْقَذْتَهُ مِنْ أَهْوَالِهَا (۱).

یعنی، رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمودند: هر کس مرا زیارت کند، یا یکی از ذریّه مرا زیارت کند، من او را در روز قیامت زیارت می کنم، و او را از هولها و ترسهای قیامت، می رهانم.

۱۳- قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: مَنْ وَصَلَ أَحَدًا مِنْ أَهْلِ بَيْتِي فِي دَارِ الدُّنْيَا بِقِيْرَاطٍ، كَأَفْتِيْتُهُ بِقِنْطَارٍ (۲).

یعنی، رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمودند: هر کس به یکی از اهل بیت من صله کند در دنیا به یک قیراط (۳)، پاداش و مکافات می دهم او را به یک قنطار (۴).

۱۴- قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: مَنْ أَرَادَ التَّوَسُّلَ إِلَيَّ وَ أَنْ يَكُونَ لَهُ عِنْدِي يَدٌ أَشْفَعُ لَهُ بِهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ، فَلْيَصِلْ ( فَلْيَصِلْ ) عَلَى أَهْلِ بَيْتِي وَ يَدْخُلِ الشُّرُورَ عَلَيْهِمْ (۵).

یعنی، رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمودند: هر کس قصد دارد که متوسل شود به من، و بخواهد که دستی در نزد من داشته باشد، که به خاطر آن، در روز قیامت او را شفاعت کنم، پس درود بفرستد بر اهل بیت من ( یا صله کند بر اهل بیت من )

ص: ۱۵۲

---

۱- یادداشتهای آقای سید مصلح الدین مهدوی، به نقل از کتاب مشاهد العتره، و نیز، ثواب الأعمال مرحوم شیخ صدوق

۲- وسائل الشیعه، جلد ۱۱، صفحه ۵۵۸ (کتاب الأمر بالمعروف و النهی عن المنکر)

۳- یک قیراط، مساوی است با چهار جو و چهار حبه، و به اندازه های دیگر هم تعریف شده است، ولی در هر صورت، اندازه کمی است

۴- یک قنطار، مساوی است با، یک صد و بیست رطل، یا پوست گاوی که پر از طلا کنند، و با اندازه های دیگر، ولی در هر صورت، اندازه بزرگی است

۵- وسائل الشیعه، جلد ۱۱، صفحه ۵۵۸ (کتاب الأمر بالمعروف و النهی عن المنکر)

و آنها را مسرور نماید .

این بود ، چهارده کلام نورانی ، از قرآن مجید ، و احادیث پیامبر صَلَّی اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ درباره تشویق و ترغیب مردم ، در امر محبت و نیکوکاری نسبت به ذرّیة رسول خدا صَلَّی اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ و احسان و نیکی به آنها ، و محبت و دوستی و اظهار علاقه در برابر آنها ، و نیز درباره زیارت قبور و تجلیل از مزارهایشان . و اگر بخواهیم مجموع روایاتی که از پیامبر اکرم صَلَّی اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ در این زمینه رسیده ، و در کتب شیعه و سنی نقل گردیده ، و هم چنین روایاتی که از ائمه معصومین علیهم السلام درباره سادات و ذراری پیامبر صَلَّی اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ وارد شده ، نقل نمائیم ، خود کتاب مفصّلی خواهد شد ، و از هدف این کتاب دور میباشد ، و لذا به همین مقدار اکتفا می نمائیم .

### سخنی شیوا ، از علامه مجلسی

و هم اکنون ، این قسمت مهم را ، با سخنی از علامه مجلسی قُدسُ سِرُّهُ درباره زیارت امامزادگان به پایان می بریم ، که عبارتی کوتاه و مضمونی بلند و ارزشمند دارد ، و راهنمای گرانبهائی در این زمینه به شمار می رود:

ثُمَّ اعْلَمَنَّ أَنَّ الْمَشَاهِدَ الْمُنْسُوبَةَ إِلَى أَوْلَادِ الْأَيْمَةِ الْهَادِيَةِ وَالْعِزَّةِ الطَّاهِرَةِ وَأَقَارِبِهِمْ (صلوات الله عليهم) يُسْتَحَبُّ زِيَارَتُهَا وَالْإِلْمَامُ بِهَا ، فَإِنَّ فِي تَعْظِيمِهِمْ ، تَعْظِيمَ الْأَيْمَةِ وَتَكْرِيمَهُمْ ... (۱).

یعنی : بدان که ، مشهدها ( و مزارها )ئی که نسبت داده شده است به اولاد مامان و پیشوایان ، و عترت پاکیزه ( پیامبر ) و نزدیکان و خویشان ائمه معصومین (صلوات الله عليهم) ، همانا مستحب است زیارت کردن آنها ، و توجه و قصد آنها ، زیرا تعظیم آن امامزادگان ، تعظیم ائمه ، و تکریم امامان

ص: ۱۵۳

معصوم علیهم السلام می باشد ( و هرگونه تجلیلی درباره آن زادگانِ امام، تجلیل و بزرگداشت از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلهِی وَ سَلَمٌ و امامان معصوم علیهم السلام ، به شمار می رود).

## ۲- فضائل و کمالات، و خدمات دینی و علمی و اجتماعی امامزادگان علیهم السلام

دومین دلیل عظمت و نفوذ معنوی و اجتماعی امامزادگان ، فضائل اخلاقی و معنوی و کمالات نفسانی آنها ، و خدمت های دینی و اجتماعی آنان ، به ملت مسلمان و دوستان اهل بیت علیهم السلام ، می باشد .

با مطالعه در تاریخ اسلام و مسلمین و امامان و امامزادگان ، به خوبی واضح می شود که فضائل نفسانی و کوشش ها و خدمات عملی فرزندان ائمه ، نقش بسیار زیادی ، در توجه دلها به سوی اهل بیت علیهم السلام و فرزندان عزیز رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلهِی وَ سَلَمٌ و ائمه معصومین عالیهم السلام داشته است ، که مجموع آن فضائل را در چند قسمت ، خلاصه می نمائیم :

### ۱- علم و دانش

با یک مطالعه سریع و فراگیر ، می یابیم که علم و دانشی که از ذراری رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلهِی وَ سَلَمٌ در اختیار جامعه قرار گرفته، اعم از :

۱- علم لدنی ، همانند : علوم بی پایان ائمه علیهم السلام و امام زادگانی که ، ( لَهُمْ شَأْنٌ مِنَ الشَّأْنِ ) و شمه ای از علم لدنی ، داشته اند ، همانند : حضرت زینب علیها السلام که امام سجّاد علیه السلام درباره آن حضرت فرمودند : أَنْتِ بِحَمْدِ اللَّهِ عَالِمَةٌ غَيْرُ مُعَلَّمَةٍ

۲- علم اکتسابی ، همانند علم و دانش خیره کننده سید مرتضی و سید رضی و سید بن طاووس و سید مهدی بحر العلوم و تمامی محققین بزرگ و مراجع تقلیدی که ، از ذراری رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلهِی وَ سَلَمٌ بوده اند ، و شمار آنها به هزاران هزار



می رسد ، و علم و دانش ، و بینش و اندیشه ، و تحقیقات علمی آنها ، چراغی فرا راه زندگی انسانها بوده است .

## ۲- مقامات معنوی

یک سیر مطالعاتی در تاریخ ائمه معصومین علیهم السلام و امامزادگان علیهم السلام ، بررسی آثار وجودی آنها در زمان حیاتشان و پس از مرگ یا شهادتشان ، نشان می دهد که مقام معنوی آنها در پیشگاه خداوند متعال تا چه اندازه رفیع و برجسته است . معجزات و کرامات آنها ، که در زمان حیاتشان رخ داده ، و نیز کراماتی که از قبر آنها ظاهر گردیده ، و مردم در طول تاریخ چهارده قرن ، در اثر توسل به آن بزرگواران دریافته اند ، همه و همه ، نشان دهنده مقامات ماوراء الطبیعه آن انسانهای الهی است .

بسیاری از قبور امامزادگان ، در اثر ظهور معجزه یا معجزاتی ، شناسائی شده و یا حفظ گردیده ، و یا تعمیر اساسی و تجدید بنا شده ، و مورد توجه زائرین و علاقه مندان قرار گرفته است .

نویسنده این سطور ، تا کنون معجزات و کراماتی که خودم در جریان وقوع آنها قرار گرفته ام ، یا به نحو معتبر و اطمینان بخش شنیده و باور کرده ام ، درباره حضرت ابا الفضل علیه السلام ، حضرت زینب علیها السلام حضرت رقیه علیها السلام ، حضرت علی اکبر علیه السلام حضرت معصومه علیها السلام ، حضرت علی بن محمد الباقر علیه السلام ( در مشهد اردهال ) و ... ، رقم بسیار بالائی را تشکیل می دهد ، و هر کدام از مردم ، چه بسیار کراماتی که از یک یک امامزادگان ، در گوشه و کنار شهرها ، و در پهنه صحراها و بیابانها دیده اند ، و باور کرده اند که :

آن بزرگواران ، برگزیدگان خداوند متعال هستند ، و از اولیاء الله به شمار می آیند

شخصیت علمی و دینی و لیاقت و کفایت روحی، و نیز قدرت تدبیر و تفکر و میراث‌های ذاتی، که از پیامبر اکرم صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ و ائمه معصومین علیهم السلام در وجود امامزادگان بوده، آنها را منشاء بزرگترین خدمات اجتماعی و برکات گوناگون، قرار داده است. سادات و ذراری پیامبر صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ، در هر شهر و دیاری که رفتند، به صورت تبعید، یا به منظور دوری از دسترس طاغوت‌های ستمگر، و یا به عناوین دیگر، آنقدر آثار و برکات وجودی از خود به جای گذارده‌اند، و در دستگیری از مردم نیازمند کوشیده‌اند، و با عقل و تدبیر خود، در حل مشکلات مسلمانان اقدام نموده‌اند، که از عزیزترین مردم به شمار آمده، و طبق سنت:

(الْإِنْسَانُ مَجْبُولٌ عَلَى حُبِّ مَنْ أَحْسَنَ إِلَيْهِ) (۱) مردم را به سوی خود جذب نموده‌اند.

## ۴- مبارزه با ظلم

روح آزاد و ایمان و اعتقاد امامزادگان، و خصلت ستم ستیزی و عدالت خواهی آنها، عامل بسیار مهمی در نفوذ اجتماعی و عظمت شخصیتشان بوده، زیرا، مردمی که از ستمگری امویان و عباسیان، و دیگر طاغوت‌ها به ستوه می‌آمدند، و تشنه فریادی عدالت خواهانه و ستم ستیز، میگردیدند، این امامزادگان پاک سرشت و عدالت طلب بودند، که به سوز دل مظلومان، و آتش درون مردم زجر کشیده، توجه می‌نمودند، و تا پای جان، و با تحمل زندانها و آوارگی‌ها، و پذیرفتن شکنجه‌ها و آزارها، برای رساندن فریاد ستمدیدگان،

ص: ۱۵۶

---

۱- یعنی: «مردم بنده احسان هستند» و «انسان، به نحو طبیعی و جبلی، دوست می‌دارد کسی را که به او نیکی کند»

به گوش جهانیان ، مقاومت می نمودند .

آری ، این پاکان و پاکیزگان ، در راه مبارزه با ستم و ستمگران ، با مال و جان و آبرو ، قدم بر می داشتند ، و در نتیجه ، در اعماق دل مظلومان و حق طلبان ، جای می گرفتند ، و هم چنانکه ستمگران ، خانه خود را در دل مردم از دست می دادند ، و خانه خراب می شدند ، آنها خانه هائی آباد ، در دل های مؤمنین پیدا می کردند که :

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ، سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا (۱) . در اینجا دلایل عظمت اجتماعی و تاریخی و عوامل نفوذ امامزادگان را در دلها ، به پایان می بریم ، و به بحث و بررسی فشرده ای راجع به امامزادگان اصفهان ، می پردازیم .

### ورود امامزادگان و ذراری رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ به اصفهان

پس از آن که حکومت ستمگران اموی و عباسی ، موجب پراکندگی سادات و ذراری پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ گردید ، و هر کدام از آنها به شهر و کشوری روانه گردیدند ، و هر ده یا روستائی را به عنوان محل زندگی و یا مبارزات و فعالیت های اجتماعی خود برگزیدند ، برخی از شهرها ، شمار بیشتری از سادات و امامزادگان را ( اعم از آنان که با واسطه کم به امام معصوم علیه السلام منسوب می شدند ، یا با واسطه بیشتری ، انتساب به امام و پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ می یافتند ، مثل امامزادگانی که مربوط به قرنهای پنجم و ششم و ... بوده اند ، و طبعاً انتساب آنها به پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و ائمه معصومین علیهم السلام ، با چندین واسطه بوده است ) به سوی خود جذب نموده است .

ص: ۱۵۷

---

۱- سورۃ مریم ، آیه ۹۶ ، یعنی : همانا ، آنان که ایمان آورده ، و عمل صالح انجام داده اند زود باشد که خداوند برای آنها ، دوستی ( در دلها ) قرار دهد

شهر اصفهان ، از جمله شهرهائی است که شمار بسیاری از سادات را به سوی خود جذب نموده ، و بسیاری از ذراری پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ در آن زندگی نموده اند، و برای اثبات این مطلب ، دو دلیل روشن اقامه مینمائیم :

### الف- نام امام زادگان اصفهان، در کتب تراجم و أنساب

آشنائی با امامزادگانی که در کتب تراجم و أنساب ، مورد توجه قرار گرفته اند ، و از هجرت آنها به اصفهان یاد شده است ، و به عنوان نمونه ، از ساداتی که در کتاب نفیس مُتَّقِلَةُ الطَّالِبِيَّةِ ، مورد ذکر قرار گرفته اند، و نویسنده کتاب یاد شده، از هجرت و اقامت آنها در اصفهان ، بحث نموده ، یاد می نمائیم .

نویسنده کتاب ، شریف نَسَّابَه ، أبو اسماعیل ، ابراهیم بن ناصر طباطبا ، از علماء بزرگ قرن پنجم هجری ، و از مفاخر علمی خاندان بزرگ طباطبائی ، و خود ساکن اصفهان بوده (۱) و با تألیف کتاب منتقله الطالبيه ، خدمتی بزرگ به أنساب آل ابی طالب ، و حفظ تاریخ درخشان آنها ، و روشن ساختن سوابق تشیع و ولایت مردم اصفهان نموده (۲) ، و نشان داده است که تا چه اندازه ، مهر و محبت مردم اصفهان نسبت به أهل البيت عليهم السلام ریشه دار و قوی بوده ، که شمار بسیاری از ذراری رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ و أمير المؤمنين عليه السلام و فاطمة زهراء عليها السلام را ، در میان خود جای داده اند .

ص: ۱۵۸

- ۱- به صفحه ۳۲ و ۳۵ و ۳۷ از مقدمه ، و صفحه ۳۹ و ۴۵ و ۳۴۵ از متن منتقله الطالبيه ، چاپ نجف ، مراجعه شود .
- ۲- برخلاف شهرت سنّی گری اصفهان در گذشته ، نشانه های بزرگی از سوابق فداکاری بسیاری از مردم اصفهان ، در گذشته تاریخ ، در راه تشیع و ولایت أهل البيت عليهم السلام ، در دست است ، که در بخشهای گوناگون همین کتاب ، مورد بحث و بررسی قرار داده ایم

در این کتاب ، شمار زیادی از سادات و علویین ، مورد معرفی قرار گرفته اند که از شهرهای دیگر، به اصفهان منتقل شده اند، و عدّه ای از آنها ، اولاد و اُحفادشان در اصفهان اقامت نموده ، و هرکدام سلسله ای از سادات و خاندانی گسترده را ، تشکیل داده اند ( که تاکنون در قرن پانزدهم ، عدّه زیادی از آنها ، در اصفهان باقی می باشند ) .

و در یک کلام ، گستردگی شمار سادات و اِمامزادگانی که به اصفهان هجرت نموده و اقامت جسته ، و دودمان و خاندانی را تشکیل داده اند ، نشانهٔ زمینهٔ فرهنگ و اعتقادی است که در اصفهان وجود داشته ، و از ریشه های تشیع و وابستگی و ارتباط مردم به مذهب و مکتب اهل البیت علیهم السلام در بسیاری از قرون ، می باشد (۱).

### ب-مزارهای امامزادگان ، در اصفهان

اصفهان ، یکی از شهرهایی است که شمار اِمامزادگان آن زیاد می باشد ، و در حدود یکصد مزار ، تحت عنوان اِمامزاده ، در محدودهٔ اصفهان و روستاها و بخشهای نزدیک آن، وجود دارد که شیعیان و دوستان اهل البیت علیهم السلام به زیارت آنها می روند ، و متوسّل می شوند ، و عرض ادب می نمایند ، و ما به عنوان نمونه ، از چهارده اِمامزاده ، با شرح و تفصیل نسبی ، و از سی اِمامزاده ،

ص: ۱۵۹

---

۱- حاکمیتِ قدرتهای متعصّبِ در برابر شیعه و اهل البیت علیهم السلام را ، در برخی از دوره ها همانند: دورهٔ اُمویان ، و قسمتی از دورهٔ عباسیان ، و بخشی از دورهٔ سلجوقیان ، که بیشترین فشار را بر شیعه و مذهب اهل البیت علیهم السلام ، وارد می کردند، نباید با اصل زمینه های روحی ، که در اکثر دوره ها ، در مردم اصفهان وجود داشته ، اشتباه گرفت و به هم آمیخت

با اجمال و به نحو اشاره ، یاد می نمائیم :

## ۱- امامزاده ابراهیم علیه السلام

مزار امامزاده ابراهیم ، که معروف به شاهزاده ابراهیم است ، بین خیابان شیخ بهائی و خیابان عباس آباد ، در محله قدیمی مستهلک ، در کوچه ای به نام همین امامزاده ، واقع گردیده است .

در زمان صفویه ، اطراف و حوالی امامزاده ابراهیم علیه السلام ، بسیار آباد بوده ، و در دوره های بعد ، به باغ و صحرا و ویرانه تبدیل گردیده ، ولی مجدداً به صورت یکی از محله های آباد و مورد توجه ، درآمده است ، و ساختمان امامزاده تجدید گردیده ، و صحن و بارگاه و گنبد و حرم باشکوهی را شکل بخشیده است .

گنبد امامزاده ابراهیم علیه السلام کاشی کاری شده ، و در کتیبه دور آن ، سوره جمعه نوشته شده ، و در آخر آن آمده است : مؤسس این بنا ، محمد بصیری ۰ به کمک صاحبان خیر و همت ، در سال ۱۳۴۷ ساختمان امامزاده ابراهیم به اتمام رسید .

نوسازی و کاشی گنبد ، در سال ۱۳۶۶ شمسی .

داخل حرم ، به وسیله آئینه کاری و گچ بری و نقاشی ، تزئین گشته ، و ضریحی زیبا دارد ، که تاریخ ساخت آن ، ۱۳۵۲ شمسی می باشد .

زائرین ( مخصوصاً در اوقات و مناسبت های ویژه مذهبی ) از راه دور و نزدیک ، به زیارت این امامزاده بزرگوار مشرف می شوند .

در کتابهای : آثار ملی اصفهان ، صفحه ۷۴۱ و دانشمندان و بزرگان اصفهان ( مقدمه ) صفحه ( ی ) و دائره المعارف تشیع ، جلد ۲ ، صفحه ۴۰۲ - ۴۰۳ ، از این امامزاده بزرگوار ، یاد شده است .

ص: ۱۶۰

## ۲- امامزاده ابراهیم علیه السلام ( امامزاده نرمی )

امامزاده ای است واقع در روستای نرمی ، از توابع شهر دولت آباد، و متصل به شهرک امام حسین علیه السلام ، که با فاصله ۵۰ کیلومتر ، در شمال اصفهان بزرگ ، قرار گرفته است .

فقیه بزرگ و مجتهد عالی مقام ، مرحوم آقا میرزا محمد هاشم چهارسوقی ، او را یکی از امامزاده های معتبر شمرده ، و نسب وی را ، ابراهیم بن موسی بن جعفر علیه السلام دانسته است (۱).

و محقق و مجتهد و رجالی نامدار ، آقا میرزا محمد باقر چهارسوقی ، در کتاب روضات الجنّات ، به نقل از یکی از کتب أنساب ( که دارای اعتباری بوده ) ، امامزاده یاد شده را ، فرزند بلا واسطه امام موسی بن جعفر علیه السلام دانسته است (۲) .

و هم چنین حاج ملا محمد هاشم خراسانی ، در منتخب التواریخ ، باب یازدهم ، در ذکر مدفونین در اصفهان ، و نیز مجتهد نامدار ، مرحوم آخوند گزی ، این بزرگوار را ، فرزند حضرت موسی بن جعفر علیه السلام به شمار آورده اند .

این امامزاده ، در قدیم آلائیم ، بقعه و بارگاهی نسبتاً متوسط داشته ، ولی در حال حاضر توسعه بسیار جالبی یافته ، که بیان می داریم :

در شمال حرم ، یک صحن قدیمی وجود دارد ، که در سالهای اخیر کاشی کاری شده و تزیین یافته ، و شروع آن تزیینات ، از حدود سال ۱۳۴۲ شمسی بوده ، و آخرین قسمت آن ، لوح بزرگی کاشی کاری است ، که در آن

ص: ۱۶۱

۱- میزان الأنساب ، صفحه ۴۹

۲- روضات الجنّات ، در قسمت شرح حال امامزاده عظیم الشان ، حضرت عبدالعظیم حسنی ، صفحه ۳۵۷

تاریخ ولادت و شهادت معصومین علیهم السلام با خط سفید بر زمینه لاجوردی نوشته شده ، و مورخ به تاریخ ۱۴۰۸ قمری ( برابر ۱۳۶۷ شمسی ) می باشد .

در طرف جنوب حرم ، یک صحن بسیار بزرگ در قطعه زمینی به مساحت تقریبی شش هزار متر تأسیس گشته ، که در اطراف آن اطاقهای زیادی برای سکونت زائرین در نظر گرفته شده ، و ایوان و سردر باشکوهی به سوی حرم ساخته شده ، که در آینده در نظر دارند دو مناره بلند برای حرم امامزاده در دو طرف آن بسازند ، و در دو طرف ایوان ، رواقها و لوازم گسترده یک حرم مجلل ، در نظر گرفته شده است . ساختمان این صحن و سردر ، آماده گردیده ، ولی تزئینات آن ( از قبیل آینه کاری و کاشی کاری و ... ) انجام نگرفته است .

ایوان حرم در صحن قدیم ، آینه کاری شده ، و در داخل حرم ، از سنگهای مرمر و نقاشی استفاده گردیده ، و در طرف غرب حرم یک رواق ساخته اند ، که در سقف آن از گچ بری و آینه کاری و نقاشی ، بهره گیری شده است .

در تزئین ضریح مطهر ، از طلا و نقره استفاده نموده اند ، و تاریخ ساختن آن ، ۱۴۰۸ قمری میباشد . گنبد امامزاده ، قدیمی و کوچک می باشد ، و کاشی کاری شده است . جمعی از صلحاء و مؤمنین ، در جوار امامزاده ، و در صحن و اطاقهای آن ، دفن گردیده اند ، که عده ای از آنها ، از علماء بزرگوار و دارای شخصیت علمی و اجتماعی بوده اند ، همانند :

۱- مرحوم آقا میرزا علی اصغر نوری ، متوفای ۱۳۳۳ قمری ( مدفون در حرم )

۲- مرحوم حاج میرزا محمد علی فرقانی آذرمناباد ، متوفای ۱۳۵۹ قمری .

۳- مرحوم حاج ملا حسن دولت آبادی ، متوفای ۱۳۶۰ قمری .

۴- مرحوم آقا سید عبدالوهاب سهل آبادی ، متوفای ۱۳۷۳ قمری .

۵- مرحوم آقا شیخ حبیب الله محقق ، متوفای ۱۳۷۸ قمری .



۶- مرحوم آقا سید حسن نوری، متوفای ۱۳۸۳ قمری. که همه، از علماء مورد توجه و احترام بوده اند.

### ۳- امامزاده أحمد علیه السلام

از امامزاده های معتبر اصفهان، و ساختمان بقعه و مزار آن، از قدیمی ترین مزارات اصفهان می باشد.

صاحب ریاض العلماء، به مناسبت بیان شخصیت امامزاده عظیم الشان، حضرت علی بن محمد الباقر علیه السلام، که در مشهد آردهال (در حوالی کاشان) مدفون می باشند، و از امامزاده های مهم و مشهور ایران، به شمار می روند، فرموده است:

وَاعْلَمَنَّ أَنَّ السَّيِّدَ الْجَلِيلَ، أَلْسَيِّدَ أَحْمَدَ، أَلْمَعْرُوفَ بِإِمَامِ زَادِهِ أَحْمَدَ، أَلْمَقْبُورَ فِي مَحَلَّةِ بَاغَاتِ، بِإِصْفَهَانَ (۱) قَدْ كَانَ وَلَدَ هَذَا السَّيِّدِ الْجَلِيلِ (۲).

و بدین طریق، امامزاده احمد علیه السلام را، سبط امام باقر علیه السلام و فرزند امامزاده علی بن محمد الباقر علیه السلام، به شمار آورده است.

فقیه و رجالی نامدار، مرحوم صاحب روضات الجنات، در شرح حال امامزاده عظیم الشان، عبدالعظیم حسنی علیه السلام (به مناسبت) امامزاده احمد را،

ص: ۱۶۳

---

۱- محله باغات، محله ای است واقع در کنار جاده محله خواجه، که در آن امامزاده احمد بن علی بن محمد باقر علیه السلام، حسینی، مدفون است (آثار ملی اصفهان، صفحه ۱۸۷)

۲- ریاض العلماء، جلد ۴، صفحه ۲۱۷ یعنی: بدان که سید جلیل القدر، سید احمد، معروف به امامزاده احمد، که در محله باغات اصفهان به خاک سپرده شده، به تحقیق، فرزند این سید جلیل (امامزاده علی بن محمد الباقر علیه السلام) بوده است

یکی از چند امامزاده معتبر در ایران ، به شمار آورده است (۱).

و محقق و فقیه عالی مقام ، مرحوم آقا میرزا محمد هاشم چهارسوقی نیز ، امامزاده أحمد را ، یکی از چهار امامزاده معتبر اصفهان به شمار آورده و نوشته است : چهارم از امامزاده های معتبر النسب ، امام زاده أحمد می باشد ، که در طریق محله خاجوی اصفهان ، بقعه و مزار معروفی دارد ، چنانچه فاضل أفندی ، از بزرگان تلامذه علامه مجلسی ، در کتاب خود ، ( ریاض العلماء ) ، متعرض حال آن شده و به همین طریق ، مرقد آن بزرگوار را نموده ، و آن جناب ، أحمد بن علی بن الإمام حضرت محمد باقر علیه الصلوه والسلام می باشد ، و آثار صدق و صفا از مرقد او لائح می باشد (۲) .

و محدث بزرگوار ، مرحوم آقای حاج شیخ عباس قمی قُدسُ سِتْرُه ، به نقل از ریاض العلماء فرموده: در اصفهان ، نزدیک مسجد شاه ، بقعه و مزاری است به نام أحمد بن علی بن محمد الباقر علیه السلام ، و سنگی در آنجاست به خط کوفی بر آن نوشته است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهينَهُ ، هَذَا قَبْرُ أَحْمَدَ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ تَجَاوَزَ عَنْ سَيِّئَاتِهِ وَ  
الْحَقُّهُ بِالصَّالِحِينَ (۳) .

و جابری انصاری ، در باره این امامزاده می نویسد :

دیگر از مبانی کهن ، امامزاده احمد است که نبیر حضرت امام محمد باقر علیه السلام ، و دارای مقام علم و تقوی بوده ... و پشت دیوار ضریح و رو به اُرسی ، منظر این محل ، قطعه سنگ دیگری هم بود ، نوشته : تجدید عمارت امامزاده سید أحمد

ص: ۱۶۴

۱- روضات الجنات ، صفحه ۳۵۷

۲- میزان الأنساب ، صفحه ۴۸

۳- منتهی الامال ، بخش مربوط به اولاد حضرت امام محمد باقر علیه السلام

بْنِ سَيِّدِ عَلِيِّ بْنِ سَيِّدِ مَعْصُومٍ ، از اولادِ إمامِ مُحَمَّدِ باقرِ عليه السلام ، کمترینِ خادمان ، شاه قلی بن علیقلی بن علی برزین ، به سال ۵۳۷ نمود با سال رحلت (۱).

با توجه به مطالب بالا ، اهمیتِ امامزاده أحمد علیه السلام به خوبی روشن می گردد، و معلوم می شود که از دیر زمانی ، قبر مطهر آن بزرگوار ، مزار و مورد توجه بوده ، که در سال ۵۳۷ (أوائل قرن ششم) تجدید بنا گردیده است .

### بقعه و بارگاه امامزاده أحمد علیه السلام

چنانچه اشاره شد ، سابقه بقعه و مزار امامزاده أحمد علیه السلام به قبل از قرن ششم می رسد ، زیرا طبق کتیبه سنگ گران قیمت مذکور در بالا ، در سال ۵۳۷ ، ساختمان بقعه تجدید گردیده است ، چنانچه مشابه همین مطلب از سنگ نوشته دیگری که هم اکنون موجود است و جلو ایوان غربی بقعه نصب شده ، استفاده می شود . عین نوشته چنین است : آمین رَبِّ الْعَالَمِينَ فِي تَارِيخِ الْخَامِسِ عَشْرِهِ مِنْ رَبِيعِ الْأَوَّلِ سَنَةِ ثَلَاثٍ وَ سِتِّينَ وَ خَمْسَ مِأَةٍ (۲) که سال ۵۶۳ را نشان می دهد .

نوشته یاد شده ، در قطعه سنگی یکپارچه و سیاه رنگ و شفاف ، به طول سه متر ، حجاری شده و در آستانه امامزاه ، در زیر پنجره ای مشبک و چوبی و مشرف به جاده ، نصب گردیده و میگویند : این قطعه سنگ بخشی از بت سومات است ، که سلطان محمود غزنوی آن را از هند آورده است ( به تاریخ

ص: ۱۶۵

۱- تاریخ اصفهان و ری ، صفحه ۲۵۱ - ۲۵۲ ، در دنباله عبارت ، شرح اندازه سنگ و دزدیدن آن را نوشته است ، با این عبارت : و بلندی آن سنگ منصوب سیاه به دیوار ، عشری کمتر از یک متر ، و عرضش نیم ذرع ، و آن را بعضی الماس سیاه می دانستند و در سال ۱۳۰۷ شمسی ، شبانه آن سنگ را کنده و دزدیده و برده و فروخته شده ، و راه اروپا گرفت ... و آنچه مسلم است آن سنگ گرانها ، حکم جواهر را داشت

۲- تاریخ اصفهان و ری ، صفحه ۲۵۳ و گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۶۶۸

ولی ساختمان موجود امامزاده أحمد ، متعلق به دوره صفویّه است ، و در دوره حاکمیت سلطان حسین صفوی ، به وسیله محمد شرف شریف منجم ، بنا شده ، چنانچه از کتیبه سردر صحن امامزاده ، که به خط علی نقی امامی ، و مورخ به سال ۱۱۱۵ قمری هجری میباشد معلوم می گردد ، و در آن از کاشی سفید معرق بر زمینه لاجوردی ، استفاده شده است .

چنانچه مشابه همین مطلب ، از کتیبه دیگری در ایوان ورودی حرم ، که به صورت گچ بری می باشد ، و به خط سید احمد حسینی و مورخ به سال ۱۱۱۵ است ، استفاده میگردد .

صحن امامزاده أحمد بزرگ می باشد ، و حرم امامزاده ، در طرف جنوب و بقعه آقاجنقی (۱) ، در شمال آن قرار دارد ، و در سال ۱۴۰۵ قمری ، در طرف شرق صحن امامزاده ، سالی به عنوان حسینیّه ، به وسیله مردم علاقمند شروع به ساختمان گردیده ، که در سال ۱۴۱۱ قمری ، مقارن با چهاردهمین قرن شهادت صدیقه کبری ، حضرت فاطمه زهراء علیها السلام تکمیل شده ، و بهره برداری از آن ، با تشکیل مجلس عزاداری بر آن مظلومه شهیده ، به وسیله هیئت حسینی امامزاده أحمد علیه السلام ، شروع گردیده است .

ضریح امامزاده أحمد علیه السلام ، چوبی قدیمی ، با شبکه های برنجی ، و داخل حرم ، مزین به گچ بری و خطاطی و نقاشی ، و سردر و صحن امامزاده ، به کاشی کاری ، تزئین شده است .

در سال ۱۲۹۰ قمری ، تعمیرات عمده ای در بقعه و مزار امامزاده انجام

ص: ۱۶۶

گرفته ، که از نوشته های اطراف ضریح استفاده می شود، و هم چنین تعمیراتی در سال ۱۳۲۲ شمسی (حدود ۱۳۶۲ قمری)، انجام یافته است ، که از لوح سنگی منصوب بر دیوار شرقی ایوان شمالی بقعه امامزاده ، استفاده می گردد ، و در سالهای اخیر نیز ، در صحن امامزاده تعمیراتی شده است .

در جوار امامزاده احمد علیه السلام ، علاوه بر بقعه آقانجفی ، مزار همای شیرازی ، متوفای ۱۲۹۰ (۱) ، که از شعراء و نویسندگان و شخصیت های مشهور قرن سیزدهم هجری است ، و نیز مزار شاعر ادیب و نکته سنج یگانه ، میرزا أبو القاسم طرب ، متوفای ۱۳۳۰ (۲) فرزند همای شیرازی ، و جمعی دیگر از دانشمندان و مؤمنین و صلحاء ، قرار گرفته است . و نیز ، در نزدیکی امامزاده احمد علیه السلام ، مدرسه عربان ، که در سالهای اخیر به نام مدرسه آیه الله خادمی نامیده شده ، قرار دارد ، که در حال حاضر از مدارس آباد و فعال اصفهان می باشد ، و شرح آن را در بخش « مدارس علمیّه اصفهان » ذکر کرده ایم .

#### ۴- امامزاده اسحاق علیه السلام

امامزاده ای است در محله قدیمی آسنجان ، که در حال حاضر خیابان بسیار عریضی به نام « پروین » ، از آن می گذرد، و موقعیت مهمی یافته است . این

ص: ۱۶۷

- 
- ۱- ماده تاریخ فوت همای شیرازی را ، سید بقاء ، چنین سروده است: چو از بهر سرای جاودانی \*\*\* هما را زین سرا برچیده شد فرش «بقا» گفت از پی تاریخ فوتش \*\*\* ( هما شد بال زن در سایه عرش ) گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۶۷۶
  - ۲- ماده تاریخش ( طرب افسوس کز این انجمن رفت ) می باشد ( گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۶۷۶ )

امامزاده در حال حاضر، در حاشیه شرقی « خیابان پروین » قرار گرفته، و با همت اهل محل و هیئت امناء، دارای صحن بزرگ و حرم و گنبد و مناره و ضریح و شبستان حسینی و سالن بزرگ مهمان سرا شده، و به وسیله تزئینات گسترده و کاشیکاری جالب، منظره شکوهمندی یافته، و مورد توجه زائرین می باشد. صحن امامزاده اسحاق علیه السلام، کاشی کاری جالب و مفصّلی دارد، که زیارت وارث و زیارت عاشوراء و سُورِ قرآنی و اشعار دینی در آن کتیبه شده، و تاریخهای ۱۴۱۰ و ۱۴۱۲ (قمری)، در آخر کتیبه ها دیده می شود.

ضریح جالب و زیبای امامزاده، در تاریخ ۱۴۰۹ قمری ساخته شده، و در داخل حرم، کاشی کاری و گچ بری زیبایی انجام گرفته، که تاریخ آن ۱۳۶۰ شمسی (برابر ۱۴۰۱ قمری) می باشد، و دَرَبِ حرم چوبی، و بسیار زیبا و با ابهت می باشد. در مناسبت های مذهبی، مجالس مفصّل و پرجمعیت، در جوار امامزاده تشکیل می شود، و همیشه نماز جماعت و برنامه های دینی منظمی در این مجموعه مذهبی، برگزار می گردد.

جابری انصاری نقل نموده، که امامزاده اسحاق علیه السلام را با امامزاده اسماعیل علیه السلام (واقع در خیابان هاتف) خویش و نزدیک می دانند (۱). بنابر این، او از سادات حسنی است، ولی مرحوم آقا سید مصلح الدین مهدوی، در یادداشتهای خود، نوشته است: ظاهراً موسوی، و احتمالاً حسنی می باشد.

در هر حال، از آثار و علامتها (که نویسنده کمترین، در جریان برخی از آنها قرار گرفته ام) استفاده می شود که این امامزاده بزرگوار، در پیشگاه پروردگاو، قرب و مقامی دارد، و از شایستگان و عزیزان خدا می باشد.

ص: ۱۶۸

امامزاده اسماعیل علیه السلام، یکی از امامزاده های معتبر، و از معروفترین امامزاده های اصفهان است.

مرحوم آقا میرزا محمد هاشم چهارسوقی، متوفای ۱۳۱۸ قمری، که از علماء و فقهاء بزرگ اوائل قرن چهاردهم هجری در اصفهان بوده، در کتاب ارزشمند میزان الأنساب، در باره امامزاده اسماعیل علیه السلام می نویسد:

سوم از آن چهار امامزاده معتبر، امامزاده اسماعیل، مشهور به دیباج می باشد، که در محله باغ همایون اصفهان مدفون است، و بقعه معروفه دارد و قدری از آن محله، بالفعل معروف است به درب امامزاده اسماعیل، و آن امامزاده از اولاد زید بن الحسن می باشد، که از احفاد حضرت امام حسن مجتبی علیه الصلوه والسلام بوده...، چنانچه حضرت عبدالعظیم حسنی رضی الله علیه در ری، از احفاد همین زید می باشد (۱).

نسب امامزاده اسماعیل، در کتیبه سرسرای بقعه امامزاده، که به سوی حرم منتهی می شود، به این شرح نوشته شده است:

هَذَا الْمَشْهَدُ وَالرَّوَضَةُ الْمُنَوَّرَةُ الْمُقَدَّسَةُ، الْإِمَامُ سَيِّدُ إِسْمَاعِيلَ بْنِ الْإِمَامِ زَيْدِ بْنِ حَسَنِ بْنِ الْإِمَامِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، حَسَنِ بْنِ الْإِمَامِ الْمُتَّقِينَ وَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (۲)

و همین نسبت، در اطراف پنجره چوبی که به طرف ایوان غربی امامزاده باز

ص: ۱۶۹

۱- میزان الأنساب، صفحه ۴۷-۴۸

۲- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صفحه ۵۲۸، عبارت یاد شده هنوز باقی است، و جزء آثار تاریخی ارزشمند می باشد، ولی خالی از اشتباه ادبی نیست

می شود، نوشته شده است (۱).

ولی در برابر این مطلب، در برخی از تواریخ آمده، که اسماعیل دیباج بن ابراهیم غمر بن حسن مثنی بن امام حسن مجتبی علیه السلام در اصفهان بمرد، و در گلبهار آن شهر خاکسپار شد، آنگاه فرزندش ابراهیم طباطبا بن اسماعیل دیباج، نیز در جمیلان اصفهان درگذشت ... (۲).

در هر حال، انتساب امامزاده اسماعیل علیه السلام، به حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام با دو واسطه، مسلم می باشد، و مرقد مطهر این امامزاده بزرگوار، از همان زمان مورد توجه بوده، زیرا در تاریخ آمده است:

اولین مسجدی که در اصفهان ساخته شده در زمان خلافت امیر المؤمنین علی علیه السلام در محله گلبهار، آنجا که مرقد شیعیان نبی علیه السلام بوده، و مقبره امامزاده اسماعیل، به آن ملحق و ملصق شده است (۳) و در کتیبه جانب شمالی مرقد شیعیان نبی علیه السلام نوشته شده: وَحَدَّثَنَا فِي كِتَابِ أَصْفَهَا، أَنَّ أَوَّلَ مَسْجِدٍ كَبِيرٍ بُنِيَ بِأَصْفَهَانَ مَسْجِدُ شُعْبَا وَبَنَاهُ أَبُو عَبَّاسٍ الْمُفْتَى فِي زَمَنِ عَلِيِّ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَعَمْرَةُ الْبِ أَرْسَلَانَ بَعْدَ تَيْفٍ وَخَمْسَ مِائَةٍ بَعْدَ مَا غَلَبَهَا بِقُوَّةٍ وَقَدْ أَمَرَ بِعِمَارَتِهِ فِي عَامِ أَحَدَ عَشَرَ وَمِائَةٍ وَأَلْفٍ،

ص: ۱۷۰

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صفحه ۵۳۴، این عبارت نیز، هنوز باقی می باشد. ولی در کتیبه سر در صحن امامزاده اسماعیل علیه السلام که متعلق به سال ۱۱۱۵ می باشد و حاج محمد ابراهیم بیگ یوزباشی، در زمان سلطان حسین صفوی آن را نصب نموده، اشتباهاً چنین آمده است: ...، أَلْسَيْدُ الْجَلِيلِ، اسْمَاعِيلُ بْنُ حَسَنِ بْنِ زَيْدِ بْنِ حَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ... (گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صفحه ۵۴۰)

۲- دایره المعارف تشیع، جلد ۱، صفحه ۳۴۲، و نیز به بخش (خاندانهای علمی اصفهان، خاندان طباطبائیان اصفهان) در همین کتاب، مراجعه شود

۳- تاریخ اصفهان و ری، صفحه ۱۸۵ - ۱۸۶



وَبِعِبَارِهِ أُخْرَى ، هِيَ مَرْقَدُ شَعْبَا النَّبِيِّ عَلَيْهِ السَّلَام ، عَلَى نَقْيِ الْإِمَامِي ۱۱۱۲ (۱) (۲) که از این عبارت ، که در اوائل قرن دوازدهم نوشته شده ، استفاده میشود که در کتاب أَصْفَا (۳) آمده است که أَبُو الْعَبَّاسِ مَفْتِي ، در زمان خلافت أمير المؤمنين علی علیه السلام ، این مسجد را ساخته ، و در زمان الب أرسلان، در اوائل قرن ششم، تعمیر گردیده و در اوائل قرن دوازدهم نیز ، تعمیر یافته است .

از مطالب بالا ، نتیجه گیری می شود که مجموعه قبر شعبای نبی علیه السلام ، و مسجد مجاور او ، و مرقد امامزاده اسماعیل علیه السلام ، از دیر زمانی مورد توجه بوده ، و یک مجموعه دینی را تشکیل می داده است .

ساختمان فعلی بقعه و حرم امامزاده اسماعیل علیه السلام و مسجد شعبا نبی علیه السلام ، بخشی مربوط به دوره سلجوقی ها، و برخی مربوط به دوره آل مظفر ، ( در قرن هشتم ) و عمده مربوط به دوره صفویه است ، مثلاً مناره آجری و طاقهای مجاور مسجد شعبا، مربوط به دوره سلجوقی ها (۴) و درب نفیسی که بین راهرو و حرم امامزاده اسماعیل علیه السلام و حرم شعبا نبی علیه السلام است و مثبت کاری می باشد، و از لحاظ صنعت مثبت کاری ، یکی از درهای ممتاز تاریخی اصفهان می باشد و در اطراف لنگه های راست و چپ در ، صلوات بر چهارده

ص: ۱۷۱

- 
- ۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۵۲۲ و آثار ملی اصفهان ، صفحه ۷۵۲
  - ۲- در تعمیرات سالهای اخیر ، این کتیبه از بین رفته ، فقط در گچ بری اطراف محراب مسجد شعبا علیه السلام قسمت اول این عبارات نوشته شده و موجود می باشد (به گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۵۳۳، نیز مراجعه شود .)
  - ۳- تفسیر متوسطی است که، ملاً محسن فیض کاشانی نوشته است . الذریعه الی تصانیف الشیعه، جلد ۲، صفحه ۱۲۴
  - ۴- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۵۲۲

معصوم علیهم السلام کنده کاری شده، ( و نشان می دهد که تجلی تشیع اصفهان در قرن هشتم تا چه اندازه روشن بوده است )، از آثار دور □ آل مظفر است، و به دستور سلطان محمود آل مظفر ساخته شده، و قسمتهای عمده ساختمان حرم و نیز صحن بزرگ امامزاده ( که مدرسه علمی می باشد ) و کاشی کاریها و تزیینات گسترده، متعلق به دوره صفویه است، و در جای جای این مجموعه تاریخی مذهبی، تاریخهای: ۱۰۴۱ - ۱۰۴۹ - ۱۱۰۰ - ۱۱۱۱ - ۱۱۱۲ - ۱۱۱۴ - ۱۱۱۵، دیده می شود، و مجموعاً، در دوره های شاه عباس اول و شاه صفی و سلطان حسین صفوی، این مجموعه تاریخی و ارزشمند، شکل گرفته است.

در قدیم آلائیم، امام زاده اسماعیل علیه السلام زیارتگاه بزرگ و پر رونقی بوده، تا جائی که مرحوم جابری انصاری می نویسد: دستگاه امامزاده اسماعیل بسیار عالی بوده، خانه های اطراف داشته، که در آن شمع مومی ریختندی و مخصوصاً دو شمع مومی، شبهای جمعه روشن می کردند در شمعدان طلا که بلندی شمع به حدی بوده که با نردبان آن را روشن می کردند (۱).

و در یک نتیجه گیری فشرده، امامزاده اسماعیل علیه السلام از نظر اعتبار نسب، از مهمترین امامزاده های اصفهان می باشد، و از نظر سابقه حرم و مزار داشتن و مورد توجه بودن، در رتبه اول و با سابقه دیرین، و منتهی به همان اوائل دفن آن بزرگوار محسوب گردیده، و از نظر صحن و بارگاه و گنبد و رواق و کارهای معماری و هنری ( کاشیکاری، حجاری، مثبت کاری، خطاطی و ... )، موقعیت بسیار ارزشمندی را دارا می باشد، و مجموعه بسیار نفیس و ارزشمندی به نام امامزاده اسماعیل علیه السلام در شهر بزرگ تاریخی و مذهبی و هنری اصفهان،

ص: ۱۷۲

جلب توجه می نماید (۱).

## ۶- امامزاده حمزه علیه السلام ( شاه میر حمزه )

بقعه و مزاری است ، که قبلاً در یک قبرستان قدیمی بوده ، متعلق به دوره سلجوقیان (۲) ، و در دوره حکومت پهلوی ، آن قبرستان از بین رفته و به جای قسمتی از آن ، دانشسرای کشاورزی ساخته شده ، و قسمت دیگری از آن ، جزء خیابان سروش قرار گرفته است .

در همین قبرستان ، قبر حکیم و طبیب و شاعر نامدار دوره صفویّه ، حکیم شفائی قرار داشته ، که در جریان نابودی قبرستان ، آثار آن محو شده است (۳)

در هنگام نابود کردن قبرستان شاه میرحمزه ( در دوره حکومت پهلوی ) مسئولین امور مربوطه ، تصمیم گرفتند که بقعه و حرم شاه میرحمزه را نیز تخریب نمایند ، و آثار آن را به طور کلی از بین ببرند ، ولی در اثر کرامت امامزاده بزرگوار ، آتش سوزی عجیبی اتفاق افتاد ، و وسائل و تجهیزات کارهای ساختمانی و مهندسی را از بین برد ، و در نتیجه ، دست اندرکاران امر ، از ویران کردن بقعه امامزاده منصرف گردیدند ، و این قضیه در سطح جامعه و شهر اصفهان ، منتشر گردید ، و موجب جلب توجه بیشتر مردم به سوی اهل البیت علیهم السلام ، و این امامزاده عظیم الشان گردید .

ص: ۱۷۳

۱- برای آشنایی بیشتر در این زمینه ، به بخش (بقعه های علمی) و (بخش مدارس علمیه ) در همین کتاب ، و نیز به گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، از صفحه ۵۲۱ تا ۵۴۰ ، و آثار ملی اصفهان ، از صفحه ۷۵۰ تا ۷۶۲ ، مراجعه شود

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، مقدمه ، صفحه (یو)

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۲۷۵

طبق آنچه در لوحه ای که در حرم امامزاده میرحمزه علیه السلام منصوب است ، آن بزرگوار ، از جمله فرزندان بلا- واسطه حضرت امام موسی بن جعفر علیه السلام می باشد ، که در جریان ولایت عهدی حضرت امام علی بن موسی الرضا علیه السلام به سوی طوس حرکت کردند، ولی در میان راه ، وقتی خبر شهادت حضرت رضا علیه السلام را شنیدند ، و متوجه شدند که خطر متوجه سادات و علویین گردیده ، پراکنده شدند ، و میرحمزه علیه السلام به این سامان حرکت کرد ، و در سن ۳۵ یا ۴۵ سالگی ، به دست شخصی به نام ( شاهک طوسی ) شهید شد و در این مکان مدفون گردید ( و العلم عند الله ) در حال حاضر ، مزار میرحمزه علیه السلام ، که به نام شاه میرحمزه مشهور است ، در حاشیه شرقی خیابان سروش ، در کنار بیمارستان و درمانگاه عسکریه علیه السلام ( که یکی از مهم ترین مراکز درمانی و بهداشتی خیریه ای اصفهان می باشد ، و با نام مقدس حضرت عسکریین و نرجس خاتون علیهم السلام ، خدمات ارزشمند و گسترده ای به مردم عرضه می شود ) قرار گرفته است . ساختمان بقعه، قدیمی است و ضریحی چوبی دارد ، و داخل حرم در زیر گنبد ، نقاشی های متعدّد از صحنه های جنگ و شهادت کربلا، دیده می شود . صحن امامزاده ، جدید البناء می باشد ، و با نمائی از آجر و کاشی ، تزئین گردیده است.

## ۷- امامزاده زید علیه السلام ( شاهزید )

وی ، نسب به امام علی بن الحسین علیه السلام می رساند(۱) و نویسنده متتبع ، مرحوم آقای سید مصلح الدین مهدوی ، می فرمودند که : ظاهراً امامزاده زید ،

ص: ۱۷۴

---

۱- اگرچه در زبان عوام ، امامزاده یاد شده، زید بن علی بن الحسین علیه السلام خوانده می شود ، ولی حتماً او ، زید، فرزند امام زین العابدین علیه السلام نیست ، بلکه با واسطه ، نسبت به امام سجّاد علیه السلام می برد

همان است که مرحوم حاج آقا بزرگ طهرانی در طبقات خود (الأنابس فی القرن الخامس)، از او یاد نموده، باین شرح:

زید بن علی بن محمد بن یحیی، ابویعلی حسینی از آل زبارة، که در فزویومید فرود آمده بود و در اصفهان در سال ۴۴۷، از دنیا رفت ... (۱).

مرحوم مهدوی، نسب امامزاده را در یادداشتهای خود، به این شرح تکمیل نموده اند: ابویعلی، زید بن علی بن محمد بن یحیی بن ابی الحسین، محمد بن ابی جعفر احمد بن محمد زبارة، بن عبدالله المفقود، بن الحسن المکفوف، بن الحسین الأقطس، بن علی الأضرع، بن الإمام علی بن الحسین علیه السلام (۲).

و در هر حال، امامزاده زید «شاهزید»، یکی از امامزاده های مشهور اصفهان، و مورد توجه می باشد، و در اطراف آن، قبرستان قدیمی بوده (۳) که در حال حاضر از بین رفته است، و محل آن، در شرق خیابان بزرگمهر، اول خیابان شاهزید می باشد.

ساختمان حرم، و گنبد امامزاده، متعلق به دوره صفویّه است، و معماری و تزئینات و کاشی کاری جالبی دارد، که از آثار تاریخی و میراثهای فرهنگی اصفهان به شمار می رود.

برلنگه چپ در بقعه شاهزید، به خط ثلث برجسته نوشته شده است: (بر آستانه مقدس منور شاهزید بن الإمام علی بن الحسین، رقم صحیفی

ص: ۱۷۵

---

۱- الأنابس فی القرن الخامس، صفحه ۸۴، و نیز به تاریخ بیهق، صفحه ۵۸، مراجعه شود

۲- یاد داشتهای مرحوم آقا سید مصلح الدین مهدوی، و نیز برای آشنایی کاملتر، به (الأنابس فی القرن الخامس) صفحه ۱۸۶، و تاریخ بیهق، صفحه ۵۵ - ۵۸، مراجعه شود

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، (مقدمه) صفحه (ید)

جویمری (۹۹۴)، البته قسمت اول کتیبه موجود نیست (۱). و در یک سنگ نوشته تاریخی به خط محسن امامی، از تعمیرات بقعه شاهزید در زمان شاه سلیمان صفوی یاد شده، که شخصی به نام معز الدین محمد، مشهور به باغاتی، عهده دار انجام آن بوده است، و تاریخ آن ۱۰۹۷ هجری می باشد (۲).

در قبرستان مجاور بقعه شاهزید، و نیز در داخل بقعه، عدّه ای از علماء و بزرگان مدفون گردیده بوده اند، که از آن جمله است، شیخ خلیل الله، که از علماء اواخر دوره صفویّه بوده، و در سال ۱۱۱۰ از دنیا رفته، و قبر او در مجاورت بقعه چهل دختران (که در نزدیکی شاهزید و در وسط قبرستان قدیمی بوده) واقع گردیده است (۳).

### آخرین تعمیرات امامزاده زید

در سالهای اخیر، تعمیرات اساسی و شایان توجهی، با کمک مردم نیکوکار و علاقمند اصفهان، زیر نظر اداره اوقاف، در بقعه و حرم و صحن امامزاده زید انجام گرفته، که شایان توجه می باشد.

در داخل حرم، تعمیراتی انجام شده و نقاشی های قدیمی، بازسازی و اصلاح و تعمیر گردیده، و ضریح جدیدی با پوشش طلا و نقره، برای امامزاده ساخته شده، که تاریخ اتمام آن ۱۳۷۱ شمسی است، و در داخل ضریح، بر روی قبر مطهر، سنگ مرمر نفیسی نصب گردیده، و هم چنین سر در حرم کلاً بازسازی شده، و تعمیر اساسی یافته، و کاشی کاری گردیده، که در کتیبه آن،

ص: ۱۷۶

---

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صفحه ۳۸۹

۲- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صفحه ۳۹۰

۳- تاریخچه محله خواجه، صفحه ۶۳ و ۶۴ و ۶۱

تاریخ ۱۳۶۰ شمسی ، قید گردیده است ، و مجموعاً سر درِ مجلل و شکوهمندی می باشد . صحن امامزاده ، نماسازی شده ، و در تزیین آن از آجرکاری و کاشیکاری بهره گیری شده است . مجموعاً ، در حال حاضر ، حرم و صحن و بقعه و بارگاه امام زاده زید علیه السلام ، از زیارتگاههای باشکوه و جالب است ، و مورد توجه زائرین دور و نزدیک می باشد .

مسجدی به نام امام حسن عسکری علیه السلام ، در جوار امامزاده زید میباشد ، که تاریخ ساختمان آن به حدود ۳۰ الی ۴۰ سال قبل می رسد .

## ۸- امامزاده زینب علیها السلام (زینبیه)

امامزاده مشهور و مورد توجهی است ، که قبلاً در روستائی به نام اَرزنان (۱) در یک فرسخی شمال شهر اصفهان قرار گرفته بود ، ولی با توسعه و گسترش عجیبی که در بیست ساله اخیر برای شهر اصفهان حاصل شده ، محلّ امامزاده کاملاً در داخل شهر بزرگ اصفهان واقع گردیده ، و خیابانها و ساختمانهای شهری ، تا چند کیلومتر بالاتر از بارگاه زینبیه ، گسترش یافته است .

خیابان بزرگ و عریضی که به نام اتوبان زینبیه نامیده می شود ، و از فلکه

ص: ۱۷۷

---

۱- یاقوت حموی، در معجم البلدان ، در تحت عنوان اَرزنان ، مطالبی بیان داشته که خلاصه آن این است : اَرزنان ، از قریه های اصفهان است ، و جمعی از علماء ، منسوب به آن هستند، همانند : أبو القاسم، حسن بن أحمد بن محمد اَرزنانی ( معلّم اعمی)، متوفای ۴۵۳ ، و أبو جعفر ، محمد بن عبدالرحمن بن زیاد اصفهانی ، که از حفاظ برجسته بوده ، و در سال ۳۱۷ وفات یافته، و جدّ او زیاد اصفهانی اَرزنانی ، برای طلب علم به شهرهای شام ، صور ، مصر ، خوزستان ، اصفهان، ری ، مکه ، عراق ، دامغان و طرطوس سفر کرده ، و از دانشمندان آن شهرها، به نامهای ..... بهره گرفته ، و دارای مقام وثاقت و زهد و علم و ورع بوده است

طوقچی تا میدان زینیه ادامه دارد، و فلکه بزرگی به نام آن حضرت، در نزدیکی صحن و مزار این امامزاده بزرگوار ایجاد گردیده، و مجموعاً محله بزرگی با تمام امکانات و تجهیزات شهری، به نام زینیه نامیده می شود، و بسیاری از مدرسه ها و مؤسسات بهداشتی و اجتماعی و مراکز تجاری و اقتصادی منطقه، به نام آن حضرت، نام گذاری شده است.

در حال حاضر، پرجمعیت ترین زیارتگاه های اصفهان، همین بقعه و مزار شریف است که در همه ایام، بالأخص روزهای جمعه و مناسبت های مذهبی، همانند: ایام میلادها و شهادت های معصومین علیهم السلام، جمعیت های فراوانی را به سوی خود جذب می نماید، و در مناسبت های ویژه، همانند روز عاشوراء، دهها هزار زائر از راه دور و نزدیک به زیارت این امامزاده بزرگوار نائل می شوند، و علاقمندانی از خارج کشور نیز، به سوی این زیارتگاه بزرگ، رهسپار می شوند، و در بعضی از اوقات، موج جمعیت زائرین، حرم و صحن بسیار بزرگ و خیابانهای مجاور و میدان بزرگ زینیه را، زیر پوشش خود قرار می دهد، و شکوه این اجتماع دینی، هر بیننده علاقمندی را به شوق شدید و هیجان روحی، وا می دارد.

### نسب حضرت زینب علیها السلام

محدث محقق و عالیقدر، مرحوم حاج شیخ عباس قمی قدس سره فرموده است: در نسخه ای از انساب مجدی (۱) دیدم (و محتمل است که ملحق شده باشد)

ص: ۱۷۸

---

۱- المجدی فی انساب الطالیین، تألیف سید شریف نسابه، أبو الحسن علی بن أبی الغنائم، محمد بن علی علوی عمری (از معاصرین سید مرتضی، علم الهدی) می باشد که تا سال ۴۴۳ هجری، زنده بوده است. این کتاب، از معتبرترین کتب علم انساب به شمار آمده است. (به الذریعه، جلد ۲۰، صفحه ۲ مراجعه شود)



مکتوب بود ، که شنیدم از امیر محمد هادی بن میرلوحی مورّخ ، که این زینب ، مدفونّه در قریهٔ آرزنان ، ( از قرای اصفهان ) ، دختر بلافاصلهٔ حضرت موسی بن جعفر علیه السلام است (۱).

محقق متّبع ، مرحوم آقا میرزا محمّد علی معلّم حبیب آبادی (صاحب کتاب مکارم الاثار) در کتاب (کشف الخیبه عن مقبره الزینبیه) پس از بحثی مفصّل دربارهٔ عبارت یاد شده (که مرحوم محدّث قمی، از نسخهٔ ألمجدی نقل فرموده) و اثبات این که این عبارت ، از صاحب المجدی نیست ، بلکه در حاشیهٔ آن کتاب نوشته شده بوده ، و در نسخه ای ، در متن قرار گرفته است ، می فرماید : مضمون این که این نسبت (انتساب حضرت زینب ، به حضرت موسی بن جعفر علیه السلام) درست باشد، زیرا که ظاهراً چنانچه از پیش اشاره کردیم ، این امیر محمّد هادی خود اهل تاریخ ، و پسر میرلوحی معروف است ، و چنانچه از عبارات روی قبر او بر می آید (۲) از علماء و معاصر مجلسی بوده ، و پیش از او و در زمان او ، این قبر در قریهٔ آرزنان ، موجود بوده ، زیرا که او می گوید:

زینب ، که مدفون در قریهٔ آرزنان از قرای اصفهان است ، دختر موسی کاظم علیه السلام ، بلاواسطه می باشد . و این تصریح به بلاواسطه بودن او ، بیشتر سبب صحّت نسبت می باشد . پس استبعادی ندارد ، که زینب نامی ، دختر حضرت کاظم علیه السلام ، وقتی به جهاتی که مذکور شد ، به اصفهان آمده و وفات نموده ، در

ص: ۱۷۹

- 
- ۱- منتهی الامال ، فصل مربوط به اولاد و أعقاب حضرت موسی بن جعفر علیه السلام
  - ۲- میر محمد هادی میرلوحی ، قبرش در جوار امامزاده اسماعیل علیه السلام می باشد و بر روی آن نوشته شده : وفات مرحوم مغفور حضرت سیادت پناه ، علامی فهامی مجتهد الزّمانی ، میر محمّد هادی ابن سیادت پناه میرلوحی ، بتاريخ چهارم شهر جمیدی الثّانی ۱۱۱۳ (کشف الخیبه ، صفحه ۳۵)

این زمین دفن شده باشد ... (۱).

و دانشمند محقق و متتبع ، و خطیب نامدار ، مرحوم آقا سید محمد علی مبارکه ای (۲) در رساله (نور الأنوار فی کشف أحوال زینب بنت موسی بن جعفر علیه السلام) به نقل از کتاب (نور الهدی فی نسب آل المصطفی) ، که در سال ۱۰۴۱ به وسیله عزالدین محمد بن محمود (از سادات گلستانه) تألیف گردیده ، در ضمن شرح داستان حرکت فرزندان موسی بن جعفر علیه السلام از مدینه به سوی ایران ، و پراکنده شدن آنها در بلاد ، می نویسد :

و بَعْضُ مِنْهُمْ تَقَدَّمُوا مِنْهَا إِلَى إِصْفَهَانَ ، وَكَانَ الْعَامِلُ بِهَا مِنْ مُحِبِّهِمْ ، فَلَمَّا وَصَلُوا بِهَا تَغَيَّرَ الْأَمْرُ بِتَغْيِيرِ الْأَمِيرِ وَالْعَامِلِ عَلَيْهَا ، وَكَانَ مِنْهُمْ هُرُونُ بْنُ مُوسَى ، وَابْرَاهِيمُ بْنُ مُوسَى ، وَ مِنْ بَنَاتِهِ ، الزَّيْنَبُ وَالْفَاطِمَةُ الْكُبْرَى ، وَ عِنْدَ ذَلِكَ وَصَلَ الْخَبْرُ مِنْهُمْ إِلَى الْمَأْمُونِ ... ، وَمَاتَتِ الزَّيْنَبُ الْكُبْرَى ، يَأْزُرَنَّ نَانَ ، مِنْ قُرَى إِصْفَهَانَ ، بِسَيْنِهِ ، بَعِيدَ أُخْيَاهَا هُرُونَ ، وَبُنَى عَلَيْهِ أَيْضاً بُقْعَةً صَافِيَةً فِي زَمَنِ عَضُدِ الدَّوْلَةِ ، وَ أُمَّا الْفَاطِمَةُ وَ هِيَ مَاتَتْ بِسَنَتَيْنِ بَعْدَ أُخْيَاهَا ، وَ دُفِنَتْ عَلَى قُرْبِ قَصَبِهِ لُنْبَانٍ (۳).

یعنی : بعضی از آنها به سوی اصفهان آمدند ، و حاکم و فرماندار آن شهر ، از دوستان آن خاندان ( و از علاقمندان أهل البيت عليهم السلام ) بود ، پس وقتی به اصفهان رسیدند ، اوضاع ( به خاطر عوض شدن حاکم ) دگرگون گردیده بود . و از آنها ( که وارد اصفهان شدند ) هرون بن موسی و ابراهیم بن موسی ، و از

ص: ۱۸۰

۱- کشف الخبیة عن مقبره الزینبیه ، صفحه ۴۴ - ۴۵

۲- مرحوم مبارکه ای ، آثار علمی متعددی ( در حدود بیست و پنج اثر ، که برخی از آنها چندین مجلد می باشد ) داشته ، همانند : جامع العلوم و دانشوران اصفهان و کتاب تاریخ اصفهان که یکی از مجلدات آن ، مربوط به بقاع متبرکه اصفهان است . و در مجموع دانشمندی فرزانه و خطیبی محقق بوده است

۳- رساله نورالانوار ، صفحه ۸-۷

دختران آن حضرت زینب کبری و فاطمه کبری بودند، و در این هنگام خبر آنها به مأمون رسید...، و حضرت زینب کبری در محلّ آرزن نان (۱)، از روستاهای اصفهان، یکسال پس از برادرش هرون (بن موسی بن جعفر علیه السلام)، از دنیا رفت و در زمان عضد الدّوله (دیلمی) بقعه ای کوچک بر قبر او ساخته شده، و اما فاطمه، پس از گذشت دو سال از (شهادت برادرش هرون) از دنیا رفت، و نزدیک قصبه لبنان (۲)، دفن گردید (۳).

و نیز، مرحوم آقا سید محمّد علی مبارکه ای می نویسد:

بنده چند وقف نامه، از زمان شاه سلطان حسین و شاه سلیمان، و زمان فتحعلی شاه، به مهر مرحوم مجلسی، و مرحوم حاجی کلباسی، و حاجی سید محمّد باقر رشتی دیدم، که بعضی از زمینها و بعضی از اشیاء ظروفی، وقف بر مقبره زینب بنت امام موسی الکاظم علیه السلام (مدفون در آرزنان) نموده بودن، و مسلّم در عهد صفویّه، این مقام، مانند سیت فاطمه (سّتی فاطمه) خواهرش، بقعه عالیّه و دستگاہ و عنوان شایان داشته، و در تسلط افغان ویران شده، و به واسطه ضدّیت مذهبی، آنچه توانستند این بقاع متبرکه عالیّه را ویران نمودند، چنانچه در جزء یادداشتهای تاریخیّه مرحوم میر محمّد حسین خاتون آبادی است، که

در تسلط افغان، بیش از سیصد بقعه

ص: ۱۸۱

- ۱- روستای ارزنان، گاهی ارزن نان تعبیر شده است که مقلوب نان آرزن می باشد
- ۲- محله لبنان، یکی از قدیمی ترین محلات اصفهان است که مسجد لبنان هم در آن واقع شده، و جمعی از علماء و شعراء، به آن منسوب می باشند
- ۳- مقصود، محله سّتی فاطمه علیها السلام است، که فاطمه کبری، دختر موسی بن جعفر علیه السلام دفن گردیده، و به نام سّتی فاطمه و در زبان عوام (سیت فاطمه) خوانده می شود، و در حال حاضر در شرق خیابان کاشانی، و در نزدیکی محله چهارسوق شیرازیها می باشد

از بقاع إمامزادگان و علمای بزرگ ، منهدم و ویران شد(۱). و مرحوم جابری انصاری می نویسد:

در ولایت عهد حضرت رضا علیه السلام و تشریف آوردن به خراسان ، و تبدیل جامه سیاه شعار عباسیان ، به سبز ، نشان علویین ، و تحویل خلافت از نژاد عباس ، بسیاری از علویین ، خاصه اولاد حضرت امام کاظم ، از مدینه روانه خراسان شده ، و از پارس و عراق عجم گذشته ، همانا که خبر شهادت حضرت رضا علیه السلام به آنها رسید ، از علویین ، هر کدام در محلی از بلاد ایران متوقف گشته ، و به عراق عرب و حجاز برنگشته ، و در کتاب أنساب ، اولاد حضرت امام کاظم را سی و شش ذکور و اناث ، می نگارند، یکی از آنها مُسَمَّاه به زینب ، شاید از راه اسپهان روانه خراسان بوده ، در آن هنگام، چنانچه حضرت فاطمه معصومه بقم مانده ، و از دنیا رفته ، حضرت زینب علیها السلام نیز به اصفهان و حدود پائین شهر (۲) مانده و رحلت کرده ...، و اما جهتی که شهرتش مانند بقعه معصومه علیها السلام نشده ، از آن رو بوده ، که مردم قم از پیشین ایام ، شیعه بوده اند، و به احترام حضرت فاطمه علیها السلام نیز، در خاک قم علمای شیعه بسیار دفن شده ، و شیعیان اهمیتی بدان دادند ، خاصه که بزرگان دیگر از أسباط رسالت و اتباع إمامت و علماء در قم مدفونند، و آن زمان ، أهل اسپهان (اصفهان) بعضی سنی ، و پاره ای از نژاد خوارج و نواصب بودند، و چندان اهمیتی به علویین نداده ، جنگ سنیان اسپهان و شیعیان قمی ، به تواریخ نوشته شده ، زمان سلاجقه هم اگر شیعه در آن بود، بیشتر اسماعیلی بودند ، و با اولاد إمام کاظم ، ارادتی نداشتند ، و این ایام سواد مرقومه ، از مرحوم آقای حاج میرزا حسن امام جمعه اصفهان ، مدفون در سر

ص: ۱۸۲

---

۱- رساله نورالأنوار ، صفحه ۱۳ - ۱۴

۲- محل أرزنان ، در شمال شهر و پائین آن محسوب می شود

قبر آقا، با امضای مرحوم آقای حاج سید اسد الله (۱)، به بنده نمایانند که، دو محل قلعه زینبی کِراج و سوارچی را، وقف بر بقعه بی بی زینب، دانسته اند، از اوائل عهد صفویه و بعد از آن ...، که نام و نشان بقعه زینبیه را از قدیم گواهی می دهد، و پیران کهن و خود بنده، از چهل سال قبل، این بقعه را که می گذشتم می دیدم (۲).

از مطالب بالا، انتساب حضرت زینب (مدفونه در بقعه زینبیه) به امام موسی بن جعفر علیه السلام به خوبی استفاده می شود، و ظهور کرامات و اجابت دعوات، در جوار آن حضرت، شاهد شایسته ای، بر این انتساب مبارک می باشد.

### بقعه و مزار و حرم زینبیه

در قدیم آلائیم، ساختمان زینبیه محدود بوده، و به صورت بقعه ای مختصر، در درون صحنی کوچک و زیر گنبد آجری کوچکی، قرار داشته است (۳)، ولی در سال ۱۳۲۱ شمسی (۱۳۶۱ قمری) بوسیله آقایان کازرونی (۴)، حرم و گنبد و بقعه باشکوهی، برای این مزار شریف تأسیس شده، که در ضمن اشعاری در ایوان ورودی حرم، ذکر گردیده، و در دو شعر آخر آن، ماده تاریخ شروع و پایان ساختمان، بیان شده است، به این ترتیب:

ص: ۱۸۳

- 
- ۱- منظور، فقیه و مجتهد عالی مقام، مرحوم حاج سید اسدالله شفتی، فرزند برومند مرحوم آقا سید محمد باقر شفتی (سید شفتی = حجه الاسلام) می باشد
  - ۲- تاریخ اصفهان و ری، صفحه ۳۲۸-۳۲۹
  - ۳- کشف الخبیه عن مقبره الزینبیه، صفحه ۲۸
  - ۴- چند نفر از خاندان کازرونی، از ثروتمندان متدین اصفهان بودند، که آثار باقیه دینی متعددی از خود به یادگار گذاردند، که تاکنون باقی است و مورد استفاده برای برنامه های دینی می باشد

الغرض ، تاریخ آغازش به شمسی سال گفت \*\*\* بارگاه زینبی یا جَنه الماواستی

(۱۳۲۱)

وز برای سال اتمامش سرود از روی صدق \*\*\* از محمّد ماند بنیانی ، که باتقواستی

(۱۳۲۳)

### تشکیل هیئت اُمناء، وتوسعه آستانه مقدّسه

در سال ۱۳۴۵ شمسی ، هیئت امنائی زیر نظر اداره اوقاف اصفهان تشکیل گردید ، و فعالیت های عمرانی برای توسعه و یا تأسیس ساختمانهایی که مورد نیاز زائرین میباشد ، سرعت و شتاب گرفت ، و کوششهای مناسب برای تأمین نیازمندیهای زوّار و بهره گیری های دینی ادامه یافت ، که تاکنون مستمر و جاری می باشد .

در حال حاضر، دو صحن بسیار بزرگ ( که یکی اصلی است و حرم و بقعه حضرت زینب ، در وسط آن قرار گرفته و دیگری در شرق آن است) با اطاقهای فراوان و نماسازی جالب ، با کاشی کاری ( عمده معرّق ) و گنبد و مناره های شکوهمند و زیبا و کاشی کاری شده ، و حرم مجلّل و رواقها و ایوانهای اطراف حرم ، مجموعه آستانه زینبیه را تشکیل میدهد ، که با استفاده از آینه کاری و گچ بری و کاشی کاری و نقّاشی ، و نیز نصب سنگهای مرمر اُعلی ( به رنگ سبز) و ضریح زیبا ( با استفاده از پوشش طلا و نقره و بهره گیری از قسمتهائی از ضریح چوبی قدیمی ) ، زیبائی و شکوهی جالب توجه یافته ، و با ضمیمه شدنِ ملحقاتی ، همانند : مسجد ، درمانگاه ، کتابخانه ، حَمّام و ...، مجموعه دینی بسیار مفصّل و جالبی را شکل بخشیده ، که بهره های دینی و علمی و خدماتی

ص: ۱۸۴

فراوانی را در اختیار مردم با ایمان قرار می‌دهد، و علاقمندان به أهل البیت علیهم السلام، از آن بهره مند می‌شوند.

### آستانه زینبیه، از بقعه های علمی اصفهان

جمعی از علماء و صلحاء و مؤمنین، در جوار حضرت زینب علیها السلام (زینبیه) مدفون گردیده اند، همانند: فقیه و مجتهد عالی مقام مرحوم آیه الله، آقا سید أبو القاسم موسوی دهکردی، متوفای ۱۳۵۳ قمری، که در اطاعتی در ضلع جنوب غربی صحن اصلی، مدفون می‌باشند.

و هم چنین، علماء بزرگوار، همچون: آقا سید محمّد حسین مهدوی اردکانی، و حاج آقا میرزا دهکردی، و حاج آقا ضیاء الدّین تجویدی، و حاج شیخ علی یزدی، و حاج سید مهدی علامه فانی، و حاج سید محمّد باقر موسوی زاده، در این مزار شریف و در جوار یادگار حضرت موسی بن جعفر علیه السلام به خاک سپرده شده اند، که مجموعاً، این آستانه مقدّسه را در زمره بقاع علمی اصفهان، قرار داده است.

### ۹- امامزاده علی علیه السلام (درب امام)

بنا بر مشهور، در این مزار و مرقد مطهر، دو نفر از امامزادگان عظیم الشان، مدفونند که به شرح آن می‌پردازیم:

۱- سید ابو الحسن، زین العابدین، علی بن نظام الدّین أحمد الأبیج، بن شمس الدّین عیسی الرّومی، بن جمال الدّین محمّد بن علیّ العریضی، بن الإمام جعفر الصّادق علیه السلام.

نسب این امامزاده لازم التّکریم، چنانچه مرقوم شد، با چهار واسطه به حضرت امام جعفر صادق علیه السلام می‌رسد، و آن بزرگوار، جدّ خاندان امامی (که)

از خاندان های علمی و مشهور و با سابقه اصفهان می باشند ) به شمار می رود .

صاحب روضات الجنّات ، و هم چنین مرحوم آقا میرزا محمّد هاشم چهارسوقی ، که هر دو از اعلام فقه و تحقیق می باشند ، مزار این بزرگوار را ، از امامزاده های معتبر اصفهان به شمار آورده اند (۱). و هم چنین در کتابهای تاریخ اصفهان و ری ، صفحه ۲۴۹ ، و آثار ملی اصفهان ، صفحه ۷۶۵ ، و گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۳۴۱ ، و زندگانی آیه الله چهارسوقی ، صفحه ۱۷۴ و یادواره آیه الله فقیه امامی ( به قلم نگارنده ) صفحه ۱۸ - ۱۹ ، و دائره المعارف تشیع جلد ۱ ، صفحه ۴۲۶ و ... ، درباره نسب این امامزاده ، بحث شده است .

۲ - امامزاده ابراهیم طباطبائی ، که نسب آن بزرگوار، به سبط اکبر ، حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام میرسد (۲)، و در یکی از کتیبه های کاشی کاری شده امامزاده درب امام « امام زاده ابراهیم بطحاء » خوانده شده است (۳) ، ولی کیفیت انتساب این امامزاده ، به حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام نیازمند به بحث و بررسی جامعتری می باشد .

### بقعه و بارگاه امام زاده درب امام

محل دفن این دو امامزاده ، که در زبان مردم ، درب امام خوانده می شود ، واقع در محل چملان = چنبلان = چملون = سنبلان = سنبلستان می باشد ، که در قدیم آلیام سنبلان نامیده می شده و سپس با تغییرهائی ، به شکل های دیگر در آمده است ، و در این محله قدیمی ، قبرستانی کهن وجود داشته ، که مرحوم

ص: ۱۸۶

---

۱- روضات الجنّات صفحه ۳۵۷ - ۳۵۸ و میزان الأنساب ، صفحه ۴۶

۲- تاریخ اصفهان و ری ، صفحه ۲۴۹

۳- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۳۴۵ و آثار ملی اصفهان ، ۷۶۵ و ۷۶۷



آیه الله العظمی ، آقای مرعشی نجفی، آن را أقدم مقابر اصفهان شمرده اند ، زیرا که در آن سنگی دیده شده ، که تاریخ آن متجاوز از ششصد سال بوده است (۱) و در جنب این قبرستان ، مقبره امام زاده درب امام ، واقع گردیده ، که از آثار تاریخی و میراثهای بزرگ فرهنگی و هنری اصفهان ، به شمار می رود .

آقای دکتر لطف الله هنرفر ، باستان شناس محقق و نامداری درباره بنای تاریخی عظیم بقعه و گنبد و صحن این امامزاده می نویسد:

بنای تاریخی درب امام ، از دو گنبد بزرگ و کوچک و یک سر در بزرگ کاشی کاری از دوره جهانشاه قراقویونلو ، که در ضلع شمالی آن واقع است و سه صحن ، در سه جانب شمالی و شرقی و غربی آن ، تشکیل شده است . نمای خارجی این بناء ، به جانب هر سه صحن ، دارای تزیینات کاشی کاری و گچ بری است و هر دو گنبد آن ، مخصوصاً گنبد بزرگتر ، از کاشی های نفیس پوشیده شده است . در ورودی فعلی بقعه ، به صحن شرقی باز میشود ولی سر در آن ، در قرن نهم هجری که ساختمان آن به اتمام رسیده ، در جانب شمالی بوده است ، که فعلاً در جای خود باقی می باشد ، ولی دهلیزی که این سر در را به داخل بقعه مربوط می کرده است ، از طرف سر در اصلی آن مسدود شده و به جای در ورودی ، پنجره ای نصب شده است .

سر در اصلی درب امام ، که در ضلع شمالی و مشرف به صحن شمالی آن است ، از شاهکارهای تزیینات رنگین ایرانی است ، که از لحاظ ظرافت صنعت کاشیکاری ، نظیر آن را کمتر سراغ داریم ، و شاید کاشی کاری مسجد کبود تبریز ، که آنهم در

ص: ۱۸۷

دوره جهان‌شاه قراقویونلو ، بنا شده ، همانند آن باشد ... (۱).

ساختمان مهم و زیبای درب امام ، در زمان شاه عباس اول صفوی ، در حدود سال ۱۰۱۰، و نیز در سال ۱۰۱۸، و نیز در دوره سلطان حسین صفوی ، تغییرات و تعمیرات یافته است، و در بخش‌های مختلف کتیبه های این مجموعه معماری و نفیس ، تاریخهای ۸۶۷ ( دوره جهان‌شاه قراقویونلو ، مؤسس و بانی اصلی بناء ) و ۱۰۸۱ و نیز ۱۱۲۷ و ۱۱۲۹ ( دوره سلطان حسین صفوی ) دیده می شود، و نیز در دوره شاه عباس اول صفوی ، پوشش کاشی کاری گنبد بزرگ درب امام ، تعمیر یا تجدید شده و شخصی به نام غیاث الدین محمود حسینی ، عهده دار آن بوده است (۲) .

#### ۱۰- امامزاده سیدعلی علیه السلام

این بزرگوار، مشهور به شاه سید علی می باشد ، و گفته می شود که از اولاد و نسل امام زین العابدین علیه السلام بوده، و از سادات حسینی است، و مشهور است که برادر امامزاده زید ( شاهزید ) می باشد (۳) .

بقعه او قبلاً در میان یک قبرستان قدیمی ، متعلق به دوره صفویه ، در محله

ص: ۱۸۸

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۳۴۲-۳۴۳

۲- برای آشنایی کاملتر با این مجموعه دینی و تاریخی ، به گنجینه آثار تاریخی اصفهان از صفحه ۳۴۱ تا ۳۵۳ و آثار ملی اصفهان ، از صفحه ۷۶۵ تا ۷۷۲ و رجال اصفهان ، صفحه ۱۸۷، و تاریخ اصفهان و ری ، صفحه ۲۴۹، و دائره المعارف تشیع، جلد ۱، صفحه ۴۲۶، و یادواره آیه الله فقه امامی ( به قلم نگارنده ) از صفحه ۱۸ تا ۲۲، مراجعه شود

۳- آثار ملی اصفهان ، صفحه ۷۷۵

خواجوی قدیم بوده (۱)، ولی در حال حاضر، آن قبرستان تبدیل به خانه و مدرسه شده است. مزار امامزاده سید علی، در حال حاضر در خیابان شریف واقفی، کوچه امامزاده سید علی، واقع است و با همت و همیاری مردم علاقمند، حرم و گنبد بزرگ و جالب و ایوان و صحنی کوچک برایش ساخته شده، و مسجدی در جوار این امامزاده است، که محل برگزاری جلسات دینی و نماز جماعت می باشد. کاشی کاری و تزیینات داخل حرم و ایوان و دیوار کوچه، تکمیل گردیده و کاشی کاری گنبد، در حال اتمام می باشد.

ساختمان و تزیینات امامزاده، از حدود سال ۱۳۴۵ شمسی شروع گردیده، و در سال ۱۳۷۵ شمسی (سال جاری) نزدیک به اتمام می باشد. در صحن امامزاده علیه السلام، سنگابی قدیمی وجود دارد که تاریخ ۱۱۱۹ را نشان می دهد.

### ۱۱- امامزاده محسن علیه السلام

در حاشیه خیابان رودکی، در نزدیکی خیابان وحید، امامزاده ای است که ساختمان قدیمی و محدود آن، در هنگام احداث خیابان رودکی، تخریب گردیده و تجدید بنا شده است.

ساختمان فعلی، بسیار مجلل می باشد و حرمی باشکوه و گنبدی بسیار بلند و دوازده تزیینی، و رواقی بزرگ و جالب توجه دارد، و در تزیینات داخل حرم و زیر گنبد، از آینه کاری، کاشیکاری، نقاشی جالب و خطاطی زیبا، با استفاده از آیات قرآنی و کلمات دینی و أسماء مقدسه، بهره گیری شده است.

تاریخ ساخت ضریح، ۱۳۶۴ شمسی (۱۴۰۵ قمری) می باشد، و در کاشی کاری سردر امامزاده، چنین آمده است:

ص: ۱۸۹

امامزاده محسن علیه السلام، عمل مهندس عبد الحسین سیف اللّهی، و هیئت امناء، تاریخ ۱۴۱۵ هجری قمری، کاشی سازی موسوی زاده.

مجموعه ساختمان امامزاده، با شکوه، زیبا، با ابهت و جالب می باشد در یادداشتهای نویسنده متتبع، آقای سید مصلح الدّین مهدوی، راجع به این امامزاده، آمده است: در قریه مارنان اصفهان، از بلوک اصفهان(۱) مقبرهای است معروف به امامزاده غریب، که روی سنگ لوح آن نوشته است:

جناب محسن بن موسی بن جعفر علیه السلام

## ۱۲- امامزاده محمد علیه السلام

معروف به شاهزاده محمد می باشد و بقعه و مزار آن، در خیابان وحید قرار گرفته است. ساختمان قدیمی این امامزاده، نسبتاً مختصر و ساده بوده، ولی در دوره اخیر تجدید بنا گردیده است. در حال حاضر، حرم مجلّی دارد که در داخل حرم، از آینه کاری و گچ بری و نقاشی جالبی، استفاده شده، و نمای ایوان حرم، کاشی کاری گردیده، و در کتیبه اطراف آن، سورس جمع روی کاشی خشت، با خط ثلث سفید، جلب نظر می نماید، و در آخر آن نوشته شده: سنه ۱۳۹۹ قمری، کاشی سازی ایلیا اصفهان

در کتیبه گنبد جالب و زیبای امامزاده، با خط ثلث سفید، آیاتی از قرآن نوشته شده، و تاریخ ۱۴۱۲ در آخر آن، ذکر گردیده است.

در طرف شرق ساختمان امامزاده، سالنی زیبا برای اقامه نماز جماعت و مراسم مذهبی و مجالس دینی به سبک جدید ساخته شده، و در تزئین آن، از گچ بری و کاشی کاری (در محراب) استفاده شده است. بالای درب ورودی

ص: ۱۹۰

---

۱- همین محلّی که در حال حاضر، خیابانهای وحید و رودکی از آن می گذرد

حرم ، روی کاشی خشت آبی با خط سفید نستعلیق ، نوشته شده :

امامزاده محمد بن زید بن حسن بن علی بن ابی طالب

### ۱۳- امامزاده ابوالعباس علیه السلام ( محمد )

امامزاده ای است مورد توجه واقع در خوراسگان (۱) که از اولاد و أحفاد : علمدار بزرگ کربلا ، باب الحوائج الی الله ، أبا الفضل العباس علیه السلام

به شمار آمده است . در یک قطعه سنگ مرمری جالب ، که در دیوار حرم امامزاده أبو العباس ، ( ساختمان قدیمی ) نصب گردیده بوده ، و فعلاً در محل ویژه ای نگهداری می شود ، این جمله ها با خط ثلث برجسته ، حجاری شده است : بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ، فَهَذَا النَّسَبُ مُقَابِلُ مُطَابِقِ بِالْجَامِعِ الْمُنْسُوبِ إِلَى أَبِي الشَّيْخِ الْحَزْبِ مُحَمَّدِ الدِّينَوْرِيِّ رَحِمَهُ اللَّهُ ، وَالنَّسَبُ هَذَا:

أَبُو الْعَبَّاسِ ، مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدٍ ، بْنِ عَبْدِ اللَّهِ ، بْنِ جَعْفَرٍ ، بْنِ قَاسِمٍ ، بْنِ حَسَنِ ، بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبَّاسٍ ، بْنِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ، وَ إِمَامِ الْمُتَّقِينَ ، وَ يَعْسُوبِ الدِّينِ ، أَسَدِ اللَّهِ الْغَالِبِ ، عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ .

بنابر این نوشته ، امامزاده أبو العباس ، نام او محمد ، و کنیه او أبو العباس ، و نسب او با شش واسطه ، به حضرت أبا الفضل العباس علیه السلام ، و با هفت واسطه ، به أمير المؤمنين علی علیه السلام می رسد ، و با استفاده از همین سنگ نوشته ، بالای در ضریح مطهر ، نسب این بزرگوار به همین شکل یاد شده ، ثبت شده است ، ولی در

ص: ۱۹۱

۱- خوراسگان ، در قدیم الأیام ، از روستاهای مجاور اصفهان ، و در ۱۰ کیلومتری شرق آن بوده است ، ولی در حال حاضر ، به علت توسعه شهرها و روستاها ، تبدیل به شهر شده ، و کاملاً به شهر اصفهان ، متصل گردیده است

سنگ لوحه دیگری ، که به دیوار سر در و ایوان ورودی قدیمی امامزاده ، نصب گردیده ، و در حال حاضر مقداری از سطح صحن جنوبی امامزاده ، پائین تر است ( و در گودی قرار دارد، و با پنجره شیشه ای ، محافظت می شود ) چنین آمده است: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ، قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى : وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ الْمُضِيَّطْفِي ، وَعَلَى الْمُرْتَضَى ، وَ حَسَنِ الرُّضَا ، وَ حُسَيْنِ الشَّهِيدِ بِكَرْبَلَا وَ عَلِيٍّ زَيْنِ الْعَابِدِينَ وَ مُحَمَّدِ الْبَاقِرِ وَ جَعْفَرَ الصَّادِقِ وَ مُوسَى الْكَاطِمِ وَ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى الرُّضَا وَ مُحَمَّدِ التَّقِيِّ وَ عَلِيٍّ النَّقِيِّ وَ حَسَنِ الْعَسِي كَرِيِّ وَ مُحَمَّدِ الْمَهْدِيِّ ، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ ، هَذَا مَزَارٌ مُتَبَرِّكَ حَضْرَتِ إِمَامِزَادَةِ مَعْصُومِ ، الْمَظْلُومِ الشَّهِيدِ ، تَعَمَّدَهُ اللَّهُ بِغُفْرَانِهِ وَ أَسِي كَنَّهُ فِي رِيَاضِ جَنَانِهِ ، أَبُو الْعَبَّاسِ عَلِيُّ ، بِسَعَى وَ عِمَارَتِهَا كَدَخْدَايِ مُحْتَرَمِ ، وَ عَزِيزِ وَ صَالِحِ ، مُحَمَّدِ شَاهِ بْنِ شَمْسِ الدِّينِ ، عَلِيِّ بْنِ رَكْنِشَاهِ الْمَشْتَهَرِ ... خوراسجانی ، فی تَارِيخِ مُحَرَّمِ الْحَرَامِ ، سَنَةِ عِشْرِينَ وَ تِسْعِمَاتِ ... (۱).

از عبارت یاد شده ، که ظاهراً در سال نهصد و بیست هجری قمری ، حجاری و نصب گردیده ، استفاده می شود که نام امامزاده ، علی ، و کنیه او ، أبو العباس است ( که مشهور می باشد ) .

### ساختمان قدیمی امامزاده أبو العباس علیه السلام

حرم و بقعه امامزاده أبو العباس ، یک ساختمان قدیمی داشته ، که متعلق به قرن دهم هجری بوده ، و مخروبه گردیده ، و در سالهای اخیر تجدید و توسعه یافته ، و فقط یک ایران و سردر جالب و زیبا ، که دارای قطار بندی هشت ترک گچ بری می باشد ، از آن ساختمان قدیمی باقی مانده ، که از میراثهای فرهنگی

ص: ۱۹۲

۱- در محل نقطه چین ها ، کلماتی بود که خوانده نشد، و ضمناً عبارات یاد شده ، از نظر رعایت قواعد ادبی عرب ، اشکالاتی دارد که بر اهل فن پوشیده نیست

و امام زادگان مدفون در منطقه اصفهان به ۱۹۳۰ به شمار می رود. در طرف راست ایوان یاد شده، سنگ لوحه ای وجود دارد، که بر روی آن جمله های زیر حجاری شده است: هو الباقی و کل شی هالک، وفات مرحومه شهر بانو خانم، بنت مرحمت پناه، میرزا محمد نظیر، شهر رجب ۱۱۶۰، و در طرف چپ ایوان، سنگ لوحه دیگری است، که بر روی آن، این عبارتها حجاری شده: ألحکم لله، وفات مرحمت پناه، مولانا محمد بن علی شاه خوراسگانی، شهر ربیع الثانی سنه ۱۰۵۹ه، و در وسط صحن جنوبی، پای یک درخت، سنگ قبری است، که روی آن حوضچه ای حجاری شده، و در اطراف آن حوضچه، اشعاری نوشته شده، و در بالای آن سنگ، این جمله ها حجاری گردیده است: ألحکم لله، وفات مرحوم المغفور روح الله .... (۱) مولانا نور الله .. (۲) فی تاریخ جمادی الأولى ۱۰۸۹.

از تاریخ های موجود در سنگ نوشته های متعلق به امامزاده أبو العباس علیه السلام که قدیمی ترین آنها تاریخ ۹۲۰ می باشد، به خوبی روشن می شود که ساختمان و بنای امامزاده، متعلق به قرن دهم به بعد بوده، و نشانه ای که از پیش از این تاریخ حکایت کند، به دست نیامد.

### ساختمان مفصل و باشکوه فعلی

از سال ۱۳۸۵ قمری، علاقمندان به آستان مقدس أهل البیت علیهم السلام شروع به تجدید بناء و توسعه حرم و آستان مقدس حضرت أبو العباس نمودند، که تا کنون فعالیت آنها ادامه دارد، و مرتباً در حال اقدام برای توسعه صحن مقدس و تکمیل ساختمان و تزیینات گسترده، می باشند.

ص: ۱۹۳

۱- خواننده نشد

۲- خواننده نشد.

در ساختمان فعلی، حرم مجللی وجود دارد، که اطراف آن را، رواقی مفصل و به سبک باستانی (با استفاده از طاق چشمه متعدد) احاطه کرده است، و دو صحن بزرگ جنوبی و شمالی، و گنبدی باشکوه، و دو مناره جالب، و ضریحی زیبا (با استفاده از طلا- و نقره) موجب جلب توجه زائرین و عابرین می باشد، و یک سردر ورودی مجلل به داخل حرم (از طرف صحن شمالی، که مشرف بر جاده اصلی اصفهان - نائین می باشد) و یک سردر ورودی دیگر، در همان طرف، به داخل صحن جنوبی، بر عظمت این مجموعه دینی می افزاید.

در تزئین گنبد و مناره ها و دیوارهای دو صحن و سردرها، از کاشی های معرق (و مقداری کاشی خشت) و آجرهای تزئینی، استفاده شده، و نمای بسیار جالبی را شکل بخشیده است.

در داخل حرم و رواق بزرگی که محیط بر حرم می باشد، از بهترین گچ بریها و آینه کاری ها و خطاطی ها و نقاشی های هنرمندانه استفاده شده، و مجموعه آثار هنری و تزئینی به کار گرفته شده، در این بارگاه مقدس، از یادگارهای این دوره می باشد، و استاد کارانی که در این مجموعه زحمت کشیده اند، ذوق و ابتکار سلیقه و حوصله و تجربه خود را در راه شکوهمند ساختن این مجموعه بزرگ دینی، به کار گرفته اند، و ایمان قلبی و علاقه خود را به آستان مقدس أهل البيت عليهم السلام بالأخص حضرت أبا الفضل علیه السلام (جد بزرگوار این امامزاده عظیم الشأن)، به نمایش گذارده اند.

در کتیبه های داخل گنبد، و بیرون آن، و نیز در کتیبه های کاشی کاری های سردرها و صحن ها، از آیات قرآن و کلمات دینی و احادیث شریفه، استفاده شده، و جلوه دینی و ولایتی یافته است.

در پایه گنبد امامزاده (از خارج) سوره مبارکه جمعه کتیبه شده، و در یک



لوح کاشی نوشته شده است: به همت اهالی، ساختمان امامزاده ابوالعباس (محمد) ۱۳۸۵ و خاتمه ۱۳۹۷ قمری، سرپرست حاج عباس قدر خواه، معمار، استاد محمد و استاد مهدی بدیع الصنائع.

البته این تاریخ ها، مربوط به قسمتهای اولیه ساختمان است، و گرنه، هنوز توسعه صحن جنوبی، و کاشی کاری ها و نقاشی و آینه کاری داخل رواق و حرم مطهر، در حال انجام می باشد.

### کرامتی بزرگ، از امامزاده ابوالعباس

در حدود سال ۱۳۷۳ قمری (چهل و سه سال قبل) شبی، جمعیتی از متدینین و علاقمندان به أهل البیت علیهم السلام، در حدود سی نفر، به همراهی مرحوم آیه الله العظمی، آقای حاج سید علی علامه فانی قدس سره، متوفای ۱۴۰۹ قمری، به قصد زیارت امامزاده ابوالعباس، (پیاده) عازم خوراسگان می شوند، ولی در میان راه اتومبیلی می رسد و آنها را به مقصد می رساند، و شب را در جوار امامزاده ابوالعباس، بیتوته مینمایند، و در هنگام سحر (در نزدیکی اذان صبح)، چند نفر از زائرین که مشغول نماز شب و دعا بوده اند، ناگاه مشاهده می نمایند، گلوله نوری از طرف قبله نمایان گردید، و دو، دور، بالای سر حرم، دور زد و سپس روی گنبد و حرم و صحن منتشر گردید، و تا حدود ۷-۸ دقیقه، فضا روشن بود. وقتی مرحوم آیه الله فانی، چنین کرامت بزرگی را مشاهده نمودند (۱) مدت زیادی به ضریح امامزاده چسبیدند، و به شدت گریستند، و مجموعاً

ص: ۱۹۵

---

۱- مرحوم آیه الله فانی، قبل از حرکت به سوی امامزاده، فرموده بودند، دلم می خواهد که این امامزاده مقام خودش را در نزد پروردگار، به مابنمایاند، و با معرفت کامل تری نسبت به مقام او، وی را زیارت کنیم

هفت هشت نفر از آن جمعیت ، که بیدار بودند، و به نماز و دعا اشتغال داشتند ، این صحنه نور را مشاهده نمودند (۱).

مرحوم آیه الله فانی قُدسُ سِتره ، وقتی هوا روشن گردید ، به جستجو پرداختند و سنگ لوحه ای که نسب امامزاده را به حضرت ابا الفضل علیه السلام می رساند ، پیدا نمودند ، و متوجه گردیدند که این بزرگوار، از نسل آن بزرگ پرچمدار رشید امام حسین علیه السلام در کربلا، می باشند .

### دفن مرحوم آیه الله امامی ، در جوار امامزاده ابوالعباس، و تحویلی بزرگ

در سال ۱۴۱۴ قمری ( دهم جمادی الثانیه ) در آخرین روز از دهه فاطمیّه دوّم ، استاد بزرگ حوزه علمیه اصفهان ، مرحوم آیه الله ، آقای حاج سید احمد فقیه امامی قُدسُ سِتره ، دعوت حق را لبیک گفتند، و پیکر مطهر آن بزرگوار (طبق وصیت خودشان) به خوراسگان ، و جوار امامزاده ابوالعباس علیه السلام انتقال یافت و در میان فریاد و ناله ، و سیل اشک عزاداران و مردم داغدیده ، در حرم مطهر

ص: ۱۹۶

---

۱- این قضیه را ، یک نفر از موثّقین که کاملاً مورد اعتماد می باشد، یعنی آقای حاج عبدالرّسول شعرباف دام عزّه ، که خود در صحنه بوده اند و نور را مشاهده کرده اند، برای نویسنده نقل نمودند و دو نفر از دوستان کاملاً مورد اعتماد ، یعنی حضرت حجّه الاسلام آقای حاج شیخ جعفر آزادمنش و آقای حاج مرشد عباس تولّا ، دام عزّهما ، از قول مرحوم آیه الله علامه فانی نقل نمودند و از حاضرین در آن صحنه معنوی ، آقای حاج آقا رسول باطنی و حاج محمّد علی حاج شفیع و آقای شعرباف دام عزّهم ، در قید حیات هستند

آن امامزاده عظیم الشان ، دفن گردید (۱).

از آن تاریخ ، علاقمندان به آن بزرگمرد ، به شکل عجیب و بی سابقه ای ، برای زیارت مزار شریف امامزاده أبو العباس علیه السلام و مرقد مرحوم آیه الله امامی ، به خوراسگان می روند ، و مشتاقان فراوانی ، برای دفن در جوار امامزاده ، پیدا شده است ، تا جائی که قیمت قبرهای داخل حرم و رواق امامزاده ، به ده الی پانزده برابر رسیده است ، و کسانی که مایلند در آن مزار متبرک ، قبری تهیه نمایند ، نیاز به کوشش و تلاش فراوان دارند .

و در یک کلام ، مزار شریف امامزاده أبو العباس علیه السلام شهرتی عجیب یافته ، و از سراسر کشور و خارج آن ، بالأخص از شهر و حومه اصفهان ، به قصد زیارت امامزاده أبو العباس علیه السلام مرحوم آیه الله امامی قُدس سِیْرُه ، حرکت نموده ، و کسب فیض می نمایند .

### سنگ نوشته قبر آیه الله امامی

بر روی قبر مطهر مرحوم آیه الله امامی ، سنگ مرمر زیبایی نصب گردیده ، و جمله های جالبی با خط ثلث استاد حبیب الله فضائی ، بر روی آن نوشته

ص: ۱۹۷

---

۱- مردم با ولایت اصفهان ، و بسیاری از شهرها و روستاهای دور و نزدیک ، با حضوری یک پارچه و جمعیتی میلیونی ، تمامی طول مسیر را ( ده کیلومتر ) در زیر باران شدید ، تشییع جنازه نمودند ، و یکی از صحنه های پرشور و با معنویت اجتماعی تاریخ اصفهان را شکل بخشیدند ، که در رسانه های جمعی داخل و خارج کشور ، انعکاسی شدید و عجیب داشت ، و به عنوان یک حادثه بزرگ و به یاد ماندنی ، در محافل گوناگون و رسانه های خبری ، مورد توجه و ذکر قرار گرفت ( برای تفصیل بیشتر به « یادواره آیه الله فقیه امامی » به قلم نویسنده ، مراجعه فرمائید )

شده ، و حجاری گردیده ، که ذیلاً نقل می نمائیم .

قَدَارٌ تَحَلَّ مِنْ هَذِهِ الدُّنْيَا الدِّيْنِيَّةِ إِلَى ذُرُوفِ الدَّرَجَاتِ الْعَالِيَةِ الْآخِرِيَّةِ ، الْعَالِمِ الْكَامِلِ ، الْفَقِيهِ الْمُجَاهِدِ ، الْأَسْتَاذِ فِي الْحُوزَةِ الْعِلْمِيَّةِ ، الْمُحْيِي لِأَثَارِ الشَّرِيعَةِ الْمُحَمَّدِيَّةِ ، الْمُدَافِعُ عَنْ حَرِيمِ الْوِلَايَةِ الْعَلَوِيَّةِ ، الْمُقَاسِي لِلْسُّجُونِ وَالشَّدَائِدِ لِلذَّبِّ عَنِ الطَّرِيقَةِ الْجَعْفَرِيَّةِ ، آيَةُ اللَّهِ ، أَلْحَاجِ سَيِّدِ أَحْمَدِ الْفَقِيهِ الْإِمَامِيِّ ، تَعَمَّدَهُ اللَّهُ بِرَحْمَتِهِ ، الْمُتَوَفَّى فِي يَوْمِ الْخَمِيسِ ، عَاشِرِ شَهْرِ جُمَادَى الثَّانِيَةِ ، ١٤١٤ مِنْ الْهَجْرَةِ النَّبَوِيَّةِ .

### حرم امامزاده ابوالعباس ، مدفن علماء و مؤمنین

عدده زیادی از مؤمنین و صلحاء و بالأخص از علماء و روحانیین (إمام جماعت ، مدرس ، واعظ ...) در جوار امامزاده أبو العباس علیه السلام و مرقد مرحوم آیه الله امامی قُدُسُ سِرُّهُ ، مدفون گردیده اند ، و لذا در حرم و صحن امامزاده ، قبرستانی از قبور علماء و صلحاء و مردم با ایمان ، تشکیل شده است .

### ١٤- امامزاده هارون ولایت علیه السلام

یکی از امامزاده های مشهور و مورد توجه اصفهان می باشد ، که گاهی با عنوان هارونیه ، مورد ذکر قرار می گیرد . در نسب این امامزاده بحث و گفتگوی فراوانی انجام گرفته ، که ذیلاً به مواردی از آنها اشاره می نمائیم .

١- مرحوم آقا سید محمد باقر چهارسوقی ( صاحب کتاب روضات الجنّات ) در حاشیه کتاب روضات ، تحت عنوان امامزاده عظیم الشان ، عبدالعظیم حسنی علیه السلام ، به نقل از یکی از کتب أنساب ، امامزاده هارون را ، از اولاد إمام علی التّقی علیه السلام دانسته اند (١) و همین نظریه را مرحوم آقا میرزا محمد هاشم

ص: ١٩٨

چهارسوقی پذیرفته اند (۱).

۲- نظریه دوم این است که ، نسب این بزرگوار، به امام محمد تقی علیه السلام می رسد ، به این شرح : هارون بن محمد بن زید بن حسن بن جعفر بن امام محمد تقی علیه السلام ، که در زمان معتصم عباسی ، در اصفهان شهید شده است ( البته باید دانست برای امام محمد تقی علیه السلام فرزندی به نام جعفر ذکر نشده است ) (۲).

۳- برخی از صاحبان کتب أنساب ، نسب ایشان را ، به امام حسن مجتبی علیه السلام می رسانند ، به این شرح: هرون بن محمد بن زید بن الحسن ، که در اصفهان شهید شده است (۳).

۴- برخی، ایشان را از اولاد و أعقاب حضرت امام موسی بن جعفر علیه السلام میدانند ، چنانچه در کتاب تاریخ سلطانی آمده ، که نسب این بزرگوار ، هارون بن محمد بن أحمد بن جعفر بن هارون بن الإمام موسی بن جعفر علیه السلام است (۴).

۵- و بعضی ، به صورت مبهم ، هارون بن الإمام، خوانده اند (۵).

### ساختمان صحن و سرای هاروتیه

محل این بنای دینی ، در کنار بازار بزرگ اصفهان ، و نزدیک میدان کهنه (قدیم) و در مجاورت مسجد علی میباشد ، و اصل بنای امامزاده ، متعلق به قبل

ص: ۱۹۹

۱- میزان الأنساب ، صفحه ۴۷

۲- جامع الأنساب ، تألیف علامه سید محمد علی روضاتی ، صفحه ۶۱، به نقل از ریاض الأنساب ، جلد ۲، صفحه ۲۰۵

۳- میزان الأنساب ، صفحه ۴۷ ، به نقل از بعض کتب أنساب

۴- رجال اصفهان ، صفحه ۱۹۲

۵- رجال اصفهان ، صفحه ۱۹۲

از صفویّه است (۱) و گفته می شود که در دوره سلجوقیان وجود داشته است (۲) ولی ساختمان فعلی ، از دوره صفویّه ، و از آثار تاریخی اصفهان در اوائل قرن دهم ، می باشد .

این مجموعه تاریخی و مذهبی ، مشتمل بر یک صحن بزرگ در شمال ( با دو درب ، یکی به سوی بازار ، و یکی به سوی خیابان هارونیه ) و یک حرم و یک رواق و یک گنبد بزرگ و زیبا و یک مدرّس علمیه در طرف مغرب بقعه ( که صحن دوّم امامزاده ، به شمار می رود ) می باشد ، و یک سر در زیبا و باشکوه و با کاشی کاری بسیار جالب ، برای مدرسه ساخته شده و یک سر درب دیگری در طرف شرق بقعه ، که مشرف به جاده قدیمی ( خیابان فرعی هارونیه ) می باشد ، مقابل مسجد علی قرار گرفته است . در کتیبه های سر در مدرسه ( صحن کوچک بقعه هارونیه ) که در دوره شاه اسماعیل اول صفوی ، ساخته شده ، تاریخ ربیع الأوّل ۹۱۸ ذکر گردیده ، و در بالای کتیبه ، یک اسپر کاشی کاری است ، و در ألواح اطراف ، به خط ثلث حنائی رنگ معرّق ، بر زمینه کاشی لاجوردی ، صلوات بر دوازده امام علیهم السلام نوشته شده است (۳) .

کاشی کاری زیبای این سردر ، از نفیس ترین کارهای کاریها است ، و شکل دو طاووس در آن گنجانیده شده ، که مورد توجه شدید بینندگان قرار گرفته ، و می گیرد . این مجموعه دینی و تاریخی ، نمایشگر معماری و کاشی کاری و گچ بری و نقّاشی و خطاطی و سایر هنرهای دوره صفویّه ، می باشد .

ص: ۲۰۰

---

۱- تاریخ اصفهان و ری ، صفحه ۲۲۱

۲- آثار ملی اصفهان ، صفحه ۷۷۷

۳- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۳۶۱

در دوره سلطنت فتحعلی قاجار، و حکمرانی حاج محمد حسین خان صدر اصفهانی، تعمیراتی اساسی در بقعه هارونیه انجام گرفته، و طی اشعاری که در رواق حرم (که ما بین صحن شمالی و حرم می باشد) به خط نستعلیق گچ بری شده، ثبت گردیده است، که شعر آخر آن چنین است:

سال اتمامش رقم زد کلک (هادی) بر ورق \*\*\* کعبه دین، بقعه هرون بن موسی سنی

در مجموعه کاشی کاری ها و سنگ لوحه های بقعه و بارگاه هارونیه، تاریخ های متعددی دیده می شود (۹۱۸ - ۹۴۶ - ۱۰۶۶ - ۱۰۶۷ - ۱۲۶۱ - ۱۲۶۹ - ۱۳۲۹ - ۱۴۰۷ - ۱۴۱۴) که نشان می دهد این مجموعه دینی، همیشه مورد علاقه بوده، و به وسیله علاقمندان به خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام تعمیر و بازسازی و تزئین، می گردیده است.

### آخرین تعمیرات

از حدود سال ۱۳۶۰ شمسی (۱۴۰۰ قمری) تا تاریخ بازدید از آثار گوناگون امامزاده (۱۴۱۶ قمری) تعمیرات اساسی به وسیله مردم علاقمند در صحن و بقعه هارونیه، انجام گرفته، و اطاقهای صحن تعمیر گردیده، و نماسازی و کاشی کاری صحن عمده (در تاریخ ۱۴۰۷ قمری) تجدید گردیده، و سر در صحن به سوی خیابان هارونیه، نما سازی و کاشی کاری شده (در تاریخ ۱۳۶۹ شمسی = ۱۴۱۰ قمری) و در باشکوه و بزرگی برای آن ساخته و نصب شده، که تاریخ آن ۱۴۰۶ قمری می باشد. در جریان تعمیرات یاد شده، ضریح امامزاده تعویض گردیده، و ضریح جدیدی با پوشش طلا و نقره، در تاریخ ۱۳۷۲ شمسی (برابر ۱۴۱۲ قمری) بر روی قبر مطهر امامزاده، نصب گردیده است.

علاوه بر امامزاده های یاد شده ، از میان متجاوز از چهار صد و پنجاه امامزاده که در سطح استان اصفهان مدفونند (۱) و حرم و زیارتگاه دارند، به تعدادی از امامزادگان که در شهر اصفهان و حومه نزدیک آن ، مزار و بقعه دارند ، به نحو اجمال ، اشاره می نمائیم ، و امیدواریم روزی موفق شویم که در معرفی همه این مشاهد و مزارات دینی ، گامی هرچند کوچک برداریم .

۱- امامزاده ابراهیم علیه السلام ، که نزدیک فلکة طوقچی ، جنب دبیرستان هاتف می باشد . این امامزاده ، دارای گنبدی کوچک و خشتی بوده (۲)، که اخیراً در حال تجدید بناء ، به شکلی مفصل و جالب با رواق و گنبد بزرگ و سالن حسیّتیّه و ... می باشد .

۲ - امامزاده ابراهیم علیه السلام ، که واقع در روستای ردان ، در غرب اصفهان ، در جاده کشتارگاه است . این امامزاده ، در حال حاضر ، دارای حرم و ضریح و گنبد و صحن بزرگ و مجلل می باشد .

ص: ۲۰۲

---

۱- در لیست نسبتاً جامعی که سازمان اوقاف و امور خیریه کشور ، از بقاع و زیارتگاههای مذهبی ایران تهیه نموده ، که تا سال ۱۳۷۱ شمسی شناسائی شده و ثبت گردیده ، و اکثریت قاطع آنها ، مربوط به امامزادگان و شماری هم ، مربوط به سایر شخصیت های مذهبی می باشد ، شمار مجموع آنها در سراسر کشور، چهار هزار و هفتصد و چهار (۴۷۷۴) می باشد، که تعداد پانصد و پنج (۵۰۵) عدد آنها، مربوط به استان اصفهان و یکصد و پنج (۱۰۵) عدد از آنها، مربوط به شهرستان اصفهان است و حدود نود (۹۰) مورد آنها ، متعلق به امامزادگان و بقیه مربوط به دیگر بزرگان دینی می باشد

۲- در یادداشتهای مرحوم آقای سید مصلح الدین مهدوی ، اصل بقعه را متعلق به قبل از قرن هفتم هجری، دانسته است



۳- إمامزاده ابراهیم علیه السلام ، که در محله دارالبطیخ ، نزدیک مقبره خواجه نظام الملک قرار گرفته ، و آثاری از دوره صفویه دارد ، و دارای حرم و ضریح و صحن می باشد .

۴- إمامزاده ابراهیم علیه السلام ، واقع در خیابان کهندژ ، محله سودان ، که گنبد قدیمی آن تاریخ ۱۳۰۸ قمری داشته ، و اخیراً تجدید بنا شده است (۱).

۵- إمامزاده ابراهیم علیه السلام ، که ما بین قهجاورستان و فرودگاه اصفهان می باشد ، و گنبد کوچکی دارد که کاشی کاری شده است .

۶- إمامزاده أبو الحسن علیه السلام ، که معروف به امامزاده شاه أبو الحسن علیه السلام می باشد و در محله عطشاران ، در شمال خیابان جی ( در یک کیلومتری ) واقع گردیده است . دارای گنبد کوچک و صحن بزرگ و حرم و ضریح می باشد .

۷- إمامزاده سید أحمد بن سید محمد علیه السلام ، که در روستای جزوکان ، خیابان آتشگاه واقع شده ، و مشهور است که از نسل امام علی بن الحسین علیه السلام می باشد .

۸- إمامزاده اسحاق علیه السلام ، که واقع در خیابان جی ، اول خوراسگان است ، و دارای صحنی بزرگ ، و حرم و گنبدی زیبا و مسجدی به نام حضرت زهراء علیها السلام می باشد ، و از زیارتگاههای مورد توجه به شمار می رود .

۹- إمامزاده باقر علیه السلام ، که در خیابان چهارباغ صدر ، خیابان عافیت واقع شده است ، و دارای حرم و ضریح و گنبد و صحن میباشد ، و تاریخ بنای آن ( طبق سنگ نوشته ای ) ۱۲۷۰ است (۲) .

مرحوم حجّه الإسلام و المسلمین ، حاج سید فضل الله سجّادی ، متوفای آیام

ص: ۲۰۳

---

۱- یادداشتهای مرحوم سید مصلح الدین مهدوی

۲- آثار ملی اصفهان ، صفحه ۷۶۲ و تاریخچه محله خواجه ، صفحه ۶۰

فاطمیه ۱۴۱۴ قمری ، که از روحانیون فعال بودند ، سالن حسینیّه ای در کنار امامزاده تأسیس نموده اند ، و تعمیراتی در حرم و صحن امامزاده انجام داده اند ، که تاریخ آن ۱۳۶۲ شمسی می باشد، که در آخرین بیت قطعه شعری که به دیوار حسینیّه ، در داخل صحن امامزاده نصب گردیده ، اشاره شده است :

در بهار سیصد و شصت و دو از بعد هزار \*\*\* یافت پایان این بنا ، از لطف حی دادگر

۱۰- امامزاده جعفر علیه السلام ، که واقع در خیابان هاتف ، مقابل امامزاده اسماعیل علیه السلام می باشد ، و در بخش ( بقعه های علمی اصفهان ) از این امامزاده ، به تفصیل یاد نموده ایم .

۱۱- امامزاده جعفر علیه السلام ، که مشهور به امامزاده شاه کرم بوده است ، و محلّ بقعه و مزار آن ، واقع در جاده فرودگاه بین المللی اصفهان ، نزدیک به پایگاه هشتم شکاری است . گفته می شود که این بزرگوار، فرزند بدون واسطه امام هشتم علیه السلام می باشد ، و همان است که در کتب حدیث شیعه و سنّی ، فرزند سوم امام علی بن موسی الرضا علیه السلام به شمار آمده است (۱) و ایشان را، « جعفر بن الرضا علیه السلام » و به تعبیر دیگر، « این الرضا » می خوانند .

از این امامزاده بزرگوار ، کرامات فراوانی ظاهر گردیده ، که مورد توجه مردم قرار گرفته ( و به همین جهت ، به امامزاده شاه کرم شهرت یافته است )

ص: ۲۰۴

---

۱- فرزندان ذکور امام علی بن موسی الرضا علیه السلام را پنج نفر دانسته اند، به نامهای : محمّد ( الامام الجواد علیه السلام ) و حسن ، و « جعفر » ، و ابراهیم، و حسین (کشف الغمّه، جلد ۲، صفحه ۲۶۷، و بحار الأنوار ، جلد ۴۹ ، صفحه ۲۲۱، و عوالم العلوم ، جلد ۲۲، صفحه ۳۷۰، و نور الأبصار شبلنجی ، صفحه ۱۷۷، و سیر أعلام النبلاء ، جلد ۹، صفحه ۳۹۳، و الفصول المهمّه، صفحه ۲۴۶ و ...

و نویسنده این سطور نیز ( شخصاً ) کراماتی از ایشان دیده ام ، که علامت مقام معنوی آن بزرگوار ، و نشان دهنده انتساب ایشان ، به امام هشتم ، حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام می باشد (۱).

ص: ۲۰۵

۱- با توجه به موقعیت حساس این امامزاده ، و نزدیکی آن به فرودگاه بین المللی اصفهان ( که محل اعزام حججاج بیت الله الحرام ، و نیز زائران خانه خدا، و مدینه منوره « در سفر عمره مفرده » و عموم مشاهد مشرفه ، و بالأخص مشهد مقدس حضرت امام علی بن موسی الرضا علیه السلام می باشد، و نیز با عنایت به این که بقعه و مزار این امامزاده ، محل توجه و در دیدگاه عموم مسافرانی است که از همه شهرها و کشورهای اسلامی و غیر اسلامی ، وارد شهر تاریخی و مذهبی اصفهان می شوند ) و زیر نظر هیئت امنائی مرکب از جمعی از علماء و صلحاء و مؤمنین ، بنای قدیمی بقعه امامزاده ، تخریب گردیده ، و طبق نقشهای بسیار جالب و جامع (که سمبلی از مظاهر اعتقادی ، تاریخی، هنری و ادبی مردم اصفهان را به نمایش بگذارد، و تجلیگاهی برای مذهب تشیع، و مکتب اهل البیت علیهم السلام به شمار آید) ساختمانی جدید و مفضل ، در حال تأسیس می باشد . طبق نقشه یاد شده ، ساختمان اصلی امامزاده ( شامل بقعه و گنبدی بزرگ، و مناره هائی بلند و باشکوه ، و رواقها و ایوانها و سایر ملحقات ، از قبیل : مسجد و حسینیه و کتابخانه و ...) در قطعه زمینی متجاوز از چهار هزار متر می باشد، که بعضی از قسمتهای آن ، یک طبقه ، و بعضی دیگر، دو طبقه ، و برخی، سه طبقه است ، و تمامی زیر بنای آن، ۸۳۰۰ متر مربع می باشد ، و مجموع این بنای عظیم ، در فضائی بسیار وسیع ، با مساحتی در دهها هزار متر مربع قرار می گیرد . امید است با عنایت خداوند متعال ، و توجهات صاحبان ولایت علیهم السلام ، بالأخص حضرت امام علی بن موسی الرضا علیه السلام ، فعالیت ساختمانی ، با سرعت کامل مراحل خود را طی نماید ، و تجلیگاهی برای مکتب تشیع ، و صحنه ای از نمایش عمق اعتقاد شیعیان و ارادتمندان خاندان رسالت علیهم السلام تحقق یابد ، و پایگاهی عظیم، برای نشر و گسترش فرهنگ غنی مکتب ولایت ، و تعلیم و تبلیغ احکام اسلام، و ترویج و گسترش مبانی دین و ایمان محسوب گردد

۱۲- امامزاده حسن علیه السلام ، که مشهور به شاهزاده حسن کِیجعلی است ، و دارای گنبد و بارگاه مَفْصِل ، به ضمیمهٔ صحنی بزرگ می باشد ، و محل آن در نزدیک روستای زمان آباد ، در جادهٔ فرودگاه اصفهان واقع است ، و گفته می شود که این امامزاده ، از نسل امام موسی بن جعفر علیه السلام می باشد .

۱۳- امامزاده حسین علیه السلام ، که مشهور به « شاهزاده حسین » می باشد ، و نسب آن حضرت ، در دور ضریح مبارکشان ، این چنین نوشته شده است :

شاهزاده ، حُسَیْن ، بِن زَیْد ، بِن أَحْمَد بِن حُسَیْن بِن مُحَمَّد بِن أَحْمَد بِن عَلِی ، بِن مُحَمَّد بِن قَاسِم ، بِن حَمَزَه ، بِن مُوسَى بِن جَعْفَر علیه السلام .

این امامزاده ، دارای ضریح و حرم و گنبد میباشد ، که تاریخ آن ۱۴۰۰ قمری است ، و ساختمان قدیمی آن ، در جریان تجدید بنا ، تخریب گردیده ، و محل آن ، صحرای مورنان قُهاب ، نزدیک جادهٔ قهجاورستان می باشد .

۱۴ و ۱۵ - امامزاده دو طفلان علیهما السلام (۱) که واقع در خیابان زینبیه می باشد ، و در سالهای اخیر ، با همت مؤمنین و مردم محل ، تجدید بنا شده ، و دارای صحن و حرم و رواق و گنبد می باشد ، ولی هنوز کاشی کاری و تزیینات آن انجام نگرفته است . گفته می شود که مدفون در این مزار ، دو طفل ، به نامهای أحمد و محمود هستند ، که از نسل امام رضا علیه السلام می باشند (۲).

۱۶ و ۱۷ - امامزاده دو قلو علیهما السلام ، که در خیابان شریف واقفی قرار گرفته ، و دارای حرم و ضریح می باشد . گفته می شود که دو نفر از نسل امام هفتم علیه السلام

ص: ۲۰۶

---

۱- این عنوان ، مشهور در زبان عموم مردم است ، ولی عدد دو همراه با تثنیه بودن کلمه ( طفلان ) مناسبت ندارد

۲- یادداشتهای مرحوم سید مصلح الدین مهدوی

به نامهای: ابراهیم و اسماعیل یا حسن و حسین در این مزار شریف مدفونند(۱).

۱۸ - امامزاده رأس الرضا علیه السلام، که مشهور به سیر شاه رضا می باشد، و محل آن در حاشیه جنوب شرقی فلکه قدس (طوقچی) در نزدیکی بقعه و مزار صاحب بن عبّاد، قرار گرفته است. مشهور در سر زبانها این است که، سر مقدس امامزاده بزرگوار که در شهر شهرضا (قمشه) مدفون می باشند، و به نام شاهرضا علیه السلام خوانده می شوند، به اصفهان آورده شده، و در این محل دفن گردیده است.

بقعه سر شاه رضا، ساختمان قدیمی داشت، تا آن که شاعر نامدار ایران و اصفهان، مرحوم محمد حسین صغیر اصفهانی، متوفای ۱۳۹۰ قمری، از دنیا رفت، و جنازه او را در جوار سیر مقدس شاهرضا دفن نمودند، و به همین جهت، اداره اوقاف اصفهان، بقعه و مزار مذکور را تجدید بنا نمود، و حرم و بقعه و گنبد جالبی تأسیس کرد، که به صورت فعلی در آمده است، که مشتمل بر یک حرم هشت ترکی، با یک گنبد برای سر شاه رضا، و یک سالن برای آرامگاه مرحوم صغیر، می باشد.

۱۹- مزار عبدالله بن ... جعفر طیار علیه السلام، که واقع در جاده قدیم رهنان (رنان) می باشد، و مشهور به شاهزاده عبدالله است(۲).

ص: ۲۰۷

۱- یادداشتهای سید مصلح الدین مهدوی و تاریخچه محله خواجه، صفحه ۶۳

۲- در یک سنگ مرمر قدیمی که تاریخ ندارد، و متعلق به مزار یاد شده است، و در حال حاضر در ضریح مرقد مطهر نگهداری می شود، و با خط زیبائی حجاری شده، عبارات زیر که خصوصیات این بزرگوار را بیان می دارد، خوانده می شود: و ما توفیقی إلا بالله، تاریخ ورود حضرت ابو عبد الله جواد، فرزند حضرت جعفر طیار در سال یکصد و سی و شش، بعد از سال هجرت بوده، که تشریف به این سر منزل آورده، چون این محل قابل فیض بوده، و در قدیم اسم این سر منزل را مسجد شام گفتندی، بنابراین وطن کرده اند، و مدت نود و سه سال از عمر شریف او گذشته بود که از عالم ظاهر به عالم باطن رفته اند، به موجب تاریخ روزگار که از مورخان نام یافته، چون تاریخ ورود حضرت یکصد و سی و شش بوده، در این مقام در حساب أبجد اسم نیز ابو عبد الله، و تاریخ او می شود، و قریب یکصد و سی سید عالی نصب در این مکان مدفونند، یقین که متقیان از فیض این سر منزل محروم نمانند و از نوشته بالا استفاده می شود، که این بزرگوار، از نسل حضرت جعفر طیار (نسبت این بزرگوار به جعفر طیار، نسبت فرزند به پدر نیست، بلکه نسبت به جد می باشد، که بسیار فراوان است، و گرنه تاریخ مذکور با سال شهادت حضرت جعفر طیار علیه السلام هماهنگی نخواهد داشت) می باشد، و ابو عبد الله خوانده می شده (نه عبد الله، که مشهور بر سیر زبانها است) و دارای لقب جواد بوده، و مدت نود و سه سال عمر نموده است. ضمناً استفاده می شود که یکصد و سی نفر از سادات، در جوار آن بزرگوار دفن گردیده اند، که هیچ گونه اشاره ای به وفات یا شهادت و تاریخ ارتحال آنها نگردیده است. در تجدید بنای اخیر، نوشته فوق بر روی یک سنگ سیاه حجاری شده، و به دیوار حرم نصب گردیده، که دقیق نیست، مثلاً به جای نود و سه، نود و نه، حجاری شده است.

مزار یاد شده ، در طیّ پانزده سال اخیر ، تجدید بنا گردیده ، و حرم و ضریح طلا و نقره ای زیبا ، و گنبد و سردر مجلّی دارد ، و در کنار آن ، مسجد و حسینیّه ای ساخته شده است .

در تزیینات آن ، از گچ بری و کاشی کاری و آینه کاری استفاده شده ، و در مجموع ، بنائی زیبا و جالب می باشد .

۲۰- امامزاده عبدالله علیه السلام ، که مشهور به امامزاده سُوری می باشد ، و در محلّه در دشت ، نزدیک مسجد سُوری واقع گردیده ، و طبق سنگ نوشته ای که بر دیوار نصب شده ، و تاریخ آن ۱۰۹۱ می باشد ، این امامزاده از نسل امام جعفر بن محمد

ص: ۲۰۸

الصّادق علیه السلام است (۱) و در قدیمی آن ، مورّخ به سال ۹۱۹ می باشد (۲).

۲۱ - إمامزاده سیّد علاء الدّین ( محمّد ) ، که مشهور به شهشهان ( مخفّف شاه شاهان ) می باشد ، و درباره شخصیت علمی و اجتماعی و بقعه و مزار او ، در بخش ( مدارس علمیه اصفهان ، قبل از صفویه ) و نیز بخش ( بقعه های علمی اصفهان ) بحث نموده ایم .

۲۲ - سّتی فاطمه علیها السلام ، إمامزاده ای است واقع در محله چهارسوق ، خیابان آیه الله کاشانی ، که در زمان صفویه اهمیت زیادی داشته ، و دارای مقبره و صحن و ضریح می باشد . صاحب قبر را ، فاطمه صغری دختر امام موسی بن جعفر علیه السلام می خوانند (۳) و عدّه ای از خاندان صفویه و علماء خاندان علمی خلیفه سلطانی ، در جوار آن حضرت ، مدفون می باشند .

۲۳ - إمامزاده کزار ، که در خیابان جی ، محله بوزان واقع می باشد ، و حرمی وسیع با رواقهای متعدّد و گنبدی بزرگ دارد . ساختمان اصلی آن ، متعلّق به سال ۵۲۸ می باشد ، و تعمیرات آن در سال ۷۱۳ و در نوبت دیگر ، در سال ۱۳۱۳ انجام گرفته است . بنای فعلی ، که همراه با توسعه و تجدید است ، از سال ۱۳۵۹ شمسی ( ۱۴۰۰ قمری ) شروع گردیده ، و تا کنون ( ۱۴۱۶ قمری ) ادامه دارد ، و در حال تکمیل و نماسازی و تزئین می باشد .

۲۴ - إمامزاده سیّد محمد علیه السلام ، که واقع در اتوبان دانشگاه صنعتی اصفهان ، در فاصله سه کیلومتری خمینی شهر می باشد ، و با نسب سیّد محمّد بن زید بن علی بن

ص: ۲۰۹

---

۱- آثار ملی اصفهان ، صفحه ۷۶

۲- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۸۶۲

۳- به بخش مربوط به زینبیه ، « قسمت نسب حضرت زینب علیها السلام » ، مراجعه شود

الحسین علیه السلام شهرت دارد . ساختمان قدیمی آن خراب گردیده ، و تجدید بنا شده ، و در حال تکمیل و تزیین و کاشی کاری می باشد .

حرم و گنبد بزرگ و ضریح طلا- و نقره ای دارد ، و در جوار او بسیاری از مؤمنین و صلحاء ، و بالأخص جمعی از علماء ، مدفون گردیده اند .

۲۵- امامزاده سید محمد علیه السلام ( شاه قاضی ) ، که ساختمان آن تجدید گردیده ، و کاشی کاری شده ، و کامل گردیده است ، و محل آن در کنار روستای خاتون آباد ، از توابع خوراسگان می باشد .

این امامزاده ، صحن و گنبد و بارگاه و ضریح و سایر لوازم یک زیارتگاه دینی را دارد، و گفته می شود که صاحب مزار ، از نسل محمد حنفیه است .

۲۶- امامزاده محمد باقر علیه السلام ( خیادان ) ، که واقع در خوراسگان « محله خیادان » میباشد ، و به مناسبت نام محل ، به نام امامزاده خیادان خوانده می شود . ساختمان قدیمی آن هنوز باقی است ، ولی ساختمان مجلل و مفصّلی برای آن ، در حال احداث می باشد . این امامزاده را به حضرت موسی بن جعفر علیه السلام منتسب می دانند .

۲۷- امامزاده مختار علیه السلام ، که واقع در روستای چنگان ، در نزدیکی خوراسگان میباشد ، و گنبد و حرم و بقعه و رواق دارد، ولی کاشیکاری و تزیین نگردیده است .

۲۸- امامزاده مرتضی علیه السلام ، واقع در خیابان هاتف ، نزدیک امامزاده جعفریه و در جنوب صحن آن قرار دارد ، و دارای بقعه و ضریح چوبی می باشد . گفته می شود که آن بزرگوار ، پدر یا برادر امامزاده جعفر علیه السلام ، و از علماء و سادات



جلیل القدر بوده ، و به شهادت رسیده است (۱).

۲۹- امامزاده موسی علیه السلام، که واقع در حاشیه خیابان آیه الله کاشانی می باشد و تجدید بنا گردیده ، و درای ضریح و حرم ( همراه با کاشی کاری و تزیینات ) می باشد ، و گفته می شود که مدفون در این مزار مقدس ، از نسل حضرت امام موسی بن جعفر علیه السلام می باشد .

۳۰- امامزاده سید نجم الدین علیه السلام ، که واقع در محله جوی آباد ، خیابان کهندژ ( بین اصفهان و خمینی شهر ) می باشد ، و نسب آن بزرگوار ، به امام علی بن الحسین علیه السلام می رسد . ساختمان امامزاده قدیمی بوده ، ولی در حال تجدید بنا - است ، و دارای گنبد و ضریح و بقعه و بارگاه میباشد . این امامزاده سنگ لوحه قدیمی دارد ، که روی آن نوشته شده است:

السَّيِّدُ نَجْمُ الدِّينِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَيِّدِ شَرَفِ الدِّينِ بْنِ مُحَمَّدِ الْحُسَيْنِيِّ

شعبان المعظم سبعماء و ثمانين من الهجرة النبويه ۷۸۰

### شرح حال اجمالی از سایر امامزادگان اصفهان و حومه

و هم چنین، در اصفهان و نیز منطقه شهرضا، خمینی شهر ، لنجان، قهیدریجان و فلاورجان ، بُرخوار ، برآآن ، قُهاب و خُوراشیگان و جی ، کوهپایه و جرقویه ، مورچه خُورت و مینمه و ... ، امامزادگانی وجود دارند ، که مزارشان محلّ توجه مردم و جایگاه عبادت و زیارت می باشد ، و از سنگرهای دین و ولایت اهل البيت عليهم السلام به شمار می رود، ولی معرّفی تمام آنها و ذکر تمام خصوصیات شخصیت و بقعه و بارگاه آنان ، در مسیر هدف کتاب نمی باشد .

ص: ۲۱۱

---

۱- به بخش ( بقعه های علمی اصفهان « جعفریه » ) مراجعه شود

کی توان پهلو زند شهری به شهر اصفهان

اصفهان اندر جهان یکتا و بی همتاست

گر چه میگویند باشد اصفهان نصف جهان

(بی ریا) گوید صفاهان یک جهان تنهاست

رضائی (بیریا) اصفهانی

ص: ۲۱۲

## ۶- محدّثین شیعه اصفهان، از ریشه های تشیع در اصفهان

### اشاره

محدّثین شیعه اصفهانی از ریشه های تشیع در اصفهان

ص: ۲۱۳



در این بخش، جمعی از محدثین شیعه را، که از اصفهان برخاسته اند و یا در این شهر تاریخی و مرکز علم، سکونت داشته و فعالیت علمی نموده اند، مورد بحث قرار می‌دهیم.

وجود شمار قابل توجهی از محدثین شیعه از اصفهان (که جمعی از آنها، از اصحاب ائمه معصومین علیهم السلام به شمار آمده اند) نشانه ای روشن، برای سابقه تشیع در اصفهان می باشد، و از ریشه های ارزشمند مکتب اهل بیت علیهم السلام در این شهر تاریخی و بزرگی است، که در قرنهای اخیر، به عنوان شهر ولایت، و مهد پرورش پرچمداران مکتب تشیع، شناخته شده است.

در ابتداء، به ترتیب حروف اول نام محدثین، آنها را ذکر می کنیم و در پایان، چند نفری که نام آنها به دست نیامده، و فقط کنیه آنها مشخص شده، یاد می کنیم، و در آخر، محدثی را، که فقط با عنوان (الأصفهانی) در کتاب (کافی) مطرح گردیده، ذکر می نمائیم.

### ۱- آمنه بنت عبّاد طباطبائی علوی

از زنهاى محدّثه قرن پنجم و ششم در اصفهان بوده، و نسب او چنین می باشد: بنت عبّاد بن علی بن حمزه بن طباطبا علوی(۱)، وی در شهر اصفهان حوزه درسی داشته، و جمعی از فضلاء از محضر او استفاده می نموده اند (۲).

ص: ۲۱۵

---

۱- أعلام النساء، عمر رضا کحّاله، جلد ۱، صفحه ۱۴

۲- دائرة المعارف تشیع، جلد ۱، صفحه ۲۳۶

وی ، سر سلسلهٔ خاندان بزرگ و علمی طباطبائی ، و ساکن و مدفون در اصفهان می باشد ، و نسل او در بسیاری از کشورهای اسلامی و غیر اسلامی ، پراکنده اند و در طول ۱۳ قرن ، چهره های برجسته علمی و ادبی و اجتماعی فراوان ، از میان آنها برخاسته اند ، و در بخش ( خاندانهای علمی اصفهان ) از آن خاندان یاد کرده ایم .

ابراهیم طباطبا ، در کتاب رجال شیخ طوسی ، جزء اصحاب امام صادق علیه السلام به شمار آمده و نسب او چنین ذکر گردیده است : ابراهیم بن اسماعیل بن ابراهیم بن حسن بن امام الحسن المجتبی علیه السلام (۱).

مرحوم اردبیلی در جامع الزّواه ، در ذیل عنوان او (۲) اشاره نموده است به حدیثی در کتاب اصول کافی (۳) که علی بن حسان ، از ابراهیم بن اسماعیل ، از ابن جبل ، از امام صادق علیه السلام نقل نموده ، دربارهٔ قومی از جن ، که به محضر امام صادق علیه السلام مشرف شده بودند ، و طبق این نقل ، ابراهیم طباطبا، با یک واسطه ، راوی از امام صادق علیه السلام ، به شمار می رود . ابراهیم طباطبا، از شخصیت های برجسته است و صاحب کتاب ( عمده الطالب فی أنساب آل ابي طالب ) او را با این عبارت توصیف و تمجید نموده است : و كان ابراهیم طباطبا ذا حَظَرٍ و تَقَدُّمٍ (۴)

که این عبارت ، گویای عظمت شخصیت و تقدّم و برتری اجتماعی او است .

ص: ۲۱۶

---

۱- رجال شیخ طوسی، صفحه ۱۴۴، معجم رجال الحدیث، جلد ۱، صفحه ۲۱۱ و تنقیح المقال، جلد ۱، صفحه ۱۴

۲- جامع الزّواه ، جلد ۱، صفحه ۱۹

۳- اصول کافی ، جلد ۱ ، صفحه ۳۹۴، حدیث ۲

۴- عمده الطالب ، صفحه ۱۷۲

برای آشنائی بیشتر با شخصیت این بزرگمرد، به بخش ( خاندانهای علمی اصفهان ) مراجعه شود .

### ۳- ابراهیم بن شیبۀ اصفهانی

وی، در اصل کاشانی بوده، و در کتاب کافی و تهذیب و استبصار، از او حدیث نقل شده است (۱). مرحوم شیخ طوسی او را جزء أصحاب امام جواد و امام هادی علیهما السلام ذکر نموده است (۲).

أحمد بن محمد بن أبی نصر بزندی، و موسی بن جعفر بن وهب، از او نقل حدیث نموده اند (۳).

### ۴- ابراهیم بن قتیبة اصفهانی

وی از اهل اصفهان بوده (۴) و نجاشی برای او کتابی ذکر کرده (۵) و نیز شیخ طوسی او را در شمار مصنفین شیعه برشمرده است (۶).

### ۵- ابراهیم بن محمد بن سعید... ثقفی اصفهانی

درباره این محدث بزرگ و نامدار، و ناشر عظیم الشأن مکتب امامت و ولایت، در بخش « نامداران بزرگ از چهره های علمی اصفهان، از قرن ۳ تا ۱۰ » به تفصیل بحث کرده ایم مراجعه شود .

ص: ۲۱۷

---

۱- جامع الزّواہ، جلد ۱، صفحه ۲۲ و معجم الرجال الحدیث، جلد ۱، صفحه ۲۳۶

۲- رجال شیخ طوسی، صفحه ۳۹۸ و ۴۱۱

۳- پاورقی رجال شیخ طوسی، ( از سید محمد صادق آل بحر العلوم ) صفحه ۳۹۸

۴- جامع الزّواہ، جلد ۱، صفحه ۳۰

۵- رجال نجاشی، صفحه ۱۷

۶- ألفهرست، شیخ طوسی، صفحه ۸

## ۶- أحمد بن أبي السري، الغزاة الإصفهاني

حافظ أبونعيم اصفهاني، از اين محدث ياد نموده، و او را در زمرة محدثين اصفهان برشمرده است (۱) در يادداشتهاي نويسنده متتبع آقاي سيد مصلح الدين مهدوي، از اين محدث به عنوان شيعه اصفهاني، ياد شده ولي اطلاع ديگري در اين زمينه بدست نيامد.

## أحمد بن أحمد بن فضل اصفهاني

به عنوان ( أحمد بن مفضل، أبو سلمة اصفهاني ) مراجعه شود.

## ۷- أحمد بن عبد الرحمن... بن قدامة السعدي

يكي از محدثين مورد توجه در اصفهان، أحمد بن عبد الرحمن بن بحر بن يزيد بن زياد بن جاريه بن قدامة السعدي است، كه اصلاً اهل كوفه بوده و به اصفهان وارد شده است، و حديث گفته و رسماً شيعه بوده، و حافظ أبونعيم، او را در زمرة محدثين شمرده، و تشيع او را به صراحت اعلام داشته، و نوشته است: و كان شيعياً... (۲). او، از مسلم بن ابراهيم، و عبيد الله بن موسي، روايت مي نموده است (۳). محمد بن ابراهيم بن سعيد و شاء، كه از محدثين قرن سوم بوده، و در سال ۲۹۹ وفات يافته (۴) از أحمد بن عبد الرحمن سعدي كوفي، نقل حديث نموده است (۵).

ص: ۲۱۸

۱- ذكر أخبار أصبهان، جلد ۱، صفحه ۱۱

۲- ذكر أخبار أصبهان، جلد ۱، صفحه ۸۸ - ۸۹

۳- ذكر أخبار أصبهان، جلد ۱، صفحه ۹۵

۴- ذكر أخبار أصبهان، جلد ۲، صفحه ۲۳۴ - ۲۳۵

۵- به ذكر أخبار أصبهان، جلد ۱، صفحه ۹۵ (وسط صفحه) مراجعه شود



علامه مجلسی در بحار الأنوار، در مواردی متعدّد، احادیثی را از کتب معتبره اعلام شیعه همانند: مرحوم شیخ صدوق و مرحوم سید بن طاووس، نقل نموده که در سند آنها أحمد بن علی اصفهانی وجود دارد، و در بسیاری از آنها، از ابراهیم بن محمد ثقفی (چهره درخشان شیعه) نقل حدیث نموده است، و ما ذیلاً به آنها اشاره می‌نمائیم.

۱- در قسمت عدل و معاد، در باب احوال متّقین و مجرمین در روز قیامت، از کتاب فضائل الشیعه شیخ صدوق، حدیث بسیار جالبی را درباره محبت امیر المؤمنین علی علیه السلام و آثار بسیار آن در دنیا و آخرت، نقل می‌فرماید و سند آن حدیث، به این ترتیب می‌باشد:

روی الصدوق (ره) عن أبيه عن المؤدّب (۱) عن أحمد بن علی الإصفهانی، عن محمد بن أسلم الطوسی، ... عن النبی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ ... (۲).

۲- در بحث معراج و کیفیت آن، حدیثی را از معانی الأخبار شیخ صدوق، درباره معراج، که در آخر آن از عظمت ایمان علی علیه السلام، یاد شده، نقل می‌فرماید: با این سند: معانی الأخبار، اَبی، عن عبد الله بن الحسن المؤدّب، عن أحمد بن علی الإصفهانی، عن ابراهیم بن محمد (۳)، عن الحكم بن سليمان ... قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ (۴).

ص: ۲۱۹

۱- مراد، عبدالله ابن الحسن المؤدّب است

۲- بحار الأنوار، جلد ۷، صفحه ۲۲۱

۳- مقصود، ابراهیم بن محمد ثقفی است

۴- بحار الأنوار، جلد ۱۸، صفحه ۳۴۴

۳- در باب فضائل سلمان و اَبی ذر و عَمّار یاسر و ... حدیثی را نقل می فرماید ، از امالی شیخ صدوق، از امیر المؤمنین علی علیه السلام با این سند :

أمالی الصّیدوق ، اَبی ، عن عبد الله بن الحسن المؤدّب ، عن أحمد بن علی الإصفهانی ، عن ابراهیم بن محمّد الثّقفی ... عن علی علیه السلام (۱). ۴- و در قسمت تاریخ زندگی و فضائل علی علیه السلام ، در باب این که حُبُّ علی علیه السلام ایمانٌ ، وَ بُغْضُهُ کُفْرٌ، حدیثی بسیار جالبی را ( مشابه حدیث شماره ۱، مذکور در فوق ) به نقل از کتاب الأربعین عن الأربعین فی فضائل امیر المؤمنین علیه السلام نقل نموده و سپس فرموده است : رواه الصّدوق محمّد بن أبویه ، فی کتاب فضائل الشّیعه ، عن اَبیه ، عن عبد الله بن الحسین المؤدّب ، عن أحمد بن علی اصفهانی ، عن محمّد بن أسلم الطّوسی ... (۲).

۵- و در کتاب الصّیلاه ، در باب فضائل نماز شب ، حدیثی را از معانی الأخبار شیخ صدوق ، با این سند نقل می فرماید : ... عن عبد الله بن الحسن المؤدّب ، عن أحمد بن علی الإصفهانی ، عن ابراهیم بن محمّد الثّقفی ... عن جعفر بن محمّد الصّادق علیه السلام... (۳) .

۶- و در کتاب الصّیلاه ، باب الإستخاره بالدّعاء ، حدیثی را از کتاب فتح الأبواب ، سیّد بن طاووس حلّی ، نقل می فرماید ، با این اسناد : أَلْفَتْح ، عن الحسن بن أحمد بن ابراهیم بن شاذان ، عن أحمد بن یعقوب الإصفهانی ، عن أحمد بن علی الإصفهانی ، عن ابراهیم بن محمّد الثّقفی ... ، عن علی بن الحسین علیه السلام (۴) .

ص: ۲۲۰

۱- أمالی صدوق ، و بحار الأنوار ، جلد ۲۲ ، صفحه ۳۱۹

۲- بحار الأنوار ، جلد ۳۹ ، صفحه ۲۷۷ - ۲۷۸

۳- بحار الأنوار ، جلد ۸۷ ، صفحه ۱۵۰

۴- بحار الأنوار ، جلد ۹۱ ، صفحه ۲۶۷

۷- و در کتاب الذکر و الدعاء ، باب ادعیه السر، حدیث فوق را از کتاب فتح الأبواب با تفاوتی در عبارت سند ، نقل نموده که بدین قرار می باشد: ... أخبرنا أبوعلی ، الحسن بن أحمد بن ابراهیم بن شاذان ، قال حدثنا أبو جعفر أحمد بن یعقوب بن یوسف الإصطهانی ، فی جمادی الأولى ، من سینه تسع وأربعین وثلاث مائه ، قال : حدثنا أبو جعفر أحمد بن علی الإصطهانی ، صاحب الشاذکونی (۱) قال حدثنا أبو إسحق إبراهيم بن محمد الثقفی ... عن علی بن الحسين عليه السلام (۲).

با توجه به راوی از او ، یعنی عبد الله بن الحسن المؤدب و نیز با توجه به شیخ حدیث او (که از او نقل حدیث می نماید) یعنی ابراهیم بن محمد ثقفی و نیز با توجه به کنیه او (أبو جعفر) که در آخرین حدیث ذکر گردید ، به نظر می رسد (احتمالاً) أحمد بن علی اصفهانی ، همان أبو جعفر ابن علویة اصفهانی ، باشد .

علامه بزرگوار، حاج آقا بزرگ طهرانی، أحمد بن علی اصفهانی را ، جزء رواه شیعه ، در قرن چهارم هجری ، ذکر نموده است (۳) .

## ۹- أحمد بن محمد سیاری

أبو عبدالله کاتب ، أحمد بن محمد بن سیار (۴) ، که دارای تألیفاتی بوده ، و وثاقت و روایاتش ، محل بحث قرار گرفته است . بسیاری از بزرگان فقه و حدیث ، همانند : مرحوم کلینی ، در کافی ، و مرحوم شیخ طوسی ، در تهذیب

ص: ۲۲۱

۱- شاذکونی ، نامش سلیمان بن داود منقری است، و از رواه شیعه می باشد ، و در کتابهای رجال نجاشی و فهرست شیخ طوسی و خلاصه علامه حلّی و جامع الزّواه و ... ذکر گردیده ، و أحمد بن علی اصفهانی، مصاحب و رفیق او بوده است

۲- بحار الأنوار ، جلد ۹۵ ، صفحه ۳۲۵

۳- نوابغ الزّواه فی رابعه المآت ، صفحه ۳۲

۴- سیار ، جدّ أحمد، می باشد

و استبصار ، و ابن ادريس حلی و شيخ حسن بن سليمان حلی ( در مختصر بصائر الدرجات ) و ... ، روایات او را نقل نموده اند

مرحوم شيخ طوسی ، درباره او نوشته : صَنَّفَ كُتُبًا كَثِيرَةً ، و بدین وسیله او را از مصنفین شیعه ، بر شمرده است (۱).

أحمد بن محمد سیاری را ، بسیاری از رجالیین ، بصری خوانده اند ، ولی مرحوم کشی ( رجالی نامدار ) درباره او می نویسد : إِضْفَهَانِيَّ وَ يُقَالُ الْبُصْرِيُّ (۲) که استفاده می شود ، نظر مرحوم کشی این است که او اصفهانی است ، ولی گفته می شود که بصری بوده ، و ضمناً اعلام می دارد که او ، در زمان امام حسن عسکری علیه السلام بوده است (۳).

#### ۱۰- أحمد بن محمد بن أسيد اصفهانی

در کتاب شریف خصال ، از مرحوم شيخ صدوق قُدُسُ سِرُّهُ حدیثی نقل شده ، از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ ، که سند آن حدیث چنین می باشد :

حَدَّثَنَا أَبُو أَحْمَدَ ، الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَعِيدِ الْعَسْكَرِيِّ ، قَالَ أَخْبَرَنَا أَبُو أُسَيْدٍ ، أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ أُسَيْدِ الْإِضْبَهَانِيِّ ، قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ يَحْيَى الصُّوفِيُّ ... ، قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ : أَشَدُّمَا يَتَخَوَّفُ عَلَى أُمَّتِي ثَلَاثَةٌ ، زَلَّةٌ عَالِمٍ وَ ... (۴). همین حدیث را ، علامه مجلسی در بحار الأنوار ، جلد ۲ ، صفحه ۴۹ نقل

ص: ۲۲۲

۱- ألفهرست شيخ طوسی ، صفحه ۲۳

۲- رجال کشی ، صفحه ۵۰۵

۳- درباره این راوی ، و مشخصات علمی و اجتماعی ، به کتاب تنقیح المقال جلد ۱ ، صفحه ۸۷ ، و جامع الزواہ ، جلد ۱ ، صفحه ۶۷ ، و دیگر کتب رجالی ، مراجعه شود

۴- خصال شيخ صدوق ، نشر مکتبه الصدوق ، جلد ۱ ، صفحه ۱۶۳

فرموده است .

### ۱۱- أحمد بن محمد ( ابن فاذشاه )

أبو الحسن اصفهانی (۱)، معروف به ابن فاذشاه ، که نام او و پدر و جدّش ، چنین می باشد : أحمد بن محمد بن حسین ، و در سال ۴۳۳ وفات یافته است .

او راوی کتاب معجم کبیر ، از طبرانی می باشد ، و جمعی از روات اصفهانی ، از او نقل روایت نموده اند (۲). ابن حجر عسقلانی و ذهبی ، صریحاً او را ، شیعی مذهب ، معرفی کرده اند ، ولی او را از نظر نقل حدیث ، معتبر دانسته و گفته اند : ( سماعه صحیح ) و همین مطلب را ، از ابوزکریا بن مُنّده ، نیز نقل کرده اند (۳).

این بزرگمرد ، علاوه بر مقام علمی ، دارای ریاست بوده ، و لذا او را با عنوان ( الرّئیس ) یاد کرده اند ، و شعر نیز می سروده است .

### ۱۲- أحمد بن محمد بن بطة اصفهانی

أحمد بن محمد بن بطة بن اسحاق بن ابراهیم مدینی اصفهانی ، متوفای ۳۱۳ ، حافظ أبونعیم او را مورد وثوق و مصاحب نیکوکاران دانسته و فرموده است : ثَقَّه صَحْب الصّالحین (۴). نویسنده معاصر آقای سید مصلح الدین مهدوی ، معتقد هستند که محدث یاد شده ، همان است که ، علامه بزرگوار ،

ص: ۲۲۳

- 
- ۱- در لسان المیزان ، کنیه او را أبو الحسن ، و در مرآت الجنان یافعی ، و نیز در أعیان الشّیعه ، و طبقات حاج آقا بزرگ طهرانی ، ( الثّابِس فی القرن الخامس ) کنیه او را أبو الحسین ، ضبط نموده اند
  - ۲- أعیان الشّیعه ، جلد ۳ ، صفحه ۱۰۴ ، و لسان المیزان ، جلد ۱ ، صفحه ۲۶۲
  - ۳- لسان المیزان ، جلد ۱ ، صفحه ۲۶۲ و میزان الاعتدال ، جلد ۱ ، صفحه ۱۳۶
  - ۴- به ذکر أخبار إصبهان ، جلد ۱ ، صفحه ۱۱۹ و ۱۳۳ ، مراجعه شود

آقا بزرگ طهرانی ، در طبقات خود ، در بخش راویان قرن چهارم یاد نموده ، تحت عنوان أحمد بن محمد بن بطله ، و فرموده است که : أبو الحسن محمد بن أحمد بن عیید الله بن عیسی بن أحمد منصوری (که از مشایخ تلکبری است ) و همچنین أبو محمد فحام ، از او روایت نموده اند(۱). ولی در این زمینه تحقیق بیشتر لازم است ، مخصوصاً با توجه به نوشته علامه طهرانی ، که در مورد أحمد بن محمد بن بطله ، فرموده : و الظاهر أنّ والده محمد بن جعفر الآتی ، و در ذیل عنوان محمد بن جعفر بن أحمد بن بطله می فرماید : أبو جعفر المؤدّب القمی (۲) که از عبارت یاد شده استفاده می شود که ، محدث مذکور ، قمی است ، ولی از طرف دیگر ، نام جعفر و أحمد ، بین محمد و بطله ، این احتمال را تقویت می کند که پدر أحمد بن محمد بن بطله ، محمد بن جعفر بن أحمد بن بطله ، قمی نباشد ، « و العلم عند الله ».

### ۱۳- أحمد بن مفضل، أبو سلمة اصفهانی، یا، أحمد بن أحمد بن فضل اصفهانی

در کتاب شریف بشاره المصطفی ، حدیث مفضل و پرفیض وصیت های امیر المؤمنین علی علیه السلام به کمیل بن زیاد نخعی را نقل نموده ، و در سند آن چنین آمده است : أَخْبَرَنَا الشَّيْخُ أَبُو الْبَقَاءِ ، إِبرَاهِيمُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ إِبرَاهِيمَ الْبَصِيرِي ، بِقِرَائَتِي عَلَيْهِ فِي الْمَحْرَمِ سَنَةِ سِتِّ عَشَرَ وَ خَمْسِ مِائَةٍ ، بِمَشْهَدِ مَوْلَانَا أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو طَالِبٍ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ عُتْبَةَ ، قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ أَحْمَدَ ، قَالَ أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ

ص: ۲۲۴

۱- نوابغ الزّواہ ، صفحه ۴۲

۲- نوابغ الزّواہ ، صفحه ۲۵۳

وَهَبَانَ الدُّبَيْلِي (الدُّبَيْلِي ) ، قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ كَثِيرٍ الْعَسِيكِرِي ، قَالَ حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ الْمُفَضَّلِ ، أَبُو سَيْلَمَةَ الْإِصْفَهَانِي ، قَالَ أَخْبَرَنِي رَاشِدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ وَايِلِ الْقُرَشِي ، قَالَ حَدَّثَنِي عَبْدُ اللَّهِ بْنُ حَفْصِ الْمَدَنِي ، قَالَ أَخْبَرَنِي مُحَمَّدُ بْنُ إِسْحَاقَ ، عَنْ سَعِيدِ بْنِ زَيْدِ بْنِ أَرْطَاه ، قَالَ لَقِيتُ كَمَيْلَ بْنَ زِيَادٍ ... (١).

علامه مجلسی در بحار الأنوار ، جلد ۷۷ ، صفحه ۲۶۸ تا صفحه ۲۷۹ ، همین حدیث را نقل نموده ، ولی به جای احمد بن مفضل ، ابوسلمه الإصفهانی ، احمد بن احمد بن فضل اصفهانی ، ذکر فرموده است .

#### ۱۴- احمد بن يعقوب اصفهانی

کنیه او ابوجعفر می باشد ، و از روایانی است که ، شیخ طوسی در کتاب تهذیب ، از او نقل حدیث نموده ، بدین ترتیب:

أَحْمَدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي رَافِعٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ أَحْمَدَ بْنِ يَعْقُوبَ الْإِصْفَهَانِي ، قَالَ : حَدَّثَنِي أَبُو جَعْفَرٍ أَحْمَدُ بْنُ عَلَوِيَّةٍ ، قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو إِسْحَاقَ إِبْرَاهِيمُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدِ الثَّقَفِيِّ ... عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ . (٢)(٣) .

از این عبارت استفاده می شود که ، او از شاگردان و روایان ابن علویه اصفهانی ( اديب و محدث نامدار و عظيم الشان شيعه ) می باشد .

علامه مجلسی ، در کتاب الصیلموه ، باب الإستخاره بالدعاء ، حدیثی را از کتاب فتح الأبواب سید بن طاووس حلی ، نقل می نماید بدین سند :

الْفَتْحُ ، عَنْ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ شاذَانَ ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ يَعْقُوبَ

ص: ۲۲۵

۱- بشاره المصطفى ، صفحه ۲۹-۳۰

۲- التهذیب ، جلد ۳ ، صفحه ۸۶ ، حدیث ۱۶

۳- به جامع الرواه ، جلد ۱ ، صفحه ۷۵ ، و تنقیح المقال ، جلد ۱ ، صفحه ۱۰۲ مراجعه شود

الإصْفَهَانِي عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَلِيٍّ الْإِصْفَهَانِي ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ السَّعِيدِ الثَّقَفِيِّ ... ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَام (١).

و همچنین علامه مجلسی در کتاب الذکر و الدعاء ، در باب ادعیه السِّرِّ ، همین حدیث را از فتح الأبواب سید بن طاووس نقل می نماید ، با کمی تفاوت در سند ، بدین شکل : أَخْبَرَنَا أَبُو عَلِيٍّ ، الْحَسَنُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ شاذَانَ ، قَالَ : حَدَّثَنَا أَبُو جَعْفَرٍ ، أَحْمَدُ بْنُ يَعْقُوبَ بْنِ يُوسُفَ الْإِصْفَهَانِي ، فِي جُمَادَى الْأُولَى مِنْ سَنَةِ تِسْعٍ وَأَرْبَعِينَ وَثَلَاثَ مِائَةٍ ، قَالَ : حَدَّثَنَا أَبُو جَعْفَرٍ أَحْمَدُ بْنُ عَلِيٍّ الْإِصْفَهَانِي ، صَاحِبُ الشَّاذْكَوْنِي ، قَالَ : حَدَّثَنَا أَبُو إِسْحَاقَ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدِ الثَّقَفِيِّ ... عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَام (٢). از عبارت بالا استفاده می شود ، که أحمد بن یعقوب اصفهانی ، از علماء و محدثین قرن چهارم بوده ، و در سال ٣٤٩ ، حدیث فوق را نقل نموده است . علامه طهرانی نیز در طبقات خود ، أحمد بن یعقوب را ، جزء روات شیعه ، در قرن چهارم بر شمرده اند (٣).

### ١٥- ادریس بن عبد الله اصفهانی

وی از اصحاب امام صادق علیه السلام بوده (٤) و از رواه شیعه می باشد (٥) .

### ١٦- أسعد بن عبد القاهر بن أسعد اصفهانی

وی ، از چهره های نامدار و از مفاخر محدثین می باشد ، و ما ، در بخش

ص: ٢٢٦

١- بحار الأنوار ، جلد ٩١ ، صفحه ٢٦٧

٢- بحار الأنوار ، جلد ٩٥ ، صفحه ٣٢٥

٣- نوابغ الرواه ، فی رابعه المآت ، صفحه ٦٠

٤- رجال شیخ طوسی ، صفحه ١٥٠ ، معجم رجال الحدیث ، جلد ٣ ، صفحه ١١

٥- تنقیح المقال ، جلد ١ ، صفحه ١٠٥



« نامداران بزرگ از چهره های علمی و ادبی اصفهان » به تفصیل از این بزرگمرد یاد نموده ایم ، مراجعه شود .

### ۱۷- بدران بن شریف اصفهانی

در بخش ( چهره های علمی و ادبی شیعه از قرن سوم تا دهم « قرن پنجم » ) ذکر نموده ایم ، مراجعه شود .

### ۱۸- براقه اصفهانی

مرحوم شیخ طوسی ، در کتاب شریف التّهذیب ( که از کتب اربعه می باشد ) در کتاب الصّوم، باب ۵۵، درباره جواز سرمه کشیدن برای روزه دار ، حدیثی را نقل می نماید، که در سند آن ، آمده است:

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ، عَنِ إِبرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ، عَنِ بُرَاقَةَ الْإِصْطَبَهَانِيَّةِ، عَنِ غِيَاثِ بْنِ إِبرَاهِيمَ، عَنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ أَبِيهِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ (۱).

### ۱۹- جعفر بن سلمه اصفهانی

وی از مشایخ علی بن ابراهیم قمی می باشد . علامه بزرگوار حاج آقا بزرگ طهرانی ، در معرفی کسانی که علی بن ابراهیم از آنها روایت می نماید ، از جعفر بن سلمه اصفهانی ، نام می برد (۲) ، و با توجه به اینکه علی بن ابراهیم قمی ، تا سال ۳۰۷ زنده بوده (۳) ، می توان جعفر بن سلمه را از محدّثین اواخر قرن سوم و احتمالاً باقی مانده تا اوائل قرن چهارم ، دانست .

ص: ۲۲۷

۱- تهذیب الأحکام، جلد ۴، صفحه ۲۱۴ ، حدیث ۲۹

۲- نوابغ الزّواہ فی رابعه المأت ، صفحه ۱۶۸، در ذیل نام علی بن ابراهیم قمی

۳- تنقیح المقال ، و نوابغ الزّواہ

## ۲۰- جعفر بن محمد بن سعید ثقفی

وی برادر ابراهیم بن محمد بن سعید ثقفی، و نیز علی بن محمد ثقفی کوفی است. این چند برادر، به اصفهان هجرت نمودند، و همه از محدثین بودند، و بالأخص، ابراهیم بن محمد بن سعید، که از مفاخر بزرگ محدثین شیعه می باشد. علی بن محمد ثقفی، در سال ۲۸۲، در اصفهان وفات یافت (۱) و با توجه به این مطلب می توان جعفر بن محمد بن سعید ثقفی را، از علماء و محدثین نیمه دوم قرن سوم هجری، به شمار آورد. حافظ ابو نعیم، از جعفر بن محمد بن سعید، یاد نموده و از او حدیثی نقل کرده است (۲).

## ۲۱- حسن بن عطاء بن ... شاذویه

حسن بن عطاء بن یزید بن سعید شاذویه ( که بعضی شاذان، و بعضی دیگر شاذه تلفظ نموده اند ).

وی، از محدثین اصفهان بوده، و حافظ ابو نعیم اصفهانی، درباره او می نویسد: **كَانَ يَتَشَيَّعُ (۳)**، که از این عبارت استفاده می شود، نه تنها از شیعیان بوده، بلکه تشیع خود را علنی مینموده، و اظهار می کرده است.

## ۲۲- حسن بن علویة اصفهانی

ابومحمد، حسن بن علویة قماص. مرحوم کشی، در کتاب رجال خود، در شرح حال یونس بن عبد الرحمن ( فقیه بزرگ و مرجع دینی مردم، به امر

ص: ۲۲۸

۱- ذکر اخبار اصفهان، جلد ۲، صفحه ۷

۲- ذکر اخبار اصفهان، جلد ۱، صفحه ۲۴۴

۳- ذکر اخبار اصفهان، جلد ۱، صفحه ۲۵۶

و تأیید امام علی بن موسی الرضا علیه السلام ( حدیثی نقل نموده با این سند : وَجَدْتُ بِخَطِّ مُحَمَّدِ بْنِ شاذَانَ بْنِ نُعَيْمٍ ، فِي كِتَابِهِ ، سَمِعْتُ أَبَا مُحَمَّدٍ الْقَمِيَّاصِ ، الْحَسَنَ بْنَ عَلَوِيَّهِ ، الثَّقَةَ ، يَقُولُ : سَمِعْتُ الْفَضْلَ بْنَ شاذَانَ ، يَقُولُ : حَرَّجَ يُونُسُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ أَرْبَعًا وَخَمْسِينَ حِجَّةً وَاعْتَمَرَ أَرْبَعًا وَخَمْسِينَ عُمْرَةً ، وَ أَلْفَ أَلْفٍ جَلْدٍ رَدًّا عَلَى الْمُخَالِفِينَ ... (۱).

علامه بزرگوار امین شامی ، در اعیان الشیعه می فرماید : وَ فِي التَّعْلِيْقَةِ ، لَعَلَّهُ أَخُو أَحْمَدَ بْنِ عَلَوِيَّهِ الْإِصْفَهَانِيِّ الَّذِي مَرَّ وَ الطَّبَقَةُ لَا تَأْبَاهُ فَإِنَّ .... (۲).

و با توجه به این گفتار ، احتمال داده می شود که حسن بن علویّه ( که در عبارت بالا توثیق گردیده و برادر احمد بن علویّه اصفهانی ( بزرگمرد علم و ادب و حدیث و شعر ) باشد، و از محدثین اصفهان به شمار رود، و با توجه به سال وفات احمد بن علویّه ( ۳۲۰ )، حسن بن علویّه ، از شخصیت های اواخر قرن سوم یا اوائل قرن چهارم ، به شمار می آید .

### ۲۳- سرّی بن سلامه اصفهانی

مرحوم شیخ طوسی ، او را جزء صاحبان کتاب و تألیف ذکر نموده، (۳) و در جامع الزّواه و تنقیح المقال ، مورد ذکر قرار گرفته (۴) و در کتاب رجال شیخ طوسی ، از اصحاب امام هادی علیه السلام به شمار آمده است (۵).

ص: ۲۲۹

۱- رجال کشی، صفحه ۴۱۰

۲- اعیان الشیعه ، جلد ۵، چاپ جدید ، صفحه ۱۵۴

۳- الفهرست شیخ طوسی ، صفحه ۸۱

۴- جامع الزّواه ، جلد ۱ ، صفحه ۳۵۱، تنقیح المقال، جلد ۲، صفحه ۱۰

۵- رجال شیخ طوسی، صفحه ۴۱۶

## ۲۴- سعید بن ابی الرّجاء، صیرفی اصفهانی

محدّث بزرگوار، أبو الفرج، شیخ سعید بن ابی الرّجاء صیرفی اصفهانی، وی از مشایخ محدّث نامدار شیعه، قطب الدّین راوندی (معروف به قطب راوندی) متوفّای ۵۷۳ می باشد، که در کتاب الخرائج و الجرائح، از او نقل حدیث می نماید(۱).

با توجّه به کتاب الخرائج و موضع آن در مسائل مربوط به مکتب امامت، و مقام منیع ائمّه معصومین علیهم السلام، به خوبی روشن می شود، که این محدّث اصفهانی، در زمینه امامت ائمّه شیعه، در چه حدی از اعتقاد و ایمان بوده است

## ۲۵- سلیمان بن داود منقّری اصفهانی

کنیه او أبو ایوب می باشد، و شاذّ کونی، خواننده می شود، که منسوب به، شاذکونه (که به معنی نوعی فرش یا جامه است) می باشد، چون خودش یا پدرش فروشنده این نوع متاع بوده اند(۲).

وی از جماعتی از اصحاب امام جعفر صادق علیه السلام نقل حدیث نموده و مورد وثوق، (ثقه) می باشد، و کتابی تألیف نموده است(۳).

مرحوم شیخ طوسی او را، از مؤلّفین شیعه برشمرده، و او را در زمره صاحبان کتاب، ذکر نموده است(۴).

مرحوم نجاشی، سلیمان بن داود را، بصری شمرده، و علامه حلی در

ص: ۲۳۰

---

۱- ریاض العلماء، جلد ۲، صفحه ۴۱۸، أعیان الشّیعه، جلد ۷، صفحه ۲۳۳

۲- تنقیح المقال، جلد ۲، صفحه ۵۹

۳- رجال نجاشی، صفحه ۱۳۱

۴- الفهرست شیخ طوسی، صفحه ۷۷

خلاصه، و همچنین ابن غضائری، او را اصفهانی خوانده اند، و شاید علت آن این باشد که در دوره ای از زندگی، ساکن بصره بوده، و در زمانی دیگر، در شهر اصفهان، اقامت داشته است (۱).

سلیمان بن داود منقری، از راویانی است که در سند بسیاری از روایات ائمه علیهم السلام، در مباحث مختلف ذکر شده، و در نشر آثار اهل بیت علیهم السلام نقش بسیار داشته است، و در کتب حدیثی شیعه، روایات فراوانی به واسطه او نقل گردیده، که تنها با عنوان سلیمان بن داود منقری، در ۶۴ مورد ذکر گردیده (۲) و با عنوان سلیمان بن داود، در ۴۰ مورد مطرح گشته (۳) و مجموعاً شمار زیادی از محدثین، از او نقل حدیث نموده اند، و او نیز از عدّه زیادی از بزرگان محدثین، نقل حدیث نموده است، که در کتاب معجم رجال الحدیث، مورد بحث قرار گرفته است.

مرحوم علامه مجلسی، در مواضع گوناگون بحار الأنوار، در دهها مورد، در سلسله سند احادیثی که نقل نموده، نام سلیمان بن داود منقری را مطرح فرموده است، که استقصای همه آن موارد، از هدف این کتاب دور می باشد.

## ۲۶-عباد بن عباس طالقانی اصفهانی

وی، پدر صاحب بن عباد، و از محدثین عظیم الشان، و از مفاخر علمی و اجتماعی شیعه است. شرح حال او را در بخش ( مفاخر علمی و ادبی شیعه اصفهان، در قرن چهارم) ذکر کرده ایم.

ص: ۲۳۱

---

۱- تنقیح المقال، جلد ۲، صفحه ۵۹

۲- معجم رجال الحدیث، جلد ۸، صفحه ۲۵۸

۳- معجم رجال الحدیث، جلد ۸، صفحه ۲۵۴

علامه مجلسی ، در بحار الأنوار ( تاریخ پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ ) حدیثی را از مجالس شیخ مفید و أمالی شیخ طوسی ، درباره فضیلت امیر المؤمنین علی علیه السلام ، نقل می نماید که در سند آن ، عبد الرحمن اصفهانی آمده ، به این ترتیب : مجالس مفید و أمالی طوسی ، المفید ، عن الجعابی ... عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سُلَيْمَانَ الْإِسْفَهَانِيِّ ، عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْإِسْفَهَانِيِّ ، عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي لَيْلَى ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، قَالَ : دَعَانِي النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَأَنَا أَرْمُدُ الْعَيْنَ ، فَتَقَلَّ فِي عَيْنِي ، وَشَدَّ الْعِمَامَةَ عَلَيَّ رَأْسِي ... (۱).

### ۲۸- عبد السلام الإصفهانی

علامه مجلسی ، در بحار الأنوار ، در بخش مربوط به امیر المؤمنین علیه السلام در قسمت آیات نازله درباره آن حضرت ، حدیثی را از کتاب سعد السعید بن طاووس نقل می نماید ( درباره لزوم اطاعت از علی علیه السلام ) عن عبد السلام الإصفهانی ، عن أبي جعفر عليه السلام في قوله تعالى ... (۲) .

### ۲۹- عبد الله بن أحمد... بن خشنام اصفهانی

مرحوم شیخ صدوق علیه الرحمه ، در طریق روایتی خود ، به عبد الله بن قاسم ، از عبد الله بن أحمد بن محمد بن خشنام اصفهانی ، یاد کرده ، ولی در نسخه مرحوم شیخ نوری ( صاحب مستدرک الوسائل ) به این شکل ذکر گردیده است :

ص: ۲۳۲

۱- بحار الأنوار ، جلد ۱۸ ، صفحه ۴

۲- بحار الأنوار ، جلد ۳۶ ، صفحه ۱۹۱

عبد الله بن أحمد عن محمد بن خشنام الإصفهاني (١). و در هر صورت ، یک محدث اصفهانی، در مشیخه صدوق ، مورد ذکر قرار گرفته است .

### ۳۰- عبد الله بن راشد اصفهانی

مرحوم حاجی نوری ، در کتاب مستدرک الوسائل (کتاب الأَطْعَمَة و الأَشْرَبَة ، أبواب المائده ) حدیثی را به نقل از مالی مفید ، از امام جعفر صادق علیه السلام نقل می نماید ، در مورد نوعی از حلواء ( خبیص (٢) که برای امیرالمؤمنین علی علیه السلام آوردند و آن حضرت تناول فرمودند ، و در سند آن حدیث آمده است

... وَ رَوَاهُ الْمُفِيدُ فِي الْأَمْثَالِ ، عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ بِلَالِ الْمُهَلَّبِيِّ ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ رَاشِدِ الْإِسْفَهَانِيِّ ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدٍ الثَّقَفِيِّ ... عَنْ جَعْفَرِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ (٣)

### ۳۱- عبد الله بن محمد اصفهانی

در کتاب شریف کافی، (٤) در باب نصّ بر امامت حسن عسکری علیه السلام ، در سند حدیثی از امام علی النقی الهادی علیه السلام آمده است : بشار بن أحمد، عن عبد الله محمد الاصفهانی ، قال : قال أبو الحسن عليه السلام : ... (٥).

از این حدیث و عبارت ، استفاده می شود که : أولاً : عبد الله بن محمد اصفهانی، مورد اعتماد مرحوم کلینی قدس ستره می باشد .

ص: ۲۳۳

- 
- ۱- معجم رجال الحديث، جلد ۱۰، صفحه ۱۰۶
  - ۲- خبیص نوعی از حلواست که با خرما و روغن تهیه می شود
  - ۳- مستدرک الوسائل ( چاپ مؤسسة آل البيت ) ، جلد ۱۶، صفحه ۲۹۷
  - ۴- اصول کافی ، جلد ۱ (چاپ دارالکتب الإسلامیه ) صفحه ۳۲۶، حدیث ۲
  - ۵- علامه مجلسی ، این حدیث را در بحار الأنوار ، جلد ۵۰، صفحه ۲۴۳ ، به نقل از اعلام الوری، طبرسی و ارشاد مفید ، نقل نموده است

ثانیاً: او از معتمدین حضرت امام علی التّقی علیه السلام بوده ، که در بحث امامت ، از نشانه های ویژه در اختیار او قرار داده اند ، و به عبارت دیگر، او از نزدیکان و مقرّبان مخلص امام هادی علیه السلام بوده است .

### ۳۲- عبدالله بن محمد بن عبد الوهّاب اصفهانی

مرحوم حاجی نوری در مستدرک الوسائل ، در میان مشایخ شیخ صدوق، که آن بزرگمرد از آنها روایت نموده ، و در کتب خود بر احادیث آنها اعتماد فرموده ، از عبدالله بن محمد بن الوهّاب اصفهانی ، یاد کرده است (۱).

برخی از نویسندگان ، معتقدند که مراد از راوی یاد شده ، همان است که در باب ۵۱ کمال الدّین صدوق آمده ، به این ترتیب : حَدَّثَنَا أَبُو سَعِيدٍ ، عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْوَهَّابِ السَّجَزِيِّ ، قَالَ وَجَدْتُ ... (۲).

و همان است که در عیون أخبار الرضا علیه السلام نقل گردیده به این ترتیب : حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْوَهَّابِ الْقُرَشِيِّ ، قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْفَضْلِ بْنِ الْمُغَيَّرَةِ ... (۳) و در معجم رجال الحدیث، جلد ۱۰، صفحه ۳۰۹ از او یاد شده است .

و باید توجه داشت که کلمه « سجزی » ، به تعبیر « سنجرى » و « شجرى »

و ( سنجرى ) نیز ، ضبط شده است . به کتاب طبقات أعلام الشّیعه (نوابغ الزّواه ) از علامه طهرانی ، صفحه ۱۵۷ و ۳۲۱ ، و تاریخ تشیع اصفهان ، صفحه ۲۲۱ ، مراجعه شود .

ص: ۲۳۴

۱- مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۷۱۵، ستون اول از اسامی مشایخ شیخ صدوق

۲- کمال الدّین و تمام النعمه ، باب ۵۱ ، حدیث ۱ ، جلد ۲ ، صفحه ۵۴۷

۳- عیون أخبار الرضا، باب ۱۱ ، حدیث ۸ ، جلد ۱ ، صفحه ۹۶



أبو الفتح نورخان ، عبد الواحد الأصفهانی ، علامة مجلسی ، به نقل از اجازه كبریة علامة حلی ، حدیثی را ( درباره فضیلت و أعمال ليله الرغائب در ماه رجب ) نقل می نماید ، با سندی كه در آن ، عبد الواحد اصفهانی ، در سلسله راویان خبر قرار گرفته است ، بدین ترتیب :

عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الدَّرْبِ ، عَنِ الْحَاجِّ صَالِحٍ ، مَسْعُودِ بْنِ مُحَمَّدٍ ، وَ أَبِي الْفَضْلِ الرَّازِيِّ ، الْمُجَاوِرِ بِمَشْهَدِ مَوْلَانَا أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، قَرَأَهَا عَلَيْهِ فِي مُحَرَّمِ سَنَةِ ثَلَاثٍ وَسَبْعِينَ وَ خَمْسِمِائِهِ ، عَنِ الشَّيْخِ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ الْجَلِيلِ الرَّازِيِّ ، عَنِ شَرَفِ الدِّينِ ، الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ ، عَنِ سَدِيدِ الدِّينِ ، عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَحْمَدَ التَّيْسَابُورِيِّ ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ ، عَنِ الْحَاجِّ مَسْمُوسِمٍ ، عَنِ أَبِي الْفَتْحِ نُورْخَانَ عَبْدِ الْوَاحِدِ الْأَصْفَهَانِيِّ ، عَنِ عَبْدِ الْوَاحِدِ بْنِ رَاشِدِ الشَّيرَازِيِّ ... (۱).

مرحوم كلینی ، سه روایت در كتاب شريف كافي ( در كتاب الدواجن ) نقل نموده در باب ( الحمام ) و در باب ( الورشان ) و در باب ( الفاخته ) از امام صادق عليه السلام ، به این طریق ... عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي حَمْرَةَ ، عَنْ عُثْمَانَ الْأَصْبَهَانِيِّ ، قَالَ : إِسْتَهْدَانِي إِسْمَاعِيلُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، فَدَخَلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ ... (۲).

و در جامع الرواه و تنقيح المقال ، به استناد همين نقل مرحوم كلینی ، از این راوی ، یاد نموده اند ، و بر همين مبني ، او از راویان از امام جعفر صادق عليه السلام

ص: ۲۳۵

۱- بحار الأنوار ، جلد ۹۸ ، صفحه ۳۹۵

۲- فروع كافي ، جلد ۶ ، صفحه ۵۴۸ ، حدیث ۱۴ ، و صفحه ۵۵۱ باب الورشان حدیث ۲ ، و باب الفاخته ، حدیث ۲

به شمار می رود .

### ۳۵- علی بن أحمد بن عبد الله اصفهانی أسواری

وی ، از مشایخ شیخ صدوق می باشد(۱)و با توجه به سال وفات شیخ صدوق (۳۸۱) ، این محدث بزرگوار، از محدثین قرن چهارم به شمار می رود

### ۳۶- علی بن حسن بن محمد بن منده

یکی از محدثین عظیم الشان قرن چهارم هجری ، علی بن ... ، منده است ، که از مشایخ علی بن محمد بن علی خزّاز ( صاحب کتاب شریف کفایه الأثر ، فی النّص علی الائمه الاثنی عشر ) می باشد ، و آن بزرگمرد در کتاب خود ، در بسیاری از موارد، از او نقل حدیث مینماید ، گاهی به عنوان علی بن حسن ، و گاهی به عنوان علی بن حسن بن منده ، و گاهی به عنوان علی بن حسن بن محمد بن منده و ... (۲).

ابن منده ، از جماعتی از محدثین ، مخصوصاً از ابی محمد، هارون بن موسی تلکبری ( محدث عظیم الشان و نامدار شیعه ) نقل حدیث مینماید ، و در سال ۳۸۱ ، بر تلکبری قرائت حدیث نموده است (۳).

برخی احتمال داده اند که ، علی بن حسن بن منده ، از خاندان علمی و مشهور بنی منده باشد ، که در قرن چهارم و پنجم هجری ، در اصفهان زندگی کرده اند ، و جمعی از محدثین و مشایخ حدیث ، در میان این خاندان درخشیده اند،

ص: ۲۳۶

---

۱- نوابغ الزّواہ فی رابعه المآت ، صفحه ۱۷۱

۲- نوابغ الزّواہ ، صفحه ۱۸۰ ، و ۱۸۴ ، و ۱۳۲ ، و همچنین ، به ، النَّابِس فی القرن الخامس ، صفحه ۱۱۹ مراجعه شود

۳- نوابغ الزّواہ ، صفحه ۱۸۰

و آخرین آنها ، یحیی بن عبد الوهاب ( صاحب کتاب تاریخ اصفهان ) می باشد ، که او را ، « محدث بن محدث بن محدث بن محدث بن محدث بن محدث » خوانده اند<sup>(۱)</sup>. و بنا بر احتمال مذکور، علی بن حسن ... بن منده ، از محدثین اصفهانی می باشد ، و با توجه به خصوصیات یاد شده در فوق ، دارای مذهب تشیع بوده است .

### ۳۷- علی بن عبد الله بن أحمد، أبو الحسن اصفهانی أسواری

وی ، از مشایخ مرحوم شیخ صدوق میباشد ، و آن بزرگمرد ، در کتابهای « إكمال الدین » و « توحید » از او نقل حدیث نموده است . علامه طهرانی ، در طبقات خود او را جزء راویان شیعه ، در قرن چهارم ، ذکر نموده است <sup>(۲)</sup> .

علی بن عبد الله أسواری ، از مکی بن أحمد بن سعدویه بردعی ، نقل حدیث می نماید <sup>(۳)</sup> .

### ۳۸- علی بن عبدالله بن أسد اصفهانی

در کتب حدیث ، مواردی ملاحظه می شود که ، راوی یاد شده ، در سلسله سند حدیث ذکر گردیده است ، و ذیلاً به برخی از آن موارد ، اشاره می نمائیم :

۱- علامه مجلسی ، به نقل از کتاب مجالس شیخ مفید علیه الرحمه ، حدیث بسیار جالبی را نقل می نماید ، در باره تشرف حضرت شمعون علیه السلام ، وصی حضرت عیسی علیه السلام به محضر امیرالمؤمنین علیه السلام ، در جریان جنگ صفین ، و تجلیل آن پیامبر بزرگوار ، از امام علی علیه السلام ، و در سند آن حدیث چنین می خوانیم :

ص: ۲۳۷

۱- ریحانه الأدب ، جلد ۸ ، صفحه ۲۳۴

۲- نوابغ الزّواہ فی رابعه المآت ، صفحه ۱۸۹

۳- نوابغ الزّواہ ، صفحه ۳۲۰

عَلِيُّ بْنُ بِلَالٍ الْمُهَلَّبِيُّ ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَسَدِ الْإِضْفَهَانِيِّ ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدِ الثَّقَفِيِّ ، عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ يَسَارٍ ... ، عَنْ قَيْسِ مَوْلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، قَالَ إِنَّ عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ قَرِيبًا مِنَ الْجَبَلِ بِصَفِينٍ ... (١).

۲- در کتاب امالی شیخ طوسی ، حدیثی نقل گردیده ، در مورد حکم کسانی که با امیر المؤمنین علیه السلام محاربه نمایند ، و در سند آن آمده است : ... قَالَ أَبُو الْحَسَنِ ، عَلِيُّ بْنُ بِلَالٍ ، وَحَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أُسَيْدِ بْنِ مَنْصُورِ الْإِضْفَهَانِيِّ ، قَالَ حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ هِلَالِ الثَّقَفِيِّ ، قَالَ ، حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ ... عَنِ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ ، قَالَ : جَاءَ رَجُلٌ إِلَى عَلِيٍّ ... (٢). و همین حدیث را علامه مجلسی ، در بحار الأنوار ، جلد ۳۲ ، صفحه ۳۱۹ ، نقل فرموده است .

۳- در مجالس شیخ مفید علیه الرحمه ، حدیثی را درباره لزوم رعایت حق اهل بیت علیهم السلام ، به خاطر رسول خدا و امیرالمؤمنین و فاطمه زهرا علیهم السلام نقل فرموده ، که در سند آن آمده است : ... أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ بِلَالِ الْمُهَلَّبِيِّ ، قَالَ : حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْإِضْفَهَانِيُّ ، قَالَ : حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ مُحَمَّدِ الثَّقَفِيِّ ... عَنْ زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ... (٣).

۴- و در کتاب شریف مستدرک الوسائل (کتاب الحج) « باب استحباب تشییع المسافر و توديعه » حدیثی را به نقل از مجالس شیخ مفید نقل می نماید ، درباره جریان تبعید ابی ذر (علیه سلام الله) به سوی ربه ، و مشایعت امام علی علیه السلام و جمعی از نزدیکان آن حضرت ، از ابی ذر ، و گریستن آن حضرت ، و در سند

ص: ۲۳۸

---

۱- بحار الأنوار ، جلد ۶ ، صفحه ۲۳۸ ، مجالس مفید ، صفحه ۶۰-۶۱ ، و در جلد ۳۳ بحار الأنوار ، صفحه ۴۳ ، عیناً همین سند ، آمده است

۲- امالی شیخ طوسی ، جلد ۱ ، صفحه ۲۰۰

۳- امالی شیخ مفید ، صفحه ۶۷

حدیث آمده است : ... عَنْ عَلِيٍّ بْنِ بِلَالٍ ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَصْفَهَانِيِّ ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدٍ الثَّقَفِيِّ ... (۱).

۵- و نیز در مستدرک الوسائل (کتاب الجهاد، أبواب جهاد العدو، و ما يناسبه) حدیثی را به نقل از امالی شیخ مفید نقل می نماید، در مورد پیشنهاد جمعی از اصحاب امیر المؤمنین علیه السلام به آن حضرت، در مورد برتری دادن بزرگان عرب و قریش بر دیگران، در مورد تقسیم بیت المال و جواب قاطع امیرالمؤمنین علیه السلام به آنها، که: أَمَّا مَرُونِي أَنْ أَطْلُبَ النَّصِيرَ بِالْجَوْرِ، لَا وَاللَّهِ، لَا أَفْعَلُ... و در سند حدیث آمده است: ... عَنْ أَبِي الْحَسَنِ، عَلِيِّ بْنِ بِلَالِ الْمُهَلَّبِيِّ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَسَدِ الْأَصْفَهَانِيِّ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدٍ الثَّقَفِيِّ ... (۲).

و با توجه به موارد یاد شده، به خوبی می توان فهمید که، علی بن عبدالله بن اسد اصفهانی، از محدثین عالی مقام و از شاگردان و راویان از ابراهیم بن محمد ثقفی (چهره بزرگ و نامدار شیعه) بوده است.

### ۳۹- علی بن عبدالله بن کوشید اصفهانی

مرحوم شیخ طوسی قدس سره، در کتاب تهذیب الاحکام، حدیثی را با چنین سندی نقل نموده است: وَرَوَى أَبُو مُحَمَّدٍ هَارُونُ بْنُ مُوسَى، قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو عَلِيٍّ، مُحَمَّدُ بْنُ هَمَّامٍ، قَالَ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ كُوشَيْدِ الْأَصْبَهَانِيِّ،

ص: ۲۳۹

- 
- ۱- مستدرک الوسائل (چاپ موسسه آل البيت)، جلد ۸، صفحه ۲۰۶، و در همان کتاب، جلد ۱۲، صفحه ۱۹۹، حدیثی با همین سند نقل گردیده، در مورد سخنان ابی ذر با مردم، در هنگامی که به سوی تبعیدگاه خود (به سوی شام) می رفت
  - ۲- مستدرک الوسائل، جلد ۱۱، صفحه ۹۱

عَنْ أَبِي إِسْحَاقَ ، إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدٍ ... عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ (١) (٢).

#### ٤٠- عَلِيٌّ بْنُ فِرَاتٍ اَصْفَهَانِيٌّ

وی ، از مشایخ عبّاس بن فضل مُقَرّی ( از محدّثین قرن چهارم ) می باشد ، که عباس بن فضل ، از او نقل روایت نموده است (٣).

#### ٤١- عَلِيٌّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ...ثَقْفِيٍّ اَصْفَهَانِيٌّ

أبو الحسن ، عَلِيٌّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدِ بْنِ هِلَالِ ثَقْفِيٍّ كُوفِيٍّ، برادر کوچکتر ابراهیم بن محمّد ثقفی . وی از کوفه به اصفهان آمد، و در اصفهان اقامت جست ، و در سال ٢٨٢، در این شهر از دنیا رفت (٤).

حافظ أبو نعیم ، این بزرگمرد را در زمره محدّثین اصفهان شمرده ، و ذکر نموده ، که ابراهیم بن محمّد بن سعید ثقفی ، از علی بن محمّد، مسن تر بوده است .

#### ٤٢- عَلِيٌّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ شِيرَةَ اَصْفَهَانِيٌّ

وی ، یکی از فقهاء و محدّثین بزرگ ، و دارای کتاب بوده ، و در میان کتب رجال ، از جایگاهی قابل توجه برخوردار است . مرحوم نجاشی ، او را فقیه و کثیر الحدیث و فاضل دانسته ، و کتابهایی داشته ، همانند : التّأديب ( که کتاب

ص: ٢٤٠

---

١- تهذیب ، جلد ٣، صفحه ٨٧، حدیث ١٧ ، منظور از آبی اسحاق ابراهیم بن محمّد ، همان محدّث نامدار ، و صاحب کتب بسیار ، ابراهیم بن محمّد بن سعید ثقفی است ، که از مفاخر شیعه می باشد ، و از کوفه به اصفهان مهاجرت نموده ، و ساکن شده ، و ابن علویّه اصفهانی ، از او نقل حدیث می نماید

٢- به جامع الرّواه ، جلد ١، صفحه ٥٩١، و تنقیح المقال، جلد ٢، صفحه ٢٩٦ مراجعه شود

٣- نوابغ الرّواه ، صفحه ١٤٥، در ذیل عنوان عبّاس بن فضل

٤- ذکر تاریخ اصفهان ، جلد ٢، صفحه ٧

الصّلوٰه است) و کتاب الجامع ( در فقه ) که کتاب بزرگی بوده است(۱).

وی ، از اصحاب امام هادی علیه السلام و کاشانی و اصفهانی بوده است(۲).

از عبارات دانشمندان علم رجال ، معلوم می شود که او شخصیتی برجسته ، در فقه و حدیث داشته ، ولی در زمینه مباحث تخصصی ، درباره توثیق و تضعیف رجالِ او ، مطالب دقیقی مطرح گردیده ، که طالبین ، به کتابهای : تنقیح المقال ، جلد ۲ ، صفحه ۳۰۵ ، و معجم رجال الحدیث ، جلد ۱۲ ، صفحه ۱۴۸ - ۱۵۰ ، و جامع الزّواہ ، جلد ۱ ، صفحه ۵۹۹ و ... مراجعه نمایند .

#### ۴۳- عمر الإصفهانی

علّامه مجلسی ، در بحار الأنوار ، جلد ۴۷ ، صفحه ۱۲۵ ، روایتی را از امام صادق علیه السلام نقل نموده ، درباره نامطلوب بودن صدای فاخته ، و سپس می فرماید

و روی عمر الإصفهانی عنه ( امام صادق ) علیه السلام ، مثل ذلك ، فی صوت الصّٰصل (۳). درباره این راوی ، اطلاع دیگری به دست نیامد .

#### ۴۴- قاسم بن محمّد اصفهانی

وی ، معروف به «کاسام یا کاسولا» میباشد ، و شیخ طوسی قُدسُ سِیرُه ، او را در شمار صاحبان تألیف از علماء و محدّثین برشمرده(۴) ، و جزء راویان کتب اصلی شیعه ، ( کافی ، تهذیب ، من لایحضره الفقیه و استبصار ) می باشد(۵).

ص: ۲۴۱

---

۱- رجال نجاشی، صفحه ۱۸۰

۲- رجال شیخ طوسی، صفحه ۴۱۷

۳- این روایت را ، ابن شهر آشوب مازندرانی ، در مناقب، جلد ۴، صفحه ۲۱۸ نقل فرموده است

۴- الفهرست شیخ طوسی، صفحه ۱۲۷

۵- جامع الزّواہ ، جلد ۲، صفحه ۱۹

در مجامع بزرگ حدیثی شیعه، همانند: وسائل الشیعه، بحار الأنوار، عوالم العلوم و...، در سلسله سند بسیاری از روایات، در موضوعات مختلف، نام قاسم بن محمّد، ذکر شده است. قاسم بن محمّد، از بسیاری از محدّثین، نقل حدیث نموده، ولی مخصوصاً، از سلیمان بن داود منقّری اصفهانی، احادیث بسیاری نقل کرده (که استقصاء همه آنها دور از هدف این کتاب می باشد) و هم چنین بسیاری از محدّثین، از او نقل حدیث نموده اند، همانند: سعد بن عبد الله، و ابراهیم بن هاشم و علی بن محمّد قاسانی (کاشانی) و....

علامه مجلسی، در بحار الأنوار، در دهها مورد، و در أبواب مختلف، احادیثی را به این طریق: سعد، عن الإصفهانی، عن المنقّری، یا به این طریق: قاشانی، عن الإصفهانی، عن المنقّری، نقل کرده است (۱).

#### ۴۵- محمّد اصفهانی

در رجال کشی، (در بخش مربوط به معروف بن خربوذ) حدیثی را نقل می نماید، در مورد محلّ دفن عبد الله بن الحسن بن الحسن، و اهل بیت او، در کنار فرات، و خبر غیبی امام صادق علیه السلام از این مطلب، و در سند این حدیث، راوی آخر آن، شخصی است به نام محمّد اصفهانی که می گوید:

كُنْتُ قَاعِدًا مَعَ مَعْرُوفِ بْنِ خَرْبُوذِ بِمَكَّةَ وَ نَحْنُ جَمَاعَةٌ فَمَرَّ بِنَا قَوْمٌ (۲). همین حدیث را علامه مجلسی، در بحار الأنوار، جلد ۴۷، صفحه ۱۵۱،

ص: ۲۴۲

- 
- ۱- برای آشنائی بیشتر، با این راوی بزرگوار، به معجم رجال الحدیث، جلد ۱۴ تحت عنوانهای، قاسم بن محمّد، و قاسم بن محمّد اصفهانی، و قاسم بن محمّد جوهری، و قاسم بن محمّد کاسولا، و نیز کتب رجالی معروف دیگر، مراجعه شود
  - ۲- رجال کشی، صفحه ۱۸۵



نقل فرموده است .

مرحوم آیه الله العظمی ، آقای سید أبو القاسم خوئی ، در معجم رجال الحدیث ، بعید ندانسته اند ، که مراد از محمد اصفهانی ، محمد بن سلیمان اصفهانی باشد (۱).

#### ۴۶- محمد بن أحمد بن بشر اصفهانی

أبو جعفر ، محمد بن أحمد بن بشر اصفهانی ، که از أبوجعفر ، محمد بن ابراهیم بن دقاق قمی ، روایت می کرده ، و محمد بن همّام ، از او نقل حدیث نموده است (۲).

#### ۴۷- محمد بن الحسن الأسدی ، القاضی الإصفهانی

در کتاب نفیس بش

اره المصطفی ، حدیثی دربارهٔ محبت نسبت به امام علی بن ابی طالب علیه السلام ، نقل گردیده که در میان راویان آن حدیث ، شخصی به نام محمد بن الحسن الإصفهانی ، ذکر گردیده بدین ترتیب:

... عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ قَاسِمِ الْفَارُسِيِّ ، قَالَ : حَدَّثَنَا أَبُو عَمَرَ ، مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الْأَسَدِيِّ ، الْقَاضِي الْإِسْفَهَانِي ، أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ عَلِيِّ الْإِسْفَرَائِنِيِّ ... (۳).

همین حدیث را علامه مجلسی ، در بحار الأنوار ، جلد ۳۹ ، صفحه ۲۸۲ ، نقل فرموده است .

#### ۴۸- محمد بن الحسين بن عبد الزحمان الإصفهانی

در کتاب بحار الأنوار ، قسمت مربوط به أمير المؤمنين علی علیه السلام ، باب أخبار

ص: ۲۴۳

---

۱- معجم رجال الحدیث ، جلد ۱۴ ، صفحه ۲۰۸

۲- جامع الزّواہ ، جلد ۲ ، صفحه ۵۹

۳- بشاره المصطفی ، صفحه ۱۷۹

الغدیر ، حدیثی از کتاب العمده ابن بطریق حلّی (۱) نقل گردیده ، که در سند آن آمده است : وَرَوَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَصْبَهَانِيِّ ، يَرْفَعُهُ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ ، مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ الْبَاقِرِ ، عَنْ أَبِيهِ ، عَنْ جَدِّهِ ، عَنْ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ ، قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ : مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ ، فَعَلَيْتُ مَوْلَاهُ (۲).

#### ۴۹- محمد بن سعید اصفهانی

مرحوم نجاشی ، در کتاب رجال خود ، در بخش مربوط به عبید الله بن حرّ جعفی ، حدیثی را نقل می نماید ، در مورد خضاب امام حسین علیه السلام ، و در سند آن ، محمد بن سعید اصفهانی ، ذکر گردیده است ، بدین ترتیب:

قَالَ أَبُو الْعَبَّاسِ ، حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ ، قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ هُرُونَ الْهَاشِمِيُّ ، قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ الْحُسَيْنِ ، وَ عَيْسَى بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الطَّيَالِسِيُّ الْعَسِيكِيُّ ، قَالَا : حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ سَعِيدِ الْأَصْبَهَانِيِّ ، قَالَ حَدَّثَنَا شَرِيكَ عَنْ جَابِرٍ ، عَنْ عَمْرِو بْنِ حَرْبٍ ، عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ الْحُرِّ ، أَنَّهُ سَأَلَ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ خِضَابِهِ ، فَقَالَ ... (۳).

علامه مجلسی ، در بحار الأنوار ، جلد ۷۶ ، صفحه ۱۰۴ ، همین حدیث را نقل نموده است ، و هم چنین ، در بحار الأنوار در قسمت مربوط به معجزات

ص: ۲۴۴

۱- ابن بطریق حلّی ، یکی از علماء برجسته شیعه است ، و راوی از این شهر آشوب مازندرانی می باشد ، و او را با این عنوان نام برده اند ، الشیخ الإمام شمس الدین أبو الحسن (الحسن) یحیی بن الحسن بن الحسین بن علی بن محمد بن بطریق الحلّی الأسدی ، المتکلم المحدث الجلیل ، الذی توفی فی سنه ۶۰۰ (الذریعه ، جلد ۱۵ ، صفحه ۳۳۴)

۲- بحار الأنوار ، جلد ۳۷ ، صفحه ۱۹۶

۳- رجال نجاشی ، صفحه ۶ و ۷

پیامبر اکرم صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِہِی وَ سَلَّم ، حدیثی را از قصص الأنبیاء (۱) نقل می نماید ، که در سند آن مُحَمَّد بن سعید اصفهانی ، ذکر گردیده ، بدین ترتیب:

قَصِصُ الْأَنْبِیَاءِ ، الصَّدُوقُ ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَامِدٍ ، عَنْ حَامِدِ بْنِ مُحَمَّدٍ ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدِ الْإِصْفَهَانِيِّ ، عَنْ شَرِيكَ ، عَنْ سَمَّاكِ ، عَنْ أَبِي ظَبْيَانَ ، عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ (رض) قَالَ جَاءَ أَعْرَابِيُّ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ (۲).

#### ۵۰- مُحَمَّد بن سلیمان اصفهانی

وی ، از اصحاب امام صادق علیه السلام ، و از راویان از آن امام معصوم می باشد ، و دارای تألیف بوده ، و از راویان مورد وثوق ( و ثقات زوَاه ) می باشد (۳).

او ، همان مُحَمَّد بن سلیمان بن عبد الله اصفهانی می باشد ، که مرحوم شیخ طوسی در رجال خود (صفحه ۲۸۸) او را ، جزء اصحاب امام صادق علیه السلام شمرده است . و این مُحَمَّد بن سلیمان ، احتمالاً همان است که در بحار الأنوار ، در قسمت مربوط به معجزات و اجابت دعای پیامبر اکرم صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِہِی وَ سَلَّمَ ، در ضمن سند حدیثی ، در باره فضائل امیر المؤمنین علی علیه السلام ، از مجالس مفید ، و أمالی شیخ طوسی ذکر گردیده است ، و آن سند ، بدین ترتیب می باشد :  
المُفِيدُ ، عَنْ الْجَعَابِي ، عَنْ الْحُسَيْنِ الْهَادِي ( الْحَسَنِ بْنِ الْحَمَادِ ) ابْنِ حَمْرَةَ ، أَبُو عَلِيٍّ ، مِنْ أَصْلِ كِتَابِهِ ، عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي لَيْلَى ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سُلَيْمَانَ الْإِصْفَهَانِيِّ ،

ص: ۲۴۵

---

۱- قصص الأنبياء ، نام کتابهای متعددی است ، از مؤلفین مختلف ، ولی آنچه که در بحار الأنوار از آن نقل حدیث شده ، قصص الأنبياء سید أبو الرضا فضل الله راوندی کاشانی است ( به الذریعه الی تصانیف الشیعه ، جلد ۱۷ ، صفحه ۱۰۴ ، مراجعه شود )

۲- بحار الأنوار ، جلد ۱۷ ، صفحه ۳۶۸

۳- رجال نجاشی ، و تنقیح المقال ، جلد ۳ ، صفحه ۱۲۱ و ۱۲۳ و رجال ابن داود ، صفحه ۳۱۴ ، و جامع الزوَاه ، جلد ۲ ، صفحه ۱۲۰ و ۱۲۲

عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَصْفَهَانِيِّ ، عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي لَيْلَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ، قَالَ دَعَانِي النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَأَنَا أَرْمَدُ الْعَيْنَ ... (١).

و هم چنین احتمالاً، او همان است که ، در بحار الأنوار، قسمت مربوط به امام حسن مجتبی علیه السلام ، ( باب أحوال أهل زمان آن حضرت ) در سند حدیثی ، درباره فضائل امیرالمؤمنین علی علیه السلام به نقل از امالی شیخ طوسی آمده ، و بدین قرار می باشد : أمالی ، المفید ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَالِكِ النَّخَعِيِّ ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَلِيِّ الْمُعَدَّلِ ، عَنْ عُثْمَانَ بْنِ سَعِيدٍ ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سُلَيْمَانَ الْأَصْفَهَانِيِّ ، عَنْ عُمَرَ بْنِ قَيْسِ الْمَكِّيِّ ، عَنْ عِكْرَمَةَ صَاحِبِ ابْنِ عَبَّاسٍ ، قَالَ : لَمَّا حَجَّ مُعَاوِيَةَ ، نَزَلَ الْمَدِينَةَ ... (٢).

#### ٥١- محمد بن عبد الرشید اصفهانی

در کتاب بحار الأنوار ، در جوامع أخباری که دلالت بر امامت امیرالمؤمنین علی علیه السلام می نماید ، حدیثی را از کتاب کشف الیقین (٣) نقل نموده ، در فضیلت امام علی علیه السلام ، و در سند آن آمده است :

كَشَفَ ، مِنْ كِتَابِ أَبِي الْعَلَاءِ الْهَمْدَانِيِّ ، عَنْ حَيْدَرَ بْنِ مُحَمَّدِ الْحُسَيْنِيِّ ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الرَّشِيدِ الْأَصْفَهَانِيِّ ، عَنْ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ الْعَطَّارِ ... ، عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ ، قَالَ سَأَلْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ ، عَنْ مِيلَادِ عَلِيِّ ... (٤)

ص: ٢٤٦

١- بحار الأنوار ، جلد ١٨ ، صفحه ٤

٢- بحار الأنوار ، جلد ٤٤ ، صفحه ١١٨

٣- کتاب کشف الیقین ، متعدد میباشد ، ولی آن کتابی را که احادیث مربوط به لقب ( امیر المؤمنین ) برای امام علی علیه السلام ، در آن نقل گردیده ، و بحار الأنوار، از آن نقل نموده ، از تألیفات مرحوم سید رضی الدین علی بن طاووس حلّی است ( به الذریعه الی تصانیف الشیعه ، جلد ١٨ ، صفحه ٦٩ ، مراجعه شود )

٤- بحار الأنوار ، جلد ٣٨ ، صفحه ١٢٥

محمد بن عبد الله بن مملک اصفهانی ، که اصل او از جرجان ( گرجان ) بوده ، و در اصفهان ساکن گردیده ، و کنیه او ابو عبد الله بوده است . مرحوم نجاشی ، او را با عناوین : جلیل فی أصحابنا ، عظیم القدر و المنزله ، ستوده است .

ابن مملک ، در ابتداء معتزلی بوده ، و سپس در اثر مباحثه و اقدام عبد الرحمن بن احمد بن خیرویه ، به مذهب شیعه ، در آمده است ، و کتابهائی دارد به نامهای : « الجامع فی سائر أبواب الکلام » ( که ، کتابی بزرگ بوده است ) و « المسائل و الجوابات فی الإمامه » ، و « کتاب موالید الأئمه علیهم السلام » و « مجالسه مع ابي علی الجبائی (۱) » . مرحوم شیخ طوسی ، او را در شمار مؤلفین شیعه برشمرده ، و از متکلمین شیعه خوانده ، و مباحثهای مهم در بحث امامت ، از او نقل می کند ، که با ابوعلی جبائی ( معتزلی مشهور و نامدار ) در حضور ابو القاسم بن محمد کرخی ، داشته است (۲) .

وی ، با توجه به مباحثه اش با ابوعلی جبائی ( متوفای ۳۰۳ هجری ) از علمای اواخر قرن سوم هجری ، می باشد (۳) .

در کتاب جامع الزواه ، در دو مورد از او یاد شده ، یکی در جلد ۲ ، صفحه ۱۴۴ ، به عنوان محمد بن عبدالله بن مملک اصفهانی ، و دیگری در همان جلد ، صفحه ۴۳۶ ، تحت عنوان ، ابن مملک اصفهانی

ص: ۲۴۷

---

۱- رجال نجاشی ، صفحه ۲۶۹

۲- الفهرست شیخ طوسی ، صفحه ۱۹۳

۳- ولی علامه طهرانی ، در طبقات خود ( نوابغ الزواه فی رابعه المآت ، صفحه ۲۸۱ ) او را ، جزء روایان قرن چهارم ، برشمرده است

علامه مجلسی ، به نقل از کشف الیقین (۱)، حدیث بسیار جالب و مفصلی را در مورد اجابت دعای حضرت آدم علیه السلام ، با توسل به پنج نور مقدس ( پیامبر اکرم صلی الله علیه و آلهی و سلم و خاندان آن حضرت علیهم السلام ) نقل نموده ، و سند آن با چنین نامی شروع می گردد : مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الْكَاتِبُ الْإِصفَهَانِي ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبرَاهِيمَ الْقَاضِي ... (۲).

و هم چنین ، در کتاب نبوت ، از بحار الأنوار ، باب ارتکاب ترک اولی ( در مورد حضرت آدم علیه السلام ) همین حدیث را با سند یاد شده ، نقل نموده است (۳).

و نیز در قسمت تاریخ زندگی و فضائل امیرالمؤمنین علی علیه السلام ، دو حدیث درباره فضائل و لقب امیرالمؤمنین ، برای امام علی علیه السلام ، نقل فرموده ، که در یکی از آنها ، مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الْإِصفَهَانِي ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْفَضْلِ الْخَوَاصِ ... ، و در دیگری ، مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الْإِصفَهَانِي ، عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ أَحْمَدَ ... آمده است، و هر دو حدیث ، از کتاب کشف الیقین سید بن طاووس ، می باشد (۴).

و هم چنین ، علامه مجلسی در کتاب الذکر و الدعاء ، در باب احتجاجاتی که از ائمه نقل گردیده ، حدیث مفصل و جالبی را ، از مهج الدعوات سید بن طاووس حلی ، درباره امام صادق و امام موسی بن جعفر علیهما السلام نقل نموده ، که در اثر استفاده از دعاء الحجاب ، از شر حکم قتل که منصور دوانیقی صادر کرده بود، نجات یافتند ، و در سند آن حدیث آمده است:

ص: ۲۴۸

- 
- ۱- کشف الیقین ، از آثار ارزشمند سید رضی الدین علی بن طاووس حلی ، است ( الذریعه ، جلد ۱۸ ، صفحه ۶۹ )
  - ۲- بحار الأنوار ، جلد ۲۶ ، صفحه ۳۲۵
  - ۳- بحار الأنوار ، جلد ۱۱ ، صفحه ۱۷۵
  - ۴- بحار الأنوار ، جلد ۳۷ ، صفحه ۳۰۰

مُهَجِّجِ الدَّعَوَاتِ ، عَنْ كِتَابِ الْخَصَائِصِ ، تَأَلِيفِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ الإِصْفَهَانِيِّ ، عَنْ عَبْدِ الْوَاحِدِ بْنِ عَلِيٍّ ، عَنْ ... (١)

دربارهٔ محمد بن علی کاتب ، و این که آیا در همهٔ موارد یاد شده بالا ، یکی هستند یا متعدد ، و نیز شخصیت علمی و فکری او ، اطلاع خاصی به دست نیامد

#### ۵۴- محمد بن غالب اصفهانی

مرحوم سید رضی الدین علی بن طاووس ، در کتاب شریف اقبال الأعمال ، زیارت مفصله ای را برای شهداء کربلاء نقل نموده ، که در آن ، أسماء شهداء و برخی از احوال آنها ، و نیز بعضی از أسماء قاتلین آنها ، ذکر گردیده است . در سند این زیارت ، که از ناحیهٔ مقدسه ، صادر گردیده ، مرحوم سید بن طاووس ، چنین نقل می فرماید : رَوَيْنَا بِإِسْنَادِنَا إِلَى حَيْدَى أَبِي جَعْفَرٍ ، مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الطُّوسِيِّ (رَه) ، قَالَ : حَدَّثَنَا الشَّيْخُ ، أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ، مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ عِيَّاشٍ ، قَالَ : حَدَّثَنِي الشَّيْخُ الصَّالِحُ ، أَبُو مَنْصُورِ بْنِ عَبْدِ الْمُنْعِمِ بْنِ التُّعْمَانِ الْبَغْدَادِيِّ (رَه) ، قَالَ : خَرَجَ مِنَ النَّاحِيَةِ ، سَيِّئَةَ اثْنَتَيْنِ وَخَمْسِينَ وَمِائَتَيْنِ ، عَلَى يَدِ الشَّيْخِ مُحَمَّدِ بْنِ غَالِبِ الإِصْفَهَانِيِّ حِينَ وَفَاهِ أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ ، وَكُنْتُ حَدِيثَ السَّنِّ ، وَكُتِبَتْ أَسْتَاذِي فِي زِيَارَةِ مَوْلَايَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، وَ زِيَارَةِ الشُّهَدَاءِ رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ ، فَخَرَجَ إِلَيَّ مِنْهُ ، بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِذَا أَرَدْتَ زِيَارَةَ الشُّهَدَاءِ رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ ، فَقِفْ عِنْدَ رِجْلِي الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَهُوَ قَبْرُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ ... (٢).

این زیارت را علامهٔ مجلسی ، در بحار الأنوار جلد ۴۵ ، صفحه ۶۴ ، به بعد ، و جلد ۱۰۱ ، صفحه ۲۶۹ به بعد ، به نقل از اقبال الأعمال ، و نیز از کتاب مزار

ص: ۲۴۹

۱- بحار الأنوار ، جلد ۹۴ ، صفحه ۳۷۹

۲- اقبال الأعمال ، صفحه ۵۷۳ ، چاپ دار الکتب الإسلامیه

شیخ مفید و مزار مرحوم سید و مزار کبیر ، نقل فرموده است .

از عبارت مرحوم سید بن طاووس ، در اقبال الأعمال ، استفاده می شود که ، شیخ محمد بن غالب اصفهانی ، واسطه رساندن نامه ابومنصور بن عبد المنعم بغدادی ، به ناحیه مقدسه و گرفتن پاسخ نامه ، ( که مشتمل بر زیارت یاد شده ، بوده ) می باشد ، و از شخصیت‌های برجسته شیعه و از مقربین امام حسن عسکری علیه السلام به شمار می آید (۱).

### ۵۵- محمد بن منده اصفهانی

یکی از اصحاب امام جواد علیه السلام ، به نام محمد بن منده بن مهریزد اصفهانی ، می باشد ، که حافظ ابونعیم اصفهانی ، او را جزء محدثین اصفهانی به شمار آورده، و حدیثی را از او نقل می نماید ، به این مضمون: جعفر بن محمد بن مزید ، می گوید: من در بغداد بودم و محمد بن منده بن مهریزد ، گفت : آیا مایل هستی که تو را به خدمت ابن الرضا ( امام جواد علیه السلام ) ببرم ؟ گفتم آری . پس مرا بر آن حضرت وارد نمود، و سلام کردیم ، و نشستیم ، پس درباره حدیث پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ سؤال نمود، که فرموده است:

إِنَّ فَاطِمَةَ أَحْصَنَتْ فَوْجَهَا فَحَرَّمَ اللهُ ذُرِّيَّتَهَا عَلَى النَّارِ ، آن حضرت فرمودند: این مطلب مخصوص امام حسن و امام حسین علیهما السلام می باشد (۲).

ص: ۲۵۰

- ۱- تاریخ ۲۵۲ ، که سه سال قبل از تولد امام زمان (عج) می باشد ، قرینه است بر این که مراد از ناحیه ، ناحیه مقدسه امام حسن عسکری است، نه ناحیه امام زمان (عج) . البته علامه مجلسی در جلد ۱۰۱ بحار الأنوار ، صفحه ۲۷۴ ، احتمال دیگری هم داده اند ، که تاریخ موجود در حدیث ، ۲۶۲ ، ( اثنین و ستین و مأتین ) بوده ، و خطاء در نقل حاصل شده ، بنابراین ، مراد از ناحیه یاد شده ، ناحیه امام زمان (عج) باشد
- ۲- ذکر أخبار أصبهان ، جلد ۲ ، صفحه ۲۰۷



از این نقل معلوم می شود که ، نه تنها محمّد بن منده ، از محدّثین بوده ، بلکه از خواصّ امام جواد علیه السلام به شمار می آمده ، که در آشنا ساختن افراد مستعدّ با آن حضرت ، و ایجاد ارتباط بین مردم و امام علیه السلام ، فعّالیت می نموده ، و نقش مؤثر داشته است . ابن شهر آشوب مازندرانی ، در کتاب مناقب ، در بخش مربوط به علم امام جواد علیه السلام ، می فرماید : وَقَدْ رَوَى عَنْهُ الْمُصَنِّفُونَ نَحْوَ أَبِي بَكْرٍ ، أَحْمَدَ بْنِ ثَابِتٍ فِي تَارِيخِهِ ، وَ أَبِي إِسْحَاقَ الثُّغَلْبِيَّ فِي تَفْسِيرِهِ ، وَمُحَمَّدَ بْنَ مَنْدَةَ بْنِ مَهْرَبَدٍ ، فِي كِتَابِهِ ، ... (۱). و بدین وسیله ، نه تنها محمّد بن منده را ، جزء راویان از امام جواد علیه السلام شمرده ، بلکه او را از مصنفین و دارای کتاب دانسته ، که در آن ، از امام جواد ( امام محمّد تقی ) علیه السلام ، نقل روایت نموده است .

## ۵۶- محمّد بن مهران اصفهانی

علامه مجلسی ، در بحار الأنوار ، جلد ۴۷ ، صفحه ۲۰۵ ، و جلد ۹۴ صفحه ۳۷۹ ، حدیثی را از مهج الدعوات ، تألیف سیّد رضی الدّین بن طاووس ، نقل می نماید ، در باره دعاء الحجاب ، که امام صادق علیه السلام برای دفع شرّ منصور دوانیقی ، خواندند ، و از حکم قتلی که در مورد امام جعفر صادق و امام موسی کاظم علیهما السلام صادر کرده بود ، نجات یافتند ، و در سند آن حدیث ، شخصی به نام محمّد بن مهران اصفهانی ، ذکر گردیده ، به این ترتیب :

كِتَابُ الْخَصَائِصِ (۲) ، لِلْحَافِظِ أَبِي الْفَتْحِ ، مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ عَلِيِّ النَّطَنْزِيِّ ، عَنْ عَبْدِ الْوَاحِدِ بْنِ عَلِيٍّ ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِبْرَاهِيمَ ، عَنْ مَنْصُورِ بْنِ أَحْمَدَ الصَّيْرَفِيِّ ،

ص: ۲۵۱

---

۱- مناقب آل أبي طالب، جلد ۴، صفحه ۳۸۴

۲- این کتاب، به نام الخصائص العلویّه علی سایر البریّه، و المآثر العلیّه لسید الدّریّه ، می باشد . البته نویسنده آن ، محمّد بن أحمد نطنزی، عامی المذهب می باشد . الدّریعه ، جلد ۷، صفحه ۱۷۰

عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَبْدِ الرَّبِّ بْنِ الْمُفَضَّلِ ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَهْرَانَ الْإِصْفَهَانِيِّ عَنْ خَلَادِ بْنِ يَحْيَى ، عَنْ ... (١).

در باره محدث یاد شده ، اطلاع دیگری به دست نیامد (٢) ولی حدّ اقل ، علاقه مندی او به خاندان رسالت ، از این حدیث ، استفاده می شود .

## ٥٧- منصور بن عبد الله اصفهانی

أبو نصر ، منصور بن عبدالله بن ابراهیم اصفهانی . در سلسله سند برخی از روایات ائمه معصومین علیهم السلام ، که در کتب حدیث نقل گردیده ، منصور بن عبدالله اصفهانی ، ملاحظه می شود ، که ذیلاً مواردی از آن را ذکر می نمائیم :

١- در بحار الأنوار ، کتاب التوحید ، حدیثی را از توحید شیخ صدوق و عیون أخبار الرضا علیه السلام از امام هشتم علیه السلام ، نقل نموده ، که در سند آن آمده است : عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْوَهَّابِ الْقُرَشِيِّ ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْفَضْلِ بْنِ الْمُعْتَرِ ، عَنْ مَنْصُورِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْإِصْفَهَانِيِّ ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ ، عَنْ

ص: ٢٥٢

١- بحار الأنوار ، جلد ٤٧ ، صفحه ٢٠٤ و ٢٠٥ ، ولی در بحار الأنوار ، جلد ٤ ، صفحه ٣٧٩ به جای محمد بن احمد بن علی التطنزی ، محمد بن علی الإصفهانی ، ضبط شده است ، و علت آن این است که ، گاهی نظری ها ، اصفهانی خوانده می شوند ، به خاطر این که اصفهان مرکز علمی بوده ، و نظری از توابع آن محسوب می شده است ، و ضمناً احمد ذکر نشده ، و نسبت محمد ، به جد او ، علی ، داده شده است

٢- حافظ ابو نعیم ، از محدثی به نام محمد بن مهران ، یاد می نماید و می نویسد : محمد بن مهران بن کوشاذ الإصبهانی ، سکن سمری ، حدّث عن ابراهیم الهروی ، و در جای دیگری می نویسد : محمد بن مهران بن کوشاذ الإصبهانی ، سکن سامره یروی عن ابراهیم الهروی ، حدّث عنه عبد الباقي بن قانع ( ذکر أخبار أصبهان ، جلد ٢ ، صفحه ٢٠٤ و ٣٠٥ ) ولی دلیلی بر اتحاد او با محدث یاد شده در فوق ، به دست نیامد

الْحُسَيْنِ بْنِ بَشَارٍ، عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ (١).

۲- و نیز در کتاب توحید از بحار الأنوار، حدیث دیگری را از توحید شیخ صدوق، نقل فرموده از امام صادق علیه السلام، با این سند: عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْوَهَّابِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْفَضْلِ، عَنْ مَنْصُورِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْإِصْفَهَانِيِّ، عَنْ صَيْفُوَانَ بْنِ إِسْحَاقَ بْنِ مُشْكَانٍ، قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى (٢).

۳- و هم چنین، در کتاب النبوه، در بحار الأنوار، حدیثی را از علل الشرائع شیخ صدوق، و عیون أخبار الرضا علیه السلام، نقل فرموده، در قصه حضرت سلیمان و مورچه (نمله) با این سند: عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْوَهَّابِ الْقُرَشِيِّ، عَنْ مَنْصُورِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْإِصْفَهَانِيِّ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْرُوبِ الْقَزْوِينِيِّ، عَنْ دَاوُدَ بْنِ سُلَيْمَانَ الْغَازِيِّ، قَالَ: سَمِعْتُ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ ... (٣).

۴- در علل الشرائع، مرحوم شیخ صدوق علیه الرحمه، حدیث جالبی را در مورد خاتم قرار دادن عقیق سرخ، به دلیل این که اقرار به وحدانیت خداوند و نبوت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و وصایت امام علی علیه السلام و امامت فرزندان آن حضرت نموده است، نقل کرده، و در سند آن آمده است:

حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْوَهَّابِ الْقُرَشِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا مَنْصُورُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْإِصْفَهَانِيِّ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْإِسْكَندَرَانِيُّ ... عَنْ سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا عَلِيُّ ... (٤).

و همین حدیث را علامه مجلسی، در بحار الأنوار، جلد ۲۷، صفحه ۲۸۰،

ص: ۲۵۳

۱- بحار الأنوار، جلد ۴، صفحه ۷۸

۲- بحار الأنوار، جلد ۴، صفحه ۸۵

۳- بحار الأنوار، جلد ۱۴، صفحه ۹۲، علل الشرائع، صفحه ۷۲ (چاپ دار احیاء التراث العربی)

۴- علل الشرائع، چاپ دار احیاء التراث العربی، صفحه ۱۵۸

و نیز در جلد ۴۲، صفحه ۶۹ (در بخش مربوط به اسلحه و لباس و مَرکب علی علیه السلام) نقل نموده است.

۵- علامه مجلسی، در بحار الأنوار، به نقل از عیون أخبار الرضا علیه السلام، حدیث بسیار جالب و مهمی را درباره اهمیت دوستی و پیروی از امیرالمؤمنین علی علیه السلام، و آثار و مقامات معنوی آن حضرت، نقل نموده است، با این سند:

... عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْوَهَّابِ، عَنْ مَنْصُورِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْإِصْفَهَانِيِّ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْإِسْكَندَرَانِيِّ، عَنْ أَحْمَدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مَهْدِيِّ الرَّقِيِّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ، عَنْ آبَائِهِ، عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ؟ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ، يَا عَلِيُّ، طُوبَى لِمَنْ أَحَبَّكَ وَصَدَّقَ بِكَ، وَوَيْلٌ لِمَنْ أَبْغَضَكَ وَكَذَّبَ بِكَ... (۱). علامه بزرگوار، آقا بزرگ طهرانی، در طبقات خود، منصور بن عبدالله را، در زمره راویان قرن چهارم برشمرده است (۲).

### ۵۸- هبه الله بن داود اصفهانی

أبو المكارم، هبه الله بن داود بن محمد اصفهانی، که از مشایخ شیخ منتجب الدین رازی، می باشد و این بزرگمرد، کتاب «المطالب فی مناقب آل أبی طالب» را، که تألیف سید نجم الدین، بدران بن شریف علوی حسینی اصفهانی است، به واسطه همین هبه الله بن داود، نقل می نماید (۳). شیخ منتجب الدین رازی، او را با عنوان ثقة الدین، مورد تجلیل قرار داده است.

ص: ۲۵۴

۱- بحار الأنوار، جلد ۶۸، صفحه ۱۵۰

۲- نوابغ الزواہ فی رابعه المآت، صفحه ۳۲۱، و نیز به صفحه ۳۸ (در ذیل عنوان أحمد بن الفضل) و صفحه ۱۵۷ (در ذیل عنوان عبدالله بن محمد... سنجرى = شجرى) مراجعه شود

۳- ألفهرست منتجب الدین، صفحه ۴۳، و الذریعه، جلد ۲۱ صفحه ۱۳۹

این راوی ، جزء طریق مرحوم شیخ صدوق علیه الرحمه ، در کتاب شریف من الایحضره الفقیه ، به ابی سعید خدری است، و از آن بزرگوار بر می آید ، که براین شخص اعتماد داشته ، و او را از رواه موثق می دانسته است(۱).

#### ۶۰- أبو اسحق بن بحیر اصفهانی

وی ، از مشایخ بزرگان شیعه بوده، و کتابی به نام تأویل آیات داشته است . یکی از شاگردان محقق کرکی ، رساله ای در اسامی مشایخ شیعه نوشته ، و این بزرگمرد را در زمره مشایخ أصحاب ، ذکر نموده است(۲). از تاریخ زندگی این بزرگمرد ، اطلاع دیگری به دست نیامد .

#### ۶۱- أبو الحسن اصفهانی

در کتب رجال اسم و مشخصات وی ذکر نگردیده ، ولی در اسناد کتاب شریف کافی ( از محمد بن یعقوب کلینی قُدس سرّه ) ذکر گردیده است .

مثلاً در باب ( ألبان ) از أبواب أطعمه کتاب کافی ، روایتی از قاسم بن محمد جوهری ، از ابی الحسن اصفهانی، از امام صادق علیه السلام نقل فرموده(۳) و نیز ، در هر کدام از باب ( کتمان ) و باب ( نیمه ) ، حدیثی را از محمد بن عیسی ، از

ص: ۲۵۵

۱- تنقیح المقال، جلد ۳ (بخش کنیها) صفحه ۴۰، و جامع الزواه ، جلد ۲، صفحه ۴۲۶

۲- ریاض العلماء ، جلد ۵، صفحه ۴۱۲ ، و أعیان الشیعه ، جلد ۱۲ ( چاپ جدید ) صفحه ۲۸۶، البته در اعیان الشیعه ، بحیر و مجیر (به صورت دو نسخه ) ضبط شده است، در حالی که در ریاض العلماء ، بحیر ( با حاء بدون نقطه ) ضبط گردیده است

۳- فروع کافی، چاپ دارالکتب الاسلامیه ، جلد ۶، صفحه ۳۳۶

یونس ، از ابی الحسن اصفهانی ، از امام صادق علیه السلام نقل کرده است (۱).

و علامه مجلسی ، در باب ( أَلْقَوْلُ الْخَيْرِ وَالْقَوْلُ الْحَسَنُ ) از کتاب بحار الأنوار ، حدیثی را از محاسن برقی ، نقل فرموده ، که در سند آن چنین آمده است : عَنْ الْيَقْطِينِيِّ، عَنْ يُوسُفَ، عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْإِصْفَهَانِيِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ... (۲).

و هم چنین ، علامه مجلسی ، در قسمت ( أَلْسِمَاءُ وَالْعَالَمُ ) از بحار الأنوار ، در باب ( الْأَلْبَانُ وَفَوَائِدُهَا ) ، حدیثی را با چنین سندی نقل فرموده است:

الْمَحَاسِنُ ، عَنْ أَبِيهِ ، عَنْ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ ، عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْإِصْفَهَانِيِّ ، قَالَ كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ (۳).

مرحوم مامقانی ، نقل حدیث نمودن یونس از ، ابی الحسن الإصفهانی را ، دلیل مقام و اعتبار او ، دانسته است. (۴).

## ۶۲- ابوشیبه اصفهانی

وی ، یکی از اصحاب امام جواد علیه السلام ، می باشد که آن حضرت ، در مورد ازدواج دخترانش ، که به چه نوع همسری آنها را تزویج کند ، نامه نوشته اند به این مضمون : عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارٍ ، قَالَ : قَرَأْتُ كِتَابَ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، إِلَى أَبِي شَيْبَةَ الْإِصْبَهَانِيِّ : فَهَمَّتْ مَا ذَكَرَتْ مِنْ أَمْرِ بَنَاتِكَ ، وَ أَنْكَ لَا تَجِدُ أَحَدًا مِثْلَكَ ، فَلَا تَنْظُرْ فِي

ص: ۲۵۶

۱- اصول کافی ، جلد ۲ ، صفحه ۲۲۵ ، حدیث ۱۲ ، و صفحه ۳۶۹ ، حدیث ۳ ، و همین دو حدیث ، در بحار الأنوار ، جلد ۷۵ ، صفحه ۸۰ و ۸۱ ، و صفحه ۲۶۸ ، نقل گردیده است

۲- بحار الأنوار ، جلد ۷۱ ، صفحه ۳۱۱

۳- بحار الأنوار ، جلد ۶۶ ، صفحه ۱۰۲

۴- تنقیح المقال ، جلد ۲ ، بخش کنیه ها ، صفحه ۱۱

ذَلِكَ يَرْحِمُكَ اللَّهُ ، فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَالَ : إِذَا جَاءَكُمْ مِنْ تَرْضُونَ خُلُقَهُ وَدِينَهُ ، فَزَوِّجُوهُ ، إِنَّكُمْ إِلَّا تَفْعَلُوا ذَلِكَ ، تَكُنْ فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ وَفَسَادٌ كَبِيرٌ (۱).

یعنی : علی بن مهزیار می گوید : قرائت کردم نامه امام ابی جعفر ( جواد آئمه علیه السلام ) را ، به ابی شیبیه اصفهانی ، که نوشته بودند : فهمیدم آنچه را در مورد ازدواج دخترهای نوشته بودی ، که نمیایی احدی را همانند خودت ( در شدت اعتقاد و پای بندی به مکتب اهل البيت عليهم السلام ) ( که دخترهای را به ازدواج آنها در آوری ) پس ( تا این حد ) نظر و دقت نکن ، خدای رحمت کند ، زیرا رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود: وقتی کسی ( برای ازدواج فرزندان ) آمد ، که اخلاق و دین او را می پسندید ، ( دخترانتان را ) به همسری او در آورید ، همانا اگر چنین نکنید ، فتنه ای در زمین و فساد بزرگ ، روی خواهد داد .

از این عبارت ، در روایت یاد شده ، استفاده می شود که او از شخصیت بالائی برخوردار بوده ، و در اعتقاد و پای بندی به مکتب ولایت و تشیع ، مقامی برجسته داشته است .

### ۶۳- أبو اللطيف بن أحمد اصفهانی

أبو اللطيف بن أحمد بن أبي اللطيف زرقويه ( جرقويه ) اصفهانی ( اصفهانی ) ، که با عنوان و لقب ، الشَّيْخُ الْإِمَامُ مِنْبِرُ الدِّينِ ، ستوده شده ، و شیخ منتجب الدین رازی ، او را ، با اوصاف و عناوین : مُنَاطِرٌ فَقِيهٌ دِينٌ ، توصیف نموده و فرموده است : من در خوارزم به ملاقات او رسیدم ، و براو قرائت حدیث نمودم .

وی ، به واسطه قاضی ابن قدامه ، از سید مرتضی ، علم الهدی اعلی الله مقامه ،

ص: ۲۵۷

---

۱- تهذیب الأحكام، جلد ۷، صفحه ۳۹۵ ( چاپ دار الکتب الإسلامیه ) و نیز به الإمام الجواد ، من المهدي الى اللحد ، صفحه ۳۶۲، رجوع شود

تمامی کتابهای او را روایت می نماید(۱).

#### ۶۴-أبونصر بن أبي مسعود اصفهانی

در بحار الأنوار، در بخش تاریخ أميرالمؤمنین علیه السلام، باب ( مناقب أصحاب الكساء و فضلهم ) حدیثی را از تفسیر فرات بن ابراهیم، نقل می نماید، درباره فضائل أهل البيت عليهم السلام با این سند: تَفْسِيرُ فُرَاتٍ، مُحَمَّدُ بْنُ زَيْدِ الثَّقَفِيِّ، عَنْ أَبِي نَصْرِ بْنِ أَبِي مَسْعُودِ الْإِسْفَهَانِيِّ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ أَحْمَدَ ... ، عَنْ حُذَيْفَةَ بْنِ الْيَمَانِ ، قَالَ : دَخَلْتُ عَائِشَةَ ... (۲).

#### ۶۵-الإصفهانی

مرحوم کلینی در کتاب شریف کافی، ( کتاب الزکاه، باب اوقات الزکاه ) حدیثی را نقل نموده، که در سند آن آمده است:

... عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَمَزَةَ ، عَنِ الْإِسْفَهَانِيِّ ، قَالَ : قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ... (۳).

ولی از نام و مشخصات دیگر این راوی، ذکری نفرموده است. احتمال دارد راوی یاد شده، همان أبو الحسن اصفهانی ( که قبلاً در ذیل شماره «۶۱» ذکر گردید ) باشد.

ص: ۲۵۸

- 
- ۱- جامع الزّواہ، جلد ۲، صفحه ۳۳، فهرست شیخ منتجب الدّین، صفحه ۹۹ تنقیح المقال، جلد ۳، بخش کنیه ها، صفحه ۳۲
  - ۲- بحار الأنوار، جلد ۳۷، صفحه ۸۲، و تفسیر فرات بن ابراهیم کوفی، در تفسیر آیه، آمن الرسول بما أنزل إليه من ربه ...
  - ۳- کافی، جلد ۳، صفحه ۵۲۳ ( چاپ دار الکتب الإسلامیة )



۷- نامدارانی از مفاخر علمی و ادبی شیعه اصفهان از قرن سوم تا دهم

اشاره

ص: ۲۵۹



در این بخش، فقط بیست نفر از چهره های علمی و ادبی شیعه در اصفهان، (از قرن سوم تا دهم) که شهرت ویژه دارند، و از نامداران شخصیت‌های علمی و ادبی به شمار می‌روند، به ترتیب زمان وفات یا شهادتشان، ذکر مینمائیم، و بقیه را در بخش دیگری، تحت عنوان (چهره های علمی و ادبی شیعه از قرن سوم تا دهم) مورد بحث و بررسی قرار می‌دهیم.

### ۱- ابراهیم بن محمد بن سعید... ثقفی اصفهانی

محدث نامدار، و عالم صالح عظیم الشان، أبو اسحاق، ابراهیم بن محمد بن سعید بن هلال بن عاصم بن سعید (سعد) بن مسعود ثقفی کوفی اصفهانی (ره)، متوفای ۲۸۳ هجری، که از مفاخر علمی شیعه و کوفه و اصفهان می‌باشد، و با کثرت تألیف و قدرت اندیشه، و جدیت در تصمیم و اراده، خدمات بسیار ارزشمندی را به عالم تشیع و نشر آثار اهل بیت علیهم السلام نموده، و مورد تجلیل فراوان بزرگان علم رجال و حدیث قرار گرفته است.

وی، از نسل سعید بن مسعود ثقفی، برادر اَبی عبید بن مسعود ثقفی، و عموی مختار بن اَبی عبیده ثقفی (انتقام گیرنده خون سید الشهداء اَبی عبدالله الحسین علیه السلام) می‌باشد، و او همان است که امیرالمؤمنین علی علیه السلام او را به

حکومت مدائن منصوب فرمودند ، و امام حسن علیه السلام در حادثهٔ ساباط ، به او پناه بردند (۱). ابراهیم بن محمد ثقفی ، کتابی را به نام « المعرفه » تألیف نمود (۲) در زمینهٔ مناقب مشهورهٔ « امیرالمؤمنین » علیه السلام و « أهل البيت » علیهم السلام ، و مثالب دشمنان و مخالفین آنها ، و این کتاب شگفتی کو فِیون ( که از علماء و شیعیان بودند ) را برانگیخت ، و پیشنهاد کردند که این کتاب را در معرض افکار دیگران قرار ندهد ( به دلیل این که افکار حاکم بر جامعه ، چه بسا از قبول آن خودداری کنند ) ولی این بزرگمرد ، نه تنها از نشر این کتاب مستند ، و پرمایه و ارزشمند ، خودداری نفرمود ، بلکه سؤال کرد ، کدام یک از شهرها از افکار و فرهنگ شیعه دورتر هستند ؟ جواب دادند : اصفهان چنین است ، در این هنگام قسم یاد کرد که مفاد این کتاب را در هیچ شهری نقل نمیکنم مگر در اصفهان ، و به خاطر اطمینان قاطعی که به صحت و استحکام مطالب کتاب داشت ، به اصفهان هجرت نمود ، و به نشر و ترویج محتوای کتاب و سایر افکار و اندیشه های مکتب تشیع ، در این شهر (۳) پرداخت (۴) ، پس از آنکه ابراهیم بن محمد ثقفی به اصفهان وارد شد ، جمعی از بزرگان و محدثین قم ( که مرکز فکری و علمی شیعه در آن زمان بوده ) همانند احمد بن محمد بن خالد برقی

ص: ۲۶۲

---

۱- روضات الجنات ج ۱ ص ۴، مجمع الرجال قهپائی ج ۱، ص ۶۵ و سایر کتب رجالی

۲- ظاهراً این کتاب چهار جزء بوده است ( الأذریعه ، جلد ۲۱ ، صفحه ۲۴۳ )

۳- مرحوم صاحب روضات ، از یکی از حفاظ بزرگ حدیث ، یعنی امام حافظ ، ابو محمد عبد القادر رهاوی ، نقل می کند که : هِيَ مِنْ أَكْبَرِ مُدُنِ الْإِسْلَامِ وَ أَكْثَرِهَا حَدِيثًا مَا خَلَا بَغْدَادَ ( یعنی به استثنای بغداد ، که مرکز علمی و حدیثی جهان اسلام در آن زمان بوده ، بالاترین مرکز حدیث ، شهر اصفهان می باشد ) . « روضات الجنات ، جلد ۱ ، صفحه ۵ »

۴- رجال نجاشی، صفحه ۱۲ و سایر کتب رجالی

(که از محدّثین مشهور است و رقم تألیفات و کتابهای او، به دهها عنوان گوناگون می رسد) به اصفهان آمدند، و آن بزرگمرد را برای هجرت و اقامت در قم دعوت نمودند(۱) و منظور آنها این بود که از علم و دانش و تألیفات و آثار و احادیث او استفاده نمایند، و حوزه علمیه قم را، رونقی افزون بخشند، در حالی که ابراهیم بن محمّد ثقفی، به اصفهان آمده بود برای این که فضائل امیرالمؤمنین علی علیه السلام را با استفاده از علم و دانش و تحقیقات و تألیفات خود، در این شهر، منتشر سازد، و در زمینه اصلاح افکار و اندیشه مردم، و محدّثین و علماء اصفهان، اقدامی مؤثر بنماید. کتابهای ابراهیم بن محمّد ثقفی، بسیار زیاد است، و مشتمل بر احادیث فراوان و متنوع می باشد، و بزرگان علم رجال، آنها را نام برده اند، که ذیلاً نقل می نمائیم:

۱- الغارات (که به نقل الذریعه، نسخه ای از آن نزد علامه مجلسی بوده، و از آن نقل حدیث نموده است) ۲- ألمغازی، ۳- السیّقیه، ۴- الرّدّه، ۵- مقتل عثمان ۶- الشوری، ۷- الجمل، ۸- بیعه امیر المؤمنین علیه السلام، ۹- الصیفین، ۱۰- الحکمین، ۱۱- التّهرّوان، ۱۲- مقتل امیر المؤمنین علیه السلام، ۱۳- رسائل امیر المؤمنین و أخباره و حروبه، ۱۴- قیام الحسین (الحسن) بن علی علیه السلام، ۱۵- مقتل الحسین علیه السلام، ۱۶- التّوایین، ۱۷- عین الورد، ۱۸- أخبار المختار، ۱۹- فدک، ۲۰- السّرائر، ۲۱- الحجّه فی فعل المکرمین، ۲۲- ألمودّه فی ذوی القربی، ۲۳- المعرفه (همان است که به خاطر نشر محتوایش، به اصفهان هجرت نمود)، ۲۴- ألحوض و الشّفاعه، ۲۵- الجامع الکبیر فی الفقه، ۲۶- الجامع الصّغیر، ۲۷- منازل

ص: ۲۶۳

---

۱- رجال نجاشی، صفحه ۱۲، الفهرست شیخ طوسی، صفحه ۵، معجم رجال الحدیث، جلد ۱، صفحه ۲۸۰ - ۲۸۱ و سایر کتب رجال

من القرآن فی أمير المؤمنين عليه السلام ، ۲۸ - فضل الكوفه و من نزلها من الصحابه ، ۲۹ - كتاب فی الإمامه ( كه كتاب بزرگی بوده است ) ، ۳۰ - كتاب فی الإمامه ( كه كتاب کوچکی در مبحث إمامت بوده است ) ، ۳۱ - أَلْمَتَّقِينَ ( أَلْمَتَّعَتِينَ ) ۳۲ - أَلْجَنَائِز ، ۳۳ - أَلْوَصِيَّه ، ۳۴ - الْمَبْتَدَأ ، ۳۵ - أَخْبَارِ عَمْر ، ۳۶ - أَخْبَارِ عَثْمَانَ ۳۷ - كِتَابِ الدَّار ، ۳۸ - الْأَحْدَاث ، ۳۹ - أَلْحُرُورِ ، ۴۰ - الْإِسْتِنْفَار ( أَلْأَسْفَار ) ، ۴۱ - أَلْسَيْر ، ۴۲ - أَخْبَارِ يَزِيد ، ۴۳ - ابْنِ الزَّبِير ، ۴۴ - التَّفْسِير ، ۴۵ - كِتَابِ التَّارِيخ ، ۴۶ - الزَّوْيَا ، ۴۷ - كِتَابِ الْأَشْرِبَةِ ، الْكَبِيرِ وَ الصَّغِيرِ ، ۴۸ - كِتَابِ زَيْدٍ وَ أَخْبَارِهِ ، ۴۹ - كِتَابِ مُحَمَّدٍ وَ اِبْرَاهِيمَ ، ۵۰ - مَنْ قَتَلَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ ، ۵۱ - أَلْخَطَبُ الْمَعْرَبَاتِ ( الْمَقْرَبَاتِ ) (۱).

ابراهيم بن محمد ثقفی ، مورد تجلیل و احترام بزرگان علم و حدیث می باشد و شخصیت بزرگی همانند سید بن طاووس (در إقبال الأعمال) او را توثیق نموده ، و ابن الندیم ، در کتاب « الفهرست » او را از ( أَلثَّقَاتِ الْعُلَمَاءِ الْمُصَيَّبِينَ ) شمرده ، و علامه مجلسی درباره او فرموده : ( إِنَّ لَهُ مَدَائِحَ كَثِيرَةً ) و بزرگان حدیث در کتابهای برجسته ای ، همانند : کافی و تهذیب و تفسیر قمی و کامل الزیارات ، از او نقل حدیث نموده اند ، و چهره های عظیم الشانی همانند : شیخ مفید و سید مرتضی ( علم الهدی ) برخی از کتابهای او را نقل نموده اند (۲).

## ۲- أحمد بن أبي يعقوب...اصفهانی ( يعقوبی )

مورخ نامدار و جغرافی دان ، مشهور ، أحمد بن أبي يعقوب ، اسحاق

ص: ۲۶۴

---

۱- أَلْفَهْرَسْتِ شَيْخِ طُوسِي ، صَفْحَةٌ ۵ ، رِجَالِ نِجَاشِي ، صَفْحَةٌ ۱۳ ، مَعْجَمِ رِجَالِ الْحَدِيثِ ، جِلْد ۱ ، صَفْحَةٌ ۲۸۱ ، مَجْمَعُ الرِّجَالِ

قَهْطَائِي ، جِلْد ۱ ، صَفْحَةٌ ۶۷

۲- بَه رُوضَاتِ الْجَنَّاتِ ، جَامِعِ الزَّوَاهِ ، مَعْجَمِ رِجَالِ الْحَدِيثِ وَ ... مِرَاجِعُهُ شُود

بن جعفر بن وهب بن واضح ، کاتب اصفهانی ، معروف به ( یعقوبی ، و ابن یعقوبی ، و ابن واضح ) ، که از دانشمندان بزرگ تاریخ و جغرافیا ، در نیمهٔ دوّم قرن سوّم هجری می باشد ، و دارای علم نجوم بوده ، و شعر نیز می سروده است .

او از معاصرین أحمد بن داوود ، أبوحنیفهٔ دینوری می باشد (۱) و به سیر و سیاحت ، شدیداً علاقه مند بوده ، و سفرهائی به آرمینیه ( ارمنستان ) و هند و مصر و بلاد مغرب داشته ، و در ضمن سیاحت خود ، کتاب « البلدان » ، را که قدیمی ترین کتاب عربی ، در زمینهٔ جغرافیا میباشد ، تألیف نموده است (۲).

تألیفاتی گوناگون داشته که بعضی از آنها باقی مانده ، و برخی دیگر از بین رفته ، و فقط نام آنها باقی مانده است ، و مجموعاً به نُه عنوان می رسد (۳) و مشهورترین آنها ، یکی « التاریخ » است ، که در دو جلد می باشد ، و به نام « تاریخ یعقوبی » شهرت یافته ، و دیگری کتاب « البلدان » یا « أسماء البلدان » ، که در ضمن سیر و سیاحتهاى خود نوشته ، و قدیمی ترین کتاب در موضوع خود، در عالم عربی می باشد .

دو کتاب یاد شده ، در لیدن و نجف اشرف (۴) و نیز در بیروت ، چاپ شده است ، و تاریخ یعقوبی ، به وسیلهٔ دکتر ابراهیم آیتی ترجمه شده ، و چندین بار به چاپ رسیده ، و به وسیلهٔ مرکز انتشارات علمی و فرهنگی ، وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی ایران ، چاپ سوّم آن در سال ۱۳۶۲ شمسی ، انجام گرفته است ، و کتاب « البلدان » نیز ، به وسیلهٔ دکتر ابراهیم آیتی ترجمه گردیده ،

ص: ۲۶۵

---

۱- ریحانه الأدب ، جلد ۶ ، صفحهٔ ۳۹۸

۲- أعيان الشّيعه ، جلد ۳ ، صفحهٔ ۲۰۲

۳- مقدمه تاریخ یعقوبی ، به قلم دکتر محمّد ابراهیم آیتی ، از صفحهٔ بیست و یک تا بیست و چهار

۴- الذّریعه ، جلد ۳ ، صفحهٔ ۱۴۴ و ۲۹۶ ، ریحانه الأدب ، جلد ۶ ، صفحهٔ ۳۹۸

و چندین بار به چاپ رسیده، که چاپ سوّم آن به وسیلهٔ بنگاه ترجمه و نشر کتاب در سال ۱۳۵۶ شمسی، انجام گرفته است.

واضح، جدّ أحمد بن أبی یعقوب، از شیعیان أهل البیت علیهم السلام بوده، و جان خود را بر سر این راه گذاشته، و به شهادت رسیده است (۱)، و شخص أحمد بن أبی یعقوب نیز، به نوشته و تصریح بسیاری از صاحبان تراجم، شیعه بوده، و در تشیع او شبهه ای نیست، زیرا او « حدیث غدیر » و « حدیث ثقلین » و تفسیر آن به کتاب خدا و عترت را نقل نموده، و نزول آیه ( أَلْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ ... ) را در روز نصب امیر المؤمنین علی علیه السلام به خلافت در غدیر خم، تصریح کرده، و هیچیک از خلفاء را به جز امام علی علیه السلام با عنوان امیر المؤمنین، یاد نمی کند (۲).

سارتن، پس از آن که یعقوبی را به عنوان مورّخ و جغرافی دان شیعه معرفی می کند، می گوید: از لحاظ شیعه بودن وی، این کتاب جالب توجه است، چه، بی طرفانه و با علاقهٔ خاص نوشته شده است.

و جرجی زیدان نیز می نویسد: از مزایای تاریخ یعقوبی علاوه بر قدّمات آن، این است که، مؤلّف آن شیعی مذهب است و از عباسیان چیزهایی می نویسد، که دیگران از ذکر آن پرهیز می کنند.

یعقوبی، از خطب و رسائل یا کلمات قصار رسول اکرم صِلِّی اللهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلِّمْ، و هر یک از ائمه شیعه علیهم السلام تا امام رضا علیهم السلام را نقل می کند، و در حوادث سال ۲۵۴، وفات امام هادی علیهم السلام را بیان نموده، و در حوادث سال ۲۰۴، اجمالی از ازدواج امّ

ص: ۲۶۶

---

۱- مقدّمه ترجمه تاریخ یعقوبی، صفحه نوزده، و نیز مقدّمه ترجمه کتاب البلدان، صفحه ۱۰ به نقل از طبری و ابن اثیر

۲- مقدّمه ترجمه تاریخ یعقوبی به قلم دکتر آیتی، صفحه بیست



الفضل با امام جواد علیه السلام را ذکر نموده است (۱). تاریخ فوت أحمد بن یعقوب را متفاوت نوشته اند ، همانند : ۲۷۸ ، بعد از ۲۷۸ ، ۲۸۲ ، ۲۸۴ ( که این قول اخیر مشهور می باشد ، و در معجم الأدباء یاقوت حموی (جلد ۵، صفحه ۱۵۴) آمده است ، ولی علامه امین ، در أعیان الشیعه نوشته اند که : یعقوبی در شب عید فطر ۲۹۲ ، به یاد روزگار قدرت آل طولون افتاده ، و زوال سلطنت آنها را مورد عبرت قرار داده ، و اشعاری سروده است ، و از این جریان معلوم می شود که وفات او پس از این تاریخ می باشد (۲).

### ۳- أحمد بن علویة اصفهانی

أبو جعفر، أحمد بن علویة اصفهانی ، معروف به « أبو الأسود » و « ابن الأسود » متولد ۲۱۲ و متوفای ۳۲۰ هجری (۳).

وی محدثی نامدار، و شاعری بسیار بزرگ ، و مجاهدی عظیم الشان می باشد . در کتابهای « تهذیب شیخ طوسی » و « من لا یحضره الفقیه صدوق » از او نقل حدیث گردیده ، و شیخ طوسی در بخش مربوط به ابراهیم بن محمد ثقفی کوفی اصفهانی ، کتابهای او را به واسطه أحمد بن علویة اصفهانی ، روایت می نماید (۴). مرحوم نجاشی ، کتاب او را به نام « الإعتقاد » ( فی الأدعیه ) نقل نموده (۵) ، و ابن شهر آشوب مازندرانی ، در کتاب نفیس « معالم العلماء »

ص: ۲۶۷

۱- مقدمه ترجمه تاریخ یعقوبی به قلم دکتر آیتی ، صفحه بیست

۲- أعیان الشیعه ، چاپ جدید، ج ۳، ص ۲۰۲، و نیز ملحقات البلدان، ص ۱۵۴

۳- دائره المعارف تشیع، جلد ۱ ، صفحه ۳۵۱ و در کتاب ریحانه الأدب ، جلد ۷، صفحه ۳۸۳، عمر این بزرگمرد بیش از یکصد سال ذکر شده است

۴- ألفهرست شیخ طوسی، صفحه ۶

۵- رجال نجاشی، صفحه ۶۴

مینویسد: ( لَهُ كُتِبَ مِنْهَا دُعَاءُ الْإِعْتِقَادِ ، وَ لَهُ النُّوْبَةُ ، الْمُسَدِّمَاءُ بِالْأَلْفِيَّةِ وَ الْمُحَبَّرَةُ (۱) ) و شیخ طوسی او را جزء راویانی که درک محضر امامان معصوم علیهم السلام ننموده اند ذکر نموده است (۲).

عده ای از محدثین ، همانند : أبوجعفر، محمد بن الحسن الولید ( متوفای ۳۴۳ ) و سعد بن عبد الله أشعری (متوفای ۲۹۹ یا ۳۰۰ یا ۳۰۱ هجری ) و حسین بن محمد بن عمران أشعری و عبد الله بن حسین (حسن) مؤدب و ... ، از او نقل حدیث مینمایند ، و این بزرگمرد از مشایخ آنها به شمار می رود(۳).

در هنگامی که قصیدة نوئیة ابن علویة را ، که به نام « ألفیه » بوده ( ولی هشتصد و سی و چند شعر او ضبط شده(۴) برای أبو حاتم سجستانی خواندند ، به تعجب در آمد و به أهل بصره گفت : والله این شاعر اصفهانی، در استحکام شعر و کثرت فوائد آن ، بر شما تفوق یافته است ( با این که عرب زبان هستید ، و شعر عربی سرودن ، زبان مادری شما است ) . ابن علویة در این اشعار ، روایات فضائل امیرالمؤمنین علی علیه السلام را مطرح نموده ، و با مخالفان خلافت آن حضرت، احتجاج نموده ، و مخصوصاً کلمه مولی را که به معنی ولایت مطلقه آن امام است ، به صورتی بدیع ، بیان داشته است . ثعالبی ، در « یتیمه الدهر » ابن علویة را از شعراء و نویسندگان اصفهان ذکر نموده (۵) ، و سیوطی در « بُغیة الوعاه » ، او

ص: ۲۶۸

۱- معالم العلماء ، صفحه ۱۹

۲- رجال شیخ طوسی ، صفحه ۴۴۷

۳- دائره المعارف تشیع ، جلد ۱ ، صفحه ۳۵۱

۴- ریحانه الأدب ، جلد ۷ ، صفحه ۳۸۳ ، و تنقیح المقال ، جلد ۱ ، صفحه ۶۸

۵- یتیمه الدهر ، جلد ۳ ، صفحه ۲۹۵

را صاحب لغه و آدیب و شاعر خوانده (۱) و صاحبان تراجم، شعرش را در جزالت و استحکام و فصاحت و قوه ترکیب و نظم معانی، در سرحد کمال دانسته، و بیان او را در مناقب ائمه علیهم السلام و دفاع از مذهب امامیه، شیرین، و همراه با منطقی قوی، شمرده اند.

علامه امینی در الغدیر، او را در زمره شعراء غدیر شمرده، و منتخبی از اشعار او را نقل کرده، و حاج آقا بزرگ طهرانی او را، در زمره نوابغ رواه در سده چهارم، ذکر نموده، و صاحب اعیان الشیعه، او را جزء چهره های برجسته علم و ادب جهان شیعه به شمار آورده، و یاقوت حموی در معجم الأدباء، او را ستوده و تمجید کرده است (۲).

و در یک کلام: احمد بن علویه اصفهانی، از مفاخر شیعه، و از چهره های برجسته علمی و ادبی اصفهان، و آبروئی برای تاریخ علم و ادب و تشیع می باشد

#### ۴- حمزه اصفهانی

آدیب نامدار، و نویسنده صاحب آثار، و مؤرخ متبّع، و لغوی متبحر، حمزه بن حسن اصفهانی، مکنی به ابو عبد الله، و متوفای پس از ۳۵۰ هجری. وی از دانشمندان معروف اصفهان در قرن چهارم می باشد، و در لغت و تاریخ و ادبیات برجستگی داشته است.

ابن الندیم، از آثار او: ۱- اصفهان و اخبارها، ۲- التّشبیّهات، ۳- أنواع الدّعاء ۴- التّصحیف ۵- الأمثال علی أفعال ...، ۶- الأمثال الصّادره عن ثبوت الشّعر،

ص: ۲۶۹

۱- بغیه الوعاه، جلد ۱، صفحه ۳۳۶

۲- معجم الأدباء، جلد ۴، صفحه ۷۲

۷- التنبیه علی حروف المصحف ، ۸- رسائل ، ۹- التمثیل فی تباشیر السرور را ، برشمرده است (۱). از آثار قلمی و مهم حمزه اصفهانی ، کتاب « تاریخ سنی ملوک الأرض و الأنبياء » می باشد ، که به نام « تاریخ ملوک الأرض » نیز نامیده شده است (۲).

این کتاب به لاتین ترجمه شده ، و در لیسبک در سال ۱۸۶۶ میلادی ، در دو جزء ، یکی با متن عربی ، و دیگری ترجمه لاتین ، به چاپ رسیده ، چنانچه در سال ۱۳۴۰ قمری ، در کلکته و برلین نیز ، چاپ شده است (۳).

علامه امین ، کتاب دیگری از او یاد کرده به نام « الْأَخْصَائِصُ وَ الْمُوَاظَنَةُ بَيْنَ الْعَرَبِيَّةِ وَ الْفَارَسِيَّةِ » فی تاریخ آداب اللغه العربیه ، که نسخه خطی آن در کتابخانه خدیویه موجود است (۴). نویسنده محقق ، آقای دکتر لطف الله هنرفر ، وفات این بزرگمرد را بین سالهای ۳۵۰ تا ۳۶۰ دانسته است (۵).

### ۵- أبو الفرج اصفهانی

ادیب نحوی ، و کاتب شاعر ، و مورخ حافظ ، نسابه متبحر ، و محدث متفنن ، علی بن حسین بن محمد اصفهانی ، مکنی و معروف به أبو الفرج اصفهانی ، متولد ۲۸۴ و متوفای ۳۵۶ یا ۳۵۷ یا بعد از ۳۶۰ هجری . وی ، نسبش به مروان حمار می رسد ، و از امویان می باشد ، ولی علم و دانش او از یک طرف ، و بینش اجتماعی او از طرف دیگر ، او را به سوی مکتب تشیع سوق داده است ،

ص: ۲۷۰

---

۱- ألفهرست ابن الندیم ، چاپ بیروت ، صفحه ۱۹۹

۲- الذریعه ، جلد ۳ ، صفحه ۲۸۸

۳- الذریعه ، جلد ۳ ، صفحه ۲۸۸

۴- أعیان الشیعه ، جلد ۶ ، صفحه ۲۴۰

۵- اصفهان ، صفحه ۲۰۷

و مخصوصاً محیط خانوادگی او در شهر و جامعه اصفهان، در این زمینه مؤثر بوده، و نام علی (برای خودش) و نام حسین (برای پدرش) گویای این گرایش در خانواده او، و نیز در جامعه اصفهان آن روز می باشد. خاندان أبو الفرج، علمی بوده، و جمعی از آنها از دانشمندان بوده اند، و مذهب تشیع داشته اند (۱).

شیخ طوسی در فهرست، او را در شمار مصنفین شیعه برشمرده، و او را زیدی المذهب دانسته، و کتابهای او را از قبیل: «الأغانی الکبیر»، و «مقاتل الطالبیین» و کتاب «مانزل من القرآن فی أمر المؤمنین علیه السلام و أهل بیته علیهم السلام»، و «کتاب فیہ کلام فاطمه علیها السلام فی فدک»، و غیر اینها، ذکر نموده است (۲).

مرحوم اردبیلی، در «جامع الزّواہ»، با استناد به کلام علامه در «خلاصه» و شیخ طوسی در «الفهرست» او را زیدی المذهب، و صاحب تصنیف ذکر نموده (۳)، و مرحوم مامقانی در «تنقیح المقال» پس از آن که مطالب شیخ طوسی و دیگران را درباره او نقل نموده، فرموده است: «و الرَّجُلُ وَ إِن كَانَ زَیْدِيًّا، إِلَّا أَنَّهُ مُعْتَمِدٌ عِنْدَ الْأَصْحَابِ، فَيَكُونُ حَدِيثُهُ مِنَ الْمُوثِقِ (۴)، و مرحوم آیه الله العظمی، آقای خوئی در معجم رجال الحدیث، به ستایش های شیخ حزر عاملی در مورد علم و ادب و کتب أبو الفرج اصفهانی، و نیز نوشته های شیخ طوسی درباره این عالم ادیب، اکتفاء نموده، و اظهار نظر دیگری نفرموده است (۵).

أبو الفرج اصفهانی، دارای علوم و فنون گوناگون، از قبیل: لغت، نحو،

ص: ۲۷۱

۱- دائره المعارف تشیع، جلد ۱، صفحه ۲۳۱

۲- ألفهرست، صفحه ۱۹۲

۳- جامع الزّواہ، جلد ۲، صفحه ۴۰۹

۴- تنقیح المقال، جلد ۱۳ (بخش کینه ها)، صفحه ۳۱

۵- معجم رجال الحدیث، جلد ۱۱، صفحه ۳۶۷

صرف ، تاریخ ، علم أنساب ، علم جوارح ، طبّ انسانی و طبّ حیوانی ( دامپزشکی ) ، نجوم بوده ، و در شعر و ادب و نویسندگی ، از اعجوبه های تاریخ به شمار رفته است ، و اکثر اخبار و اشعار و احادیث و أنساب را ، با اسناد و اسامی قائلین و ناقلین آنها ، حافظ بوده (۱) ، و به همین جهت نوشته های او مورد توجه قرار گرفته است . او بی گمان ، از چهره های درخشان ، و از نوابغ تاریخ ادبیات عرب می باشد ، و لذا در عموم کتب تراجم و تاریخ بزرگان ، از دانش و اندیشه او ، تمجید گردیده است .

یاقوت در « إرشاد الأریب » می نویسد : وی علامه و نسب شناس و راوی اخبار ، و جامع میان وسعت روایت و دقت تحقیق بود ، و حافظه و هوشی فوق العاده داشت . هیچ مؤلفی را نمی شناسیم که آثارش در فنون ادب ، نیکوتر و جامعتر از أبو الفرج باشد ، و با این همه ، شاعری شیرین گفتار بوده است (۲) .

ثعالبی در یتیمه الدّهر می نویسد : علی بن حسین اموی ، اصفهانی الأصل و بغدادی المنشأ ، از اعیان و شخصیت های ادباء و از مصنفین کم نظیر ( و یا بی نظیر ) بوده ، و شعرش جامع بین إتقان و استحکام عالمان ، و ظرافت و لطافت شعرای ظریف گوی می باشد (۳) .

یاقوت حموی در معجم الأدباء ، او را به شدت تجلیل می نماید ، و او را علامه نساب و اخباری حَفَظَهُ (۴) ، و جامع بین وسعت روایت و حذاقت در درایت و فهم می شمارد ، و می نویسد :

ص: ۲۷۲

۱- ریحانه الأدب ، جلد ۷ ، صفحه ۲۳۶

۲- دائره المعارف تشیع ، جلد ۱ ، صفحه ۴۳۱

۳- یتیمه الدّهر ، جلد ۳ ، صفحه ۱۰۹

۴- حَفَظَهُ صیغه مبالغه است ، به معنی کسی که بسیار حافظ می باشد

کتابها و تصنیفات کسی را در زمینه هائی که أبو الفرج کتاب نوشته ، بهتر از آثار او نمی دانم ، و آنگاه درباره کتاب «الأغانی» او می نویسد: به جان خودم، این کتاب ، ارزشمند ، نامدار، پُر فایده ، پُر دانش و جامع بین جدّ کامل ، و هزل

خالص می باشد(۱).

### تألیفات أبو الفرج اصفهانی

کتابها و آثار قلمی أبو الفرج اصفهانی را تا یکصد کتاب نام برده اند (۲) که از آن جمله است :

۱- الأغانی ، که معروفترین کتاب اوست ، و در ظرف پنجاه سال تألیف گردیده (۳)، و صاحب بن عبّاد وقتی خبردار شد که ، سیف الدّوله ، به عنوان جایزه یکهزار دینار به أبو الفرج داده برای کتاب الأغانی ، گفت : سیف الدّوله حق أبو الفرج را رعایت نکرده ، و او مستحقّ چندین برابر این جایزه بوده ، و سپس در اوصاف کتاب سخن بسیار گفت ، و اضافه کرد که ، خزانه من مشتمل بر دوست هزار جلد کتاب بود، ولی هیچ کدام از آنها به جز این کتاب ، آنیس شبهای من و مورد اعجاب و توجّه من نمی بود (۴).

۲- مقاتل الطالبيين ، که در آن، شهدای خاندان ابي طالب را ، از جعفر طيار تا شهدائی که ، تا اواخر حکومت مقتدر عبّاسی (متوفای ۳۲۰)، به شهادت رسیده اند ، مورد ذکر قرار داده ، و شرح حال و شهادتشان را نوشته ، و در سال

ص: ۲۷۳

---

۱- معجم الأدباء یاقوت حموی ، جلد ۱۳ ، صفحه ۹۵ و ۹۸

۲- دائره المعارف تشیع، جلد ۱، صفحه ۴۳۱

۳- روضات الجنّات، جلد ۵، صفحه ۲۲۲ و ۲۲۳ به نقل از یافعی و صفدی

۴- روضات الجنّات به نقل از صفدی

۳۱۳ از نوشتن آن ، فارغ گردیده است (۱).

۳- کتاب التّنزِيل فِي أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا طَبَقَ نُوشْتَهُ شَيْخِ طُوسِي فِي الْفَهْرَسْتِ مَا نَزَلَ مِنَ الْقُرْآنِ فِي أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ

۴- كِتَابٌ فِيهِ كَلَامٌ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ فِي فَدَاكَ (۲)

۵- آدَابُ الْعُرَبَاءِ مِنْ أَهْلِ الْفَضْلِ وَالْأَدَبِ

### تشیع ابو الفرج اصفهانی، نشانه ای از رشد فرهنگ تشیع، در تاریخ گذشته اصفهان

ابو الفرج اصفهانی ، با این که از بنی مروان و بنی امیه است، نه تنها گرایش به تشیع داشته ، بلکه شخصاً شیعه زیدی بوده ، و خاندان او نیز شیعه یا متمایل به تشیع بوده اند ، تا آنجا که پدر او به نام حسین و خودش به نام علی نامگذاری گردیده بوده است، و این دو نامگذاری نشانه بسیار روشنی ، از جوّ گرایش شدید نسبت به اهل البيت عليهم السلام در شهر اصفهان می باشد ، زیرا اگر چنین گرایشی در اصفهان نمی بود ، معنی نداشت که در خاندانی اموی ، نام مقدّس ائمه معصومین عليهم السلام ، بر نوزدان نهاده شود .

بنابراین ، نه تنها تشیع ابو الفرج اصفهانی مروانی اموی ( که مؤرخین سنی را به شگفتی آورده (۳) ) ، و تألیفات او ، همانند : مَقَاتِلُ الطَّالِبِينَ ، و مَا نَزَلَ مِنَ الْقُرْآنِ فِي أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ ، از نشانه های ریشه های عمیق تشیع در اصفهان می باشد ، بلکه نام گذاری های خانوادگی ، در خاندان او ، از اسناد مهم عمق

ص: ۲۷۴

۱- الذریعه ، جلد ۲۱ ، صفحه ۳۷۶

۲- الفهرست شیخ طوسی ، صفحه ۱۹۲

۳- ذهبی در میزان الاعتدال ، و یافعی در مرآت الجنان ، اظهار تعجب کرده اند که یک مروانی ، شیعه بوده است ( الذریعه جلد ۲۱ صفحه ۳۷۶ )



اعتقاد به امامت و أهل البيت عليهم السلام در اصفهانِ قدیم می باشد .

### نقش أبو الفرج اصفهانی، در نشر روایات فضائل و مصائب أهل البيت عليهم السلام

أبو الفرج اصفهانی با توجه به موقعیت علمی برجسته اش از یک طرف . و این که از خاندان بنی امیه و بنی مروان است ، و با این حال نقل مناقب و فضائل خاندان رسالت نموده ، از طرف دیگر ، نقش مؤثری در نشر روایات مربوط به خاندان رسالت ( أعمّ از مقامات الهی و منصب امامت و فضائل و مصائب و مظلومیت آنها ) داشته است ، و لذا علامه مجلسی قدس سرّه در بحار الأنوار ، در موارد بسیار زیادی ، روایات او را ( أعمّ از آنچه در « الأغانی » یا « مقاتل الطالبیین » یا « ما نزل من القرآن فی أمير المؤمنين علیه السلام و أهل بيته عليهم السلام » و ... ، نقل نموده ) ذکر فرموده ، و در بخش های گوناگون و مجلدات آن کتاب ارزشمند و نورانی ، روایات أبي الفرج اصفهانی را در زمینه مسائل امامت و ولایت و فضائل أهل البيت عليهم السلام ، نقل نموده است .

### خاندان علمی أبو الفرج اصفهانی

نه تنها أبو الفرج اصفهانی ( علی بن الحسین أموی مروانی شیعی ) چهره ای علمی برای تشیع اصفهان می باشد ، بلکه در خاندان او ، جمعی عالم و محدث و شیعی بوده اند (1) که خاندانی علمی را تشکیل می دهند .

خاندان أبو الفرج ، گرچه مروانی بوده اند ، ولی همانند بسیاری از آگاهان آن زمان

ص: ۲۷۵

نسبت به تشیع و مکتب أهل البيت عليهم السلام، گرایش و یا اعتقاد داشته اند (۱).

## ۶- اسماعیل بن عبّاد « صاحب بن عبّاد »

افتخار ایران و اسلام و تشیع و عالم علم و ادب، اسماعیل بن عبّاد بن عبّاد بن عبّاد بن أحمد بن إدريس دیلمی قزوینی طالقانی اصفهانی، متولد ۳۲۶ و متوفای ۲۴ صفر ۳۸۵ هجری. وی مکتبی به أبو القاسم و ملقب به « کافی الکفاه »، و معروف به « صاحب » و « ابن عبّاد » و عمده، « صاحب بن عبّاد »، می باشد.

در تاریخ علم و ادب ایران و تشیع، و نیز در تاریخ سیاست و وزارت کشور کهن سال ایران، چهره صاحب بن عبّاد می درخشد، و صاحبان تراجم، و مورّخین و شعراء و نویسندگان دائره المعارف ها، هر کدام به تفصیل، از عظمت و شخصیت و ابعاد وجودی و برکات این بزرگمرد، سخن گفته اند، و بسیاری از آنها، خود را عاجز از بیان تمام کمالات و ارزشهای این افتخار عالم علم و ادب، دانسته اند.

وی، ادیب کامل، لغوی محقق، نحوی مدقق، منشی و شاعر خوش ذوق، و لطیفه گوی و فصیح و بلیغ، متکلمی متبحر، فقیه و دین شناسی عالیقدر، محدثی عظیم الشان و نکته سنجی بی نظیر بوده، که او را نادر روزگار و أعجوبه زمان و افتخار دوران و شمع محفل علماء و أدباء و سادات و صاحبان فضل، خوانده اند.

صاحب بن عبّاد، وزیری بی نظیر برای مؤید الدوله و نیز فخر الدوله (از آل بویه) بوده، و در مراتب علم و فضل، و جود و بخشش و فصاحت و بلاغت، و تفتن و لطافت روح، و حضور ذهن و آمادگی جواب و ...، مورد قبول عموم صاحب نظران و اندیشمندان، می باشد.

ص: ۲۷۶

ذکر فضائل صاحب بن عبّاد، نه تنها در کتابها و رساله ها، و نیز اشعار شعرای بزرگ ، فراوان دیده می شود، بلکه بسیاری از ستایشگران فضائل این بزرگمرد ، به این ستایشگری افتخار نموده ، و بر خود می بالند، و از روح بلند این بزرگ شخصیت علم و دین ، پوزش می طلبند ، و به دلیل عدم قدرت بر إحصای فضائل او ، عذر تقصیر می خواهند .

محدّث و فقیه بزرگ شیعه ، و افتخار بزرگ عالم تشیع ، مرحوم شیخ صدوق رضوان الله علیه ، کتاب نفیس و پرآرزش « عیون أخبار الرضا » علیه السلام را ، به نام نامی صاحب بن عبّاد ، تألیف نموده ، و در مقدمه آن ، دو قصیده زیبای صاحب بن عبّاد ، در زمینه اهداء سلام به حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام را ، نقل نموده ، و سپس دو حدیث از امام صادق علیه السلام ، و یک حدیث از امام رضا علیه السلام ، درباره فضیلت سرودن شعر پیرامون أهل البيت عليهم السلام ، نقل نموده ، و سپس نوشته است

فَأَجْزَلَ اللَّهِ لِلصَّاحِبِ الْجَلِيلِ ، الثَّوَابَ عَلَى جَمِيعِ أَقْوَالِهِ الْحَسَنَةِ ، وَ أَعْمَالِهِ الْجَمِيلَةِ ، وَ أَخْلَاقِهِ الْكَرِيمَةِ ، وَ سِيرَتِهِ الْمَرْضِيَّةِ ، وَ سُنَنِهِ الْعَادِلِ ، وَ بَلَّغَهُ كُلَّ مَأْمُولٍ ، وَ صَرَفَ عَنْهُ كُلَّ مَحْذُورٍ ، وَ أَظْفَرَهُ بِكُلِّ خَيْرٍ مَطْلُوبٍ ، وَ أَجَارَهُ مِنْ كُلِّ بَلَاءٍ وَ مَكْرُوهٍ ، بِمَنْ اسْتَجَارَهُ مِنْ حُجَجِهِ الْأَيْمَةِ ، بِقَوْلِهِ فِي بَعْضِ أَشْعَارِهِ فِيهِمْ :

إِنَّ ابْنَ عَبَّادٍ اسْتَجَارَ بِمَنْ \*\*\* يُتْرَكُ عَنْهُ الصُّرُوفُ مَصْرُوفَهُ

و بقوله في قصيده اخرى :

إِنَّ ابْنَ عَبَّادٍ اسْتَجَارَ بِكُمْ \*\*\* فَكُلُّ مَاخَافَهُ سَيُكْفَاهُ

و جَعَلَ اللَّهُ شُفَعَاءَهُ الَّذِينَ أَسْمَأُهُمْ عَلَى نَقْشِ خَاتَمِهِ

شَفِيعُ إِسْمَاعِيلَ فِي الْأُخْرَى \*\*\* مُحَمَّدٌ وَ الْعِتْرَةُ الطَّاهِرَةُ

آری ، شیخ صدوق، آن محدث دقیق ، و راستگوی نامدار ، اُفوال صاحب بن عبّاد را ، حَسَنه ، و اُفعال او را ، جَمیله ، و اُخلاق او را ، کَریمه ، و سیره او را ، مرضیه ، و سنّت های او را ، عادلّه دانسته و او را مشمول دعاهاى فراوان خود نموده ، و دلیل این همه تجلیل و دعای خیر را ، پناهنده شدن آن بزرگمرد ، به خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام ، دانسته است .

فقیه و محدث عظیم الشّان، و محقق و زاهد علامه ، ملاّ محمّد تقی مجلسی ، صاحب بن عبّاد را ، اُفقه فقهای شیعه ( از متقدّمین و متأخّریں ) و رئیس المحدثین و المتکلمین ، و علامه ، دانسته و نوشته است که :

هر اندازه و مرتبه ای از علم و فضل ذکر شود، و صاحب ، در مرتبه بالاتری از آن است (۲) شخصیت عظیم الشّان ، و تالی تلو معصوم ، سید رضی الدّین بن طاووس حلّی در کشف الیقین از صاحب بن عبّاد تجلیل نموده ، و او را ستوده است (۳).

و فقیه و اصولی و رجالی نامدار، صاحب روضات الجنّات ، در ضمن یک بررسی مفصّل از فضائل و مناقب و آثار و خدمات صاحب بن عبّاد ، عبارت های بزرگان تاریخ و تراجم، و شعراء و نویسندگان را ، در ستایش صاحب نقل نموده ، و با زیباترین و محققانه ترین مطالب و عبارات ، گوشه هایی از عظمت این نادر روزگار را ، به نمایش گذارده ، و ترسیم نموده ، و در یک

ص: ۲۷۸

---

۱- مقدمه عیون أخبار الرضا علیه السلام ، تألیف شیخ صدوق

۲- روضات الجنّات ، جلد ۲، صفحه ۲۶

۳- روضات الجنّات، جلد ۲، صفحه ۲۶

عبارت جامع و زیبا ، به نقل از ثعالبی فرموده است :

هُوَ فَوْقَ مَا قَالَا أَوْ يَقُولُهُ الْقَائِلُونَ

وَ أَلَيْقُ بِأَنْ لَا يَسْأَلَ عَنْ حَقِيقَةِ أَمْرِهِ السَّائِلُونَ

و علامه محقق و منتجع ، آیه الله ، سید محسن امین عاملی ، در « اعیان الشیعه » ، در ضمن یک بررسی بسیار گسترده ( از صفحه ۲۳۱ تا ۳۷۴ جلد ۱۱ ، چاپ قدیم ، و از صفحه ۳۲۸ تا ۳۷۶ ، جلد ۳ ، چاپ جدید ، با صفحات بسیار بزرگ ، که در حد یک کتاب مستقل می باشد ) ابعاد عظمت این شخصیت بزرگ جهان اسلام و تشیع را تشریح نموده است .

و حافظ ابونعیم اصفهانی ، در شمار محدثین اصفهان ، از صاحب بن عبّاد یاد نموده ، و نوشته است: اسماعیل بن عبّاد بن العباس الطالقانی ، أبو القاسم الوزير ، الملقّب بالصّاحب ، سمع بالعراق و الرّی و إصبهان الكثير ... (۱) و این چنین کثرت و فراوانی سماع حدیث را برای صاحب ( آن هم در عراق و ری و اصفهان ، سه مرکز بزرگ علم الحدیث ) به عنوان امتیازی بزرگ ، ذکر نموده است .

و یاقوت حموی ، در ضمن تمجیدها و بحث گسترده درباره صاحب بن عبّاد ( از صفحه ۱۶۸ تا ۳۱۷ ، از جلد ششم معجم الأدباء ) می نویسد :

فَسُبْحَانَ مَنْ جَمَعَ الْعَالَمَ فِي وَاحِدٍ ، وَ أْبْرَزَ جَمِيعَ قُدْرَتِهِ فِي شَخْصٍ (۲) یعنی منزّه است آن خدایی که همه عالم را ، در یک نفر جمع نموده ، و تمام قدرت خود را در شخص واحدی ، به نمایش در آورده است .

و صلاح الدّین صفدی ، در ضمن یک بررسی مفصّل و نقل آثار عظمت علمی

ص: ۲۷۹

---

۱- ذکر أخبار اصبهان ، جلد ۱ ، صفحه ۲۱۴

۲- معجم الأدباء ، جلد ۶ ، صفحه ۱۷۶

و اخلاقی و عملی صاحب ، این بزرگمرد را ، نادره عصر و اعجوبه دهر، در فضائل و مکارم دانسته ، و با نقل داستان تواضع و خضوع او در برابر حق، و یک هفته در بیت التوبه اقامت جستن ، و از لغزشهای خود در پیشگاه خداوند طلب بخشش نمودن ، و سپس به إملاء حدیث پرداختن ، روح عبادت و خداجویی او را مورد توجه قرار داده است (۱).

و سمعانی ، در کتاب « الأنساب » آن چنان شهرت نام « صاحب » و اشعار و مجموعه های او را ، در نظم و نثر ، در همه آفاق و بلاد ، در سطحی وسیع و برجسته دانسته ، که از شرح مفصل خودداری نموده ، و تنها به نقل یک جمله ارزشمند از کلام صاحب اکتفاء نموده ، و آن جمله این است :

مَنْ لَمْ يَكْتُبِ الْحَدِيثَ لَمْ يَجِدْ حَلَاوَةَ الْإِسْلَامِ (۲) یعنی : کسی که حدیث ننویسد ، شیرینی اسلام را ، در نیافته است . و ثعالبی ، در یتیمه الدهر ، در یک بخش وسیع از کتاب خود ( از صفحه ۱۸۸ تا ۲۸۶ ، جلد سوم ) کمالات و محاسن علمی و عملی و اجتماعی صاحب را مورد بحث قرار داده ، و در ابتدای سخن نوشته است : لَيْسَتْ تَحْضُرُنِي عِبَارَةٌ أَرْضَاهَا لِلْإِفْصَاحِ عَنْ عُلُومِ مَحَلِّهِ فِي الْعِلْمِ وَالْأَدَبِ ، وَ جَلَالِهِ شَأْنِهِ فِي الْجُودِ وَالْكَرَمِ ، وَ تَفَرُّدِهِ بِغَايَاتِ الْمَحَاسِنِ ، وَ جَمْعِهِ أَشْتَاتِ الْمَفَاحِرِ ، لِأَنَّ هِمَّةَ قَوْلِي تَنْخَفِضُ عَنْ بُلُوغِ أَذْنِي فَضَائِلِهِ وَ مَعَالِيهِ ، وَ جَهْدَ وَضِيْفِي يَقْضِرُ عَنْ أُيْسِرِ فَوَاضِلِهِ وَ مَسَاعِيهِ ... ، لا حَرَجَ فِي مَدْحِهِ بِكُلِّ مَا يُمْدَحُ بِهِ مَخْلُوقٌ ، وَ لَوْلَاهُ مَا قَامَتْ لِلْفَضْلِ سُوقٌ . كَانَتْ أَيَّامُهُ لِلْعُلُوْبِيِّهِ وَ الْعُلَمَاءِ وَ الْأَدْبَاءِ وَ الشُّعْرَاءِ ، وَ حَضْرَتُهُ مَحَطٌّ رِحَالِهِمْ ، وَ مَوْسِمٌ فَضْلَانِهِمْ ، وَ

ص: ۲۸۰

---

۱- الوافی بالوفیات، جلد ۹، از صفحه ۱۲۵ تا ۱۴۱

۲- الأنساب سمعانی ، جلد ۸، صفحه ۱۷۸

مَيْتْرَعِ آمَالِهِمْ ، وَ أَمْوَالُهُ مَضِيْرُوفَهُ إِلَيْهِمْ ، وَ صَيَانِيْعُهُ مَقْصُورَةٌ عَلَيْهِمْ ، فَبَلَغَ مِنَ الْبَلَاغِ مَا يُعِيدُ فِي السَّحْرِ وَ يَكَادُ يَدْخُلُ فِي حَدِّ  
الإعجاز ، وَ سَارَ كَلَامُهُ مَسِيرَ الشَّمْسِ ... (١).

و خیر الدین زرکلی ، او را از نوادر دهر در علم و فضل و تدبیر و نیکوئی رأی شمرده ، و تألیفات او را ، جلیل و ارزشمند دانسته است (٢).

و هم چنین در هر کتاب و نوشته ای ، از قدیم و جدید ، و با مواضع فکری گوناگون ، و در زمینه های مختلف تاریخی ، ادبی ، اجتماعی ، اخلاقی ، کلامی و ... ، مراجعه بنمائیم ، فضائل و مکارم اخلاقی ، و آثار علمی و ادبی این نادره روزگار ، جلب نظر می نماید .

### نقش صاحب بن عبّاد، در ترویج علم و ادب

اندیشه بلند و مقام علمی والا، و گستردگی معلومات صاحب بن عبّاد از یک طرف ، و تشویق های فراوان ، بخشش های متنوع و گسترده صاحب ، به دانشمندان و اندیشمندان ، و حمایت های بی دریغ و فراوان او ، از بزرگان علم و ادب ، از طرف دیگر ، عامل بسیار مهمی برای ترویج از علم و ادب بود ، و از این جهت ، دوران زندگی و وزارت صاحب ، از درخشان ترین ادوار علمی و ادبی تاریخ ایران عموماً ، و اصفهان ، بالخصوص می باشد .

آری ، دربار صاحب بن عبّاد ، همواره قبله آمال دانشمندان ، و مجمع علماء و سادات ، و نیز آریاب کمال و اکابر دانشمندان ، و اَجَلّای اُدباء و شعراء بوده ، و مرجع استفاده طبقات افاضل به شمار می رفته ، و پیوسته آنها را به تألیف و تصنیف کتاب تشویق می نموده است .

ص: ۲۸۱

۱- یتیمه الدهر، جلد ۳، صفحه ۱۸۸- ۱۸۹

۲- الأعلام، جلد ۱، صفحه ۳۱۳

و در همین راستا، شیخ جلیل، حسن بن محمد قمی، کتاب «تاریخ قم»، و قاضی علی بن عبدالعزیز جرجانی، کتاب «تهذیب التاریخ»، و أحمد بن فارس رازی لغوی، کتاب «صاحبی» را در لغت، و ثعالبی، «یتیمه الدهر» را، به نام صاحب، تألیف نموده اند<sup>(۱)</sup> و از همه مهمتر، صدوق المحدثین، و شیخ مشایخ شیعه، و رئیس فرقه ناجیه، مرحوم شیخ صدوق قدس سره، کتاب عظیم الشأن «عیون أخبار الرضا علیه السلام» را به نام او تألیف کرده است.

و به همین جهت، شعرای نامی وقت، که به نوشته «بُعْیَةُ الوُعَاه» ، به پانصد نفر می رسیده، و صاحب دیوان بوده اند، مدایح بسیاری در شأن و عظمت صاحب بن عبّاد سروده اند<sup>(۲)</sup>.

### جود و بخشش صاحب بن عبّاد

نه تنها دانشمندان و فقهاء و محدّثین و أدباء و شعراء، از بخشش های گسترده، و تشویق کننده صاحب بن عبّاد، بهره می گرفتند، بلکه خوانِ کَرَم او برای عموم مردم گسترده بوده است. هر کس در ماه رمضان بعد از عصر وارد دربار او می شد، بایستی پس از افطار برگردد، و در هر شب از ماه رمضان، هزار نفر روزه دار در سر سفرهٔ إحسان او افطار می نمودند، و خیرات و مبرات او در ماه رمضان، معادل کارهای نیکو و صدقات او در یک سال بوده<sup>(۳)</sup>، که در این زمینه داستانهای عجیب و شنیدنی، در نوشته های گوناگون، و کتب تاریخ و تراجم، ثبت شده است.

ص: ۲۸۲

۱- ریحانه الأدب، جلد ۸، صفحه ۹۰

۲- ریحانه الأدب، جلد ۸، صفحه ۹۰

۳- روّضات الجنّات، جلد ۲، صفحه ۲۲



حکومت آل بویه ( که از خاندانهای شیعه ، و طرفدار و مروج تشیع بودند ) در دوره وزارت صاحب بن عبّاد ، به اوج نقش و تأثیر خود ، در ترویج مذهب شیعه رسید ، و مظاهر مکتب أهل البيت عليهم السلام ، و افکار و اندیشه های اعتقادی و فرهنگی مذهب ، میدان رشد یافت ، تا آنجا که مذهب شیعه امامیه ، در زمان صاحب ، در شهر اصفهان به او نسبت داده می شد ،

و مذهب تشیع را ، مذهب صاحب بن عبّاد می دانستند (۱).

### تألیفات صاحب بن عبّاد

آثار قلمی فراوانی از صاحب بن عبّاد، به جای مانده ، که از جمله آنهاست :

۱- الألبانه عن مذهب أهل العدل بحجج من القرآن و العقل ، ۲- الإمامه ۳- التذکره فی أصول الخمسه ، ۴- أسماء الله وصفاته ، ۵- الأنوار ، ۶- المحيط ( در لغت ، که ۷ جلد است (۲) ) ، ۷- الأعیاد و فضائل التیروز ۸- الإقناع ( فی العروض ) ، ۹- تفصیل أحوال السید عبدالعظیم الحسنی ، ۱۰- دیوان الرسائل یا الکافی فی الرسائل (۳) ۱۱- دیوان الشعر ، ۱۲- القضاء و القدر ، ۱۳- السّفینه ، ۱۴- عنوان المعارف ( در تاریخ ) .

و در مجموع، شماره تألیفات صاحب بن عبّاد را تا بیش از سی اثر ، ذکر

ص: ۲۸۳

- 
- ۱- روضات الجنّات، جلد ۲، صفحه ۲۷
  - ۲- در بغیه الوعاه ، المحيط را ده جلد دانسته است ( الذریعه ، ج ۲۰ ، ص ۱۶۲ )
  - ۳- این کتاب بنا بر نقل یاقوت حموی ، ۱۰ جلد و بنا بر قول أبوحیان ، سی مجلد می باشد ( هدیه العباد دز شرح حال صاحب بن عبّاد ، صفحه ۱۷۴ ، تألیف مرحوم آیت الله ادیب )

نموده‌اند(۱)، که برخی از آنها در ضمن چندین مجلد بوده است .

### حوزه درسی صاحب بن عبّاد

گرچه محضر صاحب ، همیشه محلّ بحث و گفتگوی علمی و ادبی بوده ، و حوزه درسی به شمار می رفته ، ولی حوزه درسی رسمی صاحب ، گاهی اوقات تشکیل می شده ، که همانند آن در تاریخ کم نظیر یا بی نظیر بوده است، تا آنجا که نوشته اند:

هنگامی که صاحب برای املاء حدیث نشست ، جمعیت فراوانی برای استماع حدیث گرد آمدند ، آن چنان که صدای یک نفر به همه نمی رسید ، و شش نفر ایستادند ، که هر کدام از آنها سخن و حدیث، را می شنید ، و با صدای بلند به دیگری می رسانید و آنهم به دیگری ، تا این که صدای حدیث به همه جمعیت برسد (۲) (۳) .

و او در یک نوبت ، برای یکصد و بیست هزار نفر ، حدیث گفت (۴)

### اهمیت معنوی علم و حدیث، در دیدگاه صاحب بن عبّاد

در هنگامی که صاحب بن عبّاد ، در صدد املاء حدیث برآمد، روزی طیلسان (۵) بر دوش گرفت ، و تحت الحنک انداخت ، و با لباس علماء از خانه

ص: ۲۸۴

- ۱- مثلاً در ریحانه الأدب ۲۲ تألیف را نام برده ، و أحمد بهمنیار ( استاد دانشگاه ) در شرح حال صاحب، ۲۶ اثر را یاد نموده ، و أعیان الشیعه ، ۳۰ کتاب ، و آیه الله اُدیب، ۳۲ اثر را ، ذکر کرده اند
- ۲- مجمع البحرین ، در مادّه صحب ، روضات الجنّات، جلد ۲، صفحه ۲۸
- ۳- به کسانی که صدای گوینده را می شنیدند ، و به دیگران می رسانیدند ، معید میگفتند ، یعنی إعاده کننده = تکرار کننده ، و آنها نقش بلندگو را برعهده داشته اند
- ۴- روضات الجنّات ، جلد ۲، صفحه ۲۸
- ۵- نوعی عبا بوده ، که خطباء و قضات ( که دارای سَمَت معنوی و قداست بوده اند) بر دوش می گرفته اند

بیرون آمد، و به علماء و محدّثین حاضر اظهار داشت: آیا سابقه مرا در علم میدانید؟ همه تصدیق کردند، آنگاه فرمود: با این که من هرچه از کودکی تاکنون خرج کرده ام، از اموال پدر و جدّم بوده، با این حال خالی از لغزش و تبعاتی که موجب ناخشنودی است، نبوده ام، بنابراین خدا را گواه می گیرم، و شما را نیز شاهد قرار می دهم، که توبه می نمایم به سوی خدا. و آنگاه محلی را انتخاب نمود، و آن را «بیت التّوبه» نام نهاد، و یک هفته در آن اقامت جست، و سپس نوشته ای از فقهاء دریافت نمود، درباره درستی توبه اش، و سپس برای املاء حدیث حاضر گردید، و خَلَقَ فراوانی برای سَمَاعِ حدیث (که مقدّس ترین کوشش علمی در آن زمان بوده) حاضر گردیدند، وَكَانَ الْمُسْتَمَلِي الْوَاحِدُ، يَنْضَافُ إِلَيْهِ سِتَّةٌ، كُلُّ يُبَلِّغُ صَاحِبَهُ، فَكَتَبَ النَّاسُ، حَتَّى الْقَاضِي عَبْدَ الْجَبَّارِ (۱).

صاحب بن عبّاد، به خوبی می دانست که، قداست حدیث و نقل آن، و تدریس معارف الهی و ترویج آن، نیاز به روحی پاک و تزکیه شده دارد، و بدین جهت، برای استفاده از کرسی درس حدیث، در ابتداء، به خودسازی و توبه و تزکیه روح پرداخت. «رحمه الله و رضوانه علیه»

### علوم و دانشهای صاحب بن عبّاد

نبوغ و جدّیت صاحب، دو عامل اساسی برای تسلّط و تبخّر او، در علوم گوناگون بوده است، و لذا آثار گوناگونی از جامعیت آن بزرگمرد نقل گردیده، و دانشهای او را این چنین شمرده اند:

۱- فقه، ۲- حدیث، ۳- تفسیر قرآن، ۴- کلام (عقائد)، ۵- لغت، ۶- نحو،

ص: ۲۸۵

۱- معجم الأدباء، جلد ۶، صفحه ۲۵۲، آل بویه و اوضاع زمان ایشان، ص ۲۸۹

۷- صرف ، ۸- عروض ، ۹- نقد ادبی ، ۱۰- تاریخ ، ۱۱- رجال ۱۲- طب .

### آسانید صاحب بن عبّاد

صاحب بن عبّاد ، استاد‌های بسیاری دیده ، که از محضر آنها کسب علم نموده است ، همانند : ۱- پدرش ، عبّاد بن عبّاس طالقانی ، دانشمند و محدّث و مفسّر و ادیب و نویسنده عالیقدر ۲۰- أبو الفضل بن العمید ، چهره درخشان علم و ادب ، و شخصیت برجسته ای که در فصاحت و بلاغت ، و جامعیت در علوم عقلی و ریاضی و دینی و ادبی ، از مفاخر عالم تشیع و جامعه ایرانی می باشد، و بیشترین تحصیلات صاحب ، در نزد او بوده است(۱) و بنا بر یک نقل به مناسبت مصاحبت او با ابن العمید ، او را ملقب به «صاحب» نموده اند(۲).

۳- أبو الحسین ، أحمد بن فارس لغوی نحوی

۴- عبّاس بن محمّد نحوی ( ملقب به عرام ) ، که این دو نفر اخیر ، از شاگردان شیخ جلیل ، أحمد بن أبی عبد الله برقی قمی ( صاحب کتاب نفیس و معروف محاسن ) بوده اند (۳)

۵- قاضی أحمد بن کامل بن شجره ، که از أصحاب محمّد بن جریر طبری بوده ، و در علم قرائت و احکام و ادبیات و شعر و تاریخ و حدیث ، رتبه بالائی داشته است .

### شاگردان و مصاحبین علمی و ادبی صاحب بن عبّاد

در إرشاد کویائی نقل نموده ، که عدّه شاگردان هیچ حوزه درسی ، به اندازه شاگردان صاحب نبوده است (۴) ، و در اکثر اوقات ، در محضر او بسیاری از

ص: ۲۸۶

۱- هدیه العباد، صفحه ۱۱۸

۲- ریحانه الأدب ، جلد ۸، صفحه ۹۲، و روضات الجنّات، جلد ۲، صفحه ۲۰

۳- روضات الجنّات ، جلد ۲، صفحه ۲۰

۴- هدیه العباد، صفحه ۱۲۳ - ۱۲۴

أدباء و شعراء و أهل علم، از اصفهان و ری و جرجان (گرگان) و ... حاضر بوده اند، همانند: ۱- أبو الحسين سلامی، ۲-  
أبو بكر خوارزمی، ۳- أبوطالب مأمونی ۴- أبو الحسين بدیهی، ۵- أبوسعید رستمی، ۶- أبو القاسم زعفرانی، ۷- أبو العباس  
ضبی، ۸- أبو الحسن بن عبد العزیز گرگانی (جرجانی)،

- أبو القاسم بن أبی العلاء ۱۰- أبو محمّد خازن، ۱۱- عبد الله بن حسن اصفهانی (متولی کتابخانه صاحب) ۱۲- أبو هاشم  
علوی ۱۳- أبو الحسين جوهری، ۱۴- بنی المنجم، ۱۵- ابن بابک، ۱۶- ابن القاسانی (کاشانی) ۱۷- اسمعیل، أبو الفضل  
همدانی، ۱۸- اسماعیل شاشی، ۱۹- أبو العلاء أسدی ۲۰- أبو الحسين غویری ۲۱- أبودلف خزرچی، ۲۲- أبو حفص  
شهرزوری، ۲۳- أبو معمر اسماعیلی، ۲۴- أبو الفیاض طبری، ۲۵- أبو علی، حسن بن قاسم رازی لغوی، (صاحب کتاب  
المبسوط در لغه)، و نیز جمع زیاد دیگری از بزرگان علم و ادب (۱).

### قلب و زبان و علم و ادب صاحب، در خدمت أهل البيت عليهم السلام

با مطالعه اشعار و کلمات و تألیفات صاحب بن عباد، به خوبی مشخص می گردد که این بزرگمرد علم و دین و سیاست، از  
أعماق جانش، دوستدار خاندان عصمت و طهارت عليهم السلام، و بیزار از دشمنان آنها بوده، و قلب او آباد و روشن، به «  
ولای آل محمّد عليهم السلام» بوده است. وی، از علم و دانش، اندیشه و استدلال، فصاحت و بلاغت، تدبیر و سیاست

حُسن سلیقه و حاضر جوابی، نفوذ و اقتدار خود،

ص: ۲۸۷

---

۱- یتیمه الدّهر، جلد ۳، صفحه ۱۸۹ - أعیان الشّیعه، چاپ جدید، جلد ۳، صفحه ۳۳۰، و هدیه العباد، صفحه ۱۲۴

برای ترویج مکتب ولایت و امامت بهره می گرفته است .

گاهی آثار غضب و نگرانیِ روحی ، شدیداً در چهره او ظاهر میگشت ، و دلیل آن، سخنی بود که برخلاف عشق درونی ، و محبت عمیق قلبی خویش ، از مخاطب خود می شنید .

صاحب بن عبّاد ، در تألیفات خود ، و نیز اشعار بسیار زیادی که سروده ، و به نقل کامل بهائی ، شمار آنها که درباره محبت اهل البیت علیهم السلام و بیزاری از دشمنان آنها سروده ، نزدیک به ده هزار شعر می باشد<sup>(۱)</sup> اعتقاد قلبی و ایمان راسخ و روح مجاهدت خود را به نمایش گذارده است ، که ذیلاً نمونه هائی را نقل می نمائیم :

۱- بیست و هفت قصیده زیبا ، در حق امیر المؤمنین علی علیه السلام سروده ، که هریک از آنها ، از یکی از حروف تهجی خالی است ، فقط قصیده بدون واو را موفق نگردیده بسراید ، و نوه او تکمیل نموده ، و در مدح خود « صاحب » سروده است .<sup>(۲)</sup>

۲ - دو قصیده زیبا و پر شور ، درباره امام رضا علیه السلام ، و سلام به آن حضرت سروده ، که شیخ صدوق آن دو قصیده را در ابتداء کتاب عیون أخبار الرضا علیه السلام آورده است ، و از جمله اشعار آن دو قصیده است :

أبلغ سلامي زاكياً\*\*\*بَطُوسٍ مَوْلَايَ الرُّضَا

سِبَطَ النَّبِيِّ الْمُصْطَفَى\*\*\*وَإِبْنَ الْوَصِيِّ الْمُتَضَى

ص: ۲۸۸

۱- هدیه العباد، صفحه ۴۹

۲- ریحانه الأدب ، جلد ۸ ، صفحه ۹۳

قُلْ لَهُ مِنْ مُخْلِصٍ \*\*\*يَرَى الْوَلَا مُفْتَرِضًا

فِي الصَّدْرِ لَنْفُحِ حَرَقِهِ \*\*\*تَتْرُكُ قَلْبِي حَرَضًا

\*\*\*\*

يَا سَائِرًا زَائِرًا إِلَى طُوسٍ \*\*\*مَشْهَدِ طُهْرٍ وَ أَرْضِ تَقْدِيسِ

أَبْلَغِ سَلَامِي الرِّضَا وَ حُطِّ عَلَيَّ \*\*\*أَكْرَمِ رَمْسٍ لِخَيْرِ مَرْمُوسِ

وَاللَّهِ وَاللَّهِ ، حَلْفُهُ صَدَرْتِ \*\*\*عَنْ مُخْلِصٍ فِي الْوَلَاءِ مَغْمُوسِ

\*\*\*\*

صَدَعْتُ بِالْحَقِّ فِي وَلَائِكُمْ \*\*\*وَالْحَقُّ مُذْكَانَ غَيْرِ مَنْحُوسِ

۳- ودر ضمن سرودهای دیگر می گوید :

كَانَ النَّبِيُّ مَدِينَةَ الْعِلْمِ الَّتِي \*\*\*حَوَتْ الْكَمَالَ وَ كُنْتُ أَفْضَلَ بَابِ

رُدَّتْ عَلَيْكَ الشَّمْسُ وَ هِيَ فَضِيلَةٌ \*\*\*ظَهَرَتْ فَلَمْ تُسْتَرْبَلَفِ نِقَابِ

لَمْ أَحْكُ إِلَّا مَارَوْتَهُ نَوَاصِبُ \*\*\*عَادَتِكَ وَ هِيَ مُبَاحَةُ الْأَسْبَابِ

۴- و در جای دیگر می سراید :

بِحُبِّ عَلٍّ تَزُولُ الشُّوكُ \*\*\*وَتَرْكُو النَّفُوسُ وَ تَصْفُو الْبِخَارُ

ص: ۲۸۹

فَمَهْمَا رَأَيْتَ مُحِبًّا لَهُ \*\*\* فَتَمَّ الذِّكَاءُ وَ تَمَّ الْفِخَارُ

وَمَهْمَا رَأَيْتَ عَدُوًّا لَهُ \*\*\* فَفِي أَصْلِهِ نَسَبٌ مُسْتَعَارُ

فَلَا تَعْدُلُوهُ عَلَى فِعْلِهِ \*\*\* فَحِيطَانُ دَارِ أَبِيهِ قِصَارُ

۵- ونیز در زمينه ولایت حضرت علی علیه السلام و طرد دیگران می گوید :

يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ الْمُرْتَضَى \*\*\* إِنَّ قَلْبِي عِنْدَكُمْ قَدْ وَقِفَا

كُلَّمَا جَدَّدْتُ مَدْحِي فِيكُمْ \*\*\* قَالَ ذُو النَّصْبِ نَسِيتَ السَّلْفَا

مَنْ كَمَوْلَايَ عَلَيَّ مُفْتِيًّا \*\*\* خَضَعَ الْكُلُّ لَهُ وَ اعْتَرَفَا

۶- ودر زمينه عدل و امامت می گوید:

لَوْ شِقَّ قَلْبِي يُرَى وَسَطُهُ \*\*\* سَطْرَانِ قَدْ خُطَا بِلَا كَاتِبِ

الْعَدْلُ وَ التَّوْحِيدُ فِي جَانِبِ \*\*\* وَ حُبُّ أَهْلِ الْبَيْتِ فِي جَانِبِ

۷- ودر جای دیگر می گوید:

شَفِيعُ إِسْمَاعِيلَ فِي الْأَخِرَةِ \*\*\* مُحَمَّدٌ وَالْعِتْرَةُ الطَّاهِرَةُ

۸- ونیز در محبت امام علی علیه السلام میگوید :

حُبُّ عَلِيٍّ بِنِ أَبِي طَالِبٍ \*\*\* هُوَ الَّذِي يَهْدِي إِلَى الْجَنَّةِ

إِنْ كَانَ تَفْضِيلِي لَهُ بِدَعَا \*\*\* فَلَعَنَهُ اللَّهُ عَلَى السُّنَّةِ

۹- ودر مرثیه سید الشهداء امام حسین علیه السلام سروده:

عَيْنُ جُودِي عَلَى الشَّهِيدِ الْقَتِيلِ \*\*\* وَ آتْرِكِي الْخَدَّ كَالْمَحِيلِ الْمَهِيلِ



لَيْتَ رُوحِي ذَابَتْ دُمُوعاً فَأَبْكِي \*\*\* لِلَّذِي نَالَكُمْ مِنَ التَّنْذِيلِ

فَوْلَائِي لَكُمْ عُتَادِي وَ زَادَ \*\*\* يَوْمَ الْقَاكُمِ عَلَى سَلْسَبِيلِ

لِي فِيكُمْ مَدَائِحُ وَ مَرَاثِي \*\*\* حَفِظْتَ حِفْظَ مُحْكَمِ التَّنْزِيلِ

۱۰- در تبرّی از دشمنان أهل البيت عليهم السلام می گوید:

قَدْ تَبَّرَاتُ مِنَ الْجِبِّ \*\*\* تَيْنِ تَيْمٍ وَعَدِيّ

وَمِنَ الشَّحِّ الْعُتْلُ الـ \*\*\* مُسْتَخِفُّ الْأَمْوِيّ

أَنَا لَا أَعْرِفُ حَقّاً \*\*\* غَيْرَ لَيْثٍ بِالْغَرِيّ

وَتَمَاناً بَعْدَ شِبْلِي \*\*\* وَ مَحْجُوبٍ خَفِيّ

و در یک کلام ، سروده های صاحب ، در زمینه مدح و منقبت و مرثیه أهل البيت عليهم السلام ، مخصوصاً فضائل امیرالمؤمنین علی علیه السلام ، و مصائب سید الشهداء امام حسین علیه السلام ، در حدّ گسترده و همراه با صراحت و قاطعیّت میباشد .

به اعیان الشّیعه ، هدیه العباد ، روضات الجنّات ، بحار الأنوار جلد امام حسین علیه السلام ، ریحانه الأدب ، مناقب ابن شهر آشوب ، و بسیاری از کتب ادبی و تاریخی و تراجم ، مراجعه شود .

و نقش دو نگین انگشتی صاحب را ، پایان بخش این قسمت قرار می دهیم

عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْتُ \*\*\* وَ بِالْخَمْسِ تَوَسَّلْتُ

### کتابخانه عظیم صاحب بن عبّاد

کتابخانه عظیم و مفصل صاحب ، در حدی از عظمت و گستردگی بوده ، که مجلّات آن را با رقم دویست و شش هزار (۱) و به نقلی دیگر ، دویست و هفتاد هزار (۲) تعیین نموده اند . در یک سفر ، کتابهای او را چهار صد شتر حمل می نمودند (۳) و صاحب بن عبّاد ، در جواب نوح بن منصور سامانی ( از سلسله سامانیان ) که او را برای پست وزارت دعوت نموده بود ، همین عذر را آورد ، که فقط برای جابجائی کتابهای من ۴۰۰ شتر لازم می باشد ، و بدین بهانه تقاضای او را رد نمود (۴) و تنها برای حمل کتابهای صاحب در زمینه لغت ، شصت شتر لازم بوده (۵) و به نقلی دیگر ، تنها برای جابه جائی کتابهای ادبی او ، به سی شتر احتیاج بوده است (۶).

### آتش زدن کتابخانه صاحب

از أبو الحسن بیهقی نقل شده که گفت ، من در کتابخانه صاحب رفتم ، بعد از آن که سلطان محمود بن سبکتکین ، به بهانه آنکه کتب روافض در آن بسیار

ص: ۲۹۲

---

۱- آل بویه و اوضاع زمان ایشان ، صفحه ۵۳۴

۲- اصفهان ، از دکتر هنرفر ، صفحه ۲۰۶ ، در ذیل معرّفی أبو الفرج اصفهانی

۳- اصفهان ، از دکتر هنرفر ، صفحه ۲۰۹

۴- روضات الجنّات ، جلد ۲ ، صفحه ۴۰

۵- روضات الجنّات ، جلد ۲ ، صفحه ۲۸

۶- هدیه العباد ، صفحه ۱۹۰

است، آن را آتش زده بود، در آن وقت، دفتر آن را یافتم ده مجلد بود (۱).

### درگذشت و مراسم تشییع و دفن صاحب

صاحب بن عبّاد، در شب جمعه ۲۴ صفر ۳۸۵، در شهر ری از دنیا رفت، و به مناسبت وفات آن بزرگمرد، در شهر تعطیل عمومی انجام گردید، و همه مردم، در محل قصر او حاضر شدند، و در هنگام خروج جنازه، به یک باره، ضجه و ناله سر دادند، و به سر و صورت زدند، و لباسهایشان را پاره کردند، و فخر الدوله دیلمی و درباریان او، همه با لباس عزا حاضر شدند، و چندین روز به مراسم عزاداری پرداختند.

جنازه صاحب، به اصفهان منتقل گردید، و به محل دفن او، محله دریه (محله طوقچی فعلی) آورده شد، و با احترام فراوان و بی نظیر، مدفون گردید، و بقعه ای برای آن بزرگمرد بنا نمودند که زیارتگاه مؤمنین گردید.

### بقعه و مقبره صاحب بن عبّاد

در طول تاریخ، بقعه و مزار صاحب بن عبّاد، معمور و مورد توجه بوده، تا آنجا که ابن خلکان متوفای ۶۸۱، در وفیات الأعیان می نویسد:

و دُفِنَ فِي قُبَّهِ بِمَحَلِّهِ تُعْرَفُ بِبَابِ دَزِيهِ، وَ هِيَ عَامِرَةٌ إِلَى الْآنِ، وَ أَوْلَادُ بَيْتِهِ يَتَعَاهَدُونَهَا بِالتَّبْيِضِ (۲). چنانچه ملاحظه می نمائید، می نویسد: که قبه صاحب بن عبّاد، تا این زمان (در زمان حیات ابن خلکان، در نیمه قرن هفتم) آباد و معمور می باشد، و ذریه او از نسل دخترش، به آن رسیدگی نموده، و سفیدکاری می نمایند.

ص: ۲۹۳

۱- أعيان الشّيعه، چاپ جدید، جلد ۳، ص ۳۵۱، هديه العباد، ص ۱۸۹-۱۹۰

۲- وفیات الأعیان، جلد ۱، صفحه ۲۳۱

بقعه صاحب ، در زمان مرجع و فقیه بزرگوار ، حاج محمد ابراهیم کرباسی ، متوفای ۱۲۶۱ ، ترمیم و تعمیر گشته (۱) و در دوره اخیر ( اوائل قرن پانزدهم هجری قمری ) مجدداً تعمیراتی یافته ، و ضریح مجللی از طلا و نقره برای قبر مطهر صاحب ساخته اند ، و اطراف مقبره را تخریب نموده ، و فضای گسترده ای برای اطراف مرقد این بزرگمرد ایجاد نموده اند .

در حال حاضر ، گنبد کاشی کاری شده ، و مقبره صاحب ، جلب توجه می نماید ، و همیشه مورد توجه زائرین ( اعم از علماء و عموم مردم متدین ) بوده و می باشد . مرحوم آیه الله حاج شیخ عباسعلی اذیب ( نویسنده کتاب هدیه العباد ، در شرح حال صاحب بن عبّاد ) در کنار مرقد مطهر صاحب ، ( در داخل بقعه ) مدفون گردیده اند .

### مرثیه های سروده شده، دررثای صاحب

پس از فوت صاحب بن عبّاد ، جمع زیادی از شعراء و بزرگان علم و ادب ، به مرثیه سرایی پرداختند ، همانند :

أبوسعید رستمی ، و أبو العباس ضبّی ، و أبو الحسن ، علی بن الحسین حسنی و أبو الحسن همدانی ( وصی صاحب بن عبّاد ) و از همه بالاتر ، افتخار عالم تشیع و علم و ادب ، سید رضی ( جمع آوری کننده نهج البلاغه ) که اشعاری بسیار زیبا و بلند ، و پرشور و سوز ، در مرثیه صاحب ، سروده است ، و علامه

ص: ۲۹۴

---

۱- روضات الجنّات ، جلد ۲ ، صفحه ۴۱ ، مرحوم حاجی کلباسی ( کرباسی ) با حالت کهلوت و ضعف مزاج ، مرتباً به زیارت قبر صاحب بن عبّاد ، از راه دور مشرف می شده اند ، و مرحوم صاحب روضات می فرماید : مردم تجربه کرده اند که برای حوائج دنیائی خود ، به مرحوم صاحب بن عبّاد متوسّل شوند ، و یک هفته نمی گذرد جز آن که به حاجت خود می رسند

امین در اعیان الشَّیْعَه ، أشعار سید رضی را که یکصد و دوازده بیت می باشد ، نقل نموده (۱) و این اشعار در برگیرنده فضائل و کمالات صاحب از یک طرف ، و اظهار حزن و اندوه فراوان ، برای فقدان او ، از طرف دیگر می باشد، و با توجه به شخصیت والای علمی و معنوی سید رضی ، ( که از برجستگان و مفاخر علمی و ادبی ، و از سادات و ذراری رسول خدا صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ می باشد ) اهمیت این مرثیه سرائی و درستی محتوی و مضامین آن ، روشن می گردد .

صاحب روضات الجنَّات ، درباره این مرثیه سید رضی می فرماید : وَقَدْ رَثَاهُ سَيِّدُنَا الرَّضِيُّ ، بِقَصِيدِهِ غَزَاءٍ لَمْ يَسْمَعْ بِمِثْلِهَا أُذُنُ الزَّمَانِ ...

تَعْدِلُ كُلُّ بَيْتٍ مِنْهَا بَيُوتًا مِنْ يَاقُوتٍ (۲) . یعنی : سید رضی برای صاحب مرثیه ای سروده ، به صورت قصیده ای غزّاء ، که گوش زمان همانندش را نشنیده ... و هر شعری از آن قصیده ، معادل خانه هائی از یاقوت ، ارزش دارد .

### مرثیه ای جالب با تأیید و الهامی الهی

أبو القاسم بن أبي العلاء اصفهانی می گوید: در عالم خواب دیدم که ، گوینده ای ندا می دهد ، چرا برای صاحب بن عبّاد مرثیه نگفته ای ؟ گفتم : ابّهت و زیادی نیکوئی های صاحب ، مرا از این کار باز داشته ، و نمی دانم از کجا شروع کنم ، گفت آنچه را می گویم اجازه کن ، گفتم : بگو ،

پس او گفت : تَوَى الْجُودُ وَالْكَافِي مَعَا فِي حَفِيرِهِ

پس من گفتم :

وَيَأْتِسُ كُلُّ مِنْهُمَا بِأَخِيهِ

ص: ۲۹۵

۱- اعیان الشَّیْعَه ، چاپ جدید ، جلد ۳ ، صفحه ۳۷۴ - ۳۷۶

۲- روضات الجنَّات ، جلد ۲ ، صفحه ۴۲

پس او گفت : هُما أَصْطَحَبَا حَيِّينَ ثُمَّ تَعَانَقَا

پس من گفتم :

صَجِيعَيْنِ فِي لَحْدٍ بِيَابِ دَرِيه

پس او گفت : إِذَا ارْتَحَلَ الثَّائُونَ عَنْ مُسْتَفْرِّهِمْ

پس من گفتم :

أَقَامَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ فِيهِ وَبِهِ هَذَا الشَّكْلُ ، مَرْتِيهَ أَيِ ارْزَمَنْدِ وَ پَر سَوْز ، بِأُتَايِدِي غِيْبِي ، دَر رِثَايِ صَاحِبِ بِنِ عِبَاد ، سَرُودِ شَد .  
و در اینجا سخن را به پایان می بریم ، در حالی که از فضائل و کمالات این بزرگمرد علم و دین ، و آبروی تشیع و اصفهان ،  
فقط به مقدار ناچیزی نوشته ایم(۱).

## ۷- أحمد بن ابراهيم (أبو العباس ضبي)

نویسنده آدیب و شاعر عظیم الشان ، أبو العباس ، أحمد بن ابراهيم ضبي ، ملقب به « الرئیس » و « الكافی الأوحَد » ، متوقای  
۳۹۹ هجری(۲). وی پس از صاحب ، اسماعیل بن عباد ، وزیر فخر الدوله دیلمی بوده ، و خود ، شخصیتی برجسته در علم و  
ادب و فکر و اندیشه ، به شمار می رود ، و از مفاخر ادبی ، و از وزراء شایسته تاریخ ایران و اصفهان ، محسوب گردیده است .

ص: ۲۹۶

۱- برای تفصیل بیشتر ، می توان از کتابهای مستقلی که در شرح حال صاحب نوشته شده استفاده نمود ، همانند : هدیه العباد ،  
از حاج شیخ عباسعلی آدیب ، و رساله الإرشاد فی أحوال الصاحب الکافی ، اسماعیل بن عباد ، از سید أبو القاسم ، أحمد بن  
محمد حسنی حسینی کوهپایه ای (قویائی) اصفهانی ، که همراه با محاسن اصفهان چاپ شده ، و شرح احوال و آثار صاحب  
بن عباد ، تألیف أحمد بهمنیار ، استاد فقید دانشگاه ، و هم چنین ، می توان از همه کتب تراجم و رجال و دائره المعارف ها  
بهره گرفت ، مخصوصا آنها که در این مورد به تفصیل بحث کرده اند ، همانند : أعیان الشیعه ، که درباره صاحب ، به اندازه  
یک کتاب مستقل بحث و بررسی دارد

۲- معجم الأدباء ، جلد ۲ ، صفحه ۱۰۵

او مردی کریم و علم دوست و ادیب پرور ، و دارای آثار خیریه بوده ، و خدمات ارزنده ای داشته است .

أبو العباس ضَبِّي ، در مسجد جامع عتیق ، کتابخانه ای با حجرات متعدّد ، و خزینه ای برای نگهداری کتب ، که مشتمل بر علوم و فنون بوده ، تأسیس نموده ، که فهرست آن کتابخانه ، سه مجلّد بزرگ بوده است ، و کتابهائی در زمینهٔ أسرار تفاسیر و غرائب أحادیث ، و هم چنین تألیفاتی در نحو و لغت و تصریف و أشعار و أخبار گذشتگان، و نیز برگزیده ای از سنن أنبیاء و خلفاء و سیره‌های ملوک و امراء ، و هم چنین مجموعه هائی در مسائل منطقی و ریاضی و طبیعی و الهی ، و سایر نیازمندی های طالبین علم و فضل ، در آن گنجینه علمی گرد آمده بوده است(۱).

وی ، از شعراء و ادباء بزرگی است که علناً و به نحو آشکار ، در دفاع از أهل البیت علیهم السلام ( وبالأخص امام علی علیه السلام و داستان غدیر ) شعر می سروده است (۲) . علامه امینی در الغدیر ، أشعار زیر را از سروده های أبو العباس ضَبِّي ، دربارهٔ حدیث غدیر نقل فرموده است (۳)

لِعَلِيٍّ الطُّهْرِ الشَّهِيرِ \*\*\* مَجْدُ أَنْفِ عَلِيٍّ ثَبِيرِ

صَنُو النَّبِيِّ مُحَمَّدٍ \*\*\* وَوَصِيئُهُ يَوْمَ الْغَدِيرِ

وَحَلِيلُ فَاطِمَةَ وَ وَا \*\*\* لِدُ شَبْرٍ وَ أَبُو شَبِيرِ

و هم چنین ، شخصیت برجستهٔ سیاسی و اجتماعی و علمی و ادبی

ص: ۲۹۷

۱- محاسن اصفهان از مافزوحی، صفحه ۸۵

۲- معالم العلماء ابن شهر آشوب، صفحه ۱۳۶

۳- الغدیر ، جلد ۴، صفحه ۱۰۱

أبو العباس ضبّی، مورد تجلیل و تمجید صاحبان تراجم، و مورّخین بزرگ و شعراء نامدار، (همانند مهیار دیلمی) قرار گرفته و او را با بهترین عبارات، مورد ستایش قرار داده اند، مثلاً: ثعالبی، او را شعله ای از آتش وجود صاحب بن عبّاد، و نهری از دریای هستی او، و خلیفه و نائب مناب او در زندگی، و قائم مقام او پس از وفاتش، به شمار آورده، و او را تربیت یافته صاحب، از دوران کودکی، و مؤدّب به آداب او و نزدیکترین ندیم و همراه، و برجسته ترین مصاحب و دلخواه او، دانسته است (۱).

و یاقوت حموی، در حدود بیست صفحه از معجم الأدباء را به او اختصاص داده، و بلاغت دوران را بعد از صاحب بن عبّاد و أبو اسحاق صابی، وابسته به او شمرده، که پس از مرگ او، رو به سستی و فروریزی می رفته است (۲).

و علامه سید محسن امین، در یک بررسی جالب، عظمت ها و آثار او را بر شمرده، و سروده هائی را از شعراء بزرگ در مدح و مرثیه او نقل نموده است (۳).

جنازه أبو العباس ضبّی را (طبق وصیت او) به کربلا منتقل نمودند، و خواستند که قبری را که شریف أبو أحمد (پدر سید مرتضی و سید رضی) برای خود تهیه کرده بوده، در برابر ۵۰۰ دینار، در اختیار او بگذارد، ولی شریف أبو أحمد گفت: کسی که به جوار جدّم پناهنده شود، همکاری می کنم و پولی هم دریافت نمی نمایم، و سپس أبو أحمد و سایر شرفاء و فقهاء (که

ص: ۲۹۸

۱- یتیمه الذّهر، جلد ۳، صفحه ۲۸۷

۲- معجم الأدباء، جلد ۲، صفحه ۱۰۷، و قد كانت بلاغه العصر بعد الصّاحب و الصّابیء بقیت متماسکه بأبی العباس، فأشرفت علی التّهافت بموته و کادت تشیب بعده لِمَم الأَقلام و تَجَفَّ غُدْر محاسن الکلام لولا أن

۳- أعیان الشّیعه، چاپ جدید، جلد ۲، صفحه ۴۶۹ تا ۴۷۱



پنجاه نفر بودند) حاضر شده، و بر جنازه او نماز خواندند، و او را به حرم حسینی رسانده و دفن نمودند (۱).

## ۸- أحمد بن محمد بن یعقوب (ابن مسکویه)

(۲)

أبوعلی، أحمد بن محمد بن یعقوب بن مسکویه، رازی اصفهانی، متوفای ۴۲۱ وی از چهره های درخشان علمی و اجتماعی در قرن پنجم، و از مفاخر شیعه و اصفهان می باشد، و مورد تجلیل مورّخین و صاحبان تراجم قرار گرفته است

برخی، عنوان مسکویه را، لقب خود او دانسته، و أحمد مسکویه خوانده اند و برخی دیگر عنوان مسکویه را مربوط به جدّ او دانسته و او را با عنوان ابن مسکویه، یاد نموده اند.

او در اصل، أهل ری است، ولی در اصفهان سکونت داشته، و از دنیا رفته، و در محله دروازه حسن آباد (حدود إمامزاده باقر علیه السلام در محله خواجه)، مدفون گردیده است (۳).

ابن مسکویه، در أوائل زندگی، مصاحب وزیر أبو محمد مُهلّبی، و سپس ندیم مخصوص عضدالدوله دیلمی، و مدّتی خازن کتابخانه ابن العمید، و از نزدیکان او بوده است، و به خاطر خزانه داری برای عضدالدوله و نیز خزانه داری کتابهای ابن العمید، او را «خازن» خوانده اند.

ص: ۲۹۹

---

۱- أعیان الشّیعه، ألغدیر و دائره المعارف تشیّع، جلد ۱، صفحه ۴۱۹

۲- مسکویه بر وزن سیبویه، ریحانه الأدب، جلد ۸، صفحه ۲۰۶، و الکنی و الألقاب جلد ۱، صفحه ۴۰۹، به نقل از قاموس اللغه و نیز در لغتنامه دهخدا و فرهنگ معین و المنجد و...، چنین ضبط شده است

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۶۰، و در روضات الجنّات می نویسد: ... لکن قبره الشّریف معروف مشهور فی محله خواجه من محلات اصبهان

ابن مسکویه ، در علم و دانش به جائی رسیده ، که او را حکیم الهی و معلّم ثالث لقب داده اند (۱) و هر کدام از بزرگان و صاحبان تراجم، با عباراتی پر محتوا ، به تجلیل از او پرداخته اند ، مثلاً : صاحب أعيان الشّيعه ، می نویسد :

هُوَ الْعَالِمُ الْحَكِيمُ، الْفَيْلَسُوفُ الْمَشْهُورُ، الرَّيَاضِيُّ الْمُهَنْدِسُ، الْمُتَكَلِّمُ اللَّغَوِيُّ، الْمُؤَرِّخُ الْأَخْلَاقِيُّ، الشَّاعِرُ الْأَدِيبُ، الْكَاتِبُ النَّافِذُ الْفَهْمُ، الْكَثِيرُ الْإِطْلَاعِ عَلَى كُتُبِ الْأَقْدَمِينَ وَ لُغَاتِهِمُ الْمُتْرَكَةَ، صَاحِبُ التَّصَانِيفِ الْكَثِيرَةِ فِي الْفُنُونِ الْعَقْلِيَّةِ، وَ لِأَسَيِّمَاتِ الْحِكْمَةِ النَّظَرِيَّةِ وَ الْعَمَلِيَّةِ ...

و در قسمت دیگری به نقل از عیون الأنباء ، می نویسد : مِسْكَوِيَه ، فَاضِلٌ فِي الْعُلُومِ الْحِكْمِيَّةِ ، مُتَمَيِّزٌ فِيهَا ، خَبِيرٌ بِصِنَاعَةِ الطَّبِّ ، جَيِّدٌ فِي أُصُولِهَا وَ فُرُوعِهَا... (۲) .

و فقیه و محقق نامدار ، صاحب روضات الجنّات ، او را با عنوان : (ألْحَكِيمُ الْمَاهِرُ ، وَ الْأَسْتَادُ الْكَابِرُ) توصیف نموده ، و می نویسد : كَانَ مِنْ أَعْيَانِ الْعُلَمَاءِ ، وَ أَرْكَانِ الْحُكَمَاءِ ، صَاحِبُ الْمَرَاتِبِ الْجَلِيلَةِ ، وَ الدَّرَجَاتِ الرَّفِيعَةِ ، وَ الْأَخْلَاقِ الْحَمِيدَةِ وَ الْأَقْوَالِ السَّيِّدَةِ ...، وَ صَنَّفَ فِي عُلُومِ الْأَوَائِلِ كَثِيرًا .... (۳) .

و میرزا محمّد علی مدرّس ، درباره او می نویسد:

باری ابن مسکویه ، از اعیان فلاسفه و حکماء ، و مشاهیر اطبّای اسلامی أوائل قرن پنجم هجرت می باشد ، که با ابوریحان بیرونی و ابن سینا و نظائر ایشان معاصر بوده ، و علاوه بر مهارت بی نهایت ، که در هر دو قسمت علمی و عملی طب داشته ، در لغت و منطق و ادبیات و فنون شعر و کتابت و ریاضیات

ص: ۳۰۰

۱- ریحانه الأدب ، جلد ۸ ، صفحه ۲۰۶

۲- أعيان الشّيعه ، چاپ جدید ، جلد ۳ ، صفحه ۱۵۹

۳- روضات الجنّات، جلد ۱ ، صفحه ۲۵۴

و أقسام فلسفه و حکمت نظری و عملی، متبخر و كثير الإطلاع، و در کتب سلف و لغات متروکه ایشان، محیط بوده است (۱).  
و نابغه دوران، و اعجوبه روزگار، خواجه نصیر الدین طوسی، در دیباچه کتاب اخلاق ناصری، در ستایش کتاب طهاره  
الأعراق ابن مسکویه می گوید:

بِنَفْسِي كِتَابٌ خَازَ كُلَّ فَضِيلَةٍ\*\* وَصَارَ لِتَكْمِيلِ الْبَرِّيَّةِ ضَامِنًا

مُؤَلَّفُهُ قَدْ أَبْرَزَ الْحَقَّ خَالِصًا\*\* بِتَأْلِيفِهِ مِنْ بَعْدِ مَا كَانَ كَامِنًا

وَوَسَّمَهُ بِاسْمِ الطَّهَارَةِ قَاضِيًا\*\* بِهِ حَقَّ مَعْنَاهُ وَ لَمْ يَكُ مَائِنًا

لَقَدْ بَدَّلَ الْمَجْهُودَ لِلَّهِ دَرَّةً\*\* فَمَا كَانَ فِي نُصْحِ الْخَلَائِقِ خَائِنًا

و هم چنین، بزرگانی همچون: یاقوت حموی در معجم الأدباء، و ثعالبی در تتمه الیتمه، و قاضی نور الله تستری در مجالس  
المؤمنین، و میرداماد در رواشح، و میرزا عبدالله أفندی در ریاض العلماء، و حاج آقا بزرگ طهرانی در  
طبقات (النیابس فی القرن الخامس)، و محدث قمی در الکنی و الألقاب، و دهخدا در لغتنامه، و دکتر محمّد معین در  
فرهنگ معین، و دهها مورخ و نویسنده دیگر، از این بزرگمرد تجلیل نموده اند.

شخصیت برجسته و ممتازی همانند میرداماد، هرگاه از نزدیکی قبر او می گذشت، می ایستاد و فاتحه می خواند (۲) و می  
فرمود:

این مرد، در درجه عالی از معرفت نسبت به حقّ اهل بیت علیه السلام بوده، و معتقد به وجوب اطاعت از آنها و لزوم محبت  
آنها بوده است (۳)

ص: ۳۰۱

۱- ریحانه الأدب، جلد ۸، صفحه ۲۰۶

۲- الکی و الألقاب، جلد ۱، صفحه ۴۰۸

۳- روضات الجنّات، جلد ۱، صفحه ۲۵۶

أبو الفرج اصفهانی ، ادیب و دانشمند محقق و نامدار ، از شاگردان و تربیت یافتگان او بوده است (۱).

### ابن مسکویه اولین نویسنده کتاب مدون اخلاقی

اعتبار ویژه ای که ابن مسکویه در فلسفه اسلامی دارد، از این جهت می باشد که وی نخستین کتاب مدون اخلاقی را نوشته ، که حاوی اقوال گذشتگان ، و سرمشق نگارش در علم اخلاق برای آیندگان بوده است (۲).

### تألیفات و آثار قلمی ابن مسکویه

تألیفات ابن مسکویه را از نظر تعداد ، متجاوز از بیست و هشت مجلد دانسته اند (۳) و از نظر اهمیت علمی تا آنجا بوده ، که امیر صدر الدین شیرازی ، بسیاری از مؤلفات این دانشمند را نزد خود داشته ، و از دسترس و چشم دوستان و اصحاب خود مخفی می نموده ، به خاطر اسرار فراوانی که در آن

جمع گردیده است (۴) .

کتابهای او بدین قرار است :

۱- طهاره الأعراف فی تکمیل النفس و تهذیبها ۲ - تجارب الأمم و تعاقب الهمم ( در چندین مجلد ) ۳ - تفصیل النشأتین و تحصیل السعادتین ، ۴ - أحوال الحكماء المتقدمین و صفات الأنبياء السالفین و أحوالهم ، ۵- آداب العرب و الفرس و الهند

ص: ۳۰۲

۱- دائره المعارف تشیع ، جلد ۱ ، صفحه ۳۶۷

۲- دائره المعارف تشیع ، جلد ۱ ، صفحه ۲۶۸

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۶۱ و ۶۲

۴- أعيان الشیعه چاپ جدید ، جلد ۳ ، صفحه ۱۶۰

( در أخلاق )، ۶- الأشریه و ما يتعلّق بها من الأحكام الطّبیّه ، ۷- أقسام الحکمه و الرّیاضی ، ۸- أدب الدّین و الدّین ، ۹- أنس الخواطر ، ۱۰- ترتیب السّیّعات ، ۱۱- التّعلیق ( فی المنطق )، ۱۲- جاویدان خرد ، ۱۳- حقائق النّفوس ، ۱۴- السّیاسه للملک ، ۱۵- الطّیخ ، ۱۶- الفوز الأكبر ، ۱۷- الفوز الأصغر ، ۱۸- فوز السّعاده ، ۱۹- مختار الأشعار ، ۲۰- ندیم الفرید ، ۲۱- نزّهت نامه علائی ، ۲۲- نور السّعاده ، ۲۳- کتاب السّیر .

## ۹- شیخ الرّیس، أبوعلی سینا

فیلسوف یگانه ، و طبیب نامدار ، و لغوی بزرگ ، و جامع علوم عقلی و نقلی ، و مسلّط بر دانشهای رسمی و واضح ، و علوم غریبه ، حسین بن عبد الله بن سینا ، مکتبی به أبوعلی و ابن سینا ، و ملقب به شرف الملک ، و معروف به شیخ الرّیس ، و بوعلی سینا ، و متولّد ۳۷۰ و متوفّای ۴۲۸ (۱).

بوعلی سینا ، از بزرگترین و معروفترین کسانی است که از نظر حدّت ذهن و ذکاوت ، در حدّ کمال بوده اند ، و از نظر مو شکافی و قدرت اندیشه و نیروی حافظه ، از عجائب روزگار می باشد ، و از نظر جسمانی نیز ، مردی قوی و نیرومند و زیباروی و ظریف بوده است (۲).

هر کتابی که به دستش می آمده ، قسمت های مشکل آن را می دیده ، که قدرت علمی و تسلّط نویسنده او را بر مطالب آن علم و فن به دست آورد (۳).

ص: ۳۰۳

۱- درباره سال تولّد و وفات بوعلی سینا ، تفاوت در اقوال وجود دارد، مثلاً متولّد ۳۷۳ و متوفّای ۴۲۷ نیز گفته شده است ، ( أعیان الشّیعه ، جلد ۶ ، صفحه ۶۹ )

۲- دائره المعارف تشیّع ، جلد ۱ ، صفحه ۳۲۸

۳- أعیان الشّیعه ، جلد ۶ ، چاپ جدید ، صفحه ۷۰

فقیه شافعی ، در کتاب ملل و نحل ، درباره بوعلی سینا گفته : هیچ کدام ، از فلاسفه اسلامی ، به جایگاه ابونصر فارابی و ابوعلی سینا ، نرسیده اند ، و ابوعلی ، در این زمینه أعلم و أقوم است (۱).

اهل حکمت نظری و اطباء ، پس از ارسطو و افلاطون ، از هیچ کس به اندازه بوعلی سینا و آثار او ، بهره نبرده اند و به همین جهت ، او را شیخ الرئیس لقب داده اند ، و او را استاد حکمای اسلامی خوانده اند (۲).

بوعلی سینا ، در زمان اندک به مرتبه ای از علم رسید ، که هیچ کس قبل از او در چنین زمانی به این مرتبه علمی نرسیده بود .

علامه امین ، در اعیان الشیعه ، در ضمن یک شرح حال بسیار مفصل و طولانی ، درباره عظمت علمی ، افکار و اندیشه ها ، تألیفات و آثار بوعلی سینا ، چنین اظهار نظر نموده است : هُوَ فَيْلَسُوفُ الْإِسْلَامِ ، نَبَغَ فِي الطَّبِّ وَالْفَلْسَفَةِ وَالْحِكْمَةِ الْعَقْلِيَّةِ ، وَ أَتَقَنَّ الْفِقْهَ وَاللُّغَةَ وَالْأَدَبَ وَالشُّعْرَ وَالْحِسَابَ ، وَ أُوتِيَ مِنْ قُوَّةِ الْحِفْظِ وَحِدَّةِ الذَّهْنِ وَالصَّبْرِ عَلَى الْجِدِّ وَالْإِجْتِهَادِ ، وَ قُوَّةِ الْعَزْمِ فِي ذَلِكَ ، مَا كَادَ يَكُونُ خَارِقًا لِلْعَادَاتِ ، وَ فَاقَ مَنْ سَبَقَهُ وَ أَعْجَزَ مَنْ لَحِقَهُ وَ ... (۳).

یعنی: او فیلسوف اسلام است ، که در طب و فلسفه و حکمت عقلی، به مرتبه نبوغ رسیده ، و فقه و لغت و شعر و ادب و حساب را ، با کمال محکم کاری و درستی به دست آورده ، و در قوت حافظه و تیزهوشی و تندی ذهن و صبر بر جدیت و تلاش در راه علم و اندیشه ، به مرتبه ای رسیده ، که نزدیک است

ص: ۳۰۴

۱- لسان المیزان ابن حجر عسقلانی ، جلد ۲ ، صفحه ۲۹۳

۲- روضات الجنات، جلد ۲، صفحه ۱۸۱، به نقل از کتاب سلم السموات

۳- اعیان الشیعه، جلد ۶، صفحه ۷۰

خارق عادت شمرده شود ( و معجزه به شمار آید ) . او بر گذشتگان سبقت گرفت ، و آیندگان را ، از رسیدن به حدّ خود ، ناتوان ساخت ...

سپس ادامه می دهد و می فرماید :

برای اثبات مطالب فوق ، کافی است توجه کنی که او ، ۵۷ یا ۵۸ سال زندگی نمود ، و در این مدّت ، بیش از یکصد جلد کتاب نوشت ، که یکی از آنها کتاب (قانون ) در طب می باشد ، که در ۱۶ سالگی نوشته ، و تا همین اواخر در اروپا ( در دانشگاهها ) تدریس می شد ، و به زبان لاتین ترجمه گردیده است .

و هم چنین او ۹ کتاب بزرگ ، که بعضی بسیار بزرگ بود ، در مدّت یکسال و نیم حفظ نمود ، در رشته های لغت و نحو و صرف و شعر و ادب و غیر اینها ، در حالیکه زیر ۱۰ سال سن داشت ، و به قرائت فقه پرداخت ، در حالی که هنوز به ۱۲ سالگی نرسیده بود ، و در دوازده سالگی ، در شهر بخارا فتوی می داد ...

یکسال و نیم می گذشت ، و در آن مدّت ، حتّی یک شب نخوابیده بود ... وقتی به سنّ بیست سالگی رسید ، هیچ علمی نبود که دارا نباشد ... ، و عدّه ای از تصنیفات او که تلف شده بود ، دوباره از حفظ نوشت ، و تألیف مجدد نمود(۱) .

بیش از یکصد کتاب و رساله از آثار این بزرگمرد ضبط نموده اند(۲) ، در حالی که بعضی از آنها ، همانند : « الإشارات و التّشبیّهات » و « الشّفاء » و « القانون فی الطّب » جهان علم را به شگفتی آورده ، و در برگیرنده نکتته ها و دقائقی است ، که در سایر تألیفات علماء فلسفه و طب ، یافت نمی شود ، و لذا بسیاری از نوابغ

ص: ۳۰۵

---

۱- أعيان الشّيعه جلد ۶ ، صفحه ۷۰ ، ستون دوّم

۲- علامه أمین ، از یکصد و هشتاد کتاب و رساله ، نام می برد و توضیح می دهد که بعضی از این نامها ، تکراری است ، و بعضی از آن کتابها و رساله ها ، به دو نام یا بیشتر بوده است ، بنابراین ، شمار واقعی آنها ، از یکصد و هشتاد کمتر می باشد

روزگار، همانند: خواجه نصیرالدین طوسی، علامه حلی، ملا صدرا شیرازی، امام فخر رازی و...، به شرح کتابهای او پرداخته اند.

بعضی از آثار ابن سینا، بسیار مفصل و در ضمن مجلدات زیاد می باشد،

همانند: کتاب «الحاصل و المحصول» که بیست جلد بوده (۱) و «الإنصاف و الإِتصاف» که آن هم بیست جلد بوده (۲) و «لسان العرب» (در علم لغت) که در اصفهان تألیف نموده، و در ۱۰ مجلد بوده است (۳).

### تشیع، مذهب و مکتب بوعلی سینا

أبوعلی سینا، در إلهیات شفا می نویسد: إِنَّ الْأَسْتِخْلَافَ بِالنَّصِّ أَصَوَّبُ

فَمَإِنَّ ذَلِكَ يُؤَدِّي إِلَى التَّشَعُّبِ وَ التَّشَاغِبِ وَ الإِخْتِلَافِ (۴) یعنی خلیفه قرار دادن (و تعیین جانشین برای رسول خدا صلی الله علیه و آلهی و سلم) به وسیله نص (و تصریح و تعیین از جانب خداوند) أصوب و شایسته تر است، زیرا منجر به دسته بندی و منازعه و اختلاف نمی شود.

در این عبارت، به نحو روشن، تشیع او معلوم می گردد. برخی را عقیده بر این است که او مذهب اسماعیلیه دارد (۵) ولی برخی را عقیده بر این است که شیعه اثنی عشری است، چنانچه شیخ علی بن شیخ فضل الله گیلانی فومنی زاهدی، در کتاب خود، که در سال ۱۰۶۲ نوشته، به این نام:

ص: ۳۰۶

۱- ریحانه الأدب، جلد ۷، صفحه ۵۸۹

۲- أعیان الشیعه، جلد ۶، صفحه ۷۶

۳- الذریعه الی تصانیف الشیعه، جلد ۱۸، صفحه ۳۰۷

۴- النَّابِس فی القرن الخامس (طبقات حاج آقا بزرگ طهرانی) صفحه ۶۳

۵- النَّابِس فی القرن الخامس (طبقات حاج آقا بزرگ طهرانی) صفحه ۶۳



فِي إِثْبَاتِ أَنَّ الشَّيْخَ الرَّئِيسَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ

وَ مِنْ أَكْبَرِ عُلَمَاءِ الْإِمَامِيَّةِ الْإِثْنَى عَشْرِيَّةِ

همین معنی را پذیرفته است (۱)، و هم چنین مرحوم آقا ضیاء الدین درّی، در مقدمه مبسوطی که بر کتاب الفوائد الدّریه، در ترجمه رساله (سرّ القدر و الحکمه العرشیه) نوشته، همین نظریه را پذیرفته و اثبات نموده است (۲).

### حالات روحی و معنوی بوعلی سینا

هر مطلبی که در آن در می ماند، وضو میگرفت و به مسجد میرفت، و با خشوع تمام دو رکعت نماز می خواند، و به دعا و استغاثه مشغول می گردید، تا آنکه اشکال و شبهه علمی او، برطرف می شد (۳). بوعلی سینا می گوید: از شناختن علم مابعد الطبیعه مایوس بودم، تا این که کتابی را از فارابی یافتم، پس آشنا شدم با آنچه مایوس از آن بودم، و چندین بار سجد شکر برای خدا کردم، و به اندازه توان، صدقه دادم (۴). و در هنگامی که مرگ او نزدیک شده بود، غسل توبه نمود، و صدقه بسیار داد، و ردّ مظالم عباد نمود، و ملازم تلاوت قرآن گردید، و در هر سه روز یک ختم قرآن می خواند (۵).

### بوعلی سینا، وعلاقه وایمان به امیرالمؤمنین علی علیه السلام

شیخ الرئیس، أبوعلی سینا، در ضمن اشعار فراوان عربی و فارسی که

ص: ۳۰۷

۱- دائره المعارف تشیع، جلد ۱، صفحه ۳۲۹

۲- دائره المعارف تشیع، جلد ۱، صفحه ۳۲۹

۳- ریحانه الأدب، جلد ۷، صفحه ۵۸۴، روضات الجنّات، جلد ۳، صفحه ۱۷۱

۴- روضات الجنّات، جلد ۳، صفحه ۱۷۳

۵- أعیان الشّیعه، جلد ۶، صفحه ۷۱، و نیز، ریحانه الأدب، جلد ۷، صفحه ۵۸۵.

سروده ، اشعاری دارد بدین قرار(۱)

بر صفحهٔ چهره ها خط لم یزلی\*\*\*معکوس نوشته است نام دو علی

یک لام و در عین با دو یای معکوس\*\*\*از حاجب و عین و أنف ، با خط جلی

\*\*\*\*

تا باد عشق در قدح ریخته اند\*\*\*و اندر پی عشق عاشق آنگیخته اند

در جان و روان بوعلی ، مهر علی\*\*\*چون شیر و شکر بهم در آمیخته اند

### بوعلی سینا در کتب تراجم و تاریخ و دایره المعارفها

شخصیت علمی و اجتماعی و عظمت افکار و آثار بوعلی سینا ، آن چنان است که در عموم کتب تراجم و تاریخ و دایره المعارف ها، اعم از اسلامی و غیر اسلامی ، شیعی و غیر شیعی ، مورد توجه شدید قرار گرفته ، و در هر کدام از آنها ، صفحات بسیاری اختصاص به آن بزرگمرد یافته است ، و هیچ نویسنده ای تألیف خود را از ذکر خصائص و ارزشهای عجیب این ابرمرد تاریخ، خالی قرار نداده است .

و علاوه بر اینها ، کتابها و رساله هائی نیز ، به نحو مستقل ، یا به عنوان مقدمه بر یکی از کتابهای ابن سینا ، در باره عظمت و آثار آن بزرگمرد ، نوشته و منتشر گردیده است .

ص: ۳۰۸

گرچه ابوعلی سینا، اصلاً اهل بلخ و بخارا است، و در شهرهای: گرگانج و فسا و اَبیورد و طوس و گرگان و دهستان و ری و قزوین و همدان، اقامت های کوتاه مدّت یا نسبتاً بلند مدّتی داشته، که برای فعالیت های علمی یا اجتماعی به آن شهرها سفر نموده (۱) ولی سالهائی از عمر خود را در اصفهان گذرانده، و به تدریس در مَدْرَس ابن سینا، در محلّه دردشت پرداخته است (۲) و نیز، مقداری از تألیفات خود را در این شهر به رشته تحریر در آورده است، همانند: بخشی از کتاب شفاء و کتاب الإنصاف (۳) و بنا بر قولی، در اصفهان از دنیا رفته (۴) و در محلّی به نام تحت گنبد دفن گردیده است (۵).

#### ۱۰- حافظ ابونعیم اصفهانی

فقیه و محدّث و مورّخ نامدار، أحمد بن عبد الله بن أحمد بن اسحق بن موسی بن مهران اصفهانی، متولّد ۳۳۶ و متوفّای ۴۳۰ هجری قمری، معروف به «حافظ ابونعیم اصفهانی» و «حافظ اصفهانی».

ص: ۳۰۹

۱- دائرة المعارف تشیّع، ج ۱، صفحه ۳۲۷، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، جلد ۴، صفحه ۱-۵

۲- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صفحه ۴۷، آثار ملی اصفهان، صفحه ۴۳۱، تاریخ مدارس ایران، صفحه ۹۹

۳- دائرة المعارف بزرگ اسلامی، جلد ۴، صفحه ۵

۴- ألكامل فی التاريخ، جلد ۹، صفحه ۴۵۶ و ...

۵- أعيان الشّيعه، جلد ۶، صفحه ۶۹-۷۰، درباره مدفن ابن سینا اختلاف است، بعضی او را مدفون در همدان می دانند، و بعضی مدفون در اصفهان، و در محلّی به نام تحت گنبد نزدیک مسجد شیخ لطف الله، و در نزدیکی مدرسه خواجه ملک، و بعضی او را مدفون در محلّه دردشت می دانند،(به بخش مدارس علمیّه اصفهان قبل از دوره صفویّه، در قسمت مربوط به مدرسه خواجه ملک، در همین کتاب مراجعه شود، بحثی مفصّل داریم)

جدّ او مهران ، اوّل کسی است که از دودمان و اجداد او مشرف به اسلام گردیده (۱) و خاندان او از خاندانهای علمی و شیعی اصفهان به شمار رفته (۲) و او از اجداد دو چهره نامدار شیعه ، ملاّ محمّد تقی و ملاّ محمّد باقر مجلسی می باشد . کتابهای او ، از قبیل : حلیه الأولیاء ، ذکر أخبار اصفهان ، (تاریخ اصفهان ) ذکر المهدی (عج) و نعوته ، ما نزل من القرآن فی أميرالمؤمنین علیه السلام ، منقّبہ المطہرین و مرتبه الطّیّین ، معرفه الصّیّحایه ، مُختَصِر الاستیعاب و ... ، که شمار آنها به نوشته ریحانه الأدب به بیش از ۱۶ عنوان می رسد (۳)

گرچه عدّه ای این بزرگمرد را ، عامّی المذهب دانسته اند ، ولی به فرموده مرحوم شیخ بهائی ، در کتاب حلیه الأولیاء حافظ ابی نعیم ، مطالبی است که نشانه خلوص ولایت او می باشد (۴) و امیر محمّد حسین خاتون آبادی (که از اسباط علامه مجلسی می باشد ) فرموده است:

وَمِمَّنْ أَطَّلَعْتُ عَلَى تَشْيِيعِهِ مِنْ مَشَاهِيرِ عُلَمَاءِ الْعَامَّةِ ، هُوَ الْحَافِظُ أَبُو نَعِيمٍ الْمُحَدِّثُ بِاصْتِحَابِهِ ، وَ هُوَ مِنْ أَجْدَادِ حَيْدَى الْعَلَامَةِ ( ضَاعَفَ اللَّهُ إِنْعَامَهُ ) وَ قَدْ نَقَلَ حَيْدَى تَشْيِيعَهُ عَنِ وَالِدِهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ حَتَّى انْتَهَى إِلَيْهِ ، قَالَ : قَالَ : وَ هُوَ مِنْ مَشَاهِيرِ مُحَدِّثِي الْعَامَّةِ ظَاهِرًا ، إِلَّا أَنَّهُ مِنْ خُلَصِ الشِّيْعَةِ فِي بَاطِنِ أَمْرِهِ وَ كَانَ يَتَّقِي ظَاهِرًا عَلَى وَفْقِ مَا أُفْتَضَّتْهُ الْحَالُ وَ لَذَا تَرَى كِتَابَهُ الْمُسَمَّى بِحَلِيهِ الْأَوْلِيَاءِ يَخْتَوِي عَلَى أَحَادِيثِ مَنَاقِبِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَا لَا يُؤَخِّدُ فِي سَائِرِ الْكُتُبِ ، وَ مَدَارُ عُلَمَائِنَا فِي الْإِسْتِدْلَالِ بِأَخْبَارِ الْمُخَالِفِينَ عَلَى اسْتِخْرَاجِ الْأَحَادِيثِ مِنْ كِتَابِهِ ، ثُمَّ قَالَ : وَلَمَّا كَانَ الْوَلَدُ أَعْرَفَ بِمَذْهَبِ

ص: ۳۱۰

۱- الفیض القدسی چاپ شده در مقدمه جلد ۱۰۵ بحار الأنوار ، صفحه ۱۰۹

۲- دائره المعارف تشیع ، جلد ۱ ، صفحه ۱۶۱

۳- ریحانه الأدب ، جلد ۷ ، صفحه ۲۸۵

۴- الذریعه ، جلد ۳ ، صفحه ۲۳۲

الْوَالِدِ مِنْ كُلِّ أَحَدٍ ، لَمْ يَبْقَ شَكٌّ فِي تَشْيِيعِهِ (۱)(۲) .

چنانچه ملاحظه می نمائید ، مرحوم خاتون آبادی ، نه تنها او را از شیعیان ، بلکه از خُلص آنها برشمرده ، و در پایان، اظهار نظر قطعی نموده ، که هیچ گونه شکی در تشیيع این بزرگمرد وجود ندارد ، و کتاب حلیه الأولیاء او را ، منبعی مهم و اساسی برای نشر فضائل امیر المؤمنین علی علیه السلام به شمار آورده است .

لقب حافظ ، برای این شخصیت بزرگ ، نشانه گستردگی و إحاطه علمی او (۳) و آثار باقی مانده از او ، نشانه قدرت اندیشه ، تتبع و تحقیق ، و زرف نگری او می باشد . حافظ أبونعیم ، در قبرستان آب بخشان اصفهان ، مدفون گشته ، و مزاری معروف داشته است (۴).

### خاندان حافظ أبونعیم اصفهانی

این خاندان ، از خاندانهای علمی قدیمی اصفهان می باشد ، که از سلسله های

ص: ۳۱۱

۱- روضات الجنات، جلد ۱ ، صفحه ۲۷۳

۲- علامه مجلسی ، در کتاب شریف بحار الأنوار ، روایات بسیاری را از أبونعیم اصفهانی نقل می کند ، در مسائل گوناگون مربوط به خاندان رسالت ، و فضائل و مناقب امیر المؤمنین و اولاد معصومین آن حضرت ، که در مجلدات مختلف بحار الأنوار دیده می شود

۳- کلمه حافظ در اصطلاح علم درایه و حدیث و خبر ، کسی را گویند که کتاب و سنت را حفظ کرده باشد، یا کسی است که تمامی شنیده های خود را روایت کرده ، و هر آنچه را که محلل حاجت باشد حفظ کند ، یا کسی است که صد هزار حدیث را متناً و سنداً ، از حفظ داشته باشد، چنانچه حافظ سیصد هزار حدیث با این خصوصیت را، حجت ، و حافظ همه را ، حاکم نامند ( به ریحانه الأدب ، جلد ۲ ، صفحه ۹ مراجعه شود)

۴- روضات الجنات، جلد ۱ ، صفحه ۲۷۵

فضل و ادب و ریاست و ارباب إجازات به شمار رفته اند (۱) و از ذرّیّه عبد الله بن أحمد بن اسحاق بن موسی بن مهران (۲)، (که از بزرگان علم حدیث بوده) هستند، و نسب خاندان مجلسی (علامه ملاّ محمّد باقر) به همین خاندان علمی می رسد (۳)، و بزرگترین چهره علمی این خاندان، محدّث فقیه و مورّخ نامدار، حافظ أبو نعیم، أحمد بن عبد الله... بن مهران اصفهانی، می باشد.

### ۱۱- مفضل بن سعد ( مافزوخی ) اصفهانی

مفضل بن سعد، آدیبی است مورّخ و شاعر، از دانشمندان قرن پنجم، که نسب او به مافزوخ بن بختیار می رسد، و کنیه پدر او، أبو الفضل است، و از آثار او، کتاب «محاسن اصفهان»، در دسترس می باشد.

در این کتاب که در حدود سالهای ۴۶۵ تا ۴۸۵ تألیف گردیده (۴)، ارزشها و زیبایی های طبیعی، جغرافیائی، علمی، ادبی، هنری و اجتماعی اصفهان، معرفی گردیده، و بسیاری از نکات مهمّ مربوط به شهر تاریخی اصفهان در گذشته زمان، از این کتاب استفاده می شود.

علامه طهرانی (حاج آقا بزرگ) کتاب محاسن اصفهان را، در زمره تصانیف شیعه ذکر نموده اند (۵) که نشان می دهد مافزوخی را، از علماء و ادباء

ص: ۳۱۲

---

۱- دائرة المعارف تشیّع، جلد ۱، صفحه ۱۶۱

۲- مهران اولین کسی است که از اجداد اَبی نعیم، اسلام اختیار کرده است (روضات الجنّات، جلد ۱، صفحه ۲۷۳)

۳- دائرة المعارف تشیّع، جلد ۱، صفحه ۱۶۱

۴- مقدّمه محاسن اصفهان، به قلم سیّد جلال الدّین حسینی طهرانی، صفحه (ج) و لغتنامه دهخدا، در تحت عنوان مافزوخی

۵- الذّریعه، جلد ۲۰، صفحه ۱۲۶

شیعه می دانسته اند . حسین بن محمّد بن أبی الرضا علوی آوی ( آبهای ) ، در نیمه اول قرن هشتم هجری ، کتاب محاسن اصفهان را ترجمه نموده ، و به خواجه رشید الدین فضل الله ، وزیر دانشمند ابوسعید بهادرخان ، در سال ۷۲۹ هجری اهداء کرده است (۱) . خاندان مافزوخی ، از خاندانهای علمی بوده ، و جمعی دانشمند از میان آن برخاسته اند ، که در کتاب دانشمندان و بزرگان اصفهان ، از ۱۰ نفر از آنها ، نام برده شده است (۲) .

مرحوم نجاشی ، در رجال خود ، در ضمن شمردن کتابهای شیخ مفید ، از کتابی یاد می نماید ، به نام : « جوابات المافزوخی فی المسائل » (۳) که مشخص نیست کدام یک از شخصیتهای خاندان مافزوخی ، سؤال ها را مطرح نموده ، و ارسال داشته ، که شیخ مفید در جواب آن سؤالات ، چنین کتابی نوشته است .

## ۱۲- راغب اصفهانی

أبو القاسم ، حسین بن محمّد بن مفضل اصفهانی ، معروف به ( راغب اصفهانی ) ، متوفای ۵۰۲ هجری (۴) .

ص: ۳۱۳

- 
- ۱- اصفهان ، از دکتر هنرفر ، صفحه ۲۱۳
  - ۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۴۷۰ - ۴۷۱
  - ۳- رجال نجاشی ، صفحه ۲۸۶
  - ۴- الذریعه ، جلد ۵ ، صفحه ۴۵ - ولی در الذریعه جلد ۲۱ ، صفحه ۳۶۴ ، وفات راغب اصفهانی را همانند روضات الجنّات ، جلد ۳ ، صفحه ۲۲۶ در سال ۵۶۵ نوشته است ، ولی مرحوم حاج آقا بزرگ طهرانی در جلد ۵ الذریعه ، در بخش معرفی جامع التفسیر ، سال وفات راغب را ۵۰۲ ذکر نموده ، و ۵۶۵ را غلط دانسته اند ، زیرا صاحب روضات ، که سال وفات راغب را از کتاب تاریخ أخبار البشر ۵۶۵ نقل نموده ، نوشته است : و ذلك قبل وفاه جار الله الزمخشري ، و با توجه به این که سال وفات جار الله زمخشری ۵۳۸ می باشد ( روضات الجنّات ، جلد ۸ ، صفحه ۱۱۹ ) معلوم می گردد که عدد ۵۶۵ برای تاریخ وفات راغب اصفهانی ، اشتباه است

وی ، از مفاخر علم و ادب عالم اسلام ، و از چهره های برجسته علمی ، در طول تاریخ اصفهان می باشد ، و در زمینه علم لغت و ادب عربی ، و نیز حدیث و شعر و کتابت و اخلاق و حکمت و کلام و تفسیر ، نه تنها صاحب نظر بوده ، بلکه از اعلام آنها به شمار می رود .

صاحب روضات الجنّات ، او را با عنوان : ( الإمام الأریب و الحافظ العجیب ) یاد نموده ، و نوشته است : فَضَّلَهُ أَشْهَرُ مِنْ أَنْ يُوصَفَ ، وَ وَصَفُهُ أَرْفَعُ مِنْ أَنْ يُعْرَفَ ، وَ كَفَاهُ مَنْقَبَهُ أَنْ لَهُ قَبُولُ الْعَامَّةِ وَ الْخَاصَّةِ (۱).

و مرحوم مدرّس ، در ریحانه الأدب می نویسد : ... در لغت و علوم و فنون ادبیّه و عربیّه و شعر و حدیث و کتابت و کلام و حکمت و أخلاق ، طاق و شهرة آفاق ، و مراتب فضل و کمال او مقبول و مسلم عامّه و خاصّه بود ، و قرین امام غزالیّش می شمارند (۲).

و محدّث عالیقدر ، حاج شیخ عبّاس قمی درباره او می نویسد : أَبُو الْقَاسِمِ ، الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ الْمُفَضَّلِ الْإِصْبَهَانِيِّ ، الْفَاضِلُ الْمُبْتَحِرُ الْمَاهِرُ فِي اللُّغَةِ وَ الْعَرَبِيَّةِ وَ الْحَدِيثِ وَ الشُّعْرِ وَ الْأَدَبِ ... (۳). و میرزا عبدالله أفندی اصفهانی ، در ریاض العلماء می نویسد : الشَّيْخُ الْإِمَامُ الرَّاعِبُ ، أَبُو الْقَاسِمِ ، الْحُسَيْنُ بْنُ ... الْعَالِمِ الْفَاضِلِ الْأَدِيبِ ، الْمُفَسِّرِ اللَّغَوِيِّ الْمُتَكَلِّمِ الْحَكِيمِ ... ، الْمَعْرُوفُ بِالرَّاعِبِ الْإِصْفَهَانِيِّ ، صَاحِبُ كِتَابِ الْمُحَاضِرَاتِ وَ كِتَابِ الْمُفْرَدَاتِ وَ كِتَابِ جَامِعِ التَّفْسِيرِ ... (۴).

ص: ۳۱۴

۱- روضات الجنّات ، جلد ۳ ، صفحه ۱۹۷

۲- ریحانه الأدب ، جلد ۲ ، صفحه ۲۹۲

۳- الکنی و الألقاب ، جلد ۲ ، صفحه ۲۶۸

۴- ریاض العلماء ، جلد ۲ ، صفحه ۱۷۲



و هم چنین هر کدام از صاحبان تراجم و مؤرخین ، درباره علم و دانش و عظمت علمی و روحی او ، مطالبی برجسته ، نوشته اند .

## تألیفات زاغب اصفهانی

آثار قلمی زاغب اصفهانی ، از عظمت کم نظیری برخوردار می باشد ، و در زمینه های مختلف تألیف گشته ، و بدین قرار می باشد :

۱- المفردات فی غریب القرآن ، که از کتاب های بسیار ارزشمند است ، و مفردات و مواد لغات قرآنی را به شیوه ای بسیار جالب و محققانه ، مورد بحث قرار داده ، و مرحوم آقا بزرگ طهرانی در الذریعه الی تصانیف الشیعه، جلد ۲۱ صفحه ۳۶۴، آن را معرفی نموده است ۲- جامع التفسیر ، که کتابی است در تفسیر قرآن ، و آنقدر پر فائده ، که قاضی بیضاوی ، در تفسیر خود در بسیاری از موارد و مطالب ، از محتوای آن ، بهره گیری نموده است (۱)۳- تحقیق البیان فی تأویل القرآن ، که تفسیر دیگری است بر قرآن مجید (۲) ۴- ت فصول النشائین و تحصیل السعادتین، در معرفت نفس و مبدء و معاد ۵- الذریعه الی مکارم الشریعه که در علم اخلاق است ، و به طریقه اخلاق ناصری تألیف شده ، و بهتر از آن است (۳) ۶- محاضرات الأدباء و محاورات الشعراء و البلغاء ، که کتابی است بزرگ و بیش از ده جلد می باشد ، و به نوشته روضات الجنات:

فیه من نواذر الحکم و الحکایات الطریفه ، و العوائد المستطرفه اللطیفه ، ما

ص: ۳۱۵

---

۱- الذریعه ، جلد ۵، صفحه ۴۵

۲- الذریعه ، جلد ۵، صفحه ۴۶

۳- روضات الجنات، جلد ۳، صفحه ۱۹۸

## مذهب راغب اصفهانی

در مورد مذهب و اعتقاد راغب اصفهانی ، نظریات گوناگونی عرضه شده ، بعضی او را معتزلی دانسته اند، و امام فخر رازی او را از ائمهٔ اهل سنت برشمرده ، و برخی او را شافعی خوانده اند ، ولی در الذریعه ، جلد ۵، صفحه ۴۵ و ریحانه الأدب ، جلد ۲، صفحه ۲۹۲، و نیز در ریاض العلماء ، و أَلْکُنْی و الألقاب ، به نقل از اسرار الإمامه شیخ حسن بن علی طبرسی ( صاحب کامل بهائی ) نقل کرده اند که :

أَنَّهُ كَانَ مِنْ حُكَمَاءِ الشَّيْعَةِ الْإِمَامِيَّةِ

و برخی برای تشیع او استناد کرده اند به این که ، راغب اصفهانی با این که در زمان قدرت و نفوذ اهل سنت زندگی می کرده ، ولی از اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام ، زیاد نقل حدیث نموده ، و هرگاه از امیرالمؤمنین علی علیه السلام روایتی نقل کرده ، از کلمهٔ امیرالمؤمنین ، استفاده نموده ، و از خلفای غاصب ، حتی الامکان روایت ننموده است .

و در هر صورت ، او از ناشرین آثار اهل البیت علیهم السلام ، و از مدافعین حقوق آنها است ، و نشان می دهد که در اصفهان ، فرهنگ دفاع از اهل البیت علیهم السلام و نشر فضائل و آثار آنها ، کاملاً مطرح بوده ، و چهره های بزرگ اصفهان ، در مسیر حمایت از اهل البیت علیهم السلام بوده اند .

ص: ۳۱۶

(۱)

ادیب فاضل ، و کاتبِ منشی، و شاعر ماهر و کثیر الفضل ، حسین بن علی بن محمّد بن عبدالصمد اصفهانی ، متولد ۴۵۳ و شهید ۵۱۳ یا ۵۱۵، مشهور به «طغرایی» ، که با ألقاب عمید و استاد و فخر الکتّاب و مؤید الدّین خوانده شده ، و کنیه او ، أبو اسمعیل بوده است .

وی ، از فرزندان أبو الأسود دثلی ( شیعه مخلص امام علی علیه السلام و أولین إعراب گذارنده و نقطه گذارنده قرآن مجید ) و از شیعیان دوازده امامی بوده ، و در نظم و نثر ، استاد عصر و زمان خود ، و از مفاخر بزرگ تاریخ ادب و شعر ، به شمار رفته است .

قصیده لامیه او ، که به « لامیه العجم » مشهور شده ( و در حدود شصت بیت می باشد ) از اشعار برجسته ، و دارای محاسن بسیار از نظر محتوی و مضمون به شمار رفته ، و دارای لطائف ادبی و زیبایی های شعری می باشد ، و بیش از

۱۰ شرح بر آن نوشته شده است ، که از جمله آنها شرح صلاح الدّین صفدی می باشد ، و غربی ها چندین بار آن را ترجمه و منتشر کرده اند (۲).

شرح حال و عظمت علمی و ادبی و ذوق و آثار طغرایی را ، بسیاری از مورّخین و صاحبان تراجم و نویسندگان دائره المعارف ها، به نحو مفصّل نوشته اند ، که به عنوان نمونه ، از معجم الأدباء ، ریاض العلماء ، مناقب ابن شهر

ص: ۳۱۷

۱- این کلمه ، منسوب به طغراء می باشد ، که به معنی خطّی است که بر بالای فرمانها ، بالای بسم الله می نوشته اند به شکل قوس ، شامل نام و ألقاب سلطان وقت ، و آن در حقیقت حکم إمضاء و صحّه پادشاه را داشته است ( فرهنگ معین در لغت طغراء)

۲- أعیان الشّیعه ، چاپ جدید ، صفحه ۱۲۸

آشوب ، أمل الأمل ، روضات الجنّات، أعيان الشّيعه ، طبقات حاج آقا بزرگ طهرانی ، الكنى والألقاب قمی ، ریحانه الأدب ، لغتنامه دهخدا، فرهنگ معین ، الذریعه الی تصانیف الشّيعه ، كشف الظنون و ... می توان یاد نمود .

طغرایی ، در فنّ کیمیا و رموز آن ، تبخّر و تخصّص داشته ، و نه تنها از اساتید آن فن بوده، بلکه تالیّ تلو جابر بن حیّان ( شاگرد امام صادق علیه السلام و شیمی دان بزرگ ) به شمار آمده است (۱). طغرایی ، وزیر سلطان مسعود سلجوقی بوده ، و پس از آن که در جنگ بین سلطان مسعود و سلطان محمود سلجوقی ، لشکر سلطان مسعود شکست خورد ، طغرایی گرفتار شد، و شهاب أسعد ، که سمت کاتب دستگاه سلطان محمود را دارا بود، در اثر ترس از این که طغرایی به خاطر ذوق و ادب و فضل و هنر خویش ، در نزد سلطان محمود موقعیت برجسته یابد ، او را به زندقه و الحاد متهم نمود، و با کمک سمیرمی ( وزیر سلطان محمود) مقدمات قتل طغرایی را فراهم نموده ، و او را به شهادت رساندند(۲).

### طغرایی از دیدگاه صاحب نظران

بسیاری از بزرگان تاریخ و رجال و تراجم ، با ستایشهایی در خوره، از این دانشمند بزرگ شیعه ، یاد نموده اند که ذیلاً به برخی از آنها اشاره می نمائیم :

یاقوت حموی می نویسد:

طغرایی ، آیتی بود در نویسندگی و شعر ، و آگاه به صنعت کیمیا بود ... ، در دانشها و عربیت قدر و منزلتی راسخ داشت ، و در نظم و نثر دارای بلاغت بود،

ص: ۳۱۸

---

۱- ریحانه الأدب ، جلد ۴، صفحه ۵۸

۲- ریحانه الأدب و أعيان الشّيعه و الكنى والألقاب و ...

و به سر مرز إعجاز نائل گردیده بود(۱).

و ابن خَلِّكان اظهار نظر می کند: الْعَمِيدُ، فَخْرُ الْكُتَّابِ، أَبُو إِسْمَاعِيلَ، الْحَسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ... مُؤَيَّدُ الدِّينِ الْإِسْمَاعِيلِيُّ، كَانَ غَزِيرَ الْفَضْلِ، لَطِيفَ الطَّبَعِ، فَاقَ أَهْلَ عَصْرِهِ بِصُنْعِهِ النَّظْمِ وَالنَّثْرِ(۲). و با این عبارات، از فضائل فراوان و طبع لطیف او تمجید نموده و او را در نظم و نثر، برترین شخصیت دوران خودش شمرده است.

شیخ حرّ عاملی، محدّث و رجالی نامدار می نویسد: فَاضِلٌ عَالِمٌ صَيَّحِيحُ الْمَذْهَبِ شَاعِرٌ أَدِيبٌ، قُتِلَ ظُلْمًا وَقَدْ جَاوَزَ سِتِّينَ سَنَةً، وَ شِعْرُهُ فِي غَايَةِ الْحُسْنِ، وَ مِنْ جُمَلَتِهِ لِأَمِيَّةِ الْعَجَمِ، الْمُسْتَمَلَّةُ عَلَى الْأَدَابِ وَالْحِكْمِ، وَ هِيَ أَشْهَرُ مَنْ أَنْ تُذَكَرَ... (۳).

شیخ حرّ عاملی، با این عبارات زیبا، نه تنها به فضل و علم و ادب او اشاره نموده، بلکه مذهب حق و مظلومیت او را تأیید نموده است.

محدّث نامدار، حاج شیخ عباس قمی، علاوه بر نقل ستایش های ابن خَلِّكان و شیخ حرّ عاملی، او را با عنوان: مُؤَيَّدُ الدِّينِ وَ فَخْرُ الْكُتَّابِ وَ الْمُنْشِيءُ الشَّيْعِيُّ الْإِمَامِيُّ، تمجید نموده است (۴).

میرزا عبدالله أفندی، در ریاض العلماء چنین نوشته است: الْعَمِيدُ الْوَزِيرُ، مُؤَيَّدُ الدِّينِ، فَخْرُ الْكُتَّابِ...، الْإِمَامِيُّ الشَّهِيدُ الْمَقْتُولُ ظُلْمًا، الشَّاعِرُ الْفَاضِلُ الْجَلِيلُ...

، وَ كَانَ مَشْهُورًا بِمَعْرِفَةِ عِلْمِ الْكِيمِيَاءِ (۵).

ص: ۳۱۹

---

۱- معجم البلدان، جلد ۱۰، صفحه ۵۷ - ۵۸، كان آيه في الكتابه و الشعر، خبيراً بصناعه الكيمياء... و له في العربية و العلوم، قدر راسخ، و له البلاغه و المعجزه في النظم و النثر

۲- وفيات الأعيان، جلد ۲، صفحه ۱۹۸

۳- أمل الأمل، قسم دوّم، صفحه ۹۵

۴- ألقاب و الألقاب، جلد ۲، صفحه ۴۴۹

۵- ریاض العلماء، جلد ۲، صفحه ۱۶۶

و فقیه و رجالی نامدار ، صاحب روضات الجنّات ، پس از بحثی مفصّل درباره این عالم و ادیب نامدار ، می نویسد:

إِنَّ مِنْ أَقْوَى الْأَمَارَاتِ لِتَشْيِيعِ هَذَا الرَّجُلِ ، نِسْبَةُ الْأَلْحَادِ إِلَيْهِ

حَسِداً عَلَيْهِ ، وَقَتْلَهُ بِتُهْمِهِ الْخُرُوجِ عَنِ الدِّينِ ، ظُلماً وَعِدْوَاناً كَمَا هُوَ دَابُّ الْعَامَّةِ الْعَمِيَاءِ ، بِالنَّظَرِ إِلَى كُلِّ مَنْ أَحْسُوا مِنْهُ بِخُصُوصِيَّتِهِ وَوَلَاءِ أَهْلِ الْبَيْتِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ ، فَاتَّهَمُوهُ بِأَمْثَالِ ذَلِكَ ، وَشَفَعُوا صِدُورَهُمْ مِنْهُ بِقَتْلِهِ قَاتِلَهُمُ اللَّهُ وَ أَخْزِيَهُمْ (۱). و علامه امین ، در اعیان الشیعه ، به تفصیل زیاد از فضائل و زندگی و شهادت این دوستدار أهل البيت عل یاد نموده ، و اشعار او را که در فضائل خاندان رسالت و امامت طلا سروده ، ( و در آنها ، آمادگی خودش را برای شهادت در آن راه ، اعلام نموده ، و نشان می دهد که چگونه دشمنان متعصب ، ولایت و دوستی خاندان نبوت عطا را ، دلیل إلحاد او شمرده اند ) نقل کرده است (۲).

و علامه بزرگوار ، حاج آقا بزرگ طهرانی ، در طبقات خود، این بزرگمرد را ، شهید ، و از دودمان اَبی الأسود دثلی یاد کرده است (۳).

### أشعارى از طغرایی درباره أهل البيت عليهم السلام

این اشعار ، نشانگر علت اتهام طغرایی به إلحاد، از طرف دشمنان او می باشد محب اليهود لآل موسى ظاهر

و ولأئهم لبني أخته باد

ص: ۳۲۰

۱- روضات الجنّات ، جلد ۳، صفحه ۱۹۴

۲- اعیان الشیعه ، چاپ جدید ، صفحه ۱۲۷ - ۱۳۰

۳- التقات العیون فی سادس آلقرون ، صفحه ۸۰

وإمامهم من نسلِ هارونِ الأولى\*\*بهم أهدوا، ولكلِّ قومٍ هادٍ

وَأَرَى النَّصَارَى يُكْرِمُونَ مَحَبَّةً\*\*لِنَبِيِّهِمْ ، نَجْرًا مِنَ الْأَعْوَادِ

وإذا تَوَلَّى آلَ أَحْمَدَ مُسْلِمٌ\*\*فَقَتْلُوهُ أَوْ وَسَمُوهُ بِالْإِلْحَادِ

هذا هُوَ الدَّاءُ الْعِيَاءُ بِمِثْلِهِ\*\*صَلَّتْ حُلُومٌ حَوَاضِرَ وَبَوَادِ

لَمْ يَحْفَظُوا حَقَّ النَّبِيِّ مُحَمَّدٍ\*\*فِي آلِهِ وَ اللَّهِ بِالْمِرْصَادِ

و هم چنین ، طغرایی درباره آمادگی برای شهادت در راه محبت خاندان رسالت ( اهل البيت عليهم السلام ) چنین می سرايد :

۱- أعيان الشَّيعَةِ ، چاپ جديد ، جلد ۶ ، صفحه ۱۳۰ ، به نقل از ابن شهر آشوب در كتاب مناقب يعنى : ۱- دوستى يهود نسبت به آل موسى ظاهر است ، و ولايت آنها نسبت به فرزندان برادر او (هارون) آشكار است ، ۲- امام و پيشواى آنها از نسل هارون ، همانها هستند ، كه به وسيله آنها هدايت يافته اند ، و براى هر قومى هدايتگرى است ، ۳- و مى بينم كه نصارى اكرام مى كنند از روى محبت ، نسبت به پيامبرشان ، چوب تراشیده اى از چوبها را « اشاره است به احترامى كه انصارى براى صليب قائلند ، به مناسبت اعتقادشان به اين كه حضرت عيسى صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سلم به دار آويخته شده اند » ، ۴- ولى وقتى مسلمانى ، آل أحمد اله را دوست بدارد ، ميگشند او را با داغ إلحاد بر او مى زنند ، ( و او را متهم مى كنند ) ، ۵- اين است درد گشنده اى كه به مثل او ، گمراه مى شود عقلهاى شهر نشينان و باديه نشينان ، ۶- حفظ نكردند حق پيامبر (حضرت) محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سلم را ، در مورد اهل او ، ولى خدا در كمينگاه است .

تَوَعَّدَنِي فِي حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ \*\*\* وَحُبِّ ابْنِ فَضْلِ اللَّهِ (١) قَوْمٌ ، فَأَكْثَرُوا

فَقُلْتُ لَهُمْ لَا تُكْثِرُوا ، وَدَعُوا دَمِي \*\*\* يُرَاقُ عَلَيَّ حُبِّي لَهُمْ ، وَهُوَ يُهْدِرُ

فَهَذَا نَجَاحٌ ظَاهِرٌ لِمَعِيشَتِي \*\*\* وَذَاكَ نَجَاةٌ أَرْتَجِي يَوْمَ أَحْشَرُ (٢)

### کتابها و تألیفات طغرایی

- ۱- ترکیب الأنوار ، ۲- جامع الأسرار، ۳- حقائق الإستشهادات ۴- ذات آلفوائد ، ۵- الرد علی ابن سینا فی إبطال الکیماء ۶-
- مصاییح الحکمه ، ۷- مفاتیح الرّحمه ، ۸- دیوان شعر
- ۹- الإرشاد للأولاد (۳) .

ص: ۳۲۲

- 
- ۱- مقصود از این فضل الله ، معین الملک ، ذو الفضل ، علی طغرایی است ( أعیان الشّیعه )
  - ۲- أعیان الشّیعه ، جلد ۶ ، صفحه ۱۳۰ ، به نقل از مناقب ابن شهر آشوب . یعنی: ۱- به من وعده های بد دادند ، به خاطر دوستی آل محمد صلی الله علیه و آلهی و سلم ، و دوستی این فضل الله ، گروهی ، و در این راه زیاده روی کردند . ۲- پس به آنها گفتم : این قدر زیاده روی نکنید و بگذارید خون مرا ، که به خاطر دوستی آنها ریخته شود ، و این خون هدر شود . ۳- پس آن یکی ( دوستی ابن فضل الله ) سبب پیروزی ظاهری برای زندگی من است ، و آن دیگری ( دوستی آل محمد ) وسیله نجات من است ، که به آن امیدوارم برای روزی که محشور می شوم
  - ۳- به معجم الأدباء و أعیان الشّیعه و ریحانه الأدب و الدرّیعه ، مراجعه شود



(۱)

عالم فاضل ، و محدّث مفسّر ، و نحوی ادیب و نویسنده شاعر ، و نشأه جامع ، عبد الرّحیم بن أحمد بن محمّد بن ابراهیم بن خالد شیبانی بغدادی اصفهانی ، متوفای ۵۴۸ ، وی ملقب به جمال الدّین ، و مکئی به أبو الفضل می باشد ، و از خاندان علمی و برجسته آل إخوه در بغداد بوده است (۲). او در بغداد تحصیل علم نمود ، و به خراسان ( نیشابور ) طبرستان ، ری ، کاشان ، اصفهان و شیراز ، سفر کرد ، و در راه شنیدن حدیث و نقل آن ، کوشش بسیار نمود .

### چهل سال فعالیت علمی ابن اخوه در اصفهان

ابن إخوه ، در ضمن این که اصلاً بغدادی بوده ، و به شهرهای گوناگون سفر نموده ، و مدتی در کاشان اقامت کرده ، ولی چهل سال در مرکز علمی اصفهان اقامت داشته ، و فعالیت علمی نموده است (۳) ، و به همین مناسبت ، او را اصفهانی خوانده اند .

از مزایای ابن إخوه ، نثر زیبا و ابتکاری ، شعر جالب و ممتاز ، و خطّ ملیح بوده ، و در تند نویسی و تند خوانی ، از عجایب روزگار بوده ، تا آنجا که ، محب الدّین ابن نجار می گوید : دیدم کتاب التّنبیه ابي اسحاق شیرازی را ، که در

ص: ۳۲۳

---

۱- این کلمه را در دائره المعارف بستانی ، و دائره المعارف بزرگ اسلامی ، ابن إخوه ، ضبط نموده اند ، ولی در فرهنگ معین و أعیان الشّیعه ، ابن أُخُوّه ضبط شده است ، و در لسان المیزان ابن حجر عسقلانی ، به جای (ابن الإخوه ) ، ( ابن الافوه ) ، ضبط گردیده است

۲- أعیان الشّیعه ، چاپ جدید ، جلد ۷ ، صفحه ۴۶۷ . دائره المعارف تشیّع ، جلد ۱ ، صفحه ۳۰۰

۳- أعیان الشّیعه ، جلد ۷ ، صفحه ۴۶۷ ، دائره المعارف بزرگ اسلامی ، جلد ۲ ، صفحه ۷۱۵ ، و نیز دائره المعارف تشیّع ...

آخر آن ، ابن إخوه نوشته است: این کتاب را در یک روز نوشتم (۱).

از کارهای جالب او ، نسخه برداری از دو هزار کتاب می باشد (۲).

ابن إخوه ، اساتید و مشایخ حدیثی فراوان داشته ، و شاگردان زیادی تربیت نموده ، و اجازه حدیث گفتن از مشایخ خود داشته ، و اجازات فراوانی داده ، و در این زمینه ، دارای برجستگی بوده است (۳).

مشایخ حدیث او ، همانند : شریف أبوالسَّعادات ، هبه الله بن شجری ، و أبوالفوارس ، طراد زینبی عبّاسی نقیب ، و سیده تقیه ، بنت سید مرتضی علم الهدی (که راویة نهج البلاغه ، از عمویش سید رضی بوده ، و به ابن إخوه ، اجازه نقل آن را داده است ) و أبوغانم عصمی هروی شیعی امامی ، و نیز جمعی دیگر از بزرگان بوده اند ، و شاگردانی ، همانند : ضیاء الدّین ، فضل الله بن علی علوی حسنی راوندی ( چهره بزرگ علمی شیعه در آن زمان ) و قطب الدّین ، سعید بن هبه الله راوندی ( مشهور به قطب راوندی ، محدث نامدار و پر افتخار شیعه ) و عماد الدّین ، علی بن قطب راوندی ، و سدید الدّین ، محمد طوسی ، و رشید الدّین ، أبو الحسن ، علی بن محمد شعیری و ... ، داشته است (۴).

صاحبان تراجم ، با تجلیل فراوان از این بزرگمرد یاد نموده ، و هر کدام از صاحب نظران ، عباراتی شایسته در مورد او نوشته اند ، که به برخی از آنها اشاره می نمائیم : عماد کاتب ، در کتابش ( خریدہ القصر ، فی أدباء العصر ) با عباراتی مفصل و مُسَجِّع ، از ابن إخوه تجلیل می کند ، و او را ، امام أوحده ، و أفضل

ص: ۳۲۴

۱- أعیان الشّیعه، جلد ۷، صفحه ۴۶۷

۲- لسان المیزان ، ابن حجر عسقلانی ، جلد ۴، صفحه ۳-۴

۳- أعیان الشّیعه ، و دائره المعارف تشیع و ...

۴- أعیان الشّیعه و دائره المعارف تشیع و ...

الإسلام، و أوحد الدّهر، و أفضل العصر، می خواند، و می نویسد :

حَصَّهُ اللهُ بِالْعِلْمِ الْكَامِلِ وَ الْأَدَبِ الشَّامِلِ ، أَعْجَبَهُ الْعِرَاقُ وَ جَوَابَهُ الْأَفَاقُ فَوَائِدُ وَجُودِي أَوْ رَا ، فَرَائِدُ حَسَنَاتِ رُوزْكَارِ ، وَ قَصِيدَةُ هَايِ أَوْ رَا ، گِردن بند گِردن ثقلین دانسته ، و أفاضل عصر او را ، شاگردان محضر علم او شمرده است . او را سابق فرسان حدیث ، و فارس میدان تفسیر ، و ماه شب چهارده در افق نحو ، و خورشید فروزان ادب خوانده ، و شعر او را در لطافت ، ذوب کننده دل‌های سخت، و معانی او را ، دقیق تر از سحر حلال ، و ألفاظ او را ، شفاف تر از آب زلال ، برشمرده است (۱).

علامة مجلسی ، در کتاب اجازات بحار ، از این عالم بزرگ یاد نموده ، و نامه ضیاء الدین فضل الله راوندی به او را از کاشان به اصفهان ( ذکر کرده ، که مشتمل بر این دو شعر بوده است(۲)

شوقی إلى مولای عبد الرحیم\*\*\*عَرَضَ قَلْبِي لِلْعَذَابِ الْأَلِيمِ

وَاعْجَبًا مِنْ جَنَّةِ شَوْقُهَا\*\*\*يُوقِدُ فِي الْأَحْشَاءِ نَارَ الْجَحِيمِ

وعلامة طهرانی ( حاج آقا بزرگ ) در طبقات ، او را از اعظم علماء شمرده ، و از مشایخ و تلامیذ او یاد کرده ، و به برخی از اجازاتی که به بزرگان علم و دین داده ، اشاره نموده است (۳). و شیخ حرّ عاملی ، در أمل الأمل ، او را فاضل جلیل ، و از مشایخ قطب الدین راوندی شمرده است (۴) .

و فقیه و رجالی نامدار ، صاحب روضات الجنّات ، در شرح حال ضیاء الدین

ص: ۳۲۵

۱- أعيان الشّيعه ، جلد ۷ ، صفحه ۴۶۷

۲- بحار الأنوار ، جلد ۱۰۷ ، صفحه ۲۲

۳- ألتّقات العيون في سادس القرون ، صفحه ۱۵۸ - ۱۵۹

۴- أمل الأمل ، قسم دوّم ، صفحه ۱۴۸

فضل الله راوندی ، از ابن إخوه یاد کرده، و او را با عنوان ادیب فاضل کامل ، ستوده است (۱).

### ۱۵- جمال الدین، محمد بن عبدالرزاق اصفهانی

شاعر نامدار شیعه و اصفهان ، محمد بن عبد الرزاق اصفهانی، ملقب و مشهور به جمال الدین ، که به نوشته آذر ، در آتشکده ، از افاضل معروف اصفهان ، بلکه افضل فصحای جهان بوده ، و بقول هدایت ، در ریاض العارفين ، در فضائل و کمالات ، یگانه آفاق بوده ، و ظاهراً لقب سید الشعرائی داشته است (۲).

وی ، علاوه بر حکمت و ریاضی و نجوم و علوم شرعیّه ، در شعر و ادب ماهر بوده ، و دیوان عربی و فارسی داشته (۳)، و خاندان او در هنر نقاشی و زرگری ، دارای مهارت و شهرت بوده اند ، و جمال الدین عبد الرزاق ، اولین چهره ای است از آن خاندان ، که به علم و دانش و شعر و ادب ، روی آورده (۴) و شخصیت برجسته و جهانی یافته است .

وی ، معاصر حکیم خاقانی ، و مجیر الدین بیلقانی بوده ، و مراسلات منظومی با حکیم خاقانی داشته ، و دیوان او را بعضی پنجهزار ، و بعضی دیگر ، بیشتر دانسته اند (۵) و وحید دستگردی ، در مقدمه دیوان می نویسد : از بیست هزار شعر وی ، ( به قول بعضی تذکره نویسان ) با تمام کوششهای چندین ساله ما بیش از ده هزار بیت ، جمع آوری نشد (۶).

ص: ۳۲۶

۱- روضات الجنّات، جلد ۵، صفحه ۳۶۷

۲- مقدمه دیوان جمال الدین عبد الرزاق ، صفحه (ج) و (د)

۳- مقدمه دیوان جمال الدین عبد الرزاق ، صفحه ( ز ) و ( یو )

۴- الذریعه إلى تصانیف الشیعه، جلد ۹، صفحه ۲۰۲

۵- مجمع الفصحاء ، جلد ۱، صفحه ۴۷۲

۶- مقدمه دیوان ، صفحه ( یط )

جمال الدّین عبد الرّزاق ، از شعراء مدیحه و مرثیه گوی اهل البیت علیهم السلام به شمار رفته (۱) و شعری در مرثیه امام حسین علیه السلام سروده (۲) و نمونه شعر او در مورد خاندان رسالت علیهم السلام چنین است :

به بین چه کرد او با اهل بیت مصطفوی\*\*\*حدیث رستم بگذار و قصّه بهمین  
چه تیر غدر که رخنه نکردشان سینه\*\*\*چه تیغ ظلم که خونین نکردشان گردن  
نه بهر ایشان بود آفرینش عالم؟\*\*\*نه بهر ایشان بود ازدواج روح و بدن؟  
خدای عزّوجل در زمین دو شاخ نشانده\*\*\*از یک نهال برون آخته حسین و حسن  
یکی ز بیخ بکنند ، آب نا داده\*\*\*یکی به تیغ بزهر آب داده اینت حزن

\*\*\*\*

چو با سلاله پیغمبر آن رود، تو که ای

که از سلامت خواهی ، که باشدت جوشن (۳)

وفات جمال الدّین عبد الرّزاق ، به نحو قطع مشخص نیست ، بعضی ۵۸۸

ص: ۳۲۷

---

۱- یادواره یکهزار و چهارصدمین سال شهادت فاطمه زهرا سلام الله علیها صفحه

۲- الدّریعه الی تصانیف الشّیعه، جلد ۹، صفحه ۲۰۲

۳- دیوان جمال الدّین عبد الرّزاق ، صفحه ۲۹۴

نوشته اند (۱) و علامه طهرانی ، در الذریعه ، قبل از ۵۹۹ دانسته است (۲).

## ۱۶- کمال الدین اسماعیل اصفهانی

شاعر نامدار و سخن سرای مشهور ایران و اصفهان ، کمال الدین اسماعیل ، فرزند جمال الدین محمد بن عبد الرزاق اصفهانی ، متوفای ۶۳۵ قمری .

وی موصوف و ملقب به « خلائق المعانی » بوده (۳) و نیز « بانی مبانی » خوانده شده است (۴) . سخنان او در برگیرنده معانی دقیق و نکته های تازه و زیبا بوده ، و دیوان او مشتمل بر حدود سیزده هزار بیت می باشد ، و سه نسخه خطی از آن در کتابخانه مدرسه سپهسالار تهران وجود دارد (۵) و دیوان او مکرراً ، به چاپ رسیده است (۶).

وی ، در فتنه مغول ، و قتل عام مردم اصفهان در سال ۶۳۳ ، حاضر و ناظر بوده ، و در سال ۶۳۵ به دست یک سرباز مغول به قتل رسیده است .

کمال الدین اسماعیل ، در اواخر عمر ، به سیر و سلوک و ریاضت پرداخته ، و از ارادتمندان شیخ شهاب الدین سهروردی بوده است .

در اصفهان ، خیابان کمال الدین اسماعیل ( بین پل خواجه و سی و سه پل ، و در سمت شمال رودخانه زاینده رود) به نام او می باشد ، و قبر او در محله جهانباره در حاشیه خیابان کمال ( که آن هم به نام او می باشد ) قرار گرفته است .

ص: ۳۲۸

۱- فرهنگ معین ، جلد ۵ ، صفحه ۴۳۲

۲- الذریعه ، جلد ۱ ، صفحه ۲۰۳

۳- ریحانه الأدب ، جلد ۵ ، صفحه ۸۳

۴- مجمع الفصحاء ، جلد ۳ ، صفحه ۱۱۴۴

۵- ریحانه الأدب ، جلد ۵ ، صفحه ۸۳

۶- الذریعه ، جلد ۱ ، صفحه ۹۱۶

کمال الدین اسماعیل ، از مفاخر شعراء شیعه به شمار رفته و مورد تجلیل بزرگان قرار گرفته (۱) و علامه امینی در شهداء الفضیله ، او را در زمره شهداء بزرگ علمی و ادبی شیعه در قرن هفتم ذکر نموده ، و در مورد او تجلیل فراوانی به نقل از (ألحصون المنیعه ) آورده است (۲).

#### ۱۷- شیخ أسعد بن عبد القاهر بن أسعد اصفهانی

کنیه او أبو السّیّدات می باشد ، و از چهره های برجسته خاندان بزرگ و علمی شفروه ( شقروه ) که از خاندانهای ممتاز و مشهور اصفهان بوده ، محسوب می گردد .

شیخ حرّ عاملی و میرزا عبدالله أفندی اصفهانی و دیگر بزرگان ، او را عالم فاضل و محقق دانسته اند (۳) ، و در أعیان الشّیعه ، با أوصاف : عالم و فاضل و جلیل و محقق ، توصیف گشته است (۴) .

علی بن موسی بن طاوس حلّی ( سید بن طاوس ) جمیع مصنّفات و کتب و اصول را در سال ۶۳۵ از او روایت نموده است (۵)

خواجه نصیر الدین طوسی و میثم بن علی بحرانی ، از شاگردان او می باشند (۶)

ص: ۳۲۹

---

۱- به الأذریعه الی تصانیف الشّیعه، جلد ۹، صفحه ۹۱۶ و جلد ۱۷، صفحه ۲۰۷ مراجعه گردد

۲- شهیدان راه فضیلت ، صفحه ۱۲۳ تا ۱۲۵

۳- أمل الأمل، قسم (دوم) ، ص ۳۲، و ریاض العلماء، جلد ۱، ص ۸۱، و معجم رجال الحدیث جلد ۳، ص ۸۶ و تنقیح المقال، جلد ۱، ص ۱۲۴ و ...

۴- أعیان الشّیعه ، جلد ۳، ( چاپ جدید ) ، صفحه ۲۹۷

۵- أعیان الشّیعه، جلد ۳، ( چاپ جدید ) ، صفحه ۲۹۷

۶- أعیان الشّیعه ، و ریاض العلماء ، و أمل الأمل

و او از شاگردان و راویان از : علی بن قطب الدین راوندی بوده است (۱).

وی ، در سال ۶۳۵ از اصفهان به عراق هجرت نمود ، و در بغداد با علماء و فضلاء ملاقات علمی داشت ، و برای آنان نقل حدیث نمود (۲) و به خانه سید بن طاووس وارد شد ، و برای او حدیث گفت (۳). تألیفات این بزرگمرد، به این قرار می باشد :  
۱ - مجمع البحرین و مطلع السعادتین ، ۲ - اکسیر السعادتین (که احتمالاً با شماره قبلی یکی باشد) ، ۳ - ألفائق علی الأربعین ( در مناقب أمير المؤمنين ) ، ۳- توجیه السؤالات ، ۵ - جامع الدلائل و مجمع الفضائل ( در إمامت ) ، ۶- رشح الولاء فی شرح الدعاء ( در شرح دعای صَنَمی قریش ) ، که این تألیفات ، در کتاب الذریعه الی تصانیف الشیعه ، مورد معرفی قرار گرفته است .

علامه مجلسی ، در بحار الأنوار ، جلد ۷۷ ، صفحه ۱۳۷ ، از کتاب مجمع البحرین و مطلع السعادتین یاد نموده ، و فرموده است :  
شیخ أبوالسَّیِّعادات ، أسعد بن عبد القاهر اصفهانی ، ( از أصحاب ما ) جمع نموده بین کلمات رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ و کلمات علی علیه السلام در کتاب مجمع البحرین و مطلع السعادتین ، و نیز ، در ( بحار الأنوار ، جلد ۴۰ ، صفحه ۷۳ ) از کتاب الفائق یاد می کند و می فرماید : در کتابخانه امام علی علیه السلام ، در مشهد آن حضرت ، در غَرَبی ( نجف ) نسخه ای از آن را دیدم ، و نیز آن بزرگوار ، در کتاب الصَّلاه از بحار الأنوار ، باب الإستخاره بالزَّقاع ، حدیثی را از کتاب فتح الأبواب ، از امام جعفر صادق علیه السلام نقل می نماید ، که در سند آن آمده است :

ص: ۳۳۰

---

۱- الأنوار السَّاطعه فی المأه السَّابعه ، ص ۱۷ ، دائره المعارف تشیيع ، ج ۲ ، ص ۱۴۰

۲- دائره المعارف تشیيع ، جلد ۲ ، صفحه ۱۴۰

۳- الأنوار السَّاطعه ، صفحه ۱۷



أَخْبَرَنِي شَيْخِي الْفَقِيهُ، مُحَمَّدُ بْنُ نَمَا، وَالشَّيْخُ أَسْعَدُ بْنُ عَبْدِ الْقَاهِرِ الْإِصْفَهَانِي، بِإِسْنَادِهِمَا عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ ... (۱).

و هم چنین در کتاب الأحكام، از بحار الأنوار (باب القرعه) حدیثی را از فتح الأبواب نقل می نماید، با این سند:

أَخْبَرَنَا شَيْخِي مُحَمَّدُ بْنُ نَمَا، وَالشَّيْخُ أَسْعَدُ بْنُ عَبْدِ الْقَاهِرِ الْإِصْفَهَانِي، بِإِسْنَادِهِمَا إِلَى جَدِّي أَبِي جَعْفَرِ الطُّوسِيِّ، بِإِسْنَادِهِ إِلَى الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ (۲).

و نیز علامه مجلسی، در کتاب الإجازات، از بحار الأنوار، در سه مورد از:

رَضِيَّ الدِّينِ، عَلِيِّ بْنِ طَاوُسٍ، عَنِ أَسْعَدِ بْنِ عَبْدِ الْقَاهِرِ الْإِصْفَهَانِي، عَنِ أَبِي الْفَرَجِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي الْحَسَنِ الرَّائِدِيِّ، عَنِ أَبِي جَعْفَرٍ، مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْمُحْسِنِ الْحَلَبِيِّ، عَنِ الشَّيْخِ أَبِي جَعْفَرِ (الطُّوسِيِّ) ... یاد می نماید (۳).

و ما در بخش (خاندهای علمی اصفهان) و نیز در بخش (مدارس علمی اصفهان، قبل از صفویه) از خاندان شفروه یاد کرده، و درباره این شخصیت بزرگ نیز، بحث نموده ایم.

#### ۱۸-صائن الدین، علی بن محمد (ترکه)

حکیم متکلم، و عارف متشرع، و آدیب شاعر، سید صائن الدین، علی بن محمد بن محمد «ترکه» معروف به «صائن اصفهانی» متوفای ۸۳۰ یا ۸۳۵ یا ۸۳۶.

صاحب ریاض العلماء، درباره او نوشته: كَانَ مِنْ ... الْحُكَمَاءِ الْمُتَأَلِّهَةِ، وَ دَرَبَارَهُ

ص: ۳۳۱

---

۱- بحار الأنوار، جلد ۹۱، صفحه ۲۳۳

۲- بحار الأنوار، جلد ۱۰۴، صفحه ۳۲۵

۳- بحار الأنوار، جلد ۱۰۸، ص ۱۶۱ و جلد ۱۰۹، صفحه ۳۳ و جلد ۱۱۰، ص ۸

خاندان علمی او نوشته است :

وَ آلُ تُرْكَهَ ، أَهْلُ بَيْتِ فَضْلَاءَ ، مَعْرُوفُونَ بِالتَّشْيِيعِ ، قَدْ كَانُوا فِي إِصْفَهَانَ وَ غَيْرِهَا (۱)

و قاضی نور الله تستری، صائن اصفهانی را، با عنوان ( خواجه فاضل عارف ربّانی ) معرفی نموده، و درباره او و خاندانش می نویسد :

... چون سایر اسلاف سلسله رفیعۀ خود، متحلّی به حلیۀ فضل و حکمت بود، و در مضمار توحید، گوی تفرید از عرفای روزگار می ربود، و در اکثر فنون علمی، مؤلفات عربی دارد ... (۲)

و میرزا محمّد علی مدرّس، در کتاب نفیس ریحانه الأدب می نویسد: ... اما سیّد صائن الدّین، علی بن محمّد ...، معروف ترین افراد این خانواده می باشد، معقول و منقول را جامع، در کلام و تصوّف ماهر، در جفر و اعداد و بعضی از علوم غریبۀ دیگر، توانا و قادر بود، و در عداد مشاهیر حکماء به شمار می رفت (۳).

و علامۀ دهخدا می نویسد: صائن الدّین، علی بن محمّد بن ترکه اصفهانی ( خواجه ... )، از علماء و عالم زادگان اصفهان، جدّ او سیّد محمّد ترک، و اصل آنان از خجند است، از این رو به ( ترکه ) معروفند ... صائن در

ص: ۳۳۲

- 
- ۱- ریاض العلماء، جلد ۴، صفحه ۲۴۰، با این که صاحب ریاض العلماء، در پذیرفتن تشیّع بسیاری از علماء، سخت گیر است، و برخی از علماء شیعه را که بخاطر تقیه، تشیّع آنها خیلی روشن نبوده، جزء بزرگان شیعه نمی شمارد، ولی در مورد این خاندان علمی و بزرگ، با صراحت می نویسد: آل ترکه خاندانی هستند از فضلاء و برجستگان، که به تشیّع معروفند، و در اصفهان و غیر آن، زندگی کرده اند
  - ۲- مجالس المؤمنین، جلد ۲، صفحه ۴۱
  - ۳- ریحانه الأدب، جلد ۲، صفحه ۱۶۶

علوم معقول و منقول و تصوّف عالی ، و علوم قدیمه و غریبه ، چون علم نقطه و حروف و اعداد و جفر و مانند آن ، ماهر ، و در هر باب ، آثار و نوشته هائی دارد ، که بر استادی وی گواه است ... بعد از بیست و پنج سال تحصیل ، از نزد برادر بزرگ خویش ، به طلب علم و کمال و زیارت مکه ، سفر کرد ، و به شام و مصر و حجاز رفت ... پس از بازگشت از عراق ، خبر مرگ امیر تیمور شنید ، و در اصفهان منزوی گشته ، و به إفاده و استفاده پرداخت (۱).

### مظلومیت و سختیهای زندگی صائن الدین

صائن اصفهانی ، با توجه به موقعیت علمی و از طرف دیگر ، موقعیت اجتماعی برجسته ای که یافته بود ، و به ستمت قاضی القضاة یزد منصوب گردیده بود ، مورد حسد و کینه بد اندیشان و بالأخص متعصبین اهل تسنن قرار گرفته ، و بر علیه او تهمت های گوناگون ، و دشمنی های فراوان روا داشتند ، و او را به مشکلات فراوانی دچار نمودند ، و به زندان و شکنجه و غارت اموال و تبعید به کردستان و تبریز و گیلان و نطنز ، و غیر این سختی ها مبتلا گردید ، و در نهایت ، در سال ۸۳۶ از دار دنیا رفت (۲).

ص: ۳۳۳

---

۱- لغتنامه دهخدا ، جلد ۳۱ ، صفحه ۴ (تحت عنوان صائن اصفهانی)

۲- گرچه سال وفات سید صائن اصفهانی را ۸۳۰ و ۸۳۵ و ۸۳۶ ضبط کرده اند ، ولی ملک الشعراء ، محمد تقی بهار می نویسد: خواند میر در حبیب السیر (نسخه چاپی) فوت سید صائن را در بلده هرات ، به سال ۸۳۰ ضبط کرده ، و در نسخه خطی نگارنده ۸۳۶ ضبط گردیده ، و صحیح به نظر می رسد ، چه قید و مصادره و نفی او ، در سال ۸۳۰ روی داده ، و چنان که اشاره کردیم ظاهراً سید صائن ، شش سال پس از آن واقعه وفات یافته است (سبک شناسی بهار ، جلد ۳ ، صفحه ۲۳۵ و لغتنامه دهخدا ، جلد ۳۱ ، صفحه ۵ و ۶ ، تحت عنوان صائن اصفهانی)

صائن اصفهانی، تألیفاتی به زبان عربی و فارسی دارد، که نشانهٔ تبخّر او در علوم گوناگون، و گواهی روشن بر ذوق آدبی و طبع شعر او می باشد، و شمار آنها، طبق نوشتهٔ ملک الشعراء بهار، و شیخ آقا بزرگ طهرانی، در الذریعه، به بیست و نه کتاب و رساله می رسد، به این ترتیب:

- ۱- شرح فصوص الحکم، ۲- مفاحص، (در علم حروف و اعداد)، ۳- الرّسالة البائیة (در اعداد و حروف و جفر مختصر)
- ۴- الرّسالة الإنزالیة ۵- الرّسالة المحمّدیة، ۶- حواشٍ و اصطلاحات، ۷- رساله مهر نبوت، ۸- التّهمید (فی شرح قواعد التّوحید) ۹- تعلیقات علی الکشاف، ۱۰- رساله البسملة، ۱۱- ألمناهج، ۱۲- شرح تائیه ابن فارض (به زبان عربی)، ۱۳- شرح قصیده تائیه ابن فارض (به زبان فارسی) ۱۴- أسرار الصّلوه، ۱۵- در أطوار ثلثه تصوف، ۱۶- تحفه علائیه، ۱۷- مدارج أفهام الأفواج، ۱۸- رساله ای در اعتقاد، ۱۹- مناظره بزم و رزم، ۲۰- رساله ای در شرح لمعات عراقی، ۲۱- رساله شق القمر و بیان ساعت، ۲۲- رساله أنجام، ۲۳- رساله نقطه (در معنی أنا ألنقطه التي تحت الباء) ۲۴- رساله ای در معنی ده بیت از ابن العربی، ۲۵- رساله مبداء و معاد، ۲۶- رساله سؤال الملوك، ۲۷- رساله سلّم دار السلام، ۲۸- ترجمهٔ أحادیثی از امیر المؤمنین علیه السلام، ۲۹- رساله ای در معنی خواص علم صرف (حروف) (۱).

علاوه بر تألیفات یاد شده، در دائره المعارف تشیع چند اثر دیگر از صائن اصفهانی ذکر گردیده، بدین قرار: ۳۰- تجلی ذاتی (ترجمهٔ رسالهٔ ابن هود مغربی) ۳۱- شرح مقالهٔ ابن هود، حکیم مغربی (در بدء خلق) ۳۲- گلشن

ص: ۳۳۴

و البته تنقیح الأدله و العلل ( فی ترجمه کتاب الملل و النحل) را نیز ، جزء آثار صائن اصفهانی ذکر کرده ، ولی مرحوم میرزا محمّد علی مدرّس ، در ریحانه الأدب ، این اثر را از أفضل الدّین محمّد صدر (ترکه ) شهید در سال ۸۵۰ می داند ، و دلیل مطلب هم این است که این کتاب ، در سیزدهم رجب ۸۴۳ در اصفهان پایان یافته (۳) در حالی که فوت صائن اصفهانی ، در سال ۸۳۰ یا ۸۳۶ بوده است .

در عمده تألیفات صائن الدّین اصفهانی ، أشعاری از سروده های خود او آورده شده (۴) که نشانی از ذوق و طبع شعر او می باشد .

### ۱۹- شیخ علی بن عبد العالی ( محقق کرک ) اصفهانی

فقیه محقق ، و مجتهد علامه ، و زعیم علی الإطلاق ، شیخ علی بن حسین بن عبد العالی کرکی عاملی ، شهید در سال ۹۴۰ قمری هجری .

این بزرگمرد مکتبی به ( أبو الحسن ) و ملقب به ( نورالدین ) (۵) و ( شیخ علانی ) و موصوف به ( مروّج المذهب ) و ( المولی المروّج ) و ( عالم ربّانی ) ، و معروف به ( محقق کرکی ) « منسوب به کرک نوح ، از بلاد جبل عامل واقع در جنوب لبنان » و ( محقق ثانی ) می باشد ، و از چهره های درخشان شیعه و عالم

ص: ۳۳۵

- ۱- احتمال دارد شرح گلشن راز باشد که در ألدّریعه ، جلد ۱۳ ، صفحه ۲۷۰ ذکر شده ، و ممکن است گلشن باشد ، که در طبقات ، ( الضیاء اللّامع فی القرن التّاسع ) ، صفحه ۹۰ ، یاد شده است
- ۲- دائره المعارف تشیّع ، جلد ۴ ، صفحه ۲۲۶
- ۳- ریحانه الأدب ، جلد ۲ ، صفحه ۱۶۵
- ۴- ألدّریعه ، جلد ۱ ، صفحه ۵۷۱
- ۵- در ریاض العلماء ، لقب زین الدّین را ذکر نموده است

فقه و اجتهاد، در طول تاریخ پر افتخار تشیع، و حوزه های علمیه است.

محقق کرکی را، علی بن عبد العالی می خوانند، که دلیل آن، انتساب به جد آن بزرگمرد (عبد العالی) می باشد.

در بسیاری از کتب تراجم و رجال، از عظمت علمی و شخصیت روحی و اجتماعی محقق کرکی، با تفصیل زیاد یاد کرده اند، و نقش او را در ترویج اسلام و مکتب اهل بیت علیهم السلام و طرد و حذف سنت های غلط، و عاداتهای دیرینه متعصبین اهل سنت، تشریح نموده اند.

صاحب ریاض العلماء، در ضمن یک بررسی مفصل، محقق کرکی را چنین ستوده است: الشَّيْخُ الْفَقِيهُ، الْمُجْتَهِدُ الْكَبِيرُ، الْعَالِمُ الْعَلَامَةُ، الْمَلَقُ بِالشَّيْخِ الْعَلَائِي وَالْمَعْرُوفُ بِالْمُحَقِّقِ الثَّانِي، شَيْخُ الْمَذْهَبِ، وَمُخَرَّبُ دِينِ أَهْلِ النَّصَبِ وَالْوَصْبِ (۱) شارح القواعد و... (۲).

علامه مجلسی، در أول بحار الأنوار، در ضمن معرفی منابع و مصادر کتاب نفیس بحار الأنوار، پس از ذکر نام چند کتاب از محقق کرکی، می نویسد:

الأفضل المحققين، مروج مذهب الأئمة الطاهرين، نور الدين، علي بن عبد العالی الكرکی، أجزل الله تشریفه (۳).

و محدث و رجالی نامدار و عظیم الشان شیعه، شیخ حرّ عاملی صاحب کتاب وسائل الشیعه، در کتاب شریف أمل الأمل می نویسد: الشَّيْخُ الْجَلِيلُ، عَلِيُّ بْنُ

ص: ۳۳۶

---

۱- أهل نصب، کسانی که دشمن با خاندان رسالت (أهل البيت عليهم السلام) دارند، و وصب به معنی درد دائم می باشد، و اشاره است به عامل درونی این دشمنی، که (فی قلوبهم مرض فزادهم الله مرضاً)

۲- ریاض العلماء، جلد ۳، صفحه ۴۴۱

۳- بحار الأنوار، جلد ۱، صفحه ۲۱

عَبْدِ الْعَالِي الْعَامِلِي الْكَرَكِي ، أَمْرُهُ فِي الثَّقَةِ وَالْعِلْمِ وَالْفَضْلِ وَجَلَالِهِ الْقَدْرُ وَعِظَمِ الشَّانِ وَكَثْرَةِ التَّحْقِيقِ ، أَشْهَرُ مِنْ أَنْ يُذَكَرَ ، وَ مُصَنَّفَاتُهُ كَثِيرَةٌ مَشْهُورَةٌ... (١).

و رجالی نامدار ، سید مصطفی تفرشی ، چنین آورده است : شَيْخُ الطَّائِفَةِ ، وَ عَلَامَةُ وَقْتِهِ ، صَاحِبُ التَّحْقِيقِ وَ التَّدْقِيقِ ، كَثِيرُ الْعِلْمِ ، نَقِيُّ الْكَلَامِ ، جَيِّدُ التَّصَانِيفِ مِنْ أَجْلَاءِ هَذِهِ الطَّائِفَةِ ، لَهُ كُتُبٌ ، مِنْهَا شَرْحُ قَوَاعِدِ الْحِلِّي (٢).

و در جامع الزواه اردبیلی ، عین عبارت تفرشی آمده است .

و فقیه و شهید نامدار شیعه ، شهید ثانی ، رضوان الله علیه ، در اجازه ای که برای محقق کرکی نوشته ، او را با چنین القاب و اوصافی ستوده است :

الشَّيْخُ الْإِمَامُ الْمُحَقِّقُ الْمُنْفَعُ ، نَادِرُهُ الزَّمَانِ وَ يَتِيمُهُ الْأَوَانِ ... (٣).

و فقیه اصولی ، و رجالی محقق و نامدار ، صاحب روضات الجنات چنین می نویسد : الشَّيْخُ الْإِمَامُ ، وَ مُرَوِّجُ الْإِسْلَامِ ، وَ مُؤَسَّسُ إِعْزَازِ الْمَذْهَبِ الْحَقِّ بِأَكْمَلِ نِظَامٍ ، نُورُ الدِّينِ ، أَبُو الْحَسَنِ ، عَلِيُّ بْنُ الْحَسَنِ ، بِنِ عَبْدِ الْعَالِي الْكَرَكِيِّ الْعَامِلِيِّ ، شَارِحُ قَوَاعِدِ الْأَحْكَامِ ، شَأْنُهُ أَحْمَلُ مِنْ أَنْ يَحْتَاجَ إِلَى الْبَيَانِ ، وَ فَضْلُهُ أَوْضَحُ مِنْ أَنْ يُقَامَ عَلَيْهِ الْبُرْهَانُ ، كَانَ يُعْرَفُ فِي زَمَانِهِ ، مَرَّةً بِالشَّيْخِ الْعِلَائِيِّ وَ تَارَةً بِالْمَوْلَى الْمُرَوِّجِ ، وَ ثَالِثَةً بِالْمُحَقِّقِينَ الثَّانِي (٤).

و محدث نامدار شیعه ، حاج شیخ عباس قمی می نویسد : مُرَوِّجُ الْمَذْهَبِ وَ الْمِلَّةِ وَ رَأْسُ الْمُحَقِّقِينَ الْجُلَّةِ ، شَيْخُ الطَّائِفَةِ فِي زَمَانِهِ ، وَ عَلَامَةُ عَصْرِهِ وَ أَوَانِهِ ، الشَّيْخُ

ص: ۳۳۷

۱- أمل الأمل ، قسم اول ، صفحه ۱۲۱

۲- نقد الرجال ، صفحه ۲۳۸ و معجم رجال الحديث ، جلد ۱۲ ، صفحه ۷۲

۳- أمل الأمل ، قسم اول ، صفحه ۱۲۲ ، و أعيان الشيعة ، جلد ۸ ، صفحه ۲۰۸

۴- روضات الجنات ، جلد ۴ ، صفحه ۳۶۰

و نویسنده محقق ، و متتبع عالیقدر ، میرزا محمد علی مدرس ، در ریحانه الأدب ، می نویسد: وی ، از فحول علمای قرن دهم ، عهد شاه طهاسب صفوی ، و عالمی است عامل ، فقیه کامل ، مجتهد اصولی ، محقق مدقق ، نادره زمان و علامه وقت خود ... وثاقت و دقت نظر و جلالت علمی و عملی ، و کثرت تحقیق و تدقیق ، و جودت تألیف و متانت تصنیف او ، از کثرت شهرت ، محتاج به اقامه برهان و بینه نمی باشد (۲) ، و همین مقدار در عظمت کرکی کافی است ، که فقیه نامدار شیعه ، مرحوم آقا شیخ محمد حسن نجفی ، صاحب کتاب جواهر الکلام و نیز خاتم المجتهدین ، شیخ مرتضی انصاری قدس سرهما ، بر کتاب جامع المقاصد محقق کرکی ، اعتماد و توجه فراوان داشته اند .

### آثار اجتماعی محقق کرکی

برخی از صاحبان تراجم نوشته اند که ، بعد از خواجه نصیرالدین طوسی ، کسی به پیشوائی دینی نرسیده ، که در ترویج مذهب جعفری و سربلندی کلمه حق ، و ریشه کن نمودن بدعتها و قانون های ضدّ دین ، و محافظت بر نماز و اوقات آن ، و دفع شرور و فسق و فجور ، و نهی از منکر ، و برهم زدن لانه های فساد ، و ریختن خمر و مسکرات ، و اجراء حدود و تعزیرات ، و بیان احکام عبادات ، از قبیل : نماز و روزه و حج و ... ، و ترغیب جامعه به سوی فراگیری شرائع دینی ، و احکام اسلامی ، به اندازه محقق کرکی کوشیده باشد ، و در اسلامی نمودن فرهنگ عمومی مردم ، و آشنائی و عمل آنها به مقررات

ص: ۳۳۸

۱- الکنی و الألقاب ، جلد ۳ ، صفحه ۱۶۱

۲- ریحانه الأدب ، جلد ۵ ، صفحه ۲۴۴ - ۲۴۵



دینی ، اقدام کرده و موفق شده باشد(۱).

### آثار قلمی و تألیفات محقق کرکی

بیش از بیست کتاب و رساله ، از آثار محقق کرکی نام برده شده ، که عمده آنها ، به صورت شرح و یا حاشیه بر کتابهای فقهاء بزرگ ، همانند : ( علامه حلی و محقق حلی و شهید اول ) می باشد (۲) ، و در بر گیرنده تحقیقات و بررسی های

علمی آن محقق نامدار می باشد ، و از همه مهمتر ، کتاب جامع المقاصد فی شرح القواعد است ، که مورد توجه محققین از علماء می باشد ، و صاحب جواهر فرموده است :

کسی که جامع المقاصد و وسائل الشیعه و جواهر الکلام را داشته باشد ، از عهده اجتهاد و فحص لازم برای استنباط احکام فرعیته بر می آید ، و محتاج به کتابی دیگر نخواهد بود(۳).

از دیگر کتابهای او ، نفحات الالهوت فی وجوب لعن الجبت و الطاغوت ، و اثبات الرجعه ، و احکام الارضین ، و حاشیه ارشاد علامه حلی ( از طهارت تادیات ) و قاطعه اللجاج فی حل الخراج ، و التجمیه ( در علم کلام ) و ... می باشد .

### مشایخ و اساتید ، و شاگردان و راویان از محقق کرکی

وی ، از جمع زیادی از علماء بزرگ ، همانند : علی بن هلال جزائری ، از احمد بن فهد حلی ، و نیز از شیخ شمس الدین محمد بن خاتون عاملی ( که

ص: ۳۳۹

---

۱- الکنی و الألقاب ، جلد ۳ ، ص ۱۶۲ ، ریحانه الأدب ، جلد ۵ ، ص ۲۴۵ ، ریاض العلماء جلد ۳ ، ص ۴۵۱ ، أعیان الشیعه ، چاپ جدید ، جلد ۶ ، ص ۲۰۹

۲- به أعیان الشیعه ، و ریحانه الأدب و ... ، مراجعه شود

۳- ریحانه الأدب ، ج ۵ ، ص ۲۴۷ ، و التمنی و الألقاب ، ج ۳ ، ص ۱۶۲ ، به نقل از حاجی نوری

استاد او نیز بوده و هم چنین از شیخ شمس الدین ، محمد بن داود بن المؤذن جزینی ( پسر عموی شهید اول ) روایت می نماید ، و جمع فراوانی از علماء ، از آن بزرگمرد روایت می نمایند ، و اجازه نقل حدیث دارند ، همانند : شیخ علی بن عبد العالی میسی ، شیخ زین الدین فقعی ، شیخ أحمد بن محمد بن ابی جامع ، مشهور به ( ابن ابی جامع ) ، شیخ أحمد بن خاتون عاملی ، شیخ علی منشار عاملی ، شیخ کمال الدین درویش محمد نظری اصفهانی ( جدّ مادری ملا محمد تقی مجلسی ) ، سید امیر محمد بن ابی طالب استرآبادی ، سید شرف الدین علی حسینی استرآبادی نجفی ، شیخ ابو القاسم ، نورالدین ، علی بن عبد الصمد ( عموی شیخ بهائی ) و ... (۱).

### حکمی تاریخی و بی نظیر، برای محقق کرکی

سلطان طهماسب صفوی ، در حکمی بی نظیر ، که برای محقق کرکی نوشت ، ایشان را لازم الاتّباع معرفی نمود ، و حتّی اطاعت از آن بزرگمرد را ، برای خودش حتم کرد ، و اصل حکومت و ولایت و حاکمیت را برای محقق ، معرفی نمود ، زیرا او نائب امام زمان (عج) است ، و خود را یکی از عمّال و کارگزاران محقق قرار داد ، و سلطان صفوی ، به کارگزاران خود در همه بلاد ، دستور آکید داد که در اطاعت از دستورات این مجتهد بزرگ و فقیه عظیم الشان ، کوشا باشند و از مخالفت با فرامین ایشان پرهیزید .

### نقش محقق کرکی، در تأسیس حوزه علمیه اصفهان

پس از آنکه پایتخت حکومت صفویه به اصفهان منتقل گردید ، و فعالیت‌های

ص: ۳۴۰

علمی و دینی محقق کرکی در شهر اصفهان ادامه یافت، زمینه تشکیل مرکز علمی شیعه در اصفهان فراهم گشت، و کوشش های مستمر و علمی و اجتماعی آن بزرگمرد، زمینه تشکیل حوزه علمی اصفهان را فراهم نمود، و به مرور زمان این شهر تاریخی، مرکز فعالیت علمی و درسی بزرگترین شخصیت های عالم تشیع، و نیز نشو و نماي درخشان ترین چهره های علمی و دینی، همانند: شیخ بهائی، میرداماد، محقق سبزواری، محقق خوانساری، آقا جمال خوانساری، علامه مجلسی و... گردید، و آن بزرگواران در آن حوزه مقدسه، به فعالیت علمی و دینی، و تبلیغ و ترویج اسلام و مکتب تشیع پرداختند، و آنوار ولایت، از این شهر به همه بلاد منتشر گردید، و نقش محقق کرکی در زمینه سازی برای این موفقیت، بسیار ارزشمند می باشد.

### شهادت محقق کرکی در روز عید غدیر، در شهر نجف اشرف

محقق کرکی، در اثر دشمنی برخی از ارکان دولت آن زمان، در روز ۱۸ ذی الحجه ۱۹۴۰ در روز عید غدیر مسموماً، درگذشت، چنانچه شیخ حسین بن عبد الصمد حارثی (پدر شیخ بهائی) و برخی دیگر از نویسندگان، صریحاً به این مطلب توجه داده، و آن بزرگمرد را، شهید دانسته اند (۱).

ماده تاریخ درگذشت محقق کرکی، جمله (مقتدای شیعه) است، که به حساب جمل، ۹۴۰ می باشد، و جالب است بدانیم که، فرزند محقق کرکی، به نام عبد العالی کرکی، متوفای ۹۹۳، ماده تاریخ وفاتش (ابن مقتدای شیعه) است، که به حساب جمل، ۹۹۳ می باشد (۲).

ص: ۳۴۱

۱- أعيان الشَّيعه، جلد ۸، صفحه ۲۰۹، شهداء الفضيله، صفحه ۱۱۴

۲- إحياء الدَّائر من القرن العاشر، صفحه ۱۲۳

فقیه و محدث محقق، شیخ عبد العالی کرکی، فرزند شیخ علی بن عبد العالی (محقق کرکی)، متوفای ۹۹۳ هـ.

مرحوم محدث قمی، او را چنین توصیف نموده: فاضل فقیه محدث، متکلم محقق عابد، من مشایخ الأجلاء، یزوی عنه المیز الداماد، له شرح الألفیه، و شرح الإزشاد، و رساله فی القبله، و رساله فی قبله خراسان (۱).

و میرزا محمد علی مدرّس، او را با این عبارات مورد تجلیل قرار داده است:

از أجلائی علمای حقّه، و فقیهی است فاضل، محقق متکلم مدقق، محدث عابد زاهد، جلیل القدر و عظیم المنزله و کثیر الحفظ، و از تلامذه والد ماجد خود، و خالوی میرداماد، و از مشایخ اجازه او می باشد (۲).

و در تاریخ عالم آرای عباسی آمده است: سر آغاز جریده فضل و دانش از آن طبقه علیه، مجتهد الثانی، فرید العصر و الزّمانی، شیخ عبد العالی است، که خلف صدق مرحمت پناه، مجتهد الزّمانی، شیخ عبد العالی است (۳)، در علوم معقول و منقول، سرآمد روزگار، بسیار خوش محاوره و نیکو منظر و صاحب اخلاق بود، و من حیث الإستقلال و الإستعداد، بر مسند عالی اجتهاد تمکن داشت، و اکثر علماء عصر، إذعان اجتهاد آن جناب مینمودند، و اکثر اوقات... به درس و إفاده اشتغال می نمود... و همیشه باب سعادت مآبش، خواه در اردوی معلی، و خواه در کاشان، مرجع علماء و دانشمندان عصر بود،

ص: ۳۴۲

۱- أَلکنی و الألقاب، جلد ۳، صفحه ۱۶۲

۲- ریحانه الأدب، جلد ۵، صفحه ۲۴۸

۳- در متن عالم آرای عباسی چنین ضبط شده، در حالی که باید علی بن عبد العالی باشد

و أكثر علماء در اصول و فروع به قول او عمل می نمودند ، و اجتهادات آن جناب ، به تصدیق أكثر علماء، مقرون بود(۱).

و هم چنین هر کدام از بزرگان تراجم و رجال ، تعبیراتی برجسته ، درباره این بزرگمرد ذکر نموده اند ، مثلاً : در « أمل الأمل » ، با عناوین : فاضل محقق ، محدث متکلم عابد و ... ، تجلیل شده ، و در رجال سید مصطفی تفرشی ، با أوصاف : جلیل القدر ، عظیم المنزله ، رفیع الشأن ، نقی الکلام ، کثیر الحفظ ، توصیف گردیده ، و در ریاض العلماء ، او را ظَهَرَ الشَّيْعَةَ وَ ظَهَرَهَا بَعْدَ أَبِيهِ الْمُحَقِّقِ ، دانسته است .

این بزرگمرد ، در اصفهان و کاشان ، به فعالیت و کوشش علمی و اجتماعی اشتغال داشته است ، و در نهایت ، در شهر اصفهان وفات یافته ، و جنازه او در زاویه ای که منسوب به امام زین العابدین علیه السلام بوده ، دفن ( موقت ) گردیده ، و پس از سی سال تقریباً ، همراه با جنازه شیخ علی بن هلال کرکی ( شیخ علی منشار ) به مشهد مقدس رضوی علیه السلام منتقل شده و هر دو ، در دار السیاده ، دفن گردیده اند(۲).

ص: ۳۴۳

---

۱- تاریخ عالم آرای عباسی ، جلد ۱ ، صفحه ۱۵۴

۲- أعیان الشَّیْعَةِ ، چاپ جدید ، جلد ۸ ، صفحه ۱۷

سلام ای اصفهان! ای پرورشگاه هنرمندان

سلام ای شهر تاریخی! سواد اعظم ایران

محیط دانش و فرهنگ و علم و حکمت و عرفان

گرامی دایه برجسته استادان عالیشان

همیشه دایر و معمور باش و امن و آبادان

خوش و سرسبز و خرم، هم تو مانی، هم مقیمانت

تو مهد عالمان، صنعتگران، نقش آفرینانی

تو کانون نوابغ، هوشمندان، نکته سنجانی

تو بر اهل فنون و ابتکار و ذوق، سامانی

هم ایران افتخار از نام تو دارد هم ایرانی

تو تعظیم و ستایش را سزاواری و شایانی

بناها و عمارتها و مسجدهاست برهانت

سروده: جعفر(نوا)

ص: ۳۴۴

## ۸- چهره های علمی و ادبی شیعه در اصفهان از قرن سوم تا دهم

اشاره

ص: ۳۴۵





در این کتاب، چهره های علمی شیعه از اصفهان، در طول چهارده قرن، در بخشهای گوناگون، در ضمن بخشهای: ( محدثین شیعه از اصفهان )، ( نامدارانی بزرگ از مفاخر علمی شیعه از اصفهان )، ( خاندانهای علمی شیعه )، ( مدارس علمیه شیعه )، ( مساجدی که مرکز علمی بوده اند )، ( بقعه های علمی اصفهان )،

بانوان مجتهده و عالمه ) و ... مورد معرفی قرار گرفته اند، ولی جمعی از آنها را در بخش مستقلی، تحت عنوان:

( چهره های علمی و ادبی شیعه در اصفهان، از قرن سوم تا دهم )

مورد بحث و بررسی قرار داده، و پس از بیان نکته ای مهم و قابل توجه، از شخصیتهای مورد نظر، به ترتیب قرنهای یاد می نمائیم.

### **عدم امکان آشنایی کامل با بزرگان شیعه اصفهان در دوره حاکمیت مخالفین**

در طول چندین قرن حاکمیت متعصبین سنی، بر جامعه و فرهنگ مردم اصفهان، بسیاری از علماء بزرگ و مفاخر علمی شیعه، در منطقه اصفهان، به صورت تقیه و همراه با پنهان کاری اعتقادی و عملی، زندگی می کرده اند، و شخصیت اعتقادی و مسیر عمل و رفتار آنها، مخفی مانده است، و در نتیجه، چه بسیار سادات و ذراری رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ و عالمان بزرگ شیعه، که در زمره پیروان أهل البیت علیهم السلام و شیعیان امیرالمؤمنین علی علیه السلام بودند و شناخته نشدند،

در حالی که با قلبی مطمئن و در حال پیروی از ائمه معصومین علیهم السلام، زندگی می کردند، و حجاب تقیه، آنها را از شناخته شدن به مکتب و مرامشان، محروم ساخته است.

آری، کشتارهای امویان و عباسیان، از سادات و علماء شیعه، و فشارهای شکننده آنان، بر علیه اعتقادات و فرهنگ متعالی تشیع، و هم چنین تعصب های کور سلجوقیان و پیروان مذاهب وابسته به آنان، بر علیه شیعه، علاوه بر این که مانع از رشد و ترقی افکار شیعه در اصفهان و سایر بلاد بود، بسیاری از چهره های ارزشمند علمی و ادبی و اعتقادی شیعه را (اعم از سادات و غیر سادات)، از اظهار افکار و عقاید و اندیشه هایشان باز می داشت، و عظمت و نبوغ شیعی آنها را در پرده ابهام فرو می برد، و از این جهت است که آگاهی کامل بر تمامی شخصیت های شیعه، در طول آن قرن ها، ممکن نمی باشد.

### نمونه ای از چهره های علمی و ادبی شیعه در قرن سوم

#### ۱- بندار بن عبد الحمید کرخی اصفهانی

ادیب نامدار و شاعر لغوی، ابو عمرو، بندار بن عبد الحمید، کرخی اصفهانی، معروف به، ابن لژه، که در شعر و نقل آن به مرتبه ای رسیده، که درباره او گفته اند:

بندار اصفهانی، نهصد قصیده در حفظ داشته، که اول هر کدام از آنها جمله بانه

سعاد بوده است (۱).

ص: ۳۴۸

---

۱- روضات الجنات، جلد ۲، صفحه ۱۴۵، به نقل از طبقات النحاه ترمذی. قصیده بانت سعاد، قصیده ای است مشهور، که کعب بن زهیر، در مدح رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ سروده است

و در نقلی دیگر گفته اند: او هفتصد قصیده، با این خصوصیت، از حفظ داشته است (۱) و با توجه به این که ادیبی بزرگ، همانند ابو محمد خشاب می گوید: من حدّ أكثر استقصاء و جستجو و دقت را مصروف داشتم، و تنها شصت قصیده با خصوصیت یاد شده (ابتدا به بانت سعاد) یافتم (۲)، معلوم می شود که، ابن لژه، تا چه حد مسلط بر حفظ اشعار عرب بوده است.

ابن لژه، در لغت و شعر مقام اول را داشته (۳) و از دوستان مبرّد بوده، و اشعار جاهلیت و اسلام را از حفظ داشته، و کتابهایی از قبیل: (معانی الشعر) و (شرح معانی الباهلی) و (جامع اللغه) به یادگار گذاشته است (۴). درباره مذهب ابن لژه، دلیل قاطعی به دست نیامد، ولی دو علامت از تشیع او در دست می باشد

اول این که: او اصلاً اصفهانی بوده، ولی کرخ را وطن خود قرار داده است (۵) در حالی که یاقوت حموی در معجم البلدان می نویسد: وَ أَهْلُ الْكَرْخِ كُلُّهُمْ شِيعَةٌ إِمَامِيَّةٌ، لَا يُوجَدُ فِيهِمْ سُنِّيٌّ أَلْبَتَّه (۶). یعنی: أهل کرخ همگی شیعه امامی هستند، و هیچ سنی در میان آنها یافت نمی شود.

دوم این که: او دوست صمیمی ابو العباس مبرّد (نحوی و ادیب و لغوی نامدار) بوده، و صاحب روضات الجنّات درباره مبرّد نوشته است که او گفته:

سُئِلَ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ، أَيَكَلِّفُ اللَّهُ الْعِبَادَ مَا لَا يُطِيقُونَ؟ فَقَالَ: هُوَ أَعْدَلُ مِنْ

ص: ۳۴۹

۱- معجم الأدباء، جلد ۷، صفحه ۱۲۹

۲- معجم الأدباء، جلد ۷، صفحه ۱۲۹

۳- معجم الأدباء، و الکنی و الألقاب، قمی، جلد ۱، صفحه ۳۹۷

۴- روضات الجنّات، و ریحانه الأدب، جلد ۸، صفحه ۱۸۱

۵- معجم الأدباء، جلد ۷، صفحه ۱۲۹

۶- معجم البلدان، در عنوان کرخ، صفحه ۴۴۸

ذَلِكَ ، قِيلَ لَهُ فَيَسِّرْ تَطِيعُونَ أَنْ يَفْعَلُوا مَا يُرِيدُونَ ؟ قَالَ : هُمْ أَعْجَزُ مِنْ ذَلِكَ (۱) سپس صاحب روضات ، نتیجه گیری می کند که : در این روایت اشاره است به این که ، مبرّد از عدلیّه غیر جبریّه (۲) ، بلکه از شیعه امامیه است (۳) و صاحب ریحانه الأدب نیز همین مطلب را از کتاب شریف روضات الجنّات نقل نموده ، و توضیح داده است (۴).

ابن لڑه، از ادباء قرن سوم ، و معاصر با متوکل عباسی (۵) می باشد .

## ۲- موسی بن عبدالملک اصفهانی

أبو عمران ، موسی بن عبدالملک اصفهانی ، که نویسنده و شاعر بوده ، و در سال ۲۴۶ وفات یافته است .

صاحب کتاب نَسْمَه السَّحَر و ابن خلّکان، او را امام و پیشوای در علم لغت

ص: ۳۵۰

۱- یعنی سؤال شد از امام علی بن موسی الرضا علیه السلام ، که آیا بنده ها تکلیف می شوند به آنچه طاقت آن را ندارند ( و تحت قدرت و اراده آنها نیست ) امام رضا علیه السلام فرمودند: خداوند عادل تر از آن است که چنین رفتاری با بنده هایش داشته باشد ، گفته شد به آن حضرت ، که آیا بنده های خدا ، استطاعت دارند که هر آنچه را بخواهند انجام دهند ؟ پس فرمودند : آنها عاجز تر از آنهاند که چنین کنند ، و همه چیز تحت قدرت آنها باشد ( یعنی بنده های خدا نه مجبور در عمل هستند و نه قادر مطلق بر هر عمل ، بلکه لا جبر ولا تفویض بل امر بین الامرین )

۲- عدلیّه کسانی هستند که معتقد به عدل الهی هستند ، برخلاف اشاعره ، که جبری هستند . و عنوان عدلیّه ، شامل معتزله و شیعه امامیه می باشد

۳- روضات الجنّات ، جلد ۷ ، صفحه ۲۸۵

۴- ریحانه الأدب ، جلد ۵ ، صفحه ۱۶۵

۵- متوکل عباسی ، در سال ۲۴۷ به امر فرزندش منتصر عباسی ، کشته شد و به دَرَك واصل گردید

و از شعراء دانسته اند ، و مرحوم صدوق ، او را در زمرة شيعيان به شمار آورده است(۱).

مرحوم آيه الله سيّد حسن صدر ، او را در زمرة مشاهير ائمة لغت به شمار آورده ، و از مفاخر علمى شيعه محسوب داشته است(۲).

### نمونه ای از چهره های علمی و ادبی شيعه در قرن چهارم

#### ۱- أبو الحسن، محمد بن أحمد... بن طباطبا علوی

أديب و شاعر نامدار ، أبو الحسن ، محمد بن أحمد بن محمد بن أحمد بن ابراهيم طباطبا بن اسماعيل بن ابراهيم بن حسن بن حسن بن عليّ بن أبي طالب عليه السلام . وی معروف به أبو الحسن بن طباطبا علوی می باشد ، و تولّد و وفات او در اصفهان بوده ، و متوفای ۳۲۲ می باشد .

آن بزرگمرد ، سيّدي جليل القدر ، و عالمی فاضل ، و شاعری اديب و متبحر و ماهر در فنون شعر بوده ، که ذوق و أدب و ابتکار و اندیشه او ، مورد توجه قرار گرفته است .

در رياض العلماء ( در باب کنیه ها ) او را از بزرگترین چهره های قدامت علماء و شعراء شيعه ، به شمار آورده ، و معجم الشعراء مرزبانی ، او را شيخ من شيوخ الأدب دانسته ، و ياقوت حموی در معجم الأدباء ، او را با عناوين :

ص: ۳۵۱

---

۱- أعيان الشّيعه ، چاپ جديد ، جلد ۱۰ ، صفحه ۱۹۲

۲- تأسيس الشّيعه لعلوم الإسلام ، صفحه ۱۵۶ - ۱۵۷

شاعر مفلح، و عالم محقق، و شائع الشعر و نبیه الذکر و ...، ستوده است.

درباره این بزرگمرد علم و ادب و سیادت، و خاندان علمی او، در بخش (خاندانهای علمی اصفهان) بحث و بررسی نموده ایم، و علامه امین در اعیان الشیعه، به تفصیل کامل در جلد ۹ (چاپ جدید) از صفحه ۷۲ به بعد، در معرفی آثار و عظمت این بزرگوار بحث نموده اند.

## ۲- محمد بن بحر اصفهانی

مفسر و متکلم و کاتب و شاعر و جامع انواع علوم، أبو الحسن، محمد بن بحر اصفهانی، متولد ۲۵۴ و متوفای ۳۲۲، که والی اصفهان و فارس بوده است.

وی، کتابهایی داشته، همانند: جامع التاویل لمحكم التنزیل (در چهارده جلد) و کتاب النسخ و المنسوخ و کتابی در نحو و ... (۱) که تفسیر او به نام جامع التاویل، از اهمیت ویژه ای برخوردار بوده، و شیخ طوسی قدس سره در اول تفسیر تبیان تجلیل فراوان از آن نموده، و فرموده است:

وَ أَصْلَحَ مَنْ سَلَكَ فِي ذَلِكِ (فِي تَأْلِيفِ التَّفْسِيرِ) مَسْلِكًا جَمِيلًا مُقْتَصِدًا، مُحَمَّدُ بْنُ بَحْرٍ، أَبُو مُسْلِمِ الْأَصْفَهَانِيِّ وَ ...، فَإِنَّ كِتَابَيْهِمَا أَصْلَحَ مَا صُنِّفَ فِي هَذَا الْمَعْنَى ... (۲).

این دانشمند و مفسر عالیقدر، مشهور به مذهب اعتزال است، ولی علامه طهرانی، او را شیعه می داند و می نویسد: شاید شهرت او به مذهب اعتزال، از باب تقیه و استتار بوده است (۳).

محمد بن بحر، قائل به تقدم أمير المؤمنين علي عليه السلام بر دیگران، و معتقد به

ص: ۳۵۲

۱- معجم الأدباء، جلد ۱۸، صفحه ۳۶

۲- تفسیر تبیان، جلد ۱، چاپ قدیم، صفحه ۲

۳- الدررعه إلى تصانيف الشيعة، جلد ۵، صفحه ۴۴ - ۴۵

أکملیت ایمان آن حضرت در مقایسه با دیگر صحابه ، و دارای اعتقاد به اخلاص و شجاعت و بی باکی آن حضرت در راه خدا ، ( بر خلاف سایر صحابه ) بوده است (۱).

### ۳- علی بن حمزه اصفهانی

ادیب نامدار، و شاعر گرانقدر ، أبو الحسن ، علی بن حمزه بن عماره اصفهانی

وی ، یکی از اُدباء بزرگ اصفهان بوده، که به علم و فضل و تألیف کتاب شهرت داشته ، و کتابهایی ، همانند : کتاب الشعر و فَرّ البُلغاء ( که گزیده ای از اشعار عموم شعراء بوده ) و قلائد الشرف فی مفاخر اصفهان و أخبارها و ... (۲).

علی بن حمزه ، گفتگوها و بحثهایی با جماعتی از شعراء اصفهان ، همانند : أبو الحسن ابن طباطبا ، علوی ، متوفای ۳۲۲ و ... ، داشته است .

آن بزرگمرد، دیوان حبیب بن اوس طائی معروف و مکئی به ( اَبوتمام ) را که از شعراء و مادحین أهل البيت عليهم السلام بوده، به ترتیب انواع شعر ، منظم نموده ، و به وضع نیکوئی در آورده است (۳) و به خاطر همین اقدام او درباره دیوان یک شاعر أهل البيت عليهم السلام و انس و رفاقت و گفتگوهای او با ابن طباطبا ، علوی ، برخی او را از بزرگان علم و ادب شیعه به شمار آورده اند ، ولی جای تأمل می باشد ، و در هر صورت ، او از چهره های ادبی قرن چهارم به شمار می رود .

### ۴- أبو محمّد بن عبد الله اصفهانی

عالم بزرگوار و نَسابه ، أبو محمّد بن عبد الله اصفهانی ، بن عقیل بن عبد الله بن

ص: ۳۵۳

۱- الذریعه الی تصانیف الشیعه ، جلد ۵، صفحه ۴۵

۲- معجم الأدباء ، جلد ۱۳ ، صفحه ۲۰۴

۳- الذریعه ، جلد ۱، صفحه ۳۸

عقیل بن محمّد بن عبد الله بن محمّد بن عقیل بن اَبی طالب ، که نسب او به عقیل ، برادر امیرالمؤمنین علی علیه السلام میرسد ، و در سال ۳۳۴ وفات یافته ، و در عمده الطّالب ، با عنوان ، ( عالمٌ نَسَابَه ) مورد توصیف و تجلیل قرار گرفته است (۱).

## ۵-عباد بن عباس طالقانی اصفهانی

أبو الحسن ، عبّاد بن عبّاس بن عبّاد طالقانی اصفهانی ، پدر اسماعیل بن عبّاد ( مشهور به صاحب بن عبّاد ) می باشد ، و در سال ۳۳۴ یا ۳۳۵ وفات یافته است (۲).

او از محدّثین می باشد ، و از فِریابی و مَرّوزی و اَبی خلیفه و مازنی ، نقل حدیث نموده ، و اصفهانی ها و ابن مردویه ، از او نقل حدیث کرده اند .

محمّد بن طاهر مقدسی نقل کرده ، که عبّاد بن عبّاس طالقانی ، کتابی در احکام القرآن نوشته ، مطابق مذهب معتزله (۳) که هر کس دیده پسندیده ،

و تحسین کرده است (۴).

حافظ ابونعیم اصفهانی ، عبّاد بن عبّاس را ، در زمرة محدّثین اصفهانی

ص: ۳۵۴

---

۱- أعیان الشّیعه ، چاپ جدید ، جلد ۴ ، صفحه ۱۰۷

۲- الأَنساب سَمعانی ، جلد ۸ ، صفحه ۱۷۷ ، ولی در ذکر أخبار أصبهان ، جلد ۲ صفحه ۱۳۸ ، فقط رقم ۳۳۵ ذکر گردیده است

۳- بسیاری از علماء شیعه ، که در شرائط تَقیّه بسر می برده اند ، کتابهای اعتقادی را زیر پوشش مذهب اعتزال می نوشته اند ، به خاطر اینکه مذهب شیعه در بسیاری از اصول مورد اختلاف ، نزدیک به مذهب اعتزال می باشد ، و به همین جهت است که جمعی از صاحبان تراجم ، سید مرتضی ( علم الّهدی ) و صاحب بن عبّاد را ، از معتزله دانسته اند

۴- الأَنساب سَمعانی ، جلد ۸ ، صفحه ۱۷۷ - ۱۷۸



برشمرده ، و از او نقل حدیث نموده است (۱). یاقوت حموی درباره او نوشته : كَانَ عَبَادُ يُلقَّبُ الْأَمِينِ ، وَ كَانَ دَيِّنًا خَيْرًا مُقَدِّمًا فِي صِنَاعَةِ الْكِتَابَةِ (۲)، و بدین وسیله ، نه تنها عظمت او را در فن نویسندگی یاد آور شده ، بلکه او را ، امین و دین دار و نیکوکار دانسته است .

علامه بزرگ ، حاج آقا بزرگ طهرانی ، در طبقات خود، از این بزرگمرد یاد کرده ، و منصب وزارت و کتابت او را در نزد رکن الدوله دیلمی ( حسن بن بویه ) ذکر فرموده ، و او را در شمار علماء و راویان شیعه در قرن چهارم ، محسوب داشته (۳)، و علامه امین در اعیان الشیعه ، با نقل تجلیل های زیاد از آثار علمی و روحی این دانشمند بزرگ، او را از جمله دانشمندان و شخصیت های علمی و اجتماعی شیعه ، دانسته است (۴).

## ۶- عبد الله بن محمد اصفهانی (خازن)

ادیب نامدار و شاعر عظیم القدر ، أبو محمد ، عبدالله بن محمد کاتب اصفهانی ، مشهور به ( خازن ) ، که از شعراء و ستایشگران و ندماء صاحب بن عبّاد ، متوفای ۳۸۵ بوده است .

علامه امینی در الغدیر ، او را خزینه دار کتابخانه صاحب بن عبّاد و در جای دیگر ، او را ماح و شاعر آن بزرگمرد دانسته و فرموده است (۵):

ص: ۳۵۵

---

۱- ذکر أخبار أصفهان ، جلد ۲، صفحه ۱۳۸

۲- معجم الأدباء ، جلد ۶، صفحه ۱۷۱

۳- نوابغ الزّواہ ، صفحه ۱۴۴

۴- اعیان الشیعه ، جلد ۱۷ (چاپ جدید) صفحه ۴۱۰

۵- الغدیر جلد ۴، صفحه ۴۷ و ۵۲

لَهُ قَصَائِدٌ يَمْدُحُ بِهَا الصَّاحِبَ ، أَجْوَدُهَا قَصِيدَهُ مَطَّلَعُهَا

هَذَا فُؤَادُكَ نُهَيْيَ بَيْنَ أَهْوَاءِ \*\*\* وَ ذَاكَ رَأْيُكَ شُورَى بَيْنَ آرَاءِ

صاحب روضات الجنات ، در بخش مربوط به اسماعیل بن عبّاد ( صاحب )، او را با این نسب ( أبو محمّد ، عبدالله بن الحسین ) یاد کرده ، و از او با عنوان عهده دار خزینة کتابهای صاحب بن عبّاد تجلیل نموده است(۱).

علامه طهرانی ، از دیوان او به عنوان ( دیوان عبد الله الکاتب ) یاد کرده ، و او را با عناوین ( الکاتب الإصفهانی ) و ( خازن صاحب بن عبّاد ) و ( من شعرائه )

ستوده است(۲).

و محقق عظیم القدر ، سید حسن صدر ، در میان شعراء برجسته اسلامی که از شیعیان بوده اند ، از این بزرگمرد یاد کرده ، و ستایش های کتاب ( نسمة السحر فی من تشیع و شعر ) را ، درباره او نقل نموده است(۳).

و ثعالبی ، در یتیمه الدهر ، او را بسیار تجلیل نموده ، و از صفحه ۳۲۱ تا ۳۳۵ کتاب خود را ، به او و اشعارش اختصاص داده ، و چنین ستوده است :

مِنْ حَسَنَاتِ إِصْبَهَانَ ، وَ أَعْيَانِ أَهْلِهَا فِي الْفَضْلِ ، وَ نُجُومِ أَرْضِهَا ، وَ أَفْرَادِهَا فِي الشُّعْرِ ، وَ مِنْ خَوَاصِّ الصَّاحِبِ وَ مَشَاهِيرِ صَنَائِعِهِ وَ دَوَى السَّابِقَةِ ، فِي مُدَاخَلَتِهِ وَ خِدْمَتِهِ ، وَ كَانَ فِي اقْتِبَالِ شَبَابِهِ وَ رِيْعَانِ عُمُرِهِ يَتَوَلَّى خَزَائِنَهُ كُتُبَهُ وَ يَنْخَرِطُ فِي سِلْكِ نُدْمَائِهِ ، وَ يَقْتَبِسُ مِنْ نُورِ آدَابِهِ ، وَ يَسْتَضِيءُ بِشُعَاعِ سَعَادَتِهِ ... (۴).

و با عبارت یاد شده ، او را از حسنات شهر اصفهان ، و از شخصیتهای

ص: ۳۵۶

۱- روضات الجنات ، چاپ قدیم ، صفحه ۱۰۵

۲- الذریعه إلى تصانیف الشیعه ، جلد ۱ ، صفحه ۶۹۷

۳- تأسیس الشیعه لعلوم الاسلام ، صفحه ۲۲۳

۴- یتیمه الدهر ، جلد ۳ ، صفحه ۳۲۱

با فضیلت آن ، و از ستارگان درخشان آن شهر، و از یگانه های شعر آن ، دانسته ، و او را از خواص صاحب بن عبّاد و تربیت یافتگان او ، و سابقه داران در خدمت و همکاری با او، و نیز خزینه دار کتابهای او ( در جوانی )، و از ندیمان و بهره گیرندگان از نور او ، و استضاءه کنندگان از اشعه تابناک سعادت او ، به شمار آورده است.

### نمونه ای از چهره های علمی و ادبی شیعه در اصفهان در قرن پنجم

#### ۱- أحمد بن محمد بن حسن اصفهانی ( امام مرزوقی )

أديب محقق و نحوی مدقق ، أبوعلی ، أحمد بن محمد بن حسن اصفهانی ، معروف به ( امام مرزوقی ) متوفای ۴۲۱.

یاقوت حموی در معجم الأدباء ، او را چنین توصیف نموده است :

... كَانَ غَايَةً فِي الدِّكَاةِ وَالْفِطْنَةِ وَحُسْنِ التَّصْنِيفِ وَإِقَامَةِ الْحُجَجِ وَحُسْنِ الْإِخْتِيَارِ ، وَتَصَانِيفُهُ ، لِأَمْزِيدَ عَلَيْهَا فِي الْجُودَةِ (۱)، یعنی : او در ذکاوت و زیرکی ، و نیکوئی تألیف و تصنیف ، و نیز در استدلال و حسن انتخاب ، به حدّ اعلی رسیده ، و در غایت درجه بوده ، و کتابهای او در به اندازه ای از نیکوئی رسیده ، که بالاتر از آن ممکن نمی باشد . ابن شهر آشوب مازندرانی ، در معالم العلماء ، این بزرگمرد را ، در زمرة شعراء أهل البيت عليهم السلام ذکر نموده ، و صاحب روضات الجنّات ( در

ص: ۳۵۷

---

۱- معجم الأدباء ، جلد ۵، صفحه ۳۴ و همین مطلب را در روضات الجنّات از سیوطی در طبقات النّحاه ، نقل فرموده است

جلد ۱، صفحه ۲۴۴) او را، فاضل کامل، و آدیب ماهر، و شاعر مُجید، و از شعراء أهل البيت عليهم السلام دانسته است.

امام مرزوقی، معلّم اولاد خاندان آل بویه در اصفهان بوده، و بدین وسیله افکار و اعتقادات آنها را هدایت می کرده، و آنها را با علم و دانش پرورش می داده است (۱). و جالب است که ابن منده در طبقات النّحاه نقل نموده، که امام مرزوقی وارد اصفهان شد، و از ناحیه مذهب خود در آن شهر سخن می گفت (قَدِمَ إِصْبَهَانَ، فَتَكَلَّمَ فِيهِ مِنْ قَبْلِ مِذْهَبِهِ) (۲)، و از خصوصیات روحی امام مرزوقی این است که، به خاطر تحصیل علم و دانش، تواضعی چشم گیر داشته، تا آنجا که در دوره ای که خودش شخصیتی برجسته به شمار می رفته، و دارای موقعیتی شایسته بوده، در محضر ابوعلی فارسی (نحوی و آدیب بزرگ) حاضر شده، و الکتاب سیویه را در محضر او خوانده است، چنانچه نوشته اند: قَدْ قَرَأَ كِتَابَ سَيَوِيهِ عَلِيَّ أَبِي عَلِيٍّ الْفَارِسِيِّ، وَتَتَلَمَذَ لَهُ بَعْدَ أَنْ كَانَ رَأْسًا بِنَفْسِهِ (۳).

کتابهایی که امام مرزوقی تألیف نموده از این قرار است:

۱- شرح حماسه، ۲- شرح مفضّلیات، ۳- شرح الفصیح، ۴- شرح أشعار هُذَیْل، ۵- الأزمه و الأمکنه، ۶- شرح الموجز فی النّحو، ۷- شرح النّحو

## ۲- أحمد بن محمد بن ذر الإصفهانی

وی دانشمندی بزرگ و مشهور و واعظ بوده، و در سال ۴۲۲ از دنیا رفته

ص: ۳۵۸

۱- أعيان الشّيعه، چاپ جدید، جلد ۳، صفحه ۹۴

۲- أعيان الشّيعه، چاپ جدید، جلد ۳، صفحه ۹۴

۳- معجم الأدباء، جلد ۵، صفحه ۳۵

است. ابن حجر عسقلانی، او را معتزلی دانسته (۱)، ولی علامه محقق حاج آقا بزرگ طهرانی، او را از علماء شیعه در قرن پنجم ذکر نموده، و فرموده است: **الإعتزالُ مَجْنَهُ التَّشْيِعِ (۲)(۳)**.

بنابراین، او از شخصیت‌های علمی شیعه در آن قرن بوده، و زیر پوشش و عنوان اعتزال، از مکتب أهل البيت عليهم السلام ترویج می‌کرده است.

### ۳- زید بن علی حسینی

زید بن علی بن محمد بن یحیی حسینی، مکتبی به (أبوعلی)، از آل زیاره، که در فریومد سکونت داشته، ولی در نهایت، به اصفهان هجرت کرده، و در آنجا در سال ۴۴۷ وفات یافته است (۴)، بنابراین او از سادات و امامزادگان مدفون در اصفهان می‌باشد، و دارای علم نجوم بوده است.

### ۴- أبو عبد الله معصومی (محمد بن أحمد)

أبو عبد الله، محمد بن أحمد معصومی، که از شاگردان ممتاز ابن سینا بوده، و أبوعلی سینا او را بر همه شاگردان خود مقدم می‌داشته است (۵).

از تألیفات او، کتاب (المفارقات و إعداد العقول و الأفلک و ترتیب المبدعات)

ص: ۳۵۹

۱- لسان المیزان، جلد ۱، صفحه ۳۰۲

۲- ألتابس فی القرن الخامس، صفحه ۲۳

۳- مَجْنَهُ = سپر، مَجْنَهُ = جای پنهان شدن، یعنی کسانی که نمی‌توانستند تشیع خود را اظهار نمایند، زیر پوشش مکتب اعتزال، اعتقادات شیعی خود را حفظ نموده، و ترویج می‌کرده اند

۴- ألتابس فی القرن الخامس، صفحه ۸۴

۵- ریحانه الأدب، جلد ۵، صفحه ۳۴۴ - ۳۴۵

یا (رسالة فی إثبات المفاوقات) می باشد، که در قرن پنجم و ششم شهرت و اهمیت بسیار داشته است (۱). ابو عبد الله معصومی، از دانشمندان و اطباء و فلاسفه و حکماء و فقهای اسلامی اصفهان بوده، و شهرت او در فقه و حکمت، بیش از شهرت او در طبابت بوده است. وی مباشرت عمل طبابت را پائین تر از مقام و مرتبه علمی خودش می دانسته، و فقط به تدریس کتب فقه و حکمت می پرداخته است. در هنگامی که ابوعلی سینا از همدان به اصفهان هجرت نمود، ابو عبد الله معصومی به حضورش رسید، و تا آخر عمر به استفاده و إفاد علمی اشتغال داشت (۲). معصومی، تا سالها بعد از استاد خود (ابوعلی سینا) در اصفهان تدریس می کرد، تا آنکه در حدود ۴۵۰ هجری از دنیا رفت (۳).

#### ۵- ابومسلم، محمد بن علی نحوی اصفهانی

نحوی مفسر، ابومسلم، محمد بن علی بن محمد بن حسین بن مهراذیز نحوی اصفهانی، متوفای ۴۵۹. سیوطی وی را عارف به علم نحو شمرده، و او را غلو کننده در مذهب اعتزال دانسته است.

علامه بزرگوار، امین شامی، این بزرگمرد را شیعه دانسته، و دلیل نسبت او را به اعتزال، هماهنگی شیعه و معتزله، در بعضی اصول اعتقادی ذکر نموده است (۴).

#### ۶- بدران بن شریف اصفهانی

سید نجم الدین، بدران بن شریف بن ابی الفتح علوی حسینی موسوی

ص: ۳۶۰

---

۱- لغتنامه دهخدا، تحت عنوان معصومی

۲- ریحانه الأدب، جلد ۵، صفحه ۳۴۴ - ۳۴۵

۳- اصفهان، از دکتر هنرفر، صفحه ۲۱۱، و ریحانه الأدب، جلد ۵، صفحه ۳۴۵

۴- اعیان الشیعه، چاپ جدید، جلد ۱۰، صفحه ۲۲

اصفهبانی ، که دانشمندی دارای علم أنساب ( نسابه ) بوده ، و شیخ منتجب الدین رازی ، او را با عناوین : فاضل و محدث و حافظ ، ستوده ، و کتاب المطالب فی مناقب آل ابي طالب را ، از آثار او ذکر کرده است (۱). او از دانشمندان و محدثین قرن پنجم به شمار رفته است (۲).

#### ۷- حسن بن عباس رستمی اصفهبانی

حسن بن عباس بن علی بن حسن رستمی اصفهبانی ، مکنی به ( ابي عبد الله ) . وی از علماء قرن پنجم ، و از مشایخ شیخ منتجب الدین رازی می باشد ، و بعضی از احادیث اربعین خود را از او نقل نموده ، ولی به دلیل این که شیخ منتجب الدین او را در کتاب نفیس ( الفهرست ) ذکر نفرموده ، احتمال داده اند که از محدثین عامه باشد (۳).

#### ۸- آمنه بنت عبّاد ، طباطبائی علوی

آمنه ، دختر عبّاد بن علی بن حمزه بن طباطبا، علوی ، از زنان دانشمند ، و از محدثه های قرن پنجم و ششم در اصفهان بوده است (۴).

او در شهر اصفهان حوزه درسی داشته ، و جمعی از فضلاء از محضر وی استفاده می نموده اند (۵).

ص: ۳۶۱

۱- الفهرست منتجب الدین ، صفحه ۴۳

۲- الذریعه الی تصانیف الشیعه ، ج ۲۱ ، ص ۱۳۹ ، و النّابس فی القرن الخامس ، ص ۳۵

۳- النّابس فی القرن الخامس ، ص ۶۰ ، و أعیان الشیعه ، چاپ جدید ، ج ۵ ، ص ۱۲۹

۴- أعلام النّساء ، عمر رضا کحاله ، جلد ۱ ، صفحه ۱۴

۵- دائره المعارف تشیّع ، جلد ۱ ، صفحه ۲۳۶

۱- أبو الحسن علی (ضریر نحوی)

ادیب نحوی ، علی بن حسین بن علی اصفهانی باقولی ، مکنی به ( أبو الحسن ) و ملقب به ( ضریر ) و معروف به ( جامع ) ، متوفای بعد از ۵۳۵ .

یاقوت حموی به نقل از أبو الحسن بیهقی درباره او نوشته :

هُوَ فِي النَّحْوِ وَالْإِعْرَابِ كَعَبْهٍ ، لَهَا أَفْضَلُ الْعَصْرِ سَدَنَةٌ (۱) (۲) ، یعنی : او در علم نحو و إعراب ، کعبه است ، و برترین چهره های علمی عصر ، پرده دار و خدمتگزار آن کعبه اند .

این بزرگمرد ، از چهره های علمی شعر و ادب ، و از نحویین بزرگ در قرن ششم بوده ، و جامع علوم و فنون اسلامی به شمار آمده است ، و به همین جهت ، او را با عنوان : جامع ، و جامع العلوم خوانده اند (۳) .

از آثار او است :

۱- شرح اللّمع ، ۲- کشف المشکلات و ایضاح المعضلات ( فی علل القرآن ) ، ۳- ألمجمل ، ۴- الإستدراک علی أبي عَلِيٍّ ، ۵- البيان فی شواهد القرآن ، ۶- ألجوهر ، ۷- الأقاویل المجرّده .

ضریر نحوی ، در سال ۵۳۵ ، نامه هائی به فضلاء خراسان نوشت ، و از آنها

ص: ۳۶۲

۱- معجم الأدباء ، جلد ۱۳ ، صفحه ۱۶۵

۲- سادن = خادم و پرده دار کعبه ، جمع آن: سَدَنَةٌ

۳- دائره المعارف تشیع ، جلد ۲ ، صفحه ۲۲۸



درباره شعری از فرزددق شرح و توضیح خواست ، و آنها هرکدام شرحی نوشتند(۱)، و پس از آن تاریخ ، مطلب مورّخی از این بزرگمرد، به دست نیامده ، و در نتیجه مدّت زندگی او پس از این تاریخ ، مشخص نمی باشد .

## ۲- هبه الله بن أحمد...أسدی اصفهانی

شیخ فخرالدّین ، هبه الله بن أحمد بن هبه الله اسدی اصفهانی ، که شیخ منتجب الدّین رازی ، او را با عنوان عالم صالح ستوده است(۲).

علامه طهرانی ( آقا بزرگ ) ، او را در زمره علماء شیعه در قرن ششم ذکر کرده است(۳).

## ۳- شرفشاه بن عبد المطلب اصفهانی

سید ابوعلی ، شرفشاه بن عبد المطلب بن جعفر حسینی اُفطسی(۴) اصفهانی ، که شیخ منتجب الدّین رازی ، او را با اوصاف : عالم و فاضل و نسابه توصیف نموده(۵) و مرحوم آقا بزرگ طهرانی ، او را از علماء شیعه در قرن ششم به شمار آورده است(۶).

ص: ۳۶۳

- 
- ۱- الثّقات العیون فی سادس القرون ، صفحه ۱۸۵، و معجم الأدباء ، جلد ۱۳ ، صفحه ۱۶۵
  - ۲- ألفهرست ، منتجب الدّین ، صفحه ۱۳۰ ، جامع الرّواه ، جلد ۲ ، صفحه ۳۱۱ ، و تنقیح المقال ، جلد ۳ ، صفحه ۲۹۰
  - ۳- الثّقات العیون فی سادس القرون ، صفحه ۳۳۲
  - ۴- اُفطسی ، منسوب به حسن اُفطس ( فرزند علی اصغر ، فرزند امام علی بن الحسین زین العابدین علیه السلام ) می باشد « تنقیح المقال ، جلد ۱ ، صفحه ۲۹۶ »
  - ۵- فهرست منتجب الدّین ، صفحه ۷۰ ، و جامع الرّواه ، جلد ۱ ، صفحه ۳۹۶ ، و تنقیح المقال ، جلد ۲ ، صفحه ۸۳
  - ۶- الثّقات العیون ، فی سادس القرون ، صفحه ۱۳۰

۱- قاضی نظام الدین، محمد بن اسحق بن مطهر اصفهانی

نویسنده و عالم بزرگوار، قاضی نظام الدین بن قاضی القضاة اصفهانی، که نامش: محمد بن اسحق بن مطهر می باشد، و کتابی تألیف نموده، به نام شرف ایوان البیان ( درباره شرافت خاندان صاحب دیوان جوینی ) و این کتاب را برای خواجه علاء الدین، عطاء ملک جوینی متوفای ۶۸۰ یا ۶۸۱ یا ۶۸۳(۱) فرزند خواجه بهاء الدین جوینی، که از شخصیت‌های شیعه می باشد، تألیف نموده است(۲).

قاضی نظام الدین، از ستایشگران خواجه نصیرالدین طوسی بوده(۳) و اشعار بسیار جالبی در حمایت از تشیع و بر علیه نواصب سروده، بدینقرار (۴)

قُلْ لِلنَّوَابِغِ كُفُّوا ، لَا أبا لَكُمْ \*\*\* لِشِيعَةِ الْحَقِّ يَا بَنِي اللَّهِ تَوْهِينًا

أَعَادَ أَهْلَ مُلُوكِ التُّرْكِ رَوْنَقَهُمْ \*\*\* وَزَادَهُمْ بِبِهَاءِ الدِّينِ تَمَكِينًا

ص: ۳۶۴

۱- علاء الدین، عطاء الله بن بهاء الدین محمد جوینی، معروف به عطاء ملک جوینی، مؤلف تاریخ جهانگشای فارسی می باشد، و از آثار خیریه اش، یکی نهر نجف است، که در آن ارض مقدس حفر کرده، و زیاده بر صد هزار دینار طلای سرخ خرج کرده، و آب فرات را به اطراف نجف جاری کرده است( ریحانه الأدب، جلد ۱، صفحه ۴۴۴)

۲- الأنوار الساطعه فی المآه السابعة، ص ۱۵۲، و الذریعه، جلد ۱۴، صفحه ۱۸۰

۳- الأنوار الساطعه، صفحه ۱۵۲

۴- الذریعه، جلد ۱۴، صفحه ۱۸۰

## ۲- شیخ فتح بن علی بن محمد بنداری اصفهانی

وی از علماء شیعه در قرن هفتم هجری میباشد، که کتاب نصره الفطره وعصره الفطره، تألیف شیخ عماد الدین، محمد بن محمد اصفهانی (کاتب) را مختصر نموده، و به نام زبده النصرة و نخبه العصره نامیده است، و در تاریخ ربیع الأول ۶۲۳ شروع به این تلخیص نموده، و در سال ۱۸۸۹، این کتاب در لیدن به چاپ رسیده است (۱).

علامه امین در اعیان الشیعه، از همین عالم بزرگوار یاد نموده، و به جای بنداری (بلداری) ضبط نموده است (۲).

## ۳- نظام الشرف بن قوام الشرف اصفهانی

وی از علماء شیعه در قرن هفتم بوده، و از آثار او، یکی نسخه ای از کتاب (فتیای فقیه العرب) از امام لغت، أحمد بن فارس رازی (صاحب کتابهای غریب اعراب القرآن، و مجمل اللغة، و فضل الصیلاه علی النبی، و فقه اللغة، و سنن العرب فی کلامها، و استاد بدیع الزمان و صاحب بن عبّاد (۳)) می باشد، که این نسخه به خط نظام الشرف، در تاریخ ۶۱۷ پایان یافته، و در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است، و دیگری نسخه ای است از (قصیده المقصور و الممدود) از ابن درید، که به خط نظام الشرف، در تاریخ ۶۱۷ نوشته شده، و در ذیل هر شعری، شرح مختصری برای معنای آن ذکر گردیده، که احتمالاً از

ص: ۳۶۵

۱- الذریعه، جلد ۱۲، صفحه ۳۴

۲- اعیان الشیعه، جلد ۸، صفحه ۳۹۳

۳- الذریعه إلی تصانیف الشیعه، جلد ۱۶، صفحه ۴۶ و ۱۲۲

نظام الشرف می باشد، و این نسخه نیز در کتابخانه آستان قدس رضوی علیه السلام موجود است (۱).

#### ۴- مولی عبد الله (حاسب)

ریاضی محقق، مولی (ملاً) عبد الله بن محمّد بن عبد الرزاق، ملقب به (عماد الدین) و (حاسب) یا (حساب) از علماء قرن هفتم بوده است (۲).

وی، کتاب الفوائد البهائیه فی قواعد الحساب الهوائیه را تألیف نموده، که در آن، حساب کردن به واسطه دست و فکر را (بدون احتیاج به ابزار و آلات) آموزش داده، و این کتاب را به اسم خواجه بهاء الدوله، شمس الدین محمّد (صاحب دیوان جوینی) که از بزرگان شیعه بوده (۳) و در سال ۶۷۸ وفات یافته، تألیف نموده، و از نوشتن آن، در سال ۶۷۵، در شهر اصفهان، فارغ گردیده است (۴).

#### ۵- کمال الدین، محمّد بن عبد الرزید اصفهانی

امام محدث، کمال الدین، أبو الفضل اصفهانی، که از چهره های علمی و میز در قرن هفتم بوده است. سید حیدر بن محمّد بن زید، که از مشایخ سید رضی

ص: ۳۶۶

۱- الأنوار الساطعه، فی المأه السابعه، صفحه ۱۹۲

۲- الأنوار الساطعه فی المأه السابعه، ص ۹۳، والذریعه، ج ۱۶، ص ۳۲۶ - ۳۲۷

۳- شمس الدین بن بهاء الدین بن شمس الدین، ملقب به صاحب دیوان، که به نام محمّد بن محمّد بن محمّد جوینی می باشد، از احفاد امام الحرمین جوینی است. پدران او شافعی بودند، ولی شمس الدین، صاحب دیوان، شیعه امامی می باشد. (الأنوار الساطعه، از حاج آقا بزرگ طهرانی، صفحه ۱۷۲)

۴- الأنوار الساطعه فی المأه السابعه، ص ۹۳، والذریعه، ج ۱۶، ص ۳۲۶ - ۳۲۷

الدِّينِ بْنِ طَاوُوسٍ اسْتِ ، وَ أَنْ بَزْرَگَمَرْدِ ، او را با القاب و أوصاف : أَلْسَيِّدُ الْإِمَامِ ، الْعَالِمُ الزَّاهِدُ الْعَابِدُ ، كَمَالُ شَرَفِ الْإِسْلَامِ ، رَبُّ الْفَصَاحَةِ ، سَيِّدُ الْعُلَمَاءِ ، سَيِّدُ حَيْدَرُ يُنُّ ... توصیف نموده است (۱) و در نزد کمال الدین محمد بن عبد الرشید ، در تاریخ ۱۰ رجب ۶۱۳ ، قرائت حدیث نموده ، و از شاگردان او می باشد (۲).

با توجه به مطالب فوق است که ، حاج آقا بزرگ طهرانی ، شخصیت یاد شده را ، از علماء شیعه در قرن هفتم به شمار آورده ، ولی در پایان شرح حال او ، احتمال داده است ، که او همانند استادش ، حسن بن أحمد عطار همدانی ، از علماء عامه باشد (۳).

### نمونه ای از چهره های علمی و ادبی شیعه در اصفهان در قرن هشتم

#### ۱- أفضل الدین ، محمد بن حبيب الله اصفهانی ( تُرکِه )

حکیم متکلم ، أفضل الدین ، أبو حامد ، محمد بن حبيب الله ، معروف به تُرکِه (۴) که از خاندان علمی و معروف آل تُرکِه اصفهانی خجندی می باشد ، و از علماء شیعه در قرن هشتم به شمار می رود . وی کتابی به نام قواعد التوحيد تألیف نموده (۵) و نوّه او ، شیخ صائِن الدین ، علی بن محمد بن أفضل الدین

ص: ۳۶۷

۱- الأنوار الساطعه ، صفحه ۵۷

۲- الأنوار الساطعه فی المأه السابعه ، صفحه ۱۵۹

۳- الأنوار الساطعه فی المأه السابعه ، صفحه ۱۵۹

۴- الحقائق الزاهنه فی المأه الثامنه ، صفحه ۱۸۲

۵- الذریعه إلی تصانیف الشیعه ، جلد ۱۷ ، صفحه ۱۸۱

محمد ترکه، این کتاب را شرح نموده، و به نام تمهید القواعد نام گذاری کرده، و این شرح، در سال ۱۳۱۵ به چاپ رسیده است (۱).

## ۲- عباد بن أحمد بن... شرفشاه (گلستانه)

عالم عظیم الشان، سید عباد بن أحمد بن اسماعیل بن علی بن حسن بن شرفشاه (گلستانه) ملقب به، مجد الدین. صاحب عمده الطالب او را با عناوین: سید عالم فاضل مصنف جلیل، مورد تجلیل قرار داده، و فرموده: او در زمان سلطان اولجایتو، محمد بن أرغون (سلطان محمد خدا بنده) قاضی شهر اصفهان بوده است (۲).

این بزرگمرد، از علماء خاندان علمی سادات گلستانه می باشد، و ما در بخش (خاندانهای علمی اصفهان، خاندان علمی گلستانه) از او یاد نموده ایم.

شیخ حرّ عاملی، این عالم بزرگوار را با عناوین: عالم فاضل جلیل، ستوده و از کتاب او، به نام شرح تهذیب الأصول علامه حلّی، یاد نموده است (۳).

و همچنین حاج آقا بزرگ طهرانی، از کتاب مذکور، با نام توضیح الوصول فی شرح تهذیب الأصول یاد نموده، و سید عباد را به عنوان معاصر علامه حلّی ذکر کرده، و فرموده است: این کتاب را به درخواست شاگرد مشترک علامه حلّی و سید عباد، به نام شیخ محمود بن محمد بن علی بن یوسف طبری، تألیف

ص: ۳۶۸

---

۱- الدرّیعه، جلد ۴، صفحه ۴۳۴، ولی در الدرّیعه، جلد ۱۷، صفحه ۱۸۱، شرح تمهید القواعد را، از شیخ ضیاء الدّین علی تُرکه (از أسباط و نوه های صاحب متن)، معرّفی نموده است. و شاید شیخ ضیاء الدّین علی، همان شیخ صائن الدّین علی باشد. والله أعلم

۲- عمده الطالب، (چاپ بیروت)، صفحه ۶۵

۳- أمل الأمل، قسم دوّم، صفحه ۱۴۱

نموده است (۱) و از این جمله استفاده می شود که ، موقعیت علمی این بزرگمرد در سطحی بالا بوده است .

تألیف کتاب شرح تهذیب الاصول ، در سال ۷۰۷ پایان یافته ، و نسخه ای از آن به خط نظام الدین عربشاه ، در سال ۸۲۲ نوشته شده ، و آن نسخه در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود می باشد (۲).

از آثار علمی سید عباد ، کتابی است به نام : کاشف المعانی ، فی شرح حرز الأمانی ، و وجه التّهانی ( معروف به شاطیبه ) که به خواہش جمعی از رفقای خودش تألیف نموده ، و نسخه ای از آن ، به خط شاگرد مصنف ، به نام محمد بن محمود کیانی خورانی ( آملی ) در سال ۷۲۶ نوشته شده ، و نویسنده نسخه ، در هنگامی که در درس استاد خود سید عباد شرکت می جست ، این نسخه را نوشته و استاد اور ( سید عباد ) در سال ۷۲۸ در شهر اصفهان اجازه ای را برای شاگرد خود ( نویسنده نسخه ) در پشت کتاب نوشته است (۳) .

### ۳- سید حیدر بن محمد بن... شرفشاه (گلستانه)

شرف الدین ، سید حیدر بن محمد بن حیدر بن اسماعیل بن علی بن حسن بن علی بن شرفشاه ، ملقب به گلستانه .

سید حیدر ، از اولاد شرفشاه ، ملقب به گلستانه میباشد ، که نسب او به امام حسن مجتبی علیه السلام می رسد ، و نه تنها به حساب انتسابش به سبط اکبر علیه السلام و پدر بزرگوار آن حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام و جد بزرگوارشان ، خاتم الانبیاء ،

ص: ۳۶۹

---

۱- الدرّیعه ، جلد ۴ ، صفحه ۴۹۹

۲- الحقائق الزّاهنه فی المأه الثّامنه ، صفحه ۱۰۷

۳- الدرّیعه إلی تصانیف الشّیعه ، جلد ۱۷ ، صفحه ۲۳۹ - ۲۴۰

حضرت محمد بن عبدالله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ ، شرافت دارد ، بلکه خاندان علمی سادات گلستانه ، از خاندانهای برجسته و علمی اصفهان ، در طول چند قرن می باشد .

در کتاب شریف عمده الطالب ، فی أنساب آل ابی طالب ، سلسله نسب سادات گلستانه را ذکر نموده ، و از شرف الدین ، سید حیدر بن محمد ، یاد کرده ، و نوشته است:

وَقَدْ رَأَيْتُهُ بِإِصْفَهَانَ وَتُوفِّيَ بِهَا فِي رَبِيعِ الْأَوَّلِ ، سَنَةِ تِسْعِ وَسَبْعِينَ وَسَبْعِ مِائَةٍ ، وَلَهُ أَوْلَادٌ وَعَقَبٌ (۱).

با توجه به سال وفات این بزرگمرد ( ۷۷۹ ) ، وی از علماء بزرگ قرن هشتم به شمار رفته است .

مرحوم حاج آقا بزرگ طهرانی ، در طبقات ، از این سید جلیل القدر یاد نموده (۲) ، و علامه امین نیز ، در أعيان الشیعه از ایشان ذکری آورده ، و استناد به نوشته عمده الطالب نموده است (۳) ، و ما نیز در بخش « خاندان علمی گلستانه » از این بزرگمرد یاد نموده ایم .

#### ۴- عباد بن یحیی بن... شرفشاه (گلستانه )

عالم فاضل ، مجدالدین ، سید عباد بن یحیی بن عباد بن أحمد بن اسماعیل بن علی بن حسن بن شرفشاه ( گلستانه ) ، که از علماء قرن هشتم بوده ، و بعد از سال ۷۹۰ وفات یافته است (۴).

ص: ۳۷۰

---

۱- عمده الطالب ، ( چاپ بیروت ) ، صفحه ۶۵

۲- الحقائق الزاهنه فی المآه الثامنه ، صفحه ۷۱

۳- أعيان الشیعه ، چاپ جدید ، جلد ۶ ، صفحه ۲۷۵

۴- عمده الطالب ، ( چاپ بیروت ) ، صفحه ۶۶



وی از چهره های علمی خاندان سادات گلستانه می باشد ، و مرحوم حاج آقا بزرگ طهرانی ، او را در شمار علماء بزرگ قرن هشتم ذکر نموده است(۱).

### نمونه ای از چهره های علمی و ادبی شیعه در اصفهان در قرن نهم

#### ۱- خواجه افضل الدین محمد صدر ( تُرکّه )

خواجه افضل الدین ، محمد صدر، یا محمد بن صدر ، تُرکّه اصفهانی ، که یکی از بزرگان و قضاه اصفهان بوده ، و به نظر میرزا محمد علی مدرّس ( صاحب ریحانه الأدب ) از خویشان نزدیک صائِن الدین علی ترکه بوده است . از آثار این بزرگمرد ، ترجمه کتاب الملل و النحل شهرستانی است ، که همراه با تحقیقات خود او ، در ردّ شبهات ملل باطله ، تنظیم گردیده ، و به نام :

تَنْقِيحُ الْأَدْلِهِ وَ الْعِلَلِ فِي تَرْجَمِهِ كِتَابِ الْمِلَلِ وَ النَّحْلِ

نامیده شده ، و در تاریخ یکشنبه، سیزدهم رجب ۸۴۳ در شهر اصفهان پایان یافته است(۲). خواجه افضل الدین محمد ، در سال ۸۵۰ ، به امر شاهرخ میرزای تیموری ، به دار آویخته شد و به شهادت رسید(۳).

#### ۲- طاهر بن عرب اصفهانی

عالم محدّث و صاحب تصنیف ، مولی فخر الدین ، أبو الحسن ، طاهر بن عرب

ص: ۳۷۱

---

۱- الحقائق الزّاهنه فی المآه الثّامنه ، صفحه ۱۰۷

۲- ریحانه الأدب ، جلد ۲ ، صفحه ۱۶۵

۳- ریحانه الأدب ، جلد ۲ ، صفحه ۱۶۵

بن ابراهیم اصفهانی ، معروف به حافظ اصفهانی .

وی از علماء بزرگوار و جلیل القدر قرن نهم هجری می باشد ، و علامه طهرانی ، به نقل از یکی از شاگردان این بزرگمرد ، او را چنین توصیف نموده است : **سُلْطَانُ الْقُرَاءِ الْحَادِقِينَ ، وَ أَسِيْدَةُ الْمُحَدِّثِينَ ، فَخْرُ الْمَلَّةِ وَ الْحَقِيْقَةِ ، وَ خَيْرُ الدَّهْرِ وَ الطَّرِيْقَةِ ، خَاتِمَةُ الْمُجْتَهِدِينَ ... (۱)**.

از آثار این عالم جلیل ، یکی **الدَّرْ أَلْفَرِيْد فِي قَوَاعِدِ التَّجْوِيْد** ، و دیگری **تجوید القرآن** ، و **سومی** ، **منهل العطشان می باشد (۲)** ، و اجازه ای به خط خود ، برای **أبی المعارف** ، **نجم الدین** ، **محمد سعدی حمویی** ، در تاریخ ۸۵۷ نوشته است **(۳)** .

و هم چنین ، چند کتاب به نامهای : **أَلْقَرَاءَةُ الْمَفْرَدَةُ لِأَبِي عَمْرٍو ، وَ أَلْقَرَاءَةُ الْمَفْرَدَةُ لِإِبْنِ عَامِرٍ ، وَ أَلْقَرَاءَةُ الْمَفْرَدَةُ لِحَمْزِهِ ، وَ الْقَرَاءَةُ الْمَفْرَدَةُ لِنَافِع** ، از این بزرگمرد به جای مانده ، که نسخه آنها ضمن مجموعه ای به خط **أحمد بن فتح الله تمیمی** ، که در سال ۹۸۸ در مکه نوشته ، در **مکتبه الملک** موجود بوده است **(۴)** ، با توجه به مطالب یاد شده ، می توان دریافت که این بزرگمرد ، از چهره های **مبزز و محقق** در علم **قرائت و تجوید** بوده ، و شاگردان زیادی تربیت نموده است **(۵)** .

و نیز از آثار او ، کتاب **شرح شاطبیه ذکر گردیده است (۶)** . **مرحوم حاج آقا بزرگ طهرانی** در طبقات خود ، این عالم محقق را ، از علماء

ص: ۳۷۲

۱- **الدَّرِيْعَةُ** ، جلد ۸ ، صفحه ۶۸

۲- **الدَّرِيْعَةُ** ، جلد ۳ ، صفحه ۳۶۸ ، و جلد ۸ ، صفحه ۶۸

۳- **الدَّرِيْعَةُ** ، جلد ۸ ، صفحه ۶۸

۴- **الدَّرِيْعَةُ** ، جلد ۸ ، صفحه ۶۸ □ ۶۹ ، و جلد ۱۷ ، صفحه ۵۷

۵- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۳۹۵

۶- **الدَّرِيْعَةُ** ، جلد ۱۳ ، صفحه ۳۱۳

شیعه در قرن نهم به شمار آورده است (۱).

### ۳- عماد بن محمد ، منجم اصفهانی

وی از علماء قرن نهم هجری می باشد و شرح کتاب (سی فصل فی التَّقْویم) تألیف محقق طوسی را ، که از مولی بدرالدین طبری بوده، در سال ۸۴۴ نسخه برداری کرده ، و این نسخه در نجف اشرف در نزد سید باقر بن محمد یزدی ، موجود بوده است (۲).

حاج آقا بزرگ طهرانی در طبقات خود می نویسد: از این نسخه ، مقام علمی و فضل کاتب معلوم می گردد (۳).

### ۴- محمد بن علی ترکه

یکی از دانشمندان خاندان علمی ترکه ، محمد بن علی بن محمد ترکه است ، که اجازه ای برای سالک الدین ، محمد بن نجم الدین محمد حموی جوینی ، متخلص به ( سالک ) متولد سال ۸۴۷، نوشته است، و از این که عمده مشایخ سالک ، اجازات خود را در سالهای ۸۷۰ تا ۸۸۰ برای او نوشته اند (۴) معلوم می گردد که ، محمد بن علی ترکه ، که او هم اجازه ای نوشته ، شخصیتی علمی در نیمه دوم قرن نهم بوده است .

اجازات یاد شده ، در مجموعه ای به نام : کنز السالکین ، به وسیله سالک الدین محمد بن نجم الدین محمد ، تنظیم گردیده ، و مرحوم حاج آقا بزرگ ، آن را در

ص: ۳۷۳

۱- الضیاء اللامع فی القرن التاسع ، صفحه ۷۱

۲- الذریعه ، جلد ۱۳ ، صفحه ۳۱۱

۳- الضیاء اللامع فی القرن التاسع ، صفحه ۱۰۳ - ۱۰۴

۴- الضیاء اللامع فی القرن التاسع ، صفحه ۱۱۹

کتابخانه فخر الدین نصیری ، در تهران دیده و از نفیس ترین نفائس نسخه ها شمرده اند (۱).

## ۵- غیاث الدین، علی عمران اصفهانی حسینی

وی کتابی در نجوم نوشته ، به نام ( بیست و دو باب ) در سال ۸۶۹ ، که در اول آن ، صلوات بر ائمه طاهرین علیهم السلام فرستاده است ، و نسخه آن ، در نزد سید محمد جزائری بوده ، که در نجف و سپس اهواز ، و پس از آن در طهران ، نگهداری می شده است (۲).

## نمونه ای از چهره های علمی و ادبی شیعه در اصفهان در قرن دهم

### ۱- محمد حافظ (مخترع اصفهانی)

دانشمند مخترع ، محمد حافظ ، که تا سال ۹۱۲ زنده بوده ، و چهارده اختراع نموده ( مطابق عدد چهارده معصوم علیهم السلام ) و در کتاب خود به نام نتیجه الدوله ، آنها را شرح داده ، که تا آن زمان ( اوائل قرن دهم ) آن صنایع و مخترعات ، صنعتهای جدید به حساب می آمده است .

نسخه ای از آن کتاب ، در کتابخانه آستان قدس رضوی ( در مشهد مقدس ) موجود می باشد ، و نویسنده کتاب ، آن را برای نابغه و محقق نامدار ، غیاث الدین منصور دشتکی شیرازی ، متوفای ۹۴۸ ( که از مفاخر شیعه در قرن دهم به شمار

ص: ۳۷۴

---

۱- الذریعه ، جلد ۸ ، صفحه ۱۸۷ ، و جلد ۱۸ ، صفحه ۱۵۸

۲- الضیاء اللامع فی القرن التاسع ، صفحه ۱۰۵

می رود) تألیف نموده است .

اختراعات یاد شده ، بدین قرار می باشد :

۱- حلّ مشکلات القرآن ، ۲- آلت ساعه ، ۳- قَصَارِیْت ( لکه گیری پارچه، سفید نمودن پارچه )، ۴- طاحونیهٔ محمّديه ( که نوعی خاص از آسیا بوده است ) ، ۵- حلاجیه ( پاک کردن پنبه و جدا کردن آن از دانهٔ پنبه ) ، ۶- تصقیل القرطاس ( صاف و بَرّاق و صیقلی کردن کاغذ ) ، ۷- صنعہ الحِجیر ( مرکب سازی )، ۸- إخراج الماء ( وسیله و برنامهٔ آبکشی ) ، ۹- معدّل السّاعه ( وسیلهٔ تنظیم ساعت )، ۱۰- جام ساعه؟، ۱۱- پیالهٔ حکمت ؟ ، ۱۲- قفل اصفهانی ، ۱۳- قلمدان سازی ، ۱۴- کلید دان دزدگیر(۱).

## ۲- میر قوام الدّین ، حسن نقیب اصفهانی

نقیب نجیب و اَدیب زاهد ، میر قوام الدّین حسن اصفهانی.

وی ، از بزرگان سادات اصفهان بوده ، و دارای فضل و ادب و زهد و ورع به شمار رفته ، و در صنعت انشاء ، یگانه شمرده شده ، و به زبان فارسی شعر می سروده است .

وی مدّتی نقیب اصفهان بوده(۲)، و سپس در سال ۹۳۰، همراه با امیر جمال

ص: ۳۷۵

۱- الذّریعه إلی تصانیف الشّیعه ، جلد ۲۴ ، صفحهٔ ۴۹

۲- نقیب ، به معنی رئیس و بزرگتر هر دسته و قومی می باشد ، و در گذشتهٔ زمان نقیب طالبین ، نقیب سادات ، نقیب بنی فاطمه علیها السلام ، نقیب علویین و ... به کسانی می گفته اند که سرپرستی امور یادشدگان را بر عهده داشته اند ، و دارای شخصیتی ممتاز از نظر علمی و اخلاقی و اجتماعی بوده اند ، و هر شهری نقیبی داشته ، که نقیب التّقیاء ، او را بر می گزیده است . از نقباء بزرگ تاریخ شیعه ، سید مرتضی و سید رضی ، ( دو چهرهٔ نامدار عالم تشیع ) می باشند

الدین محمد آسترآبادی ، منصب صدارت(۱)را اداره می نموده ، و پس از مدتی ، به نحو مستقل ، در این سیمت مشغول به فعالیت دینی و اجتماعی بوده است(۲).

### ۳- شیخ کمال الدین بن محمد اصفهانی

ادیب فاضل ، و علامه مشهور ، خواجه کمال الدین بن محمد بن جمال الدین اصفهانی ، متوفای ربیع الأول ۹۳۵ قمری ، مدفون در زاویه آب بخشان ، متصل به باغ(۳).

آقای سید مصلح الدین مهدوی ، از این بزرگمرد با القاب : عالم فاضل ، ادیب محقق یاد نموده ، و نوشته است : قبرش در کنار دیوار شرقی قبرستان آب بخشان ، تا این اواخر موجود بود(۴)(۵).

### ۴- شمس الدین محمد اصفهانی

وی از علماء قرن دهم بوده ، و از مشایخ مجلسی اول ( ملا محمد تقی )

ص: ۳۷۶

۱- منصب و مقامی که صاحب آن ، موظف به تعیین حکام شرع ، و مباحران اوقاف ، و ریش سفیدی همه سادات ، و علماء و مدرّسان ، و شیخ الإسلام ها ، و پیش نمازها ، و قاضی ها ، و متولّی ها ، و حفاظ ، و خدمه مزارات و مدارس و مساجد و بقاع متبرکه ، و وزرای اوقاف ، و نظار و مستوفیان و غیر آنها بوده است . ( به فرهنگ معین مراجعه شود )

۲- ریاض العلماء ، جلد ۱ ، صفحه ۱۴۳ ، و احیاء الدائر من القرن العاشر ، ص ۵۹

۳- رجال اصفهان ، صفحه ۱۴۶

۴- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۴۶۷

۵- قبرستان آب بخشان ، در حال حاضر وجود ندارد ، و به جای آن خانه ها و مغازه ها و مراکز فعالیت های اجتماعی ، ساخته شده است ، و محل آن در قسمت فلکه شهداء ، و اوائل خیابان فروغی بوده است

می باشد، و قبر او در بالای سر مجلسی قرار گرفته (۱)، و از علماء متقی و فاضل به شمار رفته، و متوفای ۹۳۶ بوده است (۲).

## ۵- کمال الدین، درویش محمد اصفهانی عاملی

محدث عظیم الشان و زاهد کامل، کمال الدین درویش محمد اصفهانی عاملی نطنزی، متوفای بعد از سال ۹۳۹ وی جدّ مادری ملا محمد تقی مجلسی می باشد، و اول کسی است که احادیث اهل البيت عليهم السلام را در اصفهان منتشر نموده، و ترویج کرده است.

در ریاض العلماء، او را از اکابر ثقات علماء، و از مشایخ أجلاء دانسته (۳) و شیخ حرّ عاملی در أمل الأمل او را، فاضل صالح زاهد، و از مشایخ أجلاء، و از روایان از علی بن عبد العالی کرکی (محقق کرکی) بر شمرده (۴) و محدث قمی در فوائد الرضویّه او را چنین ستوده است:

فاضل صالح زاهد متقی، از اکابر ثقات، و از تلامذه شهید ثانی ... اول کسی است که نشر داد حدیث را در دولت صفویّه به اصفهان ... و مدفون است در نطنز، و برای او است، قبه ای معروفه (۵).

کمال الدین درویش محمد، از شاگردان شهید ثانی بوده، در جبل عامل

ص: ۳۷۷

۱- رجال اصفهان، صفحه ۱۲۶

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۴۷۴

۳- ریاض العلماء، جلد ۲، صفحه ۲۷۱، و جلد ۵، صفحه ۶۲

۴- أمل الأمل، قسم اول، صفحه ۱۴۱

۵- فوائد الرضویّه، جلد ۱، صفحه ۱۷۷، در ذیل عنوان درویش محمد (نویسنده کمترین در شهر نطنز، در باره قبه ای به نام مرقد کمال الدین درویش محمد، جستجو کردم، ولی اطلاعی به دست نیاوردم. ممکن است در زمان صفویّه چنین قبه ای وجود داشته است

(جنوب لبنان فعلی) و وقتی به اصفهان آمده، از محقق کرکی اجازه‌های تقاضا نموده، و آن بزرگوار به تاریخ ۹۳۹، اجازه‌ای برای این محدث جلیل القدر نوشته است (۱).

این محدث بزرگ، أصلاً جبل عاملی بوده، و سپس در نظنز ساکن گردیده، و پس از آن در اصفهان به فعالیت علمی و نشر حدیث پرداخته، و در نهایت، در نظنز مدفون گردیده است. و ما در بخش (خاندانهای علمی اصفهان)، «خاندان مجلسی» از این بزرگمرد یاد کرده ایم.

## ۶- افضل الدین، محمد (ترکه) اصفهانی

وی از علماء برجسته قرن دهم می باشد، که شیخ عبد النبی قزوینی، در تتمیم أمل الأمل، او را عالم فاضل محقق خوانده، و قاضی لشکر شاه طهماسب اول صفوی دانسته، و رساله‌ای را درباره معقولات ثانیه، از آثار آن بزرگمرد ذکر نموده است (۲).

با توجه به سال فوت طهماسب صفوی که ۹۸۴ بوده، معلوم می گردد که افضل الدین محمد، از علماء نیمه دوم قرن دهم می باشد.

صاحب ریاض العلماء، خواجه افضل الدین محمد ترکه را، مصاحب امیر علاء الملک مرعشی، در شغل قاضی لشکر بودن، در زمان سلطان طهماسب صفوی ذکر نموده است (۳). از تألیفات افضل الدین محمد، کتابی است به نام

ص: ۳۷۸

---

۱- احیاء الدائر من القرن العاشر، صفحه ۸۴، و الدرر، جلد ۱، صفحه ۲۱۴

۲- تتمیم أمل الأمل، صفحه ۷۱، الدرر، جلد ۲۱، صفحه ۲۶۶، احیاء الدائر من القرن العاشر، صفحه ۲۱۰

۳- ریاض العلماء، جلد ۳، صفحه ۳۱۴



آنموذج العلوم ، که در مسائلی از هفت فنّ علمی ( کلام ، منطق ، حکمت ، هندسه ، عربیّه ، فقه ، اصول فقه ) بحث می کند ، و مطالب کتاب تحقیقاتی است که در هنگام تدریس ، در مشهد رضوی علیه السلام از فیوض الهی و رضوی ، به دست آورده و تنظیم نموده است (۱).

مرحوم حاج آقابزرگ طهرانی ، صاحب آنموذج العلوم را ، متوفای ۹۹۱ ذکر کرده ، و او را غیر از افضل الدّین محمّد ترکه ، قاضی لشکر سلطان طهماسب صفوی دانسته است (۲).

ولی به نظر می رسد که دلیلی بر تعدّد وجود ندارد ، و عنوان تدریس در مشهد رضوی ، و قاضی لشکر سلطان صفوی بودن ، دلیل تعدّد نیست ، زیرا چه بسیار از علماء ، که سالهائی از عمر خود را در شغلی رسمی ، در شهری انجام وظیفه نموده اند ، و سالهائی دیگر ، در شهر دیگر به فعالیت درسی و تألیف و تحقیق اشتغال داشته اند ، و با توجه به سال فوت طهماسب صفوی (۹۸۴) و سال فوت افضل الدّین محمّد ترکه (۹۹۱) احتمال تغییر برنامه علمی و اجتماعی این بزرگمرد ، به خوبی قابل قبول می باشد ، و ممکن است چندین سال از آخر عمر سلطان صفوی ، و سالهای پس از فوت او تا سال ۹۹۱ ، این بزرگمرد به تدریس و مرجعیت دینی در مشهد رضوی اشتغال داشته است . از آثار دیگر افضل الدّین ترکه ، دیوان شعر او می باشد ، که با تخلص ( افضل ) شعر می سروده ، و از شاگردان او ، قاضی نورالدّین اصفهانی و علامه چلبی بوده اند (۳).

ص: ۳۷۹

---

۱- الذریعه ، جلد ۲ ، صفحه ۴۰۴

۲- الذریعه ، جلد ۲ ، صفحه ۴۰۴

۳- الذریعه ، جلد ۱ ، صفحه ۸۵

فقیه و محدث محقق و عظیم الشان، شیخ علی بن هلال کرکامی، که نسب خود را چنین نوشته است: علی بن أحمد بن محمد بن هلال ...، المعروف والده با أحمد المنشار(۱).

این بزرگمرد، گاهی شیخ علی منشار، و گاهی شیخ علی بن المنشار، و گاهی شیخ علی بن هلال (به مناسبت نام جد خود) خوانده می شود.

این فقیه بزرگوار، از چهره های علمی شیعه در اصفهان، در قرن دهم می باشد، و پدر زن شیخ بهائی است، و از شاگردان محقق نامدار (محقق کرکی) می باشد. وی کتابهای زیادی از هند آورده، و بعد از محقق کرکی مورد توجه حکومت صفویّه قرار گرفته، و به منصب شیخ الاسلامی (که مهمترین منصب رسمی دینی در دوره صفویّه بوده) منصوب گردیده است(۲) و بعد از وفات او، منصب شیخ الاسلامی، به دامادش، افتخار عالم تشیع، و نابغه نامدار، شیخ بهائی رضوان الله علیه، واگذار گردیده است.

دختر او، که همسر شیخ بهائی بوده، فقیههای محدّثه، و کثیره الفضل، و وافر آلم به شمار رفته، و از شاگردان پدر خود بوده، و در فقه و حدیث تدریس می کرده، و کتابخانه پدر در اختیار او بوده است(۳).

شیخ علی منشار، مُجاز و راوی از سید تاج الدین، حسن بن سید جعفر اطراوی عاملی، و شیخ أحمد بیقانی نباطی عاملی و شیخ أحمد بن خاتون

ص: ۳۸۰

۱- إحياء الدّائر من القرن العاشر، صفحه ۱۶۳

۲- ریحانه الأدب، جلد ۶، صفحه ۱۵

۳- ریحانه الأدب، جلد ۶، صفحه ۱۵، دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۳۰

عاملی عینائی، و شیخ ابراهیم بن سلیمان قطیفی، و شیخ علی بن عبد العالی کرکی (محقق ثانی = کرکی) می باشد، و این مطلب را در اجازه ای که برای شاگردش، مولی ملک محمد اصفهانی نوشته، درج نموده است (۱).

از آثار شیخ علی منشار، رساله ای است در مسائل فقهی مورد ابتلاء عموم، از کتاب الطهاره، که فوائد نیکوئی در بر داشته، و نسخه هائی از آن در نزد صاحب ریاض العلماء بوده، و در این رساله، از شهید ثانی نیز، نقل مطلب نموده، و تاریخ تألیف آن سال ۹۶۹ بوده است. در حاشیه نسخه ای از این کتاب، بعضی افاضل نوشته بوده، که جناب شیخ در روز دوشنبه سیزدهم ربیع الأول سال ۹۸۴، در شهر اصفهان وفات یافته است (۲).

حاج آقا بزرگ طهرانی نیز، همین تاریخ را ضبط نموده، و این بزرگمرد را از علماء بزرگ شیعه در قرن دهم به شمار آورده است.

### ۸- میر محمد اصفهانی (معز الدین)

میر معز الدین، سید محمد بن تقی الدین محمد حسینی اصفهانی. وی از شاگردان فقیه نامدار، شیخ ابراهیم قطیفی (معاصر محقق کرکی) بوده، و در تاریخ ۹۲۸، در نجف اشرف، از استاد خود اجازه ای دریافت نموده است (۳).

وی در نیمه قرن دهم، منصب صدارت (۴) داشته است (۵).

ص: ۳۸۱

۱- ریاض العلماء، جلد ۲۸۳ - ۲۸۴

۲- ریاض العلماء، جلد ۴، صفحه ۲۸۴

۳- ریاض العلماء، جلد ۱، صفحه ۱۵ و ۱۷

۴- منصبی که صاحب آن موظف بوده، در مورد تعیین تمامی مناصب دینی، از قبیل حکام شرع، قضات، مدرّسان، متولیان اوقاف و ... اقدام نماید (به فرهنگ معین مراجعه شود)

۵- احیاء الدائر من القرن العاشر، صفحه ۲۰۸

از آثار او رساله ای در باب (انفعال ماء قلیل) می باشد، که به صورت استدلالی بوده، و اعتراضات علامه حلی را بر ابن ابی عقیل رد کرده، و أدله ای به نفع قول ابن ابی عقیل آورده است(۱).

مرحوم حاج شیخ عباس قمی، در فوائد الرضویه نقل فرموده که: معز الدین محمد اصفهانی، به اسم هر یک از معصومین علیهم السلام کتابی نوشته، و به نام تحفه نامیده، مثلاً «تحفه النبی صلی الله علیه وآلهی و سلم»، «تحفه الفاطمیة علیها السلام» و هم چنین، تا به نام حضرت قائم عجل الله فرجه الشریف، و در آخر «تحفه الرضویه علیه السلام» این بزرگمرد اسامی تألیفات خود را نوشته، که بیش از پنجاه کتاب می باشد(۲).

علامه امین در اعیان الشیعه، او را علامه العلماء فی عصر الشاه عباس صفوی و الشاه طهماسب دانسته(۳)، و مرحوم قمی، درباره این بزرگمرد القابی، همانند: عالم نحیر، و فاضل جلیل، و متکلم فقیه، و قاضی اصفهان ذکر نموده، و او را از مشایخ روایتی ملاً محمد تقی مجلسی دانسته و اجازه سید محمد تقی استرآبادی را که به خط خودش برای میر معز الدین نوشته، نقل نموده، که در آن آمده است:

وَمِنَ الْمُؤَفَّقِينَ لِسُلُوكِ أَشْرَفِ السَّبِيلِينَ، أَلْسَيْدُ الْأَجَلِ الْأَفْضَلِ، وَ السَّنْدُ الْمُحَقَّقُ الْأَكْمَلُ، نَسْلُ الْعِزَّةِ الطَّاهِرَةِ، وَ سَلَالَةُ الْأَنْجُمِ  
الزَّاهِرَةِ، صَاحِبُ الْأَخْلَاقِ الرَّضِيَّةِ وَالْمَمْلَكَاتِ الْمَرْضِيَّةِ، الْجَامِعُ بَيْنَ مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ وَطَيْبِ الْأَعْرَاقِ، قُدْوَةٌ أَعْظَمُ السَّادَاتِ الْكِرَامِ  
، وَ عُنْوَانُ صَحِيفِهِ صَفَائِحُ أَفْضَلِ الْعُلَمَاءِ الْأَعْلَامِ، مُعَزُّ الدِّينِ وَ الدُّنْيَا،

ص: ۳۸۲

۱- أَلذَّرِيْعَةُ، جلد ۱۵، صفحه ۲۳۵

۲- فَوَائِدُ الرُّضَوِيَّةِ، جلد ۲، صفحه ۴۳۳

۳- أَعْيَانُ الشِّيْعَةِ، جلد ۱، چاپ جدید، صفحه ۱۲۵

الأمير الكبير، أمير معز الدين، مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي الْحَسَنِ الْمَوْسَوِي... (۱).

### داستانی جالب از مقام معنوی میر معزالدین و شیخ بهائی

میر معز الدین، یکی از ائمه اطهار علیهم السلام را در خواب دید، که او را به مداومت بر کتاب مفتاح الفلاح امر فرمودند، او پس از بیداری، شروع به تحقیق درباره مفتاح الفلاح نمود، و کسی اطلاعی نداشت، تا آن که در ملاقاتی با شیخ بهائی، استفسار نمود، شیخ بهائی فرمودند، من در مسافرت، کتابی در دعا تألیف نموده ام، و نامش را مفتاح الفلاح قرار داده ام، ولی نام کتاب را به کسی نگفته ام، و نسخه آن را به هیچ کس نداده ام (اشاره به این که شما از کجا اطلاع دارید؟) میر معزالدین جریان خواب خود را نقل نمود، و مرحوم شیخ بهائی بسیار گریه کردند، و نسخه اصل مفتاح الفلاح را به میر معزالدین دادند، و او استتخا نمود، و اولین نسخه برداری از کتاب شریف مفتاح الفلاح، به وسیله میر معزالدین انجام گرفت (۲).

### ۹- ملک محمد اصفهانی

عالم فاضل و محقق، شمس الدین، ملک محمد بن سلطان حسین اصفهانی، از علماء نیمه دوم قرن دهم هجری. وی از فقیه و محدث عظیم الشأن، علی بن منشار کرکی «معروف به علی بن هلال کرکی» (که از شاگردان مبرز محقق کرکی بوده) اجازه داشته، و در این اجازه، که تاریخ آن ۹۸۴ می باشد، و اجازه بسیار جالب و مهمی است، آمده: وَ بَعْدُ، فَإِنَّ أَعَزَّ الإِخْوَانِ عَلَيَّ وَ أَجَلَّهُمْ لَدَيَّ،

ص: ۳۸۳

۱- فوائد الرضويّه، جلد ۲، صفحه ۴۳۳

۲- ريحانه الأدب، جلد ۵، صفحه ۳۴۰

الْفَاضِلُ الْوَحِيدُ ، الْكَامِلُ الْفَرِيدُ ، النَّادِرُ فِي الْفُنُونِ الْعِلْمِيَّةِ ، مِنْ فِقْهِيَّةٍ وَحِكْمِيَّةٍ ، الْأَرْشَدُ الْأَسْبَعُ ، مَوْلَانَا ، مُعَزُّ الدُّنْيَا وَالدِّينِ ،  
مَلِكُ شَمْسِ الدِّينِ مُحَمَّدِ الْإِصْفَهَانِيِّ ... (١).

در این اجازه ، شیخ علی بن مشار ، با عباراتی صریح و قاطع ، از مقام علمی و تحقیقات ملک محمد اصفهانی تجلیل نموده ،  
و او را جامع علوم و فنون فقهی و حکمی ( عقلی و نقلی ) دانسته است .

از تألیفات ملک محمد ، یکی رساله ای است در جبر و مقابله (٢) ، و دیگری شرح رساله الحساب و الجبر و المقابله ، تألیف  
شیخ حسین بن محمد علی بهشتی اسفرائینی می باشد ، که در این شرح که به زبان عربی بوده ، به تفصیل مباحث یاد شده را  
مطرح نموده است (٣) و سوم ، رساله ای است در استخراج سهام میراث که شرح فصل سوم از مقصد سوم کتاب المیراث  
إرشاد الأذهان علامة حلی می باشد (٤).

از تألیفات یاد شده ، استفاده می شود که این دانشمند محقق ، علاوه بر علوم گوناگون نقلی ، متبحر در علوم ریاضی نیز بوده  
است .

#### ١٠- ملا مختار أعمی ، قاری اصفهانی

عالم فاضل و شاعر ادیب ، ملا مختار أعمی ، که از علماء قرن دهم و از دانشمندان علم تجوید و سایر علوم قرآن بوده  
است (٥).

ص: ٣٨٤

١- بحار الأنوار ، جلد ١٠٩ ، صفحه ٨٠

٢- الذریعه ، جلد ٥ ، صفحه ٨٨

٣- الذریعه ، جلد ١٣ ، صفحه ٢٨٤

٤- الذریعه ، جلد ١١ ، صفحه ٦٥

٥- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ٤٩٦

آثار تألیفی متعددی داشته است ، که نشانهٔ تبخّر علمی او ، مخصوصاً در علم تجوید و قرائت می باشد ، بدین قرار : ۱- دُرُج المضمین ، که منظومه ای است در ۷۲ بیت ، در علم قرائت ، که در سال ۹۴۹ تنظیم نموده (۱)، و به خاطر اهمّیت آن ، شرحهائی بر آن نوشته ، و یا سروده اند ، بدین ترتیب : الف - دُرُج نثار ، در شرح تجوید ملاً مختار ب - شرح درج المضمین از مولی محمد جعفر شریعتمدار آسترآبادی ، ج - شرح درج المضمین از مولی محمد محسن قاری ، د - بوستان (۲).

۲- مختار القراء که به نحو گسترده ، منتشر بوده ، و نسخه های فراوانی از آن تا قرن چهاردهم باقی مانده است (۳) ۳- دیوان شعر (۴).

### ۱۱- محمد بن حیدر اصفهانی ( میرکی )

وی از علماء قرن دهم می باشد ، و در سال ۹۲۸ ، از کتاب قاطعه اللجاج فی حلّ الخراج ، تألیف محقق کرکی نسخه برداری نموده است (۵).

وی تدریس می نموده ، و فرزند او أبو القاسم اصفهانی ، کتاب قاطعه اللجاج را در نزد او خوانده است (۶).

### ۱۲- شیخ یونس مفتی

عالم فاضل ، شیخ یونس ، که در اصفهان منصب إفتاء داشته ، و مفتی رسمی

ص: ۳۸۵

۱- الذریعه الی تصانیف الشیعه ، جلد ۸ ، صفحه ۵۹

۲- برای آشنائی بیشتر ، به الذریعه ، جلد ۳ ، صفحه ۱۵۵ ، و جلد ۸ ، صفحه ۱۳۹ و جلد ۱۳ ، صفحه ۲۴۲ ، و جلد ۱۸ ، صفحه ۳۸۲ مراجعه شود

۳- الذریعه ، جلد ۲۰ ، صفحه ۱۷۱

۴- الذریعه ، جلد ۹ ، صفحه ۱۰۱۷

۵- الذریعه ، جلد ۱۷ ، صفحه ۱۷

۶- احیاء الدائر من القرن العاشر ، صفحه ۲۰۷

شهر بوده است. وی از شاگردان شیخ حسین بن مفلح صیمری (صاحب کتاب المناسک «المنسک» الکبیر، و دارای مقامات عالیہ علمی و معنوی) و نیز محقق کرکی (معروف به محقق ثانی) متوفای ۹۴۰ بوده است (۱)، بنابراین، از علماء قرن دهم اصفهان محسوب می گردد.

### ۱۳- شیخ ابراهیم بن علی خوانساری اصفهانی

عالم عظیم الشأن و جلیل القدر، شیخ برهان الدین، أبو اسحاق، ابراهیم بن شیخ زین الدین، أبی الحسن، علی بن جمال الدین، أبی یعقوب، حاج یوسف بن علی خوانساری اصفهانی، که از علماء قرن دهم هجری بوده است.

صاحب ریاض العلماء، او و پدرانش را با همین القاب و کنیه ها یاد نموده (که نشان دهنده شخصیت آنها می باشد) و او را از اجماع شاگردان محقق کرکی دانسته، که شماری از کتب فقهی و غیر آن را، در نزد او خوانده است. محقق کرکی اجازه ای برای این دانشمند بزرگ نوشته بوده، در پشت کتاب کشف العمه علی بن عیسی اربلی، که تاریخ آن سال ۹۲۴، و محل نوشتن آن، مشهد مقدس امیر المؤمنین علی علیه السلام در نجف اشرف بوده است.

مرحوم محقق کرکی، در آن اجازه، از این بزرگمرد ستایش نموده، و بر او ثناء گفته است (۲).

### ۱۴- أبو القاسم اصفهانی

أبو القاسم بن محمد بن حیدر اصفهانی. وی فرزند محمد بن حیدر، مشهور

ص: ۳۸۶

---

۱- ریاض العلماء، جلد ۲، صفحه ۱۷۸ و أعیان الشیعه، جلد ۵۲، صفحه ۱۱۴

۲- ریاض العلماء، جلد ۱، صفحه ۲۶ و أعیان الشیعه، چاپ جدید، جلد ۲ صفحه ۱۹۷ و احیاء الدائر من القرن العاشر، صفحه

۲، الذریعه، جلد ۱، ص ۲۱۲



به میرکی ( از شاگردان محقق کرکی ) بوده ، و در نزد پدر خود ، کتاب قاطعه اللجاج محقق کرکی را قرائت کرده است (۱).  
مرحوم آقابزرگ طهرانی، وی را در شمار علماء قرن دهم هجری شمرده است (۲).

### ۱۵- محمد بن صدرالدین اصفهانی

وی از علماء قرن دهم به شمار رفته ، و از آثار او ، نسخه برداری از جزء پانزدهم « تذکره الفقهاء » علامه حلی می باشد ، که در تاریخ نیمه جمادی الثانیة ۹۶۰، از نوشتن آن فارغ گردیده است .

مرحوم حاج آقا بزرگ طهرانی می فرماید : يظهر من آثاره انه من العلماء (۳).

### ۱۶- شیخ رشید الدین بن ابراهیم اصفهانی

وی عالمی است فاضل ، از شاگردان شیخ حسین بن عبد الصمد ( پدر شیخ بهائی ) ، که صاحب ریاض العلماء ، نسخه ای از اربعین همین شیخ حسین را دیده ، که بر آن نسخه ، اجازه ای برای شیخ رشید الدین نوشته ، و او را ستوده است (۴). تاریخ این اجازه ، نهم جمادی الأولى سال ۹۷۱ می باشد ، و در مشهد رضوی نوشته شده است (۵).

### ۱۷- رشید الدین اصفهانی

شیخ رشید الدین بن شیخ ابراهیم اصفهانی ، عالمی فاضل بوده ، و از

ص: ۳۸۷

۱- الذریعه ، جلد ۱۷ ، صفحه ۷

۲- احیاء الدائر من القرن العاشر ، صفحه ۱۸۴

۳- احیاء الدائر من القرن العاشر ، صفحه ۲۰۸

۴- ریاض العلماء ، جلد ۲ ، صفحه ۳۱۱ و أعیان الشیعه ، جلد ۷ ، صفحه ۵

۵- الذریعه ، جلد ۱ ، صفحه ۱۸۶

شاگردان شیخ حسین بن عبد الصّمد ( پدر شیخ بهائی ) به شمار رفته ، و اجازه ای از استاد خود ( شیخ حسین بن عبد الصّمد ) دریافت نموده ، که در آن با خطّ خودش ، از رشید الدّین ، ستایش و مدح نموده است (۱).

این اجازه به تاریخ چهارشنبه نوزدهم جمادی الآلی ۹۷۱ بوده ، و در آن آمده است : بِالْأَخِ فِي اللَّهِ ، الْمَحْبُوبُ لَوَجْهِهِ ، أَلشَّيْخِ رَشِيدِ الدّين ... ، و شیخ حسین بن عبد الصّمد ، این اجازه را در پشت کتاب اربعین خود ، نوشته بوده است (۲).

### ۱۸- شیخ عنایت الله اصفهانی

وی یکی از محققین و علماء قرن دهم بوده ، و در یک مسئله که از محقق کرکی سؤال نموده ، اشکالاتی را مطرح کرده ، و محقق کرکی به اشکالات او توجه نموده ، و پاسخ داده است .

این سؤال و جواب علمی را ، شخصی به نام درویش بن عابدین ، در سال ۹۷۹ نوشته ، که نسخه آن در کتابخانه مدرسه مرحوم آیه الله العظمی بروجردی ، ( در نجف اشرف ) موجود بوده است (۳).

### ۱۹- علی بن حسن زوارهای اصفهانی ( مفسّر )

مفسّر بزرگ و نامدار ، و فقیه محدّث و عالم متبحّر ، مولی علی بن حسن زواره ای اصفهانی ، که کنیه اش أبو الحسن بوده ، و از مفاخر علماء شیعه در قرن دهم ، به شمار می رود .

وی از شاگردان مبرز محقق کرکی ، متوفای ۹۴۰ ، و استاد ملا فتح الله

ص: ۳۸۸

۱- ریاض العلماء، جلد ۲، صفحه ۳۱۱

۲- احیاء الدّائر ، صفحه ۸۷ و ریاض العلماء ...

۳- احیاء الدّائر من القرن العاشر ، صفحه ۱۷۱

کاشانی (مفسّر نامدار شیعه ، و متوفای ۹۸۸) (۱) و از بزرگترین شاگردان سید غیاث الدین جمشید زواره ای (مفسّر) بوده است (۲). او تألیفات بسیاری داشته ، که نشانه تبخّر او از یک طرف ، و توجه او به نشر آثار أهل البيت عليهم السلام در میان عموم مردم ، از طرف دیگر می باشد ، که ذیلاً ذکر می نمائیم :

۱- تفسیر زواری ، که به نام « ترجمه الخواص » می باشد ، و تفسیری است بزرگ به زبان فارسی ، و مشتمل می باشد بر اخباری که از ائمه عليهم السلام وارد شده در تفسیر قرآن ، و بیان آیات نازلّه در شأن ائمه عليهم السلام ، و نسخه جلد اول این تفسیر ، که تا آخر سوره کهف است ، در کتابخانه بشیر آغا، در اسلامبول موجود می باشد ، و نسخه جلد دوم و سوم آن ، که تا آخر قرآن است ، در کتابخانه آستان قدس رضوی ، موجود می باشد .

( تاریخ پایان تألیف و نگارش این تفسیر ۹۴۷ هجری ) می باشد (۳).

۲- شرح نهج البلاغه، به نام روضه الأنوار ۳- ترجمه کشف الغمه به نام ترجمه المناقب ۴- ترجمه مکارم الأخلاق به نام مکارم الکرائم ۵- ترجمه عُدّه الدّاعی به نام مفتاح النّجاح ۶- ترجمه احتجاج طبرسی ۷- ترجمه اعتقادات صدوق به نام وسیله النّجاه ۸- ترجمه تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام ۹- مجمع الهدی ، کتابی بوده بزرگ درباره قصص انبیاء و ائمه و احوال آنها ۱۰- تحفه الدّعوات ( در اعمال سال ) ۱۱- لوامع الأنوار ( کتابی بوده بزرگ و مشهور در میان مردم، درباره مناقب ائمه اطهار عليهم السلام ) ۱۲- رساله مرآه الصّفا ( که خاتمه آن در

ص: ۳۸۹

---

۱- احیاء الدّائر من القرن العاشر ( از حاج آقا بزرگ طهرانی ) صفحه ۱۵۲

۲- ریاض العلماء ، جلد ۳، صفحه ۳۹۴

۳- الذّریعه إلى تصانیف الشّیعه ، جلد ۴، صفحه ۱۰۰

زیارات پیامبر و حضرت فاطمه و ائمه، صلوات الله عليهم أجمعين) بوده است (۱).

## ۲۰- کمال الدین حسین (ضمیری اصفهانی)

شاعر نامدار و کثیر الشعر، کمال الدین حسین اصفهانی، متخلص به ضمیری، و ماهر در علم نجوم و رمل، و متوفای ۹۷۳ یا ۹۸۷ یا ۱۰۰۰ هجری، و مدفون در اصفهان. وی یکصد هزار شعر سروده، ولی حتی یک شعر در مدح سلاطین و قدرتمندان نگفته است، که نشان دهنده همت بلند و روح آزاد او می باشد (۲).

او را ظریفی خوش صحبت، و حریفی بلند همت، و أشعار نمکین او را، مرهم سینۀ مجروح عاشقان، و آیات شیرینش را راحت روح عارفان، دانسته و گفته اند: گویا در اصفهان، بلکه در سایر ولایات،

شاعری به فراوانی شعر او نیامده است (۳).

شش مثنوی با نامهای: ۱- ناز و نیاز، ۲- بهار و خزان، ۳- لیلی و مجنون، ۴- وامق و عذرا، ۵- اسکندرنامه، ۶- حسنه الأخبار یا جته الأخبار.

و هم چنین، هفت دیوان به نامهای: ۱- سفینه اقبال، ۲- صورت حال، ۳- مكثر الأقوال، ۴- عشق بی زوال، ۵- صیقل ملال، ۶- عذر مقال ۷- قدس خیال، از آثار او می باشد (۴).

و نیز چهار دیوان در برابر چهار اثر شیخ سعدی، به نامهای: طیبات و بدایع

ص: ۳۹۰

- 
- ۱- کتابهای یاد شده، از ریاض العلماء، جلد ۳، صفحه ۳۹۴ - ۳۹۶، و الکنی و الألقاب مرحوم قمی، جلد ۲، صفحه ۳۰۰، و ریحانه الأدب، جلد ۲، صفحه ۳۹۳ و مواضع مختلفه الدرعه نقل گردیده است
  - ۲- الدرعه إلى تصانیف الشیعه، جلد ۱، صفحه ۶۲۶
  - ۳- مجمع الفصحاء، جلد ۵، صفحه ۷۰۹
  - ۴- الدرعه، جلد ۷، صفحه ۲۶۱ و مجمع الفصحاء، جلد ۵، صفحه ۷۱۰

و خواتیم و غزلیات قدیم، فراهم آورده، و به نامهای: طاهرات و صنایع و بدائع الشعر و نهاییه السحر نامیده است، و هم چنین، در برابر آثار شعراء بزرگی هم چون: حافظ شیرازی و آصفی مروی، و بابا شهیدی قمی، و همایون آسفراینی، و میرزا شرف جهان قزوینی، و کمال خجندی، و امیر خسرو دهلوی، و حسن دهلوی، و جامی، و بابافغانی، و شاهی، و بنائی، و صالح، آثاری به وجود آورده، و هر کدام را به نامی نامیده است<sup>(۱)</sup> که نشان دهنده نبوغ و استعداد و پشتکار او می باشد. از اشعار او است<sup>(۲)</sup>

گریه من سوز و، سوزم گریه می آرد ز درد\*\*\*دردمندم، گریه و سوزم اثر دارد بسی

و از آثار او، فرهنگ ضمیری می باشد، که از مآخذ فرهنگ جهانگیری بوده است<sup>(۳)</sup>.

در فن شعر و صنعت و معماری و هنر

هرگز کسی نیافته همتای اصفهان

فرزانگان شعر و سخن رشک میبند

بر طبع شاعران توانای اصفهان

ص: ۳۹۱

---

۱- به الذریعه، ج ۹ و ۷، و مجمع الفصحاء، و سایر تذکره‌های شعراء، مراجعه شود

۲- ریحانه الأدب، جلد ۵، صفحه ۸۵

۳- الذریعه، جلد ۱۶، صفحه ۲۰۳

تو شهر راد مردان غیور کشور آرائی  
تو گنجی پر گهر ز آثار ممتاز هنرهای  
ز آرایش ، فرح بخشی و ، منظور نظرهای  
تو محبوبی ، تو مطلوبی ، تو مقبولی ، تو زیبائی  
تو بر نصف جهان ، ای اصفهان ، مشهور دنیائی  
شود پیوسته افزوده مقام و عزت و شانت  
هنوز آگهدلان ، فرخنده می دانند فالت را  
هنوز از دور می آیند و می پرسند حالت را  
دل از کف دادگان دارند امید وصال را  
مگر بینند طرف زنده رود بی مثال را  
ستایش می کند گیتی ، جمالت را ، کمالت را  
هنوز آید به گوش ، آواز مردان سخندان  
همیشه سربلند ، ای اصفهان بادا ، لوای تو  
همیشه روح بخش و جانفزا بادا ، هوای تو  
تو زینت بخش ایران عزیزی ، جان فدای تو  
تو باقی باش ، چون باشد بقای ، من بقای تو  
مبادا بی نوا گردی ، که می گوید ( نوای تو)  
بود دست توانای هنرمندان نگهبانت







از زمینه های تجلی عظمت و گستردگی حوزه علمی شیعه در اصفهان ، وجود خاندانهای علمی بسیار می باشد ، که در طول تاریخ درخشان این شهر ، مهد پرورش چهره های برجسته ، در عالم تحقیق و تدریس و تالیف و مرجعیت علمی و دینی بوده است ، و لذا ما، در یک بررسی فشرده ، نمونه هایی از خاندانهای علمی و بزرگ شیعه را در اصفهان ، مورد توجه قرار داده ، و به ترتیب حروف الفباء، از آنها یاد می نمائیم:

### ابطحی اصفهانی

این خاندان در حوزه های علمی قم و نجف اشرف و ... ، با عنوان « ابطحی اصفهانی » و در زبان عموم مردم ، با عنوان « ابطحی » شناخته می شوند ، ولی به مناسبت نام فامیل این خاندان ، که عنوان « موحد ابطحی » است ، بحث در باره این خاندان را به حرف ( میم ) ماکول می نمائیم .

### ۱- خاندان علمی ابطحی سیدی

از خاندانهای علمی اصفهان ، که مهد پرورش علماء و مجتهدین بزرگوار و خطباء و ائمه جماعت بوده است ، خاندان ابطحی می باشد ، که به مناسبت اصل آنها که از ( سیده ) ( خمینی شهر فعلی ) بوده ، ابطحی سیدی خوانده می شوند ، و این خاندان غیر از خاندان موحد ابطحی ( خاندان نویسنده این سطور ) می باشد ، که از دیر زمانی در شهر اصفهان زندگی می کرده اند . اینک چهره هایی از خاندان ابطحی سیدی مورد توجه قرار میگیرد :

فقیه و مجتهد محقق، و مدرّس و مربّی عالیقدر، حاج سید محمد باقر ابطحی سیدھی، متوفای ۱۳۶۷ قمری. وی از شاگردان حاج شیخ محمد تقی نجفی و آقا سید محمد باقر درچه ای و آخوند کاشی و دیگر بزرگان می باشد، و حوزه درسی او، محلّ پرورش طلاب و فضلاء عالیقدر بوده، و جمعی از علماء دوره متأخر، از جمله شاگردان آن بزرگمرد بوده اند، و ایشان، در مدرسه صدر بازار و مدرسه کاسه گران تدریس می نموده اند(۱).

معظم له، بیانی رسا و روح تحقیق داشته اند، و از مجتهدین بزرگوار بوده، و در سنّ ۲۴ سالگی اجازه اجتهاد از مرحوم آقا میرزا محمد هاشم چهارسوقی، دریافت نموده، و دارای فرزندان از اهل علم و تدریس و خطابه بوده اند، و در سفر به مشهد مقدّس، رحلت فرموده، و در جوار حضرت امام علی بن موسی الرضا علیه السلام مدفون گردیده اند.

ب - حاج سید أبو القاسم سیدھی اصفهانی

عالم فاضل و نویسنده متبّع، و واعظ متبحر، حاج سید ابو القاسم سیدھی، متوفای ۱۳۲۹ قمری، که در مکه معظمه، دار دنیا را وداع گفته(۲) و در قبرستان حضرت اُبی طالب علیه السلام مدفون گردیده است. وی تألیفات بسیاری داشته، همانند: ۱- بدایع الأخبار ۲- بشاره الأبرار ۳- برهان الرّساله ۴- حسام الشّیعه (در اثبات إمامت امیر المومنین علیه السلام) ۵- خصائص الأیام ۶- دلائل الرّبویّه ۷- لمعات الأنوار ۸- نفائس الأخبار ۹- مشکوه الأنوار، که نشان دهنده تبخّر

ص: ۳۹۶

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۱۸۳

۲- نقباء البشر، جلد ۱، صفحه ۷۲

آن بزرگمرد در زمینه حدیث و کلام و عقائد و تاریخ می باشد، مرحوم حاج سید ابوالقاسم ابطحی سیدھی، برادر مرحوم آیه الله، حاج سید محمد باقر ابطحی سیدھی بوده(۱) و آن بزرگمرد، در شهر تهران سکونت داشته اند.

ج - حاج سید محمد علی ابطحی سیدھی

مجتهد محقق، و مؤلف کثیر الاثر، مرحوم حاج سید محمد علی ابطحی سیدھی، فرزند آقا سید مهدی حسینی، و متوفای ۱۳۷۱ قمری. وی از شاگردان آقا شیخ مرتضی ریزی و آقا سید محمد باقر درجه ای و جهانگیر قشقائی و دیگر بزرگان حوزه علمیه اصفهان بوده، و در حدود پنجاه کتاب و رساله پیرامون فقه و اصول و کلام...، تألیف نموده (۲)، و آن بزرگمرد، در زمینه فقه و اصول و تفسیر، حوزه تدریس داشته است.

علاوه بر یادشدگان، جمعی دیگر از علماء جلیل القدر، در این خاندان نشو و نما یافته اند، همانند: حاج آقا دهی بزرگ ( حاج سید محمد رحیم سیدلی، متوفای ۱۳۳۷ قمری) و حاج میرزا سید محمد ( حاج آقا سیدھی دوم، مدرس مدرسه کاسه گران و مدفون در صحن نو مشهد مقدس)، که از مفاخر این خاندان و از چهره های مبرز جامعه روحانیت اصفهان به شمار می روند.

## ۲- خاندان علمی ازه ای

خاندانی است علمی، که در طول دو قرن، علماء و دانشمندان متعددی را به جامعه شیعه عرضه داشته، و مهمترین آنها، فقیه متکلم، و محقق متبحر، ملا علی

ص: ۳۹۷

---

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۱۸۳

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۱۸۵

أكبر اژه ای ، متوفای ۱۲۳۲ قمری می باشد . وی در مسجد علی ، واقع در خیابان هاروتیه ( در جوار امامزاده هاروتیه ) که از مساجد تاریخی و باستانی اصفهان می باشد ، تدریس می نموده ، و إمامت جماعت داشته است ، و تألیفات متعددی ( در حدود ۱۶ عدد ) از خود به جای گذاشته ، که مهمترین و معروفترین آنها ( زیده المعارف ) است ، که در علم کلام و عقاید تألیف گشته (۱) و نشانه قدرت اندیشه و وسعت تفکر آن محقق عالیقدر می باشد ، و بسیار مفصل و طولانی است . صاحب أعیان الشیعه و مرحوم قمی ، آن بزرگمرد را با عناوین : عالم فقیه ، و متکلم واعظ ، و عابد متعهد ، و مرتاض کثیر الزهد و العباده ، و قلیل الأکل و الرّاحه ، ستوده اند (۲).

فرزند آن بزرگوار ، به نام ملا عبد الله اژه ای ، متوفای ۱۲۶۵ قمری ، عالمی محقق و مورد توجه بوده (۳) و از خاندان آن عالم متبحر ، علمائی برخاسته اند ، همانند : مرحوم حاج میرزا حسین اژه ای ، متوفای ۱۳۸۳ قمری ، که شخصیتی بارز و مورد توجه بوده ، و نیز عده ای دیگر ، که در کتاب دانشمندان و بزرگان اصفهان صفحه ۴۳۹ ، از برخی از آنها یاد شده است .

### ۳- خاندان علمی امامی

خاندان علمی ریشه داری است ، که نسب آنها به امامزاده لازم التّعظیم ، أبو الحسن ، زین العابدین ، علی بن نظام الدّین أحمد بن .... علی العریضی ، بن الإمام

ص: ۳۹۸

۱- ألدّریعه إلی تصانیف الشّیعه ، جلد ۱۲ ، صفحه ۳۲ - ۳۳

۲- فوائد الرّضویّه ج ۱ ، صفحه ۲۷۴ ، و أعیان الشّیعه ، چاپ قدیم ، ج ۴۱ ، ص ۸۵

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۴۳۹

جعفر الصادق علیه السلام می رسد (۱).

شخصیت یاد شده، از بزرگان سادات و محدّثین بوده، و در محلّی که به نام «درب إمام» خوانده می شود (واقع در نزدیکی مسجد تاریخی سعید بن جبیر، و محلّه و قبرستان سنبلان یا چملان) مدفون گردیده، و در دوره های قبل از صفویّه، بقعه و مزاری برای آن بزرگوار و امامزاده دیگری به نام، ابراهیم طباطبا، تأسیس گشته است (۲) و در دوره صفویّه تکمیل و توسعه یافته، و کاشی کاریهای مفصّل شده، و به صورت یکی از مزارات مهم و مورد توجه در آمده است، و از ساختمانهای باستانی و تاریخی و بسیار ارزشمند به شمار می رود. در کتابهای «گنجینه آثار تاریخی اصفهان» و «آثار ملی اصفهان» به تفصیل درباره این مجموعه ارزشمند بحث شده است (۳).

در خاندان یاد شده، که عمده با نام «إمامی العریضی» و «درب إمامی» و «فقیه إمامی» خوانده می شوند، چهره های برجسته و ارزشمندی، در طول چند قرن گذشته، قدم در عرصه حوزه علمیه گذارده اند، که ذیلاً به برخی از آنان اشاره می نمائیم:

الف - سید علی امامی العریضی اصفهانی

فقیه حکیم، و محقق بزرگوار، سید علی امامی عریضی اصفهانی، متوفای

ص: ۳۹۹

۱- میزان الأنساب از مرحوم آقا میرزا محمّد هاشم چهارسوقی، دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۳۱۸، رجال اصفهان صفحه ۱۸۷ و آثار ملی اصفهان، صفحه ۷۶۵

۲- بعضی از کتیبه های موجود در ساختمان امامزاده حاکی است، از این که ساختمان بقعه، متعلق به دوره سلطنت امیر جهانشاه می باشد، و در سال ۸۵۷ قمری انجام گرفته است

۳- در بخش «امامزادگان اصفهان» در باره این امامزاده، به تفصیل بیشتری بحث نموده ایم

۱۱۲۰ قمری ، که از شاگردان محقق نامدار ، آقا حسین خوانساری و علامه مجلسی بوده ، و جامع معقول و منقول به شمار رفته است (۱). وی تألیفات برجسته ای ، همانند : « التراجیح » ( که کتاب بزرگی در چند مجلد در فقه بوده ) (۲) و ترجمه اشارات ، و ترجمه شفاء بوعلی سینا ، و هشت بهشت ( که ترجمه هشت کتاب مهم از مصادر حدیث است ) و ... داشته ، و در کتابهای اعیان الشیعه ، ریحانه الأدب ، روضات الجنات ، دانشمندان و بزرگان اصفهان ، علامه مجلسی بزرگمرد علم و دین و ... ، مورد تجلیل فراوان قرار گرفته است .

جدّ سید علی عریضی ، به نام میر ابوطالب امامی ، در علم و حکمت بر اقران خود مقدم بوده ، و تولیت شرعی امام زاده درب امام بر عهده او بوده ، و از علماء دوره شاه طهماسب صفوی به شمار رفته است .

ب - آقا سید محمد درب امامی

وی ، فرزند آقا سید عبد الباقی ، و از علماء معمر و مشهور به زهد بوده ، و در سال ۱۳۵۹ قمری وفات یافته ، و در قبر آقا میرزا محمد باقر پیش نماز ( امام جماعت جامع عباسی = مسجد شاه ) که از اجداد مادری او بوده ( در تکیه آقا رضی ) مدفون گردیده است . او مدرّس فقه و اصول در مدرسه نیم آور بوده است . این بزرگمرد ، مدرّس فقه و اصول در مدرسه نیم آور بوده اند .

ج - حاج آقا عطاء الله فقیه امامی

عالم فقیه ، و مدرّس حسیب ، مرحوم آیه الله ، حاج آقا عطاء الله فقیه امامی

ص: ۴۰۰

---

۱- علامه مجلسی بزرگمرد علم و دین ، صفحه ۳۴۳

۲- آشنائی با حوزه های علمیّه شیعه ، جلد ۱، صفحه ۳۸۱

(فرزند آقا سید محمد درب امامی) ، متوفای ۱۳۸۷ قمری ، که از شاگردان شخصیت‌های علمی و بزرگی ، همانند : آقا شیخ محمد رضا مسجد شاهی ، و آقا سید محمد باقر درچه ای ، و آقا سید مهدی درچه ای ( در حوزه اصفهان ) و نیز از شاگردان بزرگان فقه و اجتهاد، همانند : آقا ضیاء الدین عراقی ، و آقا سید محمد فیروز آبادی ، و آقا سید ابو الحسن اصفهانی و ... ( در حوزه نجف ) بوده، و به مقام منبع اجتهاد رسیده اند ، و از آقا شیخ محمد رضا مسجد شاهی ، و آقا ضیاء الدین عراقی ، و حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی ، و آقا سید ابو الحسن اصفهانی ، مفتخر به دریافت اجازه اجتهاد گردیده اند .

معظم له ، در مدرسه نیم آور ، تدریس فقه و اصول و دیگر علوم حوزوی می نموده اند ، و شخصیت تقوایی و اخلاقی آن بزرگمرد ، از مفاخر حوزه علمیة اصفهان ، و موجب تقویت شوکت دین در جامعه به شمار می رفته است .

د- ه - دو خطیب نامدار

دو خطیب نامدار و مورد توجه از خاندان امامی العریضی ، مرحوم میر محمد حسین امامی ، ملقب به « قوام المحدثین » متوفای ۱۳۴۶ قمری ، و فرزند برومند ایشان ، حاج سید ابوالفضل ملقب به « مشکوه الواعظین » متوفای ۱۳۹۲ قمری ، که در عالم وعظ و خطابه درخشیده اند ، و از چهره های مشهور و مورد توجه این خاندان ، در شهر اصفهان به شمار می روند .

وز - دو چهره معاصر

دو شخصیت برجسته حوزه علمیة اصفهان ، در دوره اخیر ، العَلَمَین الحَبَّتین

ص: ۴۰۱

الایتین ، آقای حاج سید احمد فقیه امامی (۱) و آقای حاج سید حسن فقیه امامی ، دو فرزند گرانقدر مرحوم آیه الله ، حاج آقا عطاء الله فقه امامی ، که استادی عالیقدر در حوزه علمیه ، و پیشوائی پرکوش در سنگر هدایت دینی در جامعه ، و مدافعی پرتلاش در دفاع از حریم مکتب ولایت و امامت می باشند و در حفظ و گسترش ارزشهای حوزه ای ، و سرپرستی و تربیت طلاب علوم دینی ، نقش اساسی بر عهده دارند، و در طول سی سال اخیر ، خدمات کم نظیری را نسبت به حوزه علمیه اصفهان و تشیع و ولایت ، و حفظ ارزشهای دینی ، عرضه نموده اند (۲).

#### ۴- خاندان علمی که ( آل ترکه )

یکی از خاندانهای علمی برجسته شیعه ، که در طول چندین قرن ، در شهر اصفهان به علم و دانش و قضاوت و تدریس و پیشوائی دینی اشتغال داشته اند ، خاندان ترکه ( آل ترکه ) می باشند .

جد آنها در زمان خوارزمشاهیان یا سلجوقیان ، از خُجند (۳) به اصفهان

ص: ۴۰۲

۱- در تاریخ دهم جمادی الثانیة ۱۴۱۴ قمری ، جامعه با ایمان و ولایت اصفهان و حوزه علمیه ، به غم ارتحال این بزرگمرد دچار گردید ، و هم اکنون که مراحل چاپ کتاب انجام می شود ، ( سال ۱۴۱۷ قمری ) شهر و حوزه علمیه اصفهان ، در چهارمین سال ارتحال و فقدان این بزرگمرد به سر می برد

۲- در بخش های « مدارس علمیه اصفهان » ، « کتابخانه های اصفهان » ، « مدرّسین حوزه علمیه » نیز درباره دو شخصیت یاد شده ، بحث و بررسی داریم ، و در کتابی مستقل به نام « یادواره آیه الله فقیه امامی » در باره خاندان امامی و آثار و خدمات علمی و اجتماعی دو چهره معاصر این خاندان ، بحث و بررسی مفصل نموده ایم

۳- خجند ، یکی از شهرهای جمهوری ازبکستان ، در کنار سیحون می باشد ، و مرکز و پایتخت آن محسوب میشود (فرهنگ معین ) ، از شهرهای ماوراء النهر و در کنار سیحون می باشد ( لغتنامه دهخدا )



آمد (۱) و سکونت نمود، و از نسل او در این شهر، دانشمندانی بزرگ پدیدار گردیدند، همانند:

الف - صائن الدین، علی بن محمد ترکه

معروف به «صائن اصفهانی» متوفای ۸۳۰ یا ۸۳۵ یا ۸۳۶ هجری. او به نوشته ریحانه الأدب، سید بوده، و از معروف ترین چهره های علمی آل ترکه و جامع معقول و منقول و علوم غریبه بوده، و از مشاهیر حکماء به شمار می رود و در اصفهان تدریس می کرده است.

وی تألیفاتی، همانند: أسرار الصلوه، و شرح فصوص الحکم، و شرح قصیده ابن فارض، و مفاحص، و نفثه المصدور و شرح نهج البلاغه، و تمهید القواعد و ... داشته است.

ملک الشعراء بهار، ۲۹ جلد از تألیفات او را بر می شمرد، و در عموم کتب تراجم و رجال و دائره المعارف ها، مورد تجلیل قرار گرفته است.

ب - خواجه افضل الدین، محمد صدر

خواجه افضل الدین ترکه اصفهانی، شهید در ماه رمضان ۸۵۰ هجری (به امر شاهرخ). وی، از قضات و دانشمندان بزرگ شیعه و اصفهان بوده، و کتاب ملل و نحل شهرستانی را ترجمه نموده، و شبهات ملل باطله را دفع نموده،

ص: ۴۰۳

---

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۱۹، و در ریحانه الأدب، جلد ۲، صفحه ۱۶۶ آمده است: خانواده ای است بزرگ و ترکی زبان، از شهر خجند ترکستان، که از عهد مغول تا دوره صفویه، در اصفهان از خانواده های معروف و محترم به شمار می رفت

و مجموع ترجمه و مطالب اضافی و تحقیقات شخصی خود را به نام «تَنْقِيحُ الْأَدْلَةِ وَالْعِلَلِ» فی ترجمه کتاب الملل و النحل ، نامیده است . صاحب روضات ، او را با عنوان فاضل حکیم می ستاید (۱) و در ریحانه الأدب ، فعالیت علمی او در زمینه ترجمه و تألیف یاد شده در فوق ، خدمت بزرگی به علم و ادب و دین و مذهب ، به شمار آمده است (۲).

ج - صدر الدین محمد

که از علماء و شخصیت های قرن هفتم هجری ، و معاصر با خواجه رشید الدین فضل الله ، بوده است ، از نامه خواجه رشید الدین به صدر الدین محمد ، در مورد طریقه احسن برای وضع مالیات دیوانی بر مردم اصفهان ، و هم چنین مکتوب او در مورد وصیت نامه و تقسیم املاک خواجه رشید الدین ، موقعیت برجسته اش ، در آن زمان به دست می آید (۳).

د- ضیاء الدین علی ترکه

وی ، عالمی ادیب و شاعری مورد توجه بوده است ، و مرحوم شیخ بهائی در کتاب «کشکول» یک رباعی از او نقل می کند .

ه- افضل الدین محمد

متوفای ۹۹۱ در شهر ری، وی معاصر شاه طهماسب صفوی، و شاعر و ادیب و نیز قاضی رسمی شهر اصفهان بوده است .

ص: ۴۰۴

---

۱- روضات الجنات ، صفحه ۵۹

۲- ریحانه الأدب ، جلد ۲ ، صفحه ۱۶۵

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۲۱ و دائره المعارف تشیع جلد ۱ ، صفحه ۱۵۴

و - خواجه حبیب الله تُرکه

ز - جلال الدین محمد تُرکه

وی ، از دانشمندان خاندان ترکه ، و معاصر شاه عباس کبیر بوده است .

ح - ملا مظفر ترکه

او شاعری ادیب ، و منشی شاه عباس ثانی بوده است ، و صاحب کتاب « قصص الخاقانی » ، او را از نبیره های خواجه افضل الدین محمد ( قاضی شهر اصفهان ) شمرده ، و او را مردی ظریف و بذله گو دانسته است (۱).

### ۵- خاندان علمی تویسرکانی

از خاندانهای علمی اصفهان ، که به جهت علم و دانش و تقوی و سیادت و شخصیت های برجسته آن ، مورد احترام و توجه مؤمنین بوده ، خاندان تویسرکانی می باشد ، که در برگیرنده چهره های مبرزی بوده است ، بدین شرح :

الف - حاج میرزا عبد الغفار تویسرکانی

فقیه مجتهد و مؤلف محقق ، حاج میرزا عبد الغفار تویسرکانی ، متوفای ۱۳۱۹ قمری ، که از شاگردان آقا میر سید حسن مدرّس و حاج ملا حسینعلی تویسرکانی (۲) و هم درس و رفیق آقا میرزا محمد باقر (صاحب روضات

ص: ۴۰۵

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۵۴۸

۲- مرحوم حاج میرزا عبد الغفار ، از سادات و ذراری رسول صلی الله علیه و آلهی و سلم می باشند ، و مرحوم حاج ملا حسینعلی تویسرکانی (که از مراجع تقلید و دارای ریاست علمی و زعامت دینی در حوزه علمیه و شهر اصفهان بوده اند. و تالیفات زیاد و پر اهمیتی داشته اند) دارای انتساب نسبی به رسول الله صلی الله علیه و آلهی و سلم نبوده اند ، و به همین دلیل از یک خاندان نمی باشند

الجَنّات) بوده، و از مرحوم تویسرکانی و صاحب روضات اجازه داشته است. این بزرگمرد، در تألیف روضات الجنّات، مشوّق و همکار مرحوم آقا میرزا محمّد باقر ( مؤلّف کتاب ) بوده است (۱).

مرحوم تویسرکانی، به نوشته مرحوم گزی، در ( تذکره القبور ) جامع معقول و منقول بوده، و به نوشته حاج آقا بزرگ طهرانی، تألیفاتی، همانند: کشکول بزرگی به نام « الجراب » و کتاب « جواهر المعارف » و ...، داشته است. وی، سرسلسله خاندان علمی بوده، و به احترام او تکیه و بقعه تویسرکانی در تخت فولاد تأسیس گشته است.

ب - حاج میرزا محمّد باقر تویسرکانی

وی، از علماء و محترمین اصفهان، و مجتهد و زاهد بوده (۲) و فرزند حاج میرزا عبدالغفار ( مذکور در فوق ) می باشد. از استاد‌های بزرگوار، همانند: پدر خود و حاج میرزا بدیع درب امامی و آخوند کاشی و آقا سیّد محمّد باقر درچه ای، بهره علمی گرفته، و تألیفاتی، همانند: حواشی بر شرایع، حواشی بر شرح لمعه و مآثر آلباقریّه ( در چندین جلد، در فوائد رجالی و متفرّقات ) و ...، از خود به جای گذاشته و در سال ۱۳۷۴ قمری وفات یافته است.

ج - حاج میرزا أبو الحسن تویسرکانی

وی، از علماء محترم و محبوب و مورد توجه بوده، و همانند برادر خود ( حاج میرزا محمّد باقر، مذکور در فوق ) در مسجد مهم و معروف حاج محمّد

ص: ۴۰۶

---

۱- نقباء البشر، جلد ۳، صفحه ۱۱۴۷

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۱۸۱

جعفر آواده ای، إقامة جماعت می نموده، و در سال ۱۳۸۳ قمری وفات یافته، و همانند برادر خود، در تکیه تویسرکانی ( تکیه پدر بزرگوارشان ) مدفون گردیده است(۱).

## ۶- خاندان علمی جزائری

از خاندانهای علمی بزرگ و گسترده ای که در طول چهار قرن، مهد پرورش علماء بزرگ، و مجتهدین عالیقدر و محققین و نویسندگان بزرگ بوده، و اعضاء آن، در کشورهای مختلف، همانند: ایران و عراق و هند، و شهرهای گوناگون، همانند: اصفهان، اهواز، شوشتر، قم، تهران، مشهد و ...، زندگی نموده، و به فعالیت های گوناگون علمی، از قبیل: تدریس، افتاء، تألیف و تحقیق، سخنوری، امامت جماعت، تبلیغ احکام و ... می پرداخته اند، خاندان پر آوازه و مشهور جزائری می باشد، که منسوب و مفتخر به بزرگمرد عالم فقه و حدیث، نابغه عظیم الشان، سید نعمت الله جزائری بوده و هستند، و برخی از شاخه های این خاندان، با نامهای دیگری نامیده می شوند.

شاخه ای از این خاندان، در شهر اصفهان زندگی کرده، و در حال حاضر عده ای از وابستگان آن، به کوشش های علمی و دینی مشغولند.

و اینک چند چهره از بزرگان این خاندان، که در شهر اصفهان اقامت و فعالیت علمی و دینی داشته اند، ذکر می گردد:

الف - محدث جزائری سر سلسله خاندان بزرگ جزائری، محدث و رجالی عظیم الشان، ادیب

ص: ۴۰۷

و محقق جلیل المرتبه ، فقیه و مفسّر کریم النفس ، مرحوم سید نعمت الله جزائری متوفای ۱۱۱۲ قمری می باشد ، که در حوزه های گوناگون ، همانند : شیراز و اصفهان تحصیل علم نموده است ، و استاد هائی ، همانند : سید هاشم بحرانی ، فیض کاشانی ، محقق خوانساری ، محقق سبزواری ، میرزا رفیعای نائینی ، علامه مجلسی و ... داشته ، و خود او ، استاد بزرگ و صاحب حوزه درسی پر برکت ، در شهرهای اصفهان و شوشتر بوده ، و مدرسه خالصیه اصفهان ، به احترام و به جهت تدریس آن بزرگمرد ساخته شده (۱) و از زعمای بزرگ دینی و اجتماعی ، و از پرچمداران بزرگ علمی و تربیتی ، به شمار می رود .

محدث جزائری ، تألیفات بسیار زیاد و متنوع و ابتکاری در زمینه های فقه ، حدیث ، اخلاق ، تراجم و رجال ، نحو و ... ، از خود به جای گذارده ، که نشانه تحقیق ، ابتکار ، حسن سلیقه ، ذوق لطیف و عواطف نیرومند دینی و انسانی آن بزرگمرد می باشد ، و بعضاً از شهرت بسیار زیادی برخوردار است ، و شمار آنها به بیش از پنجاه تألیف می رسد ، و بعضاً ، در چندین مجلد می باشد (۲).

خاندان علمی سید جزائری ، که در میان آنها : فیلسوف ، فقیه ، متکلم ، مفسّر ، اصولی ، محدث ، رجالی ، ادیب ، خطیب ، شاعر و ... فراوان بوده ، از آثار باقیه آن بزرگمرد الهی ، محسوب می گردد .

هر کدام از صاحبان تراجم ، و نویسندگان دائره المعارف ها ، در آثار بزرگ خود ، همانند : أمل الأمل ، ریاض العلماء ، روضات الجنّات ، أعیان الشیعه ، ریحانه الأدب ، فوائد الرضویّه ، الکنی و الألقاب ، لغتنامه دهخدا ، فرهنگ معین

ص: ۴۰۸

---

۱- درباره مدرسه خالصیه ، در بخش « معرفی مدارس اصفهان » ، بررسی داریم

۲- نابغه فقه و حدیث ، صفحه ۲۲ تا ۸۸

و ... ، درباره شخصیت علمی و آثار سید جزائری بحث نموده اند ، و نیز شرح

حال جالب و مفصّلی از آن نابغه بزرگ ، در آخر انوار نعمانیّه ( به قلم خود آن بزرگمرد ) منتشر گردیده ، و هم چنین یکی از اُحفاد دانشمند و محقق ایشان ، به نام « سید محمّد جزائری » کتابی به نام ( نابغه فقه و حدیث ) تألیف و منتشر نموده ، و به تفصیل در مورد آثار علمی و اجتماعی محدّث جزائری بحث کرده ، و در کتابی دیگر به نام شجره مبارکه ( که جلد اول آن به چاپ رسیده و در معرفی اولاد و اُحفاد و دودمان سید نعمت الله جزائری ، بحث کرده ، که مجموعاً منابع جالبی برای آشنائی با عظمت چهره نورانی آن پیشوای بزرگ می باشد .

ب - سید محمّد شفیع شوشتری

فقیه و رجالی فاضل ، مدرّس و مؤلف زاهد ، آقا سید محمّد شفیع بن سید محمّد شوشتری ، متوفای ۱۲۷۴ قمری . وی از اُحفاد سید جزائری بوده ، و از شوشتر برای تحصیل علم به اصفهان آمده ، و از محضر بزرگانی همچون حاج محمّد ابراهیم کرباسی و سید شفتی بهره برده ، و پس از نیل به کمالات علمی ، خود ، به درس و بحث و تحقیق و تألیف پرداخته است .

از تألیفات و آثار قلمی او ، یکی حواشی بر شرح کبیر (ریاض المسائل ) در چندین مجلّد ، که بسیار مفصّل بوده ، و تا آخر کتاب صلوه رسیده ، و دیگری رساله ای در منجزات مریض ، و سوّمی ، حواشی بر کتاب نقد الرجال تفرشی ، و هم چنین فوائد متفرّقه ای در رجال ( که فراوان بوده است ) یاد کرده اند ، و کتابخانه ای داشته ، دارای اهمّیت ، که در پشت اوائل و اواخر بسیاری از کتابهای آن ، فوائد نافعهای ، به خطّ او و فرزندش آقا سید محمّد ( مذکور در

ص: ۴۰۹

ذیل) ثبت شده بوده است(۱). مرحوم آقا سید محمد شفیع جزائری، در صحن تکیه مرحوم آقا حسین خوانساری، مدفون می باشد(۲).

ج - آقا سید محمد جزائری

عالم فاضل و مدرس زاهد، آقا سید محمد جزائری، فرزند آقا سید شفیع، و متوفای ۱۳۲۲ قمری، و مدفون در تکیه شهسپانی. وی به نوشته مرحوم آخوند گزی در تذکره القبور، مدرس و مطلع بر فقه و رجال، و از علماء گوشه نشین بوده است(۳) و چندین کتاب با خط خوب در زمینه رجال و غیر آن به دست خود نوشته بوده، و استنساخ کرده، که در پشت بسیاری از آنها تاریخ وفات بعضی از علماء را نوشته بوده است(۴).

چنانچه قبلاً اشاره نمودیم، علاوه بر یادشدگان، (در طول زمان) عدّه دیگری از احماد مرحوم سید جزائری در شهر اصفهان، به کوششهای علمی و دینی و تبلیغی اشتغال داشته و دارند.

#### ۷- خاندان علمی حافظ ابو نعیم اصفهانی

این خاندان، از خاندانهای علمی قدیمی اصفهان می باشد، که از سلسله های فضل و ادب و ریاست و ارباب اجازات به شمار رفته اند(۵) و از ذریه عبد الله بن

ص: ۴۱۰

- ۱- مکارم الاثار، جلد ۲، صفحه ۴۰۹، و شجره مبارکه، جلد ۱، صفحه ۱۰۷
- ۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۳۷۰ و سیری در تخت فولاد، ص ۱۱۰
- ۳- تذکره القبور (رجال اصفهان)، صفحه ۹۲
- ۴- مکارم الاثار، جلد ۲، صفحه ۴۱۰
- ۵- دائره المعارف تشیع، ج ۱، ص ۱۶۱ - زندگینامه علامه مجلسی ج ۱، ص ۳۳۰ - ۳۳۱



أحمد بن اسحاق بن موسى بن مهران (۱)، (که از بزرگان علم حدیث بوده) هستند، و نسب خاندان مجلسی (علاّمه ملاً محمّد باقر) به همین خاندان می رسد (۲).

بزرگترین چهره علمی این خاندان، محدّث فقیه و مورّخ نامدار، حافظ أبو نعیم، أحمد بن عبد الله بن أحمد بن اسحق بن موسى بن مهران اصفهانی، متولّد ۳۳۶ و متوفّای ۴۳۰ هجری (۳) می باشد، و کتابهای بسیار ارزشمندی تألیف نموده، از قبیل: حلیه الأولیاء، ذکر أخبار أصفهان، ذکر المهدي و نعوته، منازل من القرآن فی أمير المؤمنین علیه السلام و...، که از منابع معتبر به شمار می رود. حافظ أبو نعیم، به صورت تقیه زندگی می کرده، و از خُلصین و مفاخر شیعه است، و ما، در بخش (نامدارنی بزرگ از چهره های علمی و ادبی شیعه در اصفهان) از این بزرگمرد علم و دین، با تفصیل بیشتری یاد نموده ایم، به آنجا مراجعه شود.

### ۸- خاندان علمی حسین آبادی (آقا میرزا محمّد جواد)

از خاندانهای علمی و مبرز اصفهان در قرن چهاردهم، خاندان علمی آقا میرزا محمّد جواد حسین آبادی است، که ذیلاً به چهره های درخشانی از این خاندان اشاره می نمائیم:

الف - آقا میرزا محمّد جواد حسین آبادی

سرسلسله خاندان، فقیه و مجتهد عظیم الشان، آقا میرزا محمّد جواد حسین آبادی، متوفّای ۱۳۱۲ قمری می باشد، که از شاگردان فقیه نامدار شیعه، آقا

ص: ۴۱۱

---

۱- مهران اولین کسی است که از اجداد اَبی نعیم، اسلام اختیار کرده است (روضات الجنّات جلد ۱، صفحه ۲۷۳)

۲- دائره المعارف تشیع، جلد ۱، صفحه ۱۶۱

۳- الفیض القدسی چاپ شده در جلد ۱۰۵ بحار الأنوار، صفحه ۱۰۹

شیخ محمد حسن نجفی (صاحب جواهر الکلام) بوده، و از آن بزرگمرد اجازه اجتهاد داشته است (۱) و هم چنین مفتخر به کسب اجازه از شیخ اعظم أنصاری بوده است (۲). تألیفات آن بزرگوار در زمینه فقه و اصول و تاریخ و ...، متعدد می باشد، همانند: الزیاحین (در فقه استدلالی) و کنوز اللئالی (در اصول فقه) و بحر البکاء و بساتین الزیاحین و سراج الوهیاج، و چندین اثر دیگر.

وی، مدت چهارده سال در تهران اقامت داشته، و در مسجد سراج الملک، امامت و تدریس می نموده، و سالهائی در اصفهان به فعالیت علمی و درسی اشتغال داشته، و در تخت فولاد مدفون گردیده است.

ب - آقا شیخ أحمد بید آبادی

فقیه جامع و مجتهد کامل، آقا شیخ أحمد بید آبادی، متوفای ۱۳۵۷ قمری، فرزند آقا میرزا محمد جواد (مذکور در فوق). وی از جمله کسانی است که در حدود سن بلوغ و یا قبل از آن، به اجتهاد رسیده اند (۳).

وی از شش نفر از علماء بزرگ، همانند: صاحب روضات و آقا میرزا محمد هاشم چهارسوقی و پدرش (که استاد او نیز بوده اند) و ...، اجازه اجتهاد داشته و رسائلی در فقه و اصول از تقریرات دروس اساتید خود نوشته، و به کثرت علم و فضل و زهد، مشهور بوده، و در مدرسه میرزا مهدی تدریس می نموده است.

ص: ۴۱۲

---

۱- نقباء البشر، جلد ۱، صفحه ۳۲۱

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۱۱۷

۳- یاد نامه شهید شاه آبادی، صفحه ۸ و دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۱۱۸ و ریحانه الأدب، جلد ۳، صفحه ۱۶۷، البته در صفحه ۹۳ نقباء البشر آمده است: بَلَغَ رُتْبَهُ الْإِجْتِهَادِ قَبْلَ بُلُوغِ الثَّلَاثِينَ مِنْ عُمُرِهِ وَ ذَلِكَ لِدُكَايَةِ وَفَطْتِنَةِ

آن بزرگمرد، در اثر حافظه قوی و ذکاوت عجیب، احاطه کاملی بر فروع فقهیه داشته، و دعاهاى طولانى، همانند: دعای ابوحمزه ثمالی را به طور تقطیع در قنوت نافله ها، با صدای جذابی می خوانده است(۱).

مرحوم آقا شیخ احمد بیدآبادی، پنج فرزند پسر از خود برجای نهادند، که بعضی از آنها در زمره علماء و دانشمندان دینی بوده اند.

ج - آقا میرزا محمد علی شاه آبادی

فقیه اصولی و حکیم عارف، جامع معقول و منقول، و محقق در فروع و اصول آقا میرزا محمد علی شاه آبادی اصفهانی، فرزند آقا میرزا محمد جواد، و متوفای ۱۳۶۹ قمری. وی در نزد پدر و برادر خود (یاد شدگان در فوق) و برخی دیگر از علماء اصفهان، تحصیل علم نمود، و سپس در حوزه علمیه تهران، از محضر آقا میرزا محمد حسن آشتیانی، و آقا میرزا هاشم گیلانی و میرزا أبو الحسن جلوه، به کسب فقه و اصول و حکمت و عرفان پرداخت، و آنگاه عازم حوزه علمیه نجف اشرف و سامراء گردید، و از درس بزرگان و اعلام آن دو پایگاه بزرگ علمی، همانند: آخوند ملا محمد کاظم خراسانی، و حاج میرزا حسین خلیلی، و آقا میرزا محمد تقی شیرازی، و شیخ الشریعه اصفهانی، بهره مند شد، و اجازه اجتهاد از بزرگان حوزه های بزرگ نجف و سامراء دریافت داشت(۲). مرحوم شاه آبادی، پس از مراجعت به تهران، در محله شاه آباد ساکن گردید، و بدین عنوان، شهرت یافت.

آن بزرگمرد، در مسجد جامع تهران، به تدریس و تحقیق و تربیت طلاب

ص: ۴۱۳

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۱۱۸

۲- نقباء البشر، جلد ۴، صفحه ۱۳۷۰

پرداخت<sup>(۱)</sup> و مرجع تقلید جمعی از شیعیان گردید، و تألیفاتی در زمینه فقه و اصول و عرفان و غیره، همانند: «الانسان و الفطره» و «الایمان و الرجعه» و «حاشیه بر کفایه مرحوم آخوند خراسانی» و «القرآن و العتره» و «مرام اسلام» و «منازل السالکین» از خود به جای گذارد<sup>(۲)</sup>.

مرحوم شاه آبادی، در دوره زعامت مرحوم آیه الله العظمی، حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی، از سال ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۴ قمری، در حوزه علمیه قم اقامت داشته، و تدریس نموده اند، که از جمله شاگردان ایشان در آن دوره، مرحوم آیه الله العظمی، آقای خمینی قدس سره می باشند<sup>(۳)</sup>.

از میان نه نفر فرزند ذکور مرحوم شاه آبادی، هفت نفر آنها از اهل علم بوده و هستند، که چهار نفر از آنها از دنیا رفته اند، و بقیه در قم و تهران و لندن، به فعالیت علمی و روحانی اشتغال دارند.

د - آقا شیخ علی محمد الشریف

وی فرزند دیگر آقا میرزا محمد جواد حسین آبادی، و برادر مرحوم آیه الله شاه آبادی می باشد، و مرحوم حاج آقا بزرگ طهرانی، از او تجلیل کرده، و با عناوین عالم تقی و فاضل جلیل، از او ستایش نموده اند<sup>(۴)</sup>.

مرحوم الشریف، در حوزه اصفهان و کاظمین و نجف، کسب علم نموده، و از مرحوم آقا سید حسن صدر و آقا شیخ محمد تقی آل اسد الله الکاظمی، اجازه

ص: ۴۱۴

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۱۱۹

۲- ریحانه الأدب، جلد ۳، صفحه ۱۶۷

۳- یادنامه شهید شاه آبادی، صفحه ۸

۴- نقباء البشر، جلد ۴، صفحه ۱۶۲۳

روایت داشته ، و در سال ۱۳۷۳ قمری وفات یافته است .

علاوه بر شخصیت های یاد شده ، جمع دیگری از علماء و دانشمندان دینی ، در خاندان مذکور ، بوده و هستند ، که برخی از آنها مورد اشاره قرار گرفتند ، و با توجه به اهداف این تألیف ، از شرح و استقصاء کامل پرهیز می نمائیم .

## ۹- خاندان علمی خاتون آبادی

این خاندان ، یکی از برجسته ترین دودمان های علمی ، در شهر اصفهان می باشد ، و در طول چهار قرن ، مهد پرورش علماء و دانشمندان دینی بوده ، و در برگیرنده شمار زیادی فقیه ، اصولی ، مفسّر ، متکلم ، ادیب ، ریاضی ( هیوی و منجم ) و شاعر بوده است ، و عمدتاً ، شخصیت علمی آنها ، همراه با زهد و تقوی بوده ، و خدمات ارزشمند علمی و اجتماعی فراوانی ، از آنها به ظهور رسیده است . این خاندان شریف ، از سادات جلیل القدر می باشند ، و اولین شخصیتی که از این سلسله وارد اصفهان شده ، میر عماد الدّین محمّد ، فرزند میر سید حسن نقیب است ، و فرزندش میر محمّد اسماعیل ، مدفون در بقعه روستای گورّت ( از بلوک جی ، در پانزده کیلومتری شرق اصفهان ) می باشد ، و معروف به شاه مراد است ، و در این بقعه ( که دارای گنبدی جالب توجه می باشد ) میر عماد الدّین ، و برادرش میر سید علی ، و جمعی دیگر از خاندان خاتون آبادی مدفونند ، و به دلیل اینکه برخی از اولاد میر عماد ، در روستای خاتون آباد ( در نزدیکی گورّت ) سکونت داشته اند ، آنها را خاتون آبادی نامیده اند(۱).

اینک ، چهره هائی برجسته از این خاندان را ، به عنوان نمونه ، نام می بریم ،

ص: ۴۱۵

---

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۹۰ - روستای خاتون آباد ، در قرن یازدهم هجری از نظر علمی و معنوی ، اهمیت به سزایی داشته است

و تفصیل بیشتر را به کتب تاریخ و تراجم ( مخصوصاً کتاب وقایع السنین و الأعوام ، و دانشمندان و بزرگان اصفهان ، و رجال اصفهان یا تذکره القبور ، و سیری در تخت فولاد ) ، و ا می گذاریم .

الف - میر عبدالحسین خاتون آبادی

میر عبدالحسین خاتون آبادی ، صاحب کتاب « وقایع السنین و الأعوام » متوفای ۱۱۱۵ (۱) که از چهره های علمی و ارزشمند این خاندان می باشد ، و با تألیف کتاب وقایع السنین ، خدمتی بسیار ارزشمند ( بالخصوص ) به تاریخ علمی شهر اصفهان نموده ، و در معرفی دانشمندان آن دوره ، گامی مفید و مؤثر برداشته است .

میر عبدالحسین ، شاگرد شخصیت های بزرگی ، همانند : ملا محمد تقی مجلسی ، و ملا محمد باقر سبزواری ، و آقا حسین خوانساری ، و میرزا رفیعای نائینی ، و آخوند ملا حسین بروجردی ، و ملا عبد الله تونی ، و ملا احمد تونی بوده ، و از دانشمند شهید ، میر محمد مؤمن بن دوست محمد حسینی استر آبادی ( استاد اجازه علامه مجلسی ) و نیز ، از ملا محمد باقر سبزواری ، اجازه دریافت داشته است (۲) و از آثار تألیفی آن بزرگمرد ، وقایع السنین (۳) ، و شرح بر

ص: ۴۱۶

- 
- ۱- علامه مجلسی بزرگمرد علم و دین ، صفحه ۲۷۷ به نقل از یادداشتهای فرزند آن بزرگمرد
  - ۲- آقای دوانی ، در کتاب علامه مجلسی ، از صفحه ۲۷۴ تا ۲۸۲ برای اولین بار بحث مفصّل و تحقیق جالبی را در مورد شخصیت و آثار میر عبدالحسین خاتون آبادی ، انجام داده اند
  - ۳- علامه طهرانی ، در کتاب الدرّیعه ، جلد ۲۵ ، صفحه ۱۲۸ ، این کتاب را تحت عنوان « وقایع الأيام و السنین و الأعوام » معرفی نموده اند

شاطیبه، و شرح بر شافیبه ابن حاجب می باشد (۱).

ب- میر محمد اسماعیل خاتون آبادی

میر محمد اسماعیل بن میر محمد باقر بن شاه مراد، متوفای ۱۱۱۶ قمری، که از علماء برجسته و مفسری عالی مقام بوده، و به احترام او تکیه و بقعه خاتون آبادی (با گنبد کاشی کاری شده و جالب)، در تخت فولاد، ساخته و نامیده شده است. او مدرّس و امام جماعت جامع جدید عباسی (مسجد شاه) بوده، و به عنوان میر محمد اسماعیل اول، معروف می باشد، و یک دورّ تفسیر قرآن او در چهارده جلد، از بهترین آثار آن بزرگمرد به شمار آمده، و در بخش «بقعه های تخت فولاد» نیز در مورد این شخصیت علمی و معنوی بررسی داریم

ج - میر محمد صالح خاتون آبادی میر محمد صالح خاتون آبادی، فرزند میر عبدالواسع، و متوفای ۱۱۲۶ قمری. وی داماد علامه ملا محمد باقر مجلسی (۲) و شاگرد مبرز و مجاز از او می باشد، و علاوه بر آن، استادانی همچون ملا میرزای شیروانی و آقا حسین خوانساری (۳) داشته، و پس از درگذشت علامه مجلسی، به امامت جمعه منصوب شد، و پس از مدتی، شیخ الاسلام اصفهان گردید، و در نسل او منصب

ص: ۴۱۷

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۹۲

۲- عموماً صاحبان تراجم، همانند: حاجی نوری و حاج شیخ عباس (محدث قمی)، و میرزا حیدر علی مجلسی و ...، میر محمد صالح را، داماد علامه مجلسی ذکر کرده اند، ولی نویسنده کتاب دانشمندان و بزرگان اصفهان، او را داماد ملا محمد تقی مجلسی ذکر کرده است

۳- علامه مجلسی بزرگمرد علم و دین، صفحه ۳۶۹، در کتاب یاد شده، بررسی و تحقیقی گسترده درباره شخصیت و آثار میر محمد صالح، انجام شده است

إمامت جمعه ، تا اواخر قرن چهاردهم ، در اصفهان و تهران باقی بوده است .

در کتاب ریحانه الأدب ، و دانشمندان و بزرگان اصفهان ، از بیش از ۲۶ کتاب و رساله از تألیفات آن بزرگمرد یاد شده ، که از آن جمله است : « شرح من لایحضره الفقیه » و « شرح استبصار » و « أحوال ملائکه » و « ذریعه النّجاح » .

پس از فوت علامه مجلسی ، با وجود علماء بزرگ و نامدار دیگر ، ریاست حوزه بزرگ علمی اصفهان ، بر عهده میر محمد صالح قرار گرفت (۱).

تاریخ وفات میر محمد صالح خاتون آبادی ، ۱۱۲۶ می باشد ، و آنچه برخی از نویسندگان مرقوم داشته اند ( ۱۱۱۶ ) اشتباهی است که با تاریخ وفات میر محمد اسماعیل ، پسر عموی میر محمد صالح ، رخ داده است (۲).

د- شهید خاتون آبادی

عالم فاضل محقق ، میر محمد صادق بن میر عبد الحسین بن میر محمد اسماعیل اول ، شهید در سال ۱۱۳۴ قمری ( در فتنه افغان ) و مدفون در تکیه خاتون آبادیها ، در تخت فولاد (۳). وی از جمله شمار زیادی از علماء و فضلاء اصفهان می باشد ، که در محاصره اصفهان ( در فتنه افغانها و سقوط اصفهان ) به شهادت رسیده اند .

ه - میر معصوم خاتون آبادی

عالم زاهد خداجوی ، میر معصوم خاتون آبادی ، متوفای ۱۱۵۵ قمری ، مدفون در نزدیکی بقعه آقا محمد بید آبادی ، در تخت فولاد.

ص: ۴۱۸

---

۱- ریحانه الأدب ، ج ۲ ، ص ۱۰۲ ، و علامه مجلسی بزرگمرد علم و دین ، ص ۳۷۱

۲- به کتاب علامه مجلسی ، بزرگمرد علم و دین ، صفحه ۳۷۳ ، مراجعه شود

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۹۲



گویند مرحوم آقا محمد بید آبادی ، آن عالم و عارف و زاهد نامدار ، خوابی مکاشفه مانند دید ، که از آن ، مقام منیع میر معصوم به دست می آمد، و لذا وصیت نمود ، که او را در نزدیکی قبر میر معصوم ، به خاک بسپارند .

و - مدرّس خاتون آبادی

میر سید أبو القاسم مدرّس خاتون آبادی ، فرزند میر محمد اسماعیل ، متوفای ۱۲۰۲ یا ۱۲۰۳ قمری ، که حکیمی محقق ، و مدرّسی نامدار بوده است

وی ، از شاگردان آقا محمد بید آبادی ، و ملا اسماعیل خواجهی ، و مرحوم آقا سید مهدی بحر العلوم بوده ، و در مدرسه چهارباغ اصفهان تدریس می نموده و گویند احدی ، همانند او ، شرح دروس آقا حسین خوانساری را ، تدریس نمی کرده است . تألیفاتی در زمینه فقه و حدیث و تفسیر ، از خود به جای گذارده ، همانند : تفسیر قرآن به فارسی ، و شرح نهج البلاغه ، و حاشیه بر کتابهای : تهذیب و استبصار و من لا یحضره الفقیه و کافی (۱).

ز - میر عبد الباقی خاتون آبادی

مدرّس نامدار و پیشوای جامع ، میر عبد الباقی خاتون آبادی ، متوفای ۱۲۰۷ قمری . وی از چهره های برجسته علمی و اجتماعی اصفهان بوده ، و از شاگردان میرزا أبو القاسم مدرّس و آقا شیخ یوسف بحرانی به شمار رفته ، و از مشایخ اجازه سید بحر العلوم بوده است (۲). وی در علوم عقلی و نقلی تدریس می نموده ، و دارای تألیفاتی بوده است .

ص: ۴۱۹

---

۱- ریحانه الأدب ، جلد ۵ ، صفحه ۲۶۶

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۴۰۵ ، ریحانه الأدب جلد ۲ ، ص ۱۰۰

پدر او میر محمد حسین خاتون آبادی (نوه علامه مجلسی) از فقهاء و علماء جامع بوده، و تألیفاتی بسیار و ارزشمند در فقه و حدیث و کلام و دعا و زیارت داشته، و از مشایخ بزرگ و مهم و مورد توجه اجازه بوده است (۱).

میر عبد الباقی، برادری عالم به نام میر محمد مهدی، و فرزندانی دانشمند داشته است، به نامهای: ۱- میر محمد حسین، ملقب به سلطان العلماء (که از بزرگان فقهاء و علماء و مجتهد و صاحب تألیف بوده، و حوزه درسی داشته، و در زمان خود، در ردیف علماء طراز اول ایران، از نظر موقعیت اجتماعی، به حساب می آمده است (۲) ۲- میر سید محمد ۳- میر محمد تقی

#### ح - نائب الصّدر خاتون آبادی

عالم فاضل، و فقیه ادیب، حاج میرزا محمد حسین نائب الصّدر، بن میر محمد صادق بن میرزا أبو القاسم مدرّس (مذکور تحت شماره «و») و متوفای ۱۳۲۶ قمری و مدفون در تکیه خاتون آبادی. وی کتابی تألیف نموده در دو جلد، در شجره نامه سادات خاتون آبادی، و خود از شاگردان شیخ انصاری و حاج ملا علی کنی (۳)، و از میزترین تلامذ آن دو بزرگوار بوده است (۴).

#### ط - شهید خاتون آبادی

میر أبو المحسن بن میر محمد اسماعیل، که در قضیه نجم پاشا (والی و حاکم بغداد، که با مأموریت از طرف حکومت عثمانیها، مردم شهر مقدس کربلا را قتل

ص: ۴۲۰

---

۱- علامه مجلسی بزرگمرد علم و دین، صفحه ۳۹۱ - ۳۹۲

۲- علامه مجلسی بزرگمرد علم و دین، صفحه ۵۳۰ و ۵۳۲

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۲۸۹

۴- رجال اصفهان، صفحه ۱۰۴

عام نمود) به شهادت رسید، و در همان شهر مقدّس مدفون گردید. وی از علماء و دانشمندان دینی بوده (۱) و مسجد حاج أبو المحسن، واقع در محلهٔ پاقلعه (و خیابان نشاط)، منسوب به آن عالم بزرگوار می باشد.

ی - مدرّس خاتون آبادی

فقیه اصولی و مجتهد زعیم، حاج میر محمد صادق خاتون آبادی، متوفای ۱۳۴۸ قمری، که از مراجع بزرگ دینی و رؤسای علماء در قرن چهاردهم، در حوزهٔ علمیّه اصفهان بوده است. او از شاگردان و مخصوصاً صین آخوند ملا محمد کاظم خراسانی، و یاور او در تألیف کتاب «کفایه الأصول» بوده است. حوزهٔ درسی ایشان، از قوی ترین مجمع های علمی بوده، و شاگردان زیادی در درس فقه و اصول آن بزرگمرد شرکت می جسته اند.

برادر آن بزرگمرد، آقای حاج میرزا أبو الفضل خاتون آبادی، فقیهی زاهد و مدرّسی جامع بوده، و در سال ۱۳۸۸ قمری وفات یافته است.

یا - بانوی علویّه و مجتهدّه ایرانی

مجتهدّه مفسّره، زاهدهٔ متّقیه، حاجیه نصرت خانم آمین، معروفه و مشهوره به «بانوی ایرانی»، متوفاه در اوّل رمضان ۱۴۰۳ قمری، که از نادره های روزگار محسوب گشته، و در دوران غیبت کبری، چهرهٔ علمی کم نظیر یا بی نظیر شیعه، در طبقهٔ نسوان می باشد، و تألیفات متعدّدهٔ او در زمینهٔ تفسیر و عقائد و حدیث و اخلاق و ...، که مشتمل بر یک دورهٔ کامل تفسیر قرآن در ۱۵ جلد به نام «مخزن العرفان» می باشد، و هم چنین حوزهٔ درسی و کوششهای علمی او،

ص: ۴۲۱

پیشگام حرکت علمی در میان زنان ایرانی ، در قرن اخیر بوده است(۱).

وی ، طبق شجره نامه چاپ شده در یادنامه آن مرحومه ، از نسل عماد الدین محمد ( سرسلسله خاندان سادات خاتون آبادی ) می باشند ، و بنا بر گفته شخص حاجیه خانم آمین رحمه الله علیها ، ایشان از نسل میر معصوم خاتون آبادی ( مذکور تحت شماره ه ) می باشند(۲). بنا بر این ، حاجیه خانم آمین ، از مفاخر خاندان علمی خاتون آبادی ، به شمار می روند .

و همچنین ، چهره های دیگری از این خاندان بزرگ ، که در تهران و اصفهان دارای منصب امامت جمعه بوده ، و یا در منصب تدریس و تألیف و پیشوائی دینی و موعظه و ... ، انجام وظیفه می نموده اند .

#### ۱۰- خاندان علمی خادمی ( خادم الشریعه )

از خاندانهای علمی وابسته به خاندان عظیم «صدر» خاندانی است منسوب به عالم بزرگوار ، آقا سید ابو جعفر خادم الشریعه ، که در زمانهای بعد ، به نام خادمی شهرت یافته ، و زبانزد گشته است . در این خاندان ، علماء و دانشمندانی ظهور یافته اند ، که ذیلاً به برخی از آنها اشاره می شود .

الف - آقا سید ابو جعفر

عالم جلیل القدر ، آقا سید ابو جعفر خادم الشریعه ، متوفای ۱۳۲۴ قمری ،

ص: ۴۲۲

- 
- ۱- درباره شخصیت علمی و اجتماعی و تقوایی و اجازات اجتهادی و آثار و برکات بانوی ایرانی ، در جلد اول « حوزه های علمی شیعه » در بخش بانوان مجتهده و عالمه ( به تفصیل صحبت کرده ایم ، و در همین کتاب در بخش « بانوان عالمه و مجتهده » و بخش « بقعه های علمی اصفهان » بررسی کاملی در باره شخصیت و آثار این نادره روزگار، نموده ایم
  - ۲- اظهارات حاجیه خانم همایونی ، یکی از نزدیک ترین شاگردان بانوی ایرانی به ایشان

فرزند آقا سید صدر الدین محمد عاملی ، که مادر او ، دختر شیخ جعفر کبیر ( کاشف الغطاء ) و خودش ، از شاگردان مورد علاقه آقا سید اسدالله شفتی بید آبادی بوده است . وی ، بعضی تألیفات خود را بر استادش ( آقا سید اسد الله ) عرضه کرده ، و او در پشت کتاب ، ثنای نیکوئی نثار او نموده است (۱).

آقا سید ابو جعفر ، از علماء مورد احترام اصفهان ، و داماد مرحوم آقا سید اسد الله بید آبادی ( فرزند آقا سید محمد باقر شفتی ) بوده ، و سرسلسله خاندان علمی خادمی ( خادم الشریعه ) می باشد ، و «تکیه آقا سید ابو جعفر» در تخت فولاد ، به احترام او تأسیس گشته است (۲).

فرزندان آقا سید ابو جعفر ، همه از علماء بوده اند ، که از جمله آنها مرحوم حاج آقا حسن خادم الشریعه ، متوفای ۱۳۷۹ قمری می باشد ، که از علماء با تقوی بوده است ..

ب - حاج آقا حسین خادمی

فقیه اصولی ، و مجتهد نامدار ، و زعیم مجاهد ، مرحوم آیه الله ، حاج آقا حسین خادمی ، متوفای ۱۴۰۵ قمری ، فرزند آقا سید ابو جعفر خادم الشریعه . وی ، از چهره های نامدار علمی و اجتماعی حوزه علمیه اصفهان ، در نیمه دوم قرن چهاردهم می باشد ، و خدمات و مبارزات او در برابر حکومت فاسد پهلوی در تمامی حوزه ها و مجامع دینی و اجتماعی ، مورد توجه بوده و می باشد .

مرحوم آیه الله خادمی ، از شاگردان آخوند گزی و حاج میر محمد صادق خاتون آبادی و حاج میر سید علی نجف آبادی و آقا سید محمد نجف آبادی

ص: ۴۲۳

---

۱- نقباء البشر ، جلد ۱ ، صفحه ۳۱

۲- سیری در تخت فولاد ، صفحه ۵۵

و دیگر مفاخر علمی حوزه علمیه اصفهان ، و هم چنین ، از شاگردان زعماء و مراجع بزرگی ، همانند : میرزا محمد حسین نائینی ، و آقا ضیاء الدین عراقی ، و آقا سید ابو الحسن اصفهانی ، و آقا سید ابوتراب خوانساری ، و آقا شیخ محمد جواد بلاغی ، در حوزه مقدسه نجف اشرف بوده ، و در سن ۲۶ سالگی ، حائز رتبه اجتهاد گردیده است (۱).

مرحوم آیه الله خادمی ، از بزرگانی ، همچون : آقا شیخ محمد حسین غروی نائینی ، و آقا ضیاء الدین عراقی ، و آقا سید ابو الحسن اصفهانی ، و آقا شیخ محمد کاظم شیرازی ، و آقا سید ابراهیم حسینی اصطهباناتی شیرازی و ... ، اجازه اجتهاد دریافت نموده ، و از عده ای از بزرگان اجازه روایت گرفته اند .

تألیفات گوناگون مرحوم آیه الله خادمی ، در فقه و اصول و کلام میباشد ، که برخی ، تقریرات دروس اساتید ، و برخی دیگر ، حاشیه بر کتب بزرگان ، و قسمی دیگر ، به صورت مستقل می باشد ، همانند : رهبر سعادت ( در دو جلد ) که تألیف آن کتاب در زمان حاکمیت پهلوی ها ، و سرکوبی حوزه های علمیه ، و انزوای شدید روحانیت عظیم الشان ، در کشور ایران ، نشانه قدرت اندیشه ، و روشن بینی ، و احساس مسئولیت شدید ، و روح ابتکار آن بزرگمرد می باشد .

آن بزرگمرد ، علاوه بر تدریس خارج فقه و اصول ، درسهای کلام و عقائد و تفسیر استدلالی داشتند ، و برای تحصیل کرده های دانشگاهی و عموم مردم نیز ، جلسات بحث و تعلیم دینی بر قرار می نمودند ، و فیض علمی خود را گسترش می دادند . فعالیت های علمی و اجتماعی آیه الله خادمی ، در حدی بود که علماء بزرگ و مجتهدین عظیم الشان اصفهان ، توجه بسیاری نسبت به آن

ص: ۴۲۴

پیشوای عالیقدر داشتند، و به ویژه در دوران مبارزه نهائی، برای سرنگونی حکومت پهلوی، منزل ایشان سنگر مبارزه، و امضای ایشان در صدر امضاها، و موقعیت ایشان، زبانزد عام و خاص در تمامی شهرهای ایران، و احياناً در خارج از کشور بود.

مرحوم آیه الله خادمی، استادی بزرگ برای طلاب علوم دینی، و زعیمی عالیقدر در حوزه علمیّه اصفهان، و پناهی محکم برای مردم و جهادگران در راه خدا، و تلاشگری برای انجام خدمات فرهنگی، درمانی، امدادی، در جامعه مذهبی اصفهان، و پشتوانه ای برای تأسیس مراکز بزرگی، همانند: بیمارستان و درمانگاه عسکریّه علیه السلام و انجمن مددکاری امام زمان علیه السلام (مخصوص ایتام) و بیمارستان و انجمن خیریه معلولین صادقیه، و بسیاری دیگر از مدارس و مساجد و مؤسسات دینی و خدماتی، به شمار می رفتند.

نویسنده این نوشتار، علاوه بر ارتباط نزدیک با آن بزرگمرد، (در مسائل اجتماعی) متجاوز از ده سال، در درس خارج فقه و اصول و کلام آن مجتهد عالیقدر، شرکت می کردم، و آن پیشوا و استاد مهربان، اَلطاف خاصّه خود را شامل این کمترین، می نمودند.

دو فرزند پسر از میان پسران مرحوم آیه الله خادمی، به نامهای: آقا سید محمد علی، و آقا سید مهدی خادمی، از فضلاء می باشند، و رشته علمی - دینی خاندان پدر و مرحوم آقا سید ابو جعفر خادم الشریعه را حفظ نموده اند(۱).

ص: ۴۲۵

---

۱- برای آشنائی با شخصیت و خدمات علمی و اجتماعی مرحوم آیه الله خادمی، به مقاله مفصّل مجله نور علم، شماره مسلسل ۳۵، صفحه ۹۰ تا ۱۰۷ و نیز کتابهای: نقباء البشر و گنجینه دانشمندان، و الذریعه و تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان و ... مراجعه شود

خاندان علمی حسینی خراسانی، که اولین چهره علمی آنها، مرحوم حاج سید یوسف قائنی خراسانی، متوفای ۱۲۴۶ قمری بوده، تا آخرین سالهای قرن چهاردهم، بازعامت دینی آیه الله، آقا سید محمد رضا خراسانی (رئیس حوزه علمیه اصفهان) در طول دو قرن تداوم داشته، و به عنوان یک خاندان علمی و حوزه ای در شهر اصفهان، زندگی می نموده اند، و منشأ برکات و آثار علمی و معنوی قابل توجهی بوده اند، که از چندین چهره برجسته آنها، یاد می کنیم:

الف - آقا سید یوسف خراسانی

فقیه محقق، حاج سید یوسف قائنی خراسانی، متوفای ۱۲۴۶ قمری، که از معاصرین مرحوم سید شفتی (حجّه الإسلام) و محترم و معزز نزد او بوده، و حوزه درسی داشته است. وی کتابهایی تألیف نموده، همانند: شرح زبده شیخ بهائی (در دو جلد بزرگ) و حاشیه بر مدارک، و حاشیه بر حاشیه ملا میرزا جان، و... و از آثار آن بزرگمرد، نسل و خاندانی علمی، می باشد.

ب - آقا سید محمد رضا خراسانی

فقیه زاهد و عالم صاحب کرامت، مرحوم آقا سید محمد رضا خراسانی، متوفای ۱۳۰۲ قمری، که از شاگردان مورد توجه و مقرب مرحوم شیخ اعظم أنصاری، و از دوستان محقق رشتی، و میرزای بزرگ شیرازی (مجدد دین در رأس سده سیزدهم) بوده است. چشمان وی در حدی ضعیف می شود، که در روز روشن، خط های درشت را نمی خوانده، و در اثر عنایت حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام شفا می گیرد، و به دنبال خوابی که از آن حضرت می بیند،



به جایی می رسد ، که در وقت غروب ، ریز ترین خطها را می خوانده است(۱).

فرزندان او ، به نامهای : آقا سید محمد تقی ، و آقا سید محمد جواد ، و آقا سید محمد حسین ، و آقا سید مرتضی ، و آقا سید یوسف ، همگی از علماء و أهل فضل بوده اند(۲) ، که ذیلاً دو نفر از آنها را با تفصیل بیشتری یاد می کنیم :

ج - آقا سید مرتضی خراسانی

فقیه و مجتهد عادل و زاهد ، حاج سید مرتضی خراسانی ، متوفای ۱۳۵۷(۳) که از مدرّسین جلیل القدر در حوزه اصفهان بوده ، و همانند پدرش ( آقا سید محمد رضا خراسانی ) مورد توجه مردم و دارای مقام زهد و تقوی بوده است .

د- آقا سید محمد جواد خراسانی

عالم زاهد و متقی ، آقا سید محمد جواد خراسانی ، متوفای ۱۳۵۲ قمری ، فرزند آقا سید محمد رضا خراسانی ( فوق الذکر ) و پدر آقا سید محمد رضا خراسانی ( مذکور در ذیل ) . وی مورد تجلیل بزرگان بوده ، و مرحوم حاج شیخ مهدی نجفی ، که خود از اعلام تقوی و دیانت بوده ، درباره آن بزرگمرد فرموده است: لَمْ أَرْ مِثْلَهُ فِي الْوَثَاقِهِ وَ الْجَلَالِهِ وَ الْعِبَادَةِ(۴)

مرحوم آقا سید محمد جواد ، به لقاء ولی العصر و الزمان ، حضرت بقیه الله الأعظم (عج) مشرف گردیده ، و دارای چند تألیف بوده است.

ص: ۴۲۷

---

۱- زندگانی و شخصیت شیخ انصاری ، صفحه ۲۶۸

۲- زندگانی و شخصیت شیخ انصاری ، صفحه ۲۶۸

۳- رجال اصفهان ، صفحه ۲۳۰

۴- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۳۳۷

فقیه و مجتهد عالی مقام، و زعیم و رئیس حوزه علمیّه اصفهان، مرحوم آیه الله، آقا سید محمد رضا خراسانی، متوفای ۱۳۹۷ قمری. وی از شاگردان حاج میر محمد صادق خاتون آبادی، و آقا سید أبو القاسم دهکردی و ... بوده، و در نیمه دوم قرن چهاردهم هجری، دارای حوزه درسی فقه و اصول، در مدرسه صدر و نیز مدرسه چهارباغ (مدرسه امام صادق علیه السلام) و عهده دار ریاست حوزه علمیّه بوده است. معظم له از چهره های علمی و مشهور اصفهان و دارای ابهتی چشمگیر، و متانتی کم نظیر بودند، و در دوره پس از خفقان شدید حکومت پهلوی اول، با صبر و متانت و وقار و تدبیر، نقش مؤثری در تجدید فعالیت حوزه علمیّه اصفهان، ایفاء نمودند. از آثار باقیه آن بزرگمرد، تأسیس کتابخانه رضویّه، در مدرسه صدر بازار (مرکز حوزه علمیّه) می باشد (۱).

## ۱۲- خاندان علمی خوانساری (ملا علی اکبر)

ملا علی اکبر خوانساری، متوفای ۱۲۶۳ قمری، از علماء جلیل القدر و مورد توجه و اعتماد مرحوم سید شفتی بوده، و خودش از شاگردان و مجازین از سید صدر الدین عاملی محسوب گشته، و از نسل او علماء بزرگواری برخاسته اند، همانند:

الف - ملا حسین خوانساری، متوفای ۱۳۰۲ قمری، که مورد توجه و عنایت فقیه بزرگ، مرحوم حاج سید اسدالله شفتی بید آبادی، بوده است.

ص: ۴۲۸

---

۱- در باره شخصیت و آثار و خدمات این بزرگمرد، در بخش «مدارس علمیّه اصفهان» مدرسه صدر و مدرسه چهارباغ) و نیز بخش «چهره های علمی اصفهان در دوره اخیر» و نیز «بقعه های علمی اصفهان و تخت فولاد به بحث و بررسی داریم

ب - آقا کمال الدین خوانساری ، بن ملاً حسین ، متوفای ۱۳۱۶ قمری ، که عالمی جامع بین معقول و منقول ، و مدرّس و امام جماعت مسجد میرزا باقر بوده و تألیفاتی داشته است .

در این خاندان ، علاوه بر یاد شدگان در فوق ، علمای دیگری نیز بوده اند .

### ۱۳- خاندان علمی رضوی خوانساری

از خاندانهای علمی و تقوایی و دارای شرافت انتساب به رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ ، خاندان سادات رضوی خوانساری می باشد ، که ذیلاً به دو چهره از آنها اشاره می نمائیم :

الف - آقا سید زین العابدین رضوی

فقیه زاهد ، و عالم متقی و بزرگوار، آقا سید زین العابدین رضوی خوانساری ، متوفای ۱۳۰۷ قمری ، که استادهائی ، همانند : آقا میر سید حسن مدرّس ، و ملاً حسینعلی تویسرکانی ، و آقا سید محمد شهشهانی داشته ، و اثر قلمی او یکی « حسام الشیعه » و دیگری « ترجمه انوار نعمانیّه سید جزائری » بوده ، و او به شرف ملاقات حضرت ولی عصر ، بقیه الله الأعظم (عج) نائل گشته ، و صاحب کرامت و استجاب دعا بوده است (۱).

ب - آقا سید محمد رضوی

فقیه و مجتهد بزرگوار ، محقق و نویسنده کثیر التالیف ، آقا سید محمد رضوی خوانساری اصفهانی ، متوفای ۱۳۷۴ قمری ، فرزند آقا سید زین العابدین مذکور در فوق . وی ، در حوزه اصفهان و نجف تحصیل علم نموده ، و از

ص: ۴۲۹

محضر بزرگانی، همانند: آقا سید محمد کاظم یزدی، و آخوند خراسانی، و شیخ الشریعة اصفهانی رضوان الله علیهم کسب علم و کمال نموده، و پس از نیل به مقام منبع اجتهاد، و مراجعت به حوزه علمیة اصفهان، به تدریس و تحقیق و تألیف، و نیز ارشاد عمومی و تبلیغ دینی پرداخته است.

وی، در حدود سی و پنج تألیف داشته (۱)، از قبیل: ۱- برهان المتقین (مطبوع در دو جلد) ۲- رسالۀ عملیة (به نام دعوه الحق) ۳- دیوان اشعار ۴- سدره المنتهی (سه جلد) ۵- حاشیة بر کفایه ۶- حاشیة بر رسائل ۷- حاشیة بر مکاسب، و غیر اینها، که در زمینه فقه، اصول، حدیث، تفسیر، شعر و ادب، کلام و عقائد، دعا و زیارات می باشد.

#### ۱۴- خاندان علمی روضاتی

از خاندانهای برجسته علمی اصفهان، که ریشه ای قوی و چند صد ساله، و شاخه های گسترده و پر برکت دارد، خاندان روضاتی (آل صاحب روضات) است، که ریشه آنها، در خاندانی علمی، در شهر مذهبی خوانسار می باشد، و در طول چندین قرن چهره هائی مبرز در خود پروریده، و شاخه های آن در شهرهای مختلف، از قبیل: اصفهان، تهران، نجف، کاظمین و برخی از بلاد هند و ...، ظهور یافته است.

این خاندان شریف، از سادات موسوی می باشند، و نسب آنها به میر سید أبو القاسم (جعفر) معروف به «میر کبیر» می رسد.

و اینک به عنوان نمونه، برخی از چهره های علمی این خاندان بزرگ را مورد ذکر قرار می دهیم:

ص: ۴۳۰

حاج میر أبو القاسم (جعفر) مشهور به میر کبیر، متولد ۱۰۹۰، و متوفای ۱۱۵۸ قمری. وی فرزند آقا سید حسین، و از احفاد سید حجّت الله، و نیز آقا سید صالح قصیر (که هر سه از علماء بوده اند) می باشد.

میر کبیر، عالمی برجسته، و فقیهی محدّث، و شاعری ادیب بوده، و از شاگردان علامه مجلسی، و آقا جمال (فرزند آقا حسین خوانساری) به شمار می رود، و تألیفاتی در فقه و حدیث و کلام و عقائد به جای گذاشته، که نمونه آن «مناهی المعارف» می باشد، که کتابی است بزرگ، در اصول دین.

در کتابخانه او، کتابهای ارزشمندی بوده، که به دست خود استنساخ نموده، و کتابخانه مهمی را تشکیل می داده است.

میر کبیر و فامیل و خاندان او، در دوره صفویّه، در اصفهان می زیسته اند، و در فتنه افغان، و سقوط اصفهان، در حدود سال ۱۱۳۵، هر کدام به طرفی می روند، و از جمله، میر کبیر به طرف خوانسار و گلپایگان رهسپار می شود، و در همان منطقه از دنیا می رود، و مدفون می گردد(۱).

ب - آقا سید حسین موسوی

فقیه زاهد، آقا سید حسین بن سید جعفر موسوی، متوفای ۱۱۹۱ قمری، فرزند میر کبیر، و جدّ صاحب روضات، که از بزرگان علماء شیعه به شمار رفته، و دارای املاء و انشاء و تحریری جالب و زیبا بوده، و در زهد و تقوی، مقامی بسیار بلند داشته، و کرامات زیادی را به او نسبت داده اند. آثار تألیفی او در زمینه فقه و ادعیه و زیارات بوده، و از مشایخ اجازه سید بحر العلوم، و نیز

ص: ۴۳۱

میرزای قمی ( محقق قمی ) ، و دیگر بزرگان می باشد (۱) ، و از مفاخر خاندان روضاتی ( آل صاحب روضات ) محسوب می گردد .

ج - میر زین العابدین خوانساری

فقیه و مجتهد زاهد ، و پیشوای متعبد و صاحب کرامات ، میر زین العابدین موسوی ، متوفای ۱۲۷۵ قمری ، و مدفون در بقعه مادر شاهزاده ( تکیه آقا شیخ محمد تقی رازی ) . وی در جامعه علمی و مذهبی اصفهان ، به زهد و فقاقت مشهور بوده ، و تألیفات متعددی در فقه و اصول و کلام ( عقائد ) و قواعد عربیت داشته ، و اول کسی است که پس از فتنه افغان ، و هجرت اجداد و خاندان او از اصفهان ، مجدداً به سوی این شهر مراجعت و هجرت نموده ، و خاندان پر برکتی را از نسل خود ، در این شهر مذهبی به وجود آورده است .

از میان هشت فرزند پسر او ، چهره هائی درخشیده اند ، همانند : ۱- صاحب روضات ( مذکور در ذیل ) ۲ صاحب مبانی الاصول ( مذکور در ذیل ) ۳- حاج میر سید محمد ، متوفای ۱۲۹۳ قمری ، که از دانشمندان محقق بوده ، و تبخری برجسته در آشنائی با کتب و نسخ نفیس و خطی داشته ، و صاحب روضات ( برادر بزرگوار او ) در تحقیقات خود ، از آگاهی و تخصص وی ، بهره می گرفته است . هزار نسخه خطی به نظر او رسیده ، که تمام یا قسمتی از آنها به خط او می باشد (۲) . ۴- آقا سید محمد صادق خوانساری ، متوفای ۱۲۸۹ قمری ، که عالمی بزرگ و دارای تألیف ، و صاحب نسلی علمی بوده است (۳) . ۵- میر

ص: ۴۳۲

۱- ریحانه الأدب ، جلد ۲ ، صفحه ۱۸۹

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۱۷۶

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۵۰

د. صاحب روضات الجنّات

فقیه متکلم ، و رجالی محدّث ، و محقّق متبحر ، و جامع علوم عقلی و نقلی ، و مرجع فتوی و تحقیق ، آقا میرزا محمّد باقر خوانساری اصفهانی معروف به «صاحب روضات» و فرزند میرزین العابدین خوانساری ، و متوفای ۱۳۱۳ قمری . وی نه تنها مرجع دینی در جامعه ، و رئیس و زعیم و استاد بزرگ در حوزه علمیّه بزرگ اصفهان ، و پناهگاهی برجسته برای مردم و طلاب بوده ، بلکه در عالم تحقیق و تألیف ، افتخاری برای مکتب شیعه محسوب می شود ، و تألیفات گرانقدر او در زمینه فقه و اصول و عقائد و حدیث و رجال و شعر و ادب ، مخصوصاً «روضات الجنّات فی أحوال العلماء و السّادات» ، از آثار درخشان ، و ثمرات باقیه حیات طیبه او به شمار می رود .

او استادهای بزرگی ، همانند : آقا سید محمّد شهشاهی ، و آقا سید محمّد باقر شفتی ( در اصفهان ) و آقا سید ابراهیم صاحب ضوابط الاصول ( در عتبات ) داشته . ، و شاگردان برجسته ای ، همانند : شیخ الشریعه اصفهانی و آقا سید ابوتراب خوانساری ، و آقا سید محمّد کاظم یزدی و ... ، پرورش داده است .

در میان هفت فرزند و نیز ، أحفاد دانشمند آن بزرگمرد ، چهره های علمی برجسته ای درخشیده اند ، که به برخی از آنها اشاره می شود(۲).

ص: ۴۳۳

---

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۱۷۶

۲- در عموم کتب تراجم و دائره المعارف ها ، همانند : أعیان الشّیعه ، ریحانه الأدب ، مکارم الاثار ، طبقات حاج آقا بزرگ طهرانی و ... ، به تجلیل فراوان از این بزرگمرد و آثار علمی او پرداخته شده ، و ما نیز در بخش « بقعه های علمی اصفهان و تخت فولاد » و بخش « مدارس اصفهان » بررسی بیشتری داریم

فقیه اصولی، و مجتهد نامدار، و مرجع عالیقدر، و محقق متبحر، و جامع علوم عقلی و نقلی، آقا میرزا محمد هاشم چهارسوقی، فرزند میرزین العابدین خوانساری، و برادر صاحب روضات، و متوفای ۱۳۱۸ قمری. وی، از شاگردان پدر خود، و نیز شیخ اعظم أنصاری و ...، (در حوزه علمیه اصفهان و نجف) بوده، و پس از نیل به مقامات عالی علمی و اجتهاد، صاحب حوزه درسی بزرگ در اصفهان گردیده، و مرجع در فتوی و فعالیت های بزرگ اجتماعی بوده، و کتابخانه مهمی نیز، داشته است. تألیفات برجسته این بزرگمرد، در فقه و اصول و حکمت و تجوید، از آثار عظمت علمی او محسوب می شود، و مخصوصاً کتاب «اصول آل الرسول» در استخراج ابواب اصول فقه از روایات أهل البيت عليهم السلام، که از بیش از چهار هزار حدیث، قواعد اصولی را استخراج نموده (۱) و نیز کتاب «مبانی الاصول» که مشهورترین اثر علمی آن بزرگمرد است، از اهمیت ویژه ای برخوردار می باشد. معظم له، در نجف اشرف از دنیا رفته، و در قبرستان وادی السیلام مدفون گردیده است (۲).

و آقا میرزا محمد مهدی روضاتی

وی، فرزند آقا میرزا محمد باقر (صاحب روضات) می باشد، و دارای مقامات علمی به شمار رفته، و به نوشته ریحانه الأدب، مجتهد کامل و فقیه

ص: ۴۳۴

۱- الذریعه، جلد ۲، ص ۱۷۷

۲- برای آشنائی بیشتر با عظمت علمی و آثار این بزرگمرد، به کتابهای: أعیان الشیعه، الذریعه، مکارم الآثار و ریحانه الأدب، و ...، و نیز بخش «کتابخانه های اصفهان» در همین کتاب مراجعه شود



اصولی و محدث و رجالی و مفسّر بوده ، و تألیفات متعدّدی ، همانند : شرح تبصره علامه حلی ( در سه جلد بزرگ ) داشته است (۱).

او در سال ۱۳۲۴ قمری وفات یافته ، و در بقعه صاحب روضات ( جنب قبر پدر بزرگوارش ) مدفون گردیده است .

ز- آقا میرزا مسیح روضاتی

وی از برجسته ترین فرزندان آقا میرزا محمّد باقر (صاحب روضات )، و دارای مقامات علمی و معنوی و اجتماعی بوده ، و از شهرت زیادی برخوردار گردیده ، و آثار تألیفی داشته است . او در سال ۱۳۲۵ قمری وفات یافته ، و در بقعه صاحب روضات ، در جنب قبر پدر و برادر ، مدفون گردیده است .

ح - آقا میرزا أحمد روضاتی

فقیه جامع و عالم محقق ، آقا میرزا أحمد روضاتی ، فرزند صاحب روضات و متوفای ۱۳۴۰ قمری ، که به تعبیر أحسن الودیعہ ، فقیه یگانه بوده ، و از جهت غایت زهد ، ترک ریاست در اصفهان نموده ، و به عبادت و ریاضت مشغول بوده است (۲).

ط - صاحب أحسن الودیعہ

فقیه اصولی و محقق رجالی ، آقا سید محمّد مهدی بن سید محمّد بن سید محمّد صادق موسوی خوانساری اصفهانی ، که از شاگردان آقا سید ابوتراب خوانساری ( متوفای ۱۳۴۶ قمری ) و نوه برادر صاحب روضات می باشد ، و تا

ص: ۴۳۵

---

۱- ریحانه الأدب ، جلد ۲ ، صفحه ۱۹۱

۲- أحسن الودیعہ ، جلد ۱ ، صفحه ۱۵۷

سال ۱۳۸۷ قمری، در قید حیات بوده است(۱). آن بزرگمرد، در حدود شانزده تألیف، در زمینه تراجم و رجال و حدیث و نحو و منطق و کلام دارد(۲) و از میان آنها کتاب «أحسن الودیعه فی تراجم أشهر مشاهیر مجتهدی الشیعه» به عنوان متمیم روضات الجنّات، از شهرت زیادی برخوردار می باشد.

ی - آقا میر سید حسن روضاتی

فقیه و مجتهد و پیشوای متنفذ، مرحوم آقا میر سید حسن روضاتی، متوفای ۱۳۷۷ قمری، که از شاگردان آقا سید محمد باقر درچه ای و آخوند کاشی و آقا سید محمود کلشادی، و دیگر بزرگان حوزه علمیه بوده، و چندین اثر تألیفی داشته است، و در زمان خود، شخصیت برجسته خاندان روضاتی، و از چهره های بزرگ روحانیت اصفهان، به شمار می رفته است.

و این بود نمونه ای از چهره های علمی خاندان علمی روضاتی، و دهها مجتهد و محقق و عالم دیگر نیز، در این خاندان بزرگ تجلی یافته اند، که طالبین تحقیق درباره آنان، می توانند به کتابهای اعیان الشیعه، طبقات اعلام الشیعه، الذریعه، ریحانه الأدب، روضات الجنّات، أحسن الودیعه، مکارم الاثار، دانشمندان و بزرگان اصفهان، زندگانی آیه الله چهارسوقی، رجال اصفهان (تذکره القبور) و... مراجعه نمایند، و استقصاء نام و آثار آنها، از محدوده هدف این نوشتار بیرون است.

ص: ۴۳۶

---

۱- مقدمه چاپ دوم أحسن الودیعه، صفحه ۷

۲- ریحانه الأدب، جلد ۲، صفحه ۱۹۰، ولی در مقدمه چاپ دوم أحسن الودیعه، شمار تألیفات این بزرگمرد، به بیش از چهل عنوان رسیده است

یکی از خاندان های بزرگ و علمی و برجسته شیعه ، خاندان سادات مرعشی « مرعشیون ، آل مرعش » می باشد ، که در طول دوازده قرن ، مهد پرورش علماء بزرگ ، و فقهاء نامدار ، و متکلمین عظیم المنزله ، و ادباء و شعراء جلیل القدر ، و سلاطین و امراء ، و رهبران دینی و علمی و اجتماعی و سیاسی بوده ، و أعضاء آن در کشورهای ، همانند : حجاز ، عراق ، ایران ، هند ، امارات خلیج فارس و ... ، زندگی کرده ، و درخشیده اند ، و چهار شاخه مهم این خاندان با نام مرعشیهای اصفهان ، مرعشیهای شوشتر ، مرعشیهای قزوین ، مرعشیهای مازنداران ، مشهور می باشند ، و در دوره های متأخر ، شاخه ای در آذربایجان درخشیده است ، که مرحوم آیه الله العظمی ، سید شهاب الدین نجفی مرعشی قُدُس سِرّه ، چهره بارز آن خاندان مرعشی آذربایجانی می باشند .

نسب این خاندان ، به سید علی مرعش ، ( مرعشی ) بن عبد الله بن سید محمد بن حسن الدّکه ، بن حسین الأصغر ، بن علی بن الحسین ، زین العابدین علیه السلام می رسد ، و از سادات حسینی محسوب می باشند ، و چهره های نامداری ، همانند : قوام الدّین مرعشی ( میر بزرگ ) ، مؤسس حکومت مرعشیهای مازنداران سید ظهیر الدّین مرعشی ، قاضی نورالله تستری ( شهید و صاحب کتابهای احقاق الحق و مجالس المؤمنین ) و علاء الدّین ، سید حسین مرعشی ، ملقب به « سلطان العلماء ، و خلیفه السّیطان » ، و در این اواخر ، مرحوم آیه الله العظمی ، سید شهاب الدّین مرعشی نجفی ، متوفای ۱۴۱۱ قمری و ... ، در این خاندان پرورش یافته ،

شاخه ای از خاندان سادات مرعشی ، در اصفهان زندگی کرده ، و چهره های علمی متعددی در آن ظهور و تجلی یافته اند ، که ذیلاً به برخی از آنها اشاره می نمائیم ، و با توجه به این که برخی از شخصیتهای این خاندان ، به مقام وزارت برای بعضی از سلاطین صفویّه رسیده ، و ملقب به « خلیفه السلطان » گشته اند ، عموم خاندان نیز ، عنوان « خلیفه سلطان » یافته اند .

#### الف - سلطان العلماء

محقق نامدار و فقیه عظیم الشان ، و مفسر و متکلم جلیل القدر ، سید حسین بن میرزا رفیع الدین ، محمد بن امیر شجاع الدین ، محمود مرعشی حسینی ، متوفای ۱۰۶۴ قمری . وی از شخصیت های برجسته علمی و سیاسی و اجتماعی خاندان مرعشی ، و از مفاخر حوزه علمی اصفهان ، و مهمترین چهره بارز ، در خاندان مرعشیهای اصفهان « خاندان خلیفه سلطان » می باشد .

نسب شریف این بزرگمرد ، با بیست و نه واسطه ، به امام علی بن الحسین علیه السلام می رسد(۲). از استاد های او ، یکی پدرش میرزا رفیع الدین محمّد ( که از علماء مبرز بوده ) و دیگری شیخ بهائی ، و سومی ، حاج محمود رنانی ، نام برده شده (۳) ، و در درس شیخ بهائی ، با ملا خلیل قزوینی ، همراه بوده است .

ص: ۴۳۸

۱- برای آشنائی با این خاندان به کتابهای : ریحانه الأدب ( تحت عنوان مرعشی و عنوان سلطان العلماء ) ، لغت نامه دهخدا ( در لغت سادات مرعشی ) ، دائرة المعارف تشیع ، جلد ۱ ، ( در عنوان آل مرعش ) و دانشمندان و بزرگان اصفهان و سایر کتب تراجم و رجال و دائرة المعارف ها و تاریخ و رجال شهرهای اصفهان ، قزوین ، شوشتر و مازندران ، مراجعه شود

۲- ریحانه الأدب ، جلد ۳ ، صفحه ۵۶

۳- الکنی و الألقاب ، جلد ۲ ، صفحه ۳۲۰

در آیام پدرش ( که وزیر شاه عباس صفوی بوده ) و او نیز قریب پنج سال در سِمَت وزارت فعّالیت می نموده ، و در مهمّات کشوری ، به هر دوی آنها ، مراجعه می شده است(۱) ، و به همین جهت او را « خلیفه السّلطان » لقب داده اند .

معظم له ، به دامادی شاه عباس نائل گردیده ، و فرزندان بسیاری از دختر شاه ( سیده شریفه ، جان آغایبگم ) نصیبش گردیده ، که همه از علماء و اتقیاء و اصفیاء بوده اند .

تألیفات سلطان العلماء ، از آثار علمی برجسته است ، که نمونه آنها حاشیه تفسیر بیضاوی و نیز ، حاشیه شرح لمعه ، و حاشیه بر معالم ( که هر دو از شهرت و اهمّیت زیادی برخوردار است ) و حاشیه شرح مختصر الاصول عضدی ، حاشیه مختلف علامه ، حاشیه من لا یحضره الفقیه ، حاشیه بر حاشیه خفّری بر شرح تجرید قوشچی ، توضیح الأخلاق ، آداب الحج ، أنموذج العلوم و ... می باشد . بزرگان و صاحبان کتب تراجم ، از شخصیت علمی و تحقیقات و آثار تألیفی سلطان العلماء ، با تجلیل فراوان یاد کرده اند .

ب - ج - د - ه - چهار شخصیت علمی

میرزا ابراهیم و میرزا سید حسن و میرزا سید علی و میرزا رفیع الدّین ، چهار برادر هستند از فرزندان سلطان العلماء ، و جان آغایبگم ، دختر شاه عباس کبیر ، و به همین جهت مرعشی الآب و صفوی الأم ، و به عبارت دیگر ، حسینی الآب و موسوی الام ، می باشند .

همه یادشدگان ، از ارباب فضل و کمال و تقوی و اجتهاد بوده اند(۲) ، و از

ص: ۴۳۹

۱- ریحانه الأدب ، جلد ۳ ، صفحه ۵۶

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۱۶۸

مفاخر خاندان مرعشی های اصفهان ( خلیفه سلطان ) می باشند ، و به مناسبت این که نوه های سلطان بوده اند ( نَوَاب ) خوانده می شوند .

نَوَاب ، میرزا ابراهیم ، حاشیۀ بر شرح لمعه و مدارک دارد، و حواشی بسیاری بر اکثر کتب فقه و اصول و حدیث و رجال و تفسیر و کلام و علوم عربیۀ نوشته ، و در علوم یاد شده ، مهارتی بسزا داشته ، و خلیفۀ شاه صفی ثانی ، و نایب مناب وی بوده ، و وفات او در سال ۱۰۹۸ قمری ، واقع گردیده است(۱).

نَوَاب ، میرزا سید حسن ، از أجلمۀ فقهاء و زهّاد و متکلمین بوده ، و جدّ سادات خلیفه سلطانی ، در اصفهان و جرقویه می باشد(۲) و فرزند او ، میرزا محمّد باقر « صدر خاصّه » از علماء معتمّر و فاضل بوده است .

نَوَاب ، میرزا سید علی ، از علماء و مدرّسین بوده ، و استاد برادر خود ، میرزا محمّد رفیع الدّین ، به شمار رفته است .

نَوَاب ، میرزا محمّد رفیع الدّین ، از علماء فقه و حدیث بوده ، و زاهد و عابد و صائم الدّهر به شمار رفته(۳) ، و تألیفات ارزشمندی ، همانند : حاشیۀ بر قواعد علامۀ حلّی ، حاشیۀ بر شرح تجرید ، حاشیۀ بر شرح لمعه و ... ، داشته ، و از شاگردان پدر خود ( سلطان العلماء ) و برادران خود ، میرزا ابراهیم و میرزا سید علی ، بوده است . فرزند او ، نَوَاب ، میرزا فتح الله ، از علماء فقه و حکمت ، و از شاگردان پدر خود بوده است .

و همچنین جمع دیگری از علماء و دانشمندان دینی ، در این خاندان ظهور

ص: ۴۴۰

---

۱- ریحانہ الأدب ، جلد ۳، صفحه ۵۷

۲- رجال اصفهان ، صفحه ۱۸۴

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۱۶۸

یافته اند، که در کتاب دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۱۶۷ - ۱۶۹ و کتاب رجال اصفهان ( تذکره القبور ) صفحه ۱۸۴ - ۱۸۶، به نمونه هایی از آنها اشاره شده است.

## ۱۶- خاندان علمی سید العراقین ( میر عمادی )

خاندانی است علمی که از خاندان علمی خاتون آبادی منشعب می شود، و در میان آنها علماء و دانشمندان دینی ظهور یافته اند، و به علت سکونتشان در محله پاقلعه اصفهان، به نام « سادات پاقلعه » مشهور گردیده اند.

برجسته ترین چهره علمی این خاندان، مرحوم حاج میرزا عبدالحسین، فرزند آقا میر محمد مهدی بن حاج میر معصوم بن حاج میرزا محمد علی بن میر أبو المحسن بن میر محمد اسماعیل، مدرّس کبیر خاتون آبادی می باشد، که پدران او، همه از علماء و شخصیت های دینی و اجتماعی بوده اند (۱).

مرحوم حاج میرزا عبدالحسین ( سید العراقین )، در سال ۱۲۹۴ متولّد گردید، و در حوزه اصفهان و نجف اشرف، و در محضر علماء بزرگی همچون آخوند خراسانی، مراحل تحصیلی را پیمود، و به مقام اجتهاد نائل گردید، و پس از مراجعت به اصفهان، به تدریس و هدایت مردم پرداخت، و در حلّ مشکلات دینی و اجتماعی و قضائی، گامهای بلندی برداشت، و پشت و پناه مردم بود (۲). و در سال ۱۳۵۰ قمری از دنیا رفت، و در جوار تکیه خاتون آبادی، مدفون گردید، و سپس محلّ دفن او به نام تکیه سید العراقین مشهور گردید، و عده ای از

ص: ۴۴۱

---

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۳۶۰

۲- رجال اصفهان، صفحه ۱۰۸

علماء بزرگ و دیگر مؤمنین ، در آن مدفون گردیدند .

مرحوم سید العراقین ، علاوه بر مقام تدریس در مدرسه چهارباغ ، عهده دار تولیت شرعی آن مدرسه ، و نیز مدرسه چهارباغ صدر ( چهارباغ خواجه ) و مدرسه پاقلعه بوده ، و بدین وسیله ، سرپرستی امور طلاب مدارس یاد شده نیز با آن بزرگمرد بوده است .

از نسل مرحوم سید العراقین ، علمائی پا به عرصه علم و عمل گذاردند ، و خاندان علمی سید العراقین را تداوم بخشیدند ، و این خاندان به مناسبت نام جدّ اعلیایان ( میرعماد الدّین محمّد ) ، با عنوان « میرعمادی » خوانده می شوند .

## ۱۷- خاندان علمی شفتی

سرسلسله این خاندان ، فقیه و مرجع عالیقدر ، آقا سید محمّد باقر شفتی ، مشهور به حجه الاسلام ، متوفای ۱۲۶۰ قمری می باشد . مرحوم سید شفتی ، در علم و تقوی و زعامت و شجاعت و سخاوت و تربیت شاگردان و اداره حوزه علمیه ، از مفاخر بزرگ اصفهان ، و تاریخ حوزه علمیه است ، و در بخشهای : « بقعه های علمی اصفهان » و « مساجد محل فعالیت علمی » و ... ، در این زمینه بررسی مفصل تری داریم . از نسل مرحوم سید شفتی ، علماء و فضلاء زیادی پیدا شده اند ، که تا این زمان ، رشته علمی را در این خاندان حفظ کرده اند ، و ذیلاً به چهره هائی از آنها اشاره می نمائیم :

الف - آقا سید اسد الله بید آبادی

متوفای ۱۲۹۰ قمری . وی ، فرزند مرحوم سید شفتی ، و از شاگردان صاحب جواهر می باشد ، و خود او ، از مجتهدین نامدار و زهاد برجسته است ،

ص: ۴۴۲



و تألیفات زیادی، از جمله، یک دوره کامل فقه استدلالی داشته (۱)، و به نوشته کتاب مآثر و آثار، در فقاہت و اجتهاد و ورع و زهد و تقوی، مُسَلِّم مسلمان، بوده است. از آثار پربرکت مرحوم آقا سید اسد الله شفتی، اجرای آب فرات به نجف اشرف بوده، که در سال ۱۲۸۸، انجام گرفته (۲)، و از اهمیت بسیار زیادی برخوردار بوده است.

ب - آقا سید مؤمن شفتی

وی، فرزند مرحوم سید شفتی، و از اهل علم و فضل بوده، و جلسه تدریس داشته، و بعد از مرحوم حاج سید اسدالله، أعلم اولاد مرحوم سید بوده است (۳).

ج - حاج سید جعفر شفتی

وی، فرزند مرحوم سید شفتی و متوفای ۱۳۲۰ قمری، که از رؤساء علماء اصفهان در محله بید آباد بوده است، و در مسجد سید تعمیرات اساسی نموده، و قسمت عمده کاشی کاری مسجد، در زمان تولیت ایشان انجام گرفته است.

مرحوم سید شفتی، علاوه بر یادشدگان، هفت پسر دیگر و سه دختر داشته اند که اکثر قریب به اتفاق آنها (اعم از پسر و دختر) اهل علم و فضل بوده اند (۴).

د. آقا سید محمد باقر دوم

وی، فرزند مرحوم آقا سید اسد الله، و نوه سید شفتی، و از علماء مبرز بوده،

ص: ۴۴۳

---

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۱۲۷

۲- اعیان الشیعه، جلد ۱۱، صفحه ۱۱۰

۳- بیان المفاخر، جلد ۲، صفحه ۱۶۰

۴- به بیان المفاخر، جلد ۲، صفحه ۱۵۳ تا ۱۶۵، مراجعه شود

و به مقام اجتهاد نائل گشته است ، و تکمیل و تزیین مسجد سید و بقعه و مزار مرحوم سید شفتی قُدُس سِرّه و ...، از آثار این بزرگمرد علم و دین ، می باشد .

علاوه بر شخصیت های یاد شده ، شمار زیادی از نوه ها و اُحفاد مرحوم سید شفتی ( تا این زمان ) در زمره علماء و دانشمندان دینی بوده و هستند ، هم چنانکه دامادهای مرحوم سید ( آقا سید محمّد صادق حسینی ، معروف به کتابفروش ، و آقا سید محمّد علی آقا مجتهد ، و آقا محمّد مهدی کلباسی « کرباسی » ) از علماء برجسته و عظیم الشان بوده اند .

برای آشنائی با خاندان علمی و گسترده سید شفتی ، و اولاد و اُحفاد و دامادها و بنی اعمام و سایر منسوبین به آن بزرگمرد ، به کتاب بیان المفاخر ، جلد ۲، مراجعه شود .

### ۱۸- خاندان علمی شَفَرَوَه

خاندان علمی و بزرگ شَفَرَوَه ( شَقَرَوَه ، سَفَرَوَه ، شَبَرَوَه ) گرچه به تشیع مشهور نیستند ، و جمعی از آنها ، در شمار پیروان مذاهب دیگر می باشند ، ولی با این حال، برخی از چهره های آن خاندان ، از مفاخر شیعه هستند ، و عدّه ای دیگر، آثار دوستی و محبت شدید نسبت به امیرالمؤمنین علی علیه السلام ، از آنها ظاهر می باشد ، مثلاً ، شیخ أبو السِّّعادات ، أسعد بن عبد القاهر بن أسعد اصفهانی ، که از مشایخ مرحوم سید رضی الدّین ، علی بن طاووس حلّی بوده ، از چهره های مبرز شیعه ، و اصفهان ، و خاندان علمی شفر وه ، به شمار می رود، و همچنین ، أبو الوفاء عبید الله بن هبه الله ، متوفای ۵۸۵ هجری ، ( که از چهره های مبرز علمی اصفهان بوده ) در بغداد ، در مدرسه ناجیه ، سخنرانی عجیبی راجع به امیرالمؤمنین علی علیه السلام ایراد می نماید ، و به علّت این که نزدیک غروب بوده ، بالبداهه اشعاری

می سزاید، و خطاب به خورشید می نماید، و می گوید: ای خورشید! همان طوری که (در قصه ردّ الشمس) برای امام علی علیه السلام بازگشتی، امروز هم بازگرد، تا من سخنم را درباره علی مرتضی و فرزندانش تمام کنم، و از این داستان، به خوبی روشن می شود که این شخصیت علمی اصفهان، تا چه حد و پایه ای معتقد به مقام ولایت امیرالمؤمنین علی علیه السلام بوده است.

در بخش «مدارس اصفهان، قبل از دوره صفویه»، در قسمت مربوط به «مدرسه جوهان»، تحقیقی جالب و مفصل در مورد چهره های شیعه در خاندان علمی شفروه داریم، به آنجا مراجعه شود.

### ۱۹- خاندان علمی شمس آبادی (آل رسول)

سرسلسله این خاندان، مرحوم آقا سید محمّد لاریجانی شاهاندشتی، متوفای ۱۲۶۶ قمری، و مدفون در تکیه جهانگیرخان قشقائی<sup>(۱)</sup> می باشد، که به نوشته آیه الله مرعشی نجفی، از فقهاء بوده است<sup>(۲)</sup>. وی، از مال و زندگی چشم می پوشد، و برای ادامه تحصیل به اصفهان می آید، و از نسل او علماء بزرگواری، پا به عرصه حوزه علمیه و جامعه شیعی می گذارند.

مشهورترین چهره علمی این خاندان، فقیه و مجتهد عظیم الشان، مرحوم آیه الله، آقا سید ابو الحسن آل رسول «شمس آبادی» (شهید در سال ۱۳۹۶ قمری، به دست گروهی منحرف از مکتب ولایت) می باشد، که از رؤسای علماء اصفهان، و مدرّس مدرسه صدر، و ملجأ و پناهگاه طلاب حوزه علمیه، و مردم نیازمند و یتام و فقراء بودند، و اجازه اجتهاد از زعماء و مراجع عالیقدر،

ص: ۴۴۵

---

۱- سیری در تخت فولاد، صفحه ۱۰۵ و رجال اصفهان، صفحه ۲۲۹

۲- رجال اصفهان، صفحه ۲۲۹

همانند: آقا ضیاء الدین عراقی، آقا سید ابو الحسن اصفهانی، آقا سید جمال الدین گلپایگانی، آقا شیخ محمد رضا مسجد شاهی، و آقا سید محمد نجف آبادی و دیگران داشتند، و پس از شهادت، بقعه بسیار شکوهمندی بر مرقد مطهر ایشان ساخته شده، که در تمامی ایام و لیالی، زیارتگاه و مورد توجه مؤمنین، و شیفتگان مکتب اهل بیت علیهم السلام و علاقه مندان به حضرت سید الشهداء، ابی عبد الله الحسین علیه السلام می باشد.

درباره شخصیت و آثار مرحوم آیه الله شهید شمس آبادی، در بخشهای: «بقعه های علمی اصفهان و تخت فولاد»، و «چهره های علمی اصفهان در دوره اخیر» و «مدارس علمی اصفهان، پس از صفویه» (مدرسه صدر) نیز، بحث و بررسی داریم (۱).

## ۲۰- خاندان علمی شهرستانی

از خاندان های بزرگ علمی شیعه است، که در طول قرون متمادی، اعضاء این خاندان در کشورهای: ایران، عراق، حجاز، هند و ...، زندگی کرده اند، و در شهرهای مهمی، همانند: نجف، کربلا، کاظمین، سامراء، تهران و اصفهان، شخصیت هایی از این خاندان، به کوشش علمی اشتغال داشته اند، و اصل آنها از (شهرستان) اصفهان می باشد.

در این خاندان بزرگ، چهره هایی درخشان، همانند: فقیه و محقق نامدار، آقا میرزا مهدی شهرستانی، متوفای ۱۲۱۶، که از مفاخر علمی شیعه در قرن

ص: ۴۴۶

---

۱- برای آشنائی با خاندان علمی شمس آبادی، به کتاب تحفه الأبرار، جلد ۲، صفحه ۵۱۹ تا ۵۳۲ (خاتمه، به قلم آقای سید مصلح الدین مهدوی)، و نیز دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۴۴۹ - ۴۵۰، مراجعه شود

سیزدهم ، در کشور عراق بوده ، و نیز مرجع و فقیه بزرگ و عظیم الشان ، میر محمد حسین شهرستانی ، متوفای ۱۳۱۵ قمری ، که جامع علوم عقلی و نقلی و حکیم و ادیب و شاعر بوده، و در کثرت حافظه و قدرت و کثرت تألیف ، ممتاز بوده است(۱) و نیز اعجوبه روزگار و نابغه قرن چهاردهم ، سید هبه الدین شهرستانی(۲)، که از مفاخر علمی و اجتماعی شیعه است ، درخشیده اند ، و به دلیل اینکه این شخصیت ها در حوزه های دیگری غیر از اصفهان تجلی یافته اند ، آثار و عظمت آنها ، و نیز خاندان بزرگشان ، به مناسبت حوزه های نجف و کربلا و ... ، باید مورد بررسی قرار گیرد .

## ۲۱- خاندان علمی شهبانی

یکی از خاندانهای اصیل و شریف ، که نسب آنها به امام چهارم ، حضرت علی بن الحسین علیه السلام می رسد ، خاندان شهبانی می باشد ، که سرسلسله آنها عالم شهید و سید نقیب ، سید علاء الدین محمد ، معروف به « شاه علاء الدین محمد » ، و « شهبان » ( شاه شاهان ) می باشد ، که در ماه رمضان ۸۵۰ هجری ، به دستور شاهرخ بن تیمور ، به همراه خواجه افضل الدین محمد تُرکه ، به شهادت رسیده(۳) و جنازه او در مدرسه و عبادتگاهش ، دفن گردیده ، که هم اکنون به نام « بقعه شهبان » ، مشهور و مورد توجه می باشد.

سید علاء الدین محمد ، به جهت سیادت و شخصیت علمی و اجتماعی

ص: ۴۴۷

۱- ریحانه الأدب ، جلد ۳، صفحه ۲۷۲ - ۲۷۳

۲- برای آشنائی با شخصیت این بزرگمرد ، به ریحانه الأدب ، جلد ۶، صفحه ۳۵۰ - ۳۵۲ مراجعه شود

۳- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۳۳۳ - ۳۳۴

برجسته اش ، مورد توجه شدید مردم و حکومت وقت بوده، و محله ای که در آن سکونت داشته ، به نام « محله شهشهان » نامیده شده است (۱).

از ذریه او ، علماء و دانشمندان و گویندگان و نویسندگانی برخاسته اند ، که مجموعاً خاندان علمی « سادات شهشهانی » و نیز « خاندان شاه علانی » را تشکیل می دهند ، و ذیلاً به چند چهره آنها اشاره می نمائیم :

الف - فقیه و اصولی و مرجع عظیم الشأن ، آقا سید محمد بن عبد الصمد شهشهانی ، متوفای ۱۲۸۷ ، که از شاگردان صاحب ریاض ، و آقا سید محمد مجاهد ، و حاجی کلباسی به شمار می رود ، و خود او ، مدرّس بزرگ و مرجع دینی در شهر و حوزه اصفهان بوده است . وی تألیفات ارزشمند و متعددی داشته، و از نسل او علماء و دانشمندان با فضیلتی برخاسته اند، و برادر بزرگوار او، آقا سید محمد علی حسینی نیز ، به علم و تقوی شهرت داشته است (۲).

ب - عالم فاضل ، آقا سید ابو الحسن شهشهانی ، متوفای بعد از ۱۲۵۹ ، که ظاهراً از شاگردان حاج محمد ابراهیم قزوینی ( از شاگردان مبرز و مورد علاقه مرحوم سید شفتی ) بوده است (۳).

ج - آقا میرزا محمد جعفر شهشهانی ، که عالمی زاهد و مورد وثوق و اطمینان مرحوم سید شفتی بوده است (۴).

د- آقا میرزا یحیی ، فرزند آقا میرزا محمد جعفر ، که از علماء جلیل القدر ،

ص: ۴۴۸

---

۱- آثار ملی اصفهان ، صفحه ۲۳۷

۲- در بخش « بقعه های علمی و تخت فولاد » از این بزرگمرد ، با تفصیل بیشتر یاد کرده ایم

۳- الکرام البرره ، صفحه ۳۲

۴- رجال اصفهان ، صفحه ۱۹۱

و مورد وثوق و اعتماد مرحوم حاج سید اسدالله شفتی بوده است (۱).

## ۲۲- خاندان علمی شیخ الإسلام سبزواری

یکی از خاندانهای علمی اصفهان ( که به مناسبت منصب شیخ الإسلامی (۲) به نام « شیخ الإسلام » خوانده شده است ) خاندان محقق سبزواری می باشد ، که ذیلاً به چهره هائی از آن خاندان ، اشاره می شود:

ص: ۴۴۹

### ۱- رجال اصفهان ، صفحه ۱۹۱

۲- منصب شیخ الاسلامی ، در میان اهل سنت ، سابقه دیرینه دارد ، و به قرن پنجم هجری بر می گردد ، و بزرگانی همانند : أبو العباس ، أحمد بن حسن بن عبد الله بن یزیداد سرخسی ، معروف به شیخ الإسلام ، متوفای ۴۰۹ و خواجه عبدالله انصاری ( پیر هرات ) متوفای ۴۸۱ و ... ، با این منصب شناخته شده اند ، ولی در عالم تشیع ، منصب شیخ الاسلامی ، مربوط به دوره صفویه است . این منصب ، در دوره صفویه ، یکی از مهمترین مناصب دینی و علمی و اجتماعی بوده ، و صاحب آن ، به امور شرعی و مدنی و افتاء و قضاء و حلّ مشکلات مردم و امر به معروف و نهی از منکر ، می پرداخته است ، و در برخی از دوره ها ، بالاترین چهره علمی و دینی بوده ، و نه تنها خودش فقیه و مجتهد طراز اول بوده ، بلکه عده ای از مجتهدین و علماء ، با او همکاری می کرده اند ، و در حلّ و فصل خصومات و مشکلات دینی و اجتماعی مردم ، می کوشیده اند . شیخ الإسلامها ، گاهی دارای این منصب ، در محدوده شهری خاص همانند : اصفهان ، مشهد ، شوشتر و ... ، بوده اند ، و گاهی منصب آنها در تمامی کشور پهناور ایران ، حاکمیت داشته است . در میان شیخ الإسلامها ، چهره هائی ، همانند : محقق کرکی ( محقق ثانی ) ، شیخ بهائی ، محقق سبزواری ، آقا حسین خوانساری ، علامه مجلسی ، شیخ جعفر قاضی ، جلب توجه می نمایند . برای آشنائی بیشتر با این منصب ، به لغتنامه دهخدا و دائرة المعارف مصاحب ، در لغت ( شیخ الإسلام ) و نیز زندگینامه علامه مجلسی جلد اول از صفحه ۲۷۲ تا ۲۹۵ ، و کتاب ( علامه مجلسی بزرگمرد علم و دین ) صفحه ۲۱۰ تا ۲۱۳ ، مراجعه شود

سرسلسله‌خاندان، فقیه حکیم، و مجتهد اصولی، و محقق نامدار، مولی محمّد باقر بن محمّد مؤمن سبزواری اصفهانی، معروف به «محقق سبزواری»، و متوفای ۱۰۹۰ قمری بوده است. وی، اصلاً سبزواری، ولی از بزرگترین چهره‌های علمی و تحقیقی در حوزه اصفهان، در قرن یازدهم بوده، و استاد‌های بزرگی، همانند: شیخ بهائی و میرفندرسکی و ملا حسنعلی شوشتری داشته، و شاگردانی، همانند: میر عبدالحسین خاتون آبادی پرورش داده، و از دوستان مرحوم فیض کاشانی، و برادر همسر محقق خوانساری، و دانی آقا جمال خوانساری بوده است. محقق سبزواری، منصب شیخ الاسلامی و امامت جمعه داشته، و مدرّس رسمی مدرسه مهمّ ملا عبد الله شوشتری بوده است.

مرحوم سبزواری، مورد تجلیل فراوان بزرگان تراجم و رجال قرار گرفته، و عبارات‌های برجسته‌ای در مورد او به کار برده‌اند، مثلاً، ریا، آقا شیخ اسد الله دزفولی کاظمی، او را: علامه فهّامه، و محقق مدقق، و عمده الفضلاء و المحدثین، و زبده الحکماء و المتکلمین، و مؤید و مسدّد به عواطف فیض باری، شمرده است، و ملا محمّد اردبیلی (صاحب جامع الزّواه) او را: امام علامه، محقق مدقق، پسندیده خوی و پاک سرشت، متبحّر در علوم عقلی و نقلی، و یگانه عصر دانسته، و ادامه داده است که، مناقب و فضائل او را، نمی‌توان بر شمرد، و محدّث قمی

مرحوم حاج شیخ عبّاس (محقق سبزواری را، با عناوین: فاضل محقق حکیم، و متکلم فقیه، و محدّث جلیل القدر، و عالم نقاد، ستوده است.

خلاصه آن که، هریک از صاحبان تراجم و صاحب نظران فن، در برابر عظمت علم و قدرت تحقیق و روح ابتکار، و صلابت در دین، و حسن اخلاق، و جاذبه روحی و معنوی آن بزرگمرد، به تجلیل و تکریم و ادای احترام



پرداخته اند .

آثار تألیفی آن محقق نامدار ، در زمینه فقه ، اصول ، حکمت ، اخلاق ، دعا و زیارات ، مورد توجه قرار گرفته ، ولی در میان آنها ، دو کتاب ابتکاری و برجسته ، به نامهای « ذخیره المعاد فی شرح الإرشاد » و « کفایه المقتصد » در فقه ، آن چنان اهمیت و شهرتی دارد ، که از محورهای تحقیق در عالم فقه ، به شمار می رود .

جنازه مرحوم محقق سبزواری پس از فوت ، به مشهد مقدس منتقل گشت ، و در مدرسه میرزا جعفر ، نزدیک آستان مقدس حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام مدفون گردید .

ب - میرزا جعفر سبزواری اصفهانی

فقیه زاهد و مدرس عظیم الشان ، میرزا جعفر ، فرزند عالیقدر ملا محمد باقر سبزواری ، که از فحول دانشمندان اصفهان بوده ، و تدریس و امامت داشته ، و در جنب مسجد حکیم ، در قبرستان کوچکی مدفون گردیده است ، و منصب شیخ الاسلامی در أعقاب او به مدت بیش از دو قرن ، باقی بوده است (۱).

ج - میرزا عبد الرحیم شیخ الإسلام

عالم جلیل القدر ، و شیخ الإسلام اصفهان ، میرزا عبد الرحیم ( محمد رحیم ) بن شیخ جعفر بن مولی محمد باقر سبزواری (۲) ، متوفای ۱۱۸۱ قمری ، که از علماء و مجتهدین منتفذ اصفهان در قرن دوازدهم ، و دارای تألیفات بوده است .

ص: ۴۵۱

---

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۲۲۷

۲- أعیان الشیعه، جلد ۳۷، ص ۱۹۰ و دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۴۱۱

دو فرزند او ، به نامهای : میرزا عبد المطلب ، متوفای ۱۱۶۰ ، و میرزا عبد الله ، متوفای ۱۱۷۵ قمری ، از علماء بوده اند ، و هر دو ، در زمان حیات پدر ، از دنیا رفته اند .

د- میرزا مرتضی شیخ الإسلام

عالم جلیل القدر و شیخ الإسلام اصفهان ، میرزا مرتضی بن میرزا عبد المطلب بن میرزا عبد الرحیم ، متوفای ۱۲۲۶ قمری ، که از علماء معروف زمان خود بوده است .

ه - میرزا محمد رحیم ثانی

میرزا محمد رحیم ثانی، فرزند میرزا مرتضی ، متوفای ۱۲۴۹ قمری و مدفون در تکیه خوانساریها . وی از علماء بوده، و پس از پدر منصب شیخ الإسلامی داشته است .

و - میرزا عبدالله شیخ الإسلام

میرزا عبدالله بن میرزا رحیم ، متوفای ۱۲۷۵ قمری ، که از علماء متنفذ ، و دارای ریاست و منصب شیخ الاسلامی بوده ، و منبر و محراب ، محلّ فعالیت اجتماعی و تبلیغی او بوده است .

ز - میرزا محمد رحیم ثالث

میرزا محمد رحیم ثالث بن میرزا عبدالله ، متوفای ۱۳۰۶ قمری ، که از علماء ، و شیخ الإسلام اصفهان پس از پدر ، بوده است .

ح - میرزا حسن شیخ الإسلام

میرزا حسن شیخ الإسلام بن میرزا محمد رحیم ، متوفای ۱۳۰۹ قمری ، که از

علماء بوده ، و منصب شیخ الاسلامی داشته است .

ط - حاج میرزا زین العابدین شیخ الإسلام

حاج میرزا زین العابدین بن محمد علی بن محمد ابراهیم بن مرتضی بن میرزا عبد المطلب ، که عالمی فاضل و مفسری محقق ، و نویسنده ای ادیب بوده ، و تألیفاتی ، همانند : « شجره طیبه » در تجوید ، ( در دو جلد ، به زبان عربی و فارسی ) ، و « إعراب ستّ سُور من القرآن » و « تذکره القراء » داشته ، و در سال ۱۳۱۸ قمری وفات یافته ، و در مزار « إمامزاده سه تن » ، (جنب مسجد آقانور در دشت ) مدفون گردیده است (۱).

ی - حاج میرزا علی اکبر شیخ الإسلام

حاج میرزا علی اکبر بن میرزا محمد رحیم ، متوفای ۱۳۵۰ قمری . وی آخرین نفر از شیخ الاسلامهای اصفهان بوده ، و پس از او منصب شیخ الإسلامی ( با تشکیل نظام مشروطیت در ایران ) از بین رفت . و البته باید دانست که موقعیت علمی و اجتماعی و نفوذ مردمی شیخ الاسلامهای اصفهان ، در دوره های متأخر ، کاملاً با شیخ الاسلامهای دوره های اول ، همانند : دوره های محقق کرکی و شیخ بهائی و محقق سبزواری و آقا حسین خوانساری و علامه مجلسی ، متفاوت بوده است .

و در پایان این بخش ، تذکر این نکته مفید است که : نویسنده متتبع و محقق معاصر ، آقای سید مصلح الدین مهدوی ، کتابی در حدود سیصد صفحه ، درباره

ص: ۴۵۳

---

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۲۲۸ ، و فهرست کتب خطی کتابخانه های اصفهان ، صفحه ۱۰۷ تا ۱۱۲

« خاندان شیخ الإسلام » و علماء و بزرگان آنها ، تألیف نموده اند ، که آماده چاپ می باشد .

### ۲۳- خاندان علمی صدرالدین عاملی

یکی از خاندانهای بزرگ علمی شیعه ، که در طول شش قرن (۱) ، چهره های علمی برجسته ای به عالم تشیع عرضه کرده ، و شاخه ها و اعضاء آن ، در کشورهای : ایران و عراق و لبنان ، در شهرهای مشهوری ، همانند : اصفهان ، قم ، مشهد ، صور لبنان ، نجف ، کربلاء و سامراء ، کاظمین و ... ، اقامت داشته ، و به خدمات علمی و اجتماعی و ریاست دینی و مرجعیت تقلید ، اشتغال داشته اند ، خاندان سادات موسوی عاملی ( منسوب به جبل عامل جنوب لبنان ) می باشد ، که شاخه های آن ، با نامهای : آل شرف الدین عاملی ، صدر عاملی ، صدر زاده ، صدر ، و خادمی می باشند ، و علاوه بر شخصیت های برجسته این خاندان ، همانند : آقا سید صدرالدین موسوی عاملی ، آقا سید حسن صدر ، ( صاحب کتاب تأسیس الشیعه لفنون الإسلام ) آقا سید اسماعیل صدر ( از مراجع بزرگ شیعه در عراق ) و آقا سید صدر الدین صدر ( از مراجع بزرگ در حوزه علمی قم ) و آقا سید شرف الدین عاملی ( صاحب کتاب المراجعات و از مراجع بزرگ شیعه در لبنان ) شخصیت های برجسته ای ، همانند : شیخ حرّ عاملی و آقا سید محمد ( صاحب مدارک ) و شیخ جعفر کبیر ( کاشف الغطاء ) ، از منسوبین و نزدیکان این خاندان می باشند ، و خاندانهای بزرگی همانند : خاندان سید شفتی و خاندان مسجد شاهی و خاندان چهارسوقی ( روضاتی ) و خاندان جو بیارهای و ... ، با این خاندان نسبت دارند ، که ذیلاً به چهره هایی از آنها اشاره نموده ، و منشأ پیدایش و رشد

ص ۴۵۴

---

۱- اظهارات آقای سید مصلح الدین مهدوی ، نویسنده محقق و متبّع معاصر

و گسترش این خاندان را در اصفهان ، بیان می نمائیم :

الف - آقا سید صدرالدین عاملی

فقیه اصولی و محدث رجالی ، و ادیب و شاعر متبحر ، آقا سید صدرالدین عاملی موسوی ، متوفای ۱۲۶۳ قمری . وی اصلاً از جنوب لبنان ( جبل عامل ) می باشد ، و نام او و پدرش چنین است : سید محمد بن سید صالح عاملی (۱) ولی به نام سید صدرالدین ، شهرت یافته است . او اولین چهره علمی خاندان صدر می باشد ، که به اصفهان مهاجرت نموده ، و اقامت جسته ، و موقعیت شایسته و مهمی در جامعه علمی و مذهبی اصفهان ، به دست آورده است .

وی ، تألیفات بسیاری در فقه و اصول و رجال و نحو داشته ، که نشانه قدرت علمی و تفکر او می باشد ، و در حال صغر سن ، ادعای اجتهاد می نموده است (۲).

استادهای آن بزرگمرد ، شخصیت های برجسته ای ، همانند : آقا سید مهدی بحر العلوم ، و شیخ جعفر کبیر کاشف الغطاء ( پدر زن او ) و ... می باشند ، و عدّه زیادی در محضر او به کسب علم و کمال نائل گردیده ، یا اجازه علمی دریافت داشته اند (۳) و از مشایخ اجازه شیخ اعظم أنصاری می باشد (۴).

سید صدر الدین محمد عاملی ، نفوذ و موقعیتی برجسته در شهر اصفهان یافت ، و سرسلسله خاندان بزرگی در این شهر گردید ، و مورد علاقه و محبت

ص: ۴۵۵

---

۱- در کتاب أعيان الشّيعه ، چاپ جدید ، جلد ۳ ، صفحه ۴۰۳ ، نسب این بزرگوار چنین ثبت شده است : ... محمد بن صدر الدین بن صالح بن ...

۲- ریحانه الأدب ، جلد ۳ ، صفحه ۴۲۹

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۱۴۴

۴- ریحانه الأدب ، جلد ۳ ، صفحه ۴۲۹

مرحوم سید محمّد باقر شفتی قرار گرفت ، و به همین جهت ، زمینه بیشتری برای موفقیت او فراهم گردید ، و از میان هشت فرزند پسر آن بزرگوار ، سه شخصیت بزرگ ، یعنی : آقا سید اسماعیل صدر ، و آقا سید محمّد علی « آقا مجتهد » و آقا سید أبو جعفر خادم الشریعه ، چهره مشهور و برتر علمی دارند(۱).

ب - آقا مجتهد

مجتهد عجیب و فقیه جوان ، آقا سید محمّد علی ، فرزند آقا سید صدرالدین عاملی ، معروف به « آقا مجتهد » ، که در سنّ ۱۲ سالگی کتاب ( ألبلاغ المبین فی أحكام الصّیّان و المجانین ) را نوشت ، و پس از آن که سید شفتی آن را ملاحظه نمودند ، اجتهاد او را تصدیق فرمودند(۲) و دختر خود را به نکاح او در آوردند

آن عالم بزرگوار ، مادرش ، دختر شیخ جعفر کاشف الغطاء ، و همسرش ، دختر آقا سید محمّد باقر شفتی ، و خودش ، از مفاخر علمی اصفهان به شمار رفته ، و در سنّ ۳۵ سالگی ، در سال ۱۲۷۴ قمری ، وفات یافته است .

وی ، دو فرزند دارد ، به نامهای : حاج میرزا بهاء الدین ( عالم ادیب شاعر ) ، متوفای بعد از ۱۳۲۰ قمری ، و حاج سید محمّد جواد ، متوفای ۱۳۵۷ قمری ، که مجتهد و مدرّس مدرسه ملا عبد الله بوده ) ، و شیخ الشریعه اصفهانی ، در جواب اشکال او در مسئله ( جواز احتیاط برای متمکن از تحصیل واقع ، به طریق معتبر ) رساله‌های نوشته است(۳).

ص: ۴۵۶

---

۱- تاریخ علمی اصفهان در دو قرن اخیر ، جلد ۱ ، صفحه ۲۶۷

۲- ریحانه الأدب ، جلد ۱ ، صفحه ۵۷

۳- الذریعه ، جلد ۱۱ ، صفحه ۱۳۰

فقیه نامدار و مرجع بزرگ شیعه، آقا سید اسماعیل صدر، فرزند آقا سید صدرالدین عاملی، متوفای ۱۳۳۷ قمری. وی در حوزه اصفهان در تحت تعلیم برادر بزرگوارش، آقا مجتهد قرار گرفت، و پس از وفات او، مدتها تحت تعلیم و تربیت آقا شیخ محمد باقر نجفی مسجد شاهی بود، و مراحل از تحصیل دوره سطح و خارج را در حوزه اصفهان، سپری نمود(۱) و سپس به عراق هجرت فرمود، و در حوزه نجف و سپس سامراء، از محضر مجدد بزرگ، میرزای محقق شیرازی (میرزا محمد حسن، صاحب فتوای تحریم تنباکو) و دیگر بزرگان، بهره گرفت(۲) و پس از فوت میرزای شیرازی، به کربلا مهاجرت نمود، و حوزه بزرگی را شکل بخشید، که بزرگانی از علماء در آن تربیت یافتند.

آن بزرگمرد، شاگردانی، همانند: میرزا محمد حسین نائینی، و سید شرف الدین عاملی و حاج سید حسین فشارکی و ...، داشته، و چهار فرزند او به نامهای: آقا سید صدرالدین (مذکور در ذیل) و آقا سید محمد جواد، متوفای ۱۳۶۱، و آقا سید حیدر (که صاحب تألیفاتی بوده، و در سال ۱۳۵۶ قمری وفات یافته) و آقا سید مهدی، همه از علماء و صاحبان فضل بوده اند، و مادر آنها، خواهر فقیه و محقق نامدار، و محدث و رجالی عظیم الشأن، آقا سید حسن صدر، مذکور در ذیل می باشد.

عموم صاحبان تراجم و جمعی از دائره المعارف ها، درباره عظمت و شخصیت این بزرگ مرجع عالیقدر شیعه، بحث و بررسی نموده اند.

ص: ۴۵۷

۱- اعیان الشیعه، چاپ جدید، جلد ۳، صفحه ۴۰۳

۲- نقباء البشر، جلد ۱، صفحه ۱۶۰

فقیه و مرجع نامدار، و اصولی و محدث عظیم الشان، و ادیب و رجالی، و شاعر ماهر، آقا سید صدرالدین صدر، متوفای ۱۳۷۳ قمری، که از چهره های بزرگ خاندان صدر، و فرزند مرحوم آقا سید اسماعیل صدر، و از مراجع بزرگ وزعمای حوزه علمیه قم (پس از وفات مرحوم آیه الله العظمی، حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی) می باشد. آن بزرگمرد، در زمینه تحقیق و تدریس، أخلاق و فضیلت، رهبری و مرجعیت، شخصیتی برجسته داشته، و در تألیف و تصنیف، شعر و آدب، چهره ای مورد توجه بوده است.

تکامل تحصیلی این بزرگمرد در حوزه نجف بوده، و تدریس عمده و مرجعیت ایشان، در حوزه قم تحقق یافته است، و از میان تألیفات متعدد و متنوع و گرانقدر آن مرجع عالیقدر، کتاب «المهدی» در باره حضرت مهدی موعود (عج)، از طرق و اخبار عامه، از اهمیت و شهرت زیادی برخوردار می باشد، و دوبار ترجمه گردیده، و مکرراً عربی و فارسی آن، چاپ شده است، و برخی از تألیفات آن بزرگمرد، در ضمن مجامدات زیاد می باشد، همانند مختصر تاریخ الإسلام (در پنج جلد) و لواء محمد (در دوازده جلد)<sup>(۱)</sup>، و مدینه العلم (در شش جلد)<sup>(۲)</sup>.

مرحوم صدر، دو فرزند برومند از خود به جای گذارده اند، که هر کدام، از مفاخر شیعه می باشند. الف - فقیه مجتهد، و فیلسوف محقق، و استاد عالیقدر، آقای حاج سید رضا صدر، که نویسنده ای محقق، و استادی شایسته، و شخصیتی

ص: ۴۵۸

۱- گنجینه دانشمندان، جلد، صفحه ۳۲۸

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۳۸۸



برجسته می باشند، و در حوزه علمیه قم، به کوششهای علمی و تحقیقی، و نیز تألیف و تصنیف اشتغال دارند(۱). ب - پیشوای عالیقدر و رهبر متنفذ، حاج آقا موسی صدر، مشهور و ملقب به: «إمام موسی صدر»، که پس از طی مراحل علمی و کسب مقام منبع اجتهاد، و استفاده از محضر بزرگترین چهرهای علمی، در زمینه فقه و اصول و فلسفه و ...، (در حوزه قم و نجف) به کشور لبنان مهاجرت نموده، و پیشوائی مطلق شیعیان آن کشور را بر عهده گرفته، و شهرتی جهانی یافتند، تا آن که با توطئه دشمنان شیعه و اسلام، ربوده شده، و مفقود گردیدند، و تاکنون (ذی الحجة ۱۴۱۷ قمری) هیچگونه اطلاع قابل اعتمادی، در مورد وضعیت آن بزرگمرد در دست نیست.

ه - سید حسن صدر

فقیه اصولی، محدث رجالی، و ریاضی جامع، آقا سید حسن صدر کاظمی موسوی، متوفای ۱۳۵۴ قمری. وی از شخصیت های علمی برجسته شیعه، در قرن چهاردهم می باشد، و در حوزه کاظمین و سپس نجف و سامراء، تحصیل علم نموده، و از شاگردان میرزای شیرازی بوده، و پس از تکامل علمی و نیل به مقام منبع اجتهاد، در حوزه علمیه کاظمین، به تدریس و تحقیق و تألیف پرداخته، و آثاری فراوان و برجسته، در زمینه رجال و تراجم، تاریخ معصومین علیهم السلام، حدیث، فقه و اصول، از خود به جای گذارده است(۲) و در

ص: ۴۵۹

- 
- ۱- متأسفانه هم اکنون که مراحل چاپ کتاب انجام می شود، (در سال ۱۴۱۷) حوزه علمیه و شهر مذهبی قم، در غم ارتحال آن بزرگمرد بسر می برد، و مدتی از فوت ایشان می گذرد
  - ۲- ریحانه الأدب، جلد ۳، ص ۴۲۵، دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۱۴۵

میان آثار آن بزرگمرد، کتاب «تأسیس الشیعه الکرام، لفنون الإسلام» و تلخیص آن به نام «الشیعه و فنون الإسلام» از عظمت و اهمیت بسیاری برخوردار می باشد و به راستی خدمتی بزرگ و ابتکاری، نسبت به عالم تشیع و تبیین آثار و خدمات علمی شیعه، محسوب می گردد، و توانسته است اثبات کند، که جهان علم و عالم اسلامی، مدیون خدمات علمی شیعه می باشد.

و - آیه الله خادمی

فقیه اصولی و زعیم و پیشوای دینی، آیه الله، حاج آقا حسین خادمی، متولّد ۱۳۱۹، و متوفّای ۱۴۰۵ قمری، که از مفاخر علمی و اجتماعی در شهر و حوزه علمیّه اصفهان به شمار می روند، و در بخش (خاندان علمی خادمی) درباره ایشان به تفصیل بحث کرده ایم. خاندان معظّم له، از شاخه های خاندان علمی و عظیم صدر می باشد.

ز- شهید صدر

فقیه اصولی، و مجتهد مجاهد، آیه الله، شهید سید محمّد باقر صدر، متوفّای ۱۴۰۰ قمری.

وی، از شخصیت های برجسته علمی خاندان صدر، و از محقّقین بزرگ و دارای مقام علمی و اجتماعی ممتاز می باشد.

او در حوزه علمیّه نجف اشرف، تحصیل علم و کمال نمود، و در همانجا به تدریس و فعالیت اجتماعی و مبارزاتی پرداخت، و تألیفات گوناگون در فقه و اصول و فلسفه و ...، عرضه نمود، تا آن که در سال ۱۴۰۰ قمری، به دست حزب بعث عراق، و رهبر جنایتکار آن (صدّام حسین) دستگیر و زندانی گردید و پس از شکنجه های فراوان، به شهادت رسید.

ص: ۴۶۰

بانوی دانشمند و فاضله، آمنه صدر، دختر آقا سید حیدر، و خواهر شهید آقا سید محمد باقر صدر، مشهوره به « بنت الهدی » وی، از شخصیت های مبرز در عالم زنان بوده، و مؤلفاتی داشته (۱) و در دوران حکومت بعثی کافر عراق، و حاکمیت صدام حسین خون آشام، همراه برادرش به مبارزه پرداخت، و در نهایت دستگیر گردید، و پس از شکنجه فراوان، در سال ۱۴۰۰ قمری، در زندان بعثی ها، به شهادت رسید.

علاوه بر چهره های یاد شده، در میان خاندان صدر، علماء و فضلاء بسیاری بوده و هستند، که در کتب تراجم، از شرح حال آنها بخشهای قابل توجهی نقل گردیده است، و از آن جمله، در کتابهای: أعيان الشیعه، طبقات حاج آقا بزرگ طهرانی، ریحانه الأدب، گنجینه دانشمندان، تکمله أمل الأمل (تألیف سید حسن صدر کاظمی) و (تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان) جلد اول تألیف آقای سید مصلح الدین مهدوی، بخشهای سودمند و مفیدی مطرح گردیده است.

### خاندان علمی طباطبائی

یکی از بزرگترین خاندانهای علمی و معتبر، و مورد توجه در عالم تشیع، خاندان سادات طباطبائی حسنی می باشد، که در بسیاری از بلاد شیعه و مراکز علمی و دینی متعلق به جهان تشیع، چهره هائی از آن خاندان، زندگی کرده یا از آن برخاسته، و یا در آن فعالیت علمی و دینی داشته اند.

سادات طباطبائی، در کشورهای ایران، عراق، حجاز، مصر، هند، پاکستان یمن و... و در شهرهائی، همانند: اصفهان، قم، تهران، ری، مشهد، قزوین،

ص: ۴۶۱

کاشان، کربلا، کاظمین، بغداد، بروجرد، زواره، اردستان، نائین، یزد، نطنز، تبریز، اردبیل، و دهها شهر بزرگ و کوچک دیگر زندگی کرده، و چه بسا در اثر علم و تقوی و فضیلت خویش، درخشیده اند.

از این خاندان بزرگ، در طول دوازده قرن، چهره های بزرگ و نامداری همچون: ابن طباطبا علوی اصفهانی، متوفای ۳۲۲ و میرزا رفیعا نائینی، متوفای ۱۰۸۲ و آقا سید مهدی بحر العلوم، متوفای ۱۲۱۲ قمری و (آقا سید علی صاحب ریاض) و آقا سید محمد مجاهد (فرزند صاحب ریاض) و آقا میرزا محمود بروجردی (صاحب مواهب السنیة) و مرحوم آیه الله العظمی، حاج آقا حسین طباطبائی بروجردی، و مرحوم آیه الله العظمی، حاج سید محسن طباطبائی حکیم و آقا سید حسن مدرّس (مجتهد و مجاهد نامدار، و شهید قرن چهاردهم) و دهها چهره دیگر از مراجع تقلید یا محققین و مؤلفین بزرگ، و زعمای دینی در شهرهای شیعه نشین، درخشیده اند، و بر افتخارات عالم تشیع افزوده اند.

## ۲۴- خاندان علمی طباطبائی های اصفهان

از خاندان طباطبائیان، چهره هائی در طول تاریخ اصفهان درخشیده اند، که بخشی از آنها طباطبائی های اصفهان محسوب می گردند، و ذیلاً به چهره هائی از بزرگان قدمات آنها، اشاره می نمائیم:

الف - ابراهیم طباطبا

به نوشته و تحقیق صاحب ریحانه الأدب، صاحب لقب طباطبا (بنابر قول صحیح)، ابراهیم بن اسماعیل دیباج بن ابراهیم بن حسن مثنی است (۱) و به جهت لکنت زبانی که در او بوده، و (ق) را تبدیل به (ط) می نموده، و بجای (قبا،

ص: ۴۶۲

قبا)، ( طبا، طببا) می گفته است، و یا به نوشته بعضی از اهل خبر، این لقب از اهل محل بوده، و معنی آن به زبان نبطی، سید السادات می باشد، او را ( طباطبا) گفته اند، و ذریه و نسل او را، « طباطبائی » یا « طبطبائی»، خوانده اند.

در نوشته بعضی از مورّخین چنین آمده است: اسماعیل ( دیباج ) بن ابراهیم ( غمر ) بن حسن ( مثنی ) بن امام حسن مجتبی علیه السلام، در اصفهان بُمرد، و در گلبهار آن شهر خاکسپار شد (۱) آنگاه فرزندش ابراهیم ( طباطبا) بن اسماعیل ( دیباج )، نیز در جمیلان اصفهان درگذشت (۲). فرزند وی، ابو عبد الله أحمد ( رئیس ) بن ابراهیم ( طباطبا ) نیز گویا در آن شهر بوده، و فرزند او ابو جعفر محمّد بن أحمد ( رئیس ) در جمیلان اصفهان مدفون است، فرزند او ابو الفتوح أحمد بن محمّد ( ابو جعفر ) نیز در آن شهر مُرده، و در محله غازیان، به خاک سپرده شده است (۳). طبق این نقل، نه تنها سادات طباطبائی، در اصفهان

ص: ۴۶۳

۱- محل دفن این امامزاده بزرگوار، یکی از مزارات مهم اصفهان می باشد و به نام امامزاده اسماعیل معروف است، و صحن و رواق و گنبد زیبا و سر درب جالب دارد، و معماری و کاشی کاری مجموعه ساختمان امامزاده، از آثار تاریخی و باستانی و مهم اصفهان، به شمار می رود

۲- محله جمیلان، یا چملان یا چمبلان، یا سنبلستان یا سنبلان، همانجائی است که امامزاده درب امام می باشد، و در آن محل ( که از مزارات مهم و باستانی اصفهان به شمار می رود، و دارای صحن و گنبد و ضریح و حرم می باشد، و معماری و کاشی کاری جالب توجهی دارد، و از مجموعه های تاریخی برجسته اصفهان محسوب گشته است ) مشهور است که، دو امامزاده مدفونند، یکی ابراهیم طباطبا، و دیگری امامزاده سید زین العابدین « علی »، ( به تاریخ اصفهان و ری، صفحه ۲۴۹، و نیز کتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صفحه ۳۴۱ و ۳۴۲ مراجعه شود

۳- دائره المعارف تشیع، جلد ۱، صفحه ۳۴۲

زندگی می کرده اند، بلکه سرسلسله آنها «ابراهیم طباطبا» در اصفهان اقامت داشته، و در گذشته، و دفن شده است.

ب - ابن طباطبا، علوی اصفهانی (۱)

عالم محقق و شاعر نامدار، أبو الحسن، محمد بن أبی الفتح، أحمد بن أبی جعفر، محمد بن أبی عبد الله، أحمد (رئیس) بن ابراهیم طباطبا، متوفای ۳۲۲ قمری. وی، ادیبی دانشور بوده، و آن چنان عظمت و شهرت علمی و ادبی داشته، که یاقوت حموی در معجم الأدباء، او را به شهرت نام و شیوع و انتشار اشعار، ستوده است، و هم چنین او را، با صفای قریحه، و ذکاوت و زیرکی، و صحت ذهن و نیکوئی مقصد ستایش کرده، و می نویسد: شاعرٌ مُفْلِقٌ، وَعَالِمٌ مُحَقِّقٌ، شَائِعُ الشُّعْرِ، نَبِيُهُ الذِّكْرُ... وَكَانَ مَذْكُورًا بِالذِّكَاءِ وَالْفِطْنَةِ وَصَفَاءِ الْقَرِيحَةِ، وَصِحَّةِ الذَّهْنِ وَجُودِهِ الْمَقَاصِدِ، مَعْرُوفٌ بِذَلِكَ، مَشْهُورٌ بِهِ (۱).

او معروف به «ابن طباطبا» بوده، و در اصفهان تولد یافته، و در همین شهر وفات یافته است، و نسل گسترده ای در اصفهان داشته، که در میان آنها علماء بسیار و ادباء فراوان، و شخصیت های علمی و ادبی و اجتماعی زیاد، وجود داشته است (۲).

از آثار علمی و ادبی او: ۱- کتاب عیار الشعر، ۲- کتاب تهذیب الطبع، ۳- کتاب العروض (که به نوشته یاقوت حموی، این کتاب، در گذشته، همانندی نداشته است) ۴- کتاب المدخل فی معرفه المعنی من الشعر، ۵- کتاب تقریظ الدفاتر ۶- سنام المعالی، ۷- الشعر و الشعراء، ۸- دیوان اشعار، می باشد.

ص: ۴۶۴

---

۱- معجم الأدباء، جلد ۱۷، صفحه ۱۴۳

۲- معجم الأدباء، جلد ۱۷، صفحه ۱۴۳

وی ، در کتابهای معجم الأدباء ، الفهرست ابن التّیّم ، الدّریعہ ، نوابغ الرّواہ فی رابعہ المات ، أعیان الشّیعہ ، لغتنامه دہخدا ، دائرہ المعارف تشیّع ، و بسیاری دیگر از کتب تراجم و رجال و نیز دائرہ المعارف ها ، مورد تجلیل قرار گرفته و از آثار او ، به عظمت یاد شده است .

با توجّہ به آنچه گذشت ، می توان فهمید ، کہ ابن طباطبا ، نہ فقط چہرہ برجستہ ای در خاندان طباطبائیان ، در اصفہان بودہ است ، بلکہ با توجّہ بہ نسل پر برکت او ، کہ در برگیرندہ علماء و ادباء و نقباء عظیم الشّان بودہ است ، می توان او را سرسلسلہ خاندانی علمی ، بہ شمار آورد .

ج - ابن طباطبا ، علوی اصفہانی «۲»

أبو عبد اللہ ، حسین بن محمّد بن أبی طالب ، علی بن أبی القاسم ، محمّد بن أبی الحسن ، محمّد ( شاعر و عالم بزرگ مذکور در فوق ) . وی ، از نسّابہ های بزرگ (۱) در قرن پنجم بودہ ، و سیّد أبو الحسن عمری ( نسابہ متوفّای ۴۲۳ ) او را دیدہ ، و در نزد او درس خواندہ ، و با او دربارهٔ نسب ها مکاتبہ داشتہ است .

وی ، کتاب « الکامل فی نسب آل أبی طالب » تألیف سیّد ابو الحسن عبیدلی حسینی ( متوفّای ۴۳۵ ) را مختصر نمودہ ، و آن را ، « تہذیب الأنساب ونہایہ

ص: ۴۶۵

۱- با توجّہ بہ مشکلاتی کہ برای سادات و خاندان پیامبر صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْہِ وَاٰلِہٖ وَسَلَّمَ ، در دوران اموی و عبّاسی بہ وجود آمدہ بودہ است ، و ذراری رسول اللّٰهُ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْہِ وَاٰلِہٖ وَسَلَّمَ را ، پراکندہ شهرها می نمودہ ، دانشمندان و محقّقان بزرگی بودہ اند ، کہ با تخصّص لازم و تحقیق فراوان ، دربارهٔ نسب ها و بخصوص نسب و تبار سادات و ذریہ های رسول گرامی اسلام صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْہِ وَاٰلِہٖ وَسَلَّمَ ، اظہار نظر می نمودہ ، و در این زمینہ تألیفاتی داشتہ اند ، و آنها را ، نسابہ می گویند ، و آنان ، از ارزش و اعتبار قابل توجّہی برخوردار بودہ اند

الأعقاب» ، نامیده است (۱).

د - ابن طباطبا علوی اصفهانی (۳)

(صاحب منتقله الطالبيه)

أبو اسماعيل ، ابراهيم بن ناصر بن ابراهيم بن عبد الله بن الحسن ابن أبي الحسين ، علي (شاعر ملقب به : شهاب) بن أبي الحسن محمد (۲) (شاعر و عالم نامدار، مذکور در فوق ، تحت شماره « ب » ) . وی ، از چهره های بزرگ علمی و تقوایی بوده ، و مورد تجلیل بزرگان قرار گرفته است ، مثلاً : أبو الحسن بیهقی (مورخ و نسابه نامدار) او را ، « سید تقی » و « سید امام » خوانده و ابن طقطقی ، او را « سید علامه نسابه » به شمار آورده ، و ابن عنبه و عمیدی ، او را ، با اوصاف : « سید عالم نسابه » توصیف کرده اند (۳).

از آثار علمی شخصیت یاد شده ، یکی « دیوان الأناساب و مجمع الأسماء و الألقاب » و دیگری « مُنتَقَلَه الطالبيه » می باشد ، و زندگی او تا سال ۴۷۹ قمری ، ادامه داشته ، ولی پس از آن ، اطلاع دیگری از حیات او در دست نیست (۴).

و آنچه یاد کردیم ، نمونه ای بود از چهره های علمی و ادبی خاندان طباطبائی اصفهانی ، در قرون اولیه ، و البته باید دانست که ، در بسیاری از دوره های سادات طباطبائی در اصفهان زندگی کرده ، و علماء بزرگی در میان آنها بوده اند که ذیلاً مورد بحث قرار می گیرند:

ص: ۴۶۶

۱- دائرة المعارف تشیع ، جلد ۱ ، صفحه ۳۴۲ - ۳۴۳

۲- مقدمه منتقله الطالبيه ، صفحه ۳۱

۳- مقدمه منتقله الطالبيه ، صفحه ۳۶

۴- مقدمه منتقله الطالبيه ، بقلم سید محمد مهدی سید حسن خراسان صفحه ۴۰



یکی از شاخه های خاندان طباطبائی، خاندان علمی طباطبائی نائینی اصفهانی است، که شخصیت برجسته و نامدار آنها، فقیه حکیم و متکلم خیر، میرزا رفیع الدین محمد بن حیدر طباطبائی، معروف به میرزا رفیعای نائینی، متوفای ۱۰۸۲ قمری می باشد، که از برجسته ترین حکماء شیعه در قرن یازدهم بوده، و از مفاخر علمی حوزه بزرگ اصفهان به شمار می رود، و تألیفات مهمی در زمینه فقه، اصول، حدیث، عقاید و کلام داشته است.

وی استادهائی بزرگ، همانند: میرفندرسکی، و میرداماد، و ملا عبد الله شوشتری، و شیخ بهائی داشته، و از اساتید علامه مجلسی و شیخ حرّ عاملی به شمار آمده، و در بسیاری از کتب تراجم و رجال و تاریخ و جغرافیا، همانند: روضات الجنّات، أعیان الشّیعه، أَلکُنّی و الألقاب، ریحانه الأدب، رجال اصفهان، دانشمندان و بزرگان اصفهان، آتشکده اردستان، تاریخ نائین، گنجینه آثار تاریخی اصفهان، آثار ملی اصفهان و...، مورد تجلیل قرار گرفته است، و با عباراتی، همانند: قُدُوهُ الْمُحَقِّقِینَ وَالْمُدَقِّقِینَ، وَ عَلَامَةُ الزَّمَانِ، وَ وَحیدُ الدَّهْرِ، وَ ذُو الفِیضِ الْقُدُسِیِّ، وَ جَامِعُ الْمَعْقُولِ وَ الْمُنْقُولِ وَ...، او را ستوده اند، و بقعه و تکیه مهمی به احترام او تأسیس گردیده، و در حال حاضر، فقط بقعه زیبا و کاشی کاری شده آن باقی می باشد، و ما در بخش «بقعه های علمی اصفهان و تخت فولاد» نیز، از این بزرگمرد یاد نموده ایم. اولاد و نسل میرزا رفیعا، در اصفهان و زواره و اردستان، ادامه زندگی داده اند، و در میان آنها جمعی از اهل علم و فضل بوده و می باشند، که از آن جمله است:

الف - میرزا محمد حسین بن رفیع الدین، محمد بن مهدی بن محمد بن میرزا

رفیع الدین «میرزا رفیعا»، معروف به «شیخ الإسلام» متوفای ۱۱۷۵ قمری (۱) که از علماء مورد توجه در شهر اصفهان بوده است.

ب - میر سید علی بن میر محمد رفیع طباطبائی، که از اُحفاد میرزا رفیعی نائینی بوده، و از فقهاء و علماء صاحب تألیف به شمار رفته، و شعر می سروده است. و در قبرستان سنی فاطمه علیها السلام مدفون گردیده، و بنا بر یک احتمال، برادر میرزا محمد حسین (مذکور در فوق) بوده است (۲).

ج - میر محمد حسین دوم (نوه میرزا محمد حسین اول، مذکور در فوق) که عالمی محقق و فاضل بوده است.

د - سید محمد مظهر، متوفای ۱۲۵۴ قمری (پدر حکیم جلوه) که عالمی ادیب، و شاعری مورخ، و طبیبی متبحر بوده، و تألیفی به نام «أحوال سلاطین صفویّه»، از خود به جای گذاشته است (۳).

ه - حکیم جلوه

حکیم نامدار و محقق عظیم الشان، میرزا أبو الحسن جلوه، متوفای ۱۳۱۴ قمری، که در هند تولد یافته، و در اصفهان تحصیل علم نموده (۴) و چهل و یک سال، در مدرسه دارالشفاء تهران اقامت داشته (به نحو مجرد و بدون همسر)، و تدریس می نموده، و از چهره های برجسته علوم عقلی و فنون حکمیّه بوده است. وی، تألیفاتی، همانند: «إثبات الحركه الجوهريّه» و «ربط الحادث

ص: ۴۶۸

---

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۷۶ و ۳۴۴

۲- رجال اصفهان، صفحه ۱۸۴

۳- الذریعه، جلد ۱، صفحه ۳۰۵

۴- ریحانه الأدب، جلد ۱، صفحه ۴۲۰

بالقدیم» و «دیوان اشعار» و «حواشی بر أسفار ملا صدرا»، از خود به جای گذارده، و از مفاخر عالم حکمت و فلسفه، در قرن چهاردهم، به شمار می رود.

در کتاب آتشکده اردستان، اثر نویسنده محقق و متتبع، مرحوم رفیعی مهرآبادی، بحثی گسترده، و تحقیقی مفصل، دربارهٔ خاندان طباطبائی و شاخه های آن، انجام گرفته، و شایان توجه می باشد.

## ۲۶- خاندان علمی طباطبائی بروجردی اصفهانی

چنانچه قبلاً اشاره نمودیم، سادات طباطبائی، در بسیاری از بلاد و کشورها منتشر بوده و هستند، و در بسیاری از دوره ها، با هجرت شخصیتهای برجسته از این خاندان، به شهری تازه و تشکیل خانواده در آن شهر، سرسلسله خاندانی جدید می گردیده است، که به حساب سابقه آباء او، منسوب به شهر قبلی، و به حساب محل سکونت جدید، منسوب به شهر تازه می گردیده است، و نمونه آن، خاندان طباطبائی های بروجردی اصفهانی می باشد، که با توجه به سوابق آن خاندان «بروجردی» خوانده می شوند، ولی با توجه به سکونت عده ای از این خاندان در اصفهان «اصفهانی» نامیده می شوند، و ذیلاً به برخی از دانشمندان این خاندان علمی اشاره می نمائیم:

الف - عالم بزرگوار و مورد توجه، حاج سید علی طباطبائی بروجردی، متوفای ۱۳۰۶ قمری. وی از علماء میرز و صاحب تألیف بوده، و از آثار علمی او، کتابی در اصول فقه بوده است (۱).

سکونت آن بزرگمرد، در محلهٔ درب کوشک، و قبر او در تکیه آقا حسین خوانساری می باشد.

ص: ۴۶۹

ب - فقیه مجتهد ، و پیشوای عظیم الشان ، حاج میرزا أبو الحسن بروجردی طباطبائی ، متوفای ۱۳۴۸ قمری ، و فرزند مرحوم حاج سید علی ( مذکور در فوق ) . وی از شاگردان پدر خود ، و نیز حاج میرزا بدیع درب امامی ، و آقا میرزا محمد حسن نجفی ، و آقا میرزا محمد باقر چهارسوقی بوده ، و نیز در حوزه علمی نجف ، سالها مشغول به تحصیل مراتب علمی و تکامل مراتب استنباط بوده است ، و پس از مراجعت ، در حوزه علمی اصفهان ، به تدریس فقه و اصول اشتغال داشته ، و مورد توجه و ارادت مردم با ایمان بوده است (۱).

پس از وفات آن بزرگمرد ، تکیه و بقعه ای جالب ، به نام و به احترام او ، تأسیس نمودند ، که به نام « تکیه بروجردی » یا « تکیه دربکوشکی ها » خوانده می شود ، و بسیاری از علماء و مدرّسین ، در آن مدفون گردیده اند .

ج - عالم فاضل ، حاج میرزا محمد باقر طباطبائی بروجردی ، متوفای ۱۳۴۰ قمری . وی فرزند حاج میر سید علی بروجردی ، و برادر حاج میرزا أبو الحسن بروجردی می باشد ، و در تکیه آقا سید أبو جعفر خادم الشریعه ، معروف به « تکیه آقا مجلس » مدفون گردیده است (۲).

## ۲۷- خاندان علمی فاضل سراب و جویبارهای

یکی از خاندان های علمی اصفهان ، که از دوره صفویه تا اواخر قرن چهاردهم ، مهد پرورش علماء بزرگ بوده است ، خاندان فاضل سراب می باشد ، که عده ای از آنها با عنوان « جویبارهای » مشهور می باشند ، و ذیلاً به برخی از مفاخر علمی آن خاندان ، اشاره می نمائیم :

ص: ۴۷۰

---

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۷۲

۲- سیری در تخت فولاد ، صفحه ۵۶

سرسلسله این خاندان ، فقیه متکلم ، و مجتهد کامل و جامع ، مولی محمد بن عبد الفتاح تنکابنی ، معروف به « فاضل سراب » ، متوفای ۱۱۲۴ قمری بوده است . وی از شاگردان محقق سبزواری و علامه مجلسی بوده ، و تألیفاتی محققانه و عالی و مورد توجه ، در زمینه فقه و اصول و عقائد ( کلام ) به جای گذاشته ، همانند : « سفینه النجاه » و « اثبات الصانع القدیم » و ... ، که شمار آنها به سی عدد می رسد (۱). فاضل سراب ، در فقه و اصول و کلام و مناظره ، استاد بوده ، و از مشایخ اجازه به شمار رفته ، و در کتب تراجم و رجال ، همانند : روضات الجنات ، أعيان الشیعه ، فوائد الرضویه ، ریحانه الأدب ، أکنی و الألقاب ، دانشمندان و بزرگان اصفهان ، رجال اصفهان و ... ، و بسیاری از کتب تاریخ و جغرافیا و دائره المعارف ها ، مورد تجلیل قرار گرفته ، و در یک جمع بندی ، او از مفاخر علمی قرن دوازدهم به شمار می رود ، و تکیه و بقعه مخصوص ، به نام « تکیه فاضل سراب » دارد .

ب - ج - دو فرزند فاضل سراب

مولی محمد رضا ، و مولی محمد صادق ، که هر دو از علماء ، و از شاگردان پدر ، و مجاز از او بوده اند ، و در جوار قبر پدر ، در تکیه فاضل سراب ( واقع در خیابان فیض ، اول تخت فولاد ) مدفون گردیده اند .

د- آقا شیخ محمد صالح مازندرانی

فقیه محقق ، آقا شیخ محمد صالح مازندرانی ، متوفای ۱۲۸۵ قمری ، که از

ص: ۴۷۱

أحفاد فاضل سراب بوده، و در حوزه نجف و کربلاء، از درس مرحوم شریف العلماء، و آقا شیخ موسی، و آقا شیخ علی ( فرزندان مرحوم کاشف الغطاء، شیخ جعفر کبیر ) بهره جسته، و در حوزه علمیة اصفهان، مرجعیتی بزرگ و قابل توجه داشته است. او داماد سید صدرالدین عاملی بوده، و تألیفاتی، همانند: «کواشف الحجب» ( در چند جلد ) داشته (۱)، و به علت سکونت در محله جویباره اصفهان، خود و فرزندانش، مشهور به « جویباره ای » گردیده اند، و آن بزرگمرد، در تکیه مادر شاهزاده مدفون شده است.

ه- آقا شیخ محمد حسین جویباره ای

وی فرزند ملا محمد صالح مازندرانی ( جویبارهای ) و از زهاد علماء، و مورد توجه بوده است، و در تکیه فاضل سراب، مدفون می باشد.

و- آقا شیخ محمد رضا صالحی

وی فرزند آقا شیخ محمد حسین جویبارهای، و متوفای ۱۳۸۶ قمری می باشد، و همانند پدر، دارای زهد و مقام علمی بوده، و در تکیه فاضل سراب مدفون گردیده است.

ز- حاج میرزا مهدی جویباره ای

وی فرزند ملا محمد صالح، و برادر آقا شیخ محمد حسین ( یادشگان در فوق ) و متوفای ۱۳۲۵ قمری می باشد، و عالمی شایسته و مورد توجه مؤمنین، و مرجع امور دینی بوده، و در تکیه فاضل سراب مدفون گردیده است. این

ص: ۴۷۲

تکیه ، به احترام یاد شدگان فوق ، « تکیه جویباره ای » هم خوانده می شود(۱).

## ۲۸- خاندان علمی فقیه أحمد آبادی

از خاندانهای علمی اصفهان ، که از دروه صفویه تا کنون ، مهد پرورش علماء بوده ، و شخصیت های علمی و اجتماعی ( و عهده دار مناصب مهم و رسمی ) از آنها برخاسته اند « خاندان فقیه أحمد آبادی » می باشد .

بزرگترین چهره علمی این خاندان در دوره اخیر ، مرحوم آیه الله ، آقا سید محمد تقی موسوی احمد آبادی ، متوفای ۱۳۴۸ قمری می باشد ، که فقیه مجتهد ، و محدثی محقق ، و متکلمی مدقق ، و شاعری ادیب بوده ، و تألیفات زیادی از قبیل : « مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم » و « آداب الجمععات » و ... ، از خود به جای گذارده است(۲).

این بزرگمرد ، دارای چهر های برجسته ، از نظر علمی و روحی و معنوی بوده ، و در کتابهای گوناگون ، مورد تجلیل قرار گرفته است ، همانند :

۱- نباء البشر ، از علامه محقق ، حاج آقابزرگ طهرانی ، صفحه ۲۵۸

۲- مکارم الاثار ، از دانشمند متبع و متبحر ، میرزا محمد علی معلم حبیب آبادی ، در ذیل وقایع سال ۱۳۰۱ قمری .

۳ و ۴ - الأمالی (مخطوط) و مقالات مبسوطه ، از مرحوم معلم حبیب آبادی .

۵- تاریخ اصفهان ، از میرزا حسن خان جابری انصاری ، جلد ۳ ، صفحه ۵۳

۶- الأعلام ، از خیر الدین زرکلی ، جلد ۶ ، صفحه ۲۸۹

ص: ۴۷۳

---

۱- رجال اصفهان و سیری در تخت فولاد اصفهان

۲- مرحوم فقیه أحمد آبادی ، جد امی نویسنده کتاب حاضر می باشد ، و خاندان علمی موحد ابطحی ، از طریق سببی ، با خاندان فقیه أحمد آبادی ، مربوط می شود

۷- معجم المؤلفین ، از عمر رضا کحّاله ، جلد ۹، صفحه ۱۳۱

۸- مؤلفین کتب چاپی ، از خان بابا مُشار ، جلد ۲، صفحه ۲۸۲

۹- رجال اصفهان ، از سید مصلح الدین مهدوی ، صفحه ۴۶ - ۴۷

۱۰- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، از سید مصلح الدین مهدوی ، صفحه ۲۱۷

۱۱ - سیری در تخت فولاد ، از سید مصلح الدین مهدوی ، صفحه ۱۳۲ - ۱۳۵

۱۲- حوزه های علمیه شیعه در طول تاریخ ج ۱، ص ۳۹۲ از نویسنده این سطور

۱۳ - آثار التّقی ، که رساله مستقل و جامعی ، در شرح حال این بزرگمرد می باشد ، از علامه محقق ، آیه الله ، آقا سید محمد علی روضاتی ، که در مقدمه جلد دوم مکیال المکارم ( چاپ دوم ) به چاپ رسیده است .

مرحوم آیه الله ، آقا سید أبو القاسم دهکردی ، ( استاد آن بزرگوار ) در ضمن اجازه اجتهادی که برای ایشان نوشته ، چنین مرقوم داشته اند (۱)

وَمِمَّنْ وَجِدْنَاهُ فِي قَرْيِنَا هَذَا ، سَالِكًا مَسِيلَكَ الرَّشَادِ وَ نَاهِجًا مَنَهَجَ السَّدَادِ ، نَاشِرًا الْأَخْبَارِ الْأَيْمَةَ الْمَعْصُومِينَ ، مُتَفَقِّهًا فِي الدِّينِ ، جَنَابُ الْعَالِمِ الْعَامِلِ وَالْفَاضِلِ الْكَامِلِ ، الْجَامِعِ الْكَمَالَاتِ النَّفْسَانِيَّةِ ، وَالْحَائِزِ لِلْمَرَاتِبِ الْإِيمَانِيَّةِ ، الْمُهَيِّدِ الصِّفَى ، وَالْأَلْمَعِيَّ الزَّكِيَّ ، وَصَيْدِيقِنَا ، أَلْحَاجِ مِيرْزَا مُحَمَّدِ تَقِي ، أَدَامَ اللَّهُ تَأْيِيدَهُ ، فَإِنَّا قَدْ وَجِدْنَاهُ ... صَاحِبَ الذَّهْنِ الْوَقَادِ ، وَالْفَهْمِ النَّقَادِ ، وَجُودِهِ الْقَرِيحِهِ وَالسَّلِيْقِهِ الْمُسْتَقِيمِهِ خَارِجًا عَن ذُلِّ التَّبَعِيَّةِ إِلَى عِزِّ الْإِسْتِقْلَالِ

وَ بِالْغَا رُتْبَةَ الْأَجْتِهَادِ ... وَ إِفْتِخَارًا لِلشَّيْعَةِ الْإِمَامِيَّةِ

و بدین وسیله ، نه تنها ایشان را دارای رتبه اجتهاد و جامع کمالات نفسانی معرفی نموده ، بلکه افتخار شیعه امامیه دانسته است

ص: ۴۷۴

۱- مکیال المکارم ، مقدمه جلد ۲، صفحه « یا » و « ب »



و مرجع عالیقدر معاصر ، حضرت آیة الله العظمی ، آقای حاج شیخ لطف الله صافی گلپایگانی مدظله العالی ( صاحب کتاب نفیس منتخب الأثر) در ضمن مقدمه ای بر چاپ دوم کتاب مکیال المکارم ، چنین مرقوم داشته اند : وَهَذَا الْكِتَابُ الشَّرِيفُ وَ إِنُّ صُنْفٌ فِي فَوَائِدِ الدُّعَاءِ لِمَوْلَانَا الْقَائِمِ أَرْوَاحُنَا نِدَاءً وَ لِكِنَّهُ مَوْسُوَعَةٌ كَبِيرَةٌ، فِي كُلِّ مَا يَتَعَلَّقُ بِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، مِمَّا هُوَ مَذْكُورٌ فِي كُتُبِ الْأَحَادِيثِ وَ الْجَوَامِعِ الْكَبِيرَةِ الْمُعْتَمَدَةِ ، وَ لَوْ أَسْمَاهُ « مَوْسُوَعَةُ الْإِمَامِ الْمَهْدِيِّ ، أَوْ مَوْسُوَعَةُ الْمَهْدِيِّ الْمُنْتَظَرِ » لَكَانَ أَيْضًا بِعَدْلِكَ حَيْدِرًا ، فَلِلَّهِ دَرٌّ مُؤَلَّفِهِ الْبَارِعِ الْمُخْلِصِ الْوَلِيِّ الْوَفِيِّ لِإِمَامِهِ ، الْعَلَامَةِ الْحُجَّهِ ، الْأَيُّهُ « السَّيِّدِ مُحَمَّدِ تَقِيِّ الْمَوْسَوِيِّ » وَ عَلَيْهِ أَجْرُهُ فِيمَا تَحَمَّلَ فِي سَبِيلِ إِخْرَاجِ هَذَا الْأَثَرِ الْجَلِيلِ ، مِنْ الْعَنَاءِ الَّذِي لَا يَعْرِفُهُ إِلَّا الْأَوْحَادِيُّ مِنْ أَهْلِ التَّأْلِيفِ وَ التَّنْقِيهِ فَهَيْئًا لَهُ لِتَأْلِيفِ هَذَا الْكِتَابِ مَا أَكْرَمَهُ اللَّهُ مِنَ التَّوْفِيقِ الَّذِي لَا يُكْرِمُ بِهِ إِلَّا أَهْلَ الْإِخْلَاصِ وَ الْوَفَاءِ وَ ذَوِي النَّيِّبِ الصَّادِقَةِ وَ الْقُلُوبِ السَّلِيمَةِ ، وَ الْمُتَمَسِّكِينَ بِحَبْلِ الْعِزَّةِ الْهَادِيَةِ (1).

پدر و اجداد این بزرگمرد ، بدین ترتیب می باشند : آقا سید عبد الرزاق بن سید عبد الجواد بن سید مهدی بن میر قاضی بن سید محمد (نائب الصدر) بن میر محمد تقی موسوی (وزیر شاه صفی « شاه سلیمان ») ، که همه آنها ، با تفاوت مراتب ، از علماء بوده اند ، و آقا سید محمد ، عهده دار منصب « نائب الصدر » بوده ، و میر محمد تقی موسوی ، منصب « وزارت » داشته است (2).

در بخش « بقعه های علمی اصفهان » درباره شخصیت و آثار صاحب مکیال

ص: ۴۷۵

۱- مکیال المکارم ، جلد ۲، مقدمه ، صفحه (لب)

۲- از این خاندان، در حال حاضر ، دو عالم و روحانی بزرگوار : حجه الاسلام آقای حاج آقا محمد و حجه الاسلام حاج سید عتیاس فقیه احمد آبادی (دو یادگار مرحوم آیة الله حاج سید محمد تقی موسوی احمد آبادی) به امامت جماعت و فعالیت های دینی و اجتماعی اشتغال دارند

المکارم ، و خاندان علمی او ، با نگرشی دیگر ، بحث و بررسی داریم .

## ۲۹- خاندان علمی قزوینی

خاندانی است علمی ، که سرسلسله آن ، فقیه مجتهد ، حاج محمد ابراهیم قزوینی اصفهانی ، متوفای بعد از ۱۲۶۳ قمری می باشد . وی اصلاً قزوینی بوده و در اصفهان تحصیل علم نموده ، و از شاگردان مرحوم آقا سید محمد باقر شفتی ( حجه الاسلام ) بوده ، و از او اجازه اجتهاد دریافت کرده است ، و به علت علم و تقوائی که داشته ، مورد توجه و عنایت خاص آن زعیم عالیقدر بوده است (۱).

مرحوم قزوینی ، کتابخانه مهمی داشته ، که علامه بزرگوار ، حاج آقا بزرگ طهرانی ، در تألیف کتاب شریف « الذریعه » از آن بهره گیری نموده است (۲).

فرزند بزرگ آن مرحوم ، به نام حاج آقا محمد قزوینی ، متوفای ۱۳۰۴ قمری ، از علماء محترم ، و امام جماعت مسجد آقانور ( که از مساجد مهم اصفهان به شمار می رفته ) بوده ، و از احفاد او ، مرحوم حاج آقا باقر قزوینی ، متوفای ۱۳۶۲ قمری ، و مدفون در تکیه خلیلیان می باشد ، که از علماء جلیل القدر بوده ، و خاندان علمی قزوینی را ، تا زمان خود حفظ نموده است .

دومین فرزند مرحوم حاج محمد ابراهیم ، به نام آقا شیخ محمد حسین می باشد ، که عالمی فاضل به شمار رفته ، و از آثار او تدوین حواشی پدرش ، بر شرح حدیث غمامه ( تألیف قاضی سعید قمی ، از علماء قرن یازدهم ) می باشد .

## ۳۰- خاندان علمی کتابی ( کتابفروش )

یکی از خاندانهای علمی و تقوائی ، که در طول زمان ، چهره های علمی

ص: ۴۷۶

---

۱- الکرام البرره ، جلد ۱ ، صفحه ۳

۲- الذریعه ، جلد ۸ ، صفحه ۲۹۹

متعددی را در خود پرورش داده است ، خاندان سادات حسینی کتابفروش (کتابی) می باشد ، که ذیلاً توضیح داده می شود:

سرسلسله خاندان ، مرحوم آقا سید محمد کتابفروش است ، که از علماء و فضلاء و زهّیاد و مدرّسین فقه بوده ، و شغل کتابفروشی داشته ، و از معمرین به شمار رفته است (۱)، و در تخت فولاد ، در نزدیکی « بقعه آقا رفیعا نائینی » مدفون گردیده ، و بقعه ای به احترام او و فرزندش ( آقا میر محمد صادق ) تأسیس شده بوده ، که در جریان ایجاد فرودگاه در جنوب تخت فولاد ، از بین رفته است .

فرزند آن بزرگمرد ، فقیه مدرّس ، و محقق زاهد ، آقا میر محمد صادق ، مشهور و معروف به : کتابفروش ، متوفای ۱۳۰۳ یا ۱۳۰۴ قمری می باشد ، که در نزد علماء اصفهان ، به فقاہت معروف بوده (۲)، و به مطالعه و تدریس و عبادت و تهجد اشتغال داشته ، و شاگردان بسیاری پرورش داده ، که از جمله آنها ، مرحوم آخوند گزی قدس سرّه می باشد (۳). وی دارای تألیفاتی در فقه بوده ، که مورد ستایش محقق و مجتهد نامدار ، مرحوم آخوند گزی می باشد، و از جمله آنها شرحی است بر شرایع ، که در سنّ ۲۳ سالگی شروع در تألیف آن نموده است (۴). مرحوم آقا میر محمد صادق ، از شاگردان آقا سید محمد باقر شفتی و داماد ایشان بوده ، و فرزندان به نامهای : ۱- آقا سید محمد تقی ، ۲- آقا میرزا

ص: ۴۷۷

---

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۳۸۲

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۳۸۲

۳- تذکره القبور ( رجال اصفهان ) ، صفحه ۶۳

۴- بیان المفآخر ، جلد ۱، صفحه ۳۲۷

علی رضا، ۳- آقا سید محمد جواد، داشته است (۱).

عالم فاضل، میر محمد حسین بن میر علی نقی، متوفای ۱۳۴۱ قمری، که قبر او در کنار « بقعه سادات کتابفروش » بوده، از همین خاندان می باشد (۲).

علاوه بر یاد شدگان، عده دیگری از علماء اُتقیاء و فضلاء ازکیاء، در این خاندان علمی، نشو و نما یافته اند، که از برخی از آنها، در کتاب سیری در تخت فولاد، از صفحه ۱۳۹ تا ۱۴۱، یاد شده است.

### ۳۱- خاندان علمی کلباسی (کرباسی)

(۳) از خاندانهای برجسته، از نظر علمی و تقوایی و اجتماعی، خاندان کرباسی است، که شخصیت های برجسته ای در عالم مرجعیت و تدریس و تألیف و تحقیق، و نیز زهد و تقوی، به حوزه های علمیه و جامعه شیعه، عرضه کرده است، و تاکنون این خاندان پر برکت، از نظر علمی و روحانی، استمرار خود را حفظ نموده است، و ذیلاً به نمونه هایی اشاره می نمائیم:

الف - حاج محمد حسن خراسانی

اولین عالم این خاندان، مرحوم حاج محمد حسن خراسانی، متوفای ۱۱۹۰ می باشد، که از هرات به کاخ ( کاخک ) خراسان آمده، و سپس به اصفهان

ص: ۴۷۸

---

۱- بیان المفاخر، جلد ۱، صفحه ۳۲۷

۲- رجال اصفهان، صفحه ۲۰۹

۳- اصل این خاندان از حوض کرباس، یکی از محلات هرات است، و بدین جهت کرباسی خوانده می شوند، و چون در شهر اصفهان، خاندان دیگری از تجار، به عنوان « کرباسی » مشهور بوده اند، جهت امتیاز، به این خاندان « کلباسی » گفته شده است ( ریحانه الأدب، جلد ۵، صفحه ۴۴ و دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۴۶):

مهاجرت نموده ، و اقامت جسته است . مرحوم میرزای قمی ( صاحب قوانین الاصول ) در اجازه ای که برای حاجی کلباسی نوشته ، مرحوم حاج محمد حسن را ، با چنین عناوینی ستوده است : أَلْعَالِمِ الْعَابِدِ الْبَاذِلِ الْمُبْتَرُورِ ، و در باره آن بزرگمرد گفته اند که : حاجی کلباسی ، حسنه ای است ، از حسنات حاجی محمد حسن .

وی از معاشرین و مصاحبین چهره نورانی و علمی اصفهان ، یعنی آقامحمد بید آبادی بوده است(۱).

#### ب - حاجی کلباسی

برجسته ترین چهره علمی و تقوایی خاندان کرباسی ، فقیه نامدار ، و مرجع بزرگوار ، تقی نقی ، و عابد زاهد ، حاج محمد ابراهیم کرباسی ، متولد ۱۱۸۰ و متوفای ۱۲۶۱ هجری قمری می باشد ، که از شاگردان بزرگترین چهره های علمی شیعه ، همانند : وحید بهبهانی ، و سید بحر العلوم ، و شیخ جعفر نجفی

( کاشف الغطاء ) و صاحب ریاض ، و میرزای قمی ، و ملا مهدی نراقی ، و ملا محراب حکیم ، و ملا علی نوری حکیم و ... ، بوده(۲) و شاگردان عظیم الشانی ، همچون : آقا میر سید حسن مدرس ، و آقا سید حسن مجتهد موسوی ، و آقا میر سید محمد شهشهانی و ... پرورش داده ، و مربی معنوی و اخلاقی او ، شخصیت نامدار شیعه ، آقا محمد بید آبادی بوده است .

حوزه درسی او مشهور ، تحقیقات علمی او مورد توجه ، تألیفات فراوان او ، ( همانند : اشارات الاصول ، نخبه ، شرح کفایة سیزواری و ... ) پر برکت ، اخلاق و تقوای او زبانزد عام و خاص ، و دعای او مستجاب ، و ذریه او ( در عالم علم

ص: ۴۷۹

---

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۴۷

۲- أَلْکَرَامِ الْبَرَره ، صفحه ۱۵

و عمل) پر ثمر، و معاشرت او سازنده و الهام بخش، بوده است.

شرح حال آن بزرگمرد، در دهها کتاب و رساله، از کتب معتبره تراجم و رجال، ذکر گردیده است(۱).

ج - آقا محمد مهدی کلباسی

فرزند برومند حاجی کلباسی، مرحوم آقا محمد مهدی کرباسی (کلباسی) متوفای ۱۲۷۸ هجری، که اکبر و ارشد اولاد حاجی بوده، و کتابهای فراوان (که برخی از آنها، در ضمن چندین مجلد می باشد، همانند: شرح منهاج الهدایه، که فقه استدلالی است، در ۸ جلد، و مصابیح الأصول، که ۹ جلد می باشد، و...) تألیف نموده(۲)، و حوزه درسی مهمی در مسجد حکیم داشته است. وی داماد مرحوم سید محمد باقر شفتی بوده(۳)، و فرزند او «آقا شیخ محمد حسین کلباسی» متوفای ۱۳۴۰ قمری، (از علماء بزرگوار و مورد توجه بوده است).

د. آقا میرزا أبو المعالی کلباسی

آخرین فرزند حاجی کرباسی(۴)، مرحوم آقا میرزا أبوالمعالی (محمد)

ص: ۴۸۰

- 
- ۱- و ما نیز، در بخشهای گوناگون این کتاب، همانند: «بقعه های علمی» و «مساجد محلّ فقّائیت علمی» و ...، از این بزرگمرد تجلیل نموده ایم
  - ۲- رجال اصفهان (تذکره القبور) صفحه ۱۶۰
  - ۳- روّضات الجنّات، صفحه ۱۳
  - ۴- حاجی کرباسی، علاوه بر دو فرزند یاد شده، چهار فرزند دیگر داشته اند، به نامهای: آقا شیخ جعفر، متوفای ۱۲۹۲ (که شرح حال پدر را نوشته) و آقا شیخ محمد، متوفای ۱۲۹۲، که صاحب تألیفات بوده، و آقا شیخ محمد رضا شیخ الإسلام، و آقا شیخ نورالله، که همه در زمره علماء جلیل القدر بوده اند (الکرام البرره، صفحه ۱۵ و مواضع گوناگون کتاب و دانشمندان و بزرگان اصفهان) و اطلاعات متفرقه)

کلباسی، متوفای ۱۳۱۵ قمری می باشد، که از اولیاء الله بوده، و در علم و تقوی از چهره های برجسته و کم نظیر حوزه علمی و بزرگ اصفهان به شمار می رود .

وی ، دهها کتاب و رساله ، در زمینه فقه و اصول و رجال و تفسیر و حساب و شعر ، تألیف نموده ، و محقق و دقیق الفکر و کثیر التبع به شمار رفته ، و عوام و خواص ، داستانهای در عظمت روحی و مقامات معنوی آن بزرگمرد ، و نیز کراماتی که از توسل به روح مطهر و قبر منور ایشان ظاهر گردیده ، نقل می نمایند

از میان شاگردان فراوان این مجتهد و محقق نامدار ، نام مرحوم آیه الله العظمی آقای حاج آقا حسین طباطبائی بروجردی قدس سره ، جلب توجه می نماید .

ه - میرزا جمال الدین کلباسی

فقیه زاهد و عالم ، حاج میرزا جمال الدین کلباسی ، فرزند آقا میرزا أبو المعالی ، و متوفای ۱۳۵۰ قمری . وی از شاگردان آخوند خراسانی بوده ، و تألیفاتی دارد ، و در زهد و تقوی ، شار بالبنان بوده ، و بزرگتر از برادرش ( میرزا أبو الهدی ، مذکور در ذیل ) می باشد .

و - میرزا أبو الهدی کلباسی

فقیه رجالی ، و اصولی مدقق ، آقا میرزا أبو الهدی کلباسی ( متوفای ۱۳۵۶ قمری ) که نمونه ای از شخصیت والای پدرش ، آقا میرزا أبو المعالی کلباسی ، محسوب می شده است . حوزه درسی او ، مخصوصاً در زمینه علم رجال ، و تألیفات متعدد و ارزشمند آن بزرگمرد ، به ویژه کتاب « سماء المقال ، فی تحقیق علم الرجال » ( در دو جلد ) مورد توجه و عنایت بوده و می باشد .

وی از شاگردان پدرش ، و نیز آخوند خراسانی ، و آقا سید محمد کاظم یزدی

( در نجف اشرف ) بوده است (۱).

آیه الله ، آقای حاج شیخ محمد کلباسی ، که از علماء و مدرّسین محترم و بزرگوار فعلی حوزه علمیّه اصفهان می باشند ، فرزند مرحوم آقا میرزا أبو الهدی کلباسی هستند .

ز - حاج میرزا رضا کلباسی

فقیه جامع ، و مجتهد مدرّس ، و حکیم ریاضی ، حاج میرزا رضا کلباسی ، متوفای ۱۳۸۳ قمری . وی در حوزه های علمیّه اصفهان و تهران و نجف اشرف تحصیل علم نموده ، و از محضر مبارک شیخ الشریعه اصفهانی ، و آقا سید محمد کاظم یزدی ، مفتخر به اجازه اجتهاد گردیده (۲)، و در شهر اصفهان ، و در آخر عمر ، در مشهد مقدّس ، به فعالیت دینی در سطحی وسیع و همه جانبه ، اشتغال داشته است . وی در مدرسه صدر بازار تدریس می نموده ، و تألیفاتی در اصول دین و اصول فقه و اخلاق ، از خود به جای گذاشته ، که کتاب « انیس اللیل » در میان آنها ، از شهرت عمومی برخوردار است .

از اولاد و أحفاد حاجی کلباسی ، علاوه بر نامبردگان ، عدّه زیادی ، از مجتهدین و مؤلّفین و مدرّسین و ائمه جماعت و خطباء و ... ، بوده اند ، که در کتابهای : ألكرام البرره ، نقباء البشر ، دانشمندان و بزرگان اصفهان ، رجال اصفهان ، آثار ملی اصفهان ، دائرة المعارف تشیع ( ذیل عنوان « آل کرباسی » ) از آنها یاد شده است .

ما نیز در بخش ( بقعه حاجی کلباسی ) اشاراتی به گستردگی خاندان علمی

ص: ۴۸۲

---

۱- نقباء البشر ، جلد ۱ ، صفحه ۸۱

۲- نقباء البشر ، جلد ۲ ، صفحه ۷۵۹



کلباسی (کرباسی) نموده ایم .

## ۳۲- خاندان علمی گلستانه

این خاندان ، یکی از قدیمی ترین خاندانهای علمی شیعه ، در شهر اصفهان می باشد ، که نسب آنها به شرفشاه ، فرزند عبّاد ، مشهور به «گلستانه اصفهانی» می رسد ، و اولین شخصی که از این سلسله ، به گلستانه شهرت یافته ، امیر اَبی الفضل است (۱) ، و از این خاندان ، چهره های مبرّزی برخاسته اند ، که ذیلاً به برخی از آنها ، اشاره می شود:

الف - سید شرف الدّین حیدر

فرزند محمّد بن حیدر بن اسماعیل بن علیّ بن حسن بن علی شرفشاه ، که از علماء بزرگ شیعه در اصفهان در قرن هشتم بوده است .

ب - سید عباد

فرزند سید أحمد ، قاضی القضاة اصفهان در زمان سلطان محمّد خدابنده ( اولجایتو ) ، که از علماء صاحب تصنیف ، و معاصر علامه حلی بوده ، و حوزه درسی داشته است (۲).

ج - سید مجد الدّین عباد

فرزند سید یحیی ، که از علماء قرن هشتم بوده است.

ص: ۴۸۳

---

۱- دائره المعارف تشیع ، جلد ۱ ، صفحه ۲۱۲ ، و نیز کتاب علامه مجلسی ، بزرگمرد علم و دین ، صفحه ۲۶۳

۲- دائره المعارف تشیع ، جلد ۱ ، صفحه ۲۱۲

پدر سید علاء الدین محمد، که نائب الصدر، و قاضی اصفهان، در عهد سلاطین صفویّه بوده است (۱).

وی مهمترین و برجسته ترین شخصیت علمی این خاندان می باشد، و در تدریس و تحقیق و تألیف و تقوی و زهد و ورع و عبادت، مقامی بسیار ارجمند داشته است. او حکیم فقیه و محدث و محقق بوده، و تمام عمر شریف خود را به إفاده و استفاده علمی گذرانیده، و دو نوبت پیشنهاد صدارت به او شده، و هر دو را رد نموده است (۲). وی برادر زن علامه مجلسی بوده، و بدین وسیله خاندان او، با خاندان علامه مجلسی، ارتباط می یابد.

سید علاء الدین محمد گلستانه، تألیفات متعددی داشته، که نشانه عظمت علمی، و قدرت تفکر و اندیشه عمیق او می باشد، و از میان آنها، شرح کبیر نهج البلاغه، به نام « حدائق الحقایق » می باشد، که بسیار مفصل است، و سه جلد آن را به پایان برده، و تا مقداری بعد از خطبه شفشقیه را شرح نموده است، و از آثار عظمت علمی او محسوب می گردد، و هم چنین از آثار آن بزرگمرد، « شرح أسماء الحسنی » بوده، که مبسوط می باشد، و نیز، « ترتیب مشیخه من لایحضره الفقیه » را تألیف نموده، که از شهرت و اهمیت فراوانی برخوردار میباشد. عموم بزرگان و محققین، به عظمت تألیفات متعدد آن بزرگمرد، اعتراف نموده اند. وفات او بنا بر مشهور، در سال ۱۱۰۰ قمری بوده، و بنا بر

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۴۲۹

۲- ریحانه الادب، جلد ۴، صفحه ۱۶۴

احتمال دیگر ( همراه با تأییدی قابل توجه ، مذکور در ریحانه الأدب ) در سال ۱۱۱۰ واقع شده است .

در بسیاری از کتب تراجم، همانند : أعيان الشَّيعه ، روضات الجنَّات ، ریحانه الأدب ، فوائد الرِّضویّه ، دانشمندان و بزرگان اصفهان رجال اصفهان و ... و همچنین ، در بسیاری از دائره المعارف ها ، از این بزرگمرد ، تجلیل فراوان شده است .

و - میرزا تاج الدین گلستانه

وی از شاگردان علامه ، ملا محمد تقی مجلسی ، و مجاز از او بوده است ، و تاریخ اجازه یاد شده ، سال ۱۰۶۲ می باشد .

ز - میرزا محمد باقر گلستانه

وی فرزند سید علاء الدین گلستانه ، و دارای حسب و نسبی برجسته بوده ، و از شاگردان علامه مجلسی ، و از مشایخ اجازه حاج ملا محمد زمان کاشانی ، به شمار رفته است (۱).

ح - سید محمد مورخ الإسلام

وی فرزند حاج میر سید علی بن میرزا محمد علی خان می باشد ، و اَدیب وفاضل بوده ، و کتابهای چندی ، همانند : سفرنامه کربلاء و فضائل العجم و ... ، تألیف نموده ، و در سال ۱۳۶۹ قمری وفات یافته ، و در تکیه شهشهرانی مدفون گردیده است (۲).

ص: ۴۸۵

---

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۴۲۹

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۴۳۱

وی از شاگردان فقیه و مرجع نامدار، حاج میرزا حبیب الله رشتی بوده، و در علم و فضل مقامی ارجمند داشته است، و در اصفهان و سپس تهران، مورد توجه قرار گرفته، و پیشوائی داشته، و در سال ۱۳۲۳ قمری وفات یافته است.

از نکته های جالب در مورد شخصیت و اهمیت سادات گلستانه، این است که آنها گورستانی اختصاصی به نام « قبرستان گلستانه » داشته اند، که در دوره صفویه، در میان مردم مشهور و با اهمیت بوده است.

### ۳۳- خاندان علمی مازندرانی (ملا صالح)

ملا محمد صالح مازندرانی، داماد مشهور و عظیم الشان ملا محمد تقی مجلسی، و همسر مجتهد نامدار، آمنه بیگم می باشد. وی فقیهی محقق، و محدثی مدقق بوده، و از چهره های برجسته علمی حوزه علمیه اصفهان در قرن یازدهم به شمار می رود، و به مناسبت عظمت شخصیت علمی و اجتماعی دو چهره نورانی و مهم اصفهان، یعنی: ملا محمد تقی و ملا محمد باقر مجلسی، نام و عنوان این بزرگمرد، در بخش معرفی « خاندان علامه مجلسی » و بخش مدفونین در « بقعه علامه مجلسی » مطرح می گردد، ولی با توجه به برجستگیها و شایستگی های شخصی او، و نسل شایسته ای که از خود به جای گذاشته است بایستی محور بحث و تحقیق مستقل قرار گیرد، و در این فصل، او را با عنوان سرسلسله خاندانی علمی، مورد بررسی و تمجید قرار می دهیم.

در ابتداء، با نگرشی متفاوت با آنچه در بخش های دیگر نوشته ایم، شخصیت ملا صالح مازندرانی (سرسلسله خاندان) را، مورد توجه قرار داده، و سپس چندین چهره از ذریه آن بزرگمرد را، یاد می نمائیم:

أبو الفضائل ، حسام الدین ، محمد صالح بن أحمد بن شمس الدین طبرسی مازندرانی ، متوفای ۱۰۸۶ قمری . وی استاد های عالی مقامی ، همانند : ملا محمد تقی مجلسی ، شیخ بهائی ، ملا عبد الله شوشتری و ملا حسنعلی شوشتری داشته ، و تألیفاتی ، همانند : ۱- حاشیه بر شرح لمعه ، ۲- حاشیه مختصر الأصول عضدی ، ۳- حاشیه معالم (۱)، ۴- شرح قصیده برده ، ۵- شرح زبده الأصول شیخ بللانی عشرح من لایحضره الفقیه ، ۷- شرح معالم ( غیر از حاشیه معالم ) ۸- شرح روضه کافی ۹- شرح بر اصول کافی ( که از همه معروف تر و مهم تر است ) از خود به جای گذاشته است .

در هر کدام از کتب تراجم ، همانند : روضات الجنّات ، أعیان الشّیعه ، فوائد الرّضویّه ، ریاض العلماء ، و ... ، تجلیل شایسته از علم و تقوی ، و مجاهدات علمی این بزرگمرد انجام گرفته ، و با ألقاب « فخر المحقّقین و المدقّقین » و نیز « عالم صالح زاهد » و ... ، ستوده شده است .

پدر او ، به نام ملا أحمد سروی (۲) از علماء بوده است .

ب - ملا هادی مازندرانی

أعلم و أكمل و أفضل أولاد ملا صالح مازندرانی ، فقیه و مفسّر کامل ، و محدّث و اصولی جامع ، و أديب و نویسنده فاضل ، و مقدّس زاهد ، ملا هادی مازندرانی ، متوفای ۱۱۲۰ قمری ، مشهور به « آقا هادی مترجم » و مدفون در

ص: ۴۸۷

۱- ملا صالح مازندرانی ، حاشیه بر معالم را در صفر سن ، تألیف نموده است ( ریحانه الأدب ، جلد ۵ ، صفحه ۱۴۷ و فوائد الرّضویّه ، جلد ۲ ، صفحه ۵۴۳

۲- ریحانه الأدب ، جلد ۵ ، صفحه ۱۴۶

بقعه علامه مجلسی می باشد .

وی تألیفات بسیار داشته ، که از آن جمله است : ۱- ترجمه قرآن مجید و شأن نزول آیات آن ، و نیک و بد استخاره با آیات قرآنی ، ۲- حاشیه تفسیر بیضاوی ( به عربی ) ۳- شرح فارسی شافیه ابن حاجب ۴- شرح شمسیه ( به فارسی ) ۵- شرح صحیفه سجادیّه ( به فارسی ) ۶- شرح فارسی معالم ، ۷- شرح کافی ابن حاجب ( به فارسی ) ۸- شرح بر فروع کافی (۱) ۹- أنوار البلاغه ( در معانی و بیان ) ۱۰- شرح قواعد الأحكام علامه حلی ( که مبسوط است ) (۲) ، و تألیفات دیگر ، که نویسنده محقق ، آقای علی دوانی ، شمار آنها را به بیست و سه عدد رسانده است ، و مجموع آثار وی ، نشانه جامعیت او در زمینه فقه اصول ، حدیث ، کلام ، تفسیر ، معانی و بیان ، نحو ، صرف و منطق می باشد .

آقا هادی مترجم ، در خدمت پدر و جدّ مادریش ( ملا محمد تقی مجلسی ) و دیگر بزرگان ، کسب علم و کمال نمود ، و به مقام اجتهاد رسید ، و سپس خود به تدریس و پرورش شاگردان فراوان ، و تحقیق و تألیف پرداخت ، و شاگردانی همچون شیخ محمد علی حزین لاهیجی ، پرورش داد (۳) .

این بزرگمرد ، خطّ نسخ و شکسته و نستعلیق را ، بسیار خوب می نوشته ، به طوری که می توان او را ، از خطاطان به شمار آورد .

ج ، تا ، ز - پنج فرزند دیگر

ملا صالح مازندرانی ، پنج فرزند پسر دیگر نیز داشته است ، به نامهای :

ص: ۴۸۸

۱- الذریعه ، جلد ۱۳ ، صفحه ۳۸۰

۲- علامه مجلسی بزرگمرد علم و دین ، ص ۵۴۸ و دانشمندان و بزرگان اصفهان ، ص ۳۸۵

۳- علامه مجلسی بزرگمرد علم و دین ، صفحه ۵۴۸

الف : آقا نورالدین محمد که به نوشته کتاب مرآت الأحوال جهان نما ، فقیه بی عدیل و نظیر بوده است .

دختر این بزرگمرد ، همسر آقا محمد اکمل ، و مادر آقا محمد باقر اصفهانی (وحید بهبهانی ، استاد الكل ) می باشد (۱).

ب - آقا محمّد سعید اشرف که به نوشته مرآت الأحوال ، عالم ادیب و فاضل لیب بوده ، و اشعار عربی بسیار خوب می سروده ، و خط بسیار زیبا داشته است ، و علو فطرت و سخاوت از سجایای او بوده ، و اولاد او ، از علماء و صاحبان فضیلت بوده اند .

ج - آقا حسنعلی مازندرانی که فاضلی ادیب ، و عالمی لیب بوده است .

د. آقا عبدالباقی که جامع فضائل ، و عالم عامل ، و فقیه کامل بوده، و فرزندى داشته است ، به نام ملا محمّد صالح « همنام جدش » و مشهور به « آقا بزرگ » ، که او هم ، عالمی کامل بوده است .

ه- آقا محمد حسین وی ، به نوشته محدث نوری ، دانشمندی پرهیزکار بوده ، و حواشی بسیاری بر نسخه ای از « من لا یحضره الفقیه » نوشته بوده ، که دلالت بر فضل و کمال او می کرده است .

ح . آقا مهدی مازندرانی ( شهید )

فرزند دانشمند آقا هادی ، که عالمی فاضل و محقق به شمار رفته ، و به نوشته حزین لاهیجی ، مولای فاضل عارف بوده است . وی در فتنه و تهاجم افغانها به

ص: ۴۸۹

---

۱-مراه الأحوال جهان نما ، صفحه ۱۳۱ و علامه مجلسی بزرگمرد علم و دین ، ص ۵۷۴ . با توجه به این مطلب ، روشن می شود که خاندان بزرگ و علمی وحید بهبهانی ، منسوب به خاندان علمی ملا صالح مازندرانی و آمنه بیگم می باشد

اصفهان ، در سال ۱۱۴۱ قمری ، به شهادت رسیده است ، و تألیفاتی داشته است ، از قبیل : ۱- بشاره الشیعه من مسائل الشریعه ، ۲- حاشیه شرح مختصر عضدی ۳- حاشیه مختصر ابن حاجب ، ۴- وسیله السعاده و ذریعه الشفاعة ( ترجمه کتاب مهج الدعوات سید ابن طاووس ) و جمعی از فضلاء ، از شاگردان آن بزرگمرد بوده اند(۱).

ط - آقا محمد رضا مازندرانی

فرزند دیگر آقا هادی مازندرانی . وی به نوشته سید عبد الله جزائری ( در اجازه کبیره ) فاضل محقق، و متکلم رفیع المنزله بوده، و در مدرسه خیر آباد بهبهان سکونت داشته ، و تدریس می نموده ، و در دهه ۱۱۵۰ قمری ، وفات یافته است(۲).

ی-زکی ، دختر ملا صالح مازندرانی

وی ، زنی فاضله بوده ، و نسخه ای از شرح اصول کافی ملا صالح مازندرانی ، به خط نسخ این بانوی فاضله ، در کتابخانه مدرسه فیضیه موجود می باشد(۳).

### افتخاراتی بزرگ

چندین خاندان بزرگ و علمی ، همانند : « خاندان طباطبائی های بروجردی » که در برگیرنده چهره های بزرگی ، همانند : آقا سید محمد طباطبائی بروجردی (سرسلسله خاندان ) و علامه ، سید مهدی بحرالعلوم ، و فقیه بزرگ ، حاج میرزا

ص: ۴۹۰

۱- علامه مجلسی بزرگمرد علم و دین ، صفحه ۵۵۱

۲- علامه مجلسی بزرگمرد علم و دین ، صفحه ۵۵۱

۳- فهرست کتابخانه مدرسه فیضیه ، به قلم حاج آقا مجتبی عراقی ، ج ۲ ، ص ۴۲۶ - ۴۲۷



محمود بروجردی (صاحب مواهب السّتیّه) و مرجع عالیقدر شیعیان جهان، مرحوم آیه الله العظمی، حاج آقا حسین طباطبائی بروجردی و ... می باشد، و نیز خاندان بزرگ «آل صاحب ریاض» که در برگیرنده شخصیت های ممتازی، همانند: آقا سید علی (صاحب شرح کبیر، به نام ریاض المسائل) و آقا سید محمد مجاهد و ... می باشد، و هم چنین خاندان بزرگ و علمی «وحید بهبهانی» که در برگیرنده مفاخر بزرگی، همانند: استاد الكل، آقا محمد باقر اصفهانی، (معروف به وحید بهبهانی) و آقا محمد علی بهبهانی کرمانشاهی (فرزند برومند وحید بهبهانی) و آقا عبد الحسین بهبهانی (که هر دو از فقهاء و علماء بزرگ بوده اند) و ... همه و همه، از طریق مادری، منسوب به ملا صالح مازندرانی و آمنه بیگم می باشند، و از این طریق، با ملا محمد تقی مجلسی و علامه، ملا محمد باقر مجلسی، منسوب می شوند، و به همین دلیل است که، مرحوم آیه الله العظمی آقای بروجردی، و دیگر بزرگان خاندان طباطبائی بروجردی، مرحوم ملا محمد تقی مجلسی را، جدّ خود، و علامه مجلسی (ملا محمد باقر) را، خال (دائی) خود می دانسته اند.

(برای آشنائی بیشتر، به تحقیقات ارزشمند محقق معاصر، آقای علی دوانی در کتاب نفیس (علامه مجلسی بزرگمرد علم و دین، از صفحه ۵۵۶ تا ۵۹۱ مراجعه شود).

علاوه بر یادشدگان، جمع دیگری از خاندان علمی ملا صالح مازندرانی، در عالم فقه و ادب و شعر و تحقیق و تألیف، ظهور یافته اند، که در کتابهای: (مرآت الأحوال جهان نما) و (أنساب خاندان مجلسی) و (زندگینامه علامه مجلسی، جلد ۱، و ۲) و (علامه مجلسی بزرگمرد علم و دین) و (دانشمندان و بزرگان اصفهان) و (رجال اصفهان یا تذکره القبور)، از آنها یاد شده است.

هم چنانکه نام و عنوان علامه مجلسی، خدمات اجتماعی و دینی و تألیفات و آثار علمی آن بزرگمرد، بحارالأنوار و حوزه در سی و شاگردان وی، از شهرت و اهمیت ویژه برخوردار است، عنوان «خاندان مجلسی» و محتوای برجسته آن، از امتیازات درخشان حوزه علمی، و تاریخ پر افتخار تشیع در شهر اصفهان به شمار می رود.

آری، خاندانی که ریشه علمی آن به چهره نامدار و برجسته اصفهان، یعنی: حافظ ابونعیم اصفهانی، متوفای نیمه اول قرن پنجم، معروف به «حافظ اصفهانی» و موصوف به «حافظ دنیا» (۱) می رسد، و در قرون متأخره، نه تنها علامه مجلسی را در خود داشته، بلکه دهها شخصیت علمی از مرد و زن، در متن خاندان، و دهها چهره برجسته علمی، از طریق مصاهرت و ازدواج، مرتبط با آن بوده اند، و خاندانهای نامداری، همانند: «طباطبائی بروجردی» «وحید بهبهانی» «خاتون آبادی» «گلستانه» «مازندرانی» و...، انتساب به آن داشته اند، و به راستی، چنین خاندانی، افتخار این آب و خاک، و این ملت و کشور، و تاریخ علم و فرهنگ و مکتب تشیع می باشد.

برای نمونه، چند چهره برجسته از این خاندان بزرگ را، ذکر می نمایم:

ص: ۴۹۲

۱- حافظ ابو نعیم، بنابر عقیده شیخ بهائی و میر محمد حسین خاتون آبادی، و برخی دیگر، شیعی المذهب می باشد، بلکه به نظر مرحوم علامه مجلسی، از خُصّین شیعه بوده، و تشیع او را ابا عن جُدّ، از خود حافظ ابونعیم، نقل کرده است، البته به خاطر شرائط سخت آن دوران، حافظ ابو نعیم، تقیه مینموده است. از آثار علمی و حدیثی وی، کتابهای «ذکر المهدی و نعوته و حقیقه مخرجه و ثبوت» و «مازل من القرآن فی أمر المؤمنین» و «منقبه المطهرین» و «أربعین» در حالات حضرت مهدی (عج)، جلب توجه می نماید.

کمال الدین ، درویش محمد اصفهانی ( فرزند محدث بزرگوار ، شیخ حسن نطنزی ) جدّ مادری علامه ، ملا محمد تقی مجلسی ، که مورد تجلیل فراوان مجلسین می باشد . ملا محمد تقی مجلسی ، او را « رئیس فقهاء و محدثین ، در زمان خودش » و در جای دیگر « شیخ الطائفه در عصر خود » خوانده ، و علامه ، ملا محمد باقر مجلسی ، او را با چنین اوصاف و عباراتی ستوده است : ... از جدّ مادری پدرم ، عالم محدث ، مولانا درویش محمد بن شیخ حسن نطنزی ، روح الله روحه ، نخستین دانشمندی که حدیث شیعه را در زمان دولت صفویه ، در اصفهان نشر داد(۱).

و نیز شیخ حرّ عاملی، و مؤلف ریاض العلماء ، و محدث نوری ، و شیخ یوسف بحرانی ، و سید حسن صدر ، او را مورد تجلیل قرار داده اند .

مولی کمال الدین درویش محمد ، اصلاً اهل جبل عامل ( جنوب لبنان ) بوده و سپس در نطنز ساکن گردیده ، و اهل عبادت و زهد بوده ، و قبر او در نطنز ، دارای گنبدی مشهور می باشد(۲).

ص: ۴۹۳

---

۱- علامه مجلسی بزرگمرد علم و دین . صفحه ۱۹

۲- علامه مجلسی بزرگمرد علم و دین ، صفحه ۱۹ . نویسنده این سطور ، در سفری به شهر نطنز ، در ( ذی الحجه ۱۴۱۳ قمری ) ، مقداری جستجو و گفتگو با برخی از مطلعین نمودم . و آنها در زمینه گنبد و بقعه ای به نام کمال الدین درویش محمد ، اظهار بی اطلاعی نمودند . ولی در کتیبه پایه مناره خانقاه و مسجد جامع نطنز ، چنین جمله ای موجود است : بمساعی الصیّمد اصفهانی المعظم ، کمال الدین محمد جزاه الله خیراً . ( همین عبارت در کتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۸۸۳ و آثار ملی اصفهان ، صفحه ۹۱۴ نقل گردیده ) . در این زمینه بایستی بررسی کاملتری انجام گیرد

ملا علی ، یا ملا محمد علی ، مشهور به « ملا مقصود علی » و متخلص به « مجلسی » پدر ملا محمد تقی مجلسی می باشد ، و اولین کسی است که ، در این خاندان ، به عنوان « مجلسی » نامیده شده است . وی ، عالمی ادیب و شاعر بوده (۱) و گفته شده ، که بسیار خوش محضر و ظریف و مجلس آرا بوده ، و به همین جهت او را ( مجلسی ) گفته اند ، گرچه در باب تسمیه به مجلسی ، وجوه دیگری نیز گفته شده است (۲).

ج - ملا محمد تقی مجلسی

فقیه محدث ، و پیشوای عظیم الشان ، ملا محمد تقی مجلسی ، متوفای ۱۰۷۰ قمری ، که از چهره های نامدار و برجسته شیعه می باشد ، و مورد تجلیل و ستایش بزرگان دین قرار گرفته است ، مثلاً : شیخ حرّ عاملی او را : «عالم فاضل ، و محقق متبحر ، و زاهد عابد ثقه ، و متکلم فقیه » خوانده ، و میر عبد الحسین خاتون آبادی ، او را : « أَسَاتِدَ الْعُلَمَاءِ وَالْفُقَهَاءِ وَالْمُحَادِّثِينَ ، وَ الْمُبَارَكُ الْمَيْمُونِ ، وَ ذِي النَّفْسِ الْقُدْسِيَّةِ » دانسته ، و مولی محمد اردبیلی ، در کتاب جامع الزّواہ ، او را : « یگانۀ عصر ، و یکتای زمان » خوانده ، و نوشته است : او از لحاظ جلالت قدر و وثاقت و امانت در نقل ، و جایگاه بلند ، و عظمت شأن و تبحر در علوم ، مشهورتر از آن است که ذکر شود ، و بالاتر از آن است که عبارتی بتواند او را بشناساند ... او بود که اخبار ائمه صلوات الله علیهم را ، در اصفهان نشر داد .

و میر محمد صالح خاتون آبادی می نویسد : در علم فقه و تفسیر و حدیث

ص: ۴۹۴

۱- رجال اصفهان ، صفحه ۱۱۸

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۵۰۳

ورجال ، سرآمد اهل روزگار بود، و از جهت زهد و عبادت و تقوی و ورع و ترک دنیا ، ثانی استاد خود ، مولانا عبد الله ( تستری ) بوده ، و در تمام عمر ، به ریاضت و مجاهده نفس و تهذیب اخلاق و عبادت و ترویج احادیث و ... مشغول بود ، و جمعی کثیر ، به وسیله او هدایت یافتند ، و به مسائل دینی آگاه و آشنا گردیدند ، و گروه بسیاری از جاهلان و گمراهان ، تائب و مستقیم شدند ... اکثر علمای اعلام ، مانند : آقا حسین خوانساری ، و مولانا محمد باقر سبزواری و مولانا میرزای شیروانی ، و مولانا محمد باقر ( علامه مجلسی ) و ... ، از تلامذه و شاگردان او بودند . آقا احمد بهبهانی ، صاحب کتاب مرآه الأحوال ، او را چنین یاد می کند :

جناب مُسْتَفْنَى الْأَلْقَابِ ، وَقُدْوَةُ الْمُجْتَهِدِينَ ، وَزُبْدَةُ الْمُحَقِّقِينَ ، أَلْزَاهِدُ الْوَرَعِ . الْعَابِدُ الْوَفِيِّ ، أَلْجَدُّ الْأَمْجَدِ ، أَوْلَى الْمَوْلَى ، مُحَمَّدٌ تَقِيٌّ الْمَجْلِسِيِّ ... آخوند مرحوم ، أباً عن جدِّ مَرُوحِ دِينَ ، وَ مُشَيِّدِ شَرِيْعَتِ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ ، بُوْدَهُ اَنْد ...

و هم چنین فقیه اصولی ، آقا شیخ اسد الله کاظمینی دزفولی ، در مقدمه کتاب « مقابس الأنوار » ، ملا محمد تقی را چنین می ستاید : شیخ أجل أفضل یگانه ، و أعلم أمجد ، و أعبد أزهد أسعد ، جامع فنون عقلی و نقلی ، و حاوی فضائل علمی و عملی ، صاحب نفس قدسی و علائم ملکوتی ، و کرامات آشکار و مقامات عالی ، ناشر اخبار دینی و آثار لدنی ، و أحكام نبوی و اعلام امامیه ، عالم ربّانی و مؤید به تأییدات سبحانی ، محمد تقی مجلسی اصفهانی ..

و هم چنین شیخ یوسف بحرانی ، صاحب روضات الجنّات ، محدث نوری ، محدث قمی ، مدرّس تبریزی ، آقا سید محسن امین ( صاحب أعیان الشّیعه ) و ... ، هر کدام ، از علم و تقوی و خدمات حوزه‌ای و اجتماعی آن بزرگمرد تجلیل فراوان نموده اند

و در پایان این گفتار ( که بر خلاف معمول ، طولانی گردید ) گفتار مرحوم ملاً محمد تقی مجلسی را ، دربارهٔ خودش ، نقل می‌نمائیم :

و الحمد لله ربّ العالمین ، که بنده در چهار سالگی ، همهٔ اینها را می‌دانستم ،

یعنی خدا و نماز و بهشت و دوزخ را ، و نماز شب می‌کردم در مسجد صفا ، و نماز صبح را به جماعت می‌کردم ، و اطفال را نصیحت می‌کردم ،

به آیه و حدیث ، به تعلیم پدرم رحمه الله تعالی (۱). و در یک کلام ، علامه ، ملاً محمد تقی مجلسی ، در علم و تقوی ، تألیف و تصنیف ، تبخّر و جامعیت در علوم عقلی و نقلی ، تربیت شاگرد و ادارهٔ حوزهٔ درسی ، نشر آثار أهل البيت عليهم السلام ، اصلاح اجتماع و مبارزه با پلیدیها و ... ، از مفاخر شیعه و حوزهٔ علمیّهٔ اصفهان می‌باشد ، و ما ، در بخشهای گوناگون این کتاب ، از این بزرگمرد یاد نموده ، و به مناسبت تجلیل کرده ایم .

د - علامهٔ مجلسی

نابغهٔ دوران ، یگانهٔ تاریخ حدیث ، پرچمدار بی نظیر ، علامه ، ملاً محمد باقر مجلسی ، متوفای ۱۱۱۰ ، که نه تنها پرچمدار علمی و دینی در اصفهان ، و در قرن یازدهم و اوائل قرن دوازدهم می‌باشد ، بلکه پرچمی بر افراشته است ، که در طول قرون و اعصار ، در اهتزاز بوده ، و سیطره و نفوذش ، بر همهٔ جهان تشیع گسترده است .

أبعاد حیاة علمی و اجتماعی ، و گسترش آثار و خدمات متنوع و بی‌قرین آن بزرگمرد ، و اهمیت کتاب عظیم بحار الأنوار ، و حوزهٔ درسی کم‌نظیر ، و تألیفات

ص: ۴۹۶

بسیار و فراوان آن آیت بزرگ حق (۱)، آن چنان است که ، محققین بزرگی را ، به بررسی های مفصلی در هر مورد ، واداشته است .

و در یک کلام ، هیچ نویسنده ای در باب تراجم و رجال ، و یا تاریخ قرن یازدهم و دوازدهم هجری ، و یا تاریخ شهر اصفهان و فرهنگ و حوزه علمیه آن و یا جغرافیای تاریخی اصفهان ، و نیز هیچ تلاشگری در باب تهیه دایره المعارف ، کمال و ارزش تألیف و کوشش علمی خود را ، مستغنی از معرفتی و تحقیق و بررسی در مورد علامه مجلسی نمی داند ، و بر خود لازم می بیند ، که این محور برجسته علم و تحقیق و فضیلت را ، مورد توجه قرار دهد ، و با بیان مطالبی در مورد علامه مجلسی ، و ابعاد شخصیت علمی و اجتماعی آن بزرگمرد دین خود را نسبت به ساحت مقدس آن پیشوای الهی ، آداء نماید (۲) . و در

ص: ۴۹۷

۱- به نوشته سید جزائری در انوار نعمائیه ، در حوزه درسی علامه مجلسی ، بیش از هزار نفر شرکت می جسته اند . و در میان آنها پرچمداران بزرگ علمی و اجتماعی و بزرگان عالم تحقیق و تألیف و تدریس فراوان بوده اند ، و شمار تألیفات علامه مجلسی ، ( اعم از کتاب های بزرگ و رساله های متوسط و کوچک ) طبق إحصای آقای سید مصلح الدین مهدوی در ( زندگینامه علامه مجلسی ) به یکصد و شصت و هشت عنوان می رسد ، که تنها بحار الأنوار او یکصد و ده جلد می باشد

۲- در کتابهای زیر ، در مورد علامه مجلسی و خدمات و آثار آن بزرگمرد ، بحث و بررسی شده است ، أمل الأمل ( جلد دوم ) تألیف فقیه و محدث نامدار ، شیخ حرّ عاملی ، وقایع السنین و الأعوام ، تألیف میر عبدالحسین خاتون آبادی ( معاصر علامه مجلسی ) ، انوار نعمائیه ، اثر سید نعمت الله جزائری ( محدث عظیم الشان ) ، جامع الرواه از محقق و رجالی نامدار ، میرزا محمد اردبیلی ، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء ، تألیف میرزا عبدالله تبریزی اصفهانی ( أفندی ) ، تاریخ حزین ، اثر شیخ محمد علی حزین لاهیجی ( ادیب و مورخ نامدار ) لؤلؤئی البحرين ، از فقیه نامی ، شیخ یوسف بحرانی ، أنساب خاندان علامه مجلسی ، از میرزا حیدر علی مجلسی ( نواده بزرگ علامه مجلسی ) ، مرآه الأحوال جهان نما ، تألیف آقا أحمد بن محمد علی بهبهانی ، روضات الجنّات ، تألیف فقیه و رجالی نامدار ، آقا سید محمد باقر خوانساری چهارسوقی ، فیض القدسی ، تألیف علامه محدث ، حاج میرزا حسین نوری ، أعیان الشیعه ، اثر بزرگ علامه ، آقا سید محسن امین عاملی ، الذریعه و طبقات ، از علامه حاج آقا بزرگ طهرانی ، و ألكنى و الألقاب ، از محدث نامی ، حاج شیخ عباس قمی ، ریحانه الأدب ، از ادیب و رجالی معروف ، میرزا محمد علی مدرّس تبریزی ، لغتنامه دهخدا ، از علی اکبر دهخدا ، و فرهنگ معین ، از دکتر معین ، و گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، از دکتر هنر فر ، و آثار ملی اصفهان ، از رفیعی مهر آبادی ، دانشمندان و بزرگان اصفهان ، از سید مصلح الدین مهدوی ، تذکره القبور ، از مرحوم آخوند گزی ، و نیز دهها کتاب دیگر ، در زمینه تراجم و رجال و تاریخ و جغرافیا و اجازات حدیث و ...

سالهای اخیر، دو جلد کتاب به نام زندگینامه علامه مجلسی (جمعاً در ۸۸۰ صفحه) تألیف نویسنده متتبع، آقای سید مصلح الدین مهدوی، و یک جلد کتاب به نام، علامه مجلسی بزرگمرد علم و دین (در ۶۷۸ صفحه) تألیف نویسنده محقق و توانا، آقای علی دوانی، منتشر گردیده، و هر دو نویسنده، تحقیق و بررسی مفصّلی، در مورد آثار و خدمات و شاگردان و تألیفات و مواضع سیاسی و اجتماعی علامه مجلسی انجام داده اند، و زحمات زیادی برای نشان دادن ابعاد شخصیت آن بزرگمرد متحمّل گردیده اند.

ه- و - ملا عزیزالله مجلسی و دختر او

وی، فرزند ارشد ملا محمد تقی مجلسی، و عالمی کامل، و ادیبی خوش خلق، و زاهدی صاحب تألیف بوده، و حاشیه هائی بر کتابهای: مدارک، و من لایحضره الفقیه، و خلاصه الأقوال نوشته است، و از ذریه او، علماء و دانشمندانی

ص: ۴۹۸



برخاسته اند ، همانند : میرزا محمد تقی الماسی ، و میرزا حیدر علی مجلسی ( مؤلف آنساب خاندان مجلسی ) . وفات ملا عزیز الله مجلسی ، در سال ۱۰۷۴ واقع شده است .

دختر ملا عزیز الله مجلسی ، در زمره علماء بوده ، و به نوشته اعیان الشیعه ، رسائلی در مسائل فقهیه داشته ، و حاشیه ای بر من لا یحضره الفقیه ، منسوب به او می باشد (۱).

ز- ملا عبد الله مجلسی

وی ، دومین فرزند پسر ، از ملا محمد تقی مجلسی است ، که به نوشته محدث قمی : فقیهی عالم ، و واعظ و ناقد علم رجال ، و محدث و عابد و با و رَع بوده ، و در قدس و فضل ، او حدیّ زمان خود بوده است . او کتاب تهذیب شیخ طوسی را شرح کرده ، و تعلیقاتی بر حدیقه المتقین ( تألیف پدر بزرگوارش ) نوشته است ، و آن جناب ، والد ملا محمد نصیر ، فاضل قلیل النظیر است ، که بر شرح المعه ، و بر اکثر کتب فقهیه و حدیثیه ، حاشیه هائی نوشته ، و بخش «فِتْنُ» از کتاب بحار الأنوار را ، ترجمه نموده است (۲).

ملا- عبد الله ، به هندوستان مسافرت نمود، و از آنجا سؤالاتی را به محضر علامه مجلسی ارسال داشت ، و آن بزرگمرد در پایان جواب سؤالات نوشتند :

هَذَا آخِرُ مَا كَتَبْنَاهُ فِي جَوَابِ هَذِهِ الْأَسْئَلَةِ الَّتِي صَدَرَتْ مِنْ مَعْدِنِ الْفُضْلِ وَالْكَمَالِ... (۳) که از این عبارت ، شخصیت علمی و اخلاقی ملا عبد الله معلوم می گردد.

ص: ۴۹۹

۱- درباره این بانوی عالمه ، در بخش « زنهاى عالمه اصفهان » بررسی داریم

۲- فوائد الرضویه ، جلد ۱ ، صفحه ۲۵۵

۳- علامه مجلسی بزرگمرد علم و دین ، صفحه ۴۵

وی شاگرد پدر خود، و نیز محقق نامدار، آقا حسین خوانساری بوده، و در حدود سال ۱۰۸۴ وفات یافته است .

## ح - آمنه بیگم

وی ، افتخار زنان شیعه ، و آبروی طبقه نسوان در اصفهان می باشد . او دختر بزرگ ملا محمد تقی مجلسی ، و همسر ملا صالح مازندرانی می باشد ، و ملا صالح ، با همه علم و فضل ، و قدرت تحقیقی که داشته ، در حلّ بعضی از مشکلات قواعد علامه حلّی ، از همسر خود بهره گرفته ، و استفاده نموده است .

آمنه بیگم ، زنی پرهیزکار و مجتهده بوده، و کتابی در فقه و احکام دینی تألیف کرده ، و در جمع آوری اخبار بعضی از مجلّات بحارالانوار ، به علامه مجلسی کمک می داده است .

از نسل این بانوی عابده و عالمه ، علماء بزرگ و دهها مجتهد نامدار، و مرجع تقلید ، در عالم شیعه و حوزه های علمیه درخشیده اند ، همانند : آقا سید محمد طباطبائی ، و علامه بزرگ ، آقا سید مهدی بحرالعلوم ، و آقا سید علی طباطبائی

( صاحب ریاض المسائل ) و آقا سید محمد مجاهد ، و استاد الکل ، وحید بهبهانی ، و حاج میرزا محمود بروجردی ( صاحب مواهب السیّئه ) و مرحوم آیه الله العظمی ، آقای حاج آقا حسین طباطبائی بروجردی قدس سرّه ، و چهره های برجسته دیگر ، که نسب آنها به این بانوی بزرگ می رسد ، و به همین جهت است که ، بسیاری از بزرگان یاد شده ، از مرحوم ملا محمد تقی مجلسی ، به عنوان « جدّ » و از علامه مجلسی به عنوان « خال » ( دائی ) ، یاد می نموده اند(۱).

ص: ۵۰۰

---

۱- نویسنده محقق ، آقای علی دوانی در این زمینه ، در کتاب علامه مجلسی بزرگمرد علم و دین ، در بخش ( مردان نامی از نوادگان دختری مجلسی اول ، و خواهر زادگان علامه مجلسی ) از صفحه ۵۴۶ تا ۵۹۱ ، مطالب و تحقیقات جالبی دارند ، که شایان توجه می باشد

وی ، فرزند علامه مجلسی می باشد ، و به نوشته حزین لاهیجی ، به حلیه علم و خصال حمیده ، آراسته ، و مشغول به تدریس بوده ، و در سال ۱۱۳۴ قمری ، در هنگام محاصره اصفهان توسط افغانها ، از دنیا رفته است . مرحوم حاج آقا بزرگ طهرانی ، در الذریعه ، جلد ۹ ، جزء ۲ ، صفحه ۳۶۳ ، دیوان شعری را از ملاً محمّد رضا نقل می نماید ، که معلوم می شود وی ، علاوه بر مقام علمی ، ( در فقه و حدیث و تفسیر ) و اداره حوزه درسی ، شاعر هم بوده ، و شعر می سروده است

ی - میرزا عبد الله مجلسی

وی شاعری آدیب بوده ، و برخی او را ، از مجتهدین امامیه شمرده اند (۱) و در الذریعه آمده است : دیوان ذرّه اصفهانی ، یا شعرش ، از میرزا عبد الله بن محمّد باقر مجلسی (۲).

یا - یب - یج - ملاً محمّد تقی الماسی و برادر و فرزند او

وی فرزند میرزا کاظم ، و او فرزند میرزا عزیز الله ، فرزند ملاً محمّد تقی مجلسی می باشد ، و در قدس و تقوی و خوف خدا ، برجستگی داشته ، و دارای کمالات علمی و عملی بوده ، و از علامه مجلسی روایت می نماید ، و عده ای از علماء ، در زمره شاگردان و مجازین از او می باشند ، و کتابهایی تألیف نموده است . برادر وی ، میرزا محمّد علی ، متوفای ۱۹۷۰ ، و فرزندش ملاً عزیز الله ، متوفای ۱۱۶۳ ، هر دو از علماء و مدفون در بقعه علامه مجلسی می باشند .

ص: ۵۰۱

---

۱- علامه مجلسی بزرگمرد علم و دین ، صفحه ۵۲۷

۲- الذریعه جلد ۹ ، جزء ۲ ، صفحه ۳۳۸

ید - میرزا حیدر علی مجلسی نسب وی از طریق پدری ، به ملا محمد تقی مجلسی ، و از طریق مادری ، به علامه مجلسی می رسد ، و در زمان خود ، چهره علمی و برجسته خاندان مجلسی بوده ، و در علوم عقلی و نقلی ، مقامی بس ارجمند داشته ، و در حفظ أنساب خاندان مجلسی ، با تألیف کتاب «تذکره الأنساب» ( أنساب خاندان مجلسی ) خدمتی بسیار ارزشمند نموده ، و صفحه زرّینی از تاریخ درخشان علمی اصفهان و عالم تشیع را ، ثبت نموده است .

وی در سال ۱۲۱۴ قمری وفات یافته و در تخت فولاد ( تکیه خوانساریها ) مدفون گردیده است .

یه - یو - یز - ملا محمد نصیر مجلسی و ...

وی پسر ملا عبد الله ( فرزند ملا محمد تقی مجلسی ) و شاگرد عموی خود ( علامه مجلسی ) و مورد علاقه شدید او می باشد ، و از آن بزرگمرد علم و دین ، اجازه دریافت نموده است .

دو برادر او ، ملا زین العابدین ، و ملا محمد تقی ( پسران ملا عبد الله ) نیز ، از شاگردان علامه مجلسی ، و دارای اجازه از آن بزرگمرد می باشند (۱).

#### چهار داماد برجسته

علامه ، ملا محمد تقی مجلسی ، چهار دختر داشته ، که همسرانشان از چهره های برجسته و نامدار حوزه علمیه اصفهان ، در قرن یازدهم می باشند ، و ذیلاً به هر کدام ، اشاره می نمائیم :

ص: ۵۰۲

## الف-ملاً محمّد صالح مازندرانی

هم چنانکه قبلاً بیان نمودیم ، وی همسر آمنه بیگم ( عالمه و مجتهدۀ نامدار ، و شخصیت برجستۀ زنان اصفهان از خاندان مجلسی ) می باشد ، و از چهره های میز در علوم عقلی و نقلی به شمار می رود ، و استاد علامه ملاً محمّد باقر مجلسی بوده است (۱).

## ب-ملاً محمّد علی أسترآبادی

وی دومین داماد ملاً محمّد تقی مجلسی می باشد ، و به نوشتۀ مولی محمّد اردبیلی ( صاحب جامع الزّواہ ) : شیخ و استاد ما ، إمام علامۀ محقق مدقق تحریر و جلیل القدر ، و با ذکاوت و ثقہ ، و یگانۀ عصر و پرهیزکارترین مردم ، و پارساترین و عابد ترین آنها بوده ، و در سال ۱۹۹۴ وفات یافته است (۲).

## ج-ملاً میرزای شیروانی

همسر سومین دختر ملاً محمّد تقی مجلسی ، محقق مدقق ، و علامۀ یکتا، میرزا محمّد بن حسن شیروانی ، متوفای ۱۰۹۸ قمری ، و مشهور به ، «ملاً میرزا» می باشد . او را : « قُدْوَةُ الْمُحَقِّقِينَ وَ سُلْطَانُ الْحُكَمَاءِ وَ الْمُتَكَلِّمِينَ » خوانده اند ، و خاتون آبادی در کتاب وقایع السنین ، او را ، همانند سید مرتضی و شیخ مفید و شیخ طوسی در عصر خود ( در زمینۀ مباحث إمامت و متعلقات آن ) و همانند خواجه نصیر طوسی در عصر خود ، ( در مطالب هیئت و هندسه و ریاضی )

ص: ۵۰۳

---

۱- علامۀ مجلسی بزرگمرد علم و دین ، صفحه ۷۸

۲- برخی سال وفات آن بزرگمرد را ، ۱۰۸۴ نوشته اند ، ولی با توجّه به این که ، مولا محمّد اردبیلی ، بعد از سال ۱۰۹۰ وارد اصفهان شده ، و در محضر ملاً محمّد علی أسترآبادی تحصیل علم کرده ، تاریخ مذکور صحیح نمی باشد

دانسته است . تألیفات زیاد ، در فقه و اصول و حکمت و کلام و ...، و نیز شاگردان برجسته و فراوان ، از آثار عظمت علمی وی می باشد .

#### د- میرزا کمال الدین محمد فسائی

او ، همسر چهارمین دختر ملا محمد تقی ، و ملقب به « کمال الدین » و معروف به « میرزا کمالا » می باشد . وی فقیه ادیب ، و متکلم مفسر بوده، و عمده تألیفات او ، در زمینه علوم ادبی می باشد (۱)، و وفات او ، در ثلث اول قرن دوازدهم رخ داده است (۲).

برای تفصیل بیشتر درباره چهره های مذکور ، و فرزندان و نوه های دختری و پسری آنان ( که در میان آنها از علماء و بزرگان دینی فراوان بوده اند ) و علاوه بر مرآت الاحوال جهان نما ، و انساب خاندان مجلسی ، و اَلفیض القدسی ، به ( زندگینامه علامه مجلسی ) تألیف : آقای سید مصلح الدین مهدوی ، و نیز به کتاب ( علامه مجلسی ، بزرگمرد علم و دین ) ، تألیف : آقای علی دوانی ، مراجعه فرمائید

#### ۳۵- خاندان علمی مسجد شاهی ( نجفی )

خاندان مسجد شاهی ، در طول دو قرن ، شمار زیادی از علماء و مراجع دینی ، و نیز مؤلفین و رهبران اجتماعی را در بر گرفته ، و به عنوان یکی از مهمترین خاندانهای علمی و اجتماعی ، در عالم تشیع و حوزه های علمیه ، و بالأخص شهر دینی و تاریخی اصفهان ، درخشیده است ، و به عنوان نمونه ، مفاخری از این خاندان را یاد می نمائیم :

ص: ۵۰۴

---

۱- ریحانه الأدب ، جلد ۶ ، صفحه ۶۳

۲- به کتاب دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۸ مراجعه شود

سر سلسله این خاندان، فقیه اصولی، و محقق نامدار، مرحوم آقا شیخ محمد تقی رازی (صاحب حاشیه بر معالم) متوفای ۱۲۴۸ قمری می باشد (۱)، که از شاگردان وحید بهبهانی، و مرحوم کاشف الغطاء، و آقا سید مهدی بحر العلوم، و ... بوده، و در حوزه علمیه اصفهان، مدرّسی عظیم الشان، و مرجع عالیقدر محسوب گردیده است، و حوزه درسی وسیع (۲) و تحقیقات برجسته و ابتکاری او، عامل رشد و عظمت حوزه اصفهان، به شمار می رود. از نسل این عالم محقق، چهره های علمی برجسته ای درخشیده اند، که ذیلاً ذکر می شود.

ب - آقا شیخ محمد باقر نجفی

مجتهد و مرجع عظیم الشان، آقا شیخ محمد باقر نجفی مسجد شاهی، متوفای ۱۳۰۱ قمری، و فرزند مرحوم آقا شیخ محمد تقی رازی. مادر او، دختر مرحوم آقا شیخ جعفر کبیر (کاشف الغطاء) بوده، و فرزندان عالم و مجتهد پرورش داده است. وی، از شاگردان صاحب جواهر و شیخ اعظم أنصاری بوده و حوزه درسی آن بزرگمرد در اصفهان، محلّ پرورش علماء و سالکان طریق اجتهاد به شمار می رفته است، و مرجعیت دینی و اجتماعی او، از اهمیت فراوانی برخوردار بوده است.

ص: ۵۰۵

---

۱- مرحوم حاج شیخ محمد تقی رازی، برادر اصولی نامدار، آقا شیخ محمد حسین (صاحب کتاب فصول الاصول) قُدس سرّه می باشند

۲- در حوزه درسی مرحوم حاج شیخ محمد تقی رازی، جمعیت زیادی از فضلاء و علماء (در حدود سیصد نفر) شرکت می جستند

زعیم و پیشوای عالیقدر، آقا شیخ محمد تقی، معروف به «آقا نجفی اصفهانی» فرزند آقا شیخ محمد باقر مسجد شاهی، که از چهره های برجسته و مشهور نیمه اول قرن چهاردهم می باشد. وی تألیفات بسیار، و حوزه درسی گسترده، وجود و بخششی فراوان، و تدبیر و سیاستی زبانزد داشته، و در سال ۱۳۳۲ قمری وفات یافته است.

د- حاج آقا نور الله مسجد شاهی

فقیه مجتهد، و سیاسی نامدار، حاج شیخ مهدی مسجد شاهی، معروف به «حاج آقا نورالله»، فرزند حاج شیخ محمد باقر مسجد شاهی نجفی، و متوفای ۱۳۴۶ قمری، که در مبارزات اجتماعی و سیاسی، بر علیه اجانب و نوکرانشان، و نیز فرقه های ضالّه، نقشی برجسته و بسیار گسترده داشته است.

طالبین آشنائی با شخصیت سیاسی و مبارزات آن بزرگمرد، می توانند به جلد دوم تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، تألیف نویسنده متتبع و دانشمند، آقای سید مصلح الدین مهدوی، مراجعه نمایند.

ه- آقا شیخ محمد حسین نجفی

محقق و مفسر زاهد، و فقیه و حکیم عارف، و خداجوی بگاء و خائف، مرحوم آقا شیخ محمد حسین نجفی مسجد شاهی، متوفای دهه عاشورای ۱۳۰۸ قمری، که از شاگردان پدرش (مرحوم آقا شیخ محمد باقر مسجد شاهی) و نیز میرزای بزرگ شیرازی (صاحب فتوای تحریم تنباکو) و میرزا حبیب الله رشتی و ... بوده، و خود او، علاوه بر مقامات علمی در فقه و اصول، مفسری بزرگ می باشد، که کتاب او به نام «مجد البیان فی تفسیر القرآن»، از آثار بسیار



عظیم الشان به شمار رفته ، و مشحون از تحقیقات دانسته شده است(۱).

وی علاوه بر إحراز جایگاه بلند و ارزشمند علمی ، در زمینه تحقیق و تدریس و تألیف ، از اعجوبه های روزگار ، در ریاضتهای شرعیّه ، و تقوی و گریه و ناله از خوف خدا ، به شمار رفته ، و تأثیر کلام او ، در بیداری دلها و تزکیه جانها ، موجب شگفتی بوده است . آن بزرگمرد الهی ، مکاشفات و کراماتی داشته ، که از آن جمله است : نوری که شبهای چندی در تاریکی معمولی و ظاهری ، برای ایشان ظاهر می شده ، و در آن نور ، مطالعه می نموده ، و در آن حال ، چیزهایی را که دیگران در تاریکی شب نمی دیده اند ، آن زاهد

خداجوی می دیده است(۲). و نیز ، آن بزرگمرد ، در جریان ریاضات و مجاهدات نفسانی ، در هنگامی که به گرسنگی سختی مبتلا می گردیده اند ، انواع غذاها و آشامیدنی ها ، از عالم غیب برایشان می رسیده ، و متنعم می گردیده اند ، و تا مدّت زمانی طولانی ، نیاز به غذا نداشته اند(۳).

مرحوم آقا شیخ محمّد حسین نجفی ، در حدود سال ۱۲۹۶ قمری ، از نجف اشرف به شهر اصفهان مراجعت فرمودند ، و به ریاست علمی و دینی نائل گردیدند ، و زمینه های مرجعیّت به نحو کامل برای ایشان فراهم آمد ، ولی در اثر حالات روحی و معنوی برجسته ای که دارا بودند ، همه را رها نموده ، و در سال ۱۳۰۳ ، به نجف اشرف مراجعت فرمودند ، و به تکمیل نفس و طیّ مراحل سلوک روحانی پرداختند ، و به غیر از خدای متعال ، به هیچ کس انس

ص: ۵۰۷

---

۱- نقباء البشر ، جلد ۲ ، صفحه ۵۴۰

۲- شرح حال آن بزرگمرد ، به قلم آیه الله حاج آقا نورالله نجفی ( مقدّمه تفسیر مجد البیان ، صفحه ۱۵ . تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان ، جلد ۲ ، صفحه ۲۱۰

۳- شرح حال آن بزرگمرد ، به قلم آیه الله ، حاج آقا نور الله نجفی

نمی گرفتند، تا به عالم قدس واصل گردیده، و به مشاهدهٔ أسرار ملکوت نائل آمدند(۱).

برای آشنائی بیشتر، با شخصیت و عظمت روحی، و مکاشفات و آثار معنوی آن بزرگمرد، به رساله ای که به وسیلهٔ بردار والامقام آن بزرگوار، مرحوم حاج آیه الله حاج آقا نورالله نجفی، در زمینهٔ شخصیت معظم له، تألیف شده، و در مقدمهٔ تفسیر مجد البیان به چاپ رسیده، و ترجمهٔ آن، در کتاب «تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان» نقل گردیده، و نیز «نقباء البشر»، جلد ۲، صفحهٔ ۵۳۹-۵۴۰ و «الذریعه» و «دانشمندان و بزرگان اصفهان» و ... مراجعه نمائید.

و - حاج شیخ جمال الدین نجفی

پیشوای متنوّذ و عالم جلیل القدر، حاج شیخ جمال الدین نجفی مسجد شاهی، متوفای ۱۳۵۴ قمری، که در اصفهان از شاگردان پدر خود (حاج شیخ محمد باقر نجفی) و در نجف، از شاگردان آخوند خراسانی و حاج میرزا حبیب الله رشتی بوده، و چندین سال در تهران، و در آخر عمر، حدود دو سال در اصفهان پیشوائی و مرجعیت قوی و نافذ داشته است. به نوشتهٔ علامه حاج آقا بزرگ طهرانی، این بزرگمرد، تصنیفاتی داشته است(۲).

ز - حاج شیخ محمد علی (ثقه الإسلام)

فقیه و مجتهد اصولی، حاج شیخ محمد علی (ثقه الإسلام)، متوفای ۱۳۱۸ قمری، که از فقهاء نامدار، و مدرسین عظیم الشان در حوزهٔ علمیّه اصفهان بوده

ص: ۵۰۸

---

۱- نقباء البشر، جلد ۲، صفحهٔ ۵۳۹

۲- نقباء البشر، جلد ۱، صفحهٔ ۳۰۸

است. وی از شاگردان پدرش ( حاج شیخ محمد باقر مسجد شاهی ) و میرزای بزرگ شیرازی ، و حاج میرزا جیب الله رشتی ، و شیخ راضی نجفی و ... بوده ، و در شهر اصفهان ، پیشوائی متنفّذ و کوشا ، به شمار می رفته ، و از آثار او ساختن « مدرسه آقا شیخ محمّد علی » در محله حسن آباد می باشد ، که در محلّ مدرسه سارو تقی إحداث گردیده است(۱). آن بزرگمرد ، تألیفات متعدّدی در اصول دین و اخلاق و فقه ، از خود به جای گذاشته است .

ح - آقا شیخ محمد رضا مسجد شاهی

فقیه حکیم ، و فیلسوف مفسّر ، و اصولی ریاضی ، و اَدیب و شاعر هیوی ، حاج شیخ محمد رضا نجفی مسجد شاهی ، متوفای ۱۳۶۲ قمری ، فرزند مرحوم آقا شیخ محمد حسین بن آقا شیخ محمد باقر مسجد شاهی نجفی : وی جامع علوم عقلی و نقلی ، و ریاضی و ادبی بوده ، و به تعبیر مرحوم آیه الله العظمی ، حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی ، وی « شیخ بهائی عصر » بوده است .

آن بزرگمرد در حوزه نجف اشرف تکامل علمی نموده ، و در حوزه علمیّه اصفهان ، به تدریس و تحقیق و تألیف ، و نیز به شئون مرجعیّت دینی و اجتماعی اشتغال یافت .

ایشان در حسن خلق ممتاز بوده ، و تألیفاتی محققانه و ارزشمند ، در زمینه اصول ، فقه ، أخلاق ، ادب ، شعر ، عروض ، عقاید و حدیث ، از خود به جای گذاشته ، و از چهره های برجسته حوزه علمیّه اصفهان ، و خاندان علمی مسجد شاهی نجفی ، به شمار می رود ، و حوزه درسی او ، مجمع افاضل ، و دارای

ص: ۵۰۹

ط - مجد العلماء نجفی

از آثار ارزشمند شخصیت مرحوم آقا شیخ محمد رضا مسجد شاهی، فرزند برومند شان، مرحوم آیه الله حاج شیخ مجد الدین نجفی، ملقب به «مجد العلماء» متوفای ۱۴۰۳ قمری می باشد، که مجتهدی مدرّس، و عالمی متواضع بودند، و از علماء جلیل القدر در حوزه علمیه اصفهان به شمار می رفتند، و در مدرسه مرحوم حاج شیخ محمد علی، و نیز مسجد نوبازار، در رشته های فقه و اصول و تفسیر و ریاضی و هیئت، تدریس می نمودند، و شخصیتی جامع کمالات، به شمار می رفتند.

ی - آقا شیخ مهدی نجفی

فقیه زاهد، و مجتهد و رع، مرحوم آیه الله حاج شیخ مهدی نجفی مسجد شاهی، متوفای ۱۳۹۳ قمری، که از شاگردان پدر خود (مرحوم حاج شیخ محمد علی نجفی مسجد شاهی) و نیز مرحوم آخوند خراسانی، و آقا سید کاظم یزدی و ... بوده، و اجازه اجتهاد و روایت، از مرحوم نائینی و آقا سید محمد کاظم یزدی، و آقا سید حسن صدر، و آخوند ملا محمد حسین فشارکی، داشته است (۲).

وی، در مدرسه پدرش (حاج شیخ محمد علی) تدریس می نموده، و در

ص: ۵۱۰

---

۱- علامه، حاج آقا بزرگ طهرانی، در نقباء البشر، صفحه ۷۴۷ تا ۷۵۳، بررسی جامعی در مورد شخصیت این بزرگمرد دارند، و نیز در کتاب تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، جلد ۲، از صفحه ۲۱۹ تا ۴۴۶، و هم چنین، در کتابهای: ریحانه الأدب، أعيان الشیعه و دانشمندان و بزرگان اصفهان و ...، از این بزرگمرد، تجلیل شایسته و فراوان شده است

۲- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، جلد ۳، صفحه ۱۷۲

مسجد شاه (مسجد امام) إمامت جماعت داشته ، و در حدود پانزده اثر تألیفی ، از خود به جای گذارده ، و در تقوی و پارسائی و زهد و رعایت آداب شرعیّه ، تا حدّی بوده ، که برخی از اعمال و رفتار آن بزرگمرد ، برای دیگران (از عوام و خواص) غیرقابل قبول ، جلوه می نموده است .

علاوه بر شخصیت های یاد شده ، علماء و دانشمندان دیگری در «خاندان علمی مسجد شاهی نجفی» بوده و هستند ، که خاندانی را با (دو قرن امتداد علمی) مطرح می سازند ، و این دانشمندان ، از نواده های پسری یا دختری مرحوم آقا شیخ محمّد تقی (صاحب حاشیه) می باشند .

و شایان ذکر است که ، بسیاری از خاندانهای علمی ، و شخصیت های برجسته عالم علم و مرجعیت ، وابستگی سببی و مصاهرتی ، با این خاندان علمی دارند ، که می توان از مرحوم آقا شیخ جعفر کاشف الغطاء نجفی ، و مرحوم آقا سید محمّد عاملی اصفهانی (آقا مجتهد) و مرحوم آقا سید محمّد باقر شفتی ، و مرحوم آقا سید صدرالدین عاملی نام برد . برای آشنائی مفصّل با خاندان علمی مسجد شاهی ، می توان از سه جلد کتاب «تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان» استفاده نمود ، علاوه بر کتب تراجم و رجال ، همانند : أعيان الشّيعه ، ریحانه الأدب ، ألكرام البرره ، نقباء البشر و ... ، که در مورد هر کدام از شخصیت های این خاندان ، بررسی نموده اند ، و ما نیز ، در بخشهای «بقعه های علمی اصفهان و تخت فولاد» و «مساجد محلّ فعالیت علمی در اصفهان» و «مدارس علمیّه اصفهان» از بسیاری از چهره های بزرگ و علمی این خاندان ، با تفصیل نسبی ، یاد نموده ایم .

### ۳۶- خاندان علمی مشایخ بید آباد

یکی از خاندانهای علمی ، که در طول سه قرن ، محل پرورش و ظهور

چهره های علمی بوده است ، خاندان مشایخ بید آباد می باشد ، که نسب آنها به شیخ زاهد گیلانی معروف ، می رسد(۱)، و در این خاندان بزرگ ، چهره هائی تجلی یافته اند ، که برخی از آنها را یاد می کنیم :

الف - شیخ ابوطالب زاهدی

فقیه مجتهد ، و مفسر محقق ، آقا شیخ ابوطالب زاهدی گیلانی لاهیجانی اصفهانی ، متوفای ۱۱۲۷ قمری .

وی ، أصلاً لاهیجانی بوده ، و پس از تحصیلات اولیه ، در شهر لاهیجان ، و استفاده از محضر ملا حسن لاهیجانی (لاهیجی) به اصفهان ( مرکز بزرگ علمی آن دوره ) هجرت نموده ، و از محضر بزرگانی ، همانند : آقا حسین خوانساری و ملا رفیع یزدی ، استفاده نموده ، و به مقامی بلند ( از نظر علم و تقوی و زهد ) رسیده ، و کتابخانه مهمی تهیه نموده ، مشتمل بر بیش از پنج هزار جلد کتاب ، که همه آنها را خودش تصحیح کرده ، و بر بسیاری از آنها شرح و حاشیه نوشته بوده است .

آن بزرگمرد ، تعداد هفتاد کتاب ، از آنها را ( همانند کتاب قاموس ، و تفسیر بیضاوی و ... ) شخصاً ، و به دست خودش استنساخ نموده بوده است(۲).

شیخ ابوطالب زاهدی ، علاوه بر مقامات بلند معنوی ، و تأثیرات روحانی در جامعه ، دارای تألیفات متعددی بوده ، همانند : تفسیر آیه « قل الزّوج من امر ربّی » و رساله ای در حرکت ، و رساله ای در باره علم و تحقیق درباره آن ، و آن بزرگمرد ، سرسلسله خاندان علمی مشایخ بید آباد میباشد.

ص: ۵۱۲

---

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۷۹

۲- ریحانه الأدب ، جلد ۲ ، صفحه ۳۵۶

ب - حزین لاهیجی حکیم مفسّر، و مورّخ محقق، و ادیب شاعر، آقا شیخ محمّد علی حزین لاهیجی، متوفای ۱۱۸۱ قمری، و فرزند شیخ ابوطالب زاهدی. وی از محققین و نویسندگان بزرگ شیعه، و از مفاخر علمی و ادبی اصفهان، و صاحب حق، بر تاریخ علمی و ادبی شیعه و ایران و اصفهان می باشد، و با تألیف و شرح بیش از یکصد جلد کتاب (۱)، در زمینه اخلاق، عقاید، تاریخ، تراجم، أنساب و تفسیر قرآن، منطق، تعبیر خواب، طب، اصول، فقه، تجوید قرآن، سیر و سلوک، تبخّر و قدرت تحقیق و پشتکار و جامعیت خویش را، در علوم عقلی و نقلی و فنون ادبی و شعر، به منصّه ظهور آورده است (۲)، و از میان آثار او، «تاریخ احوال حزین» و «تذکره حزین» از شهرت ویژه ای برخوردار می باشد، و شخصیت حزین لاهیجی، در بسیاری از کتب و رجال و تذکره ها و دائره المعارف ها، مورد تجلیل فراوان قرار گرفته است.

ج - شیخ ابراهیم زاهدی گیلانی

فقیه مفسّر، و مؤلف جامع، شیخ ابراهیم بن عبد الله بن عطاء الله اصفهانی زاهدی گیلانی، متوفای ۱۱۱۹ قمری (در شهر لاهیجان). وی از افاضل علماء متبخرین در اوائل قرن دوازدهم بوده، و جامع علوم دینی، و دارای کمالات صوری و معنوی به شمار رفته، و در تقریر و تحریر شایسته، و در شعر و انشاء و کشف معنی، بی نظیر بوده است. وی تألیفاتی، همانند: «توضیح کتاب اقلیدس» و «حاشیه مختلف علامه» و «حاشیه کشاف» و «القصائد

ص: ۵۱۳

---

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۷۹

۲- یادواره یک هزار و چهارصدمین سال شهادت حضرت زهرا، صفحه ۱۳۸

الغزاة في مدح آل العباء» و... از خود به جای گذاشته، و مورد تجلیل مرحوم حزين لاهیجی، قرار گرفته است (۱).

د- آقا شیخ محمود مفید

فقیه حکیم، و فیلسوف ادیب، و ریاضی زاهد، آقا شیخ محمود مفید، متوفای ۱۳۸۲ قمری، که از چهره های برجسته علمی در حوزه علمیه اصفهان بوده است.

وی، از شاگردان آخوند کاشی و جهانگیر خان قشقائی و حاج ملا جواد آدینه ای و آخوند ملا حسین فشارکی و حاج میر محمد صادق خاتون آبادی و آقا سید محمد باقر درچه ای، (در حوزه اصفهان) و حاج شیخ فضل الله مجتهد نوری (شهید) و میرزا حسن حکیم کرمانشاهی (در حوزه علمیه تهران) و حاج آقا بزرگ حکیم (در حوزه مشهد) بوده است (۲).

مرحوم مفید، در علوم ریاضی، طب، فقه، اصول، حکمت و... مقامی بسیار ارزشمند یافت، و در تدریس حکمت آن چنان شهرتی به دست آورد، که عظمت تدریس فقه و اصول و کلام و ریاضی او را تحت الشّماع قرار داد، و در اواخر کار، تدریس حکمت، به آن بزرگمرد اختصاص یافته بود.

مرحوم مفید، با حوزه درسی آبرومند و قوی، همراه با فضائل اخلاقی و زهد و تقوای بسیار و إعراض از دنیا، چهره ای افتخار آفرین برای حوزه علمیه اصفهان در قرن چهاردهم به شمار می آید، و از مفاخر خاندان مشایخ بید آباد، محسوب می گردد.

ص: ۵۱۴

---

۱- ریحانه الأدب، جلد ۲، صفحه ۳۵۶

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۴۹۵



ه- آقا شیخ علی مفید

فقیه حکیم، و اَدیب و محقق زاهد و شریف، آقا شیخ علی مفید، برادر ارجمند آقا شیخ محمود مفید، و متوفای ۱۳۴۵ قمری. وی از مدرّسین مدرسه صدر در فقه و حکمت و ادبیات بوده، و شهرت او به فقه، بیش از حکمت بوده، چنانچه برادر او آقا شیخ محمود مفید، به تدریس حکمت مشهورتر بوده است.

مرحوم آقا شیخ علی، در نزدیکی بقعه آقا محمّد بید آبادی (در خارج بقعه) و آقا شیخ محمود مفید (در داخل بقعه) مدفون گردیده اند.

### ۳۷- خاندان علمی موحد ابطحی

(۱) از خاندانهای علمی در قرن اخیر، خاندان علمی موحد ابطحی است، که دارای ویژگی های خاص و قابل توجه می باشد، که در ضمن بیان چهره های آن مورد معرفی قرار می گیرد.

الف - حاج سید مرتضی موحد ابطحی

سرسلسله خاندان، فقیه طیب، و مفسر متکلم، و مدرّس خطیب، و محقق متبحر، علامه، حاج سید مرتضی موحد ابطحی موسوی اصفهانی، متولد ۱۳۱۹ و متوفای ۱۴۱۳ قمری. ایشان از اَجَلّه سادات موسوی می باشند، و در اوائل جوانی، به تحصیل علوم اسلامی و حوزه های پرداختند، و در محضر استاد های عظیم الشان و بزرگواری، همانند: آقا سید محمّد تقی موسوی احمد آبادی (پدر همسرشان) و آقا سید محمّد باقر دهی، و آقا سید مهدی درچه ای، و آقا سید محمّد نجف آبادی، و آقا میر سید علی نجف آبادی، و آقا شیخ محمّد

ص: ۵۱۵

۱- با توصیه برخی از بزرگان، به نوشتن این بخش، مبادرت ورزیدم

رضا مسجد شاهی (نجفی) و آقا شیخ محمود مفید، و دیگر بزرگان، که محور مهمترین درسهای تحقیقی و اجتهادی فقه و اصول و کلام و ...، در اصفهان بوده اند، با جدیت تمام شرکت می جستند، و مورد توجه اساتید خود قرار گرفته اند، و ضمناً به تحصیل علم طب قدیم، در محضر استاد نامدار و عظیم الشان این رشته علمی، یعنی: مرحوم حاج میرزا أبو القاسم طبیب، پرداختند، و در این زمینه نیز، تخصص یافتند.

در زمینه تبلیغ دینی و ایراد سخنرانی های پرمایه و عالمانه، که در برگیرنده تحقیقاتی وسیع، در مورد مباحث اعتقادی، تفسیری، اخلاقی، و بالأخص مباحث مربوط به امامت و ولایت بود، به موفقیت چشم گیری دست یافتند، تا جایی که علماء بزرگ و مفاخر حوزه علمی، همانند: مرحوم آیه الله، حاج میرزا علی آقا شیرازی، و مرحوم آیه الله، حاج آقا مصطفی مهدوی هر ستانی، به سخنرانی های ایشان، شدیداً اظهار علاقه می نمودند.

معظم له، همزمان با تحصیل مراحل عالی علمی، به تدریس ادبیات و منطق و علم بلاغه و فقه و اصول و طب و هیئت، اشتغال جستند، و بیش از نیم قرن، در مدرسه صدر، و نیز در منزل شخصی، عهده دار تدریس، در سطحی وسیع بودند. از ویژگی های این بزرگمرد این است که، تمامی هفت فرزند پسر خود را در زمره طلاب حوزه علمی قرار دادند، و از اولین درسهای ابتدائی (از قبیل فارسی، خط، حساب) تا دوره سطح (شرح لمعه و قوانین، و احیاناً رسائل و مکاسب و کفایه) را، شخصاً برای فرزندان خود تدریس می نمودند، و در دوره ای که فرزندان اکثر علماء بزرگ، از مسیر روحانیت خارج می شدند و بسیاری از فضلاء و علماء، جذب کارهای دولتی و فرهنگی آن دوره می گردیدند، موفق شدند که، همه فرزندان خود را در مسیر تحصیل

علوم دینی و فعالیت های حوزه ای وارد نمایند، و در زیر لوای سربازی حضرت بقیه الله الأعظم (عج) قرار دهند آری، در اوج خفقان حکومت پهلوی اول، که حوزه های علمیه، در زیر چکمه های رضاخانی، در حال خرد شدن و اضمحلال بود، و تقریباً در همه شهرها، هیچ مدرسه و حوزه ای به طور رسمی فعال نبود، ایشان دو فرزند اول و دوم خود را وارد درسهای حوزه ای نمودند، و سپس در ادامه حکومت پهلوی اول و دوم، بقیه فرزندانشان خود را (تا آخرین نفر) در همین مسیر، به حرکت در آوردند.

و جالب است بدانیم، که ایشان برای پیشگیری از تأثیر سوء جو عمومی جامعه، و تبلیغات شدیدی که بر علیه روحانیت و حوزه علمیه وجود داشت، تمامی فرزندان خود را (اعم از دختر و پسر) در منزل شخصی، تحت مراقبت و برنامه های تربیتی و تعلیمی خود، قرار می دادند، و از حضور در مجالس و محافل که امکان تأثیر سوء آنها بود، جلوگیری می نمودند، و هیچ کدام از فرزندان خود را، به مدرسه های تحت سیطره حکومت پهلوی (اعم از دبستان و دبیرستان و ...) نفرستادند، و تمامی دروس لازم را، خودشان به فرزندان تعلیم می دادند.

### **عنايات الهی، و تشويق های مؤثر**

پس از آنکه اولین کوششهای معظم له به ثمر نشست، و فرزند اول و دوم (یاد شدگان در ذیل) در حرکت تحصیلی، به موفقیت های چشمگیری نائل شدند، و شخصیت های بزرگ عالم مرجعیت و اجتهاد، همانند: آیه الله العظمی، آقا سید محمد حجه کوه کمری، و آیه الله العظمی، آقای حاج آقا حسین طباطبائی

بروجردی، و فیلسوف و مفسّر عظیم الشان عالم تشیع، (علامه طباطبائی) و نیز سایر مراجع و زعمای دینی در اصفهان و قم، از این همه موفقیت، آگاهی یافتند، با سخنان نافذ و اقدامات و برخوردهای حکیمانه و دلسوزانه خود، به تشویق پدر و فرزندان پرداختند، و همین امر (که در اثر عنایات الهی و توجهات صاحبان ولایت علیهم السلام انجام می شد) موجب گردید که، این پدر نمونه، در تصمیم خود راسخ تر شوند، و با جدّیتی بیشتر، سایر فرزندان خود را نیز در همین مسیر الهی قرار دهند، و از ملامت ها و کارشکنی های نزدیکان و اجانب، هراسی به خود راه ندهند، و در حالی که عموم خاندانهای بزرگ علمی و کهن اصفهان، موفق نمی شدند فرزندان خود را، تدوام بخش حرکت علمی - دینی خاندان خود قرار دهند، یک خاندان عملی پرمایه، در حال شکل گرفتن بود.

در کتابهای گنجینه دانشمندان، جلد هشتم، صفحه ۲۴۵ - ۲۴۶، و تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، جلد ۲، صفحه ۳۳۸ و ۳۳۹، و رساله آثار التقوی (مطبوع در مقدمه جلد دوم مکیال المکارم) شرح حال معظم له ذکر شده، و اخیراً، رساله نسبتاً مفصّلی به قلم اینجانب، به نام (ألبیان الأكمل، فی شرح حال الوالد الأمثل) نوشته شده، و در دسترس محققین قرار گرفته، و چند نفر از نویسندگان محقق و فاضل، در حوزه های علمیّه قم و اصفهان نیز، در تألیفات خود که در دست تهیه دارند، شرح حال معظم له را مرقوم داشته اند(۱).

ص: ۵۱۸

---

۱- در تاریخ مهر و آبان ۱۳۷۲ شمسی، مجله حوزه، مقاله و مصاحبه مفصّلی (از صفحه ۱۹ تا ۴۶) در شرح حال این بزرگمرد، به چاپ رسانده، که در برگیرنده نکات و فرازهای درخشانی از زندگی این پدر نمونه می باشد

اولین فرزند خاندان ، فقیه اصولی و مجتهد محقق ، مفسر مدقق و رجالی محدث ، آیه الله العظمی ، حاج سید محمد باقر موحد ابطحی ، متولد ۱۳۴۶ قمری ، که در حوزه های اصفهان و قم ( و مدتی قلیل در حوزه نجف اشرف ) به تحصیل علم پرداختند ، و در مهمترین حوزه های درسی این سه حوزه علمیّه کهن و نامدار ، شرکت می جستند ، و در همه درسها ، به عنوان مُسْتَشْکِلِ رسمی و مشهور(۱) ، مورد توجه اساتید و طلاب قرار می گرفتند .

از محضر چهره های عظیم و نامداری ، همانند آیات عظام و مراجع عالیقدر : آقا سید محمد حجه کوه کمری ، حاج آقا حسین طباطبائی بروجردی ، حاج سید محمد رضا موسوی گلپایگانی ، حاج آقا روح الله موسوی خمینی ، حاج سید احمد موسوی خوانساری ، حاج شیخ محمد علی آراکی ، آقا سید محمد محقق ( داماد ) آقا سید محمد حسین طباطبائی ( صاحب تفسیر المیزان ) و ... بهره علمی گرفتند ، و به مقام منیع اجتهاد و استنباط ، نائل گردیدند .

معظم له ، پس از طی مراحل عالیّه تحصیلی ، به تدریس درس خارج و تألیف پرداختند ، و با تأسیس « مدرسه و مرکز تحقیقی الّامام المهدی علیه السلام » در حوزه عظیم و با سابقه قم(۲) ، و با تشکیل یک لجنه و گروه تحقیقی فعال ، در آن مدرسه ، به اقدامی بسیار مفصل و عمیق ، در مورد آثار و اخبار اهل البیت علیهم السلام ،

ص: ۵۱۹

- ۱- در حوزه های درسی اجتهادی ، شاگردان خوب و فعال ، در برابر نظریه های استاد ( که در درس مطرح می نماید و اشکال می کنند ، و اظهار نظر و استدلال می نمایند ، و رسماً به مناظره می پردازند ، چنین کسانی را ، مُسْتَشْکِلِ می گویند
- ۲- سابقه حوزه علمیّه قم ، به زمان ائمه معصومین علیهم السلام می رسد ، و متجاوز از هزار سال می باشد ( حوزه های علمیّه شیعه ، جلد اول ، به قلم این نویسنده کمترین )

و نیز رجال حدیث دست زدند، که از نتایج آن، تهیّه و نشر آثاری، همانند:

« الصّحیفه السّیّجادیّه الجامعه »، « صحیفه الإمام الرّضا علیه السلام »، « تفسیر الإمام الحسن العسکری علیه السلام »، مجلّدات زیادی از « عوالم العلوم »، و دهها اثر دیگر می باشد، که با تحقیقات گسترده و استدراکات فراوان<sup>(۱)</sup>، عرضه گردیده است

از آثار تألیفی مستقل معظّم له، کتابهائی، همانند: المدخل الی التفسیر الموضوعی، و جامع الأخبار و الاثار ( هر کدام در چندین مجلّد ) و ... می باشد .

از فرازهای جالب در زندگی این بزرگمرد، عنایات الهی و تأییدات صاحبان ولایت، و موفقیت های غیر منتظره ایشان، در خدمات دینی و علمی و اجتماعی، می باشد .

ج - حاج سیّد محمّد علی موحد ابطحی

دومین فرزند خاندان، فقیه اصولی و مجتهد رجالی، و مفسّر محدّث، آیه الله العظمی، حاج سیّد محمّد علی موحد ابطحی، متولّد ۱۳۴۹ قمری، که پس از طی مراحل تحصیلی در حوزه های اصفهان و قم و نجف، و درک محضر بزرگترین اعلام عالم مرجعیّت و اجتهاد، همانند آیات عظام: آقای حجّه کوه کمری، حاج آقا حسین طباطبائی بروجردی، حاج سیّد محمّد رضا موسوی گلپایگانی حاج آقا روح الله موسوی خمینی، علامه طباطبائی و ...، ( در حوزه علمیّه قم )

ص: ۵۲۰

---

۱- به عنوان نمونه، بخش مربوط به حضرت فاطمه زهراء علیها السلام از کتاب عوالم العلوم، که در حدود سیصد صفحه بود، با تحقیقات و استدراکات یاد شده، چاپ سوّم آن، در هزار و سیصد و دوازده صفحه منتشر گردیده، و بخش مربوط به حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آلهی و سلّم و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام، هر کدام به حدود چهارده مجلّد رسیده، و هم اکنون ( سال ۱۴۱۷ قمری ) آماده چاپ می باشد، و هم چنین بخشهای مربوط به امام زمان (عج) و سایر ائمّه معصومین علیهم السلام، بسیار توسعه یافته، و قسمتهائی از آنها، به چاپ رسیده است

و آقا سید عبد الهادی شیرازی، و آقا سید محسن طباطبائی حکیم، و آقا سید أبو القاسم موسوی خوئی و ... ( در نجف اشرف ) به مقام منبع اجتهاد نائل گردیدند، و مورد توجه شدید بزرگترین چهره های تحقیق و تدریس و زعامت قرتی گرفتند، و پس از آن، شخصاً به تدریس خارج فقه و اصول و تفسیر و رجال پرداختند، و در حوزه نجف اشرف و سپس اصفهان، و اخیراً در حوزه قم، اشتغال به تدریس داشته و دارند، و آثار تألیفی فراوان، در زمینه فقه و اصول و تفسیر و رجال و تاریخ معصومین و ... دارند، که در کتاب گنجینه دانشمندان، جلد هشتم نقل گردیده، و نمونه آن، تهذیب المقال، و أخبار الزواه، و طبقات ( هر کدام در چندین مجلد ) و نیز تاریخ آل زراره، می باشد.

د. سۆمین فرزند

محقق متبحر، و مؤلف مدقق، حجه الإسلام و المسلمین، آقای حاج میر سید علی موحد ابطحی، متولد ۱۳۵۹ قمری، که پس از طی مراحل از تحصیل در محضر پدر، و در حوزه علمیّه اصفهان، به حوزه علمیّه قم مهاجرت نموده، و در محضر بزرگانی، همانند آیات عظام: حاج سید محمد رضا موسوی گلپایگانی، حاج آقا روح الله موسوی خمینی، و آقا سید محمد محقق ( داماد ) و حاج شیخ محمد علی آراکی و ...، به تحصیل علم پرداختند، و طبق تأیید برخی از اساتید بزرگ و اعلام حوزه علمیّه قم، به مقام اجتهاد نائل گردیدند.

از آثار علمی ایشان، تألیفاتی گرانقدر، همانند: « آیه التّطهیر فی أحادیث الفریقین » که دو جلد آن چاپ شده، و تحقیق و تعلیق مفصل بر کتاب « شفاء الصّیدور، فی شرح زیاره العاشور»، و نشر آن در دو جلد بزرگ، و موسوعه بزرگ و ابتکاری درباره امام حسین علیه السلام، به نام « الامام الحسین فی أحادیث الفریقین »

ص: ۵۲۱

( در چهارده مجلد ، که سه جلد آن منتشر شده است ) و « حضرت أبا الفضل ، مظهر کمالات و کرامات » و « أَلشَّيعه فی أحادیث الفریقین » و « داستانهای شگفت » ( دربارهٔ زیارت عاشوراء ) و ... می باشد .

ه - چهارمین فرزند

عالم کامل ، و فاضل متبحر ، حضرت حجّه الإسلام و المسلمین ، آقای حاج سید محمّد رضا موحّد ابطحی ، متولّد ۱۳۶۱ قمری . ایشان پس از طیّی مراحل از تحصیل در محضر پدر ، و حوزهٔ علمیّهٔ اصفهان ، به قم هجرت نمودند ، و در درس بزرگترین چهره های علمی و زعامت حوزهٔ علمیّهٔ قم ، همانند : آیات عظام : حاج سید محمّد رضا موسوی گلپایگانی ، حاج آقا روح الله موسوی

خمینی ، و آقا میرزا هاشم آملی و ... ، شرکت جسته ، و به مدارج عالیّهٔ علمی نائل گردیدند ، و دروس اساتید خود را تقریر نموده و می نوشتند ، و ضمناً به تدریس پرداختند ، و در مواقع تبلیغی ، همانند : دههٔ اوّل محرم ، و دههٔ آخر صفر و ایّام رمضان المبارک ، در شهرهای مختلف ، به تبلیغ دین ، از راه سخن ، و تأسیس مراکز دینی و اجتماعی ، همانند : مسجد ، حسیه ، مدرسه ، کتابخانه ، حمام و ... می پرداختند .

معظم له ، داماد مرجع عالیقدر شیعه ، زعیم عظیم الشان حوزه های علمیّه ، مرحوم آیه الله العظمی ، حاج سید محمّد رضا موسوی گلپایگانی قُدسُ سِرّه می باشند ، و از یاران نزدیک و مورد توجه و اعتماد بسیار آن زعیم بزرگ و مرجع دینی عالم تشیع ، به شمار می رفتند ، و به علّت تسلّط ایشان در مسائل گوناگون فقهی و اجتماعی ، و مدیریت قوی ایشان در برخورد با مسائل و مراجعات مهمّه به بیت مرجعیّت ، نقش اساسی و عمده بر عهده داشتند ، و پس از رحلت آن زعیم

ص: ۵۲۲



عالیقدر، در حفظ و تداوم فعالیت های اساسی بیت آن بزرگمرد، زیر نظر مرجع بزرگوار، آیه الله العظمی، آقای حاج شیخ لطف الله صافی گلپایگانی مدظله، نقش اساسی و عمده، بر عهده دارند.

و - پنجمین فرزند

نویسنده این سطور، حاج میر سید حجه موحد ابطحی، متولد ۱۳۶۸ قمری، که تحصیلات خود را در حوزه علمیّه اصفهان (و مدتی قلیل در حوزه علمیّه قم)، در محضر پدرم، و نیز بزرگانی، همانند آیات عظیم الشان: حاج آقا حسین خادمی، حاج سید عبدالحسین طیب، و حاج شیخ أحمد فیاض، حاج شیخ حسن صافی اصفهانی، حاج شیخ عباسعلی ادیب، و دیگر بزرگان، در زمینه علوم ادبی، و منطق، و فقه و اصول، و حکمت، و تفسیر و کلام، انجام داده ام، و از سی سال قبل تاکنون (سال ۱۴۱۷ قمری) مشغول تدریس بوده و هستم، و در حال حاضر، به تدریس کتابهای: مکاسب و رسائل و کفایه و شرح تجرید الاعتقاد و بحث مستمسک العروه الوثقی، و نیز درسهای تفسیری و اعتقادی و ... اشتغال دارم، و با لطف خدا و عنایات أهل البيت عليهم السلام (صاحبان ولایت کئیه) در فعالیت های اجتماعی و رسیدگی به امور طلاب، و تأسیس مؤسسه های عامّ المنفعه و خیریه ای، همیشه کوشیده و با لطف الهی، موفق بوده ام.

گامهائی در راه تألیف برداشته ام، که نمونه آن، تألیف چند جلد از کتاب «آشنائی با حوزه های علمیّه شیعه»، (که یک جلد آن منتشر گردیده، و چند جلد دیگر آماده چاپ می باشد) و نیز تألیف کتاب: «یادواره یک هزار و چهارصدمین سال شهادت حضرت فاطمه زهراء علیها السلام» و دو جلد «شهداء مدرسه ذوالفقار» و نیز کتاب «یادواره آیه الله فقیه امامی» می باشد، و خدای متعال را سپاسگزارم، که در

ص: ۵۲۳

طول عمرم ، در راه سربازی امام زمان (عج) و اظهار علاقه نسبت به خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام کوشیده ام ، و از آن بزرگواران انتظار دارم ، که عرض ادب ناقابل ، و تلاشهای محدودم را ، با لطف و کرم بی پایانشان ، بپذیرند ، و در قیامت کبری ، مشمول شفاعت آن معادن رحمت و اصول کرم ، قرار گیرم .

ز- ششمین فرزند

ثقه الإسلام و عماد الأعلام ، آقای سید حسن موحد ابطحی ، متولد ۱۳۷۲ قمری ، که در محضر پدر و جمعی از علماء حوزه علمیه اصفهان ، تحصیل علم نموده ، و در حال حاضر به تحصیل دروه خارج فقه و اصول مشغول ، و به تبلیغ و ترویج دینی ، و احیاناً تدریس دروس مقدماتی ، اشتغال دارند .

ح - هفتمین فرزند

آخرین فرزند خاندان ، ثقه الإسلام و المسلمین ، آقای حاج سید حسین موحد ابطحی ، متولد ۱۳۷۴ قمری ، که پس از گذراندن مراحل از تحصیل در محضر پدر ، و حوزه علمیه اصفهان ، در حوزه علمیه قم از محضر بزرگترین چهره های علمی ، در دوره خارج فقه و اصول و فلسفه ، بهره مند گردیده ، و سپس به حوزه اصفهان مراجعت نموده ، و اشتغال به ادامه تحصیل فقه و اصول ( دوره خارج ) و تدریس دروس حوزوی و تبلیغ و ترویج دینی دارند .

### عنایتی الهی

از نکات جالب توجه در مورد این خاندان ، این است که ، در اثر توسّلات زیاد پدر و مادر ، و اصرار و ابرام فراوان آنها ، در ارتباط با اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام ، نه تنها فرزندان پسر ، نقش مؤثر و مثبت در ترویج مکتب ولایت و امامت ، داشته و دارند ، بلکه فرزندان دختر نیز ، در ایجاد انس و علاقه

ص: ۵۲۴

همسران و فرزندان خویش، نسبت به ارزشهای والای مکتب‌إمامت، و حاکمیت روح ولایت، در خانواده و اطرافیان، و ترویج مذهب و مقدّسات دینی، نقش مؤثر و ارزشمندی را ایفاء می‌نمایند (۱) و عموماً، وابستگان به این بیت و خاندان، از فامیهای اصیل و شریف و متدین، و قسمت عمده‌ای از آنها، از خاندانهای علمی می‌باشند، و در زمینه فعالیت برای رشد و گسترش فرهنگ دینی، و ترویج و تبلیغ برنامه‌های اسلامی، و حمایت و دفاع از حریم مقدّس قرآن و مکتب‌أهل‌البیت علیهم‌السلام، و تشکیل مجالس گوناگون مذهبی و معنوی، سعی و کوشش قابل‌تحسین می‌نمایند، و امید است که این فضای دینی و مذهبی و روحانی، در نسلهای آینده‌أعضاء این بیت، مستدام بماند، و تا دامنه‌قیامت، انس و ارتباط این خاندان، با اسلام و قرآن و مکتب‌أهل‌البیت علیهم‌السلام استمرار یابد، و در هر دوره، چهره‌های علمی و درخشان و پربرکت، از این دودمان، در جامعه و حوزه‌های علمی، ظهور و تجلّی یابند. آمین، آمین، آمین

### ۳۸- خاندان علمی موسوی (حاج میرزا بدیع)

خاندانی است علمی، که در چند نسل آن، عالمان دینی رشد یافته، و خدمت دینی و علمی نموده‌اند، و مهمترین و مشهورترین آنها، فقیه مجتهد، و آدیب شاعر، و زاهد قانع و متعبّد، حاج میرزا بدیع موسوی اصفهانی، متوفای ۱۳۱۸ قمری، فرزند مرحوم آقا سید مصطفی، بوده است. وی، از شاگردان آقا میر سید محمد شهشاهانی، و حاج ملا حسینعلی تویسرکانی، و آقا میرزا محمد باقر چهارسوقی (صاحب روضات) و آقا شیخ محمد باقر نجفی، و مجاز از سه نفر

ص: ۵۲۵

---

۱- یکی از فرزندان دختر، مراحلی از تحصیلات حوزوی را طی نموده‌اند، و بدین وسیله، در پاسخگویی به مسائل اعتقادی و شرعی بانوان، به توفیق شایان توجّهی، دست یافته‌اند

آنها بوده، و خود، تألیفاتی در فقه و اصول و دیوان شعر داشته، و مدرّسی بزرگ در مدرسه نیم آور بوده است، آن بزرگمرد، به راستی «بدیع الزمان» بوده، و از مفاخر حوزه علمیّه اصفهان به شمار می رود.

پدران او، عموماً از فضلاء و دانشمندان اصفهان بوده اند، و قبر پدر و جدّ او، در صحن امامزاده (درب امام) می باشد، و فرزند او، حاج میرزا فتح الله موسوی متوفای ۱۳۷۷ قمری، از شاگردان پدر خود، و مرحوم جهانگیر خان قشقائی، و آخوند کاشی، و آخوند گزی، و آقا سید محمد باقر درچه ای، و آقا میرزا أحمد مدرّس بوده، و از مرحوم فشارکی اجازه روایت داشته است. خاندان حاج میرزا بدیع، از سادات موسوی بوده، و اصل آنها از کهکیلویه می باشد.

### ۳۹- خاندان علمی موسوی درچهای اصفهانی

از خاندانهای علمی، که در طول چندین قرن، مهد پرورش علماء و مجتهدین و مؤلفین بزرگی بوده، خاندان موسوی درچه ای می باشد، که اصل آنها سبزواری است، و پس از مهاجرت برخی از شخصیت های آنان به اصفهان، و اقامت در این شهر، خاندان علمی آنها در اصفهان شکل گرفته، و با مهاجرت مرحوم آقا سید أحمد (مدفون در امامزاده گزین درچه، و متوفای ۱۲۴۴ قمری) به درچه (از توابع اصفهان) عنوان «درچه ای» یافته اند. از میان شخصیت های این خاندان، از دو مجتهد و مرجع بزرگوار یاد می نمائیم:

الف - آقا سید محمد باقر درچه ای

فقیه اصولی، و مجتهد محقق، و مرجع عالیقدر، آیه الله العظمی، آقا سید محمد باقر درچه ای، متوفای ۱۳۴۲ قمری (فرزند عالم زاهد و متقی، مرحوم آقا سید مرتضی موسوی درچهای).

ص: ۵۲۶

وی از مفاخر علمی و دینی حوزه عظیم اصفهان، در قرن چهاردهم بوده، و از محضر استاد‌های بزرگی، همانند آیات عظام: آقا میرزا محمد باقر

چهارسوقی (صاحب روضات) آقا میرزا أبو المعالی کلباسی (در حوزه علمیّه اصفهان) و آقا میرزا محمد حسن شیرازی (مجدد بزرگ) و حاج میرزا حبیب الله رشتی، و حاج سید حسین کوه کمری (در حوزه نجف اشرف) کسب علم نموده است. حوزه درسی آن بزرگمرد در اصفهان، مجمع افاضل، و طلاب علوم دینیّه ای که از شهرهای دور و نزدیک به اصفهان می آمده اند، بوده است، و شخصیت های بزرگی، همانند: آیه الله العظمی بروجردی، و آیه الله العظمی، آقا سید جمال الدین گلپایگانی، و علامه بزرگ، آقا نجفی قوچانی و...، در آن حوزه درسی پربرکت، حاضر و مستفید می گردیده اند(۱).

تألیفات متعددی از این بزرگمرد به جای مانده، که از آن جمله، یک دوره فقه و اصول در شانزده جلد می باشد(۲).

ب - آقا سید مهدی درچه ای

فقیه مجتهد، و اصولی محقق، آقا سید مهدی درچه ای، متوفای ۱۳۶۴ قمری (برادر کوچکتر مرحوم آقا سید محمد باقر درچه ای) که از چهره های مبرز در حوزه علمیّه اصفهان، و از مدرّسین مشهور و عظیم الشان مدرسه نیم آور و مسجد نو بازار بوده اند، و حوزه درسی آن بزرگمرد، مجمع افاضل بوده،

ص: ۵۲۷

۱- در کتاب زندگینامه عالم بزرگوار، مرحوم آقا سید ابوتراب مرتضوی درچه ای، و معرفی خاندان علمی ایشان، شماری از مراجع بزرگ و زعمای دینی و علمی حوزه های نجف و اصفهان، که از شاگردان آیه الله، آقا سید محمد باقر درچه ای بوده اند، نام برده شده اند

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۱۹۱

و بسیاری از آنها، به مقامات عالیّه علمی و زعامت دینی و اجتماعی، در حوزه های: مشهد و قم و اصفهان و نجف اشرف، رسیده اند(۱).

تحصیلات مرحوم آقا سید مهدی درچه ای، در دو حوزه علمیه مهم اصفهان و نجف بوده، و آن بزرگمرد در محضر بزرگانی، همانند آیات الهی: حاج میرزا بدیع موسوی و میرزا محمد حسن نجفی (متوفای ۱۳۱۷) و آقا شیخ محمد باقر نجفی مسجد شاهی، و آخوند ملا محمد کاشانی (آخوند کاشی) و نیز مرحوم آخوند ملا محمد کاظم خراسانی (صاحب کفایه الأصول) و آقا شیخ هادی تهرانی، و آقا شیخ محمد حسن مامقانی، به کسب علم و کمال معنوی و روحی پرداخته است (۲). پدران این دو عالم عظیم الشان، و نیز برادرشان، عالم جلیل القدر، مرحوم آقا سید محمد حسین، و هم چنین فرزندان(۳) از علماء و مدرّسین بوده و هستند، و تا زمان حاضر، این خاندان جلیل القدر، موقعیت علمی و دینی و اجتماعی خود را حفظ نموده است.

برای آشنائی بیشتر با چهره هائی از این خاندان، به کتابهای (دانشمندان و بزرگان اصفهان) صفحه ۱۸۹ تا ۱۹۲ و (رجال اصفهان) صفحه ۶۷، و یادنامه و زندگینامه مرحوم آیه الله، آقا سید ابوتراب مرتضوی، و نیز نقباء البشر، (در چند مورد) مراجعه شود.

ص: ۵۲۸

- 
- ۱- در زندگینامه مرحوم آیه الله آقا سید ابوتراب مرتضوی درچه ای، از بیش از سی نفر از میزین شاگردان مرحوم آقا سید مهدی درچه ای، نام برده شده است
  - ۲- زندگینامه مرحوم آیه الله آقا سید ابوتراب مرتضوی، صفحه ۲۴ - ۲۶ - ۲۷
  - ۳- همانند: مرحوم آیه الله، حاج سید ابوتراب مرتضوی درچه ای، متوفای هفتم شعبان ۱۴۱۱ قمری، فرزند مرحوم آیه الله، حاج سید مهدی درچه ای، که عالمی پرهیزکار و حامی مکتب اهل البیت علیهم السلام بودند، و در تفسیر قرآن و تدریس و نشر احکام، کوشش می نمودند

خاندانی است علمی، که اصل آن از زنجان، و از نسل عالم بزرگوار، میر محسن موسوی می باشد، که جدّ سادات موسوی زنجان و اصفهان است، و نوه او حاج میرزا علی نقی زنجانی، به اصفهان مهاجرت نموده، و سرسلسله خاندان علمی موسوی زنجانی در اصفهان، به شمار رفته است (۱)، و ذیلاً به سه شخصیت از این خاندان اشاره می نمائیم:

الف - حاج میرزا علی نقی زنجانی

وی، مجتهدی مدرّس بوده، و در مسجد خیاطها (واقع در بازار بزرگ اصفهان) تدریس و اقامه جماعت می نموده است، و دارای آثار تألیفی بوده، و خطی زیبا داشته، و در سال ۱۲۵۸ قمری، وفات یافته است.

ب - آقا میرزا محمد باقر زنجانی

وی، عالمی محقق، و فقیهی اصولی، و مجتهدی بزرگوار، و از شاگردان حاج سید اسد الله بید آبادی، و حاج محمد جعفر آباده ای در اصفهان بوده است، و در حوزه علمیه نجف اشرف، از محضر شیخ اعظم أنصاری، و صاحب جواهر و دیگر بزرگان، کسب علم و اجازه اجتهاد نموده، و پس از مراجعت به اصفهان حوزه درسی در مسجد خیاطها (زنجانیها) تشکیل داده، و به تربیت طلاب پرداخته است.

آن بزرگمرد، فرزند حاج میرزا علی نقی زنجانی (فوق الذکر) می باشد، و در سال ۱۳۰۳ قمری، وفات یافته است.

ص: ۵۲۹

وی ، فرزند آقا میرزا محمّد باقر ، و از علماء بزرگ ، و مجتهدی اصولی ، و فقیهی محقق بوده ، و از شاگردان آقا میرزا محمّد هاشم چهارسوقی ، و حاج میرزا بدیع درب امامی ( در شهر اصفهان ) و حاج میرزا حبیب الله رشتی ، و ملاّ لطف الله مازندرانی ( در نجف اشرف ) بوده ، و اجازه های اجتهادی دریافت داشته است . آن بزرگمرد ، پس از مراجعت به اصفهان ، به تدریس و هدایت مردم ، و کوششهای اجتماعی در مبارزه با انحرافات عقیدتی و اخلاقی اشتغال داشته ، و چهره ای موفق بوده ، و در سال ۱۳۳۶ قمری وفات یافته است .

با توجه به آنچه گذشت ، به خوبی معلوم می گردد که ، مسجد خیطاطها ، نه تنها پایگاه فعالیت اجتماعی و هدایت های عمومی این خاندان علمی بوده ، بلکه مجمعی برای فعالیت های علمی و کوششهای حوزه ای بوده است .

#### ۴۱- خاندان علمی مهدوی ( نحوی )

خاندانی است علمی ، که سابقه علمی و مشخص آنها ، به اواخر دوره صفویه می رسد ، و اولین شخصیت علمی این خاندان ، مرحوم میر محمّد باقر ، متوفای ۱۱۱۱ قمری (۱) ، از شاگردان علامه مجلسی بوده است ، و ذیلاً به برخی از بزرگان این خاندان ، اشاره می نمائیم :

الف - آقا سید أبو القاسم موسوی خواجهائی

وی ، فرزند آقا میر محمّد باقر می باشد ، و دارای مقام اجتهاد بوده ، و در علم

ص: ۵۳۰



تاریخ نیز، مهارت داشته، و در سال ۱۹۹۱ قمری، وفات یافته است (۱).

ب - آقا سید محمد تقی مستجاب الدعوه

وی از احفاد آقا سید أبو القاسم، و از علماء أهل زهد و تقوی به شمار رفته، و از شاگردان آقا محمد بید آبادی بوده، و در سال ۱۲۳۶ قمری دار دنیا را وداع نموده است (۲).

ج - آقا سید محمد حسن مجتهد اصفهانی

وی، فرزند آقا سید محمد تقی مستجاب الدعوه، و بزرگترین چهره علمی خاندان، و فقیه و مجتهدی عظیم الشان بوده است. آن بزرگمرد، جامع معقول و منقول بوده، و به نوشته مرحوم حاج آقا بزرگ طهرانی، از آقا سید رضا (فرزند آقا سید مهدی بحر العلوم) و نیز سید کاظم رشتی حائری، اجازه دریافت نموده (۳) و نیز اجازاتی از مرحوم آقا سید صدرالدین عاملی، و میرزا محمد مهدی نائب الصدر و ...، داشته است.

تألیفات آقا سید محمد حسن، فراوان بوده، و بیش از سی جلد آنها، در کتابخانه شخصی آقای سید مصلح الدین مهدوی، موجود می باشد.

در میان تألیفات آن بزرگمرد، یک دوره کامل فقه (در ۶ جلد) و مهجّه الفؤاد (در شرح ارشاد علامه حلی) در چهارده جلد (۴) جلب توجه می نماید.

مرحوم آقا سید حسن مجتهد، و مرحوم آقا سید حسن مدرّس، با یکدیگر رفیق

ص: ۵۳۱

---

۱- اظهارات آقای سید مصلح الدین مهدوی، به نقل از: وقایع السنین و الأعوام

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۲۱۵

۳- الکرام البرره، صفحه ۳۱۵

۴- دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۲۵۷

و هم درس و هم بحث بوده اند، و تا آخر عمر، رفاقت آنها باقی بوده است، و برای امتیاز، یکی را «مدرّس» و دیگری را «مجتهد» می نامیده اند.

#### د- حاج سید مهدی نحوی

وی، فرزند آقا سید محمد حسن مجتهد، و از علماء بزرگوار بوده، و در مدرسه شاهزاده ها تدریس می نموده است، و با این که فقه و اصول و ادبیات درس می داده، ولی به علّت تخصّص ویژه، در تدریس علم نحو، او را «نحوی» می گفته اند، و وفات آن بزرگمرد، در سال ۱۳۰۷ قمری بوده است.

از میان فرزندان مرحوم حاج سید مهدی نحوی، مرحوم حاج میرزا محمد حسن نحوی، متوفای ۱۳۶۱ قمری، و آقا سید محمد باقر نحوی، متوفای ۱۳۵۰ قمری، از علماء جلیل القدر بوده اند.

خاندان علمی یاد شده، که فقط چند چهره آنان را یاد کردیم، در گذشته آیام به نام «سادات موسوی خواجه‌نوی»، و سپس به نام «خاندان نحوی»، نامیده می شده، و اخیراً با نام «مهدوی»، مشهور می باشند، و سلسله آنها، با وجود عالمان دینی و جلیل القدر، تاکنون استمرار یافته است.

#### چهره ای آشنا و پراثر

نویسنده دانشمند، و متتبع کثیر التالیف، آقای سید مصلح الدین مهدوی دام توفیقه<sup>(۱)</sup>، فرزند عالم جلیل القدر، سید شهاب الدین نحوی، از همین خاندان

ص: ۵۳۲

---

۱- متأسفانه در تاریخ چهارم تیر ماه ۱۳۷۴ شمسی (۲۶ محرم الحرام ۱۴۱۶ قمری) این بزرگمرد، دار فانی را وداع گفتند، و هم اکنون که مراحل چاپ کتاب در حال انجام است، دو سال از ارتحال آن نویسنده عالیقدر، می گذرد. مرحوم آقای مهدوی، علوم اسلامی و حوزوی را در حوزه علمیّه اصفهان تحصیل نمودند، و سپس به تدریس در مدارس آموزش و پرورش اشتغال یافتند، و فعّالیت گسترده ای را در باره آشنائی با مفاخر علمی اصفهان شروع نمودند، و با تألیف کتابهای گوناگون، درباره زندگی و آثار ائمه معصومین علیهم السلام، و امامزادگان بزرگوار، و شرح حال علماء و دانشمندان، بالأخص شخصیت‌های علمی و ادبی اصفهان، و فقهاء و مراجع وزعمای دینی و علمی حوزه علمیّه کهنسال این شهر تاریخی و مذهبی، خدمتی شایسته به علم و دانش، و دین و مذهب، و فرهنگ و ادب این مرز و بوم نمودند. شایسته ذکر است که، شخصیت‌های بزرگ عالم مرجعیت، و علم و تحقیق، همانند: مرحوم آیه الله العظمی، سید شهاب الدین مرعشی نجفی قدس سرّه، و علامه نامدار، حاج آقا بزرگ طهرانی قدس سرّه و آیه الله، حاج سید مصطفی صفائی خوانساری قدس سرّه و ...، اجازه روایتی به این بزرگمرد داده اند (أبطال الصفا صفحه ۱۹۲)

علمی، و از احفاد مرحوم آقا سید حسن مجتهد می باشند، و به منظور تجلیل از خدمات ایشان، در حفظ آثار علماء و بزرگان حوزه علمیه، و تاریخ علمی شهر اصفهان، نمونه ای از آثار قلمی ایشان را، ذیلاً ذکر می نمائیم:

۱- رجال اصفهان ( که حواشی و ملحقات مفصل و ارزشمندی است، بر کتاب تذکره القبور مرحوم گزی)،

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان،

۳- شرح زندگانی مرحوم آیه الله العظمی، آقای بروجردی،

۴- غایه الامال و الأمانی ( شرح حال سید هاشم بحرانی )، ۵- زندگینامه علامه مجلسی ( دو جلد )، ۶- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر ( سه جلد )، ۷- بیان المفاخر ( شرح زندگی و شخصیت مرحوم سید شفتی در دو جلد )، ۸- عطیه الجواد ( زندگانی امام جواد الائمه علیه السلام )، ۹- لسان الأرض، یا سیری در تخت فولاد اصفهان، ۱۰- شهید اصفهانی ( شرح حال آیه الله، شهید شمس آبادی )، ۱۱- أبطال الصیفا ( یاران با وفای امام حسین علیه السلام )، ۱۲- أرمغان اصفهان ( شرح زندگانی مرحوم آیه الله، حاج سید علی بهبهانی )، ۱۳- شعرای اصفهان، ۱۴- دار العلم شرق ( مخطوط )

ص: ۵۳۳

و آثار مطبوع و مخطوط دیگری، در زمینه شخصیت و عظمت و آثار امامان معصوم علیهم السلام، و امامزادگان بزرگوار علیهم السلام، و علماء بزرگ شیعه، که شمار مجموع آن آثار قلمی، به هشتاد عنوان می رسد.

#### ۴۲- خاندان علمی میر داماد (میر دامادی)

از خاندانهای علمی پرسابقه اصفهان، که در طول چهار قرن، امتداد داشته، و علماء و دانشمندان و خطباء زیادی را در خود پرورش داده، و شاخه‌هایی از آن، در شهرهایی همانند سیده (خمینی شهر)، نجف آباد، تهران و مشهد ظهور یافته است، خاندان میر دامادی می باشد، که سرسلسله آن، حکیم نامدار و عظیم الشان، میر محمد باقر داماد بوده است، و به علت عظمت علمی و معنوی آن بزرگوار، تمامی این خاندان به نام «میر دامادی» خوانده می شوند، و ذیلاً برخی از چهره‌های بزرگ، این سلسله شریفه را ذکر می نمایم:

الف - میر داماد

حکیم مفسّر، و فقیه محدّث، و رجالی متکلم، و ریاضی شاعر، میر محمد باقر داماد (فرزند شمس الدین محمد آستر آبادی) متوفای ۱۰۴۰ یا ۱۰۴۱ یا ۱۰۴۲ قمری. پدر او، داماد محقق کرکی بوده، و به همین جهت، به میر داماد شهرت یافته است (۱).

محقق کرکی، در عالم رؤیا حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام را دید، و آن

ص: ۵۳۴

---

۱- مرحوم میر داماد، در نوشته‌ای، خود را باقر بن داماد الحسینی خوانده است. (روضات الجنّات، صفحه ۱۱۵) که به روشنی نشان می دهد، عنوان (داماد) لقب پدر او بوده است

حضرت به او امر فرمودند که دخترش را به ازدواج سید شمس الدین در آورد، و خبر دادند که از این ازدواج، فرزندی به دنیا می آید، که وارث علوم انبیاء و اوصیاء خواهد شد، و محقق کرکی، یکی از دختران خود را به عقد او در آورد، ولی قبل از آن که فرزندی بیاورد از دنیا رفت، و محقق نگران بود که چگونه آن رؤیا تحقق خارجی نیافته است، و در همین احوال، خواب دیگری از امیر المؤمنین علیه السلام دید، که حضرت فرمودند: مراد ما، دختر دیگر تو بوده، نه آن دختری که وفات یافته است، مرحوم محقق، امثال فرمان نمود، و دختر دوم را به عقد سید شمس الدین در آورد، و پس از مدتی، میرداماد به دنیا آمد، و به مدارج عالیة علمی و معنوی نائل گردید، و کلام امیر المؤمنین علیه السلام تحقق یافت (۱).

میرداماد، در تمامی علوم عقلی و نقلی، ریاضی و ادبی، به مقام بلندی دست یافت، تا آنجا که شخصیت علمی و عقلی او، با بوعلی سینا و فارابی سنجیده شد و نظریات او در فقه و تفسیر و... راه گشا و حلال مشکلات گردید.

میرداماد، در زهد و تقوی و رعایت آداب شرعیه به جایی رسید، که إعجاب همگان را برانگیخته، و از عجائب زندگی دانشمندان به شمار می رود، گویند: یک نافلة از او فوت نشد، و چهل سال در موقع خواب دراز نکشید، و در هر شبی نصف قرآن (پانزده جزء) می خواند، و بیست سال هم، مباحث را تا به حدّ وجوب نمی رسید، انجام نمی داد (۲).

او، از شاگردان شیخ حسین عاملی (پدر شیخ بهائی) و شیخ عبد العالی کرکی

ص: ۵۳۵

---

۱- ریحانه الأدب، جلد ۶، صفحه ۵۷ - ۵۸

۲- ریحانه الادب، جلد ۶، صفحه ۵۸ و روضات الجنّات، صفحه ۱۱۶

(دائی خودش) بوده، و از دوستان و معاشران شیخ بهائی به شمار رفته، و شاگردانی همچون ملا صدرای شیرازی داشته است

دهها اثر تألیفی از خود به جای گذارده، که به گفته آقای سید مصلح الدین مهدوی (نویسنده متتبع و معاصر) مجموع آثار میرداماد (از کتاب و رساله و حاشیه) در حدود ۹۰ عنوان می باشد، و ۳۵ عدد آنها به چاپ رسیده است، و در کتاب نفیس ریحانه الأدب، ۴۸ عنوان کتاب ذکر نموده، و سپس گفته است و غیر اینها.

میرداماد بین کربلا و نجف وفات یافته، و در شهر مقدس نجف اشرف مدفون گردیده است. آن بزرگمرد، در اکثر کتب تراجم و رجال و دائره المعارف ها، مورد تجلیل قرار گرفته، و از مفاخر عالم علم و حکمت، و عبادت و ریاضت دینی، به شمار رفته است.

ب - میر سید احمد عاملی

عالم فاضل، و حکیم محقق، و اصولی مدقق، میر سید کمال الدین احمد عاملی فرزند سید زین العابدین، متوفای حدود ۱۰۵۴ تا ۱۰۶۰ قمری.

وی داماد و خاله زاده میرداماد بوده، و از محضر آن بزرگمرد، و نیز شیخ بللایی، کسب علم و اجازه علمی نموده، و هم چنین، از شیخ عبدالعالی کرکی (فرزند محقق کرکی) اجازه داشته است.

او بیش از ۱۸ تألیف، در زمینه حدیث و فقه و حکمت و کلام و عقائد و ...، از خود به جای گذارده (۱)، و در تکیه آقا رضی (در تخت فولاد) مدفون گردیده است.

ص: ۵۳۶

عالم فاضل ، و محقق کثیر التالیف ، آقا سید عبدالحسیب محمّد ، متوفای ۱۱۲۱ قمری ، فرزند میر سید أحمد عاملی و نوّه میرداماد . وی تألیفاتی همانند : « تقدیس الأنبياء » و « سدره المنتهی » ( که کتابی است فارسی و عرفانی در معارف و اصول دین ، که جهت حکیم محمّد داوود تألیف نموده است (۱) ) و « عرش سماء التوفیق » ( در تفسیر فارسی ) و ... داشته است ، و قبر او در تکیه آقارضی ، در جنب پدر بوده ، ولی آثار آن از بین رفته است .

د- میر محمّد اشرف

عالم متتبع و محقق ، و جامع علوم عقلی و نقلی ، میر سید محمّد اشرف ، فرزند سید عبد الحسیب عاملی ، و متوفای ۱۱۳۳ یا ۱۱۴۵ قمری ، و مدفون در مقبره مخصوص در ( ورنوسفادران ) از روستاهای سه گانه ( سیده ) ، که مجموع آن روستاها ، در دوره های اخیر ، پس از توسعه ، به نام همایونشهر ، و سپس خمینی شهر ، نامیده شده است .

میر محمّد اشرف ، از شاگردان علامه مجلسی و مجاز از او ، و مورد تجلیل آن بزرگوار بوده است (۲) و بزرگانی هم چون شیخ محمّد علی حزین لاهیجی ، در تذکره حزین ، و نیز صاحب روضات الجنّات ، و حاج شیخ عباس قمی ، در فوائد الرضویه ، و حاج آقا بزرگ طهرانی در الذریعه ، و مرحوم مدرّسی ، در ریحانه الأدب ، و امین عاملی در أعیان الشیعه ، و بسیاری دیگر از صاحبان تراجم ، از این بزرگمرد تجلیل کرده اند .

ص: ۵۳۷

---

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۱۲۲

۲- فهرست کتب خطی کتابخانه های اصفهان ، جلد اول ، صفحه ۱۶۲

میر محمد اشرف ، تألیفات فراوانی داشته ، همانند : حاشیة بر قبسات ، وعلاقة التجريد ( شرح بر تجريد الاعتقاد خواجه طوسی ) و کتاب نفیس و مشهور « فضائل السادات » که علاوه بر شهرت آن ، نشانه بزرگی از کثرت تحقیق و تتبع و اطلاع مؤلف آن می باشد ، و هم چنین « شرح مشیخة تهذیب الحدیث » معروف به « رجال سید محمد اشرف » و ...

میر محمد اشرف ، دو فرزند داشته است ، به نامهای « میر محمد حفیظ » و « میر مرتضی » ، که هر دو از علماء و فضلاء زمان خود بوده اند ، و فرزندان نفر اول ، در سیده ( خمینی شهر ) و فرزندان نفر دوم ، در نجف آباد ساکن گشته ، و همه به نام میردامادی مشهور گردیده اند<sup>(۱)</sup>.

ه- میرزا محمد حسن میردامادی

عالم فاضل ، و مدرّس متبحر ، میرزا محمد حسن میردامادی سیدهی ، متوفای ۱۳۳۲ قمری .

وی ، از احفاد میر محمد اشرف ، و از شاگردان آقا سید محمد باقر درچه ای ، و حاج شیخ محمد علی نجفی بوده ، و در مدرسه نیم آور تدریس می کرده ، و در مقبره شاهزاده ابراهیم علیه السلام واقع در محله ورنوسفادران سیده ( خمینی شهر ) مدفون گردیده است<sup>(۲)</sup>.

از خاندان میردامادی ، علاوه بر یاد شدگان ، در طول چند قرن ، علماء و فضلاء دیگری برخاسته اند ، که استقصاء نام و خصوصیات علمی آنها ، از هدف این بررسی خارج می باشد.

ص: ۵۳۸

---

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۱۴۷

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۲۵۲



از خاندانهای علمی برجسته ، که در طول سه قرن ، علماء بسیاری را در خود پرورش داده ، و به حوزه ها و مجامع علمی عرضه نموده است ، « خاندان علمی میر محمد صادقی » است ، که شاخه ای از آن ، « خاندان علمی مدرّس » می باشد

سرسلسله این خاندان ، میر محمد اسماعیل أعرجی ( فرزند میر أبو صالح حسینی سبزواری ) متوفای اواخر قرن دوازدهم هجری قمری می باشد . وی از شاگردان علامه مجلسی ، و امام جماعت و مدرّس و واعظ رسمی مسجد شاه ( مسجد امام فعلی ) و صاحب تألیفات بوده است . پدران او ، از علماء اعلام و سادات عظام بوده (۱) و فرزندانش او ، به نامهای : ۱- میر محمد رفیع ، ۲- میر محمد تقی ( شیخ الإسلام ماریین ) ، ۳- میر محمد باقر نیز ، از علماء بوده اند (۲).

مرحوم میر محمد باقر بن میر محمد اسماعیل پسری داشته ، به نام میر محمد صادق ، که از علماء بوده ، و علاوه بر امامت جماعت مسجد شاه ، فردی متشخص و با تعیین بوده ، و بهمین جهت ، همه افراد این خاندان ، با نسبت به او ، « میر محمد صادقی » خوانده شده اند (۳).

فرزند دیگر میر محمد باقر ، عالم بزرگوار بوده ، به نام میر سید علی ، که پدر آقا میر سید حسن ( مجتهد نامدار ، و سرسلسله خاندان مدرّس ) می باشد .

و اینک ، چند چهره مبرز از « خاندان میر محمد صادقی » و « خاندان مدرّس »

ص: ۵۳۹

۱- ارشاد المسلمین ( شجره نامه سادات میر محمد صادقی ) ( مخطوط ) صفحه ۴۳

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۱۳۴

۳- ارشاد المسلمین ( مخطوط ) ، صفحه ۴۳

به عنوان نمونه ذکر می گردد :

الف - آقا میر سید حسن مدرّس

فقیه مجتهد ، و زعیم عظیم الشان ، آقا میر سید حسن مدرّس ، متوفای ۱۲۷۳ قمری ، که در علم و تحقیق ، مقامی بسیار والا داشته ، و حوزه درسی او ، محلّ اجتماع چند صد نفر از علماء و فضلاء بوده است ، و چهره هائی میبَرز ، همانند : میرزای بزرگ شیرازی ، و صاحب روضات ، و آقا میرزا أبو المعالی کلباسی ، و آخوند فشارکی و ... ، در آن شرکت می جستند ، و از مهمترین حوزه های درسی اصفهان ، در قرن سیزدهم بوده است .

از آثار مهمّ آن بزرگمرد ، یکی تأسیس « مسجد رحیم خان » می باشد ، که از مساجد بزرگ و با اهمّیت اصفهان به شمار می رود ، و دیگری خاندانی علمی ، و نسلی عالم و خدمتگذار برای اسلام ، که تا زمان ما امتداد یافته است (۱).

ب - آقا میر سید علی

وی ، بزرگترین اولاد پسر از مرحوم مدرّس می باشد ، و از شاگردان شیخ أنصاری ، و نیز فاضل اردکانی بوده ، و در سال ۱۳۱۹ قمری وفات یافته است .

ج - آقا میر محمّد تقی

وی ، فرزند دیگر مرحوم مدرّس می باشد ، و در حوزه علمیّه اصفهان ، و نیز در حوزه علمیّه نجف اشرف ، و پس از آن ، در حوزه علمیّه سامراء ، در محضر مرحوم میرزای بزرگ شیرازی قُدس سِرّه مراحل علمی را پیموده ، و با کسب اجازه

ص: ۵۴۰

---

۱- درباره شخصیت برجسته مرحوم مدرّس ، در بخش « بقعه های علمی اصفهان » نیز ، بحث و بررسی داریم .

اجتهاد از آن زعيم عظيم الشان، به اصفهان مراجعت نموده، و خود، به تدريس و هدايت مردم پرداخته است. حوزه درسي او قابل توجه بوده، و كتابي در فرق بين حق و حكم، و نيز چند رساله ديگر تأليف نموده، و در سال ۱۳۳۳ قمری وفات يافته است (۱).

د. آقا مير سيّد محمّد

وي، فرزند مرحوم آقا مير سيّد علي، و نوه مرحوم مدرّس، و پدر آيه الله، حاج آقا حسن مدرّس (از علماء و مدرّسين معاصر) مي باشد، و از شاگردان آقا ميرزا أبو المعالي، و آقا ميرزا محمّد هاشم چهارسوقي، و آقا سيّد محمّد باقر درچه اي بوده، و در منزل خود تدريس فقه و اصول مي نموده است.

ه- آقا سيّد مير محسن مير محمّد صادقي

عالم كامل، و فقيه زاهد، آقا سيّد محسن مير محمّد صادقي، متوفای ۱۳۲۸ قمری (برادر زاده مرحوم آقا سيّد حسن مدرّس) که در حوزه هاي اصفهان و نجف اشرف تحصيل علم نموده، و استادهاي او، بزرگاني همچون، شيخ اعظم أنصاري، شيخ راضي نجفي، حاج شيخ محمّد باقر نجفي بوده اند، و در اصفهان، به تدريس و هدايت مردم اشتغال داشته است (۲).

از آثار او، تعدادي كتاب و رساله، و نيز چند نفر فرزند عالم و دانشمند ديني مي باشد، که از جمله آنها، مرحوم آيه الله، آقا سيّد عبدالله ثقه الإسلام (مذکور در ذيل) بوده است.

ص: ۵۴۱

---

۱- نقيب البشر، جلد ۱، صفحه ۲۵۱، و ارشاد المسلمين، صفحه ۵۱

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۴۷۱ و سيري در تخت فولاد، صفحه ۱۶۵

و - آقا سید عبد الله ثقه الإسلام

فقیه و مجتهد عظیم الشان ، آقا سید عبدالله بن سید محسن میر محمد صادقی ، متوفای ۱۳۸۲ قمری . وی ، از چهره های علمی خاندان مدرّس و میر محمد صادقی می باشد ، که پس از طیّ مراحل از تحصیل علوم حوزه ای در اصفهان ، مدّت بیست و هفت سال در نجف اشرف ، تحصیل علم مینماید ، و از استادانی همچون ، میرزای شیرازی ، و میرزا حبیب الله رشتی ، و آقا سید محمد کاظم یزدی ، و مرحوم آخوند خراسانی ، بهره می گیرد، و از خواصّ آخوند خراسانی به شمار می رود.

آن بزرگمرد ، بیش از بیست کتاب و رساله ، در فقه و اصول و عقاید و تاریخ و رجال و دیوان اشعار تألیف نموده ، و حوزه درسی ایشان، در سالهای آخر عمر ، مورد توجه قرار گرفته بوده است(۱).

ز - آقا سید عبدالحسین طیب

فقیه مفسّر ، و اصولی متکلم ، آیه الله ، آقا سید عبدالحسین طیب ، متوفای ۱۴۱۲ قمری . وی از نسل میر محمد اسماعیل ( سرسلسله خاندان میر محمد صادقی ) و از مفاخر علمی و تقوایی حوزه علمیه اصفهان به شمار می رود .

آن بزرگمرد ، در حوزه های علمی اصفهان و نجف اشرف ، تحصیل علم نموده و از محضر بزرگانی ، همچون : آقا شیخ محمد حسین اصفهانی (غروی ) و آقا ضیاء الدین عراقی ، و میرزا محمد حسین نائینی ، کسب علم نموده ، و از بسیاری از علماء ، اجازه اجتهاد داشته است .

مرحوم آیه الله طیب ، در حوزه علمیه اصفهان ، به تدریس و تحقیق ، و نیز

ص: ۵۴۲

---

۱- درباره مرحوم ثقه الإسلام ، در بخش ( بقعه های تخت فولاد ) بحث و بررسی داریم

تألیف ۱۴ جلد «تفسیر اُطیب البیان» و سه جلد کتاب «کلم الطیب» و ... ، اشتغال داشتند ، و در علم و تقوی و نظم و ارتباط قوی با مقام منبع ولایت ، و نیز تهجد و زیارت عاشوراء با صد لعن و صد سلام ، و با تمام آداب و ... ، از چهره های ارزشمند به شمار می روند(۱).

ح - آقا سید حسن مدرّس

مدرّس محقّق ، و استاد متبحّر ، آیه الله ، آقای حاج آقا حسن مدرّس دام عمره ، که از علماء معاصر در حوزه علمیّه اصفهان می باشند ، و استادهایی ، همانند آیات عظیم الشان: آقا میرزا أحمد مدرّس، آقا شیخ محمود مفید، آقا سید محمد نجف آبادی ، آقا میر سید علی نجف آبادی ، آقا شیخ محمد رضا مسجد شاهی ، آقا شیخ محمد حکیم خراسانی و ... ، در زمینه فقه و اصول و فلسفه و حکمت ، داشته اند، و خود ایشان ، چندین سال در مدرسه صدر ، و مدرسه میرزا مهدی ، و مدّتی در منزل شخصی ، به تدریس فقه و اصول و أسفار و شرح تجرید و ... اشتغال داشته اند ، و در حال حاضر به علت ضعف مزاج ، تدریس منظم ندارند .

ط - حاج سید مجتبی میر محمد صادقی

مدرّس عالیقدر ، آیه الله ، آقای حاج سید مجتبی میر محمد صادقی ، متولد حدود ۱۳۳۰ قمری . مادر معظم له ، دختر آیه الله ، حاج آقا منیر بروجردی بوده ، و نسب ایشان از طریق مادری ، به محقّق نامدار ، مرحوم میرزای قمی می رسد . پدر ایشان ، مرحوم حاج سید محمد باقر میر محمد صادقی ، از علماء بزرگوار

ص: ۵۴۳

---

۱- در بخش « علماء و مدرّسین بزرگ اصفهان ، در دوره اخیر » از این بزرگمرد با تفصیل بیشتری ، بحث نموده ایم

و مورد احترام بوده اند، و خود ایشان، از شاگردان آیات عظام: آقا شیخ محمد رضا نجفی مسجد شاهی، و آقا میر سید علی نجف آبادی، و آقا سید محمد نجف آبادی، و دیگر بزرگان می باشند.

معظم له، پس از نیل به مقامات عالیۀ علمی، علاوه بر امامت جماعت و ارشاد مؤمنین، به تدریس فقه و اصول (دوره سطح متوسط و عالی) در مدرسه صدر بازار اشتغال داشتند.

ی - آقا سید محمد علی میر محمد صادقی

فقیه اصولی، و استاد عالیقدر، آیه الله، حاج سید محمد علی میر محمد صادقی دامت برکاته<sup>(۱)</sup> که از چهره ای علمی معاصر در حوزه اصفهان، و از مدرسین بزرگ دوره خارج فقه و اصول می باشند، و شرح حال مفصل تری از این بزرگمرد، در بخش (علماء و بزرگان حوزه علمیه اصفهان، در قرن اخیر) ذکر نموده ایم.

و این بود نمونه ای از چهره های علمی این خاندان بزرگ و ریشه دار علمی، که علاوه بر مقام سیادت و انتساب به رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، و أميرالمؤمنين، و سید الشهداء، و امام سجاد عليهم السلام، مظهر برکات علمی، و منشاء نشر و گسترش احکام و آثار دینی بوده و هستند، و در همین خاندان گسترده، علماء بسیاری بوده اند، و در حال حاضر عده ای از آنها در حال حیات می باشند و به خدمات و کوششهای علمی و دینی اشتغال دارند، و استقصاء نام و خدمات همه آنها، از

ص: ۵۴۴

---

۱- هم اکنون که مراحل چاپ کتاب انجام می شود (سال ۱۴۱۷ قمری) حوزه علمیه و شهر اصفهان در غم فقدان این بزرگمرد بسر می برد

محدوده هدف این کتاب خارج می باشد(۱).

#### ۴۴- خاندان علمی نایب الصدر

یکی از علماء بزرگ و مورد توجه و منتقد اصفهان ، در نیمه اول قرن دوازدهم ، مرحوم میرزا محمد باقر ، معروف به ( پیشنماز ) بوده ، که عالمی فاضل و متقی به شمار رفته ، و امامت جماعت مسجد جامع عباسی ( مسجد شاه مسجد امام فعلی ) بر عهده او بوده است .

وی ، جد سادات عاملی رهنان و خوراسگان می باشد ، و از اُحفاد او ، علماء بزرگی پا به عرصه حیات علمی گذارده اند ، که از جمله آنها ، عالم فاضل ، و محقق نامدار ، و فقیه و مجتهد عظیم الشان ، آقا میر محمد مهدی نایب الصدر ، متوفای ۱۱۶۷ قمری می باشد ، که از مشایخ اجازه بوده، و کتابخانه بسیار مهمی داشته ، که بر تمام یا اغلب کتابهای آن با خط خود حاشیه های ارزشمند و علمی در زمینه علوم مختلف نوشته است(۲).

ص: ۵۴۵

۱- مرحوم آیه الله ، آقا سید عبدالله ثقه الإسلام ، که خود از چهره های میزبان این خاندان بوده اند ، رساله نسبتاً مفصّلی درباره نسب این خاندان ، و معرفی شخصیت هائی از این دودمان به نام « ارشاد المسلمین » تألیف نموده اند ، که محتوی اطلاعات سودمندی است ، ولی مخطوط می باشد ، و نسخه ای از آن در نزد این کمترین موجود است ، و در این بخش از آن بهره جسته ام

۲- در زمان مرحوم آیه الله ، حاج شیخ اسماعیل معزی ، متوفای ۱۳۶۳ قمری ، که از علماء با تقوی و مدرّسین و مجتهدین عالیقدر بوده ، تصمیم گرفته می شود ، که در بقعه تکیه آقا رضی ( محل دفن آقا میرزا محمد باقر پیشنماز ، و عده ای از اولاد و اُحفاد او ) تغییری داده شود ، و دری از بقعه ( مقابل در ورودی تکیه ) باز کنند ، و در این هنگام ، با قبر مرحوم نایب الصدر برخورد می نمایند ، و جنازه آن بزرگمرد ، تازه و بدون تغییر دیده می شود ، و معلوم می گردد که ، پس از دو قرن ، جنازه این بزرگمرد محفوظ مانده ، و خاک و زمین در او تصرف نموده است ( از توضیحات شفاهی استاد عالیقدر ، آیه الله ، آقای حاج سید احمد فقیه امامی ، به نقل از پدرشان ، مرحوم آیه الله ، حاج سید عطاء الله فقیه امامی ، که از طریق مادری، به این خانه منسوب می باشند).

به احترام و به مناسبت شخصیت نامبرده ، جمعی از وابستگان این خاندان ، به نام «نائب الصدر» خوانده می شوند ، و خاندانی علمی را شکل می بخشند .

#### ۴۵- خاندان علمی نواب لاهیجی

خاندان مذکور ، از خاندانهای محترم و علمی اصفهان می باشد ، که سرسلسله آنها ، حکیم نامدار ، و منجم ماهر ، و مفسّر یگانه ، میرزا محمد باقر لاهیجی مشهور به « نواب » متوفای ۱۲۴۰ قمری (۱) می باشد .

وی تفسیر بسیار ارزشمند و ابتکاری « تحفه الخاقان ، فی تفسیر القرآن » را ، به ترتیب آیات قصص و آیات احکام ، و آیات معارف ، و آیات مواعظ ، و آیات وعید ، به پنج قسمت تقسیم نموده ، و برای هر قسمتی ، یک جلد اختصاص داده و از ملحقات جلد اول ، در سال ۱۲۳۳ فارغ شده ، و موفق به انجام جلد پنجم تفسیر نشده است (۲).

و هم چنین ، شرحی بر نهج البلاغه ، در دو جلد نوشته ، و کتاب دیگری در فقه تألیف نموده است ، و علاوه بر اینها ، در حوزه علمی اصفهان ، به تدریس علوم عقلی اشتغال داشته است (۳).

از نسل آن بزرگمرد ، علماء و دانشمندانی پدید آمده اند ، همانند :

ص: ۵۴۶

---

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۱۸۸

۲- الذریعه ، جلد ۳ ، صفحه ۴۳۱

۳- ریحانه الأدب ، جلد ۵ ، صفحه ۱۲۳



الف - حاج میرزا محمد نواب

وی ، فرزند میرزا محمد باقر نواب لاهیجی می باشد ، که عالمی فاضل ، و از شاگردان مرحوم سید شفتی بوده ، و از خواص مرحوم آقا سید اسد الله مجتهد شفتی بید آبادی به شمار رفته است .

آن بزرگمرد ، صاحب تألیف بوده ، و در قسمت لسان الأرض ، نزدیک قبر حضرت یوشع نبی علیه السلام مدفون گشته است .

ب - آقا میرزا محمد ابراهیم نواب

وی ، فرزند آقا میرزا محمد باقر بن حاج میرزا محمد نواب بوده ، و از شاگردان آقا میرزا احمد مدرّس ، و آخوند گزی ، و آقا سید محمد باقر درجه ای و آقا شیخ محمد رضا نجفی به شمار رفته ، و در سال ۱۳۶۱ یا ۱۳۶۶(۱) وفات یافته است .

#### ۴۶- خاندان هزار جریبی اصفهانی

یکی از خاندانهای علمی اصفهان ، خاندانی است از ذریه فقیه و اصولی نامدار ، آقا محمد باقر هزار جریبی ، متوفای ۱۲۰۵ قمری ، که در زمان خود ، از زعماء و مراجع بزرگ دینی شیعه ، در شهر مقدّس کربلاء به شمار رفته ، و استاد میرزای قمی ، و شیخ اجازه و روایت سید بحر العلوم بوده است(۲).

الف - آقا محمد علی هزار جریبی

اولین چهره علمی این خاندان در اصفهان ، فقیه عالی مقام و محقق

ص: ۵۴۷

---

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۱۸۸ ، سیری در تحت فولاد ، صفحه ۱۸۵

۲- نقباء البشر ، جلد ۱ ، صفحه ۴۲۱ و فوائد الرضویّه ، جلد ۲ ، صفحه ۴۰۸

عظیم الشان، آقا محمد علی هزار جریبی، متوفای ۱۲۴۵ قمری می باشد. وی پس از آن که تحصیلاتش در حوزه های ایران و عراق، در محضر بزرگانی همچون: آقا شیخ جعفر کبیر (کاشف الغطاء) و آقا سید مهدی بحر العلوم، و حاج ملا احمد نراقی، و آقا سید جواد عاملی، و میرزای قمی پایان یافت، مدتها در ارومیه و تبریز اقامت جست، و تدریس نمود (۱)، و پس از آن، به اصفهان هجرت کرد، و به دامادی میرزا محمد باقر نواب لاهیجی مفتخر گردید، و به عنوان «فقیه» شهرت یافت (۲)، و در آخر کار، به شهرضا هجرت نمود، و در همانجا وفات یافت، و در بقعه امامزاده سید علی اکبر علیه السلام، مدفون گردید.

مرحوم آقا محمد علی، تألیفات بسیاری در زمینه فقه، اصول، عقائد، رجال و حدیث، شعر، اخلاق، تفسیر و حکایات و مفاهات، از خود به جای گذارده، که متجاوز از بیست عنوان می باشد، همانند: «البحر الزاخر» (در فقه) و «الکفالی المتأله» (در اصول) و «ألبدر الباهر» (در تفسیر) و «السراج المنیر» (در فوائد رجالیه) و ...

مرحوم آقا محمد علی، برادری داشته، به نام آخوند ملا محمد صادق، که در سال ۱۲۰۳ وفات یافته، و در تکیه میرزا رفیعا مدفون گردیده است.

ب - آقا میرزا محمد حسن نجفی

دومین چهره برجسته این خاندان در اصفهان، فقیه زاهد و محقق نامور، مرحوم آقا میرزا محمد حسن نجفی، متوفای ۱۳۱۷ قمری، و فرزند آقا محمد علی هزار جریبی می باشد، که صاحب تألیفات، در فقه و اصول و رجال بوده،

ص: ۵۴۸

---

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۲۶۶

۲- فوائد الرضویه، جلد ۲، صفحه ۵۷۶

و مرحوم میرزای بزرگ شیرازی ( صاحب فتوای تحریم تنباکو ، و مجدد دین ، در رأس سده سیزدهم ) درباره او فرموده است : من شهادت می دهم به آنکه او ( میرزا محمد حسن ) ثقه و مجتهد است ( از روی اعتبار و معاشرت ) نه از جهت سماع و شهرت (۱).

مرحوم آقا میرزا محمد حسن نجفی ، در حوزه علمیه نجف اشرف ، شاگرد مرحوم شیخ اعظم انصاری ، و نیز ، مرحوم میرزای شیرازی بوده ، و در حوزه علمیه اصفهان ، حوزه درسی و شاگردان بسیار داشته ، و مرجع فتوی و قضاوت شرعیته بوده است ، و پس از وفات ، در سرزمین لسان الأرض ( تخت فولاد ) اصفهان مدفون گردیده ، و سپس جنازه آن بزرگمرد ، به نجف منتقل شده است .

ج - آقا شیخ محمد حسین هزار جریبی

سومین شخصیت این خاندان ، عالم محقق و فداکار ، مرحوم آقا شیخ محمد حسین هزار جریبی ، متولد ۱۲۳۵ قمری ، و فرزند مرحوم آقا محمد علی هزار جریبی می باشد .

وی ، خدمتی بزرگ نسبت به تألیفات پدرش نموده ، و آنها را پاکنویس کرده و از نابودی آن همه آثار علمی و ارزشمند ، که در اثر ابتلاء مؤلف آنها به بیماری سل ، معطل و در معرض فناء بوده ، جلوگیری می نماید ، و علاوه بر آن ، رساله ای در شرح حال پدر و اساتید و آثار او می نویسد (۲) و کتابی هم به نام : « البوارق ، لكشف معضلات الحقائق » تألیف نموده است (۳).

ص: ۵۴۹

---

۱- فوائد الرضویه ، جلد ۲ ، صفحه ۵۷۷

۲- الكرام البرره ، جلد ۱ ، صفحه ۴۱۵

۳- الدرّیعه ، جلد ۱۵ ، صفحه ۳۵۴

آنچه گذشت ، نمونه ای بود از خاندانهای علمی اصفهان ( در طول قرون گذشته ، و بالأخص در پنج قرن اخیر ) و البتّه دهها خاندان علمی دیگر نیز ، وجود داشته و دارند ، همانند : خاندان رشتی ، مستجاب الدّعوه ، مقدّس ، فقیه ایمانی ، یزدی ، مظاهری ، هاشمی ، بهشتی ، و ... ، که استقصاء کامل همه آنها ، به فرصت مناسب تری واگذار می گردد .

قَالَ اللهُ تَعَالَى يَرْفَعُ اللهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ





حوزه علمیه اصفهان در طول چندین قرن، مخصوصاً از قرن دهم به بعد، آثار و برکات فراوانی را به عالم تشیع و جهان علم و دانش، عرضه نموده، که در این بخش به چند نمونه از آنها اشاره می‌نمائیم، گرچه در همه بخشهای کتاب، آثار و برکات این شهر ولایت و حوزه علمیه آن، به خوبی ظاهر گردیده و آشکار می‌شود.

### نقش حوزه علمیه اصفهان، در اجازات حدیث

یکی از بخش‌های مهم علمی جهان تشیع، قسمت اجازات حدیثی (۱) می‌باشد، که در حفظ و نگهداری ارتباط علمی شیعه در طول تاریخ، نقش حیاتی ایفاء نموده، و همین اجازات، نام و نشان و عنوان بسیاری از چهره‌های علمی شیعه را حفظ نموده، و از فراموش شدن و گم شدن آنها در لابلای

ص: ۵۵۳

---

۱- اجازة حدیث، کلامی است که از شخصیتی بزرگ و علمی صادر می‌شود، مبنی بر اجازة دادن در نقل حدیث به دانشمندی دیگر، اعم از آن که شاگرد او باشد یا نباشد، و در بسیاری از موارد، این اجازة به صورت کتبی انجام می‌گیرد، و در آن، شخص اجازة دهنده، از بزرگانی که به او اجازة داده‌اند و مشایخ قبلی اجازة، یاد می‌کند و در باره آنها مطالبی را بیان می‌دارد، و کتابهائی را که اجازة نقل احادیث آنها را می‌دهد، ذکر می‌کند، و نکته‌هائی قابل توجه را مورد اشاره قرار می‌دهد

چه بسیارند شخصیت‌هایی از دانشمندان و بزرگان شیعه ، که نام مبارک آنها ، در اجازه‌ای از اجازات حدیث یافت شده ، و همین امر زمینه تحقیق و پی‌گیری درباره آثار علمی و خدمات و فداکاری‌های دینی آنها را فراهم نموده است ، و بدین وسیله در نشان دادن تاریخ پربار و علمی شیعه ، که در برگیرنده سرمایه‌های بزرگ ادبی و فرهنگی و استوانه‌های بزرگ علمی و معنوی است ، نقشی اساسی و حیاتی ایفاء نموده است .

حوزه علمی اصفهان ، در دوره‌های درخشش علمی خود ، محلّ اجازه‌های با ارزش و استجازه‌های مهم بوده ، و شخصیت‌های برجسته‌ای از عالم تشیع ، همانند : محقق ثانی ( محقق کرکی ) شیخ علی بن عبد العالی ، متوفای ۹۴۰ و فقیه بزرگ ، شیخ علی بن هلال کرکی اصفهانی ، متوفای بعد از ۹۸۴ و نابغه روزگار ، شیخ بهاء الدین محمد عاملی ( شیخ بهائی ) متوفای ۱۰۳۰ ، و حکیم و محقق نامدار ، سید محمد باقر داماد ( میرداماد ) متوفای ۱۰۴۰ ، و حکیم و فیلسوف بزرگ ، میر ابو القاسم فندرسکی ، متوفای ۱۰۵۰ ، و فقیه عظیم الشان ، ملا حسنعلی

ص: ۵۵۴

---

۱- اجازات حدیث ، بعضی بزرگ است که به صورت کتابی مستقل می‌باشد ( همانند : لؤلؤه البحرین و بُغیة الوعاه و اللّمعه المهدیه ) و بعضی متوسّط است و به صورت رساله‌های مختصر یا متوسّط می‌باشد ، و برخی مختصر است ، که نام کتاب و رساله بر آن اطلاق نمی‌شود ، ولی در هر صورت ، اجازتها فواید بسیاری را در بر دارد ، همانند : حفظ ارتباط علمی تا زمان معصومین علیهم السلام و شناسائی علماء بزرگ و دانستن آثار علمی و قلمی و اساتید و شاگردان آنها و نیز شناختن مقامات معنوی و عدالت و وثاقت و أخلاق و صفات روحی آنان ، که در مجموع ، برای تاریخ شیعه و تراجم بزرگان عالم اسلام و تشیع ، سرمایه بزرگی محسوب می‌گردد



شوشتری متوفای ۱۰۷۵، و فرزند ملا عبد الله شوشتری، و فقیه و محدث علامه، ملا محمد تقی مجلسی متوفای ۱۰۷۰، و محقق و حکیم و فقیه عظیم الشان آقا حسین خوانساری متوفای ۱۰۹۹، و محیی آثار أهل البيت عليهم السلام، علامه روزگار و باب الأئمه، مولی محمّد باقر مجلسی (علامه مجلسی) متوفای ۱۱۱۰ قمری، و غیر از این چهره های بزرگ علم و دین، به شاگردان خود و دیگر علماء و اعلام دین، اجازاتی داده اند که هر کدام، سرمایه ای بزرگ و منبع سرشاری برای آگاهی های لازم در مورد تاریخ علمی شیعه و عظمت های رهبران جهان تشیع می باشد، و این اجازات، بخشی از مفاخر علمی حوزه علمیه اصفهان به شمار می آید. برای آشنائی بیشتر با اجازات و جایگاه حوزه علمیه اصفهان، در این زمینه، به بحار الأنوار، جلد ۱۰۵ تا ۱۱۰، و الذریعه إلى تصانیف الشیعه جلد ۱، از صفحه ۱۲۳ تا ۲۶۶، و جلد ۱۱، از صفحه ۱۳ تا ۲۷ مراجعه شود.

### حضور شصت مجتهد جامع الشرائط در یک مجالس علمی

در قرن یازدهم هجری حوزه علمیه اصفهان، آن چنان رونق و گسترش علمی یافته بود، که در مجالس بزرگ و رسمی علمی، شصت نفر مجتهد جامع الشرائط به إفاده علمی و تدریس و تحقیق اشتغال داشتند، که هر یک از آنها علامه دوران و نادر زمان، به شمار می رفتند، که برای به وجود آمدن و ظهور هر کدام از آن چهره های درخشان، ماهها و سالها باید بگذرد و منقضی گردد (۱).

از مطلب بالا- به خوبی استفاده می شود که حوزه علمیه اصفهان در برگیرنده صدها عالم و مدرّس و مجتهد و ... بوده، تا جایی که فقط در جلسات بزرگ علمی، شصت مجتهد جامع الشرائط به إفاده علمی می پرداخته اند.

ص: ۵۵۵

مرحوم سید نعمت الله جزائری ، در شرح حالی که برای خودش نوشته ، جریان مسافرتش را به اصفهان و آشنائی با علامه مجلسی و چهار سال اقامت در منزل آن بزرگمرد ، نقل نموده و نوشته است : ... فَسَافَرْنَا إِلَى إِصْفَهَانَ وَ كُنَّا جَمَاعَاتٍ كَثِيرَةً وَ أَصَابْنَا فِي الطَّرِيقِ بَرْدٌ تَيَقَّنَا مِنْهُ الْهَلَاكَ فَمَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا بِالْوُصُولِ فَجَلَسْنَا فِي مَدْرَسِهِ لَيْسَ فِيهَا إِلَّا أَرْبَعُ حُجْرَاتٍ فِي ( سرنیم آورد ) وَ جَلَسْنَا فِي حُجْرَةٍ وَاحِدَةٍ وَ كُنَّا جَمَاعَةً كَثِيرَةً فَكُنَّا إِذَا نُمْنَا فِي تِلْكَ الْحُجْرَةِ وَ أَرَادَ وَاحِدٌ مِّنَّا الْإِنْتِبَاهَ فِي اللَّيْلِ لِحَاجَةِ إِنْتِبَهَانَا جَمِيعًا ثُمَّ إِنَّهُ قَدْ تَضَايَقَتْ عَلَيْنَا أُمُورُ الْمَعَاشِ وَ بَعْنَا مَا كَانَ عِنْدَنَا مِنْ ثِيَابٍ وَ غَيْرِهَا

وَ كُنَّا نَتَعَمَّدُ أَكْلَ الْأَطْعِمَةِ الْمَالِحَةِ لِأَجْلِ أَنْ نَشْرَبَ مَاءً كَثِيرًا وَ نَأْكُلَ الْأَشْيَاءَ الثَّقِيلَةَ لِذَلِكَ أَيْضًا ثُمَّ بَعْدَ هَذَا مَنَّ اللَّهُ عَلَيَّ بِالْمَعْرِفَةِ مَعَ أَسَاتِذِنَا الْمَجْلِسِيِّ أَدَامَ اللَّهُ أَيْامَ سَيِّلَاتِهِ فَأَخَذَنِي إِلَى مَنْزِلِهِ وَ بَقِيَتْ عِنْدَهُمْ فِي ذَلِكَ الْمَنْزِلِ أَرْبَعَ سِنِينَ تَقْرِيبًا وَ قَدْ عَرَفْتُ أَصْحَابِي عِنْدَهُ فَأَيَّدَهُمْ بِأَسْبَابِ الْمَعَاشِ وَ قَرَأْنَا عَلَيْهِ الْحَدِيثَ (۱).

از این عبارات بر می آید که جمعی ( که همه ، سابقه علمی زیاد داشته اند ، و پس از آشنائی با علامه مجلسی ، در درس حدیث ، که بالاترین رتبه در سنی آن زمان بوده شرکت نموده اند ) وارد اصفهان شده ، و در مدرسه ای در محله سرنیم آور ، سکونت یافته اند ، که فقط چهار حجره داشته ( و این مدرسه ، غیر از مدرسه نیم آور است که دو طبقه می باشد با حجرات فراوان ، و غیر از مدرسه ابتدائی مدرسه نیم آورده است ، که در کاروانسرائی در مجاورت مدرسه نیم آور بوده ، و طلبه های مبتدی ، در آن سکونت داشته اند ) .

بنابراین معلوم می شود تا چه اندازه حوزة علمیه اصفهان ( با آن همه مدارس

علمیه ( پرجمعیت بوده ، که عده ای از طالبین علم ، با سابقه زیاد تحصیلی ، در یک حجره ، آنهم در یک مدرسه کوچک ، اسکان یافته اند و مشکلات مالی فراوان نیز داشته ، و مدتی در مضیقه بوده اند ، تا آن که پس از مدتی ، علامه مجلسی مطلع گردیدند و سید جزائری را در منزل خود اسکان دادند ، ( که نشانه عظمت سید جزائری در آن وقت است ) و بقیه را نیز با کمک مالی ، مشکلاتشان را برطرف نموده ، و همگی جزء شاگردان درسی علامه مجلسی قرار گرفتند (۱)

### انتشار بسیار گسترده صحیفه سجادیه از اصفهان، با عنایت امام زمان (عج)

فقیه و محدث نامدار ، ملا محمد تقی مجلسی ، تشریف داشته به محضر بقیه الله الأعظم حضرت حجه بن الحسن العسکری ( عج ) ، که سبب انتشار گسترده صحیفه سجادیه گردیده ، و از مفاخر حوزه علمیه اصفهان به حساب می آید ، که ذیلاً جریان جالب آن را ملاحظه می فرمائید :

مرحوم ملا محمد تقی مجلسی می فرماید که : من در اوائل بلوغ ، سعی و کوشش در تحصیل رضای الهی داشتم ، و قرار و آرامی نداشتم جز با یاد خدا ، تا این که بین خواب و بیداری ، دیدم که حضرت صاحب الزمان صلوات الله علیه در مسجد جامع قدیم اصفهان در نزدیک طنبی ، که محلّ تدریس فعلی من می باشد ، ایستاده اند ، پس من به آن حضرت سلام کردم و اراده نمودم که پای آن حضرت را ببوسم ، آن بزرگوار نگذاردند و مرا گرفتند ، پس من دست حضرت را بوسیدم و مسائلی را که بر من مشکل شده بود پرسیدم ( در اینجا ملا محمد تقی ، نمونه ای

ص: ۵۵۷

---

۱- در بخش ( مدارس علمیه زمان صفویه که موجود نیست ) ، «تحت شماره ۵۳» از این مدرسه و داستان مرحوم جزائری بحث نموده ایم

از مسائل یاد شده را ذکر نموده ، و می نویسد ) : سپس عرضه داشتم مولای من ، همیشه نمی توانم به خدمت شما شرفیاب شوم ، پس کتابی به من بدهید که همیشه به آن عمل کنم ، حضرت فرمودند : کتابی را به خاطر تو ، به مولا محمد تاج داده ام ، و من در عالم خواب او را می شناختم ، پس حضرت فرمودند : برو و کتاب را از او بگیر ، پس خارج شدم از درب مسجد که مقابل آن حضرت بود ، به سوی محله دارالبطیخ<sup>(۱)</sup> و به همان شخص مورد نظر رسیدم ، وقتی مرا دید . گفت : حضرت صاحب علیه السلام تو را به سوی من فرستادند ؟ گفتم : بله ، پس کتابی قدیمی را از جیب خود در آورد و به من داد ، و برایم ظاهر شد که کتاب دعاء است ، آن را بوسیدم و بر چشم خود گذاردم و برگشتم که به خدمت حضرت صاحب علیه السلام برسم ، ناگاه به خود آمدم و بیدار شدم و کتاب را همراه خود ندیدم پس شروع کردم به گریه و زاری ( به خاطر از دست دادن کتاب ) تا این که طلوع فجر شد . پس از آنکه از نماز صبح و تعقیب ، فارغ شدم به خاطر این که به نظرم می رسید که مقصود امام زمان (عج) از مولا محمد تاج ، شیخ بهائی هستند که نامشان محمد است ، و کلمه تاج هم اشاره به شهرت ایشان در میان علماء است ، لذا به سوی مدرسه ایشان ، که در جوار مسجد جامع بود حرکت کردم و دیدم که ایشان مشغول مقابله صحیفه سجادیه هستند . پس ساعتی نشستم تا شیخ بهائی ، از برنامه خود فارغ شدند ، و ظاهراً درباره سند صحیفه سجادیه بحث و بررسی می نمودند ، ولی من بخاطر غمی که داشتم ( در اثر در دست نداشتن کتابی که امام زمان (عج) در عالم خواب به من عنایت فرموده بودند )

ص: ۵۵۸

---

۱- محله دار البطحیخ ، یکی از محلات قدیمی اصفهان است که مقبره خواجه نظام الملک در آن قرار گرفته ، و در حال حاضر بین خیابان احمد آباد و خیابان ولی عصر ( عج ) می باشد

متوجه کلام شیخ بهائی و گفتگوی علماء جلسه بحثشان نگردیدم، و مشغول گریه بودم و به سوی مرحوم شیخ شتافتم و خواب خود را تعریف نمودم، و با حال گریه، قضیه را شرح دادم، پس مرحوم شیخ فرمودند:

أَبَشِرُ بِالْعُلُومِ الْإِلَهِيَّةِ وَالْمَعَارِفِ الْيَقِينِيَّةِ وَجَمِيعِ مَا كُنْتُ تَطْلُبُ دَائِمًا

ولی من دلم آرام نگرفت (و گم شده خود را در کلام شیخ نیافتم) و باحال گریه خارج شدم، و در اندیشه بودم، که به خاطر رسید بروم به سوی همان محلی که در شب گذشته (برای گرفتن کتاب) بدانجا رفتم.

پس وقتی که به محله دارالبطیخ رسیدم، مرد صالحی را دیدم که به نام آقا حسن و ملقب به تاجا بود، هنگامی که به او رسیدم و سلام کردم گفت: فلانی کتاب های وقفی نزد من هست، و هرکس می گیرد از طالبان علم، به شرایط وقف عمل نمی کند ولی تو عمل میکنی، بیا و در این کتابها نظر کن و هرچه را احتیاج داری بردار، همراه او رفتم به خانه ای که کتابها در آن بود، اولین کتابی که به من داد همان کتابی بود که در شب گذشته در خواب دیده بودم، پس شروع به گریه و ناله کردم و گفتم همین کتاب برای من بس است.

به محضر شیخ بهائی آمدم و شروع نمودم به مقابله آن نسخه، با نسخه صحیفه شیخ بهائی، که جد پدر ایشان از روی نسخه شهید نوشته بود، و نسخه شهید از روی نسخه عمید الرؤساء و ابن سیکون، نوشته شده بود و با نسخه ابن ادریس (حلی) با واسطه، یا بدون واسطه، مقابله گردیده بود. نسخه ای که حضرت صاحب الزمان علیه السلام به من دادند از روی نسخه خط شهید قدس ستره نوشته شده بود، و آن دو نسخه کاملاً باهم موافقت داشت، حتی در نسخه هائی که در حاشیه آن ها نوشته شده بود. بعد از آن که من از مقابله نسخه یاد شده (با نسخه مربوط به شیخ بهائی) فارغ شدم، مردم شروع به مقابله با نسخه من نمودند.

وَبَرَكَهٖ إِعْطَاءِ الْحُجَّهِ ، صَارَتْ الصَّحِيفَةُ الْكَامِلَةُ فِي جَمِيعِ الْبِلَادِ كَمَا الشَّمْسُ طَالَعَهُ فِي كُلِّ بَيْتٍ وَ سَيِّمًا فِي إِصْفَهَانَ فَإِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَهُمْ الصَّحِيفَةُ الْمُتَعَدَّدَةُ وَصَارَ أَكْثَرُهُمْ صُلْحَاءَ وَ أَهْلَ الدُّعَاءِ

وَ كَثِيرٌ مِنْهُمْ مُسْتَجَابُوا الدَّعْوَةَ وَ هَذِهِ الْأَثَارُ مُعْجَزَةٌ لِصَاحِبِ عَلَيْهِ السَّلَامِ وَ الَّذِي أَعْطَانِي اللَّهُ مِنَ الْعُلُومِ بِسَبَبِ الصَّحِيفَةِ لَا أُحْصِيهَا ، وَ ذَلِكَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ عَلَيْنَا وَ عَلَى النَّاسِ (١)

یعنی به برکه عطا نمودن حضرت حجّه ، صحیفه کامله ( سجادیه ) ، در همه شهرها بخصوص اصفهان ، همانند خورشیدی که در هر خانه ای طالع می شود ، درخشید، تا جائی که اکثر مردم صحیفه های متعدّد پیدا کردند ، و بیشترین آنها به حالت صلاح و دعاء ، روی آوردند، و از صلحاء و اهل دعا گردیدند ، و بسیاری از آنها مستجاب الدعوه شدند، و این آثار ، معجزه ای برای حضرت صاحب الزمان علیه السلام می باشد ، و آنچه را خداوند متعال به سبب صحیفه ، از علوم و دانشها به من عنایت فرمود ، نمی توانم به شمار آورم ، و این ، از فضل خداوند بر من ، و بر مردم می باشد .

### قاضی امیر حسین اصفهانی و آشنائی با فقه الرضا علیه السلام

عالم جلیل القدر و محقق ، سید امیر حسین اصفهانی ( مجاور مکه مکرمه ) از علماء قرن یازدهم به شمار می رود ، و از مشایخ اجازه علامه ملا محمد باقر مجلسی قدس سرّه می باشد ، و علامه مجلسی در صحّت انتساب کتاب فقه الرضا علیه السلام به امام علی بن موسی الرضا علیه السلام به آن بزرگمرد اعتماد نموده است.

ص: ۵۶۰

---

۱- بحار الأنوار ، جلد ۵۳ ، صفحه ۲۷۶ - ۲۷۸ و جلد ۱۰۵ ، صفحه ۱۱۴ - ۱۱۶ و نیز در جلد ۱۱۰ ، صفحه ۴۳ به نحو مختصر ذکر شده است

علامهٔ مجلسی در بحارالأنوار نقل می فرماید ، پس از آن که قاضی امیر حسین وارد شهر اصفهان گردید گفت : هنگامی که من مجاور بیت الله الحرام ( در مکهٔ مکرمه ) بودم ، اتفاق افتاد که جماعتی از اهل قم به قصد حج به مکه آمدند ، و کتابی قدیمی همراه آنها بود که تاریخ آن با زمان امام رضا علیه السلام مطابقت داشت

( آنگاه علامهٔ مجلسی از پدرشان نقل می کنند که ایشان فرمودند : من از سید امیر حسین شنیدم که می فرمود: خطِ امام هشتم علیه السلام بر این کتاب بود ، و اجازات جماعت زیادی از فضلاء نیز بر آن وجود داشت ، و سپس علامهٔ مجلسی ادامه می دهند که ) و سید امیر حسین نقل کرد که من برایم یقین حاصل شده از راه قرائن که این کتاب ، تألیف امام رضا علیه السلام است ، و لذا کتاب را از آنها گرفتم و نوشتم و تصحیح نمودم ، پس پدرم ( ملا محمد تقی ) قدس الله روحه ( نسخهٔ ) این کتاب را از سید امیر حسین گرفت و خودش نسخه برداری و تصحیح نمود و بیشترین عبارات این کتاب ، موافق است با آنچه شیخ صدوق ، أبو جعفر بن بابویه ، در کتاب من لایحضره الفقیه بدون سند نقل می نماید ، و هم چنین موافق است با آنچه پدر صدوق ( علی بن بابویه قمی ) در رساله ای که برای فرزندش ، شیخ صدوق نوشته ، مرقوم فرموده است ، و بسیاری از احکامی که أصحاب ما ( علماء شیعه ) ذکر کرده اند و مستند آنها معلوم نیست ، در این کتاب موجود می باشد (۱) (۲).

ص: ۵۶۱

۱- بحارالأنوار ، جلد ۱ ، صفحه ۱۱ و ۱۲

۲- گرچه از عبارات بالا به خوبی استفاده می شود که علامهٔ مجلسی و پدرشان ملا محمد تقی مجلسی ، اعتماد کامل به کتاب فقه الرضا و انتساب آن به حضرت رضا علیه السلام داشته اند ولی در میان بزرگان شیعه و علماء بزرگوار مذهب ، در این زمینه اختلاف نظر وجود دارد ( به کتب مربوطه مراجعه شود )

کتاب فقه الرضا علیه السلام قبل از این جریان مشهور نبوده، تا آنکه قاضی امیر حسین، آن را از مکه می آورد و ملا محمد تقی مجلسی و فرزند برومند او، علامه، ملا محمد باقر مجلسی، می بینند و نسخه برداری می کنند، و از آن زمان شهرت پیدا می کند و جمعی از علماء بزرگ شیعه، نسبت به صحت انتساب آن به حضرت رضا علیه السلام و اعتقاد پیدا می کنند، همانند محدث بزرگوار، مرحوم حاج میرزا حسین نوری قدس سره، صاحب کتاب مستدرک الوسائل.

علامه، سید محسن امین، در اعیان الشیعه می نویسد: فَهَذَا الْكِتَابُ لَمْ يَكُنْ مَشْهُورًا قَبْلَ عَصْرِ الْمُتَرَجِّمِ فِي الْمَاءِ الْحَادِيَةِ عَشْرَةَ، وَهُوَ أَوَّلُ مَنْ أَظْهَرَهُ، جَاءَ بِهِ الْقُمِّيُّونَ مِنْ قُمْ إِلَى مَكَّةَ، لَمَّا كَانَ مُجَاوِرًا بِهَا، وَقَطَعَ مِنَ الْقَرَائِنِ أَنَّهُ تَأْلِيفُ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَنَسَخَهُ وَصَحَّحَهُ وَأَخْضَرَهُ مَعَهُ مِنْ مَكَّةَ إِلَى إِصْفَهَانَ فَرَأَاهُ الْمَجْلِسِيُّانِ وَأَسْتَنْسَخَاهُ وَرَوِيَاهُ عَنْهُ وَاشْتَهَرَ بَيْنَ النَّاسِ مِنْ ذَلِكَ الْوَقْتِ وَاعْتَقَدَ غَيْرُ وَاحِدٍ بِصِحَّتِهِ، مِنْهُمْ مُعَاصِرُنَا الْفَاضِلُ النَّوْرِيُّ، صَاحِبُ مُسْتَدْرَكَاتِ الْوَسَائِلِ وَ لَكِنْ... (۱)

### حوزه علمی اصفهان و تلاش برای حفظ میراثهای علمی

یکی از خدمات بزرگی که حوزه علمی اصفهان داشته، کوشش برای دستیابی به نسخه های خطی از کتب بزرگان و قدماء علماء شیعه، و حفظ و نشر آنها بوده است، که این عمل بسیار مقدس، در دوره های گوناگون و به وسیله علماء بزرگی که علاقه مند به این خدمت بزرگ بوده اند انجام می گرفته است، که نمونه اعلای این اقدام برجسته، کوششهای علامه مجلسی قدس سره می باشد، که نسخه های کتب

ص: ۵۶۲



قدماء را به دست می آوردند، و پس از مقابله و تصحیح، تکثیر و منتشر می ساختند. و در این زمینه خدمات مرحوم سید شفتی اعلی الله مقامه نیز شایان توجه است، و کتابخانه نفیس آن بزرگمرد (که در بخش کتابخانه های اصفهان از آن یاد نموده ایم) نمایانگر این واقعیت می باشد.

### نمونه ای جالب

یکی از عمو زادگان مرحوم سید شفتی، عالم فاضل، سید ابراهیم کابلی (مدفون در بقعه و مقبره کوچک مسجد سید) می باشد. وی با این که اصلاً رشتی و شفتی و پس از آن اصفهانی بوده (کابلی) خوانده می شود، و دلیل آن این است که مرحوم سید شفتی (مشهور به حجه الاسلام) در صدد بودند که کتاب مدینه العلم صدوق را به دست آورند، و به ایشان گفته شد، که نسخه آن در کابل وجود دارد، لذا مرحوم سید، آقا سید ابراهیم را به آن شهر و منطقه روانه کردند، و آن بزرگوار مدتی طولانی توقف نموده و به جستجو پرداخت ولی متأسفانه موفق به تحصیل کتاب نگردید(۱)، و از این داستان، به خوبی اهتمام مرحوم سید شفتی (زعیم حوزه علمیه اصفهان) در تحصیل و فراهم آوردن میراثهای گرانبهای علمی شیعه، روشن می گردد.

### شهریه مختصر برای طلاب حوزه علمیه، مانع رشد علمی و اجتماعی آنها نمی شود

در همه ادوار تاریخ حوزه های علمیه، مشکلات مالی برای طلاب آن حوزه ها، مطرح بوده است، و اگر کسی از طریق پدر یا یکی از بستگان فامیلی

ص: ۵۶۳

یا اجتماعی، کمک ویژه ای دریافت نمی نموده، در تنگدستی شدیدی قرار می گرفته، ولی عموماً طلاب حوزه های علمیه شیعه، که با انگیزه های معنوی و هدف های والای علمی و روحی، به حوزه های علمیه گام می گذاشته اند، همه این مشکلات را بر خود هموار می نموده اند. مثلاً، در دوره صفویه، که حوزه علمیه اصفهان، از پر رونق ترین حوزه های علمیه بوده، و در پایتخت کشور قرار داشته، وضعیتی حاکم بوده که شرح آن را ذیلاً می خوانیم:

مدارس علمیه، شهریه معینی داشت که بر حسب رتبه درسی طلبه ها، پرداخت می شد و ملاً صالح مازندرانی ( داماد ملاً محمد تقی « مجلسی اول » و همسر آمنه بیگم ) وقتی وارد اصفهان شد، در اوائل تحصیل خود، سهمیه اش از بودجه طلاب، روزی دو غاز(۱) بود، که تکافوی خوراک تنها را هم نمی کرد، چه رسد برای تأمین سایر نیازمندیهای زندگی، و لذا مدتی گذشت و نتوانست چراغی برای مطالعه خود تهیه نماید، و از چراغ دستشویی ها، استفاده می کرد و تا صبح، روی پا می ایستاد و مطالعه می نمود، و در اثر این جدیت و پشتکار به زودی لایق شرکت در درس ملاً محمد تقی مجلسی، و سپس مفتخر به دامادی آن بزرگمرد شد، و آمنه بیگم ( آن مجتهد نامدار، و آن بانوی اهل تحقیق و فقه واجتهاد ) به همسری آن عالم سخت کوش در آمد(۲).

ص: ۵۶۴

- 
- ۱- سگه ای است، و آن جزئی از اجزاء قران قدیم است و در بعضی شهرها هر قران که برابر با ریال کنونی است به بیست شاهی و هر شاهی به دو پول و هر پول به دو چندک و هر چندک به دو غاز تقسیم می شده است. ( لغت نامه دهخدا )
  - ۲- بحار الأنوار، چاپ اسلامی، جلد ۱۰۵، صفحه ۱۲۴

۱۱- اصفهان، خاستگاه و محلّ پرورش چهره های بزرگ مرجعیّت و زعامت علمی و دینی جهان تشیّع

اشاره

ص: ۵۶۵



**اصفهان خاستگاه و محلّ پرورش چهره های بزرگ مرجعیت و زعامت علمی و دینی شیعه یکی از مفاخر بزرگ علمی و اجتماعی اصفهان ، این است که در طول چندین قرن ، خاستگاه و یا محل تربیت و پرورش بزرگترین چهره های عالم مرجعیت تقلید و زعامت علمی و دینی جهان تشیع بوده است .**

یکی از مفاخر بزرگ علمی و اجتماعی اصفهان، این است که در طول چندین قرن، خاستگاه و یا محلّ تربیت و پرورش بزرگترین چهره های عالم مرجعیت تقلید و زعامت علمی و دینی جهان تشیع بوده است .

آری ، اصفهان خاستگاه و یا محلّ نشو و نما ، و یا جایگاه درخشش چهره های بزرگ علمی و دینی و زعامت شیعه ، همانند : شیخ بهائی ، میر داماد ، آقا رفیعا نائینی ، ملاّ محمّد باقر سبزواری ( محقق سبزواری ) آقا حسین خوانساری ، علامه ملاّ محمّد تقی مجلسی ، شیخ محمّد بن الحسن شیروانی ( محقق شیروانی ) آقا جمال خوانساری ، علامه ملاّ محمّد باقر مجلسی ، شیخ محمّد بن الحسن اصفهانی ( معروف به فاضل هندی ، و ملقب به تاج الفقهاء ) آقا شیخ محمّد تقی رازی اصفهانی ، سید محمّد باقر شفتی ( حجّه الإسلام ) ، حاج محمّد ابراهیم کلباسی ، آقا میر سید حسن مدرّس ، میر سید محمّد شهبهانی ، آقا سید محمّد باقر چهارسوقی ( صاحب روضات الجنّات ) آقا میرزا محمّد هاشم چهارسوقی ، آقا سید محمّد باقر درچه ای ، آخوند فشارکی ، آقا میر سید محمّد نجف آبادی ، آقا شیخ محمّد تقی نجفی ( آقا نجفی اصفهانی ) حاج میر محمّد صادق مدرّس خاتون آبادی ، و دهها چهره برجسته دیگر ، که در عالم زعامت و مرجعیت دینی ، و ریاست علمی و حوزوی درخشیده اند، و ما در فصول گوناگون این کتاب ، از عظمت و شخصیت و نیز آثار و برکات حیات علمی

و نورانی و معنوی آنها یاد نموده ایم ، و در این بخش ، از چند چهره برجسته ای که در عالم زعامت بزرگترین حوزه های علمیّه شیعه ، و مرجعیت جهانی عالم تشیع در قرن سیزدهم و چهاردهم درخشیده اند ، یاد می نمائیم ، و صفحه زرّینی از صفحات زیبای تاریخ علمی و دینی تشیع و اصفهان را ورق می زنیم :

## ۱- وحید اصفهانی ، مشهور به بهبهانی (استاد الكل)

(۱)

استاد اکبر و مروج مذهب ، علامه ثانی و محقق ثالث ، یگانه و وحید دوران ، و أعجوبه روزگار ، مولی محمد باقر بن محمد اکمل اصفهانی ، معروف و ملقب به « وحید بهبهانی » و « آقا » و موصوف به « مجدد مذهب » ، متولد ۱۱۱۷ و متوفای ۱۲۰۵ قمری .

پدر وحید بهبهانی ، ملا محمد اکمل ، از علماء برجسته بوده ، که علامه بحر العلوم ، در إجازات خود ، او را ( شیخ أجل اکمل ، و مولای أعظم أبجل )

خواننده ، و حاجی نوری در کتاب فیض القدسی ، او را ( جامع فضائل و حاوی فواضل ) معرفی نموده ، و از مشایخ اجازه می باشد .

مادر وحید بهبهانی ، نوه دانشمند محقق و نامدار ، ملا صالح مازندرانی ( داماد ملا محمد تقی مجلسی ) و همسر عالمه اش « آمنه بیگم » دانشمند نامدار خاندان علامه مجلسی ، و دختر مجلسی اول می باشد ، بنابراین ، ملا محمد تقی مجلسی و ملا صالح مازندرانی ، دو جدّ مادری وحید بهبهانی ، و علامه ، ملا محمد باقر مجلسی ، دایی مادر آن بزرگوار می باشند .

ص: ۵۶۸

---

۱- آقا أحمد ، نوه وحید بهبهانی ، که دانشمند و فقیهی محقق و بزرگوار بوده ، در ابتدای کتاب « مرآه الأحوال جهان نما » می نویسد: چنین گوید أحمد بن محمد علی بن محمد باقر الإصفهانی ، المشتهر بالبهبهانی

فرزندان وحید بهبهانی ، یعنی « آقا محمّد علی » و « آقا عبد الحسین » ، از علماء و فقهاء بزرگ بوده اند، و هم چنین در میان برادران و برادر زادگان و خواهر زادگان و نوه های وحید بهبهانی ، علمای بسیاری بوده اند ، که بعضی از آنها همانند آقا سید علی طباطبائی (صاحب ریاض المسائل ) و فرزند برومند او ، آقا سید محمّد مجاهد ، از مفاخر بزرگ شیعه و حوزه های علمیّه به شمار می روند، بنابراین ، خاندان وحید بهبهانی اصفهانی ، یکی از خاندانهای علمی گسترده و پر برکت به شمار می رود(۱).

وحید بهبهانی ، در اصفهان متولد گردیده ، و در محضر پدر دانشمند و بزرگوار خود ، پرورش یافته ، و دروس مقدماتی را تا کتاب سیوطی و حاشیه ، در نزد عمّه خود ( که دارای علم و فضل بوده ) تحصیل نموده(۲).

و نزد پدر بزرگوار خویش ، اصول کافی را خوانده است(۳).

و آنگاه در خدمت پدر ، به بهبهان هجرت نموده ، و بیش از سی سال(۴) در آن شهر ، به تحصیل علم نزد پدر و نیز تدریس و تحقیق و تألیف اشتغال داشته است ، و به همین جهت ، عنوان

ص: ۵۶۹

---

۱- برای آشنائی بیشتر با خاندان پر برکت وحید بهبهانی ، که با خاندانهای بزرگی ، همانند : خاندان علمی مجلسی ، خاندان علمی طباطبائی بروجردی ، خاندان علمی صاحب ریاض المسائل و ... ، در رابطه نزدیک می باشد ، علاوه بر عموم کتب تراجم ، که شرح حال بزرگان این خاندانها را معرفی نموده اند ، به کتاب مرآه الأحوال جهان نما ( تألیف آقا أحمد بن محمّد علی بهبهانی ، نوه وحید بهبهانی ) و نیز کتاب نفیس « وحید بهبهانی » ، ( تألیف نویسنده محقق ، آقای علی دوانی ) که بخش وسیعی را به معرفی افراد خاندان وحید ، اختصاص داده ، مراجعه فرمائید

۲- قصص العلماء تنکابنی ، صفحه ۲۰۲

۳- وحید بهبهانی ، صفحه ۱۱۱

۴- مرآه الأحوال جهان نما ، صفحه ۱۴۸

اصفهانی، که مربوط به زادگاه او بوده، متروک گردیده، و عنوان بهبهانی برای آن بزرگمرد، شهرت یافته است.

وحید بهبهانی، قبل از اقامت در بهبهان، در شهر مقدّس نجف اشرف، علوم عقلی را از محضر علامه محقق، آقا سید محمد طباطبائی بروجردی (جدّ علامه نامدار، آقا سید مهدی بحرالعلوم، و علوم نقلی را، از عالم و محقق نامدار، آقا سید صدرالدین رضوی قمی، مشهور به همدانی (شارح کتاب وافیه تونی) فرا می گیرد، و مراحل علوم عقلی و نقلی را، در مدت زمانی کوتاه، طی می نماید(۱).

آخرین و درخشانترین مرحله عمر وحید بهبهانی، دوره اقامت او در شهر مقدّس کربلاء، و در جوار مرقد مطهر سالار شهیدان، امام حسین علیه السلام می باشد، که بزرگترین چهره های علمی را پرورش داده، و در یک مبارزه مستمر و طولانی، و متکی بر علم و دانش و تحقیق و مناظره و معنویت و تقوی «مسلك اخباری را» که در اثر جهالت جهّال، و تعصب متعصبین، به شکل خطرناکی در آمده بود، از صحنه حوزه علمیه و جامعه شیعه خارج نموده و «مکتب اجتهاد» را به شکلی متین و استوار، و با چهره هائی برجسته و محقق، و دارای مقامات عالیّه معنوی و تقوایی، تقویت و تثبیت نمود، و خطّ مشی فکری حوزه های علمیه را، بر مبنای مسلك اجتهاد، استوار ساخت. وحید بهبهانی، شاگردانی بسیار پرورش داده، که بسیاری از آنها، حوزه های علمیه پربرکت و با عظمتی را، در شهرهای گوناگون، تأسیس و یا اداره می نمودند، و از بزرگترین مفاخر علمی قرن سیزدهم به شمار می روند، همانند:

ص: ۵۷۰



- ۱- علامه و فقیه نامدار ، آقا سید مهدی بحر العلوم ، زعیم و مرجع تقلید شیعه در حوزه علمیّه نجف اشرف
- ۲- علامه و محقق عظیم الشان ، آقا شیخ جعفر کبیر (کاشف الغطاء) ، زعیم و مرجع تقلید شیعه ، در حوزه نجف اشرف
- ۳- فقیه و اصولی و مفسر بزرگ ، آقا سید مهدی شهرستانی ، زعیم حوزه علمیّه کربلاء .
- ۴- فقیه و اصولی محقق و نامدار ، آقا سید علی طباطبائی ( صاحب کتاب ریاض المسائل ) ، خواهر زاده و داماد مرحوم وحید بهبهانی .
- ۵- اصولی و محقق عالی مقام ، میرزا أبو القاسم گیلانی ( معروف به میرزای قمی ، و صاحب قوانین الاصول ) زعیم و پرچمدار شیعه ، در حوزه علمیّه قم .
- ۶- فقیه و حکیم عالیقدر ، و جامع معقول و منقول ، ملا مهدی نراقی ، زعیم و پیشوای شیعه ، در شهر و حوزه علمیّه کاشان .
- ۷- علامه محقق و فقیه مدقق ، آقا سید محسن أعرجی کاظمینی ، زعیم حوزه علمیّه کاظمین .
- ۸- فقیه و اصولی بزرگ و ( شهید ) ، آقا میرزا مهدی خراسانی ، پیشوا و زعیم بزرگ دینی ، در مشهد مقدس .
- ۹- محقق و مجتهد عظیم الشان ، آقا شیخ أسد الله کاظمینی ، ( صاحب کتاب شریف مقابس الأنوار ) .
- ۱۰ - فقیه محقق و نامدار ، آقا سید جواد عاملی ، ( صاحب کتاب ارزشمند و عظیم مفتاح الكرامه ) .
- ۱۱ - فقیه و اصولی محقق ، و مرجع عالیقدر ، آقا شیخ محمد تقی اصفهانی صاحب کتاب حاشیّه بر معالم ، و زعیم بزرگ در حوزه علمیّه اصفهان ) .

۱۲ - فقیه و زعیم نامدار شیعه ، آقا سید محمد باقر شفتی اصفهانی (معروف به سید شفتی ، و ملقب به حجّه الاسلام ) زعیم حوزه علمیه اصفهان .

۱۳ - فقیه و اصولی زاهد و نامدار ، حاج محمد ابراهیم کرباسی ( کلباسی ) زعیم و پیشوای دینی ، در شهر اصفهان .

۱۴ - فقیه جامع و اخلاقی نامدار ، حاج ملا احمد نراقی ، زعیم و پیشوای بزرگ ، در شهر و حوزه علمیه کاشان.

۱۵ - مجتهد و رهبر عالیقدر ، سید دلدار علی هندی ، پیشوای عظیم الشأن شیعه در کشور هندوستان .

و نیز دهها مجتهد و محقق و مؤلف و پیشوای دینی دیگر ، که در اطراف و اکناف بلاد اسلامی ، مخصوصاً در ایران و عراق ، به فعالیت های علمی و تحقیقی و تبلیغ و ارشاد دینی ، اشتغال داشته اند .

شاگردان بزرگ و نامدار مرحوم وحید بهبهانی ، هرکدام با بهره گیری از مبانی علمی و افکار و اندیشه های استاد بزرگ و محقق خویش ، هرکدام به شکلی خاص و منطبق با افکار و نظریات خود ، به نحو مفصل و دلپذیر ، مباحث فقهی و اصولی را تنظیم نموده ، و به شکل کتابهایی برجسته ، عرضه کرده اند ، همانند : قوانین الاصول میرزای قمی ، کشف الغطاء شیخ جعفر کبیر ، ریاض المسائل آقا سید علی طباطبائی ، مقابس الأنوار آقا شیخ أسد الله تستری ، حاشیه معالم آقا شیخ محمد تقی رازی اصفهانی و ...

تألیفات وحید بهبهانی را در بعضی از کتب تراجم ، چهل و چهار کتاب و رساله به شمار آورده اند (۱) و در برخی دیگر ، نزدیک شصت عنوان ذکر

ص: ۵۷۲

کرده اند (۱) ولی نویسنده محقق، آقای حاج شیخ علی دوانی، پس از تحقیقات گسترده در کتابخانه های گوناگون قم و تهران و سایر شهرستانها، شمار تألیفات وحید بهبهانی را به هفتاد و دو عنوان رسانیده است (۲).

و نکته مهم و قابل توجه این است که تألیفات « وحید بهبهانی »، متین و پرفایده، و مشتمل بر تحقیقات و اندیشه های نو می باشد، و معانی بسیار و ارزشمندی را در عبارات کوتاه و شیوا، بیان نموده است، و در بسیاری از مباحث اصولی و اجتهادی، نظریاتی دارد، که گذشتگان بر او پیشی نگرفته اند.

و در یک کلام، گسترش فعالیت های علمی، و تدریس و تحقیق وحید بهبهانی و نیز، نوآوری ها و پایه گذاری های آن چهره درخشان، و همچنین عظمت تألیفات آن بزرگمرد، و شاگردان کم نظیری که تربیت نموده، همه و همه، سبب شده است که، به عنوان « مجدّد دین در رأس سده سیزدهم » و « وحید بهبهانی » و « علامه بهبهانی » خوانده شود، و صاحب جواهر و شیخ اعظم أنصاری، او را با عناوین ذیل بستانند (۳). « استاد الكل » و « استاد أكبر » و « محقق بهبهانی » در بسیاری از کتب تراجم و رجال، همانند: روضات الجنّات، الکرام البرره، أعيان الشّيعه، الكنى و الألقاب، فوائد الرّضويّه، رجال أبوعلى ( منتهى المقال ) نجوم السّماء، تکمله أمل الأمل، مصفّى المقال، مرآه الأحوال، وحید بهبهانی و ...، درباره عظمت و آثار وحید بهبهانی بحث و بررسی انجام گرفته،

ص: ۵۷۳

---

۱- روضات الجنّات، ص ۱۲۳، و الکرام البرره، ص ۱۷۳ و فوائد الرّضويّه، ص ۴۰۴

۲- وحید بهبهانی، صفحه ۱۴۵ تا ۱۴۸

۳- وحید بهبهانی، صفحه ۱۳۶

و بسیاری از مفاخر علمی قرن سیزدهم و چهاردهم ، با عبارات بسیار جالب و فصیح و بلیغ ، از عظمت وحید بهبهانی یاد نموده اند ، که ذیلاً به پنج نمونه از آنها اکتفا می نمایم :

۱- علامه ، آقا سید مهدی بحر العلوم : شَيْخُنَا الْعَالِمُ الْعَلَامَةُ ، وَ اسْتَأْذَنَا الْجَبْرُ الْفَاضِلُ الْفَهَامَةُ ، الْمَحَقُّقُ النَّحْرِيُّ وَ الْفَقِيهُ الْعِيدِيْمُ النَّظِيْرُ ، بَقِيَّةُ الْعُلَمَاءِ وَ نَادِرُهُ الْفَضْلَاءِ ، مَجِيْدٌ مَا اَنْدَرَسَ مِنْ طَرِيْقِهِ الْفَقَهَاءِ ، وَ مُعِيْدٌ مَا اَنْمَحَى مِنْ اَثَارِ الْقَدَمَاءِ ، الْبَحْرُ الرَّاحِرُ ، وَ الْاِمَامُ الْبَاهِرُ ، الشَّيْخُ مُحَمَّدٌ باقر بن ... الْمَوْلَى مُحَمَّدٌ اَكْمَلُ ... (۱).

۲- أبوعلی حائری ، رجالی نامدار : اسْتَأْذَنَا الْعَالِمُ الْعَلَامَةُ ، وَ شَيْخُنَا الْفَاضِلُ الْفَهَامَةُ ، جَامِعُ الْمَعْقُولِ وَ الْمَنْقُولِ ، حَاوِي الْفُرُوعِ وَ الْأَصُولِ ، مُؤَسَّسٌ مِلَّةِ سَيِّدِ الْبَشَرِ فِي رَأْسِ الْمَاءِ الثَّانِيَةِ عَشَرَ ( الثَّالِثَةِ عَشَرَ ) ، الْأَجَلُّ الْأَكْمَلُ ، مَوْلَانَا وَ مَلَاذُنَا ، أَلَا غَا مُحَمَّدٌ باقر بن مُحَمَّدٌ اَكْمَلُ ... (۲).

۳- صاحب روضات الجنات : أَلْعَلَمُ الْعَالِمُ الرَّبَانِيُّ ، وَ الْقَمَرُ الطَّالِعُ الشَّعْشَعَانِيُّ ، مُرَوِّجُ الْمِيْذَهَبِ وَ الدِّينِ ، وَ مُعَلِّمُ الْفَقَهَاءِ وَ الْمُجْتَهِدِيْنَ ، مَوْلَانَا الْاِقَا مُحَمَّدٌ باقر بن الْمَوْلَى مُحَمَّدٌ اَكْمَلُ الْاِصْبَهَانِيِّ ، ثُمَّ الْفَارَسِيُّ الْبِهْبَهَانِيِّ ... (۳).

۴- علامه نامدار ، حاج آقا بزرگ طهرانی : مُجَاهِدٌ كَبِيْرٌ ، وَ مُؤَسَّسٌ مُحَقَّقٌ ، وَ اَشْهَرُ مَشَاهِيْرِ عُلَمَاءِ الْاِمَامِيَّةِ وَ اَجْلُهُمْ فِي عَضِيْرِهِ ... (۴).

۵- محدث قمی : رُكْنُ الطَّائِفَةِ وَ عِمَادُهَا ، وَ اَوْرَعُ نُسَاكِهَا وَ عِبَادِهَا ... صَاحِبُ الْفِكْرِ الْعَمِيْقِ وَ الدَّهْنِ الدَّقِيْقِ ، الَّذِي عَجَزَ الْبُلْغَاءُ عَنْ عَدِّ مَدَائِحِهِ ، وَ شَرَحَ فَضْلِهِ وَ اَخْلَاقِهِ

ص: ۵۷۴

۱- أعيان الشيعة ، چاپ جدید ، جلد ۹ ، صفحه ۱۸۲

۲- منتهی المقال ، جلد ۱ ، صفحه ۴ - ۵ ( دبیاجه کتاب )

۳- روضات الجنات ، صفحه ۱۲۳

۴- ألكرام البرره ، صفحه ۱۷۱

وَعِبَادَتِهِ ، الْمُحَقِّقُ الثَّلَاثُ وَالْعَلَامَةُ الثَّانِي ، شَيْخُ الْمَشَايخِ ، أَلُوْحِيدُ الْبَهْبَهَانِيُّ (١).

### داستانهایی جالب و شیرین

در جریان زندگی و مبارزات وحید بهبهانی ، قضایای جالب و عجیبی رخ داده ، که ذیلاً به چند نمونه از آنها اشاره می نمائیم :

۱- مرحوم وحید بهبهانی ، در اثر مشکلاتی که پیش آمده بود ، در اندیشه خارج شدن از شهر مقدس کربلاء ، و هجرت به یکی دیگر از شهرها بودند ، که در عالم رؤیاء ، شرفیاب محضر مقدس حضرت سید الشهداء علیه السلام گردیدند ، و آن حضرت فرمودند : راضی نیستم از شهر من خارج شوی ، و در اثر این دستور و عنایت امام حسین علیه السلام ، آن بزرگمرد عازم بر اقامت مستمر در شهر کربلاء گردیدند (٢).

۲- در هنگامی که علامه بهبهانی ، به زیارت حضرت سید الشهداء علیه السلام ، مشرف می شدند ، در ابتداء ، آستانی کفش کن حرم را می بوسیدند ، و روی مبارک خود را ، به آستان مقدس آن حضرت می مالیدند ، و پس از آن ، با خضوع و خشوع کامل ، و با رقت قلب ، به داخل حرم وارد می گردیدند ، و مشغول زیارت می گشتند ، و در مصیبت آن حضرت ، کمال اهتمام را مراعات می نمودند (٣).

۳- در هنگامی که مرحوم وحید بهبهانی به مراحل پیری و ضعف رسیده بودند ، و از تدریس فعال و گسترده بازمانده بودند ، به قصد تبرک و کسب فیض

ص: ۵۷۵

۱- فوائد الرضویه ، جلد ۲ ، صفحه ۴۰۴

۲- روضات الجنات ، صفحه ۱۲۳ ، و فوائد الرضویه ، صفحه ۴۰۷

۳- قصص العلماء ، صفحه ۲۰۲ ، وحید بهبهانی ، صفحه ۱۳۹

معنوی ، شرح لمعه مرحوم شهید را به شکل سطحی ، تدریس می نمودند ، و جمعی از شاگردان آن بزرگمرد ، تبرکاً در مجلس درس شرکت می جستند ، از قضا روزی یکی از شاگردان ، به نام آقا سید زین العابدین لاهیجی ، محترم گردیده بوده ، و تا وقت درس فرصتی باقی نبوده که غسل جنابت بنماید ، و تصمیم می گیرد که بدون غسل در جلسه درس شرکت کند ، و پس از آن برای غسل به حمام برود ، وقتی آقا وارد مجلس می شوند ، با کمال بهجت و شادمانی به اطراف مجلس ، و چهره شاگردان نگاه می کنند ، ناگاه نظرشان به آقا سید زین العابدین می افتد ، و قیافه ایشان در هم کشیده می شود ، و آثار غم و اندوه ظاهر می گردد ، و می فرمایند : امروز درس نیست ، به منزلهایتان بروید ، پس یکی یکی شاگردان می روند ، و وقتی نوبت به آقا سید زین العابدین می رسد ، می فرمایند : بنشین ، و وقتی مجلس خلوت می شود ، می فرمایند : در آنجا که نشستهای پولی در زیر فرش هست بردار و برو غسل کن ، و از این پس ، با جنابت در چنین مجلس حاضر مشو پس ، آقا سید زین العابدین ، با کمال تعجب ، از کرامت آقا و کشف آثار جنابت در چهره او ، خارج شده ، و به حمام می رود ، و غسل می نماید (۱).

۴- در هنگامی که وحید بهبهانی ، حاشیه بر کتاب « مدارک الأحکام » فقیه بزرگ ، آقا سید محمد عاملی ( نوه دختری شهید ثانی ، و از شاگردان بزرگ محقق مقدس اردبیلی ) را نوشتند ، و اشکالاتی بر نظریات صاحب مدارک وارد نمودند ، شبی در عالم رؤیا به حضور آن بزرگمرد رسیدند ، و با کمال خضوع به ایشان عرضه داشتند ، که من در حاشیه ، نسبت به شما بی ادبی ها کرده ام ، اگر

ص: ۵۷۶

راضی نیستید پاره کنم ، صاحب مدارک فرمودند : خوب کرده ای ، من از تو راضیم ، خدا از تو راضی باشد(۱).

۵- مرحوم وحید بهبهانی ، با یکی از علماء بزرگ ، به نام آقا شیخ مهدی فتونی در نجف اشرف ، در مسئله ای بحث و مناظره شدید داشته اند ، یکی از علماء عظیم الشان به نام آقا باقر هزار جریبی مازندرانی ، در عالم رؤیا شرفیاب محضر حضرت بقیه الله الأعظم (عج) می شود، و آن حضرت می فرمایند :

يا باقرِ قُلْ لِلْفُتُونِي ، الْحَقُّ فِي الْمَسْئَلَةِ مَعَ الْبَاقِرِ

یعنی : ای باقر ! ( منظور آقا باقر هزار جریبی است ) به فتونی بگو ، حق در این مسئله با ، باقر است ( منظور آقا باقر بهبهانی می باشد ) (۲).

۶- فرزند بزرگ و دانشمند وحید بهبهانی ( یعنی آقا محمد علی ) ، میل داشت که به درس صبغه الله أفندی ( علامه بغداد ) برود، و وحید بهبهانی اجازه نمی فرمودند ، و در اثر اصرار آقا محمد علی ، بنا را بر استخاره گذاردند،

و در سر صفحه ، این آیه به نظر آمد:

إِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ وَهُوَ يَعِظُهُ، يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ، إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ

پس آقا محمد علی قانع گردید(۳) و معلوم شد ، حضور در درس مخالفین مکتب أهل البيت عليهم السلام ، نوعی از شرک می باشد .

۷- مرحوم وحید بهبهانی ، ( رهبر و زعيم مسلک اجتهاد ) و مرحوم صاحب حدائق ( رهبر و زعيم مسلک اخباری ) در ضمن این که به صورت علمی

ص: ۵۷۷

---

۱- وحید بهبهانی ، صفحه ۱۳۵ - ۱۳۶ به نقل از زنوزی در ریاض الجنه

۲- وحید بهبهانی ، صفحه ۱۳۶ ، به نقل از ریاض الجنه زنوزی ، ( از شاگردان وحید بهبهانی )

۳- روضات الجنات ، صفحه ۱۲۳ ، و قصص العلماء

و اصولی، اختلاف نظر داشتند، ولی شخصاً احترام زیادی برای یکدیگر قائل بوده اند، تا آنجا که مرحوم صاحب حدائق وصیت نموده بودند که، مرحوم وحید بهبهانی بر جنازه آن بزرگمرد نماز بخوانند(۱) و چنین هم شد، و مرحوم بهبهانی بر جنازه صاحب حدائق نماز خواندند(۲).

و اینک به داستانی جالب از آن دو بزرگمرد، توجه نمائید:

صاحب تکمله (مرحوم آیه الله صدر) فرموده: که خبر داد به من عبد صالح، حاجی کریم، فراش صحن شریف حضرت سید الشهداء علیه السلام، که شبی مُنادی حرم اعلام نمود، که درهای حرم بسته می شود، خارج شوید، مرحوم صاحب حدائق و وحید بهبهانی که در حال بحث و مکالمه بودند، از حرم خارج شدند و در رواق ایستادند، و به بحث علمی خود ادامه دادند، منادی حرم ندا داد که درهای رواق بسته می شود، خارج شوید، آن دو بزرگوار خارج شدند، و در صحن ایستادند، و به مباحث علمی خود ادامه دادند، تا آن که منادی حرم ندا داد که درهای صحن بسته می شود، و آنها از دیر قبله خارج شدند و پشت در صحن، به بحث و گفتگوی علمی ادامه دادند، و وقتی که در هنگام سحر (قبل از طلوع فجر) آمدم برای باز کردن درهای صحن مطهر، دیدم هنوز ایستاده اند و به بحث و مناظره علمی خود مشغول می باشند، و من مبهوت شدم از این همه بحث و گفتگوی طولانی علمی، و آنها ادامه دادند تا اذان صبح شد، و مرحوم صاحب حدائق برای اقامه جماعت، به حرم شریف، مشرف گردیدند، و مرحوم

ص: ۵۷۸

۱- صاحب حدائق، در ضمن این که مسلک اخباری داشتند، شدیداً از جهالت ها و تعصبات شدید اخباری ها رنج می بردند، و با احترامی که برای وحید بهبهانی قائل می گردیدند، به شکلی لطیف، مبارزات مرحوم وحید بهبهانی را با تندروری های اخباریین، حمایت می نمودند

۲- فوائد الرضویه، جلد ۲، صفحه ۴۰۷، به نقل از تکمله مرحوم آیه الله صدر



بهبهانی نیز، عبای خود را بر روی سکوی صحن مطهر فرش نمودند، و پس از اذان و اقامه، به نماز صبح ایستادند، و پس از فراغ از نماز، به سوی خانه خود که در آن نزدیکی بود، رهسپار گردیدند(۱).

علل موفقیت برجسته وحید بهبهانی

از وحید بهبهانی به صورت کتبی، سؤال شد که، به چه وسیله ای به این همه موفقیت نائل گردیده اید؟ آقا، در جواب نوشتند:

من ابداً خود را چیزی نمی دانم، آنچه ممکن است من را به این مقام رسانده باشد، این است که، هیچ گاه خودم را چیزی به حساب نمی آوردم، و در تعظیم علماء و بزرگداشت آنها، و ذکر نام آنها به نیکی، خودداری نمودم، و هیچ وقت اشتغال به تحصیل را تا آنجا که در قدرت و توان داشتم، ترک نکردم، و همیشه آن را بر هر کاری مقدم می دارم(۲).

ماده تاریخی بسیار جالب

در بیان تاریخ وفات مرحوم وحید بهبهانی، سروده اند:

شرع بی دل، فضل بی سر، زهد شد، بی پا و سر

یعنی از کلمه (شرع)، دل آن را که «ر» است حذف کنید، و از کلمه (فضل) سر آن را که «ف» است حذف نمایید، و از کلمه (زهد) سر و پای آن را که «ز» و «د» است حذف نمایید، و از باقی مانده حروف این کلمات، یعنی «ش» و «ع» و «ض» و «ل» و «ه» طبق قانون ابجد، تاریخ ۱۲۰۶ را، که زمان

ص: ۵۷۹

---

۱- فوائد الرضویه، جلد ۲، صفحه ۴۰۶ - ۴۰۷، وحید بهبهانی، صفحه ۱۲۴

۲- الکنی و الألقاب، محدث قمی، جلد ۲، صفحه ۱۱۰، و روضات الجنات صفحه ۱۲۴

وفات آقا، وحید بهبهانی است، استخراج نمائید.

و البته مرحوم آقا محمد علی بهبهانی (فرزند بزرگ وحید) در ماده تاریخ دیگری چنین می گوید:

رفتی ز دنیا باقر علم

که به حروف أبجد، مطابق عدد ۱۲۰۵ می باشد (۱).

## ۲- آیه الله العظمی، آقا شیخ محمد حسین اصفهانی (صاحب فصول)

فقیه بزرگ و اصولی محقق و مدقق، جامع علوم عقلی و نقلی، مرحوم آقا شیخ محمد حسین اصفهانی حائری، متوفای ۱۲۵۴ قمری. وی از چهره های برجسته عالم تحقیق و تألیف بوده، و فکری عمیق و اندیشه ای بلند داشته، و از جمله علماء مؤسس و مبتکر، به شمار آمده است (۲).

آن بزرگمرد، به همراهی برادر خود، محقق نامدار و مرجع عظیم الشأن، و زعیم و رئیس حوزه علمی بزرگ اصفهان، آقا شیخ محمد تقی رازی اصفهانی (صاحب حاشیه بر معالم) و سرسلسله خاندان بزرگ علمی نجفی (مسجد

ص: ۵۸۰

۱- در باره تاریخ وفات وحید بهبهانی، در میان اعلام رجال و فقه، از شاگردان آن بزرگمرد و سایر نویسندگان تراجم، اختلاف است، بدین ترتیب: (۱۲۰۵، ۱۲۰۶، ۱۲۰۸) و تاریخ ۱۲۰۶ مطابق نوشته آقا سید صدر الدین عاملی و مرحوم سید شفتی (که هر دو از شاگردان وحید بوده اند) می باشد، و تاریخ ۱۲۰۸، مطابق نوشته صاحب روضات و علامه نوری در مستدرک و محدث قمی و صاحب اعیان الشیعه می باشد، و تاریخ ۱۲۰۵، مطابق نظر زنوزی در ریاض الجنه و آقا احمد (نوه وحید بهبهانی) در مرآه الأحوال جهان نما و نیز حاج آقا بزرگ طهرانی در آلکرام البرره، می باشد

۲- الکرام البرره، جلد ۱، صفحه ۳۹۰

شاهی) به اصفهان وارد گردید، و مدّت زمانی طولانی، در حوزه علمیّه اصفهان و در محضر برادر عظیم الشّان خود، به کسب علوم و معارف الهی پرداخت، و بهره علمی فراوان برد، و سپس به کربلای معلّی هجرت نمود، و در آن حوزه مقدّسه، به ریاست علمی و دینی و مرجعیّت، نائل گردید، و جمع فراوانی از علماء و مجتهدین بزرگ، در محضر و درس او به مقامات علمی و اجتهاد نائل گشتند(۱). در میان آثار علمی و اجتماعی آن استوانه علم و اجتهاد، کتاب شریف (الفصول الغرویّه فی الأصول الفقهیّه) مشهور و معروف به (فصول)، از عظمت برجسته ای برخوردار می باشد، زیرا در برگیرنده تحقیقات فراوان، و توجه به نکات ظریف و دقیق، در مباحث گوناگون اصولی می باشد.

صاحب روضات الجنّات، کتاب فصول را بهترین کتابی که در علم اصول نوشته شده، و جامع ترین کتاب اصولی، از نظر تحقیق و تدقیق، و در برگیرنده ترین تألیف، از نظر اشمال بر فکر عمیق دانسته است(۲).

در ریحانه الأدب، از کتاب فصول، به عنوان أجمع و أكمل کتب اصولیه، و محلّ استفاده اکابر و فحول علماء، یاد شده، و نقل نموده، که فهمیدن مطالب کتاب فصول، و تفتّن بر نکات و دقایق آن، مایه افتخار أفاضل، و بهترین معرّف برای مقام علمی علماء بوده است(۳).

کتاب فصول، تا مدّت زمانی طولانی، در حوزه های علمیّه، محور بحث و تحقیق و تدریس بوده، و به همین جهت، چندین مرتبه به چاپ رسیده(۴).

ص: ۵۸۱

---

۱- الکرام البرره، صفحه ۳۹۰

۲- روضات الجنّات، صفحه ۱۳۱

۳- ریحانه الأدب، جلد ۳، صفحه ۳۸۰

۴- الذّریعه، جلد ۱۶، صفحه ۲۴۰

و حاشیه های فراوانی بر آن نوشته شده است(۱).

### ۳- صاحب جواهر الکلام (فقیه نامدار شیعه)

رکن بزرگ فقه، و استوانه عظیم تحقیق، و مربی نامدار فقهاء و مردان بزرگ اجتهاد، آیت بزرگ عظمت حق، آقا شیخ محمد حسن نجفی اصفهانی، متوفای ۱۲۶۶ قمری به آن بزرگمرد، از عجائب روزگار، و از افتخارات بزرگ عالم فقه و اجتهاد و زعامت دینی و علمی، و از مفاخر برجسته حوزه های علمی و عالم تشیع می باشد. او با تألیف کتاب بی نظیر جواهر الکلام، که در شش مجلد بزرگ (و چهل و سه مجلد به قطع وزیری) بارها به چاپ رسیده، و محور تحقیق و اجتهاد، در حوزه های علمی، و در نزد اندیشمندان بزرگ و مجتهدین عالی مقام می باشد، و بسط و گسترش مباحث فقهی، و دقت و تلاش در استقصای فروع و أدله گوناگون، و تطبیق احکام شرعی با ادله شرعی را، به اوج خود رسانیده، و آینده حوزه های فقه و اجتهاد را، بر سر سفره انعام و إحسان خود نشانیده است، و خود، بر مسند شریف: خاتم الفقهاء و المجتهدین، و مربی العلماء، و شیخ الفقهاء و رئیس الإمامیه، و صاحب زمام الشیعه تکیه زده، و همه فقهای شیعه، بعد از آن بزرگمرد فقه و اجتهاد، از شاگردان او بوده اند، و تعداد بهره گیرندگان از دریای علم و اندیشه او، به شمار و إحصاء در نمی آیند(۲)، و گفته شده که: شمار مجتهدین مسلم از شاگردان آن امام فقه و تحقیق، بالغ بر شصت نفر بوده

ص: ۵۸۲

---

۱- الذریعه، جلد ۶، صفحه ۱۶۴

۲- أعیان الشیعه، چاپ جدید، جلد ۱، صفحه ۱۴۹

و تعداد حائزین رتبه اجتهاد ، از حاضرین مجلس درس آن بزرگوار ، ( اعم )

از عرب و عجم ) به شمار فوق می رسیده است (۱). فقیه و رجالی نامدار ، صاحب روضات ، درباره صاحب جواهر می نویسد : هُوَ وَاحِدٌ عَصِيرَةٌ فِي الْفِقْهِ الْأَحْمَدِيِّ ، وَ أُوحِدُ زَمَانَهُ ، الْفَاتِقُ عَلَى كُلِّ أُوحِدٍ ، مَعْرُوفًا بِالنَّبَالَةِ التَّامَّةِ فِي عُلُومِ الْأَدْيَانِ ، وَ مَوْصُوفًا بَيْنَ الْخَاصِّهِ وَ الْعَامِّهِ بِالْفَضْلِ عَلَى سَائِرِ الْعُلَمَاءِ الْأَعْيَانِ ... ، قَدْ أُوتِيَ بِسَيْطَةٍ فِي اللِّسَانِ عَجِيبَةٍ ، وَسَيَعَهُ فِي الْبَيَانِ غَرِيبَةً ، لَمْ يَرِ مِثْلُهُ إِلَى الْإِنِّ فِي تَفْرِيعِ الْمَسَائِلِ ، وَ لاشْتَبَاهُ فِي تَوْزِيعِ نَوَادِرِ الْأَحْكَامِ عَلَى الدَّلَائِلِ ... (۲) و صاحب اعیان الشیعه ، علاوه بر ستایش هائی که شخصاً در مورد صاحب

جواهر نموده ، از بعض علماء نقل کرده که او فرموده است :

اگر مورخ زمان صاحب جواهر بخواهد حوادث عجیب آن دوره را بنویسد ، حادثه و پدیده ای عجیب تر از تألیف کتاب نفیس و عظیم جواهر الکلام نخواهد یافت و از مرحوم شیخ اعظم أنصاری نقل نموده که فرموده است : کافی است برای مجتهد ( در برنامه های اجتهادی او ) ، که نسخه ای از جواهر الکلام و نسخهای از وسائل الشیعه داشته باشد ، و گاهی نظری در کتب فقهای قدیم بنماید (۳).

و محدث عظیم الشان آقا شیخ عباس قمی می نویسد :

الشَّيْخُ الْأَحْمَلُ الْأَفْقَهُ ، مُرَبِّي الْفَضْلَاءِ وَ شَيْخُ الْفُقَهَاءِ وَ الْأَبُّ الرَّوْحَانِيُّ لِكَافَةِ الْعُلَمَاءِ ، مُرَوِّجُ الْأَحْكَامِ وَ غَوْتُ الْأَنَامِ ، صَاحِبُ جَوَاهِرِ الْكَلَامِ فِي شَرْحِ شَرَايِعِ الْإِسْلَامِ ، الَّذِي لَمْ

ص: ۵۸۳

۱- روضات الجنات ، صفحه ۱۸۱

۲- روضات الجنات ، صفحه ۱۸۱

۳- اعیان الشیعه ، جلد ۱ ، صفحه ۱۴۹

بُصِّئَتْ مِثْلُهُ فِي الْإِسْلَامِ فِي الْحَلَالِ وَالْحَرَامِ ، وَلَقَدْ مَنَّ عَلَى جَمِيعِ الْفُقَهَاءِ بِتَأْلِيفِ هَذَا الْكِتَابِ الشَّرِيفِ وَالْجَامِعِ الْمُنِيفِ ...  
(۱) او با این عبارت ، آن بزرگمرد را ، أَجَلٌّ وَأَفْقَهُ ، و مَرَبِّي فَضْلَاءً ، و بزرگ فقهاء ، و پدر روحانی همه علماء ، و رواج دهنده  
أحكام ، و پناه مردم معرّفی نموده ، و کتاب جواهر را چنین توصیف نموده ، که همانند او در اسلام ( در زمینه حلال و حرام )  
نوشته نشده ، و صاحب جواهر را با نوشتن این کتاب شریف ، مَنَّتِ دَارٌ بِرِهْمَةِ فَقَهَاءٍ ، دانسته است .

مرحوم محدّث قمی ، پس از تمجید و تجلیل فراوان از مرحوم صاحب جواهر ، و اثر بزرگ او ( جواهر الکلام ) ، شرحی  
جالب از خلوص نیت و بدون شائبه ریا و سمعه بودن آن بزرگمرد نوشته ، و بیان داشته است که ، همین امر سبب موفقیت آن  
فقیه بزرگ در اتمام کتاب جواهر و انتشار آن در جمیع نواحی و حوزه های علمیّه ، و در طول زمان بوده است ، و توضیح  
داده که در همان زمان ، بیست نفر از علماء ، مشغول به نوشتن شرح بر شرایع الإسلام بوده اند ، ولی هیچکدام از آنها موفق به  
تکمیل کتاب خود نگردیدند ، و هیچ یک از آن کتابها در جامعه علمی و حوزه های فقهی ، انتشار نیافت (۲).

صاحب جواهر ، از شاگردان شیخ جعفر کبیر ( کاشف الغطاء ) و فرزند او آقا شیخ موسی ، و نیز آقا سید جواد عاملی ( صاحب کتاب مفتاح الکرامه ) بوده است ، و جد مادری او ، شیخ أَجَلٌّ عَلَّامٌ ، أَفْقَهُ الْمَحْدَثِينَ ، مفسّر عظیم القدر ، شیخ أبو الحسن شریف عاملی اصفهانی ( که از شاگردان رفیع الشان علامه

ص: ۵۸۴

---

۱- فوائد الرّضویّه ، جلد ۲ ، صفحه ۴۵۲

۲- فوائد الرّضویّه ، جلد ۲ ، صفحه ۴۵۴

مجلسی به شمار آمده ( بوده است (۱).

خاندان علمی صاحب جواهر، دارای ریشه عمیق و ارزشمند علمی، و فروع و شاخه های گرانقدر می باشد (۲) و در میان خاندانهای علمی شیعه، از عنوان و شهرت بسیار زیادی برخوردار گردیده، و شاخه ای از خاندان علمی آل شریف که از خاندانهای بزرگ و علمی اصفهان و نجف بوده اند، به شمار می رود (۳) و بهمین مناسبت صاحب جواهر را « اصفهانی » می خوانند

#### ۴- میرزای بزرگ شیرازی (امام مجدد)

آیه الله الکبری و حجّه الله علی الأنام، مجدّد الدّین و حافظ عزّه الإسلام و المسلمین، آیه الله العظمی، حاج میرزا محمّد حسن شیرازی، معروف و ملقب به «امام مُجدّد» و «میرزای بزرگ» و «میرزای شیرازی» و متوفای ۱۳۱۲ قمری آن بزرگمرد اصلاً شیرازی بوده اند، و در اصفهان تحصیلات عالیّه نموده، و در حوزه علمیه نجف اشرف به تکامل علمی پرداخته اند، و حوزه علمیه سامراء را تأسیس نموده و رونق بخشیده اند، و در حوزه های نجف و سامراء، به پرورش و تربیت مجتهدین بزرگ و زعماء عالیقدر دینی موفّق گردیده اند.

در دهها کتاب، از عظمت و آثار و برکات میرزای شیرازی، یاد شده، که در مقاله ( کتابنامه میرزای شیرازی ) یکصد عنوان آنها ذکر گردیده، و اظهار امید شده است، که در مقاله ای دیگر، بیش از یکصد عنوان دیگر نیز مورد معرفی

ص: ۵۸۵

۱- فوائد الرّضویّه، جلد ۲، صفحه ۴۵۵

۲- الکرام البرره، جلد ۱، صفحه ۳۱۰ و ۳۱۳ و دائره المعارف تشیّع جلد ۱، صفحه ۱۶۰

۳- ماضی النّجف و حاضرها، ج ۲ ص ۳۹۹ - ۴۰۱، و دائره المعارف تشیّع، ج ۱ ص ۱۸۴

قرار گیرد(۱). علامه محقق و نامدار، حاج آقا بزرگ تهرانی، در کتابی مستقل به نام «هدیه الرازی، الی الإمام المجدد الشیرازی» بررسی جامعی در باره مراحل تکامل علمی، مرجعیت، مقامات معنوی و کرامات، و نیز اساتید و شاگردان و تألیفات آن بزرگمرد انجام داده، و این کتاب مکرراً ترجمه و منتشر شده است

و هم چنین علامه، میرزا محمد علی اردوبادی، کتابی بزرگ به نام «حیاه الإمام المجدد الشیرازی» تألیف نموده، که در شرح حال میرزای شیرازی و بسیاری از معاصرین و شاگردان آن بزرگمرد می باشد، و مقدمه ای به شمار می رود، برای کتاب بزرگ دیگری (در ششصد صفحه) به نام «سبائیک التبر فیما قیل فی الإمام المجدد الشیرازی و آله من الشعر» که مشتمل بر شرح حال شعرائی است که در مدح و مرثیه میرزای شیرازی و خاندان او، شعر سروده اند(۲).

و علامه عظیم الشان، آقا سید محسن امین عاملی، در کتاب اعیان الشیعه، در یک بررسی جامع، در یک مقاله بسیار مفصل، در ضمن شش صفحه بزرگ، در جلد پنجم، از چاپ جدید، از صفحه ۳۰۴ تا ۳۱۰، ابعاد گوناگون زندگی و آثار آن بزرگمرد را مورد بحث قرار داده است.

و نیز، مجله حوزه، به عنوان «یادواره صدمین سال درگذشت میرزای بزرگ» دو شماره ۵۰ و ۵۱ خود را در یک جلد منتشر نموده، و به بحث و بررسی مفصّلی در باره آن بزرگمرد پرداخته، و تحت عناوینی، همانند: نگرشی به مکتب سامراء، نظام آموزشی مکتب سامراء، روش فقهی مکتب سامراء، بودجه

ص: ۵۸۶

---

۱- مجله حوزه، شماره ۵۰ و ۵۱ از صفحه ۳۹۷ تا ۴۳۰

۲- الذریعه الی تصانیف الشیعه، جلد ۷، صفحه ۱۱۶ و جلد ۱۲، صفحه ۱۲۴ و نقباء البشر، جلد ۱، صفحه ۴۳۷



حوزه سامراء ، مکتب سامراء و تبلیغ و امور اجتماعی و سیاسی ، مرجعیت میرزا، فتوای تحریم تنباکو و پیامدهای آن ، روحانیون در نهضت تنباکو ، سیره اخلاقی میرزا ، مروری بر زندگی و اساتید میرزا ، ألقاب و عناوین میرزا ، آثار و تألیفات میرزای شیرازی ، کتابنامه میرزای شیرازی و ... ، به بحث درباره عظمت و آثار آن چهره نامدار و آبروی تشیع و حوزه های علمیّه ، پرداخته است

میرزای شیرازی ، در اثر علم و تقوای برجسته ، و با دارا بودن مقامات معنوی و کرامات، منشأ آثار و برکات بسیار گسترده و درخشانی در حوزه علمیّه و جامعه شیعه بوده اند ، که از میان آنها تأسیس و رونق بخشیدن به حوزه علمیّه سامراء ، تربیت دهها مرجع تقلید و مجتهد عالیقدر ، و صدها مدرّس و عالم بزرگ ، و هزاران مبلغ و مروج دین ، و نیز تثبیت و تقویت موقعیت شیعه و روحانیت و حوزه علمیّه ، در منطقه سنّی نشین سامراء و ... ، به شمار می رود ، و از همه اینها مهمتر ، حفظ استقلال شیعه و کشور ایران ، به وسیله فتوای تحریم تنباکو می باشد (۱) که سرفصلی بسیار مهم ، در تاریخ حوزه های علمیّه ، و عالم مرجعیت شیعه ، و کشور ایران ، محسوب گردیده است .

در میان کرامات بسیاری که از میرزای شیرازی نقل گردیده ( و مرحوم حاج آقا بزرگ تهرانی دوازده عدد از آنها را ، در کتاب « هدیه الرّازی » نقل نموده ) داستان ظهور عنایت خاصّ حضرت بقیه الله الأعظم ، حجه بن الحسن العسکری (عج)

ص: ۵۸۷

---

۱- نهضت تنباکو و فتوای تحریم تنباکو از جانب میرزای شیرازی ، موضوع بحثهای بسیار ، از نظر تاریخی و سیاسی و اجتماعی می باشد ، و در این زمینه کتابها و مقاله های زیادی نوشته شده ، و در عموم کتب تاریخی و تراجم و دائره المعارف ها ، مورد بحث و بررسی قرار گرفته ، و نقش روحانیت و مرجعیت شیعه و شخصیت میرزای شیرازی ( به عنوان محور حرکت و عامل پیروزی ) معرفی شده است

نسبت به آن بزرگمرد، در جریان تحریم تنباکو، از اهمیت خاصی برخوردار می باشد، و خلاصه آن قضیه چنین است:

مرحوم میرزای شیرازی در جلسه ای که با شاگردان مخصوص خود داشتند،

صورت تلگرافی را در آوردند با این عبارت:

(أیوم استعمال تنباکو و دخانیات، در حکم محاربه با امام زمان علیه السلام است)

و فرمودند: این تلگراف از ناحیه مقدسه، شرف صدور یافته است، این گونه فرمودند صادر کنیم (۱).

### انگیزه هجرت میرزای شیرازی به اصفهان، واسانید او

میرزای شیرازی در اثر نبوغ خارق عادت، تمامی مراحل تحصیل و تعلیم و تعلم فارسی و قرائت و کتابت و آموزش خط را، از چهار سالگی (۲) به مدت دو سال و نیم سپری نمود، و سپس از شش سال و نیم تا هشت سالگی، مقدمات علوم عربی را تحصیل کرد، و به پایان برد، و به خواندن کتب متعارفه فقه و اصول پرداخت، و در دوازده سالگی در درس شرح لمعه آقا شیخ محمد تقی، (که بزرگترین مدرّس شرح لمعه در شیراز بود) شرکت می جست، و تمامی عبارات مشکل را قبل از حضور در جلسه درس حل می نمود، و نظرات خودش را می نوشت و پس از مدتی به استاد عرضه می کرد، مرحوم آقا شیخ محمد تقی

ص: ۵۸۸

- 
- ۱- مجله حوزه، شماره ۵۰ - ۵۱، ۱۳۷۱ شمسی، صفحه ۴۲، به نقل از مرحوم آیه الله میرزا علی آقا نائینی، به نقل از پدرشان، مرحوم آیه الله العظمی میرزا حسین نائینی، (از شاگردان میرزای شیرازی)
  - ۲- مرحوم میرزا، دقیقاً چهار سال و پانزده روز داشته، که شروع به تحصیل نموده است، (میرزای شیرازی، صفحه ۳۰)

( استاد میرزا ) پس از بررسی و دقت در نوشته ها ، چنین گفت :

شیراز دیگر کسی را ندارد که تو از او استفاده بری لازم است به اصفهان ، که امروز دار العلم است مهاجرت کنی زیرا استادانی همچون ، آقا شیخ محمد تقی رازی ( صاحب حاشیه بر معالم ) و حجه الاسلام ، آقا سید محمد باقر ( صاحب مطالع الأنوار ) و حاجی کرباسی صاحب الإشارات و المنهاج ) در آنجا به تدریس اشتغال دارند(۱).

میرزای شیرازی ، در اثر این راهنمایی بزرگ و خیرخواهانه ، به اصفهان هجرت نمود، و در مدرسه صدر اقامت جست(۲) و در محضر اعلام فقه و اصول همانند : آقا شیخ محمد تقی رازی و آقا سید حسن مدرس و حاج محمد ابراهیم کرباسی ( کلباسی ) به کسب علم پرداخت ، و به مراحل عالی فقه و اجتهاد نائل گردید و سپس به حوزه کربلا و نجف هجرت نمود، و از محضر آقا سید ابراهیم قزوینی ( صاحب ضوابط الاصول ) و آقا شیخ حسن آل کاشف الغطاء ، و صاحب جواهر الکلام، و شیخ اعظم أنصاری و دیگران بر کمالات علمی و معنوی خود افزود ، و در حال استقرار بر قله رفیع علم و تقوی و معنویت ،

بر کرسی زعامت و مرجعیت عامه شیعه ، تکیه زد آثار فقهی و علمی میرزای شیرازی ، اعم از تألیفات خود ایشان ، یا تقریرات درسهای آن بزرگوار ، و تعلیقات و حاشیه هائی که بر کتب دیگران داشته اند ، و نیز رساله های عملیه و مجموعه هائی که از فتاوی آن بزرگمرد ، گرد آوری

ص: ۵۸۹

---

۱- میرزای شیرازی ، صفحه ۳۰ - ۳۱ و مجله حوزه ، شماره ؛ ۵۰ - ۵۱ ، صفحه ۳۵۸

۲- میرزای شیرازی ، صفحه ۳۲

شده ، به پنجاه و دو عنوان می رسد(۱).

شمار شاگردان و بهره جویندگان از دریای مَوَاج علم و دانش آن فقیه و مرجع بزرگ ، که در حوزه های علمیّه نجف و سامراء ، به کسب علم و اجتهاد مفتخر گردیده اند ، و عدّه ای از آنها در شمار بزرگترین مراجع تقلید و رهبران دینی ، در بلاد شیعه ( اعمّ از ایران و عراق و ... ) قرار گرفته اند ، قابل إحصاء دقیق نمی باشد ، و تنها مرحوم علامه ، حاج آقا بزرگ طهرانی ، شرح حال ۳۷۲ نفر از آنها را بیان نموده است (۲) و در میان آنها چهره های درخشانی همانند : حاج آقا رضا همدانی ، آخوند ملاّ محمّد کاظم خراسانی ، آقا سیّد محمّد کاظم طباطبائی یزدی ، آقا سیّد محمّد فشارکی ، آقا شیخ محمّد تقی نجفی ( آقا نجفی اصفهانی ) میرزا محمّد تقی شیرازی ، میرزا حسین نوری ( صاحب مستدرک الوسائل ) ، میرزا أبو الفضل کلانتر ، میرزا ابراهیم محلاّتی ، ملاّ فتحعلی سلطان آبادی ، حاج شیخ فضل الله نوری ( شهید ) ، سیّد میرزا علی آقا شیرازی ( فرزند میرزای شیرازی ) و ... ، که از مفاخر علمی شیعه و از مراجع بزرگ بوده اند ، فراوان می باشد .

در هر کدام از کتب تراجم ، همانند : اعیان الشّیعه ، تکمله مرحوم صدر ، نقباء البشر ، ریحانه الأدب ، فوائد الرّضویّه و ... با عبارات زیبا و فصیح و بلیغ ، از عظمت آن بزرگ مرجع عالیقدر ، تجلیل شده ، که به دو نمونه اکتفا می نمائیم :

علامه امین در اعیان الشّیعه می نویسد:

كَانَ إِمَامًا عَالِمًا فُقَيْهًا مَاهِرًا ، مُحَقِّقًا ، مُدَقِّقًا ، رَئِيسًا دِينِيًّا عَامًّا ، وَرِعًا تَقِيًّا ، رَاجِحَ الْعَقْلِ ، ثَاقِبَ الْفِكْرِ ، بَعِيدَ النَّظْرِ ، مُصِيبَ الرَّأْيِ ، حَسَنَ التَّدْبِيرِ ، وَاسِعَ الصَّدْرِ ، مُنِيرَ الْحُلُقِ ،

ص: ۵۹۰

۱- مجله حوزه ، شماره ۵۰ - ۵۱ ، از صفحه ۳۸۵ تا ۳۹۶

۲- میرزای شیرازی ، ( ترجمه هدیه الرّازی ) از صفحه ۹۱ تا ۲۱۳

طَلِيقَ الْوَجْهِ ، صَادِقَ النَّظَرِ ، أَصِيلَ الرَّأْيِ ، صَائِبَ الْفِرَاسَةِ ، قَوِيَّ الْحِفْظِ ، ... بَلَغَ مِنَ الرَّئَاسَةِ ، وَ جَلَالِهِ الشَّانِ مَبْلَغًا لَمْ يَكُنْ لِأَحَدٍ مِنَ الْأَمْرَاءِ وَ الْمُلُوكِ فِي أَيَّامِهِ ... (۱).

و محدث قمی، به نقل از علامه بزرگ ، سید حسن صدر در تکلمه می نویسد :

رَئِيسُ الْإِسْلَامِ وَ نَائِبُ الْإِمَامِ ، مُجَدِّدُ الْأَحْكَامِ ، أُسْتَاذُ حُجَجِ الْإِسْلَامِ ، آيَةُ اللَّهِ عَلَى الْأَنْبَاءِ ، مُحْيِي شَرِيعَةِ سَيِّدِ الْأَنْبَاءِ ، قَائِدُ الْمِلَّةِ وَ الْمَذْهَبِ وَ الدِّينِ بِأَقْوَمِ نِظَامٍ ، تَعَجُّزٌ عَنِ إِحْصَاءِ مَزَايَاهِ الْأَقْلَامِ ، وَ يَضِيقُ عَنْ شَرْحِهَا فَمُ الْكَلَامِ ... وَ لَهُ فِي تَفَرُّسَاتِهِ حِكَايَاتٌ تَجْرِي مَجْرَى الْكِرَامَاتِ ، وَ كَانَ الْعَقْلُ يُحَيِّرُ مِنْ سَيِّعِهِ بِالْهَيْبَةِ ، وَ شِدَّةِ حَافِظَتِهِ ... وَ كَانَ يُحْفَظُ أَكْثَرَ الْقُرْآنِ ، وَ جَمِيعَ أَدْعِيَةِ شَهْرِ رَمَضَانَ ، وَ جَمِيعَ مَا كَانَ يَقْرَأُهُ مِنَ الْأَدْعِيَةِ فِي سَائِرِ الْأَوْقَاتِ ، وَ كَذَلِكَ الزِّيَارَاتِ جَمِيعًا فِي جَمِيعِ الْمَشَاهِدِ ... ، وَ كَانَ يُطِيلُ فِي أَدْعِيَتِهِ وَ زِيَارَاتِهِ ، وَ كَانَ كَثِيرَ الْبُكَاءِ ، رَفِيقَ الْقَلْبِ ، غَزِيرَ الدَّمْعِ ، كَانَ يَبْكِي بُكَاءً عَالِيًا ، لَمْ تَكُنْ

خَصِيْلَهُ مِنْ خِصَالِ الْخَيْرِ إِلَّا - وَ قَدْ حَازَهَا ، وَ كَانَ لَهُ هَيْبَةٌ وَ قَوَارٌ عَظِيمٌ ... كَانَ أَبًا رَوْفًا وَ بَرًّا عَطُوفًا ... يُعْطِي كُلَّ ذِي حَقٍّ حَقَّهُ وَ يُخَاطِبُهُمْ بِكَمَالِ الْأَدَبِ وَ التَّعْظِيمِ ، وَلَوْ كَانَ مِنْ صِغَارِ الْمُشْتَغَلِينَ (۲).

#### ۵- آیه الله، آقا سید محمد فشارکی

فقیه اصولی و محقق مدقق ، آقا سید محمد طباطبائی فشارکی اصفهانی ، متوفای ۱۳۱۶ قمری . وی از چهره های علمی حوزه های سامراء و نجف اشرف به شمار می رود ، و از شاگردان برجسته میرزا محمد حسن شیرازی (میرزای بزرگ) می باشد ، و به جهت موقعیت ممتاز علمی او ، در زمان حیات استاد بزرگ خود (میرزای شیرازی) در حوزه علمیه سامراء ، مرجع تدریس

ص: ۵۹۱

۱- أعيان الشَّيخه ، جلد ۵، صفحه ۳۰۴ - ۳۰۵

۲- فوائد الرضويّه ، جلد ۲، صفحه ۴۸۲

بوده است (۱). این بزرگمرد پس از ارتحال میرزای شیرازی قُدسُ سرّه ، به حوزه علمیه نجف هجرت نمود ، و مورد توجه قرار گرفت . در حوزه درسی او بزرگانی از علماء و محققین ، همانند : میرزا محمّد حسین نائینی ، و حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی ، و آقا شیخ محمّد رضا نجفی اصفهانی و ... شرکت می نمودند (۲). در مورد مرحوم فشارکی ، جمعی از علماء شبیهه اعلیّت داشتند ، و به ایشان پیشنهاد قبول مرجعیّت نمودند ، ولی آن بزرگوار نپذیرفتند (۳) و صرفاً به تدریس و تحقیق و تألیف اشتغال داشتند .

مرحوم فشارکی ، مردی با مهابت بوده (۴) و در کلمات بعضی از بزرگان ، با عنوان « استاد کبیر » مورد تجلیل قرار گرفته ، و با همه اهمیت و عظمت علمی و معنوی ، تنها به فعالیت علمی و تکمیل نفس اشتغال داشته (۵) و به همین جهت مینویسند : ریاست تدریس در زمان استادش ( میرزای شیرازی ) منحصر به او بوده است (۶).

### ۶- آیه الله العظمی ، آقا سید محمّد کاظم یزدی

فقیه نامدار و محقق ، و مرجع عالیقدر شیعه ، آیه الله العظمی آقا سید محمّد کاظم طباطبائی یزدی ، متوفای ۱۳۳۷ قمری ، که از چهره های مبرز فقه و اجتهاد در قرن چهاردهم بوده ، و از استوانه های برجسته مرجعیّت و زعامت

ص: ۵۹۲

- 
- ۱- ریحانه الأدب ، جلد ۴ ، صفحه ۳۴۲
  - ۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۱۶۶
  - ۳- فوائد الرّضویّه ، جلد ۲ ، صفحه ۵۹۴
  - ۴- أعیان الشّیعه ، چاپ جدید ، جلد ۹ ، صفحه ۱۲۵
  - ۵- ریحانه الأدب ، جلد ۴ ، صفحه ۳۴۲
  - ۶- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۱۶۶ ، به نقل از أحسن الودیعه

در حوزه علمیّه نجف اشرف به شمار می رود .

آن بزرگمرد، سرآمد فقهای عصر، و از مفاخر عالم تحقیق و اجتهاد فقهی بوده، و به مناسبت إحاطه ای که بر فروع فقهی داشته، به راحتی مشکلات آن علم شریف را حل می نموده است(۱).

کتاب عروه الوثقی، که مشهورترین اثر فقهی آن فقیه بزرگ می باشد، مشتمل بر فروع فقهیّه فراوان، و دقت و جامعیت بسیار جالب می باشد، و لذا عموم فقهاء و مراجع تقلید، پس از آن مرجع عظیم الشان، حاشیه بر آن نوشته اند، و بسیاری از فقهای عالی مقام، کتب مفصّله فقهیّه خود را، به عنوان شرح بر عروه الوثقی، تألیف نموده اند، همانند: مستمسک العروه الوثقی از مرحوم آیه الله العظمی، آقا سید محسن طباطبائی حکیم، و التّقیح فی شرح العروه الوثقی و مستند العروه الوثقی که تقریرات درس مرحوم آیه الله العظمی، آقا سید أبو القاسم موسوی خوئی می باشد، و کتاب مبسوط «آلفقه» که شرح استدلالی بر عروه الوثقی، و نیز شرایع الإسلام می باشد(۲) و اثر آیه الله العظمی حاج سید محمّد شیرازی مدّ ظلّه العالی است(۳)، و هم چنین دهها شرح استدلالی و حاشیّه غیر استدلالی و یا نیمه استدلالی دیگر، که در حوزه های علمیّه نجف و قم و...، تألیف گردیده، و منتشر شده است .

مرحوم آقا سید محمّد کاظم یزدی، علاوه بر کتاب عروه الوثقی، آثار علمی و تحقیقی دیگر داشته اند، همانند: حاشیه بر مکاسب شیخ اعظم أنصاری، که از

ص: ۵۹۳

---

۱- ریحانه الأدب، جلد ۶، صفحه ۳۹۱

۲- در ابوابی از فقه، که در کتاب عروه الوثقی مطرح نگردیده، آیه الله شیرازی کتاب خود را، به عنوان شرح شرائع الإسلام، تألیف نموده اند

۳- چاپ دوّم این کتاب، در یکصد و ده جلد، در بیروت لبنان، منتشر گردیده است

بهترین حاشیه های مکاسب می باشد، و تعادل و تراجیح، که بسیار مفصل می باشد و به چاپ رسیده است و... (۱).

مرحوم یزدی، در حوزه علمیه اصفهان، در محضر بزرگانی همچون: آقا شیخ محمد باقر مسجد شاهی، و صاحب روضات الجنات (آقا سید محمد باقر چهارسوقی) و عده دیگری از علماء و مدرّسین این حوزه، مراحل علمی را پیموده، و به مرحله اجتهاد نائل گردیدند (۲)، و سپس به حوزه علمیه نجف هجرت نموده، و به تکامل علمی پرداخته، و به مرجعیت تقلید جهان شیعه و زعامت علمی در حوزه نجف اشرف نائل آمدند، و پس از ارتحال مرحوم آخوند ملا محمد کاظم خراسانی قدس سره (در سال ۱۳۲۹ قمری) مرجعیت و زعامت آن بزرگمرد، گسترش و نفوذ بیشتری یافت.

عموم صاحبان تراجم، در تجلیل از این فقیه بزرگ، قلم فرسائی نموده اند، و با عباراتی زیبا، از مقام علمی و مرجعیت آن پیشوای دینی ستایش کرده اند، مثلاً: مرحوم محدث قمی با عناوین: سَيِّدُ عُلَمَاءِ الْأُمَّةِ وَشَيْخُ طَائِفَتِهَا، حَامِلُ لُؤَاءِ الشَّيْعَةِ وَمُخْتَلَفُهَا، وَقُطْبُ رَحَى الشَّرِيعَةِ وَ مُؤْتَلَفُهَا، فَقِيهُ بَيْتِ الْعِضِيْمَةِ وَكَاطِمُهُمْ... فَقِيهُ عَضِيْرِنَا وَبَرَكَهٗ دَهْرِنَا... وَسَيِّدُ الْفُقَهَاءِ الْعِظَامِ وَ آيَةُ الْمَلِكِ الْعَلَامِ، ستوده است (۳).

و صاحب ریحانه الأدب، آن فقیه نامدار را، با ألقاب: محقق مدقق، و حامل لوای شریعت، و از مفاخر شیعه و رئیس مذهبی فرقه محقه، علامه وقت و سرآمد فقهای عصر و.. ستوده، و حوزه درسی او را، در نجف اشرف، أنفع

ص: ۵۹۴

۱- ریحانه الأدب، جلد ۶، صفحه ۳۹۲

۲- ریحانه الأدب، جلد ۶، صفحه ۳۹۱

۳- فوائد الرضویه، جلد ۲، صفحه ۵۹۶ - ۵۹۷



حوزه های علمی، و مرجع استفاده بزرگان و فحول آساتید، به شمار آورده است

## ۷- آیه الله العظمی، شیخ الشریعہ اصفهانی

فقیه اصولی و حکیم متکلم و مفسر جامع، آیه الله العظمی، ملا فتح الله نمازی اصفهانی، مشهور به « شیخ الشریعہ » و « شریعت اصفهانی » و متوفای ۱۳۳۹ قمری.

این بزرگمرد در اصل شیرازی بوده، و در اصفهان متولد گردیده و نشو و نما علمی یافته، و مراحل عمده تکامل علمی را در حوزه علمی اصفهان، و در نزد جمعی از بزرگان طی نموده است.

مرحوم شیخ الشریعہ، در اصفهان مورد توجه فضلاء و طلاب قرار گرفت، و موافق اصول شیخ اعظم انصاری، بنای تدریس گذاشت (۱) و سپس در سال ۱۲۹۵ یا ۱۲۹۶ به حوزه علمی نجف اشرف هجرت نمود، و پس از کسب فیض علمی بیشتر از بزرگان آن حوزه مقدسه، شخصاً به تدریس و تألیف و افتاء پرداخت، و به عنوان مرجع تقلید بسیاری از شیعیان امامیه، مورد توجه قرار گرفت، و حوزه درسی بسیار شکوهمندی تشکیل داد، که مجمع برجسته ترین فضلاء و علمای عرب و عجم گردید (۲).

آن بزرگمرد، در اکثر علوم عقلی و نقلیه، بر معاصرین خود ممتاز بوده، و بالخصوص در علم رجال و حدیث و علوم قرآن، گوی سبقت از دیگران ربوده، و دارای قوه حافظه ای در حد خارق عادت، بوده است (۳).

ص: ۵۹۵

---

۱- اعیان الشیعه، چاپ جدید، جلد ۸، صفحه ۳۹۲

۲- اعیان الشیعه، جلد ۸، صفحه ۳۹۲

۳- ریحانه الأدب، جلد ۳، صفحه ۲۰۶ - ۲۰۷

فقیه محقق و اصولی مدقق و مرجع عالیقدر شیعه، آیه الله العظمی، آقای حاج میرزا محمد حسین غروی نائینی اصفهانی، متوفای ۱۳۵۵ قمری (۱) معظم له، از یک خاندان علمی و معروف نائین بوده، و پدر ایشان شیخ الاسلام زمان خود بوده، و تحصیلات مقدماتی آن بزرگمرد در نائین شروع گردیده، و در اصفهان ادامه یافته است. مرحوم آیه الله نائینی، از محضر علماء بزرگ اصفهان، همانند: آقا شیخ محمد باقر اصفهانی، آقا میرزا أبو المعالی کلباسی، جهانگیرخان قشقائی، آقا شیخ محمد تقی نجفی (آقا نجفی اصفهانی) و آقا شیخ محمد حسن نجفی، بهره های بزرگ علمی گرفتند (۲) و به درجات بلندی از علم و فضیلت نائل گشتند، و سپس به حوزه های علمیه سامراء و کربلاء و نجف هجرت نموده، و از محضر بزرگانی، همچون: میرزا حبیب الله رشتی، آقا سید اسماعیل صدر، آقا سید محمد فشارکی اصفهانی، میرزا محمد حسن شیرازی (میرزای بزرگ) و آخوند ملا محمد کاظم خراسانی، بهره مند گردیدند، و در قله رفیع علم و تقوی و فضیلت قرار گرفتند.

مرحوم حاج آقا بزرگ طهرانی، در ضمن بر شمردن آثار و عظمت عجیب و شگفت انگیز علمی مرحوم نائینی، از تقوی و ورع و زهد آن بزرگوار یاد نموده و نوشته است: هرگاه به نماز می ایستاد بدنش می لرزید و محاسن شریفش از اشک چشمانش تر می گردید (۳).

ص: ۵۹۶

۱- ریحانه الأدب، جلد ۶، صفحه ۱۲۷

۲- نقباء البشر، جلد ۲، صفحه ۵۹۳

۳- نقباء البشر، صفحه ۵۹۴

آیه الله نائینی، از بزرگترین چهره های علمی شیعه در حوزه علمیه نجف بوده، و حوزه درسی او، مجمع برجسته ترین فضلاء و محققین به شمار می رفته، و عمده مراجع تقلید دوره بعد، از شاگردان آن بزرگوار بوده اند، و تحقیقات علمی و فصاحت و بلاغت آن فقیه و اصولی محقق، عامل رشد علمی فضلاء، و جاذبه نیرومندی برای تشکیل یک حوزه درسی بسیار قوی و کار آمد، به شمار می آمده است.

مرحوم آیه الله، آقا شیخ محمد علی کاظمینی، که یکی از برجسته ترین شاگردان مرحوم نائینی است، درباره آن بزرگمرد می نویسد: *الإمامُ الفقيهُ وَ عَلمُ العِلمِ وَ بَدْرُ سَمائِهِ وَ مَشْكُوهُ نُورِهِ، مَفْصَلُ الصَّوابِ وَ فَصْلُ الخِطابِ، مَنْ قَدْ أُسْتَبْطِنَ مِنْ أُسْرارِ العُلُومِ وَ اسْتَجَلَى غَوامِضَها وَ مَحَصَّ حَقائِقَها وَ أَحصى مَسائِلَها وَ أَحاطَ بِفُرُوعِها وَ أَصولِها وَ مَعقُولِها وَ مَنقُولِها، صَدْرُ العُلَماءِ وَ عَيْنُ الفَقهاءِ، قَبْلَهُ المُسْتَعْلينَ وَ خاتِمَهُ المُجْتَهدينَ، آيَةُ اللهِ فِي العالَمينَ، مَنْ قَدْ أَلقَتْ إِلَيْهِ الرِّياسَةَ الدِّينِيَّةَ أزمَتَها فِي أواسِطِ القَرْنِ الرَّابِعِ عَشَرَ، حَضْرَهُ الميرزا مُحَمَّد حُسَيْنِ العُرَوِيِّ النَّائِنِيِّ (1)*

چنانچه ملاحظه می نمائید، محقق کاظمینی، مرحوم نائینی را، امام فقیه، و عَلمِ عِلم، و ماه شب چهارده دانش، و چراغ نورانی علم دانسته، و او را در برگیرنده اسرار علوم، و آشکار کننده پیچیدگی های دانش، و خالص کننده حقایق علوم، و إحصاگر مسائل، و محیط به فروع و اصول و معقول و منقول دانشها شمرده، و آن بزرگوار را صدر علماء، و چشم فقهاء، و قبله طالبین علم، و خاتم مجتهدین و ... محسوب داشته است.

و همچنین مرحوم آیه الله العظمی آقای حاج سید ابو القاسم خوئی قُدسُ سِرِّه که از

ص: ۵۹۷

شاگردان برجسته و ممتاز مرحوم نائینی بوده اند ، می نویسند : عَلِمَ التَّحْقِيقَ وَ مَتَّبِعَ الْفَضِيلَةَ وَ التَّدْقِيقَ ، مَنْ إِلَيْهِ أَلْقَتِ الرِّيَاسَةُ الْعِلْمِيَّةُ زِمَامَهَا وَبِفَضْلِ أبحاثِهِ الْعِلْمِيَّةِ تَمَّ لِلْعُلُومِ الدِّيْنِيَّةِ نِظَامُهَا ... (۱)

آیه الله خوئی قُدسُ سِرُّهُ ، در عبارت فوق ، استاد خود را عَلِمَ تحقیق ، و سرچشمه فضیلت و تدقیق معرّفی نموده ، و زمام ریاست علمی را بر دوش او دانسته ، و نظام یافتن علوم دینی را ، مرهون بحثهای علمی آن بزرگمرد شمرده است .

و هم چنین محقق عالیقدر ، آیه الله ، آقا شیخ موسی نجفی ، در مقدمه کتاب منیه الطالب که تقریرات مرحوم نائینی است ، استاد خود را ، خورشید آسمان تحقیق ، و قطب آسیای تدقیق ، و شیخ الفقهاء و المجتهدين ، و استاد الجهابذہ الأساطین بر شمرده است (۲).

### ۹- آیه الله العظمی ، آقا شیخ محمد حسین اصفهانی

فقیه متکلم ، و اصولی محقق ، و حکیم مفسّر ، و آدیب شاعر ، و مرجع عالیقدر آیه الله العظمی ، آقا شیخ محمد حسین اصفهانی غروی ، معروف به « کمپانی » ، متوفای ۱۳۶۱ قمری به این بزرگمرد از مفاخر شیعه و حوزه های علمیّه ، و نیز شهر اصفهان به شمار می رود ، و در جامعیت در علوم و فنون مختلف ، از قبیل : فقه و اصول و حکمت و کلام و عرفان و تفسیر و اخلاق و تاریخ و ادب عربی و فارسی و شعر ، به مرتبه ای رسیده ، که به معنی واقعی کلمه ، علامه به شمار می رود (۳) و حقیقه از نوابغ برجسته روزگار می باشد (۴) ، و به درستی و در حدّ

ص: ۵۹۸

۱- أجود التقریرات ، صفحه ۲

۲- منیه الطالب ، جلد ۱ ، صفحه ۲

۳- مجله حوزه ، سال دوم ، شماره ۸ ، صفحه ۷۱

۴- نقباء البشر ، جلد ۲ ، صفحه ۵۶۱

کمال ، جامع المعقول و المنقول بوده (۱) و دریائی مَوّاج و بی پایان ، در علم و کمال روحی و اخلاقی و معنوی ، به حساب می رود .

کتابهای آن نابغه بزرگ ، مشتمل بر تحقیقات برجسته و دُرّ و گهرهای شاهوار ، از علوم عقلی و نقلی می باشد ، و شمار آنها به ۲۵ عنوان می رسد (۲) همانند : نهایه الدرایه فی شرح الکفایه ، و حاشیه مکاسب شیخ انصاری و حاشیه بر مبحث حجّیه قطع ، و دیوان شعر فارسی ، و دیوان غزلیات حکمی و عرفانی و ...

حالات روحی ، ملکات اخلاقی ، سوز و شور و شوق معنوی ، ارادت عمیق و متّکی به علم و ایمان ، نسبت به پیامبر اکرم صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ و ائمه معصومین علیهم السلام و حضرت صدیقه کبری ، فاطمه زهراء علیها السلام ، در این بزرگمرد ، به عالی ترین درجات رسیده بوده ، و موج احساسات لطیف آن بزرگ مرجع دینی ، در سروده ها و اشعار عربی و فارسی او ، تا حدود زیادی قابل درک می باشد ، و تأثیر فراوانی بر دلها می گذارد .

اشک جاری آن بزرگمرد علم و کمال ، در اوج حالات معنوی ، و در هنگام توجه به عظمت پروردگار ، و نیز در هنگام التفات به مقامات پیشوایان معصوم علیهم السلام ، و مصائب و مظلومیت آنها ، از ویژگی های روشن در زندگی سراسر حقیقت و پاکی و فضیلت آن فقیه و مرجع بزرگ می باشد .

آیه الله کمپانی ، از شاگردان برجسته آیات بزرگوار و عظیم الشان : آقا میرزا محمد باقر اصطهباناتی ، آقا سید محمد فشارکی اصفهانی ، حاج آقا رضا همدانی ، و آخوند

ص: ۵۹۹

۱- ریحانه الأدب ، جلد ۵، صفحه ۹۱

۲- شرح حال آیه الله العظمی کمپانی ، به قلم محقق عالیقدر ، آقا شیخ محمد رضا مظفر ( مقدمه حاشیه مکاسب ) ، صفحه « د

خراسانی و ... بوده ، و در هنگام مرجعیت علمی و دینی ، حوزه درسی آن نابغه علم و تحقیق ، مجمع اهل فضل و کمال ، و چهره های برجسته عائم تحقیق و اجتهاد به شمار می رفته ، و شاگردان آن بزرگ نابغه فقه و حکمت و ایمان و اخلاق ، در عشق و علاقه به استاد خود ، به مرز تقدیس رسیده بودند ، و خود را فانی در دوستی و محبت آن پدر روحانی و مهربان می دیدند(۱).

بسیاری از مراجع بزرگ شیعه ، و استوانه های علم و تحقیق ، در حوزه های علمیّه ، در شمار شاگردان آیه الله العظمی اصفهانی ( کمپانی ) می باشند ، و با بهره برداری از افکار و اندیشه های نو و ابتکاری و برخاسته از أمواج فکر خروشان آن دریای مواج ، به تکامل علمی و صعود بر مدارج تحقیق و تدقیق ، نائل گردیده اند .

#### ۱۰- آیه الله العظمی ، آقا سید أبو الحسن اصفهانی

فقیه اصولی ، و مرجع عالیقدر جهان تشیع ، مرحوم آیه الله العظمی ، آقا سید أبو الحسن اصفهانی ، متوفای ۱۳۶۵ قمری ، که جامع علوم عقلی و نقلی بوده ، و در إحاطه به فروع فقهی ، و بهره گیری از ابعاد وسیع آن ، در اداره امور دین و دنیای مردم ، و استفاده از مزایای گسترده آن در هدایت و ارشاد جامعه ، از چهره های مبرز تاریخ زعامت شیعه به شمار می رود .

آن بزرگمرد ، در سخت ترین دوره ها ، « و در زمان جنگ جهانی دوّم » زعامت و رهبری و مرجعیت شیعه را بر عهده داشتند ، و در دوره ای که انگلیسی ها در صدد وارد کردن ضربه های مهلک بر حوزه علمیّه شیعه و أساس روحانیت بودند ، با بهترین اسلوبها ، حوزه علمیّه نجف و سایر مراکز علمی و دینی شیعه را ،

ص: ۶۰۰

---

۱- شرح حال آیه الله العظمی کمپانی ، به قلم آیه الله مظفر ، صفحه « د »

از خطر نابودی نجات دادند، و تهاجمات قدرتهای شیطانی کفار را دفع نمودند.

سخاوت، اَبْهَتْ، کظم غیظ، شرح صدر و سایر اخلاق فاضله، و فضائل نفسانیّه آن بزرگمرد، موجب موفقیت در هدایت جامعه، و زعامت جامعه شیعه، و اداره حوزه علمیه به شمار می رود.

دوست و دشمن، عالم و جاهل، وضع و شریف و ...، همه و همه، در برابر عظمت روح، و بلندی طبع، و قدرت زعامت معجزه آسای آن بزرگ مرجع عالیقدر، سر تسلیم فرود آورده، و انگشت حیرت به دندان گزیده اند. نصف نامه هائی که در اداره پست نجف وارد می گردید، به آدرس و به نام آن بزرگمرد بوده، و به همین نسبت، از شهر نجف، نامه ها و جوابهائی به وسیله پست، به شهرها و کشورها فرستاده می شده، و همه آن نامه ها و جواب ها، به دست مبارک آن بزرگ مرجع عالیقدر، نوشته می شده، بدون این که کسی کمک آن بزرگمرد باشد، در حالی که بسیاری از نامه ها و جوابها، نیازمند اندیشه و تدبیر و احاطه علمی، و بینش اجتماعی بوده است (۱). هر کدام از نویسندگان کتب تراجم، و مقاله های مندرج در مجله های علمی و دینی، و دائره المعارف ها (۲) درباره این بزرگمرد، قلم فرسائی هائی نموده اند، که فقط به عبارت مرحوم آیه الله، آقای سید محسن امین شامی، که معاصر آن بزرگمرد بوده، و از نزدیک فضائل آن مرجع عالیقدر را درک نموده، اکتفا می نمائیم: نَظَرْتُهٔ عَامَ سَفَرِي لِلْعِرَاقِ سَنَهٔ ۱۳۵۲ وَ مَارَسْتُهُ فَرَأَيْتُ فِيهِ رَجُلًا كَبِيرَ الْعَقْلِ، وَاسِعَ الْعِلْمِ وَ الْفِقْهِ، بَعِيدَ النَّظَرِ وَ دَقِيقَهُ،

ص: ۶۰۱

---

۱- أعيان الشَّيْخِ، چاپ جدید، جلد ۲، صفحه ۳۳۲ «پاورقی»

۲- همانند ریحانه الأدب، جلد ۱، صفحه ۱۴۲ - دائره المعارف تشیع، جلد ۲، صفحه ۲۲۰-۲۲۲ - دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۳۸ - ۴۰ - أعيان الشَّيْخِ، جلد ۲، صفحه ۳۳۱ - ۳۳۵، فرهنگ معین، جلد ۵، صفحه ۱۵۴ و ...

صَائِبَ الرَّأْيِ ، عَمِيقَ الْفِكْرِ ، حَسَنَ التَّدْبِيرِ ، وَاسِعَ التَّفْكِيرِ ، عَارِفًا بِمَوَاقِعِ الْأُمُورِ ، جَاهِدًا فِي إِصْلَاحِ الْمُجْتَمَعِ .. شَفِيقًا عَلَى عُمُومِ النَّاسِ ، عَالِي الْهَمِّ ، سَخِيَّ النَّفْسِ ، جَلِيلَ الْمَقْدَرِ ، عَظِيمَ السِّيَاسَةِ ، مُضَافًا إِلَى مَكَانَتِهِ الْعِلْمِيَّةِ فِي الْفِقْهِ وَ الْإِجْتِهَادِ ، وَأَنَّ مَا حَازَهُ مِنَ الرِّيَاسَةِ الْعَامَّةِ ، كَانَ عَنْ جِدَارِهِ وَ اسْتِحْقَاقٍ ... (۱).

چنانچه ملاحظه می نمائید ، مرحوم امین عاملی ، این بزرگمرد را دارای عقلی بزرگ ، علم و فقهی وسیع دانسته ، و رأی و نظر و فکر او را دقیق و عمیق و صائب شمرده ، و آن بزرگ مرجع را ، آشنای به مواقع امور ، و جهادگر در راه اصلاح اجتماع ، و مهربان به عموم مردم ، و بلند همت ، و با سخاوت محسوب داشته ، و توانائی او را ، بزرگ ، و سیاست او را ، عظیم ، و جایگاه او را در علم و فقه و اجتهاد ، بلند ، و ریاست عامه او را ، از روی حق و درستی دانسته است .

مرحوم آیه الله اصفهانی ، در چهارده سالگی از روستای (مدیسه) واقع در جنوب غربی فلاورجان (از توابع اصفهان) ، به حوزه علمیه اصفهان هجرت نمودند ، و دوره های درسی مقدمات و سطح و خارج را ، در محضر مدرّسین و علمای بزرگ این حوزه ، همانند : آیه الله چهارسوقی ، آقا میرزا أبو المعالی کلباسی ، آقا سید محمّد باقر درچه ای ، و دو حکیم بزرگ ، جهانگیرخان قشقائی و آخوند کاشی و ... ، گذراندند (۲) ، و سالهای اقامت خود را در اصفهان ، در مدارس علمیه گوناگون سپری نمودند ، و سپس به حوزه علمیه نجف اشرف هجرت نموده ، و با بهره مندی از محضر زعماء بزرگ و چهره های درخشان آن

ص: ۶۰۲

۱- أعيان الشّيعه ، جلد ۲ ، چاپ جدید ، صفحه ۳۳۲

۲- مجله نور علم ، شماره مسلسل ۲۸ ، (مهرماه ۱۳۶۷) ، صفحه ۹۵



حوزه مقدّسه ، و استفاده از عنایات خاصّه حضرت بقیه الله الأعظم (عج) (۱) به زعامت عالیه ، و مرجعیّت مطلقه عالم تشیّع نائل گردیدند .

## ۱۱- آیه الله العظمی بروجردی

فقیه و اصولی عظیم الشان ، محدّث و رجالی محقّق ، ادیب و حکیم جامع ، مرجع جهانی عالم تشیّع ، و زعیم حوزه های علمیه مرحوم آیه الله العظمی ، آقای حاج آقا حسین طباطبائی بروجردی قدّس سرّه ، متوفّای ۱۳۸۰ قمری ، که علاوه بر فقه و اصول ، دارای علوم گوناگون ، همانند : حکمت ، هیئت و ریاضیات ، رجال ، حدیث ، تراجم بزرگان ، ادبیات عرب و فارسی ، شعر و ... بوده (۲) ، و در تمامی این رشته ها مجتهد و صاحب رأی بودند (۳) ، و در دقّت و تحقیق و موشکافی ، از چهره های کم نظیر تاریخ تشیّع ، به شمار رفته اند .

مرحوم آیه الله بروجردی ، با استعداد و حافظه عجیب و کم نظیر خود ، و نیز با دقّت و پشتکار علمی ، قله های رفیع فقه و اجتهاد را فتح نمودند ، و مورد توجّه علماء و مجتهدین بزرگ قرار گرفته ، و حوزه درسی کم نظیری را شکل بخشیدند ، که روزانه بیش از یکهزار نفر ، در جلسه درس آن بزرگوار شرکت می جستند (۴) ، که جمعی از آنها ، از فقهاء و مجتهدین و مدرّسین دوره خارج فقه و اصول حوزه علمیه به شمار می رفتند .

ص: ۶۰۳

---

۱- به وسیله شیخ محمّد کوفی ، که از چهره های برجسته معنوی بوده ، و مشمول عنایات خاصّه حضرت بقیه الله الأعظم (عج) قرار می گرفته ، دستور العملی خاص ، برای مرحوم آیه الله اصفهانی رسیده ، که در آخر آن آمده است : نحن ننصرک

۲- أعیان الشّیعه ، چاپ جدید ، جلد ۶ ، صفحه ۹۲ و ۹۴

۳- زندگانی آیه الله بروجردی ، چاپ دوّم ، صفحه ۱۸۸

۴- أعیان الشّیعه ، چاپ جدید ، جلد ۶ ، صفحه ۹۴

مرحوم آیه الله بروجردی، مراحل اولیّه تحصیل را در شهر بروجرد، و زیر نظر پدر بزرگوارشان سپری نمودند، و سپس به حوزه علمیه اصفهان (که محلّ فعالیت علمی بزرگان فقه و اصول و حکمت و ریاضی و ادبیات و ... بود) هجرت نمودند، و از محضر بزرگانی، همانند: آقا میرزا ابوالمعالی کلباسی، آقا سید محمد تقی مدرّس، آقا سید محمد باقر درچه ای، آخوند ملاّ محمّد کاشانی (آخوند کاشی)، و مرحوم جهانگیرخان قشقائی و ...، بهره علمی گرفتند<sup>(۱)</sup>، و به مقام منبع اجتهاد نائل گردیدند، و در ضمن، به تدریس و تربیت طلاب پرداختند. آن بزرگمرد، در سنّ ۲۷ سالگی (در سال ۱۳۱۹ قمری) به نجف اشرف هجرت نمودند، و از درس بزرگان آن حوزه علمیه، همانند: شیخ الشریعه اصفهانی، و آقا سید محمد کاظم یزدی، و بالأخص، مرحوم آخوند خراسانی، بهره علمی گرفتند، و به مدارج عالیّه اجتهاد نائل گردیدند.

آیه الله بروجردی، ۳۳ سال در شهر بروجرد به تدریس و تحقیق و تألیف و مرجعیت دینی اشتغال داشتند، تا آن که به دعوت علماء وزعماء حوزه علمیه قم، به این شهر مقدّس هجرت نموده، و عهده دار مرجعیت جهانی عالم تشیع گردیدند، و در نشر علم و دانش و تربیت فضلاء و نویسندگان، و علماء و مجتهدین، و رشد کمی و کیفی حوزه علمیه، و رساندن ندای اسلام و مکتب اهل البیت علیهم السلام، به تمام نقاط عالم، (اروپا و آمریکا و آفریقا و آسیا و استرالیا) و تأسیس مساجد و مدارس و کتابخانه ها، و تعمیر و راه اندازی مراکز علمی و دینی، و احیاء حوزه های علمیه در شهرهای گوناگون، و ترویج و تقویت علماء و پیشوایان دین در شهرها و ...، گام های بلندی برداشتند، و به راستی

ص: ۶۰۴

مکتب تشیع و حوزه های علمیّه و جامعه روحانیت را، عزّت و عظمت بخشیدند

مرحوم آیه الله بروجردی، علاوه بر مقامات بلند علمی و تقوائی، دارای شخصیتی جذّاب، چهره ای نورانی و با ابّهت بودند، و سخاوت و کرم و تواضع و عزّت نفس و مهر و غیرت و جدیّت، از صفات روشن آن بزرگمرد بود، و از نظر تهجد و تلاوت آیات الهی، و توسّل به اهل بیت نبوّت و رسالت علیهم السلام، و سایر مظاهر عبودیت در پیشگاه حق، و إخلاص نسبت به اولیاء خدا، دارای امتیاز خاص به شمار می رفتند، و همین مزایای روحی و اخلاقی بود که، تأثیر عمل و کلام آن بزرگمرد را، عمیق و وسیع و مستدام قرار می داد، و علاوه بر دوستان و علاقه مندان، در بسیاری از موارد، دشمنان و مخالفان را به تجدید نظر و تغییر اراده، وادار می نمود.

آیه الله بروجردی، به نقلی بیش از بیست کتاب و رساله تحقیقی در زمینه های فقه و اصول و حدیث و رجال از خود به جای گذاردند، که نمونه آن یک دوره فقه، از اول طهارت تا دیات می باشد، و کتاب بزرگی است، و از مهمترین آثار تألیفی آن بزرگمرد می باشد (۱)، و به نقلی دیگر، پنجاه اثر قلمی از آن مرجع عالیقدر به یادگار مانده است (۲)، و نیز جمعی برجسته از شاگردان و یاران خود را با نظارت کامل، به تألیف کتاب ارزشمند «جامع أحادیث الشّیعه» (در ۲۵ جلد) تشویق نمودند، که به چاپ رسیده است.

و هم چنین آن بزرگ مرجع عالیقدر، هزاران نفر را پرورش دادند، که در عالم مرجعیّت، تدریس، تألیف، خطابه، پیشوائی دینی در بلاد، امامت

ص: ۶۰۵

۱- أعيان الشّیعه، چاپ جدید، جلد ۶، صفحه ۹۴

۲- مجلّه حوزه، شماره ۴۳ و ۴۴، صفحه ۲۸۷ تا ۳۰۳

جماعت و ارشاد مردم ، به فعالیت علمی و دینی اشتغال یافتند ، و در حفظ و حراست از ارزشهای اسلامی ، خدمات ارزشمندی را عرضه داشتند .

در عموم کتب تراجم و دائره المعارف ها ، و نیز مجلات و روزنامه ها ( در فرصتهای مناسب ) از شخصیت و آثار آیه الله بروجردی ، تجلیل بعمل آمده ، و کتابهای مستقلی نیز در این زمینه به چاپ رسیده ، که نمونه آن « زندگانی آیه الله بروجردی » از نویسنده محقق و معاصر ، آقای علی دوانی می باشد ، که چاپ دوم آن در ۴۷۵ صفحه ، منتشر گردیده ، و نیز « ویژه نامه سی امین سال درگذشت آیه الله العظمی بروجردی » که به شکل اختصاصی ، در شماره ۴۳ و ۴۴ مجله حوزه در سال ۱۳۷۰ شمسی ، در ۴۰۰ صفحه ، به چاپ رسیده است .

## ۱۲- آیه الله العظمی خوانساری

فقیه و مجتهد عظیم الشأن ، و زعیم و مرجع عالیقدر تقلید ، آیه الله العظمی ، آقای حاج سید احمد موسوی خوانساری ، متوفای ربیع الثانی ۱۴۰۵ قمری . معظّم له ، نه تنها در عالم فقه و اجتهاد درخشیدند ، و از اعلام بزرگ جهان علم و فقه به شمار آمدند ، بلکه در متانت و صلابت و زهد و ورع و تقوی و سایر فضائل اخلاقی و نفسانی ، از مفاخر نیمه دوم قرن چهاردهم به شمار می روند ، و تالی تلو معصوم ، و اسوای زهد و تقوی

و از ارکان بزرگ فضائل و مکارم اخلاقی و معنوی

محسوب گردیده اند . آیه الله خوانساری ، در خاندان علم و سیادت ظهور یافتند ، و نسب آن بزرگمرد ، با بیست و نه واسطه ، به امام موسی بن جعفر علیه السلام منتهی می شود ، و در میان سلسله پدران و اجداد ایشان ، عدّه ای از علمای عالیقدر درخشیده اند ، همانند : پدرشان ، علامه ، حاج میرزا یوسف ، بن العلامة

آقا سید میرزا بابا (امام جمعه) و جدّشان، علامه بزرگوار، آقا سید مهدی

(صاحب رساله ابو بصیر) و جدّ اعلی‌شان، حاج سید حسین (صاحب حاشیه بر شرح لمعه، و جدّ بزرگوار آیه الله العظمی، آقا سید محمد تقی خوانساری) و نیز جدّ دیگرشان، میرزا أبو القاسم، جعفر، معروف به امیر و مدفون در قودجان (۱).

مرحوم آیه الله العظمی خوانساری، در سال ۱۳۰۹ قمری در خوانسار متولد گردیدند، و پس از طیّ مراحل از تحصیل علوم حوزه ای در زادگاهشان، به حوزه علمیه اصفهان هجرت نمودند، و از محضر فقهاء و علماء بزرگوار همانند: آقا میرزا محمّد صادق خاتون آبادی، و مرحوم آخوند ملا عبد الکریم گزی، و آقا میرزا محمّد علی تویسرکانی، کسب علم نمودند (۲)، و پس از آن، در حوزه بزرگ نجف اشرف، از محضر اعلام عالم تشیّع، مرحوم آخوند خراسانی و آقا سید محمّد کاظم یزدی و آقا ضیاء الدّین عراقی، کسب علم و کمال نمودند، و آنگاه به حوزه علمیه اراک مهاجرت نموده، و نه تنها از فیض علمی مرحوم آیه الله العظمی، حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی بهره می گرفتند، بلکه از یاران و معتمدین آن بزرگمرد بودند، و سپس در سال ۱۳۴۲ قمری، به حوزه علمیه قم هجرت نمودند، و تا سال ۱۳۶۹ قمری، به تدریس و تحقیق اشتغال داشتند، و مورد توجه و عنایت مرحوم آیه الله العظمی بروجردی قدس سرّه بودند، و آنگاه رحل اقامت در تهران افکندند، و تا آخر عمر پر برکتشان، در آن شهر عظیم، به تدریس و زعامت دینی می پرداختند.

ص: ۶۰۷

---

۱- آثار الحجّه، جلد ۲، صفحه ۲۴۰

۲- گنجینه دانشمندان، جلد ۲، صفحه ۱۰ - آیه الله خوانساری، مدّتی در مدرسه چهارباغ (سلطانی) اقامت داشته اند

آیه الله خوانساری ، پس از فوت آیه الله العظمی بروجردی ، در شمار مراجع بزرگ تقلید شیعه قرار گرفتند ، و از اعلام بزرگ عالم فقه و اجتهاد و تقوی و زهد به شمار آمدند .

از آثار علمی آن بزرگمرد ، یک دوره فقه استدلالی می باشد ، در شرح مختصر النافع ، که به نام « جامع المدارك » در هفت جلد به چاپ رسیده است.

اصفهان ای باره پروازها \*\*\* از تو در گوش فلک آوازا

ای کرامت را جهانی ساخته \*\*\* بر چکاد حق علم افراخته

با فروغی هم رکاب آفتاب \*\*\* همچنان، بر پهنه گیتی بتاب

در تو بینم تابش خورشید را \*\*\* جلوه های روشن امید را

خاک پاکت توتیای دیده هاست \*\*\* روشنی بخش دل مشتاق ماست

عالمانت را سریر سروری \*\*\* زبید شاید به کار رهبری

پاس ایمان را مسیحائی دهند \*\*\* در حریم حرمت حق محرمند

عباس کی منش (مشفق کاشانی)

ص: ۶۰۸







## چهره های علمی اصفهان در دوره اخیر

در دوره حکومت خفقیانی رضا شاه « پهلوی اول » ، ( در سالهای ۱۳۰۴، تا ۱۳۲۰ شمسی) مدارس علمیه به تعطیلی کشیده شد ، و بسیاری از آنها غصب گردید ، و یا به ویرانی دچار گردید ، و علماء و بزرگان دینی منزوی گردیدند ، و چه بسا از شدت فشار روحی جان سپردند ، و سخت ترین شرایط بر حوزه علمیه و علماء گذشت ، تا آن که این دوره سپری گردید و مجدداً مساجد و مدارس احیاء و راه اندازی شده ، و علماء دینی از انزواء خارج گردیدند ، و مدارس و مراکز ویران شده ، تعمیر و یا بازسازی گردید، و حوزه علمیه رونقی دوباره یافت ، تا آنجا که در حال حاضر ، در حدود چهار هزار نفر اعم از فقیه و مجتهد و مدرس و طلبه و واعظ و امام جماعت و ... ، در شهر و حوزه اصفهان و حومه نزدیک ، مشغول فعالیت حوزه ای و تبلیغی هستند ، و در این دوره اخیر ، چهره های علمی برجسته ای در حوزه اصفهان فعالیت علمی و یا زعامت حوزه ای داشته اند ، که به چند چهره برجسته آنها ، به ترتیب زمان ارتحال و وفاتشان ، اشاره می نمائیم:

### ۱- آیه الله العظمی بهبهانی

فقیه عالیقدر و مرجع عظیم الشأن ، آیه الله العظمی ، حاج سید علی بهبهانی، متوفای ۱۳۹۵ قمری ، که از چهره های برجسته روحانیت و مرجعیت در ایران به شمار می رفتند ، و در علم و تقوی و فضائل اخلاقی و جهاد و تلاش در راه

إحياء مجدّد حوزه های علمیّه ، شخصیتی برجسته محسوب میشوند . معظّم له در حوزه های بهبهان و سپس نجف اشرف ، در محضر آخوند خراسانی و آقا سیّد محمّد کاظم یزدی و آقا سیّد محسن کوه کمری ، به تحصیل علم پرداختند ، و به مقام منبع اجتهاد نائل گردیدند(۱) و سپس به بهبهان مراجعت نموده ، و به تدریس پرداختند ، و پس از آن در شهر رامهرمز اقامت جسته ، و تأسیس مدرسه و حوزه علمیّه نمودند ، و بعد از آن در شهر اهواز اقامت جسته ، و مدرسه عظیم ( دار العلم آیه الله بهبهانی ) را تأسیس کردند . آن بزرگوار ، در بیست سال اخیر عمرشان ، تابستانها به اصفهان و حوزه علمیّه آن وارد می شدند ، و حوزه درسی مهمی را تشکیل می دادند ، که از اهمیّت ویژه ای برخوردار بود ، و در ایجاد حرکت حوزه ای و تشکّل یافتن روحانیت ، نقش بسیار جالبی ایفاء نمود .

مرحوم آیه الله بهبهانی ، در سالهای اخیر عمر مبارکشان ، شش ماه در اهواز و شش ماه در اصفهان اقامت داشتند ، و نه تنها حوزه درسی برجسته ای داشتند ، بلکه نماز جماعت ایشان در مسجد امام ( مسجد شاه سابق ) و مسجد مرحوم سیّد شفقی ، در آن زمان بی نظیر بود .

بیش از ده تألیف برجسته و محققانه ، همانند : مصباح الهدایه ، أساس النّحو ، الإشتقاق ، حواشی عروه الوثقی و وسیله النّجاه و ... از خود به جای گذاردند و با تأسیس مدرسه علمیّه اهواز و رامهرمز و مساجد و اماکن عمومی عام المنفعه ، یاد خود را باقی گذاردند ، و خاندان علمی ارزشمندی را از نسل خود عرضه نمودند ، و مرجعیّت ایشان ، نه تنها برای حوزه های علمیّه برکت داشت ، که در جامعه شیعه و بالخصوص استان خوزستان و اصفهان ، سرچشمه فیض معنوی

ص: ۶۱۲

و هدایت ، محسوب گردید(۱).

## ۲- آیه الله شهید شمس آبادی

فقیه و مجتهد زاهد ، و عالم ریّانی مجاهد، آیه الله ، آقا سید أبو الحسن شمس آبادی ( آل رسول ) ( شهید در سال ۱۳۹۶ قمری ).

ایشان از چهره های مبرز در حوزه علمیّه اصفهان ، به شمار می رفتند و در تشویق و حمایت از طلاب حوزه علمیّه اصفهان و نیز کمک رساندن به فضلاء و علماء حوزه مقدّسه نجف اشرف و ترغیب و تشویق آنها به سیر تکاملی در مسیر تحقیق و اجتهاد، نقش فعّالی داشتند .

مرحوم شهید شمس آبادی ، نه تنها عالمی متفّذ در حوزه علمیّه و شخصیتی مورد احترام در میان علماء و فضلاء و طلاب بودند ، بلکه به مناسبت حالات روحی و خدمات اجتماعی و دینی فراوان مورد توجه شدید عموم مردم و نیز مراجع عالیقدر تقلید قرار گرفته بودند ، که به عنوان نمونه برای مزایای روحی و اجتماعی آن بزرگمرد، می توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱- محبّت شدید نسبت به أهل البیت علیهم السلام و بالأخص سید الشهداء علیه السلام ۲- تأکید بر مزایای اخلاقی و روحی و معنوی

۳- مبارزه با مخالفین مکتب ولایت ، و مروّجین افکار پلید و هائیت ، و نیز مبارزه با سایر فرقه های ضالّه ، همانند بهائی ها و ...

۴- اقدام در تأسیس و یا توسعه مؤسسه های خیریه و عام المنفعه ، با رعایت ضوابط دینی و مذهبی ، همانند : سازمان وسیع و گسترده أبابصیر ( برای حمایت

ص: ۶۱۳

---

۱- شرح حال مفّصل و جامع آیه الله بهبهانی در کتاب ( أرمغان اصفهان ، در شرح حال علامّه بهبهان ) به قلم آقای سید مصلح الدّین مهدوی ، آمده است

و اداره امور تحصیلی و زندگی نابینایان) و مؤسسه عظیم و پر اثر انجمن مددکاری امام زمان علیه السلام (برای کمک و اداره امور ایتم)، و حسینیّه اصفهانیه در کربلای معلی، و حسینیّه اصفهانیه در مشهد مقدّس، و هم چنین کمک به فقراء و نیازمندان، از طرق خصوصی و مخفی.

۵- اعزام مبلغ به مناطق گوناگون و روستاهای چندین استان، در سطحی وسیع و با حمایتی همه جانبه از مبلغین اعزامی، تا جایی که در مناطق خطرناک که تحت نفوذ فرقه های گمراه بودند، شخصاً به همراهی جمعی از علماء و فضلاء، تشریف می بردند و دشمنان و معاندین را مرعوب، و مؤمنین را تقویت روحی می نمودند.

و لذا در هنگام انتشار خبر شهادت آن بزرگمرد (به دست یک گروه منحرف و معاند و مخالف مکتب ولایت) آن چنان هیجانی به وجود آمد، که در شهر با ولایت و عالم دوست و مجتهد پرور اصفهان، بزرگترین تشییع جنازه، در طول چهل سال، انجام گرفت، و تا چهل روز جلسات بزرگداشت شهادت این مجتهد عظیم الشان، همراه با عزاداری و حرکت دسته جات سینه زنی، برقرار گردید، و در حوزه های علمیه و سایر شهرها همانند: نجف اشرف - قم - تهران - مشهد مقدّس - شیراز - کاشان - کرمانشاه و دهها شهر بزرگ و کوچک دیگر (در داخل و خارج ایران) مجالس سوگواری از طرف مراجع بزرگ شیعه و علماء و مؤمنین منعقد گردید، و خون این شهید بزرگوار همانند خون مقدّس مولا- و پیشوای بزرگوارش، حضرت سید الشهداء علیه السلام، جوشید، و نه تنها قاتلین و گروه و افکار و روش آنها را به رسوائی کشانید، بلکه آنها را به دست انتقام سپرد، و از صفحه تاریخ برانداخت.

مردم با ایمان و دلباخته اهل البیت علیهم السلام، بر مرقد مطهر آن شهید راه ولایت

و امام حسین علیه السلام، بقعه و گنبدی بسیار شکوهمند و زیبا ساختند، و مزار این شهید عظیم الشان، شمع جمع شهداء گردید، و هم اکنون یکی از مشهورترین و پرجمعیت ترین زیارتگاه های اصفهان به شمار می رود(۱).

### ۳- آیه الله خراسانی

فقیه و مجتهد عظیم الشان و زعیم حوزه علمیه اصفهان، مرحوم آیه الله، آقا سید محمد رضا خراسانی، متوفای ۲۹ رجب ۱۳۹۷ قمری، که از چهره های مبرز و موثر حوزه علمیه اصفهان در نیمه دوم قرن چهاردهم به شمار می رفتند، و نقش بسیار مؤثری در احیاء مجدد حوزه علمیه اصفهان، پس از سقوط حکومت پهلوی اول، ایفاء نمودند، و در مدرسه صدر بازار و نیز مدرسه چهارباغ (سلطانی)، تدریس دوره خارج می نمودند.

در باره این بزرگمرد و آثار و خدمات حوزه های ایشان در بخش « خاندانهای علمی اصفهان » و نیز در بخش « مدارس علمیه اصفهان » بحث و بررسی داریم

### ۴- آیه الله خادمی

زعیم و رئیس حوزه علمیه اصفهان، فقیه و اصولی محقق، آیه الله، حاج آقا حسین خادمی قدس سره، متوفای ۱۴۰۵ قمری، که از بزرگترین مدرّسین دوره خارج فقه و اصول در اصفهان، در اواخر قرن چهاردهم، به شمار می رفتند، و در مبارزه با حکومت پهلوی و فعالیت های اجتماعی و دینی و حمایت و تربیت طلاب حوزه علمیه، نقشی مؤثر و اساسی داشتند، و در مراحل گوناگون حرکت انقلاب اسلامی، شخصیت ایشان مورد توجه علماء و مردم با ایمان

ص: ۶۱۵

---

۱- درباره آیه الله شهید شمس آبادی، و اساتید و اجازات اجتهادی ایشان، در بخش « خاندانهای علمی » و نیز بخش « بقعه های علمی و تخت فولاد » بررسی و توضیح داریم

بود، و منزل ایشان مرکزی بزرگ برای فعالیت های مختلف دینی و مبارزاتی محسوب می گردید .

شرح حال و فعالیت ها و آثار علمی ایشان را ، در بخش ( خاندانهای علمی اصفهان « خاندان خادمی » ) و نیز در بخش « مدارس علمی اصفهان » ذکر نموده ایم .

## ۵- آیه الله لنکرانی

فقیه مجتهد ، و اصولی جامع ، و ادیب شاعر ، حاج شیخ مجتبی لنکرانی نجفی اصفهانی ، متوفای ۱۴۰۶ قمری .

وی در حوزه نجف از محضر بزرگانی همانند آیات عظام : میرزا محمد حسین نائینی ، آقا ضیاء الدین عراقی ، آقا شیخ محمد حسین غروی اصفهانی (کمپانی) ، آقا شیخ محمد جواد بلاغی ، آقا سید ابوالحسن اصفهانی بهره مند گردید ، و به مقام اجتهاد رسید<sup>(۱)</sup> و در علوم عقلی و نقلی ، از قبیل : فقه ، اصول ، حکمت ، کلام ، تفسیر ، رجال ، ادب و شعر ، به مقام بلندی دست یافت ، و در حوزه نجف به تدریس و تربیت طلاب اشتغال جست ، و چندین سال در حوزه سامراء تدریس می فرمود، و در سال ۱۳۹۱ قمری به اصفهان هجرت نمود، و در این حوزه کهن به تدریس فقه و اصول پرداخت .

مرحوم لنکرانی ، دارای پشتکاری عجیب ، ذوقی لطیف ، روحی بلند ، سرعت انتقالی شگفت بودند، و از چهره های مبرز در تربیت علماء و فضلاء ، در حوزه های علمیه ، به شمار می رفتند ، و اخلاق و زهد و محسن معاشرت ایشان ، جاذبه ای شدید ایجاد کرده بود، و علماء و فضلاء و طلاب ، علاقه مند به محضر

ص: ۶۱۶

---

۱- آرمغان اصفهان ، صفحه ۹۰ و گنجینه دانشمندان ، جلد ۳ ، صفحه ۱۰۶

و مجالست این بزرگمرد بودند .

معظم له ، در دوّم شعبان ۱۴۰۶ قمری ، در شهر اصفهان وفات یافتند ، و جنازه ایشان به قم منتقل و مدفون گردید .

## ۶- آیه الله فیاض

فقیه اصولی ، و مجتهد محقق، آیه الله ، حاج شیخ أحمد فیاض ، متوفای ۱۴۰۷ قمری ، ایشان مقداری از مقدمات را در سیده ( خمینی شهر) تحصیل نموده ، و سپس به اصفهان هجرت نمودند، و در محضر بزرگانی همانند : آقا سید محمد نجف آبادی و حاج میر محمد صادق خاتون آبادی ، به کسب علم پرداختند و آنگاه به حوزه نجف هجرت کردند، و از محضر آیات عظام : آقا سید عبد الهادی شیرازی و آقا شیخ محمد کاظم شیرازی و حاج سید جمال الدین گلپایگانی و عدّه دیگری از بزرگان ، کسب علم نموده و به مقام منبع اجتهاد نائل گردیدند(۱) و از عدّه ای از بزرگان و مراجع تقلید و زعماء عالیقدر ، همانند : مرحوم آقا سید عبد الهادی شیرازی و آقا سید جمال الدین گلپایگانی و حاج سید محمد نجف آبادی و ... ، به دریافت اجازه اجتهاد مفتخر گردیدند .

مرحوم آیه الله فیاض ، پس از مراجعت به اصفهان ، در مدرسه صدر و مدرسه چهارباغ ( مدرسه امام صادق علیه السلام ) به تدریس پرداختند، و در تربیت طلاب و کوشش در تدریس فقه و اصول ، از چهره های برجسته حوزه علمیه اصفهان محسوب گردیدند ، و به جهت تحقیقات ارزشمند و دقت نظر و تقوی و فضیلت روحی و اخلاقی که در این بزرگمرد تحقق یافته بود، حوزه درسی پربرکتی را شکل بخشیده بودند ، که مجمع بسیاری از فضلاء و طالبان علم

ص: ۶۱۷

---

۱- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان ، ج ۲، ص ۲۸۶ و گنجینه دانشمندان، ج ۸، ص ۲۲۵

و کمال و تحقیق گردیده بود، و به همین جهت، بسیاری از علماء و فضلاء اصفهان و شهرهای اطراف، در زمره شاگردان ایشان به شمار می روند.

از نکات جالب و مهم، در زندگی این بزرگمرد، توجه ایشان به مقام منیع أهل البيت عليهم السلام و بالأخص، سید الشهداء علیه السلام است، تا آنجا که، وقتی با ایشان مصاحبه شد و سؤال گردید: حضرت تعالی از کدام یک از اعمالتان بهره بیشتری برده اید؟، ایشان در جواب فرمودند: از زیارت ابا عبد الله الحسین علیه السلام بیش از اعمال دیگر بهره برده ام (۱).

## ۷- آیه الله علامه فانی

فقیه اصولی و مجتهد محقق، مرحوم آیه الله العظمی، حاج سید علی علامه فانی، متوفای ۱۴۰۹ قمری، که از چهره های مبرز علمی و تحقیقی در حوزه های علمیه، به شمار می رفتند.

آیه الله فانی، در یک خانواده علمی ظهور یافتند، و در حوزه اصفهان مراحل از تحصیل علوم مقدماتی و فقه و اصول و فلسفه و تفسیر را طی نمودند، و از محضر بزرگانی همانند: مرحوم آقا شیخ محمد حکیم خراسانی، و آقا میر سید علی نجف آبادی، و آقا سید محمد نجف آبادی، و دیگر بزرگان، بهره علمی گرفتند، و پس از سالها تحصیل خارج فقه و اصول در اصفهان، به حوزه علمیّه نجف اشرف هجرت نمودند (۲) و از محضر شخصیتهای برجسته ای همانند: آقا سید ابوالحسن اصفهانی و حاج سید جمال الدین گلپایگانی و آقا شیخ محمد کاظم شیرازی بهره گرفتند، و به تدریس فقه و اصول و تفسیر و کلام،

ص: ۶۱۸

۱- مجله حوزه، شماره ۱۸، صفحه ۳۸

۲- زندگینامه آیه الله فانی، صفحه ۱۲ و تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج ۲، ص ۳۲۹-۳۳۱



اشتغال یافتند، و تألیفاتی فراوان، از خود به جای گذاردند.

معظم له در اثر فشارهای دولت بعثی عراق بر حوزه نجف، به حوزه قم و اصفهان مهاجرت نمودند، و تابستانها و ماه رمضانها در شهر اصفهان، و در بقیه سال، در حوزه علمیه قم به تدریس فقه و اصول و تفسیر و کلام استدلالی می پرداختند، و پاسخگوی سؤالات و نیازهای فکری جامعه و طلاب حوزه علمیه بودند.

مرحوم علامه فانی، علاقه ای شدید نسبت به اهل بیت علیهم السلام (عموماً) و امام حسین (خصوصاً) داشتند، و لذا ذوق لطیف و هنر ظریف خود را، در زمینه شعر و ادب، در خدمت معصومین علیهم السلام قرار داده بودند، و از شعرای لطیف گو، و سنجیده گوی خاندان عصمت و طهارت، به شمار می رفتند.

تالیفات مرحوم علامه فانی، در زمینه های فقه و اصول و کلام و عقاید و اخلاق و تفسیر و علوم قرآن و رجال، می باشد و شمار آنها به پنجاه و نه عدد می رسد، که بعضی از آنها در ضمن چندین مجلد می باشد، و از جمله آنها، رساله عملیه و مناسک حج است، که به زبانهای فارسی - عربی - انگلیسی، اردو و فرانسوی می باشد، و نیز بخشی از این آثار، تقریرات دروس فقه و اصول و کلام این بزرگمرد می باشد، که به وسیله شاگردانشان تنظیم گردیده است (۱). از میان شاگردان فراوان معظم له، از آیه الله، آقا سید محمد علی میر محمد صادقی و آیه الله، آقا شیخ محمد تقی مجلسی، و نیز نایب رئیس مجلس

ص: ۶۱۹

---

۱- فهرست کامل تألیفات مرحوم علامه فانی، در جزوه زندگینامه ایشان، که به وسیله بیت معظم له منتشر گردیده، چاپ شده است، و در گنجینه دانشمندان، جلد ۲، صفحه ۲۱۰ - ۲۱۲، بخشی از آنها، یاد شده است

## ۸- آیه الله مهدوی هرستانی

عالم ربّانی و فقیه زاهد ، آیه الله ، حاج سیّد مصطفی مهدوی هرستانی، متوفای ۱۴۰۹ قمری . معظم له ، در حوزه علمیه اصفهان دوره مقدمات و سطح و خارج فقه و اصول را طی نمودند ، و از محضر بزرگانی همانند : آقا شیخ محمد حسن نجف آبادی و آقا سیّد مهدی در چه ای و آقا سیّد محمد نجف آبادی و آقا سید علی نجف آبادی و حاج شیخ محمد رضا مسجد شاهی ، بهره گرفتند ، و سپس در حوزه علمیه قم، از محضر آیات عظام : حائری یزدی ، صدر ، خوانساری و حجه کوه کمری ، بهره مند گردیدند ، و آنگاه به نجف رفته ، و در محضر أعلام و آیات الهی : آقا سیّد ابوالحسن اصفهانی ، حاج شیخ محمد علی کاظمینی ، حاج شیخ موسی خوانساری ، حاج سیّد جمال گلپایگانی ، آقا سیّد عبد الهادی شیرازی و دیگر بزرگان ، به تکامل علمی پرداختند ، و مدّتی در جلسه استفتاء مرحوم آیه الله العظمی ، آقا سیّد أبو الحسن اصفهانی شرکت می نمودند ، و از آن بزرگ مرجع دینی ، به کسب اجازه اجتهاد نائل گردیدند<sup>(۱)</sup> و پس از مراجعت به اصفهان ، در مدرسه جدّه بزرگ حوزه درسی تشکیل دادند .

مرحوم آیه الله مهدوی ، تسلّط و تبخّر کاملی در مسائل و مباحث فقهی و أقوال بزرگان داشتند و حاضر لّذهن بودند ، و فتاواى مراجع معاصر را همانند أقوال گذشتگان ، در ذهن داشتند و به همین جهت ، نه تنها عموم مردم مستفید

ص: ۶۲۰

---

۱- مرحوم آیه الله مهدوی ، علاوه بر اجازه یاد شده ، به اجازه اجتهاد از مرحوم آیه الله العظمی ، حاج شیخ کاظم شیرازی ، و آیه الله العظمی ، حاج سیّد علی بهبهانی ، مفتخر گردیدند ( گنجینه دانشمندان ، جلد ۱ ، صفحه ۳۷۴ )

می گشتند ، بلکه فضلاء و مبلغین و ائمه جماعات ، در حل مشکلات خود ، از محضر ایشان بهره مند می گردیدند .

از خصوصیات مرحوم آیه الله مهدوی این بود که ، برای حل مشکلات مالی و اجتماعی علماء و بزرگان معاصر خود ، ( در اصفهان و دیگر حوزه ها ) همت می گماردند ، و به شکلی کاملاً محرمانه ، به یاری بزرگان می شتافتند ، و همیشه در تأیید و حمایت از فضلاء و طلاب نقش فعالی داشتند ، و در کمک به مستمندان و مؤسسات خیریه بسیار کوشا بودند ، و در همه موارد ، از حالت محرمانه و مخفی بودن ، استفاده می نمودند .

و در یک کلام ، مرحوم آیه الله مهدوی ، فقیهی متبحر و حاضر الذهن ، پیشوائی متنقد و محبوب ، یاور و پشتیبانی تلاشگر و فعال ( برای علماء و بزرگان دین ) ، نماینده های مورد توجه و علاقه ( برای مراجع تقلید ) ، و چهره ای شاخص در حوزه علمیه اصفهان بودند .

### ۹- آیه الله طیب

فقیه مفسّر و اصولی متکلم ، آیه الله ، آقا سید عبدالحسین طیب ، متولد هفتم محرم ۱۳۱۲ ، و متوفای عصر هشتم محرم ( شب تاسوعا ) ۱۴۱۲ قمری .

وی ، از خانواده علمی میر محمد صادقی می باشد ، و در کودکی پدر را از دست داد ، و دوران قحطی بزرگ بعد از جنگ جهانی اول را ( که جنازه ها بر روی هم انباشته می شده ) پشت سر گذاشته و در حوزه های اصفهان و قم و نجف ، به تحصیل علم پرداخته است .

آیه الله طیب ، استادهائی همانند : آقا میر محمد صادق خاتون آبادی ( مدرّس ) و آقا سید محمد باقر درچه ای و ... ، در اصفهان ، و آقا شیخ عبدالکریم حائری یزدی

در قم، و میرزا حسین نائینی و آقا ضیاء الدین عراقی و آقا سید ابوالحسن اصفهانی و آقا شیخ جواد بلاغی (استاد بزرگ علم کلام)، در نجف، داشته اند، و اجازه اجتهاد از مرحوم درچه ای و حائری یزدی و نائینی و عراقی و اصفهانی، و نیز از مرحوم آقا شیخ محمد حسین اصفهانی (کمپانی) و آقا شیخ محمد حسین فشارکی، دریافت نموده اند.

معظم له، پس از مراجعت به حوزه علمیّه اصفهان، به تدریس سطح عالی (مکاسب و رسائل و کفایه) و دوره خارج فقه و اصول در حوزه علمیه، و تدریس منظم علم تفسیر و عقاید و اخلاق برای دیگر طالبان علم (و از جمله پزشکان)، اشتغال داشتند.

مرحوم آیه الله طیب، در دوره خفقانی حکومت رضاشاه پهلوی، فعالیت درسی را تعطیل نمودند، و جلسه درس تفسیر را نیمه های شب جمعه تشکیل می دادند، و به خاطر روح پشتکاری که داشتند موفق شدند جلسات درس تفسیر را پنجاه سال بدون وقفه، ادامه دهند، و بیست و پنج سال درس عقاید را مستمر نگهدارند، و بیست سال درس اخلاق را در تمامی هفته ها ادامه دهند.

آقای طیب، تمامی درسهای اساتید مهم خود را در اصفهان و نجف، تقریر نموده و نوشته اند، که مجموعاً رقم قابل توجهی می باشد، و در طول هجده سال کار علمی مستمر، چهارده جلد تفسیر قرآن، به نام، اُطیب البیان، تألیف کرده اند (۱) و همچنین سه جلد کتاب (کلم الطیب) در عقاید، و کتاب (عمل صالح) در اخلاق، از آثار قلمی و چاپ شده آن بزرگمرد می باشد.

ص: ۶۲۲

---

۱- تفسیر اُطیب البیان، مورد عنایت حضرت بقیّه الله الأعظم (عج) قرار گرفته، و داستان جالب و مفصل عنایت آن حضرت، در آخر جلد ۱۴ اُطیب البیان، نقل شده است

مرحوم آیه الله طیب ، در هر سال چهارده نوبت ختم قرآن می نمودند ، و بر زیارت عاشوراء با صد لعن و سلام با تمامی آداب ( در تمامی ماههای محرم و صفر ) در دوره ای نزدیک به تمام عمر ، و نیز تهجد و نماز شب ، و هم چنین بر زیارت چهارده معصوم علیهم السلام ( قبل از نماز شب ) ، مداومت داشتند .

و در یک کلام ، آیه الله طیب ، مرد علم و عمل ، تقوی و نظم ، بیان و قلم بودند ، و از چهره های ارزشمند حوزه علمیه اصفهان در قرن چهاردهم ، به شمار می روند (۱).

از آرزوهای دیرینه مرحوم آقای طیب ، این بوده که در تاسوعای حسینی از دنیا بروند ، و به آرزوی خود رسیدند ، و پس از مدتی کسالت و مرض ، عصر هشتم محرم وفات یافتند ، و جنازه آن بزرگمرد ، صبح تاسوعا ، بر روی دستهای عزاداران حضرت ابا الفضل العباس علیه السلام ، تشییع گردید ، و در کتابخانه مسجدشان ، در خیابان میر ، به خاک سپرده شد . نویسنده کمترین این سطور ، مدتی در درس فقه ( مکاسب ) آن بزرگ استاد منظم و متقی شرکت می جستیم ، و از برکات علمی و روحی ایشان ، بهره می گرفتیم .

#### ۱۰- آیه الله ادیب

فقیه و اصولی حکیم ، و ادیب و شاعر ریاضی ، و منجم محقق ، شیخ العلماء ، آیه الله ، حاج شیخ عباسعلی ادیب ، متوفای ذی الحجه ۱۴۱۲ قمری .

وی ، از چهره های مبرز و جامع در حوزه علمیه اصفهان ، در نیمه دوم قرن چهاردهم می باشد ، و نزدیک به یکصد سال در این جهان زیست نموده است .

ص: ۶۲۳

---

۱- علاوه بر کتاب گنجینه دانشمندان ، جلد سوم ، در مجله حوزه ، شماره ۳۳ مرداد و شهریور ۱۳۶۸ شمسی ، شرح زندگی مفصل و بسیار آموزنده ای از این بزرگمرد ، منتشر شده است

آن بزرگمرد، از اساتید بزرگی، همانند: آقا سید مهدی درچه‌ای، آقا شیخ محمد رضا مسجد شاهی (نجفی)، حاج میر محمد صادق خاتون آبادی، آقا سید محمد نجف آبادی، آقا شیخ محمد حکیم خراسانی و... بهره گرفته، و در حدود هفتاد سال، تدریس علوم حوزه‌ای از قبیل: نحو، صرف، معانی و بیان، منطق، حکمت، اصول فقه، فقه، کلام، هیئت، و... داشته، و در اکثر مواقع، شمار درس‌هایی که برای طلاب حوزه علمیه می‌گفته‌اند، زیاد بوده، و گاهی به سیزده درس در روز، می‌رسیده است.

اجازات اجتهادی ایشان، از علماء بزرگی همانند آیات عظام: آقا سید أبو الحسن اصفهانی، و آقا سید محمد حجّت کوه کمری، و آقا سید محمد نجف آبادی و آقا شیخ محمد رضا نجفی، و آقا شیخ محمد حسین فشارکی و... بوده است.

آیه الله اُدیب، تألیفاتی متعدّد و متنوّع از خود به جای گذاشته‌اند، همانند: ۱- إرث الشّیعه ۲ - مناسک الشّیعه ۳ - أحسن التّقویم (که بارها چاپ شده و عموم مردم اصفهان و اطراف، برای تعیین اوقات شرعی دوره سال و بالأخص ماه مبارک رمضان، از آن استفاده می‌نمایند و در برنامه‌های رسمی رادیو و تلویزیون «مرکز اصفهان» برای تعیین وقت اذان صبح و ظهر و مغرب، از این کتاب بهره می‌گیرند) ۴ - هدیه العباد (در شرح حال صاحب بن عبّاد) ۵ - وظایف الشّیعه (در شرح دعای ندبه) ۶ - کتاب تطبیق، ۷ - الرّساله القطیبه، و شمار دیگری جزوه و رساله، که در زمینه‌های مختلف می‌باشد، و سندی بر جامعیت و تبخّر و دقّت اندیشه این بزرگمرد محسوب می‌گردد.

عده زیادی از علماء و فضلاء در زمره شاگردان این بزرگمرد می‌باشند و این

نویسنده کمترین نیز، مدتها در درس حکمت ایشان که به نحو خصوصی،

تدریس می‌نمودند، شرکت می‌نمودم

مرحوم آیه الله اَدیب ، شخصیتی مقاوم ، صبور ، پرتلاش ، زاهد ، محقق ، جامع و ... بودند ، و از مفاخر حوزه علمیه اصفهان به شمار می روند ، و در این هنگام ( ۱۹ ذی الحجه ۱۴۱۲ قمری ) که این مطالب را می نویسم ، شهر و حوزه اصفهان به مصیبت فقدان این بزرگمرد ، دچار گردیده است (۱).

جنازه مرحوم آیه الله اَدیب قُدسُ سِرّه در جوار مرقد صاحب بن عبّاد و در داخل بقعه آن بزرگمرد به خاک سپرده شد ، و در باره آثار و خدمات ایشان در بخش « بقعه های علمی اصفهان » نیز مطالبی را بیان داشته ایم .

## ۱۱- آیه الله موحّد ابطحی

فقیه مفتیر ، و مدرّس جامع ، و طیب روح و جسم ، مرحوم آیه الله ، حاج سید مرتضی موحّد ابطحی ، متوفای دهم جمادی الثانیة ۱۴۱۳ قمری ، که نه تنها مدرّسی پرتلاش در حوزه علمیه و عالمی پراثر و فعّال در سنگر محراب و منبر بودند ، بلکه در مبارزه منفی با سیاست ضدّ دینی و ضدّ حوزه های پهلوی اوّل ، از چهره های برجسته به شمار می روند .

این بزرگمرد ، تمامی هفت فرزند پسر خود را در زمره سربازان بقیّه الله الأعظم ، امام زمان (عج) قرار دادند ، و همه آنها را مفتخر به پوشیدن لباس مقدّس روحانیت نمودند ، و در اوج قدرت خفقانی حکومت پهلوی (که عمّامه از سر علماء بزرگ و روحانیین عالیقدر بر می داشتند ) ایشان فرزند اوّل و دوّم خود را ( در همان زمان ) ملبّس به لباس روحانیت نمودند .

ص: ۶۲۵

---

۱- برای تفصیل بیشتر ، در مورد زندگی و آثار و خدمات مرحوم آیه الله اَدیب ، به مجله حوزه شماره مسلسل ۲۶ سال ۱۳۶۷ شمسی ، و گنجینه دانشمندان ، جلد ۸ صفحه ۹۴ و تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان ، جلد ۲ ، صفحه ۳۲۲ مراجعه شود

ایشان در تعلیم و تربیت فرزندان خود، و نیز در خدمت به آستان مقدّس أهل البيت عليهم السلام و بالأخص حضرت بقیه الله الأَعمّ (عج)، تا آنجا فداکاری و ایثار نمودند، که تدریس برای همه فرزندان را، از مراحل مقدماتی تا درور سطح، شخصاً به عهده گرفتند، و با آن همه فعالیت های درسی حوزه ای و خدمات اجتماعی، تعلیم و تربیت فرزندان خویش را، در اولویّت قطعی برنامه های خود قرار دادند.

و در نتیجه آن همه پشتکار و جدیّت و حُسن نیت و خلوص، در میان فرزندان ایشان، چهره های برجسته ای در حوزه های قم و نجف و اصفهان، درخشیدند که در بخش ( خاندانهای علمی اصفهان ) « خاندان علمی موحد ابطحی» به آنها اشاره نموده ایم.

برای آشنائی بیشتر با شخصیت و آثار و خدمات این بزرگمرد، به مجلّه حوزه، شماره ۵۸، و گنجینه دانشمندان، جلد ۸، صفحه ۲۴۵ به بعد، و کتاب البیان الأکمل فی شرح حال الوالد الأمثل، تالیف این نویسنده کمترین، و نیز به بخش « علم طب در اصفهان » در همین کتاب، مراجعه گردد.

## ۱۲- علامه میرجهانی

أدیب أریب، و محدّث خبیر، جامع المعقول و المنقول، علامه متّبع، آقا سیّد محمّد حسن میرجهانی جرقویه ای، متولّد ۱۳۱۹ و متوفای بیستم جمادی الثانیة ۱۴۱۳ قمری.

آن بزرگمرد، در حوزه اصفهان، در محضر بزرگانی همانند: آقا شیخ علی یزدی، آقا میرزا احمد اصفهانی، حاج شیخ محمّد علی دزفولی، آقا سیّد أبو القاسم دهکردی، آقا شیخ محمّد رضا نجفی مسجد شاهی، آخوند ملا حسین فشارکی،



و دیگر مدرّسین ، دوره مقدمات و سطح و خارج را گذرانده ، و در حوزه علمیّه نجف اشرف ، از محضر بزرگان فقه و اجتهاد همانند : مرحوم آقا ضیاء الدّین عراقی ، آقا سیّد ابوالحسن اصفهانی و مرحوم مامقانی بهره علمی گرفته ، و مورد عنایت خاصّ مرحوم آیه الله ، آقا سیّد ابوالحسن اصفهانی بوده است .

معظم له ، پس از تکمیل تحصیلات ، در شهرهای اصفهان و مشهد مقدّس و تهران ، هر کدام ، سالها اقامت و فعالیت علمی و دینی داشتند ، و از طریق بیان و قلم ، در نشر مکتب اهل البیت علیهم السلام می کوشیدند ، و در سالهای آخر عمر ، برای سوّمین بار ، در اصفهان اقامت گزیدند ، و با کهولت و کبر سنّ ، در ترویج دین و مذهب اهل البیت علیهم السلام ، کوشش و فعالیت می نمودند .

آیه الله میر جهانی ، به خاطر جامعیت در علوم عقلی و نقلی ، و تبخّر در علوم ادبی ، و داشتن ذوق لطیف و آشنائی با علوم غریبه ( جفر ، رمل ، اُسطرلاب ) (۱) تألیفاتی مؤثّر ، و خطابه هائی جامع و نافذ ، و سروده ها و دیوانی پربرکت دارند ، و اشعار ایشان ( که فراوان هم هست ، و بخشی از آن در دیوان حیران به چاپ رسیده ) ، عموماً در مسیر توحید و عقاید حقّه ، و مکتب ولایت ، و مدائح و مرثیاتی خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام ، می باشد .

آقای میر جهانی ، در اثر تلاش و کوشش فراوان در زمینه خدمت به آستان مقدّس اهل البیت علیهم السلام ، موفق به دیدار و لقای حضرت بقیّه الله الأعظم ، حجّه بن الحسن العسکری (عج) گردیده اند (۲) و در زمینه توجّه به اهل البیت علیهم السلام

ص: ۶۲۷

---

۱- گنجینه دانشمندان ، جلد ۲ ، صفحه ۴۱۱

۲- گنجینه دانشمندان ، جلد ۲ ، صفحه ۴۱۵ و جلد ۸ ، صفحه ۳۷۶ و مجله حوزه ، شماره ۵۸ ، صفحه ۳۸

و کسب فیض از ارواح مقدّسه صاحبان ولایت ، دارای موقعیتی شایسته و برجسته و ممتاز بودند (۱).

تألیفات علامه میرجهانی ، متعدّد و متنوّع می باشد ، و شمار عناوین آنها به بیش از بیست عدد می رسد، همانند :

۱- مستدرک نهج البلاغه به نام مصباح البلاغه ، در چهار جزء (دو مجلد) .

۲- نوائب الدهور ، در علائم ظهور ( در چهار جلد ) .

۳- جُنه العاصمه ، درباره صدیقه طاهره ، حضرت فاطمه زهراء علیها السلام ...

۴- کنوز الحکم و فنون الکلم ، در خطب و کلمات امام حسن مجتهدی علیه السلام .

۵- الدر المکنون ، دو هزار بیت عربی ، در امامت و صفات جامعه امام و تواریخ ائمه علیهم السلام .

۶- ولایت کلیه ( در دو جلد ) .

۷- و ۸- ذخیره المعاد و مقلاد الجنان ( در زمینه ادعیه و زیارات ) . بسیاری از تألیفات آقای میرجهانی ، به چاپ رسیده ، و بعضی از آنها چندین بار چاپ شده است .

آقای میرجهانی و خاندانشان ، در زئی غیر سادات بودند ، تا آنکه در زمان مرجعیت عاظمه مرحوم آیه الله العظمی ، آقای حاج آقا حسین طباطبائی بروجردی قُدس سِرّه ، نسب شریف ایشان ( که از سادات طباطبائی هستند و با سلسله

ص: ۶۲۸

---

۱- مرحوم آیه الله میرجهانی ، از رفقای پدر من ( مرحوم آیه الله حاج سید مرتضی موحد ابطحی قُدس سِرّه ) بودند ، و ایشان در مصاحبه با مجله حوزه ، فرموده‌اند : ایشان ( آیه الله میرجهانی ) مرد عجیبی است ، مطالبی را می داند ، که به هر کس نمیگوید ... ، ایشان اهل ریاضت بود، و با مرحوم حاج شیخ حسنعلی اصفهانی ارتباط داشت . « مجله حوزه ، شماره ۵۸ ، مهر و آبان ۱۳۷۲ صفحه ۳۸

نسب آیه الله بروجردی و آیه الله العظمی، آقا سید محسن طباطبایی حکیم وابسته می باشد ( کشف گردید ، و مورد تأیید نسابه بزرگ قرن اخیر ، مرحوم آیه الله العظمی ، آقا سید شهاب الدین مرعشی نجفی قرار گرفت ، و پس از آن که سالهای متمادی ، عمامه سفید داشتند، و به عنوان آقا شیخ محمد حسن میرجهانی ، شناخته می شدند ، به دست مرحوم آیه الله العظمی بروجردی قُدس سِرّه ، عمامه سیاه ( که نشانه سیادت و انتساب به رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ ، در زمان معاصر می باشد ) بر سر ایشان گذارده شد، و بدین مناسبت ، جشن مفصلی در مدرسه فیضیه برقرار گردید .

آقای میرجهانی ، رساله ای در نسب خویش نوشتند ، که مورد تأیید مراجع نجف و ایران قرار گرفت ، و در آن ، علت و کیفیت اختفاء نسب سلسله میرجهانی ، بررسی و شرح داده شده ، و این رساله به چاپ رسیده است (۱).

در بخش « بقعه های علمی اصفهان » ، « بقعه علامه مجلسی » نیز ، درباره آیه الله میرجهانی ، بحث و بررسی داریم .

### ۱۳- آیه الله امامی

عالم مجاهد و جامع ، استاد عظیم الشان و کامل ، مدافع حریم مقدس مکتب ولایت و امامت ، مرحوم آیه الله ، حاج سید احمد فقیه امامی ، متولد هفدهم ربیع الأول ۱۳۵۲ و متوفای ایام فاطمیّه ( ۱۰ جمادی الثانیه ) ۱۴۱۴ قمری .

این بزرگمرد، که از خاندان ریشه دار امامی، و فرزند آیه الله ، حاج آقا عطاء الله فقیه امامی می باشند ، با تحصیلات عالی ، و تقریر دروس اساتید بزرگ فقه و اصول و حکمت و ... ( در حوزه علمیّه اصفهان و قم ) ، و تألیف بیش از هفتاد و پنج کتاب و رساله ، و تدریس فقه و اصول و تفسیر و حکمت و حدیث

ص: ۶۲۹

وَأَخْلَاقٍ وَ... (روزی هفت یا هشت درس، برای شاگردانی زیاد) و نیز مبارزات طولانی بر علیه حکومت جبار و ستمگر پهلوی، و مجاهدات گسترده در سنگر محراب و منبر، و هم چنین دفاعی قاطع و فراگیر، از حریم ولایت اهل البیت علیهم السلام و ساحت مقدّس مرجعیت شیعه، و فعّالیت های چشم گیر و کم نظیر در خدمت به مردم با ایمان، و حلّ مشکلات گوناگون اجتماعی و...، از چهره های درخشان حوزه علمیّه اصفهان در نیم قرن اخیر به شمار می روند، و ما در بخشهای گوناگون این کتاب، همانند: (امامزادگان اصفهان «امامزاده أبو العباس») و «خاندهای علمی اصفهان» و «مدارس علمیّه» و «مساجد محلّ فعّالیت علمی» و...، و نیز در کتاب «یادواره آیه الله، فقیه امامی»، از فعّالیت های علمی و درسی و اجتماعی این شخصیت عظیم الشان، یاد نموده ایم.

#### ۱۴- آیه الله صافی اصفهانی

فقیه مجتهد و اصولی متّقی و زاهد، آیه الله حاج شیخ حسن صافی اصفهانی، متولّد ۱۲۹۸ شمسی و متوفّای جمادی الاولی ۱۴۱۶ قمری (۱۳۷۴ شمسی)

معظم له، در حوزه اصفهان مقداری تحصیل علم نمودند، و در حوزه قم، مراحل دیگر از تحصیل علوم را پیمودند، و سپس در حوزه علمیّه نجف، از محضر بزرگانی همانند آیات عظام: مرحوم آقا سید عبد الهادی شیرازی و مرحوم آقا سید محسن طباطبائی حکیم و آقا شیخ محمّد علی کاظمینی (صاحب تقریرات) و مرحوم آقا شیخ کاظم شیرازی و مرحوم آیه الله العظمی، حاج سید ابوالقاسم خوئی بهره مند شده، و به مقام منبع اجتهاد نائل گردیدند، و نیز از درس مرحوم آقا شیخ صدرا بادکوبه ای (در حکمت و فلسفه) بهره جستند.

آیه الله صافی ، در حوزه نجف اشرف ، به تدریس دوره سطح و سپس خارج فقه و اصول ، اشتغال جستند، و سپس در سال ۱۳۵۰ شمسی ، به اصفهان مراجعت نموده و بیست و پنج سال ، در مدرسه صدر بازار به تدریس فقه و اصول استدلالی اشتغال داشتند ، و حوزه درسی ایشان از رونق و اهمیت قابل توجهی برخوردار بود، و از نقاط قوت حوزه علمی اصفهان به شمار می رفت .

آیه الله صافی ، از چهره های مبرز دوره اخیر اصفهان به شمار می روند ، و از نظر اخلاقی و معنوی و تقوی و فضائل روحی ، دارای برجستگی و امتیاز ویژه ، بودند ، و از آثار قلمی ایشان، یک دوره کامل تقریرات درس اصول آیه الله العظمی ، خوئی ( در چهار جلد ، که بخش اول آن به چاپ رسیده است ) و نیز تقریرات چندین کتاب فقهی می باشد . در سالهای آخر عمر ایه الله صافی ، مدتی زعامت حوزه علمی اصفهان ، به عهده این بزرگمرد بود، و حوزه درسی استدلالی ایشان ، مهمترین جلسه درس در حوزه علمی اصفهان به شمار می رفت . از نکات جالب در زندگی این بزرگمرد، این بوده است که ، در دوره اقامتشان در نجف اشرف ، یک دفعه موفق گردیدند که ، در یک شب ، هزار رکعت نماز بخوانند ، و به فیض این عمل ارزشمندی که مولای متقیان امیر المؤمنین علی علیه السلام پیوسته انجام می دادند ، در یک نوبت نائل گردیدند (۱).

## ۱۵- آیه الله صادقی

فقیه اصولی و مجتهد محقق ، آقای حاج سید محمد علی میر محمد صادقی ، متولد ۱۳۴۶ و متوفای ۲۰ ربیع الثانی ۱۴۱۷ قمری.

ص: ۶۳۱

---

۱- در بخش ( بقعه های علمی اصفهان ) « بقعه علامه مجلسی » و در بخش (مدارس علمی اصفهان ) « مدرسه صدر بازار » نیز ، از آیه الله صافی یاد نموده ایم

ایشان، در حوزه علمیّه اصفهان، به تحصیل علم پرداختند، و سپس به حوزه علمیّه نجف هجرت نموده، و از محضر بزرگان آن حوزه مقدّسه، همانند: آیه الله العظمی، حاج سید محمود شاهرودی و آیه الله العظمی، حاج شیخ حسین حلّی، و بالأخص مرحوم آیه الله العظمی، حاج سید علی علامه فانی، بهره گرفتند و به مقام اجتهاد نائل گردیدند.

معظم له تقریرات درسهای مرحوم علامه فانی را از فقه و اصول به رشته تحریر در آوردند، بدین ترتیب:

- ۱- تقریرات اصول (در ۴ جلد) ۲- تقریرات فقه (کتاب الطّهارة در ۵ جلد) ۳- تقریرات فقه (کتاب الصّیلموه در ۷ جلد) ۴- تقریرات فقه (کتاب الزّکوه و الخمس و الصّوم) ۵- تقریرات فقه (کتاب الحج و الإجاره) (۱)

و نیز کتابها و رساله های دیگری در بحث جبر و اختیار، و عدم تحریف قرآن و تفسیر سور [جمع] و .. تألیف نمودند.

آیه الله صادقی، در سال ۱۳۹۰ قمری، به اصفهان مراجعت نمودند، و در مدرسه صدر بازار، به تدریس دوره خارج فقه و اصول پرداختند، و حوزه درسی ایشان، از رونق و اهمیّت بسزایی برخوردار گردید، و با توجّه به نظم و اخلاق و حسن معاشرت ایشان، موقعیّت شایسته ای را در حوزه علمیّه اصفهان، و در میان مردم إحراز نمودند، و از مفاخر حوزه علمیّه اصفهان به شمار می آمدند.

در بخش (خاندانهای علمی اصفهان «خاندان میر محمد صادقی») و نیز در بخش «بقعه های علمی و تخت فولاد اصفهان»، از این بزرگمرد یاد نموده ایم.

ص: ۶۳۲

فقیه اصولی و مجتهد محقق، آیه الله، حاج شیخ مرتضی اردکانی، متولد ۱۳۲۶ و متوفای جمادی الأولى ۱۴۱۷ قمری، (۱۳۷۵ شمسی) فرزند مرحوم آقا میرزا محمد اردکانی، و سبط آقا شیخ محمد رضا مجتهد اردکانی.

او در شهر اردکان و یزد، مقدمات علوم را تحصیل نمود و به اصفهان که مرکز بزرگ علمی بود هجرت فرمود، و در محضر آقا شیخ علی یزدی و آقا میرزا احمد مدرس و آقا شیخ محمود مفید و .. دوره سطوح را به پایان رسانید، و به درس خارج فقه و اصول آیات عظیم الشان: آقا سید محمد نجف آبادی، آقا میر سید علی نجف آبادی، آقا شیخ محمد رضا نجفی مسجد شاهی، و ... راه یافت، و در محضر و درس آن بزرگان، به درجه اجتهاد نائل گردید، و مفتخر به دریافت اجازه اجتهاد از مراجع عظیم الشان و فقهاء عالی مقام: آقا ضیاء الدین عراقی آقا سید ابوالحسن اصفهانی، آقا سید محمد نجف آبادی و آقا شیخ محمد حسین فشارکی، گردید.

مرحوم آیه الله العظمی، آقا ضیاء الدین عراقی، در ضمن اجازه اجتهاد این بزرگمرد نوشته اند:

... عَلَى عَلِيٍّ أَعْلَى مِرْقَاةِ الرَّشَادِ وَ خَرَجَ عَنْ حَضِيضِ التَّقْلِيدِ إِلَى ذُرْوَةِ الْأَجْتِهَادِ وَ صَارَ بِحَمْدِ اللَّهِ تَعَالَى مِنَ الْعُلَمَاءِ الْأَعْيَانِ الَّذِينَ يُشَارُ إِلَيْهِمْ بِالْبَنَانِ... (۱)

و مرحوم آیه الله، آقا سید محمد نجف آبادی، استاد عالیقدر ایشان، در ضمن اجازه اجتهادی که نوشته اند، مرقوم فرموده اند:

ص: ۶۳۳

وَلَقَدْ اسْتَفَادَ مِنِّي وَاسْتَفَدْتُ مِنْهُ بُرْهَةً مِنَ الزَّمَانِ ... (۱) مرحوم آیه الله اردکانی، تألیفاتی داشتند از قبیل: ۱- غنیه الطالب (حاشیه ای بر مکاسب مرحوم شیخ انصاری در پنج جلد) ۲- کتاب القضاء ۳- رساله ای در اجتهاد و تقلید (که آثار یاد شده، به چاپ رسیده است) ۴- کتاب الدیات ۵- کتاب الصوم ۶- کتاب الاعتکاف ۷- حاشیه بر عروه الوثقی ۸- کتاب الزکوه ۹- کتاب الخمس ۱۰- کتاب الحج، و بیش از پانزده کتاب و رساله دیگر.

آیه الله اردکانی، در اصفهان، حوزه درسی قابل توجهی در فقه اجتهادی داشتند، که این نویسنده کمترین هم، چندین سال در درس فقه استدلالی ایشان در بحث مکاسب، شرکت می نمودم. معظم له، دارای استعدادی قوی، بیانی جذاب، قدرت استدلال، و تسلط بر جدل و مناظره بودند، و در اندیشه و تفکر و تبحر در مباحث کلام و اعتقادات و تفسیر و حدیث، دارای شخصیتی ممتاز بودند، و در سالهای آخر عمرشان (متجاوز از پانزده سال) در تهران اقامت نمودند، و به تدریس و تحقیق و تألیف، اشتغال داشتند (۲).

### چند چهره دیگر

در حال حاضر چهره های بزرگ دیگری در حوزه علمی اصفهان، مورد توجه می باشند، که آثار و برکات آنها باقی است، و امید است که عمر پر برکت

ص: ۶۳۴

- 
- ۱- غروب خورشید، (یادواره چهلمین روز ارتحال آیه الله اردکانی) صفحه ۱۲
  - ۲- شرح حال مفصل این بزرگمرد را، می توانید در کتاب تاریخ اردکان، جلد ۱، صفحه ۲۸۷ تا ۲۹۱ و غروب خورشید، (یادواره چهلمین روز ارتحال آیه الله اردکانی) و گنجینه دانشمندان، جلد ۳، صفحه ۸۴-۸۵ و تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، جلد ۲، صفحه ۳۴۰ - ۳۴۱، مطالعه نمائید



آنها مستدام بماند، و ذیلاً به سه نمونه اشاره می‌نمائیم.

#### ۱- آیه الله موحد ابطحی

فقیه اصولی و مجتهد عالیقدر، و مفسّر و متکلم و رجالی عظیم الشان، جامع المعقول و المنقول، آیه الله العظمی، آقای حاج سید محمد علی موحد ابطحی دامت برکاته، متولد ۱۳۴۹ قمری.

ایشان، در حوزه های علمیّه اصفهان و قم و نجف، تحصیل علم نموده، و به مقام منیع اجتهاد، نائل گردیدند و در حوزه علمیّه نجف اشرف، و سپس در حوزه قم و اصفهان، به تدریس درس خارج فقه و اصول و کلام و تفسیر اشتغال یافتند. معظم له، در تمامی مراحل تحصیل علم، مورد توجه اساتید عظیم الشان خود، که از برجسته ترین مراجع عالیقدر و فقهاء و محققین حوزه های علمیّه بوده اند، قرار گرفته بودند، و از چهره های برجسته تحقیق و تألیف و تدریس، در حوزه علمیّه نجف، به شمار می آمدند.

ایشان، در سال ۱۳۹۴ قمری، به حوزه علمیّه اصفهان مراجعت نمودند، و در مدرسه صدر بازار، و مدتی در مدرسه چهارباغ، به تدریس فقه و اصول و تفسیر و کلام استدلالی پرداختند، و اکنون چند سالی است که در حوزه قم، به درس و بحث و تألیف اشتغال دارند، و فقط تابستانها در حوزه علمیّه اصفهان، تدریس می نمایند. آثار تألیفی این بزرگمرد، در زمینه های فقه و اصول و تفسیر و علوم قرآن و رجال و حدیث و کلام و تاریخ و ... فراوان می باشد، همانند: الطبقات الکبری و شرح رجال نجاشی و شرح رجال کثی و أخبار الزّواه و شرح عروه الوثقی و شرح وسائل الشیعه و ... که شماری از آنها در ضمن مجلّات زیاد می باشد، و برخی از آنها به چاپ رسیده است، همانند:

از ویژگی های جالب در فعالیت های اجتماعی این بزرگوار ، تعظیم شعائر اهل البیت علیهم السلام از طریق تشکیل مجالس پرشور و سوز می باشد، که این برنامه را نه تنها در قم و اصفهان در منزل شخصی ، و در مدرسهٔ صدر و مسجد حضرت بقیه الله (عج) و... انجام می داده و می دهند، بلکه در هنگام سفر به مشهد مقدس، در این زمینه اقدام می نمایند و جلساتی که بدین منظور تشکیل می دهند مورد توجه و علاقهٔ عموم مؤمنین و علماء اعلام و دلباختگان اهل البیت علیهم السلام می باشد ، و گاهی در مناسبت های بسیار حساس همانند : روز تاسوعا و عاشوراء و ... خود شخصاً سخنرانی بسیار مفصل و استدلالی و عمیق و پرشوری ، ایراد می نمایند ، که نقش بسیار مؤثری در توجه به مکتب نورانی اهل البیت علیهم السلام ایفاء می نماید .

در بارهٔ این بزرگوار ، در بخش های « خاندان علمی اصفهان » و (مدارس علمیّهٔ اصفهان « مدرسهٔ صدر و مدرسهٔ چهارباغ ») بحث و بررسی داریم .

## ۲- آیه الله مجلسی

فقیه مجتهد و مدرّس مؤلف ، آیه الله ، حاج شیخ محمد تقی مجلسی دامت برکاته، متولّد ۱۳۰۷ شمسی (حدود ۱۳۴۸ قمری).

معظم له ، در اصفهان تحصیلات حوزه ای را شروع نموده ، و سپس در قم و پس از آن در حوزهٔ نجف ، ادامهٔ تحصیل علم دادند ، و از محضر بزرگانی ، همانند : حاج سید علی اصغر برزانی ، آقا شیخ محمد حسن نجف آبادی و آیه الله ، حاج آقا حسین خادمی ( در حوزهٔ اصفهان ) و نیز از محضر و درس آیات عظام

ص: ۶۳۶

و مراجع عالیقدر شیعه ، : آقا سید عبد الهادی شیرازی ، آقا سید محسن طباطبائی حکیم ، آقا سید محمود شاهرودی و آقا سید علی علامه فانی و نیز ، آقا سید ابوالقاسم خوئی و آقا میرزا هاشم آملی ( در نجف ) بهره علمی گرفتند ، و به مقام اجتهاد ، نائل گردیدند .

آیه الله مجلسی ، پس از مراجعت از نجف و مدتی اقامت در حوزه علمیه و شهر قم ، از سال ۱۳۶۱ شمسی در اصفهان اقامت جستند ، و به تدریس خارج فقه و اصول و تألیف و تحقیق ، اشتغال دارند .

از تألیفات ایشان که به ۲۵ عنوان کتاب میرسد ، و در زمینه فقه و اصول و حدیث و اخلاق می باشد ، چند عدد به چاپ رسیده است ، همانند :

۱- المنتقی فی شرح العروه الوثقی ( مبحث اجتهاد و تقلید ) ۲- تقریرات درس اصول آیه الله آملی ۳- ولایت الأولیاء ۴- درّه البهیة ۵- رساله ای در نماز جمعه

۳- آیه الله امامی

استاد عظیم الشان و محقق ، و عالم جامع کامل ، آیه الله حاج سید حسن فقیه امامی دامت برکاته ، متولّد ۱۳۵۴ قمری به این بزرگمرد ، از خاندان علمی و ریشه دار امامی و فرزند مرحوم آیه الله ، حاج آقا عطاء الله فقیه امامی قدس سرّه می باشند ، و به علّت خدمات علمی و حوزه ای و اجتماعی طولانی و گسترده ، از مفاخر حوزه علمیه اصفهان ، به شمار می روند .

آیه الله امامی ، در محضر پدر بزرگوارشان ، و نیز اساتید و آیات و علماء بزرگی ، همانند : آقا شیخ محمد حسن نجف آبادی ، و آقا شیخ محمد علی ( معلّم حبیب آبادی ) و آقا شیخ علی مشکوه سدهی و آقا شیخ علی قدیری کفرانی و آقا سید مرتضی موحد ابطحی و آقا شیخ عباسعلی ادیب و حاج سید علی اصغر برزانی و حاج

ص: ۶۳۷

شیخ احمد فیاض سدهی و حاج آقا حسین خادمی و آقا سید علی موسوی بهبهانی، قدس سرهم، به کسب علم و طی مراحل تکاملی پرداختند و در ضمن تحصیل، به تدریس و تحقیق، اشتغال یافتند و پس از تکمیل تحصیلات، فعالیت های خود را در تدریس دروس زیاد و متنوع، در زمینه علوم ادبی و فقه و اصول و تفسیر و حدیث و درایه و عقائد و کلام و اخلاق، و نیز تربیت و سرپرستی طلاب حوزه علمیه، و تأسیس مدارس علمیه و خدمات دینی و علمی و اجتماعی در شهر تاریخی و باایمان و ولایت اصفهان، افزایش دادند و هم اکنون از میزترین چهره های عالم روحانیت، و حوزه علمیه، و جامعه دینی ما، می باشند. و ما، در بخشهای گوناگون این کتاب، همانند: «مدارس علمیه اصفهان»، «برنامه گسترده مدرسه علمیه ذوالفقار و مدارس وابسته»، «خاندانهای علمی اصفهان» و نیز در کتاب «یادواره آیه الله، فقیه امامی» از آثار و خدمات این بزرگمرد، یاد نموده ایم

## اعتذار

علاوه بر شخصیتهای یاد شده، دهها مدرس دیگر در حوزه علمیه اصفهان، در دوره اخیر اشتغال به تدریس و تربیت طلاب داشته و دارند و در زمینه های مختلف علوم اسلامی، در دوره مقدمات و سطح و خارج، کوشش درسی می نمایند، و در بخش «مدارس اصفهان» به برخی از آنها اشاره می نمائیم، و معرفی همه آنها، از حوصله این بررسی خارج می باشد، و درباره شخصیتهای یاد شده نیز، از بررسی و ذکر همه آثار علمی و خدمات و زحمات آنان (به علت پرهیز از طولانی شدن بحث و بررسی) صرف نظر می نمائیم.





از بخشهای جالب توجه، در بررسی ابعاد حوزه علمیه اصفهان، بخش مربوط به تعلیم و تعلم دینی بانوان، و رسیدن آنها به مقامات بلند، در مسیر تحقیق و تألیف و تدریس و ارشاد دینی می باشد، و در این قسمت باید توجه داشته باشیم که، در دوره های رونق علم و دین در اصفهان، بانوان و دختران فاضله ای در صحنه علم و دانش پیدا شده اند، که از افتخارات مکتب تشیع می باشند و ذیلاً به برخی از آنها، به ترتیب تقریبی زمان زندگی و فعالیت علمی آنان، اشاره می نمائیم:

#### ۱- دختر صاحب بن عبّاد

صاحب بن عبّاد، چهره مبرز و مشهور شیعه در دوران حاکمیت آل بویه، دختری عالمه و آدیبه داشته که، در کتاب نفیس ریاحین الشریعه، درباره او چنین آمده است:

این دختر، فاضله و آدیبه بوده، و جای تعجب نیست دختری که در دامان صاحب بن عبّاد، که زبان از فصاحت و علم و ادب او قاصر است، چنین باشد، فضل و دانش را از پدر میراث گرفته بود(۱).

صاحب بن عبّاد، از کثرت علاقه اش به این دختر از یک طرف، و علاقه اش به فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آلهی و سلم و از طرف دیگر، این دختر را به ازدواج

ص: ۶۴۱

أبو الحسين علي بن الحسين ، معروف به أخى مسمعى، در آورد و از او پسری به دنیا آمد و صاحب بن عبّاد ، بسیار خوشنود شد و قصیده ای سرود که این دو بیت از آن قصیده است: (۱)

أَحْمَدُ اللَّهِ لِبُشْرَى أَقْبَلْتُ عِنْدَ الْفَتَى \*\*\* إِذْ حَبَانِي اللَّهُ سَبْطًا هُوَ سَبْطُ النَّبِيِّ

مَرْحَبًا ثَمَّةَ أَهْلًا بِغُلَامِ هَاشِمِي \*\*\* نَبَوِيَّ عَلَوِيَّ حَسَنِيَّ صَاحِبِي

### ۲- آمنه بنت عبّاد

وی دختر عبّاد بن علی بن حمزه طباطبائی علوی ، می باشد و از دانشمندان و محدّثه های قرن پنجم و ششم هجری در اصفهان بوده ، و از ابو محمّد ، رزق الله تمیمی، أخذ حدیث کرده است (۲).

### ۳- آمنه بنت عبد الکریم

وی ، دختر عبدالکریم بن عبد الرزاق حسن آبادی بوده، و از دانشمندان و محدّثه های قرن پنجم و ششم هجری ، در اصفهان به شمار رفته ، و زنی صالحه و دیندار بوده ، و عبد الکریم بن محمّد سمعانی ، از او أخذ حدیث کرده است (۳).

در کتاب ریاحین الشّریعه ، جلد ۳ ، صفحه ۳۲۳ ، از همین بانوی بزرگوار یاد نموده ولی به جای حسن آبادی ، جُنایِذی ، ذکر کرده است.

ص: ۶۴۲

---

۱- ریاحین الشّریعه ، جلد ۴ ، صفحه ۲۲۹

۲- أعلام النّساء ، جلد ۱ ، صفحه ۱۴

۳- أعلام النّساء ، جلد ۱ ، صفحه ۱۴



وی ، دختر فقیه و عالم بزرگوار، شیخ علی منشار ( شیخ الإسلام اصفهان )

و همسر عالیقدر نابغه روزگار، شیخ بهائی رحمه الله علیه بوده، و به نوشته میرزا عبد الله أفندی اصفهانی ، فاضله عالمه و فقیه محدثه ، بوده (۱) و در فقه و حدیث و امثال آن ، تدریس می نموده ، و زنها در درس او شرکت می کردند و پس از وفات پدرش ، چهار هزار جلد کتاب به او ارث رسید .

مقام علمی او تا جایی رسیده ، که مرحوم أفندی درباره او می نویسد:

وَ ذَكَرْنَا لَنَا بَعْضُ الْأَفْضَالِ أَنَّهَا وَافِرَةٌ الْعِلْمِ ، كَثِيرَةُ الْفَضْلِ (۲) و علامه أمين ، در أعيان الشيعة نوشته است: وَ قَدْ كَانَتْ هَذِهِ الْبِنْتُ ( بِنْتُ الشَّيْخِ عَلِيِّ الْمُنْشَارِ ) فَاضِلَةً ، عَالِمَةً ، فَقِيهَةً ، مُدْرَسَةً (۳)

#### ۹ تا ۵- چند بانوی دانشمند از خاندان مجلسی

در خاندان برجسته و عظیم الشان مجلسی ، علاوه بر چهره های بزرگ علمی ، همانند : ملا محمد تقی و ملا محمد باقر مجلسی و ... ، که در بخش « خاندانهای علمی اصفهان » از آنها یاد نمودیم ، چندین بانوی بزرگ و دانشمند تجلی یافتند ، که وسیله افتخار این خاندان بزرگ و شهر اصفهان و ملت شیعه می باشند ، و ذیلاً به نام و شخصیت آنها اشاره می نمائیم :

#### الف- آمنه بنت المجلسی

وی دختر علامه فقیه و محدث ، ملا محمد تقی مجلسی و همسر ملا صالح

ص: ۶۴۳

۱- ریاض العلماء، جلد ۵، صفحه ۴۰۷

۲- ریاض العلماء ، جلد ۵، صفحه ۴۰۷ و أعيان الشيعة چاپ جدید ، جلد ۳، صفحه ۲۷۵

۳- أعيان الشيعة، چاپ جدید ، جلد ۳، صفحه ۶۰۷

مازندرانی ، می باشد و شرح حال او را در بخش ( خاندان علمی مجلسی ) ، ذکر کرده ایم و علامه امین در باره او نوشته است:

مِنَ النِّسَاءِ الْفَاضِلَاتِ ، لَهَا شَرْحٌ عَلَى الْأَلْفِيَّةِ وَ شَوَاهِدِ الشُّبُوطِي وَ قَبْرُهَا ... وَ عَلَيْهِ شَيْءٌ مِنْ شَعْرِهَا ، يَظْهَرُ مِنْهُ وَفُورٌ أَدْبَاهَا(۱).

#### ب- زینب بیگم

وی ، دختر مولی محمد سعید اشرف بن ملا محمد صالح مازندرانی می باشد ، که زنی معروف به علم و فضل و زهد و تقوی ، بوده است(۲).

#### ج- مریم بیگم

وی ، دختر زینب بیگم و میرزا محمد تقی بن ملا عبد الله بن ملا محمد تقی مجلسی ، و همسر میرزا محمد تقی الماسی بوده ، و به علم و تقوی و زهد، شناخته شده بوده است(۳).

#### د- دختر ملا عزیز الله مجلسی

وی ، از صاحبان کمال بوده ، و در شمار علماء مورد توجه قرار گرفته ، و رساله های متعدد در مسائل فقهیه و نیز حاشیه ای بر من لایحضره الفقیه ، به او نسبت داده اند(۴). در کتاب اعیان الشیعه ، او را با عنوان : ( مِّنَ النِّسَاءِ الْفَاضِلَاتِ ) توصیف نموده ، و نوشته است: لَهَا تَعَالِيْقٌ عَلَى كِتَابِ مَنْ لَا يَحْضُرُهُ الْفَقِيْهُ

ص: ۶۴۴

۱- اعیان الشیعه، چاپ جدید ، جلد ۳ ، صفحه ۶۰۷

۲- زندگینامه علامه مجلسی ، جلد ۱ ، صفحه ۳۳۵

۳- زندگینامه علامه مجلسی ، جلد ۱ ، صفحه ۳۳۵

۴- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۲۹

### ه- مادر میرزا حیدرعلی ، دختر آقا بزرگ مازندرانی

که از جمله زنانی است که ، از خاندان علامه مجلسی ، به علم و زهد و فضل و تقوی معروف بوده اند (۲).

### ۱۰- حمیده رویدشتی اصفهانی

عالمه فاضله ، حمیده ، دختر مولی محمد شریف بن شمس الدین محمد رویدشتی (۳) اصفهانی ، متوفای در حدود ۱۰۸۷ هجری.

وی ، مقامی بلند در علم و دانش و معرفت داشته ، و معلمه زنهای دوران خود بوده است . میرزا عبدالله آفندی ، درباره او می نویسد: .

فَاضِلَةٌ عَالِمَةٌ عَارِفَةٌ ، مُعَلِّمَةٌ لِنِسَاءِ عَصْرِهَا ، بَصِيرَةٌ بِعِلْمِ الرِّجَالِ ، نَقِيَّةٌ الْكَلَامِ ، بَقِيَّةُ الْفَضْلِ الْأَعْلَامِ ، تَقِيَّةٌ مِنْ بَيْنِ الْأَنَامِ (۴).

او حواشی بر کتب حدیث داشته ، و مطالب دقیقه ای در ذیل احادیث کتاب استبصار و غیر آن، نوشته ، که نشانه منتهای فهم و دقت و اطلاع او ، در زمینه های مختلف ، بالأخص مطالب علم رجال ، می باشد (۵).

مولی محمد شریف ( پدر این بانوی بزرگ ) ، از شاگردان شیخ بهائی و از مشایخ اجازه علامه مجلسی ، بوده است.

ص: ۶۴۵

۱- أعيان الشَّيْخِ ، چاپ جدید ، جلد ۳ ، صفحه ۶۰۷

۲- زندگینامه علامه مجلسی ، جلد ۱ ، صفحه ۳۳۵ ۳۳۶

۳- رویدشت از توابع اصفهان است و در زبان عامه ، رودشت گفته می شود

۴- ریاض العلماء ، جلد ۵ ، صفحه ۴۰۴ و أعيان الشَّيْخِ ، چاپ جدید ، جلد ۶ ، صفحه ۲۵۵

۵- ریاحین الشَّرِيعِ ، جلد ۴ ، صفحه ۱۸۵

## ۱۱- فاطمه رویدشتی

دختر این بانوی بزرگوار ( حمیده رویدشتی)، به نام فاطمه بوده و با اوصافی از قبیل فاضله عالمه ، عابده و رعه ، مورد ستایش قرار گرفته است . زنها در محضر او تحصیل علم میکرده اند ، و بیشتر اوقات در خانه خاندان فقیه نامدار مرحوم خلیفه السلطان ، زندگی می کرده است(۱).

## ۱۲- خواهر ملا رحیم

به نوشته میرزا عبدالله أفندی ، در زمان ایشان ، خواهر مولی رحیم اصفهانی ساکن محله کران ، از دانشمندان و کُتاب ، بوده و بعضی فوائد را ضبط نموده ، و خطی بسیار نیکو داشته و از جمله ، شرح لمعه را با خطی زیبا نوشته است . میرزا عبدالله أفندی ، از شاگردان پدر و برادر او بوده است(۲).

در فضیلت او همین بس که ، نوشته اند : هِيَ مِنَ الْعُلَمَاءِ وَالْكِتَابِ

## ۱۳- شهریانو

وی ، دختر محتسب الممالک، وزنی عالمه و شاعره بوده ، و صاحب دیوان اشعار می باشد ، و در سال ۱۱۲۰ قمری از دنیا رفته و در تکیه خرابه ، جنب تکیه میرزا رفیعا نائینی ( در تخت فولاد) مدفون گشته است(۳).

## ۱۴- مریم بیگم

وی ، دختر شاه سلیمان صفوی می باشد ، و زنی بلند نظر و اندیشمند بوده ،

ص: ۶۴۶

---

۱- ریاض العلماء ، جلد ۵، صفحه ۴۰۵

۲- ریاض العلماء ، جلد ۵، صفحه ۴۰۹ و ریاحین الشریعه ، جلد ۴، صفحه ۱۹۵

۳- رجال اصفهان ، صفحه ۲۱۷

و او را از دانشمندان خاندان صفویّه به شمار آورده اند(۱).

مریم بیگم، مدرسه ای با اهمیّت و بزرگ برای طلاب علوم دینیّه ساخت، و موقوفه های بسیاری برای آن در شهرهای اصفهان و تبریز و بسطام و قزوین و غیر آنها، در نظر گرفت و وقف نمود. تأسیس این مدرسه، از نشانه های بارز برای دانش و بینش این بانوی دانشمند می باشد (۲).

### ۱۵- آغا سلطان

وی، دختر طهماسب قلی بیگ (از امراء حکومت صفویّه) زنی عالمه و فاضله و خیراندیش بوده، و پس از وفات، در بقعه علی بن سهل، مدفون گردیده است (۳).

### ۱۶- سلطان بیگم

نوّابه سلطان بیگم، دختر میرزا محمد صالح حسینی خلیفه سلطانی، زنی شاعره و ادیبه و عالمه بوده، و در سال ۱۱۴۶ وفات یافته و در جوار امامزاده اسماعیل، و در نزدیکی قبر حضرت شعیبای نبی علیه السلام، مدفون گشته است (۴).

### ۱۷- نسیمه خاتون

وی، دختر آقا شیخ جعفر کبیر (کاشف الغطاء) و همسر آقا شیخ محمد تقی مسجد شاهی (صاحب حاشیه بر معالم) و مادر، حاج شیخ محمد باقر مسجد

ص: ۶۴۷

---

۱- ریاحین الشریعه، جلد ۵، صفحه ۷۴

۲- درباره مدرسه مریم بیگم در بخش (مدارس علمیّه اصفهان) بررسی داریم

۳- رجال اصفهان، صفحه ۲۰۰

۴- رجال اصفهان، صفحه ۱۷۹ و دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۳۴

شاهی بوده ، و زنی دانشمند و با فضیلت و تقوی به شمار آمده ، و با عنوان عالمه فاضله زاهده ، ستایش شده ، و در سال ۱۲۹۵ وفات یافته(۱)، و در بقعه مادر شاهزاده ( تکیه آقا شیخ محمد تقی ) مدفون گشته است(۲).

### ۱۸- فاطمه بیگم

وی ، دارای لقب خان آغا بیگم، و دختر نواب محمد تقی میرزا خلیفه سلطانی بوده ، و به نوشته آیه الله ، مرعشی نجفی ، از زنان شاعره و عالمه و فاضله بوده ، و در محله گلپهار سکونت داشته ، و در سال ۱۳۴۲ قمری وفات یافته ، و در جوار قبر نواب محمد حسن میرزا ، در تخت فولاد مدفون گشته است(۳).

### ۱۹- بانو عفت الزمان امین

علویّه هاشمیّه ، عالمه فاضله ، حاجیه عفت الزمان امین ، فرزند مرحوم حاج میرزا احمد افتخار التجار ، فرزند مرحوم حاج سید محمد تقی امین التجار اصفهانی ، وی در سال ۱۳۳۱ قمری ، در خاندانی اصیل و شریف ، متولد گردید، و در خدمت عده ای از علماء ، همانند : میرزا علی اصغر شریف ( مدرّس مدرسه در بکوشک ) و آیه الله ، حاج شیخ مرتضی مظاهری ، و نیز در محضر بانوی مجتهدة ایرانی ( بانو امین ) ، به کسب علم و کمال معنوی پرداخت ، و دارای شخصیتی با فضیلت و علم گردید ، و از عالمه های نیمه دوم قرن چهاردهم هجری به شمار آمد . از آثار بانو عفت الزمان امین ، کتاب چهل حدیث امین یا هشتصد و بیست موعظه است ، که دو بار به چاپ رسیده ، یکی در نجف

ص: ۶۴۸

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۳۷

۲- سیری در تخت فولاد، صفحه ۹۶ و رجال اصفهان ، صفحه ۷۳

۳- رجال اصفهان ، صفحه ۲۲۳

أشرف در سال ۱۳۸۶، و دیگری در اصفهان در سال ۱۳۹۸ قمری .

بانو أمین ، در سال ۱۳۹۷ قمری بدرود حیات گفت ، و برادرش ( حاج آقا مهدی أمین ) در مرثیه او چنین سروده است : (۱)

در زنان گر رهبری چون دخت پیغمبر نبود \*\*\* حجت داور ، رسا ، در عرصه محشر نبود

عفت ماهم ، در این دوران وانفسای زن \*\*\* از حکیمی هوشمند و رهنما ، کمتر نبود

ای ستمگر چرخ غارتگر ، نمیگوئی به خویش \*\*\* وقت پرپر کردن ، این لاله احمر نبود ! .

## ۲۰- بانوی مجتهدة ایرانی

فقیهه مجتهدة ، مفسیره عارفه ، حکیمه محققة ، آیه الله علی الأنام ، و حجه الإسلام و المسلمین ، حاجیه نصرت خانم أمین ، معروفه به بانوی ایرانی و علویة أمیّتیة ، متولّده ۱۲۶۵ و متوفاه ۱۳۶۲ هجری شمسی (۱۴۰۳ قمری).

درباره این شخصیت یگانه و بی نظیر ، در جلد اول کتاب آشنائی با حوزه های علمیّه شیعه ، و نیز در بخش ( خاندانهای علمی اصفهان ) « خاندان علمی خاتون آبادی » و بخش ( بقعه های علمی اصفهان ) بررسی داریم ، و در این فصل نیز ، با نگرشی دیگر ، مطالبی را در مورد این افتخار ایران و عالم تشیع ، عرضه می داریم .

## شخصیت و روش و آثار بانوی أمین ایرانی

این مجتهدة بزرگ ، که با سی واسطه ، نسب مبارکشان به أمير المؤمنین علیه السلام

ص: ۶۴۹

می‌رسد، در یک عمر نود و هفت ساله، در بحرانی‌ترین دوره‌ها و در زیر شدیدترین فشارها و تهاجم‌های ضد دینی حکومت پهلوی، تحصیلاتی عمیق، و تحقیقاتی وسیع، و تألیفاتی متین و گسترده، و تدریس و تربیت‌هایی إعجاب‌انگیز و افتخار آفرین، و خدماتی شایسته و بی‌نظیر، در زمینه علوم دینی و نشر و ترویج افکار اسلامی، عرضه نمودند که نمونه آن تدریس برای صدها زن و دختر علاقه‌مند، و سخنرانی و ارشاد برای هزاران بانو و دوشیزه شیعه، می‌باشد و نیز از آثار آن، ارائه طریق و راهنمایی عموم طبقه نسون در شهر اصفهان، و همه کشور ایران، و جامعه شیعه می‌باشد، که به نحو مستقیم یا غیر مستقیم، از شخصیت علمی و معنوی این بزرگ افتخار عالم نسون، إلهام گرفتند و خود به تحصیل علم و کمال و درس و بحث و تحقیق و تألیف و وعظ و ارشاد، پرداختند.

بانوی مجتهدۀ آمین، با احساس مسئولیتی که نسبت به جامعه داشتند، سعی نمودند که با نوشتن کتابهای متعدد و مقالات گوناگون، و نیز به وسیله تأسیس مدرسه و مکتب علمی و اسلامی (مکتب فاطمیّه و دبیرستان دخترانۀ آمین)، و هم‌چنین با برگزاری جلسات تفسیر و تدریس معارف اسلامی، و پاسخگویی کتبی و شفاهی به پرسشهای علمی و دینی بانوان و دختران، و راهنمایی طالبان علم و فضیلت (بالأخص طبقه زنان)، گامهای مؤثری در تربیت و تهذیب روحی شاگردان، (خصوصاً)، و مردم مسلمان و متدین (عموماً)، بردارند، آنهم در زمانی که (در اثر سیاست استعماری حکومت پهلوی) نه تنها فعالیت‌های دینی و علمی زنان، دچار مشکل اساسی یا غیر ممکن بود، بلکه حوزه‌های علمیّه و مراکز علمی برای مردان نیز، حالت رکود بخود گرفته بود.

و به همین جهت است که، به عنوان یک واقعیت بزرگ و افتخار آفرین،



باید اعلام گردد:

بانوی مجتهدۀ آمین، پرچمدار یگانه و بی نظیر حرکت علمی و دینی بانوان ایران در قرن چهاردهم بوده اند

### بانوی ایرانی از دیدگاه فقهاء و اعلام دین

شخصیتهای بزرگی از فقهاء، حکماء، مفسرین و ... در مورد این مجتهدۀ بینظیر، اظهار نظرهای جالبی داشته اند، که ذیلاً به برخی از آنها اشاره می شود:

۱- مرحوم آیه الله، آقا شیخ محمد کاظم شیرازی قُدس سِرّه، در اجازه اجتهادی که در تاریخ ۱۳۵۴ قمری، برای این بانوی مجتهدۀ نوشته اند و بزبان عربی میباشد، و مرحوم آیه الله العظمی، آقا شیخ عبدالکریم حائری یزدی، ( مؤسس حوزه علمیه قم در دورۀ اخیر ) آن را تأیید نموده اند، عباراتی مرقوم داشته اند که ترجمۀ بخشی از آن چنین است:

سید بزرگوار و شریفه و با شخصیت، عالم فاضله و چهرۀ درخشان زنان زمان، و اعجوبه و مایۀ شگفتی دوران، حاجیه خانم ... دختر مرحوم حاج سید محمد علی امین التّجار اصفهانی، از من اجازه خواسته است و بعضی از آثار و نوشته های خود را در زمینۀ فقه و اصول و شرح بعض اخبار عرضه کرده است ... که پرده از مراتب فضل و یدِ طولای او در معقول و منقول بر می دارد و نشان میدهد که به مرتبه ای از مراتب اجتهاد نائل گردیده و لذا برای او است که به آنچه از احکام، استنباط می نماید عمل نماید ...

۲- مرحوم آیه الله، آقا سید ابراهیم حسینی شیرازی اصطهباناتی قُدس سِرّه، نیز در اجازه اجتهادی که برای حاجیه خانم آمین در تاریخ ۱۳۵۴ قمری نوشته اند، این بزرگ بانوی عالمه را دارای قوۀ استنباط و مجاز در عمل به اجتهادات خود

ص: ۶۵۱

دانسته اند و در ضمن آن اجازه نوشته اند : .... فَإِنَّ السَّيِّدَةَ الْجَلِيلَةَ النَّبِيلَةَ ، الْحَسْبِيَةَ النَّسِيبَةَ الْعَالِمَةَ ، الْجَامِعَةَ لِلْمَعْقُولِ وَالْمُنْقُولِ ، فَرِيدَةَ الدَّهْرِ وَحُجَّةَ نِسَاءِ الْعَصْرِ ، الْحَاجَّةَ خَائِمَ دَامَتْ تَأْيِيدَاتُهَا ... حَتَّى فَازَتْ بِالْمَرَاتِبِ الْعَالِيَةِ مِنَ الْعِلْمِ وَالْفَضْلِ الْعَيَانِ ، وَ صَارَتْ مَمَّنْ يُشَارُ إِلَيْهَا بِالْبِنَانِ ، وَقَدْ اسْتَجَارَتْ مِنَ الْأُخْقَرِ فَاخْتَبَرْتُهَا فِي مَسَائِلِ أُصُولِيهِ وَفَقْهِيهِ ، فَأَرْسَلْتُ إِلَيْهَا بِأَجْوِبَتِهَا وَ هِيَ ... كَاشِفَةٌ عَنْ طُولِ بَاعِهَا وَوُفْرٍ إِطْلَاعِهَا وَوَاجِدِيَّتِهَا لِقَوْلِ الْأَسْتِثْبَاتِ وَبُلُوغِهَا إِلَى دَرَجَةٍ مِنَ الاجْتِهَادِ ، فَلَهَا الْعَمَلُ بِمَا اسْتَبَطَّنَتْهُ مِنَ الْأَحْكَامِ عَلَى النَّهْجِ الْمَأْلُوفِ بَيْنَ الْأَعْلَامِ ... وَ لِنِعْمَ مَا قَالَ :

فَلَوْ كُنَّ النِّسَاءُ بِمِثْلِ هَذِي \*\*\* لَفُضِّلَتِ النِّسَاءُ عَلَى الرِّجَالِ

۳- مرحوم آیه الله ، آقا شیخ محمد رضا نجفی اصفهانی ، ( مسجد شاهی ) که خود از اعجوبه های زمان ، و شیخ بهائی عصر خود ، و جامع المعقول و المنقول بودند ، در ضمن اجازه ای که به بانوی ایرانی داده اند ، مطالب جالبی مرقوم داشته اند که ، ترجمه بخشی از آن چنین است:

... همانا سیده شریفه بلند مرتبه ، و گوهر گرانقدر مستور ، میوه درختی که ریشه اش ثابت ، و شاخه اش در آسمان است ، گل سرسبد باغ فرزندان زهراى أظهر علیها السلام ، صاحب افتخارات بزرگ و منقبت های برجسته ، عقیده خاندان اَبی طالب ، که پیرو آثار پدران و اجداد خود می باشد ..

و بخش دیگری از آن بدین قرار است :

الْجَامِعَةُ بَيْنَ طَرِيفِ الْمَكَارِمِ وَ تِلَادِهَا وَ الْأَخْذَةَ بِطَرْفَى الْمَعْرِيدِ مِنَ الْحَسْبِ وَ النَّسَبِ وَ الْبَالِغَةَ مِنْهُ بِأَعْلَى الرُّتَبِ ، الْعَالِمَةُ الْفَاضِلَةُ ، الْفَقِيهَةُ الْحَكِيمَةُ ، الْعَارِفَةُ الْكَامِلَةُ ، ذَاتُ الشَّرَفِ الْبَادِخِ ، أُمُّ الْفَضْلِ ، سِتُّ (۱) الْمَشَايِخِ

ص: ۶۵۲

۱- ست یعنی سیده

و در بخش دیگری از همین اجازه ، که در باره کتاب اربعین الهاشمیه تألیف بانوی ایرانی ، سخن به میان آمده ، چنین مرقوم داشته اند :

أَهْدَتْ إِلَيَّ كِتَابَهَا الْكَرِيمَ ، الَّذِي سَمَّيْتُهُ بِ ( الأربعين الهاشميه ) ... فَوَجَدْتُهُ عِقْدًا مُنْتَظَمًا مِنْ غَوَالِي الْفَرَايِدِ ... وَ هُوَ مُصَنَّفٌ يَشْهَدُ كُلُّ مُنْصِفٍ أَنَّهُ حَاوٍ لِأَصْنَافِ الْعُلُومِ وَمَجِدِّدٌ مِنَ الْأَثَارِ الْمَعَاهِدِ وَالرُّسُومِ ... فَكَمْ كَنْزٌ خَفِيٌّ مِنَ الْأَشْرَارِ أَظْهَرْتَهُ وَ مُشْكِلٌ مِنَ الْأَخْبَارِ فَسَيَّرْتَهُ وَ مُعْضَلٌ أَرَاخَتْ عَنْهُ الْأَعْضَالُ وَ أَصَابَتْ الصَّوَابَ إِذَا اخْتَلَفَتِ الْأَقْوَالُ ... إِنَّهَا أُمُّ الْكِتَابِ الَّذِي لَوْ صَدَرَ مِنْ رِخْلِهِ يَخْتَرِقُ الْأَفَاقَ وَ يَحُوبُ الْبِلَادَ مِنَ الشَّامِ وَ الْعِرَاقِ ، وَ يَخْتَلِفُ إِلَى مَدَارِسِ الْعِلْمِ وَ مَجَالِسِ الْعُلَمَاءِ ، لَحَقَّ لَهُ التَّقْرِيزُ وَالْإِطْرَاءُ ، فَكَيْفَ بِمَنْ أَرْحَتْ سَتْرَهَا ، وَ لَمْ تُبَارِحْ خُدْرَهَا ، فَيَحِقُّ أَنْ يَفْتَخِرَ بِهَا رَبَاتُ الْخُمْرِ وَ الْحِجَالِ ، عَلَى لَابِسِ الْعَمَائِمِ مِنَ الرِّجَالِ (۱).

۴- مرحوم آیه الله العظمی ، آقای سید شهاب الدین مرعشی نجفی ، درباره این بانوی بزرگ ، اظهار نظر نموده اند ، با این عبارت :

وَ أَمْرٌ هَذِهِ الشَّرِيفَةِ مَا يَقْضِي مِنْهُ الْعَجَبَ فِي هَذَا الْعَصْرِ ، مُصَدِّقَهُ فِي حُصُولِ الْإِجْتِهَادِ لَهَا عَنْ جَمِّ كَشَيْخِنَا ، الشَّيْخِ عَبْدِ الْكَرِيمِ الْحَائِرِيِّ وَ غَيْرِهِ ، فَهِيَ فَرِيدَةُ الْعُصُورِ وَ نَادِرَةُ الدُّهُورِ ، أَلْحَجَّجُهُ عَلَى نِسَاءِ الْعَصْرِ وَ الْأَيَّةِ لِبادِيءِ الدَّهْرِ ...

و در جمله ای کوتاه مرقوم داشته اند :

العالمه الْمُجْتَهِدَةُ ، الصَّالِحَةُ الْأَدِيبَةُ ، الْمُؤْتَاضَةُ السَّالِكَةُ الْعَارِفَةُ (۲) ۵- محقق عالیقدر و فیلسوف عظیم الشان معاصر ، استاد شیخ محمد تقی جعفری ،

ص: ۶۵۳

۱- تمامی متن این اجازه شریفه ، که مشتمل بر مطالب جالب و عبارات بسیار لطیف است ، در کتاب علماء معاصرین ، تألیف مرحوم خیابانی ، صفحه ۳۱۵ و ۳۱۶ نقل شده است

۲- أعيان الشیعه چاپ قدیم ، جلد ۱۳ ، صفحه ۴۴ - ۴۵ و ، چاپ جدید ، جلد ۳ ، صفحه ۴۹۹

در ضمن مصاحبه ای درباره شخصیت بانوی مجتهدۀ آمین، چنین اظهار نظر نموده اند: ... با نظر به آثار قلمی که از خانم آمین در دسترس ما قرار گرفته است، به طور قطع می توان ایشان را یکی از علمای برجسته عالم تشیع معرّفی نمود، و روش علمی ایشان هم، کاملاً قابل مقایسه با سایر دانشمندان بوده، بلکه با نظر به مقامات عالیۀ روحی ایشان، باید ایشان را از گروه نخبه ای از دانشمندان به شمار آورد که، به اضافه فراگرفتن دانش، به (تولّد جدید) در زندگی نیز نائل می شوند. کتاب سیر و سلوک، تألیف آن عالمۀ معظّمه، شاهد روشنی است به این که، معارف و فلسفه های حرفه ای روح ایشان را نسائیده است ... اشراف و آگاهی خانم آمین، در کتاب سیر و سلوک، به واقعیات قابل اهمّیت، توأم با نوعی وجدان علمی (که متأسّیانه افراد کمی از دانشمندان، موفق به داشتن آن می شوند) به خوبی آشکار است ...

استاد جعفری، در بخش دیگری از مصاحبه، برداشت خودشان را از شخصیت والای بانوی ایرانی که در یک ملاقات حضوری، حاصل شده است، چنین توضیح میدهند: ... با این که مسائل بسیار محدودی در آن جلسه مطرح شد، ولی طرز گفتارشان، از یک سلطه و اشراف عالی، به مغز آن مسائل حکایت می کرد، که به خوبی نشان دهندۀ اعتلای روحی ایشان بود.

این یکی از خواصّ ارواح رشد یافته است که، در میان طوفانی از اندیشه های مطرح شده، با به کار بردن جمله بسیار کوتاهی می توانند برتر قرار گرفتن خود را از آن طوفان اثبات کنند به علاوه اینکه در چنان موقعیتهای پرنوسان و متلاطم، که مقتضی تقلای سخت روانی و ابراز مقصود با حماسه پرهیا هو است، آرامش روانی و ابراز معتدلانه مطلب، فوق العاده با اهمّیت بوده و بهترین دلیل برای طیّ مراحل

کمالات علمی و وجدانی است(۱).

۶- فقیه و اصولی و حکیم محقق آیه الله، آقا سید علی نجف آبادی قدس سره، مهمترین استاد و مربی حاجیه خانم امین، که نقش اساسی در ساختن شخصیت علمی و اجتهاد این بانوی بزرگ، داشته اند، اظهار نظری شایسته دارند، که به عنوان ( ختام مسک )، در پایان این قسمت می آوریم :

حکمت را دایم ام، به من درس داد، و یکی نیست که من به او درس بدهم، من می خواهم به این خانم درس بدهم که از من یادگاری باقی مانده باشد(۲).

و در هنگامی که کتاب « اربعین الهاشمیه » بانوی ایرانی به حوزه نجف رسید، و علمای بزرگ آن حوزه عظیم الشأن، با محتوای کتاب آشنائی یافتند، و همه را به إعجاب واداشت، و مقدمات امتحانات دقیق علمی از این بانو فراهم گردید و زمینه برای تصمیم گیری علماء نجف، برای دادن اجازه اجتهاد به ایشان، آماده گردید، آیه الله، آقا سید علی نجف آبادی، ( استاد اعظم خانم امین) فرمودند: بانو امین، هرچه در این کتاب نوشته اند، از تراوشات فکری خودشان بوده است، و ربطی به تعلیمات من ندارد(۳)، و بدین وسیله قدرت تحقیق و اندیشه و افکار بلند خانم علویّه امین را، مورد تأیید قرار دادند.

### خلاصه ای از صفات و روحیات بانوی امین

شاگردان و ارادتمندان نزدیک به این بانوی مجتهده، صفات و کمالات

ص: ۶۵۵

---

۱- متن این مصاحبه را می توانید در یادنامه بانوی مجتهده امین، منتشر شده از طرف وزارت ارشاد اسلامی، ملاحظه فرمائید، در صفحه ۴۲-۴۳

۲- یادنامه بانوی مجتهده امین صفحه ۱۴

۳- یادنامه بانوی مجتهده امین، صفحه ۱۴

روحی این بزرگ افتخار عالم علم و روحانیت را ، در مقالات و سخنرانیها و مصاحبه های مختلف ، بازگو نموده اند ، که فشرده ای از آن را در این بخش ، نقل می نمائیم :

« ایشان کم سخن می گفتند و از دهانشان حکمت و اوصاف حق شنیده می شد . « خیلی منظم بودند . « ساعت نماز و خوابشان نظم داشت . « می دانستیم الان که می رویم خدمتشان ، مشغول به چه کاری هستند . « از وقت خود زیاد استفاده می نمودند . « روی تعاون و همکاری با یکدیگر خیلی مقید بودند . « معاشرین خود را بسیار تحمّل می کردند . « أخلاق و رفتارشان بسیار سازنده بود و سعی می نمودند که به دختران جوان خلوص نیت را تلقین کنند . « زندگی ایشان طبیعی بود و افراط و تفریط در آن راه نداشت . « طرز گفتارشان از یک سلطه و اشراف عالی به مغز مسائل حکایت میکرد که به خوبی نشان دهنده اِعتلای روحی ایشان بود . « با این که همسرشان عالم و هم سطح ایشان نبود ، اما هیچ وقت نشد که این بانوی بزرگ به شوهر خود تَفَرُّعَن بفرود شد ، بلکه همیشه می فرمود زن بایستی حقوق شوهر خود را به طور کامل رعایت نماید ، و هیچ حقی از شوهر نباید تَضییع شود . « به قدری متواضع بودند که کسی موفق نمیشد از وضعیت ظاهری ، ایشان را بشناسد . « زندگی متعادلی داشتند و به نحو متعادل لباس می پوشیدند و مهمانی میرفتند ، منتها در همه این برخوردها همیشه در فکر این بودند که ، تقوایشان را حفظ نمایند . « خودشان را مسؤل دینی میدانستند و لذا هر کاری از دستشان بر می آمد از تألیف کتاب ، تأسیس مدرسه علمیه طلبگی برای زنان و دختران ، تأسیس دبیرستان با حفظ شئون دینی ، تدریس و تشکیل جلسه اخلاق و ... انجام می دادند . « آنقدر مُهَدَّب و جدی بودند که هیچ

کسی جرأت لغوگوئی و یا غیبت کردن در حضور ایشان نداشت . «با این که دریای علم و بحث بودند ، هرگاه مسئله ای از ایشان سؤال می شد و نمی دانستند، به راحتی می فرمودند (نمیدانم)»

«ایشان نمی خواستند اسمشان برده شود ، و لذا کتابهایشان به نام (بانوی ایرانی) است و حتی اجازه نمی دادند به نام بانوی اصفهانی منتشر شود . «در حین درس ، هر حادثه ای پیش می آمد (به علت توجه کامل به درس) متوجه نمی شدند . «وقتی به منزلشان می رفتیم اهل خانه می گفتند : خانم تا صبح در حال گریه و دعاء است .»

و این بود نمونه ای از صفات و اخلاقیات این افتخار عالم زنان ، که می تواند راهگشای همگان باشد .

### **جمله هائی برجسته و راهگشا، از بانوی مجتهدۀ آمین**

به خواندن کتاب از کودکی عشق می ورزیدم ، اما نه هر کتابی ، بلکه کتابهایی که جنبه معنویت آنها زیاد بود .

در اوقاتی که با بچه های هم سنّ بودم مثل آنها تفریح و گردش نمی کردم ، بلکه مشتاق بودم بیشتر تنها باشم ، تا بهتر بتوانم فکر کنم ، زیرا گم شده ای در وجود خود داشتم ، و اگر به مجالس عمومی هم می رفتم باز در حال تفکر بودم، و در این اندیشه و مقام ، که پا از جادۀ شریعت بیرون نگذارم .

در میان علوم ، به خداشناسی و علومی که مربوط به خداوند بود، بیشتر علاقه داشتم... تا سرانجام در صدد برآمدن زبان عربی را بیاموزم، شاید از این راه، گم شده خود را پیدا کنم و به خدا نزدیک شوم .

همواره لطف پروردگار بدرقه راهم بود ، و حین تحصیل هم گاهی حالات خوش و نورانی نصیب می شد ، تا این که موفق به نوشتن کتاب اربعین شدم ،

علمای نجف که از نوشتن اربعین اطلاع حاصل کردند، کتباً سؤالهایی راجع به (فقه) برایم فرستادند، و پس از آن که جواب ایشان را دادم (درجهٔ اجتهاد) به من عطا فرمودند، از آن به بعد، مشغول تألیف کتاب بوده ام.

در تمام این مراحل، از تفضلات و اَطاف الهی برخوردار بوده ام و گاه به گاه، جرقه های نورانی نصیص می گردد، و محظوظم می کند

آنچه در علوم و معنویات غیر از بحث اَلفاظ فهمیده ام، بیشتر از همین راهها بوده و در نوشته هایم کمتر از امور خارجی کمک گرفته ام، نمیگویم از غیب خبر دارم و از حال و باطن کسی، اما اغلب معنویات و معارف خود را از استاد فرا نگرفته ام، بلکه از همین حالات به دست آورده ام، و غالب نوشته هایم با ارشاد خداوند و کمک او بوده است. من مخالف تحصیل کردن خانمها نیستم، تحصیل کنند و علم بیاموزند لکن با حفظ نفس و آبروی اسلام. پاره کردن حجاب، در حقیقت پاره کردن اوراق قرآن است، چون قرآن به حجاب حکم میکند و خلاف آن را عمل کردن، حکم خدا و پیامبر را زیر پا گذاشتن است. هیچ خوشبختی به قدر آرامش دل نیست، و سعادت حقیقی بر روی فضیلت بنا شده است. من به جهت اشتیاق شدیدی که به مطالعه داشتم، سخنان ناروا و ملامتها و استهزاهای آنها (بستگان و نزدیکان) را تحمل می کردم، و خود را چنان می یافتم که، گویا از امور لهُو و مزخرفات دنیا اعراض دارد، و دلم به اینها انس نمی گیرد، بلکه به چیز دیگری بستگی دارد، با این که گم شده و محبوب دلم برایم مشخص نبود. و هرگاه از یک عالم یا واعظی، مطلبی در اوصاف حق تعالی می شنیدم، قلبم به سخن او میل مفرطی پیدا می کرد و گویا از سر تا پا گوش می شدم، که سخن او را بشنوم و برای استماع صفات حق تعالی حریص بودم، و پیوسته این چنین بودم، تا این که به تحصیل علوم عربی راغب شدم و به



تحصیل مقدمات از صرف و نحو و غیرهما از مقدمات فقه و اصول و منطق و حکمت مشغول شدم و خدا می داند که این راه را به چه سختی و اضطراری گذراندم

و چگونه مشقت هائی را که از زخم زبان دوستان

و استهزاء آنها به من وارد می شد، تحمّل کردم

و ملامتی هم بر آنها نیست، زیرا در آن زمان، مشغول شدن فردی مثل من، به تحصیل، برای آنها عجیب بود، و عجیب تر از آن، این بود که، من مضرّ به تحصیل بودم به گونه ای که:

در غالب اوقات قلبم مشغول به تحصیل علم بود و از ملامت هیچ ملامت کننده ای، از مرد و زن، نمی ترسیدم (بخش اخیر سخنان بانوی مجتهدۀ آمین، به نقل از مقاله عالمۀ فاضله، و مدرّسۀ محقّقه، خانم فردوس مدرّس هاشمی، بنت حجّۀ الإسلام و المسلمین آقای حاج سید حسین مدرّس هاشمی، می باشد (۱)).

ص: ۶۵۹

---

۱- خانم فردوس مدرّس هاشمی، از خاندان علمی مجتهد و مرجع نامدار اصفهان، مرحوم آقا سید حسن مدرّس، می باشند و خود ایشان در تحصیل علوم حوزه ای و نیل به کمالات علمی و روحی و معنوی، به توفیق شایانی دست یافته اند و دوره مقدمات و سطح متوسط و عالی را با دقت و جدّیت طی نموده اند، و در زمینه تدریس دروس ادبی و سطوح فقه و اصول و درس اخلاق و تفسیر قرآن و حدیث...، دارای موفقیت شایسته می باشند، و مقالات و رساله هائی نوشته اند که بعضاً به چاپ رسیده، و مجموعاً در حدود ۱۰۰۰ صفحه می باشد. خانم مدرّس هاشمی، از شاگردان آیه الله، حاج آقا حسن فقیه امامی، آیه الله حاج شیخ محمود شریعت ریزی، و عموی بزرگوارشان، آیه الله، حاج آقا حسن مدرّس می باشند، و چند سالی نیز، در درسهای این کمترین (حاج سید حجّۀ موحد ابطحی شرکت می نمودند، و از جدّی ترین و مؤفّق ترین شرکت کنندگان در درس بودند. «وَفَقَّهَا اللهُ لِمَا يُحِبُّ وَيَرْضَى»

علاوه بر اساتید بزرگ و مشایخ اجازه‌ای این بانوی مجتهده، که با ایشان ملاقات و گفتگو داشته‌اند، شخصیت‌های بزرگی از حوزه‌های علمی نجف و قم و مشهد و شیراز و... و نیز بزرگانی از مراکز علمی دانشگاهی، به دیدار ایشان می‌آمدند، که به عنوان نمونه، می‌توان از مرحوم آیه الله العظمی، آقا سید شهاب الدین مرعشی نجفی و نیز از مفسر بزرگ قرن، صاحب تفسیر المیزان، علامه نامدار مرحوم آیه الله، آقا سید محمد حسین طباطبائی، یاد نمود.

### تألیفات بانوی ایرانی

آثار تألیفی این بانوی بزرگ، متعدد و متنوع بوده، که ذیلاً اشاره مینمائیم.

۱- اربعین الهاشمیه، که اولین اثر تألیفی آن بزرگ بانو می‌باشد، و حوزه‌های علمی را متوجه علم و قدرت تحقیق و تفکر ایشان، نموده است.

۲- جامع الشتات، که مشتمل بر پرسشهای متنوع و متعددی است که، علماء بزرگوار، از ایشان نموده‌اند، و آن بزرگ بانوی عالمه، به آنها، پاسخ مبسوط و عالمانه داده‌اند.

۳- معاد یا آخرین سیر بشر، که مطالب آن در نه بخش، در زمینه معاد، تقسیم و تنظیم شده است.

۴- أَلْفَحَاتُ الرَّحْمَانِيَّةِ، فِي الْوَارِدَاتِ الْقَلْبِيَّةِ

۵- أخلاق، که اقتباسی است از کتاب طهاره الأعراق ابن مسکویه و اندیشه‌های بانوی مجتهده نیز، بر آن اضافه شده است.

۶- روش خوشبختی و توصیه به خواهران ایمانی، که سعی شده است معنای سعادت و خوشبختی و راه رسیدن به آن، با زبانی ساده و همراه با اندرزهای

نیکو، به خواهران دینی ابلاغ شود.

۷- مَخَزَنُ اللَّئَالِي، در مناقب مولی الموالی علی علیه السلام، که مشتمل بر فضائل أمير المؤمنين علیه السلام علت است.

۸- سیر و سلوک، در روش اولیاء و طریق سعداء، که راهنمای انسان در زمینه سیر الی الله می باشد.

۹- مَخَزَنُ الْعُرْفَانُ (در پانزده جلد)، که یک دوره کامل تفسیر قرآن می باشد و بدین وسیله خانم امین موفق گردیده که تنها مفسره قرآن از طبقه زنان باشد، که تمامی قرآن را تفسیر نموده است.

کتابهای یاد شده، مکرراً به چاپ رسیده، و برخی از آنها چهار یا پنج نوبت، به زیور طبع آراسته شده است.

### **بانوی امین، از مشایخ اجازه حدیث**

بانوی مجتهدة امین، علاوه بر فعالیت‌های درسی و تألیفی، و نشر علوم اسلامی از طریق بیان و قلم، موفق گردیدند که در میان سلسله حاملان حدیث، جایی مناسب احراز نمایند، و از مجتهدین بزرگ و شخصیت‌های برجسته علمی، اجازه روایتی دریافت نمایند، و شخصاً به عده ای از علماء و بزرگان، اجازه روایتی بدهند.

بانوی امین، از بزرگانی همانند آیات عظیم الشان: آقا شیخ محمد کاظم شیرازی و آقا سید ابراهیم حسینی شیرازی اصطهباناتی و آقا شیخ محمد رضا نجفی اصفهانی (مسجد شاهی) و آیه الله، مرعشی نجفی، اجازه روایت گرفته اند، و از طرف دیگر، به مرجع عالیقدر، ناشر علوم أهل البيت علیهم السلام، آیه الله العظمی، آقا سید شهاب الدین مرعشی نجفی (مذکور در فوق)، و علامه محقق، آیه الله،

آقای حاج سید محمد علی روضاتی ، و آقای ظهیر الحسون ، و نیز یکی از شاگردانشان ، عالمه فاضله ، علویه حاجیه خانم همایونی (صاحب ترجمه اربعین الهاشمیه و ترجمه بخشی از اسرار الایات ملاًصدرا شیرازی ) و ...، اجازه روایتی داده اند و بدین وسیله ، عنوان شیخه الحدیث یافته ، و از مشایخ اجازه ، به شمار می روند .

### مکتب فاطمه علیها السلام ، از آثار بانوی ایرانی

مکتب فاطمه علیها السلام ، در سال ۱۳۴۴ شمسی ، به دستور بانوی مجتهده امین ، و با همت و مدیریت عالمه فاضله ، حاجیه علویه ، زینت خانم همایونی (۱) تأسیس گشته ، و تاکنون بسیاری از بانوان و دوشیزگان علاقمند ، حرکت علمی و تحصیلی دینی خود را ، در آن آغاز نموده ، و بعضاً ادامه داده اند . بسیاری از مدرسه های طلبگی برای طبقه نسوان ، در اصفهان و دیگر شهرها ، همانند : قم ، نجف آباد ، خمینی شهر ، از این پایگاه علمی نشأت گرفته است .

مکتب فاطمه علیها السلام ، که از آثار باقیه بانوی ایرانی به حساب می آید ، در اثر خلوص نیت آن بزرگ بانوی مجتهده ، نقش مهمی در حفظ و گسترش ارزشهای معنوی و علمی ، و عفت و تقوای زنان و دختران مسلمان داشته است ، و ما ، در بخش « مدارس علمیه اصفهان » نیز ، در باره این مرکز علمی و دینی ، بحث و بررسی داریم .

ص: ۶۶۲

---

۱- خانم همایونی از شاگردان بانوی ایرانی می باشند ، و آثار قلمی متعددی دارند، از قبیل : ترجمه اربعین الهاشمیه و ترجمه بخشی از اسرار الایات ملاًصدرا شیرازی ، و کتابی به نام (زن مظهر خلاقیت الله ) و نیز مقالاتی متعدد و متنوع ، که بعضاً در نشریات عمومی ، به چاپ رسیده است ، و ایشان از دوستان و یاران قدیمی و صمیمی بانوی مجتهده امین ، می باشند

اینجانب (نویسنده این سطور) چندین سال در مکتب فاطمه علیها السلام موفق به تدریس علوم حوزه ای از قبیل: نحو، منطق، اصول فقه، عقائد و کلام، بودم، ولی در اثر کثرت دروس حوزه ای که در حوزه علمیه، عهده دار تحصیل یا تدریس آن بودم، از ادامه تدریس در مکتب فاطمه علیها السلام، خودداری نمودم، تا این که بانوی مجتهدۀ آمین، اظهار لطف نمودند، و در نامه ای افتخار آفرین (در سال ۱۳۵۳ شمسی) اینجانب را دعوت به ادامه همکاری و تدریس در مکتب فاطمه علیها السلام نمودند، و شخصیت و عظمت و معنویت ایشان، مرا موظف ساخت که دعوت ایشان را اجابت نموده، و مجدداً، چند سالی به تدریس در آن پایگاه علم و تقوی، ادامه دهم.

### سروده های شعراء، درباره بانوی آمین

شعراى علاقمند، در باره بانوی مجتهدۀ آمین، و نیز در زمینه تجلیل از آثار و تألیفات این نابغه دوران، اشعاری سروده اند، که به عنوان نمونه از سروده های مرحوم آیه الله، حاج شیخ مجتبی لنگرانی (که از مجتهدین و مدرّسین عالیقدر و مشهور، در حوزه های علمیّه نجف و اصفهان و... بودند). و نیز از سروده های: «خطیب» و «شهیر اصفهانی» و نیز «سپیده کاشانی» و «خالصی» و «حجازی» و «حسامی» و «نصر» و «نامی» و «سیفی» و «فروتن» و «خادم» و «طالب» (از شعراى اصفهانی) و... می توان یاد نمود، و ذیلاً از شعر برخی از شعراء یاد شده، چند بیتی نقل میگردد.

۱- مرحوم آیه الله حاج شیخ مجتبی لنگرانی، متخلص به «حاتمی»، در ضمن سروده ای مفصل، چنین آورده اند:

جز مخزن لثالی و راه سعادت\*\*\*حاشا به لوح نفس ، نگاری مصور است  
کان دفتر نخست ، ز آغاز تاختم\*\*\*یک سر مناقبی است که در شان حیدر است  
مخزن و راست نام، که از بدو تا به ختم\*\*\*درجی ز لؤلؤ است و ، سماطی ز گوهر است  
نظم بدیع و دلکش و ، اسلوب روح بخش\*\*\*حیرت فزا، چو خطبه زهرای اطهر است  
از گلشن ارم ، نفحات دگر وزید\*\*\*از نو، به بزم، روتق و، عودی به مجمر است  
یارب مسوز بال ، زبانوی محترم\*\*\*بالی که بر عموم بشر، سایه گستر است  
اکنون به خامه و به کتاب است نشر دین\*\*\*نی با سنان و تیغ و به ژوبین(۱) و خنجر است  
ای طالب حقیقت عرفان ، ز روی فکر\*\*\*بنگر بر این کتاب ، که هادی و رهبر است  
دانی که بنت فاطمه از ابن مسکویه\*\*\*همچون سماک ، از سمک أعلا و برتر است

ص: ۶۶۴

---

۱- ژوبین یا ژوبین ، نیزه کوچکی است که سر آن دو شاخه بوده ، و در جنگهای قدیم آن را به روی دشمن پرتاب می کرده اند

شد اصفهان ز نصف جهانی ، تمام آن\*\*\*تا این سرای قدس ، به چهرش منور است  
که مجلسی تراود و ، که شیخ عاملی(۱)\*\*\*آکنده (دار ضرب) زهر نقره و زر است  
چون هاشمیّه ، دختر زهراست ، لاجرم\*\*\*مأمول من ، شفاعت او روز محشر است  
گر نظم نغز نیست ، بخوانش تبرّکی\*\*\*مرسوله ای(۲) ، ز مرقد مولای قنبر است  
ران ملخ به نزد سلیمان ز (حاتمی) است\*\*\*چون بنگری،زقبرهای نیز ، کمتر است

ص: ۶۶۵

---

۱- منظور شیخ بهاء الدّین عاملی معروف به شیخ بهائی است

۲- این اشعار را مرحوم آیه الله لنکرانی ، از نجف اشرف ارسال داشته اند

و آقای مصطفی هادوی متخلص به ( شهیر ) ، در ضمن اشعاری ، چنین سروده است:

افتخار عالم نسوان بود ، بانو امین\*\*\* آن که عمری داشت کوشش در ره ترویج دین

بانوی نیکو خصال ، آن اسوۀ فضل و کمال\*\*\* اهل تقوی ، آیت حق ، صاحب علم الیقین

رهر و راه خدا ، آئینه ایزد نما\*\*\* آن گل باغ شریعت ، حامی احکام دین

بود سیمایش تجلی گاه نور کبریا\*\*\* مادر گیتی کجا آرد ، دگر دختی چنین

آسمان معرفت ، خورشید عالمتاب علم\*\*\* صاحب تفسیر قرآن و کتاب اربعین

روح اخلاص و صفا پیداست در سیر و سلوک\*\*\* راه خوشبختی او ، دارد نکات دلنشین

گوهر دریای معنی ، مخزن العرفان اوست\*\*\* هست تفسیر گرانقدری زقرآن مبین

گفت در وصفش ( شهیر ) از روی اخلاص و صفا\*\*\* آفرین بر روح پاکش ، صد هزاران آفرین



و شاعر دیگری متخلص به ( خطیب ) در ضمن سرودهای چنین آورده است:

فخر نسوان بر رجال این بس که بانوئی چنین\*\*\*داده داد علم و فضل ، از دوده فخر آنان

مادر ایام باشد از چنین بنتی عقیم\*\*\*که از او ماند به جا، در صفحه ایام ، نام

می سزد زین سیده، سادات جویند افتخار\*\*\*شاید از تمجید وی، یابد دواوین ارتسام

سترعلیا، ز اصل طه ، بضعه پاک امین\*\*\*که روانش کرده جا، در غرفه دارالسلام

بخ از آن نخل شرف ، کاینگونه ، ماند از وی ثمر\*\*\*اصل پاک اینگونه ریزد شربت شیرین ، به کام

آفرین بر عنصر پاکی، کزو ماند این سلیل\*\*\*که به نشر شرع أطهر ، کرده در عمرش قیام

مرحبا ، أهلاً و سهلاً ، حبذا ، طوبی لها\*\*\*بارسول الله جدش ، حشر یابد مستدام

أجرت ای صدیقه ، باجدت رسول هاشمی\*\*\*در بهشت حق دهد در جنه المأوی مقام

کس نداند حق تو ، جز مالک الملک قدیم\*\*\*از کرم داند چه بخشاید مقامت در قیام

ص: ۶۶۷

و خانم سپیده کاشانی ، شاعره نامدار و عالیقدر معاصر ، که از مفاخر عالم شعر و ادب عصر حاضر ، و از چهره های مورد توجه در دوره اخیر شعر مذهبی می باشد ، در رثای این مجتهدۀ عظیم الشان، چنین سروده:

بانگ رحیل ، خاک وطن را فرا گرفت\*\*\*اسلام شد به ماتم و ، رنگ عزا گرفت

ماهی که نور معرفتش ، رشک مهر بود\*\*\*دامن کشان به کنگره عرش ، جاگرفت

آیات را نماز بخوانیم ، دوستان\*\*\*زیرا خسوف هجر ، رخ ماه ماگرفت

رخشنده اخترش بشد از کهکشان علم\*\*\*در عرش ، جابه بارگه انبیا گرفت

می رفت و ، داغ لاله فراوان بسینه داشت\*\*\*زین خاکدان ، که مرتبه نینوا گرفت

گلچین ز شاخه چید بسی گل ، در این دیار\*\*\*فقدان این گل ، از چه چمن را فراگرفت

فخر زنان ، آمینه ما، درس عاشقی\*\*\*از مکتب امین خدا ، مصطفی گرفت

آن مرجع فضیلت و تقوا، به راه علم\*\*\*بر راهوار عشق ، مدد از خدا گرفت

بانوی بانوان جهان شد شفیع او\*\*\*گر در کنار کوثر میعاد ، جاگرفت

جاوید خانه باد ، مبارک بر او، که خاک\*\*\*از آن گل معطر عصمت ، صفا گرفت

## شخصیت بانوی ایرانی ، در منابع و مآخذ گوناگون

از آن هنگام که آثار قلمی بانوی امین منشر گردید ، و در حوزه های علمی و دینی ، نام و شخصیت آن بزرگ بانوی مجتهده مطرح گردید ، به تدریج ، در کتابهای تراجم و مجله ها و ... ، نام ایشان به میان آمد ، و به تفصیل یا اجمال ، از عظمت این بانوی نمونه یاد گردید ، که ذیلاً به نمونه هائی ، اشاره می نمائیم :

۱- علماء معاصرین ، از نویسنده محقق و عظیم الشان ، حاج ملا علی واعظ خیابانی تبریزی ، از صفحه ۳۱۱ تا ۳۲۵ ، و ظاهراً اولین کتابی که شرح حال بانوی ایرانی را به تفصیل و با تجلیل کامل ، مطرح نموده ، همین کتاب می باشد

۲- ریاحین الشریعه ، جلد ۳ ، صفحه ۴۳۱ - ۴۳۲

۳- أعیان الشیعه ، چاپ جدید ، جلد ۳ صفحه ۴۹۹ و چاپ قدیم ، جلد ۱۳ ، صفحه ۴۴ - ۴۵

۴- نقباء البشر ، جلد ۱ ، صفحه ۱۸۳

۵- ألدریعه الی تصانیف الشیعه ، جلد ۱۲ ، صفحه ۲۸۵ - و جلد ۲۰ صفحه ۲۲۹ - و جلد ۲۱ صفحه ۱۷۵ - و جلد ۲۴ صفحه ۲۴۸ و جلد ۲۶ صفحه ۱۴۶

۶- گنجینه دانشمندان ، جلد ۳ ، صفحه ۱۱۴ تا ۱۱۶

۷- آشنائی با حوزه های علمی شیعه ، ج ۱ ، ص ۷۶ - ۷۸ ، از نویسنده کمترین

۸- مجله مکتب اسلام ، سال ۲۳ ، شماره ۱۵ مرداد ۱۳۶۲ شمسی) صفحه ۶۲

۹- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر ، از نویسنده معاصر ، سید مصلح الدین مهدوی ، جلد ۲ ، صفحه ۳۴۸ - ۳۵۱

۱۰ - أعلام النساء ، از عمر رضا کحاله ، جلد ۱ ، صفحه ۹۵

ص: ۶۶۹

۱۱ - سیری در تخت فولاد اصفهان ، از سید مصلح الدین مهدوی ص ۶۸ - ۷۰

۱۲ - یادنامه عالمه مجتهده ، حاجیه خانم امین (بانوی ایرانی) ، به اهتمام مصطفی هادوی « شهیر اصفهانی» در ۱۸۳ صفحه

۱۳ - مقدمه ترجمه اربعین الهاشمیه ، به قلم حاجیه خانم همایونی .

۱۴ - نمونه هائی از زنان دانشمند ، محمد الحسون ، انتشارات نمایشگاه تشخص و منزلت زن در نظام اسلامی ، دیماه ۱۳۶۹

۱۵ - نگرشی کوتاه به زندگی ، مرحومه ، آیه الله یگانه ، بانوی ایرانی ، حاجیه خانم امین ، نوشته عالمه فاضله ، خانم فردوس مدرّس هاشمی

۱۶ - نشریه معراج ( مصاحبه با خانم همایونی ) سال اول ، شماره ۶

۱۷ - مجله جوانان امروز ، مقاله ( این زن اصفهانی چگونه اجازه اجتهاد گرفت ) شماره ۱۸۵۱ تیرماه ۱۳۶۲ ) صفحه ۵

۱۸ - مجله زن روز شماره ۱۹۲۶ مرداد ۱۳۶۲ صفحه ۴

۱۹ - مجله زن روز (نگاهی گذرا، بر حیات پر بار حجه الإسلام و المسلمین ، بانو امین ) شماره ۱۱۱۶ اردیبهشت ۱۳۶۶ ، صفحه ۶

۲۰ - مقدمه کتاب اخلاق بانوی ایرانی ، از انتشارات نهضت زنان مسلمان ، مصاحبه با بانوی ایرانی ، از صفحه یازده تا شانزده

۲۱ - مقدمه کتاب النّفحات الرّحماتیة ، ( تألیف بانوی ایرانی ) ، به قلم عبد الله السبیتی ، از صفحه ۱ - ۱۲

۲۲ - مقدمه جامع الشّتات ( نامه ای از سید محمد سعید حسینی حلی نجفی )

۲۳ - یادنامه بانوی مجتهده حجه الإسلام و المسلمین ، سیده نصرت امین ، که به مناسبت برگزاری کنگره بزرگداشت بانوی مجتهده امین ( اصفهان ۲۳ تا

ص: ۶۷۰

۲۵ خردادماه ۱۳۷۱) از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در هفتاد صفحه منتشر گردیده است و حاوی ابعاد گوناگون شخصیت و عظمت بانوی ایرانی، می باشد.

۲۴- و ... نوشته های مطبوع یا مخطوط در مجله ها، روزنامه ها، تألیفات نویسندگان، که حاکی از شخصیت مشهور و مورد توجه این بانوی بزرگ و بی نظیر، می باشد.

### **بانوان دانشمند، در دوره معاصر**

با توجه به کوشش های برجسته و اساسی آیت بزرگ حق، مرحومه حاجیه خانم امین (بانوی ایرانی)، در مورد توجه دادن طبقه نسوان به دانش و اندیشه دینی، و هم چنین با توجه به فراهم شدن زمینه های اجتماعی برای تحصیلات علمی و دینی بانوان و دوشیزگان (در اثر تبلیغات علماء و بزرگان دین و خطباء و وعیای دلسوز)، و نیز تأسیس مدارس متعدد و مراکز گوناگون، برای دستیابی به تحصیلات بانوان و دوشیزگان شیعه، به خوبی می توان دریافت که دوره معاصر، دوره دانش دینی، برای طبقه نسوان می باشد، و نمودار این حقیقت، مدارس و مراکزی است که، شمار زیادی از دختران و زنان اصفهانی، در آنها به تحصیل علوم دینی، اشتغال دارند و در زمینه نحو، صرف، منطق، معانی و بیان و بدیع، فقه، اصول، اخلاق، عقائد، تفسیر و علوم قرآن، حدیث، رجال و درایه، تاریخ اسلام و ...، فعالیت درسی و تحصیلی دارند، و جالب این است که به تدریج، شمار قابل توجهی از آنها، شخصاً به تدریس و تألیف و تحقیق و سخنوری (برای بانوان و دوشیزگان) مشغول گشته اند، و علاوه بر اینکه عده ای از آنها، دوره سطح (شرح لمعه و اصول الفقه و رسائل و مکاسب) را به

خوبی تحصیل کرده اند، شخصاً مدرّسی محقّق، در زمینه کتب ادبی و منطق و نیز تفسیر و حدیث و اخلاق و عقائد و فقه و اصول (در مراحل پائین تر)، می باشند و ما در بخش «مدارس علمیّه اصفهان» اشاره ای به شمار طلاب زن، و مراحل تحصیلی آنها داریم.

عکس

قال رسول الله صلى الله عليه وآله

فلا طمّعتي  
أمرني بها

ص: ۶۷۲



















































از همه عزیزان و دوستانی که از علم و فضل ، تشویق و ترغیب ، ذوق و هنر خویش بهره گرفته ، و در تألیف کتاب و به ثمر رسیدن این کوشش علمی ، و در انجام مقابله مکرر، و نیز در تهیه فیلم و زینک و چاپ و تجلید کتاب ، همکاری و عنایت صمیمانه داشته اند ، مخصوصاً صدیق مکرم ، حجه الإسلام آقای سید محمد رضا ابطحی دام عزّه و توفیقه ، که در مراحل گوناگون امور کامپیوتری و چاپ کتاب ، و دقت و زیبایی کار، و صفحه آرایی جالب و منسجم بخش های گوناگون کتاب ، عشق و علاقه و ذوق و ابتکار و حوصله و پشتکار

به کار گرفتند، صمیمانه سپاسگزاری می نمایم ، و از درگاه خداوند صاحبان ولایت ( پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ و ائمه معصومین علیهم السلام ) و بالأخص ،

صاحب العصر و الزمان ، حضرت بقیه الله الأعظم (عج) رو پاداش و ثواب آخروی ، و عزت و سربلندی و شادکامی دنیوی برای آنها آرزو می نمایم .

میر سید حجه موحد ابطحی نجل مرحوم آیه الله ، سید مرتضی موحد ابطحی موسوی اصفهانی

يَا مَوْلَانِي

إِفْطَحْ

أَعْيُنِي

جلد ۲

اشاره

ص: ۱





نقش مساجد اصفهان

در فعالیتهای درسی و حوزه ای

ص:۳

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا وَنَبِيِّنَا الْبَشِيرِ النَّذِيرِ الَّذِي بُعِثَ رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَعَلَى آلِهِ وَعِترتهِ  
الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ لاسِيَمَا بَقِيَّتِهِ اللَّهُ فِي الْأَرْضِينَ، الْحُجَّجِ بْنِ الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيِّ؛ عَجَّلَ اللَّهُ فَوْجَهُ وَلَعَنَهُ اللَّهُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ مِنْ  
الآنِ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ .

ص: ۴

از اولین روزهای تاریخ اسلام، مساجد، محلّ تعلیم و تعلّم، و مذاکره علمی بوده، و مسجدهای بزرگ و درجه اول اسلامی، همانند: «مسجد الحرام» و «مسجد النبی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ» و «مسجد کوفه» و ...، جایگاه تشکیل مجالس درس و بحث و تحقیق بوده، و در حوزه های بزرگ، در شهرهای مختلف، همانند: نجف اشرف، قم، اصفهان، مشهد و ...، برای فعالیتهای درسی و علمی، از مساجد بهره برداری شده و می شود.

در شهر و حوزه علمی اصفهان، در طول تاریخ، بسیاری از مساجد بزرگ و کوچک، جایگاه تعلیم و تعلّم و مذاکره و مباحثه علمی بوده، و ما در این بخش، تعدادی از مساجد را، مورد بحث قرار داده، و پس از معرفی اجمالی، اشاره ای به نقش آنها در زمینه فعالیت های حوزه ای می نمائیم.

و اینک با ترتیب تقریبی زمان فعالیت علمی، مساجدی را نام می بریم:

### ۱- مسجد جمعه (جامع)

مسجد قدیمی بسیار بزرگی است در شهر تاریخی اصفهان، در حوالی میدان کهنه، در محله بوسحاقیه، که در حال حاضر، در نزدیکی فلکه سبزه میدان (میدان قیام) و خیابان هاتف واقع گردیده است.

این مسجد عظیم و بی نظیر، که تأسیس اولیه آن به دوره ورود اسلام، به ایران و اصفهان بر می گردد، در حقیقت مجموعه ای از معماری ها و آثار هنری

دوره های بعد از اسلام تاریخ ایران است ، و یادگارهایی ارزشمند از ادوار گوناگون ایران اسلامی را در خود جای داده است ، و می توان به خوبی ، تحولات معماری دوره های اسلامی تاریخ ایران را ، در مدت هزار سال ، در آن مطالعه نمود . گنبد جنوبی و شمالی مسجد ، ایوانهای چهارگانه ، مناره های بلند و زیبا ، صحن بسیار بزرگ و باشکوه ، سردرهای متعدد و با عظمت ، چهل ستونها و شبستان های بزرگ و جالب ، غرفه ها و حجره ها ، گچ بری ها و کاشی کاری های متنوع ، خطوط زیبا و کتیبه های جالب و گوناگون ، و نیز سایر خصوصیات متعدد و متنوع این مسجد ، هر بخشی از آن ، نشانه ای از معماری و هنر دوره های سلجوقیان ، مغولها ، آل مظفر ، تیموریان ، آق قویونلوها ، صفویه ، قاجاریه و ... می باشد .

مسجد جمعه اصفهان ، در نوشته بزرگانی از دانشمندان و محققان و سیاحان قدیم ، همانند : ابن حوقل و مقدسی و مافزوخی و ناصر خسرو ، و ابن اثیر و یاقوت حموی ، مورد توجه قرار گرفته ، و باستان شناسهای بزرگی ، همانند : پرفسور پوپ (صاحب شش جلد کتاب بررسی هنرهای ایران) و آقای گمدار (صاحب مجموعه ای در چند جلد تحت عنوان آثار ایران) و ... ، تحقیقات بسیار گسترده ای را در مورد این مجموعه بی نظیر انجام داده ، و عرضه نموده اند ، و در کتابهای ارزشمندی ، همانند : گنجینه آثار تاریخی اصفهان ( اثر دکتر لطف الله هنرفر) و آثار ملی اصفهان ( اثر رفیعی مهرآبادی) و دیگر کتابهای تاریخ و جغرافیای اصفهان ، بخش بسیار وسیعی ، به معرفی خصوصیات و مزایای گوناگون این مسجد ، اختصاص یافته است .

به عنوان نمونه ، یک جمله کوتاه و گویا و ارزشمند ، از پرفسور پوپ ، ایران

شناس مشهور ، دربارهٔ این مسجد عظیم نقل مینمائیم ، او چنین نوشته است (۱)

این بنا، با عظمت خاموش و جدی و اسرار آمیزش

یکی از زیباترین آثار معماری جهان است

### مسجد جامع مرکز تعلیم و تربیت اسلامی

از زمانهای قدیم ، مسجد جامع محل تعلیم و تربیت دینی در اصفهان بوده ، تا آنجا که مافروخی اصفهانی ( که از علماء بزرگ اصفهان در قرن پنجم بوده ) در کتاب محاسن اصفهان ، چنین توضیح داده است : برای هر نماز ، کمتر از پنج هزار نفر در آن اجتماع نمیکند ، پهلوی هر ستونی از مسجد ، استادی ( شیخی ) قرار دارد ، که جماعتی از طالبین علم ، گرد او را گرفته ، به وظیفهٔ درس و ریاضت نفس ، اشتغال دارند . آراستگی این محل ، به واسطهٔ مناظرهٔ فقهاء ، و مباحثهٔ علماء و مجادلهٔ متکلمین و پسند دادن واعظ ها، و ... ، است ... ، در برابر این مسجد ، کتابخانه ای با حجرات و مخزن کتاب وجود دارد، که استاد و رئیس ، أبو العباس ، أحمد ضبّی آن را ساخته ، و او کتب مربوط به همه گونه از علوم و دانشها را که به مرور ایام ، فضلا و ادباء سابق انتخاب کرده اند ، در این کتابخانه جمع نموده است ، و فهرست این کتابخانه مشتمل بر سه جلد بزرگ است ، که در برگیرنده کتابهایی در تفسیر قرآن و حدیث و علم نحو و صرف و لغت و شعر و ادب و تاریخ و منطق و ریاضیات و طبیعیات و الهیات و سایر علوم و دانشها می باشد (۲).

در این مرکز علمی ، دانشمندان و بزرگان ، همانند : حمزه اصفهانی و ابوعلی

ص: ۷

---

۱- اصفهان ، از دکتر هنرفر ، صفحه ۱۰۶

۲- محاسن اصفهان ، صفحه ۸۴ و ۸۵

مسکویه و حافظ ابونعیم اصفهانی و اسماعیل (صاحب) ابن عباد، و ابوعبدالله معصومی و مفضل بن سعد مافزوخی اصفهانی و ... ، فعالیت علمی داشته اند (۱) و از مفاخر علمی این مسجد تاریخی، به شمار می روند.

### صفه صاحب، محل تدریس صاحب بن عباد

در مسجد جمعه (جامع) اصفهان، آثاری از دوره دیالمه مشاهده می شود، و ایوان جنوبی مسجد، هنوز به نام صفه صاحب معروف است، و معلوم می شود که صاحب، اسمعیل بن عباد (چهره برجسته شیعه) در بنائی که سابقاً در محل این ایوان سلجوقی وجود داشته، به تدریس می پرداخته است (۲).

### مسجد جامع و فعالیت های درسی علامه مجلسی و اجداد او

جد مادری علامه مجلسی (کمال الدین درویش محمد اصفهانی (۳)) در صفه درویش، درس حدیث میگفته است، و علامه، ملا محمد تقی مجلسی، در چهلستون مسجد، در زاویه جنوب غربی مسجد جامع تدریس می نموده، و علامه ملا محمد باقر مجلسی، به جای پدر خود تدریس می کرده، و لذا در زبان مردم، این قسمت، به عنوان مدرّس مجلسی نامیده میشود. در ایام زمستان که هوا سرد بوده، روزهای آفتابی در صفه درویش (محل تدریس کمال الدین

ص: ۸

---

۱- تاریخ فرهنگ اصفهان، صفحه ۳۴ و ۳۵

۲- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صفحه ۴۳

۳- ملا محمد تقی مجلسی، این بزرگمرد را با عنوان «شیخ الفقهاء و المحدثین، در زمان خودش» یاد کرده، و علامه مجلسی، او را این گونه مورد ستایش قرار داده: نخستین دانشمندی که حدیث شیعه را در زمان دولت صفویه، در اصفهان نشر داد. به کتاب (علامه مجلسی بزرگمرد علم و دین، صفحات ۱۸ و ۱۹) مراجعه شود

درویش محمد) و در مواقع برف و باران، در شبستانِ چراغی مسجد، معروف به طینی، تدریس می فرموده است (۱).

در دوره ملا محمد تقی مجلسی، در هر گوشه ای از مسجد جامع، حوزه درسی و جلسه مذاکره مباحث علمی، منعقد بوده است (۲).

### رونق علمی مسجد جامع در زمان علامه مجلسی

عظمت و گسترش میدان فعالیت علمی علامه، ملا محمد باقر مجلسی، از یک طرف، و منصب های رسمی آن بزرگمرد در زمان خود، از قبیل منصب شیخ الاسلامی، منصب امامت جمعه و...، از طرف دیگر، و خلق و خوی ارزشمند آن پیشوای عالیقدر، از دیگر سوی، سبب شد که از شهرهای دور و نزدیک، مهاجرت علماء و طلاب علوم دینی، به سوی اصفهان انجام گیرد، و خانه علامه مجلسی و مدرس او (در مسجد جامع) و کتابخانه پربرت آن بزرگمرد، کعبه آمال طالبان علم و تحقیق گردد، و حوزه درسی علامه مجلسی، جمعیت انبوهی از طلاب و علماء و فضلاء را در بر گیرد، تا جایی که دو نفر از بزرگان شاگردان علامه مجلسی، یعنی: میرزا عبدالله أفندی (صاحب ریاض العلماء) و سید نعمت الله جزائری، که هر دو از مفاخر شیعه و حوزه علمی اصفهان، و از مبرزین شاگردان علامه مجلسی بوده اند، تعداد شاگردان علامه مجلسی را متجاوز از یکهزار نفر نوشته اند (۳) و این سخن نشانه رونق بسیار و جالب توجه، برای حوزه درسی علامه مجلسی می باشد.

ص: ۹

---

۱- زندگینامه علامه مجلسی، ج ۱، ص ۱۸۵ و علامه مجلسی، بزرگمرد علم و دین، ص ۲۰۹

۲- زندگینامه علامه مجلسی، جلد ۲، صفحه ۳۸۲

۳- زندگینامه علامه مجلسی، جلد ۲، صفحه ۳

نسخه ای از کتاب من لا یحضره الفقیه شیخ صدوق را، شخصی به نام أبو الحسن بن معز الدین محمد قهجاورستانی، در تاریخ ششم رجب ۱۰۶۰، در مسجد جامع قدیم اصفهان نوشته است، و همین کتاب را کاتب یاد شده، در نزد ملا محمد تقی مجلسی خوانده، و تصحیح نموده است، و دستخط مرحوم مجلسی (ملا محمد تقی) در زمینه تأیید تصحیح و قرائت کتاب یاد شده، در آخر جزء چهارم کتاب، مرقوم شده است، نسخه یاد شده، در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود میباشد (۱).

## ۲- مسجد جامع جورجیر از آثار صاحب بن عبّاد

(۲)

مفضل بن سعد (مافزوخی اصفهانی) که از علماء بزرگ قرن پنجم هجری میباشد، در کتاب محاسن اصفهان، دو جامع بزرگ را مورد معرفی قرار داده، یکی جامع بزرگ عتیق (مسجد جامع مشهور) دوم جامع جدید کوچک، مشهور به جورجیر، که این دومی را، کافی الکفاه، صاحب بن عبّاد ساخته است، و از نظر استحکام و صلابت، برتری دارد بر جامع عتیق.

... قَدْ أُوتِيَ فَضْلاً عَلَى الْجَمَاعِ الْأَكْبَرِ، فِي صِيْلَابِهِ الْأَطْيَانِ وَارْتِفَاعِ الْمَكَانِ وَاسْتِحْكَامِ الْبُنْيَانِ، وَالْمَنَارَةِ الَّتِي أُجْمَعُ الْمُهَنْدِسُونَ عَلَى أَنَّهُ لَمْ يُبْنَ فِي الْعَالَمِ أَرْشَقُ مِنْهَا قَدْماً وَآتَمَّ مَدّاً وَادَّقُ عَمَلاً وَ أَحْكَمُ تَفْضِيلاً وَ جَمَلاً ... إِرْتِفَاعُهَا مِائَةَ ذِرَاعٍ وَ سَطْحُهَا

ص: ۱۰

۱- فهرست کتابخانه آستان قدس رضوی، جلد ۵، صفحه ۱۹۱

۲- یاقوت حموی، در معجم البلدان چنین آورده است: محله یا اصفهان و بها جامع غرف بها وکان بها جماعه من الائه قدیما وحدیثا، که از این جمله استفاده می شود، محله جورجیر، محل زندگی علماء و بزرگان دینی بوده است



بَاعَ فِي بَاعٍ . وَ فِي كَلِّ مَا عِدَّدْتَهُ وَ سَيَّرَدْتَهُ مِنَ الْمَسَاجِدِ وَ الْخَانِكَاهَاتِ وَ دَارِ الْكُتُبِ ، لِلْفُقَهَاءِ مِدَارِسُ ، وَ لِلْأَدْبَاءِ مَجَالِسُ ، وَ لِلشُّعْرَاءِ مَوَاسِمُ وَ مَآئِسُ وَ ... (۱).

چنانچه ملاحظه می نمائید ، مافزوحی ، این مسجد را از نظر استحکام و آرزشمندی و بلندی مناره ( یکصد ذراع = تقریباً پنجاه متر ) بر مسجد جامع کبیر ترجیح داده ، و سپس فعالیت های عمرانی اصفهان را ، در زمینه تأسیس مساجد و مدارس و کتابخانه ها و ... معرفی نموده ، و توجه اصفهانیها را ، به تأسیس پایگاههای علمی و تشکیل مجالس ادبی ، برای علماء و أدباء و شعراء و ... روشن ساخته ، و طبیعتاً ، مسجد جامع جورجیر نیز ، در مسیر همان سیاست کلی بوده ، و میدانی برای فعالیت علمی و دینی به شمار می رفته است .

مسجد جامع جورجیر ، در حوادث تاریخی از بین رفته ، و به جای آن مسجد حکیم (که از مساجد جامع و تاریخی اصفهان می باشد ) ساخته شده است ، و تنها سردری از مسجد جامع جورجیر باقی مانده ، که از آثار تاریخی نیمه دوّم قرن چهارم هجری ( دوره وزارت اسمعیل بن عبّاد ) به شمار می رود (۲).

### ۳- مسجد جامع عباسی « مسجد امام »

مهمترین مسجد دوره صفویّه ، در شهر اصفهان ، از جهت عظمت معماری و وسعت و ظرافت کاشی کاری و تزئینات حیرت انگیز ، مسجد جامع عباسی میباشد ، که با نام مسجد شاه شهرت یافته ، و اخیراً ( پس از انقلاب اسلامی ) به نام « مسجد امام » نامیده میشود .

این مسجد در سال ۱۰۲۰ هجری به فرمان شاه عباس اول ( کبیر ) در طرف

ص: ۱۱

۱- محاسن اصفهان ، صفحه ۸۶

۲- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۴۰ الی ۴۳

جنوب میدان عظیم نقش جهان، شروع به تأسیس گردیده، و در سال ۱۰۲۵ به منظور تکمیل آرایش میدان، سردر آن تکمیل شده، و سپس ساختمان و تزیین سایر قسمت‌های مسجد، تا آخر عمر او (شاه عباس) و سپس تا سال ۱۰۷۷ ادامه یافته است (۱). بهترین مهندس‌ها و معمارها و استادکارها، و نیز هنرمندان کاشیکار و خطاط، و هم چنین کارشناسان خیره در شناخت سنگها و مصالح ساختمانی، در تأسیس این مسجد به کار گرفته شدند، و از عجایب و غرائب قضیه ساختن مسجد، پیدا شدن معدن سنگ مرمر در حوالی اصفهان بوده، که در هیچ زمان، کسی از آن نشان نیافته بوده است (۲) و آن سنگهای بینظیر، در تزیین مسجد، مورد استفاده قرار داده شده است.

سردر ورودی مسجد، که در جنوب میدان شاه (میدان امام) واقع شده، از شکوه و زیبایی خیره کننده‌ای برخوردار است، و معماران ماهر، توانسته‌اند به شکل استادانه‌ای، انحرافی را که از خط جنوب و شمال (حالت میدان) به خط قبله (حالت ساخت مسجد و قبله آن) وجود دارد، در دالان مسجد تعبیه کنند، به طوری که در اولین برخورد، تازه واردها احساس انحراف نمی‌نمایند.

گنبد زیبا و با عظمت مسجد، از سطح زمین ۵۴ متر ارتفاع دارد، و بلندی دو مناره ایوان داخلی مسجد، هر کدام ۵۲ متر، و ارتفاع دو مناره سردر مسجد، هر کدام ۴۸ متر می‌باشد (۳). زیر گنبد عظیم و باشکوه مسجد، حالت انعکاس

ص: ۱۲

---

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صفحه ۴۲۷

۲- عالم آرای عباسی، جلد دوم، صفحه ۸۳۱

۳- فرهنگ معین، جلد ۶، صفحه ۱۹۷۱، ولی در کتاب اصفهان و نیز گنجینه آثار تاریخی اصفهان، نوشته دکتر هنرفر، ارتفاع مناره‌های داخل مسجد ۴۸ متر، و ارتفاع مناره‌های سردر مسجد، ۴۲ متر، ذکر گردیده است

صوت وجود دارد، به نحوی که با زدنِ ضربه، در مرکز گنبد، صدا به خوبی منعکس می شود، و در زبان مردم (گنبد هفت صدا) گفته میشود. صفت جلوی گنبد به ارتفاع ۳۰/۵ متر و به طول ۱۸ متر می باشد. در طرف جنوب غربی مسجد، مدرسه سلیمائیه، و در جنوب شرقی مسجد، مدرسه ناصریه تأسیس شده، که هر دو، جزء مجموعه ساختمان مسجد می باشد، و بر شکوه و اهمیت مسجد افزوده است. مساحت مسجد، از شرق به غرب، ۱۴۶ متر و از شمال به جنوب، ۸۴ متر، و مساحت صحن، ۷۱/۵×۵۴/۵ متر می باشد (۱).

### تأسیس جامع جدید، بر مبنای فعالیت علمی

در وقفنامه ای که برای جامع جدید عباسی (مسجد شاه) زیر نظر نابغه دوران، و افتخار عالم تشیع، مرحوم شیخ بهائی اعلی الله مقامه، در تاریخ شعبان ۱۰۲۳ تنظیم شده است، بخشی به وظایف مدرّسین و طلاب جامع عباسی، و حقوق آنها اختصاص داده شده، و شمار مدرّسین یازده نفر تعیین شده اند، که موظفند به جز دو روز در هفته، تمام روزها مرتباً به تدریس در مسجد، اشتغال داشته باشند. در آن وقفنامه، عده ای از مدرّسین که شخصاً نامشان ذکر شده است، بدین قرار میباشند: ۱- عالم ربّانی، و فاضل موقّح صمدانی، آقا میرزا اسمعیل خاتون آبادی ۲- ملاّ محمد تقی طبسی ۳- ملاّ محمد حسین بروجردی ۴- ملاّ محمد حسین گیلانی ۵- میر محمد صالح ۶- صوفی رمضان ۷- ملاّ محمد ولد آقا حسین ۸- ملاّ محمد علی سمنانی ۹- ملاّ محمد رحیم یزدی ۱۰- ملاّ محمد حسین گیلانی، و همچنین برای طلبه ساکن حجرات مسجد جامع عباسی، حقوقی قرار داده شده، که روزانه دریافت دارند، و تعداد طلاب، ۳۷ نفر تعیین

ص: ۱۳

شده اند، که کلّ حجرات دائر باشد، و هیچگاه حجره ای تعطیل نگردد (۱).

چنانچه ملاحظه می نمائید، پایه گذاری این مسجد و مرکز دینی، با راهنمایی مرحوم شیخ بهائی قدس سرّه، بر مبنای فعالیت علمی و حوزه ای انجام شده، و در طبیعت این پایگاه بزرگ دینی، فعالیت علمی و عبادی، رابطه تنگاتنگ یافته است.

### چهره هائی از مدرّسین مسجد جامع عباسی

علاوه بر شخصیت‌های یاد شده، در موقوفه جامع عباسی، بسیاری از علماء و مدرّسین عالیقدر در این مسجد به افاضه علمی اشتغال یافته اند، که ذیلاً به برخی از آنها اشاره می نمائیم:

۱- میر محمد اسمعیل خاتون آبادی، متوفای ۱۱۱۶ (۲)، که به احترام او تکیه و بقعه خاتون آبادیها تأسیس شده، و خود، عالمی بزرگ و صاحب تفسیر قرآن در چهارده جلد میباشد، و از مفاخر مدرّسین جامع عباسی است (۳).

جمعی از خاندان خاتون آبادی، از مدرّسین جامع عباسی بوده اند.

۲- حاج اسمعیل اصفهانی خاتون آبادی، از علماء نیمه اول قرن دوازدهم، که عالمی بسیار محقق و مدقق بوده، و مباحث مشکل شفای بوعلی سینا را، در جامع عباسی تدریس می کرده، و از نظر شخصیت روحی و معنوی و اجتماعی

ص: ۱۴

---

۱- رونوشت وقفنامه مفصل مسجد جامع عباسی، در کتاب تاریخچه اوقاف اصفهان، از صفحه ۵۰ تا ۶۲ نقل گردیده است  
۲- این بزرگمرد، غیر از آقا میرزا اسمعیل خاتون آبادی نامبرده شده در وقفنامه می باشد، که از علمای نیمه اول قرن یازدهم بوده است

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۹۱

۳ و ۴ - میر محمّد رضا بن میرزا أبو القاسم مدرّس ، متوفای ۱۲۳۸ ، و فرزند او میر محمّد صادق ، متوفای ۱۲۷۱ ، که صاحب تألیف بوده ، و هر دو از مدرّسین جامع عبّاسی بوده اند (۲).

۵- فقیه اصولی و مرجع نامدار ، آقا شیخ محمّد تقی رازی ( صاحب حاشیه بر معالم ، به نام هدایه المسترشدین ) متوفای ۱۲۴۸ ، که از چهره های برجسته علمی قرن سیزدهم در اصفهان بوده ، و در حوزه درسی عظیم و مشهور او ، در مسجد شاه ( جامع عبّاسی ) چند صد نفر شرکت می جستند ، که عده ای از آنها دارای شخصیت علمی و مقام اجتهاد بوده اند .

۶- فقیه مجتهد و مرجع متنفذ ، مرحوم حاج شیخ محمّد باقر نجفی ، فرزند ، آقا شیخ محمّد تقی رازی ، و متوفای ۱۳۰۱ قمری ، که از شاگردان شیخ أنصاری بوده و فرزندانی عالم و مجتهد و برجسته تربیت نموده ، و حوزه درسی او ، محلّ پرورش علماء و مجتهدین بزرگ بوده ، و از مفاخر مسجد جامع عبّاسی ( مسجد شاه ) به شمار می رود .

۷- فقیه و پیشوای عالیقدر ، مرحوم آقا شیخ محمّد تقی ، معروف به آقا نجفی اصفهانی ، متوفای ۱۳۳۲ قمری ، و فرزند مرحوم آقا شیخ محمّد باقر نجفی مسجد شاهی ، که حوزه درسی مهمّی در جامع عبّاسی داشته است (۳) .

ص: ۱۵

---

۱- أعيان الشیعه ، چاپ قدیم ، جلد ۱۱ ، صفحه ۱۸۵

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۹۱-۹۲

۳- در باره شخصیت علمی و آثار آقا شیخ محمد تقی رازی ، و آقا شیخ محمد باقر نجفی ، و آقا شیخ محمد تقی نجفی ، در بخش ( خاندانهای علمی اصفهان ) « خاندان مسجد شاهی » و نیز بخش ( بقعه های علمی و تخت فولاد ) بحث و بررسی داریم

علاوه بر یادشدگان، بسیاری از علماء و مدرّسین بزرگوار، در طول زمان، حوزه های درسی بزرگ و کوچکی، در این مسجد تشکیل می داده اند، و طلاب حوزه علمیه، با درس و بحث خود، عامل شکوه این پایگاه علمی - عبادی، بوده اند.

مسجد شاه «مسجد امام» منظور، مسجد جامع عباسی میباشد، به عنوان یاد شده، مراجعه شود

#### ۴- مسجد شیخ لطف الله

مسجدی است در جانب شرقی میدان بزرگ نقش جهان، و این مسجد یکی از زیباترین آثار تاریخی اصفهان است، که هر بیننده ای را خیره میکند، و نسبت به هنرمندانی که در انجام آن دخالت داشته اند، به تحسین و إعجاب وامی دارد. کاشی کاری های معرّق داخل و خارج گنبد شکوهمند آن، و کتیبه های تحسین برانگیز آن، که مقداری به خطّ علیرضا عباسی (خطّاط نامدار زمان صفویّه) می باشد، از نظر ظرافت و دقّت و حسن سلیقه، کمتر نظیر دارد، و در مجموع، از شاهکارهای بزرگ ایران در نیمه اول قرن یازدهم هجری میباشد.

پرفسور پوپ، که چهره ای مبرز در آشنائی با ایران و آثار معماری و هنری آن می باشد، راجع به عظمت معماری و نفاست تزئینات مسجد شیخ لطف الله، چنین نوشته است: مسجدی که در سمت مشرق میدان شاه، و مقابل ساختمان عالی قاپو قرار دارد، یکی از شاهکارهای بی نظیر معماری است، که در سراسر آسیا خود نمائی میکند. این مسجد زیبا، که همچون جواهری درخشان در تاریخ معماری ایرانیان می درخشد «مسجد شیخ لطف الله» نام دارد. در

حقیقت میدان بزرگی که قصر باشکوه عالی قاپو، در یک طرف آن قرار دارد، به چنین گوهر گرانبهائی در برابر خود احتیاج داشت، و شاید همین نکته، شاه عباس را بر آن داشت، تا با ساختن این بنا، که به سختی می توان آن را محصول دست بشر دانست، زیبایی میدان را به کمال رساند.

زیبائی کاشی کاری این مسجد ( اعم از کاشی های معرق یا کاشیهای هفت رنگ ) در نوع خود بی نظیر می باشد ... ، روشنائی داخل این مسجد نیز قابل توجه است، در اطراف گنبد به فواصل منظم، روزنه هائی در قطر گنبد تعبیه شده، که به وسیله پنجره های گچ بری، از داخل و خارج مسدود می شود، این گچ بریها عبارتند از: طرحهای منظمی که به نسبت مساوی، فضای خالی در میان آنها وجود دارد، مجموع نورهای که از این پنجره ها به داخل می تابد، زیبایی آسمانی و خیال پروری، به تزیینات کلی صحن (۱) می بخشد. کوچکترین نقطه ضعفی، در این بنا دیده نمی شود، اندازه ها بسیار مناسب، نقشه و طرح بسیار قوی و زیبا. به طور خلاصه، توافقی است بین یک دنیا شور و هیجان، و یک سکوت و آرامش باشکوهی که نماینده ذوق سرشار زیبا شناسی بوده، و منبعی

جز ایمان مذهبی و الهام آسمانی نمی تواند داشته باشد (۲) و نیز پرفسور پوپ، در یکی از کنفرانس هایش اظهار داشت: ذوق ایرانی سبب شده، که شکلی مافوق تمام اشکال هندسی، اختراع شود

ص: ۱۷

---

۱- منظور، صحن زیر گنبد است، وگرنه مسجد شیخ لطف الله، صحن ندارد

۲- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صفحه ۴۱۰ ۴۱۱ به نقل از بررسی هنرهای ایران تألیف پرفسور پوپ

و آن شکل گنبد مسجد شیخ لطف الله است ، که با هیچ یک از اشکال هندسی ، منطبق نیست ، و در همین حال ، ذوق سلیم آن را یکی از بهترین اشکال میدانند ، و از دیدن آن لذت می برد ، و در عظمت آن دچار شگفتی می گردد ، و انسان در مقابل این صنعت عظیم ،

سر تعظیم و احترام ، فرود می آورد (۱)

و در کتاب تاریخچهٔ ابنیهٔ تاریخی اصفهان ، در ضمن تشریحی مفصل از مسجد شیخ لطف الله می نویسد : شبستان مسجد از زیباترین و گرانبهارترین بناهاست ، که به محض ورود ، بیننده را مبهوت ، و خواه و ناخواه ، زبان به تحسین بانی و سازنده می‌گشاید ، و از تلؤلؤ و روشنائی و وضع ساختمان

کاشی های معرق آن ، آفرین می گوید ،

تناسب ساختمان ، قدرت فن معماری ، و قشنگی و متجانس بودن مصالح شخص را به عظمت خداوندی و نیروی ایمان متوجه ساخته و مات و مبهوت می شود ... محراب این مسجد که از اول ورود ، جلب توجه می نماید یکپارچه جواهری است که آن را زیباترین محرابها می توان شمرد (۲)

بلندی گنبد تا زیر سقف ، ۳۲ متر است ، و روشنائی داخل شبستان ، از پنجره های ۱۶ گانه معرق و مشبک میباشد ، و نور از هر طرف که می تابد ، جلوه خاصی به کاشی های صحن میدهد . در زیر این صحن عالی مربع شکل ( ۲۴ × ۲۴ متر ) شبستان زیر زمینی ، روی ۴ ستون منشوری شکل قطور قرار

ص: ۱۸

---

۱- آثار ملی اصفهان ، صفحه ۶۹۴

۲- آثار ملی اصفهان صفحه ۶۹۹-۷۰۰ به نقل از تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان



دارد، که از پنجره های اطراف ، روشنائی به داخل می رسد ، و در زمستان برای آدای فریضه به کار می رود .

گنبد مسجد، یک پوش ، و محیطش ۷۰ متر و ارتفاعش از سطح زمین ۴۲ متر است ، و نقش و نگار کاشی های خارج گنبد ، بی اندازه زیبا و مطبوع و دلپذیر است . میله طلائین روی گنبد به ارتفاع ۳ متر ، و دارای سه گو (گوی) می باشد ، که بزرگترین آنها ، محیطش دو متر می باشد (۱). سردر مسجد باشکوه می باشد ، و کاشی کاری بسیار ریز و ظریف دارد .

ساختمان مسجد شیخ لطف الله ، در اوائل قرن یازدهم هجری شروع گردیده ، و سردر باشکوه و زیبای آن ( طبق کتیبه کاشی کاری ) در سال ۱۰۱۲ هجری به پایان رسیده ، و پایان ساختمان و کاشی کاریها و تزئینات مسجد ، در سال ۱۰۲۸ هجری بوده ، چنانچه در دو لوحه در محراب کاشیکاری معرق بی نظیر مسجد نوشته شده است: « عمل فقیر حقیر ، محتاج به رحمت خدا ، محمد رضا بن استاد حسین بناء اصفهانی ۱۰۲۸ (۲) .

کتیبه های مسجد در بخشهای مختلف ، در برگرفته آیات قرآنی و احادیث ائمه معصومین علیهم السلام و أسماء مبارکه ، و اشعاری است که گویای اندیشه و افکار دست اندرکاران بنای این مسجد عظیم می باشد ، مثلاً ، کتیبه های دو ضلع شرقی و غربی داخل گنبد مسجد شیخ لطف الله ، شامل اشعاری است به زبان عربی ، مشتمل بر اسامی چهارده معصوم علیهم السلام ، و گوینده این اشعار ، نابغه دوران ، و افتخار عالم تشیع ، و آبروی ایران و اصفهان ، شیخ محمد بن حسین

ص: ۱۹

---

۱- آثار ملی اصفهان ، صفحه ۰۷۰۱

۲- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۰۴۰۲

بن عبد الصّمد عاملی ، معروف به « شیخ بهائی » می باشد (۱)،

و أشعار یاد شده چنین است :

إلهم بِحَقِّ نَبِيِّ الْأَنَامِ

شَفِيعِ الذُّنُوبِ بِيَوْمِ الْقِيَامِ

إلهم ، إلهى بِنَفْسِ الرَّسُولِ (۲)

قَسِيمِ الْجِنَانِ وَزَوْجِ الْبُتُولِ

إلهى بِحَقِّ الزَّكِيِّ الْحَسَنِ

بِحَقِّ الْحُسَيْنِ أَسِيرِ الْمِحْنِ

إلهى ، إلهى بَزَيْنِ الْعِبَادِ

وَ بِالْبَاقِرِ الطُّهْرِ كَرِّ الرَّشَادِ

إلهى وَ بِالصَّادِقِ الْمُقْتَدَى

وَ بِالْكَاطِمِ الْغَيْظِ ، بَحْرِ النَّدَا

إلهى بِحَقِّ الْأَمَامِ الْمُبِينِ

عَلَى الرِّضَا، قَبْلَهُ الطَّالِبِينَ

إلهم ، إلهى بِحَقِّ التَّقَى

إلهى ، إلهى بِجَاهِ التَّقَى

إلهى وَ بِالْعَسْكَرِيِّ الْحَسَنِ

إلهى وَ بِالْقَائِمِ الْمُؤْتَمِنِ

تَلَطَّفْ بِعَفْوِكَ يَا ذَا الْجَلَالِ

على هائمٍ فى مهاوى الضلالِ بهائِيكَ المذنبِ المُستَهامِ

غَرِيقِ بِحَارِ الْخَطَايَا الْعِظَامِ  
وَ أَعْتَقَهُ يَارَبِّ يَوْمِ الْوُرُودِ  
عَلَيْكَ مِنَ النَّارِ دَابَّ الْوُدُودِ  
وَ يَسِّرْ لَهُ أَمْرٍ عَسِيرٍ  
فَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَلِيرٌ

و دنبال اشعار یاد شده ، حدیث لوح فاطمه عَلَیْهَا السَّلَام نوشته شده است ، بدین شکل

عَنْ جَابِرٍ ، قَالَ دَخَلْتُ عَلَى فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ وَ بَيْنَ يَدَيْهَا لَوْحٌ ، فِيهَا أَسْمَاءُ الْأَوْصِيَاءِ مِنْ وُلْدِهَا ، فَعَدَّدْتُ إِثْنَيْ عَشَرَ ، أَحَدَهُمْ الْقَائِمُ ، ثَلَاثَةٌ مِنْهُمْ مُحَمَّدٌ ، وَ أَرْبَعَةٌ مِنْهُمْ عَلِيُّ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ .

ص: ۲۰

---

۱- شیخ بهائی ، أصلاً از جبل عامل ( جنوب لبنان ) می باشد ، ولی درخشیدن و تجلی آثار و برکات علمی و معنوی او ، در ایران و اصفهان بوده ، و افکار بی نظیر و أنفاس قدسی او ، در جهت دادن به شاه عباس کبیر ، و تحقق اقدامات سازنده و مثبت ، برای مکتب مقدس أهل البیت عَلَیْهِمُ السَّلَامُ ، و عمران و آبادی اصفهان ، و تأسیس مراکز بزرگ دینی و علمی ، نقش اساسی داشته است

۲- مراد از نفس رسول الله صلی الله علیه وآله ، وجود مقدس امیر المؤمنین علی عَلَیْهِ السَّلَام می باشد

و در دو کتیبه شمالی و جنوبی داخل مسجد شیخ لطف الله ، این اشعار ثبت

شده است :

إِلَهِي بِحَقِّ الْهَاشِمِيِّ مُحَمَّدٍ

حَبِيبِكَ طه ، شَافِعِ الْعَرَصَاتِ

بِحَقِّ عَلِيٍّ نَفْسِهِ وَ وَصِيِّهِ

أَبِي وَوَلَدِهِ وَالصَّهْرِ ذِي الْحَسْرَاتِ

وَفَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ قَرَّةِ عَيْنِهِ

مُجَسِّمَةِ الْأَخْزَانِ وَالْعَبْرَاتِ

وَمَسْمُومِ أَوْلَادِ الزَّيْنِ، الْحَسَنِ الَّذِي

رَمَى الْكَبَدَ الْحَرِيَّ جَفَاءً قَطَعَاتِ

وَمَقْتُولِ أَوْلَادِ الْبَغَايَا بِكَرْبَلَا

الْحُسَيْنِ شَهِيدِ اللَّهِ فِي الْفَلَوَاتِ

وَ زَيْنِ عِبَادِ اللَّهِ ، ذِي الْحُزْنِ وَ الْبُكَاءِ

عَلِيٍّ أَبِي الْأَوْصَابِ (1) وَ الزَّرْفَرَاتِ

وَبَاقِرِ عِلْمِ الْأَوْلِيَيْنِ مُحَمَّدٍ

شَبِيهِ رَسُولِ اللَّهِ ذِي الدَّرَجَاتِ

وَمَظْهَرِ دِينِ الصِّدْقِ وَالْحَقِّ جَعْفَرٍ

وَمَظْهَرِهِ فِي الْجَهْرِ وَالْخَلَوَاتِ

وَمُوسَى شَهِيدِ الْأَشْقِيَاءِ وَنَجَلِهِ

عَلِيٍّ الرِّضَا الْمَسْمُومِ فِي الْعَبَاتِ

---

١- وصب : بیماری ، لاغری اندام

وَمَعْدِنِ تَقْوَى اللَّهِ الْجَوَادِ وَإِنَّهُ

مُحَمَّدٍ الْمَجْبُورِ (۱) بِالنِّعَمَاتِ

وَ هَادِي الْوَرَى نَجْلِ التَّقَى مَعْدِنِ النُّقَى

عَلَى خَفِيرِ (۲) الْخَلْقِ فِي الْقَفَرَاتِ

وَ بِالْحَسَنِ الْأَصْلِ الْأَصِيلِ بَعَشَكِرِ

أَبِي الْعِزِّ وَالْخَيْرَاتِ وَالْبَرَكَاتِ

بِصَاحِبِ هَذَا الْعَصْرِ أَغْنَى مُحَمَّدٍ

أَيَّ الْخَاتَمِ الثَّانِي لِخَيْرِ وُصَاتِ

أَنْلَنْدَ ، أَنْلَنْدَ بَغِيَّتِي بَوْلَائِيهِمْ

وَصَلِّ عَلَيْهِمْ أَفْضَلَ الصَّلَوَاتِ

وَشَفِّعُهُمْ فِي عِبْدِ عِبْدِ عِبِيدِهِمْ

عُبَيْدِكَ ( لُطْفِ اللَّهِ ) فِي الْعَرَصَاتِ

وَبِالْبَاقِرِ الْبَنَاءِ كَاتِبِ هَذِهِ

الْحُرُوفِ وَقَاهُ الْبَارِي ء (۳) الْعَثَرَاتِ اشعار فوق که از شیخ لطف الله است ، همانند اشعار شیخ بهائی ، توسل و التجائی است خاضعانه ، به ذیل عنایت چهارده معصوم علیهم السَّلام ، و همین روحیه بلند معنوی و استمداد از أَلطاف غیبیه الهیه ، و استعانت از روح مقدس معصومین علیهم السَّلام است ، که مسجد شیخ لطف الله را به شکلی در آورده است که

ص: ۲۲

۱- محبور : خوشحال شده

۲- خفیر : نگهبان ، پناه دهنده

۳- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۴۱۳ - ۴۱۵ در بعضی از کلمات اشعار یاد شده ، جای تأمل وجود دارد ، و نیازمند به تحقیق می باشد

پرفسور پوپ درباره آن می گوید:

توافقی است بین یک دنیا شور و هیجان، و یک سکوت و آرامش باشکوهی که نماینده ذوق سرشار زیبا شناسی بوده، و منبعی جز ایمان مذهبی و الهام آسمانی،

نمی تواند داشته باشد و نیز پرفسور پوپ در اظهار نظر دیگری می نویسد: به سختی می توان آن را (مسجد شیخ لطف الله) محصول دست بشر دانست. و صاحب نظر دیگری می نویسد:

تناسب ساختمان، قدرت فن معماری و قشنگی و متجانس بودن مصالح، شخص را به عظمت خداوندی و نیروی ایمان متوجه ساخته و مات و مبهوت می شود

### وجه نامگذاری مسجد

علت نامگذاری این مسجد باشکوه و عظمت، این است که فقیه و محقق عظیم الشان، شیخ لطف الله میسی عاملی، متوفای ۱۰۳۲ هجری، که چهره ای درخشان در حوزه اصفهان بوده، و از خاندان علمی مهمی در جنوب لبنان (جبل عامل) برخاسته، در این مسجد امامت جماعت مینموده، و در مدرسه عظیم مجاور آن، یعنی مدرسه خواجه ملک، تدریس و زعامت داشته است، و بانی مسجد (شاه عباس کبیر) از ابتداء تأسیس، تصمیم داشته است که آن بزرگمرد، پیشوائی و امامت مسجد را بر عهده داشته باشد.

### ارتباط مسجد شیخ لطف الله و مدرسه خواجه ملک

هم چنانکه در بخش (مدارس علمیه قبل از صفویه «مدرسه خواجه ملک»)

توضیح داده ایم، وسعت و گستردگی صحن مدرسه خواجه ملک، تا آنجا بوده، که به خاطر آن، در هنگامی که مسجد شیخ لطف الله را تأسیس می نمایند، صحنی برایش در نظر نمی گیرند، و صحن مدرسه خواجه ملک را، جانشین صحن جداگانه برای مسجد قرار می دهند، و بدین وسیله، رابطه تنگاتنگی بین مسجد شیخ لطف الله و مدرسه خواجه ملک برقرار بوده، و در جنبه های عبادی و علمی، مکمل یکدیگر بوده اند.

## ۵- مسجد نَبان

نَبان، از محلات بسیار قدیمی اصفهان است، و نام او در کتاب محاسن اصفهان (از مافزوخی اصفهانی، از علماء قرن پنجم هجری) به دفعات ذکر شده است. مسجد این محله، متعلق به دوره های اولیه اسلامی می باشد، و مترجم محاسن اصفهان (حسین بن محمد بن ابی الرضا علوی آوی (۱)) از مسجد و عمارتی توصیف می نماید که یکی از ارکان اصفهان، به نام محمد دیلم دستجردی اصفهانی، در قرن هشتم هجری ساخته، و مترجم کتاب یاد شده، در بنیان گذاری آن ساختمان، حضور داشته است (۲). • مسجد یاد شده، در زمان صفویه، تعمیر اساسی گردیده، و کتیبه ای به قلم محمد رضا امامی اصفهانی، در سال ۱۰۸۰، به صورت کاشی کاری، در آن نصب گردیده است (۳).

ص: ۲۴

---

۱- نام مترجم محاسن اصفهان را در کتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان، و مقدمه طبقات المحدثین یا صبهان، جلد ۱، صفحه ۴۹، به شکل بالا ذکر نموده اند، ولی محقق بزرگوار، آقای سید جلال الدین حسینی طهرانی، در مقدمه محاسن اصفهان، نام مترجم را، محمد بن عبد الرضا حسینی علوی، ذکر نموده است

۲- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صفحه ۶۲۶

۳- آثار ملی اصفهان، صفحه ۷۲۳



این مسجد، مورد توجه مردم با ایمان می باشد، و از نظر معنوی، اعتقادی راسخ نسبت به آن دارند، و حوائج خود را در عریضه ای مینویسند و به نهر آبی که از این مسجد میگذرد، می اندازند، و چنین شهرت دارد که، حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام، در این مسجد نماز گذارده اند (۱) و علامه، ملا محمد تقی مجلسی، شرح تشریف فرمائی آن حضرت را به اصفهان، در شرح فارسی من لا یحضره الفقیه، باب الخمس، صفحه ۴۴، نقل فرموده، و در روضه المتقین نیز، به نحو مختصر بیان نموده، و نماز خواندن امام مجتبی علیه السلام را در این مسجد، ذکر نموده است (۲). منبر مسجد لبنان، معروف به منبر صاحب الزمان (عج) است، و در تاریخ ۱۱۱۴ ساخته شده، و از نفیس ترین منبرهای عهد صفویه به شمار می رود، و در لوحه هائی در دو طرف آن، صلوات بر چهارده معصوم علیهم السلام، کنده شده است (۳).

### فَعَالِیَّتِ عِلْمِیِ دَر مَسْجِدِ لِنْبَانِ

مسجد لبنان، از دیر زمانی محلّ فعّالیّت درسی بوده، و علماء بزرگی همانند: مولی حسین لبنانی گیلانی، متوفای ۱۱۲۹، که فقیهی زاهد و صاحب تألیفات بوده، در این مسجد إمامت و تدریس داشته است (۴)، و هم چنین عدّه ای از خاندان علمی سادات بهشتی، همانند: میرزا محمد صادق بن میر

ص: ۲۵

---

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، و آثار ملی اصفهان

۲- به بخش (فرازهای درخشان از نشانه ها و ریشه های تشیع در اصفهان « ورود امام حسن علیه السلام به اصفهان ») در همین کتاب مراجعه فرمائید

۳- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صفحه ۶۲۷

۴- دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۲۸۸

عبد الباقي بن مير محمد رضا حسيني بهشتي ، متوفای ۱۳۰۸ قمری ، که از علماء زاهد و دارای شخصیت اجتماعی بوده ، در این مسجد مبارک ، ارشاد دینی و تدریس و إمامت داشته اند (۱).

## ۶- مسجد علی

یکی از بناهای تاریخی اصفهان ، که در مجاورت میدان قدیم و بازار بزرگ اصفهان می باشد ، و در جوار صحن و بارگاه إمامزاده هارون ولایت علیه السلام قرار گرفته ، مسجد علی است ، که گاهی با نام مسجد سنجریه نام برده شده است (۲).

مسجد علی ، یکی از بناهای دوره سلجوقی است ، که قبل از عهد صفویه منهدم شده ، و لذا در دوره شاه اسماعیل اول صفوی ، به وسیله میرزا کمال الدین شاه حسین اصفهانی ، که نام او در کتیبه اصلی سردر مسجد آمده ، و از رجال دولت شاه اسماعیل بوده ، تجدید ساختمان شده، و به تزئینات کاشی کاری و مقرنسهای گچی ، آراسته شده است .

معماری مسجد ، و ساختن ایوانهای متعدد اطراف آن ، در مساجد تاریخی اصفهان ، بی نظیر است ، و تزئینات اختصاصی آن ، قطار بندی های گچی جالب و تماشائی است . ایوان جنوبی آن ، از سایر ایوانها بزرگتر و شبستان گنبد دار مسجد ، با تزئینات بسیار جالب گچی ، در ضلع جنوبی این ایوان ، واقع شده است . سردر مسجد ، باشکوه ، و مزین به خطوط بنائی و کاشیکاری معرق ، و مورخ به تاریخ تجدید بنای مسجد ، در سال ۹۲۹ هجری ، و با خط شمس الدین تبریزی است .

ص: ۲۶

---

۱- اظهارات آقای سید مصلح الدین مهدوی ، نویسنده کتب متعدده در تراجم و رجال اصفهان

۲- سفرنامه شاردن ، صفحه ۱۰۸

در وجه تسمیه □مسجد، وجوهی گفته اند، که بعضاً، توجیه کننده این نامگذاری از زمان تأسیس و زمان سلجوقیان است، و بعضاً نشان دهنده این که این نام گذاری، در زمان تجدید بنای مسجد در زمان صفویه، و به احترام نام امیرالمؤمنین علی علیه السلام، انجام شده است (۱).

### مناره مسجد علی

در گوشه شمال غربی مسجد علی، مناره بسیار زیبا و بلندی از دوره سلجوقیان (اواخر قرن پنجم یا اوائل قرن ششم) جلب توجه می کند، که ارتفاع آن در زمان ساختمان، بیش از ارتفاع فعلی بوده، ولی در حال حاضر در حدود (پنجاه و یک و نیم) ۵۱/۵ متر بیشتر ارتفاع ندارد (۲). این مناره، از بالا به پائین، شامل پنج کتیبه است، که بعضی با خط کوفی، با کاشی فیروزه ای، و بعضی دیگر با خط بنائی گچی، و بعضی دیگر با خط بنائی آجری است. محیط قاعده مناره در سطح زمین ۱۶ متر، و محیط مناره، محاذی پشت بام مسجد علی، ۱۵ متر، و محیط نعلبکی مناره، ۸۰/۱۲، و محیط قاعده منارچه ای که بر فراز مناره بنا شده است، ۷/۷۵ متر می باشد، و ارتفاع هرپله نعلبکی مناره، ۳۵ سانتیمتر و ارتفاع هر پله منارچه ۳۰ سانتیمتر، و تعداد پله های مناره، از سطح زمین تا بالای منارچه، ۱۶۴ پله است (۳). در سال ۱۳۴۲ شمسی، تعمیر اساسی در مورد این مناره بلند، انجام گرفته است.

ص: ۲۷

- 
- ۱- به گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صفحه ۳۶۹ و ۳۷۰ (پاورقی) رجوع شود
  - ۲- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صفحه ۱۹۸ و آثار ملی اصفهان، صفحه ۴۳۰
  - ۳- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صفحه ۱۹۹

در مسجد علی، بعضی از علماء خاندان علمی اژه ای، تدریس می نموده اند، که به عنوان نمونه، از فقیه و متکلم متبحر، مرحوم ملا علی اکبر اژه ای، متوفای ۱۲۳۲ قمری (۱)، صاحب کتاب بزرگ و مفصل زبده المعارف و پانزده اثر تألیفی دیگر، می توان نام برد، که در این مسجد تاریخی، علاوه بر امامت جماعت، حوزه درسی داشته، و به تربیت طلاب علوم دینی، می پرداخته است.

### ۷- مسجد حکیم

در محل آثار برجای مانده از مسجد جامع جورجیر (که به وسیله صاحب «اسمعیل بن عبّاد» ساخته شده) (۲) در فاصله سالهای ۱۰۶۷ تا ۱۰۷۳ هجری، به وسیله حکیم محمد داود، طیب شاه عباس دوم، مسجد بسیار شکوهمندی ساخته شده، که یکی از مساجد جامع و بزرگ اصفهان به شمار می رود، و به نام مسجد حکیم، شهرت یافته است.

مسجد حکیم، یکی از بناهای معظم و نفیس دوره صفویه، در اصفهان به شمار می آید، که در برگیرنده آثار بسیار ارزشمند معماری، آجرکاری، کاشی کاری، گچ بری، خطاطی و ... می باشد، و چهار دَر دارد، که یکی از آنها در شمال غربی است و در میان اهالی محل به (دَرِ جوجه) یا (جوجی) معروف است، که تحریف شده کلمه (جورجیر) می باشد، و از نظر تاریخی، ارزش فوق العاده دارد، زیرا آن سردَر، اثر موجود و مهم، از دوره ای است، که

ص: ۲۸

- 
- ۱- رجال اصفهان، صفحه ۵۲، و دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۴۳۹، ولی در کتاب سیری در تخت فولاد، صفحه ۶۴، تاریخ وفات این بزرگمرد، اشتباهاً، ۱۳۳۲، ذکر شده است
  - ۲- قبلاً درباره مسجد جامع جورجیر بحث و بررسی داشته ایم

مسجد حکیم، محلّ تدریس علماء بزرگ و مذاکره علمی و مباحثه طلاب بوده، و از رونق حوزه‌های برخوردار بوده است. در این مسجد، شخصیت‌های بزرگی تدریس نموده اند، همانند: ۱- فقیه و مرجع نامدار حاجی محمد ابراهیم کلباسی (کرباسی) متوفای ۱۲۶۱ قمری، ۲- فرزند بزرگوارشان، فقیه عالی مقام و صاحب تألیفات فراوان، آقا محمد مهدی کلباسی، متوفای ۱۲۷۸ قمری ۳ و ۴- دو فرزند دیگر حاجی کلباسی، مرحوم حاج آقا محمد و آقا شیخ جعفر کلباسی، که از علماء بزرگوار بوده اند. ۵ و ۶- دو فرزند مرحوم آقا محمد مهدی کلباسی، به نام حاج میرزا عبد الجواد کلباسی و حاج میرزا محمود کلباسی، که دارای مقام علمی بوده اند. و همچنین غیر از اینها، از علماء و مدرّسین، در این مسجد دارای حوزه درسی بوده اند، و محفل علمی طلاب حوزه را، گرم نگاه می داشته اند.

مسجد حکیم، دارای حجرات فراوانی می باشد، که مدرسه مسجد حکیم را شکل می بخشد، و در بخش مدرسه مسجد حکیم، مورد بحث قرار داده ایم.

#### ۸- مسجد سید

یکی از بزرگترین و باشکوهترین مساجد شهر تاریخی و مذهبی اصفهان، مسجدی است که به وسیله فقیه و مرجع نامدار شیعه، مرحوم آقا سید محمد باقر شفتی، متوفای ۱۲۶۰ هجری قمری، در محله بید آباد ساخته شده، و هم اکنون یکی از خیابانهای مهم اصفهان، به نام خیابان مسجد سید، از مقابل سردر بزرگ آن، میگذرد. این مسجد، یکی از بزرگترین بناهای قرن سیزدهم، و از

ص: ۲۹

نشانه های بارز طبع و همّت بلند، و قدرت و نفوذ و دقّت و هوشمندی بانی آن میباشد، که یک فقیه و مرجع بزرگ دینی شیعه است، و این بنای با عظمت، بدون امکانات و قدرت و ثروت یک سلطان، یا یک صاحب منصب بزرگ و رسمی ساخته شده، و تنها با نفوذ دینی و اجتماعی یک پیشوای روحانی و معنوی، در عالم بناهای تاریخی و میراثهای فرهنگی، تجلّی یافته است.

صاحب روضات الجنّات، که خود شخصیتی بلند نظر است، درباره این مسجد می نویسد: ... تنها مسجد أعظم او (سید حجّه الإسلام شفتی) که در اصفهان بنیان شده، شاهد علوّ مقام، و دلیل بر رفعت بنیان او است، بلکه مسجد مزبور، آیتی از آیات مُلک، و نشانی از نشانه های سلطنت (معنوی) اوست (۱). و مرحوم تنکابنی در قصص العلماء، درباره این مسجد میگوید:

(مرحوم سید شفتی حجّه الإسلام) در محله بید آباد، مسجدی بنا کرد که گویا در عالم، چنین مسجدی بنا نکرده اند. و مرحوم جابری أنصاری می نویسد: بنای جامع بید آباد، بر علوّ همّتش فریاد میزند، زیرا مساجد بزرگ را شاهان متعدّد ساخته اند، و این مسجد را آن پادشاه علماء، به تنهایی کفالت فرمود (۲).

و آقا محمّد مهدی أرباب، در کتاب محققانه «نصف جهان فی تعریف الإصفهان» صفحه ۶۴، می نویسد: مسجد جامع چهارم، مسجدی است که مرحوم حاجی سید محمّد باقر مجتهد رشتی ...، در محله بیدآباد ساخته است.

صحن وسیع و مهتابی ها و حوض بزرگ در آن ساخته، و گنبدی به قاعده در سمت قبله، و دو طرف آن چهل ستون کرده اند، و دو شبستان مواجه مشرق

ص: ۳۰

---

۱- روضات الجنّات صفحه ۱۲۴

۲- بیان آلمفاخر، جلد ۲، صفحه ۸۵

و مغرب برای آن ساخته ، و بر بالای آنها مهتابی و حجرات برای طلبه علم ، مهیا داشته اند ... ، بالجمله ، مسجد مذکور کمال تعریف را دارد ، و حکایت همت این سید بزرگ را مینماید ، و هیچ دخلی به مسجد حکیم (۱) ندارد، و به درجات ، از آن بهتر و خوش نما تر، و جامعی نیکو است . مسجد سید ، مجموعاً ۸۰۷۵ متر (۸۵ × ۹۵) و به تعبیر دیگر ، هشت جریب و کسری می باشد (۲) .

در طرف جنوب ، گنبد اصلی و ایرانی بزرگ و شبستانهای طرفین قرار گرفته و در طرف مشرق ، شبستانی بزرگ ، و بر روی آن دو مهتابی و حجرات و مِدرَس ( به عنوان مدرسه مسجد سید ) ، و در طرف مغرب ، شبستانی کوچکتر و بر روی آن دو مهتابی و حجرات برای سکونت طلاب ، و در طرف شمال ، یک ایوان بزرگ و دو ایوان کوچک در طرفین ، و نیز بقعه و گنبد مقبره مرحوم سید . قرار گرفته است .

مسجد سید ، با صحنی بزرگ و ترکیب خاص ایوانها و مهتابی ها و حجرات ، و نیز کاشیکاری بسیار زیبا ، از شکوه و جاذبه بسیار زیادی برخوردار است ، و به راستی از مفاخر اصفهان و روحانیت شیعه ، و از میراثهای بزرگ فرهنگی قرن سیزدهم ایران است . این مسجد ، سردری بسیار عالی و رفیع دارد، که در طرف شمال مسجد و روبروی خیابان مسجد سید است ، و سردری مجلل و باشکوه ، در جنوب شرقی مسجد دارد، که به طرف کوچه مشایخ بید آباد ، و جنب حمام دوقلی می باشد ، و دری دیگر در جنوب غربی ، و همچنین دری

ص: ۳۱

---

۱- مسجد حکیم ، سؤمین جامع اصفهان است ، و یکی از مهمترین مساجد تاریخی و بزرگ اصفهان به شمار می رود

۲- تاریخ اصفهان و ری ، صفحه ۲۸۶ ، و بیان آلمفاخر ، جلد ۲ ، صفحه ۸۶

به سوی مقبره سید شفتی ( در طرف شمال مسجد ) باز می شود .

شروع ساختمان مسجد ، در سال ۱۲۴۰ قمری بوده (۱)، و در زمان مرحوم سید شفتی ( مؤسس مسجد ) سالها ، در آن اقامه جماعت و تدریس و سکونت طلاب انجام می گرفته ، ولیکن تزئینات و کاشیکاریهای گسترده و متنوع قسمتهائی از مسجد و مقبره ، پس از وفات مرحوم سید ، و به وسیله ذریه ایشان در طول زمان ، انجام یافته است .

شخصیتهائی ، همانند : فقیه و مرجع بزرگ ، حاج سید اسد الله شفتی بیدآبادی ، متوفای ۱۲۹۰ ( فرزند مرحوم سید شفتی ) و مرحوم حاج سید جعفر شفتی ، متوفای ۱۳۲۰ ، که کوچکترین فرزند مرحوم سید شفتی بوده ، و از علماء متنفذ به شمار می رفته ( و قسمت عمده کاشیکاری مسجد ، به وسیله این بزرگمرد بوده است ) و هم چنین ، مرحوم حاج سید محمد باقر ثانی ، فرزند مرحوم حاج سید اسد الله شفتی بیدآبادی ، و متوفای ۱۳۳۳ قمری ، که از علماء جامع ، و نافذ القول و ادیب بوده ( و به وسیله ایشان ، تعمیرات و تزئیناتی در داخل مسجد و نیز ، نصب ضریح جهت قبر مرحوم سید شفتی ( ره ) و هم چنین نصب ساعتی بسیار جالب و عظیم ، در بالای ایوان بزرگ و جنوبی مسجد انجام گرفته ) تداوم بخش راه مرحوم سید بوده اند .

در قسمتهای گوناگون مسجد ، و در ضمن نوشته های موجود در کاشی کاریهای مسجد و مقبره مرحوم سید ، تاریخهای : ۱۲۵۵ و ۱۲۵۶ و ۱۲۵۹ و ۱۲۷۲ و ۱۲۸۸ و ۱۲۹۷ و ۱۲۹۸ و ۱۲۹۹ و ۱۳۰۸ و ۱۳۰۹ و ۱۳۱۱ و ۱۳۱۸ و ۱۳۲۲ و ۱۳۶۰ و ۱۳۶۸ و ۱۳۷۰ دیده می شود ، که نشان دهنده انجام

ص: ۳۲



کاشی کاری و تزیینات مسجد ، در دوره های مختلف است ، گرچه قسمت عمده کاشی کاریها ، مربوط به دوره مرحوم حاج سید جعفر شفتی (ره) میباشد (۱).

### مسجد و مدرسه سید، مرکز علم و تدریس

این مسجد عظیم ، به ضمیمه مدرس موجود در طرف شرق مسجد ، و حجرات وابسته به آن ، در طرف شرق و غرب مسجد (۲) ، از زمان تأسیس تاکنون ( در بسیاری از دوره ها ) محلّ فعالیت در سی و سکونت طلاب بوده ، و شخصیت‌هایی در آن تدریس نموده اند ، همانند : ۱- مؤسس مسجد و مدرسه ، فقیه و مرجع بزرگ شیعه ، آقا سید محمد باقر شفتی قدس سره ۲- فرزند عالیقدر ایشان ، فقیه و مجتهد زاهد ، مرحوم حاج سید آسد الله بید آبادی قدس سره ، که أعلم اولاد مرحوم سید (ره) بوده است ، ۳- فرزند دیگر مرحوم سید ، مرحوم آقا سید مؤمن شفتی ، که در علم و تقوی مشهور و ملجأ خلق بوده ، و پس از مرحوم حاج سید آسد الله ، أعلم فرزندان مرحوم سید ، بوده است ، ۴- آخوند ملا حسین نائینی ، که از اساتید مرحوم حاج میرزا رضا کلباسی (ره) بوده است ، ۵- مرحوم آقا شیخ عبد الصمد بن حسین محلاتی اصفهانی ، که از شاگردان مرحوم حاج سید آسد الله شفتی بوده است ، ۶- مرحوم شیخ عبدالوهاب زاهدی ، که عالمی فاضل بوده است (۳) ، ۷- مرحوم ملا تقی دهقی ، که از مقدمات تا دوره سطح نیمه استدلالی تدریس می کرده ، و شاگردان خود را وادار به حفظ کردن شرح لمعه می نموده

ص: ۳۳

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۷۶۴ تا ۷۸۸

۲- شمار حجرات مدرسه ، در دار العلم شرق (مخطوط) صفحه ۱۳۳ ، ۲۸ عدد ذکر شده است

۳- کتاب بیان المفاخر ، جلد ۲ صفحه ۹۵ - ۹۷

۸- ملا طاهر شهرکی که عالمی فاضل و مجتهد بوده است (۲) .

در مسجد سید ، مکتبهائی نیز تشکیل میشده ، که زیر نظر معلمهائی با علم و فضیلت و دلسوز اداره می شده ، و نوجوانهای مسلمان ، در آنها ، مراحل مقدماتی تحصیل را می پیموده اند (۳) .

### ۹- مسجد حاج محمد جعفر آباده ای

مسجد بسیار شکوهمند و جالب و مستحکمی است ، واقع در بازارچه حاج محمد جعفر ، در خیابان عبد الرزاق ، که قسمتی از آن ، به وسیله مجتهد و مرجع بزرگ اصفهان ، حاج محمد جعفر آباده ای ، متوفای ۱۲۸۰ قمری ، تأسیس گشته ، و بقیه آن از سابق بوده است (۴) .

این مسجد ، به نوشته تاریخ اصفهان و ری ، قریب سه جریب است و سردر جالب و ایوان شمالی و جنوبی دارد ، و شبستان اصلی و مهم آن ، که به وسیله حاجی آباده تأسیس شده ، در طرف جنوب مسجد می باشد، و در طرف غربی ، شبستانی داشت که در جریان بمبارانهای وحشیانه یعنی های عراقی ، در جنگ عراق و ایران ، در شب پنجشنبه شانزدهم بهمن ۱۳۶۵ شمسی ، به کلی ویران گشت ، و سپس با سبک باستانی ، تجدید بنا گردید .

مسجد حاج محمد جعفر ، و خصوصاً شبستان جنوبی او، از نظر استحکام و زیبایی و کاشیکاریهای متنوع و جالب ، جزء مساجد مهم به شمار می رود ،

ص: ۳۴

۱- اظهارات آقای سید مصلح الدین مهدوی

۲- اظهارات آقای سید مصلح الدین مهدوی

۳- بیان المفاخر ، جلد ۲ ، صفحه ۹۷ - ۹۹

۴- آثار ملی اصفهان ، صفحه ۵۹۶

و به ثبت تاریخی رسیده است. تاریخهائی که در جاهای مختلف مسجد دیده می شود، ( ۱۲۸۰ - ۱۲۹۶ - ۱۳۶۷ - ۱۳۷۰ ) نشانه مراحل گوناگون ساختمان مسجد و تزیینات و کاشیکاری آن، می باشد.

در این مسجد، عده ای از علماء بزرگوار تدریس فرموده اند، همانند:

۱- مؤسس مسجد، فقیه و مرجع صاحب تألیف و محقق، حاج محمد جعفرآبادیه ای قدس سره، ۲ و ۳- دو عالم بزرگوار، فرزندان مرحوم آبادیه ای، به نامهای آقا عبد الجواد ( که پس از پدر، امام جماعت مسجد حاج محمد جعفر بوده ) و آقا عطاء الله ( که فردی وارسته و زاهد بوده، و پس از مدتی، به نجف اشرف مهاجرت نموده، و مجاورت اختیار مینماید )، ۴- مجتهد محقق و بزرگوار، حاج میرزا عبد الغفار تویسرکانی قدس سره، متوفای ۱۳۱۹ قمری (۱)، ۵- و اخیراً در دوره معاصر، یکی از علماء بزرگوار یعنی: مرحوم آیه الله، حاج سید احمد فقیه امامی قدس سره، چندین سال، علاوه بر امامت جماعت، و هدایت و ارشاد دینی، برای طلاب حوزه علمیه، در این مسجد، تدریس می فرمودند.

#### ۱۰- مسجد خباطها

مسجدی است در بازار بزرگ، که با نامهای: پادریخت سوخته، پادریخت، پادریخت سوخته زنجانی، نیز نامیده می شود. کتیبه سردر آن، به نام ابو الفتح، سلطان احمد میرزا، پسر شاه طهماسب اول، و در قدیمی آن، مورخ به سال ۹۷۵ هجری می باشد (۲). در این مسجد، حوزه های درسی مهمی تشکیل می شده، و بزرگانی از مفاخر حوزه علمیه اصفهان، در آن تدریس می نموده اند

ص: ۳۵

۱- اظهارات آقای سید مصلح الدین مهدوی

۲- آثار ملی اصفهان، صفحه ۷۳۴

که به عنوان نمونه ، مواردی را ذکر مینمائیم :

۱- فقیه و مجتهد اصولی ، حاج میرزا علی نقی موسوی زنجانی ، متوفای ۱۲۵۸ قمری (که سر سلسلهٔ خاندان علمی موسوی زنجانی و صاحب تألیفات بوده ) و در این مسجد إمامت جماعت و تدریس داشته است .

۲- فقیه اصولی و محقق ، آقا میرزا محمد باقر زنجانی ، متوفای ۱۳۰۳ ، که از شاگردان حوزهٔ علمیّهٔ اصفهان و نجف اشرف ، و فرزند حاج میرزا علی نقی فوق الذکر بوده، و پس از پدر ، در این مسجد تدریس می نموده است .

۳- فرزند آقا میرزا محمد باقر ، به نام حاج میرزا أبو القاسم زنجانی ، متوفای ۱۳۳۶ قمری ، که از علماء پرجوش و فعّال و دارای مرتبهٔ اجتهاد بوده ، و در حوزهٔ علمیّهٔ اصفهان و نجف اشرف ، تحصیل علم نموده ، و از شاگردان آقامیرزا محمد هاشم چهارسوقی و حاج میرزا حبیب الله رشتی بوده، و در این مسجد تدریس می نموده است .

۴- آقامیرزا محمد علی زنجانی ، برادر آقا میرزا أبو القاسم ، و متوفای ۱۳۴۷ قمری ، که عالمی فاضل بوده ، و در این مسجد تدریس می نموده است (۱).

۵- فقیه جامع و عالیقدر ، حاج میرزا رضا کلباسی ، متوفای ۱۳۸۳ قمری ، که از أحفاد حاجی کلباسی می باشد ، و خود ، از علماء صاحب تألیف و پر تلاش و خدمتگذار بوده، و در این مسجد، خارج فقه تدریس می نموده است (۲).

## ۱۱- مسجد ایلچی

مسجدی است در محله و خیابان أحمد آباد ، که در دورهٔ سلطنت شاه

ص: ۳۶

---

۱- اظهارات آقای سید مصلح الدین مهدوی

۲- اظهارات آقای سید مصلح الدین مهدوی

سلیمان صفوی، به وسیله صاحب سلطان بیگم، دختر حکیم نظام الدین محمد، ملقب به حکیم الملک ایلچی، تأسیس شده است.

در کتیبه سردر مسجد، که به خط محسن امامی، و مورخ به سال ۱۰۹۷ هجری می باشد، نام بانی و دوره تأسیس ملاحظه می گردد، و در ایوان بزرگ جنوبی مسجد، تاریخ ۱۰۹۳ در دنباله نوشته سوره اِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحِ، دیده میشود. این مسجد، گرچه از نظر مساحت، جزء مساجد معمولی اصفهان است، ولی از نظر استحکام و کاشی کاریهای زیبا و هنرهای معماری، به خصوص در قسمت ایوان و سردر، جلب توجه می نماید، و در طول زمان، محل عبادت و تبلیغ دینی بوده، و کتابخانه داشته است.

عده ای از علماء بزرگ، در این مسجد تاریخی تدریس می نموده اند، همانند: ۱- فقیه و اصولی و مرجع عالیقدر، مرحوم حاج شیخ محمد تقی رازی، متوفای ۱۲۴۸ (سر سلسله خاندان مسجد شاهی) که از چهره های میزز علمی و تحقیقی و حوزه ای بوده اند. این بزرگمرد، قبل از آنکه در مسجد جامع عباسی (مسجد شاه) حوزه درسی تشکیل دهند، در مسجد ایلچی، تدریس مینموده اند، ۲- فقیه اصولی و مجتهد و مرجع عالیقدر، و صاحب تألیفات، حاج ملا حسینعلی تویسرکانی، متوفای حدود ۱۲۸۶ (۱)، که در مسجد ایلچی امامت و تدریس داشته اند، ۳- فقیه محقق و رجالی مدقق، حاج آقا منیر الدین بروجردی، متوفای ۱۳۴۲ قمری، که از علماء میزز و صاحب تألیفات بوده، و در این مسجد امامت و تدریس داشته اند. و همچنین، برخی دیگر از علماء،

ص: ۳۷

---

۱- در منابع مختلف همانند اعیان الشیعه و رجال اصفهان و سیری در تخت فولاد، سال وفات مرحوم تویسرکانی با مقداری تفاوت نقل شده است

در این پایگاه علم و دین، تدریس می نموده، و طلاب علوم حوزه ای نیز، به درس و بحث و مذاکره علمی در آن اشتغال داشته اند.

## ۱۲- مسجد نوبازار

مسجد بزرگی است در زمینی به مساحت تقریبی هفت جریب، در بازار بزرگ اصفهان، نزدیک مسجد و مدرسه ذوالفقار، که در سال ۱۲۹۹ قمری، قسمت عمده آن ساخته شده، و در سال ۱۳۰۵ قمری، تمام جهات و تزئینات آن کامل شده است. تأسیس مسجد، زیر نظر مجتهد و مرجع بزرگ، مرحوم حاج شیخ محمد باقر نجفی مسجد شاهی، متوفای ۱۳۰۱ قمری، انجام گرفته، و جشن افتتاح آن در سال ۱۲۹۹ با حضور مؤسس عظیم الشان آن، برگزار گردیده است (۱). در طرف جنوب مسجد، ایوانی بزرگ و بلند، و گنبدی جالب، و شبستانی وسیع ساخته شده، و در طرف غرب مسجد، شبستانی بسیار بزرگ، پایین تر از سطح صحن مسجد، مناسب برای فصل زمستان، ایجاد شده، و در طرف شمال، ایوانی بزرگ و جالب ساخته شده، و در طرف شرق مسجد، ایوانچه های متعددی بنا شده است. مسجد نو، در مجموع، مسجدی بزرگ، همراه با تزئینات و کاشی کاری می باشد. در این مسجد، از زمان تأسیس تا کنون، حوزه های درسی مهمی تشکیل می شده، و علماء و مدرسین زیادی در آن تدریس می نموده اند، و هم اکنون، جلسات درسی متعدد و مذاکره و مباحثه علمی، در سطحی گسترده در آن انجام می شود،

ص: ۳۸

---

۱- تاریخ اصفهان و ری، صفحه ۲۹۷ و ۲۹۸ و آثار ملی اصفهان، صفحه ۷۴۱ و تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، صفحه

و ذیلاً به عنوان نمونه، شخصیت‌هایی از مدرّسین در این مسجد را نام می‌بریم (۱).

- ۱- فقیه و مجتهد اصولی، حاج شیخ محمد علی (ثقه الإسلام) متوفای ۱۳۱۸ قمری، مؤسس مدرسه آقا شیخ محمد علی.
  - ۲- فقیه و حکیم زاهد و صاحب تألیف، ملا حسن درّی، متوفای ۱۳۳۶ قمری،
  - ۳- فقیه و محقق نامدار، و مدرّس و مرجع عالی مقام، آخوند ملا عبدالکریم گزی، متوفای ۱۳۳۹ قمری،
  - ۴- فقیه و پیشوای مبرز و فعال، حاج شیخ مهدی نجفی مسجد شاهی، معروف به حاج آقا نورالله، متوفای ۱۳۴۶ قمری،
  - ۵- فقیه و مجتهد زاهد، حاج سید مرتضی خراسانی، متوفای ۱۳۵۷ قمری
  - ۶- فقیه و فیلسوف و ریاضی و متکلم و استاد جامع، آقا شیخ محمد رضا نجفی مسجد شاهی، متوفای ۱۳۶۲ قمری، که حوزه درسی با اهمیتی داشته است.
  - ۷- فقیه و مجتهد اصولی، آقا سید مهدی درچه ای، متوفای ۱۳۶۴ قمری، که حوزه درسی پر رونقی داشته است،
  - ۸- فقه و اصولی زاهد، آقا سید عبدالله ثقه الإسلام، متوفای ۱۳۸۲ قمری،
  - ۹- فقیه و مدرّس جامع، آقا شیخ مجد الدین نجفی، متوفای ۱۴۰۳ قمری.
- در دوره اخیر، عده ای از مدرّسین عالیقدر، در مسجد نو تدریس مینمایند، و به خصوص جلسات درسهای عقائد و اخلاق، با شکوه هرچه تمامتر، تشکیل می‌شود، و در هر جلسه، از پانصد تا هزار نفر طلبه و مدرّس، در جلسات درسی یاد شده شرکت می‌جویند، و از همه رتبه‌های درسی، و از همه

ص: ۳۹

- 
- ۱- در این قسمت، علاوه بر کتابهای دانشمندان و بزرگان اصفهان، و تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، و اطلاعات شخصی، از اظهارات نویسنده منتجع، آقای سید مصلح الدین مهدوی، بهره‌جسته‌ایم

مدارس علمیّه، در جلسات درس اخلاق و عقائد یاد شده، حاضر می شوند، و به نوبت، استاد عالیقدر، حضرت آیه الله، آقای حاج سید احمد فقیه امامی (۱) و استاد بزرگوار، آیه الله، آقای حاج سید حسن فقیه امامی و نیز، نویسنده این سطور (حاج سید حجه موحد ابطحی)، عهده دار تدریس این درسها، می باشیم علاوه بر اینها، جلسات درسی فقه و اصول و رجال و درآیه و منطق و ادبیات، در سطوح مختلف، در این مسجد برگزار می شود، و مدرّسین عالیقدر، همانند: آیه الله، حاج سید حسن فقیه امامی و حجه الاسلام و المسلمین، آقای حاج شیخ علی اکبر فقیه، و هم چنین نویسنده کمترین، (حاج سید حجه موحد ابطحی) و عده ای از مدرّسین عالیقدر مدرسه ذوالفقار عهده دار تدریس هستند.

و از نکات جالب توجه این است که، رونق در سی مسجد نو در دوره اخیر، مرهون برنامه گسترده مدرسه ذوالفقار و مدارس وابسته میباشد، که با زیر پوشش داشتن اکثر طلاب جوان و فعال و درس خوان حوزه علمیّه اصفهان، تشکیل جلسات درسی و مباحثه طلاب در مسجد نو (که نزدیک مدرسه ذوالفقار میباشد) از وسعت زیادی برخوردار گردیده است.

### ۱۳- مسجد جارچی

مسجدی است در بازار بزرگ اصفهان، نزدیک مدرسه صدر بازار، که در سال ۱۰۱۹ هجری، به وسیله ملک سلطان، جارچی باشی شاه عباس کبیر، بنا

ص: ۴۰

---

۱- هم اکنون که مراحل چاپ کتاب (در سال ۱۴۱۷ قمری) در حال انجام است، سه سال از ارتحال این بزرگمرد میگذرد، و حوزه علمیّه و جامعه با ایمان اصفهان، در غم فقدان این عالم بزرگ دینی، گرفتار می باشند



شده است (۱). این مسجد صحن ندارد، و به صورت شبستانی است و اطراف آن، با کاشیکاری معرّق، تزیین شده است.

در این مسجد، عدّه ای از علماء، تدریس نموده، و حوزه درسی تشکیل میداده اند، که به عنوان نمونه، از موارد زیر می توان یاد نمود:

۱- حکیم نامدار و محقق، جهانگیرخان قشقائی، متوفای ۱۳۲۸ قمری،

۲ آقا سید محمد جواد خراسانی، مشهور به جارچی، متوفای ۱۳۵۲ قمری، که از علماء بزرگوار و زاهد و صاحب تألیف بوده است،

۳- فقیه و مجتهد زاهد، مرحوم حاج سید مرتضی خراسانی، متوفای ۱۳۵۷ قمری، که از علماء و مدرّسین مورد توجه بوده است،

۴- فقیه و مجتهد زاهد و صاحب تألیفات، مرحوم آقا سید عبد الله ثقه الاسلام

میر محمد صادقی، متوفای ۱۳۸۲ قمری که در این مسجد تدریس فقه و اصول مینموده اند،

۵- مرحوم آیه الله، آقا سید محمد رضا خراسانی، متوفای ۱۳۹۷ قمری، که از زعمای بزرگ حوزه علمیه اصفهان بودند، و در بعضی از مواقع، در این مسجد تدریس می نمودند. بنابر اظهارات نویسنده متتبع، آقای سید مصلح الدین مهدوی، علاوه بر یاد شدگان، عدّه دیگری از علماء نیز، در این مسجد حوزه درسی داشته اند.

#### ۱۴- مسجد بابا محمد علی سقا (مسجد امامی)

مسجدی است قدیمی، در خیابان عبدالرزاق، و در مجاورت بازار بزرگ، که از زمان مرحوم آقا سید محمد امامی (که از علماء زاهد و مدرّس مدرسه نیم آور بوده) و فرزند ایشان، مرحوم آیه الله، حاج آقا عطاء الله فقیه امامی قدس سره، (که این بزرگمرد نیز، از علماء مشهور به تقوی و اخلاق، و مدرّس مدرسخ

ص: ۴۱

نیم آور بوده اند) تا کنون، به إمامت علماء خاندان علمی إمامی بوده است، و به همین جهت نام قبلی آن، (بابا محمّد علی سقا) متروک شده، و به نام «مسجد حاج آقا عطاء» و «مسجد امامی»، شهرت یافته است.

در اواخر عمر مرحوم آیه الله، حاج آقا عطاء الله، امام می قُدس سره، و اوائل دوره إمامت جماعت دو فرزند گرانقدر ایشان، حضرت آیه الله، آقای، حاج سید أحمد فقیه إمامی و، حضرت آیه الله، آقای حاج سید حسن فقیه إمامی، که از چهره های مبرز حوزه علمیه، و از شخصیت های برجسته جامعه با ایمان اصفهان می باشند، در سال ۱۳۸۷ قمری (طبق کاشی سردر مسجد) توسعه یافته، و به شکل جدید و باشکوه، تجدید بناء گردیده است.

در سال ۱۳۹۷ قمری، زیر نظر حضرت آیه الله، آقای حاج سید أحمد فقیه إمامی، قطعه زمینی نسبتاً بزرگ در مجاورت مسجد فوق، خریداری گردید، و در آن ساختمان بسیار شکوهمندی ساخته شد، که در طبقه زیرزمین آن، کتابخانه عظیم الزّهراء علیه السلام، تأسیس یافته (۱)، و در طبقه همکف، شبستانی مجلل با صحنی زیبا و سردری جالب توجه، ساخته شده است.

برای تزئین محراب و داخل شبستان و صحن و سردر مسجد جدید، از کاشیهای معرق و معقلی، و ترکیب آجر و کاشی، با خط بنائی استفاده شده، و در سال ۱۴۰۳ قمری (طبق کتیبه داخل شبستان) پایان یافته است، و در مجموع، یکی از آثار معماری و هنری دوره معاصر می باشد.

در این مسجد، استاد عالیقدر و مؤسس مسجد و کتابخانه الزّهراء علیه السلام، حضرت آیه الله، آقای حاج سید أحمد فقیه إمامی، تدریس فقه و اصول و درایه،

ص: ۴۲

---

۱- درباره کتابخانه الزّهراء علیه السلام، در بخش (کتابخانه های اصفهان)، بررسی و توضیح داریم

مینمایند (۱) و به دنبال آن ، بحث و مذاکره درسی بین طلاب انجام میشود ، و با توجه به این که کتابخانه الزهراء علیه السلام در این مسجد ، دربرگیرنده دهها هزار کتاب از بهترین منابع تحقیق می باشد، این مسجد پایگاهی مهم برای درس و بحث و تحقیق به حساب می آید ، و برای اساتید و طلاب حوزه علمیه ، جاذبه تحقیقی و علمی دارد.

### اشاره ای قابل توجه

همچنان که در اول بحث اشاره نمودیم ، همه مساجدی را که محل بحث و فعالیت تدریسی است، مورد معرفی قرار نمی دهیم ، و آنچه ذکر شد نمونه ای است از موارد فراوان ، و گرنه ، مسجدهائی ، همانند : مسجد ذکر الله ، مسجد درب کوشک ، مسجد آقا میرزا احمد شهیدی ، مسجد سه راه نیم آور ، مسجد رحیم خان ، مسجد امامزاده اسماعیل ، مسجد شیره پزها ، و ... ، در برخی از دوره ها ، محل درس مجتهدی بزرگ و مدرسی عالیقدر بوده است .

سوی گنبد شیخ افکن نظر

زفیروزه بین گنبدی جلوه گر

نه تنها تاج اصفهان را به سر

که تاجی است شایان به فرق ، مهز

چه تاجی که چون زد به سر اصفهان

از این تاج شد تاج فرق جهان

ص: ۴۳

---

۱- هم اکنون که مراحل چاپ کتاب در حال انجام است ( ۱۴۱۷ قمری ) سه سال از ارتحال آن بزرگمرد می گذرد، و حوزه درسی ایشان ، تعطیل گردیده است

هُوَ سَيِّدُ الْعَالَمِينَ

ستایشت کنم ای اصفهان که زیبایی

به حسن و جلوه چو خورشید عالم آرایی

از آن بشر هنر شهره جهانی تو

که قبله گاه ، مهز پروران دنیائی

( آیت دشتچی اصفهانی ) ( آیت معاصر

ص: ۴۴





شهر تاریخی اصفهان، از دیر زمانی محلّ فعالیت علمی و پرورش علماء و محققین، و جایگاه تحصیل علم و تحقیق و تدریس، و نشر آندیشه های علمی و دینی بوده است، و علاوه بر مساجد بزرگ و خانه های علماء، مدرسه هائی وجود داشته، که مرکز رسمی فعالیت های درسی و علمی بوده است.

در این بخش، به اندازه ای که تحقیق و بررسی های مایاری کرده، به شماری از مدارس اصفهان که از قرن پنجم تا دوره حکومت صفویه، محلّ فعالیت علمی بوده، و به آنها دست یافته ایم، توجه نموده، و مورد بررسی قرار میدهیم.

البته باید توجه داشت که برخی از آنها، تاکنون باقی می باشد، و اکثر آنها از بین رفته، و فقط نام و نشانی از آنها یافته ایم و از این مجموعه، تعداد قابل توجهی، متعلّق به شیعه، و برخی از آنها مربوط به اهل سنت بوده، و برخی نیز، وضعیت نامعلومی دارد.

و اینک به ترتیب حروف الفباء، از این مدارس یاد می نمائیم

### ۱- مدرّس ابن سینا

شیخ الرئیس ابوعلی سینا، فیلسوف و طبیب بزرگ ایران، مدّتی وزارت علاء الدّوله کاکویه را داشته، و در آن زمان، در مدرسه بزرگی در محله دردمشت، تدریس می نموده است، که از آن مدرسه، فقط گنبدی آجری باقی مانده، که گنبد مدرّس ابن سینا خوانده می شود (۱).

برخی از مطلعین، اظهار نظر می کنند که، مدرّس ابن سینا محوطه بزرگی بوده

ص: ۴۷

---

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صفحه ۴۷، آثار ملی اصفهان، صفحه ۴۳۱، تاریخ مدارس ایران، صفحه ۹۹

که تا پشت مدرسه شفیعیه دردشت امتداد داشته است (۱).

با توجه به تشیع علاء الدوله کاکویه ( که از خاندان آل بویه شیعی می باشد ) انتساب مدرسه یاد شده به شیعه ، کاملاً روشن می باشد .

## ۲ - مدرسه امامیه

مدرسه بسیار جالبی است ، که در خیابان هاتف و در کنار بقعه باباقاسم قرار گرفته است ، و با توجه به استحکام و نوع کاشی کاری و تزئینات آن ، که از آثار تاریخی ارزشمند اصفهان به شمار می رود ، از مدارس قابل توجه محسوب می گردد . این مدرسه در سال ۷۲۵ هجری ، برای تدریس باباقاسم ، که از عرفای مشهور قرن هشتم به شمار می رود ، ساخته شده ، و تاکنون باقی مانده است ، و تنها مدرسه ای است در اصفهان که توانسته است موجودیت خود را در طول زمان ( از قرن هشتم تاکنون ) با حوادث گوناگون آن ، حفظ نماید .

اصل ساختمان ، متعلق به زمان تأسیس مدرسه است ، ولی کاشی کاری ها و نوشته های موجود در جاهای مختلف آن ، بعضاً متعلق به زمان تأسیس ( که تسنن بر اصفهان حاکم بوده ) ، (۲) و بعضی دیگر ، در ضمن تعمیراتی در دوره های بعد ، ( که تشیع حاکم گردیده و به وجود آمده است .

این مدرسه قبلاً به ملاحظه نام مُدرّس آن ، ( مدرسه با با قاسم ) نامیده می شده

ص: ۴۸

۱- دارالعلم شرق ( مخطوط ) ، صفحه ۲۳

۲- به نظر نویسنده معاصر آقای سید مصلح الدین مهدوی ، نوشته هائی که نشانه تسنن است، متعلق به دوره حاکمیت افغانهای مهاجم و سنی مذهب در اصفهان است ، و گرنه در دوران حکومت صفویّه ، تمامی آثار و علائم تسنن از شهر و ساختمانهای آن از بین رفته ، آن هم در مدرسه ای که محلّ نشر و ترویج مکتب تشیع و تعلیم معارف اهل البیت علیهم السّلام بوده است دارالعلم شرق « مخطوط » ، صفحه ۳۶



ولی در زمان حاکمیت مکتب امامت و ولایت بر شهر اصفهان، به نام (مدرسه امامیه) شهرت یافته است.

مدرسه امامیه چهار ایوان در چهار طرف، و ۳۲ حجره دارد، که در ضمن دو طبقه، تأسیس یافته است، و نمای صحن با ایوانهای بزرگ و کوچک و کاشی کاری ها و مُقرنسه‌های زیبا، جاذبه خاصی دارد، و کاشیها و رنگ و لعاب آنها، مخصوص است، و مشابه آن تنها در صفة عمر، در مسجد جامع دیده می شود (۱). خطوط بنائی و کوفی و ثلث، که در تزئینات مدرسه به کار رفته، متنوع و جالب و همراه با کاشی کاری ها، نشانه ای از معماری و هنر قرن هشتم، در ایران و اصفهان می باشد.

مساحت مدرسه، سه هزار متر (۶۰×۵۰) می باشد (۲).

با گذشت زمان، ویرانی زیادی بر حجرات و سردر مدرسه وارد شده بود، و بخصوص در دوران حکومت پهلوی، با متروکه گردیدن مدرسه، خرابی بسیاری بر حجرات طبقه دوم وارد گردیده بود، که با همت یکی از علماء و مدرسین حوزه علمیه اصفهان، آیه الله، آقای حاج سید حسن فقیه امامی دامت برکاته در حدود سال ۱۴۰۰ قمری تعمیرات اساسی مفصلی در این مدرسه انجام گرفت و طلاب حوزه علمیه، در آن اسکان یافتند (۳).

در طول زمان، علماء بزرگواری در این مدرسه تدریس نموده اند که فقیه

ص: ۴۹

---

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صفحه ۳۰۳ و آثار ملی اصفهان، صفحه ۴۳۵

۲- تاریخ فرهنگ اصفهان، صفحه ۷۲

۳- هم اکنون که مراحل چاپ کتاب انجام میگیرد (در سال ۱۴۱۷ قمری) برای بار دوم نیز، آیه الله امامی، تعمیرات مفصل دیگری را در مدرسه امامیه انجام داده اند، جزاء الله عن الإسلام خیر الجزاء

و محدث بزرگ شیعه ، ملا محمد تقی مجلسی متوفای ۱۰۷۰، در میان آنها از اهمیت ویژه ای برخوردار است (۱). و بعضی احتمال داده اند که ، نابغه بزرگ اسلام و ایران ، شیخ بهائی متوفای ۱۰۳۰ قمری ، در این مدرسه تاریخی تدریس نموده اند . یکی از علماء ، به نام شیخ محمد ابراهیم بن محمد علی بن محمد بن مقصود علی طبسی خراسانی ، ( که دانشمندی صاحب تألیف بوده ، و آثاری همانند : « تعلیقات بر مشاعر ملاصدرا » و « مرآت آگاهی » و « میزان السداد » و « قسطاس الغنی و الزّشاد » و « سماء الهدایه » و « مظاهر الأنوار » و « منتخب وافی » داشته است ) ، کتابی به نام « تذکره المحدثین » ( که مختصر کتاب « منیه المرئاد » است ) ، در مدرسه باباقاسم تألیف نموده ، و آن را در سال ۱۲۳۵ به پایان رسانیده است (۲).

برای آشنائی بیشتر با وضعیت معماری و تزئینات و خصوصیات مدرسه امامیه ، به گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحات ۳۰۲ تا ۳۱۰، و آثار ملی اصفهان ، صفحات ۴۳۳ تا ۴۴۰، و فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ، صفحه ۳۸ و تاریخ فرهنگ اصفهان ، صفحه ۷۱ - ۷۲ مراجعه شود .

### ۳- مدرسه اوزون حسن

اوزون حسن ، که از مشهورترین سلاطین « آق قویونلو » بوده، و از سال ۸۵۸ تا ۸۸۲ سلطنت کرده ، مجموعه ای معماری به او منسوب است ، که در ضمن آن، مدرسه ای بوده در محله خواجه ، و قبر شاه حسن هم در آنجا بوده است (۳).

ص: ۵۰

---

۱- اظهارات آقای سید مصلح الدین مهدوی

۲- نابعه فقه و حدیث ، صفحه ۳۰۹.

۳- تاریخ مدارس ایران ، صفحه ۲۲۱، و تاریخچه محله خواجه ، صفحه ۱۳

محلّ این مدرسه ، حدود دبیرستان صارمیّه فعلی ( بین چهارراه نقّاشی و مکینه خواجه ) ، در باغ نو بوده است (۱).

با توجه به این که اوزون حسن ، گرایش به سوی تشیع داشته ، و در ترویج آن کوشیده ، و دختر خود را به عقد ازدواج شیخ حیدر صفوی در آورده ، که محصول آن ، تولد شاه اسماعیل اول صفوی ( پایه گذار حکومت رسمی شیعی در ایران ) می باشد (۲) . به خوبی ، انتساب این مدرسه را به تشیع ، می توان دریافت .

### مدرسه باباقاسم

مقصود ، مدرسه امامیه می باشد ، به عنوان یاد شده ، مراجعه شود .

### ۴- مدرسه باب القصر

در میان نسخه های خطی مدرسه فیضیه قم، مجموعه ای است به شماره ۱۱۵۷ ، به خط نستعلیق ، از عماد بن میر حیدر حسینی که در مدرسه باب القصر اصفهان ، در تاریخ شوال ۱۱۱۱ هجری نوشته شده است (۳) .

و نیز یکی از علماء بافضیلت ، به نام شیخ محمد حسین بسطامی ، در زمانی که در اصفهان اشتغال به تحصیل داشته ، کتاب « مبداء و معاد » ملا صدرا شیرازی را ، در مدرسه باب القصر ، در سال ۱۲۱۷ استنساخ نموده ، و حاشیه هائی بر مطالب کتاب نوشته ، و در آخر آن ، مقاله ای بلیغ و مبسوط ، در زمینه تاریخ فراغت از استنساخ کتاب نوشته ، که نشانه فضل و تبخر او در علوم ادبی می باشد نسخه یاد شده در کتابخانه حسینیّه شوشتریها ، در نجف اشرف موجود

ص: ۵۱

---

۱- آثار ملی اصفهان ، صفحه ۲۲۱ .

۲- دائرة المعارف تشیع ، جلد ۱ ، صفحه ۱۳۲ - ۱۳۳

۳- فهرست نسخه های خطی کتابخانه مدرسه فیضیه قم، از رضا استادی ، جلد ۲ ص ۶۱

است (۱). به نظر نویسندگان دارالعلم شرق، ظاهر این است که مراد از مدرسه باب القصر، همان مدرسه درب کوشک می باشد، که در مجاورت باب القصر قرار داشته، و به همین مناسبت، به نام مدرسه باب القصر نامیده شده است (۲).

#### ۵- مدرسه باقریه دربکوشک

آقای دکتر لطف الله هنرفر، در گنجینه آثار تاریخی اصفهان، می نویسد: سردر زاویه درب کوشک، که مورخ به سال ۹۰۲ هجری، از دوران حکمرانی ابوالمظفر، رستم بهادرخان آق قویونلو است، تا سنوات اخیر در جای اصلی خود (محلّه در بکوشک) قرار داشته است، و چون نزدیک به انهدام و ویرانی بوده، در باغ چهلستون سردری بنا شده، و کاشی های نفیس آن را به سردر جدید انتقال داده، و نصب نموده اند. در مجاورت این سردر، مقبره ای بوده، که بسیاری از معاریف قرن نهم و دهم، در آن مدفون بوده اند، و اکنون جزء خانه ها شده است، و یک شیر سنگی هم در آن محل بوده، که شهرت محلی دارد یک مدرسه قدیمی که سابقاً تزئیناتی از نوع کاشی های معرق داشته است، به نام مدرسه درب کوشک یا (باقریه) در مجاورت سردر مزبور و قبرستان سابق در بکوشک واقع شده، که طلبه نشین است، و فعلاً هیچ گونه تزئیناتی ندارد. کتیبه سردر این زاویه، به خط ثلث سفید معرق بر زمینه کاشی لاجوردی، حاکی از آن است که زاویه درب کوشک و مقبره مجاور آن، که از قرار معلوم، گنبدی هم داشته، در دوره حکمرانی رستم بهادر خان آق قویونلو بنا شده، کتیبه سردر که به

ص: ۵۲

---

۱- الکرام البرره، جلد ۱، صفحه ۳۷۹

۲- دارالعلم شرق (مخطوط)، صفحه ۴۶

خط معین منشی و مورخ به سال ۹۰۲ هجری می باشد، به شرح زیر است... (۱)

مدرسه باقریه درب کوشک، به نام (مدرسه باقریه) یا (مدرسه درب کوشک) یا (مدرسه پاشیر) یا (مدرسه باب القصر) نیز، نامیده می شود. برخی را اعتقاد بر این است که مدرسه درب کوشک، غیر از باقریه در بکوشک می باشد (۲).

جابری أنصاری می نویسد: مدرسه درب کوشک، کاشی کاری ممتازی داشته، و اشعاری در عهد صفویه بر کاشی های آنتیک (قیمتی و عتیقه) آن منقور شده، که معلوم نگردید، چگونه کاشی های سردر، یک مرتبه از میان رفت (۳).

مرحوم حاج سید اسد الله شفتی مجتهد بزرگوار، فرزند مرحوم سید شفتی، این مدرسه را تعمیر نموده (۴)، چنانچه سرپرست فعلی مدرسه، حجه الاسلام و المسلمین، آقای حاج شیخ محمد حسین رشتی (که از احفاد دختری مرحوم سید شفتی می باشند و در سالهای ۱۳۹۲ - ۱۳۹۳ قمری، تعمیراتی اساسی انجام داده اند (۵).

مدرسه درب کوشک، در حال حاضر ۱۶ حجره دارد، و یک طبقه است و تزئینات آن از کاشی و آجر می باشد، و کتیبه سردر مدرسه از بین رفته، و کاشی های نفیس مدرسه، به خارج ایران برده شده است (۶).

ص: ۵۳

۱- گنجین آثار تاریخی اصفهان، صفحه ۳۵۸ - ۳۵۹

۲- تاریخ فرهنگ اصفهان، صفحه ۷۸

۳- تاریخ اصفهان و ری، صفحه ۲۳۸

۴- تاریخ اصفهان و ری، صفحه ۲۳۸

۵- متأسفانه در حال انجام مراحل چاپ کتاب، مرحوم آقای رشتی دار دنیا را وداع گفته اند، رحمه الله علیه، و حشره مع

أولیائه الطاهرین

۶- اظهارات آقای رشتی، سرپرست مدرسه

در طرف غربی مدرسه ، در پشت ساختمان مدرسه ، بقعه ای وجود دارد که سازمان میراث فرهنگی ، تعمیراتی بر روی آن انجام داده ، و اظهار نظر شده که این قسمت ، از آثار دوره تیموری می باشد (۱).

جوی آب در وسط مدرسه و درختهای چنار بلند ، بر زیبایی مدرسه افزوده است ، و خیابان جدید الإحداثی که از خیابان مسجد سید به سوی دروازه دولت (میدان امام حسین علیه السلام) کشیده شده ، و به نام آیه الله طیب نامیده شده ، موقعیت محلی مدرسه را افزایش داده است .

حجرات مدرسه درب کوشک ، مسکونی می باشد ، و طلاب آن در همین مدرسه و سایر مدارس علمیّه ، از محضر اُساتید حوزه علمیّه ، کسب علم می نمایند . از مدرّسین بزرگواری که در این مدرسه تدریس می نموده اند ، به عنوان نمونه می توان به شخصیت های ذیل اشاره کرد .

۱- مرحوم حاج شیخ أبو القاسم ، معروف به « حاج آخوند زفره ای » متوفای ۱۳۵۲ قمری ، که در علوم ادبی ، مدرّسی بزرگ و نامدار بوده ، و از عموم محلات و مدارس علمیّه ، به محضر و جلسه درس او حاضر می شده اند ، و اکثر علماء و فضلاء ، در مراحل اولیّه علوم حوزه ای ( دوره مقدمات و سطوح اولیه ) از محضر آن مدرّس عالیقدر ، استفاده می نموده اند .

مرحوم حاج آخوند زفره ای تألیفاتی داشته ، و در علوم غریبه و جفر و طلسمات زحماتی کشیده ، و موفقیت هائی داشته است (۲).

۲- مرحوم حاج ملا حسینعلی صدیقین ، متوفای ۱۳۶۸ قمری ، که علاوه بر علم

ص: ۵۴

---

۱- اظهارات آقای رشتی ، سرپرست مدرسه

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان صفحه ۱۰۰

و دانش ، مقام بزرگی در زمینه زهد و تقوی و سلوک معنوی و ریاضات نفسانی داشته و از محضر حاج محمد جواد بید آبادی ، استفاده های شایان ، در زمینه مسائل اخلاقی و روحی برده ، و از مفاخر معنوی عالم روحانیت بوده است .

۳- مرحوم حاج شیخ محمد حسین اشنی قودجانی ، که مجتهدی مبرز و عالمی زاهد بوده ، و در حوزه اصفهان و نجف ، تحصیل علم نموده ، و به مقام اجتهاد رسیده ، و سالهائی در حوزه علمی اصفهان ، به تدریس خارج فقه و اصول اشتغال داشته ، و در سال ۱۳۷۵ قمری وفات یافته است (۱).

۴- مرحوم میرزا علی اصغر شریف ، متوفای ۱۳۸۴ قمری ، که در مدرسه میرزا مهدی ، و اخیراً در مدرسه درب کوشک ، تا آخر عمر تدریس سطوح فقه و اصول می نموده است .

### آثاری از سابقه مدرسه دربکوشک

در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ، نسخه ای از کتاب « سفینه النجاه » تألیف محمد بن عبد الفتاح تنکابنی ( فاضل سراب ) موجود است ، که آن را أبو الحسن بن میر یحیی کسکری ، در روز چهارشنبه ۲۶ ربیع الثانی سال ۱۱۰۳ در مدرسه دربکوشک به اتمام رسانیده است (۲) .

و نیز در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ، نسخه ای از « اثولوجیا » ، موجود است که محمد جعفر بن مختار مازندرانی ، آن را در ماه صفر ۱۰۸۸ ، در مدرسه باقریه اصفهان نوشته است (۳) .

ص: ۵۵

---

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۵۵۱

۲- فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ، جلد ۱۰ ، صفحه ۱۹۹۱

۳- دار العلم شرق ( مخطوط ) صفحه ۴۹

و هم چنین شیخ محمد صادق بن ابی الفتح اصفهانی ، در ابتداء تحصیل ، کتاب « مغنی اللیب » و برخی از کتب درسی دیگر را ، در سال ۱۲۰۶ هجری ، در مدرسه باقریه اصفهان نوشته است (۱).

و در کتابخانه فرهنگ اصفهان ، ( کتابخانه عمومی ) ، نسخه ای از کتاب کافی وجود دارد ، که آن را علی مازندرانی ، در شوال ۱۰۶۸ وقف بر کتابخانه مدرسه باقریه نموده ، و تولیت آن را به « آقا سید محمد کاظم بن سید سلطان حسین حسینی » واگذار نموده است ، و احتمالاً آقا سید محمد کاظم ، متولی و مدرس مدرسه نیز بوده است (۲) . به احتمال قوی ، به نظر می رسد ، که مراد از مدرسه باقریه ، همین مدرسه باقریه در بکوشک باشد .

### مدرسه پاشیر در بکوشک

مقصود ، مدرسه باقریه در بکوشک می باشد ، به عنوان یاد شده ، مراجعه شود

### ۶- مدرسه تاج الملک

مدرسه ای است که ، ابونصر ، تاج الملک ابن بهرام القوهی ( کوهی ) وزیر شمس الدوله دیلمی ، در اصفهان بنا کرد ، و در آن ، علوم شرعی و سایر علوم تدریس می گردید (۳) . این مدرسه متعلق به اوائل قرن پنجم و وابسته به مکتب تشیع می باشد .

### ۷- مدرسه ترکها

این مدرسه ، در زمان حاضر به نام «مدرسه امام هادی علیه السلام» نامیده می شود .

ص: ۵۶

---

۱- ألكرام البرره ، صفحه ۶۳۵

۲- دار العلم شرق ( مخطوط ) صفحه ۴۹

۳- آثار ملی اصفهان ، صفحه ۳۷ - ۳۸



أصل آن از دوره آق قویونلوها است و در دوره صفویه تعمیر شده ، و سپس در زمان قاجاریه ، به وسیله حاج محمد ابراهیم تاجر ، تعمیر گشته و موقوفاتی بر آن معین گردیده (۱)، و در دوره بازسازی و تعمیر مدارس دینی ، ( پس از تهاجم پهلوی اول بر مراکز و مدارس دینی ) به وسیله مرحوم آیه الله ، حاج آقا حسین خادمی ، و مرحوم آیه الله ، حاج سید عبد الحسین طیب تعمیر گردید ، و محل سکونت طلاب حوزه قرار گرفت ، و تاکنون ، معمور و مسکونی طلاب می باشد ، و صحن کوچکی با نمای کاشی کاری دارد ، و یک طبقه است .

محل مدرسه ، محله درب کوشک و در نزدیکی خیابان جدید الإحدائی است که ، به نام آیه الله طیب نامیده شده است .

با توجه به گرایش مهمترین چهره های « آق قویونلوها » همانند : اوزون حسن نسبت به تشیع ، و نیز با توجه به باقی ماندن مدرسه ترکها « امام هادی علیه السلام » در دوره حاکمیت مطلق تشیع در اصفهان ، به خوبی معلوم است که مربوط به تشیع میباشد . در مدرسه ترکها شخصیت هائی تحصیل علم نموده اند ، همانند :

۱- نویسنده محقق ، آقای أبو القاسم رفیعی مهرآبادی ، که صاحب تألیفات ارزشمندی همانند : آثار ملی اصفهان و آتشکده اردستان و تذکره خط و خطاطان می باشد ، و از چهره های معروف و نویسندگان عالیقدر به شمار می رود .

۲- نویسنده عالیقدر ، آقای سید مصلح الدین مهدوی ، صاحب تألیفات بسیار (۲) که صاحب حق ، در زمینه شناساندن چهره های علمی و دینی اصفهان

ص: ۵۷

---

۱- تاریخ اصفهان و ری ، صفحه ۲۴۵

۲- از قبیل رجال اصفهان ، دانشمندان و بزرگان اصفهان ، زندگینامه علامه مجلسی ، ( دو جلد ) تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان ( سه جلد ) ، بیان المفاخر ( دو جلد ) ، سیری در تخت فولاد ، تاریخچه محله خواجه و شمار دیگری از تألیفات ارزشمند

و معرّفی عظمت تاریخی و علمی این شهر بزرگ و آرزشمند ، می باشند .

۳- مرحوم حاج سید مصطفی « مؤید الأطباء » ، متوفای ۱۳۷۳ قمری ، فرزند حاج سید محمد تقی طیب حسینی درب امامی ، که از اُطباء معروف اصفهان بوده ، و عصرها ، در یکی از حجرات این مدرسه طبابت می نموده است (۱).

#### ۸- مدرسه جعفریه

یکی از مدارس بسیار مهم و آرزشمند شیعه در اصفهان ، که متعلّق به دوره های قبل از صفویّه می باشد ، و از نشانه های روشن تفکر و اعتقاد شیعی در اصفهان ، در قرن هشتم به شمار می رود ، مدرسه جعفریه است ، که در کنار بقعه و مزار امام زاده جعفر علیه السلام « جعفریه » ( واقع در خیابان هاتف فعلی ) بوده است

این مدرسه ، به احترام و به مناسبت شخصیت بزرگ علمی و اجتماعی و مبارزاتی عالم شهید ، سید جعفر ( مشهور به امامزاده جعفر ) متوفی و شهید در سال ۷۲۵ هجری ، تأسیس گشته ، و به نام « مدرسه جعفریه » نامیده می شده است (۲).

شاردن در سفرنامه خود می نویسد : سپس به مدرسه جعفریه که با وجود قدمت ساختمان ، بسیار زیبا است می رسیم . نقاط مهمّ این مسجد ( مدرسه ) از سنگ مرمر و کاشی بنا شده است (۳).

این عبارت نشان می دهد که همانند بقعه جعفریه ، ساختمان مدرسه ، از

ص: ۵۸

---

۱- دارالعلم شرق ( مخطوط ) ، صفحه ۵۷

۲- درباره بقعه جعفریه ، و شخصیت امامزاده جعفر ، در بخش « بقعه های علمی » بحث و بررسی داریم ، مراجعه شود

۳- سفرنامه شاردن ، صفحه ۷۵

استحکام و عظمت و زیبایی برجسته ای برخوردار بوده است .

و جابری أنصاری دربارهٔ این مدرسه می نویسد : و مقبرهٔ جعفریّه ، در صد و پنجاه ذرع تخمیناً ، فاصله با امامزاده اسماعیل علیه السلام است ، که گنبد و بقعه و ضریحی دارد ، که برابرش ، قبر سید مرتضی پدرش ، در آن صندوق است ، و این مقبره را بنائی عالی و وسیع بود ، و کاشیکاری معرّق ممتاز ، از بهترین کاشی کاریهای قدیم ، و مدرسهٔ بزرگ نیز جنب آن بود ، دارای حجرات و کاشی کاریهای شگرف ، که از همه کاشیها بهتر می نمود ، و آن مدرسه را مجاورین ، جزو خانه های خود نموده ، و کاشی ها نیز ، مانند سایر کاشی ها و عتیقه جات ، راه برونی گرفت ، و خود جعفریّه ، سید جعفر بن سید مرتضی (۱) و نسبش به سید حسن بن حسین بن محمّد بن علی بن الحسین می رسد ، که با امامزاده أحمد علیه السلام ، از نژاد حضرت امام محمّد باقر علیه السلام می باشند ، و شهادتی در سید بوده ، که روی سنگ قبرش نوشته ، صاحب شمشیر و قلم هر دو بوده ، و شجاع و پهلوان و رشید ، و پدر و پسر ، هر دو را شهید می نویسند ، و مقاماتی شامخ و ألقابی عالی ، برای آنها رقم می نمایند (۲) .

آثاری از دورهٔ آبادی و فعالیت علمی در این مدرسه ، باقی مانده است که ، ذیلاً به برخی از آنها اشاره می نمائیم :

۱- در میان کتب خطی دانشکدهٔ حقوق ، نسخه ای از «لوايح جامی» ، به خطّ عبد الغفار بن محمّد بن یحیی رشتی وجود دارد ، که در سال ۱۰۲۰ آن را در

ص: ۵۹

۱- دربارهٔ نام پدر سید جعفر « در بخش بقعه های علمی » بحث نموده ایم ، و طبق دقت در نوشته سنگ قبر امامزاده جعفر ، نام پدر ایشان را « حسن » نشان داده ایم ، مراجعه شود

۲- تاریخ اصفهان و ری ، صفحه ۱۹۰-۱۹۱

۲- در فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی ، از نسخه ای از تفسیر «التحریر» شرح تحریر مجسطی ، از نظام نیشابوری ، حسن بن محمد (م - ۷۳۰) یاد شده ، که به خط نستعلیق ریز نوشته شده ، و کاتب آن در سال ۱۰۲۶ ، نسخه را در مدرسه جعفریه اصفهان نوشته ، و به پایان رسانیده است (۲) .

۳- نسخه ای از کتاب مطول به خط نسخ صادق بن امین ، در کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار وجود دارد ، به شماره ۱۰۵۹ ، که در سال ۱۰۵۰ ، در مدرسه جعفریه اصفهان نوشته شده است (۳) .

۴- در کتابخانه ملی ملک ، نسخه ای از قواعد الأحکام علامه حلّی وجود دارد ، به شماره ۱۹۱۹ ، که به خط نستعلیق محمد رضا بن قاضی محمد چکانی می باشد ، و در سال ۱۰۵۳ در مدرسه جعفریه اصفهان نوشته شده است (۴) .

مدرسه جعفریه ، از زمان تأسیس تا دوره صفویه ، و سپس تا اوائل قرن چهاردهم ، باقی بوده ، چنانچه از عبارت مرحوم جابری أنصاری « متولّد ۱۲۸۷ و متوفای ۱۳۷۶ قمری » بر می آید ، که نوشته است: (... و مدرسه بزرگ نیز جنب آن بود ، دارای حجرات و کاشی کاری های شگرف ، که از همه کاشی ها بهتر می نمود ... ) ، و پس از آن در اثر حوادث گوناگون ، بالأخص حاکمیت و تهاجم ضدّ دینی حکومت پهلوی اول ، مدرسه جعفریه ویران گردیده ، و فقط بقعه جعفریه و بقعه امامزاده مرتضی ، باقی مانده ، و بخش مهمی از

ص: ۶۰

---

۱- دار العلم شرق (مخطوط) ، صفحه ۶۸ ، محیط ادب ، صفحه ۱۰۳

۲- فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی ، جلد ۱۰ ، بخش چهارم ، صفحه ۱۸۸۱

۳- فهرست کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار ، جلد ۲ ، صفحه ۴۲۱

۴- فهرست کتابهای خطی کتابخانه ملی ملک ، جلد ۱ ، صفحه ۵۷۳

صحن و ساختمانهای متعلق به جعفریه، به تصرف غاصبین در آمده، و بقعه‌ها نیز، تقریباً متروکه گردیده بود.

در سال ۱۴۰۷ قمری، پس از فوت بانوی صالحه، و زاهده عابده «حاجیه خانم منصوره فقیه احمد آبادی» (مادر نویسنده کمترین) بنت مرحوم آیه الله، حاج سید محمد تقی موسوی احمد آبادی (صاحب کتاب مکیال المکارم) و دفن آن سیده صالحه، در صحن امامزاده جعفر علیه السلام، این کمترین (با کمک پدر و برادرانم) تعمیرات قابل توجهی را در مورد بقعه‌ها و صحن امامزاده انجام دادم، و بقعه‌ها از حالت متروکه در آمد، و پس از فوت پدر بزرگوارم «مرحوم آیه الله، حاج سید مرتضی موحد ابطحی قدس سره» در تاریخ نهم جمادی الثانیه ۱۴۱۳ قمری (أیام فاطمیّه) و دفن ایشان در بقعه جعفریه علیه السلام، تعمیرات ادامه یافت، و هم اکنون، مزار شریف دو امامزاده بزرگوار، مورد توجه زائرین قرار گرفته، و محل اجتماع و توسل معنوی مردم با ایمان و ولایت می باشد.

## ۹- مدرسه جلال الدین منکبرنی

(۱)

مدرسه ای بوده که در سال ۶۲۰ هجری، با هزینه سه هزار دینار، به وسیله جلال الدین منکبرنی ساخته شده است (۲).

## ۱۰- مدرسه جلالی

در کتاب «المختارات من الرسائل» که مجموعه ای از منشآت و فرامین و احکام دیوانی و شرعی و عرفی قرنهای پنجم و ششم و هفتم هجری است، از

ص: ۶۱

---

۱- لقب جلال الدین خوارزمشاه می باشد، و تلفظ و معنی دقیق کلمه، هنوز معلوم نیست (به لغتنامه دهخدا، لغت منکبرنی مراجعه شود)

۲- تاریخ مدارس ایران، صفحه ۱۲۹

مدرسه ای به نام جلالی یاد شده ، که ضیاع آن ، اختلال پذیر شده بوده است (۱).

## ۱۱- مدرسه جوهان

در شمار مدارس قبل از صفویه ، یکی نیز « مدرسه جوهان » ، نامبرده شده است (۲). محله جوهان ، یکی از محلات اصفهان در قرن ششم و هفتم بوده ، و برخی از چهره های خاندان معروف شَفَرَوَه ( شَفَرَوَه ، شَبَرَوَه ) در آن سکونت داشته اند ، که از آن جمله است : أبو البرکات ، رزق الله بن هبه الله ، متوفای ۵۶۱ هجری ، و مدفون در مدرسه جوهان (۳).

از جمله بالا استفاده می شود که ، مدرسه جوهان ، در نیمه قرن ششم موجود و مورد توجه بوده است .

## خاندان بزرگ و علمی شفره و تشیع

گرچه خاندان علمی شفره ، به تشیع شهرت ندارند ، و بسیاری از شخصیت های آنها ، در شمار پیروان مذاهب دیگر می باشند ، ولی با این حال ، برخی از چهره های آن خاندان ، از مفاخر شیعه می باشند ، و آثار دوستی و محبت شدید نسبت به امیر المؤمنین علی علیه السلام ، در بعضی دیگر ، نمایان و آشکار می باشد ، که ذیلاً به دو نمونه جالب ، توجه می نمائیم (۴).

ص: ۶۲

- ۱- المختارات من الرسائل ، صفحه ۲۹۳
- ۲- مقاله دار العلم شرق ، در مجموعه محیط ادب ، صفحه ۱۰۴
- ۳- مجله یادگار ، سال پنجم ، شماره ۶ و ۷ صفحه ۱۱۵
- ۴- برای آشنایی با خاندان شفره ، به مجله یادگار ، سال پنجم ، شماره ۶ و ۷ و دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۵۷ - ۵۸ ، و آثار ملی اصفهان ، صفحه ۴۸ و لغتنامه دهخدا و فرهنگ معین ، تحت عنوان شفره و شفره ای ، مراجعه شود

شیخ أبو السَّعادات ، أسعد بن عبد القاهر بن أسعد اصفهانی ، که از مشایخ بزرگوار افتخار عالم تشیع ، مرحوم سید رضی الدین علی بن طاووس حلّی بوده ، از چهره های مبرز شیعه و اصفهان ، و خاندان علمی شَفْرَوَه ( شَفْرَوَه ، شَفْرَوِيَه ) ، به شمار می رود . مرحوم حاج آقا بزرگ تهرانی در باره او می نویسد : أسعد بن عبد القاهر بن أسعد بن سفروه ، أبو السَّعادات اصفهانی ، ( و سفروه به جای سفروه نیز نقل شده است ) ، او مؤلف کتاب «شرح الولاء فی شرح الدَّعاء» می باشد و از بزرگان مشایخ رضی الدین ، علی بن طاووس است ، و کتابهایی دارد از قبیل : «مجمع البحرین» و «مطلع السَّعاداتین» و «اکسیر السَّعاداتین» و .... (۱).

و شیخ بحر عاملی ، در أمل الأمل درباره او می نویسد : شیخ أسعد بن عبد القاهر بن أسعد اصفهانی ، أبو السَّعادات ، عالمی فاضل و محقق بوده ، و کتابهایی دارد که از آنها است ، کتاب «شرح الولاء فی شرح الدَّعاء» و کتاب «توجیه السَّئوالات فی حل الإشکالات» و کتاب «جامع الدلائل و مجمع الفضائل» و غیر اینها . علی بن طاووس از او روایت میکند ، و محقق ، بزرگ ، خواجه نصیرالدین طوسی ، و میثم بن علی بحرانی ، در نزد او تحصیل علم نموده اند (۲).

وصاحب أعیان الشَّیعه ، آقا سید محسن امین جبل عاملی درباره او مینویسد : مولی أبو السَّعادات بن عبد القاهر بن أسعد اصفهانی ، عالمی فاضل و بزرگوار و محقق است ، علی بن موسی بن طاووس ، همه کتب و اصول و مصنّفات را ، از او نقل می نماید ، چنانچه در أوّل «فلاح السَّائل» ، تصریح

ص: ۶۳

۱- طبقات أعلام الشَّیعه ، الأنوار السَّاطعه ( مربوط به قرن هفتم ) ، صفحه ۱۷

۲- أمل الأمل ، قسم دوم ، صفحه ۳۲

نموده است ، و کفعمی نیز از او نقل حدیث مینماید ، در حواشی کتاب « جَنَّهُ الْوَأَقِيه » و غیر او ، و او را با عنوان ( الشَّيْخُ الْعَالِمُ ) ستوده است ، و علامه مجلسی ، در جلد ۱۷ بحار او را یاد نموده ، و فرموده که او از أصحاب ما است ( و از علمای شیعه اثنی عشریه می باشد ) ... (۱) . و در کتاب الذَّرِيعَه آمده است:

« أَلْفَائِقُ عَلَى الْأَرْبَعِينَ فِي مَنَاقِبِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ » یا ( کتاب أَلْفَائِقُ ) از اَبِي السَّعَادَات ، أَسْعَدُ بْنُ عَبْدِ الْقَاهِرِ بْنِ سَفْرُويَه اصفهانی ، چنانچه در بعضی نسخ است ، و شاید شقروه باشد ، که اسم یا لقب جدّ او است ... سَيِّدُ بْنُ طَاوُوسٍ ، در کتاب ( الطَّرَائِفُ ) گفته است که ، در این کتاب ، أَحَادِيثُ صَرِيحِي است از پیامبر أَكْرَمَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ در مورد خلافت اَبِي عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ و مناقب بسیار ارزشمندی نقل نموده است ... و این أَبُو السَّعَادَات ، از مشایخ ابن طَاوُوسٍ می باشد (۲) .

و نیز در کتاب الذَّرِيعَه است : « اَكْسِيرُ السَّيِّعَاتِيْنَ » ، از شَيْخِ أَبِي السَّيِّعَاتِيْنَ ، أَسْعَدُ بْنُ عَبْدِ الْقَاهِرِ اصفهانی ، که سَيِّدُ رَضِيِّ الدِّينِ عَلِيِّ بْنِ طَاوُوسِ حَلِّي ، همه کتب و اصول و مصفّات را در سال ۶۳۵ از او روایت کرده ، ( چنانچه در أَوَّلِ فَلَاحِ السَّائِلِ تصریح نموده است ) (۳) . و هم چنین در کتاب الذَّرِيعَه آمده است

رَشْحُ الْوَلَاءِ فِي شَرْحِ الدَّعَاءِ « یعنی دَعَا صَيِّمَتِي قَرِيْشِ » ، از شَيْخِ أَبِي السَّيِّعَاتِيْنَ ، أَسْعَدُ بْنُ عَبْدِ الْقَاهِرِ بْنِ أَسْعَدِ اصفهانی ، که سَيِّدُ رَضِيِّ الدِّينِ ، جَمَالُ السَّالِكِيْنَ ، عَلِيُّ بْنُ طَاوُوسِ ، و مُحَقِّقُ ، نَصِيْرُ الدِّينِ طَوْسِي و شَيْخِ مِيْثَمِ بَحْرَانِي از او روایت

ص: ۶۴

---

۱- أعيان الشَّيْخِ ، چاپ جديد ، جلد ۳ ، صفحه ۲۹۷

۲- الذَّرِيعَه ، جلد ۱۶ ، صفحه ۹۰

۳- الذَّرِيعَه ، جلد ۲ ، صفحه ۲۷۸



می نمایند ... (۱).

و هم چنین در کتاب الذریعه ، جلد ۴، پیرامون کتاب « توجیه السئالات » و در جلد ۵ در مورد معرّفی کتاب « جامع الدلائل » و در جلد ۲۰، به مناسبت ذکر « مجمع البحرين و مطلع السعادتین » و در جلد ۱۰، صفحه ۹ - ۱۰، و جلد ۸، صفحه ۱۹۲، و جلد ۱۱، صفحه ۲۳۶، و جلد ۱۳، صفحه ۲۵۶ - ۲۵۷، در مورد کتاب « رشح الولاء، فی شرح دعاء صنمی قریش »، مطالب جالبی آمده است .

### حادثه ای جالب ، و اشعاری بدیع ، و شور و عشقی ریشه دار

یکی از چهره های خاندان شفر وه ، به نام حسین بن عبید الله نقل می کند که ، پدرش ، أبو الوفاء، عبید الله بن هبه الله ، متوفای ۵۸۵ هجری ، که در علم و فضل و ادب ، از اعیان اصفهان بوده، و در فصاحت و بلاغت و ظرافت و لطافت ، در نظم و نثر ، مقامی بلند داشته است ، در ضمن سفر حج وارد بغداد می شود ، و روزی در مدرسه ناجیه بغداد ، به ذکر مناقب حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام می پردازد ، و در این هنگام ، مقارن غروب آفتاب بوده ، بالبداهه این اشعار را انشاء می نماید:

لَا تَعْجَلِي يَا شَمْسُ حَتَّى يَنْتَهِي

مَدْحِي لِفَضْلِ الْمُرْتَضَى وَ لِنَجَلِهِ

يَشِي عِنَانِكَ إِنْ عَرَبْتِ ثَنَاؤُهُ

أَنْسَيْتِ يَوْمًا قَدْ رُدِدْتِ لِأَجَلِهِ

إِنْ كَانَ لِلْمَوْلَى وَقُوفُكَ فَلْيَكُنْ

هَذَا الْوُقُوفُ لِحَيْلِهِ وَ (۲) لِرَجَلِهِ

یعنی : عجله و شتاب نکن ای خورشید ( برای غروب کردن ) تا به پایان برسد ستایش من ، در مورد ( علی ) مرتضی و فرزندان او علیه السلام

ص: ۶۵

۱- الذریعه إلى تصانیف الشیعه ، جلد ۱۱ ، صفحه ۲۳۶

۲- مجله یادگار ، سال پنجم ، شماره ۶ و ۷، صفحه ۱۱۴ و ۱۱۵

جمع میکند (و می گیرد) عنان تو را، اگر غروب کنی، ثنای او (۱) آیا فراموش کرده‌ای روزی را که به خاطر او باز گردانده شدی (۲).

اگر به خاطر مولی (در آن روز) توقف کردی، پس باید همین توقف را (امروز)، به خاطر سواره و پیاده او، (که از خدمت گذران اویند) انجام دهی.

این داستان جالب، شور و محبت و دوستی عمیق این دانشمند و سخنور اصفهانی شفروه ای را، نسبت به مقام و فضائل مولی الموحّدین امیرالمؤمنین علی علیه السلام، به خوبی نشان می دهد، و از نشانه های ارتباط قلبی مردم و علماء قدیم اصفهان با مقام ولایت اهل البیت علیهم السلام، به شمار می رود.

مشابه داستان یاد شده را، سبط بن جوزی، در کتاب «تذکره خواصّ الأئمّه» صفحه ۳۱، (چاپ فرهاد میرزا) با مقداری تفاوت، از ابی منصور مظفر بن اردشیر عبادی واعظ، نقل نموده است، و نیز گنجی شافعی در کتاب «کفایه الطالب» و ابن حجر هیتمی در «الصواعق المحرقة» و شیخ سلیمان حنفی قندوزی در «ینایع الموده» و دیگران، عین قضیّه سبط بن جوزی را نقل نموده اند (۳).

مدرسه ای است در خیابان هاروتیه، نزدیک به مزار شریف امامزاده

ص: ۶۶

---

۱- اشاره به این که عظمت معنوی ثناخوانی علی علیهم السلام، آنقدر است که نمی گذارد تو غروب کنی، و عنان گیر تو خواهد شد

۲- اشاره است به حدیث مشهور ردّ شمس (باز گرداندن خورشید) برای علی علیهم السلام که در میان کتب شیعه و سنّی مشهور و معروف می باشد

۳- احقاق الحق (با تعلیقات آیه الله مرعشی نجفی)، جلد ۵، صفحه ۵۲۲ - ۵۲۴

هارون ولایت علیه السلام و متصل به مسجد علی و مناره بزرگ مجاور آن ، که در حال حاضر معروف به ،

## ۱۲- مدرسه حاج حسن

مدرسه حاج حسن می باشد ، و احتمال دارد که این مدرسه ، همان مدرس سلطان محمد سلجوقی است (۱) که در زمان صفویّه تعمیرات و تغییراتی اساسی یافته است .

در سردر این مدرسه ، پس از بسم الله الرحمن الرحيم و حدیث نبوی : أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَ عَلِيٌّ بَابُهَا ، نوشته شده است :

سرمايه نجات بود مهر بو تراب

خواهي اگر نجات ، از او روی بر متاب

مدرسه حاج حسن دو طبقه است ، و اطراف آن حجرات و ایوانها قرار گرفته، و با آنکه از آثار تاریخی اصفهان به شمار رفته ، ولی دچار ویرانی شده ، و متروکه گردیده است .

نویسنده آثار ملی اصفهان ، در سال ۱۳۰۸ شمسی ، از این مدرسه دیدار نموده ، و برخی از محصلین علوم جدید و کمی طلبه ، در آن سکونت داشته اند ، و به نظر همین نویسنده ، ساختمان مدرسه ، اگر هم مربوط به زمان سلجوقیان باشد ، ولی شکی نیست که کتیبه آن ( که در بالا ذکر گردید ) از زمان صفویّه به بعد ایجاد شده ، و از همان موقع ، به عنوان مدرسه حاجی حسن شهرت یافته است ، و قاعدتاً باید در زمان صفویّه به حالت ویرانی در آمده باشد ، تا حاجی حسن ، در صدد احیاء و تعمیر آن بر آمده باشد (۲).

حکیم و طیب نامدار و عظیم الشان ، مرحوم آقا میرزا أبو القاسم طیب

ص: ۶۷

---

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۳۷۹

۲- آثار ملی اصفهان ، صفحه ۴۶۹

ناصر حکمت ( متوفای ۱۳۷۱ قمری ) که در تقوی و فضیلت و علم و دانش و طب یونان ، علماً و عملاً سرآمد بوده و در این مدرسه به تدریس کتب طب قدیم و مداوای بیماران می پرداخته است (۱) و پدر این نویسنده کمترین ، یعنی مرحوم آیه الله ، حاج سید مرتضی موحد ابطحی قدس سره متوفای ۱۴۱۳ قمری ، از شاگردان پرتلاش و مورد علاقه آن بزرگمرد در علم طب ، به شمار می رفتند .

### ۱۳- مدرسه خواجه صدرالدین علی طیب

مدرسه ای است در روستای نصر آباد ، در مغرب اصفهان ، که بانی آن ، صدرالدین علی طیب ( جدّ اعلاّی مؤلف تذکره نصر آبادی ) می باشد ، و آن را در قرن نهم ، در کنار خانقاه شیخ أبو القاسم نصر آبادی ، بنا کرده است .

این مدرسه که با خانقاه ، با عنوان ( تکیه میان ده نصر آباد ) اشتها دارد ، قسمتی از کاشی های آن از بین رفته ، و در قسمت باقی مانده ، نام صدرالدین علی طیب ( بانی مدرسه ) و تاریخ بناء ( سنه اربع و خمسين و ثمان مائه ) یعنی ۸۵۴ هجری ، دیده می شود ، و هم چنین این اشعار : کمترین بندگان آستانش صدر دین

کرد سال هشتصد و پنجاه و پنج ، این یادگار

عَلَى اللَّهِ فِي كُلِّ الْأُمُورِ تَوَكُّلِي

و بِالْخَمْسِ أَصْحَابِ الْكِسَاءِ تَوَسُّلِي

مُحَمَّدَ الْمَبْعُوثِ وَ ابْنَيْهِ بَعْدَهُ

وَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ وَ الْمُؤْتَضِي عَلِي

دیده می شود (۲) و به طور وضوح مشخص می شود که این مدرسه متعلق به شیعه بوده است .

ص: ۶۸

۱- دار العلم شرق ( مخطوط ) ، صفحه ۷۶

۲- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، از ۳۲۹ تا ۳۳۳ ، آثار ملی اصفهان ، صفحه ۸۲۰ - ۸۲۱

#### ۱۴- مدرسه دّوم خواجه صدرالدّین علی طیب

خواجه صدر الدّین علی طیب ، علاوه بر مدرسه نصر آباد ، مدرسه ای در حوالی مسجد جامع قدیم ساخته ، و در جنب خانه میرزا هدایت الله طیب ، که تا اوائل زمان میرزا طاهر نصرآبادی ، مؤلف « تذکره نصرآبادی » در گاه آن باقی بوده ، و در اواخر کار ، اثری از آن باقی نمانده است (۱).

#### ۱۵- مدرسه سوّم خواجه صدر الدّین علی طیب

خواجه صدرالدّین ، مدرسه دیگری هم در محله بابا قاسم در کوچه میرزا شریف حکیم ساخته ، و تا زمان میرزا طاهر نصرآبادی ( که از اّحفاد وی می باشد ) باقی بوده است (۲) . این دو مدرسه نیز ، متعلّق به شیعه بوده است .

#### ۱۶- مدرسه خواجه ملک « مدرسه شیخ لطف الله »

این مدرسه در جوار مسجد شیخ لطف الله ، و میدان بزرگ نقش جهان بوده است . جنوب آن متّصل به مسجد شیخ لطف الله ، و شمال آن تا محلّ فعلی سرای بیگدلی ( واقع در خیابان حافظ ) امتداد داشته ، و در نتیجه ، از نظر وسعت و مساحت زمین ، بسیار بزرگ بوده است .

به نظر عدّه ای از صاحب نظران مسائل تاریخ و جغرافیای اصفهان ، مدرسه خواجه ملک ، همان مدرسه شیخ لطف الله است ، که شماری از نسخ خطّی موجود در کتابخانه های معاصر ، در آن مدرسه نوشته شده است ، و به مناسبت سرپرستی و تدریس شیخ لطف الله میسی در آن ، به نام آن بزرگمرد نامیده شده ،

ص: ۶۹

---

۱- تاریخ مدارس ایران ، صفحه ۱۸۰

۲- تاریخ مدارس ایران ، صفحه ۱۸۰

ولی در مقابل، برخی دیگر از نویسندگان، احتمال قوی داده اند که، مدرسه شیخ لطف الله، در جنوب مسجد شیخ لطف الله، و مدرسه خواجه ملک، در شمال مسجد بوده است.

آقای سید مصلح الدین مهدوی می نویسند: به نظر نویسنده، دو مدرسه در طرفین مسجد شیخ لطف الله قرار داشته است، آن که به سمت جنوب بوده، مدرسه شیخ لطف الله است، که فعلاً کاروانسرای مخروبه ای است، و آن که در جهت شمال قرار دارد، (سمت چپ کسی که روبروی در مسجد می ایستد)، مدرسه خواجه ملک نام داشته است (۱).

و سید عبد الحجه بلاغی می نویسد: ...، و نیز مدرسه خواجه ملک ...، و مدرسه شیخ لطف الله، قرینه او، که الان کاروانسرا شده (۲).

و نویسنده کمترین، نظریه اول را ترجیح می دهد، و بر این مبنی بررسی خود را دنبال می نمایم.

اصل مدرسه خواجه ملک، متعلق به قبل از صفویه است (۳) ولی خواجه ملک، که از بزرگان اصفهان بوده، و در زمان شاه اسماعیل صفوی زندگی میکرده، مدرسه را توسعه می دهد، و سرائی هم در کنار او بنا میکند (۴).

مدرسه خواجه ملک، همان طوری که از نظر مساحت و وسعت برجستگی داشته، از نظر علمی و معنوی نیز، از اهمیت فوق العاده برخوردار بوده، تا آنجا که بسیاری از شخصیت های علمی و دینی آن زمان، از طلبه ها و تربیت

ص: ۷۰

---

۱- دار العلم شرق (مخطوط)، صفحه ۱۵۷

۲- أنساب خاندانهای مردم نائین، صفحه ۱۲۳

۳- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صفحه ۶۵۷ و دار العلم شرق (مخطوط) صفحه ۱۰۱

۴- تاریخ فرهنگ اصفهان، صفحه ۸۲

شده های این مرکز علمی و حوزه ای بوده اند .

صاحب روضات الجنات ، که خود چهره و شخصیت بزرگ علمی اصفهان ، در زمان خویش بوده، و نظری بلند دارد، در دو قسمت از کتاب نفیس «روضات الجنات» به تعریف و تمجید از این مدرسه می پردازد ، که ذیلاً بیان می نمائیم :

۱- در قسمت شرح حال شخصیت برجسته و بارز شیعه و حوزه اصفهان ، یعنی محقق عظیم الشان و استاد الکل ، آقا حسین خوانساری قدس سره متوفای ۱۰۹۹ هجری ، و محلّ تحصیل آن بزرگمرد ، می نویسد :

وَنَزَلَ فِي مَدْرَسِهِ خَواجِه مَلِك، الَّتِي هِيَ بِجَنْبِ مَسْجِدِ الشَّيْخِ لُطْفِ اللَّهِ ، الْوَاقِعِ فِي مِیدانِ الشَّاهِ ، وَهِيَ مِنْ أَكْثَرِ مَدَارِسِ الْبَلَدِ الْمَشَارِ إِلَيْهِ ، بَرَكَهَ وَ أَوْفَرِهَا تَأْثِيراً ، فِي بُلُوغِ طَلَبِهِ الْعُلُومِ إِلَى مَعَارِجِ الْعِلْمِ وَ الْيَقِينِ وَ قَدْ بُنِيَتْ مِنْ قَبْلِ ظُهُورِ الدَّوْلَةِ الصَّفَوِيَّةِ أَوْ فِي أَوَائِلِ تَلْمَكِ الدَّوْلَةِ ... وَ كَانَتْ الْمَدْرَسَةُ الْمَوْصُوفَةُ مُنْذُ بُنِيَتْ مَحَطّاً لِرِحَالِ أَكْبَرِ الْفُضَلَاءِ وَ مَجْمَعاً وَ مُحْتَشِداً لِأَعْظَمِ الْعُلَمَاءِ وَ الْفُقَهَاءِ ... فَبَقِيَ الْأَقْبَا حَسِينُ الْمَدْكُورِ ، هُنَالِكَ مَشْغُولاً بِالْإِفَاضَةِ وَ الْإِرْشَادِ ، مَا غَبَّ إِسْتِفَاضَتُهُ عَلَى حَسَبِ الْمَرَادِ ، مِنْ مِيَامِنِ أَنْفَاسِ كُلِّ أَسْتادٍ (۱).

چنانچه ملاحظه می نمائید ، در این عبارات جالب ، مدرسه خواجه ملک پربرکت ترین و مؤثرترین مدارس ، در رساندن طلاب علوم دینی ، به مرتبه های بلند علم و یقین معرفی گردیده ، و توضیح داده شده ، که این مدرسه از ابتداء تأسیس ، محلّ بار فرود آوردن بزرگترین فضلاء ، و محلّ اجتماع بزرگترین فقهاء و شخصیت های علمی بوده است ، و مرحوم آقا حسین خوانساری هم در این مدرسه ، علاوه بر استفاده علمی از اساتید بزرگ ، شخصاً به تدریس و افاضه می پرداخته است .

ص: ۷۱

۲- در بخش شرح حال و معرّفی عالم عظیم الشّان، مولی محمّد زمان بن مولی کلبعلی تبریزی (از علماء نیمه اول قرن دوازدهم) که از شاگردان بزرگ علامه مجلسی و آقا حسین خوانساری و شیخ جعفر قاضی رضوان الله علیهم بوده، مطالبی می نویسد، که مفادش چنین است: او صاحب تصنیف های متعدّده است که از آن جمله، شرح بر «زبده الاصول» شیخ بهائی و... و نیز «فرائد الفوائد، فی احوال المدارس و المساجد» (۱) می باشد.

این کتاب را در روزگاری که این بزرگمرد، در مدرسه شیخ لطف الله (۲) وارد شده، و امور مدرسه، از طرف سلطان، به ایشان واگذار گردیده بوده، تألیف نموده است.

ص: ۷۲

۱- نسخه کتاب فرائد الفوائد، که مورد استفاده صاحب روضات الجنّات بوده، در دسترس محققین متأخر نبوده است، تا آنجا که گمان میرفته نسخه آن از بین رفته باشد، تا آن که آقای ایرج افشار، به نسخه منحصر به فرد این کتاب، در کتابخانه پادشاهی برلین، برخورد می نماید، و ضمن مقاله ای، آن را مورد معرّفی قرار داده، و در ضمن آن مقاله می نویسد: این کتاب، که رساله ای است به فارسی، در احوال مدارس و مساجد، و در باب تعلیم و تربیت اسلامی است، و علی الظاهر، کتابی است مستقل و یکتا در زبان فارسی، با مزایائی از قبیل بعضی اطلاعات تاریخی مربوط به اصفهان دوره صفوی، و علماء آن عهد، و تألیف شخصی است به نام (محمّد زمان بن کلبعلی تبریزی) که خود ساکن مدرسه خواجه ملک بوده، و در سال ۱۱۲۲ از تألیف آن فارغ شده است. وی (ملا محمّد زمان) راجع به مدرسه خواجه ملک، در فصل ششم کتاب، می نویسد: این مدرسه در نزد فرقه محقه (یعنی شیعه اثنی عشریه) چون مدرسه نظامیه است، پیش اهل سنت (تاریخ فرهنگ اصفهان صفحه ۲۶۵ - ۲۶۶)

۲- به اعتبار این که در زمان مرحوم شیخ لطف الله میسی، مدرسه خواجه ملک، زیر نظر آن بزرگمرد بوده، مدرسه شیخ لطف الله می نامند



نویسنده ، در کتاب یاد شده ، در تعریف و تمجید از مدرسه نامبرده ، مبالغه بسیار نموده ، و بخشی از برکات این مدرسه ، که خود نویسنده تجربه نموده ، و آثار لطیفی که در تربیت طلاب داشته (۱) ذکر نموده است (۲) ، آنگاه عده ای از شخصیت های برجسته علمی و دینی ، که در این مدرسه مبارکه تربیت گردیده ، و به ترقیات کامله رسیده اند ، یاد میکند ، و ما نیز ، همانها را بر می شمیریم :

۱- (استاد الفقهاء و الحکماء ، محقق نامدار) آقا حسین خوانساری قدس الصبره

۲- مولی ، شمس الدین گیلانی ، صاحب حاشیه بر شرح حکمه العین و بر حاشیه خفزی بر حاشیه قدیم .

۳- مولی حسن گیلانی ، که در آن عصر ، در فضیلت و تقوی ، نظیر نداشته است ۴- ملا مراد تفرشی ، صاحب حاشیه بر فقیه و مختلف ، و دیگر آثار تألیفی . ۵- امیر سید حسین عاملی ، صاحب تألیفات گرانقدر ، همانند رساله جمعه . ۶- مولی علی قلی خلخالی ، که ادیبی ماهر بوده است . ۷- زبده المحققین و أسوه السالکین ، مولی رجبعلی تبریزی

۸- امیر قوام الدین طهرانی ، که شاگرد مولی رجبعلی تبریزی ، و مؤلف کتاب عین الحکمه بوده است .

۹- عمده الزهاد ، مولی موسی طبسی

۱۰- فرزند عزیز او ، حاج محمد مؤمن ، صاحب کتاب مناهج العرفان ( که به نظر صاحب روضات الجنات ، وی از اجلاء عرفاء متأخرین بوده ، و کتابش بزرگ ،

ص: ۷۳

---

۱- وَقَدْ بِالْعِ فِي التَّنَاءِ عَلَى تِلْكَ الْمِدْرَسَةِ الْمُبَارَكَةِ وَ أَشَارَ فِيهِ إِلَى نَبْذِهِ مِنْ بَرَكَاتِهَا الْمُجْرَبَةِ ، وَ مِيَامِنِ تَأْثِيرَاتِهَا اللَّطِيفَةِ فِي حَقِّ الطَّلَبِ ...

۲- روضات الجنات ، چاپ قدیم ، صفحه ۲۸۸ - ۲۸۹

و در دو مجلد می‌باشد ، که در زمینه خودش ، همانند ندارد ) .

۱۱- میراسماعیل خاتون آبادی ، صاحب بقعه و تکیه معروفه در تخت فولاد

۱۲- فرزند او ، علامه ، رئیس فضلاء زمان ، میر محمد باقر خاتون آبادی

۱۳- مولی محمد صالح استر آبادی

۱۴- مولی چلبی موصلی

۱۵- مولی محمد حسین بروجردی

۱۶- مولی سعدی رشتی

۱۷- مولی محمد علی طهرانی (۱) ، آنگاه صاحب روضات ، می فرماید : و از جمله فضلاء بزرگی که در مدرسه خواجه ملک تحصیل علم کرده اند ، همانا فاضل محقق ، و متکلم حکیم ، و فقیه بارع ادیب ، مولی أبو القاسم بن محمد ربیع جرفادقانی (۲) صاحب تصنیفات بسیار ، و حواشی لطیف بر بسیاری از کتب معقول و منقول می باشد .

### سرگذشت مدرسه خواجه ملک

مدرسه خواجه ملک ، در دوره شاه عباس اول تعمیر گردیده ، و استادی رسمی آن به شیخ لطف الله میسی واگذار شده بوده است (۳) .

وسعت و گستردگی صحن مدرسه خواجه ملک تا آنجا بوده ، که به خاطر آن در هنگامی که مسجد شیخ لطف الله را که از مساجد بسیار شکوهمند و زیبای اصفهان است تأسیس میکنند ، صحنی برایش در نظر نمی گیرند و صحن مدرسه

ص: ۷۴

---

۱- روضات الجنات ، صفحه ۲۸۸

۲- جرفادقان معرب گلپایگان می‌باشد ( فرهنگ معین )

۳- تاریخ فرهنگ اصفهان ، صفحه ۸۴

خواجه ملک را ، جانشین صحن جداگانه برای مسجد قرار میدهند .

مدرسه خواجه ملک ، در اثر حوادث تاریخی پس از حکومت صفویّه از بین رفته ، و محلّ آن به صورت خانه های مسکونی و محلّ کسب و کار در آمده است

### آثاری از مدرسه خواجه ملک

در میان کتابهای باقی مانده از دوره های گذشته ، نسخه های ارزشمندی ملاحظه می شود، که در این مدرسه نوشته شده ، و زینت بخش کتابخانه های معتبر معاصر می باشد ، که ذیلاً به برخی از آنها اشاره می شود .

۱- نسخه ای از «تهذیب الوصول الی علم الاصول» علامه حلّی را ، یکی از علماء ، به نام أبو القاسم بن محمّد بن میرزا علی گلپایگانی، در دهه آخر رمضان ۱۰۴۴ هجری، در مدرسه شیخ لطف الله ، به خطّ نستعلیق نوشته است (۱).

۲- نسخه ای از « شرائع الإسلام» محقق حلّی را ، عبد القادر بن حیدر قهپائی، در مدرسه شیخ لطف الله ، تحریر نموده است (۲).

۳- نسخه ای از « التلخیص » ابن رشد اندلسی را شخصی به نام گدا علی مشهدی ، در مدرسه شیخ لطف الله اصفهان ، در پنجشنبه دوازدهم جمادی الأولى ۱۰۷۴ به پایان رسانیده است (۳).

۴- نسخه ای از « قواعد » شهید اول را ، محمّد قاسم بن أحمد طبرستانی ما پطری ، در مدرسه شیخ لطف الله میسی عاملی ، در سال ۱۰۶۹ هجری نوشته

ص: ۷۵

---

۱- فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ، جلد ۸ ، صفحه ۴۸۱

۲- فهرست نسخه های خطّی کتابخانه مسجد اعظم قم ، صفحه ۲۳۴

۳- فهرست کتابهای خطّی کتابخانه ملی ملک ، جلد ۱ ، صفحه ۱۶۷

است (۱).

۵- نسخه‌ای از «شافیه» (در علم صرف) را، محمود بن محمد کاظم اصفهانی، در مدرسه شیخ لطف‌الله، به خط نستعلیق نوشته است (۲).

### مدفن ابن سینا، نزدیک مدرسه خواجه ملک

پس از آنکه تحقیق و بررسی اینجانب درباره مدرسه خواجه ملک پایان یافت، و مقاله مربوط به آن را تکمیل نمودم، به مقاله‌ای محققانه از استاد محقق و نامدار، مرحوم جلال‌الدین همایی برخورددم، که در مورد بوعلی سینا و رابطه‌اش با اصفهان، تهیه شده، و در جلد دوم جشن نامه ابن سینا (از سلسله انتشارات انجمن آثار ملی) به چاپ رسیده است. در این مقاله، بخشی دارد که مناسب با این قسمت می‌باشد، و ذیلاً درج می‌گردد:

مدرسه خواجه ملک (به فتح میم و کسر لام) در قسمت شرقی میدان شاه، اوائل بازار آهنگران، جنب مسجد شیخ لطف‌الله، از مدارس طلبگی بسیار قدیم اصفهان، محل تحصیل جماعتی از علماء بزرگ بوده، و در فتنه آفاغنه، خرابی کلی بدان راه یافته، تا کم‌کم خراب شده، و در این اواخر زمین آن به خرید و فروش رفته، اکنون محل آن به نام «تیمچه شیخ حیدر» معروف است. با این وصف، خوشبختانه هنوز از بقایای عمارات قدیمش، دو حجره در سمت شمال صحن بزرگ تیمچه موجود است، به علاوه دو سه محل سنگ‌کاری و آجرکاری که وضع بنای قدیم را حکایت می‌کند، و از روی اطلال (نشانه‌های) باقی مانده معلوم می‌شود، که اصل بنا، متعلق به دوره‌های قدیم قبل از صفویه است.

ص: ۷۶

۱- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مسجد اعظم قم، صفحه ۴۴۴

۲- یادداشتهای آقای مهدوی به نقل از فهرست کتابخانه رضویه قم، صفحه ۴۸

وضع این مدرسه را در حالتی که مخروبه و خالی از سکنه بود، خود این بنده و بسیاری از اهالی اصفهان که سنتشان کمتر از پنجاه نباشد، تا این اواخر دیده ایم

چون از مسجد شیخ لطف الله، وارد بازار آهنگران می شوی، به فاصله حدود پنجاه قدم، مدرسه خواجه ملک در ضلع شرقی بازار واقع بود.

درب بزرگ مدرسه، در طرف شمالی کوچه باز میشد، که به « محله تحت گنبد » راه داشت، در جلوخان مدرسه، طاق مرتفع زیبایی بود، مقابل درب مدرسه در ضلع جنوبی کوچه، که پشت « مسجد شیخ لطف الله » می شود، سردابه ای وجود داشت، که آن را نیز، « مقبره ابوعلی سینا » می گفتند.

سردابه، از بین رفته، و تغییرات کلی در آن واقع شده، اما محل آن در حال حاضر، قسمتی پشت دکه انبرسازی است، که پهلوی درب تیمچه شیخ حیدر

مدرسه خواجه ملک قدیمی (واقع شده است، و قسمتی از آن سردابه نیز، به ولایت شرعیته مرحوم حاج شیخ جمال الدین مسجد شاهی (مجتهد و روحانی معروف) که امام جماعت مسجد شیخ لطف الله بود، جزو متوضاً و حوضخانه آن مسجد گردید.

خلاصه آنکه، آن سردابه نیز به «مدفن ابوعلی سینا» اشتهار داشت (۱) و هنوز اشخاصی در آن محل هستند، که وضع بنای مدرسه خواجه ملک و سردابه مجاور آن، و شهرت آن را به «مقبره ابوعلی سینا» خوب به خاطر دارند.

یکی از فضیلتی منسوب به حاج شیخ جمال الدین، برای بنده حکایت کرد، که چون برای ساختن متوضاً و حوضخانه جدید مسجد شیخ لطف الله، در این

ص: ۷۷

---

۱- هم چنانکه گنبد مدرس ابن سینا در محله در دشت اصفهان به مدفن ابن سینا اشتهاری دارد (صفحه ۲۸۷ از کتاب جشن نامه ابن سینا جلد ۲).

حول و حوش، کند و کوب می کردند، به سردابه بزرگ آجری رسیدند، که در وسط آن قبری مجلل با سنگ لوح قدیمی به خط کوفی بود، اهل فن خواندند و معلوم شده که «مدفن شیخ الرئیس ابوعلی سینا» همین جا است، اما دانسته نشد که با سنگ قبر چه معامله کردند؟ (۱).

مقاله مفصل (رابطه ابن سینا با اصفهان) که توسط استاد جلال الدین همائی، (که محقق بزرگ درباره تاریخ اصفهان و بزرگان آن می باشد) تهیه، و در جشن هزاره ابن سینا، در تاریخ یکشنبه پنجم اردیبهشت ماه ۱۳۳۳ (۲۱ شعبان ۱۳۷۳ قمری) به صورت سخنرانی، توسط آن بزرگمرد ایراد گردیده است.

## ۱۷- دار السیاده

سلطان محمود، غازان بن ارغون خان مغول، (برادر سلطان محمد خدابنده) از دوستان ارادتمندان عصمت و طهارت علیه السلام بود، و در سال ۷۰۲، از مذهب اهل سنت فاصله گرفت، و به مذهب حق شیعه امامیه روی آورد (۲) و همین امر سبب شد که ایلیخانان ایران، نه تنها قبول اسلام نمودند، بلکه در عهد جانشینان غازان، به تشیع گرویدند، و خود مروج آداب اسلامی شدند (۳).

غازان خان، دو نوبت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را به خواب دید، و آن حضرت، توجه او را نسبت به امیرالمؤمنین و امام حسن و امام حسین علیهم السلام معطوف نمودند، و در بیداری هم، آثار و برکات زیادی را در اثر عنایت و توجه به اهل بیت علیهم السلام دریافت نمود، و به همین جهت، توجه به سادات و فرزندان

ص: ۷۸

۱- جشن نامه ابن سینا، جلد ۲، صفحه ۲۸۹ - ۲۹۰

۲- مجالس المؤمنین، قاضی نورالله تستری، ج ۲، ص ۲۵۴، به نقل از تاریخ حافظ ابرو

۳- فرهنگ معین جلد ۵، صفحه ۱۲۳۴

پیامبر صلی الله علیه و آله را، در متن فعالیت های اجتماعی خود قرار داد، و «مدارس» و «مساجد» و «دارالسیادهائی» را تأسیس نمود، که از جمله در اصفهان و شیراز و بغداد و تبریز و کاشان و چندین شهر دیگر (۱) دارالسیادهائی تأسیس نموده، و موقوفه هائی برای آنها قرار داد، که سادات و ذراری رسول الله صلی الله علیه و آله در آن اجتماع نمایند، و از درآمد آن موقوفه ها، بهره مند گردند (۲).

دارالسیاده ها، که یکی از آنها در شهر اصفهان تأسیس گشته، منزلگاه سادات و نقباء و اشراف، و محلّ تعلیم و تعلّم اولاد حضرت علی علیه السلام بوده، و بدین جهت، باید دارالسیاده را، در شمار مدارس اصفهان به شمار آورد، و ظاهراً این دارالسیاده، در قتل عام تیمور و خرابی های او، ویران گردیده است (۳).

در کتاب تاریخ زنجان، به نقل از مرحوم علامه مجلسی، نقل شده که در اصفهان چند موضع وجود دارد، که در زمان شاه خدابنده بنا شده، و اسامی ائمه اثنی عشر، بر کتیبه های آنها نقش بسته، و ثبت شده است، که از جمله آنها، مسجد جامع قدیم میباشد، که در سه موضع آن، اسامی آنها ثبت گردیده...، و از جمله، «منار» دارالسیاده است، که غازان خان برادر شاه خدابنده، او را احداث کرده، و خود خدابنده، او را به اتمام رسانیده است (۴).

این مطلب نشان میدهد که، دارالسیاده نه تنها از نظر ساختمانی، دارای

ص: ۷۹

---

۱- دارالعلم شرق (مخطوط)، صفحه ۱۰۵، تعداد دارالسیاده ها را ده عدد شمرده است (به نقل از نفایس الفنون)

۲- مجالس المؤمنین، جلد ۲، صفحه ۳۵۵

۳- دارالعلم شرق (مخطوط) صفحه ۱۰۵، به نقل از مجله نامه آستان قدس شماره ۳۸

۴- تاریخ زنجان، صفحه ۱۹۸

اهمیت و عظمت بوده ( تا آنجا که برای آن مناره ایجاد شده ) بلکه با نقش بستن نام ائمه اثنی عشر ، شعار تشیع بر آن حاکم بوده ، و ظهور داشته است .

### مدرسه دردشت

مراد ، مدرسه سلطان بخت آغا است ، به عنوان یاد شده ، مراجعه شود .

### ۱۸- مدرسه درویشان

این مدرسه ، در محله خواجه ، مجاور قبر شاه حسن بوده است ، ولی در این زمان اثری از آن وجود ندارد (۱).

احتمال دارد این مدرسه ، همان مدرسه شاه حسن « اوزون حسن » باشد ، و به علت سکونت درویشان در او ، به این نام نامیده شده باشد ، و بنابراین ، از مدارس شیعه به شمار می رود .

### ۱۹- مدرسه سلطان بخت آغا از نشانه های مهم تشیع در اصفهان

در محله دردشت ، سردری بلند و دو مناره وجود دارد ، در کنار گنبد و مقبره سلطان بخت آغا ، که حاکی از وجود مدرسه ای بزرگ و بنای مفصل ، و مجموعه ای گسترده است ، که در طول زمان و در اثر حوادث تاریخی ، از بین رفته است .

سازنده مدرسه ، « خان سلطان » مشهور به « سلطان بخت آغا » دختر امیر غیاث الدین کیخسرواینجو ( مقتوله در ۷۶۰ هجری ) است ، که پس از کشته شدن ، در بقعه ای که به نام او است ، و گنبدی زیبا و جالب دارد، و متصل به دو مناره

ص: ۸۰



در دشت میباید، مدفون گردیده است، و بر قبر او سنگ یکپارچه سماق نفیسی می باشد، که خود او در زمان حیاتش، در سال ۷۵۳ هجری دستور داده آماده کنند، و بر روی آن کتیبه ای را حجاری نمایند.

دو مناره در دشت، که قسمت بالای آنها خراب شده، بر فراز سردر بلندی به ارتفاع حدود پانزده متر قرار گرفته، و ارتفاع باقی مانده دو مناره، از سطح پشت بام آن، بیش از هشت متر نیست، و مجموعاً حکایت از ساختمانهای گسترده و مفصلی دارد، که پشت این سردر قرار داشته، و در اثر حوادث نامعلومی از بین رفته است.

آقای دکتر لطف الله هنرفر، که چهره ای پرکار در زمینه شناخت و معرفی آثار باستانی و تاریخی می باشد، در کتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان می نویسد

به طوری که معمّین ساکن در اطراف این بنای تاریخی، برای نگارنده نقل کرده اند، تا یک قرن پیش (اواخر قرن سیزدهم هجری قمری) هم، اطاقهای ویرانه اطراف مدرسه در دشت، که مناره ها و سردر فعلی، مدخل آن محسوب میشده، باقی بوده است، و تدریجاً ضمیمه خانه های اطراف شده، و تا یک قرن پیش، به صورت تکیه، محلی برای اجتماع مردم محله در دشت بوده است. در اطراف گردنه گنبد آرامگاه سلطان بخت آغا نیز، آثاری مشاهده می شود، که اتصال بقعه را به بناهای دیگر، در اطراف آن، می رساند، و چنین استنباط می شود که، باقی مانده آثاری از یک مجموعه ساختمانی مفصل و وسیع بوده، که به احتمال قوی، بانی ساختمان آن، خود (سلطان بخت آقا) و یا شوهر او «سلطان محمود آل مظفر» بوده است. بقعه فعلی، از طرف ضلع شمالی، راهی به داخل مدرسه داشته است، که فعلاً مسدود می باشد، و ترتیب ساختمان بقعه، در مجاورت سردر، و راه داشتن آن به مدرسه، باز مؤید این

مطلب است که ، ساختمان مناره ها و سردرِ فعلی مدرسه نیز ، از اقدامات خود سلطان بخت آغا بوده است (۱). یک نام تاریخی از این محلّ، که تا این عصر باقی مانده ، نام شوری است ، که هم اکنون ، حَمّام شوری نزدیک این بناء و « امامزاده شوری » ( امامزاده عبدالله ) به این نام موجود است ، و احتمال داده شده ، مدرسه متّصل به مناره های در دشت هم « مدرسه شوری » نام داشته است (۲) .

### مدرسه در دشت ، از مدارس متعلّق به شیعه است

گرچه با توجّه به سوابق تسنّن در اصفهان ، به نظر ابتدائی حدس زده می شود که این مدرسه عظیم ، با سردر و مناره های شکوهمند آن ، متعلّق به اهل تسنّن باشد ، ولی با توجّه به دلایل ارزشمندی که ذیلاً به چهار عدد آنها اشاره می شود ، این مدرسه ، از نشانه های جالب برای سابقه دیرینه تشیع در اصفهان می باشد .

۱- کتیبه مناره های در دشت ، که یکی از آنها ریخته و دیگری باقی است و به خطّ آجری بر زمینه کاشی فیروزه ای ، به شرح زیر است .

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ ، عَلِيٌّ وَلِيُّ اللَّهِ حَقًّا

شعار عَلِيٌّ وَلِيُّ اللَّهِ ، آنهم با تأکید به وسیله کلمه حَقًّا ، بر مناره بلند این ساختمان ، نشانه ای از وابستگی این بناء ، به تشیع می باشد .

برای آشنائی با کتیبه یادشده ، به کتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۳۲۰ و نیز آثار ملی اصفهان ، صفحه ۴۲۸ ، مراجعه شود (۳) .

ص: ۸۲

---

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۳۱۷ - ۳۱۸

۲- آثار ملی اصفهان ، صفحه ۴۵ و ۴۲۷ و گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۳۲۰

۳- هم اکنون که مراحل چاپ کتاب در حال انجام میباشد ، تعمیراتی اساسی بر روی این مناره ، به وسیله سازمان میراث فرهنگی ، انجام گرفته است

۲- سازنده این بنا (سلطان بخت آغا) دختر امیر غیاث الدین کیخسرو (اینجو از آل اینجو) و همسر سلطان محمود آل مظفر است، و آل اینجو و آل مظفر، از سلسله سلاطین شیعه می باشند (۱).

۳- در دوره صفوی، که آثار و پایگاه های وابسته به تسنن، از بین می رفته، نه تنها گنبد و بقعه سلطان بخت آغا، از بین نرفته، بلکه سنگ قبر نفیس با کتیبه تاریخ دار آن باقی مانده، و جالب است بدانیم، طبق تحقیق آقای دکتر هنرفر، علت این که سنگ قبر سلطان بخت آغا، به غارت نرفته، جنبه قداستی است که عامه مردم برای این بقعه قائلند، و آن را متبرک می دانسته اند، و حتی امروز هم که هفت قرن از تاریخ بنای آن می گذرد، مانند عموم زیارتگاهها، بر مزار این بانوی مقتوله، شمع روشن میکنند (۲).

۴- در مجموعه ساختمان تاریخی و باعظمت «امام زاده اسماعیل علیه السلام» در نفیس و مثبت کاری شده ای وجود دارد، که «مرقد امامزاده اسماعیل» را به «مرقد شعیای نبی علیه السلام» متصل می سازد، و از درهای نفیس بناهای تاریخی اصفهان است، و در دوره پادشاهی سلطان محمود آل مظفر، در این مکان نصب شده است. در اطراف لنگه راست و چپ در، صلوات بر چهارده معصوم علیهم السلام منقور است، و نیز در یک قسمت، چهار کلمه محمد و در قسمت دیگر، چهار کلمه علی، نقش بسته، و جزء نوشته های این در، چنین است: *أَمْرٌ بِإِخْرَازِ هَذَا الْبَابِ إِخْرَازًا لِلْمَغْفِرَةِ وَ الثَّوَابِ فِي أَيَّامِ ...* شاه *مَحْمُودِ بْنِ السُّلْطَانِ الْأَعْظَمِ، مُحَمَّدِ بْنِ*

ص: ۸۳

۱- زندگینامه علامه مجلسی، جلد ۱، صفحه ۱۳

۲- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صفحه ۳۱۹

و چنانچه ملاحظه می‌نمائید ، ساختن دربی برای امام زاده اسماعیل، آنهم با صلوات بر چهارده معصوم ، و نقش چهار محمّد و چهار علی ، نشانه ای از تشییع سلطان محمود آل مظفّر ( همسر سلطان بخت آغا ) می باشد (۲).

#### ۲۰- مدرسه سمیرمی

مدرسه ای بوده ، که به وسیله علی بن أحمد بن علی بن عبد الله سمیرمی ، متوفای ۵۱۶، وزیر سلطان محمود بن محمّد بن ملکشاہ سلجوقی ، تأسیس گشته است (۳).

#### ۲۱- مدرسه سلطان محمّد سلجوقی

مدرسه ای است که ، سلطان محمّد سلجوقی ، برای حنفی ها ساخته ، و قبر سلطان محمّد هم ، در آن مدرسه قرار گرفته ، و امروزه در محله دارالبطیخ مشهور است (۴).

برخی معتقدند که ، مدرسه سلطان محمّد ، همان است که به نام «مدرسه حاج حسن» نامیده می شود، و در کنار مسجد علی و مناره بلند مجاور آن قرار دارد ،

ص: ۸۴

---

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۵۲۹ - ۵۳۰.

۲- برای آشنائی کاملتر با این بناء و بانی آن ، به گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحات ۳۱۴ تا ۳۲۱ ، و آثار ملی اصفهان صفحات ۴۲۴ تا ۴۲۹ ، و صفحه ۴۵ ، و تاریخ مدارس ایران ، صفحه ۱۷۹ ، و فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ، صفحه ۳۹ ، و تاریخ فرهنگ اصفهان ، صفحات ۷۲ تا ۷۴ ، مراجعه شود

۳- تاریخ مدارس ایران ، صفحه ۱۲۹

۴- تاریخ اصفهان و ری ، صفحه ۲۲

و در دوره صفویه تجدید بنا شده است (۱).

## ۲۲- مدرسه عظیم سید رکن الدین محمد یزدی

این مدرسه، به همت سید رکن الدین محمد یزدی، بانی مدرسه رکنیه یزد، متوفای ۷۳۲ هجری (که عالم و سیدی عالی مقام، و خیر اندیشی نامدار بوده، و نسبش به حضرت سید الشهداء، امام حسین علیه السلام می رسد، و بناها و آثار دینی و عمرانش، زبانزد بوده) ساخته شده است.

در کتاب «جامع مفیدی»، جلد سوم، از صفحه ۵۴۳ تا ۵۵۸، شرح حال و گرفتاری و مظلومیت او، و عنایت خاص رسول خدا صلی الله علیه و آله نسبت به او و فرزندش، (امیر شمس الدین محمد) و نجات آنها، و نیز جریان منصوب شدن او به مقام قضاوت، از طرف سلطان ابوسعید بن سلطان محمد خدابنده (۲) را، بیان نموده (۳) و در ضمن آن شرح حال، مرقوم داشته است: بر ضمائر ارباب توفیق، پوشیده نخواهد بود که آن حضرت، آن مقدار بقاع نفاع، و عمارات فلک ارتفاع که معمار همت عالی نهمتش (۴)، در اطراف جهان، از مدارس و خواتق و مساجد

ص: ۸۵

۱- برای آشنائی بیشتر، به گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صفحات ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۸، ۳۷۹ و ۶۶۸ و تاریخ مدارس ایران، صفحه ۱۲۸ و آثار ملی اصفهان صفحات ۳۹، ۴۶۹ و ۷۹۰ و تاریخ فرهنگ اصفهان، صفحه ۶۷ - ۶۹ مراجعه شود

۲- سلطان ابوسعید، از سلاطین شیعه مذهب مغول، و شخصی عدالت دوست و رعیت پرور بوده است، (مجالس المؤمنین، جلد ۲، صفحه ۳۶۳)

۳- جریانات یاد شده، در تاریخ جدید یزد، تألیف احمد بن حسین بن علی کاتب نیز از صفحه ۱۲۵ تا ۱۲۹ نقل شده است

۴- نهمت = همت و اهتمام در رسیدن به مقصود (مخصوصاً مقصودهای معنوی)، منتهای همت و اهتمام، (فرهنگ معین).

ودارالشفاء و اربطه (رباط ها) و غیرها ساخته و پرداخته ، که هرگز هیچ پادشاهی ذوشوکت ، صاحب حشمت ، به عمارت عُشر آن ، موفق نگشته (۱).

سید رکن الدین محمد یزدی ، و فرزندش ، امیر شمس الدین محمد ، متوفای ۷۳۳ (یک سال پس از وفات پدر) (۲) وقف نامه ای دارند ، که موسوم به «جامع الخیرات» بوده ، و در آن ، به أبواب الخیری ، واقع در خارج یزد ، اشاره شده است (۳). بر پایه وقفنامه یاد شده ، مدرسه ای در کوی بازار خواجه محمود اصفهان ، به نام «مدرسه عصمتیه» تأسیس نموده اند ، که شامل سه بنا بوده است ۱- دار الحدیث ۲- دار الادیبه ۳- دار الکتب (۴) از وقفنامه سید رکن الدین بر می آید ، که موقوفات بسیاری از قبیل : تمامی بازار خواجه محمود ، حمام مردانه متصل به بازار ، چند دکان واقع در همان محله ، تمام سرای نو ، دکان طباحی که سه طبقه بوده ، تمامی قصر مورح ، واقع در بازار عسکر ، و دیگر موقوفه ها ، بر این مدرسه وقف نموده و شرط نموده اند ، که در دارالحدیث و خانه های محل سکونت وابسته به آن ، ده نفر از فقهای

ص: ۸۶

۱- جامع مفیدی ، جلد ۳ ، صفحه ۵۵۷

۲- وی از طرف سلطان ابوسعید ، به منصب صدارت نائل گردیده بود ، و همانند پدرش مردی خیر اندیش و رعیت پرور بود ، و در تأسیس بناهای دینی و علمی و بهداشتی و غیر آن ، کوشش می نمود ، و دستور داده بود وکلایش در یزد و اصفهان و قم و کاشان و ساوه و همدان و ری و قزوین و سلطانیه و تبریز و شیراز و ابرقوه و کازرون ، مدارس و مساجد و بُقاع و اُربطه و کاروانسرا و حمام بسازند (جامع مفیدی ، جلد ۳ ، صفحه ۵۵۹)

۳- مجموع بناها و آثاری که وقفنامه جامع الخیرات ، آنها را دربر می گیرد ، ۴۵ باب میباشد (فرهنگ اصفهان ، صفحه ۲۶۲)

۴- تاریخ مدارس ایران ، صفحه ۱۷۹ ، آثار ملی اصفهان ، صفحه ۳۵ و فرهنگ اصفهان . صفحه ۲۶۲ - ۲۶۳

أصحاب حدیث ، منزل نمایند، و سالیانه به هر کدام ۱/۳ ۶۸۰ دینار از پول رایج ، که هر روزی ۱ ۲/۳ دینار باشد ، ( تقریباً ) بدهند ، و برای تدریس و تعلیم طلبه علم و فقه ، مدرّس عالم متبحّر مُتَفَنَّئِن ، و مجتهد ذوفنون در علم حدیث ، گمارده شود ، که هر روز بعد از نماز صبح ، و بعد از ختم قرآن و خطبه ، به إلقاء درس بپردازد ، و هر سال ۱۸۲ دینار ( یا نصف دینار در روز ) به او داده شود ، و در آن مدرسه ، مُعیدی (۱) منصوب شود ، عالم و دانشمند ، که درس استاد را برای شاگردان تکرار کند، و سالی ۱/۴ ۹۱ دینار، یعنی هر روز ۱/۴ دینار به او داده شود، و امامی در آنجا نصب شود ، که عالم به ارکان نماز و شروطش باشد ، و مواظب بر إقامة جماعت ، در نمازهای پنجگانه باشد ، و در هر سال، ۳/۴ ۶۰ دینار ، یعنی روزی ۱/۶ دینار ، به او داده شود ، و هم چنین مؤذّن متدین و رسمی ، و چند نفر حافظ قرآن که مرتباً تلاوت قرآن کنند ، و نیز فُزاش و دربان و ناظر بر امور مدرسه نصب شود ، و حقوق مرتب داده شود ، و نیز برای إطعام و انجام مراسم ليله الّرغائب (۲) و مراسم عید فطر و قربان و مولد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ، و مراسم نیمه شعبان (۳) ، و مراسم شبهای رمضان ، و نیز مراسم تجهیز اموات و کمک و إطعام مسافران ، و مصالح بیت الأدویه ، هر کدام مبلغی معین شده است (۴) .

از این وقفنامه بر می آید که، مدرسه عصمتیه و دار الحدیث و دار الکتب و دار الأدویه آن ، مرکزی مهم برای فعالیت علمی و تبلیغی و اجتماعی ، به شمار

ص: ۸۷

- 
- ۱- معید ، کسی است که درس را تکرار میکند تا شاگردان خوب یاد بگیرند
  - ۲- ليله الّرغائب ، اولین شب جمعه ماه رجب را گویند
  - ۳- شب تولد امام زمان ، حضرت حجه بن الحسن العسکری ( عج )
  - ۴- شرح موقوفات مدرسه سید رکن الدین ، و مصارف آنها ، در کتاب ارزشمند آثار ملی اصفهان ، از صفحه ۳۵ تا ۲۷ نقل شده است

میرفته، و از جامعیت چشمگیری برخوردار بوده است .

مدرسه سید رکن الدین محمد یزدی ، ( چنانچه از شخصیت بانی آن ، و نیز سلطان حاکم زمان ، سلطان ابوسعید ، فرزند سلطان محمد خدابنده « که از سلاطین شیعه مذهب می باشد » بر می آید ) از مدارس متعلق به شیعه بوده ، ولی در حال حاضر در اثر حوادث تاریخی ، اثری از آن باقی نمانده است .

#### ۲۳- مدرسه شمسیه

قبل از آن که حکیم الملک اردستانی ، « مدرسه حکیمیه » ( کاسه گران ) را در بازار ریسمان ، محله میدان کهنه بسازد ، همین مدرسه ، قبل از ساختن مدرسه حکیمیه ، به نام « مدرسه شمسیه » بوده است ، که به نظر آقای رفیعی مهرآبادی ، در کتاب آثار ملی اصفهان ، گمان می رود که مدرسه ویرانه ای بوده ، که شمس الدین محمد یزدی (۱) بانی آن بوده ، و چون مخروبه شده بوده ، توسط حکیم الملک ، با صلاحدید و تصویب مراجع وقت ، تجدید بنا گردیده است (۲)

#### ۲۴- مدرسه شهشهان

یکی از علماء و سادات بزرگ اصفهان ، در قرن نهم هجری ، سید علاء الدین

ص: ۸۸

---

۱- شمس الدین محمد یزدی ، متوفای ۷۳۳ هجری ، فرزند سید رکن الدین محمد یزدی است که این پدر و پسر در تأسیس بناهای علمی و اجتماعی و بهداشتی و عام المنفعه ، خدمات زیاد داشته اند و مخصوصاً پسر ، که وزیر سلطان ابوسعید بوده ، در شهرهای یزد و اصفهان و قم و کاشان و ساوه و همدان و ری و قزوین و سلطانیه و تبریز و شیراز و ابرقوه و کازرون ، مدارس و مساجد و بقاع و کاروانسرا و حمام ساخته است و در یزد ، مدرسه شمسیه را بنا نهاده است ( جامع مفیدی ، جلد ۳ ، صفحه ۵۵۹ و صفحه ۶۵۵ و نیز به بررسی ما ، در مورد مدرسه سید رکن الدین یزدی مراجعه شود

۲- آثار ملی اصفهان ، صفحه ۴۸۳



محمّد بوده، که به شاه شاهان (شهشهان) و شاه علاء الدّین محمّد، شهرت یافته بوده است. به علت عظمت شخصیت او محلّه، دَرَبِه یا دَرِيَه یا حسیّیه (که به اعتبار حسیّیه سید علاء الدّین محمّد، به این نام خوانده می شده) به نام محلّه شهشهان شهرت یافته است.

سید علاء الدّین محمّد، در این محلّه، حسیّیه و مدرسه داشته، و پس از آنکه به دستور شاهرخ، به ساوه تبعید گردیده، و در سال ۸۵۰ هجری، به شهادت می رسد، پس از مرگ شاهرخ، جنازه او را با احترام فراوان به اصفهان منتقل نموده، و در حسیّیه و مدرسه او، مدفون می نمایند، و بقعه و گنبدی جالب برای او بنا می کنند، که هم اکنون موجود است، و از مزارات متبرّکه اصفهان به شمار می رود.

مدرسه شهشهان و بقعه و مزار او، یکی از نشانه های بارز نفوذ و موقعیت و فعالیت علمی و رسمی شیعه در اصفهان، در قرن نهم هجری می باشد.

بقعه شهشهان، در نزدیکی مسجد صفا، و با فاصله نسبتاً کمی با خیابان ابن سینا، قرار گرفته است (۱).

### مدرسه شوری

آقای دکتر لطف الله هنرفر، در دنباله معرفی مقبره سلطان بخت آغا، واقع در

ص: ۸۹

۱- درباره مدرسه و حسیّیه و بقعه شهشهان، و شخصیت شاه علاء الدّین محمّد، به گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صفحات ۳۳۳ تا ۳۴۱، و آثار ملی اصفهان، صفحه ۴۵ و ۲۳۷ - ۲۳۸ و تاریخ مدارس ایران، صفحه ۱۷۹، و فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران، صفحه ۴۲، و شماری از کتب تراجم و رجال، همانند رجال اصفهان، و دانشمندان و بزرگان اصفهان، می توان مراجعه نمود

محلّه دردشت می نویسد: یک نام تاریخی از این محل، که تا این عصر مانده «شوری» است که هم اکنون، «حمام شوری» نزدیک این بناء و «امامزاده شوری» یا «امامزاده عبدالله» به این نام موجود است، و بعید نیست که مدرسه متصل به مناره های در دشت هم، «مدرسه شوری» نام داشته است (۱).

به عنوان مدرسه سلطان بخت آغا، رجوع شود.

## ۲۵- مدرسه شیخ ابومسعود رازی

شیخ ابومسعود رازی، از بزرگان محدثین قرن سوم هجری است، و بعضی او را از چهره های بسیار مؤثر، در توجه مردم اصفهان، نسبت به شخصیت و عظمت مولای متقیان امیرالمؤمنین علی علیه السلام می دانند، و داستان آمدن او به اصفهان، و سخنرانی های او را در جامع رنگرزان، و نقش او را در جلوگیری از سب و جسارت به آن حضرت، سندی بر تشیع او می شمارند، و در مقابل، برخی دیگر، او را از مشایخ صوفیه اهل سنت می دانند، و بر همین مبنی، بقعه و خانقاه و سایر امور متعلق به آن را مورد تخریب قرار دادند.

خانقاه شیخ ابومسعود، از ابتدای قرن چهارم، شهرت زیادی داشته، و یک دستگاه ساختمانی وسیع، شامل بازار و چهارسو و حایم، و باغی برای کورها و عاجزها و ... را در بر می گرفته است، ولی در حال حاضر غیر از بقعه و سردر کاشی کاری آن، چیزی از آنها باقی نمانده است (۲).

در کتاب محیط ادب، مقاله اصفهان یا دارالعلم شرق، از مدرسه ای به نام

ص: ۹۰

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صفحه ۳۲۰

۲- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صفحه ۳۵۳ - ۳۵۴، در حال حاضر سازمان میراث فرهنگی استان اصفهان، به تعمیر بقعه شیخ ابومسعود مشغول می باشد

شیخ أبو مسعود رازی یاد می کند (۱).

برای آشنائی با شخصیت شیخ ابو مسعود ، و مسائل مورد بحث در مورد بقعه و مزار وی ، و تاریخچه آن ، به کتاب «خلد برین» تألیف مرحوم حاج شیخ أحمد بیان الواعظین ، و کتاب «گنجینه آثار تاریخی اصفهان» از صفحه ۳۵۳ تا ۳۵۸ ، و نیز ، به بخش «فرازهائی درخشان ، از ریشه های تشیع در اصفهان» در همین کتاب مراجعه شود .

#### ۲۶- مدرسه شیخ یوسف بنّاء

شیخ یوسف بنّاء ، از عرفای معروف قرن سوم بوده ، و از اجداد مادری حافظ ابونعیم اصفهانی می باشد ، و در محله روشاباد ، که جزء محله خواجهی دوره صفویه بوده ، مدفون گردیده است (۲) . مدرسه ای به نام او در محله شیخ یوسف ( جزء محله خواجه ) بوده (۳) ، که زمان تأسیس و خصوصیات او را به دست نیاورده ایم ، بعضی آن را از مدارس دوره صفویه شمرده اند ، ولی آقای سید مصلح الدین مهدوی ، در «مقاله اصفهان یا دارالعلم شرق» ( در مجموعه محیط ادب ) این مدرسه را ، جزء مدارس قبل از صفویه به شمار آورده اند (۴) و به نظر می رسد ، که همین نظریه اخیر صحیح باشد .

#### ۲۷- مدرسه صدر منصور

در قرن ششم هجری ، مدرسه ای به وسیله صدر منصور نظام الدین ، در شهر

ص: ۹۱

۱- محیط ادب ، صفحه ۱۰۴

۲- آثار ملی اصفهان ، صفحه ۲۳۲

۳- آثار ملی اصفهان ، صفحه ۳۴

۴- محیط ادب ، صفحه ۱۰۴

اصفهان تأسیس گردیده ، که شاعر نامدار ایران ، جمال الدّین محمّد بن عبد الرزّاق اصفهانی ، قصیده ای مشتمل بر سی و پنج بیت ، در مدح مدرسه و بانی آن ، سروده است که از آن جمله است اشعار زیر:

زهی عالی بنای قصر معمور

که باد آفات دهر از ساحت دور

چو قبله شرط اکرام تو واجب

چو کعبه حظّ تعظیم تو موفور

مفیدانت چو طوطی جمله منطوق

فقیهانت چو غنچه جمله مستور(۱)

#### مدرسه صدریه

نام دیگری است برای مدرسه نظامیه اصفهان ، که به مناسبت عنوان صدر الدّین خجندی (مدرّس و سرپرست آن) صدریه نامیده شده است (۲).

به عنوان مدرسه نظامیه رجوع شود .

#### ۲۸- مدرسه علی بن سهل بن ازهر

علی بن سهل ، از محدّثین و عرفای قرن سوم ، و اوائل قرن چهارم هجری بوده ، و در سال ۳۰۷ وفات یافته است (۳).

در کتاب « محیط ادب » ( مقاله اصفهان یا دارالعلم شرق ) از مدرسه ای به نام

ص: ۹۲

---

۱- دیوان جمال الدّین محمّد بن عبد الرزّاق اصفهانی ، صفحه ۱۸۱ - ۱۸۳

۲- لغتنامه دهخدا ، عنوان نظامیه

۳- ذکر اخبار اصفهان ، از حافظ ابی نعیم ، جلد دوم ، صفحه ۱۴ ، ولی در کتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۲۹۶ ، علی بن سهل از بزرگان قرن هشتم هجری به شمار آمده ، و این یک سهو القلم است

علی بن سهل یاد شده است (۱).

در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، مجموعه ای است به نام دستور، به شماره ۲۱۴۴، که آن را تاج الدین حسین صاعد، جمع آوری نموده، و در آنجا اظهار می دارد: روز شنبه ۶ شوال ۹۸۶، نهمین روزی که در اصفهان رسیدم، و در مدرسه شیخ علی بن سهل بسر می بردم، آن را نوشتم (۲).

از بیان فوق استفاده می شود که، در اواخر قرن دهم، مدرسه ای با نام علی بن سهل موجود و مسکونی بوده، و احتمالاً همان محل خانقاه علی بن سهل، یا مجاور آن بوده است.

## ۲۹- مدرسه فخریه

یکی از مدارس علمیه اصفهان، که در قرن یازدهم، دائر و مسکونی بوده، مدرسه فخریه می باشد، نسخه ای از کتاب «معارف الهیه» تألیف محمد رفیع، مشهور به پیرزاده، به خطّ ابی صالح حسینی مشهدی وجود دارد، که در سال ۱۰۹۸، در «مدرسه فخریه اصفهان» نوشته شده است (۳)... او نیز همین ابو صالح حسینی مشهدی، نسخه ای از «رساله تیاثر قبله» از محقق حلی را، در مدرسه فخریه، در شهر اصفهان نوشته، و این نسخه در کتابخانه دانشگاه تهران موجود است (۴).

ص: ۹۳

۱- محیط ادب، صفحه ۱۰۴

۲- دارالعلم شرق (مخطوط)، صفحه ۱۸۶

۳- الذریعه، جلد ۲۱، صفحه ۱۹۱

۴- دارالعلم شرق (مخطوط)، صفحه ۱۹۴، برگه ضمیمه به نقل از فهرست کتب اهدائی مرحوم مشکوه به دانشگاه

مرحوم رفیعی مهرآبادی ، با استناد به جلد سوم فهرست کتب اهدائی مرحوم مشکوه ، این مدرسه را از آثار فخر الملک بن خواجه نظام الملک طوسی شمرده ، که تا قرن یازدهم باقی بوده است (۱).

ولی آقای سید مصلح الدین مهدوی (نویسنده معاصر) اظهار می دارند که : بعید به نظر می رسد که مدرسه فخریه ، که در فهرست مذکور است ، همان مدرسه اهدائی فخر الملک باشد ، زیرا کلیه آثار دوره سلاجقه ، در عهد مغول از بین رفته است ، و اگر چیزی و اثری باقی باشد ، رنگ تشیع به خود گرفته است (۲).

به نظر می رسد ، اظهار نظر قطعی در چنین مواردی ، نیاز به دلیلهای روشن تری دارد، که متأسفانه به دست ما نرسیده است .

### ۳۰- مدرسه کزان

بعضی ، مدرسه کزان را ، از آثار خواجه نظام الملک در محله کزان ، برشمرده اند ، و سپس احتمال داده اند که این مدرسه ، همان نظامیه مشهور اصفهان باشد (۳) ، ولی با توجه به این که ، نظامیه اصفهان ، در محله دردشت بوده (۴) ، و کتاب « تجارب السلف » تأسیس مدرسه کزان را ، به ملکشاه نسبت میدهد (۵) ، معلوم می شود که این مدرسه کزان ، همان مدرسه ملکشاهی در محله دارالبطیخ ( که جزء محله کزان بوده است ) می باشد .

ص: ۹۴

---

۱- آثار ملی اصفهان ، ص ۴۴ ، بنقل از فهرست کتب اهدائی مرحوم مشکوه ج ۳ ، ص ۲۷۷

۲- دار العلم شرق ( مخطوط ) ، صفحه ۱۹۵

۳- آثار ملی اصفهان ، صفحه ۴۵

۴- به محاسن اصفهان ، صفحه ۱۰۴ ، و گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۶۲ با نقلی که از ترجمه محاسن اصفهان ، نموده  
مراجعه شود

۵- تجارب السلف ، صفحه ۲۷۷ - ۲۷۸

برای آشنائی بیشتر با این مطلب به قسمت مربوط به مدرسه نظامیه و مدرسه ملکشاهی در همین کتاب مراجعه شود .

### ۳۱- مدرسه مسجد جامع (جمعه)

در کتاب ایرانشهر جلد اول ، پس از مقداری توضیح درباره مسجد جامع اصفهان ، و حریق که در سال ۵۱۵ هجری ، به وسیله باطنیه ، در آن رخ داده ، می نویسد :

بنای ( مسجد - مدرسه ) که با الحاق یک حیاط مدرسه ، به کوشک مساجد قدیمی ایرانی ، صورت می گرفت ، به سرعت در ایران رونق یافت (۱).

و در کتاب فرهنگ اصفهان ، در بخش تشریح و وضعیت و معماری مسجد جامع آمده است :

ساختمانی در شمال شرقی به نام ( صفه ) « مسجد و مدرسه عمر » وجود دارد که به وسیله عمر بن عبد العزیز عجللی ، از خاندان اَبی دُلَف که والی همدان و اصفهان بود ( ۲۸۱ هجری ) انجام یافته ، و ضمیمه مسجد گردیده است (۲).

و در تاریخ مدارس ایران ، به نقل از تاریخ ایران بطروشفسکی ، آمده است : در قرن هشتم مدرسه ای در جنب مسجد جمعه اصفهان ساخته شد (۳).

البته باید توجه داشت که ، آنچه در قرن هشتم در اَیام سلطنت سلطان محمود آل مظفر انجام شده ، ساختمان مجدد همان قسمتی است که ، به وسیله عمر

ص: ۹۵

---

۱- ایرانشهر ، جلد ۱ ، صفحه ۸۳۲

۲- فرهنگ اصفهان ، صفحه ۲۶

۳- تاریخ مدارس ایران ، صفحه ۱۷۹

بن عبد العزیز عجللی ، انجام یافته بوده است (۱).

از مطالب بالا استفاده می شود که ، مسجد جامع اصفهان ، علاوه بر این که خودش ، محلّ تعلیم و تشکیل جلسات درس بوده ( چنانچه از نوشته ، مافزوخی اصفهانی در محاسن اصفهان ، صفحه ۸۵ بر می آید ) و علاوه بر آنکه کتابخانه معظم و مفصلی داشته ، که دارای حجرات و خزانه کتاب بوده ، و فهرست آن در سه جلد بزرگ تنظیم گشته (۲) مدرسه ای هم داشته ، که رسماً با عنوان « مدرسه » نامیده می شده است .

### ۳۲- مدرسه ملکشاهی

این مدرسه ، از مدارسی است که در دوره سلجوقیان برای فعالیت علمی غیر شیعی ( حنفی و شافعی ) به وجود آمده ، و در محله دارالبطیخ احمد آباد بوده ، که در حال حاضر ، مقبره خواجه نظام الملک می باشد ، و به نام تربت نظام مشهور شده است (۳) .

ص: ۹۶

---

۱- تاریخ فرهنگ اصفهان ، ص ۲۷ ، و در کتاب آثار ملی اصفهان ، صفحه ۴۴ بنای مدرسه را از آثار عمر بن عبد العزیز ، و سلطان محمد آل مظفر را ، تعمیر کننده مدرسه دانسته است ، ولی در گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۱۳۶ و ۱۳۷ با توجه به کتیبه تاریخی صفة عمر ، از دوره سلطان محمود آل مظفر و جمله های ( و ممن بادر و آجاز ، و اثر فاجاد ، و آجتهد فی ایام سلطنه سلطان محمود ... بناء هذا الایوان العالی لابتغاء مرضاه ربّه و إضافة الی المسجد الجامع باصفهان ... أضعف عباد الله ، مرتضی بن الحسن العباسی الزینبی ... ) این قسمت را ، غیر مربوط به عمر بن عبد العزیز می داند ، و بانی آن را ، مرتضی بن الحسن العباسی الزینبی می شناسد

۲- محاسن اصفهان ، صفحه ۸۵

۳- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۲۳۸



در کتاب « تجارب السلف » درباره تأسیس این مدرسه آمده است :

سلطان ملکشاه در اصفهان مدرسه ای بنا کرد ، در محله کزان (۱) و سپس شرح می دهد که ، ملکشاه نخواست مدرسه را مخصوص حنفی ها کند، و چون ملکشاه حنفی ، و خواجه نظام الملک شافعی (۲) بود، رعایت حال او را نمود، و دستور داد بنویسند :

وَقَفَّ عَلَى أَصْحَابِ الْإِمَامَيْنِ ، إِمَامِي الْأَثَمَةِ ، صَدْرِي الْإِسْلَامِ (۳) آنچه در کتاب آثار ملى اصفهان ، صفحه ۴۵ آمده درباره مدرسه کزان ( که خواجه نظام الملک طوسی آن را بنا کرده ، و چون خواجه در مذهب حنفی اصرار و تعصب داشته ، مقرر کرده بود که بر بالای درب مدرسه ، نام شافعی را نویسند ، بلکه بنویسند « وقف علی اصحاب امامی الاثمه ، صدری الاسلام » و سپس احتمال داده که این مدرسه ، همان مدرسه نظامیه اصفهان باشد ) مطلب نادرستی است ، زیرا نظامیه اصفهان در محله دردشت بوده ، و مدرسه محله کزان ، مدرسه ملکشاهی است ، و خواجه نظام الملک شافعی بوده ، نه حنفی ، و نوشته تجارب السلف ، مطالب کتاب یاد شده را مردود می نماید ..

ص: ۹۷

- 
- ۱- محله دارالبطیخ ، جزء محله کزان بوده است
  - ۲- صاحب اعیان الشیعه ، خواجه نظام الملک را ، جزء وزراء شیعه مذهب سلجوقیان ، دانسته است ( اعیان الشیعه ، چاپ جدید ، جلد ۱ ، صفحه ۱۹۲ ) و البته باید دانست که ، این نظریه منافات ندارد با شهرت شافعی بودن خواجه ، زیرا بسیاری از بزرگان اجتماعی ، که واقعاً شیعه بوده اند ، زیر پوشش شافعی بودن ، حرکت های خود را عملی می ساخته اند، و از روی تقیه ، خود را شافعی مینامیده اند ، زیرا نزدیک ترین مذاهب چهارگانه اهل تسنن ، به تشیع ، مذهب شافعی میباشد .
  - ۳- تجارب السلف ، صفحه ۲۷۷ - ۲۷۸

در کتاب «راحه الصدور» ، از مدرسه ای به نام ملکه خاتون یاد می کند ، و چنین می نویسد : و پیش از وفات ملک‌شاه ، بر آن عزم بودند که در اصفهان ، به بازار لشکر ، ( اینجا که امروز مدرسه ملکه خاتون است ) دارالخلافه و حرمی بسازند ، و او را آنجا بنشانند (۱). از عبارت یاد شده استفاده می شود که ، در زمان تألیف کتاب راحه الصدور (سال ۵۹۹) مدرسه ای در اصفهان بوده ، به نام مدرسه ملکه خاتون ، که آباد بوده است (۲).

مدرسه مهمی بوده ، که خواجه نظام الملک طوسی ، متوفای ۴۸۵ هجری در اصفهان تأسیس کرده ، و در آن علوم و دانشها ، بر غیر طریقه تشیع مطابق مذهب شافعی ( تدریس می شده است . در کتاب محاسن اصفهان ، مفضل بن سعد ، مافروخی اصفهانی ، در این زمینه نوشته است :

وَ أَمْرٌ بِإِثْنَاءِ مَدْرَسَةٍ تُجَاوِرُ جَامِعَهَا ، لِلْفُقَهَاءِ الشَّافِعِيِّهِ ، فَابْتِئَتْ كَأَحْسَنِ مَارُؤِي هَيْأَهُ وَهَيْكَلًا وَصِنْعَهُ وَعَمَلًا وَمَحَلًّا وَمَنْزِلًا ، وَ عَلَى طَرَفِهَا مَنْارَةٌ عَجِيبَةُ الْوَضْعِ ، رَائِقَةُ الْأَصْلِ وَالْفَرْعِ ، يَصِيرُ عَدُّ ثَلَاثِ أَنْفُسٍ إِلَى أَعْلَاهَا فِي ثَلَاثِ دَرَجَاتٍ ، فَلَا يَرَى أَحَدٌ ضَاحِبَهُ إِلَى أَنْ يَعْلُوَهَا ، وَ قَدَرٌ مَا أَنْصُرِفَ فِي نَفَقَاتِهَا وَ الْمَوْقُوفِ عَلَيْهَا مِنَ الضِّيَاعِ وَ الْمَسِيحَاتِ الْمَوْسُومِ إِبْتِئَاعُهَا لِلْوَقْفِ عَلَيْهَا ، عَشْرَةَ آلَافٍ دِينَارٍ (۳).

و در گنجینه آثار تاریخی اصفهان می نویسد: حسین بن محمد بن ابی الرضا

ص: ۹۸

۱- راحه الصدور ، صفحه ۱۴۰

۲- تاریخ مدارس ایران ، صفحه ۱۲۸

۳- محاسن اصفهان ، صفحه ۱۰۴

علوی آوی، که محاسن اصفهان مافزوخی را، در سال ۷۲۹ هجری، به فارسی ترجمه کرده، در ذیل کتاب مزبور، که خود بر آن افزوده است، دربارهٔ مدرسهٔ خواجه نظام الملک اصفهان گوید که: این مدرسه در محلهٔ (دردشت) و در نزدیک جامع بزرگ، بر محلهٔ دردشت بر وصفی و اصلی هرچه خوبتر، و هیئتی و شکلی هرچه مرغوبتر، در غایت رفعت، از جهت صنعت و عمل، و نهایت رتبت، از طرف منزلت و محل، و بر در آن، مناری چون ستون قبیلهٔ آسمان، کشیده و دراز، و با عیوق و فرقدان، همنشین و همراز، عجیب شکل، بر سه پایه آن، صعود و عروج نمایند، تا بر کنگره و قفصه نرسند، خود را به یکدیگر نمایند، خرج بی پایان و بی حد بر آن صرف، و ضیاع بی شمار بی عدد بر آن وقف، چنان که هر سال مبلغ ده هزار دینار، محصول مستغلات و موقوفات بوده، و اکنون آن را بکلی مستأکله، ر بوده (۱).

چنانچه ملاحظه می‌نمائید، مدرسهٔ مهمی در نزدیکی جامع اصفهان بوده، و موقوفه و درآمد بسیار هنگفت داشته، منارهٔ آن از عجائب بوده، زیرا بسیار بلند بوده، و سه پلکان داشته، که تا قبل از رسیدن به سر مناره، راه بهم نداشته، و کسی که از یکی از آن پلکانها صعود می‌کرده، کسانی را که در دو پلکان دیگر بوده اند نمی‌دیده است، و در مجموع، مدرسه ای با شکوه بوده، که از نظر ساختمان و محل و نحوهٔ اداره شدن و ...، عالی‌ترین وضعیّت را داشته است.

البته باید توجه داشت که، متن عربی محاسن اصفهان، با آنچه در ذیل ترجمه محاسن اصفهان آمده، تقریباً یک نوع تشریح و توصیف است، ولی جای سؤال است که چرا این مطلب، در اصل ترجمه قرار نگرفته، و به عنوان ذیل ترجمه

ص: ۹۹

و از مترجم کتاب ، دانسته شده است .

این مدرسه و مناره یادشده، تا نیمه اول قرن هشتم ، در اصفهان باقی بوده و فقط أملاک و مستغلات موقوفه آن را تصرف کرده بوده اند ( چنانچه از ترجمه محاسن اصفهان که در سال ۷۲۹ نوشته شده ، استفاده می شود ) ولی زمان خراب شدن ساختمان آن معلوم نیست (۱).

قاضی ارجانی ( ارجانی ) اصفهانی ، که نسبش به جابر أنصاری می رسیده ، از مدرّسین نظامیه اصفهان ، در زمان خواجه نظام الملک ، بوده است (۲) . و مدرسه نظامیه اصفهان ، به خاطر عنوان مدرّس آن ( صدرالدین خجندی ) به «صدریه» هم ، مشهور بوده است (۳) .

البته باید توجه داشت که ، لقب «صدرالدین» در رؤسای شافعیه ، جزء ألقاب عمومی بوده ، و کسانی را که از خاندان خجندی ( آل خجد ) به ریاست شافعیه می رسیده اند ، به لقب «صدرالدین» ملقب می نموده اند ، و بیش از بیست نفر از آنها، لقب صدر الدین داشته اند ، که محمد بن ثابت بن علی خجندی ، متوفای ۴۸۳ ( سرسلسله خاندان آل خجد ) از طرف خواجه نظام الملک ، مدرّس نظامیه اصفهان گردیده است (۴) .

### قابل توجه

در فهرست نسخه های خطی کتابخانه مدرسه فیضیه قم ( تألیف محقق معاصر

ص: ۱۰۰

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۶۲

۲- آثار ملی اصفهان ، صفحه ۱۸۳ ، تاریخ اصفهان و ری ، صفحه ۲۱۵ - ۲۱۶

۳- تاریخ مدارس ایران ، صفحه ۱۱۹

۴- لغتنامه دهخدا ، ( عنوان خجندیان ) و تاریخ فرهنگ اصفهان ، صفحه ۵۸ - ۵۹

آقای شیخ رضا استادی ( نسخه ای از « شرح مختصر الأصول » عضد الدین ایچی مورد معرفی قرار گرفته ، که به خط نستعلیق محمد زمان حسینی اصفهانی می باشد ، و در یکشنبه ۲۶ ربیع الثانی ۹۲۶، در مدرسه نظامیه اصفهان ، نوشته شده است (۱).

احتمال می رود که این مدرسه ، همان نظامیه خواجه نظام الملک طوسی است ، که تا این زمان باقی مانده ، و احتمال داده می شود که ، مدرسه دیگری می باشد ، که بدین نام شهرت داشته است .

### ۳۵- مدرسه نقاشان

این مدرسه ، در تختگاه هارون ولایت شهر اصفهان واقع بوده ، و درویش یوسف کشمیری ( که از فنون علم بهره داشته ، و شعر می سروده ) مدتی در آن ، سکونت داشته است (۲).

در « مقاله اصفهان یا دارالعلم شرق » این مدرسه ، از مدارس قبل از دوره صفویه به شمار آمده است (۳).

و در کتاب « دارالعلم شرق » آمده است که : ظاهراً مدرسه نقاشان ، همان مدرسه هرون ولایت می باشد (۴).

ص: ۱۰۱

---

۱- فهرست نسخه های خطی مدرسه فیضیه قم، جلد ۱، صفحه ۱۵۷

۲- تذکره نصر آبادی ، صفحه ۲۰۴

۳- محیط ادب ، صفحه ۱۰۴

۴- دارالعلم شرق ( مخطوط ) ، صفحه ۲۵۲

شهر مزفزایِ بُوَد بزرگ

زنده است زنده رود که ایران بُوَد بزرگ

مست اصفهان زعلم و ، مَزْشهره همچوپا

این خطّ از قیام دلیران بُوَد بزرگ

راه ، هنرپیوی که باشد ، رهی نکو

یعنی به دانش و مهز انسان بُوَد بزرگ

ای اصفهان سپاس خدای غفور را

نام تو در تمام جهان همان بُوَد بزرگ

صدها مَز تراست که باشد به اشتها

دنیا به اعتراف که ایران بُوَد بزرگ

فَرّت رسد به مهر و شکوهت رسد به ماه

همواره رَتبت تو چو کیهان بُوَد بزرگ

همواره باد نام تو همراه عزّو جاه

راحت چو کهکشان و چو کیهان بُوَد بزرگ

ای شهر باهنر به جهان جاودان بمان

دی قدر تو بلند و به عنوان بُوَد بزرگ

نامت نویدبخش (طلانی) به شعرتر

دریای بخشش تو چون عَمّان بُوَد بزرگ

۳-مدارس علمیّه دوره صفویّه که باقی مانده است

اشاره

ص: ۱۰۳





## مدارس علمیه اصفهان از دوره صفویه که تاکنون باقی مانده است

در دوره صفویه، که مدرسه سازی بر مبنای فرهنگ و اندیشه و اعتقاد اسلامی، و در مسیر مکتب غنی تشیع، و تحت تأثیر هدایت‌های اهل‌البيت علیهم‌السلام، رواج و گسترش داشته است، بسیاری از علماء و ثروتمندان و معماران و هنرمندان و استادکاران حجاری، کاشی‌کاری، گچ‌بری، طراحی، نقاشی و خطاطی و ...، دست به دست هم داده، و مدرسه‌هایی مستحکم، زیبا، و باشکوه، و پربرکت، ساخته و به یادگار گذارده‌اند، که در طول چندین قرن، پابرجا مانده، و در حوادث سخت و شکننده طبیعی و تاریخی و اجتماعی، نه تنها محفوظ مانده، بلکه آثار و برکات مستمری داشته است.

و اینک به ترتیب حروف‌الفباء، به شرح حال آن مدارس و گوشه‌ای از عظمت و استحکام و زیبایی آنها، و نیز هنرها و ابتکاراتی که در آن مدارس، به کار گرفته شده، و هم چنین آثار و برکات علمی و دینی که از آن پایگاه‌های علم و دین به ظهور رسیده، می‌پردازیم

### مدرسه امام صادق علیه السلام

مقصود، مدرسه چهارباغ، (سلطانی) می‌باشد، و آن را تحت عنوان مدرسه چهارباغ بررسی نموده ایم به عنوان یاد شده، مراجعه شود.

### مدرسه ابراهیم بیک

مقصود، مدرسه امامزاده اسماعیل است، که به مناسبت نام بانی آن، به نام مدرسه ابراهیم بیک هم، خوانده شده است. به عنوان مدرسه امامزاده اسماعیل رجوع شود.

در کتاب آثار ملی اصفهان ، از مدرسه جلالیه ، با نام مدرسه أحمد آباد یاد شده است . به عنوان مدرسه جلالیه مراجعه شود

#### ۱- مدرسه اسماعیلیه

مدرسه ای است در کوچه قصر منشی الممالک ، منشعب از بازارچه حسن آباد و در نزدیکی خیابان نشاط و مساحت آن ۲۵ × ۲۵ متر می باشد ، و به صورت دو طبقه است ، و ساختمان اولیّه آن هنوز باقی می باشد .

این مدرسه به وسیله شخصیت بزرگ علمی ، مرحوم میر محمد اسماعیل خواتون آبادی متوفای ۱۱۱۶ هجری ، که مجتهدی بزرگ و زاهد و صاحب اثر بوده ، تأسیس گشته است (۱).

وی تألیفاتی داشته ، که از آن جمله ، تفسیری بزرگ بر قرآن ، در چهارده جلد می باشد ، و صاحب مقامات معنوی و کرامات بوده است (۲) .

مدرسه اسماعیلیه ، همانند بسیاری از مدارس ، سالهای زیادی متروکه گردیده بود، ولی در سالهای اخیر ، معمور و مسکونی گردیده ، و عموم حجرات آن محل سکونت طلاب حوزه علمیه می باشد .

#### ۲- مدرسه الماسیه

مدرسه ای است در محله چهارسوق مقصود ، و از مدارس نسبتاً کوچک اصفهان می باشد . بانی مدرسه ، حاج الماس نامی ، از غلامان دربار صفویه بوده ،

ص: ۱۰۶

۱- وقایع السنین و الأعوام ، صفحه ۵۵۵ - ۵۵۶

۲- رجال اصفهان ( تذکره القبور ) ، صفحه ۱۰۰

و به نوشته کتاب ( بخشی از گنجینه آثار ملی ) وقفنامه مدرسه ، به تاریخ یکهزار و یکصد و چهار هجری ، باقی می باشد (۱).

جابری أنصاری در حوادث سال ۱۳۵۵ قمری چنین می نویسد :

خرابی مدرسه ألماسیّه در چهارسوق مقصود ، و فروش آجرهای آن به دراهم معدود (۲).

ولی پس از گذشت چند سال ، مرحوم آیه الله ، حاج شیخ مهدی نجفی مسجد شاهی ، مدرسه را تجدید بنا نمودند ، ولی به جای دو طبقه قبلی ، تنها موفق به ساختن یک طبقه گردیدند . مدرسه ألماسیّه ، در حال حاضر معمور و مسکونی طلاب می باشد . در طول زمان ، عده ای از فضلاء و علماء ، در مدرسه ألماسیّه تحصیل علم یا تدریس نموده اند ، همانند :

۱- مرحوم شیخ محمد حسن بن ملا محمد لاری بیضاوی ، متوفای ۱۳۳۵ و مدفون در صحن إمامزاده أحمد ، که از فضلاء و مدرّسین بوده ، و از شاگردان حاج شیخ محمد باقر مسجد شاهی ( نجفی ) به شمار رفته است .

۲- مرحوم سید زین العابدین ابرقوئی ، متوفای ۱۳۷۲ قمری ، که از چهره های برجسته در زهد و تقوی ، و از شاگردان آقا سید محمد باقر درچه ای و آخوند کاشی بوده است .

۳- مرحوم آقای حاج سید مصطفی مهدوی هرستانی ، متوفای ۱۴۰۹ قمری ، که از شخصیت های مبرز حوزه علمیه اصفهان ، و از مراجع دینی در این شهر ،

ص: ۱۰۷

---

۱- آثار ملی اصفهان ، صفحه ۴۶

۲- تاریخ اصفهان و ری ، صفحه ۴۱۲ ، و نیز به أنساب خاندانهای مردم نائین صفحه ۱۲۳ مراجعه شود . تخریب یاد شده ، در دوره حاکمیت پهلوی اول ، و تهاجم او بر حوزه های علمیه ، و مراکز دینی بوده است

به شمار می رفتند، و مورد توجه مراجع بزرگ تقلید بوده، و در مدرسه جده بزرگ تدریس می نمودند.

۴- مرحوم آقای حاج شیخ عباسعلی اَدیب حبیب آبادی، متوفای ۱۴۱۲ قمری، که از علماء جامع معقول و منقول و ریاضی، و صاحب تألیفات متعدده بودند، و از مدرّسین نامدار حوزه علمیه اصفهان به شمار می رفتند.

۵- مرحوم آقای شیخ محمد رضا محقق خراسانی، که از فضلاء و مدرّسین مدرسه الماسیه، بوده است (۱).

### آثاری از مدرسه الماسیه

شخصی به نام محمد طیب هزار جریبی، نسخه ای از کتاب حدود و دیات، از علامه مجلسی را، در سال ۱۹۵۲ برای مولانا، آخوند محمد جعفر، در مدرسه خواجه الماس نوشته است (۲).

و هم چنین در سال ۱۳۰۴، محمد مهدی بن کربلانی محمد علی جابلقی، در مدرسه الماسیه، کتاب رضوان الاملین را، که حاشیه بر قوانین الاصول میرزای قمی است، و تألیف محمد بن عبد الصمد حسینی شهشهرانی می باشد، تحریر نموده است (۳).

### ۳- مدرسه امامزاده اسماعیل (( مدرسه ابراهیم بیک ))

یکی از مجموعه های بسیار ارزشمند تاریخی اصفهان، بناهای جالب امامزاده اسماعیل علیه السلام و مزار و مسجد شعیبای نبی علیه السلام و مدرسه امامزاده

ص: ۱۰۸

---

۱- دارالعلم شرق (مخطوط)، صفحه ۳۴

۲- فهرست نسخه های خطی کتابخانه مسجد اعظم قم، صفحه ۱۵۱

۳- فهرست نسخه های خطی کتابخانه مسجد اعظم قم، صفحه ۲۰۶ - ۲۰۷

اسماعیل است، که از نظر سابقه تاریخی و معماری و کاشی کاری و هنرهای دیگر، در ردیف مجموعه های ارزشمند و برجسته به شمار می رود.

در کتاب تاریخ اصفهان و ری آمده است:

صحن و بقعه و مسجد و مدرسه و مقبره، تقریباً بیش از سه هزار ذرع، دارای مبانی شگرف بوده، و کاشی کاری مُعَرَّق و نقاشی مُنَّح و دربهای مُبْت چوبی و فولاد کاری داشته، دربِ دالانِ مستطیلِ ضریح، قطعه جواهر صنعتی بود، که ذره ذره های زر را، با چکش در پولاد به کار برده، هر زمان به زیارت بقعه میرفتم تا نیم ساعت چشم از استادی آن پولاد ساز، با زرکوبی و نازک کاری در آن، بر نمی گرفتم... و گنبد چهارسوقِ اِمَامزاده، بسی عالی بود...، دربِ مُبْتِ داخل، که راهرو ضریح به قبر شعیا است زمان شاه محمود بن امیر مبارز الدین مظفری، حدود هفتصد و کسری نصب شده، آسامی دوازده اِمَام، میان درب و اطراف، با خطی خوش به صنعت درودگری بر آن مرقوم است...، دستگاه اِمَامزاده اسماعیل عَلَیْهِ السَّلَام بسیار عالی بوده، خانه هائی اطراف داشته که در آن، شمع مومی ریختندی، و مخصوصاً دو شمع مومی، شبهای جمعه روشن می کردند، در شمعدان طلا، که بلندی شمع به حدی بود که با نردبان آن را روشن می ساختند (۱).

اطراف صحن اِمَامزاده اسماعیل عَلَیْهِ السَّلَام، حجره های زیادی ساخته شده، که از اوّل تأسیس، به منظور تحصیل علم و سکونت طلاب در نظر گرفته شده، و عنوان «مدرسه علمیّه دیتیه» داشته است.

کتیبه سردر اصلی اِمَامزاده اسماعیل عَلَیْهِ السَّلَام، حاکی از اقدام حاج محمّد ابراهیم

ص: ۱۰۹

بیک یوز باشی ، نسبت به تعمیر و تزیین بنای تاریخی امامزاده اسماعیل ، در دوره سلطان حسین صفوی می باشد ، که در سال ۱۱۱۵ به پایان رسیده است، و در طرفین در ، به خط نستعلیق سفید بر زمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ ، اشعاری نوشته شده (۱) ، که از آن جمله است:

أول ابراهیم، از امر شهنشاه جهان \*\*\* آن که محمود دو کون ، از طالع مسعود شد

در صفای بقعه و سعی بنای مدرسه \*\*\* کین عمارات ، از علو همتش موجود شد

و نیز ، در دو اسپر طرفین در چوبی صحن به خط بنائی نوشته شده :

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ أَلِهِ : أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَ عَلِيٌّ بَابُهَا

همانطوری که ملاحظه می نمائید ، عنوان مدرسه ، در متن برنامه ریزی برای این مجموعه ساختمانی عظیم و زیبا ، بوده است .

آقای رفیعی مهرآبادی ، پس از نقل اشعار مذکور می نویسد: از کتیبه مذکور معلوم می گردد ، که مجموعه بنای امامزاده اسماعیل ، علاوه بر مسجد و مرقد شعیا علیه السلام ، شامل مدرسه هم بوده است ، که به وسیله ابراهیم بیک یوزباشی ، به فرمان سلطان حسین صفوی ، مورد تعمیر قرار گرفته است (۲) .

و هم چنین در صفحه ۴۳۳ آثار ملی اصفهان ، می نویسد: این مدرسه ، مدرسه امامزاده اسماعیل ( ، در صحن امامزاده اسماعیل ، ساخته شده است .

مدرسه امامزاده اسماعیل ، که به مناسبت نام بانی آن ، مدرسه ابراهیم بیک

ص: ۱۱۰

---

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۵۴۰

۲- آثار ملی اصفهان ، صفحه ۰۷۵۹

هم نامیده شده، در حوادث تلخ تاریخی، متروکه گردیده، و در دوره حکومت پهلوی، محل سکونت مساکین و آوارگان قحطی و خشکسالی گردیده بود، و نویسنده کمترین، از دوران کودکی میدیدم، که خانواده هائی از روستائیان مسکین، در حجره های آن سکونت داشتند، تا آن که با کمک جمعی از مؤمنین، و نظارت حضرت حجه الاسلام و المسلمین، آقای حاج آقا محمد فقیه احمدآبادی (دائی نویسنده)، حجرات و صحن امامزاده تعمیر گردید، و با موافقت ایشان، اینجانب، در سال ۱۴۰۰ قمری، عده ای از طلاب حوزه علمیه را، در حجرات مدرسه إسکان دادم، و در حال حاضر، مدرسه یاد شده، آباد و مسکونی طلاب می باشد.

مرحوم آیه الله، آقا سید محمد تقی موسوی فقیه احمد آبادی، متوفای ۱۳۴۸ قمری، صاحب کتاب نفیس «مکیال المکارم»، و پدرشان، مرحوم آقا میرزا عبدالرزاق موسوی، متوفای ۱۳۱۹ قمری، که از علماء جلیل القدر بوده است، در مسجد امامزاده اسماعیل، (مسجد شعیبای نبی) امامت جماعت داشته، و بر این مجموعه عظیم مذهبی نظارت می نموده اند، و هم چنین پدران آنها، تا زمان جد اعلایشان، میر محمد تقی موسوی (۱) در این مجموعه دینی و علمی، دخالت و نظارت و کوشش علمی و ارشادی داشته اند.

مرحوم آیه الله العظمی، آقا سید ابوالحسن اصفهانی، در سالهای اقامت و تحصیلشان در حوزه علمیه اصفهان، مدتی در مدرسه امامزاده اسماعیل، اقامت داشته اند.

ص: ۱۱۱

---

۱- میر محمد تقی موسوی، وزیر شاه صفی صفوی بوده است (سیری در تاریخ تخت فولاد صفحه ۱۳۴)

مرحوم آقا سید محمود کلشادی، متوفای ۱۳۲۴ قمری، معروف به «سید مغنی گوی» (که از مدرسین بزرگ و مشهور و ادیب و شاعر و صاحب تألیفات عدیده، بوده (۱)) در مدرسه امامزاده اسماعیل، تدریس می نمود، و یکی از شاگردان مبرز آن بزرگمرد، مرحوم آیه الله سید محمد تقی فقیه أحمدآبادی، بوده است (۲) (۳).

### مدرسه جدّه

در مدرسه در بازار بزرگ اصفهان، و در نزدیکی یکدیگر، و در یک دوره، ساخته شده است، که هر دو به نام جدّه می باشند، ولی یکی به نام جد بزرگ، و دیگری به نام جدّه کوچک، و گفته میشود، مدرسه اول را جدّه کوچک شاه عباس ثانی، و دومی را جدّه بزرگ او، به نام دلارام خانم، ساخته است (۴) ولی به مناسبت مساحت و وسعت زیاد مدرسۀ اول، او را به نام جدّه بزرگ نام برده، و به دلیل فضای کوچکتر مدرسه دوم، آن را به نام جدّه کوچک، نامیده اند (۵).

در یادکردن از این دو مدرسه، عموماً با قید کوچک و بزرگ، مقصود گوینده

ص: ۱۱۲

---

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۴۹۴، و سیری در تخت فولاد، صفحه ۱۴۹

۲- اظهارات فرزند ایشان، حاج آقا محمد فقیه أحمد آبادی دام عزه

۳- در باره مجموعه مسجد و مدرسه و مزار امامزاده اسماعیل، در بخش امامزاده ها) و نیز بخش (بقعه های علمی بررسی های دیگری داریم

۴- در کتاب آثار ملی اصفهان، صفحه ۴۴۳، احتمال داده شده، که بانی هر دو مدرسه، یک نفر باشد به نام دلارام خانم، (جدّه شاه عباس ثانی) و عنوان بزرگ و کوچک، منحصرأ مربوط به وسعت و مساحت مدرسه است

۵- گنجینه آثار تاریخی اصفهان - آثار ملی اصفهان - تاریخ فرهنگ اصفهان - تاریخ مدارس ایران - دارالعلم شرق



یا نویسنده، مشخص می شود، ولی گاهی از قیده‌های یاد شده، استفاده نمی شود و با بکار بردن عنوان مدرسه جده، همان

#### ۴- مدرسه جد بزرگ

، اراده میشود چنانچه در تذکره نصرآبادی در چندین مورد، از شاگردان محقق نامدار و بزرگ قرن یازدهم، مرحوم آقا حسین خوانساری یاد نموده، و نوشته است: در مدرسه جده ساکن هستند، و با توجه به اینکه مرحوم آقا حسین خوانساری، تولیت و تدریس مدرسه جده بزرگ را بر عهده داشته، و مرحوم آقا جمال خوانساری، فقیه و محقق بزرگ، در همین مدرسه تدریس مینموده (۱) و تا سال ۱۳۰۸ شمسی (نیمه اول قرن چهاردهم قمری) تولیت مدرسه با خاندان آقا جمال خوانساری بوده (۲) و هم چنین با توجه به عظمت مدرسه جده بزرگ، در انظار طلاب و عموم مردم، و تدریس مدرسین بزرگ هر زمان در آن مدرسه، اطلاق عنوان مدرسه جده، به مدرسه جده بزرگ منصرف می گردد.

و اینک هرکدام از دو مدرسه یاد شده را مورد بررسی قرار میدهیم. ۴- مدرسه جد بزرگ

مدرسه باشکوهی است، واقع در بازار بزرگ اصفهان، و در نزدیکی چندین مدرسه مهم دیگر از قبیل: مدرسه صدر - مدرسه ملا عبد الله - مدرسه جده کوچک که در نیمه اول قرن یازدهم هجری تأسیس گشته، و در تاریخ ۱۰۵۸ کتیبه آن نصب گردیده است.

قسمتی از این کتیبه، که در سر در این مدرسه، به خط ثلث سفید بر زمینه کاشی لاجوردی، به خط محمد رضا امامی نصب گردیده، چنین است:

ص: ۱۱۳

---

۱- تذکره نصرآبادی، صفحه ۱۵۲

۲- آثار ملی اصفهان، صفحه ۴۴۲

قَدْ وَقَفَتْ عَلَيْهَا حَضْرَتُ الْمُفَخَّمَةِ الْمُكْرَمَةِ ..... جَدُّهُ السَّيِّدُ الْإِمَامُ الْأَعْظَمُ ، مُرُوجُ مَذَهَبِ الْأَئِمَّةِ الْإِثْنِي عَشَرَ .. أَبُو الْمُظَفَّرِ ، شَاهِ عَبَّاسِ الثَّانِي الصَّفَوِيِّ .... بَيْنَاءِ هَذِهِ الْمَدْرَسَةِ الْمُبَارَكَةِ ، وَ وَقَفَهَا عَلَى الطَّلَبَةِ الْإِثْنِي عَشْرِيَّةِ ... فِي ثَمَانٍ وَ خَمْسِينَ وَ أَلْفٍ ، كَتَبَهُ مُحَمَّدُ رِضَا الْإِمَامِيِّ (١).

مدرسه جدّه دو طبقه است ، و در طرف شمالی و جنوبی آن ، دو مدرس ، و در طرف شرقی آن ، یک مسجد ساخته شده ، و حجرات مدرسه که در حدود ۷۰ باب میباشد ، در طبقه اول و دوم قرار گرفته ، و نمای مدرسه با کاشیکاری تزئین گردیده است .

در ضلع شرقی مدرسه ، به خط نستعلیق مشکی ، بر زمینه کاشی خشت زرد رنگ ، بالای درب مسجد ، این جمله نوشته شده است :

« گشت تعمیر این خجسته بنا ۱۳۳۴ »

مدرسه جدّه بزرگ ، همانند عموم مدارس دینی ، سالهای رکود و نیمه تعطیلی یا تمام تعطیلی دوره پهلوی اول را پشت سر گذاشت ، و در اواخر قرن چهاردهم ، با همت جمعی از مؤمنین تعمیری اساسی یافت ، و هم اکنون در زمره مدارس آباد و کاملاً مسکونی می باشد ، و محل تحصیل و سکونت طلاب حوزه علمیه است . جوی آبی که در وسط مدرسه بوده ، و بر زیبایی و صفای مدرسه می افزوده ، خشک شده ، و فعلاً وجود ندارد . مرحوم جناب در کتاب «الإصفهان» ، طول و عرض مدرسه را ۵۰ × ۸۰ و تعداد حجرات آن را ۶۷ و تعداد طلاب آن را ، پنجاه نفر می نویسد (۲) .

ص: ۱۱۴

---

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۵۵۳

۲- الإصفهان ، چاپ دوم، صفحه ۱۱۰

مدرسه جده بزرگ از ابتدای تأسیس ، محل تحصیل فضلاء ، و تدریس بزرگان حوزه علمیه بوده ، که ذیلاً به جمعی از آنها اشاره می نمایم :

۱- استاد الكلّ فی الكلّ، ذو الجمالین ، استاد الحکماء و المتکلمین ، مربّی آلفقهاء و المحدثین ، فرید الدّهر و وحید آلعصر ، علامه معقول و منقول، حلال مشکلات علمیّه ، و جامع بین فطانت و سرعت انتقال ذهنی و کوشش و تلاش تحقیقی ، مرحوم آقا حسین بن جمال الدین خوانساری ، مشهور به محقق خوانساری و متوقای ۱۰۹۸ یا ۱۰۹۹ قمری .

وی ، به نوشته نصرآبادی در تذکره اش « تولیت و تدریس مدرسه جدّه را بر عهده داشته ، و عمده فضلاء ، در حاشیه درس آن قبله عرفاء حاضر شده ، استفاده می نمایند، و خود در منزل به إفاده مشغولند(۱)».

۲ - فقیه محقق ، حکیم مدقق ، اصولی متفکر ، جمال الدّین و المحققین ، مولی محمد بن آقا حسین ، معروف به « آقا جمال خوانساری » ، متوقای ۱۱۲۱ یا ۱۱۲۵ هجری ، که از مفاخر علمی حوزه علمیه اصفهان ، و از مدرّسین و مؤلّفین نامدار بوده، و حاشیه های او بر : «شرح لمعه» و «شرائع» و «شرح إشارات» و «شفاء» و «من لا یحضره الفقیه» و «غرر و درر آمدی» و دیگر تألیفات آن بزرگمرد ، نشانه قدرت اندیشه و تبحر علمی و جامعیت در علوم و فنون، میباشد . وی ، به نوشته تذکره نصرآبادی « هر روز به مدرسه جده می آمده ، و طلاب علوم دینیه ، از همان مدرسه و دیگر مدارس حوزه اصفهان ، از حوزه درسی او مستفید می شده اند (۲)».

ص: ۱۱۵

---

۱- تذکره نصرآبادی ، صفحه ۱۵۲

۲- تذکره نصرآبادی ، صفحه ۱۵۲

۳- ملاّ شعيبا خوانساری ، که عالمی وارسته و بسیار مؤدّب و مورد علاقه شديد مرحوم محقق خوانساری بوده ، و در سال ۱۰۸۳ وفات یافته ، و از ساکنین مدرسه جده بوده است (۱).

۴- ميرزا معزّ موسوی قمی ، متخلص به فطرت ، که جوان لایق و فاضلی بوده و دو سال در مدرسه جده ساکن گردیده و از درس و محضر محقق خوانساری ، استفاده نموده است (۲).

۵- مولی محمد علی شوشتری ، که از شاگردان محقق خوانساری ، و ساکن مدرسه جده بوده است (۳).

۶- ملاّ نصیرا ، متخلص به « مشتاق » ، که اصلاً تویسرکانی بوده ، و در مدرسه جده ساکن گردیده ، و از شاگردان محقق خوانساری بوده است (۴).

۷- حسن بیك طهرانی ، که مدتی در مدرسه جده ساکن بوده ، و شعر نیز می سروده است (۵).

۸- حکیم و شاعر و خطاط نامدار ، آقا محمد کاظم واله ، متوفای ۱۲۲۹ قمری ، که مورد توجه مردم ، و از ساکنین مدرسه جده بوده است (۶).

۹- آخوند ملاّ محمد حسین کرمانی ، متوفای ۱۳۳۰ قمری ، که مجتهدی زاهد و مرجعی متواضع بوده ، و استادهائی همانند : آقا شیخ محمّد باقر مسجد شاهی

ص: ۱۱۶

۱- تذکره نصرآبادی ، صفحه ۱۹۴

۲- تذکره نصرآبادی صفحه ۱۷۶

۳- تذکره نصرآبادی ، صفحه ۱۸۵

۴- تذکره نصرآبادی ، صفحه ۱۹۶

۵- تذکره نصرآبادی ، صفحه ۲۰۶

۶- دار العلم شرق (مخطوط) ، صفحه ۶۲

و آقا میرزا محمد باقر چهارسوقی و ملا حسینعلی تویسرکانی داشته ، و از

طلاب مدرسه جده ، و سپس از مدرّسین همین مدرسه بوده ، و از آثار دینی و اجتماعی او ، علاوه بر قضاوت شرعی و حلّ مشکلات دینی و اجتماعی مردم ، تجدید بنای مسجد نور و رضوان در اصفهان می باشد (۱).

۱۰ - شیخ حسن دشتکی ، که عالمی فاضل و از شاگردان : حاج میرزا بدیع درب امامی و آخوند ملا حسین کرمانی و آقا سید محمد باقر درجه ای بوده ، و در مدرسه جده سکونت داشته ، و تدریس ادبیات و سطوح فقه مینموده ، و در سال ۱۳۴۴ وفات یافته است (۲) .

۱۱ - فقیه و مجتهد و محقق و مرجع بزرگوار ، مرحوم حاج میر محمد صادق مدرّس خواتون آبادی ، متوفای ۱۳۴۸ قمری ، که از رؤسای علماء و از مدرّسین افتخار آفرین حوزه علمیه اصفهان بوده ، و حوزه درسی او از عظمت برجسته ای برخوردار بوده است . وی در حوزه اصفهان و نجف تحصیل علم نموده ، و از درس دو چهره علمی نامدار ، آقا سید محمد کاظم یزدی و آخوند ملا محمد کاظم خراسانی بهره گرفته ، و از خواص مرحوم آخوند خراسانی ، و یاور ایشان در تألیف کتاب شریف کفایه الأصول بوده است ، و پس از مراجعت به اصفهان ، علاوه بر مرجعیت دینی و اجتماعی ، مدرس بزرگ مدرسه جده بوده ، و حوزه درسی او ، « مجمع أفاضل » به شمار می رفته است .

۱۲ - فقیه مجتهد و اصولی محقق ، آقا سید محمد نجف آبادی ، متوفای ۱۳۵۸ قمری ، که از چهره های مبرز علمی اصفهان و از مراجع دینی بوده ، و حوزه

ص: ۱۱۷

---

۱- دارالعلم شرق (مخطوط) ، صفحه ۶۱-۶۲

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۲۴۹

درسی برجسته داشته است .

وی از شاگردان بزرگانی ، همانند : آقا سید محمد کاظم یزدی و آخوند خراسانی و حاج آقا رضا همدانی و آقا سید محمد فشارکی و ... ، بوده ، و دو جلد حاشیه ایشان ، بر کفایه الأصول ، از حواشی برجسته آن کتاب شریف ، می باشد .

مرحوم آقا سید محمد نجف آبادی ، در مدرسه جدّه بزرگ و مدرسه صدر و ... ، تدریس می نموده اند .

۱۳ - مرحوم حاج شیخ محمد حسن نجف آبادی ، متوفای ۱۳۸۴ قمری ، که عالمی مجتهد ، و فقیهی زاهد ، و مدرسی نامدار و متبحر بوده ، و استادهائی ، همانند : آخوند ملا محمد حسین کرمانی و آقا سید محمد باقر درچهای و آخوند کاشی و جهانگیر خان قشقائی ( در اصفهان ) ، و آخوند خراسانی ( در نجف اشرف ) داشته ، و خود ، در مدرسه جده ، به تدریس اشتغال داشته است .

حوزه درسی مرحوم نجف آبادی ، مجمع أفاضل بوده، و در زمینه علم و تقوی و زهد و معنویت و علاقه به خاندان رسالت ، و ایشان از مفاخر حوزه علمیه اصفهان به شمار می رود . نشانه علاقه شدید او به مقام أهل البيت عليهم السلام کتاب « فضیله السیاده » او ، درباره سادات و اهمیت آنان می باشد ، و این کتاب به چاپ رسیده است (۱).

۱۴ - فقیه و مجتهد محقق ، مرحوم آیه الله ، حاج سید علی علامه فانی ، متوفای ۱۴۰۹ قمری ، که از چهرهای برجسته علمی و صاحب تألیفات بسیار و حوزه درسی مورد توجه در حوزه نجف و قم بودند، و چندین سال ، در فصل تابستان و ماه مبارک رمضان ، در هنگام اقامت در شهر اصفهان ، در مدرسه جدّه بزرگ،

ص: ۱۱۸

تدریس فقه و اصول و تفسیر می نمودند .

۱۵ - فقیه زاهد و عالم ربّانی ، مرحوم آیه الله ، حاج سید مصطفی مهدوی هرستانی ، متوفای ۱۴۰۹ قمری ، که از علماء متنقد و محبوب اصفهان ، و مورد توجه مراجع عالیقدر تقلید ، و از چهره های شایسته حوزه علمیه اصفهان بودند ، و حوزه درسی ایشان، در مدرسه جدّه بزرگ تشکیل می گردید .

۱۶ - مدرّس حکیم و ریاضی هیوی ، و فقیه اصولی و عالم جامع ، مرحوم آیه الله ، حاج شیخ عباسعلی ادیب ، متوفای ۱۴۱۲ قمری ، که از معمرین علماء اصفهان ، و از مدرّسین پر تلاش حوزه علمیه بودند ، و در چندین مدرسه و از جمله ، مدرسه جدّه بزرگ تدریس می نمودند .

علاوه بر مدرّسین یاد شده ، در دوره های مختلف ، شخصیت های علمی دیگری نیز در این مدرسه ، تدریس و یا تحصیل داشته اند (۱) که ذکر همه آنها به درازا میکشد .

### آثاری از مدرسه جدّه بزرگ

در کتابخانه جامع گوهرشاد ، نسخه ای از کتاب «المطالع السعیده» فی شرح آفریده ، تألیف سیوطی وجود دارد، که محمد مهدی بن محمد هاشم ، در ماه شوال ۱۱۰۵ در مدرسه جدّه کبیره اصفهان ، نوشته است (۲) .

و نیز در کتابخانه آستانه قدس رضوی علیه السلام نسخه ای از کتاب « شرایع

ص: ۱۱۹

---

۱- همانند : آقا شیخ محمد حسن مشکینی ، فرزند آقا شیخ علی بن شیخ أبو القاسم عاملی ( از أعقاب شهید ثانی ) ، متوفای ۱۳۶۸ قمری ، که عالمی فاضل و حکیمی فقیه بوده ، و مدرس فقه و اصول و حکمت در مدرسه جدّه بوده است (سیری در تخت فولاد، صفحه ۷۵).

۲- دارالعلم شرق (مخطوط ) ، صفحه ۶۱ (برگه ضمیمه)

الإسلام» محقق حلی وجود دارد، که به خط کاظم بن حسنعلی می باشد، و در ربیع الثانی ۱۲۳۱، در مدرسه جده بزرگ اصفهان نوشته شده است (۱).

و در کتابخانه دانشکده حقوق، نسخه ای از کتاب «مغنی اللیب» وجود دارد، به خط عبد الحکیم حسینی تفرشی، که آن را در مدرسه جده اصفهان نوشته است (۲) و ظاهراً مراد، مدرسه جده بزرگ می باشد.

و همچنین، در کتابخانه جامع گوهرشاد، نسخه ای از «شرح لمعه» موجود است، که در سال ۱۰۸۵، در مدرسه جده نوشته شده، و نسخه ای از کتاب «نظم اللالی» سید أبو القاسم استرآبادی موجود است، که به وسیله محمد بن علی أصغر قائنی، در رمضان ۱۲۵۴ در این مدرسه نوشته شده است (۳).

و نیز در کتابخانه آیه الله، مرعشی نجفی، مجموعه ای وجود دارد از رساله هائی در طب، که به خط نستعلیق محمد حسن بن محمد رحیم خوئی می باشد، و در سال ۱۲۴۰ در مدرسه جده اصفهان نوشته شده، و به وسیله کاتب وقف شده است (۴).

#### ۵- مدرسه جده کوچک

مدرسه ای است واقع در بازار قهوه کاشیها (منشعب از بازار بزرگ) که در نزدیکی مدرسه جده بزرگ واقع شده است.

بانی مدرسه، جده شاه عباس ثانی، به نام دلارام خانم بوده، و تاریخ نصب کتیبه داخل مدرسه، ۱۰۵۷ می باشد. حجرات مدرسه ۳۸ عدد و به صورت

ص: ۱۲۰

---

۱- فهرست کتابخانه آستانه قدس رضوی، جلد ۵، صفحه ۴۵۴

۲- دار العلم شرق (مخطوط)، صفحه ۵۹

۳- دار العلم شرق (مخطوط) صفحه ۱۶۱ برگه ضمیمه

۴- فهرست نسخه های خطی کتابخانه آیه الله، مرعشی نجفی قم، جلد ۱۲، صفحه ۱۲۲-۱۲۴



دو طبقه می باشد ، و به نوشته مرحوم جناب در ( آلاصفهان ) طول و عرض مدرسه ۲۵ × ۲۵ می باشد (۱).

مدرسه جده کوچک ، از دو قسمت تشکیل شده ، یکی صحن اصلی و حجرات مدرسه ، و دوم صحنی کوچک و شبستانی که مدرس مدرسه ، به شمار می رود .

کتیبه سردر مدرسه ، مشتمل بر جمله هائی است که قسمتی از آن چنین است

قَدْ وَفَّقَتْ عَلِيَا حَضْرَتَ الْمُفَخَّمَةَ الْمُكْرَمَةَ الْمُعَظَّمَةَ، النَّبِيلَةَ الْجَلِيلَةَ الْعَالِيَةَ جَدَّهُ السُّلْطَانَ الْأَعْظَمَ .. مُرَوِّجَ مَذْهَبِ الْأَثْنَةِ الْإِثْنَى عَشْرَ عَلَيْهِمُ السَّلَامَ ، أَبُو الْمُظَفَّرِ شَاهِ عَبَّاسِ الثَّانِي الْحُسَيْنِي الصَّفَوِيّ ..... بِنَاءِ هَذِهِ الْمَدْرَسَةِ الْمُبَارَكَةِ وَ وَقَفَهَا عَلَي الطَّلَبَةِ الْإِثْنَى عَشْرِيَّةِ ، وَ جَعَلَتْ ثَوَابَهَا هَدِيَّةً لِرُوحِ خَلْفِ السَّلَاطِينِ الْعِظَامِ ..... السُّلْطَانِ صَيْفِي مِيرْزَا بِحَقِّ النَّبِيِّ سَيِّدِ الْكَوْنَيْنِ ، كَتَبَهُ مُحَمَّدٌ رِضَا الْإِمَامِي فِي ١٠٥٦ (٢) .

مدرسه جده کوچک ، در طول تاریخ موجودیتش ، محلّ تحصیل و تدریس فضلاء و علماء بزرگی بوده است ، که ذیلاً به نام برخی از آنها اشاره می نمائیم .

۱- حکیم متکلم و فیلسوف فقیه ، آخوند ملا محمد کاشانی ، معروف به آخوند کاشی ، متوفای ۱۳۳۳ که از مفاخر علمی و از چهرهای مبرز در سیر و سلوک معنوی بوده ، و در دوران تحصیل ، در مدرسه جده کوچک سکونت داشته است .

۲- عالم ادیب و مدرّس فقیه ، میرزا علی محمد نائینی ، متوفای ۱۳۳۴ قمری که از شاگردان جهانگیر خان ( در اصفهان ) و آیه الله میرزا محمد تقی شیرازی

ص: ۱۲۱

۱- الإصفهان ، چاپ دوم، صفحه ۱۱۰

۲- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۵۵۵ - ۵۵۶

( در عراق ) بوده است . وی ، اجازه اجتهاد از حاج میر محمد صادق مدرّس

خاتون آبادی ) داشته ، و حجره او در مدرسه جدّه کوچک بوده ، و در جوانی از دنیا رفته است (۱).

۳- مدرّس محقّق و عالم زاهد ، سیّد میرزا اردستانی ، متوفّای ۱۳۵۱ قمری ، که از ساکنین و مدرّسین مدرسه جدّه کوچک بوده است .

۴- عالم محقّق و مدرّس موفق و زاهد متّقی ، شیخ محمّد علی مدرّس فتحی دزفولی ، متوفّای ۱۳۵۷ قمری که شخصیتی ارزشمند در علم و عمل ، و صاحب تألیف بوده ، و در مدرسه جدّه کوچک تدریس می نموده است .

۵- فقیه متکلم و مجتهد مجاهد ، و جامع معقول و منقول ، سیّد حسن مدرّس سرابهای اِسفهای قمشه ای ، اصفهانی ، شهید سال ۱۳۵۷ قمری ، که از چهره های بزرگ و نامدار روحانیت ، در عالم مبارزه و جهاد و شهادت است ، و مبارزات و مخالفت‌های او با حکومت پهلوی اول ، و استعمار انگلیس ، عالمگیر میباشد . وی ، مدّتها ، در مدرسه جدّه کوچک ، تدریس فقه و اصول مینموده است .

۶- مدرّس محقّق و فاضل ، شیخ هبه الله هرنندی ، متوفّای ۱۳۶۶ قمری ، که از شاگردان آقا سیّد محمد نجف آبادی و آقا میر سیّد علی نجف آبادی و حاج میر محمد صادق خواتون آبادی بوده ، و در مدرسه صدر و جدّه کوچک ، تدریس می کرده است . علاوه بر یاد شدگان ، عدّه دیگری از علماء و مدرّسین و فضلاء از ساکنین یا مدرّسین مدرسه جدّه کوچک بوده اند .

### آثاری از مدرسه جدّه کوچک

نسخه ای از « شرح فصوص الحکم » داود قیصری ، به خطّ نستعلیق حیدر

ص: ۱۲۲

علی سرحدی ، در کتابخانه جامع گوهرشاد موجود است ، که در سال ۱۲۲۸ ، در مدرسه جدّه کوچک ، نوشته شده است (۱) .  
و در کتابخانه دانشکده حقوق ، نسخه ای از کتاب « میراث » مولی محمد تقی بن حسینعلی اصفهانی موجود است ، که آن را  
محمد کریم بن حاج محمد ابراهیم قمی ، در جمادی الأولى ۱۲۷۶ ، در مدرسه جدّه کوچک ، کتابت نموده است (۲) .

#### ۶- مدرسه جلالیه

مدرسه ای است در خیابان احمد آباد ، که در دوره سلطان حسین صفوی ، به وسیله جلال الدین محمد طیب ( پزشک خاص  
حرم سلطان صفوی ) ، متوفای ۱۱۳۱ قمری ، ساخته شده ، و کتیبه آن که در سر در مدرسه ، نصب شده ، مشتمل بر این  
جملات می باشد :

قَدْ وَفَّقَ لِبِنَاءِ هَذِهِ الْمَدْرَسَةِ الْمُبَارَكَةِ ، بِمِائِنِ دَوْلَةِ السُّلْطَانِ الْأَعْظَمِ ، مُرَوِّجِ مِذْهَبِ آبَائِهِ الْأَيْمَةِ الْمَعْصُومِينَ .. أَبُو الْمُظَفَّرِ شَاهِ  
سُلْطَانِ حُسَيْنِ الْمَوْسَوِيِّ الصَّفَوِيِّ ... طَيْبِ خُدَامِ حَرَمِهِ الْعَلِيِّ الدَّاعِي لِخُلُودِ دَوْلَتِهِ ، جَلَالُ الدِّينِ مُحَمَّدٌ فِي ۱۱۱۴

در پشت بغل سردر مدرسه جلالیه ، به خط نستعلیق سفید ، بر کاشی لاجوردی رنگ ، دو بیت زیر نوشته شده است :

أجر و تاریخ این بنای رفیع

خواستم از خدا و خیر آنام

بشنیدم ندا ز عالم غیب

بدهد ذو الجلال و الإکرام (۳)

۱۱۱۴

ص: ۱۲۳

---

۱- دار العلم شرق (مخطوط) ، صفحه ۶۵ (برگه ضمیمه)

۲- دار العلم شرق (مخطوط) ، صفحه ۶۶

۳- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۶۶۱

ولی با حساب دقیق ، مصرع ( بدهد ذو الجلال و الإکرام ) به حروف أبجد مطابق ۱۱۱۵ خواهد بود .

محل دفن جلال الدین محمد طیب ، در ضلع شمالی مدرسه ، در اطاق وسط می باشد ، که به عنوان مدرس مورد استفاده قرار می گیرد .

## ۶- مدرسه جلالته

۱۲ حجره اصلی در یک طبقه ، و ۳ حجره در طبقه فوقانی دارد ، و مساحت آن  $30 \times 35$  متر می باشد ، و جزء آثار تاریخی و میراث‌های فرهنگی ، محسوب گردیده است .

در دوران حکومت پهلوی اول ، مدرسه جلالیه به تصرف عدوانی اداره فرهنگ در آمد ، و تبدیل به دبستان پسرانه گردید ، و در سال ۱۳۸۴ قمری ، ( آذرماه ۱۳۴۴ شمسی ) ، با اقدامات مرجع عالیقدر شیعه :

حضرت آیه الله العظمی ، آقای حاج سید محمد رضا گلپایگانی قدس سره

به حوزه علمیه باز گردانده شد ، و با همت مرحوم آیه الله حاج شیخ مرتضی اردکانی ، تعمیر اساسی یافت ، و مسکونی طلاب گردید (۱) . و کتابخانه ای نیز در آن دایر گشت ، و عده ای از مدرسین به تربیت و تعلیم طلاب اشتغال یافتند .

مدرسه جلالیه در طول زمان ، محلّ تحصیل و تدریس جمعی از علماء و فضلاء بوده ، مثلاً: پدر نویسنده کمترین ، مرحوم آیه الله ، آقای حاج سید مرتضی موحد ابطحی ، متوفای ۱۴۱۳ قمری ، و مرحوم حجه الاسلام و المسلمین ، آقای حاج سید مصطفی موحد محمدی ، در دوران طلبگی در این مدرسه تحصیل

ص: ۱۲۴

---

۱- در لوحه ای از کاشی ، در سردرب مدرسه ، چنین کتیبه شده است : هو العلیم ، به امر مبارک حضرت آیه الله العظمی ، آقای گلپایگانی ، و همت عالی حضرت حجه الاسلام آقای اردکانی ، مدرسه جلالته ، در تاریخ آذرماه ۱۳۴۴ ، به تصرف وقف و طلاب علوم دینیّه در آمد

علم نموده اند، و نویسنده این سطور ( حاج سید حجه موحد ابطحی ) و نیز حجه الاسلام و المسلمین ، آقای حاج شیخ مهدی فقیه ایمانی ، و برخی دیگر از مدرسین ، پس از بازگرداندن مدرسه به حوزه علمیه ، از سال ۱۳۸۵ قمری به بعد ، در این مدرسه ، به تدریس علوم حوزه‌های اشتغال داشته ایم .

در کتابخانه مدرسه رضویه قم ، نسخه ای از کتاب « شوارق لاهیجی » موجود است ، که به خطّ أبو القاسم بن أحمد حسینی ، کزازی الأصل، اصفهانی المسکن میباشد ، و در تاریخ ۱۲۴۳، کتابت آن را در مدرسه جلالیه اصفهان به پایان رسانیده است .  
[\(۱\)](#)

### تعمیرات اساسی جدید مدرسه جلالیه

در سال ۱۴۱۴ قمری ، نویسنده این سطور ( حاج سید حجه موحد ابطحی ) به یکی از نیکوکاران اصفهانی ، پیشنهاد نمودم که تعمیرات اساسی مدرسه جلالیه را ( که به صورت مخروبه ای در آمده بود ) بر عهده گیرد، و ایشان از محضر مرجع عالیقدر شیعه : حضرت آیه الله العظمی ، آقای حاج سید محمّد رضا موسوی گلپایگانی قدس سره ، کسب اجازه نمود، که بابت وجوهات شرعیّه ، این عمل شایسته را انجام دهد ، و ایشان مشروط به نظارت این کمترین ، اجازه فرمودند ، و از آن زمان تا این تاریخ ( ماه رمضان ۱۴۱۵ قمری )، در مدّت یک سال و نیم مرتباً تعمیرات اساسی و نوسازی وضوخانه و دستشویی های مدرسه ، در حال انجام بوده و در حال حاضر نزدیک به پایان می باشد . و با هزینه ای سنگین ، این مجموعه علمی و دینی و تاریخی ، مطابق اصول باستان شناسی ، تعمیر گردیده و إنشاء الله تعالی در آینده ای نزدیک ، مجدداً تحت برنامه ای منظم،

ص: ۱۲۵

## ۷- مدرسه چهارباغ «مدرسه امام صادق»

این مدرسه به مناسبت عنوان بانی آن ، ( سلطان حسین صفوی ) ، به نام سلطانی خوانده می شود ، و به مناسبت محل آن ( که حاشیه خیابان چهارباغ می باشد ) ، با عنوان مدرسه چهارباغ یاد میشود ، و پس از انقلاب اسلامی ایران ، ( در سال ۱۳۵۷ شمسی = ۱۳۹۹ قمری ) با نام مدرسه علمیه امام صادق علیه السلام نامیده شده است .

نویسندگان درباره این اثر بزرگ فرهنگی و هنری ، هر کدام تعبیراتی دارند که نشان دهنده عظمت این مجموعه تاریخی می باشد ، مثلاً : دکتر لطف الله هنرفر ، باستان شناس معاصر ، می نویسد:

مدرسه چهارباغ یا مدرسه سلطانی ..... مهمترین و زیباترین بنای شاهانه دوره سلطنت شاه سلطان حسین است . نهر فرشادی و چنارهای داخل مدرسه ، صحن این بنای تاریخی را ، روح أفراتر از بناهای دیگر دوره صفویه ، در اصفهان نموده است .  
مدرسه چهارباغ ، انواع کاشیکاری عهد صفویه را در

ص: ۱۲۶

---

۱- هم اکنون که مراحل چاپ کتاب ، در حال انجام است (نیمه سال ۱۴۱۷ قمری = ۱۳۷۵ شمسی) یکسال و سه ماه از تاریخ اتمام تعمیرات کامل و نوسازی قسمتی از مدرسه ، میگذرد ولی متأسفانه ، جمعی از افراد ناآگاه زیر نظر برخی از اشخاص ... !! به مجرد تکمیل و آماده سازی مدرسه ، به غصب حجرات آن شتافتند ، و با این که بسیاری از مراجع معظم تقلید، عمل آنها را خلاف شرع دانستند، آنها دست از آن اقدام خلاف اخلاق و خلاف عرف و خلاف شرع، برنداشتند ، ولی امیدواریم همچنان که غصب مدرسه، تکرار شد ، بازگشت آن به مسیر دینی ، و مطابق قواعد فقه اهل البیت علیه السلام نیز ، تکرار گردد

بر دارد، و چون آخرین بنای باشکوه آن دوره است، آخرین تحولات صنعت کاشی کاری را می توان در آن مطالعه نمود. انواع کاشی کاری (معقلی) و (گره کاری)، امتیازی مخصوص، به این بنای تاریخی داده است (۱).

محمد مهدی اصفهانی، در کتاب « نصف جهان فی تعریف الإصفهان »، پس از شرح مفصّلی درباره بنای مدرسه، می نویسد: مجملًا، شرح حالات و صفات این مدرسه و مسجد شاه (مسجد امام واقع در میدان امام) را کتابی علیحدّه و مُدوّن بایست، که به این اختصار راست نیاید، و می توان ادعا نمود که مدرسه ای به این نفاست و خوبی، در ایران ساخته نشده، و در غیر آن هم به این وضع، مشکل است (۲).

و آقای ابوالقاسم رفیعی مهر آبادی، می نویسد: این مدرسه که از بهترین مدارس بنا شده در ایران است... (۳).

و آقای عبدالحسین سپینتا، می نویسد: مدرسه سلطانی و کاروانسرای بزرگ سلطانی متصل به آن... از بناهای مهم اصفهان، و یادگار دوران سلطان حسین صفوی است... و به قول پرفسور پوپ، بهترین دلیل بقای ذوق و قریحه هنری ایران، در آن عصر است... که جا دارد آن را بنای عظیم بنامیم (۴).

### تاریخ بنای مدرسه

مدرسه چهارباغ با توجه به بزرگی و انواع کارها و هنرهای گوناگون، از

ص: ۱۲۷

---

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صفحه ۶۸۵

۲- نصف جهان، صفحه ۷۱

۳- آثار ملی اصفهان، صفحه ۴۴۴

۴- تاریخچه اوقاف اصفهان، صفحه ۱۱۷

قیل معماری ، کاشیکاری ، حجاری ، خطاطی و نقاشی و ... که در آن به کار رفته ، در مدت چندین سال ساخته شده ، که ماده تاریخی موجود در کتیبه ها ، و تاریخهای مکتوب در کاشی کاری ها ، و نیز قضایای تاریخی ثبت شده درباره تأسیس مدرسه و افتتاح رسمی آن ، گویای آن می باشد ، و ذیلاً به مواردی اشاره می نمائیم:

۱- در داخل گنبد مدرسه چهارباغ ، که در جنوب مدرسه واقع است کتیبه های بسیار مفصّلی تعبیه شده ، که صلوات مفصل خواجه نصیر بر چهارده معصوم علیهم السلام ، در آن نوشته شده ، و در آخر صلوات بر امام زمان (عج) آمده : کتبه عبد الرّحیم فی ۱۱۰۴

۲- در کتیبه های نمای خارجی ایوان جنوبی صحن مدرسه چهارباغ ، به قلم عبد الرّحیم جزائری ، احادیثی راجع به ارزش علم و عالم نوشته شده ، و در آخر آن آمده است : کتبه عبد الرحیم فی ۱۱۱۲

۳- در سرسرای شمالی مدرسه ، به خطّ محمّد صالح اصفهانی ، در ألواح جداگانه ای ، اشعاری به خطّ نستعلیق نوشته شده ، که در آخر آن آمده است : بهر تاریخ بنا و سال اتمامش (نجیب)

و مطلعی چون مهر و مه ، گرداند زیب خاقین

مسجد سلطان عادل ، ماه اوج مشرقین ۱۱۱۸

مدرس عالیجناب شاه دین ، سلطان حسین

کتبه محمّد صالح

۱۱۱۹

۴- در شبستان مُسَدِّقُفِ مَدْرَسَه چهارباغ ، که در ضلع شرقی گنبد مدرسه بنا شده ، و به وسیله در مُنَبَّت کاری نفیسی ، به محوطه زیر گنبد ارتباط پیدا میکند ، سه محراب وجود دارد ، و در اطراف یکی از محرابها ، کتیبه ای هست

ص: ۱۲۸



که با این عبارت ختم می شود: کتبه محمد مؤمن الحسینی ۱۱۱۸

۵- در اطراف سرسرای مدخل مدرسه چهارباغ، به خط محمد صالح اصفهانی اشعاری نوشته شده که در آخر آن آمده است:

قلم گرفت و نوشت (أزهري) بتاریخش

و به نام مدرسه شه شد، از کمال، آباد ۱۱۱۹

کتبه محمد صالح

۶- بر نمای خارجی ایوان شمالی مدرسه چهارباغ، درباره فضیلت علم و مقام معلم و وظیفه متعلم، احادیثی نوشته شده، به قلم علی نقی امامی، که در آخر آن کتیبه است: کتبه علی نقی الإمامی سنه ۱۱۱۹

۷- و در کتیبه داخل ایران، احادیثی جالب راجع به پیامبر، و أمير المؤمنين و فاطمه زهراء و امام حسن و امام حسین و امام زمان عليهم السلام، نوشته شده، و در آخر آن آمده است: کتبه ابن محمد محسن الإمامی، علی نقی الاصفهانی ۱۱۱۹

۸- و در داخل ایوان شرقی، کتیبه ای است مفضل، که در آخر آن آمده:

ثُمَّ أَمَرَ بِتَرْصِيفِ هَذَا الْإِيوَانِ الرَّفِيعِ، لِمُدَارَسَةِ كُتُبِ الْعُلُومِ، وَ سَنَّهُ إِثْمَامَهُ،

هُوَ لِمَصْبَاحِ الْعِلْمِ مَشْكُوهٌ

کتبه محمد رضا ۱۱۱۹

۹- در کتیبه قسمت فوقانی محراب و منبر مدرسه چهارباغ، در زیر گنبد، سه حدیث بسیار جالب راجع به فضائل مولی المتقین، أمير المؤمنين علیه السلام ثبت شده، و در آخر آن آمده است: کتبه عبد الرحيم الجزائری ۱۱۲۱

۱۰- در کتیبه سر درب مدرسه چهارباغ، به سوی بازارچه بلند، که در طرف شمال مدرسه قرار دارد، دستور بنای مدرسه به امر سلطان حسین صفوی، شرح داده شده، و در آخر آن آمده است: کتبه عبد الرحيم فی ۱۱۲۱

ص: ۱۲۹

۱۱- در سردر اصلی مدرسه ، که به سوی خیابان چهارباغ می باشد ، کتیبه ای با کاشی معرق نصب شده ، و در آن ، پس از شرح نام بانی مدرسه ( سلطان حسین صفوی ) ، و انگیزه معنوی او بر این کار ، نوشته شده ، کتبه عبد الرحیم الجزائری فی ۱۱۲۲

۱۲- و در اطراف گنبد مسجد مدرسه چهارباغ ، که در طرف جنوب مدرسه واقع است ، به خط ثلث سفید بر زمینه کاشی خشت لاجوردی ، کتیبه جالبی نقش بسته ، که بعد از بسم الله الرحمن الرحیم و حمد و ثنای خداوند و صلوات و سلام بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آل آنحضرت ، بالأخص أميرالمؤمنین علیه السلام چنین آمده است : وَبَعْدُ فَإِنَّ عِمَارَةَ الْمَسَاجِدِ لِإِقَامَةِ ذِكْرِ اللَّهِ ، وَ تَأْسِيسِ الْمَدَارِسِ لِتَنْفِيزِ أَمْرِ اللَّهِ ، مِنْ أَعْظَمِ الْمُتُوبَاتِ لَدَيْهِ وَ أَقْرَبِ الْقُرَاتِ إِلَيْهِ ، و سپس در ادامه کتیبه ، نام بانی سلطان صفوی ) و انگیزه معنوی او ذکر شده ، و در آخر ، آمده است : کتبه عبد الرحیم الجزائری فی ۱۱۲۲

۱۳- در کتیبه فوقانی داخل گنبد مدرسه ، حدیث بسیار جالب و مفصّلی ، از اهل سنت درباره قضیه مؤاخاه بین أصحاب ، و نیز مؤاخاه بین پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام نقل شده ، و در آخر آن نوشته شده : کتبه الفقیر عبد الرحیم الجزائری فی ۱۱۲۳

۱۴- در کتیبه های افقی داخل گنبد مدرسه ، احادیث جالبی درباره أميرالمؤمنین علیه السلام نقش بسته ، و در بالای گوشواره شمال شرقی ، چنین نوشته شده است :

وَ قَالَ أَيْضاً : حُبُّ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ حَسَنَةٌ لَا يُضُرُّ مَعَهَا سَيِّئَةٌ وَ بُغْضُهُ سَيِّئَةٌ لَا يَنْفَعُ مَعَهَا عِبَادَةٌ ، وَ قَالَ أَيْضاً : عَلِيُّ خَيْرُ الْبَشَرِ فَمَنْ أَبِي فَقَدْ كَفَرَ ، فی ۱۱۲۶ علاوه بر تاریخهای یاد شده ، در کتاب وقایع آل سیدین و الأعوام ، درباره وقایع سال ۱۱۱۶ آمده است ... و بناء مدرسه ای نمود در چهارباغ اصفهان ، در هزار

و صد و شانزده ، و در هزار و صد و هجده ، مدرسه مشرف بر تمام شدن شد، و در ذی الحجه الحرام آن سال (سال ۱۱۱۸) تدریس مدرسه مزبوره را ، به حضرت علامه العلماء ، آمیر محمد باقرا، سلمه الله تفویض نمود... (۱). و درباره وقایع سال ۱۱۲۲ آمده است: در ماه مبارک رجب المرجب ، سنه هزار و یکصد و بیست و دو ، در روز جمعه دهم شهر مذکور ، أهل علم را در مدرسه جدید سلطانی ، که در جنب چهارباغ اصفهان است ، جا دادند و علامه العلمائی ، مجتهد الزمانی ، آمیر محمد باقرا ، خلف مرحمت پناه ، عمّ أمجد ، امیر اسماعیل ، در روز مذکور ، شروع به مباحثه کردند در آن مدرسه ... (۲). با توجه به تمامی تاریخهای یاد شده ، در نظر ابتدائی ، یک نوع ناهماهنگی بین تاریخهای مکتوب در مدرسه ، و تاریخ موجود در وقایع آلسنین ، و هم چنین ناسازگاری بین گزارش مربوط به سال ۱۱۱۶ که در ضمن آن ، سال ۱۱۱۸ ذکر شده ، و گزارش سال ۱۱۲۲ ، به نظر می رسد زیرا:

أولاً: در وقایع السنین ، سال بنای مدرسه را ۱۱۱۶ ، و سال اتمام آن را ۱۱۱۸ ، ذکر نموده ، در حالی که تاریخهای مکتوب در مدرسه ، از ۱۱۰۴ تا ۱۱۲۶ میباشد .

ثانياً: در خود کتاب وقایع آلسنین ، تفویض تدریس مدرسه را در ذی الحجه سال ۱۱۱۸ ذکر نموده ، و در سال ۱۱۲۲ ، از شروع تدریس در مدرسه یاد نموده است .

### راه حلی برای مشکل تفاوت در نقل

أولاً: احتمال می دهیم که ساختمان ایوان و گنبد عظیم در طرف جنوب

ص: ۱۳۱

---

۱- وقایع آلتینین و الأعوام ، صفحه ۵۵۶

۲- وقایع آلسنین و الأعوام ، صفحه ۵۵۹

مدرسه ، ابتداءً تأسیس شده ، با نقشه و طرحی مستقل ، که تاریخهای ۱۱۰۴ و ۱۱۱۲ ( که هر دو در مجموعه گنبد و ایوان جلو او می باشد ) حاکی از آن است، و سپس تغییر رأی حاصل شده ، و در سال ۱۱۱۶، برنامه مدرسه چهارباغ در نظر گرفته شده ، و تاریخهای ۱۱۱۸ و ۱۱۱۹ و ۱۱۲۱ و ۱۱۲۲ و ۱۱۲۳ و ۱۱۲۶، حاکی از انجام مراحل گوناگون ساختمان و تزیینات و کاشیکاری و نماسازی مدرسه است .

ثانیاً : ذی الحجّه ۱۱۱۸، مربوط به تفویض منصب تدریس است ، ( نه انجام تدریس )، و تاریخ رجب ۱۱۲۲ مربوط به جلسه افتتاح رسمی مدرسه و عملی شدن و استفاده از منصب تدریس می باشد .

### مساحت مدرسه چهارباغ

مرحوم رفیعی مهر آبادی ، مساحت زیر بنای مدرسه و صحن آن را، قریب ۸۵۰۰ متر ذکر نموده (۱)، و مرحوم جناب در کتاب الإصفهان ، طول و عرض مدرسه را ۱۱۰X

۱۱۵ ذرع (۲) دانسته ، ( که به ۱۲۶۵۰ متر مربع بالغ میشود) و نویسنده کتاب تاریخ اصفهان ، مساحت مدرسه را ۱۲۰۰۰ متر نوشته است (۳) و در هر صورت ، بزرگترین مدرسه دوره صفویه میباشد و از نظر مساحت ، با مدرسه صدر بازار ( مرکز حوزه علمیه ) مشابهت دارد .

### حجرات مدرسه چهارباغ

مدرسه چهارباغ به صورت دو طبقه است ، و در هر زاویه، صحن کوچکی

ص: ۱۳۲

---

۱- آثار ملی اصفهان ، صفحه ۴۶۹

۲- أالاصفهان ، چاپ دوم، صفحه ۱۰۹

۳- تاریخ اصفهان ، صفحه ۱۳۰

دارد، که شمار حجرات صحن اصلی مدرسه ۷۲ عدد، و حجرات هر صحن کوچک زاویه، ۶ عدد (جمعاً ۲۴ عدد)، و مجموع حجرات یاد شده ۹۶ می‌باشد، و در کتاب «الاصفهان» مرحوم جناب، و نیز تاریخ اصفهان حسین نور صادقی، فقط به همین حجره ها توجه شده، و شماره آنها را ۹۶ عدد دانسته اند. ولی در طبقه دوم مدرسه، رو به خیابان چهارباغ و نیز رو به بازارچه بلند (۱) در سراسر مدرسه، حجرات متعددی وجود دارد، که با توجه به آنها و برخی دیگر از اطاق ها، شمار حجرات مدرسه، در کتاب وقایع آلتین صفحه ۵۵۷، و در کتاب آثار ملی اصفهان، صفحه ۴۶۹، و در کتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان صفحه ۶۸۶، ۱۵۰ عدد، و در کتاب تاریخ مدارس ایران، صفحه ۲۹۲، شمار آنها، ۱۳۴ عدد ذکر شده است.

### وضعیت کلی و ترکیب عمومی مدرسه چهارباغ

درب اصلی مدرسه، با سر دربی بسیار شکوهمند، به سوی خیابان چهارباغ باز میشود و درب دیگری، با سر دربی جالب، به سوی بازارچه بلند (در طرف شمال مدرسه) باز می‌گردد، و سرسرای جالب و شکوهمندی، مسیر ورود مدرسه از طرف خیابان می‌باشد. چهار ایوان مجلل در چهار طرف، بر عظمت و شکوه ساختمان مدرسه می‌افزاید، و دو مناره بلند در دو طرف ایوان بزرگ جنوبی، و گنبد مجلل و عظیم در پشت ایوان و بر روی مسجد زیبای مدرسه، جلوه و شکوه این بنای عظیم را مضاعف ساخته است.

ص: ۱۳۳

---

۱- در حال حاضر حجره های رو به بازارچه بلند وجود ندارد، و به بازارچه ملحق گردیده است

مهمترین هنرمندان نیمه اول قرن دوازدهم هجری، در زمینه معماری، قطاربندی، کاشیکاری، خطاطی، نقاشی، آجرکاری، حجاری و ... ، با کمک علماء و شعراء و ادباء، همکاری نموده، و زیباییهای خیره کننده ای را، به وجود آورده اند، تا جایی که پروفیسور پوپ، می گوید: این بنای عظیم، بهترین دلیل بقای ذوق و قریحه هنری ایران، در آن عصر میباشد (۱). انسان با تماشای سر در مجلل، و ساختمان رفیع، و گنبد و مناره های مجلل مدرسه، تماشاگر صحنه ای بزرگ از هنر می شود، و با دقت در ریزه کاری ها و طرح و نقشه های کاشی کاری مدرسه، مبهوت بعد دیگری از هنر می شود، و با دقت در کتیبه ها و مضامین بلند آنها، و نیز، نحوه انتخاب احادیث و آیات، برای منعکس نمودن فرهنگ مکتب اهل البیت علیه السلام، شیفته ایمان و اعتقاد و هنر دست اندرکاران امور مربوطه می گردد، و با مطالعه اشعار نقش بسته در کتیبه ها، و نیز ماده تاریخ های گوناگون، مجذوب شعر و ادب آن سرایندگان می شود، و با دقت در خطهای کتیبه ها، بارک الله گوی، خطاطان هنرمند و زبردست آن زمان خواهد شد. و در یک کلام، تماشاگر چهره ایمان و اعتقاد، در قالب هنرهای منسجم و هماهنگ و حیرت انگیز می گردد.

### کتیبه های مدرسه، ترویجی از ارزش های مکتب اهل البیت

کتیبه های مدرسه، نمایانگر مکتب اهل البیت علیهم السلام و ترویجی شایسته، از ارزش های مکتب ولایت مدرسه چهارباغ (سلطانی)، از نظر داشتن کتیبه های متنوع و فراوان، در ردیف اول میراثهای فرهنگی کشور، و بناهای عظیم دینی و علمی، در

ص: ۱۳۴

أعصار و قرون گذشته است ، و دست اندرکاران ساختن و پرداختن این مجموعه عظیم دینی ، عالی ترین پایه های اعتقادی مکتب ولایت و امامت ، ( مکتب أهل البيت علیه السلام ) و بالاترین رهنمودهای دینی ، در رابطه با ارزش علم و عالم و معلم ، و نیز عمیق ترین شعارهای ارزشمند مذهب تشیع را ، به صورت کتیبه هایی زیبا ، بر روی کاشی های نفیس معرق و خشت ، و با رنگهای متنوع و زیبا و روح پرور ، به معرض دید و تماشای بینندگان در آورده اند ، و درسهای اعتقادی و عملی و اخلاقی بزرگی را ، در قالب هنر خطاطی و طراحی و نقاشی بر روی کاشی های نفیس و أعلا- ، به صورت عینی و دلپذیر ، به تماشاگران و بینندگان عرضه نموده اند .

این کتیبه ها ، که مشتمل بر أسماء الهی ، و أسماء معصومین علیهم السلام ( به نحو گسترده ) و نیز أحادیث فراوانی راجع به فضائل و مناقب بیشمار ، و خلافت بلافضل مولی الموحدين ، أميرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام می باشد ، و هم چنین در برگیرنده اخبار و آثار زیادی درباره فضائل و مکارم خاندان رسالت ( به نحو عموم ، یا با نام مبارک چهره های مقدس پنج نور پاک ) می باشد ، و نیز ، در بر گیرنده أحادیث فراوانی درباره ارزش علم و عالم و معلم و وظایف طالب علم و معلم ، و نیز مشتمل بر أشعار زیادی راجع به فضیلت و منقبت خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام می باشد ، زیبایی های ظاهری و ارزشهای علمی و معنوی را در هم آمیخته ، و بر ذهن ها و اندیشه های تماشاگران ، عموماً ، و پژوهشگران و محققان ، خصوصاً ، عرضه کرده است .

از جالب ترین بخشهای کتیبه های مدرسه چهارباغ ، کتیبه های داخل گنبد مدرسه است ، که در برگیرنده تمامی صلوات مرحوم خواجه نصیر طوسی بر چهارده معصوم علیه السلام می باشد ، که بر هر کدام از معصومین ، صلواتی مفصل

و مستقل فرستاده ، و از پیامبر اکرم حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه وآله شروع کرده ، و به امام دوازدهم حضرت حجه بن الحسن العسکری (عج) ختم نموده است . .

و در یک کلام ، آن چنان این مجموعه هنری و نفیس تاریخی ، با فرهنگ و شعائر مذهبی مکتب تشیع درهم آمیخته ، که هیچ گونه تفکیکی در آن راه پیدا نمی نماید .

و در اینجا مناسب می بینم ، که از زحمات فراوان باستان شناس پرکوش معاصر ، آقای دکتر لطف الله هنرفر ، که تمامی کتیبه ها را خوانده و در کتاب ارزشمند « گنجینه آثار تاریخی اصفهان » منعکس نموده ، قدردانی نمایم .

### تعمیرات مدرسه چهارباغ

این مجموعه عظیم ، در طول تاریخ ، مرتباً برای حفظ و نگهداریش نیاز به تعمیرات جزئی و کلی داشته است ، و نمونه آنها تعمیرات سال ۱۳۳۵ هجری قمری ، و تعمیرات سال ۱۳۴۶ قمری ، و تعمیرات ۱۳۱۵ شمسی ( ۱۳۵۴ قمری ) و تعمیرات اواخر قرن چهاردهم می باشد ، که به برخی از آنها در داخل کتیبه هائی ، اشاره شده است .

### کتابخانه مدرسه چهارباغ

مدرسه چهارباغ ، کتابخانه نفیسی داشته ، که شرح تأسیس و پیدایش آن را ، میرزا حسین خان ، فرزند محمد ابراهیم خان تحویلدار اصفهانی ، در کتاب جغرافیای اصفهان ، چنین نقل نموده است:

سلاطین صفوی ... کتب هر علمی را تصحیح و تنقیح کرده ، سه دسته از کل آنها را به خط خوش نویسانیده ، وقف فرموده اند ، یک دسته را در کتابخانه مبارکه امام ثامن ، حضرت رضا علیه آلاف التحیه والثناء ، و نیز یک دسته را در کتابخانه



شاه صفی (۱) قدس الله سره به اردبیل فرستاده بودند، دسته دیگرش را، در کتابخانه دولتی مدرسه چهارباغ اصفهان، ضبط و محفوظ می داشتند، و از نسخ آنها بعضی دون بعض، در کتابخانه های اهالی ولایت و مملکت بود، وقتی دولت روس بر اردبیل استیلاء یافت، کتب و سایر اسباب نفیسه شاه صفی را از میان برد، کتابهای اصفهان را هم، مدرس مدرسه، در زمان غلبه افغان، احتیاط کرد و در خانه خود به سردابی ریخت و در آن را مسدود نمود، و هشت، ه سال اغتشاش این طایفه و غیره، سرکشی نشد، بسیاری از این کتب به گرد و بید و موریانه، ضایع شد، پس از آن هم، الی آلان، در همان سردابها مانده، و به مرور دهور، موریانه آنها را از حیث انتفاع انداخته ... (۲).

به جای آن کتابخانه قدیمی، در سال ۱۳۲۳ شمسی (۱۳۶۲ قمری)، کتابخانه ای به نام کتابخانه فرهنگ تأسیس گشته، که پس از انقلاب اسلامی (در سال ۱۳۵۷ شمسی = ۱۳۹۹ قمری) به نام کتابخانه عمومی امام جعفر صادق علیه السلام نام گذاری شده، و در حال حاضر ۲۴۶۷۰ جلد کتاب (اعم از خطی و چاپی) دارد، و مورد بهره برداری می باشد (۳).

### مجلس عظیم افتتاح مدرسه سلطانی (چهارباغ)

در ذیل وقایع آل سنین و الأعوام مرحوم آقا سید عبدالحسین خاتون آبادی، در باره وقایع سال ۱۱۲۲ هجری قمری آمده است: در ماه مبارک رجب المرجب ۱۱۲۲، در روز جمعه دهم شهر مذکور، اهل علم را در مدرسه جدی

ص: ۱۳۷

۱- صحیح شیخ صفی است

۲- جغرافیای اصفهان، صفحه ۸۱

۳- جزوه کتابخانه ابن مسکویه، صفحه ۱۴ - ۱۵

سلطانی، که در جنب چهارباغ اصفهان است، جا دادند و علامه العلمائی، مجتهد الزمانی، آمیر محمّد باقرا (۱) خلف مرحمت پناه عم أمجد، آمیر اسماعیل، در روز مذکور، شروع به مباحثه کردند در آن مدرسه (۲)، و امراء و علماء و نجباء را، احضار فرمودند در مدرسه مبارکه جدید سلطانی (۳).. حجرات مدرسه مبارکه جدید سلطانی را فیما بین أهل علم قسمت نمودند، و در آن روز، عالیحضرت مجتهد آلمانی، متفرد در جمیع فضائل، یگانه زمانه، آمیر محمد باقرا (سلمه الله تعالی) شروع به درس کردند، و جمیع أهل فضل در آن محضر حاضر بودند، و نجباء و سادات و پادشاهزادگان و أهل کمال، همگی حاضر شدند...، و حاصل آن که، در دولت صفویه، چنین اجتماعی هرگز نشده بود. در وقت شروع، به جهت رعایت آداب، عالیحضرت مجتهد آلمان تکلیف کردند علامه العلمائی، آقا جمال را (۴) تا اولاً ایشان، و بعد از آن، خود شروع کردند (۵) و به بیانی فصیح در کمال تنقیح، درس گفتند (۶).

ص: ۱۳۸

- 
- ۱- این سبک تجلیل با آوردن (ی) در آخر کلمه العلماء و الزمان و نیز آوردن (الف)، در آخر کلمه باقر، در آن زمان مرسوم بوده و مشابه آن، ملا خلیلا، ملا شفیعا، ملا تاجا و... می باشد که در آن زمان به کار می رفته است
  - ۲- منظور از مباحثه در اینجا، تدریس نمودن است، و منظور این است که آقا میر محمد باقر خاتون آبادی، به عنوان افتتاح مدرسه، شروع به تدریس نمودند
  - ۳- وقایع آلسنین و الأعوام، صفحه ۵۵۹
  - ۴- منظور، فقیه نامدار و عظیم الشان، آقا جمال خوانساری، فرزند استاد الكل فی الكل، آقا حسین خوانساری میباشد
  - ۵- منظور این است که، گرچه اولین مدرس رسمی مدرسه، آقامیر محمد باقر خاتون آبادی بوده اند، ولی با توجه به حضور آقا جمال خوانساری در مجلس، و با توجه به عظمت علمی برتری که داشته اند، به عنوان احترام و تشریف رسمی، مرحوم آقا جمال، ابتداء به تدریس نموده اند
  - ۶- وقایع آلسنین و الأعوام، صفحه ۵۵۹ و ۵۶۰

و هم چنین در کتاب وقایع السنین و الأعوام آمده است: و حضار آن مجلس عالی، از فضلاء، آقا جمال و امیر محمد صالح شیخ الإسلام (۱) و ملا بهاء الدین، مشهور به فاضل هندی (۲) و ملا محمد جعفر و ملا محمد هادی، اولاد محمد باقر خراسانی علیه الرحمه (۳) و ملا محمد رضا، ولد ملا محمد باقر شیخ الإسلام (۴) و ملا محمد حسین، ولد ملا شاه محمد تبریزی، و شیخ زین الدین، نوادخ شیخ زین الدین، صاحب شرح لمعه (۵) و سایر أهل فضل، و از نجباء و سادات، میرزا باقر صدر خاصه و سادات سلسله خلیفه سلطان مرعشی، و میرزا سید محمد قاضی (نواده میرزا مهدی اعتماد الدوله) و میرزا داود، متولی مشهد مقدس، و از آمرآء ... (۶).

از این عبارت کتاب وقایع آلتین بر می آید، که در آن مجلس عظیم علمی و دینی، حد اعلای کوشش انجام شده بود، و سران علماء و بزرگان عصر مجتمع گردیده بودند.

ص: ۱۳۹

- 
- ۱- منظور آقا میر محمد صالح خاتون آبادی، داماد علامه مجلسی است، که امام جمعه اصفهان، و نیز دارای منصب شیخ الاسلامی بوده است
  - ۲- مراد، محمد بن حسن بن محمد، ملقب به بهاء الدین و صاحب کشف اللثام میباشد، که از مفاخر علماء شیعه، در دوره آخر صفویه است
  - ۳- منظور از محمد باقر خراسانی، محقق نامدار ملا محمد باقر سبزواری صاحب کتاب ذخیره و کفایه می باشد
  - ۴- منظور علامه ملا محمد باقر مجلسی رضوان الله تعالی علیه میباشد
  - ۵- منظور از شیخ زین الدین دوم، شهید ثانی علیه الرحمه است
  - ۶- وقایع آلتین و الأعوام، صفحه ۵۶۰

کاروانسرای مادر شاه، که در طرف شرق مدرسه چهارباغ میباشد، و از آثار تاریخی و مهم اصفهان به شمار می رود، و به نام مادر سلطان حسین صفوی تأسیس گشته، در حال حاضر با حفظ نماهای داخلی آن، و نیز با تعمیر و ترمیم کاشیکاری اطراف صحن آن، و اضافات و إلحاقات به سبک و نمائی جدید، به صورت مهمانخانه شکوهمند و بزرگی در آمده، و مهمانسرای عباسی یا هتل عباسی نامیده میشود (۱) و مهمترین و پرجاذبه ترین محلی است که برای پذیرایی از مسافرین خارجی و داخلی، در نظر گرفته شده است.

نویسنده معاصر و محقق، آقای حاج شیخ علی دوانی، مطلبی را از روضه البهیه حاج سید شفیع جاپلقی، درباره سید شفتی اعلی آله مقامه نقل می نماید، بدین شرح: ... بعد از فراغ از تحصیل، از عتبات عالیات، به دیار عجم مراجعت کرد، و با حاج محمد ابراهیم کرباسی، در اصفهان توطن اختیار فرمود، و آن دو بزرگوار با هم صدیق و رفیق بودند، شنیده ام هنگامی که به اصفهان آمد، از کتب جز یک جلد کتاب مدارک، و از اموال غیر سفره نانی، چیزی نداشت.

در مدرسه شاه، که درش به طرف مدرسه چهارباغ باز میشد، سکونت گزید، طالبان علم و محصلین، از هر سو به گردش اجتماع نمودند، مُیَدَرَس مدرسه، به وی رشک برد، و او را بیرون کرد، و او هم بدون هیچ عکس العملی از مدرسه بیرون رفت (۲).

ص: ۱۴۰

---

۱- برای آشنایی با کاروانسرای مادر شاه، به گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صفحه ۷۱۱ و ۷۲۳ و آثار ملی اصفهان، صفحه

۴۱۲ و ۴۱۳ مراجعه شود

۲- وحید بهبهانی، نوشته علی دوانی، صفحه ۲۲۱

از این عبارت استفاده میشود که کاروانسرای مادر شاه، در آن زمان، در اختیار حوزه علمیه، و محل سکونت و تدریس طلاب و علماء بوده، و در آن، به سوی مدرسه چهارباغ باز میشده، و ضمناً با نام مدرسه شاه نامیده می شده است.

ولی در هیچ منبع و یا گزارش دیگری، تأییدی بر این مطلب، به دست نیامده و نیاز به تحقیق بیشتری می باشد.

### چهره های علمی در مدرسه چهارباغ ( سلطانی )

در طول تاریخ مدرسه علمیه سلطانی چهارباغ، شخصیت هایی در این مدرسه تدریس و تألیف نموده، یا تحصیل و تعلّم داشته اند، که ذیلاً به نام برخی از آنان اشاره می شود:

۱- اولین مدرّس رسمی این مدرسه، مرحوم آقا سید محمد باقر خاتون آبادی، متوفای ۱۱۲۷ قمری، که مقام اجتهاد داشته، و در زمان خود، از نظر رسمی و طبقه بندی مناصب ( در دستگاه صفویّه ) عنوان رئیس کلّ علماء و اشراف و عظماء را داشته، و هیچ کس را حقّ تقدّم بر آن مجتهد بزرگوار نبوده است (۱).

چنانچه در بیان مجلس افتتاح مدرسه سلطانی نقل کردیم، مرحوم آقا سید محمد باقر خاتون آبادی، در آن مجلس به عنوان افتتاح برنامه های درسی، با بیانی فصیح و در کمال تنقیح، درس گفتند (۲).

۲- دومین مدرّس رسمی مدرسه، مرحوم آقا میر سید محمد خاتون آبادی، که در زمان حیات پدر ( آقا سید محمد باقر خاتون آبادی ) شروع به تدریس

ص: ۱۴۱

---

۱- وقایع آلّسنین و الأعوام، صفحه ۵۶۶

۲- وقایع آلّسنین، صفحه ۵۶۰

نمود، و پس از فوت پدر به منصب مدرسی منصوب گردید، چنانچه ملاحظه می نمائید :

در هزار و صد و بیست و سه ، در ماه شوال ، به اعتبار کثرت اشتغال مجتهد الزمان ، و به اعتبار این که اکثر اوقات در خدمت نواب اشرف (۱) بایست حاضر شوند ، در خلوات ، و فرصت مباحثه و مدارسه نمی شد ، و باعث تعطیل طلبه میشد ، مقرر فرمودند که : خلف الصدق آن مجتهد الزمان ، امیر سید محمد ، به نیابت والد ماجد خود ، به شغل تدریس اشتغال نمایند ، و حقا که به استحقاق ، به این شغل قیام می نمایند (۲) .

در سال هزار و صد و بیست و هفت ، سیادت پناه ، علامی میر سید محمد بن میر محمد باقر الحسینی ، مدرس مدرسه جدید سلطانی گردید (۳) که تاریخ ۱۱۲۷ ، مربوط به انتصاب رسمی آقا میر سید محمد می باشد .

۳- میر معصوم بن میر عبدالحسین خاتون آبادی ، متوفای ۱۱۵۵ قمری ، که از چهره های معنوی قرن دوازدهم میباشد ، و مرحوم آقا محمد بیدآبادی ( آن خداجوی سالک ، و بزرگ چهره عرفان و معنویت ) به او ارادت پیدا کرده ، و وصیت نموده ، که او را در جوار قبر میر معصوم ، مدفون سازند (۴) .

آقای سید مصلح الدین مهدوی ، نویسنده متتبع و عالیقدر معاصر ، مرحوم میر معصوم خاتون آبادی را ، جزء چهره های علمی مدرسه سلطانی چهارباغ ،

ص: ۱۴۲

---

۱- منظور سلطان حسین صفوی است

۲- وقایع آلتین و الأعوام ، صفحه ۵۶۳

۳- وقایع آلتین و الأعوام ، صفحه ۵۶۹

۴- به بخش مربوط به ( بقعه های علمی اصفهان ) ، قسمت مربوط به « تخت فولاد ، بقعه آقا محمد بید آبادی » مراجعه شود

ذکر نموده است (۱).

۴- عالم فاضل ، و حکیم محقق ، آقا میر سید ابوالقاسم مدرّس خاتون آبادی ، متوفای ۱۲۰۳ قمری ، که از شاگردان آقا محمّد بید آبادی و ملا اسماعیل خواجهائی و آقا سید مهدی بحر العلوم ، قدس سر هم به شمار رفته ، و به نوشته اعیان الشیعه ، از مشاهیر مدرّسین اصفهان بوده ، و تعلیقات و حاشیه هائی بر کتب اربعه ( کافی ، تهذیب ، استبصار ، و من لایحضره الفقیه ) و نیز تعلیقاتی بر تفسیر کاشی نوشته ، و شرحی بر نهج البلاغه و تفسیری فارسی ، تألیف نموده است (۲).

مرحوم حاج آقا بزرگ طهرانی ، او را یکی از بزرگان علماء زمان خودش ، و چهره ای از مشاهیر مدرّسین فلسفه در آن عصر ، و جزء شخصیت های جامع ، و دارای فنون گوناگون علمی برشمرده ، و او را به عنوان مدرّس رسمی و انتصابی حکمت ، در مدرسه شاه ذکر نموده ، و آنگاه فرموده است : *وَ قَالَ الْمُعَاصِرُ الْأَنْصَارِيُّ، فِي تَارِيخِ إِصْفَهَانَ : إِنَّهُ كَانَ مُدْرِّسًا فِي الْمَعْقُولِ وَ الْمَنْقُولِ ، مِنْ الْفِقْهِ وَ الْأُصُولِ ، مُجَرِّدًا عَنِ التَّعْلُقَاتِ ، فِي مَدْرَسِهِ ( چهارباغ الشاهی ) (۳).*

۵- مرجع و زعیم نامدار ، و فقیه و اصولی محقق و عظیم الشان ، آقا سید محمّد باقر شفتی رشتی اصفهانی ، متوفای ۱۲۶۰ ، که از چهره های برجسته حوزه های علمیه شیعه ، در قرن سیزدهم می باشد ، و تألیفات ارزشمندی ، همانند : مجلدات بزرگ مطالع الأنوار از خود به جای گذاشته ، و آثار و برکات ریاست دینی و علمی و اجتماعی او ، از قبیل : بنای مسجد سید ( که یکی از

ص: ۱۴۳

---

۱- دار العلم شرق ( مخطوط ) ، صفحه ۷۴ ، برگه فرعی

۲- اعیان الشیعه ، چاپ جدید ، جلد ۲ ، صفحه ۴۰۵

۳- ألكرام البرره ، جلد ۱ ، صفحه ۵۰-۵۱

مهمترین و بزرگترین و باشکوهترین مساجد اصفهان می باشد ) ، نشان دهنده قدرت اندیشه ، پشتکار ، ابتکار ، آینده نگری ، مدیریت ، زهد و تقوی ، نفوذ اجتماعی و محبوبیت عمیق آن بزرگمرد ، می باشد .

مرحوم سید شفتی ، مدّتی در مدرسه چهارباغ تدریس می نموده اند .

۶- آقا شیخ أبو القاسم بن محمّد صادق نورائی سدهی ، متوفای ۱۳۰۵ ، که عالمی محقق بوده ، و پدرانش عموماً از اهل علم و فضل بوده اند، و نسب او به نور الدّین ، علی بن عبد العالی میسی کرکی ، میرسد (۱).

وی ، تألیفاتی در زمینه فقه و اصول داشته ، و از شخصیت های مدرسه سلطانی ، به شمار آمده است (۲).

۷- حکیم و فیلسوف نامدار ، آقا شیخ محمّد رضا حکیم قمشه ای ، (متوفای ۱۳۰۶ قمری ) که او را از اکابر مدرّسین اوائل قرن چهاردهم شمرده اند (۳) .

تألیفاتی به صورت مستقل ، همانند : رساله ای در وحدت وجود ، و رسالهای در موضوع العلم ، و کتاب الخلافه الکبری ، و دیوان اشعار داشته ، و آثاری به صورت شرح و حاشیه بر کتب دیگر، همانند حاشیه أسفار ، و حاشیه تمهید القواعد ابن تُرکه ، و حاشیه شرح قیصری بر فصوص الحکم، و ... ، از خود به جای گذاشته است .

او استادهایی ، همانند : حاج محمّد لاریجانی ، و میرزا حسن نوری و حاج سید رضی لاهیجی داشته ، و شاگردانی همچون : جهانگیر قشقائی و آقا شیخ محمود

ص: ۱۴۴

---

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۵۲۴

۲- دار العلم شرق (مخطوط)، صفحه ۷۴ بر گه فرعی

۳- ریحانه الأدب ، جلد ۴، صفحه ۴۹۶



بروجردی، تربیت نموده است (۱).

او شعر می سروده و (صهبا) تخلص میکرده، و در ابتدای امر، در حوزه علمیه اصفهان تدریس می نموده و سپس به تهران مهاجرت کرده، و در مدرسه صدر (در جلوخان مسجد شاه) اشتغال به تدریس داشته است.

وی شخصیتی خوش اخلاق و با ادب بوده، و جامع کمالات علمی و اخلاقی به شمار آمده است (۲). این بزرگمرد، مدتی از مدرّسین مدرسه چهارباغ (سلطانی) بوده است (۳).

۸- حکیم الهی و ریاضی متبخر، و زاهد مرتاض، آقا شیخ أسد الله قمشه ای (متوفای ۱۳۳۴ قمری)، که از شاگردان میرزا نصر الله حکیم قمشه ای بوده، و در مدرسه چهارباغ (سلطانی) سکونت داشته، و حکمت و ریاضیات قدیم و جدید تدریس می کرده است، او انواع خط (مخصوصاً خط شکسته) را خوب می نوشته، و زبان فرانسه را، بدون استاد یاد گرفته، و شعر می سروده، و (دیوانه) تخلص می کرده است (۴).

۹- مجتهد بزرگوار و مدرّس عالیقدر، مرحوم حاج میرزا عبدالحسین خاتون آبادی، ملقب به (سید العراقین) و متوفای ۱۳۵۰ قمری، که در حوزه علمیه اصفهان و نجف تحصیل علم نموده، و به درجه اجتهاد رسیده است.

وی در اصفهان به تدریس و اقامه جماعت و حلّ و فصل امور طلاب و مردم با ایمان اشتغال داشته است. مرحوم سید العراقین، از خاندان علمی خاتون

ص: ۱۴۵

---

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۳۲۷-۳۲۸

۲- ریحانه الادب، جلد ۴، صفحه ۴۹۶-۴۹۰۷

۳- آقای سید مصلح الدین مهدوی، در اظهاراتی حضوری

۴- دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۱۲۸

آبادی بوده ، و پیدرانش تا مرحوم میر محمد اسماعیل خاتون آبادی ، عموماً از علماء بزرگوار و از رؤساء علمی و دینی اصفهان ، به شمار رفته اند (۱).

این بزرگمرد، آخرین مدرّس رسمی و معروف مدرسه چهارباغ (سلطانی) میباشد (۲) و پس از آن، در اثر حاکمیت ضد دینی پهلوی اول ، سالها مدرسه یاد شده تعطیل بوده ، ولی پس از شهریور ۱۳۲۰ شمسی، و سقوط پهلوی اوّل ، مدرسه چهارباغ به حوزه علمیه بازگشته ، و محلّ سکونت طلاب و تدریس علماء گردیده است .

۱۰- حکیم نامدار و فقیه زاهد ، مرحوم آقا شیخ محمود مفید ، متوفای ۱۳۸۲ قمری ، که سالها در مدرسه چهارباغ و مدرسه صدر بازار ، تدریس می نمودند ، و از مفاخر علمی حوزه اصفهان ، و آن دو مرکز علمی ، به شمار می روند .

در بخش « خاندانهای علمی اصفهان » و بخش « بقعه های علمی اصفهان » و نیز ، در بخش مربوط به مدرسه صدر ، در باره این بزرگمرد به نحو مفصّل بحث کرده ایم.

۱۱ - مجتهد بزرگوار و مدرّس محقّق و زاهد ، آقا سیّد علی أصغر مدرّس برزانی ( متوفای ۱۳۹۵ قمری ) ، که از مدرّسین برجسته مدرسه چهارباغ و مدرسه صدر بازار بودند ، و در مدّت زمانی طولانی ، جمعی از طلاب و فضلاء ، از درس فقه و اصول ایشان استفاده علمی می نمودند .

۱۲ - فقیه بزرگوار و مجتهد اصولی ، آیه الله ، آقا سیّد محمّد رضا خراسانی

ص: ۱۴۶

---

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۳۶۰

۲- ایشان تولیت مدرسه را نیز بر عهده داشته اند ، و در زمان سرپرستی آن بزرگمرد ، تعمیرات مهم و اساسی در مدرسه انجام گرفته است . (گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۷۲۱ - ۷۲۲)

( متوفای ۱۳۹۷ قمری ) ، که از چهره های مبرز حوزه علمیه اصفهان به شمار می روند ، و نقش ایشان در احیاء مجدد حوزه علمیه اصفهان ( پس از حکومت خفقانی پهلوی اول ) بسیار جالب بوده ، و در احیاء برنامه حوزوی مدرسه چهارباغ ، و نیز مدرسه صدر ، نقش اساسی داشته اند ، و از مدرّسین درس خارج در مدرسه صدر و مدرسه چهارباغ بودند .

۱۳ - مرجع عالیقدر شیعه ، و فقیه و اصولی عظیم الشان ، مرحوم آیه الله العظمی ، آقای حاج سید احمد موسوی خوانساری رضوان الله تعالی علیه ( متوفای ۱۴۰۵ قمری ) که از مفاخر علمی و تقوایی جهان شیعه و حوزه های علمیه ، در اواخر قرن چهاردهم ، و از مراجع بزرگ شیعه ، به شمار می روند ، و با عنوانهای ( ثالی تلو معصوم ) و ( اسوه تقوی و زهد ) و ( أوزع و أثقی ) ، ستوده شده ، و اثر گرانقدری به نام کتاب جامع المدارک ( هفت جلد ) در شرح مختصر النافع ، از خود به جای گذاشته اند . مرحوم آیه الله العظمی ، آقای خوانساری ، شخصاً فرموده بودند ، که من مدّتی در مدرسه چهارباغ اصفهان سکونت داشته ، و مشغول به تحصیل علم بوده ام (۱).

۱۴ - فقیه و مجتهد محقق ، مرحوم آیه الله ، حاج شیخ أحمد فیاض ، ( متوفای ۱۴۰۷ قمری ) که از چهره های علم و تقوی و زهد در حوزه علمیه اصفهان ، به شمار می رفتند ، و در مدرسه صدر بازار ، و مدرسه چهارباغ ، تدریس مینمودند .

۱۵ - فقیه زاهد و مدرس بزرگوار ، مرحوم آیه الله ، حاج شیخ علی مشکوه

ص: ۱۴۷

---

۱- یکی از آقایان روحانیون محترم ، به نام آقای حاج شیخ مرتضی تمنائی دام عزه ، در شرفیابی به محضر آن بزرگوار ، از زبان ایشان شنیده بود

سدهی ( متوفای ۱۴۱۰ قمری ) ، که علاوه بر تدریس در مدرسه صدر بازار ، از مدرّسین عالی مقام مدرسه چهارباغ به شمار می رفتند .

۱۶ - فقیه و اصولی و رجالی و مفسّر عالیقدر ، آیه الله ، آقای حاج سید محمّد علی موحد ابطحی دامت برکاته ، که از مفاخر علمی حوزه های علمیه قم و نجف و اصفهان به شمار می روند ، و صاحب تألیفات بسیار و تحقیقات برجسته ، میباشند ، و در حدود سالهای اول انقلاب اسلامی ( ۱۳۹۹ قمری ) ، مدّتی در مدرسه چهارباغ تدریس نموده اند .

ایشان در حال حاضر در حوزه علمیه قم ، دارای حوزه درسی خارج فقه و اصول هستند، و به تحقیق و تألیف و ... ، اشتغال دارند .

۱۷ - فقیه و اصولی عظیم الشّان ، مرحوم آیه الله ، آقای حاج شیخ حسن صافی اصفهانی ، متوفای ۱۴۱۶ قمری ، که از شخصیت های برجسته علمی و دینی در اصفهان بوده ، و در مدرسه صدر بازار ، حوزه درسی گسترده ای داشتند، و از زعمای حوزه علمیه اصفهان به شمار می رفتند .

آن بزرگمرد، در اوائل انقلاب اسلامی ، ( ۱۳۵۷ شمسی = ۱۳۹۹ قمری ) مدّتی در مدرسه چهارباغ ، تدریس درس خارج می فرمودند .

### سایر مدرّسین و طلاب برجسته مدرسه چهارباغ

علاوه بر شخصیت های یاد شده ، جمع زیادی از علماء و بزرگان در طول تاریخ حیات مدرسه ، در این مرکز علمی و دینی سکونت نموده ، و به تحصیل، و یا تدریس و تألیف اشتغال داشته اند ( مخصوصاً ، از خاندان علمی خاتون آبادی ) همانند : آقا میرزا محمّد باقر ملّاباشی، و میر محمّد اسماعیل ثالث خاتون آبادی ، و آقا سید محمد رضا خاتون آبادی ، و آقا میر محمّد مهدی

## آثاری از فعالیت علمی در مدرسه چهارباغ

- ۱- شخصی به نام محمد تقی هزار جریبی، در ذی القعدة ۱۱۳۰، نسخهای از « تعلیقه بر تفسیر بیضاوی » تألیف شیخ بهائی قدس سره را، در مدرسه جدید سلطانیه اصفهان نوشته است، و این نسخه، در کتابخانه فرهنگ مشهد موجود میباشد (۱).
- ۲- شخصی به نام مهر علی، نسخه ای از حاشیه ای بر شرح تجرید خواجه طوسی، از ملا عبد الرزاق لاهیجی را، باخط شکسته نستعلیق، در جمادی الأولى ۱۱۹۹، در مدرسه چهارباغ نوشته است، و این نسخه در کتابخانه مجلس شورای ملی موجود میباشد (۲).
- ۳- شخصی به نام قربانعلی بن طاهر، در سال ۱۲۰۸ نسخه ای از، مفاتیح الشرایع ملا محسن فیض کاشانی را نوشته، و این نسخه در کتابخانه مسجد اعظم قم موجود است (۳).
- ۴- و نیز نسخه ای از کتاب شرح حکمه العین، به خط نستعلیق، در سال ۱۲۴۱ به وسیله صالح بن غلامعلی جیلانی (گیلانی) نوشته شده، و این نسخه به شماره ۱۲۱۷، در کتابخانه مدرسه فیضیه قم موجود است (۴).
- ۵- و هم چنین شخصی به نام سید معصوم بن جعفر حسینی دیلمانی، کتاب

ص: ۱۴۹

---

۱- دار العلم شرق (مخطوط)، صفحه ۱۲۸، برگه فرعی

۲- فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی، جلد ۱۶، صفحه ۲۶۱

۳- فهرست کتابخانه مسجد اعظم قم، صفحه ۳۷۷

۴- دار العلم شرق (مخطوط)، صفحه ۷۴، برگه فرعی

أصل الأصول محمد نعیم طالقانی اصفهانی را ، که در علم کلام و فلسفه بوده ، در تاریخ ۱۲۴۱ در مدرسه چهارباغ اصفهان ، نسخه برداری نموده است، و این نسخه به شماره ۹۹۲ ، در کتابخانه مدرسه فیضیه موجود است (۱).

۶- در سال ۱۲۶۰ شخصی به نام نظر علی بن محمد تقی ، نسخه ای از کتاب لوامع الأنوار العرشیه ، در شرح صحیفه سجادیّه علیه السلام تألیف محمد باقر بن سید محمد موسوی حسینی شیرازی را در مدرسه سلطانیه ، مشهور به چهارباغ، تحریر نموده است، و این نسخه ، در کتابخانه مسجد اعظم قم ، به شماره ۶۱ و ۶۲ موجود است (۲).

### وضعیت کنونی مدرسه چهارباغ از نظر درسی

در حال حاضر عدّه ای طالب علم ، در رتبه های درسی مقدمات و سطح متوسط و عالی ، اشتغال به تحصیل دارند، و جمعی از علماء و مدرّسین ، به تدریس برای آنها مشغول می باشند، و در مجموع، یکی از مدارس معمور و مسکونی طلاب میباشد .

### مدرسه سلطانی

یا مدرسه جدید سلطانی ، مقصود ، مدرسه چهارباغ میباشد ، به عنوان یاد شده مراجعه شود .

### ۸- مدرسه حاج شیخ محمد علی

پس از آن که مدرسه سارو تقی ( واقع در بازارچه حسن آباد ) در اثر حوادث

ص: ۱۵۰

---

۱- فهرست کتابخانه های خطی مدرسه فیضیه قم، از رضا استادی ، بخش سوم ، صفحه ۴۶ - ۴۷

۲- فهرست نسخه های خطی کتابخانه مسجد اعظم قم، صفحه ۳۴۱

و مرور زمان، به ویرانی گرائید، مجتهد عظیم الشان، مرحوم آقا شیخ محمد علی نجفی مسجد شاهی، ملقب به ثقه الإسلام، متوفای ۱۳۱۸ قمری، که از علماء صاحب تألیف، و از شخصیت های مبرز خاندان علمی مسجد شاهی، و از مدرسین عالیقدر بوده اند، تصمیم گرفتند که مدرسه را تجدید بنا نمایند، که تاکنون ساختمان آن باقی می باشد، و به مناسبت نام این شخصیت بزرگوار، به نام مدرسه آقا شیخ محمد علی و نیز مدرسه ثقه الإسلام نامیده می شود.

سال اتمام بنای جدید، در ضمن ماده تاریخی، که در جبهه شمالی مدرسه، کاشی کاری شده، به تاریخ ۱۳۱۷ ثبت شده است، بدین مضمون:

زد رقم ز الهام غیب از بهر تاریخش ادیب

هیئنا دار السلام، فاد خلوها آمین

و (۱۳۱۷) (۱) ساختمان مدرسه، یک طبقه و مشتمل بر ۲۵ حجره در اطراف، و یک مدرس بزرگ در طرف شمالی مدرسه، و مساحت آن ۴۰×۴۰ (۲)، و در حال حاضر از مدارس مسکونی طلاب میباشد.

### نمونه ای از مدرسین مدرسه حاج شیخ محمد علی

مدرسه آقا شیخ محمد علی، محل تدریس علماء و مدرسین بزرگی بوده. که ذیلاً به نام و شخصیت چند نفر از آنها اشاره مینمائیم:

۱- مؤسس مدرسه، مجتهد و صاحب تألیف، مرحوم آقا شیخ محمد علی نجفی (ثقه الإسلام)، متوفای ۱۳۱۸ قمری.

۲- مجتهد و زاهد بزرگوار، مرحوم حاج شیخ مهدی نجفی، که از علماء بزرگ اصفهان، و از چهره های نامدار حوزه علمیه بوده، و در سال ۱۳۹۳ قمری

ص: ۱۵۱

---

۱- تاریخچه محله خواجه، صفحه ۲۹، تاریخ فرهنگ اصفهان، صفحه ۱۰۲

۲- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، جلد ۳، صفحه ۲۹۲

وفات یافته اند .

۳- مرحوم حاج شیخ فرج الله درّی ، متوفای ۱۳۸۲، که از علماء زهاد و از اوتاد زمان بوده ، و در زمره مفاخر مدرسه یاد شده، می باشند .

۴- مرحوم حاج شیخ محمود کاشانی ، مشهور به ( سالک )، متوفای ۱۳۸۹ که از مدرّسین سطوح بوده است .

۵- مرحوم حاج شیخ محمد حسین فقیه نظنزی ، متوفای ۱۳۹۵ قمری ، که از علماء جلیل القدر، و از مدرّسین پرتلاش ، و امام جماعت مسجد جامع عباسی ( مسجد شاه ) بوده اند ، و فرزند ایشان ، جناب حجه الإسلام و المسلمین ، آقای حاج شیخ علی اکبر فقیه، از مدرّسین عالیقدر معاصر حوزه علمیه اصفهان ، و از دوستان نویسنده این سطور می باشند ، و در حال حاضر ، به تدریس سطوح عالیّه در حوزه علمیه ، و امامت جماعت در مسجد شاه ( مسجد امام فعلی ) اشتغال دارند .

۶- مدرّس و مجتهد بزرگوار ، مرحوم حاج شیخ مجد الدّین نجفی ، متوفای ۱۴۰۳ قمری ، که از چهره های مشهور و از مدرّسین جامع ، در زمینه فقه و اصول و هیئت و ریاضی بوده اند .

و هم چنین مدرسه یاد شده ، محل سکونت و تحصیل فضلاء و طلاب زیادی بوده ، که برخی از آنها به مدارج عالیّه علمی و اجتماعی نائل گشته اند ، همانند : مرحوم حجه الإسلام و المسلمین ، حاج سید علی اکبر هاشمی ( طالخونچه ای )، متوفای ۱۳۸۸ قمری ، که از علماء و روحانیین بزرگوار ، و از چهره های مورد توجه ، و دارای مکارم اخلاقی بوده اند ، و نیز برادر ایشان ، حضرت آیه الله ، آقای حاج سید اسماعیل هاشمی دام عمره ، که از مدرّسین و دارای تألیفات و اوصاف حمیده و فضائل اخلاقی و روحی می باشند .

ص: ۱۵۲



منظور، مدرسه کاسه گران است که، به مناسبت عنوان بانی آن، حکیم الملک اردستانی، حکیمیه نامیده شده است. به عنوان مدرسه کاسه گران مراجعه شود

#### مدرسه حواییگم

منظور، مدرسه خالصیه است به عنوان یاد شده رجوع شود.

#### ۹- مدرسه خالصیه

مدرسه ای بوده، که در قرن یازدهم، در سال ۱۰۷۱ قمری، شخصی به نام میرزا تقی، فرزند مرحوم محمد باقر دولت آبادی، برای تدریس فقیه محدث، و محقق نامدار، مرحوم سید نعمت الله جزائری، ساخته است.

این مدرسه تا اوائل قرن چهاردهم باقی بوده، و سپس به صورت خانه مسکونی در آمده، و آثار بنای قدیمی آن از بین رفته است، ولی در سال ۱۴۰۴ قمری، زیر نظر آیه الله، آقای حاج سید حسن فقیه امامی دامت برکاته، به حوزه علمیه برگردانده شده، و از آن سال، به وسیله ایشان تجدید بنای آن شروع گردیده، که بعد از این، توضیح می‌دهیم.

این مدرسه، در محله قدیمی جماله، در کوچه حمام شاه علی، با مقداری فاصله از حمام شیخ بهائی، و بازار بزرگ و خیابان عبد الرزاق واقع گردیده، و محله ای که مدرسه در آن واقع شده، طبق تصمیم سازمان میراث فرهنگی کشور، به سبک قدیمی و با حالت سنتی ابقاء گردیده، و تعمیرات اساسی یافته است، و یادآور شکوه و جلوه کوچه ها و خانه های قدیم می باشد.

مدرسه خالصیه، به مناسبت نام بانی آن، مدرسه میرزا تقی، و به مناسبت نام مدرس عظیم الشأن آن (مرحوم سید نعمت الله جزائری) مدرسه سید جزائری

نامیده شده، و هم چنین به نام مدرسه حوّا بیگم نیز، خوانده شده است.

در وجه تسمیه مدرسه، به نام حوّا بیگم، وجوه مختلفی را احتمال داده اند، ولی در سنگ وقفنامه مدرسه و موقوفات آن، که در سالهای اخیر پیدا شده، و هم اکنون در دیوار راهرو ورودی مدرسه نصب گردیده، واقف اصلی مدرسه میرزا تقی بن محمد باقر دولت آبادی میباشد، و در ادامه عبارت، همسر واقف، به نام حوریزاد خانم، بنت محمّد حسن دولت آبادی ذکر شده، و او هم اموالی را بر طبق وقفنامه شوهر خود، وقف نموده است، و احتمال دارد حوریزاد خانم، در زبان مشهور خانوادگی، و زبان رایج مردم آن زمان، حوّا بیگم خوانده می شده، و به مناسبت نام او، مدرسه را به نام حوّا بیگم خوانده اند.

### دو سنگ نوشته تاریخی، در رابطه با مدرسه

هنگامی که مدرسه خالصیه به حوزه علمیه برگردانده شد، و شروع به تجدید بنا گردید، دو قطعه سنگ قدیمی در خرابه های مدرسه پیدا شد، که یکی مشتمل بر وقفنامه مفصل مدرسه و سه مسجد آن، و نیز موقوفاتی بر مدرسه و مساجد یادشده، می باشد، و با خطّ زیبا حجاری شده، و هم اکنون در دیوار راهرو ورودی مدرسه، نصب گردیده است، و دومی به خط محمد رضا امامی

خطاط مشهور آن زمان ( مشتمل بر عباراتی جالب، و ماده تاریخی مدرسه است، بدین شرح :

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قَدْ وُفِّقَ بِنَاءِ هَذِهِ الْمَدْرَسَةِ ، فِي زَمَنِ دَوْلَةِ السُّلْطَانِ الْأَعْظَمِ وَ الْخَاقَانِ الْأَكْرَمِ ، مَوْلَى مُلُوكِ الْعَرَبِ وَ الْعَجَمِ ، قَهْرَمَانَ الْمَاءِ وَالطَّيْنِ ، مُرَوِّجِ مَيْذَهَبِ الْأَيْمَةِ الْمَعْصُومِينَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ السُّلْطَانِ بْنِ السُّلْطَانِ ، وَ الْخَاقَانِ بْنِ الْخَاقَانِ بْنِ الْخَاقَانِ ( يك قسمت که مشتمل بر نام سلطان آن عصر

و نام بانی می باشد ، حجاری نشده است ) (۱) ابن مرحوم محمد باقر دولت آبادی ، کتبه محمد رضا الإمامی

این بنا را سه نام نامی آن

که فرح بخش شاب و هم شیخست

اولین مدرسه دوم طویه

۲۶۳۰۹

سیمین خالصیه تاریخست

۷۳۶

که مجموع کلمات ( مدرسه ، طویه ، خالصیه ) به حروف أبجد ۱۰۷۱ میشود که ماده تاریخ مدرسه است .  
این دو قطعه سنگ از اسناد ارزشمند تاریخی می باشد و موقوفه بودن یک سری از زمینها و دگانهها را اثبات می کند .  
از سنگ نوشته وقفنامه بر می آید که ، مدرسه خالصیه دو طبقه بوده است .

### تجدید بنای مدرسه خالصیه

هم چنان که قبلاً اشاره شد، در سال ۱۴۰۴ قمری ساکنین در محلّ مدرسه که به صورت منزل مسکونی در آمده بود ( مدرسه را تحویل آیه الله ، آقای حاج

ص: ۱۵۵

---

۱- در کتاب گنجینه دانشمندان ، صفحه ۶۱۰، و آثار ملی اصفهان ، صفحه ۴۱ و دار العلم شرق (مخطوط ) ، صفحه ۲۲۹ مشخص نبودن یک قسمت از کتیبه را چنین توجیه کرده اند ، که ( عمده تراشیده شده که اگر روزی این سنگ پیدا شود مشخص نباشد که این سنگ متعلق به کدام بنا و کدام بانی است ، ولی اینجانب ، عین سنگ را بررسی کردم ، و هم اکنون این سنگ در مدرسه خالصیه موجود است ، این قسمت از نوشته اصلاً حجاری نشده ، نه اینکه خطوط نوشته شده ، تراشیده شده باشد، و احتمال دارد که تأسیس مدرسه و انجام ساختمان آن ، چند سال به طول انجامیده ، و چون می خواسته اند که در هنگام افتتاح مدرسه ، نام شاه همان زمان برده شود، تمامی سنگ قبلاً حجاری شده ، و قسمتی که نام پادشاه باید ذکر شود ، باقی گذاشته شده ، تا در زمان لازم ، هر پادشاهی که حاکم و زنده است نام ببرند، و فقط برای حجاری ، همان قسمت باقی مانده باشد ، ولی موفق به انجام این کار نشده اند ، و العلم عند الله

سید حسن فقیه امامی دامت برکاته دادند ، و معظم له ، با خریدن زمینی در مجاورت مدرسه ، به تجدید بنای آن پرداختند (۱).

مدرسه خالصیه ، به صورت دو طبقه ساخته شده ، که در طبقه اول ۲۲ حجره ، و نیز یک سالن بزرگ در طرف جنوبی برای تدریس و سخنرانی) و یک مسجد در طرف غربی ، و نیز آشپزخانه و سایر نیازهای مدرسه تأسیس شده است . و در طبقه دوم ، ۴۳ حجره ساخته شده ، و در هر کدام از طبقه ها ، یک منزل کوچک تأسیس گشته ، که برای مدرّس مدرسه یا مهمانی که از علماء بزرگ بر مدرسه وارد شود، مورد استفاده قرار گیرد .

شکل کلی نقشه مدرسه ، به صورت یک صحن بزرگ و یک حیاط خلوت کوچک ( در ضلع جنوب شرقی مدرسه ) می باشد ، که حجرات مدرسه در اطراف آنها ساخته شده است . نماسازی مدرسه از آجر تراش و کتیبه هائی زیبا و متعدد از کاشی معرق خوش رنگ ترکیب یافته ، و در کتیبه ها، شوز و آیاتی از قرآن مجید ، احادیثی در باره علم و عالم، اشعار عربی درباره پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله و فاطمه زهراء علیها السلام و ائمه معصومین علیهم السلام و نیز اشعار فارسی نظامی، درباره امام زمان(عج) نقش بسته است .

### سید نعمت الله جزائری ، اولین مدرّس مدرسه خالصیه

اولین و مهمترین مدرّس مدرسه خالصیه ، فقیه و محدّث نامدار و محقق ، مرحوم سید نعمت الله جزائری قدس سره ، متوفای ۱۱۱۲ قمری میباشد ، که در علوم

ص: ۱۵۶

۱- هم اکنون که مراحل چاپ کتاب انجام می گیرد ( رمضان المبارک ۱۴۱۷ قمری ) مراحل ساختمانی و تزیینات مدرسه خالصه تکمیل گردیده ، و مراسم افتتاح مدرسه در سالروز میلاد صدیقه کبری ، فاطمه زهراء ع ( ۲۰ جمادی الثانی، ۱۴۱۷ قمری ) برگزار گردیده است

فقه و حدیث و رجال و تفسیر و فنون ادبی ، مجتهد و صاحب نظر بوده ، و تحقیقاتی برجسته داشته است ، و از شاگردان علامه مجلسی ، سید هاشم بحرانی ، ملا محسن فیض کاشانی ، شیخ حرّ عاملی و ... ، بوده ، و تألیفاتی ارزشمند از قبیل : أنوار النعمانیة (۱) ، شرح بر نهج البلاغه ، شرحی کبیر و صغیر بر صحیفه سجادیه ، و دو شرح بر تهذیب الحدیث ، ( یکی در هشت جلد و دیگری در دوازده جلد ) داشته ، که شمار آنها ، به بیش از ۵۰ عنوان بالغ میشود (۲) و تعدادی از آنها در ضمن چندین مجلد می باشد .

مرحوم سید جزائری ، در شهرهای هویزه ، بصره ، شیراز ، اصفهان ، تحصیل علم نموده ، و در شهر شوشتر سالها اقامت و توطّن داشته است .

آن بزرگوار ، پس از آنکه سالها در شهرهای مختلف ، و در محضر بزرگان علم و اجتهاد و تحقیق ، تحصیل علم نموده ، به اصفهان مهاجرت می نماید ، و به محضر مقدس علامه ، ملا محمد باقر مجلسی شرفیاب می شود ، و از علم و معنویت آن بزرگمرد بهره می گیرد ، و مدّت چهار سال در منزل علامه مجلسی اقامت نموده ، و سپس با تأسیس مدرسه خالصه ، به آن مدرسه نقل مکان

ص: ۱۵۷

- 
- ۱- أنوار نعمانیة ، کتابی است پرفایده ، که دو جلد بوده ، ولی بعداً به صورت چهار جلد به چاپ رسیده است ، و در خاتمه آن ( از صفحه ۳۰۲ تا ۳۲۶ ) شرح زندگی و شئانی که آن بزرگمرد در راه تحصیل علم متحمل گردیده ، از سال ۱۰۵۰ تا ۱۰۸۹ ( سنّ سی و نه سالگی سید جزائری ) به قلم خود آن بزرگمرد ، به رشته تحریر در آمده است ، و مطالعه آن برای طالبین علم ، بسیار آموزنده است ، و نشان میدهد که : ناپرده رنج گنج میسر نمی شود مزد آن گرفت جان برادر که کار کرد
  - ۲- در کتاب نابغه فقه و حدیث ، در شرح حال سید جزائری ، تألیفات آن بزرگمرد به تفصیل مورد معرفی قرار گرفته ، و از صفحه ۲۲ تا ۹۰ به این امر اختصاص یافته است

می نماید، و مدرّس رسمی آن پایگاه علم و دین، میگردد.

مرحوم سیّد جزائری، چهار سال در مدرسه خالصیه تدریس نموده، و مجموعه هشت سال در حوزه علمیه اصفهان به تحصیل علم و یا تدریس و تحقیق و تألیف پرداخته است (۱).

### جلسات بحث علمی در مدرسه خالصیه

در دوره ای که حوزه علمیه اصفهان (همانند تمامی حوزه های علمی ایران) زیر فشار حکومت پهلوی تضعیف گردیده بود، و بسیاری از مدارس علمیه تعطیل گشته، و یا غصب شده بود، مجتهد بزرگوار، مرحوم آیه الله، حاج شیخ محمد حسین فشارکی تل، متوای ۱۳۵۳ قمری، به یکی از ملازمین و کمک کارهایشان، به نام شیخ حسن چوب شکن، اجازه می دهند که در مدرسه خالصه سکونت نماید، و از این که مدرسه، به طور کلی از اختیار حوزه علمیه خارج شود (مثل بسیاری از مدارس دیگر)، جلوگیری شود (۲).

مدّت زمانی مدید، عدّه ای از علماء بزرگوار، در این مدرسه، هفته ای دو جلسه مباحثه علمی برقرار میکردند، که خود شیخ حسن چوب شکن هم، گرچه در ردیف آنها نبوده، ولی علاقه مند به مباحث علمی بوده (شرکت می کرده است، و شخصیت های یاد شده، بدین قرار می باشند:

ص: ۱۵۸

---

۱- أنوار النعمانیه جلد ۴، صفحه ۳۱۲

۲- بر خلاف آنچه مشهور است، که شیخ حسن چوب شکن، غاصب مدرسه بوده، او به عنوان نگهداری مدرسه از تصرف غاصبان به وسیله حکومت پهلوی، اجازه سکونت از مرحوم فشارکی داشته است، و فرزندان شیخ حسن، خودشان مراجعه نموده، و مدرسه را تحویل داده اند، و تجدید بنای آن شروع گردیده است اظهارات آیه الله، حاج سید حسن فقیه امامی، که قسمت اجازه مرحوم فشارکی را از قول پدرشان، مرحوم آیه الله، حاج آقا عطاء الله فقیه امامی نیا نقل نمودند (

- ۱- حاج میرزا أبو الحسن بن حاج میرزا عبدالغفار تویسرکانی ، متوفای ۱۳۸۳ که از محترمین علمای اصفهان بوده است .
- ۲- آقا شیخ محمد اسماعیل بن محمد حسن معزی ، معروف به پشمی ، متوفای ۱۳۶۳ که از مجتهدین بزرگوار بوده است .
- ۳- حاج میرزا محمد باقر تویسرکانی ، متوفای ۱۳۷۴ قمری که از مجتهدین و صاحب تألیفات بوده است .
- ۴- آقا میرزا حسن بن ملا علی کاشانی ، متوفای ۱۳۷۷ قمری
- ۵- آقا میرزا رضا، فرزند حاج ملا طاهر شهرکی ، معروف به ( إلهی ) متوفای ۱۳۷۴ قمری (۱).

#### ۱۰- مدرسه ذو الفقار

مدرسه ای است در بازار بزرگ اصفهان ، در نزدیکی محله نیم آور ، و در مجاورت مسجد تو بازار ، که با مسجدی به همین نام ( ذو الفقار ) در قرن دهم هجری در زمان شاه طهماسب صفوی ، بنا شده است .

در ساختمان مدرسه ذو الفقار ، کتیبه یا اثری که سال تأسیس و نام بانی و دیگر خصوصیات مدرسه را نشان بدهد وجود ندارد، ولی بالای در مسجد ، کتیبه ای به خط ثلث سفید با کاشی معرق بر زمینه لاجوردی وجود دارد ، بدین شرح :

قَدْ عَمَّرَ اللَّهُ هَذَا الْمَسْجِدَ الْمَوْسُومَ بِجِدَى الْقَفَّارِ فِي أَيَّامِ خِلَافَةِ السُّلْطَانِ الْأَعْظَمِ الْأَكْرَمِ ، أَبُو الْمُطَفَّرِ ، شَاهِ طَهْمَاسِبِ الْحُسَيْنِيِّ  
بِهَادِرْخَانِ ، خَلَّدَ اللَّهُ مُلْكَهُ وَأَفَاضَ عَلَى الْعَالَمِينَ عَدْلَهُ ، أَضَعَفُ عِبَادِ اللَّهِ شَيْخَ مُحَمَّدَ الصَّفِيِّ ، نَمَّقَهُ مُحَمَّدُ سِيَاوَشَ ، فِي سَنَةِ ٩٥٠

ص: ۱۵۹

---

۱- دار العلم شرق (مخطوط) ، صفحه ۲۳۱، و برگه فرعی

از این کتیبه استفاده می شود که ، یکی از علماء آن دوره ( شیخ محمد الصفی ) این مسجد را در سالهای حدود نیم قرن دهم ، تأسیس یا تعمیر نموده ، و در سال ۹۵۰ کتیبه آن را نصب نموده است . دکتر لطف الله هنرفر ، در کتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۳۸۴ ، تاریخ ۹۵۰ را مربوط به بنای اولیّه مسجد دانسته ، و آقای أبو القاسم رفیعی مهرآبادی ، در آثار ملی اصفهان ، صفحه ۴۷۰ ، تاریخ ۹۵۰ را مربوط به تعمیر مسجد شمرده ، و أصل بناء را از زمان جلوتری دانسته ، و معتقد است که مسجد ، در زمان شاه طهماسب تعمیر گردیده است .

لغت عَمَرَ ، به معنی بنا نمود ، و لغت عَمَّرَ ، به معنی آماده نمود بناء را ، و آن را مهیّای بهره برداری کرد می باشد ، و عبارت فوق گرچه احتمال می دهد (عَمَّرَ) باشد ( چنانچه در کاشیکاری تشدید وجود دارد که به معنی تعمیر نموده است می باشد ، ولی احتمال دیگری وجود دارد ، که عبارت ( عَمَرَ ، بدون تشدید ) و به معنی ( بنا نمود ) باشد ، و مجموعه قرائن ، از قبیل نام ذوالفقار ( که مناسب فرهنگ شیعی است ) و تاریخ ۹۵۰ که أوائل حکومت شیعه مذهب صفویّه است ، مؤید این است که این تاریخ ، مربوط به أصل تأسیس بنای مسجد میباشد . دلیل روشن و قانع کننده ای برای نام گذاری مسجد و مدرسه ، به نام ذوالفقار به دست نیامده است ، تنها شاردن در سفرنامه خود می نویسد:

محلّه نیم آور یکی از محلات پر جمعیت اصفهان است . نقاط مهمّ این محلّه عبارتند از : کوچه جماله و مسجد ذوالفقار ، که وجه تسمیه آن به مناسبت نام شمشیر علی علیه السلام است (۱) .

ص: ۱۶۰



و مؤید برای این که این نامگذاری به مناسبت نام شمشیر امام علی علیه السلام است ، و علاقه مذهبی ، و ارتباط قلبی بانی مسجد با امیر المومنین علیه السلام ، انگیزه چنین نام گذاری شده ، این است که بر روی در مسجد نیز که به طرف بازار باز می شود ، این اشعار به خط زیبا و برجسته نوشته شده است:

محمد عربی آبروی هر دوسرای

کسی که خاک درش نیست ، خاک بر سر او

شنیده ام که تکلم نمود همچو مسیح

بدین حدیث ، لب لعل روح پرور او

که من مدینه علمم، علی دراست مرا

عجب خجسته حدیث است ، من سگ در او

### تجدید بنای مدرسه ذوالفقار

مرحوم حاج شیخ محمد باقر زند کرمانی ، متوفای ۱۳۸۹ قمری ( ۱۳۴۸ شمسی ) ، که یکی از علماء متفقد و مشهور اصفهان بودند، و سالها در مدرسه ذوالفقار تدریس می کردند ، از سال ۱۳۴۴ شمسی ، دست به کار تجدید بنای مدرسه از طرف غربی شدند ، ( به سبک تلفیقی بین اسلوب قدیم و جدید و با استفاده از تیر آهن و سقف مسطح ) ولی عمر ایشان کفاف نداد ، و در تاریخ ۱۳۴۹ شمسی ( ۱۳۹۰ قمری ) پس از شروع برنامه منظم و مفصل درسی مدرسه ذوالفقار ، حضرت آیه الله ، آقای حاج سید حسن فقیه امامی ، تجدید بنای مدرسه را ( به سبک قدیم ) ادامه دادند، و با مقداری تغییر در ساختمان مدرسه ، بنای آن را با کاشی کاری و نماسازی ، به پایان رساندند .

تاریخ ۱۳۹۲ قمری بالای در مدرسه ، مربوط به اوائل شروع تجدید بنای

مدرسه ، و تاریخ ۱۴۰۲ قمری ، در کاشیکاری بالای حجره ضلع شمال شرقی ، مربوط به پایان تجدید بنا و تزئین مدرسه می باشد .

### برنامه مفصل و گسترده مدرسه ذوالفقار

پس از گذشت سالهای خفقانی حکومت پهلوی اول ، و سپری شدن آثار شدید تهاجم های ضدّ دینی حکومت پهلوی ، بر حوزه های علمیه ، و شروع حرکت مجدد حوزه ای در بسیاری از مدارس دینی ، نیاز به یک تحوّل اساسی و فعالیت منسجم ، در حوزه علمیه اصفهان احساس گردید ، و به همین جهت عده ای از مدرسین فعال و پرچوش اصفهان ، آقایان : آیه الله ، حاج سید حسن فقیه امامی ، و حجه الإسلام و المسلمین ، آقای حاج شیخ محمد علی ابراهیمی و حجه الإسلام و المسلمین ، آقای حاج شیخ علی اکبر فقیه و هم چنین نویسنده این سطور ( حاج سید حجه موحد ابطحی ) ، جلسه ای تشکیل داده ، و تصمیم گیری نمودیم ، که یک برنامه درسی منظم و گسترده و پر تحرّکی را به وجود بیاوریم ، که طلاب جوان را زیر پوشش قرار دهد ، و از نظر اخلاقی و تربیتی و درسی و انضباطی ، آنها را تحت مراقبت بگیرد ، و نیروی جوان حوزه علمیه را ، برای تکامل سریع و وسیع و مطلوب آماده سازد ، و این اقدام مورد تأیید علماء بزرگ اصفهان قرار گرفت ، و به سرعت به نتیجه مطلوب رسید ، و به مناسبت این که شروع فعالیت این برنامه درسی ، در مدرسه ذوالفقار بود ، به نام برنامه ذوالفقار شهرت یافت ، گرچه تداوم و گسترش فعالیت این برنامه ، در مدرسه های : محمودیه ، جوادیّه ، الغدیر ، مسجد نو بازار ، انجام گرفت ، و به تدریج ، طلاب جوان تمام مدارس علمیه را ، زیر نفوذ خود قرار داد ، و اکثر مدارس علمیه اصفهان ، محلّ سکونت و خوابگاه طلاب زیر پوشش برنامه ذوالفقار ، قرار گرفت .

گسترش فعالیت برنامه ذوالفقار ، تا جایی رسید که در یک زمان با آماری

از این قبیل مواجه گردید، ۶۰۰ نفر طلبه تمام وقت با تمام برنامه، ۴۰۰ نفر طلبه نیمه برنامه، ۶۰ مدرّس برای سطوح مختلف درسی (مقدمات، سطح اوّل و عالی و دوره خارج) و بیست و دو ماده درسی (نحو، صرف، لغت، معانی، بیان، بدیع، منطق، اصول فقه، فقه، عقائد و کلام، تعلیم قرآن، تجوید قرآن، حفظ قرآن، تفسیر قرآن، شرح و تفسیر نهج البلاغه، تاریخ اسلامی، رجال، درایه، حدیث، فلسفه، اخلاق) اعزام مبالغ در سطحی وسیع به شهرها و روستاها، ادارات، کارخانجات، مدارس آموزش و پرورش و... و هم چنین کوشش در جزوه نویسی و تهیه مقالات و کتابهای دینی، و نیز انجام امتحانات متنوع و متعدد از طلاب، در زمینه های مختلف درسی.

و در یک کلام، از ابتداء شروع برنامه ذوالفقار تا کنون، متجاوز از دوازده هزار نفر طلبه، زیر پوشش این برنامه قرار گرفته اند، که عده زیادی از آنها پس از طی مراحل از تحصیل، به حوزه علمیه قم، برای تکامل تحصیلی رفته اند، و شمار بسیاری از آنها، در حوزه ها و شهرهای دیگر، به تدریس و تربیت طلاب، و یا فعالیت های دینی و تبلیغی و ارشادی اشتغال دارند، و جمعی از آنها نیز تاکنون، در زیر پوشش همین برنامه به ادامه تحصیل یا تدریس و تحقیق می پردازند، و جالب است بدانیم که طلاب یادشده، از اکثر قریب به اتفاق استانها و شهرهای ایران، و هم چنین از کشورهای افغانستان و احیاناً از پاکستان و عراق و لبنان بوده و می باشند (۱).

ص: ۱۶۳

---

۱- نویسنده این سطور، کتابی مستقل در باره مدرسه ذوالفقار و مدارس وابسته، و چگونگی برنامه مفصل درسی و تربیتی آن، نوشته ام که مخطوط میباشد، و در آنجا در مورد برنامه ها و موفقیت های علمی، تربیتی، تبلیغی و اجتماعی این برنامه، و تلاش گران آن به تفصیل بحث نمودهام

از دير زمانى علماء بزرگى در اين مدرسه اشتغال به تدريس داشته اند ، که ذیلا به نام برخى از آنها اشاره مى نمائيم :

۱- مجتهد و فقيه زاهد ، مرحوم ميرزا محمد حسن نجفى ، متوفای ۱۳۱۷ قمرى ، که در لسان الأرض موقتاً دفن شده ، و پس از آن ، منتقل به نجف اشرف گرديده است . وی از أحفاد آقا محمد باقر هزار جریبی ، و از شاگردان مرحوم آقا سيد ابراهيم (صاحب ضوابط ) و نیز ، شيخ أعظم أنصاری و ميرزای شیرازی (۱) و مورد اعتماد شديد شخصيت اخير بوده ، و جمعی از فضلاء و علماء اصفهان ، در شمار شاگردان آن بزرگمرد بوده اند .

مرحوم حاج آقا بزرگ طهرانی ، او را با عبارت : عالمٌ جليلٌ و فقيهٌ كبيرٌ و رئيسٌ مقبولٌ ، ستوده ، و تألیفات او را از قبيل : كتاب الطهاره و حاشیه قوانین و حاشیه فصول و ... ، بر شمرده است (۲) . ایشان ، در مسجد ذوالفقار إمامت ، و در مدرسه ذو الفقار تدريس مى نموده است (۳) .

۲ - عالم مشهور و مجتهد مدرّس ، حاج شيخ محمد باقر زند کرمانی ، متوفای ۱۳۸۹ قمرى ، که سالها مدرّس اين مدرسه بوده است .

۳ - استاد معظّم ، آيه الله ، آقای حاج سيد حسن فقيه إمامی دام توفيقه و عزّه ، که در طول بيست و نه سال از تأسيس برنامه منظم درسى مدرسه ذو الفقار تاکنون

ص: ۱۶۴

---

۱- زندگى و شخصيت شيخ انصاری ، چاپ اول ، صفحه ۲۴۰

۲- نباء البشر ، جلد ۱ ، صفحه ۴۲۱

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۲۶۶ ، و دار العلم شرق (مخطوط ) صفحه ۱۱۵ ( برگه ضميمه ) و اظهارات شفاهى آقای سيد مصلح الدين مهدوى

( سال ۱۴۱۷ قمری ) در زمینه های مختلف ، از قبیل : فقه ، اصول ، عقائد ، تفسیر شرح نهج البلاغه ، حدیث ، رجال و همچنین علوم ادبی ، در سطوح مختلف ( مقدمات و سطح اول و دوم و دوره خارج ) تدریس نموده و می نمایند .

۴- نویسنده این سطور ( حاج سید حجه موحد ابطحی ) ، که از ابتداء تأسیس برنامه ذوالفقار تا کنون ، از دوره مقدمات تا سطح عالی تدریس نموده و می نمایم ، و در زمینه های مختلف ، از قبیل : فقه و اصول و کلام و عقائد و تفسیر و اخلاق و شرح نهج البلاغه و حدیث و رجال و درایه و فلسفه و منطق و علوم ادبی و بلاغت ، تدریس نموده ، و هم اکنون به تدریس رسائل و مکاسب مرحوم شیخ انصاری ، و کفایه الأصول مرحوم آخوند خراسانی و مستمسک العروه الوثقی ، اشتغال دارم .

۵- حجه الإسلام و المسلمین ، آقای حاج شیخ محمد علی ابراهیمی ، که از پایه گذاران برنامه مدرسه ذوالفقار می باشند ، و در طول چندین سال ، از مدرسین فعال مدرسه ذوالفقار بوده اند ، و هم اکنون نیز در جریان اعزام مبلّغ و دیگر مسائل حوزه ای ، همکاری بسیار مطلوبی با مدرسه ذوالفقار دارند .

۶- حجه الإسلام و المسلمین ، آقای حاج شیخ علی اکبر فقیه ، که ایشان نیز ، از پایه گذاران برنامه مدرسه ذوالفقار بوده ، و از ابتداء تا کنون ، از مدرسین فعال مدرسه بوده اند ، و در تدریس دروس ادبی و بلاغت و فقه و اصول بر نقش اساسی داشته اند ، و هم اکنون به تدریس سطوح عالی اشتغال دارند .

و در پایان ، بایستی اشاره کنم که بسیاری از فضلاء و برجستگان طلاب مدرسه ذوالفقار ، در شمار مدرسین این مدرسه بوده و هستند ، که رقم آنها ( از

بتداء تا کنون ) به متجاوز از سیصد نفر می رسد ، که در رتبه های درسی مقدمات ، سطح اول ، سطح عالی تدریس نموده و می نمایند .

و هم چنین بایستی توجه خوانندگان را به این نکته جلب نمایم که ، عده ای از علماء و مدرّسین بزرگ اصفهان ، گرچه در مدرسه ذوالفقار تدریس ننموده اند ، ولی شمار زیادی از طلاب تحت پوشش برنامه مدرسه ذوالفقار ، با برنامه و نظمی مشخص ، از درس آن بزرگواران ، که در مدارس دیگر تدریس نموده یا می نمایند ، بهره علمی برده و می برند، که ذیلاً به نام مبارک برخی از آنها اشاره مینمائیم :

۱- مرحوم آیه الله ، حاج شیخ مجتبی لنگرانی قدس سره ، متوفای ۱۴۰۶ قمری ، که از مدرّسین نامدار در مدرسه صدر بازار بودند .

۲- مرحوم آیه الله ، آقای حاج شیخ حسن صافی اصفهانی قدس سره ، متوفای ۱۴۱۶ قمری ، که از چهره های برجسته علم و اجتهاد در حوزه علمیه اصفهان بودند ، و در مدرسه صدر تدریس دوره خارج فقه و اصول می نمودند .

۳- مرحوم آیه الله ، آقای حاج سید محمد علی صادقی قدس سره ، متوفای ۱۴۱۷ قمری ، که از چهره های مبرز علمی و از مجتهدین بزرگوار حوزه علمیه اصفهان بودند، و در مدرسه صدر تدریس می نمودند .

۴- استاد معظّم ، مرحوم آیه الله ، آقای حاج سید احمد فقیه امامی ، متوفای ۱۴۱۴ قمری ، که از شخصیت‌های بزرگ و مدرّسین نامدار حوزه علمیه اصفهان به شمار می رفتند ، و در مدرسه نیم آور و مسجد بابا محمد علی سقا (معروف به مسجد امامی) و مسجد سرنیم آور تدریس می نمودند ، و در زمینه فقه و اصول و تفسیر و درایه و حدیث و ... جلسات درسی پرجمعیتی داشتند .

## ۱۱- مدرسه رفیعه سلیمانیه

در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران ، نسخه ای از شرح توحید مفضل

ص: ۱۶۶

به شماره ۳۵۱۴ وجود دارد، که در ماه شعبان ۱۰۷۵، شخصی به نام شریف بن موسی بن رضا امامی، آن را در مدرسه رفیعیه سلیمانیه، نوشته است (۱).

و در کتاب دانشمندان آذربایجان، در شرح حال عبد الصمد بن عاشور تبریزی (در صفحه ۲۵۶) آمده است: از علمای قرن یازدهم این ایالت است، در تاریخ ۱۱۰۱، شرایع الإسلام محقق حلی را، به نام سلطان سلیمان صفوی، به عنوان سفینه توفیق، در مدرسه سلیمانیه اصفهان، به پارسی ترجمه کرده است. نسخه ای از آن که در تاریخ مزبور به خط مترجم تحریر شده بود، در تبریز به نظر نگارنده در آمده است (۲).

با توجه به این که مدرسه سلیمانیه، جنب مسجد جامع عباسی (مسجد شاه) حجره ندارد، و محل سکونت نیست (۳) استنباط می شود که، مدرسه دیگری وجود داشته، که به نام مدرسه سلیمانیه یا رفیعیه سلیمانیه، خوانده می شده، و طبق معمول مدارس حجره داشته، و محل سکونت و فعالیت علمی، از قبیل تألیف کتاب و نسخه برداری از کتب علمی بوده است.

و احتمال می رود، که مراد از مدرسه مذکوره، مدرسه ناصریه (واقع در ضلع جنوب شرقی مسجد امام فعلی) باشد، زیرا، گرچه این مدرسه در زمان ناصرالدین شاه تعمیر گردیده، و به نام ناصریه یا ناصری، خوانده شده، ولی به علت این که در زمان شاه سلیمان صفوی، کاشی کاری و مراحلی از آن انجام شده (طبق کتیبه مورخه ۱۰۷۷ ایوان جنوبی مدرسه ناصریه) ممکن است قبلاً به نام سلیمانیه یا رفیعیه سلیمانیه خوانده می شده است (به بخش مربوط به

ص: ۱۶۷

۱- دار العلم شرق (مخطوط)، صفحه ۱۲۹

۲- دار العلم شرق (مخطوط) صفحه ۱۲۹

۳- علاوه بر اینکه کارشیکاری سر در مدرسه سلیمانیه به تاریخ ۱۰۷۸ می باشد، و تاریخ نسخه برداری نسخه شرح توحید مفضل، سه سال قبل از آن یعنی ۱۰۷۵ می باشد

مدرسه ناصریه و مدرسه سلیمانیّه رجوع شود) .

## ۱۲ - مدرسه سارو تقی «مدرسه آقا شیخ محمد علی»

سارو تقی (مقتول در ۱۰۵۵) وزیر شاه صفی و شاه عباس دوم، که مردی لایق و شایسته و از رشوه خواری به دور بوده، و شاه صفی با وجود او مسرور بوده است (۱) در سال ۱۰۵۳ مدرسه ای در جوار مسجد و منزل خود بنا میکند، که پس از ویرانی، به وسیله یکی از علماء بزرگ اصفهان، مرحوم حاج شیخ محمد علی نجفی مسجد شاهی (ثقه الاسلام) مجدداً ساخته میشود، و هم اکنون باقی و مشهور به مدرسه آقا شیخ محمد علی، و مدرسه ثقه الاسلام می باشد. محلّ مدرسه، بازارچه حسن آباد و در نزدیکی امامزاده احمد علیه السلام و مدرسه عربان (مدرسه مرحوم آیه الله خادمی) می باشد.

میرزا طاهری نصرآبادی، در ضمن معرّفی بهزاد بیک، متخلّص به دوستاق، از پدر او یاد کرده و می نویسد:

ولد سهراب بیک قورچی ...، در سنّ چهل سالگی توفیق خواندن و نوشتن یافته، الحال طالب علم است، و در مدرسه مرحوم سارو تقی، واقع در محله باغات اصفهان است. (۲). برای آشنائی بیشتر، به عنوان مدرسه حاج شیخ محمد علی رجوع شود

## مدرسه سلطانی چهارباغ

مقصود، مدرسه چهارباغ است، به عنوان یاد شده مراجعه شود.

ص: ۱۶۸

---

۱- تاریخ مدارس ایران، صفحه ۲۶۸

۲- تذکره نصرآبادی، صفحه ۱۴۷



مدرسه ای است که در گوشه جنوب غربی مسجد شاه (مسجد امام فعلی) واقع شده، و به وسیله دو مدخل بزرگ به صحن مسجد، متصل می‌گردد.

این مدرسه حجره ندارد و فقط ایوانهایی در اطراف آن قرار گرفته است و تزیینات مدرسه، از سنگهای مرمر در پائین دیوارها، و کاشی های خشت هفت رنگ، در بقیه نماهای مدرسه تشکیل می‌گردد.

سنگ شاخص معروف مسجد شاه، که معروف است با محاسبه نابغه دهر و اعجوبه روزگار، شیخ بهاء الدین محمد، معروف به شیخ بهائی، متوفای ۱۰۳۰ یا ۱۰۳۱ تهیه شده، در مدرسه سلیمانیه، در قسمت پائین یکی از جرزهای ضلع شمالی صحن این مدرسه، تعبیه شده است (۱).

تأسیس این مدرسه، مطابق کتیبه سر در مدرسه، به سمت کوچه پشت مسجد، در اوائل سلطنت شاه سلیمان صفوی به پایان رسیده، و مورخ به سال ۱۰۷۸ هجری قمری است، و در قسمتی از آن کتیبه چنین خوانده می‌شود:

جامع کبیر الأعظم الشاهی العباسی الصفوی، فی زمن دوله السلطان و الخاقان الأکرم مالک رقاب الأمم، مولى ملوک العرب و العجم، مروج مذهب الأئمه المعصومین علیهم السلام، السلطان بن السلطان، أبو المظفر، شاه سلیمان الموسوی الصفوی الحسینی، بهادر خان ...، فی ثمان و سبعین و ألف، کتبه محمد رضا الإمامی (۲).

شاید دلیل این که این بنا را مدرسه می‌نامند (با اینکه حجره و محلّ

ص: ۱۶۹

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صفحه ۴۵۵

۲- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صفحه ۴۵۷

سکونت و فعالیت علمی ندارد) این باشد که، در خود مسجد و نیز مدرسه ناصریه (در ضلع جنوب شرقی مسجد) حجره هائی وجود دارد، و درسهای متعددی در مسجد و مدرسه گفته می شده، و احتمالاً در ایوانهای اطراف مدرسه سلیمانیه، جلسه درس و بحث علمی تشکیل می شده، و به همین جهت، نام مدرسه، بر این بنای تاریخی، نهاده شده است.

### مدرسه سید جزائری

منظور، مدرسه خالصیه است، به عنوان یاد شده مراجعه شود.

### ۱۴- مدرسه شفیعیه دردشت

مدرسه ای است که در محله دردشت (جنب خیابان ابن سینا) واقع گردیده، و متعلق به دوره شاه عباس ثانی است، و تاریخ بنای آن ۱۰۶۷ می باشد.

نمای مدرسه ساده است، و در داخل ایوانهای چهارگانه مدرسه (که مسجد می باشد و ایوان جنوب غربی و پشت آن، حالت شبستان دارد قطار بندیهای گچی و نقاشی شده، وجود دارد.

کتیبه سردر مدرسه شفیعیه، به خط ثلث سفید بر زمینه کاشی لاجوردی، به خط محمد رضا امامی چنین است:

قَدْ اتَّفَقَتْ عِمَارَةُ هَذِهِ الْمَدْرَسَةِ الْحَقِيرَةِ وَالْمَسَاجِدِ الْمَبْنِيَّةِ فِيهَا (۱)، فِي أَيَّامِ خِلَافَةِ السُّلْطَانِ الْأَعْظَمِ وَالْخَاقَانِ الْأَكْرَمِ، مُرَوِّجِ مَذْهَبِ آبَائِهِ، أَيْمَةِ الطَّاهِرِينَ، السُّلْطَانَ بْنِ السُّلْطَانِ، شَاهِ عَبَّاسِ الثَّانِي الْمَوْسَوِيِّ الصَّفَوِيِّ الْحُسَيْنِيِّ، بِهَادِرِ خَانَ، خَلَّدَ اللَّهُ مُلْكَهُ وَوَقَّقَ يَأْخِذَاتِهِ وَإِتْمَامِهِ، أَحَقَّرَ عِبَادِ اللَّهِ وَأَحْوَجَهُمْ إِلَى عَفْوِ رَبِّهِ الْعَفُورِ، ابْنِ جَمَالِ الدِّينِ، مُحَمَّدِ الْخُوزَانِيِّ، مُحَمَّدِ شَفِيعِ

ص: ۱۷۰

---

۱- منظور از مساجد ساخته شده در مدرسه، ایوانهای مدرسه است، که به عنوان مسجد می باشد

الإصفهانی ، عَفِي عَنْهُمَا ، فِي ١٠٦٧ ، كَتَبَهُ مُحَمَّدٌ رِضَا الإِمَامِي (١).

در مدخل ایوان بزرگ جنوب غربی مدرسه ، دو لوح بزرگ سنگی بر دیوارهای دو جانب ایوان نصب شده ، که در یکی از آنها ( که به طول ۱/۹۰ و عرض یک متر است ) مطالبی نقش بسته ، که بخشی از آن چنین است:

... وقف نموده أحوج المحتاجين الى عفو ربّه الغفور ، محمد شفيع ابن جمال الدين محمد خوزاني اصفهاني ، کلّ این مدرسه حقيره؛ مُحدّثه خود را ، با بیوتات معینه معلومه مربوطه به آن ، که بیوتات مسفوره ، مشتمل است بر سه شاخه و حجرات تحتانی و فوقانی اطراف آنها ، و غسالخانه مربوطه به مدرسه و ... ، ممر بیوتات مذکوره ، از میان مدرسه مسطوره است ، و این چهار صفه و شبستان متصله به کریاس در مدرسه که مسجد است ، بر طلبه علوم دینیّه اثنی عشری ، که ادای صلوات در مسجد و شبستان ، و تغسیل و تکفین أموات مؤمنین در غسالخانه مزبوره ، و طلب علوم دینیّه در مساجد و مدرسه و بیوتات مذکوره نمایند ... (٢) ، و در کتیبه دوم ، در لوح سنگی واقع در ایوان جنوب غربی مدرسه ، که به خط نستعلیق محمد رضا امامی و مورخ به سال ۱۰۶۹ می باشد ، عباراتی است در دنباله وقفنامه مدرسه ، در لوح اول ، که بخشی از آن چنین است : .... ماه مبارک رمضان ، که همه ساله در مدرسه مزبوره روضه الشّهدا خوانده شود ، از رعایت قاری و اسراب مجمع و لوازم آن ... (٣) .

از عبارات یاد شده در وقفنامه ، استفاده میشود ، که مدرسه شفیعیّه ،

ص: ۱۷۱

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۵۸۹

۲- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۵۹۰

۳- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۵۹۲

مجموعه ای بوده برای نماز ( برای عموم مردم ) و درس و بحث ( برای طلاب ) و اقامه عزای حسینی ، و نیز تغسیل و تکفین أموات مؤمنین .

مرحوم جناب در کتاب الإصفهان صفحه ۱۱۰، سکنه مدرسه را ده نفر ، و حجرات آن را ۱۵ عدد (۱) و مساحت آن را ۲۵×۴۵ ذکر کرده است .

در حال حاضر، عده ای از طلاب ( مخصوصاً طلاب شیعه مهاجر افغانستان ) در این مدرسه سکونت دارند، و تحصیل علم می نمایند ، ولی عمدتاً از درسهای مدارس علمیه ذو الفقار و صدر بازار استفاده می نمایند .

### داستانی عجیب و معجزه ای بزرگ

مرحوم محمد مهدی بن محمد رضا اصفهانی ، در کتاب «نصف جهان فی تعریف الإصفهان» ، از صفحه ۲۸۲ تا ۲۹۵ ، داستان بسیار مفصّلی را نقل نموده ، راجع به شفای دختری که کور شده بوده ، واز علاج او به طور قطع مایوس گردیده بودند ، و همه مردم خبر داشتند و در اثر توسّل به حضرت ابي عبد الله الحسين عليه السلام و عنایت خاصه آن إمام معصوم، آن دختر به طور کلی و به نحو عجیبی شفا یافته ، و مردم ، اعم از عالم و جاهل ، زود باور و دیر باور را ، به إعجاب واداشته ، و خود مؤلف ، تحقیق کاملی بر روی قضیه انجام داده ، و صحت مطلب را به نحو یقین به دست آورده است . وی در ضمن نقل داستان بیان میکند که ، در زمان وقوع قضیه ( ۱۲۹۹ قمری ) مدرسه شفیعیّه ( محلّ سکونت دختر یاد شده ، و پدر و مادر و بستگان او ) مخروبه بوده ، و طلبه

ص: ۱۷۲

---

۱- در حال حاضر حجرات مدرسه ۱۲ عدد میباشد ، که هشت عدد آن ها در طبقه همکف و چهار حجره فوقانی می باشد

نداشته (۱) و شخص عالم فقیری ، به نام ملا محسن و برادر او و اهل و عیالش ، در آن مدرسه ، سکونت داشته اند ، و او شغل معلّمی اطفال ( اداره مکتب خانه ) را بر عهده داشته ، و آن دختر شفا یافته ، فرزند ملا محسن بوده است .

### آثاری از فعالیت علمی در مدرسه شفیعیه

شخصی به نام نجم الدّین بن هاشم ، نسخه ای از کتاب شریف من لایحضره الفقیه را ، در مدرسه شفیعیّه اصفهان در سال ۱۰۹۴ ، به خطّ نسخ نوشته ، که در کتابخانه ملی ملک موجود است (۲) .

و شخص دیگری به نام میر نصیر مازندرانی ، از فضلاء اصفهان ، دفتری را به قلم نستعلیق ، در مدرسه محمّد شفیعی اصفهان نوشته ، که مشتمل است بر:

۱- شرح تذکره نصیریّه در هیئت ، از شمس الدّین محمّد خفّری

۲ - شرح تذکره ، از مولی فتح الله شابرانی شیروانی

۳ - الألفاظ السّیّقراطیه از یعقوب بن اسحاق کندی ، و کاتب نیز خودش حاشیه هائی بر این نسخه دارد، و این دفتر در کتابخانه مجلس شورای ملی به شماره ۳۸۸۷ موجود میباشد (۳) .

از علماء بزرگوار که نامشان در لیست ساکنین یا مدرّسین مدرسه شفیعیّه ذکر گردیده ، یکی مرجع و فقیه و زعیّم نامدار ، آقا سیّد محمّد باقر شفتی ، متوفّای ۱۲۶۰ ، و دیگری مرحوم آقا سیّد ابراهیم میر شفیعی و سوّم ، مرحوم آقا سیّد

ص: ۱۷۳

---

۱- مرحوم محمد مهدی اصفهانی ، احتمال داده است که ، این خرابی در زمان فتنه افغان حاصل شده و ادامه داشته است ( نصف جهان ، صفحه ۲۸۳ )

۲- فهرست کتابهای خطّی کتابخانه ملی ملک ، جلد ۱ ، صفحه ۷۲۰

۳- فهرست نسخه های خطّی کتابخانه مجلس شورای ملی ، ج ۱۰ ، بخش چهارم ، ص ۱۹۱۴

## ۱۵ - مدرسه عربان «مدرسه آیه الله خادمی»

مدرسه ای است واقع در نزدیکی بازارچه حسن آباد، و در مجاورت امامزاده أحمد قدس سره و بقعه آقا نجفی، که به مناسبت سکونت طلاب عرب زبان، به این نام خوانده شده، و اخیراً به مناسبت اقدام مرحوم آیه الله، حاج آقا حسین خادمی قدس سره، متوفای ۱۴۰۵ قمری، برای تجدید بنای آن، به نام آن بزرگمرد خوانده میشود.

تأسیس اولیّه این مدرسه، معلوم نیست در چه تاریخی انجام گرفته، ولی در دوره صفویه، در زمانی که شاردن (سیاح فرانسوی) در اصفهان اقامت داشته، این مدرسه موجود بوده، و در آن زمان ۴۰ حجره داشته است (۲).

مدرسه عربان در دوره پهلوی اول، همانند عموم مدارس علمیّه، متروکه و مخروبه گردید، و پس از آن، مرحوم آیه الله، آقا سید محمد رضا خراسانی، متوفای ۱۳۹۷ قمری، اقدام به تعمیر اساسی آن نمودند، و جمعی از طلاب حوزه علمیّه را در آن اسکان دادند.

مرحوم حاج میرزا حسن خان جابری انصاری، اشعاری جالب درباره تعمیر مدرسه، و ماده تاریخ آن سروده، بدین شرح:

ز آقای سید محمد رضا

خراسانی آن آیت و مقتدا

بشد پایدار این اساس علوم

که ویران بُد، از جهلِ اهلِ خطا

بلی، سعی اشخاص همّت بلند

کند تازه آثار عالی بنا

ص: ۱۷۴

---

۱- دار الملم شرق (مخطوط)، صفحه ۱۴۶ برگه فرعی

۲- سفرنامه شاردن، صفحه ۲۱

چو تاریخی از جابری خواستند

که باشد به تجدید بنیان ، سزا

چو روشن شد از علم ، این مدرسه

بگو (بُد ز نور محمّد رضا)

که جمله (بُد ز نور محمّد رضا) به حروف أبجد ۱۳۶۲ میشود ، که تاریخ تعمیر مدرسه ، به سال قمری ، می باشد .

أشعار یاد شده را ، با جمله کتبه میر سید خلیقی پور ۱۳۶۲ ، بر روی کتیبه ای ثبت نموده ، و نصب کرده بودند .

مدرسه عربان ، در زمان مرحوم جناب ۲۲ حجره داشته ، و مساحت آن را ۴۰ × ۴۰ ثبت کرده ، و شماره ساکنین آن را ۹ نفر ، بر شمرده است (۱) .

### تجدید بنای مدرسه

مرحوم آیه الله ، حاج آقا حسین خادمی قدس سره ، متوفای ۱۴۰۵ قمری ، در حدود سال ۱۴۰۰ قمری ، با همکاری و اقدام مؤسسه خیریه مرحومین علی و حسین همدانیان ، شروع به تجدید ساختمان مدرسه نموده ، و آن را به صورت سه طبقه در آوردند ، که در زمان حیات آن بزرگمرد ، اصل ساختمان تکمیل گردید ، و پس از آن ، زیر نظر آیه الله ، آقای حاج سید حسن فقیه امامی دامت برکاته ، نامسازی و تکمیل امکانات آن انجام پذیرفت ، و به صورت شکوهمندی در آمده است .

مسجد قدیمی مدرسه ، در طرف شرقی ، إبقاء گردیده ، و به جای حجرات قبلی ، مجموعاً ۶۵ حجره و ۹ میدرس و یک کتابخانه و سالن مطالعه و سایر لوازم ، ساخته شده است .

در حال حاضر ، علاوه بر طلابی که برای تحصیل علم ، رفت و آمد دارند ،

ص: ۱۷۵

تعداد هفتاد طلبه در این مدرسه ساکن می باشند، و درسهای اصلی آنها تحت برنامه گسترده و مفصل مدرسه ذو الفقار و مدارس وابسته ( در دوره مقدمات و سطح متوسط و عالی ) می باشد، و در داخل مدرسه برنامه های تربیتی و اخلاقی و مطالعات و تحقیقات و دروس جنبی، انجام می گیرد، و در حال حاضر، یکی از منظم ترین و جالب ترین مدارس حوزه علمیه اصفهان، به شمار میرود، و سرپرست داخلی آن، حجه الاسلام آقای حاج شیخ علی محمد گلپایگانی دام عزه، با مدیریت و حسن تدبیر و اخلاق خوب، در رشد و تکامل درسی و اخلاقی طلاب مدرسه می کوشد.

### علماء و مدرسین مدرسه آیه الله خادمی

در گذشته زمان، عدّه ای از بزرگان و علماء، در این مدرسه سکونت داشته، و تحصیل علم یا تدریس و تحقیق و تألیف نموده اند، که ذیلاً به برخی از آنها، اشاره می نمائیم:

۱- مدرّس فاضل، مرحوم آقا شیخ محمد جواد فریدنی، فرزند آقا شیخ علی أصغر (متوفای ۱۳۷۵ قمری) که از مدرّسین حوزه علمیه اصفهان، در ادبیات و سطوح فقه و اصول، و ساکن مدرسه عربان بوده است (۱).

۲- عالم زاهد فاضل، حاج ملا فرج الله درّی، متوفای ۱۳۸۲ قمری، فرزند مرحوم آقا شیخ عباس. وی از شاگردان آقا سید محمد باقر درچه ای و حکیم نامدار، جهانگیر قشقائی، و از شاگردان و مخصوصین آخوند ملا محمد کاشانی قدس سره بوده، و در مدرسه عربان، تدریس می نموده است (۲).

ص: ۱۷۶

---

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۲۴۴

۲- دار العلم شرق (مخطوط)، صفحه ۱۸۳



مرحوم استاد ، جلال الدین همائی (سنا) در مرثیه و تمجید از او چنین سروده است:

واحسرتا که کوکب دری افول کرد

و در حالتی که نادره بی مثال بود

شیخ جلیل ما، فرج الله دُرّی آنک

أندر زمانه ، قدوه أرباب حال بود

فرزانه طبع ، شیخ پسندیده روزگار

آزاده خوی ، مرد ستوده خصال بود

رفت از جهان و داشت به وقت فراق مرگ

حالی چنان که گفتی عید وصال بود

تاریخ را (سنا) به میان پانهاد و گفت

(دُرّی دری زمخزن علم و کمال بود)

که شمار مصرع آخر ، با حساب حروف أبجد، ۱۳۸۱ میشود و با توجه به اضافه شدن پای سنا ( الف ) که ۱، میباشد ، عدد ۱۳۸۲ به دست می آید .

۳- مدرّس فاضل و زاهد ، آقا شیخ امان الله گینکانی ، متوفای ۱۳۸۳ قمری ، که از خواصّ مرحوم آقا شیخ محمّد رضا نجفی بوده ، و در مدرسه عربان سکونت و تدریس داشته است (۱).

#### ۱۶- مدرسه و مسجد علیقلی آقا

مجموعه بناهایی مرکب از : مسجد و حَمّام و بازار و سرای و چهارسو ، در محله بید آباد وجود دارد، که بانی آنها ، حاج علیقلی آقا ، یکی از خواجگان حرم

ص: ۱۷۷

شاه سلیمان و سلطان حسین صفوی بوده، و این آثار ارزشمند و تاریخی را در دوره سلطان حسین صفوی، از خود به جای گذارده است.

نهر باباحسن که به جوی باباحسن معروف است، از جلو مسجد می گذرد و بر طراوت این ناحیه می افزاید.

گرچه صحن مسجد علیقلی آقا کوچک است، ولی سردر بسیار زیبا و کاشیکاری جالب در اطراف صحن، که از نوع گره کاری است، منظرهای دلپذیر را به نمایش می گذارد، و به راستی تزئینات و کاشیکاری این مسجد، موجب تحسین و دعای خیر برای بانی، و هنرمندان دست اندرکار ایجاد این اثر دینی و تاریخی، میباشد.

در طرف غربی مسجد، در طبقه دوم (بالای سردر مسجد و دو طرف آن) ۱۲ حجره وجود دارد، که به عنوان مدرسه ساخته شده، و در وقفنامه مسجد، برای طلاب ساکن در این حجرات، حقوق و مزایایی در نظر گرفته شده است. مدرسه علیقلی آقا در حال حاضر مسکونی طلاب نیست (۱).

تاریخ تأسیس مسجد و مدرسه ۱۱۲۲ میباشد، که در کتیبه جالبی با خط زیبا، روی سنگ مرمر بسیار نفیس حجاری شده، و به خط علی نقی امامی میباشد، و در سردر مسجد، جلب توجه می نماید (۲).

شخصی به نام ابراهیم مشهدی طوسی، نسخه ای از حاشیه ألوفیه، سید صدرالدین محمد بن محمد باقر قمی را، در مدرسه علیقلی آقا، به تاریخ

ص: ۱۷۸

- 
- ۱- هم اکنون که مراحل چاپ کتاب انجام می گیرد، جمعی از طلاب حوزه علمیه، در این حجرات ساکن گردیده اند
  - ۲- در کتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص ۶۸۲ تا ۶۸۴، و در کتاب آثار ملی اصفهان، صفحه ۷۱۷ تا ۷۱۹، کتیبه ها و خصوصیات این بنای تاریخی مورد بحث قرار گرفته است

## ۱۷- مدرسه کاسه گران

مدرسه ای است واقع در بازار ریسمان، منشعب از بازار بزرگ، و از یک سو نزدیک میدان قیام (فلکه سبزه میدان) و از سوی دیگر، نزدیک مسجد جامع اصفهان می باشد.

تأسیس آن، در اوائل قرن دوازدهم، به وسیله میر محمّد مهدی حسنی حسینی، معروف به حکیم الملک انجام گرفته، و وقف گردیده است. مدرسه یاد شده به علت وقوعش در محله کاسه گران، به این نام نامیده شده، چنانچه به مناسبت عنوان حکیم الملک، حکیمیه نیز نامیده می شود، و در وقفنامه مورّخه ۱۱۰۴ نیز، همین نام حکیمیه مورد ذکر قرار گرفته است (۲).

مدرسه حکیمیه (کاسه گران) دو طبقه است، در زمینی به مساحت تقریبی دو هزار متر، و ۵۸ حجره، و یک مدرس در طبقه دوّم (بالای راه ورودی مدرسه) و یک مسجد زمستانی دارد (که مقداری کتاب هم در آن هست) و نیز یک مسجد (که به صورت ایوان می باشد، و سقف بلند دارد و روبروی در ورودی مدرسه است) و بر زیبایی و اعتبار معنوی آن می افزاید.

مدرسه کاسه گران از بناهای مستحکم و زیبای اواخر دوره صفویه می باشد،

ص: ۱۷۹

---

۱- فهرست کتابهای خطی کتابخانه آیه الله، مرعشی، جلد ۱۱، صفحه ۱۷۵

۲- آثار ملی اصفهان، صفحه ۴۸۲، به نظر آقای رفیعی مهر آبادی (نویسنده کتاب آثار ملی اصفهان) این مدرسه را شمسیه نیز می خوانده اند، و گمان می رود دلیلش این بوده، که این مدرسه ویرانه ای بوده، از مدرسه شمسی؛ شمس الدّین محمّد یزدی، فرزند سید رکن الدّین یزدی، و چون مخروبه شده بوده، حکیم الملک، با صوابدید علماء و مراجع وقت، تجدید بنا کرده، و به نام حکیمیه نامیده است (آثار ملی اصفهان، صفحه ۴۸۳)

و کاشیکاری های متنوع و دارای طرحهای گوناگون آن، از آثار هنری آن دوران محسوب می باشد. سردر بلند و شکوهمند آن، که در بازار ریسمان میباشد، مشتمل بر کتیبه ای جالب و عباراتی قابل توجه است، بدین ترتیب:

حَمْدًا لِمَنْ وَقَفَ حُجْرَاتِ الْقُدْسِ فِي السَّمَوَاتِ ، وَ مَدَارِسَ الْحِكْمَةِ فِي الْأَرْضِينَ ، عَلَى مُحَمَّدٍ فَخْرِ الْمُرْسَلِينَ وَ عِتْرَتِهِ الْمَهْدِيِّينَ  
صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ ، وَ بَعْدُ لَقَدْ وَقَّفَ اللَّهُ تَعَالَى فِي ظِلِّ حِمَايِهِ أَشْرَفَ السَّلَاطِينَ ، رَافِعِ أَلْوِيَةِ الشَّرْعِ الْمُبِينِ ، مُشَيِّدِ؛ أُسَاسِ  
الْعِلْمِ وَ الْيَقِينِ ، فَرَعِ الشَّجَرَةِ الطَّيِّبَةِ الْأَحْمَدِيَّةِ ، غُصْنِ الدَّوْحَةِ الْعَلِيَّةِ الْعَلَوِيَّةِ ، أَخَاقَانِ بْنِ أَخَاقَانِ ، السُّلْطَانِ سُلَيْمَانَ الْحُسَيْنِيِّ  
الْمُوسَوِيِّ الصَّفْوِيِّ ، مَتَعَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ بِبِقَائِهِ إِلَى آخِرِ الزَّمَانِ ، لِإِنْبَاءِ هَذِهِ الْمَدْرَسَةِ الرَّفِيعَةِ ، وَ الْمَأْنَسَةِ الْمَنِيْعَةِ، السَّيِّدِ الْأَيْدِ ، النَّجِيبِ  
الْفَاضِلِ ، الْأَمِيرِ مُحَمَّدِ مَهْدِيِّ الْحُسَيْنِيِّ الْحُسَيْنِيِّ ، الشَّهْرِ بِحَكِيمِ الْمُلْكِ ، أَطَالَ اللَّهُ بِقَائِهِ ، وَ جَعَلَهَا مِنْ يُبُوتِ أَدْنِ اللَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَ  
يُذَكَرَ فِيهَا اسْمُهُ ، يُسَمَّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَ الْأَصَالِ ، رِجَالُ - كَتَبَهُ عَبْدُ اللَّهِ ١١٠٥ (١).

علاوه بر تاریخ یاد شده، در سه مورد ( یکی در سردر مدرسه به سوی بازار، و دیگری در سردر داخلی مدرسه، و سوم در ایوان شمالی مدرسه، که مسجد میباشد) تاریخ ۱۱۰۳ ثبت شده است، و نشان دهنده مرحله دیگری از گنجبری و کاشی کاری و تزئینات مفصل مدرسه می باشد، که نیازمند به زمان طولانی بوده است.

تاریخ شروع تأسیس مدرسه مشخص نیست، و احتمال دارد سال ۱۰۹۶ قمری باشد، که در کتاب تاریخچه آبیه تاریخی اصفهان، صفحه ۱۴۸ به عنوان تاریخ بنای مدرسه یاد شده بیان گردیده است.

ص: ۱۸۰

وقفنامه مدرسه و موقوفات آن، در شوال ۱۱۰۴ تنظیم شده، و عده ای از علماء آن عصر، و در رأس آنها علامه بزرگ، ملا محمد باقر مجلسی اعلی الله مقامه، در سال ۱۱۰۶، وقفنامه را امضاء و تأیید نموده اند (۱).

حکیم الملک اردستانی، همسر زینب بیگم، (سازنده و تأسیس کننده مدرسه نیم آور) می باشد، و به همین جهت، در معماری و کاشیکاری و تزیینات این دو مدرسه، مشابهت زیاد وجود دارد.

در سال ۱۳۴۵ شمسی، تعمیراتی گسترده و اساسی، زیر نظر اداره اوقاف اصفهان، در این مدرسه انجام گرفته است (۲). در حال حاضر، یکصد و بیست طلبه اعم از ایرانی و مهاجر افغانی (شیعه) در مدرسه کاسه گران سکونت دارند ولی مدرسه نیاز شدید به تعمیر و ترمیم دارد.

### علماء و مدرسین در مدرسه کاسه گران

در مدرسه کاسه گران، جمع زیادی از بزرگان و دانشمندان، تحصیل علم نموده، و یا تدریس داشته اند، که ذیلاً به برخی از آنها، اشاره می نمایم:

۱- فقیه و اصولی و محقق نامدار، میرزا أبو القاسم قمی، معروف به میرزای قمی، متوفای ۱۲۳۱ قمری، که نه تنها در فقه و اصول، از چهره های نامدار میباشد، و قوانین الأصول او، دورانی ممتد و طولانی، از کتب درسی حوزه های علمیه بوده، و کتاب غنائم او، مورد توجه بزرگان می باشد، بلکه در زمینه عقاید و کلام، معانی و بیان، شعر و ادب، خط نیکو و ممتاز، چهره ای درخشان به شمار می رود.

ص: ۱۸۱

۱- در کتاب آثار ملی اصفهان، از صفحه ۴۸۷ تا ۴۹۳، شرح مفصّلی راجع به رقبات موقوفه. و مصارف وقف، و تولیت وقف، و تنفیذ کنندگان وقفنامه، ذکر نموده است

۲- در کتاب سپاسگزاری از مردم (نشریه اداره اوقاف اصفهان)، صفحه ۶۸ تا ۷۱، شرحی از تعمیرات انجام شده، ذکر گردیده است

آن بزرگمرد، سالها مرجع اعظم شیعه، و زعیم حوزه علمیه قم بوده، و علماء و محققین بزرگی، همانند: حاجی کلباسی و سید شفتی و صاحب مقابیس (شیخ أسد الله شوشتری) و محقق أعرجی و سید عبد الله شتر و...، در زمره شاگردان او به شمار می روند، و تألیفات فراوان و متنوع آن محقق نامدار، نشانه ای از قدرت تحقیق و تبیح و نوآوری و ذوق لطیف آن بزرگمرد، به حساب می آید، و به خاطر جهات یاد شده، عموم نویسندگان تراجم و رجال دینی و علمی، از آن بزرگمرد یاد نموده، و مورد تجلیل فراوان قرار داده اند.

مرحوم میرزای قمی، پس از آنکه در أعتاب مقدسه و کربلای معلّی به مقام اجتهاد نائل شدند، و از وحید بهبهانی اجازه اجتهاد دریافت نمودند، به اصفهان مهاجرت نموده، و در مدرسه کاسه گران به تدریس پرداختند (۱) و پس از مدتی به قم هجرت نموده، و زعامت حوزه علمیه و مرجعیت عمومی یافتند.

۲- حکیم و فیلسوف نامدار، آخوند ملا علی بن جمشید نوری اصفهانی، متوفای ۱۲۴۶ قمری، که فقیهی حکیم، و شاعری ادیب، و مدرّسی محقق بوده، و در مدرسه کاسه گران تدریس می نموده (۲). و تألیفات متعددی دارد که قسمتی از آنها به صورت حاشیه بر کتب فلسفه و حکمت، همانند: أسفار و مشاعر ملا صدرا، و شواهد الزبویّه، می باشد.

این بزرگمرد مورد احترام شدید حاجی کلباسی و سید شفتی بوده، و مرحوم صاحب روضات الجنات او را در علم حکمت مقدم بر أقرانش دانسته، و با أوصاف: حسن الاعتقاد، جنید الاجتهاد، مواظب سنن و آداب مأثوره،

ص: ۱۸۲

---

۱- تاریخ قم (از ناصر الشریعه)، صفحه ۲۱۷

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۲۶۵

مراعات کننده احتیاط شدید و ...، ستوده است (۱).

۳- حکیم متبخر و مُدّرّس جامع، آخوند ملا عبد الجواد مدرّس خراسانی، متوفای ۱۲۸۱ قمری، که به نوشته مؤثر و آثار (صفحه ۱۸۳) از علماء مشهور اصفهان بوده، و در فقه و اصول و طب و ریاضیات و ادبیات مهارت کلی و تدریسی عظیم داشته است.

او از شاگردان ملا علی نوری بوده، و خود مدرّسی کبیر به شمار رفته، و به نوشته آقای مهدوی، تدریس کتب به او منتهی می شده است (۲).

۴- حکیم نامدار و بزرگوار، مرحوم حاج ملا-هادی سبزواری، متوفای ۱۲۸۹ قمری، که در قدرت تفکر و عمق اندیشه، و تکامل بخشیدن به مباحث عقلی و حکمی، و تألیفات گسترده و پر محتوی، از نوادر روزگار و أعجوبه های زمان بوده است، و آثار قلمی و تحقیقات گسترده او، محور بحثهای فلسفی در حوزه های علمیه است، و منظومه و شرح منظومه او (در منطق و حکمت) از مهمترین کتب درسی، در حوزه های علمیه به شمار می رود.

او هشت سال در اصفهان، از درس ملا اسماعیل اصفهانی و ملا علی نوری در رشته حکمت و فلسفه، بهره گرفته است (۳).

۵- حکیم نامدار و عظیم الشان، میرزا أبو الحسن جلوه، متوفای ۱۳۱۴ قمری که از مفاخر علمی حوزه علمیه اصفهان و تهران می باشد، و نسب او، به میرزا رفیعای نائینی (حکیم و فیلسوف نامدار) می رسد، و خاندان او، از خاندانهای

ص: ۱۸۳

---

۱- روضات الجنات، صفحه ۴۱۷

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۶۸

۳- ریحانه الأدب، جلد ۲، صفحه ۴۲۳

علمی به شمار می رود، و عمری را به تدریس و تحقیق و تألیف گذارنده است .

حکیم جلوه ، سالیانی در این مدرسه ساکن بوده ، و به بحث و تحقیق و تدریس اشتغال داشته است (۱).

۶- مجتهد مدرّس ، آقا سید محمد باقر ابطحی سدهی ، متوفای ۱۳۶۷ قمری ، که از شاگردان آقا شیخ محمد تقی نجفی و آقا سید محمد باقر درجه ای و آخوند کاشی بوده ، و مدرسی خوش بیان به شمار آمده ، و در مدرسه کاسه گران و مدرسه صدر ، تدریس می نموده است .

۷- مورّخ متّبع ، و مدرّس متبّع ، و شاعر ادیب ، آقا شیخ محمد علی حبیب آبادی ، معروف به معلّم حبیب آبادی ، متوفای ۱۳۹۶ قمری ، وی صاحب تألیفات متعدّده میباشد ، که از همه مهمتر ، مجلّات کتاب « مکارم الاثار » است ، که در شرح حال علماء و بزرگان قرن ۱۳ و ۱۴ میباشد .

مرحوم معلّم حبیب آبادی ، در مدرسه کاسه گران تدریس می نموده ، و از مفاخر این پایگاه علمی میباشد (۲) .

۸- عالم جامع و مدرّس کامل ، آیه الله ، حاج شیخ عباسعلی ادیب ، متوفای ۱۴۱۲ قمری ، که بیش از هفتاد سال در حوزه علمیّه اصفهان ، به تدریس علوم ادبی ، فقه ، اصول ، فلسفه ، هیئت و نجوم ، و در یک کلام ، علوم عقلی و نقلی ، اشتغال داشتند و تألیفات گوناگون و متعدّدی از خود به جای گذاردند .

مرحوم آقای ادیب ، در مدرسه کاسه گران و مدرسه جدّه بزرگ و ...،

ص: ۱۸۴

---

۱- تاریخ فرهنگ اصفهان، صفحه ۱۱۲، دار العلم شرق (مخطوط) صفحه ۲۰۱

۲- شرح حال معلّم حبیب آبادی را ، در مقدمه جلد پنجم مکارم الاثار ، در ۸۷ صفحه ، در ضمن نوشته ها و مقالات متعدّد ، و نیز گنجینه دانشمندان ، ج ۸ از ۳۱۰ تا ۳۱۵ می توانید مطالعه نمایند



تدریس می نمودند.

آقای سید مصلح الدین مهدوی نوشته اند ، در کتابخانه ایشان نسخه ای خطی از کتاب ترکیب خالد ، موجود میباشد ، که آن را شخصی به نام محمد باقر بن لقمان نیریزی ، در سال ۱۱۰۵ ، در مدرسه حکیمیه ، نوشته است (۱).

## ۱۸ - مدرسه مسجد حکیم

### اشاره

مسجد حکیم ، یکی از مساجد بزرگ و جامع اصفهان می باشد ، و از نظر معماری و کاشی کاری و گچ بری و وسعت مساحت ، دارای اهمیت و جالب توجه می باشد ، و به وسیله محمد داود ملقب به تقرّب خان ( طیب شاه عباس دوم ) بنا شده ، و در سال ۱۰۷۳ ، به پایان رسیده ، و این مسجد در جای مسجد قدیمی دوره دیلمیان ، به نام « مسجد جامع جورجیر » یا « جامع رنگرزان » ، تأسیس شده است .

در نقشه ساختمان مسجد حکیم ، که دارای چهار ایوان در چهار طرف ، و گنبد در طرف جنوب ، و سردرهای متعدد میباشد ، حجراتی در طبقه اول و دوم در نظر گرفته شده ، که رقم آنها به سی عدد می رسد ، و این حجرهها ، در اختیار طلاب علوم دینیه قرار میگیرد ، و در نتیجه ، مجموعه ساختمانی این بنای تاریخی ، ترکیبی از مسجد و مدرسه است .

در دوره حکومت پهلوی ، حجرات مدرسه مسجد حکیم ، متروکه و به تدریج ، مخروبه گردید ، ولی در سالهای اخیر ( از سال ۱۴۰۸ قمری به بعد ) با همکاری جمعی از طلاب و امام جماعت مسجد ، جناب آقای حاج آقا کاظم

ص: ۱۸۵

کلباسی دام عزه، فرزند مرحوم حاج میرزا هاشم کلباسی قدس سره و نیز با حمایت و یاری سازمان اوقاف اصفهان، به تدریج، حدود بیست عدد از حجره ها، که عموماً در طبقه دوّم می باشد، تعمیر گردیده و محل سکونت طلاب گشته است. و در حال حاضر (سال ۱۴۱۳ قمری) در حدود سی نفر طلبه دارد، که در این حجرات سکونت یافته، و درسهای خود را (دوره مقدمات تا سطوح) در مدارس علمیّه مرکز حوزه علمیّه (بالأخص مدرسه ذوالفقار) در محضر اساتید حوزه، فرا می گیرند.

### آثاری از مدرسه مسجد حکیم

شخصی به نام محمد بن علی (که از شاگردان فاضل هندی و مُجاز از سید نعمت اللّه جزائری بوده) در ماه رجب ۱۱۱۷، در مسجد حکیم داود، در دارالسلطنه اصفهان، نسخه ای از «الانتصار فی إفرادات الإمامیه» تألیف علم الهدی سید مرتضی را، با خطّ نسخ نوشته، و این نسخه، در یکی از کتابخانه های شخصی قم، موجود است (۱).

و نیز محمّد بن علی جزائری، در سال ۱۱۲۱ نسخه ریاض السالکین سید علی خان مدنی را، در مسجد حکیم اصفهان به خطّ نسخ نوشته، و این نسخه در کتابخانه جامع گوهرشاد موجود میباشد (۲).

برای آشنائی بیشتر با نقش مدرسه و مسجد حکیم در حوزه علمیّه اصفهان، به بخش مربوط به مسجد حکیم (در قسمت مساجد مرکز فعالیت علمی در اصفهان) مراجعه شود.

ص: ۱۸۶

---

۱- نسخه های خطی کتابخانه های قم، شماره ۱، تألیف رضا استادیا، صفحه ۷

۲- دار العلم شرق (مخطوط)، صفحه ۲۲۱ بر گه ضمیمه

مدرسه ای است واقع در بازار بزرگ اصفهان، نزدیک میدان امام (میدان نقش جهان - میدان شاه) که شاه عباس اول، آن را به نام شخصیت بزرگ علمی و معنوی عالم تدریس و تحقیق، مولی عبدالله شوشتری، متوفای ۱۰۲۱ قمری، تأسیس نموده است.

این مدرسه، از نظر استحکام بنا، و تزئینات و نماسازی و کاشیکاری، جالب توجه می باشد، و دو طبقه است، و پنجاه حجره و یک مسجد در طرف غربی و دو ایوان در طرف جنوبی و شمالی، و نیز یک کتابخانه دارد، و به نوشته مرحوم جناب، طول و عرض آن ۶۰×۵۰ می باشد (۱) و تا چندین سال قبل، شاخه ای از نهر فدین، (یکی از مادی های منشعب از زاینده رود) در این مدرسه عبور می کرد، که موجب زیبایی بیشتر مدرسه، میگردد.

تعمیراتی اساسی، در سالهای ۱۱۵۸ و ۱۲۱۸ (دوره نادر شاه و فتحعلی شاه) در مورد آن به عمل آمده است (۲) و هم چنین، پس از آنکه در دوره پهلوی اول مدرسه های علمیه متروکه و مخروبه گشت، مدرسه ملا عبدالله نیز از این وضعیت مصون نماند، تا آنکه در اواخر قرن چهاردهم قمری، عده ای از متدینین، با همت مرحوم حاج میرزا أبو القاسم کوپائی، و معماری حاج میرزا حسین شریف معمار، و همکاری انجمن آثار ملی، و اداره باستان شناسی (سازمان میراث فرهنگی)، در تعمیر اساسی و تجدید حیات این مدرسه باشکوه، اقدام نمودند، و مدرسه را که به طور کلی در حال اضمحلال و نابودی

ص: ۱۸۷

۱- الإصفهان، چاپ دوم، صفحه ۱۱۰

۲- تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان، صفحه ۱۷۳

بود، به صورت مدرسه ای پایرجا، زیبا، و باشکوه، در آوردند، و مسکونی طلاب گردید (۱) و هم اکنون یکی از مدارس فعال و باشکوه و پررونق حوزه علمیه اصفهان می باشد، و هشتاد نفر طلبه در آن ساکن هستند، و در مسجد آن اقامه جماعت میشود.

مدرسه ملا عبداللہ، دو در دارد و در اصلی آن، در بازار بزرگ، مقابل بازار قنادها، باز می شود، و دارای سردری است با کاشیکاری، که تاریخ تعمیر مدرسه را در دوره فتحعلی شاه قاجار، به وسیله حاج محمد حسین خان صدر اصفهانی، در سال ۱۲۱۸ نشان می دهد (۲).

### چهره هائی از مدرسه ملا عبداللہ

در طول تاریخ مدرسه، علماء و مجتهدین بزرگ، در این مدرسه تدریس نموده، و یا مراحل از تحصیل خود را، در این مرکز علمی سپری نموده اند، که ذیلاً برخی از آنها را یاد می نمائیم:

#### ۱- ملا عبداللہ نستری، اولین مدرس مدرسه

ملا عبداللہ شوشتری (نستری) که به نام مبارک او، مدرسه ملا عبداللہ تأسیس گشته، اولین و مهمترین مدرس این مدرسه با برکت، در طول چهار قرن بوده است، که ذیلاً به برخی از فضائل علمی و تقوائی و آثار او، اشاره می نمائیم

وی فقیهی محقق، و محدثی رجالی، و جامع المعقول و المنقول، و زاهدی عابد بوده، و صائم الذهر و قائم اللیل خوانده شده، و در علم و عمل، و دقت و فطانت، و قدرت اندیشه و نیروی حافظه، از چهره های برجسته، به شمار

ص: ۱۸۸

---

۱- برای آشنائی با جریان تعمیر مدرسه ملا عبداللہ در دوره اخیر، به تاریخچه محلّه خواجو، صفحه ۳۵-۳۶ مراجعه شود

۲- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صفحه ۴۷۴

رفته است . در مدّت چهارده سال اقامت خود در اصفهان ، آن چنان تأثیر عظیمی در رشد حوزه علمیه به جای گذارده ، که در اوّل ورود ایشان ، در تمامی اصفهان ، فقط پنجاه نفر طلبه وجود داشته ، و در هنگام مرگ ایشان ( پس از چهارده سال اقامت ) بیش از هزار نفر از شاگردان این بزرگمرد ( از طلاب و فضلاء و بزرگان ) در این شهر ، به فعالیت در سی و علمی اشتغال داشته اند ، که در میان آنها ، شخصیت هائی ، همانند : فقیه و محدّث نامدار ، ملاّ محمّد تقی مجلسی ، و رجالی محقق و عظیم الشّان ، میر مصطفی تفرشی ( صاحب نقد الرجال ) ، و مولی حسنعلی تستری ( فرزند ملاّ عبد الله ) ، و میرزا رفیع الدین محمد بن حیدر نائینی ( صاحب شرح اصول کافی ) ، و مولی شریف الدّین محمّد رویدشتی اصفهانی ، و میر محمّد قاسم قهپائی ( از مشایخ اجازه صاحب روضات الجنّات ) ، بوده اند .

### ملاّ عبد الله عامل انتشار فقه و حدیث در اصفهان

همزمان با اقامت ملاّ عبد الله تستری در اصفهان ، چهره های بزرگی همانند :

شیخ بهائی و میرداماد علیهما الرّحمة در همین شهر اقامت داشته اند ، و از مفاخر علمی حوزه علمیه اصفهان در اوائل قرن یازدهم ، به شمار می روند ، ولی با توجه به اشتغالات اجتماعی آنها ، فعالیتشان در تدریس و تربیت طلاب ، محدود می گردیده است ، ولی ملاّ عبد الله تستری ، به جز تدریس و تربیت طالبین علم ، هیچ گونه فعالیت اجتماعی بر عهده نمی گرفته است ، و به همین جهت ، تأثیر آن بزرگمرد در رشد حوزه علمیه و انتشار فقه و حدیث ، در عالیترین حدّ ممکن رسیده ، تا آنجا که میرزا محمّد علی مدرّس ، در ریحانه الأدب می نویسد:

انتشار فقه و حدیث را به او منسوب داشتن اصلاً مستبعد نباشد (۱)

و چهره بزرگ عالم فقه و حدیث ، ملا محمد تقی مجلسی فرموده :

وَ يُمَكِّنُ أَنْ يُقَالَ ، اِنْتِشَارُ الْفِقْهِ وَ الْحَدِيثِ كَانَ مِنْهُ ، وَ اِنْ كَانَ غَيْرُهُ مَوْجُوداً ، لَكِنْ كَانَ لَهُمُ الْأَشْغَالُ الْكَثِيرَةُ ، وَ كَانَ مُيَدَّهُ دَرِ سِهْمٍ قَلِيلاً بِخِلَافِهِ (ره) (۲)

### تأثیر علمی و معنوی محقق اردبیلی بر ملا عبدالله

ملاً عبدالله تستری، از محضر استادهائی همانند: شیخ نعمت الله، علی بن احمد، و شیخ احمد بن نعمت الله (که هر دو معروف به ابن خاتون عاملی هستند، و از علماء بزرگ شیعه به شمار می روند، و خاندان بزرگ علمی دارند) استفاده نموده (۳) ولی عمده استفاده علمی و معنوی ملاً عبدالله، از محضر فقیه نامدار و بزرگ شیعه، مظهر کرامات و معنویات، محقق عظیم الشان، مولی احمد بن محمد اردبیلی، معروف به، مقدس اردبیلی، متوفای ۹۹۳ قمری بوده است، و آن چنان عظمت شخصیت و فضائل روحی و معنوی مقدس اردبیلی، بر مرحوم ملاً عبدالله، تأثیر گذارده بوده، که در تمامی عمر این شاگرد لایق، به صورت روزه داری پی در پی، و شب زنده داری مستمر، و زهد و تقوای شگفتی آفرین، و عبادت و مناجات، و ترک لذت مادی، (حتی لذت های مباح) تجلی داشته است، و موجب إعجاب همه مردم بوده، و نفوذ معنوی آن بزرگمرد را، در جامعه تا حدی بالا برده بوده، که در روز وفات آن پیشوای دینی، یکصد هزار نفر از خواص و عوام، علماء و اقشار مردم، به شکلی

ص: ۱۹۰

۱- ریحانه الأدب، جلد ۱، صفحه ۳۳۵

۲- روضات الجنات، صفحه ۳۶۷

۳- روضات الجنات، صفحه ۳۶۶، و ریحانه الأدب، جلد ۱، صفحه ۳۳۴

بی سابقه ، در تشییع جنازه شرکت داشته اند، و روز فوت آن پیشوای زاهد ، شهر اصفهان همانند روز عاشورای حسینی علیه السلام ، بوده است ، از جهت کثرت اجتماع و شور عزاداری ، که نشان دهنده نفوذ و تأثیر شدید تقوای آن بزرگمرد الهی، میباشد .

### ستایش بزرگان درباره ملا عبد الله ستری

در میان شخصیت های برجسته عالم تحقیق و تألیف و معنویت ، گاهی کسانی یافت میشوند که به خاطر عظمت روحی ، و جایگاه برجسته ای که در قلوب بزرگان دارند، مورد تجلیل و تعظیم خاص قرار میگیرند ، و در زبان و قلم علماء بزرگ ، مورد تکریم و احترام فوق العاده واقع می شوند ، که ملا عبد الله تستری ، از این دسته میباشد ، و ذیلاً به برخی از موارد ، اشاره مینمائیم :

۱ □ فقیه و محدث بزرگ ، ملا محمد تقی مجلسی ، او را شیخ الطائفه عصر ، و صاحب کرامات فراوان خوانده ، و چنین نوشته است:

... شَيْخُنَا وَ إِمَامُنَا ، بَلْ وَالِدُنَا الْأَعْظَمُ وَ شَيْخُ الطَّائِفَةِ فِي عَصْرِهِ الشَّرِيفِ ، كَانَ غَايِدًا زَاهِدًا وَرِعًا صَاحِبَ اِكْرَامَاتِ الْكَثِيرَةِ ، ثِقَّةً عَيْنًا ثَبَتًا .. مَاتَ فِي الْعَشْرِ الْأَوَّلِ مِنَ الْمُحَرَّمِ ، سَنَةِ ١٠٢١ وَصَلَّتْ عَلَيْهِ مَعَ مِائَةِ أَلْفٍ مِنَ النَّاسِ تَقْرِيْبًا ، وَكَانَ يَوْمَ وَفَاتِهِ كَيَوْمِ عَاشُورَاءِ (١) .

۲- و هم چنین ملا محمد تقی مجلسی ، در شرح مشیخه کتاب فقیه ، فرموده است :

الْمُحَقِّقُ الْمِدْقِيُّ الزَّاهِدُ الْعَابِدُ الْوَرَعُ ، وَ أَكْثَرُ فَوَائِدِ هَذَا الْكِتَابِ مِنْ إِفَادَتِهِ ، حَقَّقَ الْأَخْبَارَ وَ الرَّجَالَ وَ الْأُصُولَ ، بِمَا لِأَمْرِيْدٍ عَلَيْهِ ، وَ لَهُ تَصَانِيفٌ ، مِنْهَا أَلْتَتِمُّ لِشَرْحِ نُورِ الدِّينِ عَلِيِّ ، عَلَى قَوَاعِدِ الْجَلِّيِّ ، سَبْعَ مُجَلَّدَاتٍ ، مِنْهَا يُعْرَفُ فَضْلُهُ وَ تَحْقِيقُهُ

ص: ۱۹۱

۳- محقق و رجالی نامدار، میر مصطفی تفرشی، استاد خود، یعنی ملا عبدالله تستری را، یگانه روزگار، و باورع ترین اهل زمان، خوانده و می نویسد:

عَبْدُ اللَّهِ بْنِ الْحُسَيْنِ التُّسْتَرِيُّ مُدَّظِلُّهُ الْعَالِي، شَيْخُنَا وَ أَسْتَاذُنَا، الْإِمَامُ الْعَلَامَةُ الْمُحَقِّقُ الْمُدَقِّقُ، جَلِيلُ الْقَدْرِ، عَظِيمُ الْمَنْزَلَةِ، دَقِيقُ الْفِطْنَةِ، كَثِيرُ الْحِفْظِ، وَحِيدُ عَصْرِهِ وَفَرِيدُ دَفْرِهِ وَ أَوْرَعُ أَهْلِ زَمَانِهِ، مَا رَأَيْتُ أَحَدًا أَوْثَقَ مِنْهُ، لَا يُحْصَى مَنَاقِبُهُ وَ فَضَائِلُهُ، قَائِمُ اللَّيْلِ، صَائِمُ النَّهَارِ، وَ أَكْثَرُ فَوَائِدِ هَذَا الْكِتَابِ (نقد الرجال) مِنْ تَحْقِيقَاتِهِ، جَزَاءُ اللَّهِ تَعَالَى عَنِّي أَفْضَلُ جَزَاءِ الْمُحْسِنِينَ، لَهُ كُتِبَ مِنْهَا شَرْحُ قَوَاعِدِ الْجَلِّيِّ (۱).

۴- در تاریخ عالم آرای عباسی چنین آمده است: جناب مولانا، در کمالات نفسانی و تقوی و پرهیزکاری و ترک مستلذات دنیا، درجه عالی داشت، از مأكول و مشروب به سد رمق قناعت نموده، اکثر آیام صائم بود، و به شوربای بی گوشت افطار میکرد، و قریب به سی سال، در نجف و کربلای معلّا ساکن گشته، در خدمت مجتهد مغفور، مولانا احمد اردبیلی بسر برده، از خدمتش اکتساب فضائل و استفاده مسائل مینمود. در روز وفاتش، آواز ناله و نفیر صغیر و کبیر خلائق، به اوج آسمان می رسید، اشراف و اعیان سعی می نمودند که به تیتن و تبرک، دستی به زیر جنازه مغفرت اندازه اش، رسانند از غلوی (۲) خلائق میسر نمیشد (۳).

۵- محقق نامدار و فقیه و اصولی و رجالی عظیم الشأن، آقا میرزا محمد

ص: ۱۹۲

۱- نقد الرجال، صفحه ۱۹۷

۲- غلوی و غلواء = از حد گذشتن، در اوج قرار گرفتن

۳- تاریخ عالم آرای عباسی، جلد ۲، صفحه ۸۶۰



باقر «صاحب روضات الجنّات» درباره ملا عبدالله نوشته است :

كَانَ مِنَ الْعُلَمَاءِ الْأَعْيَانِ وَ تُبْلَاءِ الْأَزْمَانِ ، جَامِعاً لِلْمَنْقُولِ وَ الْمَنْقُولِ ، مُجْتَهِداً فِي الْفُرُوعِ وَ الْأَصُولِ ، مُحَقِّقاً فِي عِلْمِ الْفِقْهِ وَ الْحَدِيثِ ، مُدَقِّقاً فِي طَرِيقِ الرَّوَايَةِ وَ التَّحْدِيثِ ، وَرِعاً صَالِحاً الْمَعِيّاً فِي أَعْلَى دَرَجَةِ مِنَ التَّقْوَى وَ الْجَلَالَةِ وَ الْفَضْلِ وَ النَّبَالَةِ وَ الْعَمَلِ وَ الْعِبَادَةِ وَ الْوَرَعِ وَ الزَّهَادَةِ .. (١).

۶- و در ریحانه الأدب آمده است : مُرَوِّجُ الْمِلَّةِ وَ الدِّينِ ، مُرَبِّي الْفُقَهَاءِ وَ الْمُحَدِّثِينَ ، تَاجَ الزَّهَادِ وَ السَّالِكِينَ ، بسیار عابد و زاهد و با ورع و تقوی ، قائم اللیل و صائم الدّهر بود ، هیچ کدام از نوافل از وی فوت نمی شد ، در خوراک و پوشاک خود ، به سدّ رمق و أقلّ قلیل قانع بود (٢). و این بود نمونه ای از قضاوتهای صاحب نظران بزرگ ، و بزرگان عالم فقه و رجال و تاریخ و تراجم ، درباره فقیهی بزرگ ، و مدرّسی عالیقدر ، که حوزه علمیه اصفهان ، رشد و عظمت علمی خود را ، مرهون علم و تقوی و تدریس و تربیت او است ، و به حقیقت باید گفت :

ملا عبدالله تستسری ، پدر حوزه علمیه اصفهان می باشد

### تاریخ وفات ملا عبد الله تستری ومدفن او

برخی ، وفات آن بزرگمرد را در سال ۱۰۲۳ ضبط نموده اند ، ولی ملا محمد تقی مجلسی ، و رجالی نامدار ، میر مصطفی تفرشی ، و تاریخ عالم آرای عباسی و دیگر کتب معتمده ، ۱۰۲۱ نوشته اند ، که بایستی بر همین نقل اعتماد نمود ، و در هر صورت ، جنازه ملا عبد الله تستری پس از اقامه نماز میت در مسجد

ص: ۱۹۳

۱- روضات الجنّات ، صفحه ۳۶۵

۲- ریحانه الأدب ، جلد ۱ ، صفحه ۳۳۴

جامع عتیق ، و تشییع جنازه یکصد هزار نفری ، در مزار امام زاده عظیم الشان ، اسماعیل بن زید بن حسن ( إمامزاده اسماعیل ) به شکل امانت ، دفن گردید ، و پس از یک سال ، بدون هیچگونه تغییری در بدن آن بزرگوار ، جنازه به کربلای معلی منتقل و مدفون گردید (۱).

## ۲- ملا حسنعلی تستری

فقیه و مجتهد محقق ، جامع علوم عقلی و نقلی ، ملا حسنعلی تستری ، متوفای ۱۰۶۹ قمری ، فرزند ملا عبد الله تستری . وی از بزرگان فقهای اواسط قرن یازدهم ، و از مشایخ علامه مجلسی ، و از معاصرین ملا محمد تقی مجلسی (۲) ، و از شاگردان شیخ بهائی (۳) و پدر خود می باشد .

نصر آبادی ، او را یگانه گوهر بحرین علوم عقلی و نقلی ، و همانند خورشید که محتاج به تعریف و توصیف نیست ، و نیر سپهر فضیلت ، و بدر فلک فطانت ، و جامع علوم و حاوی فروع و اصول ، و دارای جودت طبع و حدت ذهن و طلاقت لسان و حاضر جوابی دانسته است (۴) .

علامه بزرگوار ، ملا محمد باقر مجلسی ، در ضمن معرفی مشایخ اجازه

ص: ۱۹۴

---

۱- ریحانه الأدب ، جلد ۱ ، صفحه ۳۳۶ و تاریخچه محله خواجه ، صفحه ۴۶ و الکنی و الألقاب قمی ، جلد ۲ ، صفحه ۱۲۰  
۲- در جزء دوم اجازات بحار الأنوار ، صفحه ۱۶۹ ( چاپ قدیم ) سطر ۹ ، علامه مجلسی ، مرحوم ملا حسنعلی تستری را ، از مشایخ اجازه خود ، و از مشایخ پدرش ملا محمد تقی ، معرفی فرموده است . ( نیز ، بحارالانوار جاب اسلامیة ، جلد ۱۱۰ ، صفحه ۱۵۶ )

۳- ریحانه الأدب ، جلد ۱ ، صفحه ۳۳۲

۴- تذکره نصر آبادی ، صفحه ۱۵۴

خود، او را با عبارت ، الْأَفْضَلُ الْأَكْمَلُ، مولانا حَسَنَعَلِي التُّسْتَرِيّ ، ستوده است (۱).

و صاحب ریاض العلماء ، او را با عناوین :

أَفْضَلُ الْعَامِلِ الْكَامِلِ ، الْفَقِيهُ الْأُصُولِيُّ الْمَعْرُوفُ فِي عَصْرِ السُّلْطَانِ شَاهِ صَيْفِي الصَّفْوِيِّ وَ السُّلْطَانِ ، شاه عَبَّاسِ الثَّانِيّ ستوده ، و کتاب تبيان او را در فقه ، بسیار تمجید کرده ، و عبارات آن کتاب را ، از قواعد علامه حلی و دروس شهید اول ، دقیق تر دانسته ، و فرزندان و أحفاد او را از صلحاء و عباد و مشغولین به تحصیل علوم ، معرّفی نموده است (۲).

عده ای از علماء و بزرگان ، همانند پدر صاحب ریاض العلماء (۳) در نزد او تحصیل علم نموده ، و از شاگردان او می باشند (۴).

و هم چنین شیخ محمّد بن الحسن حُرّ عاملی در أمل الأمل و نیز سیّد علی خان مدنی شیرازی در سلافه العصر ، و هم چنین محدّث نامدار ، میرزا حسین نوری ، در مستدرک الوسائل ، این بزرگ فقیه و عالم دینی را ستوده اند . و ما در اینجا عین تعبیّرات چهار چهره بزرگ علمی آن زمان را ، که برای ملاً حسنعلی تستری اجازه نوشته اند نقل مینمائیم ، که نشانگر عظمت علمی و نبوغ آن بزرگمرد میباشد .

الف - ملاً عبد الله تستری در اجازه ای که برای فرزند خود نوشته ، چنین بیان نموده است :

أَجَزْتُ لَوْلَدِي وَ فَلَذِهِ كِبْدِي ، الْمُتَرَفِّي مِنْ حَضِيضِ التَّقْلِيدِ إِلَى أَوْجِ الْيَقِينِ ، السَّالِكِ مَسَالِكِ الْمُتَّقِينَ ، الصَّاعِدِ مَصَاعِدِ الْإِجْتِهَادِ ، أَبُو الْحَسَنِ ، الشَّهِيرِ

ص: ۱۹۵

۱- بحار الأنوار، ج ۱۱۰، (چاپ اسلامیة) ص ۱۵۶ و زندگینامه علامه مجلسی، ج ۱، ص ۴۰۹

۲- ریاض العلماء، جلد ۱، صفحه ۲۶۲

۳- پدر صاحب ریاض العلماء ، علامه میرزا عیسی بیگ تبریزی ، میباشد (مقدمه ریاض العلماء به قلم آیت الله العظمی ، مرعشی نجفی ، در شرح حال صاحب ریاض ، صفحه ۱۴)

۴- ریاض العلماء، جلد ۱، صفحه ۲۶۲

بِحَسَنِ عَلِيٍّ ، بَعْدَ أَنْ قَرَأَ عَلَيَّ فِي فُنُونِ الْعِلْمِ ، كُتُبًا كَثِيرَةً فِي فُنُونِ عُلُومِ الدِّينِ ، مِنْ الْأُصُولِ وَالْفُرُوعِ وَالْحَدِيثِ ، وَبَلَغَ مَعِ صَغَرِ سِنِّهِ أَعْلَى الْمَرَاتِبِ وَفَاقَ فِي أَوَائِلِ سِنِّهِ بِأَسْنَى الْمَطَالِبِ ، مَدَّ اللَّهُ فِي عُمَرِهِ ، وَوَفَّاهُ جَمِيعَ الشُّرُورِ ، وَجَعَلَنِي فِدَاهُ مِنْ كُلِّ مَخْدُورٍ ، أَنْ يَرَوِيَ عَنِّي .. (١).

چنانچه ملاحظه می نمائید ، ملا حسنعلی در سنین جوانی و اوائل دوره زندگی ، به اعلی مراتب و اُسنی المطالب دست یافته ، و شخصیت معنوی کم نظیری ، همانند : ملا عبد الله تستری ، در یک اجازه علمی (نه یک برخورد عاطفی پدر و فرزند) « جعلنی فداه » ، برای او می نویسد .

ب - میر أبو القاسم استرآبادی ، معروف به میر فندرسکی ، در اجازه ای که برای او نوشته ، وی را ، « أعلّامه الفهّامه و مجتهد الزمان » دانسته است (٢).

ج - شیخ اجل بهائی ، نابغه بزرگ عالم اسلام و تشیع ، در باره او نوشته است

أَجَزْتُ لِلْوَلَدِ الْأَعَزِّ الْفَاضِلِ الذِّكِيِّ الْأَلْمَعِيِّ ، ذِي الْفِطْنَةِ الْوَقَّادَةِ ، وَ الْفِطْرَةِ النَّقَّادَةِ ،

مُحَرِّزِ قَصَبِ السَّبْقِ فِي مِضْمَارِ الْفَضَائِلِ ، صَاحِبِ الْقَدَحِ الْمُحَلِيِّ بَيْنَ الْأَقْرَانِ وَالْأَمَائِلِ ، الْمُتَرَقِّي فِي مَعَارِجِ الْفَضْلِ وَالْكَمَالِ إِلَى أَوْجِ التَّرَجِيحِ وَالْإِسْتِدْلَالِ ، شَمْسِ الْإِفَادَةِ وَالْإِفَاضَةِ وَالْمَجْدِ الْجَلِيِّ ، مَوْلَانَا حَسَنَعَلِيٍّ .. (٣).

د- قاضی عزّ الدّین محمّد ، در اجازه ای که برای آن بزرگمرد نوشته ، او را چنین توصیف کرده است : اِلْتَمَسَ مِنِّي الْآخِ الذِّكِيُّ الْأَلْمَعِيُّ ، الْعَامِلُ الْكَامِلُ الْفَاضِلُ سَيِّدُ الْعُلَمَاءِ وَالْأَفْضَلُ الْمُتَرَقِّي مِنْ رُتْبَةِ التَّقْلِيدِ إِلَى رُتْبَةِ الْاجْتِهَادِ وَالْإِسْتِدْلَالِ ،

ص: ۱۹۶

۱- أعيان الشيعة ، چاپ جدید ، جلد ۵ ، صفحه ۲۰۲

۲- أعيان الشيعة ، چاپ جدید ، جلد ۵ ، صفحه ۲۰۲

۳- أعيان الشيعة ، چاپ جدید ، جلد ۵ ، صفحه ۲۰۲

المُحَرِّزُ فَضِيلَةَ السَّبْقِ فِي مِضْمَارِ الْفَضْلِ وَالْكَمَالِ ، شَمْسُ فَلَمَكِ الْإِفَادَةِ وَ يَدْرُسُ سِجْمَاءَ الْإِفَاضَةِ ، صَاحِبُ الْمَزَايَا وَالْكَمَالَاتِ وَ الْمَجْدِ الْبَهِيِّ ، مَوْلَانَا حَسَنَعَلَى ... (۱).

وفات ملا حسنعلی تستری را ، بعضی ۱۰۲۹ ، و بعضی ۱۰۷۵ نوشته اند ، ولی صحیح همان است که در اول بحث آوردم که ۱۰۶۹ می باشد ( به أعیان الشیعه ، چاپ جدید ، جلد ۵ ، صفحه ۲۰۲ ، مراجعه شود).

### ۳- محقق سبزواری

سؤمین مدرّس عمده و بزرگ مدرسه ملا عبد الله ، فقیه نامدار و محقق عظیم الشان ، علامه ، مولی محمد باقر بن محمد مؤمن سبزواری ، معروف به (محقق سبزواری) صاحب کتاب ذخیره و کفایه (در فقه) می باشد ، که پس از کناره رفتن ملا حسنعلی تستری از مقام تدریس رسمی مدرسه ملا عبد الله ، به عنوان مدرّس رسمی این مدرسه ، تعیین گردیدند (۲).

درباره شخصیت علمی و آثار محقق سبزواری ، در بخش « خاندانهای علمی اصفهان » بررسی نموده ایم

### ۴- میرزا جعفر شیخ الإسلام

چهارمین مدرّس رسمی بزرگ مدرسه ملا عبد الله ، فقیه محقق و مدرّس عالی مقام ، میرزا جعفر شیخ الإسلام ، فرزند محقق سبزواری قدس سره بوده است (۳)

ص: ۱۹۷

---

۱- أعیان الشیعه ، چاپ جدید ، جلد ۵ ، صفحه ۲۰۲

۲- ریاض العلماء ، جلد ۱ ، صفحه ۲۶۲ ، صاحب ریاض العلماء ، از محقق سبزواری با عنوان المولی الأستاذ الفاضل ، یاد میکند ( برای آگاهی از این مطلب ، به مقدمه ریاض العلماء ، به قلم آیه الله ، مرعشی نجفی ، صفحه ۱۶ مراجعه شود)

۳- دار العلم شرق (مخطوط) ، صفحه ۱۸۱ ، (برگه فرعی)

و هم چنین ، عدّه ای از خاندان علمی شیخ الإسلام ( خاندان محقق سبزواری ) در این مدرسه تدریس می نموده ، و تولیت موقوفات مدرسه ملاً عبدالله را ، بر عهده داشته اند (۱).

#### ۵- آقا سید محمد جواد مسجد شاهی

وی فرزند آقا سید محمد علی ، معروف به آقا مجتهد میباشد ، و عالمی کامل و مجتهدی بارع بوده ، و در مدرسه ملاً عبد الله ، امام جماعت و مدرس بوده ، و در سال ۱۳۵۷ قمری وفات یافته است (۲).

آقا سید محمد جواد مسجد شاهی ، درس پرجمعیتی داشته ، و مردی زاهد بوده ، و درس خارج می گفته است (۳) ..

#### ۶- حاج میرزا أبو الفضل خاتون آبادی

فقیه جامع و عالم زاهد و مدرّس مقدّس ، مرحوم آیه الله ، حاج میرزا أبو الفضل خاتون آبادی ، متوفای ۱۳۸۸ قمری (۴).

وی فرزند حاج میرزا حسین نائب الصیدر ، و برادر فقیه و اصولی عظیم الشان ، مرحوم حاج میر محمد صادق مدرّس خاتون آبادی ، (که از چهره های مبرز علمی و اجتماعی و از رؤسا علماء اصفهان بوده ) می باشد .

ص: ۱۹۸

---

۱- برای آشنائی با خاندان علمی شیخ الاسلام ( خاندان محقق سبزواری ) به بخش ( خاندانهای علمی اصفهان ) ، در همین کتاب و نیز کتاب دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۲۲۷ تا ۲۲۹ مراجعه شود

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۱۵-۱۶

۳- اظهارات آقای سید مصلح الدین مهدوی

۴- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۳۴۰

معظم له ، در مدرسه ملا عبد الله تدریس می نموده ، و امام جماعت مسجد مدرسه بوده است .

و هم چنین در مدرسه ملا عبد الله ، علماء و فضلاء دیگری در طول زمان ، اقامت و تحصیل علم داشته ، و یا تدریس و تألیف نموده اند ، که به عنوان نمونه از : ضیاء کفرانی ، متوفای ۱۰۵۲ ، که از نویسندگان دفتر دیوان و شاعری خوش طبع بوده ، و حاج میرزا بهاء خواجهئی ، که شاعری آدیب و خوش خط بوده ، و مرحوم آیه الله ، حاج سید مصطفی مهدوی هرستانی ، متوفای ۱۴۰۹ قمری ، که از علماء بزرگوار و مورد توجه عمومی علماء و مردم با ایمان بوده ، و در مسجد مدرسه ، اقامه جماعت می نمودند ، و مرحوم آیه الله ، حاج شیخ علی قدیری کفرانی ، متوفای ۱۴۰۷ قمری ، که در مدرسه ملا عبد الله ، تدریس مینمودند ، می توان یاد نمود .

### آثاری دیگر، از سابقه علمی در مدرسه ملا عبد الله

محمد مقیم بن ملا احمد گیلانی رانکوئی ، در روز شنبه بیست و سوم جمادی الثانیه ۱۰۷۳ ، در مدرسه ملا عبد الله ، نسخه ای از کتاب من لا یحضره الفقیه شیخ صدوق را ، به پایان رسانیده ، که این نسخه به خط نسخ میباشد ، و در کتابخانه ملی ملک موجود است (۱).

و شخصی به نام سعید بن میر محمد یوسف حسینی ، در سال ۱۰۹۷ ، نسخه ای از حاشیه شرح اشارات خواجه طوسی را ، که از میرزاجان باغنوی متوفای ۹۹۴ میباشد ، در مدرسه ملا عبد الله نوشته است (۲).

ص: ۱۹۹

---

۱- فهرست کتابهای خطی کتابخانه ملی ملک، جلد ۱ ، صفحه ۷۳۱

۲- فهرست کتابخانه مسجد اعظم قم، صفحه ۱۳۴

مقصود ، مدرسه هارونیه است ، به عنوان یاد شده ، مراجعه شود .

### مدرسه میرزا تقی

منظور ، مدرسه خالصیه است ، به عنوان یاد شده ، مراجعه شود .

### ۲۰- مدرسه میرزا حسین

مدرسه ای است در بازار چه بید آباد ، و در جوار مسجد مرحوم سید شفتی ، که در تاریخ ۱۰۹۹ ، ساختمان آن به پایان رسیده است .

تأسیس و وقف مدرسه ، از « عزت نساء خانم » دختر میرزا خاناقمی می باشد ، که جهت سکونت طلاب علوم دینی ، از فرقه اثنی عشریه ، معین نموده ، و تولیت آن را در مرتبه اول ، برعهده محقق نامدار ، آقا حسین خوانساری قرار داده و به علت رحلت آن بزرگمرد ، در سال ۱۰۹۹ ، امر تولیت را برعهده فرزند ایشان ، فقیه بزرگ ، آقا جمال خوانساری ، مقرر کرده ، و پس از ایشان ، أعلم و یا أسن اولاد آن بزرگمرد را ، متولی قرار داده است (۱) . تاریخ وقفنامه ۱۱۰۴ و اضافات آن ، به تاریخهای ۱۱۰۶ و ۱۱۰۷ میباشند (۲)

اشعاری که در کتیبه سردر مدرسه نوشته شده ، از شاعری متخلص به (سامی) می باشد ، و نشان میدهد که تأسیس مدرسه در دوره شاه سلیمان صفوی است ، و آخرین شعر کتیبه ، چنین می باشد :

بهر تاریخ این بنا (سامی)

(مجمع اهل فضل) کرد رقم

۱۰۹۹

(۳)

ص: ۲۰۰

۱- دار العلم شرق (مخطوط) ، صفحه ۲۳۴ ، به نقل از وقفنامه مدرسه

۲- دار العلم شرق (مخطوط) ، صفحه ۲۳۴ ، به نقل از وقفنامه مدرسه

۳- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۶۴۹ و آثار ملی اصفهان ، صفحه ۵۰۱



میرزا حسین، ظاهراً از اولاد و أحفاد عزّت نساء خانم، و میرزا مهدی (شوهر او) بوده، که پس از فتنه افغان، متصدی تعمیر مدرسه، و إسکان طلاب در آن بوده، و مدرسه به تدریج، به نام او شهرت یافته است (۱).

مدرسه میرزا حسین یک طبقه است، و ۲۷ حجره دارد، و مدرس و مسجد آن در طرف غربی، و در و دالان آن، در طرف شرقی مدرسه می باشد، و در تزئینات آن، از کاشی و آجر استفاده شده، و مساحت آن ۴۵ × ۵۰ متر می باشد، و مجموعاً مدرسه ای آباد و جالب توجه است.

سنگاب مدرسه مورّخ به تاریخ ۲۳ ذی الحجّه ۱۲۷۵ می باشد، که نشان میدهد در آن دوره، آباد و معمور بوده است.

در حال حاضر، ۳۰ نفر از طلاب علوم دینیه در آن ساکن می باشند، و در رتبه های درسی مقدمات و سطوح و خارج، اشتغال به تحصیل دارند، و عموماً در درسهای مدرسه های صدر و ذوالفقار و ...، شرکت می کنند.

### چهره های علمی مدرسه میرزا حسن

عده ای از علماء و فضلاء بزرگ، در طول تاریخ مدرسه، در این مجمع علمی، تحصیل و یا تدریس نموده اند، که ذیلاً به نام و شخصیت برخی از آنها اشاره می نمائیم:

۱- مرجع بزرگوار و فقیه و زعیم نامدار، مرحوم آقا سید محمد باقر شفتی متوفای ۱۲۶۰، (بانی مدرسه و مسجد سید) که قبل از تأسیس مسجد سید، در مدرسه میرزا حسین، تدریس می نموده اند (۲).

۲- مرحوم آیه الله، آقا سید محمد حسین نجف آبادی، متوفای ۱۳۳۱ قمری

ص: ۲۰۱

۱- تاریخ فرهنگ اصفهان، صفحه ۱۱۰

۲- دار العلم شرق (مخطوط)، صفحه ۲۳۵ و اظهارات شفاهی نویسنده بزرگوار آن

که از شاگردان مرحوم میرزا محمّد حسن شیرازی و مرحوم آخوند خراسانی و آقا سید محمّد کاظم یزدی بوده ، و به مقام اجتهاد نائل گردیده بوده است . وی هشت سال در حوزه علمیه اصفهان اقامت داشته ، و در مدرسه میرزا حسین ساکن بوده ، و سطوح فقه و اصول را ، تحصیل کرده است (۱).

۳- اديب و شاعر و مدرّس نامدار ، مرحوم میرزا یحیی مدرّس بید آبادی ، متوفای ۱۳۴۹ قمری ، که از أحفاد ملاّ محمّد باقر ( محقق سبزواری ) بوده ، و در اصفهان و نجف تحصیل علم کرده ، و از شاگردان شیخ انصاری و حاج شیخ محمّد باقر مسجد شاهی و آخوند ملاّ محمّد کاشانی و صاحب روضات ، و دیگر بزرگان بوده است (۲) . وی حوزه درسی مورد توجّهی داشته ، و در شعر و ادب ، دارای مقامی بلند بوده ، و مجمع ادبی او ، مورد علاقه مدّاحان و مرثیه سرایان خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام بوده است ، و دیوان شعری دارد (۳) که از شهرت زیادی برخوردار می باشد . مرحوم میرزا یحیی مدرّس ، در خانه خود ، و نیز در مدرسه میرزا حسین تدریس می نموده است .

۴- مرجع عالیقدر جهان شیعه ، فقیه نامدار ، مرحوم آیه الله العظمی ، آقا سید ابوالحسن مدیسه ای اصفهانی ، متوفای ۱۳۶۵ قمری ، که در علوم عقلی و نقلی ، جامع ، و در تدبیر و لیاقت اداره امور حوزه علمیه و جامعه شیعه ، سرآمد بوده است . آن بزرگمرد ، مدّتی در اصفهان ، در مدرسه میرزا حسین تحصیل و تدریس نموده است (۴) .

ص: ۲۰۲

---

۱- گنجینه دانشمندان ، جلد ۷، صفحه ۳۱۵

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۵۴۸

۳- الذریعه، جلد ۱، بخش چهارم ، صفحه ۳۰۸

۴- دار العلم شرق ( مخطوط )، صفحه ۲۳۵ و اظهارات شفاهی نویسنده بزرگوار آن

۵- حاج آقا جمال الدین خوانساری، متوفای ۱۳۹۱ قمری، که عالمی فاضل و خلیق، و آخرین شخصیت علمی - دینی، از خاندان علمی خوانساری می باشد. وی در مدرسه میرزا حسین تدریس می نموده است (۱).

### آثاری از مدرسه میرزا حسین

نسخه ای از حاشیه بر شرح اشارات، که مُحَشَّی آن، ملا عبد الززاق لاهیجی می باشد، به وسیله علی اکبر بن محمد کریم طیب، در مدرسه میرزا حسین نوشته شده، به تاریخ ۲۴ ربیع الثانی ۱۲۵۶، و این نسخه در کتابخانه آستان قدس رضوی علیه السلام موجود است (۲).

و هم چنین، همین کاتب (علی اکبر بن محمد کریم طیب) نسخه ای از حکمت عرشیه ملا صدرای شیرازی را، به خط نستعلیق و شکسته، در مدرسه میرزا حسین اصفهان، در ذی الحجه ۱۲۶۳، کتابت نموده است (۳).

### ۲۱- مدرسه ناصریه (ناصری)

مدرسه ای است در ضلع جنوب شرقی مسجد جامع عباسی (مسجد شاه = مسجد امام) که در دوره شاه عباس اول پایه گذاری شده، و در دوره شاه سلیمان صفوی تکمیل گردیده، و در زمان ناصرالدین شاه قاجار، تعمیرات اساسی یافته، و به همین مناسبت، به نام (ناصریه) و (ناصری) خوانده می شود.

حجرات مدرسه، فقط در طرف شرق مدرسه است، و تزئینات آن به وسیله

ص: ۲۰۳

۱- سیری در تخت فولاد اصفهان، صفحه ۱۸۰

۲- فهرست کتب خطی کتابخانه آستان قدس رضوی، جلد ۴، صفحه ۷۶

۳- فهرست کتب خطی کتابخانه آستان قدس رضوی، جلد ۴، صفحه ۹۶

کاشی خشت هفت رنگ انجام گرفته ، و نمای جالبی دارد .

ایوان جنوبیِ مدرسه ، دارای لوحه ها و کتیبه هائی است ، که در ضمن آنها صلوات بر چهارده معصوم نقش بسته ، و با چنین عبارتی ختم شده ، و تاریخ گذاری گردیده است : کتبه محمد رضا الإمامی ۱۰۷۷ (۱) .

کتیبه داخل محراب ایوان یاد شده ، که در زمان شاه سلیمان صفوی نصب گردیده ، به خط ثلث سفید بر زمینه کاشی لاجوردی ، و به قلم محمد محسن امامی ، به این شرح است :

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ ، لَوْ أَنَّ الْغِيَاضَ (۲)

أَقْلَامٌ ، وَ الْبَحْرَ مِدَادٌ ، وَ الْأَرْضَ قِرطَاسٌ ، وَ الْجَنَّ وَالْإِنْسَ حُسَابٌ وَ كِتَابٌ ، مَا أَحْصَوْا فَضَائِلَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ ، كَتَبَهُ مُحَمَّدٌ مُحْسِنٌ الْإِمَامِيُّ ۱۰۹۵ (۳) .

مدرسه ناصریه و مسجد جامع عباسی ( مسجد شاه ) ، از نظر داشتن مفاخر علمی و سکونت و تدریس علماء بزرگ ، در رابطه نزدیک میباشند (۴) ولی بالخصوص ، نام بعضی از بزرگان ، در زمره ساکنین یا مدرّسین مدرسه ناصریه ، ذکر گردیده ، که به دو نفر اشاره مینمائیم :

۱- مجتهد اصولی و مدرّس نامدار ، آقا شیخ أحمد مدرّس زنجانی اصفهانی ،

ص: ۲۰۴

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۴۵۴

۲- غیاض ، جمع غیضه است ، به معنی درخت فراوان ، در محلی که آبها جمع می شود ، و به زمین فرو می رود ، و به معنی بیشه و جنگل می باشد

۳- این حدیث را ، در کتاب ماه منقبه ابن شاذان (که با تحقیقات مؤسسه الإمام المهدی قم ، زیر نظر حضرت آیه الله ، آقای حاج سید محمد باقر موحد ابطحی دام ظلّه ) چاپ شده ، در صفحه ۱۷۶ نقل نموده اند ، با ذکر استاد فراوان حدیث ، از کتب معتبر و معروف شیعه و سنی

۴- به بخش مسجد جامع عباسی ، در قسمت ( مساجد مرکز فعالیت علمی ) رجوع شود

متوفای ۱۳۶۹ قمری، که تحصیلات خود را در حوزه های علمیّه زنجان و قزوین و نجف اشرف انجام داده، و پس از نیل به مقام اجتهاد، به حوزه اصفهان مهاجرت کرده، و در مدرسه ناصریّه، سکونت نموده است (۱). وی معروف به مدرّس صدری می باشد. مرحوم زنجانى، عالمى محقق، و شاعرى اديب، و صاحب اثر قلمى به نام وجيزه در فرق بين سحر و معجزه، و اثر ديگرى به نام هدايه الأنام (منظومه اى در كلام) بوده است (۲).

۲- عالم فاضل و مجتهد، حاج ملا اسماعيل بن ملا محمد نقنه اى، متوفای ۱۳۵۰ قمری، که از یاران و نزدیکان خاندان علمى نجفى (آقایان مسجد شاهی) بوده است (۳).

## ۲۲ - مدرسه نوریّه

مدرسه اى است در بازار بزرگ اصفهان، نزدیک مسجد جامع از یکطرف، و مدرسه کاسه گران از طرف ديگر، و در آن، مقابل بازار ريسمان باز مى شود

مساحت آن در حدود يك هزار و سيصد متر (۳۰ × ۴۵) می باشد، و ۲۲ حجره و يك مَدرّس به صورت ايران در طرف غرب، و يك کتابخانه در طرف شرق دارد، و به شکل يك طبقه است.

بانی مدرسه، ميرزا نور الدّين محمد جابرى أنصاری (از أجداد ميرزا حسن خان جابرى أنصاری، صاحب کتاب تاريخ اصفهان و رى) می باشد. طبق نوشته کاشى کاريهای سردر مدرسه، که در ضمن تعميرات دوره أخير (در سال ۱۳۴۷ شمسی) نصب گردیده، تاريخ وقف مدرسه، ۱۰۶۴ هجرى قمرى

ص: ۲۰۵

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۱۱۲

۲- سیری در تخت فولاد اصفهان، صفحه ۱۱۶

۳- رجال اصفهان، صفحه ۲۰۰ و دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۱۴۱

می باشد، ولی به نوشته جابری انصاری در تاریخ اصفهان و ری صفحه ۳۰۷، بنای مدرسه متعلق به دوره سلطنت شاه سلیمان صفوی و سلطان حسین صفوی می باشد، و با توجه به این که، جلوس شاه سلیمان به سلطنت، در سال ۱۰۷۷، و جلوس سلطان حسین، در سال ۱۱۰۵ می باشد، تفاوت و ناهماهنگی بین دو نقل، روشن می گردد، و به نظر می رسد که، نوشته جابری انصاری، که

۱- در کتاب تاریخچه اوقاف اصفهان، به قلم عبدالحسین سپنتا، از صفحه ۷۴ تا ۱۱۰، وقفنامه نور الدین محمد جابر انصاری اصفهانی را نقل کرده، و در ابتداء امر، به عنوان تیتراژ، این عبارت را ذکر نموده است (وقفنامه مدرسه نوریه اصفهان) و سپس شرحی راجع به مدرسه نوریه نوشته، و اشاره ای به تعمیرات مسجد جامع اصفهان، که در سال ۹۹۶ به وسیله نور الدین محمد بن جلال الدین محمد حکیم اصفهانی انجام گرفته، و اشاره ای به مسجد آقانور، که در زمان شاه عباس اول شروع شده، و کتیبه های آن، به سال ۱۰۳۹ و ۱۰۴۳ می باشد، نموده است، در حالیکه: اولاً، وقفنامه نور الدین محمد جابر انصاری، هیچ اسمی از مدرسه ندارد، و وقفنامه های است برای مصارفی که در متن وقفنامه چنین ذکر شده ...، وقف مخلمد و حبس مؤبد نمود، بر مرقد منور، و مشهد معبر معطر آن حضرت (مقصود، امام علی بن ابی طالب علیه السلام می باشند) و باقی مشاهده شریفه، همگی و جملگی و تمامی گری و ... (به صفحه ۸۰ تاریخچه اوقاف اصفهان مراجعه شود) و با مطالعه تمام وقفنامه می یابیم، هیچگونه اسم و اثری از مدرسه نوریه در وقفنامه وجود ندارد. ثانیاً، اشتراک نام نور الدین محمد جابر انصاری، و نور الدین محمد بن جلال الدین محمد حکیم اصفهانی، نباید منشأ اشتباه شود، در حالی که وقفنامه و آثار نور الدین محمد جابر انصاری، متعلق به سالهای ۱۰۵۸ به بعد است، و تعمیرات مسجد جامع و تأسیس مسجد آقانور، متعلق به سالهای ۱۹۹۶ و ۱۰۳۹ و ۱۰۴۳ می باشد، و به خوبی روشن است، که موارد یاد شده، هیچ ربطی به هم ندارد، مخصوصاً با توجه به سن نور الدین محمد جابر انصاری، که هنگام تنظیم وقفنامه (سال ۱۰۵۸) ۵۲ ساله بوده، و معلوم است که در سال ۹۹۶ هنوز متولّد نگردیده، و شرائط ستی او در سال ۱۰۳۹ و ۱۰۴۳، مناسب برای کارهای بزرگ نبوده است. (در صفحات ۷۸ و ۹۰ کتاب تاریخچه اوقاف اصفهان، دقت شود).

دانشمندی محقق بوده ، و از اُحفاد بانی مدرسه می باشد ، از ارزش علمی بیشتری برخوردار است.

بالای دَر کتابخانه ، در کتیبه ای در کاشی کاری نوشته شده : با همکاری سازمان اداره اوقاف اصفهان ، کتابخانه و تعمیرات مدرسه نوریه ، و کاشیکاری آن ، با تمام رسید ۱۳۴۷ شمسی .

و در کتیبه ای ، که دور تا دور مدرسه ، بالای حجره ها به صورت کاشیکاری نصب گردیده ، احادیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و فاطمه زهراء علیها السلام و ائمه معصومین علیهم السلام ، راجع به ارزش علم و عالم و تفقه در دین ، جلب توجه مینماید ، و در طرف غرب مدرسه ، جنب ایوان چنین نوشته شده است:

به همت أحمد نور الدین ، نماینده تولیت مدرسه ، کاشی و تعمیرات مدرسه به اتمام رسید ۱۳۸۹ قمری .

در حال حاضر، جمعی از طلاب حوزه علمیه ، در مدرسه نوریه سکونت دارند، و آباد میباشد .

### چهره های علمی از مدرسه نوریه

در طول تاریخ مدرسه نوریه ، عده ای از فضلاء و علماء در این مدرسه تحصیل علم نموده ، و یا تدریس و تربیت طلاب را بر عهده داشته اند ، که ذیلأ به نام برخی از آنها اشاره می شود:

۱- عالم زاهد و مجتهد بزرگوار ، مرحوم آقا شیخ اسماعیل معزی ، متوفای ۱۳۶۳ قمری ، که از شاگردان مرحوم آخوند خراسانی و آقا شیخ هادی تهرانی بوده ، و در حوزه علمیه اصفهان ، به تدریس و تربیت طلاب اشتغال داشته ، و در حل و فصل خصومات ، و إفتاء و سایر برنامه های دینی ، همکار و یاور مرحوم آخوند فشارکی بوده است . تألیفاتی از قبیل : ۱ اصول الایمان، ۲- تقریرات

درس اصول مرحوم آخوند خراسانی ، ۳- شرح بر کفایه الأصول، ۴- مجالس الموحّدين ، ۵- شانزده رساله در مباحث مختلف فقه و اصول، ۶- قضایای غریبه و عجیبه و ... ، داشته است (۱).

مرحوم آقا شیخ اسماعیل معزی ، پس از آنکه سالهای سخت و خفقانی شدید حکومت پهلوی سپری گردید ، و مدرسه نوره ، به صورت مخروبه ای در آمده بود، در احیاء آن کوشیدند ، و چند نفر طلبه در آن اسکان دادند (۲) و در نتیجه نه تنها مُدرّس مدرسه ، بلکه احیاگر آن نیز ، بوده اند .

۲- شاعر و ادیب و خطّاط ارزشمند ، میرزا علیرضا فرزند محمّد علی ، و متخلّص به ( پرتو ) و معروف به میرزا آقاجان، و متوفای ۱۳۰۴ قمری، (۳) که صاحب کتاب مآثر و آثار ، او را در خطّ نسخ ، استاد أجَلّ خطّاطین اصفهان دانسته و برخی او را در زمینه شعر ، مقدّم بر شعرای اصفهان و غیر آن ، شمرده اند (۴) ۳- آقا محمّد علی مُیذَهَب ، فرزند أبوبالاب اصفهانی، متوفای ۱۲۷۵ قمری ، و صاحب تذکره یخچالیه ، که در صنعت تذهیب و صنعت شعر ( مخصوصاً غزل ) مقام استادی داشته است (۵) .

### اثری از مدرسه نوریّه

دانشمندی به نام سید علی أصغر بن قاسم طباطبائی زواره ای ، در ۲۷

ص: ۲۰۸

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۱۳۶

۲- دار العلم شرق ( مخطوط )، صفحه ۲۵۶

۳- دار العلم شرق ( مخطوط )، صفحه ۲۵۷

۴- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۱۵۹ ، مآثر و آثار ، صفحه ۲۰۵ و ۲۱۶ و الذریعه ، جلد ۹، صفحه ۱۵۷

۵- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۲۷۳



شؤال ۱۲۳۲ ، نسخه ای از شوارع الهدایه فی شرح الکفایه را ، که تألیف حاج محمّد ابراهیم کلباسی میباشد ، در مدرسه نوریّه به پایان برده است (۱).

### ۲۳- مدرسه نیم آورد

یکی از مدارس مهم دوره صفویّه است ، که تاریخ بنای آن ، اوائل قرن دوازدهم می باشد، و هنوز بر استحکام و زیبایی و آبادی خود باقی است ، و از میراثهای گرانبهای فرهنگی اصفهان و حوزه علمیه ، به شمار می رود .

در مدرسه نیم آور ، کتیبه ای که ، نشان دهنده تاریخ تأسیس آن باشد ، وجود ندارد، و نویسندگان ، با توجه به نشانه هائی ، اظهار نظرهای نموده اند .

جابری أنصاری می نویسد: دیگر از مدارس عهد صفویّه ، مدرسه □نم آورد است ، و مدرسه کاسه گران ، که این دو مدرسه به سلطنت شاه سلطان حسین . به همت حکیم الملک و زنش ساخته شد ، مدرسه نم آورد را ، زینت بیگم ، زن حکیم الملک ، در ۱۱۱۷ بنا نمود ، و مدرسه □کاسه گران را خود حکیم الملک ، قبل از ۱۱۱۷ (۲) .

و مرحوم رفیعی مهر آبادی می نویسد : متولی پیشین مدرسه ( آقا عطاء الله جدلی ، فرزند میرزا محمّد علی متولی ، که اولی در ۱۳۱۳ و دوّمی در ۱۳۴۰ قمری وفات یافته اند ) که او هم از پدرش شنیده بود، می گفت : تاریخ وقفنامه مدرسه ، ۱۱۱۱ قمری بوده ، و مرحوم آقا جمال خوانساری ، مجری صیغه □وقف ، و نیز ناظر قرار داده شده بوده است (۳) .

ص: ۲۰۹

۱- دلیل المخطوطات ، جلد ۱ ، صفحه ۱۱۷

۲- تاریخ اصفهان و ری ، صفحه ۳۰۷

۳- آثار ملی اصفهان ، صفحه ۵۰۴-۵۰۵

و باستانشناس محقق ، دکتر لطف الله هنرفر ، نقل می نماید : .... بعضی آن را از بناهای دوره شاه سلیمان پنداشته اند ، اما جابری أنصاری ... (۱).

و آقای سید مصلح الدین مهدوی ، درباره لوجه جمع بین قول کسانی که مدرسه را مربوط به دوره شاه سلیمان می دانند ، و کسانی که مربوط به دوره سلطان حسین صفوی می شناسند ، می نویسد : و وجه جمع این دو قول آنکه ، در عهد شاه سلیمان شروع به ساختمان شده ، و در عهد شاه سلطان حسین ، تمام گردیده است (۲).

مدرسه نیم آورد در جریب است (۳) و تزئینات فراوان دارد ، و گچبری های جالبی در آن بکار رفته ، که بر زیبایی آن می افزاید ، و جالب توجه است که ، استادان فن ، به وسیله گچ های رنگارنگ ، نوعی مخصوص از معرق ، ترتیب داده اند ، که در اُبنیه تاریخی دیگر نظیر ندارد (۴).

مقرنسهای گچ بری و کاشی کاری های سردر ، و داخل مدرسه نیم آورد ، و خطوط بنائی موجود در تزئینات مدرسه نیم آور ، از یک طرف ، نشانه هنر و ذوق هنرمندان مؤمن اصفهانی ، و از طرف دیگر ، نمایشگر اعتقادات راسخ مردم اصفهان نسبت به اهل البیت علیه السلام می باشد . کتیبه اطراف سردر مدرسه نیم آورد ، به خط ثلث سفید بر زمینه کاشی لاجوردی ، شامل سوره توحید و چند آیه میباشد ، و در آخر کتیبه آمده است : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آٰلِهِ

ص: ۲۱۰

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۶۷

۲- دار العلم شرق ( مخطوط ) ، صفحه ۲۵۹

۳- تاریخ اصفهان و ری ، صفحه ۳۰۷

۴- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۶۸۰

وَسَلَّمَ ، لَوْ أَنَّ الْغِيَاضَ (۱) أَقْلَامُ، وَ الْبَحْرَ قِرطاسُ ، وَ الْجَنِّ حُسَابُ ، وَ الْإِنْسَ كِتَابُ ، مَا أَحْصَوْا فَضَائِلَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ، سَنَه ۱۳۴۹ (۲) .

عدد ۱۳۴۹ ، گویای تعمیرات و اقداماتی است که در تاریخ یاد شده انجام گرفته ، چنانچه تاریخ ۱۳۲۷ ، در دو محراب مدرس جنوبی و شمالی مدرسه ، نشانه تعمیرات دیگری ، در آن تاریخ میباشد.

مدرسه نیم آور، در سالهای حدود ۱۴۱۰ قمری ، به وسیله آقای جدلی ، متولی موقوفات مدرسه ، و با نظارت سازمان اوقاف اصفهان ، و با استفاده از کمک های مالی و معنوی آیه الله حاج آقا حسن فقیه امامی دام عزّه ، و نیز در آمد موقوفات مدرسه ، تعمیراتی بسیار جالب و اساسی یافته ، و به راستی ، احیاء گردیده است .

مدرسه نیم آور دو طبقه است ، و دارای ۶۴ حجره می باشد (۳) ، و دو مدرس ( مسجد ) به صورت ایوان ، در دو طرف جنوب و شمال آن وجود دارد، و یک مدرس نیز در طرف شرق مدرسه هست ، چنانچه حجره بالای سردر مدرس ( در طبقه دوم ) نیز ، گاهی به عنوان مدرس استفاده می شده است .

### مدرسه نیم آور محل اقامت و تدریس علماء بزرگ

مدرسه نیم آور ، از پربرکت ترین مدارس علمیه اصفهان می باشد ، و در

ص: ۲۱۱

۱- غیاض ، جمع غیضه است ، به معنی درخت فراوان ، در محلی که آبها جمع می شود و به زمین فرو می رود، و به معنی بیشه و جنگل می باشد

۲- این حدیث را در کتاب مأه منقبه ابن شاذان ، (که با تحقیقات مدرس امام المهدی (عج) قم، زیر نظر آیه الله حاج سید محمّد باقر موخّید ابطحی مدّظله چاپ شده ) در صفحه ۱۷۶ نقل نموده اند ، با ذکر اسناد فراوان حدیث ، در کتب معتبر و معروف شیعه و سنی

۳- شماره حجره های مدرس نیم آور ، در کتاب آثار ملی اصفهان ، و دارالعلم شرق ، ۷۸ عده ذکر شده که صحیح نمی باشد

طول زمان ، محلّ اقامت و تدریس علماء بزرگ بوده است ، و شخصیت های برجسته ای در عالم فقه و اصول و حکمت و ادبیات و ... ، در این مرکز دینی و علمی ، پرورش یافته اند ، که ذیلاً به برخی از آنها اشاره می شود، و البته برخی از این بزرگان ، در فصول دیگر کتاب ، به نحو مفصل تری مورد ذکر قرار گرفته اند .

۱- عالم فاضل و فقیه جامع ، حاج شیخ محمد رفیع جیلانی (گیلانی)، متوفای حدود ۱۲۴۵ قمری (۱) که در حوزه اصفهان و نجف تحصیل علم کرده ، و از شاگردان سید بحر العلوم بوده ، و تألیفاتی از قبیل : أصل الأصول ( در شرح معالم به نحو مفصل ) و جواهر الأصول ( حاشیه بر معالم ) و حواشی بر در بحر العلوم و اللئالی الثمینة ، در شرح نهج البلاغه و ... ، داشته است (۲) .  
وی مدتی در مدرسه نیم آور بوده است .

۲- حکیم ریاضی و عارف زاهد ، حاج ملا حسن آرنندی نائینی ، متوفای ۱۲۷۰ قمری . وی در مدرسه نیم آور ساکن بوده ، و تدریس می نموده ، و استاد علوم حکمت و ریاضی بوده است ، و بزرگان ، به او ارادت می ورزیده اند .

مرحوم حاج آقا بزرگ طهرانی ، درباره او می نویسند :

إِشْتَهَرَ عَنْهُ أَنَّهُ لَوْ أُلْقِيَ عَلَيْهِ أَلْفُ مَسْئَلَةٍ فِي أَنْوَاعِ الْعُلُومِ وَ شَتَّى الْفُنُونِ ، أَجَابَ عَنْهَا فِي الْحَالِ ، مِنْ دُونِ مُرَاجَعَةِ أَيِّ مَصْدَرٍ ، وَ كَانَ مِنْ أَهْلِ الْكَشْفِ وَ الْأَسْرَارِ وَ ذَوِي الْبَاطِنِ (۳) .

و در کتاب مآثر و آثار درباره این بزرگمرد آمده است : در انواع علوم ظاهر

ص: ۲۱۲

---

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، ۳۴۱

۲- الکرام البرره ، جلد ۱ ، صفحه ۵۷۷ - ۵۷۸

۳- الکرام البرره جلد ۱ ، صفحه ۳۰۱

و باطن ، به مقام کشف و شهود بود، اگر فی المثل در یک روز، از هزار کتاب در فنون شتی، از وی حلّ مشکلات و رفع شبهات می خواستند، بدون هیچ تأمّیل، همه را جواب می فرمود، با آنکه، اصلاً کتاب نداشت، و ابداً به مطالعه وقت نمیگذاشت، و این معنی در تسلّم، به مقامی است که هزاران کس از محصّیلین اصفهان و مدرّسین آن سامان، بارها آزموده اند، و به اشخاصهم احساس نموده اند، و این نیست جز حقیقت مکاشفه، و این دعوی را، براهین دیگر نیز، از قبیل إخبار به انتشار تلگراف در ایران، و صدمات شریعت از ظهور باب (منظور میرزا علی محمّد باب رهبر فرقه ضالّه [بایّیه است) و غیرهما، که به طور تحقیق از وی شنیده شده است (۱).

ملاً حسن آرنندی، قبلاً شبانی می کرده و با هدایت حاج محمّد حسن نائینی، به راه علم و ریاضت های نفسانی، کشیده شده است.

۳- میرزا أبو القاسم رشتی، فرزند حاج محمّد ابراهیم رشتی، صاحب کتاب « تحفه الناصرّیه فی الفنون الأدبیّه » که در طهران، در سال ۱۲۷۸ به صورت مجلدی بزرگ، چاپ شده است (۲). او در اصفهان ساکن بوده، و در مدرسه نیم آور، تدریس ادبیّات عرب مینموده، و پس از وفات، در بقعه هارون ولایت (هارونیه) مدفون شده است (۳).

۴- فقیه و مجتهد زاهد و جامع، حاج میرزا بدیع درب امامی، متوفای ۱۳۱۸ قمری، که از چهره های مبرز علمی و تقوایی بوده، و پدرانش عموماً از فضلاء

ص: ۲۱۳

---

۱- مآثر و آثار، صفحه ۱۶۹

۲- الذریعه الی تصانیف الشیعه، جلد ۳، صفحه ۴۷۶

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۸۹

و علماء اصفهان بوده اند، و خودش علاوه بر مقام علمی، در زمینه های فقه و اصول و سایر علوم حوزه ای، تألیفاتی گوناگون در آن علوم، و خطی نیکو داشته، و شعر می سروده است، و جزء تألیفات او، دیوان اشعار میباشد.

مرحوم حاج میرزا بدیع درب امامی، از مدرسین بزرگ مدرسه نیم آورد بوده است (۱).

۵- فقیه جامع، و عالم فاضل، و حکیم زاهد، حاج ملاحسن درّی، متوفای ۱۳۳۶ قمری، که صاحب تألیفاتی از قبیل: یک دوره فقه استدلالی فارسی، و مناسک حجّ عربی استدلالی و مفصل، بوده است (۲).

آقای سید مصلح الدین مهدوی، ایشان را از چهره های برجسته در مدرسه نیم آورد بر شمرده اند (۳).

۶- مجتهد عظیم الشان و فقیه محقق، مرحوم آقا شیخ عبدالکریم گزی معروف به، آخوند گزی، متوفای ۱۳۳۹ قمری. وی از چهره های مبرز علمی و اجتماعی حوزه علمیه اصفهان در قرن چهاردهم می باشد، و دارای سلیقه ممتاز، اخلاق پسندیده، حسن تشخیص، دقت نظر و زهد واقعی بوده، و در نتیجه، در حوزه علمیه، و در میان طلاب و در بین عموم مردم، اعم از شهری و روستائی، محبوبیت عظیمی داشته است، و لذا مرجع عام و خاص گردیده، و در حلّ مرافعات و مخاصمات، شخصیتی بی نظیر و بی رقیب بوده است، و همه به نظریات او احترام نموده، و عمل می کرده اند.

ص: ۲۱۴

---

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۲۰۰

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۲۶۲

۳- دار العلم شرق (مخطوط)، صفحه ۲۶۰

تألیفات گوناگون، تدریس دروس متعدّد، و پاسخگوئی به سؤالات فراوان و متنوع، از نشانه های قدرت علمی و تبّخر و تسلّط آن بزرگمرد میباشد.

مرحوم آخوندگزی، از مفاخر حوزه علمیه اصفهان، و از مدرّسین برجسته مدرسه نیم آور بوده اند.

۷- فقیه و اصولی عظیم الشان، و مرجع عالی مقام، مرحوم آیه الله العظمی، آقا سید محمّد باقر درجه ای، متوفای ۱۳۴۲ قمری، که از مفاخر حوزه علمیه اصفهان، و مدرسه نیم آور می باشند، و حوزه درسی فقه و اصول اجتهادی ایشان، مورد توجه فضلاء و محقّقین بوده، و از شاگردان درس آن بزرگمرد، در مدرسه نیم آور، مرجع عالیقدر جهان شیعه، آیه الله العظمی، حاج آقا حسین طباطبائی بروجردی قدس سره بوده اند.

۸- عالم کامل و زاهد و مدرّس عالیقدر، مرحوم آقا سید محمّد امامی (درب امامی) متوفای ۱۳۵۹ قمری، که از علماء معرّم و مشهور به زهد بوده، و در مدرسه نیم آور، تدریس فقه و اصول مینموده است.

۹- فقیه و اصولی مجتهد و بزرگوار، و مرجع عظیم الشان، مرحوم آیه الله، آقا سید مهدی درجهای، متوفای ۱۳۶۴ قمری، که از چهره های مبرّز در فقه و اصول بوده، و از اکابر فقهاء و مدرّسین حوزه علمیه اصفهان، به شمار می رود. وی در مدرسه نیم آور و مسجد نو بازار، تدریس می نموده، و حوزه درسی او، مجمع أفاضل بوده است.

۱۰- عالم فقیه و مدرّس مجتهد، مرحوم آیه الله، حاج آقا عطاء الله فقیه امامی، متوفای ۱۳۸۷ قمری، که در حوزه اصفهان و نجف، و در محضر بزرگانی همچون، آقا ضیاء الدین عراقی و آقا سید محمّد فیروز آبادی (از اعلام نجف) و آقا شیخ محمّد رضا مسجد شاهی و آقا سید محمّد باقر درجه ای و آقا سید

مهدی درچه ای ( از اعلام حوزه اصفهان ) کسب علم نموده ، و به مقام اجتهاد رسیدند . ایشان در مدرسه نیم آور ، به تدریس فقه و اصول و دیگر علوم حوزه ای ، اشتغال داشته اند .

۱۱ - عالم زاهد و مجتهد عادل ، مرحوم آیه الله ، حاج شیخ مرتضی مظاهری نجفی اصفهانی ، متوفای ۱۴۰۹ قمری ، که در حوزه علمیه اصفهان و نجف ، از محضر بزرگانی ، همانند : فقهای عظیم الشان ، آخوند فشارکی و آخوند گزی و آقا سید أبو القاسم دهکردی و حاج میر محمد صادق خاتون آبادی و نیز آیات عظام ، مرحوم آقا شیخ محمد حسین نائینی ، و آقا ضیاء الدین عراقی و آقا سید أبو الحسن اصفهانی و حاج شیخ جواد بلاغی قدس سرهم ، بهره علمی گرفت ، و به مقام منبع اجتهاد نائل گردید ، و از عدّه ای از اعلام و مراجع بزرگوار به کسب اجازه اجتهاد مفتخر شد ، و پس از مراجعت به اصفهان ، در مدرسه نیم آور به تحقیق و تألیف و تدریس پرداخت .

مرحوم آیه الله مظاهری ، کتابها و رساله های گوناگون در مسائل فقهی و اصولی و رجالی و اخلاقی نوشته اند ، که مجموعه آنها را در کتاب گنجینه دانشمندان ، ۱۰ کتاب و ۱۱ رساله ، ذکر نموده است (۱).

۱۲ - عالم جامع ، و استاد عظیم الشان ، و مدافع حریم ولایت ، مرحوم آیه الله آقای حاج سید أحمد فقیه امامی ، متوفای ۱۴۱۴ قمری ، که چهره ای مبرز و شخصیتی جامع علم و عمل و اخلاق داشتند ، و در سنگرهای تدریس و تألیف و خطابه و محراب ، آثاری برجسته در راه حفظ و حراست از دین و مکتب أهل البیت علیهم السلام ، از خود به جای گذاشتند ، و نه تنها برای مدرسه

ص: ۲۱۶



نیم آور ( محلّ عمده تدریس ایشان ) بلکه برای حوزه علمیّه و شهر تاریخی و مذهبی و با ولایت اصفهان ، افتخاری بزرگ به شمار می آیند .

مرحوم آیه الله امامی ، در مدرسه نیم آور و مسجد سه راه نیم آور و مسجد بابا محمّد علی سقا ( معروف به مسجد امامی ) و ... ، تدریس می نمودند ، و در زمینه های فقه و اصول و حکمت و تفسیر و حدیث ( شرح بحار الأنوار و نهج البلاغه و ... ) و درایه و اخلاق ، جمع زیادی از فضلاء و طلاب حوزه علمیّه را بهره مند می نمودند (۱).

۱۳ - عالم جامع و استاد عظیم الشان ، آیه الله ، آقای حاج سید حسن فقیه امامی دامت برکاته ، که از چهره های مبرز علمی و اجتماعی معاصر می باشند ، و در حوزه اصفهان ، از نظر تأسیس و یا تجدید بناء و تعمیر مدارس علمیّه ، و نیز تدریس و تربیت طلاب ، نقش بسیار اساسی دارند ، و در حال حاضر ، یکی از ارکان عظیم حوزه علمیّه اصفهان ، و از مفاخر جامعه روحانیت می باشند ، و جلسات درسی ایشان در مدرسه نیم آور ، از امتیازات این مرکز علمی ، می باشد (۲).

۱۴ - عالم زاهد و مدرس بزرگوار ، آیه الله ، آقای حاج شیخ حیدر علی محقق دامت برکاته ، که از چهره های شایسته ، و در حال حاضر ، معمر ترین عالم دینی ، در حوزه علمیّه اصفهان می باشند ، و با لطف خدا ، به نحو مرتّب و منظم ، به تدریس

ص: ۲۱۷

- 
- ۱- شرح حال جامع ، و نسبتاً مفصّل آن بزرگمرد را ، این نویسنده کمترین ، در کتاب مستقلّی به عنوان ( یادواره مرحوم آیه الله فقیه امامی ) در دوست صفحه نوشته ، و به صورتی زیبا با عکسهای رنگی به چاپ رسانده ام
  - ۲- درباره فعالیت های درسی و اجتماعی معظّم له ، در بخش « خاندانهای علمی اصفهان » ، و نیز در بخش مربوط به « مدرسه ذو الفقار » در همین کتاب ، و نیز در کتاب « یادواره مرحوم آیه الله ، فقیه امامی » در بخش « چهره های علمی خاندان امامی » ، به نحو مفصّل بحث کرده ایم

در مدرسه نیم آور و إمامت جماعت در مسجد ذوالفقار ( در مجاورت مدرسه ذوالفقار ) و ایراد سخنرانی های دینی ، در مسجد خودشان ، و نیز در مجالس مذهبی ، می پردازند .

آقای محقق ، در حوزه اصفهان ، از محضر بزرگانی ، همانند : آقا شیخ محمد رضا نجفی ، و آقا سید محمد نجف آبادی ، و آقا سید علی نجف آبادی ، و در حوزه نجف ، از درس شخصیت هایی همانند : آقا شیخ محمد کاظم شیرازی و آقا میرزا ابراهیم اصطهباناتی و ... ، کسب علم نموده اند، و هم اکنون در مدرسه نیم آور ، به تدریس فقه و اصول استدلالی ، اشتغال دارند . این بزرگمرد ، دارای بیانی دلنشین می باشند، و گفتگوهای ایشان در مورد قضایا و شرح حال علماء و بزرگان دین ، شنیدنی و دوست داشتنی است (أدام الله عمره الشریف) .

و هم چنین در مدرسه نیم آور ، علماء بزرگ و مدرّسین عالیقدر و نویسندگان عظیم الشّانی ، همانند : مرحوم میرزا محمد حسین همدانی ، متوفای ۱۳۲۵ ، و آقا میرزا محمد علی تویسرکانی ، متوفای ۱۳۲۹ ، و آقا میرزا محمد حسن میردامادی ، متوفای ۱۳۳۳ ، و آقا میرزا أحمد ( مدرس خراسانی اصفهانی ) متوفای ۱۳۴۸ ، و آقا سید محمد نوربخش ، ( مشهور به آقا سید آقاجان ) متوفای ۱۳۶۴ ، و حاج شیخ محمد باقر قزوینی ، متوفای ۱۳۶۵ ، و آقا سید محمود درب إمامی ، متوفای ۱۳۷۲ ، و مرحوم آقا سید جمال الدّین صهری ، متوفای ۱۳۸۸ ، و آقا شیخ محمد باقر ناصری دولت آبادی ، و آقا شیخ محمد علی عالم حبیب آبادی ، متوفای ۱۳۹۶ ، و استاد جلال الدّین همائی ، متوفای ۱۴۰۰ ، و مرحوم آقای أبو القاسم رفیعی مهر آبادی (صاحب کتاب آثار ملی اصفهان ) ، و حضرت آیه الله ، آقای حاج شیخ محمد ناصری دولت آبادی دامت برکاته ، و جمع دیگری از علماء و فضلاء،

تحصیل علم یا تألیف و تدریس نموده و مینمایند ، و متأسفانه در اثر کمبود فرصت ، از آشنائی با شرح حال آنها محروم گردیده ایم .

### نسخه ای یادگاری از گذشته مدرسه نیم آور

در فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی (شورای اسلامی) نسخه ای از کتاب گوهر یگانه ، از تألیفات صدرالدین محمد شیرازی (ملاصدرا) مورد معرفی قرار گرفته که در مدرسه نیم آور ، به دست أحمد بن علی محمّد رشتی ، در سال ۱۲۱۸ نوشته شده است (۱).

### مدرسه نیم آور در حال حاضر

مدرسه نیم آور ، در حال حاضر از مدارس معمور و آباد میباشد ، و عموم حجرات آن مسکونی است ، و درسهای گوناگون در آن تدریس می شود .

### ۲۴ - مدرسه هارونیه «مدرسه میرزا شاه حسین»

مدرسه ای است در مجاورت صحن و بارگاه امامزاده هارون ولایت (هارونیه) در نزدیکی بازار بزرگ و مناره و مسجد علی ، که در دوره حکومت شاه اسماعیل اول صفوی ، تأسیس گشته ، و تاریخ آن ، ۹۱۸ میباشد .

مدرسه ، سردر مجللی دارد ، که به طرف صحن شمالی هارون ولایت ، باز می شود و کتیبه همین سردر است که ، ایجاد ساختمانهای فعلی را ، به زمان شاه اسماعیل اول ، منتسب می دارد ، و عبارت آن چنین است:

بِسْمِهِ تَيَمُّنًا بِبَدْرِهِ ، قَدْ اتَّفَقَتْ عِمَارَةُ دَارِ الْوِلَايَةِ وَ مَشْهَدِ قِبَلِهِ الْإِسْلَامِ بِمِيَامِنِ فَيْضِ بَحْرِ وُجُودِ حَيْدِ الْعَلِيِّ ، الَّذِي قَالَ النَّبِيُّ فِي شَأْنِهِ ، أَنْتَ مَنِّي بِمَنْزِلِهِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى ، فِي أَيَّامِ خِلَافَتِهِ وَالِي

ص: ۲۱۹

لِوَاءِ الْوِلَايَةِ فِي الْأَفَاقِ ، مَا لَكَ سِرِّيرِ الْخِلَافَةِ بِالْإِسْتِحْقَاقِ ، الْغَازِي الْمَجَاهِدِ فِي سَبِي اللَّهِ بِقَاطِعِ الْبُرْهَانِ ، نَاصِرِ الْمُؤْمِنِينَ ، أَبِي الْمُظَفَّرِ ، السُّلْطَانِ شَاهِ إِسْمَاعِيلِ بَهَادُرْخَانَ لِأَنْزَالِ أَبْوَابِ الْخَيْرَاتِ بِعَمِيمِ لُطْفِهِ مَفْتُوحَةً ، وَ أَقْطَارِ الْأَرْضِ بِأَنْوَارِ مَعْدَلَتِهِ مَحْضُورَةً وَالْأَمْصَارِ بِسِجِي مَعْمَارِ إِخْشَانِهِ مَعْمُورَةً ، وَ لِبَانِي بَعِينِ عِنَايَتِهِ مَلْحُوظًا ، وَ مُؤَفَّقِ لِلْحَسَنَاتِ ، وَ كَانَ سَعْيُهُ مَشْكُورًا ، كُتِبَ فِي أَوَائِلِ شَهْرِ رَبِيعِ الْأَوَّلِ مِنْ سَنَةِ ٩١٨ (١)

و در یک لوحه ، بالای در ورودی به خط نستعلیق سفید ، بر روی کاشی لاجوردی ، نام بانی ساختمان ، در یک شعر بدین ترتیب ، آمده است:

به اقبال خان دورمش کامکار

بماند از حسین این بنا یادگار

دورمش خان ، وزیر اعظم سلطان صفوی ، و حسین ، بانی و سازنده این بنای عظیم بوده است ، ولی جابری انصاری ، در تاریخ اصفهان و ری ، نظریه دیگری را مطرح ساخته ، بدین شرح : ... مقابلش فرونیه است ، و آن مشتمل است بر بقعه امامزاده هروئیه ، که در حاشیه روضات ، مرحوم آقا میرزا محمد باقر چهارسوقی ، نبیره حضرت امام هادیش میدانند ، و صحنی بزرگ دارد ، و مدرسه جنب آن ، و بنای فرونیه ، بسی قبل از صفویه بوده ، چو سنگ بتی را که نوشته اند محمود (٢) از بتخانه سومنات به اصفهان آورد ، و در آستانه مدرسه به رو ، انداخت ، و پس از پانصد و سی سال ، دو نیمه کرده ، نیمی را در مدرسه میرزا شاه حسین ، وزیر طهماسب ( که به دست شاه قلی کشته شد ) سنگاب ساختند ، گواه قدمت آن مبانی ( = ساختمانها ) است . چو آن مدرسه ، جنب هروئیه است ، تعمیرات هروئیه ، قسمتی از حسین خان برادر دورمیش خان

ص: ٢٢٠

١- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ٣٦١

٢- منظور ، سلطان محمود غزنوی است ، که در سال ٣٨٩ هجری قمری ، به سلطنت رسیده است

شاملو ، به شاهي اسماعيل و طهماسب اول است ، حدود نهصد و هيجه تا نهصد و سي و هشت ... (۱).

بنابر اين نظريه ، اصل بناي مدرسه ، مربوط به قبل از صفويه ، و تعميرات يا تجديد بناي آن ، مربوط به دوره شاه اسماعيل و شاه طهماسب صفوي است .

و به همين جهت ، احتمال داده شده ، که اصل مدرسه ، متعلق به دوره غزنويان يا سلجوقيان باشد (۲) . مدرسه هارونيه صحن متوسّطی دارد ، و در اطراف آن ، حجراتی قرار گرفته است ، و علاوه بر سردر باشکوه و جالب آن ، که کاشی کاری و تزئینات نفیس و ارزشمندی دارد ، ایوان جنوبی آن هم ، دارای محرابی است ، که با کاشیکاری معرّق نفیس ، تزئین شده است .

مدرسه هارونيه ، در حال حاضر ، مسکونی طلاب نمی باشد ، و فقط ، در برنامه های مذهبی و عزاداری ها و جشنهای دینی ، که وابسته به بقعه و امامزاده هارونيه است ، مورد بهره برداری قرار میگیرد .

ص: ۲۲۱

---

۱- تاریخ اصفهان و ری ، صفحه ۲۲۱

۲- آثار ملی اصفهان ، صفحه ۵۰۹ ، و دار العلم شرق ( مخطوط ) ، صفحه ۲۶۳



٤-مدارس غير موجود ، متعلق به دوره صفويه

اشاره

ص:٢٢٣





در دوره صفویہ ، که اصفهان مهد علم و دانش و مرکز اجتماع علماء و فضلاء و چهره های مبرز تحقیق و تألیف و تدریس بوده ، نیاز به تأسیس مدارس و مراکز فعالیت علمی در سطح وسیع ، احساس می شده است ، و لذا ، مدرسه سازی جزء فرهنگ اجتماعی آن دوره ، قرار گرفته ، و شمار زیادی مدرسه ، تأسیس گردیده ، که برخی از آنها ، هنوز باقی است و در بخش جداگانه ، معرفی نموده ایم ) و تعداد بیشتری ، در اثر حوادث طبیعی یا تاریخی یا اجتماعی ، به ویرانی و در نهایت به نابودی کشیده شده است ، و ما در اثر تحقیق ممتد و بررسی کتاب ها و مدارک تاریخی گوناگون ، نام و محلّ و مشخصات برخی از آن مدارس را به دست آورده ، و در این بخش ، ( به ترتیب حروف الفباء ) مورد توجه قرار می دهیم :

#### ۱- مدرسه آقا شیر علی

شاردن ، در سفرنامه اش از مدرسه ای به نام آقا شیر علی ، در کوچه ای به همین نام یاد میکند که در مجاورت حمام و مسجدی با نام یاد شده بوده است (۱).

احتمال دارد ، که مراد از آقا شیر علی همان آقا شاه علی دولت آبادی مستوفی

ص: ۲۲۵

## ۲ - مدرسه آقا کافور

در زمان شاه عباس ثانی ، مدرسه ای به وسیله حاجی آقا کافور ، صاحب جمع خزائن شاه عباس دوم ، در نزدیکی بازار توپچی باشی و بازار محمد امین ، تأسیس گردیده ، که در حوادث تاریخی پس از صفویه از بین رفته است ، تنها اثر باقی مانده مدرسه ، کتیبه سنگی نفیسی است که سالها در مسجد خان ، در محله دار البطح ، نگهداری می گردید و نویسنده این سطور آن را دیده ام .

در این کتیبه نفیس که به خط خوب نستعلیق برجسته ، بر سنگ مرمر حجاری شده و به قلم محمد رضا امامی و مورخ به سال ۱۰۶۹ هجری میباید آمده است :

... کمترین این آستان ، حاجی کافور ... بنای این مدرسه عالیه کرد و وقف بر طلبه علوم اثنا عشریه نمود که طلبه علوم دینیّه اثنا عشریه ، در محل مزبور سکنی نموده و به إفاده و استفاده علوم دینیّه و معارف یقینیّه مشغول شوند ، باشد که ثواب آن به روح پرفتوح حضرات ائمه معصومین صلوات الله علیهم اجمعین ... عاید گردد بحق النبی و آله (۲) .

نویسنده متتبع ، آقای سید مصلح الدین مهدوی می نویسد :

به نظر می رسد محل مدرسه ، در حوالی مسجد خان و شاید خانه مجاور آن قرار داشته و در اثر مرور زمان خراب گردیده و کتیبه مدرسه را به مسجد منتقل

ص: ۲۲۶

---

۱- در جلد سوم تاریخ عالم آرای عباسی ، صفحه ۱۰۹۲ از او یاد شده و منصب مستوفی و موقعیت برجسته او در دستگاه حکومت صفوی ، مورد ذکر قرار گرفته است

۲- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۶۰۵ تا ۶۰۸ ، آثار ملی اصفهان ، صفحه ۲۹ - ۳۰

نموده و زمین آن را تصرف نموده اند (۱) و آقای عباس بهشتیان، محلّ مدرسه را یکی از دو محل، حدس می زنند:

۱- همین خانه مجاور مسجد که آن را در قدیم دیده اند و نهر وسط خانه و طرز ساختمان اطاقها، بی شباهت به مدرسه نبوده است.

۲- باغ و خانه ای که معروف به خانه پینه دوزها بوده و در این اواخر آقایان حسین و حسن معروف به دائی جواد، آن را خریده و ساختمان کرده اند (۲).

نعمت الله بن محمد امیر حسنی لاریجانی در تاریخ ۱۱۰۸ هجری، مجموعه ای مرکب از: ۱- مائه منقبه من مناقب علیّ علیه السلام، (از ابن شاذان) ۲- التّحصین لأسرار مازاد من أخبار کتاب الیقین، (از رضی الدّین علیّ بن موسی بن طاووس حلّی) ۳- کلمات حکمیّه را، به خطّ نسخ در مدرسه کافوریّه اصفهان به پایان برده است (۳) و این مطلب نشان میدهد که در آن تاریخ، مدرسه معمور بوده است.

و در کتابخانه فرهنگ اصفهان، نسخه ای از شرح قواعد حلّی موجود است که آن را آقا کافور در تاریخ جمادی الثانیه ۱۰۷۴ وقف بر مدرسه خود واقع در دروازه کزان اصفهان نموده، و تولیت آن را به سید روح الامین نائینی، مدرس مدرسه یاد شده (۴) محوّل نموده است (۵).

ص: ۲۲۷

- 
- ۱- دار العلم شرق (مخطوط)، صفحه ۱۵
  - ۲- دار العلم شرق (مخطوط)، صفحه ۱۵
  - ۳- فهرست کتابخانه آیه الله مرعشی قم، جلد ۱۲، صفحه ۲۰۴
  - ۴- سید روح الامین بن شمس الدین محمد بن سید محمد رضا مختاری نائینی اصفهانی صاحب کتاب تأویل آیات و امام جماعت مسجد جامع عباسی و معاصر صاحب ریاض العلماء بوده است (دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۳۴۶)
  - ۵- دار العلم شرق (مخطوط)، صفحه ۱۵ - ۱۶

### ۳- مدرسه آقا کمال خازن

این مدرسه در محله مستهلک نزدیک شاهزاده ابراهیم بوده ، که به وسیله آقا کمال خازن ، صاحب جمع خزانه سلطان حسین صفوی ساخته شده ، و در سال ۱۱۰۸ هجری پایان یافته است .

قطعات کتیبه سنگی این مدرسه ، که زمان تأسیس و نام بانی ( آقا کمال خازن) و نام کاتب (عبد الرحیم جزائری) و سلطان زمان ( سلطان حسین صفوی )، روی آن نقش بسته ، در سال ۱۳۴۳ شمسی به وسیله آقای دکتر هنرفر در مسجد رحیم خان ، رویت و قرائت شده است (۱) و از ساختمان و دیگر آثار مدرسه ، چیزی باقی نمانده است .

### ۴- مدرسه آقا مبارک یا مبارکته

آقا مبارک از خواجهگان شاه سلیمان صفوی بوده و مدرسه ای در شهر اصفهان در محله گلبهار ، ساخته که تاریخ دقیق بنای آن مشخص نیست . در سال ۱۱۰۰ این مدرسه دائر بوده و رجالی نامدار و محقق ، مرحوم حاج محمد بن علی اردبیلی صاحب کتاب جامع الزواہ ، در آن سکونت داشته است .

پس از آن که تألیف کتاب یاد شده به اتمام رسید ، و مورد توجه علماء بزرگ حوزه اصفهان قرار گرفت ، سلطان صفوی ( شاه سلیمان ) دستور داد که از این کتاب ، نسخه برداری شود ، در این هنگام ، مرحوم اردبیلی ( مؤلف عالیقدر کتاب ) جمعی از بزرگان علماء اصفهان ، همانند علامه ملا محمد باقر مجلسی ، و محقق نامدار آقا جمال خوانساری ، و عالم و محقق بزرگوار ، سید میرزا علاء الدین گلستانه ، و فقیه و محقق عظیم الشان ، شیخ جعفر قاضی ، و نیز بزرگان

ص: ۲۲۸

---

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صفحه ۸۰۳- ۸۰۴ و آثار ملی اصفهان، صفحه ۲۸- ۲۹

و چهره های مبرز دیگری همانند: فاضل سراب، آقا رضی الدین محمد خوانساری، (برادر آقا جمال خوانساری)، و عدّه دیگری از علماء را، دعوت نمود و در یک مجلس بزرگ علمی، در این مدرسه با برکت، همه را مجتمع نمود، و نسخه ای از این کتاب، که به دستور شاه سلیمان صفوی قرار بود تهیه شود، هر کدام از بزرگان مجلس، کلمه ای از خطبه آن را نوشتند، مثلاً: علامه مجلسی (بسم الله الرحمن الرحيم) و آقا جمال خوانساری (أحمد لله) و میرزا محمد گلستانه (الذی) و میرزا محمد رحیم عقیلی (زین قلبینا) و شیخ جعفر قاضی (بمعرفه الثقات) و آقا محمد رضی (و آلعقول) و فاضل سراب (و الأثبات و الأعیان) و هر کدام از علماء حاضر، کلمه ای از خطبه و مقدمه کتاب را نوشتند، و سپس کاتب تعیین شده، کتاب را نسخه برداری نمود و در همان سال، کتاب پایان یافت و علامه مجلسی آن را از طرف شاه سلیمان صفوی وقف نمودند، و با خطّ خودشان صورت وقف را در پشت نسخه، مرقوم فرمودند (۱).

تشکیل چنین جلسه عظیمی، با حضور علماء بزرگ و چنین مقدمه نویسی، کاملاً جالب و بی نظیر و از مفاخر تاریخی این مدرسه است.

محلّ این مدرسه، در کوچه ای که از خیابان حافظ به سوی خیابان مشیر منتهی می شود، بوده و در سال ۱۳۱۳ شمسی (در دوره حکومت پهلوی اول) این مدرسه تخریب گردیده و از طرف اداره فرهنگ، دبستانی به نام ناموس در محلّ آن ایجاد گردیده (۲) و هم اکنون در اختیار آموزش و پرورش می باشد

ص: ۲۲۹

---

۱- الذریعه الی تصانیف الشیعه، جلد ۵ صفحه ۵۵ - ۵۶ و فهرست کتابخانه آستان قدس رضوی، جلد ششم، صفحه ۵۹۸

۲- تاریخ فرهنگ اصفهان، صفحه ۱۲۰

و برای دومین بار تجدید بنا گردیده ، و به صورت دبیرستانی به نام علامه مجلسی در آمده است .

قبر آقا مبارک در دالان مدرسه قرار داشته ، و شکل مدرسه مستطیل و دارای پانزده حجره بوده ، و در هنگام بازدید مرحوم صدر هاشمی در سال ۱۳۱۳ شمسی ، چند طلبه در آن سکونت داشته اند (۱).

رفیع الدین محمد بن محمد قاسم رشتی کوچصفهانی در تاریخ چهارشنبه ۶ صفر سال ۱۱۰۵ نسخه ای ، از محاکمات قطب رازی را در این مدرسه به پایان رسانیده و استنساخ کرده است (۲).

و نیز نسخه ای از مفاتیح الغیب تألیف علامه مجلسی در تاریخ ۱۱۲۸ هجری در مدرسه آقا مبارک اصفهان تحریر شده است (۳). و هم چنین دو کتاب از یک مجموعه خطی ، در کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی به خط محمد جعفر بن محمد علی حائری ، موجود است که در مدرسه مبارک اصفهان به خط نسخ نوشته شده است و تاریخ تحریر آن ۱۲۲۹ می باشد (۴).

## ۵- مدرسه آقانور

مدرسه ای بوده در بازار اصفهان (۵) و این غیر از مدرسه نوریّه (نزدیک مسجد جامع) است . از تاریخ تأسیس مدرسه مطلبی به دست نیامده

و احتمالاً

ص: ۲۳۰

---

۱- تاریخ فرهنگ اصفهان ، صفحه ۱۲۰

۲- دار العلم شرق (مخطوط) ، صفحه ۲۰ به نقل از فهرست کتابخانه دانشکده حقوق تهران

۳- فهرست کتابخانه مسجد اعظم قم ، صفحه ۳۷۸

۴- فهرست کتابخانه آیه الله مرعشی ، جلد ۷، صفحه ۱۳۱

۵- نشریه اداره اوقاف اصفهان ، سال ۱۳۴۶ ، صفحه ۲۰

متعلق به دوره های پس از صفویه است چنانچه احتمال می رود که مراد از این مدرسه ، همان مدرسه آقانور جولا ( مسجد آقانور ) باشد .

## ۶- مدرسه آقانور جولا

شاردن در ضمن گزارش از وضعیت محله حسینی و در دشت مینویسد : بعد از این خانه ( منزل میرزا جعفر قاضی ) به مدرسه باغ سهیل و خانه کلانتر می رسیم، سپس مدرسه آقانور جولا است که بالای محراب آن دو سنگ مرمر بزرگ یکی سفید رنگ و دیگری یشمی رنگ نصب شده و روی هر یک جای پائی است که آنها را منسوب به حضرت علی (علیه السلام) می دانند (۱).

در مسجد آقانور در محله در دشت ، هنوز جای قدمی که شاردن می نویسد موجود است بنابراین ، مراد از مدرسه آقانور ، همان مسجد آقانور است که شاردن در جایی با نام مدرسه و در جایی دیگر با نام مسجد ، از آن یاد می کند و دلیل آن هم این است که ، در مساجد جامع و مهم اصفهان ، حجره هائی ساخته می شده برای سکونت طلاب و مجموعه (مسجد - مدرسه) شکل می گرفته است .

به نظر آقای مهدوی ( نویسنده معاصر )، ممکن است در قسمتی از مسجد که در دوره های بعد از تأسیس اولیه ، شبستان ایجاد گردیده ، مدرسه ای وجود داشته است که زیر نظر امام جماعت مسجد ( مرحوم حاج محمد ابراهیم قزوینی ) به علت خالی از سکنه بودن حجرات ، تبدیل به شبستان مسجد شده باشد (۲) .

## ۷- مدرسه اسفندیاریک

اسفندیاریک ، یکی از امرای شاه عباس کبیر و مشاور او بوده و ریاست

ص: ۲۳۱

---

۱- سفرنامه شاردن ، صفحه ۱۱۱

۲- دارالعلم شرق ( مخطوط ) ، صفحه ۲۲ و برگه ضمیمه

تشریفات حرم را داشته و در سال ۱۰۲۳ فوت شده است. وی مدرسه ای ساخته در کوچه ای که به نام اسفندیاریک نامیده می شود، در جنب بازار چهارسو نقاشی (۱).

این مدرسه تا اواخر عهد قاجاریه (۱۲۹۸ قمری) باقی بوده و با چند مدرسه دیگر به عنوان هفت مدرسه یاد می شده در محله چرخاب و چهارسوق نقاشی، که همه آنها مخروبه گردیده و زمین هایش رها شده (۲) و از مصالح آنها، طبق حکم و اجازه یکی از مجتهدین بزرگ، در ساختن مساجد مورد لزوم، استفاده گردیده است (۳).

### مدرسه اسماعیلیه تخت فولاد

از این مدرسه تحت عنوان مدرسه خاتون آبادی در تخت فولاد برده ایم

### ۸- مدرسه افتخار الملک

مدرسه ای بوده در محله شیخ یوسف بناء، به نام بانی آن، بانو افتخار الملک (۴) که از این مدرسه و مشخصات آن چیزی در دست نیست.

آقای سید مصلح الدین مهدوی می نویسند: کلمه افتخارالملک از ألقاب مردان است و اگر بانی مدرسه زنی بدین نام می بوده باید افتخار الدوله باشد (۵) ولی این تفسیر جای تأمل است.

ص: ۲۳۲

- 
- ۱- تاریخ فرهنگ اصفهان، صفحه ۱۲۱ و ۱۲۲
  - ۲- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صفحه ۶۸۷
  - ۳- تاریخ فرهنگ اصفهان، صفحه ۱۲۱ و ۱۲۲
  - ۴- سفرنامه شاردن، صفحه ۱۴۴ و آثار ملی اصفهان، صفحه ۳۴
  - ۵- دارالعلم شرق (مخطوط)، صفحه ۳۰



تحت عنوان مدرسه میرزا عبدالله آفندی مورد بررسی قرار داده ایم .

#### ۹- مدرسه ایلچی

مدرسه ای بوده در محله احمد آباد و کتابخانه ای هم داشته که تا سال ۱۲۳۸ قمری دایر بوده و از این کتابخانه ، کتابهایی در کتابخانه مجلس شورای ملی موجود است (۱).

نسخه ای از روضه الأنوار ، تألیف محقق سبزواری به خط نستعلیق محمد علی بن محمد اسماعیل به تاریخ رجب ۱۲۴۲ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است که در مدرسه ایلچی اصفهان ، نوشته شده است (۲).

نسخه ای از برهان قاطع ، تألیف محمد حسین بن خلف تبریزی را ، شخصی به نام محمد علی بن اسماعیل ، به خط نستعلیق خوب ، در سال ۱۲۳۸ در مدرسه ایلچی ، واقع در محله احمد آباد اصفهان ، نوشته است و این کتاب به شماره ۸۴۷ در کتابخانه مجلس شورای ملی موجود می باشد (۳).

#### ۱۰- مدرسه باغ سهیل

شاردن در ضمن گزارش از وضعیت محله حسینی و در دست می نویسد :

بعد از این خانه ( منزل میرزا جعفر قاضی ) به مدرسه باغ سهیل و خانه کلانتر میرسیم ، سپس مدرسه آقانور جولا است (۴).

ص: ۲۳۳

---

۱- مجله هنر و مردم ، صفحه ۴۸ ، شماره ۶۷ - ۶۸ اردیبهشت و خرداد ۱۳۴۷

۲- دار العلم شرق (مخطوط) ، صفحه ۴۴ ، به نقل از فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران

۳- فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی ، جلد ۳ ، صفحه ۸۰

۴- سفرنامه شاردن ، صفحه ۱۱۱

ظاهراً مدرسه □باغ سهیل ، حدود قبرستان ( شیر سبز ) بوده است که در این محل ، مقبره ای بوده منسوب به سید جعفر گلستانه ( از وزراء و مستوفیان عهد زندیه ) و عدّه ای از سادات خاندان گلستانه در همین حدود مدفون بوده اند و فعلاً ، آن مقبره به صورت مسجد در آمده است (۱).

### ۱۱- مدرسه پریخان خانم

بانی این مدرسه یکی از بانوان حرم صفویّه بوده و مدرسه را در نزدیکی چهارسوق نقاشی و چرخاب ( خیابان سید علی خان فعلی ) تأسیس کرده بوده و در اواخر دوره قاجاریّه ، همانند شش مدرسه □دیگر، در همین منطقه ، مخروبه گردیده بوده و بنابر نوشته مرحوم جابری انصاری در تاریخ اصفهان و ری ، طبق حکم یکی از مجتهدین بزرگ ، از مصالح آنها در ساختن چندین مسجد بهره گیری می شود (۲).

### مدرسه توشمال باشی

مقصود ، مدرسه نجفیّه می باشد ، به عنوان یاد شده ، مراجعه شود .

### ۱۲ - مدرس حاج طاهر شیرازی

نصر آبادی در تذکره □خود ضمن شرح حال میرآبوالقاسم فرزند سید میر علی ، که از سادات موسوی ، و اصلاً بیضاوی ، و از بنی اعمام سادات شولستانی می باشد ، می نویسد : مشارالیه جوان قابل صالحی است ، به کمال صورت و معنی آراسته ،

ص: ۲۳۴

---

۱- دار العلم شرق ( مخطوط ) ، صفحه ۴۷

۲- آثار ملی اصفهان ، صفحه ۲۹ و نیز تاریخ مدارس ایران و گنجینه آثار تاریخی اصفهان و تاریخ فرهنگ اصفهان

و به حُلیه شرم و آداب پیراسته ، چهار سال است که جهت تحصیل علوم به اصفهان آمده ، اَلحال در مدرس حاج طاهر شیرازی به تحصیل مشغول است .

احتمال دارد که حاج طاهر شیرازی در مدرسه ای مخصوص و به نام خود، تدریس می کرده ، و ممکن است محلّ درس او ، یکی از مدارس یا مساجد یا خانه شخصی وی بوده است، و از عبارت بالا، مطلب قطعی درباره محلّ تدریس آن استاد و مدرّس علوم ، به دست نمی آید .

### مدرسه حاج عبدالغفار صرّاف

مدرسه ای بوده در نزدیکی مسجد حکیم ، که توسط حاج عبدالغفار صرّاف ساخته شده بوده و توسط موقوفه خواران ، تبدیل به خانه شده است (۱).

نویسنده معاصر، آقای سید مصلح الدّین مهدوی ، طیّ بررسی هائی ، به نتیجه رسیده اند که این مدرسه ، همان مدرسه حاجی کلباسی است ، که حاج عبدالغفار صرّاف در آن تعمیراتی نموده ، و تا اواخر کار ، مرحوم عبد الغفّار ورشوساز زاهدی در آن روضه خوانی می نموده است (۲).

### ۱۳ - مدرسه حاجی محمد باقر

در فهرست کتابخانه آستان قدس رضوی ، در بخش معرفی یک نسخه خطّی از شرح بدایه شهید ثانی آمده ، که این نسخه را محمّد علی بن نورالله بیابانکی ، در ۱۸ ذیحجه ۱۰۷۶ در شهر اصفهان در مدرسه حاج باقر تحریر نموده است (۳).

و در کتاب آثار ملّی اصفهان و تاریخ مدارس ایران ، از همین مدرسه ،

ص: ۲۳۵

---

۱- نشریه اداره اوقاف ، در سال ۱۳۴۶ ، صفحه ۲۱ و تاریخ فرهنگ اصفهان ، صفحه ۱۲۶

۲- دار العلم شرق (مخطوط ) ، صفحه ۷۹ و ۸۴

۳- فهرست کتابخانه آستان قدس جلد ۶، صفحه ۶۱۲

به عنوان مدرسه حاج محمد باقر مهابادی یاد شده است .

#### چنانچه در تذکره □

نصر آبادی ، در شرح حال ملا محمد امین ، متخلص به « واصل » می نویسد : جوانِ قابلِ آدمیِ روشی است ، تحصیل علوم نموده ، از گیلان به تبریز رفته ، بعد از آن به مشهد مقدّس رفته ، با ملا محمد امین اسطراب ساز ، مباحثه داشتند ، به اصفهان آمده ، به مدرسه حاج محمد باقر مهابادی ساکن و به تحصیل مشغول شده است (۱).

#### ۱۴- مدرسه حکمیه

مدرسه ای بوده در چهار راه کرمانی ( اول کوچه مشیرالملک ) که تبدیل به مغازه هائی شده است (۲) . احتمالاً این مدرسه متعلق به در و پس از صفویه است ، ولی دلیلی مستند بر تاریخ آن به دست نیامد .

#### ۱۵- مدرسه حکیم

در فهرست کتابخانه □ مرکزی دانشگاه تهران ، در مورد مجموعه ای به شماره ۳۸۳۰ آمده است : اسماعیل ، آن را در سال ۱۱۷۳ در اصفهان خریده و در آخر آن ، شعر فارسی از آقا آسَد الله ، مدرّس مدرسه حکیم نوشته شده است (۳) .

از عبارت بالا به خوبی وجود مدرسه □ حکیم مشخص می شود ، ولی محلّ مدرسه معلوم نگردیده ، به نظر می رسد که ممکن است ، مقصود از این عبارت ، مدرسه شاهزاده ها باشد ، که به علّت نزدیکی آن به مسجد حکیم ، و نیز عنوان

ص: ۲۳۶

---

۱- تذکره نصرآبادی ، صفحه ۳۵۲

۲- نشریه اوقاف اصفهان ، سال ۱۳۴۶ ، صفحه ۲۱ ، تاریخ فرهنگ اصفهان ، صفحه ۱۲۶

۳- دار العلم شرق ( مخطوط ) ، صفحه ۸۶ ، به نقل از : فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ، جلد ۱۲ ، صفحه ۲۸۱۴

مدرّس بزرگ و نامدار آن ، « آخوند ملاّ عبد الجواد حکیم خراسانی » ، متوفّای ۱۲۸۱ قمری (که حکیمی ریاضی ، و طبیعی ادیب بوده ) به نام «مدرس [حکیم]» خوانده می شده است (۱).

نویسنده [معاصر ، آقای سیّد مصلح الدّین مهدوی ، در زمینه [عبارت بالا در مورد مجموعه خطّی شماره ۳۸۳۰، چنین اظهار نظر نموده اند :

بیان مزبور حاکی است که در سال ۱۱۷۳ مدرسه ای به نام مدرسه حکیم در اصفهان وجود داشته است (۲).

ولی با دقت بیشتر در عبارت یاد شده معلوم می شود ، که سال ۱۱۷۳ تاریخ خرید کتاب است ، ولی شعر فارسی آقا اسد الله مشخص نگردیده ، که در چه تاریخی نوشته شده است ، و احتمال داده می شود که تاریخ آن ، همزمان بوده با دوره نامیدن مدرسه شاهزاده ها به نام مدرسه حکیم ، و در هر صورت ، اظهار نظر قطعی ، در مورد مدرسه حکیم ، احتیاج به دلایل روشن تری دارد .

برای آشنائی بیشتر، به بخش مربوط به مدرسه شاهزاده ها مراجعه شود .

#### ۱۶- مدرسه خاتون آبادی ( اسماعیلیه ) در تخت فولاد

یکی از مهمترین تکیه های تاریخی و ارزشمند تخت فولاد، که محلّ دفن علماء بزرگی از خاندان خاتون آبادی است ، تکیه خاتون آبادی میباشد ، که دارای گنبدی زیبا و کاشی کاری شده است .

اصل این تکیه مدرسه بوده ، و هفت حجره داشته ، و طلاب علوم دینیّه در آن ساکن بوده اند ، چنانچه در کتاب وقایع آلّسنین و الأعوام خاتون آبادی، در ضمن

ص: ۲۳۷

---

۱- به تاریخ فرهنگ اصفهان ، صفحه ۱۲۱ مراجعه شود

۲- دار العلم شرق ( مخطوط ) ، صفحه ۸۶

وقایع سال ۱۱۱۶ آمده است: فوت فاضل عالم عامل مجتهد، عمّ أمجد، میراسماعیل، الشّهیر ب خواتون آبادی، روز چهارشنبه چهارم ربیع الثانی سنه هزار و یکصد و شانزده، دفن او در مقبره ای که خود ساخته بودند، در قبرستان بابا رکن الدّین (۱) و مشتمل بر گنبدی است، و هفت حجره دارد، و هفت نفر طالب علم در آنجا سکنی دارند و موظّفند، و هر ساله چهارده تومان، در وجه طلبه آنجا مقرر است (۲).

#### ۱۷- مدرسه خارج دروازه حسن آباد

در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، نسخه ای از کتاب مختلف الشّیعه تألیف علامه حلّی، به شماره ۱۴۷۲ موجود است که آن را شاهزاده بانوئی، در یازدهم شوال ۱۱۲۹، برای طلاب مدرسه خارج درب دروازه حسن آباد سپاهان (اصفهان) وقف نموده است (۳).

به نظر نویسنده معاصر، آقای سید مصلح الدّین مهدوی، مقصود از این مدرسه، مدرسه مریم بیگم و واقف کتاب یاد شده، همان مریم بیگم (دختر شاه صفی) می باشد (۴) ولی دلیلی بر این اظهار نظر، اقامه ننموده اند.

#### ۱۸- مدرسه خرابه

در کتاب فهرست کتابخانه مدرسه فیضیه، در ضمن معرفی یک نسخه خطّی از

ص: ۲۳۸

- 
- ۱- قبرستان تخت فولاد را، قبرستان با بارکن الدّین، مینامیده اند
  - ۲- وقایع السنین و الأعوام صفحه ۵۵۵ - ۵۵۶ و نیز در صفحه ۵۰۵ و ۵۲۱ به این مدرسه اشاره شده است
  - ۳- فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، جلد ۸، صفحه ۱۲۲
  - ۴- دار العلم شرق (مخطوط)، صفحه ۱۰

حاشیه شیروانی بر شرح حکمه العین ، آمده است :

تَمَّتِ الرَّسَالَةُ فِي يَوْمِ الْخَمِيسِ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ الْمُبَارَكِ فِي الْمَدْرَسَةِ خَرَابَهُ دَارِ السَّلْطَنَةِ إِصْفَهَانَ ، فِي سَنَةِ ثَلَاثٍ وَعِشْرُونَ وَ مِائَتَيْنِ بَعْدَ الْأَلْفِ ، مِنْ الْهَجْرَةِ النَّبَوِيَّةِ (١) .

از این عبارت معلوم می شود که محل نوشتن نسخه خطی یاد شده ، مدرسه ای بوده مشهور به خرابه ، و این مدرسه در سال ۱۲۲۳ هجری ، مسکونی و محل استفاده بوده است .

آقای سید مصلح الدین مهدوی نویسنده متتبع معاصر می نویسند :

نگارنده را عقیده بر این است که در جنب این مسجد ( مسجد خرابه = مسجد خاکی واقع در محله خواجو ) مدرسه ای بوده ، و یا آن که خود مسجد فعلی ، در قدیم ، مدرسه بوده به همین نام ، و تا تاریخ ۱۲۲۳ معمور و آباد بوده ، و سپس مخروبه گشته است (٢) .

#### ۱۹ - مدرسه خلیفه سلطان

در فهرست کتابخانه ملی ملک ، نسخه ای از کتاب حاشیه تحریر القواعد المنطقیه ، فی شرح الرساله الشمسیه ، مورد معرفی قرار گرفته ، که به خط نستعلیق محمد سلیم بن محمد تقی رودباری می باشد ، و در سال ۱۰۶۴ در مدرسه سلطان العلماء ، خلیفه سلطان نوشته شده است (٣) .

این مدرسه متعلق به میر سید علاء الدین حسین ، مشهور و ملقب به سسلطان العلماء و خلیفه السلطان میباشد ، که از چهره های مبرز علمی شیعه در فقه

ص: ۲۳۹

---

۱- فهرست کتابخانه مدرسه فیضیه ، ( تألیف : حاج آقا مجتبی عراقی ) جلد ۱ صفحه ۳۰۷

۲- تاریخچه محله خواجو ، صفحه ۸۸

۳- فهرست کتابهای خطی کتابخانه ملی ملک ، جلد ۱ ، صفحه ۲۲۱

و اصول و کلام و تفسیر بوده ، و حاشیه هایش بر شرح لمعه و معالم و دیگر کتب علمی ، از شهرت و عظمت علمی برخوردار است ، و خاندانی بزرگ و علمی دارد ( چنانچه در بخش خاندان های علمی ، مذکور داشته ایم ) و خود، علاوه بر مقام علمی و قدرت تحقیق و تفکر، سالها مورد مشورت و تبادل نظر سلطان صفوی ( شاه عباس کبیر ) بوده، و سالهائی مقام وزارت چندین سلطان را داشته، و در سال ۱۰۶۴ وفات یافته است(۱).

ظاهراً منزل او در حدود محلّه سنی فاطمه علیها السلام ( در نزدیکی مقبره سادات خلیفه سلطانی و قبرستان سنی فاطمه علیها السلام ) بوده ، و احتمالاً مدرسه یاد شده در همان حوالی بوده است (۲) .

## ۲۰- مدرسه خواجه محبت «خواجه محب=محبّیه»

مدرسه ای بوده در اصفهان ، که محمّد داود تویسرکانی ، برادر زاده قاضی حسن تویسرکانی ، در هنگامی که به قصد تحصیل علم به اصفهان می آید ، در این مدرسه اقامت می جوید ، و شاگردی عالم بزرگ ، نواب ، خلیفه سلطان را می نماید ، و خود، شخصی بوده با نهایت صلاح (۳) .

از بیان فوق استفاده می شود که ، محقق و متفکر نامدار ، مرحوم سید حسین خلیفه السلطان ، ملقب به علاء الدین ، و مشهور به سلطان العلماء ( چهره میزز خاندان علمی خلیفه سلطانی ، و وزیر و مشاور شاه عباس اول صفوی ، و متوفای ۱۰۶۴ )، در مدرسه خواجه محبت ، تدریس می نموده است .

ص: ۲۴۰

---

۱- ریحانه الأدب ، جلد ۳ ، صفحه ۵۶ - ۵۷

۲- دار العلم شرق ( مخطوط ) ، صفحه ۹۳

۳- تذکره نصرآبادی ، صفحه ۲۰۱



در فهرست کتابخانه مدرسه فیضیه قم ، حاشیه ای از من لایحضره الفقیه به شماره مسلسل ۲۸۷۵ از مولی مراد تفرشی ، نقل می کند و گوید:

مولی مراد، مدرّس مدرسه محبّیه بوده ، و محلّ آن را محلّه باغات می نویسد ، و تحریر نسخه را ، در سال ۱۰۸۲ نقل می نماید (۱). و نیز در فهرست کتابهای خطّی مدرسه فیضیه ، نسخه ای از مطوّل تفتازانی ، مورد معرّفی قرار گرفته ، به خطّ محمّد زمان یارعلی ، که در سال ۱۰۷۱ ، در مدرسه خواجه محّب اصفهان ، نوشته شده است (۲). و همچنین نسخه ای از شرح موجز القانون در کتابخانه مجلس شورای ملی موجود است ، به خط نستعلیق و شکسته نستعلیق ، از کاتبی به نام حسین بن اسماعیل لاهیجانی ، که در تاریخ پنجشنبه ۲۲ جمادی الثانیه ۱۰۵۹ در اصفهان ، در «مدرسه محبّیه» نوشته شده است (۳). به نظر می رسد ، عنوان «خواجه محبت» و «خواجه محب» و «محبّیه» مربوط به یک مدرسه باشد ، و در هر صورت ، اثری از این مدرسه ، در حال حاضر ، وجود ندارد .

### مدرسه خواجه محّب

مقصود ، مدرسه خواجه محبّت می باشد ، به عنوان یاد شده ، مراجعه شود .\*

### مدرسه خواجه محرم

مقصود ، مدرسه محرمیه می باشد ، به عنوان یاد شده ، مراجعه شود .

### ۲۱ - مدرسه دارالبطیخ

شاردن ، در محلّه دار البطیخ ، از مدرسه دارالبطیخ و مدرسه گلگوز یاد

ص: ۲۴۱

---

۱- دار العلم شرق (مخطوط) ، صفحه ۹۹

۲- فهرست کتابهای خطّی مدرسه فیضیه قم ، از رضا استادی ، جلد ۱ ، صفحه ۲۵۶

۳- فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی ، جلد ۱۲ ، صفحه ۹۶

میکند که در زمان صفویه در اصفهان ، وجود داشته است (۱).

به جز این نقل تاریخی ، اثر و نشانه ای از این دو مدرسه باقی نمانده است .

نویسنده معاصر ، آقای سید مصحح الدین مهدوی ، اظهار نظر نموده و نوشته اند : ظاهره مدرسه دار البطیخ ، همان مدرسه تربت نظام است (۲).

## ۲۲ - مدرسه دارالشفاء

محمد طاهر نصرآبادی ، در تذکره اش ، در شرح حال غیاثی حلوانی شیرازی می نویسد:

از اقربان ملا ملهمی و میرزا نظام دستغیب است ، در فنّ قصیده و غزل قدرت کامل داشته ، از شیراز به اصفهان آمده ... و در دارالشفای شهر ، که جنب قیصریه است حجرهای در مرتبه فوقانی گرفته ، متوطن شده است (۳).

و در کتاب تاریخچه اوقاف اصفهان ، در میان بناهای خیر و موقوفات شاه عباس کبیر ، از مسجد شاه و میدان شاه و مسجد شیخ لطف الله و مدرسه دارالشفاء و ... یاد شده است (۴).

از عبارات یاد شده ، استفاده می شود که مدرسه دارالشفاء ، متعلق به دوره شاه عباس اول ، و دارای دو طبقه بوده ، که غیاثی شیرازی ، در حجره طبقه فوقانی آن ، سکونت داشته است .

گفته می شود که محلّ مدرسه دارالشفاء ، همان جایی است که هم اکنون مسجد

ص: ۲۴۲

---

۱- سفرنامه شاردن ، صفحه ۷۵ ، تاریخ مدارس ایران ، صفحه ۲۷۴

۲- دارالعلم شرق (مخطوط) ، صفحه ۱۰۴

۳- تذکره نصرآبادی ، صفحه ۲۳۸

۴- تاریخچه اوقاف اصفهان ، صفحه ۴۷

دار الشفاء ( واقع در بازار نجارها و مقابل بازار قیصریه ) می باشد ، و از مساجد مهم بازار اصفهان ، به شمار می رود (۱).

### ۲۳ - مدرسه دارالعلم

در کتابخانه دانشگاه تهران ، نسخه ای از کتاب « تأویل الآيات الظاهره فی فضائل العتره الطاهره » تألیف : سید شرف الدین علی حسینی استرآبادی نجفی ( از اعلام بزرگ شیعه در قرن دهم ) وجود دارد، که ناصر بن محمد نجفی ، آن را در سال ۱۰۶۵، در مدرسه دارالعلم اصفهان نوشته است (۲). از مطلب بالا-، معلوم می شود که در قرن یازدهم ، مدرسه ای با عنوان دارالعلم، در شهر اصفهان وجود داشته ، که فعلاً نشانه و اثری از آن باقی نمانده است .

### ۲۴ - مدرسه دده خاتون

این مدرسه نیز به وسیله یکی از بانوان حرم صفویّه ، به نام دده خاتون، تأسیس گشته ، در همان منطقه چهارسوق نقاشی و چرخاب ( نزدیک خیابان سید علی خان فعلی) و تا اواخر قاجاریّه باقی بوده و به حکم یکی از مجتهدین بزرگ ، مصالح آن مدرسه و چند مدرسه دیگر در همان محل، که در معرض نابودی بوده، در ساختن چندین مسجد مورد استفاده قرار داده می شود (۳).

به نوشته وقایع السنین و الأعوام خاتون آبادی ( صفحه ۵۵۳) دده خاتون جزء حجّاج و زائرین بیت الله الحرام در سال ۱۱۱۵ بوده ، که جمع زیادی از

ص: ۲۴۳

---

۱- دارالعلم شرق ( مخطوط ). صفحه ۱۰۶

۲- دارالعلم شرق ( مخطوط ) ، صفحه ۱۰۸ ، بنقل از : فهرست کتب اهدائی مرحوم مشکوه

۳- آثار ملی اصفهان ، صفحه ۲۸ ، و تاریخ مدارس ایران و تاریخ فرهنگ اصفهان و گنجینه آثار تاریخی اصفهان و تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر و ...

بزرگان و رجال رسمی ، به زیارت عتبات عراق و مدینه و مکه مشرف شدند ، و ضریح کاظمین علیها السلام را بردند و نصب نمودند ، و تعمیراتی در کربلا نمودند .

#### ۲۵- مدرسه زهراء بیگم

نزدیک مسجد ایلچی ، واقع در محله احمد آباد ، مسجدی است به نام مسجد الزهراء علیها السلام که قبلاً به نام مسجد زهرا بیگم شهرت داشت .

به نوشته آقای سید مصلح الدین مهدوی ، در جنب آن مدرسه ای وجود داشته ، که در زمان نوشتن کتاب دارالعلم شرق ، خرابه آن باقی بوده است ، و کتیبه سنگی ، در اطاق قدیمی مسجد زهرا بیگم ، وجود داشته که به نام ضیاء الدین بوده ، و نشان می داده که بانی اساس و بناء ، ضیاء الدین بوده است . و آنگاه آقای مهدوی احتمال می دهند که ، مدرسه زهرا بیگم و مسجد زهرا بیگم یکی باشد (۱).

#### ۲۶- مدرسه زینب بیگم

این مدرسه نیز از آثار یکی از بانوان حرم صفویه ، و محل آن در نزدیکی چهارسوق نقاشی و چرخاب بوده است ، و پس از ویرانی ، در اواخر دوره قاجاریه ، مصالح آن در ساختن برخی از مساجد شهر به کار می رود (۲).

در کتاب دارالعلم شرق ( مخطوط ) صفحه ۱۲۱ آمده است :

زینب بیگم ، بانی مدرسه و بانی حمام زینب بیگم در محله درب کوشک ، دختر سلطان حسین صفوی می باشد .

ص: ۲۴۴

---

۱- دارالعلم شرق ( مخطوط ) ، صفحه ۱۲۰

۲- آثار ملی اصفهان ، صفحه ۲۹

به عنوان مدرسه سعیدیه رجوع شود .

## ۲۷ - مدرسه شاه «مدرسه مسجد جامع عباسی»

در بخش معرفی مساجدی که در شهر اصفهان مرکز فعالیت علمی و حوزه ای بوده ، نام مسجد جامع عباسی ( مسجد شاه ، مسجد امام فعلی) را ذکر کردیم و آن را یکی از پایگاه های مهم علمی در حوزه علمیه اصفهان ، به شمار آوردیم و هم اکنون ( در بخش مدارس ) بیان می نمائیم:

مسجد جامع عباسی ، واقع در میدان نقش جهان ، که از مهمترین مساجد اصفهان و مشتمل بر ، برجسته ترین آثار معماری و کاشی کاری دوران صفوی می باشد ، در قسمت شمالی ، در طبقه دوم ده حجره دارد ، و تا زمان تألیف کتاب «الإصفهان» به وسیله مرحوم جناب ، مسکونی طلاب بوده ، و تعداد پانزده طلبه ساکن داشته است (۱).

مرحوم سید عبدالله شوشتری جزائری ( نوه سید نعمت الله جزائری ) درباره میر محمد حسین بن سید محمد شاه می نویسد:

ذهنی ثاقب و فکری صائب و شعوری بلند و فطرتی أرجمند داشت ، و در اواسط حال به اصفهان انتقال و مدتی مدید ، در مدرسه شاه ساکن ، و بعد از آن به محلّ جعفر آباد اختیار سُکنی کرد و در آنجا وفات نمود (۲).

و نیز درباره خواجه افضل ، فرزند خواجه علی ، می نویسد : او در مبادی حال بعد از تحصیل مقدمات ، به اصفهان رفته ، و در مدرسه شاه حجره گرفته ،

ص: ۲۴۵

---

۱- اصفهان ، چاپ دوم ، صفحه ۱۱۰

۲- تذکر؛ شوشتر ، صفحه ۱۳۲ |

هشت سال در آنجا مقیم بود (۱).

و در کتاب دارالعلم شرق ، به نقل از فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ، از نسخه ای از رساله ( ایمنی از بطلان نفس در پناه خرد ) تألیف کاشانی یاد می کند ، که به وسیله شیخ علی بن محمود کاتب ، استنساخ گردیده ، و در تاریخ چهارشنبه ۲۱ شوال ۱۰۶۲ در مسجد جامع عباسی اصفهان ، از کتابت آن فارغ گردیده است (۲) . و در همین کتاب ، به نقل از فهرست کتابخانه مدرسه فیضیه ، از نسخه ای از « حاشیه خفری » بر الهیات شرح تجرید قوشجی یاد می کند ، که در ( مدرسه ) جامع عباسی اصفهان ، در تاریخ ۱۰۷۲ به وسیله محمد باقر حسینی لاریجانی ، به خط نستعلیق نوشته شده است (۳) .

### چهره های علمی مدرسه مسجد جامع عباسی

هم چنان که در بخش ، مسجد جامع عباسی متذکر شده ایم ، مسجد و مدرسه شاه ، محلّ فعالیت درسی و تحصیل و تدریس شخصیت هائی بوده که بعضاً ، از مفاخر حوزه های علمیه و از چهره های برجسته شیعه می باشند و در اینجا نیز ، به برخی از کسانی که در این مرکز علمی تحصیل یا تدریس داشته اند ، اشاره می نمائیم :

۱- فقیه نامدار و مرجع عالیقدر شیعه ، مرحوم آقا سید محمد کاظم طباطبائی یزدی قدس سره متوفای ۱۳۳۷ قمری ، که از مفاخر علمی ، و از مراجع شیعه در حوزه علمیه نجف بوده اند و کتاب عروه الوثقی از میان آثار علمی ایشان ، محور مهمی در فقه ، شناخته شده ، و عموم مراجع تقلید شیعه ، پس از آن بزرگمرد ، حاشیه بر آن نوشته اند ، و در ابتداء امر ، از طلاب این مرکز دینی و علمی بوده (۴) و در

ص: ۲۴۶

۱- تذکره شوستر ، صفحه ۱۲۹

۲- دارالعلم شرق ( مخطوط ) ، صفحه ۱۳۷ ( برگه ضمیمه )

۳- دارالعلم شرق ( مخطوط ) ، صفحه ۱۳۶ ، ( برگه ضمیمه )

۴- دارالعلم شرق ( مخطوط ) ، صفحه ۱۳۶ ، ( برگه ضمیمه )

محضر بزرگانی همانند : صاحب روضات الجنّات و مرحوم آقا شیخ محمّد باقر نجفی مسجد شاهی ، و جمعی دیگر از فحول علماء اصفهان ، تحصیل علم نموده ، و به مرحله اجتهاد رسیده اند(۱).

۲- فقیه اصولی و حکیم متکلم و رجالی مفسّر ، ملا فتح الله بن محمّد جواد ، مشهور به شیخ الشریعه و شریعت اصفهانی متوفای ۱۳۳۹ قمری ، که شخصیتی ممتاز و جامع علوم عقلی و نقلی بوده، و از مراجع بزرگ شیعه در حوزه علمیه نجف ، به شمار می رود . وی در اصفهان تحصیلات زیاد داشته ، و تدریس خود را در این حوزه، موافق اصول شیخ اعظم أنصاری قدس سره قرار داده (۲) و از طلاب و مدرّسین مسجد و مدرسه شاه بوده است .

۳- مرحوم آقا سید محمّد تُرک ( خوئی ) ( متوفای ۱۲۶۶ قمری ) که عالمی محقق و مدرّسی فاضل بوده ، و امام جماعت و مدرّس مدرسه و مسجد شاه ، بوده است .

۴- مرحوم آقا سید محمّد جواد مسائلی ( خوئی ) فرزند آقا سید محمّد تُرک ، و متوفای ۱۳۴۰ قمری ، که عالمی فاضل و امام جماعت و مدرّس مسجد و مدرسه شاه بوده است .

۵- مرحوم ملا اسماعیل نقنه ای ، متوفای ۱۳۵۰ قمری که از مجتهدین (۳) و علماء بزرگوار ، و مدرّسین عظیم الشان به شمار رفته ، و از طلاب و نیز مدرّسین مسجد و مدرسه شاه بوده است .

ص: ۲۴۷

---

۱- ریحانه الأدب جلد ۶، صفحه ۳۹۱

۲- ریحانه الأدب ، جلد ۳، صفحه ۲۰۷

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۱۴۱

علاوه بر یادشدگان، عده دیگری از علماء و مدرّسین، در این مرکز علمی و دینی، تحصیل و یا تدریس داشته اند، که در بخش معرفی مدرسه ناصریّه، نیز به نام برخی دیگر، اشاره می نمائیم.

#### ۲۸- مدرسه شاهپوریّه

در کتابخانه عمومی اصفهان، (متعلق و متصل به مدرسه سلطانی چهارباغ) نسخه ای از إرشاد الأذهان علامه حلّی، به خط نسخ محمّد زمان بن درویش علی هزار جریبی، موجود است، که در شهر اصفهان، در مدرسه شاهپوریّه، به تاریخ محرم ۱۰۸۷ تحریر شده است (۱).

از این مدرسه و بانی و محلّ و سایر مشخصات آن چیزی به دست نیامد.

#### ۲۹- مدرسه شاهزاده ها «مدرسه حکیم»

مدرسه ای بوده در نزدیکی مسجد حکیم، و در انتهای بازار رنگرزا، که شهربانو خانم، دختر سلطان حسین صفوی، آن را در زمینی به مساحت یک جریب و کسری، به صورت دو طبقه تأسیس کرده بوده است (۲).

این مدرسه، در دوره حکومت پهلوی اول تخریب گردیده، و به جای آن دبستانی به وسیله اداره فرهنگ آن زمان، ساخته می شود. آقای رفیعی مهر آبادی (نویسنده آثار ملی اصفهان) در حال آبادی مدرسه، آن را مشاهده نموده در حالی که پر از طلاب علوم دینیه و به شکل دو طبقه بوده است (۳).

علماء بزرگی در این مدرسه تدریس می نموده اند، همانند:

ص: ۲۴۸

---

۱- فهرست نسخه های خطی کتابخانه عمومی اصفهان، جلد ۱، صفحه ۱۷۸

۲- تاریخ اصفهان و ری، صفحه ۳۰۸

۳- آثار ملی اصفهان، صفحه ۴۰۷، و نیز صفحه ۳۹



- ۱- آخوند ملا عبد الجواد حکیم خراسانی متوفای ۱۲۸۱ قمری (که حکیمی ریاضی و مدرسی طیب و ادیب بوده است) .
  - ۲- آقا سید مهدی نحوی متوفای ۱۳۰۷ قمری ( که از علماء و ادباء مشهور بوده ، و به علت تخصص ایشان در تدریس علم نحو ، به «نحوی» مشهور گردیده اند ) (۱).
  - ۳- مرحوم آقا سید محمود مغنیگو ، متوفای ۱۳۲۴ قمری ( که صاحب تألیفات و مدرّسی توانا و مشهور بوده ، و تخصص ویژه ، در تدریس کتاب مغنی اللیب داشته است ) (۲) .
  - ۴- حاج میرزا محمّد باقر حکیم باشی ، متوفای ۱۳۲۷ قمری ( که طبیبی حکیم و فقیهی ادیب و جامع ، به شمار رفته ، و از شاگردان پدرش ملا عبد الجواد حکیم خراسانی ، و نیز علماء بزرگی همانند : آقا میر سید محمد شهشانی ، و حاج سید آسد الله شفتی ، و ملا حسینعلی تویسرکانی بوده است ) (۳) .
  - ۵- سید شهاب الدین نحوی ، متوفای ۱۳۴۰ قمری ( که در علوم حکمت و فقه و اصول و ریاضی ، به مقامی ارزشمند نائل گشته ، و از شاگردان ملا حسینعلی تویسرکانی و میر سید محمّد شهشانی و ملا عبد الجواد حکیم خراسانی و حاج سید اسدالله بیدآبادی بوده است ) (۴) .
- در فهرست کتب اهدائی مرحوم مشکوه به دانشگاه تهران ، از نسخه ای از کتاب وجیزه شیخ بهائی یاد شده ، که به خط نستعلیق می باشد ، و در سال ۱۲۲۲

ص: ۲۴۹

- 
- ۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۲۵۸
  - ۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۴۹۴
  - ۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۶۸
  - ۴- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۳۷۳

در مدرسه شاهزاده ها ، کتابت شده است (۱).

این مدرسه ، به مناسبت شخصیت مُدرّس نامدار آن (مرحوم ملا عبد الجواد حکیم) و هم چنین ، به مناسبت نزدیکی آن به مسجد حکیم ، به نام «مدرسه حکیم» نیز ، خوانده شده است (۲).

### ۳۰- مدرسه شاه طهماسب

در محله میدان کهنه و نزدیک قیصریه کهنه ( که قبل از قیصریه نو شاه عباس کبیر ، از مجلل ترین ممکنه شهر بوده است ) مدرسه ای بوده ، به نام مدرسه شاه طهماسب (۳) که در حال حاضر اثری از آن وجود ندارد .

### ۳۱- مدرسه شاه عباس

استاد سعید نفیسی ، در شرح حالی که برای شیخ بهائی نوشته ، در مقدمه دیوان کامل شیخ بهائی ، از نسخه ای از رساله درایه شیخ بهائی یاد می کند ، که به خط عبد الله بن ابراهیم نعامی می باشد ، و کاتب در آخر آن نوشته است :

تَمَّتِ الرَّسَالَةُ الْمُبَارَكَةُ فِي تَارِيخِ يَوْمِ الْجُمُعَةِ خَامِسِ وَالْعِشْرِينَ مِنْ شَهْرِ ذِي الْحِجَّةِ الْحَرَامِ ، أَحَدِ شُهُورِ السَّنَةِ الثَّاسِيَةِ عَشَرَ بَعْدَ الْأَلْفِ هِجْرِيَةِ نَبِيِّهِ ، عَلَى مُهَاجِرِهَا أَفْضَلُ الصَّلَاةِ وَالسَّلَامِ ، يَبْدُ لِأَقْلِ الْأَذَلِّ ، تُرَابِ أَقْدَامِ الْعُلَمَاءِ الْعَامِلِينَ ، الَّذِينَ بِأَثَارِ أَهْلِ بَيْتِ النَّبِيِّ الْمُتَّقِينَ ، عَبْدُ اللَّهِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْغَامِي الْحَوَاوِزِي بِبَلَدِهِ إِصْفَهَانَ حَرَسَهَا اللَّهُ مِنْ آفَاتِ الزَّمَانِ ، بِمَدْرَسِهِ شَاهِ عَبَّاسٍ ، نَصَرَهُ اللَّهُ عَلَى أَعْدَائِهِ (۴).

ص: ۲۵۰

۱- دارالعلم شرق (مخطوط) ، صفحه ۱۴۲

۲- تاریخ فرهنگ اصفهان ، صفحه ۱۲۱

۳- سفرنامه شاردن ، صفحه ۹۸

۴- کلیات اشعار و آثار شیخ بهائی ، با مقدمه استاد سعید نفیسی صفحه ۳۱

و در تاریخ عالم آرای عباسی ، در ضمن معرفی آثار شاه عباس در اصفهان ، پس از ذکر مسجد جامع عباسی ( مسجد شاه ) ، و مسجد شیخ لطف الله ( در میدان نقش جهان ) ، می نویسد:

و مدرسه و دارالشفاء و حمامات و قیصریه و بازار گاه دور میدان ، و کاروانسراهای عالی و ... (۱).

و در فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی ، نسخه ای از کتاب قواعد الأحكام علامه حلی ، مورد معرفی قرار گرفته ، که در ذیل آن آمده است :

تَمَّ الْمُجَلَّدُ الثَّانِي مِنْ كِتَابِ قَوَاعِدِ الْأَحْكَامِ ... فِي مِصْرِ اِصْفَهَانَ فِي الْمَدْرَسَةِ الشَّاهِيَّةِ الشَّهْنَشَاهِيَّةِ الْعَبَّاسِيَّةِ ... عَلَي يَدِ ... مُحَمَّدِ حُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ السَّلِيمِيِّ الْمَازَنْدَرَانِيِّ ... فِي شَهْرِ سَنَةِ تِسْعِ عَشَرَ وَ أَلْفِ هِجْرِيَّةِ (۲).

و نیز در پشت ورق دوم ، از نسخه ای از جلد دوم قواعد علامه حلی ( که در کتابخانه شخصی علامه محقق آقاي سيد محمد علي روضاتي موجود مي باشد ) چنين نوشته شده است :

قَدْ تَشَرَّفَ بِتَمْلُكِ هَذَا الْكِتَابِ الْمُسْتَطَابِ بِعَوْنِ اللَّهِ الْمَلِكِ الْكَرِيمِ ..... بِالْبَيْعِ الصَّحِيحِ الشَّرْعِيِّ ... مُحَمَّدِ كَازِمِ بْنِ عَلَاءِ الدَّوْلَةِ الْمُنُوجَهْرِيِّ النَّائِنِيِّ ، فِي الْمَدْرَسَةِ الْمُبَارَكَةِ الْمَوْسُومَةِ بِمَدْرَسَةِ الشَّاهِيَّةِ مِنْ جُمْلَةِ مَدَارِسِ دَارِ السَّلْطَنَةِ اِصْفَهَانَ ، فِي غُرَّةِ شَهْرِ رَبِيعِ الثَّانِي مِنْ شَهْرِ سَنَةِ أَرْبَعِينَ وَ أَلْفٍ مِنَ الْهَجْرَةِ (۳).

از عبارات یاد شده ، استفاده می شود ، که مدرسه ای از آثار شاه عباس بوده ،

ص: ۲۵۱

۱- عالم آرای عباسی ، جلد ۲ ، صفحه ۱۱۱۰

۲- فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی ، جلد ۷ ، صفحه ۳۳۱

۳- دار العلم شرق ( مخطوط ) ، صفحه ۱۴۴

که در یک عبارت، با نام مدرسه شاه عباس، و در دیگری، با عنوان مدرسه شاهیه شهنشاهیّه عبّاسیّه، و در سوّمی، با عنوان مدرسه شاهیه، ذکر شده است، ولی از محل و خصوصیات این مدرسه چیزی به دست نیامد، جز این که در نیمه اوّل قرن یازدهم (تاریخهای ۱۰۱۹ - ۱۰۴۰) آباد و مسکونی و محلّ فعالیت علمی بوده است، چنانچه از نوشته های فوق، با صراحت استفاده می شود.

و البته با توجه به این که مسجد جامع جدید عبّاسی (که مشتمل بر حجرات درسی است و ما به نام مدرسه شاه «تحت شماره ۲۷» از آن حجرات، یاد نمودیم) فرمان تأسیس آن، از ناحیه شاه عبّاس صفوی در سال ۱۰۲۰ صادر گردیده، در حالی که (هم چنان که ملاحظه نمودید)، تاریخ نوشتن نسخه درایه شیخ بهائی و نیز تاریخ کتابت نسخه قواعد الأحکام علامه حلّی (۱۰۱۹) یک سال قبل از شروع ساخته شدن مسجد جامع عبّاسی و حجرات آن) می باشد.

بنابراین، مدرسه شاه عبّاس (مورد بحث) غیر از مدرسه جامع عبّاسی می باشد، که در مجموعه مسجد قرار گرفته است.

### ۳۲- مدرسه شفیعیّه أحمد آباد

جابری انصاری به دنبال ذکر مدرسه شفیعیّه دردشت، از مدرسه شفیعیّه دیگری، در اوائل محلّه أحمد آباد، نام می برد که مساحت آن یک جریب و کسری بوده است، و چنین می نویسد:

و در اوائل محلّه أحمد آباد نیز، مدرسه شفیعیّه دیگری هست، که آن نیز به همین میزان بود (یک جریب و کسری) و آن ساختمان محمد شفیع میرزای حسینی، و سردری کاشی معرّق، اشعاری داشت، تاریخ آن هزار و نود و چهار به سلطنت شاه سلیمان، و مادّه تاریخ مناسبی گوید:

خرد سال آغاز و انجام آن را

(در فیض) گفت و (مقام أفاضل)

(۱)(۲)

این مدرسه در حوادث تاریخی گذشته، از بین رفته، ولی با توجه به عبارت فوق، تا زمان تألیف (تاریخ اصفهان و ری) باقی بوده است.

آقای سید مصلح الدین مهدوی، اظهار داشته اند که: محلّ مدرسه شفیعیّه، کوچه نوآب (مقابل کوی دولت آبادی) در فضائی که منسوب به نوآبها می باشد، قرار داشته و دبستان دخترانه کاوه، به جای مدرسه شفیعیّه ساخته شده است (۳).

### ۳۳- مدرسه شمس آباد

مدرسه ای است در محله شمس آباد، واقع در حاشیه خیابان شیخ بهائی، که در زمان سلطان حسین صفوی، به وسیله میرزا محمد مهدی عباس آبادی، در سال ۱۱۲۵ قمری تأسیس شده است.

کتیبه سر در این مدرسه، به خط ثلث سفید بر زمینه کاشی خشت لاجوردی، حاکی از تاریخ تأسیس و نام بانی مدرسه و سلطان وقت، می باشد. این مدرسه جزء بناهای تاریخی به ثبت رسمی رسیده است (۴). مدرسه شمس آباد، در مقایسه با سایر مدارس دوره صفویّه، وسعت زیادی

ص: ۲۵۳

- 
- ۱- تاریخ اصفهان و ری، صفحه ۳۰۶ (عبارت فوق، عین عبارت تاریخ اصفهان و ری میباشد، که نابسامانی دارد)
  - ۲- قسمت (در فیض) به حساب حروف أبجد ۱۰۹۴ میشود که تاریخ اتمام مدرسه بوده و قسمت (مقام أفاضل) به همان حساب ۱۰۹۲ میشود که سال شروع ساختمان مدرسه بوده است. و در این شعر لف و نشر مشوش به کار برده شده است
  - ۳- دار العلم شرق (مخطوط)، صفحه ۱۴۵
  - ۴- آثار ملی اصفهان، صفحه ۴۷۵

ندارد، و تزئینات آن از نوع کارهای آجری، شبیه به دو بنای دیگر عهد صفوی مسجد شیخ علیخان و کاروانسرای مهیار) می باشد (۱).

قسمتی از مدرسه شمس آباد، در هنگام تعریض خیابان شیخ بهائی خراب گردیده و جزء خیابان قرار گرفته (۲) و در حال حاضر، فقط چند حجره دارد و بیشتر به عنوان مسجد، از آن استفاده میشود (۳).

#### ۳۴ - مدرسه شهرستان

این مدرسه در شهرستان (چی قدیم) اصفهان واقع بوده است، و به مرور زمان از بین رفته است (۴). در میان کتب خطی کتابخانه شخصی آقای سید مصلح الدین مهدوی، نسخه ای از حاشیه خطائی وجود دارد، که در آخر آن آمده است: قَدْ فَرَعْتُ مِنْ تَسْوِيدِ هَذِهِ الْحَاشِيَةِ الْمُسَمَّيَةِ بِحَاشِيَةِ الْخَطَائِي، ابْنُ مِيرْزَاخَانَ بْنِ مِيرْبَاقِرِ الْحُسَيْنِي، حَيْدَرُ، مِنْ تَارِيخِ ذِي قَعْدَةِ الْحَرَامِ فِي مَدْرَسَةِ شَهْرِسْتَانَ مِنْ قُرَى الْإِسْفَهَانَ فِي سَنَةِ سَبْعٍ وَثَمَانِينَ بَعْدَ الْأَلْفِ مِنَ الْهَجْرَةِ النَّبَوِيَّةِ (۵).

عبارت بالا- (گرچه از نظر قواعد ادبی محل اشکال است) نشان می دهد که مدرسه شهرستان در سال ۱۰۸۷، معمور و مسکون بوده است.

#### ۳۵ - مدرسه شیخ الإسلام

یکی از بزرگترین چهره های علمی اصفهان در قرن یازدهم، فقیه و حکیم

ص: ۲۵۴

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صفحه ۶۸۴

۲- دار العلم شرق (مخطوط)، صفحه ۱۴۷

۳- تاریخ فرهنگ اصفهان، صفحه ۱۲۳

۴- آثار ملی اصفهان، صفحه ۴۶ و محیط ادب، صفحه ۱۰۴

۵- دار العلم شرق (مخطوط)، صفحه ۱۵۰

و متکلم و رجالی و محدث و محقق نامدار شیعه ، ملا محمد باقر سبزواری

صاحب کتاب ذخیره و کفایه ، در فقه ( متوفای ۱۰۹۰ میباشد ، که شیخ الإسلام اصفهان بوده است . آقای رفیعی مهرآبادی ، به نقل از تذکره نصرآبادی می نویسد : مدرسه شیخ الإسلام ، مدرسه ای بوده در شهر اصفهان ، که آخوند ملا محمد باقر سبزواری ، در آن تحصیل می کرده است (۱).

نویسنده معاصر ، آقای مهدوی می نویسند : خانه شیخ الإسلام و مسجد شیخ الإسلام و حمام شیخ الإسلام ، در مجاورت یکدیگر ، در محله سینه پائینی نزدیک چهار راه تختی فعلی ( قرار دارد، و احتمالاً مدرسه یاد شده نیز در همین محل قرار داشته است (۲) . شخصی به نام محمد امین بن محمد مؤمن استرآبادی ، کتاب اکرناووذوسیوس را در تاریخ چهارشنبه ۲۰ ذی الحجه ۱۰۵۲ در نزد یکی از اساتید بزرگ و محقق و مدقق ، به نام محمد تقی استرآبادی ( که از علماء ریاضی بوده ) در مدرسه شیخ الإسلام در اصفهان ، شروع به تحصیل نموده ، و در تاریخ پنجشنبه پنجم محرم سال ۱۰۵۳ ، در همان مدرسه به پایان برده است (۳) . از چگونگی این مدرسه ، و سال تأسیس ، و زمان ، و علت نابودی آن ، چیزی به دست نیامد .

### ۳۶ - مدرسه شیخ بهائی

مرحوم شیخ بهائی قدس سره مدرسه ای داشته ، در جوار مسجد جامع ، که در آن

ص: ۲۵۵

---

۱- آثار ملی اصفهان ، صفحه ۴۰

۲- دارالعلم شرق ( مخطوط )، صفحه ۱۵۳

۳- دارالعلم شرق ( مخطوط )، صفحه ۱۵۲، ( برگه ضمیمه )، به نقل از : فهرست کتب اهدائی مرحوم مشکوه

به فعالیت علمی می پرداخته است ، و مرحوم ملاّ محمّد تقی مجلسی ( پدّر علامّه مجلسی ) شیخ بهائی را در حال مقابله صحیفه سجّادیه علیه السلام ، در آن مدرسه ملاقات نموده ، و جریان تشرف خود را به محضّر مقدّس امام زمان ( عجل الله تعالی فرجه الشریف ) عرضه داشته است (۱).

### ۳۷ - مدرسه شیخ علیخان زنگنه

شیخ علی خان زنگنه ، که صدر اعظم ایران در زمان شاه سلیمان صفوی بوده ، و در دوره شاه عبّاس ثانی ، حکومت کرمانشاه را داشته ، مسجد باشکوهی را در محله خواجه ، به طرف تلواسکان ( تل واژگون ، ترواسکان ) در تاریخ ۱۰۹۰ هجری ساخته ، که هنوز باقی می باشد ، و به نام مسجد خان تلواسکان ، نامیده می شود ، با فاصله ای از همین مسجد ، و در نزدیکی قلعه طبرک ، مدرسه ای تأسیس نموده ، که هم اکنون وجود ندارد (۲) و آثاری از آن باقی نمانده است .

### ۳۸ - مدرسه شیخ لطف الله

مدرسه ای بوده ، که شیخ لطف الله میسی ، در آن ، رسماً عهده دار تدریس بوده ، و مولانا رجبعلی تبریزی ( متوفای ۱۰۷۰ که از علماء و زهاد و تلاشگران عالم علم بوده ، نیز در آن تدریس می نموده است (۳) . این مدرسه ، همان مدرسه خواجه ملک است ، که از مهمترین مدارس اصفهان و مرکز تجّمع علماء و فضلاء بوده ، و به علّت این که شیخ لطف الله میسی ، به صورت رسمی ، مدرّس و سرپرست اصلی آن بوده ، به نام آن بزرگمرد نیز، نامیده می شده است ،

ص: ۲۵۶

---

۱- بحار الأنوار ، جلد ۵۳ ، صفحه ۲۷۷ و جلد ۱۰۵ ، صفحه ۱۱۵

۲- تاریخ فرهنگ اصفهان ، صفحه ۱۲۶

۳- تذکره نصر آبادی صفحه ۱۵۴ و تاریخ مدارس ایران صفحه ۲۶۸



چنانچه به نام بانی آن ، خواجه ملک نیز نامبرده می شده و می شود .

### ۳۹ - مدرسه صدر اعظم

شاردن ، در دنباله ذکر بازار لوفان و بازار خراطان ، می نویسد :

و بعد بازار حلاجان ، که به مسجد صدر ختم می شود ( مراد ، همان مسجد شیخ لطف الله است ) ... وصل به مسجد ، سر در قصر محمد مهدی ، نخست وزیر و برادرش شیخ الاسلام است ، که هر دو دارای یک سردر می باشد . بالاتر از آن ، مدرسه بزرگی است که همانام مسجد ، و در یک زمان ، و به وسیله یک بانی ، ساخته شده است . بالای سردر و داخل این مدرسه ، کتیبه هائی است که اندرزهای بسیار عالی دارد، و محض نمونه چند تای آن را ذیلاً مینگاریم :

« سنگ بدخشان به تربیت آفتاب لعل شود » - « آنچه توانی بیاموز ، چه علم ناقص ، بهتر از جهل کامل است » - « از زمین دل خویش بیخ درخت بدی را بیرون آر ، و این کار را در جوانی بکن و به پیری حواله مده » - « اگر می پنداری که بدی آن چنان بزرگ است که نمی توان آن را از بین برافکنند ، به تو می گویم هنگامی که بزرگتر می شود ، چگونه آن را ریشه کن میکنی » (۱).

ظاهراً این مدرسه ، همان مدرسه خواجه ملک است ، و مشخص نیست که ، آیا عبارات پند آموز فوق ، به صورت عربی یا فارسی ، و در قالب شعر یا حدیث بوده است .

### مدرسه صدر عامه

مقصود ، مدرسه وزیر می باشد ، به عنوان یاد شده ، مراجعه شود .

ص: ۲۵۷

---

۱- سفرنامه شاردن ، صفحه ۴۲ و نیز ، به تاریخ فرهنگ اصفهان ، صفحه ۸۹ مراجعه شود

مدرسه ای بوده در پشت باغ شرکت هند و هلند ، در محله بی نقابان ، و این مدرسه در زمان شاه عباس اول ( کبیر ) دائر و طلبه نشین بوده است (۱).

شاه صفی ، قبل از آن که به سلطنت برسد ، ساکن این مدرسه بوده ، و جریان خواب عجیب ملا محمد تقی مجلسی ، در همانجا به او خبر داده شده است (۲).

ملا محمد شولستانی متوفای ۱۰۸۵، که از شخصیت های معروف و مشهور

ص: ۲۵۸

۱- آثار ملی اصفهان ، صفحه ۴۴، سفرنامه شاردن ، صفحه ۷۰

۲- مرحوم ملا محمد تقی مجلسی قدس سره می نویسد : که اتفاق افتاد از برای من تشریف به زیارت عتبات عالیات ، پس زمانی که وارد نجف اشرف شدم زمستان داخل شد ، پس من عزم کردم که طول زمستان را در نجف بمانم ، پس مالی ( حیوانی ) را که کرایه کرده بودم رد کردم . پس شبی در خواب دیدم حضرت امیر المؤمنین علیه السلام را که لطف بسیار با من فرمود ، و فرمایش کرد که بعد از این در اینجا توقف مکن ، و برو به شهر خودت اصفهان ، همانا وجود تو نفعش بیشتر است و نیکوتر ، و چون من بسیار اشتیاق داشتم در تشریف به آستان مقدس ، مبالغه کردم در استدعاء از آن حضرت که رخصت توقف دهد ، قبول نفرمود ، و فرمود که . شاه عباس وفات میکند در این سال ، و مینشیند شاه صفی به جای او ، و حادث می شود در بلاد شما فتنه های سخت ، و حق تعالی خواسته ، که تو در این فتنه در اصفهان باشی ، و بذل کنی طاقت خود را در هدایت خلق ، أنت ترید أن تجيء الی باب الله وحده ، و الله تعالی پرید أن یجیء الیه بیمن هدایتک سبعون ألفا ، فارجع الیهم فانه لا بد لك من الرجوع ، پس رجوع کردم به اصفهان ، و حکایت کردم خواب خود را برای بعضی خواص خود ، و او نقل کرد برای نواب رضوان مکان ، یعنی شاه صفی ، و اتفاقاً این ایام در مدرسه صفویه تشریف داشت ، پس نگذشت مگر ایام قلیلی که خبر رسید که ، نواب خاقان ، شاه عباس رضوان مکان ، در سفر مازندران به رحمت ایزدی پیوست ، پس شاه صفی به جای او بر اریکه سلطنت نشست ( فوائد الرضویه ، جلد ۲ ، صفحه ۴۴۰ )

به شمار می رفته ، و مدرّس مدرسه صفویّه ، بوده است (۱).

ظاهراً مدرسه صفویّه ، از مدارس تأسیس شده دوران حکومت صفویّه است ،

ولی در کتابخانه ملی ملک ، نسخه ای از کتاب « الموجز » تألیف علی بن حزم قرشی (۲) موجود است ، به خط نسخ مسعود بن محمد بن محمد ، که در تاریخ سه شنبه سلخ جمادی الاولی ۷۷۲ در مدرسه صفویّه دار الملک اصفهان ، استنساخ شده (۳) که نشان میدهد ، مدرسه صفویّه در قرن هشتم ( قبل از دوره سلطنت صفویّه ) دائر ، و محلّ سکونت و فعالیت علمی بوده است .

اظهار نظر قطعی در این باره ، نیازمند بررسی دقیق تر و به دست آمدن اسناد بیشتری می باشد .

نسخه ای از تهذیب الأحکام شیخ طوسی (کتاب طهاره و صلوه) به خط نسخ محمد تقی بن محمد صالح بن حاجی گنجی اردبیلی ، به تاریخ غزه محرّم ۱۰۵۸ موجود است ، که در مدرسه صفویّه اصفهان نوشته شده ، و در آخر کتاب طهاره و صلوه ، ملا محمد تقی مجلسی ، در تاریخهای ۱۰۶۰ و ۱۰۶۲ دو إنهاء ، برای

ص: ۲۵۹

---

۱- وقائع السنین و الأعوام ، صفحه ۵۳۳

۲- علی بن حزم قریشی شافعی ، مکنّی به « ابن النفیس » و « ابن ابی الحزم » ، و ملقب به « علا الدین » و مشهور به « نفیسی » و « ابن نفیس » ، طبیب حکیم فقیه اصولی منطقی مصری ، متوفای ۶۸۷ میباشد ، که بوعلی سینای دوّم خوانده شده ، و تألیفات زیادی داشته ، که در میان آنها ، کتاب « الشّامل » ۸۰ جلدش تألیف گشته ، و بنای مؤلف آن این بوده ، که تا سیصد جلد برساند ، و کتاب « الموجز » آن ، که موجزی از کتاب قانون بوعلی سینا است ، از اهمیت بسیاری برخوردار بوده است ، و کتاب معروف « شرح نفیسی » ، در طب ، شرح همین کتاب ( الموجز ) میباشد . (ریحانه الأدب ، جلد ۸ ، صفحه ۲۵۳ ، و الریعه ، جلد ۱۷ ، صفحه ۲۴ ، و لغتنامه دهخدا ، در ذیل لغت ابن نفیس )

۳- فهرست کتابهای خطی کتابخانه ملی ملک ، جلد ۱ ، صفحه ۷۵۸

کاتب نوشته است (۱).

#### ۴۱ - مدرسه عباس آباد

یکی از هفت مدرسه محله عباس آباد و کوی مستهلک (نزدیک شاهزاده ابراهیم) مدرسه ای بوده، در محل فعلی تقاطع خیابان عباس آباد و خیابان ابوذر، که در حال حاضر اثری از آن وجود ندارد.

این مدرسه از آثار دوره صفویه می باشد، و در جوار مسجد معروف عباس آباد بوده، و جزء مساجدی است که مرحوم علامه ملا محمد باقر مجلسی قدس سره، اعتکاف در آنها را جایز می شمرده است (۲).

نصرآبادی، در تذکره خود در شرح حال شیخ عماد، برادر زاده ملا گرامی، می نویسد: در مسجد جامع عباس آباد اصفهان حجره دارد، و به داده خدا، قانع شده ممنون کسی نمی باشد (۳).

از این عبارت معلوم می شود که، مسجد جامع عباس آباد و مدرسه و حجرات آن، حالت ترکیب مسجد و مدرسه داشته، همانند شمار دیگری از مساجد جامع اصفهان، که ترکیبی از مسجد و مدرسه است.

#### ۴۲ - مدرسه عیدیه (سعیدیه)

در فهرست کتابخانه ملی ملک، از نسخه ای از کتاب «معین الفکر» تألیف ابن ابی جمهور احسائی یاد شده، که به خط نستعلیق هدایه الله بن عبد الله جزائری می باشد، و در ربیع الأول ۱۰۱۷ در شهر اصفهان، در مدرسه عیدیه یا

ص: ۲۶۰

---

۱- فهرست کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، جلد ۱۱ صفحه ۲۷۴

۲- تاریخ فرهنگ اصفهان، صفحه ۱۲۴

۳- تذکره حزین، صفحه ۴۰۴

سعیدیّه ، استنساخ آن پایان یافته است (۱).

از این مدرسه و خصوصیات آن چیزی به دست نیامد ، جز این که طبق مطلب بالا ، در نیمه اول قرن یازدهم معمور و مسکون بوده است .

#### ۴۳ - مدرسه فاضل هندی

در کتاب أنساب خاندانهای مردم نائین ، به مناسبت ذکری از محله کران اصفهان ، آمده است :

مسجد و مدرسه فاضل هندی ، و موقوفات زری بافها ، و مسجد نیمه تمامی که مرحوم حجه الاسلام حاج آقا منیر ، بنا نهاد ، و منزل نگارنده ، در این محله واقع است ، ولی از مدرسه مزبور ، که در نقشه سال ۱۲۹۹ شمسی اصفهان ، ترسیم سید رضاخان هویدا است ، اکنون اثری باقی نیست (۲).

از عبارت فوق معلوم می شود که این مدرسه فاضل هندی ، از زمان آن بزرگمرد تا زمان شروع حکومت پهلوی اول ، باقی بوده ، و همانند بسیاری از مساجد و مدارس و ابنیه دینی ، در دوره حکومت پهلوی ، از بین رفته است .

#### ۴۴ - مدرسه فاطمیّه

از مدارسی است که در قرن یازدهم دایر بوده ، و به نوشته آثار ملی اصفهان ، در ۱۰۶۷ ، طلبه نشین بوده است (۳) ولی هم اکنون اثری از آن نیست ، و در

ص: ۲۶۱

---

۱- فهرست کتابخانه ملی ملک ، جلد ۱ ، صفحه ۷۰۰

۲- أنساب خاندانهای مردم نائین ، صفحه ۱۵۳ ، تألیف سید عبدالحجه بلاغی و نیز در صفحه ۱۲۳ همان کتاب آمده است : و نیز مدرسه فاضل هندی که در محله کران و مجاور مسجد فاضل بود

۳- آثار ملی اصفهان ، صفحه ۴۴

حوادث دورانهای پس از صفویّه ، از بین رفته است .

در کتابخانه دانشکده حقوق طهران ، نسخه ای از جلد دوّم « من لایحضره الفقیه » به شماره ۴۲۱ موجود است ، که شمس الدّین بن اسماعیل طالش ، آن را در رمضان ۱۰۶۷ ، در این مدرسه در شهر اصفهان کتابت نموده ، و همین نویسنده نسخه ای از « مشیخه من لایحضر » را در سال ۱۰۹۳ نوشته است (۱).

#### ۴۵ - مدرسه قاسمیّه هاشمیّه

مدرسه ای بوده در محله باغ مراد اصفهان ( که هم اکنون خیابان گلزار از آن می گذرد ) و روحانیت خاصی داشته است ، و در حال حاضر از آن اثری نیست ، ولی در سال ۱۱۱۶ هجری ، کتابی در آن مدرسه نوشته شده ، که نسخه آن نزد سید عبد الحجه بلاغی بوده است ، و ظاهراً این مدرسه در فتنه افغانها از بین رفته است (۲).

#### ۴۶ - مدرسه قرچقای بیک یا مدرسه کلباسی

(۳)

مدرسه ای بوده در نزدیکی مسجد حکیم ، که به وسیله قرچقای بیک ، در زمان شاه صفی تأسیس گشته است ، و حاجی نصرت ، که خواجه او بوده ، سنگابی در سال ۱۰۷۵ در زمان شاه عباس دوّم وقف می کند ، که در کتبه آن سنگاب ،

ص: ۲۶۲

---

۱- دار العلم شرق (مخطوط) ، صفحه ۱۹۳

۲- تاریخ فرهنگ اصفهان ، صفحه ۲۶۳ ، و نیز به کتاب أنساب خاندانهای مردم نائین . صفحه ۱۲۳ - ۱۲۴ مراجعه گردد

۳- قرچقای در کتابهای تاریخی و جغرافیائی و دائره المعارف ها ، گاهی با قاف و گاهی با غین دیده میشود

أشعاری نقش بسته ، که اشاره به تأسیس مدرسه ، توسط قرچقای بیگ دارد(۱).

احتمال دارد ، حاجی کلباسی ( مرحوم حاج محمد ابراهیم ) متوفای ۱۲۶۱ ، مدرسه دیگری در همین منطقه تأسیس نموده باشد ، که وسعت آن یک جریب بوده است (۲) و مدتی پس از فوت آن بزرگمرد ، در سال ۱۳۵۷ قمری تخریب گردیده ، و تبدیل به خانه شده است (۳) .

ولی احتمال دیگری هست ، و آن این که ، مدرسه کلباسی ( یا مدرسه کوچه کلباسی ) و مدرسه قرچقای بیگ یکی بوده ، با این توضیح ، که حاجی کلباسی ، مدرسه قرچقای بیگ را تعمیر نموده ، و یا در آن تدریس نموده ، و لذا به نام آن بزرگمرد نامیده شده است ، نه آن که مدرسه جداگانه ای را آن پیشوا و مرجع دینی ، تأسیس نموده است (۴) .

فقیه و اصولی و محقق عظیم الشان ، آقا سید محمد حسن مجتهد اصفهانی ، متوفای ۱۲۶۳ که از شاگردان ملا علی نوری و حاجی کلباسی بوده ، و صاحب تألیفات زیاد و از جمله ، یک دوره فقه در ۶ جلد ، و کتاب « مهجه الفؤاد » در

ص: ۲۶۳

---

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۶۲۰ ، ولی در کتاب آثار ملی اصفهان صفحه ۴۳ - ۴۲ اشتباهی رخ داده ، و چنین آمده است : به وسیله حاجی قرچقای بیگ در زمان شاه صفی ( در سال ۱۰۷۵ ) بنا گردیده ، و حال آن که با دقت در اشعار سنگاب ، معلوم می شود ، زمان شاه صفی مربوط به تأسیس مدرسه ، و سال ۱۰۷۵ مربوط به تهیه سنگاب است. علاوه بر این که تاریخ ۱۰۷۵ ، متعلق به دوره شاه عباس ثانی است ، نه شاه صفی

۲- آثار ملی اصفهان ، صفحه ۴۳

۳- تاریخ اصفهان و ری ، صفحه ۴۱۶

۴- آثار ملی اصفهان ، صفحه ۴۴

شرح إرشاد علامه ، در چهارده جلد (۱) می باشد ، از ساکنین مدرسه حاجی کلباسی به شمار آمده است (۲).

و نیز مرجع بزرگ جهان شیعه ، مرحوم آیه الله العظمی حاج آقا حسین طباطبائی بروجردی قدس سره متوفای ۱۳۸۱ قمری ، در دوره اقامت خود در اصفهان ، مدتی در این مدرسه ، تحصیل علم نموده اند (۳).

نسخه ای از التلخیص ابن رشد أندلسی ( در علم منطق ) ، در کتابخانه ملی ملک وجود دارد، که در آغاز نسخه ، چند سطر ( الجواهر النضید ) علامه حلی است ، به خط نویسنده نسخه یاد شده ، که در مدرسه قرچقای بیگ ، در سال ۱۰۷۱ نوشته شده است (۴).

و شخصی به نام صفی الدین بن فخر الدین بن نور الدین بن علی عاملی ، در سال ۱۱۰۴ ، در مدرسه قرچقای بیگ ساکن بوده ، و دو رساله به نامهای : « الصّحیفه » و « الوجیزه » از آثار شیخ بهائی را ، کتابت نموده است (۵).

#### ۴۷ - مدرسه قطیبه

میرزا طاهر نصرآبادی ، صاحب تذکره الشعراء ، درباره میرزا باقر تبریزی ، تو قاضی زین العابدین تبریزی ، می نویسد :

میرزا باقر ، نواده اش جوان قابل صالح فاضلی است ، در تحصیل علوم سعی

ص: ۲۶۴

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۲۵۷

۲- دارالعلم شرق ( مخطوط ) ، صفحه ۸۲

۳- علماء معاصرین خیابانی ، صفحه ۲۴۹

۴- فهرست کتابهای خطی کتابخانه ملی ملک ، جلد ۱ ، صفحه ۱۶۷ - ۱۶۸

۵- فهرست کتابخانه آیت الله مرعشی ، جلد ۱۹ ، صفحه ۱۱۰ - ۱۱۱



بسیار نموده ، حقاً که باقر علوم و جامع کمالات است . استفاده علوم از خدمت بندگان علامی ، آقا حسین (۱) نموده ، و باب توفیق به هدایت ایشان ، بر وی گشوده ، تدریس مدرسه قطیبه و تقسیم گندم و گوسفند تبارزه (۲) به طریقی که با جدّ مرحومش بود ، الحال با او است (۳) .

میرزا حسین بن امیر خسرو قهپائی ، در سال ۱۰۵۶ نسخه ای از شرائع را ، که به خطّ عبد القادر بن حیدر قهپائی نوشته شده بوده ، نزد جمال الدّین اردستانی در مدرسه قطیبه قرائت کرده است (۴) .

نویسنده متتبع آقای سید مصلح الدّین مهدوی ، احتمال بسیار قوی داده اند که ، مدرسه قطیبه ، جزء مدارس هفت گانه محله مستهلک و عباس آباد باشد (۵) .

### ۴۸ - ۴۹ - ۵۰ مدرسه های قیصریه کهنه و کوچه عربان

شاردن ، پس از ذکر بازار غاز ، و حیمام خواجه عالم ، و گودی که محلّ مرغ فروشی بوده است ، می نویسد : نزدیک این گود ، کوچه عربان است ، و به قیصریه کهنه ختم می شود ، که بالای آن ، عمارت نقاره خانه قدیم بوده ، و قبل از شاه عباس کبیر ، به هنگام شام و سحر نقاره می زده اند ، تا آنکه میدان شاه را ساخته و نقاره خانه بدانجا انتقال یافت . این محله دارای مدارس (۶)

ص: ۲۶۵

---

۱- منظور ، استاد کل فی الکل ، محقق نامدار ، آقا حسین خوانساری است

۲- یعنی تبریزی ها

۳- تذکره نصرآبادی ، صفحه ۱۷۵

۴- فهرست نسخه های خطی مسجد اعظم قم ، صفحه ۲۳۴

۵- دار العلم شرق (مخطوط) ، صفحه ۱۹۹

۶- کلمه مدارس جمع است و حدّ اقل دلالت بر سه مدرسه می نماید ، گرچه احتمال شمار بیشتری هم داده میشود

و کاروانسراها است ، که معروفترین آنها ، کاروانسرای اردستانی ها، و کوچۀ ای نیز به نام کوچۀ یهودی ها در آنجا است ، و کنیسهٔ مهم آنها در آن است ... ، کمی پایین تر ، قبرستانی است که مردم اصفهان ، به سبب قبر کمال اسماعیل ، آن را مقدّس می دانند (۱).

عبارات بالا ، که در مورد تمام یا قسمتی از محلهٔ جهانباره ( جوباره ، جویباره ) است ، نشان می دهد که مدرسه هائی در این قسمت وجود داشته ( در دوره صفویه ) که نه شاردن نام مشخص آنها را ذکر میکند ، و نه از طریق دیگر ، از خصوصیات این مدارس آگاهی حاصل شده است .

#### ۵۱ - مدرسهٔ کیشه

مدرسه ای بوده در کوچۀ شیخ یوسف ، ( مابین خیابان نشاط و خیابان ملک ) که تا حدود شصت سال قبل ، ( دورهٔ حکومت پهلوی اول ) حیاط مدرسه و چندین حجره آن باقی بوده، و در آن دوره ، به وسیله همسایگان ، غصب و تصرف گردیده ، و به صورت خانه مسکونی در آمده است (۲) . از سال تأسیس و بانی آن ، مطلبی به دست نیامد .

#### ۵۲ - مدرسهٔ کمرزین

شاردن ، در محلهٔ میدان کهنه ، از حَمّام و مدرسه و مسجد کمرزین یاد میکند (۳) ، که در حال حاضر به جز مسجد کمرزین ، از بقیهٔ بناهای یادشده ، چیزی باقی نمانده است .

ص: ۲۶۶

---

۱- سفرنامه شاردن ، صفحه ۸۱

۲- دار العلم شرق ( مخطوط ) ، صفحه ۲۰۳ ، و اظهارات شفاهی نویسنده محترم آن

۳- سفرنامه شاردن ، صفحه ۹۸

در کتاب محیط آداب (مقاله اصفهان دارالعلم شرق) این مدرسه را جزء مدراس قبل از دوره صفویه برشمرده است (۱).

### ۵۳- مدرسه کوچک، در محله سرنیم آورد

مرحوم سید جزائری در شرح زندگی خود می نویسد :

... فَسَافَرْنَا إِلَى إِصْفَهَانَ وَكُنَّا جَمَاعَةً كَثِيرَةً ..... فَجَلَسْنَا فِي مَدْرَسَةٍ لَيْسَ فِيهَا إِلَّا أَرْبَعُ

حُجْرَاتٍ فِي (سِرْنِيم آورد) وَجَلَسْنَا فِي حُجْرَةٍ وَاحِدَةٍ وَكُنَّا جَمَاعَةً كَثِيرَةً فَكُنَّا إِذَانُنَا فِي تِلْكَ الْحُجْرَةِ وَ أَرَادَ وَاحِدٌ مِّنَّا الْإِنْتِبَاهَ فِي اللَّيْلِ لِحَاجَةٍ ، إِنْتَبَهْنَا جَمِيعًا .. (۲).

از این عبارت ، دو مطلب مهم استفاده می شود .

۱- فراوانی طلاب ، تا جایی که جمعی زیاد آن هم با سابقه علمی ، در یک حجره سکونت یافته اند .

۲- مدرسه ای در سرنیم آور بوده ، که فقط چهار حجره داشته است ، و این مدرسه غیر از مدرسه نیم آور است ، که دو طبقه می باشد و حُجرات فراوان دارد و غیر از کاروانسرای مجاور مدرسه نیم آور است که ، مدتهائی در حکم مدرسه ابتدائی برای مدرسه نیم آور بوده ، و طلاب مبتدی در آن تحصیل می کرده ، و سپس به مدرسه نیم آور نقل مکان می نموده اند ، زیرا مرحوم سید جزائری در هنگام اقامت در مدرسه یاد شده ، از علماء بوده ، و پس از مدتی اقامت در

ص: ۲۶۷

۱- محیط آداب ، صفحه ۱۰۴

۲- أنوار نعمائیه ، جلد ۴، صفحه ۳۱۲ یعنی : پس مسافرت کردیم به اصفهان و ما جمع زیادی بودیم ... پس سکونت نمودیم در مدرسه ای که به جز چهار حجره ، نداشت در ( محله ) سرنیم آورد و سکونت نمودیم در یک حجره ، و حال آنکه ما جماعت بسیاری بودیم ، پس هرگاه می خوابیدیم در آن حجره ، و یکی از ما می خواست در شب بیدار شود برای حاجتی ، به گونه ای بود که همه ما بیدار میشدیم

مدرسه ، با علامه مجلسی آشنا می شود، و آن بزرگوار او را به خانه خود می برند، چنانچه مرحوم سید ، می نویسند : .

... ثُمَّ بَعْدَ هَذَا ، مَنْ اللَّهُ عَلَيَّ بِالمَعْرِفَةِ مَعَ اُسْتادِنَا المَجْلِسِيِّ اُدَامَ اللهُ اَيَّامَ سَيِّلِ اَمَّتِيهِ ، فَأَخَذَنِي اِلَى مَنْزِلِهِ وَبَقِيَتْ عِنْدَهُمْ فِي ذَلِكِ المَنْزِلِ اَرْبَعَ سَنِينَ تَقْرِيْباً وَقَدْ عَرَفْتُ اَصْحَابِي عِنْدَهُ فَأَيَّدَهُمْ بِاَسْبَابِ المَعاشِ وَقَرَأْنَا عَلَيْهِ الحَدِيثَ (١) که از این عبارت استفاده میشود که مرحوم سید جزائری و دوستانش ، با حمایت علامه مجلسی ، مشکلات مالیشان حل شده ، و همگی از شاگردان علامه مجلسی گردیده اند (٢)

### مدرسه كوچه كلباسی

به بخش مدرسه های قیصریه کهنه مراجعه شود .

### مدرسه كوچه كلباسی «مدرسه كلباسی»

مقصود ، مدرسه قرچقای بیك می باشد ، به عنوان یاد شده ، مراجعه شود .

### ٥٤ - مدرسه گچ کُنان

شاردن ، در سفرنامه خود در محله میدان کهنه و بازار غاز ، دو مدرسه دیده ، یکی به نام «گچ کُنان» و دیگری به نام «مقصود عصار» که نزدیک به هم

ص: ٢٤٨

١- انوار نعمانیه ، جلد ٤ ، صفحه ٣١٢ ، یعنی سپس بعد از این ، خدا بر من مَنّت گذاشت و مرا با استادمان ( علامه ) مجلسی که خدای روزگار سلامت را مستدام دارد ، آشنا ساخت پس ( آن بزرگوار ) مرا به منزل خود برد و مدت چهار سال ( تقریباً ) در نزد آن بزرگمرد باقی ماندم ، و دوستان و یاران خودم را نیز به آن بزرگوار معرفی کردم ، پس آنها را به وسیله اسباب زندگی یاری نمود و همگی در نزد او قرائت حدیث نمودیم

٢- از این مدرسه ، و داستان سید نعمت الله جزائری ، در بخش ( نمونه هائی از آثار بزرگ علمی و معنوی حوزه علمیه اصفهان ) نیز ، به مناسبت بحث نموده ایم

بوده اند (۱)

در مقاله اصفهان یا دارالعلم شرق ، مدرسه گچ کُنان ، در زمره مدارس قبل از صفویه به شمار آمده است (۲).

ولی دلیلی بر کیفیت و سال تأسیس مدرسه ، به دست نیامده است ، و لذا در کتابهای « تاریخ فرهنگ اصفهان » و « تاریخ مدارس ایران » تنها به دلیل وجود این دو مدرسه در زمان صفویه ، ( و در هنگام سیاحت شاردن ، و دیدار او از اصفهان ) ، این دو را ، از مدراس دوره صفویه شمرده اند .

## ۵۵ - مدرسه مادر شاه

مدرسه مادر شاه ، بزرگترین مدرسه محله عباس آباد و محله مستهلک بوده و محل آن در نزدیکی امامزاده شاهزاده ابراهیم ( بوده است (۳) .

بانی این مدرسه ، مادر شاه عباس دوم بوده ، و این مدرسه ، به کار مسجد نیز می رفته و محرابی که در جنب آن ساخته شده بوده ، بسیار بزرگ بوده است (۴) .

ولی در کتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان صفحه ۶۸۵ ، در بخش معرفی مدرسه چهارباغ ( مدرسه سلطانی ) می نویسد :  
مدرسه چهارباغ یا مدرسه سلطانی ، که آن را مدرسه ( مادر شاه ) نیز نامیده اند ...

ص: ۲۶۹

---

۱- سفرنامه شاردن ، صفحه ۸۰ ، تاریخ فرهنگ اصفهان ، صفحه ۹۱

۲- محیط ادب ، صفحه ۱۰۵

۳- تاریخچه محله خواجه ، صفحه ۳۱ و آثار ملی اصفهان ، صفحه ۴۶ ، سفرنامه شاردن ، صفحه ۱۴۱ ، عبارات شاردن به روشنی نشان میدهد که محل مدرسه مادر شاه ، در محله مستهلک می باشد

۴- سفرنامه شاردن ، صفحه ۱۴۱ ، تاریخ فرهنگ اصفهان ، صفحه ۹۳ - ۹۴

ملاً یحیی طالقانی ، متخلص به فکری ، در این مدرسه ساکن بوده است (۱).

#### ۵۶- مدرسه مبارکه

مدرسه ای بوده در محله طوقچی ، که مرحوم جناب در کتاب (الإصفهان) می نویسد ، مکتب آقامیرزا عبدالحسین در آنجا بوده است .

البته این مدرسه ، غیر از مدرسه مبارکيه ( آقا مبارک ) در آخر محله گلبهار (کوچه کرمانی نزدیک خیابان مشیر) می باشد ، زیرا مرحوم جناب، از مدرسه مبارکه محله گلبهار نیز ، جداگانه یاد می کند (۲).

#### مدرسه مبارکيه

مقصود ، مدرسه آقا مبارک می باشد ، به عنوان یاد شده ، مراجعه شود .

#### مدرسه محبتيه

مقصود ، مدرسه خواجه محبت می باشد ، به عنوان یاد شده ، مراجعه شود .

#### ۵۷- مدرسه محرميه

این مدرسه در شهر اصفهان ، در تاریخ جمادی الاولی ۱۱۰۸ هجری ، دائر بوده ، و محمد بن غنی جبلی ، در آن اقامت داشته است (۳) .

ظاهراً ، این مدرسه همان است که خواجه محرم ( مهتر و سوگلی شاه صفی) در محله یزد آباد ساخته ، و در جوار آن مدرسه ، کاروانسرائی بوده به نام خواجه محرم ، که خود او ساخته بوده ، و درآمد آن به مصرف شاگردان آن

ص: ۲۷۰

---

۱- دارالعلم شرق ( مخطوط ) ، صفحه ۲۱۱ ، به نقل از : تذکره نصرآبادی

۲- دارالعلم شرق ( مخطوط ) ، صفحه ۲۱۲

۳- آثار ملی اصفهان ، صفحه ۴۲

مدرسه می رسیده است (۱).

در فهرست کتابخانه آستان قدس رضوی علیه السلام رساله ای در نماز جمعه، تألیف مولانا محمد بن قاسم، از علماء نیمه دوم قرن یازدهم، مورد معرفی قرار گرفته که نسخه ای از آن، به خط محمد بن عبد الغنی جبلی، در مدرسه محرمیه اصفهان در تاریخ ۲۶ جمادی الاولی ۱۱۰۸، تحریر یافته است (۲).

#### ۵۸ - مدرسه محمد صالح بیک

در محله شیخ یوسف بنا، در سمت چپ محله خواجه، در سمت مشرق، مدرسه ای بوده، به نام محمد صالح بیک، که حمّامی متصل و متعلق به آن بوده است (۳) و در حال حاضر اثری از این مدرسه وجود ندارد.

#### ۵۹ - مدرسه مرتضویه

مدرسه ای بوده در اصفهان، که در سال (۱۱۱۱) دائر بوده است (۴)، ولی از تاریخ تأسیس و نام بانی و خصوصیات بنای آن، و نیز تاریخ از بین رفتن آن، چیزی در دست نیست.

#### ۶۰ - مدرسه مریم بیگم

یکی از مدارس مورد توجه، که وقفنامه و محتوای آن، مورد نظر و دقت قرار گرفته، و توجه مورّخین و دانشمندان صاحب نظر، در مسائل میراث فرهنگی را

ص: ۲۷۱

---

۱- سفرنامه شاردن، صفحه ۷۴، تاریخ فرهنگ اصفهان، صفحه ۹۰

۲- فهرست کتابخانه آستان قدس رضوی، جلد ۵، صفحه ۴۳۵

۳- تاریخ فرهنگ اصفهان، صفحه ۹۴ و تاریخچه محله خواجه، صفحه ۳۰ سفرنامه شاردن، صفحه ۱۴۴

۴- تاریخ مدارس ایران، صفحه ۲۸۲، و آثار ملی اصفهان، صفحه ۴۲

به خود معطوف داشته ، مدرسهٔ مریم بیگم می باشد .

این مدرسه ، در مجاورت چهارسوق نقاشی ، و اول محلهٔ خواجه بوده ، و در حال حاضر در اختیار اداره آموزش و پرورش است ، و به صورت مدارس جدیده محلّ تحصیل دختران می باشد .

بانی مدرسه ، مریم بیگم دختر شاه صفی بوده ، و این مدرسه را در سال ۱۱۱۵ هجری ساخته ، و وقف کرده است (۱).

مدرسهٔ مریم بیگم دالان بلندی داشته ، و پس از آن ، صحن مدرسه بوده و در اطراف آن حجرات محلّ سکونت طلاب ، قرار داشته است .

در طرف راست و چپ ایوان شرقی مدرسه ، دو لوح سنگی مرمر نصب شده بوده ، که مضمون آنها متمم وقفنامه و شرائط سکونت در مدرسه بوده ، و این دو لوح ، در مدرسه مریم بیگم فعلی ، نگاهداری می شود و هر دو لوح به تاریخ ۱۱۱۶ هجری و به قلم علی نقی امامی ( خطاط مشهور آن زمان ) می باشد (۲).

بخشی از وقفنامه مدرسه چنین است :

... و از جملهٔ شروط این است که باید سکنهٔ مدرسهٔ مذکوره ، مشغول تحصیل علوم دینی ، که فقه و حدیث و تفسیر و مقدمات آنها است ، و صالح و متقی و پرهیزکار و از اهل قناعت باشند ، و از زمره ارباب بطالت و کسالت و شرارت نبوده ، حجره خود را معطل و مقفل نگذارند ، بلکه شب و روز در حجره خود به مباحثه و مطالعه و عبادت مشغول باشند ، و اگر یک سال برآحدی بگذرد که

ص: ۲۷۲

---

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۶۶۲ ، البته اصل تأسیس مدرسه ار سالهای قبل بوده ، و این تاریخ ، مربوط به زمان نصب کتیبه و مدرسه میباشد . ( دارالعلم شرق « مخطوط » ، صفحه ۲۲۰ )

۲- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۶۶۲ - ۶۶۷



ترقی در حال او به حسب علم و عمل نشده باشد، یا مظنون مدرّس شود، که قابل ترقّی نیست، از مدرسه إخراج نماید، و جماعتی که در عَرَض یک سال، به حسب علم و عمل ترقّی کنند، یا مظنون شود قابلیت و ترقّی ایشان، باید که زیاده از پنج سال، در آن مدرسه ساکن نشوند... (۱).

وقفنامه یاد شده، مشتمل بر شرائط سنگین، و مقرّرات مشکل می باشد، و چه بسا همین سخت گیری ها، در متروکه و مخروبه شدن مدرسه، و عدم تجدید بنای آن به صورت مدراس حوزه علمیّه، مؤثر بوده است.

سازنده مدرسه، با نظر بلند و دقّت خاصّی که به کار می گرفته، موقوفات بسیاری برای مدرسه و مدرّس و طلاب آن قرار داده بوده، که برخی از آن موقوفات، در تبریز و بسطام و قزوین (علاوه بر شهر اصفهان) بوده است (۲).

متن وقفنامه مدرسه مریم بیگم، از صفحه ۳۰۲ تا ۳۱۶ تاریخچه اوقاف اصفهان، نوشته مرحوم عبد الحسین سپنتا نقل شده که چندین قسمت است و هر قسمتی، مربوط به بخشی از موقوفه میباشد، که در تاریخی معین، وقف شده است بدین ترتیب: « سوّم شعبان المعظم ۱۱۲۸ » - « چهاردهم رمضان المبارک ۱۱۲۹ » - « نوزدهم شوّال المکرم ۱۱۲۹ » - « بیست و هفتم شوّال المکرم ۱۱۲۹ » - « شانزدهم شوّال المکرم ۱۱۳۰ » - « یازدهم ربیع المولود ۱۱۳۱ » « بیست و ششم رجب المرجب ۱۱۳۱ »، و چندین تاریخ دیگر، که هر کدام مربوط به رقباتی است که خریداری و وقف می شده است.

ص: ۲۷۳

---

۱- آثار ملی اصفهان، صفحه ۳۱، و گنجینه آثار تاریخی اصفهان، و تاریخ فرهنگ اصفهان و تاریخ مدراس ایران و ..

۲- تاریخ اصفهان و ری، صفحه ۳۰۵

مهر و امضاء عالم و مرجع بزرگوار زمان ، میر محمد صالح خاتون آبادی ، و عالم دیگری ، به نام محمد باقر بن سید حسین ، به علاوه شخص مریم بیگم ، در این وقفنامه ، جلب توجه می نماید .

مدرّس رسمی مدرسه مریم بیگم ، شخصی به نام آقا شیخ علی بوده ، که در هنگام انتخاب شخصی برای منصب شیخ الاسلامی اصفهان، یکی از چهار نامزد برای این منصب بوده است (۱).

مریم بیگم ، زنی با فضیلت و علم دوست و مورد توجه بوده ، و لذا شیخ رضی الدّین ، محمد بن بهاء الدّین محمد بن مولی حسن علی بن مولی عبد الله تستری ، کتاب ( شرح أدعیه الشّر ) را به نام او تألیف نموده است (۲) .

معصوم بن میر اسحق حسنی ساوجبلاغی ، در سؤال ۱۱۲۵ نسخه ای از کتاب « ریاض الفتیان » را در مدرسه نواب عالیه ، مریم بیگم ، در اصفهان نوشته و نسخه یاد شده ، در کتابخانه جامع گوهرشاد می باشد (۳) .

### مدرسه مسجد شاه

مقصود ، مدرسه شاه ( مدرسه شاه عباس ) می باشد ، به عنوان یاد شده ، و نیز در شرح حال مساجدی که محلّ فعالیت علمی بوده ، بخش مربوط به ( جامع

ص: ۲۷۴

۱- در ابتداء ، پیشنهاد این منصب ، به مولی میر محمد باقر ، و سپس به آقا جمال خوانساری می شود ، و پس از پذیرفتن این دو شخصیت برجسته ، چهار نفر نامزد می شوند ۱- شیخ علی مدرس ۲ - میرزا عبدالله أفندی ۳- میرزا علیخان ۴- میر محمد صالح خاتون آبادی که در نهایت ، نفر اخیر به منصب شیخ الاسلامی منصوب گردید . ( وقائع آلسنین ، صفحه ۵۵۴ - ۵۵۵ ، وقایع سال ۱۱۱۵ )

۲- الدّریعه ، جلد ۱۳ ، صفحه ۶۷

۳- دارالعلم شرق ( مخطوط ) ، صفحه ۲۲۰ ، برگه ضمیمه

عباسی (مراجعه شود .

#### ۶۱- مدرسه مشعلدار باشی

مدرسه ای بوده ، در حدود کوچه کرمانی و بازارچه کلانتر ، که از مشخصات آن چیزی در دست نیست (۱).

#### ۶۲- مدرسه مقصود عصار

در محله بازار غاز ، ( اوائل خیابان ولی عصر علیه السلام فعلی ، و نزدیک فلکه سبزه میدان ) ، دو کاروانسرا و دو مدرسه ، یکی به نام مقصود عصار ، و دیگری به نام گچ کُنان ( نزدیک به هم ) واقع بوده است (۲) .

#### ۶۳- مدرسه مقصودیه ناظریه

در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ، نسخه ای از کتاب خلاصه الأذکار، تألیف مرحوم فیض کاشانی ، به شماره ۳۸۱۰ موجود است ، که آن را ، بایزید بن نظام الدین عبد الرزاق بسطامی ، در پنج شنبه ۲ ربیع الثانی سال ۱۰۹۹ ، در مدرسه مقصودیه ناظریه ، کتابت نموده است .

بنا به نظر آقای سید مصلح الدین مهدوی ( نویسنده معاصر ) ظاهراً مراد از مقصودیه ناظریه ، مدرسه ای است که بانی آن ، مقصود بیگ ، ناظر شاه عباس و بانی چهارسوق مقصود بوده ، و احتمالاً محل مدرسه ، در همان محدوده چهارسوق مقصود و مسجد شاه ، ( جامع عباسی ) بوده است (۳) .

ص: ۲۷۵

---

۱- دار العلم شرق (مخطوط) ، صفحه ۲۲۲

۲- سفرنامه شاردن ، صفحه ۸۰، تاریخ فرهنگ اصفهان ، صفحه ۹۱

۳- دار العلم شرق (مخطوط) ، صفحه ۲۲۵

شاردن در حدود محله دارالبطیخ ، از خانه و مدرسه ای به نام میرزاخان یاد می کند (۱). وی از حاکم های زمان شاه عباس کبیر بوده است .

#### ۶۵- مدرسه و مسجد میرزا رضی

شاردن ، پس از ذکر کاخ میرزا رضی ، می نویسد :

وصل به کاخ میرزا رضی ، مسجدی است بدین نام ، که او خود بنا نهاده ، و دو طبقه و اطاقهای زیادی دارد ، که در آن طلاب علوم دینی و ادباء ، مسکن می گزینند ، حوضی مقابل شبستان است . این مسجد دری بزرگ دارد و مانند سایر مساجد ، زنجیری از آن در آویخته است (۲) .

عبارات بالا نشان میدهد که این مسجد ، دارای شبستان بوده ، و حجرات زیادی در دو طبقه داشته ، که مسکن طلاب و ادباء بوده ، و مجموعه ( مسجد و مدرسه ) را شکل می بخشیده است .

در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ، نسخه ای از کتاب تهذیب الأحکام شیخ طوسی ، به شماره ۱۷۱۹ وجود دارد ، که محمد کاظم بن ملا محمد تقی لقمانی مازندرانی ، در سال ۱۹۹۳ در مدرسه میرزا رضی ، در اصفهان از نوشتن آن فارغ گردیده است (۳). و هم چنین نسخه ای از کتاب « برهان شفاء - نفس شفاء - نبات شفاء » به وسیله محمد رضا قمی ، در سال ۱۰۸۰ در مدرسه میرزا رضی نوشته شده ، که این نسخه ، در کتابخانه شخصی آقای سید مصلح الدین

ص: ۲۷۶

---

۱- سفرنامه شاردن ، صفحه ۸۰ ، و تاریخ فرهنگ اصفهان ، صفحه ۱۱

۲- سفرنامه شاردن ، صفحه ۱۳۳

۳- دار العلم شرق ( مخطوط ) ، صفحه ۲۳۷

مهدوی، موجود می باشد (۱). محلّ مدرسه میرزا رضی، در حوالی قصر منشی (منشی الممالک) نزدیک خیابان نشاط فعلی بوده، و میرزا رضی، پسر حوّا بیگم، دختر شاه عباس کبیر می باشد (۲).

### شخصیتی عجیب و شگفتی آفرین

شاردن، در مورد میرزا رضی و عجائبی که از او دیده، مطالبی می نویسد که، قسمت هائی از آن را عیناً نقل می نمائیم:

... حوّا بیگم، دختر شاه عباس کبیر است، که با صدر خاصّه (۳) ازدواج کرد، و میرزا رضی، تنها پسر صدر خاصه و حوّا بیگم بوده، صدر، در جوانی مرد و حوّا بیگم به عقد ازدواج یک روحانی دیگر در آمد، که او را برای تجلیل واحترام، به مقام صدارت خاصّه رساندند، حوّا بیگم باز فرزندان آورد، که دو نفرشان پسر بودند...، این سه پسر همه کور هستند (در اینجا علت این که آنها را عمداً کور کرده اند، ذکر می کند). میرزا رضی با وجود کوری، زیباروی و

ص: ۲۷۷

---

۱- دار العلم شرق، صفحه ۲۳۷، برگه ضمیمه

۲- دار العلم شرق (مخطوط)، صفحه ۲۳۷

۳- صدر خاصّه متصدی موقوفه های خاندان سلطنتی در حکومت صفویّه بوده، چنانچه صدر عامه متصدی امور موقوفات در تمامی کشور بوده است. (تاریخچه اوقاف اصفهان، صفحه ۳۱۹) البته باید توجه داشت که مناصب دینی در حکومت صفویه، از قبیل صدارت عامه و خاصه، شیخ الاسلامی، امامت جمعه، قضاوت و... گاهی در مورد یک نفر جمع میشده، و گاهی کسانی، هر منصبی را به دست می آورده اند و اختیارات صاحبان آن مناصب نیز، همیشه یکسان نبوده است. برای آشنائی بیشتر با این مطلب، به تاریخچه اوقاف اصفهان از صفحه ۳۱۹ به بعد و زندگینامه علامه مجلسی، جلد ۱، از صفحه ۲۷۲ به بعد و نیز سفرنامه های شاردن و تاورنیه و سانسون مراجعه شود)

خوش منظر است ، و نه تنها فاقد بینائی است ، بلکه چشم هم ندارد ... ، مهارت و لیاقت شاهزادگان کور ایران ، در امور صنعتی و هنرهای دستی ، باور نکردنی است ، خانواده مذکور ، نمونه های عجیبی در این باره دارند . میرزا رضی ، عالم ریاضیات به ویژه در جبر و مقابله است ، که تصاویر و محاسبات ریاضی را ، با چوبهای کوچکی انجام میدهد ، و علاقه شدیدی به ساعت های جیبی و ساعت های دیواری دارد ، و به همین نسبت که آنها را دوست می دارد ، از ساختمان آنها نیز سر رشته و اطلاع کافی دارد . قریب دویست عدد ساعت های خود را به من نشان داد . ساعت را باز و بسته می کند ، و کوچک ترین قطعات و اسباب آن را که مخلوط باهم باشد ، از یکدیگر جدا ، و ساعت را مجدداً سوار می نماید ، این کار با چنان سرعتی انجام می گیرد ، که اگر انسان نوار جلوی چشم او را مشاهده نکند ، تصور کوری او مشکل می باشد ، این نوار دستمال آبریشمی کوچکی است ، که برای پنهان داشتن منظر ، موحش کوری ، روی چشم می بندد ... هنگامی ، من یک ساعت معمولی را که جعبه آن طلاکاری و مینا بود ، با ساعت های دیگری که جعبه های آنها نقاشی جنگی داشت ، و بسیار ظریف بودند ، درهم کرده و به او دادم ، که اشخاص بینا ، که چندان اطلاعی از ساعت نداشتند ، به زحمت آنها را از هم تمیز می دادند ، به محض این که به دست او رسید ، فوراً شناخته ، آنها را کنار گذارد ، و به من گفت : چرا این ساعت معمولی را با ساعت های دیگر که بسیار زیبا هستند مخلوط کرده ای ؟

او یک چرخ یا یک عقربک بدی را ، میان بیست عدد آنها که با هم کار می کردند ، می شناخت و بیرون می آورد ، و خورد می کرد ... من مطلب دیگری درباره مقایسه این دو برادر ( میرزا رضی و برادر او ) و معرفت و مهارت ایشان در علوم ریاضی ، که در آن کتابها تألیف می کنند ، و آن را تدریس می نمایند ،

نمی گویم ، فقط راجع به برادر ارشد ( میرزا رضی ) مطالبی می نگارم ، و نسبت به برادر کهتر به همین اکتفا میکنم ، که تقریباً برابر و مانند برادر بزرگتر است ....

این کور عجیب ، محاسبه حرکات سماوی را با دقت انجام می دهد و معادلات سه مجهولی را مانند بهترین منجمین اروپا ، حل می کند .

من مکرر عملیات ریاضی و تدریس این شخص را ، دیده ام که با نیروی سرانگشتان خویش ، می خواند و می نویسد ( البته با توجه به این که خطوط و نقوش مخصوص نابینایان ، در آن زمان وجود نداشته ، اهمیت مطلب معلوم می شود ) ... برادر کمالتر ، یک هنر عجیب و باور نکردنی دارد ، که هیچ شخص کوری ندارد ، و آن این است که به کمک قطعات چوب ، شکل انسان و حیوانات و گل و اشکال دیگر را ، مانند بهترین نمونه و سرمشق ، میسازد . من از دیدار این شخص و مشاهده اعمال ماهرانه ، و تند دستی او ، بسیار در شگفت ماندم (۱) .

میرزا رضی ، که ریاضی دان بزرگی بوده ، در زمره علماء روحانی به شمار می رفته ، چنانچه خود او برای اثبات اولویش ، برای تولیت موقوفه ای خانوادگی ، که طبق دستور واقف و وقفنامه ، باید تولیت آن بر عهده أعلم و أعدل افراد خانواده باشد ، این عبارت را گفت : چگونه با وجودی که من کورم ، لیاقت و شایستگی تولیت را ندارم ، من از هر کس طبق نظر واقف ، بیشتر صلاحیت این کار را دارم ، زیرا ، هم عالمی روحانیم ، و هم از نسل شاهم (۲) .

## ۶۶ - مدرسه میرزا عبد الله أفندی

محقق بزرگ ، میرزا عبدالله أفندی جیرانی اصفهانی ، که عالمی بسیار متتبع

ص: ۲۷۹

۱- سفرنامه شاردن ، از صفحه ۱۲۷ تا ۱۳۲

۲- سفرنامه شاردن ، صفحه ۱۳۳

و دانای به فنون متداوله بوده است ، در جوار منزل خود ، مدرسه ای ساخته بوده ، که در آن ، به إفاده و تدریس ، اشتغال داشته است (۱).

میرزا عبد الله أفندی ، صاحب کتاب نفیس و ارزشمند «ریاض العلماء» ، میباشد و ظاهراً ساکن محله جیران بوده ، و طبق تحقیق آقای عباس بهشتیان ، محله جیران ، جنب کارخانه پروین ، (واقع در خیابان پروین فعلی) در قسمت شرقی کوهسار، قرار داشته است (۲) و بر این مبنا، محلّ مدرسه یاد شده در محله جیران (خیابان پروین فعلی) بوده ، و در دوران آبادی و گسترش اصفهان ، معمور بوده، و در فتنه أفغان ، متروکه و مخروبه گردیده است .

### ۶۷- مدرسه میرزا قاضی

شاردن در ضمن شرح محله نیم آورد می نویسد : میان این محله ، گود نسبتاً بزرگی است به نام گود نیم آورد ، که بالاتر از آن ، کاروانسرای فیل و کوچه موتابان ، و سپس قصر و مدرسه میرزا قاضی شیخ الإسلام است (۳).

### مدرسه ناظریه

مقصود ، مدرسه مقصودیّه ناظریه می باشد ، به عنوان یاد شده ، مراجعه شود

### ۶۸- مدرسه نجفقلی بیگ

مدرسه ای بوده که نجفقلی بیگ ناظر ، در اصفهان ساخته و در تاریخ ۱۱۰۴ هجری ، معمور بوده و در آن تاریخ ، جلال الدین محمد بن عماد الدین محمود

ص: ۲۸۰

---

۱- تاریخ حزین ، صفحه ۶۳ ، و کتاب و کتابخانه های ایران ، جلد ۲ ، صفحه ۱۵۴

۲- دار العلم شرق (مخطوط) ، صفحه ۳۱

۳- سفرنامه شاردن ، صفحه ۹۰ ، تاریخ فرهنگ اصفهان ، صفحه ۹۲



لاهیجی ، نسخه ای از « تهذیب » را از کتاب زکوه تا آخر باب اجارات ، تحریر نموده است (۱). در حال حاضر از این مدرسه ، اثری وجود ندارد .

#### ۶۹- مدرسه نجفیه ، معروف به مدرسه توشمال باشی

(۲)

مدرسه ای بوده ، که در اواخر قرن یازدهم دایر بوده، و در سال ۱۰۸۴ هجری ، محمد طاهر بن حاج محمود اشتهاردی ، نسخه ای از «شفاء» بوعلی را ، در آن نوشته است . نسخه یاد شده در کتابخانه فرهنگ اصفهان ( وابسته به مدرسه سلطانی ، چهارباغ ) موجود میباشد (۳) .

از مدرسه یاد شده و اطلاع دیگری در زمینه سال تأسیس و بانی و چگونگی ساختمان و ... ، به دست نیامده است .

#### ۷۰- مدرسه نزدیک مسجد لبنان

مدرسه ای بوده از هفت مدرسه محله عیاس آباد ( متعلق به دوره صفویه ) ، در نزدیکی مسجد لبنان ، در دنباله کوچه نگارستان ، که باقی مانده آن ، به صورت نمازخانه کوچکی در خیابان اردیبهشت در آمده است (۴) .

#### ۷۱- مدرسه نواب

در کتابخانه آیه الله العظمی مرعشی نجفی ، نسخه ای از « من لا یحضره الفقیه » شیخ صدوق ، به خط نسخ محمد علی بن محمد رضا تونی خراسانی ، وجود دارد،

ص: ۲۸۱

---

۱- فهرست کتابخانه آستان قدس رضوی ، جلد پنجم ، صفحه ۵۹

۲- توشمال = ناظر و خوان سالار و چاشنی گیر و رئیس طائفه لرها ( فرهنگ نفیسی )

۳- فهرست نسخه های خطی کتابخانه عمومی اصفهان ، جلد ۱ ، صفحه ۲۶۸

۴- تاریخ فرهنگ اصفهان ، صفحه ۱۲۴

که در سال ۱۱۴۵ در اصفهان ، در مدرسه نَوَاب نوشته است (۱). و در کتابخانه مسجد اعظم قم ، نسخه ای از « مقاصد العلیّه فی شرح الألفیه » از شهید ثانی وجود دارد، که به خط رفیع بن محمد بن مظفر حسینی دیهوکی طبسی گیلکی ، نوشته شده در تاریخ ۱۱۰۰، در شهر اصفهان ، در مدرسه نَوَاب (۲) می باشد .

احتمال داده می شود که ، مدرسه نَوَاب همان مدرسه شفیعیّه أحمد آباد باشد، که در کوچه نواب بوده است . به بخش مدرسه شفیعیّه أحمد آباد، مراجعه شود .

## ۷۲- مدرسه وزیر «مدرسه صدر عامه»

شاردن ، در نزدیکی حَمَام شیخ بهائی ، و کوچه آقا شیر علی ، از مدرسه ای به نام وزیر موقوفات ( صدر عامه ) یاد می کند (۳).

در تعیین محل دقیق این مدرسه و خصوصیات آن ، احتمالاتی داده شده ، ولی دلائل قطعی و قانع کننده برای این مطلب ، به دست نیامد .

## مدرسه هاشمیّه قاسمیّه

مقصود ، مدرسه قاسمیّه هاشمیّه می باشد ، به عنوان یاد شده ، مراجعه شود .

## هفت مدرسه خواجه

عنوان بالا ، در بسیاری از کتابهای تاریخ و جغرافیا مطرح گردیده ، که مراد از آن، مدارسی است در محله خواجه ، به نامهای :

۱- مدرسه پریخان خانم ، ۲- مدرسه زینب بیگم ، ۳- مدرسه اسفند یار بیگم ،

ص: ۲۸۲

---

۱- فهرست نسخه های خطی کتابخانه آیه الله مرعشی ، جلد ۷، صفحه ۲۸۸

۲- فهرست نسخه های خطی کتابخانه مسجد اعظم قم ، صفحه ۴۳۳

۳- سفرنامه شاردن ، صفحه ۱۱۲ ، تاریخچه اوقاف اصفهان ، صفحه ۳۱۹

۴- مدرسه دده خاتون ، ۵- مدرسه سارو تقی ( که در محل آن ، مدرسه آقا شیخ محمد علی ساخته شده است ) ۶- مدرسه مریم بیگم ۷- مدرسه شاه حسن ( اوزون حسن ) (۱).

البته شاردن ، در سفرنامه اش ، شمار مدارس محله خواجه را در زمان صفویه ، هشت عدد میدانند ، و چنین نوشته است: محله خواجه ، که آن را محله حسن آباد نیز می نامند ... ، شامل یکهزار و یکصد و یازده خانه ، و دوازده مسجد کوچک و بزرگ ، و پانزده کاروانسرای بزرگ و کوچک ، و هشت مدرسه ، و بیست حمام ، و دوازده بازار است (۲).

### هفت مدرسه ، دنبال نهر فرشادی

(۳)

در دنبال نهر فرشادی ، ( در محله عباس آباد و کوی مستهلک ) هفت مدرسه وجود داشته است ، که در کتب تاریخ و جغرافیا ، با همین عنوان ( هفت مدرسه ) از آن یاد می شود ، و ما برخی از آنها را جداگانه مورد معرفی قرار داده ایم ، و اینک نام پنج عدد از آنها را که یافته ایم ، به دنبال هم ذکر می کنیم: ۱- مدرسه شمس آباد ۲- مدرسه آقا کمال خازن ، ۳- مدرسه عباس آباد ، ۴- مدرسه نزدیک

ص: ۲۸۳

- 
- ۱- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر ، صفحه ۳۰۶ تا ۳۰۹ ، البته ما در باره هر مدرسه ای جداگانه بررسی کرده ایم
  - ۲- سفرنامه شاردن ، صفحه ۱۲۷
  - ۳- نهر فرشادی ، نهری است که از محله لبنان عبور میکند و به محله شمس آباد مرور نموده و از زیر چهارباغ قدیم میگذرد و از میان مدرسه چهارباغ سلطانی و نیز از میان کاروانسرای بازارچه بلند که خلف مدرسه است عبور نموده و ... ( نصف جهان فی تعریف الإصفهان ، صفحه ۱۰۰ )

مسجد لبنان ( در دنباله کوچه نگارستان ) ، ۵- مدرسه مادر شاه (۱).

در کتاب ارزشمند گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، در صفحات ۸۰۳ و ۸۰۴ و ۸۳۰ به نحو اجمال و با عنوان هفت مدرسه ، از این آثار دوره صفویه ، یاد شده ، و محله آنها اطراف و جنب شاهزاده ابراهیم ( واقع در محله مستهلک ، خیابان ابوذر فعلی ) ذکر شده است .

آن رشک جنان را که لقب نصف جهانست

زان نصف جهانست که نصفش به جهانست

خُلد است بدان نصفه که آن نصفه عیانست

ماه است بدین نیمه که این نیمه عیانست

گر کُلّ جهان نیست ولی کمتر از آن نیست

ور نصف جهانست ولی خوشتر از آن است

در هر قدمش صد اثر از دانش و علم است

وز هر رقمش صد هنر از پیشه وران است

از لطف إله آنهمه آواز□ توحید

از مسجد وی خاسته با بانگ اذان است

آن مسجد شاهی نسبش از در نسبت

گر کعبه خُرد است ولی مهد امان است

وان گنبدش از گنبد گردنده باواز

لئیک اجابت را پیغام رسان است

امیری فیروز کوهی

۱- به تاریخ فرهنگ اصفهان ، صفحه ۱۲۳ تا ۱۲۵ مراجعه شود

## ۵- مدارس علمیة اصفهان پس از دوره صفویة تاکنون

اشاره

ص: ۲۸۵



با این که حوزه علمیه اصفهان پس از قرن یازدهم و دوران پرفروغ و درخشش خود، با وجود شیخ بهائی ها و میردامادها، مجلسیها و فاضل هندی ( اصفهانی ) ها، در اثر حوادث تلخ تاریخی، گرفتار سخت ترین مشکلات و نابسامانی ها گردید، و شهر اصفهان در اثر ضربه های گوناگون، به رکود و ویرانی شدید دچار گردید، و در طول سالیان ممتد، از تأسیس مساجد و مدارس جدید آلاحداث، در سطحی وسیع و مناسب شئون و عظمت شهری بزرگ و تاریخی محروم گردید، ولی با این حال، در قرن سیزدهم و چهاردهم، و بالخصوص در سی ساله اخیر، نه تنها مساجدی بزرگ و جالب همانند: مسجد سید و مسجد رحیم خان ( مسجد الرحیم ) و مسجد حاج محمد جعفر آباده ای و مسجد آیه الله امامی و مسجد آلبی و ...، باهمت علماء و مجتهدین عالیقدر و مردم با ایمان این شهر، تأسیس گردید، بلکه مدرسه های علمیه ای ساخته شد، و مدارس علمیه قدیمی، تعمیر اساسی و در بعضی موارد، تجدید بنا گردید، و مخصوصاً در ربع قرن اخیر، حرکت بسیار جالبی در تجدید رونق مدارس علمیه، و ایجاد تحریک علمی و توسعه و گسترش فعالیت علمی و تبلیغی حوزه علمیه، در این شهر بزرگ و تاریخی انجام گرفته، و در حال رشد می باشد، و علمای بزرگ و مدرّسین عالیقدر، نقش ارزشمند خود را ایفا نموده و مینمایند.



و اینک ، در این بخش ، مدارس علمیّه ای را که در قرن سیزدهم و چهاردهم ، و اوائل قرن پانزدهم ( تا زمان تنظیم این نوشتار ، در سال ۱۴۱۳ قمری ) تأسیس گشته ، مورد بحث و معرفی قرار می دهیم ، و به ترتیب حروف الفباء ، از آنها یاد می کنیم :

### ۱- مدرسه الغدیر

مدرسه ای است در منتهی الیه خیابان مشیر انصاری ، در کوچه ای که به خیابان هاروتیه ، متصل می گردد ، و در اصل ، منزلی مجلل و مسکونی بوده ، که جزء میراثهای فرهنگی به شمار می رود ، و در سال ۱۴۰۵ قمری ، تبدیل به مدرسه علمیّه گردیده است .

مساحت این مدرسه ، ۲۴۰۰ متر می باشد ، و تغییرات و تجدید بنا ( در قسمتی از ساختمان ) و تعمیراتی اساسی یافته ، و زیر نظر آیه الله ، آقای حاج سید حسن فقیه امامی دامت برکاته ، در اختیار حوزه علمیّه قرار گرفته ، و محلّ تشکیل شماری از جلسات درسی برنامه مفصل مدرسه ذو الفقار (۱) می باشد .

سردری مجلل و باشکوه برای مدرسه الغدیر تأسیس گشته ، که با کاشی های معرق و آجر نما و قطار بندی های زیبا ، تزئین گشته ، و بر شکوه مدرسه افزوده است . بالای درب اصلی مدرسه ، در کتیبه ای زیبا ، بر روی کاشی معرق ، چنین نوشته شده است :

با تأییدات خداوند متعال و عنایات خاصّه حضرت بقیه الله الأعظم ، حجه بن

ص: ۲۸۸

---

۱- درباره برنامه درسی بسیار مفصل مدرسه ذو الفقار ، و مدارس وابسته ، در بخش مدارس علمیّه دوره صفویّه ( قسمت مربوط به مدرسه ذو الفقار ، بررسی و توضیح مفصل داریم

الحسن العسکری (عج) ، این مدرسه مبارکه ، به عنوان یادبود مرحوم مغفور ، حاج ملا حسین سمائیان رحمه الله علیه ، جهت تحصیل طلاب حوزه علمیه اصفهان وقف خاص مؤبد گردید ، و استفاده برای هیچ کس و هیچ کار دیگر ، جز به موارد مقرر در وقفنامه ، جایز نیست . تاریخ اول محرم ۱۴۰۵ .

علاوه بر کتیبه یاد شده ، در مجموع کاشی کاری سر در جالب مدرسه ، سوره (علق) و أسماء مبارکه چهارده معصوم علیهم السلام و ... ، با خط زیبا، نوشته شده است

### نامگذاری مدرسه

پس از آن که مدرسه یاد شده آماده بهره برداری گردید ، نویسنده این سطور (حاج سیئه حجّه موحد ابطحی) با توجه به شرایط آن روز جامعه و فعالیت‌های عناصر مغرض و مفسد ، برای تضعیف امر ولایت ائمه معصومین علیه السلام و بالأخص امیر المؤمنین علی علیه السلام ، به حضرت آیه الله فقیه امامی دامت برکاته پیشنهاد کردم که نام مدرسه را (الغدیر) بگذارند، و ضمناً جشن باعظمتی را نیز همه ساله در عید سعید غدیر خم (۱۸ ذی الحجه الحرام) در این مدرسه بر پا سازند، و آن بزرگمرد، با توجه به علاقه شدیدشان نسبت به مسئله ولایت اهل البيت عليهم السلام عموماً ، و ولایت امیرالمؤمنین علی علیه السلام خصوصاً ، و هر دو پیشنهاد را پذیرفتند ، و مدرسه ، به نام (الغدیر) نامگذاری شد ، و در کاشی کاری بالای درب مدرسه ، این نام مبارک نصب گردید ، و همه ساله ، جشنی بسیار جالب و پرشکوه ، به مناسبت مراسم عید غدیر خم ، و انتصاب مولى الموحدين ، امیر المؤمنین علی علیه السلام به خلافت و جانشینی بلافضل حضرت خاتم الأنبياء ، حضرت محمد بن عبد الله صلى الله عليه وآله ، برگزار می گردد ، و طبقات مختلف از حوزه علمیه و دانشگاه ، و تمامی مراکز اجتماعی و ادارات دولتی و اصناف و کسبه ، شرکت می نمایند .

## ۲- مدرسه امیر المؤمنین علی علیه السلام

مدرسه ای است که در نزدیکی فلکه قدس (طوقچی) و در محلّ مصلاّی قدیم طوقچی، در کنار مسجد بزرگ و با اهمیتی، تأسیس گردیده است.

مدرسه یاد شده، دو طبقه است با ۸۰ حجره و امکانات مناسب، که ۲۰ حجره آن تکمیل شده و محلّ سکونت طلاب می باشد، و در حال حاضر ۳۰ نفر طلبه دارد. فعلاً، کتابخانه ای با حدود ده هزار جلد کتاب و امکانات کامپیوتری، در مدرسه علمیه امیر المؤمنین علی علیه السلام فعالیت دارد، ولی در آینده، در قطعه زمینی که تهیه شده، بنا دارند کتابخانه مفصل و مستقلّی تأسیس نمایند، که مجموعه (مسجد - مدرسه - کتابخانه عمومی) در کنار هم قرار گیرد.

تأسیس مسجد و مدرسه یاد شده، در دوره اخیر، در سال ۱۴۰۰ قمری، به وسیله یکی از روحانیون پر تلاش اصفهان، حجه الإسلام و المسلمین، آقای حاج سید نورالدین جعفریان انجام شده، و در حال تکمیل و توسعه می باشد.

## مدرسه امین الدوله

مراد، مدرسه صدر خواجه می باشد، که عبد الله خان امین الدوله صدوری، فرزند حاج محمّد حسین خان صدر اعظم اصفهانی، ساخته است (۱) به عنوان مدرسه صدر خواجه، مراجعه شود.

## ۳- مدرسه علمیّه باقر العلوم علیه السلام

مدرسه ای است واقع در خیابان احمد آباد، نزدیک آزمایشگاه و رادیولوژی (مهدیه)، که در حدود سال ۱۴۰۵ قمری، زیر نظر یکی از روحانیون اصفهان،

ص: ۲۹۰

حجّه الإسلام و المسلمین ، آقای سید کمال فقیه ایمانی ، تأسیس گشته است

مدرسه یاد شده دو طبقه است ، با حدود ۲۵ حجره ، که تعدادی از آنها برای تدریس ، و شماری برای سکونت طلاب ، مورد استفاده قرار می گیرد .

درسهای مدرسه باقر العلوم علیه السلام ، در دوره مقدمات و سطح می باشد ، و سردر آن ، با کاشی های معرق و کتیبه های زیبا ، با خطی نیکو تزئین گردیده است .

#### ۴- مدرسه پاقلعه «مدرسه صدر پاقلعه»

حاج محمد حسین خان صدر اصفهانی ، که مردی دیندار و علاقه مند به حفظ آثار گذشته بوده ، تا جایی که درباره او گفته شده : اگر علاقه و دلسوزی آن مرحوم نبود بسیاری از آبنیه عهد صفویه ، همان وقت از بین می رفت (۱).

وی علاوه بر تعمیر و احیاء آثار ارزشمند دوره حاکمیت صفویه ، بناهایی به سبک دوره صفویه ایجاد نمود ، و مدرسه ها و آثار دینی دیگری ، از خود به جای گذارد .

مدرسه صدر پاقلعه ، که در محله پاقلعه ، و در نزدیکی قلعه طبرک (طبره) قرار گرفته ، یکی از آثار مرحوم صدر میباشد . این مدرسه دارای شبستانی جالب برای اقامه نماز جماعت و ده حجره برای طلاب علوم دینیته می باشد ، و مجموعه ( مسجد - مدرسه ) را شکل می بخشد ، و سالهائی است که فقط به عنوان مسجد و فعالیت های تبلیغی از آن استفاده می شود .

به نوشته مرحوم جناب ، طول و عرض مدرسه  $۳۲ \times ۳۲$  میباشد (۲) ، و یک طبقه است ، و سردر و دالانی جالب دارد ، و اطراف صحن آن ، با کاشی های

ص: ۲۹۱

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفان ، صفحه ۷۵۰

۲- دار العلم شرق (مخطوط) ، صفحه ۵۲

خشت هفت رنگ ، تزیین شده است .

کتیبه سر درِ مدرسه ، که تاریخ ۱۲۱۷ قمری را نشان می دهد ، مشتمل بر چنین عباراتی می باشد :

لَقَدْ بَنَى هَذِهِ الْعِمَارَةَ الْمُشْتَمِلَةَ عَلَى الْمَسْجِدِ الشَّرِيفِ (۱) وَالْمَدْرَسَةِ الرَّفِيعَةِ، فِي زَمَنِ دَوْلَةِ السُّلْطَانِ الْأَعْظَمِ وَالْخَاقَانِ الْأَكْرَمِ،  
مُحْيِي مَرَامِ الشَّرِيعَةِ الْعَرَاءِ وَ مُشَيِّدِ مِلَّةِ الْبَيْضَاءِ، مُرَوِّجِ آثَارِ أَيْمَةِ الطَّاهِرِينَ (۲) ... فَتَحَعَلَى شَاهِ قَاجَارٍ .. أَعَدَلَ حُكَّامَ الزَّمَانِ وَزَائِرِ  
بَيْتِ اللَّهِ الْحَرَامِ ، حَاجِي مُحَمَّدِ حُسَيْنِ خَانَ ... الْوَالِي فِي دَارِ السُّلْطَنَةِ إِصْفَهَانَ .. فِي عَامِ سَبْعِ عَشْرَةَ وَ مِائَتَيْنِ بَعْدَ الْأَلْفِ ۱۲۱۷ (۳) .  
تولیت این مسجد و مدرسه ، با خاندان سید العراقین و از جمله ، مرحوم حاج سید عبدالحسین سید العراقین متوفای ۱۳۵۰  
قمری می باشد ( که از مجتهدین بزرگوار ، و از علماء و مدرّسین عالیقدر ، و از خاندان بزرگ و علمی سادات پاقلعه بوده ، و  
سالهائی عهده دار سرپرستی و تولیت مدرسه و مسجد بوده است ) (۴) .

#### ۵- مدرسه جوادیه

مدرسه ای است متّصل به مدرسه محمودیه ، و در فاصله نزدیکی با مدرسه ذوالفقار ، که در اصل منزل مسکونی بوده و با  
تغییراتی ، به صورت مدرسه در آمده ، و در حال حاضر ، محلّ تشکیل جلسات درسی برنامه وسیع مدرسه ذوالفقار و مدارس  
وابسته ، می باشد .

ص: ۲۹۲

۱- به جای عبارت فوق ، باید المسجد الشریف باشد

۲- به جای عبارت بالا ، باید ألمله البيضاء ، و الأئمه الطاهرين می باشد

۳- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۷۵۰

۴- دار العلم شرق ( مخطوط ) ، صفحه ۵۲

مدرسه ای است متصل و وابسته به مسجد رکن الملک، واقع در خیابان فیض در اول تخت فولاد اصفهان، که به وسیله « رکن الملک شیرازی »، تأسیس گشته است. سر در مسجد و مدرسه، در خیابان فیض، از زیبایی و شکوه خاصی برخوردار می باشد، و سپس حیاط مدرسه است، که شش حجره دارد، و از آنجا به صحن مسجد منتهی می شود.

صحن مسجد بزرگ است، و در قسمت جنوبی آن، ایرانی زیبا و گنبدی بزرگ و باشکوه ساخته شده، که بر ستونهای سنگی بلندی استوار است، و چهار ماده تاریخ از چهار شاعر، بر روی ستونهای سنگی، منقوش گردیده است.

ساختمان مدرسه و مسجد رکن الملک، با سر در زیبا و نماسازی کاشی کاری، و گنبد بزرگ و زیبا و صحن وسیع و حوض بزرگ و استحکام بنا، و کتیبه های گوناگون، و سایر مزایای این مجموعه دینی و علمی، نشانه بلند نظری و اعتقاد دینی و ذوق و لطافت روحی رکن الملک و شعرای معاصر و معاشر با او، و هم چنین هنر و ذوق هنرمندان و معماران آن دوره می باشد.

ساختمان مدرسه و مسجد، چندین سال طول کشیده و تاریخهای گوناگون از ۱۳۱۹ تا ۱۳۲۴ قمری، در آن دیده می شود، که تاریخ پایان بنا، همان ۱۳۲۴ می باشد (۱). مدرسه رکن الملک، در حال حاضر به علت دوری از مرکز حوزه علمی و علل دیگر، مورد سکونت و استفاده طلاب علوم دینی

ص: ۲۹۳

---

۱- مجله یادگار، سال سوم، شماره نهم، ص ۳۸، مقاله سید محمد صدر هاشمی - کتیبه لوح سنگی منصوب به دیوار آب انبار مسجد رکن الملک، مشتمل بر ماده تاریخی است، که سال ۱۳۲۵ را نشان می دهد. (گنجینه آثار تاریخی اصفهان صفحه ۸۰۷)

نمی باشد، و در اختیار امور مسجد و اهالی محل قرار دارد.

مرحوم رکن الملک، بانی مسجد و مدرسه، سلیمان خان شیرازی، متخلص به (خلف) و ملقب به (رکن الملک) و متوفای ۱۳۳۱ قمری می باشد. وی در ابتدای امر، به تحصیل علم و دانش و خط نسخ تعلیق (نستعلیق) و شکسته پرداخت، و در زمینه خط، به مقامی بلند دست یافت، که محسود اقران گردید (۱) و در زمینه شعر و ادب تا آنجا اقدام نمود که دیوان شعرش مشتمل بر پنجاه هزار شعر، از غزل و قصیده و قطعه و مثنوی می باشد، و در فن انشاء، مهارتی بسزا داشته است (۲).

مرحوم رکن الملک، با آنکه نائب الحکومه اصفهان بوده، و با ستمگری جنایت پیشه، همانند ظل السلطان، معاشرت داشته، ولی به علمت اعتقاد و ایمان مذهبی از یک طرف، و علم و دانش و ذوق ادبی و شعر از طرف دیگر، به دادِ مظلومان می رسیده، و به دانشمندان و شعراء، احترام می گذارده، و در ترویج علم و دین، می کوشیده است (۳).

از آثار زیاد او، علاوه بر مسجد و مدرسه رکن الملک، بنای بقعه آقا محمد بید آبادی، و بنای بقعه حاج محمد جعفر آباده ای، و تعمیر و مرمت تکیه میرفندرسکی، و تعمیر مسجد سرخی «سفره چی» (که متعلق به جدّ اعلای خودش بوده) و آئینه کاری ایران حرم عسکریین علیهم السلام، در سامراء، و چاپ قرآنهاى رکن الملکى، و زاد المعاد رکن الملکى، و تأسیس شرکت اسلامیّه،

ص: ۲۹۴

---

۱- فارسنامه ناصری، جلد ۲، صفحه ۲۵، چاپ قدیم و صفحه ۹۱۶ چاپ جدید

۲- مجله یادگار، سال سوم، شماره نهم، صفحه ۴۵

۳- دانشمندان و سخن سرایان فارس، جلد ۲، صفحه ۴۵۵، و دیگر کتب تراجم و تاریخ و جغرافیا

و تأسیس ادارهٔ دعوتخانه اسلامی، (جهت تبلیغ اسلام)، و تأسیس مجلهٔ (الإسلام)، یا (گفتگوی صفاخانه اصفهان) می باشد، که برای مبارزه با تبلیغات مسیحیان انجام گرفته است (۱)، و هم چنین از آثار او، چاپ صحیفهٔ سجادیهٔ حضرت امام زین العابدین علی بن الحسین علیه السلام می باشد، که نسخه های زیادی از آن را همانند نسخه های قرآن و زاد المعاد) به رایگان در اختیار مردم گذارده است (۲).

### مدرسهٔ سید العراقین

منظور، مدرسهٔ صدر پاقلعه است، که گاهی به احترام متولّی آن، مرحوم حاج سید عبدالحسین سید العراقین، متوفای ۱۳۵۰ قمری (که از مجتهدین بزرگوار بوده، و از خاندان بزرگ و علمی خاتون آبادی می باشد)، به نام «مدرسه سید العراقین» نامیده می شود. به عنوان مدرسهٔ پاقلعه، مراجعه گردد.

### ۷- مدرسهٔ بزرگ صدر «مدرسهٔ صدریه»

مدرسه ای است در مرکز بازار بزرگ و تاریخی اصفهان، در نزدیکی دروازه اشرف، و در مجاورت مسجد دارالشفا و بازار نجارها، که در حال حاضر مرکز حوزهٔ علمی اصفهان می باشد، و از نظر موقعیت علمی و اجتماعی، مهمترین مدرسهٔ علمی اصفهان، به حساب می آید.

مدرسهٔ صدر، در طول تاریخ، (از ابتدای تأسیس تا کنون) مرکز اجتماع علماء و فضلاء، و محلّ تدریس چهره های مبرز علمی، در رشته های فقه و اصول و کلام و فلسفه و عقائد و سایر علوم حوزه ای بوده است، و در این

ص: ۲۹۵

---

۱- مجلهٔ یادگار، سال سوم، شماره نهم، از صفحهٔ ۳۶ تا ۴۴

۲- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صفحهٔ ۸۰۵



بررسی ، دانستیهای مفیدی را درباره این پایگاه بزرگ علمی ، در ضمن چند بخش ، عرضه می نمائیم :

## تأسیس و بنای مدرسه صدر و مؤسسه آن

مدرسه صدر ، با اراده و همت بلند و روح با سخاوت مرحوم مغفور ، محمد حسین خان صدر اصفهانی (۱) ، در قطعه زمینی در حدود هشت جریب ساخته

ص: ۲۹۶

۱- حاجی محمد حسین خان صدر اصفهانی ، یکی از مردان نامدار و نیکوکار ایرانی و اصفهانی است ، که دوره زندگی او شگفتی های زیادی را در بر دارد . وی در ابتداء ، شاگرد علّافی بوده ، و از علم و دانش رسمی ، و نیز موقعیت فامیلی و امثال آن ، برخوردار نبوده است ، ولی در اثر هوش و ذکاوت و حسن تدبیر و پشتکار ، به دستگاه آقا محمد خان قاجار راه پیدا می کند ، و ملقب به ( امین الدوله ) می شود ، و سپس در زمان فتحعلی شاه ، به لقب ( نظام الدوله ) ، ملقب می گردد ، و در هنگامی که منصب صدارت اعظم را به دست می آورد ، به لقب ( صدر اعظم ) ، مفتخر می شود ، و به همین جهت ، آثار او به نام ( صدر ) ، مشهور می باشد . مرحوم صدر ، در دلجوئی از فقراء ، و حمایت از علماء ، و بخشش به سادات و طلاب ، کوشا بوده ، و با روح بخشندگی و حسن تدبیر ، در امر اداره جامعه و خدمت به علم و دانش ، به توفیق زیادی نائل می گردد و آثار و باقیات الصّالحات فراوانی ، از خود به جای می گذارد ، که نمونه هایش بدین قرار است : الف - تأسیس مدرسه بزرگ صدر ( در بازار ) . ب - تأسیس مدرسه صدر ، در خیابان چهارباغ صدر « چهارباغ خواجه » ( که به نوشته جابری انصاری ، در کتاب تاریخ اصفهان و ری ، صفحه ۳۱۱ ، این مدرسه از آثار مرحوم صدر می باشد ، گرچه در کتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۷۴۹ به نقل از جغرافیای اصفهان ، تألیف میرزا حسین خان ، تأسیس این مدرسه از آثار عبد الله خان ، پسر مرحوم صدر به شمار آمده است ) . ج - تأسیس مدرسه و مسجد صدر ، در محله پاقلعه . د - قلعه نجف اشرف ، که از اهمیت بسیاری برخوردار بوده است . ه - تعمیر اساسی مسجد جامع اصفهان . ( بقیه در صفحه بعد ) ( بقیه از صفحه قبل ) و - تعمیر اساسی مدرسه ملاعبد الله . ز - احداث خیابان چهارباغ صدر ، معروف به چهارباغ خواجه . مرحوم صدر در ماه صفر ۱۲۳۹ قمری بدرود حیات گفت ، و جنازه اش را به نجف اشرف بردند و دفن نمودند ، و قبرش معروف و مشهور و واقع در مدرسه صدر نجف می باشد . برای آشنائی با زندگانی و آثار مرحوم صدر ، به مجله یادگار ، سال دوم شماره هشتم صفحه ۴۱ تا ۵۷ ، و نیز گنجینه آثار ملی اصفهان ، از صفحه ۷۴۳ تا صفحه ۷۵۴ ، و دانشمندان و بزرگان اصفهان صفحه ۵۵۱ و ... ، مراجعه شود

شده (۱)، و تأسیس آن ، در اواسط نیمه اول قرن سیزدهم انجام یافته است ، زیرا فوت آن بزرگمرد ، در سال ۱۲۳۹ قمری اتفاق افتاده (۲)، و تأسیس چنین بنای عظیمی ، به مدت زمانی قابل توجه ، نیاز داشته است ، بنابراین می توان به نحو تقریبی ، حدود زمان پایه گذرای این بنای عظیم و تاریخی را به دست آورد و بر همین مبنا است که ، در کتاب « آثار ملی اصفهان » (۳) به نقل از ( بخشی از گنجینه آثار ملی )، و نیز در کتاب « فرهنگ اصفهان » (۴) ، تاریخ بنای مدرسه را ، سال ۱۲۲۰ ذکر کرده اند .

مدرسه صدر ، با نقشهای مشابه نقشه مدرسه چهارباغ « مدرسه سلطانی » پایه گذاری شده ، ولی مرحوم صدر در زمان حیات خود ، نه تنها موفق به ساختن طبقه دوم آن نگردیده ، بلکه نماکاری و کاشی کاری و تزیینات و تکمیل سردر آن را نیز ، انجام نداده ، و بدرود حیات گفته است .

در طبقه اول مدرسه صدر ۳۶ حجره در حیاط بزرگ ، و ۲۲ حجره در چهار

ص: ۲۹۷

---

۱- ( آثار ملی اصفهان ، صفحه ۴۷۵ )

۲- مجله یادگار ، سال دوم شماره هشتم ، صفحه ۵۴

۳- آثار ملی اصفهان ، صفحه ۴۸۱

۴- تاریخ فرهنگ اصفهان ، صفحه ۱۳۸

زاویه آن ساخته شده ، و ۶ حجره در طبقه دوم بنا گردیده ، و در طرف شمالی مدرسه ، یک ایوان بزرگ با سقف بسیار بلند ، به عنوان مدرّس ساخته شده ، و در طرف شرقی و جنوبی مدرسه ، هرکدام یک ایوان ( کوچکتر از ایوان شمالی ) بنا گشته ، که آنها هم به عنوان مدرس می باشد ، و در طرف غربی مدرسه ، به جای ایوان ، کتابخانه مدرسه صدر است ، که در زمان مرحوم آیه الله خراسانی تأسیس گشته ، و در بخش های بعدی ، از آن بحث خواهیم کرد .

شکل حجره ها و ایوانهای جلو آنها ، و مدرسها ( ایوانهای بزرگ با سقف بلند ) و حیاط بسیار وسیع ، و باغچه های متناسب ، و نسبتاً بزرگ ، بسیار جالب است و نشانه بلند نظری و همت والای بانی مدرسه می باشد ، و معماری و طرح و نقشه مدرسه ، موجب جلب توجه ، و از آثار هنر و اندیشه و ابتکار مردم با هوش و هنرمند و مبتکر اصفهان ، در نیمه اول قرن سیزدهم می باشد ، و درختهای کاج کهن و بسیار بلند ، بر زیبایی مدرسه افزوده است .

### **اقدامات تکمیلی و نماسازی مدرسه بعد از فوت مرحوم صدر**

در زمان تولیت حاج محمّد حسین خان بن میرزا علیخان صدری ، سال ۱۳۴۱ قمری ، سر در اصلی مدرسه ، به سوی بازار بزرگ ، کاشی کاری و تزیین گشته ، و اشعاری جالب ، مشتمل بر ماده تاریخ از مرحوم استاد ( جلال الدّین همائی ) متخلّص به (سنا) باخطّ زیبای خطاط و شاعر و اديب و خطیب نامدار زمان ، ( میرزا عبد الجواد خطیب ) در آن گنجانیده شده ، که هنوز جلب توجه می نماید ، و ماده تاریخ این نما سازی و کاشی کاری ، در شعر استاد همائی (سنا) چنین می باشد :

نوشت کَلک (سنا) از برای تاریخش

«گشوده شد بره دل، در از مدینه علم»

۱۳۴۱

در سال ۱۳۶۴ قمری، مرحوم آیه الله، آقا سید محمد رضا خراسانی قدس سره زمینی را که، در طرف غربی مدرسه، به جای ایوان، قرار داشت به منظور تأسیس کتابخانه در نظر گرفتند، و به صورت دو طبقه و به شکل جالب و با نما سازی باشکوه، ساختمان نمودند.

در سر در کتابخانه، به خط سفید بر زمینه کاشی خشت لاجوردی، این جمله ها نقش بسته است:

بَعْدَ الْحَمْدِ وَالصَّلَاةِ عَلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَدْ أَقْدَمَ السَّيِّدُ السَّنْدُ الْفَقِيهُ وَ آيَةُ اللَّهِ الْمَلِكِ الْجَلِيلِ ، السَّيِّدُ مُحَمَّدُ رِضَا الْخُرَاسَانِي ، لِتَأْسِيسِ هَذَا الْبِنَاءِ وَ تَكْمِيلِهِ إِحْيَاءَ لِلْعُلُومِ وَالْمَعَارِفِ الدِّيْنِيَّةِ وَ حِفْظًا لِلْكِتَابِ الْعِلْمِيَّةِ ، حَرَّرَهُ خَلِيقِي پُور

و در اطراف نمای خارجی کتابخانه، اشعاری جالب از شاعر و استاد نامدار، جلال الدین همائی (سنا) نوشته شده، درباره اهمیت علم و ارزش کتابخانه و تجلیل از آیه الله خراسانی (بانی کتابخانه) و در آخر آن اشعار، چنین آمده است:

بشنو دو جمله از پی تاریخ این بنا

کان هر دو، یادگار، ز طبع (سنا) بود

«از این کتابخانه بجو علم دین» سپس

برگو «بنای علم ز سعی رضا بود»

که جمله (از این کتابخانه بجو علم دین) و جمله (بنای علم ز سعی رضا بود)

ص: ۲۹۹

هر دو ، ماده تاریخ می باشد ، و هر کدام مستقلاً مساوی با عدد ۱۳۶۳ است (۱).

و هم چنین در نماسازی کتابخانه ، نوشته شده :

قَدْ تَمَّ هَذَا الْبِنَاءُ فِي مُنْتَصَفِ شَعْبَانَ ۱۳۶۵ ، که مربوط به آخرین مرحله نما سازی و کاشی کاری این ساختمان ، می باشد .

### تعمیرات گسترده و کاشی کاری مدرسه صدر

به وسیله اداره اوقاف اصفهان در دهه آخر قرن چهاردهم هجری قمری ، تعمیراتی گسترده در حجره ها و مدرّس های مدرسه صدر انجام گرفت ، و اطراف مدرسه و مدرّس ها به وسیله کاشی تزیین گردید ، که در این کاشی کاریها ، در کتیبه اطراف مدرّس بزرگ مدرسه ، در طرف شمال ، سوره هل اُتی ( دهر ) به خطّ استاد حبیب الله فضائلی ، نوشته شده ، و در کتیبه اطراف مدرّس جنوبی ، سوره عمّ یتسائلون ( نبأ ) به خطّ آقای حسین سلطانی به تاریخ رمضان المبارک ۱۳۹۴ قمری ، نوشته شده ، و در کتیبه اطراف مدرّس شرقی ، سوره جمعه ، با خطّ آقای فضائلی ، به تاریخ ۱۳۹۴ دیده می شود .

و هم چنین در نیمه دوم قرن چهاردهم ، در حدود سال ۱۳۸۵ قمری ، در پشت مدرّس بزرگ شمالی مدرسه صدر ، در زمین های برف اندازه مدرسه ، سالنی بزرگ برای محلّ تدریس و اقامه جماعت تأسیس گردیده ، زیر نظر مرحوم آیه الله ، آقای حاج آقا حسین خادمی و مرحوم آیه الله ، آقا سیّد عبدالحسین

ص: ۳۰۰

---

۱- در کتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۷۴۷ ، و آثار ۴۸۰ ، اشعار یاد شده نقل گردیده ماده تاریخ نیز نقل شده ، ولی به نظر می رسد ( با نحوه علامتها در چاپ کتاب ) توجهی به این که در ماده تاریخ در این اشعار گنجانیده شده ، ننموده اند

طیب (قدس سرهما)، به وسیله کمک مالی مرحوم حاج میرزا محمد جعفر کازرونی، و این سالن بزرگ، برای تشکیل جلسات درس خارج فقه و اصول و نیز نماز جماعت و مراسم دینی و تبلیغی که در مدرسه صدر تشکیل می شود، مورد استفاده قرار می گیرد.

### تعمیرات اساسی و نوسازی های دوره معاصر

در دوره اخیر، از اواخر دهه اول از قرن پانزدهم هجری، چهار اقدام مهم به وسیله سازمان اوقاف و امور خیریه اصفهان، و با نظارت امام جمعه محترم شهر اصفهان، آیه الله طاهری و هیئت امناء مدرسه صدر و با نظارت فنی سازمان میراث فرهنگی استان اصفهان، و معماری حاج احمد اعظمی، و با بودجه های موقوفات وابسته به مدرسه، در حال انجام است، که ذیلاً، اشاره می نمایم:

۱- تعمیرات اساسی حجرات و سایر قسمتهای مدرسه و ایجاد کانال و هواکش بسیار جالب و اساسی، برای برطرف نمودن نم و رطوبت، از ساختمان مدرسه.

۲- ساختن طبقه دوم مدرسه، با طرح و نقشه سنتی مدارس، مطابق اهداف بانی اصلی مدرسه (مرحوم صدر)، که تاکنون بخش اعظم آن انجام شده، و قسمتی از آن در حال انجام می باشد (۱).

۳- تأسیس یک ساختمان سه طبقه (با محاسبه زیر زمین) در پشت حجره های ضلع شمال غربی مدرسه، به جای حیاط خلوت و حوضخانه

ص: ۳۰۱

۱- در حال حاضر که چاپ کتاب در حال انجام می باشد، ساختمان طبقه دوم کامل گردیده، و کاشی کاری و نماسازی آن، به پایان رسیده، و شکل زیبایی یافته است

قدیمی، که این ساختمان جدید، برای کتابخانه ای مفصّل و ملحق و متّصل به کتابخانه سابق، و نیز، سالن اجتماعات و سخنرانی، و هم چنین برای تأسیسات بهداشتی و سایر احتیاجات مدرسه، در نظر گرفته شده است.

۴- تأسیس دو مدرسه نسبتاً بزرگ در پشت حجره‌های ضلع شمال شرقی (در دو طبقه) که از یک طرف به زاویه ضلع شمال شرقی، راه دارد و از طرف دیگر، به مدرسه بزرگ و اصلی طرف شمالی مدرسه، راه پیدا میکند.

علاوه بر موارد یاد شده، وضوخانه و سرویس بهداشتی مدرسه، که در مجاورت درب اصلی مدرسه می باشد، نوسازی و تجدید بنا گردیده است.

### نکاتی که از وقفنامه مدرسه صدر استفاده می شود

۱- مرحوم صدر، در زمان حیات خود موفق به تکمیل مدرسه صدر و وقف آن نمی شود، و فرزند او، عبدالله خان (امین الدوله) در تکمیل آن اقدام می نماید، و چندین بار نذر شرعی میکند که مدرسه را به مرحله ای برساند که بتواند آن را به نحو مطلوب وقف نماید، و اگر در زمان حیات، موفق نگردد، پس از او این اقدام، صورت پذیرد.

۲- امر وقف و تولیت مدرسه صدر و موقوفات آن، در دوره اول، با دو نفر از علماء شهر به نامهای: آقا شیخ بهاء الدین و آقا شیخ علی بوده است.

۳- نظارت عالیّه وقف، متعلّق به فقیه محقق و مجتهد عظیم الشان، مرحوم آقا میرزا محمد هاشم چهارسوقی (خوانساری) متوفای ۱۳۱۸ قمری، بوده است.

۴- مدرسه صدر به نام مدرسه صدریه می باشد.

۵- زاویه شرقی مدرسه صدر، به نام زاویه صدر بوده، و إسکان اولاد و أحفاد مرحوم صدر، اگر در سلک طلاب باشند، در این زاویه، در اولویت

وقفی قرار داشته است .

۶- حقوقی برای مُدرّس ، امام جماعت ، طلاب ، مؤذّن ، خادم ، آبکش ، باغبان مدرسه در نظر گرفته شده است .

۷- در متن وقفنامه ، عبارتی ذکر شده در زمینه شرط إسکان مدرسه ، بدین ترتیب : شرط مدرسه این است که ، بَطّالین و مُضَعِّعین علم را ، راه ندهند ، و مرتکب فسق و فجور نشوند ، و أعمال ناشایسته که موجب فساد و بی نظمی مدرسه باشد انجام ندهند ، و مهمانی که وارد مدرسه می شود ، هرگاه مانع تحصیل نباشد ، مسکن بدهند ، که در شیکنی شریک باشد ، البته با نظر متولّی مدرسه .

### مدرسه صدر، مرکز تدریس و تحصیل مجتهدین بزرگ

از زمان تأسیس مدرسه صدر تاکنون ، جمع زیادی از مجتهدین و فقهای بزرگ و حکماء و فلاسفه و ادباء جلیل القدر ، در این مجمع با برکت تحصیل علم نموده ، و یا تدریس و تألیف داشته اند ، که احصاء کامل نام مبارک همه آنها ، مقدور نیست ، و تنها به ذکر شماری از آنها ، اکتفا میکنیم ، و اشاره ای گذرا به شخصیت علمی آنها می نمائیم ، و توضیح اعلام می داریم که : در باره برخی از این شخصیتها، در بخشهای دیگر کتاب ، به نحو مفصل تری بحث شده است .

۱- مجتهد محقق و ادیب و عالم فاضل جامع ، مرحوم آقا شیخ عبد الحسین محلاتی ، متوفای ۱۳۲۳ قمری ، که تحصیلات خود را در اصفهان و قم و نجف انجام داده ، و از شاگردان حاج میرزا حبیب الله رشتی بوده است .

وی پس از نیل به مقام اجتهاد وارد اصفهان گردیده ، و در مدرسه صدر درس خارج استدلالی می فرموده ، و جمعی از افاضل و طلاب برجسته ، در درس او حاضر می شده اند .



مرحوم حاج آقا بزرگ طهرانی، در «نقباء البشر»، او را از أجلاء علماء و أفاضل فقهاء، و از أهل ورع و دین و تقوی شمرده، و او را با عبارت:

كَانَ مِنْ رِجَالِ اللَّهِ الْأَبْزَارِ الْأَصْفِيَاءِ

ستوده، و نماز جماعت او را مورد توجه خواص و عوام شمرده، و کتابها و رساله های متعددی را (بیش از ۲۰ کتاب و رساله و حاشیه) از آثار آن بزرگمرد ذکر نموده است (۱).

۲- حکیم نامدار و زاهد پارسا، مرحوم جهانگیر خان قشقائی، متوفای ۱۳۲۸ قمری، که از حکماء بزرگ اوائل قرن چهاردهم و جامع معقول و منقول به شمار رفته، و درس حکمت او مورد توجه طالبین علوم عقلی بوده است. وی در مدرسه صدر سکونت داشته، و تدریس می کرده، و از مفاخر علمی این مدرسه به شمار می رود.

۳- حکیم و زاهد نامدار، آخوند ملا محمد کاشانی، معروف به آخوند کاشی، متوفای ۱۳۳۳ قمری که از جمله نوادر روزگار، و أهل مکاشفه بوده، و حقایقی را از عالم غیب، مشاهده می نموده است.

مرحوم آخوند کاشی، گرچه علمی همانند: فقه و اصول و تفسیر و ... را، دارا بوده، ولی عمدتاً به تدریس حکمت می پرداخته، و حوزه درس او از نظر حکمت و أخلاق نظری و عملی، مورد توجه بزرگان بوده است.

آخوند کاشی، در دوره تحصیل علم، در مدرسه جدّه ساکن بوده (۲) و در دوره تدریس، در مدرسه صدر سکونت داشته است.

ص: ۳۰۴

---

۱- انقباء البشر، جلد ۳، صفحه ۱۰۵۶ - ۱۰۵۷

۲- سیری در تخت فولاد اصفهان، صفحه ۲۰۴

۴- حکیم فقیه زاهد، حاج ملاّ- محمّد جواد آدینه، متوفّای ۱۳۳۹ قمری، که از میزین شاگردان جهانگیر خان قشقائی به شمار رفته، و خود، مدرّس حکمت در مدرسه صدر بوده، و مرحوم حاج آقا بزرگ طهرانی او را با چنین عبارتی:

و يُعَدُّ فِي طَلِيعَةِ عُلَمَاءِ عَصْرِهِ وَ حُكَمَائِهِ (۱) توصیف نموده، و او را، از حکماء و پیشگامان علمی در زمان خودش، دانسته است.

۵- فقیه و مجتهد اصولی، آقا سید ابوالقاسم دهکردی، متوفّای ۱۳۵۳ قمری، که در حوزه علمیّه سامراء و حوزه نجف و اصفهان، تحصیل علم نموده، و از شاگردان میرزای بزرگ شیرازی و حاجی نوری بوده (۲)، و به مقام شامخ اجتهاد نائل گشته، و در مدرسه صدر اصفهان، حوزه درسی داشته است.

وی مرکز فتوی و مراجعات مردم بوده، و رساله عملیه برای مقلّدین خود داشته و بیش از ۱۶ کتاب و رساله از آثار او ضبط شده است (۳).

۶- فقیه عظیم الشان و مجتهد عالیقدر و مرجع بزرگوار، مرحوم آخوند ملاّ محمّد حسین فشارکی، متوفّای ۱۳۵۳ قمری، که در زمان خود و در میان معاصرین، به کثرت علم و زهد مشهور بوده است (۴).

مرحوم فشارکی، حوزه درسی مهمّی در مدرسه صدر داشته، و عدّه ای از علماء و فضلاء از شاگردان او بوده اند (۵).

ص: ۳۰۵

---

۱- نقباء البشر، جلد ۱، صفحه ۳۱۶

۲- ریحانه الادب، جلد ۲، صفحه ۲۴۴

۳- دانشمندان و بزرگان اصفان، صفحه ۹۴

۴- رجال اصفهان، صفحه ۸۴

۵- دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۲۸۵

مرحوم جابری أنصاری ، در مرثیه آن بزرگمرد أشعاری سروده که عظمت علمی و تقوایی او را نشان می دهد ، برخی از آن سروده چنین است (۱).

مَا شَارَكَ الْفِشَارَ كَمَا عَلِيمٌ

إِنَّ أَلْعَلَىٰ عَن مِّثْلِهِ عَقِيمٌ

مَلَكٌ أَتَىٰ فِي صُورِهِ الْإِنْسَانَ

حَبْرُفَقِيهِ زَاهِدٌ فَهِيمٌ

أَحْيَى الْأُصُولَ وَارْتَقَىٰ فِي الْفِقْهِ

بِمُؤْتَقَىٰ مَا زَادَهُ مَعْلُومٌ

\*\*\*\*

بِمَوْتِهِ يَا جَابِرِيُّ أَرَّخْ

«مَا شَارَكَ الْفِشَارَ كَمَا عَلِيمٌ»

۷- مدرّس محقق و زاهد ، مرحوم آقا شیخ علی یزدی ، متوفای ۱۳۵۳ قمری ، که مدرّسی نامدار و پرکار بوده ، و از صبح تا ظهر ، و بعد از ظهر تا شب ، در مدرسه صدر تدریس می نموده ، و تمامی دروس ادبی و دوره سطح ( فقه و أصول ) را تدریس می کرده و عدّه زیادی از فضلاء و طلاب ، از محضر او استفاده می نموده اند (۲).

۸- حکیم فرزانه ، و مدرّس محقق ، مرحوم آقا شیخ محمّد حکیم خراسانی ، متوفای ۱۳۵۵ قمری ، که از شاگردان دو حکیم نامدار : مرحوم آخوند کاشی و مرحوم جهانگیر خان قشقایی بوده ، و محضر درس حکمت او در مدرسه صدر ،

ص: ۳۰۶

۱- تاریخ اصفهان و ری ، صفحه ۴۱۰-۴۱۱

۲- رجال اصفهان ، صفحه ۸۲

مجمع أرباب فضل و کمال ، و حوزه درسی او مشحون از عدّه کثیری از فضلاء و دانشمندان بوده است (۱).

۹- مجتهد اصولی ، و فقیه بزرگ ، و مرجع عالیقدر ، مرحوم آقا سید محمّد نجف آبادی ، متوفای ۱۳۵۸ قمری ، که از شاگردان برجسته مرحوم آخوند خراسانی و آقا سید محمّد کاظم یزدی و آقا سید محمّد فشارکی و ... بوده ، و در اصفهان ، حوزه درس خارج فقه و اصول ایشان ، مجمع فضلاء و دانشمندان بوده است . مرحوم آقا سید محمّد نجف آبادی ، از مراجع بزرگ دینی در اصفهان ، و از مفاخر علمی حوزه علمیه بوده ، و دو جلد حاشیه ایشان بر «کفایه الأصول» از بهترین حاشیه های آن کتاب عظیم می باشد .

۱۰- علامه عظیم الشان ، و مجتهد محقق ، و فقیه اصولی ، حاج میر سید علی نجف آبادی ، متوفای ۱۳۶۲ قمری ، که در قدرت اندیشه و کثرت تحقیق و مطالعه و جامعی در علوم ، حائز مقام بزرگی بوده ، و در علم کلام ، احاطه کاملی داشته است . حوزه درسی آن بزرگمرد ، مجمع فضلاء و محققین بوده ، و از مفاخر علمی حوزه علمیه اصفهان در زمان خود ، به شمار می رود .

به نقل نویسنده بزرگوار ، آقای سید مصلح الدین مهدوی ، در زمان پهلوی اول ، تصمیم گرفته بودند ، که مدرسه صدر را خراب کنند ، و این پایگاه عظیم علمی را نابود سازند ، ولی مرحوم آیه الله ، حاج میر سید علی نجف آبادی ، در أسرع وقت ، خبر را به مرجع عالیقدر جهان شیعه ، آیه الله العظمی ، آقا سید أبو الحسن اصفهانی می رسانند ، و با اقدامات آن بزرگ مرجع دینی ، از آن جنایت هولناک جلوگیری می شود .

ص: ۳۰۷

مرحوم نجف آبادی ، در مدرسه صدر حجره ای داشتند ، در طرف شمال غربی مدرسه ( در طرفی که مدرس بزرگ مدرسه است ) ، که کتابخانه شخصی و نفیس و مشتمل بر نسخه های کمیاب و خطی آن مرحوم ، در آن قرار داشت ، و بعد مرحوم آیه الله ، آقا سید عبدالحسین طب ، در آن حجره تدریس می فرمودند ، و بعد از ایشان آقای بزرگوارم ، آیه الله ، آقا سید محمد علی موحد ابطحی دام ظلّه ، تدریس درس خارج فقه و اصول و تفسیر می نمودند ، و هم اکنون نویسنده این سطور ( حاج سید حجه موحد ابطحی ) تدریس فقه و اصول ( مکاسب مرحوم شیخ اعظم انصاری ، و کفایه الاصول مرحوم آخوند خراسانی « قدس سرهما » ) می نمایم .

۱۱- جامع المعقول و المنقول ، آقا شیخ محمد رضا مسجد شاهی نجفی ، متوفای ۱۳۶۲ قمری ، که در فقه و اصول و حکمت و فلسفه و ریاضی و هیأت و نجوم و شعر و ادب ، سر آمد افران بوده ، و چهره درخشان علمی در حوزه اصفهان ، به شمار می رفته است . تألیفات متعدّد ، تحقیقات گسترده ، جامعیت در علوم ، محسن خلق و نیکوئی معاشرت آن بزرگمرد ، نقش او را در تربیت و تعلیم طلاب و هدایت و ارشاد مردم ، فعال کرده بود . مرحوم آقا شیخ محمد رضا نجفی ، در مدرسه صدر ، تدریس دوره خارج فقه ، و در مسجد نو بازار ، تدریس اصول می نموده اند ، و فضلاء و دانشمندان ، در محضر درس آن بزرگمرد شرکت می جستند .

۱۲- مدرّس فاضل ، مرحوم آقا شیخ هبه الله هرنندی ، متوفای ۱۳۶۶ قمری ، که از شاگردان حاج میر محمد صادق خاتون آبادی و آقا سید محمد نجف آبادی

و حاج میر سید علی نجف آبادی بوده (۱) و در مدرسه صدر، دروس ادبی و سطح فقه و اصول را تدریس می نموده، و شاگردان زیادی را بهره مند ساخته است.

۱۳ - مدرّس محقق و مجتهد بزرگوار، مرحوم حاج سید محمد باقر ابطحی سیدهی متوفای ۱۳۶۷ قمری، که در مدرسه صدر و مدرسه کاسه گران تدریس می نموده، و عده ای از فضلاء، از محضر و درس او بهره می گرفته اند.

۱۴ - عالم زاهد و فقیه حکیم و مفسّر بارع، مرحوم حاج آقا صدر الدین هاطلی کوپائی معروف به حاج آقا صدر کوپائی، متوفای ۱۳۷۲ قمری، که از شاگردان آخوند کاشی و جهانگیر خان قشقائی (در اصفهان)، و هم چنین، از شاگردان شیخ الشریعه اصفهانی و آقا سید محمد فیروز آبادی و آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و آقا سید محمد کاظم یزدی، (در نجف) بوده است.

آن بزرگمرد، در مدرسه صدر تدریس حکمت و فلسفه مینموده، و در جلسات خصوصی، تفسیر می گفته، و از چهره های برجسته در زمینه زهد و اخلاق و ملکات نفسانی، به شمار رفته است.

۱۵ - عالم جامع و ادیب زاهد و مدرّس کامل، مرحوم حاج میرزا علی آقا شیرازی، متوفای ۱۳۷۵ قمری، که از چهره های برجسته در علم و عمل و زهد و تقوی، و از نشانه های بارز تجسم ایمان و اعتقاد، به شمار رفته است.

این عالم بزرگوار، در حوزه علمیّه اصفهان، از محضر آقا سید محمد باقر درجه ای و آخوند کاشی و ...، در زمینه فقه و اصول و حکمت، و از حاج میرزا محمد باقر حکیم باشی، در علم طب استفاده نموده، و در حوزه نجف، از محضر

ص: ۳۰۹

شیخ الشریعة اصفهانی و آخوند خراسانی و آقا سید محمد کاظم یزدی، بهره گیری نمود (۱) و به مدارج بلند علمی نائل گردیده است.

وی سالها در مدرسه صدر، تدریس ادبیات و شرح نهج البلاغه مینمود، و در میان جامعه با استفاده از سنگر منبر، به وعظ و ارشاد می پرداخت، و با توجه به این که، از علم و دانش سرشار و جامع، از یک طرف، و روح سیراب از زلال ایمان و ولایت اهل البیت علیهم السلام، از طرف دیگر، و بیان فصیح و شیرین، از جانب سوم و برخوردار بود، تدریس و موعظه او، نقش بسیار موثری در تربیت نفوس و تهذیب اخلاق و تزکیه جانها داشت، و شخصیت معنوی آن بزرگمرد، مورد توجه عموم مردم و علماء و مراجع دینی بود.

۱۶- مرجع عالیقدر جهان تشیع، و زعیم اعظم حوزه های علمیه شیعه، مرحوم آیه الله العظمی، آقای حاج آقا حسین طباطبائی بروجردی قدس سره، متوفای ۱۳۸۰ قمری، که یکی از برجستگان زعماء شیعه در دوران غیبت کبری، و از مفاخر علمی و مرجعیت جهان تشیع در قرن چهاردهم می باشند.

در دوران مرجعیت ایشان، حوزه علمیه قم به رشد و گسترش کمی و کیفی بسیار چشمگیر نائل گردید، و هزاران نفر مجتهد، نویسنده، محقق، مدرّس و...، پرورش یافتند، و صدای شیعه، از ایران و قم، به دورترین نقاط جهان رسید، و در واشنگتن و هامبورک (در آمریکا و آلمان) مسجد برای شیعیان تأسیس گردید، و مذهب شیعه از جانب شیخ الأزهر مصر (شیخ محمود شلتوت) مورد تأیید و رسمیت قرار گرفت

مرحوم آیه الله بروجردی، در مدت تحصیل خود در حوزه علمیه اصفهان، نه تنها در مدرسه صدر حجره ای برای سکونت داشتند، بلکه در این مدرسه،

ص: ۳۱۰

تدریس می نموده اند، و عده ای از فضلاء از درس ایشان بهره مند می شده اند، که از آن جمله، مرحوم حاج میرزا علی آقا شیرازی (مذکور در فوق) می باشند.

۱۷- حکیم و فقیه بزرگوار، مرحوم آقا شیخ محمود مفید، متوفای ۱۳۸۲ قمری، که از چهره های برجسته علم حکمت در حوزه علمیه اصفهان بوده، و شهرت آن بزرگمرد در زمینه حکمت و فلسفه، مقام علمی او را، در زمینه ادبیات و ریاضی و طب و فقه و اصول، تحت الشعاع قرار داده است.

مرحوم مفید، چهل سال در مدرسه صدر به تدریس حکمت و فقه و اصول و ریاضی اشتغال داشتند (۱) و شاگردان زیادی را پرورش دادند.

برادر آن بزرگمرد، مرحوم حاج شیخ علی مفید، متوفای ۱۳۴۵ قمری، نیز، عالمی حکیم و زاهد، و مدرّسی محقق و جامع بوده، و در مدرسه صدر تدریس فقه و اصول و حکمت و ادبیات می نموده است (۲).

۱۸- مجتهد و مدرّس جامع، مرحوم حاج میرزا رضا کلباسی، متوفای ۱۳۸۳ قمری، که از اُحفاد مرحوم حاجی محمد ابراهیم کلباسی بوده، و در ترویج اسلام و احکام و هدایت مردم، نقش بزرگی داشته، و مراسم دعای کمیل و احیای شب جمعه آن بزرگمرد، عنوان و تأثیر عجیبی داشته است.

آن بزرگمرد، علاوه بر تألیف کتب متعدّده، در مدرسه صدر، تدریس مینموده، و جمعی از فضلاء از محضر او مستفید می شده اند.

مرحوم حاج آقا بزرگ طهرانی، شخصیت علمی و دینی و اجتماعی آن

ص: ۳۱۱

---

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۴۹۵

۲- سیری در تخت فولاد، صفحه ۱۹۶



بزرگمرد را ستوده ، و او را از مراجع دینی مردم بر شمرده است (۱).

۱۹ - فقیه و اصولی عالیقدر و مجتهد محقق ، مرحوم آیه الله العظمی ، آقا سید علی بهبهانی رامهرمزی ، متوفای ۱۳۹۵ قمری ، که از چهره های برجسته روحانیت و مرجعیت در ایران بودند ، و با تألیف کتابهای گوناگون ، و تأسیس مدارس و مراکز دینی ، و تربیت طلاب ، نقش بزرگی در راه احیاء دین بر عهده داشتند . ایشان در سالهای آخر عمرشان ، شش ماه از هر سال را ، در اصفهان ، اقامت می جستند ، و در مدرسه صدر تدریس فقه و اصول و کلام می فرمودند ، و حوزه درسی مهمی در محضر ایشان ، شکل می گرفت ، که بر رونق حوزه علمیه می افزود .

۲۰ - مدرّس محقق و مجتهد زاهد ، مرحوم حاج سید علی اصغر مدرّس برزانی ، متوفای ۱۳۹۵ قمری ، که از مدرّسین نامدار در مدرسه صدر بودند ، و عده ای از فضلاء از محضر و درس ایشان ، در زمینه فقه و اصول ، استفاده می نمودند .

۲۱ - شهید راه ولایت و امامت ، مرحوم آیه الله ، آقا سید ابوالحسن شمس آبادی ، شهید در سال ۱۳۹۶ قمری ، که مجتهدی زاهد و پیشوائی پر تلاش و مجاهدی خستگی ناپذیر بودند ، و از زعمای حوزه علمیه اصفهان به شمار می رفتند ، و در مدرسه صدر به تدریس و حلّ مشکلات اجتماعی و اقتصادی طلاب ، می پرداختند (۲).

۲۲ - فقیه و مجتهد عالیقدر ، آقا سید محمد رضا خراسانی ، متوفای ۱۳۹۷

ص: ۳۱۲

---

۱- نقباء البشر ، جلد ۲ ، صفحه ۷۵۹

۲- درباره این بزرگمرد ، در بخش ( چهره های علمی اصفهان در دوره اخیر ) و بخش ( بقعه های علمی و تخت فولاد ) ، بررسی مفصل داریم

قمری ، که دورانی ممتد ، عهده دار ریاست حوزه علمیه اصفهان بودند ، و در مدرسه صدر و مدرسه چهارباغ ، به تدریس درس خارج فقه و اصول ، اشتغال داشتند ، و از خصوصیات آن بزرگمرد ، وقار و متانت چشمگیر ، اُبّهت و قیافه جذّاب بود . مرحوم آیه الله خراسانی ، نه تنها با تأسیس کتابخانه زیبایی در مدرسه صدر و تدریس و تربیت طلاب و زعامت و سرپرستی حوزه علمیه ، نقش ارزشمند خود را ایفاء نمودند ، بلکه در دوران خفّانی پهلوی اوّل و در هنگامی که عمّامه از سر بزرگان دین و علماء و طلاب بر می داشتند ، آن بزرگمرد به عده ای از علماء آن دوره ، پیغام فرستاده بودند که ، از خانه ها بیرون نیائید که مجبور نشوید عمّامه را از سر بردارید ، من مخارج شما را می دهم (۱) و اینگونه دلسوزانه در حفظ حوزه علمیه و ارزشهای آن ، می کوشیدند .

۲۳ - فقه و اصولی مجتهد ، و مدرّس جامع و زاهد ، حاج شیخ مجتبی لنکرانی نجفی اصفهانی ، متوفای ۱۴۰۶ قمری . ایشان در حوزه های سامراء و نجف و اخیراً حوزه علمیه اصفهان ، استادی نامدار به شمار می رفتند ، و در سالهای آخر عمرشان ، در مدرسه صدر به تدریس فقه و اصول ( رسائل و مکاسب شیخ انصاری و ... ) اشتغال داشتند ، و جمعی از فضلاء و طلاب ، از محضر ایشان بهره علمی می گرفتند .

۲۴ - مجتهد زاهد و فقیه اصولی ، مرحوم آیه الله ، حاج شیخ أحمد فیاض ، متوفای ۱۴۰۷ قمری ، که از چهره های برجسته حوزه علمیه اصفهان به شمار می رفتند ، و در مدرسه صدر و مدرسه چهارباغ تدریس می نمودند ، و جمعی از فضلاء و طلاب در دوره سطح عالی ، و اخیراً در دوره خارج فقه و اصول

ص: ۳۱۳

ایشان، شرکت می جستند، و عدّه زیادی از علماء و مدرّسین و فضلاء اصفهان، در زمره شاگردان آن بزرگمرد می باشند.

۲۵- فقیه و اصولی مجتهد، و زعیم مُجِدّد و موفّق، مرحوم آیه الله، حاج آقا حسین خادمی، متوفای ۱۴۰۵ قمری، که از چهره های برجسته اواخر قرن چهاردهم، در حوزه علمیه اصفهان، به شمار می روند، و حوزه درسی ایشان در زمینه فقه و اصول اجتهادی (درس خارج) (و نیز در زمینه کلام و عقائد، مورد توجه بود و در ردیف اولِ درسهای حوزه ای در اصفهان، به شمار می رفت.

مرحوم آیه الله خادمی، در راه مبارزه با حکومت فاسد پهلوی، و مبارزه با گروههای منحرف (الحادی و التقاطی) و دفاع از حریم ولایت اهل البیت علیهم السلام و ارزشهای روحانیت و حوزه علمیه، بسیار می کوشیدند، و زعامت حوزه علمیه اصفهان و جامعه روحانیت این شهر تاریخی، سالها بر عهده آن بزرگمرد بود. تأسیس مَدْرَس جدید مدرسه صدر (پشت ایوان و مَدْرَس بزرگ) زیر نظر مرحوم آیه الله خادمی، و مرحوم آیه الله طیب بود، و آیه الله خادمی، از زمان تأسیس این مَدْرَس، درس فقه و اصول و کلام خود را، برای فضلاء و علماء، در این مکان شریف بیان می فرمودند.

۲۶- مجتهد و مدرّس زاهد، مرحوم آیه الله، حاج شیخ علی مشکوه سدهی، متوفای ۱۴۱۰ قمری، که از مدرّسین نامدار در مدرسه صدر بودند، و جمعی از فضلاء و علماء اصفهان در زمره شاگردان آن بزرگمرد به شمار می آیند.

۲۷- فقیه مفسّر و متکلم اصولی و مدرّس مجتهد، مرحوم آیه الله، حاج سید عبد الحسین طیب، متوفای ۱۴۱۲ قمری، که از صاحبان تألیف و از مفسّرین بزرگ و دانشمندان علم کلام بودند، و در مدرسه صدر (در حجره ای که هم

اکنون این حقیر تدریس می نمایم (۱) تدریس می نمودند، و جمع زیادی از فضلاء از محضر و درس ایشان استفاده می کردند، و نویسنده این سطور، بخش قابل توجهی از کتاب « مکاسب » مرحوم شیخ أنصاری را، در محضر و جلسه درس ایشان، بهره مند گردیدم.

۲۸- فقیه اصولی، و متکلم رجالی، و مفسر مجتهد، آیه الله، آقای حاج سید محمد علی موحد ابطحی (دام عمره الشریف) که پس از مراجعت از نجف اشرف، به تألیف و تحقیق پرداختند، و در مدرسه صدر، به تدریس فقه و اصول و تفسیر کلام اجتهادی اشتغال یافتند، و هم اکنون نیز که در شهر مقدس قم اقامت و تدریس دارند، تابستانها در حوزه علمیه اصفهان و مدرسه صدر، به تدریس می پردازند، و جمع کثیری مستفید می شوند.

۲۹- فقیه اصولی، و مجتهد بزرگوار، آیه الله، آقای حاج شیخ حسن صافی اصفهانی دام عمره الشریف (۲) که از زمان مراجعت از نجف اشرف تاکنون، در مدرسه صدر، حوزه درسی فقه و اصول اجتهادی (درس خارج) دارند، و جمع کثیری از فضلاء و علماء، از محضر و درس ایشان بهره مند می شوند.

۳۰- فقیه اصولی و مجتهد بزرگوار، آیه الله، آقای حاج سید محمد علی صادقی « میر محمد صادقی » (دام عمره الشریف) که سالهای طولانی، در مدرسه صدر به تدریس خارج فقه و اصول اشتغال داشتند، و حوزه درسی گسترده و پر جمعیتی را تشکیل داده بودند، ولی متأسفانه مدتی است در اثر کسالت، طلاب

ص: ۳۱۵

---

۱- این نویسنده کمترین در مدرسه صدر، به تدریس کفایه الأصول و مکاسب مرحوم شیخ انصاری اشتغال دارم  
۲- متأسفانه هم اکنون که مراحل چاپ کتاب در حال انجام است (۱۴۱۷ قمری) حوزه علمیه، در غم ارتحال ایشان بسر می

برد

حوزه علمیه، از تدریس ایشان محروم می باشد (۱).

### دیگر مدرّسین مدرسه صدر

با توجه به این که مدرسه صدر مرکز حوزه علمیه است، جمع زیادی از علماء و آیات عظیم الشان و فضلاء بزرگوار، همانند: آیه الله، آقای حاج سید مصطفی شریعت موسوی، و آیه الله، حاج شیخ محمد تقی مجلسی و آیه الله، آقای حاج شیخ مجتبی بهشتی، و امام جمعه محترم اصفهان، آیه الله، آقای حاج سید جلال الدین طاهری، و آیه الله، آقای حاج سید مجتبی میر محمد صادقی، و جمعی دیگر از علماء و فضلاء، در زمینه های گوناگون علمی و در سطوح مختلف، تدریس می نمایند.

تذکر: هم چنان که در اول این بخش اشاره کردیم، بسیاری از مدرّسین بزرگوار مدرسه صدر که در این قسمت ذکر گردیدند، در بخش های:

خاندانهای علمی، یا «بقعه های علمی» یا «چهره های علمی اصفهان در دوره اخیر»، به نحو مفصل تر، مورد بحث قرار گرفته اند.

### مدرسه صدر پاقلعه

مقصود، مدرسه پاقلعه است، که به خاطر عنوان بانی آن، مرحوم حاج محمد حسین خان صدر اعظم اصفهانی، به نام مدرسه صدر، نامیده می شود.

### ۸- مدرسه صدر چهارباغ خواجو

یکی از مدارس آباد و معمور، حوزه علمیه اصفهان می باشد. این مدرسه از

ص: ۳۱۶

---

۱- متأسیفانه هم اکنون که مراحل چاپ کتاب در حال انجام است (۱۴۱۷ قمری) حوزه علمیه، در غم ارتحال ایشان بسر می

برد

آثار مرحوم حاج محمد حسین خان صدر اعظم اصفهانی، متوفای ۱۲۳۹ قمری می باشد، که در هنگام ایجاد خیابان چهارباغ صدر (مشهور به چهارباغ خواجه) به تقلید از چهارباغ عباسی و مدرسه سلطانی چهارباغ، تأسیس گشته است.

گرچه مؤسس این مدرسه، مرحوم صدر می باشد (۱)، ولی به علت این که تکمیل آن به وسیله فرزند او (امین الدوله) انجام گرفته، برخی از نویسندگان، این مدرسه را، از آثار عبد الله خان امین الدوله (که او هم مردی نیکوکار بوده) ثبت کرده اند (۲).

مدرسه صدر خواجه، مدتی متروکه گردید، و سپس در دوره حکومت پهلوی، به تصرف غاصبانه شهرداری در آمد، و به شکلی رقت بار، مورد بهره برداری قرار گرفت، تا آن که با همت جمعی از مردم با ایمان و اقدام مرجع جهانی عالم تشیع، مرحوم آیه الله العظمی، آقای حاج آقا حسین طباطبائی بروجردی قدس سره، متوفای ۱۳۸۰ قمری، به حوزه علمیه باز گردانده شد، و پس از تعمیرات اساسی و لازم، محل سکونت طلاب حوزه علمیه، قرار گرفت.

این مدرسه، دارای بیست حجره، و دو مدرس (در طرف شرقی و شمالی)، و یک کتابخانه (در طرف جنوبی)، و یک صحن بزرگ با حوض و باغچه، و یک سردر مجلل (در طرف غرب مدرسه) «در شرق خیابان چهارباغ خواجه» می باشد، و به صورت یک طبقه است، و مساحت آن سه هزار متر

ص: ۳۱۷

---

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صفحه ۷۴۴، مجله یادگار، سال دوم شماره هشتم، صفحه ۵۰، تاریخ اصفهان و ری، صفحه ۳۱۱، تاریخ فرهنگ اصفهان، صفحه ۱۴۳، تاریخچه محله خواجه، صفحه ۳۳

۲- آثار ملی اصفهان، صفحه ۴۳۳، گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صفحه ۷۴۹ به نقل از جغرافیای اصفهان، تألیف میرزا حسین خان، چاپ تهران، صفحه ۲۹ - ۳۰

می باشد . در کتیبۀ بالای سر دَرِ مدرسه ، با خطّی زیبا ، بر روی کاشی خشت چینی نوشته شده است : به امر مبارک حضرت آیه الله العظمی ، آقای حاج آقا حسین بروجردی مدظله العالی با تولیت حجه الإسلام آقای سیّد العراقین تعمیر گردید - سال ۱۳۷۶ قمری ، مطابق با ۱۳۳۵ شمسی ، ساخت کاشی سازی ایلیا . در وسط کتیبه یاد شده ، نام مدرسه با خطّ درشت چینی ثبت شده است :

مدرسه صدر خواجه

در بالاترین قسمت سر دَرِ مدرسه خواجه ، حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روی کاشی نوشته شده ، و در آخر آن ، آمده است : با کمک مردم و نظارت اداره کل اوقاف منطقه استان اصفهان - ۱۳۴۸ شمسی مطابق ۱۳۸۹ قمری ، که نشان دهنده این است که ، تعمیرات مدرسه ، در طول چندین سال ادامه داشته است .

در حال حاضر ، تعداد پنج مُدَرّس و پنجاه طلبه ( اعمّ از شب خواب و معیل هائی که در منزل شخصی اقامت دارند ، و در مدرسه تحصیل علم مینمایند و در دوره مقدمات و سطح متوسط و سطح عالی ، تحت برنامه درسی ، ادامه تحصیل می دهند . در حال حاضر ، سرپرستی مدرسه با حضرت حجه الإسلام آقای حاج شیخ محمد علی امامی دام عزه ، و تولیت آن با خاندان سیّد العراقین بوده و می باشد . عدّه ای از علماء جلیل القدر ، در این مدرسه اقامت نموده ، و یا مباحثات علمی و یا امامت جماعت داشته اند ، همانند :

۱- مجتهد محقق ، و استاد و مدرّس عظیم الشان حوزه علمیّه اصفهان ، مرحوم آیه الله ، حاج شیخ أحمد فیاض ، متوفای ۱۴۰۷ قمری ، که در مسجد مدرسه ، اقامه جماعت می نمودند ، و با جمعی از بزرگواران مذکور در ذیل ، مذاکرات و مباحثات علمی ، در این مدرسه داشته اند .

۲- عالم کامل ، مرحوم آیه الله حاج شیخ علی قدیری کفرانی متوفای ۱۴۰۷

ص: ۳۱۸

۳- عالم زاهد و وارسته ، مرحوم حجّه الإسلام حاج شیخ محمود سالک کاشانی، متوفای ۱۳۸۹ قمری .

۴- عالم متقی ، مرحوم حجّه الإسلام و المسلمین ، حاج شیخ محمد تقی فشارکی

۵- عالم فاضل و سخت کوش ، و خطیب و واعظ گرانقدر ، مرحوم حاج سید فضل الله سجادی ، متوفای ۱۴۱۴ قمری ، که در تدریس و اداره امور مدرسه و جذب طلاب و حفظ و نگهداری و بهره برداری از آن ، نقش بسیار مؤثری ایفاء می نمودند ، و در آستانه ایام فاطمیه علیها السلام به لقاء الله پیوستند .

۶- عالم فاضل ، حجّه الإسلام و المسلمین ، آقای حاج شیخ یحیی هدایت ( شهرضائی ) دام عمره الشریف .

#### ۹- مدرسه محمودیه

مدرسه ای است که در سالهای اخیر تهیه و تأسیس گشته ، در کوچه مدرسه ذوالفقار ، و در حال حاضر ( ۱۴۱۵ قمری ) ساختمان قدیمی آن که به صورت منزل مسکونی بود تخریب گشته ، و زیر نظر آیه الله ، آقای حاج سید حسن فقیه امامی دامت برکاته و با همت نیکوکار محترم ، آقای حاج آقا محمود صفاکار ، در حال تجدید بنا می باشد ، به صورت سه طبقه ( با محاسبه زیر زمین ) (۱).

مدرسه محمودیه ، وابسته به مدرسه ذوالفقار می باشد ، و چندین سال است که محل تشکیل جلسات درسهای برنامه درسی - حوزه ای مدرسه علمیه

ص: ۳۱۹

۱- هم اکنون که مراحل چاپ کتاب در حال انجام است ( ۱۴۱۷ قمری ) ساختمان مدرسه پایان یافته ، و نماسازی آن در حال تکمیل می باشد ، و بهره برداری از آن شروع گردیده است



## ۱۰- مدرسه مسجد رحیم خان

مسجد رحیم خان، واقع در ابتدای محله نو، و متصل به محله در بکوشک و در نزدیکی خیابان طالقانی می باشد، و پایه گذاری و تأسیس آن، به وسیله مجتهد نامدار، مرحوم آقا سید حسن مدرس، متوفای ۱۲۷۳ قمری بوده است، و پس از آن بزرگمرد، محمد رحیم خان بیگلریگی و برادرانش، به تکمیل و اتمام آن پرداختند. این مسجد، از مساجد بزرگ و باشکوه اصفهان می باشد و بقعه خاندان مدرس، که مدفن مرحوم مدرس و خاندان علمی او است، در جانب شمالی آن، قرار گرفته است.

تاریخهای موجود در کتیبه های مسجد، ۱۲۹۰ - ۱۲۹۴ - ۱۲۹۵ - ۱۲۹۹ - ۱۳۰۱ - ۱۳۰۴ - ۱۳۷۸ می باشد، که نشان دهنده مراحل گوناگون بناء و تزئین این پایگاه و مرکز دینی می باشد، و با توجه به این که اولین مراحل تأسیس مسجد، در زمان مرحوم مدرس (متوفای ۱۲۷۳) انجام گرفته، و چندین سال از عمر آن بزرگمرد باقی بوده، می توان گفت که، عمده از حدود سال ۱۲۶۰ تا ۱۳۰۴، تأسیس و تزئین و کاشی کاری مسجد انجام شده است (۲).

ص: ۳۲۰

۱- درباره برنامه درسی و مفصل مدرسه ذوالفقار و مدارس وابسته، به بخش مربوط به مدرسه ذوالفقار، در همین کتاب، و نیز کتاب آشنائی با حوزه های علمیه شیعه، جلد ۱، صفحه ۴۰۷ به بعد، و کتاب شهدای مدرسه ذوالفقار، جلد ۱ و ۲ (به قلم این نویسنده کمترین) مراجعه شود، و نویسنده این سطور، کتابی درباره مدرسه ذوالفقار و برنامه های آن، (به نحو مستقل) تالیف نموده ام، که مخطوط می باشد

۲- به گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صفحه ۷۹۶ - ۸۰۳ و آثار ملای اصفهان، صفحه ۶۱۸ - ۶۲۵ مراجعه شود

در مسجد رحیم خان ، که در سالهای اخیر به نام مسجد الرّحیم ، نامیده می شود، سه عدد حجره برای سکونت طلاب ساخته شده ، و در حال حاضر ، چند نفر طلبه در آنها ساکن هستند ، و اشتغال به تحصیل علوم حوزه ای دارند .

## ۱۱- مدرسه میرزا مهدی

مدرسه ای بود واقع در خیابان مسجد سید ، و در کنار شعبه ای از نهر فدن ، که به جوی بابا حسن معروف است . مدرسه میرزا مهدی ، بیش از دو جریب مساحت داشت (۱)، با طول و عرض  $45 \times 45$  متر، با ده حجره ، و مشتمل بر شبستان هائی که مسجد بوده است .

مدرسه و مسجد میرزا مهدی ، از آثار میرزا مهدی خان اشتهاردی ، از مستوفیان عهد نادری میباشد ، و پس از سال ۱۳۶۵ قمری ، با کمک مردم متدین ، تعمیراتی اساسی یافته است (۲) .

در سال ۱۴۰۸ قمری ، مسجد و مدرسه میرزا مهدی ، به وسیله شهرداری جهت إحداث خیابان آیه الله طیب ، تخریب گردید ، و دو سوّم آن ، جزء خیابان قرار گرفت ، و مردم با ایمان ، زیر نظر امام جماعت مسجد ، جناب حجّه الإسلام و المسلمین آقای حاج سید عباس فقیه أحمد آبادی ، فرزند مرحوم آیه الله ، حاج سید محمّد تقی موسوی فقیه أحمد آبادی ( صاحب کتاب مکیال المکارم ) به تجدید بنای مسجد و مدرسه ، در باقیمانده زمین یاد شده اقدام نمودند .

در ساختمان جدید ، طرح شبستان برای مسجد ، کتابخانه ، سالن سخنرانی و مدرس و حجرات مسکونی برای طلاب ، ( در ضمن سه طبقه ) در نظر گرفته

ص: ۳۲۱

---

۱- تاریخ اصفهان و ری ، صفحه ۳۰۸

۲- دار العلم شرق ( مخطوط ) ، صفحه ۲۴۱

شده ، و در حال حاضر ( ذی الحجّه ۱۴۱۳ قمری ) دو طبقه آن به صورت نیمه تمام در آمده ، و هنوز از طبقه سّوم ، چیزی ، ساخته نشده است .

### چهره های علمی مدرسه میرزا مهدی

در این مدرسه ، بزرگانی از علماء ، تحصیل علم و یا تدریس نموده اند که ذیلاً به نمونه هائی ، اشاره می نمائیم :

۱- مرحوم آیه الله ، آقا شیخ أحمد حسین آبادی ( سیفی ) ، متوفای ۱۳۵۷ قمری ، که مجتهدی صاحب تألیف ، و زاهدی عابد بوده ، و در قوت حافظه و ذکاوت و هوشمندی ، اعجوبه روزگار به شمار رفته ، و در سنین بلوغ و یا قبل از آن ، به مرتبه اجتهاد رسیده است (۱) . این بزرگمرد ، در مدرسه میرزا مهدی تدریس می نموده ، و عهده دار منصب إمامت جماعت بوده است .

۲- عالم فاضل و بزرگوار ، مرحوم آقا میرزا علی محمّد بن حاج محمّد جواد حسین آبادی ، متوفای ۱۳۷۳ قمری ، که برادر مرحوم حاج شیخ أحمد حسین آبادی بوده ، و در مدرسه میرزا مهدی ، در طول چندین سال ، ساکن بوده ، و تدریس می نموده است .

۳- مرحوم آیه الله ، حاج آقا محمّد مقدّس متوفای ۱۳۷۸ قمری ، فرزند مرحوم آقا سید عبد الحسین بن سید حسن بن سید ابراهیم حسینی سبزواری ساوجی اصفهانی ، که در اصفهان و نجف تحصیل علم نموده ، و پس از نیل به مقامات عالیّه علمی و مرتبه اجتهاد ، به اصفهان مراجعت نموده ، و مرجع طلاب حوزه علمیه و مؤمنین قرار گرفته است . وی علاوه بر تدریس در مدرسه میرزا مهدی ، تعمیرات اساسی در این مدرسه انجام داده است .

آن بزرگمرد ، مورد توجه و اعتماد و علاقه مرجع عالیقدر جهان تشیع ، مرحوم آیه الله العظمی ، حاج آقا حسین طباطبائی بروجردی قدس سره و کیل تام الاختیار

ص: ۳۲۲

---

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، ص ۱۱۸ ، و ریحانه الأدب ، جلد ۳ ، ص ۱۶۷

ایشان در اصفهان بودند، و تألیفات و آثار قلمی داشتند، که بعضی از آنها، به چاپ رسیده است.

۴- عالم فاضل و مدرّس زاهد، مرحوم آقا میرزا علی أصغر شریف، متوفای ۱۳۸۴ قمری، که در مدرسه میرزا مهدی، تدریس می نمودند، و در اواخر عمر، به مدرسه درب کوشک منتقل گردیده، و در آنجا تدریس می کرده اند.

وی از مدرّسین مشهور بوده، و عموم فضلاء و علماء بید آباد، در زمره شاگردان این بزرگمرد به شمار می روند (۱).

مانند اصفهان به جهان کس ندیده است

درشأن نو عروس جهان همسری نبود

اینجا بهشت روی زمین است عندلیب

گویی بهشت آمده از آسمان فروو

یارب نگاهدار سپاهان زهرگرزند

ازچشم زخم دشمن وبدخواهی حسود

ص: ۳۲۳

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْمُضِيِّ طَفِي مُحَمَّدٍ وَ الْمُرْتَضَى عَلِيٍّ وَ صَلِّ عَلَى الصَّيْدِ يَقِ الطَّاهِرِ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ وَ صَلِّ عَلَى السَّيِّدِ بَطِينِ الْإِمَامِينَ  
الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ صَلِّ عَلَى السَّجَّادِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَ صَلِّ عَلَى الْبَاقِرِ مُحَمَّدٍ وَ الصَّادِقِ جَعْفَرٍ وَ الْكَاسِمِ مُوسَى وَ صَلِّ عَلَى  
الرِّضَا عَلِيِّ وَ صَلِّ عَلَى النَّقِيِّ مُحَمَّدٍ وَ النَّقِيِّ عَلِيِّ

وَ الْعَشْكَرِيِّ الْحَسَنِ وَ صَلِّ عَلَى خَاتِمِ الْأَوْصِيَاءِ الثَّانِي عَشَرَ مِنَ الْأَيْمَةِ الطَّاهِرِينَ الْحُجَّهَ بْنِ الْحَسَنِ الْقَائِمِ الْمُتَنْظِرِ

كتبه حبيب الله فضائلي ١٣٦٢ ١٤٠٤

ص: ٣٢٤

۶- مدارس علمیہ اصفهان ، مخصوص بانوان

اشارہ

ص: ۳۲۵



## مراکز تحصیل علوم دینیّه برای طبقه نسوان

در شهر اصفهان، علاوه بر منازل علماء، که به نحو خصوصی برای همسران و یا بستگان نزدیک خود، تدریس می نمایند، و عدّه ای از محارم علماء، بدین وسیله به علم و دانش دینی دست می یابند، مدارس تأسیس گشته، که رسماً محلّ فعالیت حوزوی و تحصیل و تدریس، به روش حوزه های علمیّه می باشد و علوم مقدّماتی همانند: نحو و صرف و لغت و معانی و بیان و منطق، و علوم رسمی اسلامی، همانند: فقه و اصول و تفسیر و عقائد و حدیث و کلام و أخلاق و...، مورد بحث و مذاکره و تعلیم و تعلّم قرار می گیرد، که ذیلاً به آن مراکز و مدارس، توجه می نمائیم.

### مکتب فاطمه علیها السلام

مدرسه ای است برای تحصیل و تربیت طالب زن، که در سال ۱۳۴۴ شمسی، زیر نظر مجتهدّه ایرانی، حاجیه خانم امین رضوان الله علیها، و به سرپرستی عالمه فاضله، حاجیه زینت خانم همایونی تأسیس گردیده است، و اوّلین مدرسه، برای تعلیم و تربیت طبقه نسوان، به روش حوزه ای می باشد.

در طول زمان، عدّه ای از علماء و مدرّسین، در این مدرسه تدریس مینموده اند، همانند: مرحوم آیه الله، آقای حاج شیخ محمود شریعت ریزی، آیه الله، آقای حاج سید حسن فقیه امامی، مرحوم حجه الإسلام و المسلمین، آقای حاج شیخ فخر الدّین کلباسی، و هم چنین نویسنده این سطور (حاج سید



حجّه موّحد ابطحی) و عموماً درسهای مقدماتی و بخشی از سطوح را، شاگردان ممتاز و بانوان عالمه و فاضله ای که اشتغال به تحصیلات عالیّه حوزه ای در همین مدرسه داشتند، تدریس می نمودند. مرحومه حاجیه خانم مجتهده آمین، چندین سال، روزهای چهارشنبه در این مدرسه، درس اخلاق و تفسیر، می گفتند. تربیت شده های این مدرسه، در نشر و گسترش فرهنگ دینی و تبلیغ و ترویج ارزشهای والای مکتب اهل البیت علیهم السلام، و گرایش دادن طبقه نِسوان جامعه، به سوی حفظ حجاب و فراگیری احکام دینی و آشنائی با معارف اسلامی، نقش بسیار جالبی داشته و دارند، و در مطرح ساختن تعلیم و تعلم به سبک حوزه ای، نه تنها در شهر اصفهان و حومه آن مؤثر بوده اند، بلکه در سایر شهرها و مراکز استانها و حوزه علمیه قم نیز، تأثیر بسزایی داشته، و در برخی موارد، از پایه گزاران بوده اند.

محلّ این مدرسه هر چند سالی، تغییر نموده، تا این که در سالهای اخیر، در مجاورت مسجد سیّد (کوی پشت مسجد و بازارچه بید آباد) قرار گرفته است.

مراحل تحصیلی در مکتب فاطمه علیها السلام از مقدمات تا سطوح عالیّه (رسائل و مکاسب و منظومه حکمت و أسفار ...) می باشد، و علاوه بر ادبیات و منطق و فقه و اصول، درس تفسیر و اخلاق و حدیث و عقائد و ...، از سلسله درسهای رسمی، به شمار می رود.

در طول تاریخ سی ساله مکتب فاطمه علیها السلام، عدّه ای از شاگردان این مرکز دینی، علاوه بر تحصیل سطوح متوسطه، یا سطوح عالیّه، برای دانش طلبان پائین تر تدریس نموده اند، و از این نظر قابل توجه می باشند، و عدّه ای در جهات روحی و اخلاقی و معنوی، دارای مزیت بوده اند، و ذیلاً فقط به چند نام از میان نامهای متعدّد اشاره می نمائیم: ۱- خانم صدیقّه حکیمیان ۲- خانم

مهري آلسادات قلمكاريان ۳- خانم فاطمه نژاد تبريزي (۱) ۴- خانم صديقه كلاهي ۵- خانم فردوس مدرّس هاشمي ۶- خانم عذرا هر تمنی ۷- خانم طاهره ( ماه منظر ) مدرّس هاشمي ۸- خانم مسعود پور ۹- خانم منصوره نجفی ۱۰- خانم اعظم و ....

که هر کدام از اینها، دارای امتیازات درسی و اخلاقی و معنوی می باشند، و چه بسیارند بانوان و دوشیزگانی که در راه تعلیم و تعلّم علوم دینیّه، و کسب اخلاق و معارف اسلامی، کوشش های تحسین برانگیزی داشته و دارند، و شرح و بسط کلام در باره آنها، به طول می انجامد.

### مکتب حضرت زینب علیها السلام

مدرسه ای است که زیر نظر حضرت آیه الله، حاج شیخ محمود شریعت ریزی در سال ۱۳۵۴ شمسی تأسیس شده، و محلّ آن در محله چهارسوق شیرازیها

ص: ۳۲۹

---

۱- ایشان در مدّت بیست و پنج سال، تمامی کتب مرسوم حوزه ای را، از مقدمات تا شرح المعه و اصول الفقه و منظومه منطق و رسائل و مکاسب و کفایه الاصول و بدایه الحکمه و نهایه الحکمه و قسمت سوم شرح تجرید، و بخشی از مستمسک العروه الوثقی را با دقت کامل و با نوشتن حواشی بر کتب درسی یاد شده، بدون وقفه و با جدیتی بی نظیر، در حدی که سرما و گرما و بحرانهای دوره انقلاب سال ۱۳۵۷ شمسی) و پس از آن، و نیز دوران جنگ و بمبارانها و موشکبارانهای شهر اصفهان، که تقریباً، شهر را خالی از سکنه نموده بود، مانع از ادامه تحصیل این بانوی عالمه، نگردیده بود، و اینجانب ( نویسنده این سطور ) که مدت هیجده سال در جریان تحصیلات ایشان بوده ام، و بسیاری از کتابهای یاد شده را ( در سطوح عالیّه )، برای ایشان تدریس نموده ام، از جدیت و پشتکار و مقاومت این عالم فاضله، در شگفتی قرار میگرفتم و مدّت زمانی طولانی، روزهای مقرر برای درس، مسیر بسیار طولانی را می پیمودند، و حتی یک جلسه غیبت در درس نداشتند ( حتّی در مواقع کسالت و مشکلات سخت زندگی ) و ضمناً در اکثر دوران تحصیل، تدریس نیز، مینموده اند

بوده، و از سال ۱۳۵۸ شمسی، به نزدیک دروازه دولت، مقابل کلینیک قائدی منتقل گردیده، و برنامه های درسی و تربیتی آن، تا کنون ( سال ۱۳۷۵ شمسی) ادامه دارد.

سرپرستی مدرسه بر عهده خانم زهره مدرّس مطلق ( که از خاندان علمی و ریشه دار « مدرّس » میباشند ) قرار گرفته، و آیه الله شریعت ریزی و حجه الاسلام آقای شیخ جعفر الهی، و مرحوم حجه الاسلام، آقای حاج سید أبو الحسن مظفری و نیز آقای ذوالفقاری، و جمعی از بانوان با سابقه در تحصیلات حوزوی، تدریس در این مدرسه را بر عهده داشته و دارند.

شمار دانش طلبان این مرکز، همیشه یکسان نبوده، ولی در حال حاضر، حدود یکصد نفر به تحصیل علم، در رتبه های مقدمات و سطوح متوسطه و عالی (رسائل و مکاسب و شرح منظومه و ...) اشتغال دارند. بعضی از دانش طلبان مکتب زینب علیها السلام و مکتب فاطمه علیها السلام و مدرسه الزهراء علیها السلام، مشترک می باشند، و بعضی سالها در مدرسه ای، و زمانی دیگر، در مدرسه دیگر، ادامه تحصیل علم داده اند. مرحومه خانم فخرالسادات سلامتیان و خانم ایران شکرانی و خانم بتول نیلفروشان و خانم فردوس مدرّس هاشمی و خانم طهمورث و خانم عفت نکوئی و خانم مقاره ای و خانم عدرا هر تمینی و خانم زهرا محمودیان و خانم صفورا سجادی و جمعی دیگر، در زمره تحصیل کرده های این مدرسه هستند. که اشتغال به تدریس نیز داشته اند، و با این که مشکلات خانوادگی و گرفتاری های زندگی، سدّ راه آنها می شده، ولی با پشتکار و جدّیت، به تحصیل و تدریس ادامه داده اند.

### مدرسه الزهراء علیها السلام

این مدرسه، در سال ( ۱۳۵۸ شمسی) تأسیس گشته، و مؤسس آن

حجّه الاسلام و المسلمین ، آقای حاج سید مرتضی هاشمی می باشند ، و سرپرست داخلی مدرسه ، خانم میر شفیعی هستند ، که از خاندان علم و روحانیت می باشند . محلّ مدرسه ، در ابتداء ، ساختمان قائمیه در خیابان مسجد سید بوده ، و هم اکنون ، در مسجد امام جعفر صادق علیه السلام ( واقع در خیابان صائب ) می باشد .

درسهای این مدرسه ، از مقدمات تا سطوح عالیّه است ، و تعداد دانش طلبان آن در نوسان بوده ، و میانگین آن بالاتر از یکصد نفر می باشد .

برخی از فضلاء حوزه علمیه ، و نیز بعضی از شاگردان ممتاز مدرسه ، در زمره مدرّسین این مدرسه می باشند .

### مدرسه النقیسه علیها السلام

مدرسه ای است واقع در کوی شیخ أبو مسعود ، نزدیک منزل مرحوم آیه الله خادمی قدس سره ، که مساحت آن در حدود چهارصد متر است ، و به صورت دو طبقه میباشد ( به علاوه زیر زمین ) .

این مدرسه ، قبلاً منزل مسکونی بوده ، و سپس وقف شده ، و با مقداری ساختمان اضافی و جدید ، به صورت مدرسه در آمده است ، و شامل هشت مُدرّس و یک سالن بزرگ و یک کتابخانه می باشد .

کتابخانّ مؤسسه دینی و علمی اُحمدیه ، که نزدیک مسجد سید بوده ، به این مدرسه منتقل گردیده ، و پانزده هزار جلد کتاب دارد .

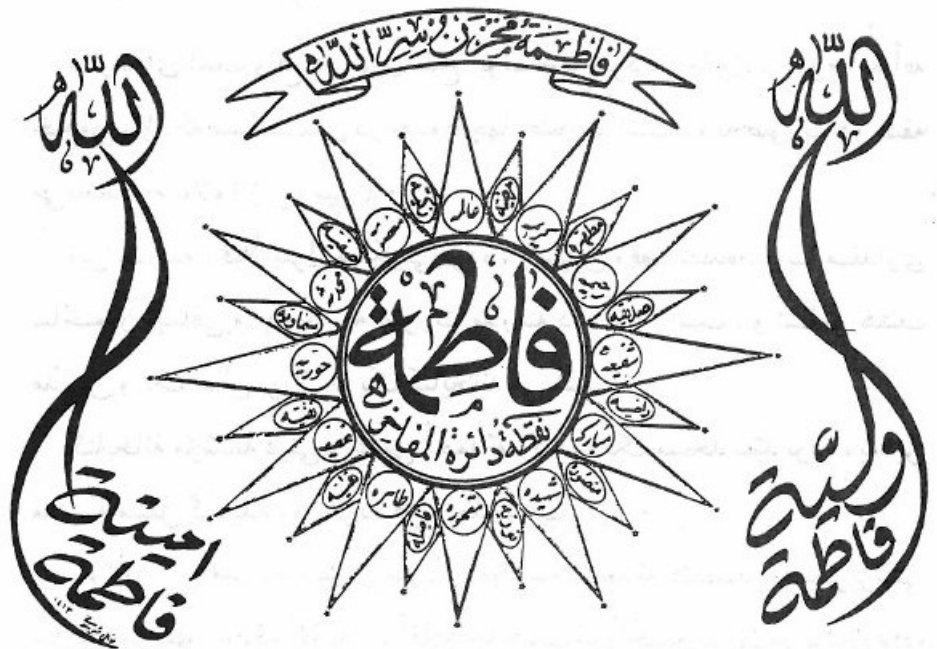
متولیان این مدرسه ، همان متولیان مؤسسه اُحمدیه هستند ، و سرپرستی مدرسه ، بر عهده حجّه الاسلام ، آقای حاج سید أبو الحسن بدری می باشد ، و ده نفر در این مدرسه تدریس می نمایند ، و در حدود هفتاد نفر از طبقه نسوان ، در

رتبه های مقدمات و سطح ، تحصیل علوم حوزه ای می نمایند .

### مدرسه کتابخانه امیرالمؤمنین علیه السلام

در کتابخانه امیرالمؤمنین علیه السلام ، واقع در اول خیابان احمد آباد ، کلاسهای درس دینی و حوزوی برای خانمها تشکیل داده می شود ، و دروس دینی در رتبه مقدمات و سطح برای آنها تدریس می گردد ، و بدین ترتیب ، مدرسه ای برای بانوان شکل گرفته است .

عکس



## ۷- کتابخانه های اصفهان ، در دوره های گوناگون

اشاره

ص: ۳۳۳



یکی از نشانه های موقعیت علمی در شهر اصفهان ، در طول تاریخ ، وجود کتابخانه های مهم و گسترده ای است که به صورت عمومی یا شخصی ، وجود داشته ، و مورد استفاده و بهره برداری پژوهش گران و محققین در علوم گوناگون بوده است ، و ذیلاً، به مواردی مهم و قابل توجه اشاره می نمائیم .

کتابخانه های اصفهان را در سه قسمت ( قبل از دوره صفویّه ، و دوره صفویّه ، و پس از دوره صفویّه ) مورد بحث قرار می دهیم .

### کتابخانه های اصفهان در دوره های قبل از صفویّه

در دوره های گوناگون ، همانند دوره حکومت آل بویه و سلجوقیان و ... ، در شهر اصفهان ، کتابخانه های مهم و قابل توجهی شکل گرفته ، که بعضی ، متعلق به شیعه ، و برخی دیگر ، متعلق به اهل سنت بوده است ، و ذیلاً به نمونه هایی اشاره مینمائیم : مینمائیم :

#### ۱- کتابخانه عظیم اسماعیل بن عبّاد

اسماعیل ( صاحب ) بن عبّاد ، چهره بزرگ علمی و سیاسی شیعه ، کتابخانه بسیار مهمی داشته ، که از نظر کمیت و کیفیت ، از مقام بالائی برخوردار بوده ، و همین بس که ، شمار کتابهای او را ، با رقم دویست و شش هزار یا دویست و هفتاد هزار ، تعیین نموده اند و فهرست آنها در ده مجلد جمع آوری شده بوده و برای



حمل و جابجائی آنها، نیاز به بیش از چهارصد شتر بوده است (۱).

صاحب بن عبّاد به مناسبت توصیف کتاب «الأغانی» از أبو الفرج اصفهانی، یادی از کتابخانه خود نموده، و می گوید: من در کتابخانه خودم یکصد و هفده هزار جلد کتاب نفیس دارم، وقتی که کتاب الأغانی به دستم رسید، از مطالعه کتابهای خویش صرف نظر کردم، و ملازم خواندن کتاب الأغانی شدم (۲).

## ۲- کتابخانه بزرگ مسجد جامع

مافروخی اصفهانی، در معرّفی وضعیت مسجد جامع اصفهان، شرحی داده که در ضمن آن، از کتابخانه عظیمی یاد می کند که، روبروی مسجد بوده است. او چنین توصیف می کند: برای هر نماز، کمتر از پنج هزار نفر در آنجا گرد نمی آید، پهلوی هر جزری شیخی قرار دارد که، جماعتی از طلاب گرد او را گرفته، به وظیفه درس یا ریاضت نفس، اشتغال دارند. آراستگی این بنا، به واسطه مناظره فقهاء و مباحثه علماء و مجادله متکلمین و پندهای واعظین است و در آنجا صوفیان و علماء، و کسانی دیده می شوند که، به حال عبادت در مسجد اقامت گزیده، و با تسبیح و دعا زندگانی را می گذرانند. روبروی مسجد، کتابخانه ای با حجرات گوناگون و مخازنش، واقع است. این کتابخانه به وسیله استاد الرّئیس، أبو العباس، أحمد الضّبی، ساخته شده (۳) و او کتب

ص: ۳۳۶

---

۱- کتاب اصفهان، از دکتر هنرفر، صفحه ۲۰۶ و ۲۰۹، و آل بویه و اوضاع زمان ایشان، صفحه ۵۳۴ و آشنائی با حوزه های علمیه شیعه، جلد ۱، صفحه ۳۶۲

۲- کتابخانه های ایران، از جواهر کلام، صفحه ۲۰

۳- با توجه به اینکه أبو العباس أحمد الضّبی، از شخصیتهای بزرگ عالم تشیع است، روشن میگردد که این کتابخانه وابسته به شیعه میباشد

مربوط به همه گونه علوم را، که به مرور ایام، فضلاء و ادباء سابق انتخاب کرده اند، در آنجا جمع نموده است.

کتابخانه مزبور، دارای فهرستی در سه جلد بزرگ بوده، مشتمل بر کتابهایی در: تفسیر قرآن، حدیث، صرف، نحو، لغت، ادبیات، شعر، منطق، ریاضی، طبیعی و غیره (۱).

اسماعیلیه، در سال ۵۱۵ هجری، مسجد جمعه و کتابخانه نفیس آن را آتش زدند، که به نظر دکتر هنرفر، آنچه در حریق سال ۵۱۵، در مسجد جمعه سوخته است، توابع مسجد، یعنی ابنیه ای مانند: آموزشگاهها، صومعه ها، مزیف ها، مخزن ها و کتابخانه ای بوده است، که فهرست آن در سه جلد قطور، تنظیم شده بوده است (۲).

### ۳- کتابخانه شیخ ابومسعود

در عبادتگاه شیخ ابو مسعود (که از عرفای مشهور بوده، و گفته می شود که، نقشی بزرگ در توجه مردم به فضائل امیر المؤمنین علی علیه السلام و علاقه آنها به تشیع، داشته) کتابخان مهم و نفیسی موجود بوده است (۳).

### ۴- کتابخانه مدرسه حاج حسن

در کنار مسجد و مناره عظیمی که، در جوار امامزاده هارونیه علیه السلام وجود دارد، مدرسه ای است که، به نام مدرسه حاج حسن نامیده می شود، و اصل مدرسه، متعلق به سلطان محمد سلجوقی و از آثار او بوده، و در این مدرسه،

ص: ۳۳۷

---

۱- محاسن اصفهان، صفحه ۸۵ و گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صفحه ۷۹

۲- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صفحه ۷۹

۳- مجله هنر و مردم، شماره ۵۶ و ۵۷، دوره جدید، صفحه ۳۷، بنقل از کتاب خلد برین

کتابخانه ای بزرگ گرد آمده بوده است (۱).

#### ۵- کتابخانه نظامیه اصفهان

نویسنده کتاب (کتابخانه های ایران) و نیز مقاله تاریخچه کتاب و کتابخانه در ایران (۲) عقیده دارد که، نظامیه اصفهان، دارای کتابخانه مهمی بوده است.

#### ۶- کتابخانه خاندان خجندیان «آل خجند»

در کتاب ایرانشهر (۳) و مجله هنر و مردم شماره ۵۵ صفحه ۲۵ و کتاب کتابخانه های ایران ( صفحه ۲۴ - ۲۵، از کتابخانه آل خجند یاد شده و چنین استفاده می شود که، کتابخانه قابل توجهی بوده است.

#### ۷- کتابخانه مدرسه بابا قاسم

مدرسه باباقاسم که، به نام مدرسه امامیه نامیده می شود، و از میراثهای فرهنگی اصفهان از قرن هشتم، به شمار می رود، کتابخانه ای داشته، که مورد استفاده بوده است (۴).

#### ۸- کتابخانه مدرسه سلطان بخت آغا

در مدرسه سلطان بخت آغا، در محله در دشت، که از مدارس مهم اصفهان در قرن هشتم هجری می باشد، و از آن مدرسه بزرگ و باشکوه، تنها سردر و دو

ص: ۳۳۸

---

۱- مجله هنر و مردم، شماره ۵۶ و ۵۷ صفحه ۳۷، و نیز شماره ۵۹، صفحه ۲۴

۲- مجله هنر و مردم، شماره ۵۵، اردیبهشت ۱۳۴۶

۳- ایرانشهر، جلد ۱، صفحه ۷۵۲

۴- مجله هنر و مردم، (مقاله کتابخانه های ایران)

مناره ، باقی مانده ، کتابخانه ای وجود داشته (۱) ، که همانند حجرات و صحن مدرسه از بین رفته است .

چنانکه در بخش ( مدارس علمیّه اصفهان ، قبل از صفویّه ) توضیح داده ایم ، مدرسه سلطان بخت آغا ، متعلق به شیعه می باشد ، بنابراین ، کتابخانه آن نیز ، وابسته به شیعه بوده است .

آنچه یاد نموده ایم ، نمونه ای از کتابخانه های قدیم اصفهان بود ، که نام آنها در الابلائی صفحات تاریخ باقی مانده ، که برخی از آنها متعلق به شیعه بوده است .

### کتابخانه های اصفهان در دوره صفویّه

در دوره صفویّه ، که مردم شیعه و علماء عظیم الشان مکتب أهل البيت علیهم السلام ، آزادی عمل یافتند ، و فعالیت های علمی بر مبنای مکتب تشیع ، گسترش یافت ، کتابخانه های بسیاری ( با محتوای مناسب با فرهنگ اسلامی و شیعی ) به وجود آمده ، که محلّ تحقیق و پژوهشهای بزرگان و محققان بوده ، و ما ، ذیلاً ، به نمونه هایی اشاره می نمائیم :

#### ۱- کتابخانه شیخ علی منشار عاملی

شیخ علی منشار عاملی ، که از چهره های علمی در اصفهان ، و پدر زن مرحوم شیخ بهائی می باشد ، کتابخانه مهمی داشته ، مشتمل بر حدود چهار هزار کتاب ارزشمند ، که از هند به ایران آورده بوده است (۲).

#### ۲- کتابخانه شیخ بهائی

نابغه بزرگ و چهره درخشان شیعه ، مرحوم شیخ بهاء الدین محمد معروف به

ص: ۳۳۹

---

۱- مجله هنر و مردم ، ( مقاله کتابخانه های ایران )

۲- زندگینامه علامه مجلسی ، جلد ۱ ، صفحه ۱۷۴

( شیخ بهائی ) ، متوفای ۱۰۳۰ ، کتابخانه ای داشته ، که پس از فوت شیخ علی منشار عاملی ، کتابهای او نیز ، به کتابخانه شیخ بهائی ضمیمه میگردد (۱).

### ۳- کتابخانه میرداماد

کتابخانه فیلسوف عظیم الشان شیعه ، مرحوم میرداماد قدس سره متوفای ۱۰۴۰

### ۴- کتابخانه مدرسه ملا عبد الله

مدرسه ملا عبد الله ، که از مدارس مهم و معروف اصفهان ، و متعلق به دوره صفویه است ، کتابخانه ای داشته که در فتنه و حمله افغانها به اصفهان ، به غارت رفته است (۲).

در سالهای اخیر ، مجدداً کتابخانه ای در آن مدرسه دائر گردیده ، و موجود میباشد .

### ۵- کتابخانه ابن خاتون

یکی از دانشمندان معاصر شاه عباس ، به نام محمد بن علی ، و معروف به ابن خاتون ، کتابخانه معظمی داشته است ، که ، در هنگام توسعه کتابخانه آستان قدس رضوی علیه السلام ( بعد از حمله و دستبرد اُزبک ها ) به پیروی از تصمیم و عمل شاه عباس ، تعدادی از کتب ارزشمند کتابخانه اش را ، به کتابخانه آستان قدس حضرت رضا علیه السلام اهداء نموده است (۳).

ص: ۳۴۰

---

۱- زندگینامه علامه مجلسی ، جلد ۱ ، صفحه ۱۷۴

۲- مجله هنر و مردم ، شماره ۶۵ ، صفحه ۶۶

۳- مجله هنر و مردم ، شماره ۶۴ ، صفحه ۴۴

علامه محقق ملا محمد باقر سبزواری، و حکیم فرزانه، میر أبو القاسم، مشهور به میر فندرسکی که هر کدام، از چهره های درخشان حوزه علمیه اصفهان بوده اند، برای تحقیق و تألیف وسیع خود، نیاز به کتابخانه ای شایسته آن همه کوشش علمی، داشته اند، بنابراین هر کدام کتابخانه قابل توجهی در اختیارشان بوده است.

### ۸- کتابخانه فیض کاشانی

مرحوم فیض کاشانی، که فقیهی محدث و حکیمی متکلم و مفسری محقق بوده، و تحقیقات و تألیفات بسیار زیاد و متنوع، در زمینه علوم مختلفه اسلامی، داشته است، دارای کتابخانه ای در شهر کاشان، و سپس اصفهان بوده (۲)، که با توجه به تحقیقات و فعالیت گسترده علمی آن بزرگمرد، قابل توجه و دارای اهمیت بوده است. هم چنین، پدر آن بزرگمرد، ملا شاه مرتضی، که از بزرگان علماء و از چهره های با فضل بوده، کتابخانه عالی داشته است، ولی متأسفانه در یک حادثه تلخ، موریانه به آنها می افتد و همه را می خورد و فقط قطعه پوستی باقی می ماند که بر او نوشته بوده (۳).

علمی که حقیقی است، در سینه بود

در سینه بود، هر آنچه درسی نبود

صد خانه تو را کتاب، سودی نکند

باید که، کتابخانه در سینه بود

ص: ۳۴۱

۱- زندگینامه علامه مجلسی، جلد ۱، صفحه ۱۷۳ - ۱۷۴

۲- زندگینامه علامه مجلسی، جلد ۱ صفحه ۱۷۴

۳- روضات الجنات، صفحه ۵۴۲ و ریحانه الأدب، جلد ۴ صفحه ۳۷۹

## ۹- کتابخانه خاندان خوانساری

کتابخانه خاندان بزرگ علمی شیعه ( خاندان آقا حسین خوانساری ) که به وسیله سر سلسله این خاندان ، یعنی محقق نامدار شیعه و ایران ، مرحوم آقا حسین خوانساری ، متوفای ۱۰۹۸ یا ۱۰۹۹ ، تأسیس گشته است .

## ۱۰- کتابخانه خاندان خاتون آبادی

کتابخانه خاندان علمی خاتون آبادی ، که مؤسس آن ، دانشمند و محقق بزرگ ، آمیر اسماعیل خاتون آبادی ( از علماء اواخر دوره صفویه ) بوده است (۱) و به علت کوشش های گسترده صاحبان این کتابخانه ها ، در زمینه تحقیق و تألیف و تدریس ، طبعاً بهترین نفائس کتب و ارزشمند ترین ذخائر علمی را ، در برداشته است .

## ۱۱- کتابخانه صفویه

شاردن فرانسوی ، در سفرنامه اش ، از کتابخانه صفویه چنین یاد می نماید : در جنب عمارت طالاری که ، معروف به طالار طویله دربار اصفهان است ، چندین اطاق بزرگ می باشد ، که یکی از این اطاقها کتابخانه شاه بود ، و کتابدار این کتابخانه ، میرزا مقیم نامی است ... کتابهای این کتابخانه در حدود پانزده هزار مجلد است ، که غالب آنها به زبان عربی و ترکی ، و کمی از آنها به زبان فارسی ، تألیف شده ، و در این کتابخانه ، دو صندوق دیگر از کتابهای اروپائی است ، که یکی دارای ۷۶ جلد کتاب بود ... و در این خزانه ، یک چیزی که بین آن مخزونات و نفائس ، محترم بوده ، و آن را علم امام حسن علیه السلام می گفتند ، هرچه

ص: ۳۴۲

---

۱- چهار کتابخانه یاد شده اخیر ، در جزوه کتابخانه های ایران صفحه ۶۰ ذکر شده است

کوشش کردم که آن را خزانه دار بیرون بیاورد ، موافقت نکرده ، و گفت : تا دین اسلام قبول نکنی ، به تو ارائه نمی دهم (۱) . از این تعبیرات ، به خوبی روشن می شود که این کتابخانه ، مشتمل بر کتب نفیس و مهم و متنوع بوده است .

#### ۱۲ - کتابخانه محمد مقیم

مولانا محمد مقیم ، کتابدار کتابخانه شاه سلیمان ، مردی کتاب شناس و کتاب دوست ، و از شعراء صاحب دیوان بوده ، و لذا خود او نیز کتابخانه ای مشتمل بر کتب ارزشمند و نفیس ، فراهم آورده بوده است (۲) .

#### ۱۳ - کتابخانه میرفندرسکی

امیر صدرالدین میرفندرسکی ، کتابخانه مهمی داشته ، که مشهور بوده است ، و پس از وفات او طبق وصیتش ، به کتابخانه بقعه شیخ صفی اردبیلی ، منتقل می شود، که در جنگ ایران و روسیه ، به غارت رفته است (۳) .

#### ۱۴ - کتابخانه میرزا عنایت الله اصفهانی

میرزا عنایت الله بن آغا محمد مؤمن بن محمد باقر اصفهانی ، متوفای قبل از ۱۰۷۴ ، که دائی ملا عبد الله أفندی ( صاحب ریاض العلماء ) بوده ، و مردی عالم و فاضل و بصیر و زاهد و عابد و باورع بوده است (۴) و از شاگردان سلطان العلماء ( خلیفه السلطان ) به شمار رفته ، و هم درس پدر صاحب ریاض بوده

ص: ۳۴۳

---

۱- کتابخانه های ایران ، صفحه ۴۹ - ۵۰

۲- مجله هنر و مردم ، شماره ۶۶ ، دوره جدید ، صفحه ۲۹ ، و زندگینامه علامه مجلسی جلد ۱ ، صفحه ۱۷۲

۳- مجله هنر و مردم ، شماره ۶۵ ، صفحه ۶۹

۴- ریاض العلماء ، جلد ۴ ، صفحه ۳۰۱



است. او کتابخانه ای داشته، مشتمل بر کتابهای ارزشمند، که خودش بر مقداری از آنها، حاشیه و شرح نوشته بوده است (۱).

### ۱۵ - کتابخانه علامه مجلسی، پربرکت ترین کتابخانه های اصفهان

یکی از مهمترین کتابخانه های اصفهان در دوره صفویه، و پربرکت ترین کتابخانه های شیعه در طول تاریخ، کتابخانه عظیم علامه مجلسی است، که نتیجه و حاصلی همانند: کتاب عظیم الشان بحارالانوار، در عالم علم و حدیث، و جهان تشیع، داشته است.

کتابخانه علامه مجلسی، مشتمل بر مصادر مهم و کمیاب، و منحصر به فرد بوده، و مشهور است که، دویت اصل از اصول اربعماه، که در نزد شیعه، بسیار معتبر و گرانقدر است، در نزد علامه مجلسی، و در کتابخانه آن بزرگمرد، موجود بوده است (۲).

علامه مجلسی، برای فراهم آوردن کتابخانه ای، که بتواند دائره المعارفی بزرگ و بی نظیر، همچون بحارالانوار را، به عالم اسلام عرضه کند، تلاشی گسترده را به کار گرفت، و کسانی را به اطراف فرستاد، و به هر قیمتی که بود، نسخه های معتبر و نفیس، که إحياناً به خط مؤلفین چند قرن قبل بوده، و یا مورد تصحیح و تأیید علماء برجسته شیعه بوده، به دست آورد، و کتابخانه های مهمی را از دیگران خریداری نموده، و یا به ارث برده، و ضمیمه کتابخانه عظیم خود

ص: ۳۴۴

---

۱- الذریعه إلی تصانیف الشیعه، جلد ۶، صفحه ۱۰۵ و ریاض العلماء

۲- زندگینامه علامه مجلسی، جلد ۱، صفحه ۱۷۵ و علامه مجلسی، بزرگمرد علم و دین صفحه ۴۶۷

نموده ، که برخی از آنها به این قرار است :

الف - کتابخانه مهم پدر بزرگوارش ، علامه ملا محمد تقی مجلسی، که مشتمل بر کتابهای ارزشمند بوده است .

ب - کتابخانه حافظ کاظم

ج - کتابخانه سید محمد علی

د- کتابخانه شاه أبو تراب

ه - کتابخانه سید حسن آل یراق

و - کتابخانه میرزا غیاث

مرحوم علامه مجلسی ، با داشتن چنین کتابخانه عظیمی ، موفق گردید ، نه تنها کتاب عظیم « بحار الأنوار » را تألیف نماید ، بلکه بسیاری از کتب نفیس و اصلی و مهم شیعه را ، که نسخه های کمی از آنها باقی مانده بود، و در شرف نابودی قرار داشت، با کمک نسخه برداران ، تکثیر و تصحیح و مقابله نمود، و در اختیار دانشمندان و مراکز علمی قرار داد ، و در نتیجه ، از نابودی بسیاری از آثار و تألیفات و کتب قدماء شیعه جلوگیری نمود ، و به راستی «حافظ و ناشر آثار أهل البيت عليهم السلام و علماء سلف» گردید . کتابخانه علامه مجلسی ، در خانه آن بزرگمرد، جنب مسجد جامع بزرگ اصفهان ( که شامل می‌درس و مجلس مرافعه و ... بوده ) مستقر بوده ، و بعد از وفات ایشان ، در اختیار نوادگان دختری آن بزرگمرد ، ( خاندان امام جمعه ) قرار گرفته است (۱).

## ۱۶- کتابخانه شیخ أبو طالب زاهدی

میرزا أبو طالب زاهدی گیلانی ، متوفای ۱۱۲۷ هجری ، ( پدر شیخ محمد

ص: ۳۴۵

علی حزین لاهیجی ( از علماء دارای فضیلت بوده ، و کتابخانه مهمی داشته ، که شمار کتابهای آن ، به پنج هزار می رسیده است . بسیاری از آنها را به خطّ خودش تصحیح نموده ، و شمار زیادی را شرح و حاشیه نوشته بوده ، و خودش ، خوش خطّ و سریع القلم ، بوده است .

کتابهای : « قاموس » و « تهذیب الحدیث » و « شرح لمعه » را ( تا هفتاد کتاب ) به خط خودش ، نوشته بوده است (۱). میرزا ابوطالب ، سر سلسله خاندان علمی مشایخ بید آباد می باشد (۲).

## ۱۷ - کتابخانه ملا عبد الله أفندی

مولا عبد الله أفندی تبریزی ، صاحب کتاب عظیم الشان « ریاض العلماء » ، از محققین نامدار ، در زمینه تراجم و رجال بوده ، و برای تحقیقات خود ، مسافرت های فراوان می کرده ، و به کتابخانه های زیادی در شهرها مراجعه می نموده ، و در کتابش ، از کتابخانه هائی که شخصاً دیده است ، گاه گاهی یاد می کند .

ملا عبد الله أفندی ، به تعبیر مرحوم حزین لاهیجی ( به غایت متتبع بوده ) و در کنار منزل خود ، مدرسه ای بناء کرده بوده ، و در آنجا تدریس می نموده است .

آن بزرگمرد ، کتابخان مهمی داشته ، مشتمل بر نسخه های نفیس ، که در کتاب خود به عنوان مأخذ ، از آنها استفاده می نموده است (۳) .

ص: ۳۴۶

---

۱- ریحانه الأدب ، جلد ۷ صفحه ۱۶۶ و أعیان الشّیعه ، چاپ قدیم ، جلد ۶ ، صفحه ۲۹۷ و ۲۹۸ ، زندگینامه علامه مجلسی ، جلد ۱ ، صفحه ۱۷۴

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۷۹

۳- کتاب و کتابخانه های ایران ، از همایونفرح ، جلد ۲ ، صفحه ۱۵۴ و زندگینامه علامه مجلسی ، جلد ۱ ، صفحه ۱۷۴

شیخ محمد علی حزین ، که از دانشمندان و سخنوران و ادباء بزرگ قرن دوازدهم می باشد ، کتابخانه مهمی داشته ، که در فتن افغان و شکست اصفهان و سقوط حکومت صفویه به غارت رفته است ، و خودش در این باره می نویسد :

در آن سال ( ۱۱۳۵ ) سانه اصفهان روی داد ، و کتابخانه فقیر و آنچه بود ، به غارت رفت ، و مرا بر تلف شدن آن نسخه ها تأسف است (۱).

#### ۱۹ - کتابخانه مدرسه چهارباغ

مدرسه مهم و تاریخی سلطانی ( چهارباغ ) که اخیراً ( بعد از انقلاب اسلامی ) به نام مدرسه امام صادق علیه السلام نامیده می شود ، و از نظر معماری ، کاشی کاری ، استحکام و سایر امتیازات اساسی و هنری ، از مهمترین آثار تاریخی ، و میراثهای فرهنگی و هنری اصفهان به شمار می رود ، و به وسیله سلطان حسین صفوی تأسیس گردیده ، و سالهای متمادی محلّ تدریس و فعالیت علمی بوده است ، کتابخانه معظمی داشته ، که مشتمل بر نفائس بسیار ارزشمندی از کتب بوده است ، و در کتاب «جغرافیای اصفهان» ، شرحی جالب در مورد آن ذکر نموده ، که ذیلاً نقل می گردد .

سلاطین صفوی ، انار الله برهانهم ، کتب هر علمی را تصحیح و تنقیح کرده ، سه دسته از کل آنها را به خطّ خوش نویسانیده ، وقف فرموده ، یک دسته را در کتابخانه مبارکه امام ثامن ، حضرت رضا علیه آلائف التّحیه و الثّناء و نیز یک دسته در کتابخانه شاه ( شیخ صفی قدّس الله سرّه به اردبیل فرستاده بودند ، و دسته دیگرش را در کتابخانه دولتی مدرسه چهارباغ اصفهان ، ضبط و محفوظ می داشتند ، و از

ص: ۳۴۷

نسخ آنها بعضی دون بعضی ، در کتابخانه های مدارس ولایات و مملکت بود(۱).

کتابهای مدرسه چهارباغ را ، برای حفظ از غارت شدن به وسیله افغانها ، احتیاط کردند ، و در سردابی قرار دادند ، و درب آن را مسدود نمودند ، و در طول اغتشاش و فتنه افغان ، مورد سرکشی قرار نگرفت و بسیاری از آنها صدمه دید ، و تاکنون وضعیتی روشن ، از آن کتابخانه عظیم و نفیس ، در دست نیست .

البته در مجل آن کتابخانه ، در سال ۱۳۲۳ شمسی ، کتابخانه ای به نام کتابخانه فرهنگ ، تأسیس گشته ، که پس از انقلاب اسلامی ، به نام کتابخانه عمومی امام جعفر صادق علیه السلام نام گذاری شده ، و در حال حاضر ، ۲۴۶۷۰ جلد کتاب خطی و چاپی دارد ، و مورد بهره برداری می باشد (۲).

## ۲۰ - کتابخانه مدرسه آقا کمال خازن

آقا کمال خازن ( خزینه دار سلطان حسین صفوی ) که از مردان دوستدار علم بوده ، و هفت مدرسه تأسیس کرده است (۳) یکی از مدارس او در جنب شاهزاده ابراهیم بوده ، و ویران شده است ، و اثری از او باقی نیست ، در این مدرسه ، کتابخانه ای وجود داشته که در فتنه افغان از بین رفته است (۴) .

## ۲۱ - کتابخانه مدرسه ایلچی

مدرسه ایلچی ، که در محله احمد آباد بوده ( و ظاهراً در مجاورت مسجد ایلچی ، که فعلاً موجود است ، و از آثار تاریخی به شمار می رود ، بوده است )

ص: ۳۴۸

---

۱- جغرافیای اصفهان ، صفحه ۸۱ و مجله هنر و مردم ، شماره ۶۵ صفحه ۶۹

۲- جزوه کتابخانه ابن مسکویه ، صفحه ۱۴ - ۱۵

۳- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۸۰۳

۴- مجله هنر و مردم ، شماره ۶۵ ، صفحه ۶۸

کتابخانه ای داشته ، که تا سال ۱۳۳۸ ، دائر بوده است (۱) و کتابهایی از کتابخانه مدرسه ایلچی ، در کتابخانه مجلس شورای مله‌ی موجود است ، همانند : شاهنامه فتحعلی خان صبا ، با ۲۳ مجلس زیبا (۲) .

## ۲۲- کتابخانه نایب الصدر

مرحوم میر محمد مهدی نایب الصدر ، که فقیهی کامل و مجتهدی محقق بوده ، و متوفای ۱۱۶۷ مییاشد ، کتابخانه مهمی داشته ، و بر اغلب و یا تمام کتب موجود در کتابخانه اش ، در زمینه تمام علوم ، حاشیه نوشته است (۳) و این از ویژگی های مرحوم نایب الصدر و کتابخانه او، بوده است .

## ۲۳- تا ...

نویسنده مقاله های مفصل درباره ( تاریخچه کتابخانه های ایران ) در مجله هنر و مردم ، از کتابخانه های زیادی ، از سلاطین و متمولین دوران صفویه ، نام برده است ، همانند :

۱- کتابخانه عظیم و گسترده شاه عباس کبیر (که بخش اهدائی آن به کتابخانه آستان قدس رضوی در هفت جلد، فهرست برداری شده است) .

۲- کتابخانه شاه سلیمان صفوی

۳- کتابخانه شاه عباس ثانی

۴- کتابخانه شاه صفی

۵- کتابخانه شخصی سلطان حسین صفوی

ص: ۳۴۹

---

۱- آثار ملی اصفهان ، صفحه ۳۴

۲- مجله هنر و مردم ، شماره ۶۷ - ۶۸ ، صفحه ۴۸

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۵۱۲

۶- کتابخانه اعتقاد خان

۷- کتابخانه حاج حسین بیک

۸- کتابخانه فرهاد خان معتمد الدوله

و نیز ، از کتابخانه های زیادی در رابطه با مدارس علمیّه آن دوره ، بر می شمرد، همانند :

۹- کتابخانه مدرسه آقا کافور

۱۰- کتابخانه مدرسه جده بزرگ

۱۱- کتابخانه مدرسه جده کوچک

۱۲- کتابخانه مدرسه خالصیه

۱۳- کتابخانه مدرسه خواجه ملک

۱۴- کتابخانه مدرسه ذو الفقار

۱۵- کتابخانه مدرسه عباسی ( ناصری )

۱۶- کتابخانه مدرسه کاسه گران

۱۷- کتابخانه مدرسه مریم بیگم

۱۸- کتابخانه مدرسه ملا عبد الله أفندی

۱۹- کتابخانه مدرسه نصر آباد

۲۰- کتابخانه مدرسه نیم آور

البته وجود کتابخانه های مهم و قابل توجهی ، در مدارس یاد شده، به نحو مشخص ، محلّ تردید می باشد ، و طالبین تحقیق ، بایستی بررسی گسترده تری را برای اثبات مطلب ، به انجام برسانند .

### **کتابخانه های اصفهان ، بعد از دوره صفویّه**

پس از آنکه حکومت صفویه سقوط کرد و شهر اصفهان و حوزه علمیّه آن ،





مورد تاراج و غارت شدید قرار گرفت ، و بسیاری از کتابخانه ها به غارت رفت، و شمار بسیاری از آنها سوزانده شد، تا جائی که گفته اند : هفته ها بلکه ماهها ، کتب کتابخانه های اصفهان به مصرف گرم کردن حمامهای شهر می رسید(۱) وضعیت آسف باری برای تاریخ کتابخانه در اصفهان رقم زده شد .

ولی به مرور زمان ، و تمام شدن فتنه افغان ، و تجدید حیات علمی در حوزه علمیه ، و کوشش علماء بزرگوار ، مجدداً تألیف و تحقیق ، نسخه برداری و جمع آوری کتب ، از سر گرفته شد، و مجدداً با راه افتادن مدارس علمیه و تشکیل جلسات درسی ، و مرجعیت یافتن علماء بزرگ ، کتابخانه های ارزشمندی شکل گرفت که نمونه هائی از آن را ذکر می کنیم .

### ۱- کتابخانه عظیم سید شفتی

مرحوم سید محمد باقر شفتی ، متوفای ۱۲۶۰، که از پرچمداران بزرگ دینی در قرن سیزدهم ، و از زعمای بزرگ حوزه علمی عظیم اصفهان ، در قرون اخیر بوده است ، و شاگردانی زیاد و تألیفاتی فراوان داشته ، و به کتابهای متنوع نیازمند بوده ، و از طرف دیگر، به حفظ آثار علمی بزرگان گذشته ، و نشر آنها علاقه مند بوده است ، کوششی مستمر را برای تهیه کتابخانه ای جامع و غنی ، در پیش می گیرد، و تا آخر عمر ، در خریدن و نگهداری نسخه های ارزشمند و کتب نفیس ، اقدام می نماید، تا جائی که از خود مرحوم سید نقل کرده اند که فرموده است : همه کتب در نزد من هست ( که گویا مراد مرحوم سید این است که ، در همه زمینه ها، کتابهای مورد نیاز ، در نزد من موجود می باشد )

ص: ۳۵۱

---

۱- زندگینامه علامه مجلسی ، جلد ۱ ، صفحه ۱۸۰ ، به نقل از نشریه فرهنگ شماره ۲۸

به نقل مرحوم تنکابنی در «قصص العلماء» در سالی که مرحوم سید به حج مشرف شدند، کتابخانه ایشان را که مشتمل بر کتب نفیس و قیمتی بود، به پنجاه هزار تومان قیمت کردند، و با توجه به ارزش پول (تومان) در آن زمان، به خوبی می توان، گسترش و اهمیت کتابخانه مرحوم سید را حدس زد (۱).

## ۲- کتابخانه خاندان قزوینی

مرحوم حاج محمد ابراهیم قزوینی، متوفای بعد از ۱۲۶۳، که از شاگردان مبرز و مورد توجه و علاقه شدید مرحوم سید شفتی (حجه الاسلام) بوده است، کتابخانه مهم و نفیسی داشته که، مشتمل بر کتب ارزشمند بوده، و مرحوم حاج آقا بزرگ طهرانی، در تألیف مجلدات «الذریعه» از آن بهره گرفته است.

این کتابخانه، حدود یک قرن باقی بوده، و سپس در میان احفاد مرحوم قزوینی، متفرق شده است (۲).

## ۳- کتابخانه خاندان خوانساری «روضاتی»

کتابخانه عظیم و با برکتی است که، به وسیله آقا سید ابوالقاسم خوانساری، مشهور به میرکبیر، متوفای ۱۱۵۸، در شهر خوانسار، تأسیس شده، و سپس به اولاد او منتقل گردیده و توسعه یافته، تا آنکه به «آقامیرزا زین العابدین خوانساری»، متوفای ۱۲۷۵ منتقل می شود، و او به اصفهان مهاجرت نموده، و خاندان علمی بزرگی را در اصفهان بوجود می آورد که، چهره هائی همانند: مرحوم آقا میرزا محمد باقر خوانساری (صاحب روضات) و آقا میرزا محمد هاشم

ص: ۳۵۲

---

۱- بیان آلمفاخر، جلد ۱، صفحه ۱۴۶ تا ۱۴۸

۲- الذریعه، جلد ۸، صفحه ۲۹۹، دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۴۳

چهارسوقی و ... را در بر گرفته است .

کتابخانه یاد شده ، با جمع و تقسیم هائی در میان اولاد و أحفاد مرحوم میرزا زین العابدین ، ادامه می یابد ، تا اینکه در زمان ما ، یکی از أحفاد آن بزرگمرد ، یعنی علامه محقق ، آیه الله ، آقای حاج سیّد محمّد علی روضاتی ، کتابخانه نفیس و ارزشمندی را که ، مشتمل بر کتب خطی و کمیاب و نایاب است در اختیار دارند ، و این کتابخانه ، در امتداد همان کتابخانه نفیس خوانسار به شمار می رود ، گرچه در طول زمان ، حوادث زیاد ، و جمع و تقسیم و تفریق هائی را به خود دیده است ، و اخیراً ، بخش عظیمی از آثار نفیس ، به وسیله محقق مذکور ، به کتابخانه یاد شده ، اضافه گردیده است (۱).

#### ۴- کتابخانه حاج میرزا محمد هاشم چهارسوقی

فقیه و اصولی محقق و نامدار ، مرحوم حاج میرزا محمد هاشم چهارسوقی خوانساری ، صاحب کتاب «مبانی الأصول» و متوفای ۱۳۱۸ قمری ، که از چهره های مبرز علمی و درسی در حوزه اصفهان ، و شخصیتی پر تلاش در تألیف و تصنیف بوده است ، کتابخانه مهم و قابل توجهی داشته ، که مشتمل بر متجاوز از ده هزار جلد کتاب ، بوده است (۲).

مرحوم حاج میرزا محمّد هاشم ، برادر آقا میرزا محمّد باقر (صاحب روضات الجنّات) ، و از چهره های مبرز «خاندان علمی میرزا زین العابدین خوانساری» میباشد .

ص: ۳۵۳

---

۱- الذریعه ، جلد ۸ ، صفحه ۲۹۷ و اطلاعات شخصی

۲- کتاب و کتابخانه های ایران ، جلد ۲ ، صفحه ۲۰۸

## ۵- کتابخانه امام جمعه ها

کتابخانه ای بوده ، در اختیار امام جمعه ها ( که از نوه های دختری علامه مجلسی بوده اند ) و کتابخانه آنها ، ادامه قسمتی از کتابخانه علامه مجلسی بوده است .

## ۶- کتابخانه آخوند ملا حسین

آخوند ملا حسین خوانساری ، فرزند ملا علی اکبر ، متوفای ۱۳۰۲ ، ( که از اطرافیان و خواص فقیه و محقق نامدار ، مرحوم حاج سید اسد الله بید آبادی شفتی بوده ) کتابخانه ای داشته ، که بخشی از آن ، به کتابخانه عظیم آیه الله مرعشی نجفی در قم ، ملحق گردیده است .

## ۷- کتابخانه ملا باشی

مرحوم حاج میرزا محمود ملا- باشی ( داماد حاج میرزا هاشم امام جمعه ) ، کتابخانه نفیسی داشته ، مشتمل بر نسخ خطی ، بالأخص نسخه هائی از آثار مرحوم علامه مجلسی ، که پس از فوت مرحوم ملا باشی ، در اختیار فرزند ایشان ، آقای حاج میرزا حبیب الله ملا باشی ، قرار گرفته است ، و هم اکنون موجود میباشد .

## ۸ و ۹- کتابخانه مدرسه پاقلعه و مدرسه رکن الملک

به نظر نویسنده کتاب و مقالات ( کتاب و کتابخانه های ایران ) مدرسه پاقلعه ، و نیز مدرسه رکن الملک ( که در جوار مسجد رکن الملک و همزمان با آن تأسیس شده ) کتابخانه داشته است ، ولی قرائنی برای این ادعا ، به دست ما ، نرسیده است .

## ۱۰- کتابخانه منجم باشی

مرحوم محمد حسین تفرشی، معروف به «منجم باشی»، کتابخانه ای از کتابهای نفیس نجوم و ریاضی و هیئت، فراهم آورده بوده، که بسیاری از آنها نصیب کتابخانه آقای فخر الدین نصیری آمینی، گردیده است (۱).

## ۱۱- کتابخانه حکیم نجم اصفهانی

حکیم نجم، متخلص به (نجم) از مشاهیر گویندگان دوران اخیر قاجار بوده، و کتابخانه نفیسی داشته، که مشتمل بوده بر کلیه آثار منظوم حکیم نجم (که تعداد آنها چهل و دو عدد میباشد) و همه، به خط مؤلف و منحصر به فرد بوده است (۲).

## ۱۲- کتابخانه مستوفی

مجتهد مدرس و جامع معقول و منقول، حاج میرزا یحیی مستوفی، متوفای ۱۳۲۵ قمری، کتابخانه مهمی داشته، که پس از فوت آن بزرگمرد، کتابها را کیسه ای (گونی، گونی) می فروخته اند.

## ۱۳- کتابخانه حاج آقا منیرالدین

مرحوم حاج آقا منیرالدین بروجردی، متوفای ۱۳۴۲ قمری، که از چهره های برجسته علمی، و از محققین و صاحبان تألیف و تصنیف بوده، کتابخانه مفصلی داشته، که در اصفهان در آن زمان کم نظیر بوده است، این کتابخانه بعد از فوت فرزند حاج آقا منیر، به نام حاج شیخ اسماعیل، که او هم از

ص: ۳۵۵

---

۱- کتاب و کتابخانه های ایران، جلد ۲، صفحه ۱۷۵

۲- کتاب و کتابخانه های ایران، جلد ۲، صفحه ۱۸۵

علماء جلیل القدر بوده است ، از بین رفته و متلاشی می شود (۱).

#### ۱۴- کتابخانه حاج میرزا أبو الهدی کلباسی

مجتهد اصولی و رجالی محقق ، حاج میرزا أبو الهدی کلباسی ، متوفای ۱۳۵۶ قمری ، که در تدریس و تألیف شخصیتی برجسته بوده است ، کتابخانه ای داشته که پس از فوت آن بزرگمرد ، به ملاّ أحمد بیان آلواعظین فروخته شده است .

#### ۱۵- کتابخانه آقا شیخ محمد رضا نجفی

فقیه اصولی و حکیم ریاضی و ادیب محقق ، مرحوم آقا شیخ محمد رضا نجفی مسجد شاهی ، متوفای ۱۳۶۲ ، که از چهره های برجسته علمی و ادبی و اجتماعی اصفهان بوده ، کتابخانه مهم و نفیسی ، مشتمل بر کتب خطی ممتاز ، داشته است (۲) .

#### ۱۶- کتابخانه بیان الواعظین

مرحوم ملاّ أحمد بیان آلواعظین ، که از احفاد محقق نامدار ، آقارضی قزوینی بوده ، و خود ، واعظی مشهور و نویسنده ای متتبع بوده ، و در سال ۱۳۷۱ قمری وفات یافته است ، کتابخانه ای داشته ، که به علت آشنائی او با کتب ارزشمند ، از بهترین کتابها ، جمع آوری شده بوده ، و کتابخانه ای نفیس به شمار می رفته است .

#### ۱۷- کتابخانه حاج سید علی نجف آبادی

محقق و فقیه نامدار ، و مرجع و مدرّس عظیم الشان حوزه علمیّه اصفهان ،

ص: ۳۵۶

---

۱- رجال اصفهان ، صفحه ۴۸

۲- توضیحات نویسنده مشهور آقای سید مصلح الدین مهدوی

مرحوم آیه الله، حاج سید علی نجف آبادی، متوفای ۱۳۶۲ قمری، کتابخانه بسیار مهمی داشته، که کتب ارزشمند، و نسخه های خطی برجسته (از اصول و مصادر شیعه) در آن فراوان بوده است. نسخه های منحصر به فرد، و دستخط علماء بزرگ و مشهور، و آثار و نسخه های مربوط به زمان علامه مجلسی، از مزایای این کتابخانه بوده است، ولی متأسفانه، پس از فوت ایشان و گذشت چندین سال (در حدود سالهای بین ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۰ قمری) این کمترین (نویسنده این سطور) شاهد بودم، که در ماه رمضان بود، از ظهر تا به غروب و فردای آن، از صبح تا به ظهر، مرتباً، کتابهای یاد شده را (که در حجره آن مرحوم، در مدرسه صدر بازار بود) در گونی می ریختند، و به در مدرسه می آوردند، و در گاری های اسبی می ریختند، و گفته می شد که به ایستگاه ماشین های نجف آباد می برند (برای انتقال به نجف آباد) و دیگر هیچ خبری از آن گنجینه عظیم و نفیس، به دست من نرسیده است، و هم اکنون که این سطور را مینگارم، احساسی تلخ به من دست داده، که دوره های سختی و فشار بر حوزه های علمیّه (به خصوص دوره حکومت پهلوی ها) چه گنجینه های ارزشمندی را، از حیطة اختیارات حوزه های علمیّه، بیرون برده است.

### ۱۸ - کتابخانه کلباسی

مرحوم آیه الله، حاج میرزا رضا کلباسی، متوفای ۱۳۸۳، که مجتهدی بزرگ و پیشوائی فعال و متنفذ بوده، و تألیفات و آثار اجتماعی زیادی داشته، صاحب کتابخانه ارزشمندی بوده است.

### ۱۹ - کتابخانه الفت

مرحوم حاج شیخ محمد باقر الفت، متوفای ۱۳۸۴، (فرزند مرحوم آقا نجفی

اصفهانی ) ، که از نویسندگان و محققین به شمار رفته ، و منزل او مجمع فضلاء و أدباء بوده است ، کتابخانه عظیم و آبرومندی داشته ، که بعضاً از مرحوم آقاجفی بوده ، و برخی را نیز خود تهیه نموده ، و پس از فوتش به دانشکده ادبیات اصفهان ، اهداء گردیده است . مرحوم حاج آقا بزرگ طهرانی ، این کتابخانه را ، از نفیس ترین کتابخانه های اصفهان در زمان خود ، دانسته اند (۱).

## ۲۰ - کتابخانه صدر هاشمی

مرحوم سید محمد صدر هاشمی ، کتابخانه ای داشته ، که به دانشگاه اصفهان اهداء گردیده است (۲) .

## ۲۱ - کتابخانه مرحوم مقدس

مجتهد زاهد ، مرحوم حاج آقا محمد مقدس ، متوفای ۱۳۷۸ قمری ، که از علماء متنقذ اصفهان ، و وکیل تام الاختیار مرحوم آیه الله العظمی ، آقای حاج آقا حسین طباطبائی بروجردی قدس سره بوده اند ، کتابخانه مفصلی از کتب خطی و چاپی داشته اند ، که پس از فوت ایشان ، زیر نظر مرحوم آیه الله بروجردی (طبق وصیت ) به کتابخانه مسجد اعظم قم ، منتقل گردیده و مورد بهره برداری محققین ، قرار گرفته است (۳) .

## ۲۲ - کتابخانه حاج شیخ کرمانی

مرحوم حاج شیخ محمد علی کرمانی ، متوفای ۱۳۸۰ قمری ، ( فرزند مرحوم

ص: ۳۵۸

---

۱- نقباء البشر ، جلد ۱ ، صفحه ۱۹۸

۲- کتاب برنامه ریزی جامع آموزشی و پژوهشی دانشگاه اصفهان ، جلد ۱ ، صفحه ۱۳۳

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۴۸۶



آخوند ملا محمد حسین کرمانی ( کتابخانه ای داشته ، که به مسجد اعظم قم، منتقل گردیده است .

### ۲۳ - کتابخانه طیب زاده

یکی از علماء بسیار محترم و زاهد و با تقوی ، که از چهره های علمی و تقوایی اصفهان در نیمه دوم قرن چهاردهم بودند ، به نام حاج میرزا محمد طیب زاده ، و در بقعه علامه مجلسی مدفون گردیده اند ، کتابخانه ای داشتند که به کتابخانه جدید التأسيس علامه مجلسی ، که در جوار بقعه آن بزرگمرد بنیان گذاری شده ، منتقل گردیده است .

### ۲۴ - کتابخانه سید العراقین

عالم بزرگوار، مرحوم آقای مصطفی سید العراقین ، کتابخانه نفیسی داشته اند ، که مشتمل بر آثار ارزشمند بوده است .

### ۲۵ - کتابخانه کتابی

مرحوم آقا سید أبو الحسن کتابی ، متوفای ۱۳۹۸ قمری ، که عالمی فاضل و ادیب بوده ، و تحصیلات خود را حوزه اصفهان و نجف به پایان برده بوده است، در اثر عشق و علاقه به کتاب ، کتابخانه ای آبرومند فراهم آورده بوده ، که پس از وفات آن مرحوم ، تلاشی می گردد (۱).

### ۲۶ - کتابخانه مدرسه صدر

مدرسه صدر بازار اصفهان ، مهمترین و بزرگترین مدارس موجود در اصفهان

ص: ۳۵۹

می باشد، و مرکز حوزه علمیه و محل تدریس فقهاء و مدرّسین بزرگ است و مرحوم آیه الله آقا سید محمد رضا خراسانی، که از چهره های برجسته حوزه علمیه اصفهان بودند، در سال ۱۳۶۳ قمری، در مدرسه صدر کتابخانه ای در دو طبقه، تأسیس نمودند، که هنوز این کتابخانه باقی، و مورد استفاده طلاب می باشد.

## ۲۷ - کتابخانه معلم حبیب آبادی

مرحوم آقا شیخ محمد علی معلم حبیب آبادی، محقق و مورخ مشهور اصفهانی (نویسنده کتاب ارزشمند «مکارم الآثار») کتابخانه نفیسی داشته، که مشتمل بر کتب تاریخ، رجال، تراجم، ادبیات و... بوده، که در تألیف کتاب یاد شده، و سایر آثار قلمی، و تحقیقات عمیق ادبی و تاریخی و رجالی خود، از آنها بهره می گرفته است.

## ۲۸ - کتابخانه آیه الله خادمی

مرحوم آیه الله، حاج آقا حسین خادمی قدس سره، متوفای جمادی الثانیة ۱۴۰۵ قمری، که از مراجع بزرگ دینی در اصفهان، و رئیس حوزه علمیه، و عهده دار تدریس فقه و اصول اجتهادی (دوره خارج) بودند، کتابخانه نفیسی داشتند، که در برگزیده نسخه های خطی کمیاب و بسیار قدیمی بود، و از نظر کمی و کیفی، مجموعه قابل توجهی به شمار می رفت.

## ۲۹ تا ۳۴ - شش کتابخانه، در شش مدرسه

در هر کدام از مدرسه های نوریّه و صدر خواجه و ملا عبد الله و جلالیه احمد آباد و نیز مدرسه مسجد سید و مجتمع دینی و علمی احمدیه علیه السلام، در ربع قرن اخیر، کتابخانه های قابل توجهی تأسیس گشته، که مورد استفاده طلاب

### ۳۵ - کتابخانه عمومی الزهرا علیها السلام

این کتابخانه ، واقع در طبقه زیرین مسجد عظیم و شکوهمندی است ، که به نام « بابا محمد علی سقا » می باشد ، و معروف به « مسجد آیه الله امامی » گردیده ، و محل آن ، در خیابان جمال الدین عبد الززاق می باشد ، و در سال ۱۴۰۰ قمری ، به وسیله مرحوم آیه الله ، آقای حاج سید احمد فقیه امامی قدس سره تأسیس گشته است .

کتابخانه یاد شده ، در حال حاضر در حدود هفتاد و پنج هزار جلد کتاب دارد ، که مشتمل بر کتب خطی ، کتاب های چاپی کم یاب ، مجله های گوناگون علمی و دینی و اجتماعی ، و مهمترین کتابهای دوره ای ، در زمینه علوم مختلف اسلامی می باشد ، که با کوشش و دقت فراوان ، گزینش و تهیه گردیده است ، و برای تأمین نیازمندیهای علمی محققین ، در هر رشته ای از علوم اسلامی ، منبعی سرشار میباشد .

در این کتابخانه ، در زمینه دسته بندی موضوعی مطالب کتب علمی ، از دستگاه کامپیوتر استفاده می شود ، و یک محقق می تواند از مطالب موجود در کامپیوتر ، در رابطه با موضوعات گوناگون و لغات مختلف ، استفاده نماید ، و مآخذ و منابع موجود در کتابخانه را ، در زمینه آن موضوع بشناسد و به دست آورد . در حال حاضر ، این کتابخانه از غنی ترین کتابخانه های اصفهان ، در زمینه علوم اسلامی ، و تأمین نیازمندیهای محققین می باشد ، و کتابهای آن ، عمدتاً به زبانهای : عربی - فارسی - انگلیسی و مقداری به زبان اردو ، ترکی ،

فرانسوی، آلمانی و ... می باشد .

### ۳۶ - کتابخانه عمومی امیر المؤمنین علیه السلام

این کتابخانه ، واقع در فلکه شکرشکن ( اول خیابان أحمد آباد) می باشد ، و در سال ۱۴۰۰ قمری ، به وسیله حجه الإسلام و المسلمین ، آقای حاج سید کمال فقیه ایمانی ، شروع به ساختمان گردیده ، و پس از گذشت مدّت زمانی ، آغاز به فعالیت نموده ، و تاکنون در حال تکمیل و توسعه می باشد .

این کتابخانه سه طبقه است ، و از نظر ساختمان ، سالن مطالعه ، مخزن کتاب و امکانات لازم ، جالب است ، و در حال حاضر در حدود شصت هزار کتاب دارد ، و ضمناً کلاسهای درس و جلسات سخنرانی عمومی ، در این کتابخانه تشکیل می گردد .

### ۳۷- کتابخانه مرقد مطهر علامه مجلسی

کتابخانه ای است با شکوه ، که در کنار مرقد مطهر مرحوم علامه مجلسی ، و در نزدیکی مسجد جامع ، در سال ۱۴۰۲ قمری ، در قطعه زمینی به مساحت ۱۴۰۰ متر، به صورت دو طبقه ( با محاسبه زیر زمین ) به وسیله هیئت أمناء مرقد مطهر علامه مجلسی ، تأسیس شده است ، و وسیله ای ، برای بزرگداشت نام آن بزرگمرد علم و دین ، و نیز نشر افکار و فرهنگ تشیع می باشد .

این کتابخانه ، دارای حدود ۲۰ هزار جلد کتاب ، به زبان عربی و فارسی و مقداری لاتین می باشد ، و همه روزه تمام وقت ، برای مطالعه کنندگان ( اعمّ از آقایان و خانمها ) آماده می باشد (۱).

ص: ۳۶۲

---

۱- هم اکنون که مراحل چاپ کتاب انجام می شود ، ساختمان کتابخانه علامه مجلسی در حال توسعه می باشد و فعالیت عمرانی برای گسترش آن ، در حال انجام است

در مدرسه علمیه ذوالفقار، که چندین مدرسه دیگر، وابسته به او است، و مجموعاً در حدود، یک هزار نفر طلبه را، از نظر درسی و برنامه ریزی حوزه ای، اداره می کند، و تحت پوشش دارد، و در سال ۱۳۴۸ شمسی، شروع به فعالیت برنامه دار و منظم نموده است، و تاکنون به صورت فعال ادامه یافته است (۱)، کتابخانه ای تأسیس شده، و در حدود ۱۰ هزار کتاب دارد، که با توجه به تعداد طلاب مدرسه یاد شده و مدارس وابسته، فعالترین کتابخانه موجود در مدارس علمیه، به حساب می آید، و بیشترین بهره برداری مستمر و مفید، از آن، انجام می شود.

### سایر کتابخانه ها

در شهر اصفهان، علاوه بر کتابخانه های یاد شده ( که متعلق به حوزه علمیه و وابسته به آن است، کتابخانه هائی به وسیله دانشگاه اصفهان، و نیز اداره آموزش و پرورش، و اداره ارشاد اسلامی با شهرداری و...، تأسیس گشته، که گرچه شرح حال آنها، از اهداف اصلی این کتاب نیست، ولی با توجه به ارزش والای این خدمت فرهنگی، به نحو فشرده از این کتابخانه ها یاد می نمائیم.

### کتابخانه های دانشگاه اصفهان

دانشگاه عظیم و گسترده اصفهان، در حال حاضر دارای ۱۹ کتابخانه

ص: ۳۶۳

---

۱- در بخش مدارس علمیه، بررسی مفصلی درباره تأسیس و مؤسسين برنامه های مدرسه ذوالفقار، داریم مراجعه شود

است (۱) که بعضی از آنها محدود و گروهی، و برخی دیگر، گسترده و با اهمیت می باشند، که ذیلاً به معرفی چند مورد با تفصیل نسبی می پردازیم، و به سایر موارد، اجمالاً اشاره می نمائیم:

### ۱- کتابخانه مرکزی دانشگاه اصفهان

این کتابخانه در سال ۱۳۴۸ شمسی، در محل سابق کتابخانه دانشکده ادبیات، تأسیس گردیده و در سال ۱۳۵۳، به محل فعلی، در کوی دانشگاه، منتقل شده است.

در کتابخانه مرکزی دانشگاه، علاوه بر کتابهای فارسی و عربی و خارجی و کمیاب و نایاب، چندین مجموعه شخصی نگهداری می شود، که یا به صورت وقف در اختیار دانشگاه قرار گرفته، و یا به وسیله صاحبان آنها، به کتابخانه دانشگاه اهداء گردیده، و یا دانشگاه آنها را خریده است، و این مجموعه ها، بر اعتبار کتابخانه مرکزی دانشگاه، افزوده است، زیرا شمار زیادی از کتابهای این مجموعه های شخصی، جزء کتابهای نایاب و پر ارزش، محسوب می شود.

در کتابخانه مرکزی دانشگاه، بیش از ۱۱۲۰۰ (هزار و دویست) نسخه خطی موجود است، که بسیاری از آنها متعلق به مجموعه وقفی مرحوم الفت می باشد، و در بین مجموعه های شخصی فوق الذکر، در مجموعه مرحوم صدر هاشمی، دوره نسبتاً کامل و ارزشمندی از مجلات و روزنامه های قدیمی موجود است،

ص: ۳۶۴

---

۱- در این قسمت، از کتاب (برنامه ریزی جامع آموزشی و پژوهشی دانشگاه اصفهان) جلد ۱، صفحه ۱۲۸ به بعد، و نیز از گفتگوی اختصاصی با معاون محترم کتابخانه مرکزی، جناب آقای مرتضی تیموری، بهره گرفته ایم

که بر اعتبار کتابخانه مرکزی، افزوده است (۱).

کتابخانه مرکزی دانشگاه اصفهان، در حال حاضر (تاریخ انتشار کتاب «برنامه ریزی جامع آموزشی و پژوهشی دانشگاه اصفهان» که سال ۱۳۷۳ شمسی بوده است) ۱۰۱۸۵۹ جلد میباشد، که شمار کتابها (متجاوز از یکصد هزار) و نسخه های بسیار قدیمی خطی، و نسخه های بسیار قدیمی چاپی، که تاریخ چاپ آنها بیش از سیصد سال قبل است، و تنوع و گستردگی موضوعات و زمینه های آنها، موجب اهمیت خاص این کتابخانه گردیده است

ساختمان عظیم و باشکوهی، با الهام از خصوصیات کتابخانه های معتبر دانشگاههای بزرگ ایران و جهان، و با استفاده از شیوه های معماری اسلامی، برای این کتابخانه، در دست تأسیس می باشد و کارهای ساختمانی آن از سال ۱۳۷۰ شمسی شروع شده است (۲).

## ۲- کتابخانه دانشکده ادبیات و علوم انسانی

در سال ۱۳۳۷ شمسی، در کوی شاهزاده ابراهیم (در نزدیکی خیابان شیخ بهائی)، تأسیس گردیده و در سال ۱۳۴۷، به کوی دانشگاه در هزار جریب، منتقل شده است.

زمانی آمار کتابهای این کتابخانه به ۸۵۰۰۰ جلد رسیده بود، ولی تعداد سی هزار جلد از این کتابها، قبل از حریق سال ۱۳۶۶ شمسی (که کتابخانه را دچار خسارت و زیان فراوان نمود) به کتابخانه مرکزی منتقل گردیده بود.

در حال حاضر، کتابخانه دانشکده ادبیات، در ساختمان جدید، به مساحت

ص: ۳۶۵

---

۱- برنامه ریزی جامع ...، صفحه ۱۳۳

۲- برنامه ریزی جامع ...، جلد ۱، صفحه ۱۳۳

یکهزار و دویست متر ( شامل قرائت خانه و مخزن کتاب و سالن مطالعه مجلات و دفتر کتابخانه ) قرار گرفته ، و دارای ۴۳۵۷۹ جلد کتاب می باشد ، و مرتباً در حال افزایش است (۱).

### ۳- کتابخانه دانشکده زبانهای خارجی

این کتابخانه ، در سال ۱۳۵۵ شمسی تأسیس گردیده ، و دارای ۲۵۰۷۱ جلد کتاب می باشد (۲) .

### ۴- کتابخانه دانشکده علوم

این کتابخانه در سال ۱۳۴۳ شمسی تأسیس گردیده ، و در حال حاضر ، دارای متجاوز از پنجاه و سه هزار جلد کتاب می باشد .

### ۵- کتابخانه دانشکده علوم اداری و اقتصاد

در سال ۱۳۵۵ تأسیس گردیده ، و در حال حاضر به نام ( کتابخانه آزادگان ) نامیده می شود ، و دارای ۱۸۹۴۴ جلد کتاب می باشد (۳) .

### ۶- کتابخانه دانشکده علوم تربیتی

در سال ۱۳۵۰ شمسی تأسیس گردیده است ، و در حال حاضر دارای ۲۱۱۸۷ جلد می باشد (۴) .

ص: ۳۶۶

---

۱- برنامه ریزی جامع ....، ج ۱، ص ۱۲۹، در تاریخ آذرماه ۱۳۷۵ شمسی، آقای مرتضی تیموری، شمار کتابهای کتابخانه دانشکده ادبیات را حدود ۵۴۰۰۰ جلد کتاب، ذکر نمودند

۲- در گفتگوی آقای تیموری، شمار کتابها در تاریخ آذرماه ۱۳۷۵ شمسی، متجاوز از ۳۲۰۰۰ معرفی گردید

۳- برنامه ریزی جامع ...، جلد ۱، صفحه ۱۳۰

۴- برنامه ریزی جامع ...، جلد ۱، صفحه ۱۳۰



## سایر کتابخانه های دانشگاه اصفهان

سایر کتابخانه های دانشگاه اصفهان ، بدین قرار می باشد .

۷- کتابخانه حوزه فرهنگ و معارف اسلامی

۸- کتابخانه خوابگاه شهداء

۹- کتابخانه دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی

۱۰- کتابخانه دانشکده مهندسی

۱۱ - کتابخانه گروه ادبیات فارسی

۱۲ - کتابخانه گروه الهیات و معارف اسلامی

۱۳ - کتابخانه گروه تاریخ

۱۴ - کتابخانه گروه جغرافیا

۱۵ - کتابخانه گروه ریاضی

۱۶ - کتابخانه گروه زیست شناسی

۱۷ - کتابخانه گروه علوم اجتماعی

۱۸ - کتابخانه گروه فلسفه

۱۹ - کتابخانه بخش زبان و ادبیات ارمنی (۱).

## کتابخانه های اداره ارشاد اسلامی و شهرداری و مراکز فرهنگی و خیریه ای

در شهر اصفهان ، در محله های مختلف و در مدارس گوناگون ( وابسته به آموزش و پرورش ) کتابخانه های کوچک و بزرگی تأسیس گشته ، که نشانه رشد علمی و فرهنگی جامعه ، و یادگاری از مردم نیکوکار و مردان و زنان دانش

ص:۳۶۷

دوست ، می باشد که ذیلاً به نمونه هائی از آنها اشاره می نمائیم

#### ۱- کتابخانه تخصصی دارالقرآن الکریم

این کتابخانه ، وابسته به (دارالقرآن الکریم اصفهان) و واقع در خیابان شیخ بهائی می باشد ، و در سال ۱۳۷۳ شمسی ، تأسیس گردیده است .

#### ۲- کتابخانه عمومی مجتمع فاطمیه علیها السلام

این کتابخانه ، در سال ۱۳۶۳ شمسی تأسیس گشته ، و محل آن ، خیابان زینبیه می باشد ، و وابسته به حسینیه و دارالشفاء فاطمیه علیها السلام است ، و متجاوز از ۸۰۰۰ جلد کتاب دارد .

#### ۳- کتابخانه عمومی حضرت ولی عصر «عج»

این کتابخانه ، وابسته به اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی می باشد ، و در سال ۱۳۵۲ شمسی تأسیس گشته ، و متجاوز از ۱۸۰۰۰ جلد کتاب دارد ، و محل آن خیابان ولی عصر (عج) ، جنب اداره مخابرات می باشد .

#### ۴- کتابخانه عمومی این مسکویه

این کتابخانه واقع در خیابان چهارباغ خواجه می باشد ، و در قطعه زمین بزرگی قرار گرفته ، و ساختمان مفصّلی دارد و در سال ۱۳۷۰ شمسی تأسیس گردیده است ، و وابسته اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی، می باشد .

#### ۵- کتابخانه عمومی ابوالفرج اصفهانی

واقع در خیابان زینبیه ، پارک لاله می باشد ، و وابسته به شهرداری اصفهان است و در سال ۱۳۷۱ شمسی ، تأسیس گردیده .

#### ۶- کتابخانه عمومی ارشاد

این کتابخانه ، وابسته به اداره کل ارشاد اسلامی می باشد ، و در سال ۱۳۶۰

شمسی تأسیس گردیده ، و واقع در خیابان زینیه ، پارک باغ قوشخانه است .

#### **۷- کتابخانه بنیاد فرهنگی امیرقلی امینی**

این کتابخانه ، وابسته به اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی، و نیز ، شهرداری اصفهان می باشد ، و در سال ۱۳۷۱ شمسی ، تأسیس گشته و محل آن ، در خیابان آیه الله کاشانی ، جنب بیمارستان آیه الله کاشانی میباشد .

#### **۸- کتابخانه عمومی توحید**

این کتابخانه ، مخصوص به خانمها ، و وابسته به اداره ارشاد اسلامی است ، که در سال ۱۳۶۰ شمسی تأسیس گشته ، و در حدود ۱۶۰۰۰ جلد کتاب دارد، و محل آن ، پل آذر ، بوستان ملت ، می باشد .

#### **۹- کتابخانه عمومی جلال الدین همائی**

این کتابخانه ، واقع در خیابان پروین ، پل آزادگان ، خیابان هفتون ، محله گرکان و وابسته به شهرداری اصفهان ، می باشد .

#### **۱۰- کتابخانه تخصصی امیرالمؤمنین علیه السلام**

کتابخانه ای است ، وابسته به شهرداری اصفهان ، واقع در خیابان علامه امینی ، مجموعه فرهنگی باغ غدیر ، که در سال ۱۳۷۲ شمسی ، تأسیس گشته است .

#### **۱۱- کتابخانه عمومی علامه امینی**

کتابخانه ای است ، وابسته به شهرداری اصفهان ، که در سال ۱۳۷۲ شمسی ، تأسیس گردیده ، و محل آن خیابان علامه امینی می باشد .

#### **۱۲ - کتابخانه خانه کودک و نوجوان باغ غدیر**

این کتابخانه ، واقع در خیابان علامه امینی ، و وابسته به کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان می باشد ، و در سال ۱۳۷۲ شمسی ، تأسیس گردیده ، و در

حدود هشت هزار جلد کتاب دارد .

### ۱۳ - کتابخانه عمومی راغب اصفهانی

کتابخانه ای است ، وابسته به شهرداری اصفهان ، واقع در انتهای خیابان عسکریّه نرسیده به خیابان پروین ، که در سال ۱۳۶۹ شمسی ، تأسیس گردیده است .

### ۱۴ - کتابخانه عمومی صائب

کتابخانه ای است ، وابسته به اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی ، که در سال ۱۳۵۸ شمسی تأسیس شده ، و حدود ۱۰ / ۰۰۰ جلد کتاب دارد، و محل آن باغ صائب واقع در خیابان صائب ، می باشد .

### ۱۵ - کتابخانه عمومی طفرائی اصفهانی

این کتابخانه ، وابسته به شهرداری اصفهان می باشد ، و در سال ۱۳۷۰ شمسی تأسیس شده ، و محل آن خیابان کاوه ، پارک میخک می باشد .

### ۱۶ - کتابخانه عمومی قدس

این کتابخانه ، وابسته به شهرداری اصفهان می باشد ، و در سال ۱۳۷۱ شمسی تأسیس شده ، و محل آن ، شهرک قدس می باشد .

### ۱۷ تا ۲۲ - کتابخانه های کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان

از شماره ۱ تا ۶ به ترتیب زیر :

شماره ۱- با متجاوز از ۱۲۰۰۰ جلد کتاب ، در سال ۱۳۴۸ شمسی ، تأسیس گشته ، و محل آن خیابان کاوه جنب داروخانه حکیم شفائی می باشد .

شماره ۲- با متجاوز از ۱۲۰۰۰ جلد کتاب ، در سال ۱۳۴۸ شمسی تأسیس گشته ، و محل آن، خیابان آیه الله کاشانی می باشد .

شماره ۳- با حدود ۱۲۰۰۰ جلد کتاب، در سال ۱۳۵۰ شمسی تأسیس گشته، و محل آن، خیابان گلزار احمد آباد، می باشد

شماره ۴- با متجاوز از ۱۲۰۰۰ جلد کتاب، در سال ۱۳۵۴ شمسی تأسیس گشته، و محل آن، در فلکۀ طوقچی (فلکۀ قدس) می باشد.

شماره ۵- با متجاوز از ۱۵۰۰۰ جلد کتاب، در سال ۱۳۴۹ شمسی تأسیس گشته، و محل آن خیابان شهید مطهری، پل فلزی، بوستان کودک میباشد.

شماره ۶- با حدود ۶۰۰۰ جلد کتاب، در سال ۱۳۶۹ شمسی تأسیس گشته، و محل آن، در بزرگراه شهید چمران، کوی آل محمد صلی الله علیه و آله می باشد.

### ۲۳- کتابخانه تخصصی مرکز مطالعات ملل و نحل

که در سال ۱۳۷۰ شمسی، تأسیس گشته، و چهل هزار جلد کتاب دارد، و محل آن خیابان سید علیخان، می باشد.

### ۲۴- کتابخانه عمومی شهید مفتح

وابسته به اداره ارشاد اسلامی می باشد، و در سال ۱۳۶۰ تأسیس گشته، و محل آن، خیابان جی - تالار می باشد، و متجاوز از ۷۰۰۰ جلد کتاب دارد.

### ۲۵- کتابخانه عمومی میر داماد

کتابخانه ای است، وابسته به شهرداری اصفهان، که در سال ۱۳۷۲ شمسی، تأسیس گشته و ۱۶۰۰۰ جلد کتاب دارد، و محل آن، خیابان شهید نیکبخت، نرسیده به چهار راه شیخ صدوق است (۱).

ص: ۳۷۱

---

۱- برای آشنائی اجمالی با مراکز فرهنگی اصفهان (اعم از تحقیقاتی، کتابخانه ها، مجله ها مراکز نشر، مراکز کامپیوتری و سمعی بصری) می توانید از نشریه راهنمای مراکز فرهنگی اصفهان، مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی، استفاده نمائید

يَا مَوْلَانِي

إِفَّاظِي

أَعْتَبِي

## ۸- بقعه ها و مقبره ها ، نشانی از عظمت علمی اصفهان

اشاره

ص: ۳۷۳





یکی از مظاهر عظمت علمی اصفهان ، بقعه ها و مقبره هائی است که ، برخی از آنها اختصاصاً به احترام علماء بزرگ و پرچمداران علمی و حوزه ای ، تأسیس گشته ، و سپس عدّه ای از علماء در آن مدفون گردیده اند، و برخی دیگر به مناسبت احترام و ارزش امامزاده ای مورد تکریم ، جلب توجه نموده ، و مدفن علماء و مؤمنین گردیده است ، و مجموعاً ، چنین مراکزی ، نشانگر وسعت میدان فعالیت و نفوذ علماء و دانشمندان دینی می باشد ، و ذیلاً به قسمتی از این بقاع توجه می نمائیم

..

#### ۱- مزار عالم محدّث ، امامزاده اسماعیل علیه السلام

در طرف شرق خیابان هاتف ، در محله قدیمی گلپهار ، مجموعه ای نفیس از معماری و تزئینات عهد سلجوقی و صفوی ، دیده می شود که به نام امامزاده اسماعیل شهرت دارد، و این مجموعه ارزشمند، شامل یک مسجد بسیار قدیمی به نام مسجد شعیا (۱) علیه السلام ، و مقبره امامزاده اسماعیل علیه السلام و مقبره شعیا نبی علیه السلام و رواق و سردر و صحن بزرگ امامزاده ، و یک گنبد زیبا بر قبر امامزاده ، و نیز یک گنبد بزرگ آجری از نوع گنبدهای چهارسویهای اصفهان ، که در اصلی صحن امامزاده به سوی آن باز می شود ) می باشد ، و در کتاب

ص: ۳۷۵

---

۱- در گچبری محراب داخل شبستان مسجد ، نوشته شده : **أَوَّلُ مُسْجِدٍ بُنِيَ بِالْأَصْبَهَانِ**

گنجینه آثار تاریخی اصفهان و آثار ملی اصفهان، به نحو مفصل در باره این مجموعه نفیس و تاریخی بررسی شده است.

نسب امامزاده اسماعیل، به سبط اکبر، حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام میرسد و او پدر ابراهیم طباطبا (جد سادات طباطبائی) می باشد و خود، از بزرگان رواه و محدثین بوده است (۱) و در کتیبه موجود در سرسرای رواق بقعه، در باره نسب و شخصیت آن بزرگوار، چنین آمده است:

هَذَا الْمَشْهُدُ وَالرَّوَضَةُ الْمُتَوَرُّ الْمُقَدَّسُ، الْإِمَامُ سَيِّدُ إِسْمَاعِيلُ بْنُ الْإِمَامِ زَيْدِ بْنِ حَسَنِ بْنِ الْإِمَامِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، حَسَنِ بْنِ الْإِمَامِ الْمُتَّقِينَ، وَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ. و چنانچه ملاحظه می نمائید لقب امام، برای او در نظر گرفته شده، که حاکی از شخصیت برجسته او می باشد (۲).

در جوار امامزاده اسماعیل علیه السلام عده ای از علماء و بزرگان، مدفون گردیده اند همانند:

۱- قاضی صفی الدین، محمد بن ملا علی زواری، متوفای ۹۹۵، که روی سنگ قبر آن، عبارات زیر حجاری شده است:

وَفَاتُ الْعَالِمِ الرَّيَّانِي وَالْعَارِفِ الصَّمِدَانِي، قُدْوَةِ الْعُلَمَاءِ الْمُحَقِّقِينَ وَ أَسْوَةِ الْفُقَهَاءِ الْمِدْقَقِينَ، قَاضِي حَوَائِجِ السَّائِلِينَ وَ كَفِيلِ مَصَالِحِ الْمُؤْمِنِينَ، مُطَاعِ الْعَالَمِينَ، وَ مَثْبُوعِ الْعَالَمِينَ، صَيِّفِيًّا لِلشَّرِيعَةِ وَ الْإِفَادَةِ وَ الدِّينِ، مُحَمَّدِ بْنِ عُمَدَةِ الْقَضَاءِ وَ الْمُتَشَرَّرِينَ، خَادِمِ شَرَعِ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ، غِيَاثِ الْمِلَّةِ وَ الدِّينِ، الْمَلَّا- عَلِيِّ الزُّوَارِيِّ، تَعَمَّدَهُمَا اللَّهُ تَعَالَى بِقُفْرَانِهِ، فِي مُنْتَصَفِ شَهْرِ شَعْبَانَ الْمُعْظَمِ سَنَةِ خَمْسٍ وَ تِسْعِينَ وَ تِسْعِمِائَةٍ، مِنْ هِجْرِهِ مَقْصُودِ إِيجَادِ الْبَرِّيَّةِ. که از

ص: ۳۷۶

۱- رجال اصفهان، صفحه ۱۷۸

۲- در باره امامزاده اسماعیل علیه السلام به بخش « امامزادگان اصفهان »، همین کتاب مراجعه گردد

جمله های یاد شده به خوبی مقام علمی و اجتماعی قاضی صفی الدین محمد و پدر او ملا علی زواری ، استفاده می شود .

وی ، معروف به قاضی صفی می باشد (۱).

۲- محمد هادی بن میرلوحی سبزواری ، که از علماء بزرگ و مشهور زمان خود بوده است .

۳- میر محمد بن میرلوحی سبزواری ، متوفای ۱۱۱۳ قمری ، که از بزرگان علماء و محدثین بوده ، و حاج آقا بزرگ طهرانی کتابی را ، به نام ( إدرء العاقلین و إخراج المجانین ) از آثار او ذکر نموده اند (۲).

۴- نوابه ، سلطان بیگم ، دختر میرزا محمد صالح حسینی خلیفه سلطانی ، متوفاه در سن ۱۱۴۶ ، که از زنان شاعره و ادیبه و عالمه بوده است (۳) .

## ۲- بقعه صاحب بن عبّاد

از مزارهای شریف و متبرک و مورد توجه فراوان شیعیان و دوستان اهل البیت علیهم السلام در شهر مذهبی اصفهان ، بقعه و مقبره اسماعیل بن عبّاد ، معروف به صاحب بن عبّاد است .

محل بقعه ، نزدیک میدان بزرگ طوقچی ، در انتهای خیابان هاتف ( خیابان علامه مجلسی ) می باشد ، و در مجاورت آن ، یک مسجد و یک حسینیه مهم ، وجود دارد و در سالهای اخیر ، دار الشفاء حضرت زهراى مرضیه علیها السلام در نزدیکی آنها ، به دست مردمان خیراندیش و با ولایت تأسیس گشته ، و در اطراف بقعه ،

ص: ۳۷۷

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۴۸۹

۲- الذریعه إلى تصانیف الشیعه ، جلد ۱ صفحه ۳۸۸

۳- برای نام مدفونین در امامزاده اسماعیل به رجال اصفهان ، صفحه ۱۷۹ مراجعه شود

فضای سبز ایجاد گردیده است. صاحب بن عبّاد، در سال ۳۸۵ هجری بدرود حیات گفت، و در دهلیز خانه اش (که محلّ مراجعات مردم و رفع نیازمندی های آنان، و نیز جایگاه مجالس علمی و بحث و مناظره صاحب بن عبّاد بوده) مدفون گردید.

مزار صاحب بن عبّاد، در طول زمان، مورد توجه عموم مردم و مخصوصاً شخصیت های علمی و دینی بوده، همانند: مرحوم حاجی کلباسی متوفای ۱۲۶۱ قمری که بقعه و مزار صاحب را تعمیر نموده و مواظبت بر زیارت آن داشته است (۱).

### چگونگی بقعه صاحب ابن عبّاد در حال حاضر

مرحوم آیه الله اُدیب، متوفای ۱۴۱۲ قمری، در تعمیر و تزیین بقعه صاحب بن عبّاد و ساختن ضریح برای قبر مطهر آن بزرگمرد، کوشش فراوان نمودند و در حدود سال ۱۴۰۲ قمری، گنبد مطهر را کاشی کاری نموده، و در سال ۱۳۶۸ شمسی (۱۴۰۹ قمری) ضریح زیبایی بر روی قبر منور آن بزرگمرد الهی، نصب کردند، که بر شکوه بقعه، افزوده است.

### اشاره ای به شخصیت علمی و اجتماعی صاحب

صاحب بن عبّاد، وزیری کم نظیر در تدبیر و کفایت (۲)، محدّثی عظیم الشان، اُدیبی نامدار، مدافعی سرسخت برای مکتب اهل البیت علیهم السلام، حاکمی دلسوز

ص: ۳۷۸

- 
- ۱- یکی از وابستگان آن بقعه شریفه، نقل می نمود که: مرحوم آیت الله شهید سیّد ابوالحسن شمس آبادی م، از منزل خودشان، واقع در خیابان شیخ بهائی، کوی عمومی، (با آن فاصله زیاد) پیاده، به زیارت قبر صاحب بن عبّاد می آمدند
  - ۲- به همین جهت او را کافی الکفاه می نامند

برای مردم، نویسنده و مؤلفی پر اثر، عالمی متبحر و جامع علوم گوناگون بوده، و از پایه گذاران نیرومند مذهب تشیع در اصفهان محسوب می باشد.

شمار کتابهای کتابخانه او را، یکصد و چهل هزار، یا دویست و شش هزار، و بعضی دویست و هفتاد هزار، گفته اند و برای حمل کتابخانه او نیاز به چهارصد یا هفتصد شتر بوده است (۱). جلسه درس و حوزه علمی او آن چنان پرجمعیت بوده که هفت نفر یا دوازده نفر مُعید، لازم بوده، که صدای صاحب را به حاضرین در جلسه عظیم درس برسانند (۲).

و در یک کلام، صاحب بن عبّاد و حوزه درسی و کتابخانه او، افتخار بزرگ عالم علم و ادب، دین و مذهب، حوزه علمی و کتابخانه داری، سیاست و حکومت بوده، و مردم ایران عموماً، و ملت اصفهان خصوصاً، و پیروان مکتب تشیع و ولایت، بالأخص، او را از مفاخر خود می شناسند، و مزار او، از بقعه ای شریفه و متبرّکه اصفهان، به شمار می رود و نیازمندان و دردمندان، برای گرفتن حاجت، به بارگاه روحانی او روی می آورند.

ص: ۳۷۹

---

۱- احتمالاً اختلاف شمار کتابهای صاحب در کتب تاریخ، مربوط به زمانهای مختلف می باشد. زیرا طبیعی است که، یک کتابخانه در حال توسعه و افزایش باشد

۲- برای آشنائی بیشتر با عظمت حوزه درسی و کتابخانه صاحب بن عبّاد، به بخش (نامداران بزرگ علمی شیعه در اصفهان، از قرن سوم تا دهم) «در همین کتاب» و نیز، به کتابهای: روضات الجنات، أعیان الشّیعه، الذّریعه، آل بویه و أوضاع زمان ایشان، هدیه العباد (نوشته آیت الله. حاج شیخ عبّاسعلی ادیب، در شرح حال صاحب بن عبّاد)، ریحانه الأدب، تذکره القبور گزی، دانشمندان و بزرگان اصفهان، گنجینه آثار تاریخی اصفهان، آثار ملی اصفهان، آشنائی با حوزه های علمی شیعه، جلد ۱ «از نویسنده کمترین»، و دیگر کتب تراجم و رجال و تاریخ و ادبیات، مراجعه شود.

مرحوم آیه الله حاج شیخ عباسعلی اَدیب قدس سره ، که از علماء میروز و اَساتید نامدار حوزه علمیه بودند و در اِحیاء و تعمیر و جلب توجه مردم به بقعه صاحب بن عبّاد ، کوشش فراوان می نمودند ، در تاریخ دوازدهم ذی الحِجّه ۱۴۱۲ قمری بدرود حیات گفتند ، و در جوار مرحوم صاحب بن عبّاد ، مدفون گردیدند و سنگ قبر مرمی ، به رنگ سبز با حجّاری زیبا ، و نوشته ای جالب ، بر روی قبر آن بزرگمرد ، نصب گردیده است (۱).

### ۳- مقبره خاندان تُرکه «آل ترکه»

خاندان علمی و عظیم ( ترکه ) چندین قرن ، به علم و ادب و قضاوت و ریاست علمی و اجتماعی در شهر بزرگ اصفهان ، اشتغال و شهرت داشته اند و از مفاخر علمی شیعه در دوره حاکمیت مخالفین در اصفهان ، به حساب می آیند . مقبره خانوادگی این دودمان علمی ، در کنار مسجدلُبنان بوده ، و خواجه صائِن الدّین تُرکه نیز ، در همان بقعه و مقبره مدفون گردیده است (۲)(۳) .

و احتمالاً مقبره مهمی بوده ، که بسیاری از این خاندان علمی و نیز علماء دیگری از بزرگان شهر ، در آن مدفون گردیده اند ، چنانچه در ضمن شرح حال میرزا ابوتراب خطّاط اصفهانی ، گفته اند که : در جنب مزار خواجه صائِن الدّین

ص: ۳۸۰

---

۱- در باره شخصیت علمی مرحوم آیه الله اَدیب ، در بخش ( چهره های علمی اصفهان در دوره اخیر ) بحث نموده ایم

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان صفحه ۲۱۰

۳- در باره خاندان علمی تُرکه ( آل ترکه ) در بخش (خاندانهای علمی اصفهان) ، بررسی مبسوطی داریم

ترکه ، که از اَجَلَّة علماء و فقهاء بوده ، دفن گردیده است (۱).

#### ۴- مرقد ملا تاجا

تاج الدین حسن بن محمد لنجانی ، متوفای ۱۰۸۵ ، یا ۱۰۹۸ ، که عالمی جلیل و زاهد و دارای تألیفات بوده ، و فرزندی همچون فاضل هندی (اصفهانی) صاحب کشف اللثام داشته است ، در مقبره جنب مسجد بازار غاز ، که در حال حاضر به نام مسجد خواجه تاج الدین نامیده می شود ، و در خیابان ولی عصر (عج) واقع است ، مدفون گردیده و مورد توجه می باشد (۲).

ملا تاجا ، مورد تجلیل علماء بزرگ ، همانند : صاحب روضات الجنات ، و علامه امین شامی ، در اعیان الشیعه قرار گرفته و مشایخ او در حدیث : ملا حسنعلی شوشتری (تستری) و جمال الدین محمود شیرازی بوده اند ، و در میان شاگردان او ، چهره درخشان فقیه نامدار ، مرحوم فاضل اصفهانی (فاضل هندی) و سید حسین بن سید حیدر عاملی کرکی ، جلب توجه می نماید (۳).

#### ۵- مزار دو عالم شهید ، سید جعفر و سید مرتضی «جعفریه»

یکی از بقاع متبرکه در شهر اصفهان ، «بقعه جعفریه» است ، که در نزدیکی امامزاده اسماعیل علیه السلام و در حاشیه غربی خیابان هاتف واقع شده ، و بنای آن ، برج مانند و متعلق به قرن هشتم هجری ، و دوره حکمرانی مغولهای مسلمان و شیعه می باشد (۴).

ص: ۳۸۱

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان صفحه ۲۱۰

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۲۰۹ و اطلاعات شخصی

۳- روضات الجنات ، صفحه ۵۴۹ و اعیان الشیعه ، چاپ جدید ، جلد ۵ ، صفحه ۲۴۰

۴- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۳۰۰ ، آثار ملی اصفهان ، صفحه ۷۶۳

گنبد جعفریه ، نمونه کاملی از مقابر دوره مغولها محسوب می شود، و شکل بقعه در قسمت پائین ، هشت ضلعی می باشد و سنگ قبر داخل بقعه ، از میراثهای گرانبهای تاریخی و مشتمل بر نوشته هائی است که از نظر زیبایی ظاهر و اهمیت مطالب ، از اسناد تاریخی بسیار مهم ، به شمار می رود .

متن سنگ نوشته ، چنین است:

هَذَا قَبْرِ السَّيِّدِ الْمُعَظَّمِ الْمُؤَقَّرِ الْمُمَكَّنِ الْمُكْرَمِ ، صَاحِبِ السَّيْفِ وَالْقَلَمِ ، مَتَّبِعِ الْجُودِ وَالْخُلُقِ وَالْكَرَمِ ، الْمُتَحَلِّيِّ بِمَحَاسِنِ الشَّيْمِ ، سَيِّدِ الصُّدُورِ وَالسَّادَةِ ، يَتَّبِعُ السَّيَادَةَ وَالسِّيَادَةَ ، مَفْخَرِ أَوْلَادِ الْبُتُولِ ، قُدْوَةِ آلِ الرَّسُولِ ، نِظَامِ الطَّالِبِيَّةِ ، شَمْسِ الْعِتْرَةِ ، جَمَالِ أَهْلِ بَيْتِ الْمُصْطَفَى ، سُلَالَتِهِ أَعْيَانِ أَوْلَادِ الْمُتَرْتَضَى ، مَالِكِ أَصْحَابِ السَّخَاءِ وَالْقُتُوَّةِ ، وَمَعْدِنِ أَرْبَابِ الشَّهَامَةِ وَالْمُرُوءَةِ ، بَهْلَوَانِ الْعِرَاقِ ، نَبَوِيِّ الشَّمَائِلِ وَجَمِيلِ الْإِخْلَاقِ ، كَرِيمِ الزَّمَانِ عَلَى الْإِطْلَاقِ ، مُحَرِّزِ الْمَنَاصِبِ بِالْإِسْتِحْقَاقِ ، الْمَرْحُومِ الْمَبْرُورِ ، الْمَغْفُورِ ، السَّيِّدِ الشَّهِيدِ ، تَاجِ الْمِلَّةِ وَالِدَيْنِ ، عِمَادِ الْإِسْلَامِ وَالْمُسْلِمِينَ ، أَشْرَفِ أَوْلَادِ الْمَاءِ وَالطِّينِ ، جَعْفَرِ بْنِ السَّيِّدِ الْمُعَظَّمِ الْمُتَرْتَضَى الْمُكْرَمِ الثُّورِ الْإِزْهَرِ الْأَمْجِدِ ، مَفْخَرِ آلِ طِهٍ وَيَاسِينَ ، نَتِيجَةِ أَوْلَادِ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ ، شَمْسِ الدِّينِ الْحَسَنِ بْنِ السَّيِّدِ الْمَغْفُورِ عِمَادِ الدِّينِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ تَعَمَّدَهُ اللَّهُ بِغُفْرَانِهِ وَأَسْكَنَهُ بُحْبُوحَةَ جَنَانِهِ وَأَدَامَ سَعَادَتَهُ تُوفَّى فِي مُنْتَصَفِ مُحَرَّمٍ مِنْ سَنَةِ خَمْسٍ وَعِشْرِينَ وَسَبْعِمِائَةٍ . . . . .

از این سنگ نوشته ، نکات جالبی استفاده می شود:

۱- صاحب قبر ، دارای شخصیت علمی و اخلاقی بوده ، و از أهل قلم و شمشیر به شمار آمده است .

۲- دارای موقعیت رسمی و منصب اجتماعی بوده ، و ریاست و زعامت امور سادات و علویین را داشته ، و در میان سادات و عترت رسول خدا صلی الله علیه وآله ، چهره مبرز و مورد توجه به شمار آمده ، و پیشوا و مقتدای طالبین ، دانسته شده است



۳- به مقام شهادت نائل گردیده ، و با عنوان سید شهید از او یاد شده است .

۴- دارای قدرت روحی و شهامت و شجاعت بوده ، و پهلوان عراق و معدن شهامت به شمار رفته است .

۵- پدر او نیز ، که به نام ( حسن ) بوده (۱) دارای شخصیت برجسته بوده ، و با ألقاب سید و معظم و مرتضی ، و با عنوان نور أزهر ( درخشان تر ) و أظهر و أمجد ، و افتخار آل طه و یاسین ، مورد تمجید قرار گرفته ، و نتیجه و خلاصه اولاد پیغمبر صلی الله علیه وآله ، معرفی گردیده است ، که نشان دهنده شخصیت والای آن بزرگمرد می باشد .

۶- جدّ او نیز که به نام ( حسین ) بوده ، با لقب عماد الإسلام ، یاد شده ، که آن هم از ألقاب دینی است ، که نشان دهنده شخصیت علمی و اجتماعی آن بزرگوار می باشد .

توجه : مقصود از علی بن الحسین ، که در آخر سلسله نسب آقا سید جعفر آمده ، حضرت علی بن الحسین ، امام زین العابدین علیه السلام نیست ، زیرا واسطه های بین آقا سید جعفر و آن شخصی که به نام علی بن الحسین نامیده شده ، فقط سه نفر می باشند، در حالی که فاصله زمانی بین آقا سید جعفر و امام زین العابدین علیه السلام ، در حدود شش قرن می باشد .

### صلوات بر چهارده معصوم ، بالای درِ ورودی جعفریه ، نشانه سابقه نشیخ اصفهان

بالای درِ ورودی بقعه جعفریه، لوحه ای از کاشی معرق، که به خط ثلث

ص: ۳۸۳

۱- برخی از نویسندگان ، در تفسیر عبارات سنگ قبر ، دچار اشتباهی شده اند و کلمه ( مرتضی ) را ، که دنبال جعفر بن السید المعظم آمده ، نام پدر سید جعفر دانسته اند، در حالی که همه کلمات یاد شده ، لقبها و عنوانهایی است برای پدر آقا سید جعفر ، و نام او حسن میباشد که به صورت شمس الدین حسن آمده است

سفید بر کاشی لاجوردی می باشد و صلوات بر چهارده معصوم علیهم السلام در آن نقش بسته ، جلب توجه می نماید و از نشانه های روشن نفوذ شعائر تشیع و فرهنگ مذهب اهل البیت علیهم السلام ، در نیمه اول قرن هشتم ، در شهر اصفهان می باشد .

## ۶- بقعه آقا سید مرتضی

در طرف جنوب بقعه جعفریه ، بقعه ای است که در زبان مردم ، به نام امامزاده سید مرتضی ، خوانده می شود، و او هم از علماء شهید بوده است .

در زمان پهلوی اول ، در هنگامی که تجاوزگران ، تصمیم گرفته بودند قبر آقا سید مرتضی را تخریب نموده و بقعه را تصرف نمایند، بدن مطهر و خون آلود آن بزرگمرد ، با لباس رزم و علم ( روحانیت ) ظاهر می شود (۱) و همین امر، موجب حفظ و بقاء بقعه آقا سید مرتضی می گردد ، که تاکنون باقی مانده ، و مردم به زیارت آن بزرگمرد نائل می شوند .

در بقعه آقا سید مرتضی ، در طرف غربی بقعه ، دو قبر برجسته وجود دارد که از شخصیت صاحبان قبر ، مطلبی در دست نبود، ولی در یک جریان جالبی که در سال ۱۴۱۳ قمری ، اتفاق افتاد ، مقام معنوی صاحبان قبر ، روشن گردید . و از آن تاریخ ، نویسنده این سطور هرگاه به زیارت بقعه میروم ، این دو قبر را زیارت می نمایم .

بقعه جعفریه و بقعه آقا سید مرتضی ، در وسط صحن بسیار بزرگی بوده که قبور بسیاری از مؤمنین و برخی از علماء همانند : مرحوم ملا حسین کاشی ، متوفای ۱۱۹۰ قمری ، در آن قرار داشته ، و نیز در نزدیکی بقعه جعفریه ،

ص: ۳۸۴

---

۱- اظهارات یکی از روحانیون معتقد و مورد وثوق ، به نام آقا شیخ حسین حسام رحمه الله علیه

مدرسه ای بوده با عظمت به نام مدرسه جعفریه (۱) که در اثر حوادث تاریخی و تجاوزات حکومت پهلوی اول به حریم دین و مذهب، از بین رفته، و فقط قسمتی از صحن بزرگ یاد شده، باقی مانده، و بقیه، به صورت خانه مسکونی در آمده است.

### دفن بانوی صالحه، و رونق و تعمیر جعفریه

بقعه جعفریه، در دوران حکومت پهلوی ها، کاملاً متروکه و مخروبه گردیده و در صحن آن، در اکثر اوقات بسته بود، تا آنکه در سال ۱۴۰۷ قمری، مادر نویسنده این سطور، یعنی بانوی صالحه، مرحومه حاجیه خانم منصوره نقیه احمد آبادی، بنت مرحوم آیه الله موسوی احمد آبادی (صاحب کتاب شریف مکیال المکارم) که عمری را در عبادت و انس با اهل بیت علیهم السلام، و تربیت سربازان امام زمان (عج)، سپری نموده بود، دار دنیا را وداع نمود، و به خاطر انس و علاقه ای که به این مزار شریف داشتند، مقرّر گردید، که آن مرحومه، در جوار این دو عالم بزرگوار و امامزاده عظیم الشان مدفون گردد (۲) و به دنبال این اقدام، با توفیق الهی و مساعدت نزدیکان، موفق گردیدم که تعمیراتی

ص: ۳۸۵

- ۱- در باره مدرسه جعفریه علیه السلام، در بخش (مدارس علمیه قبل از صفویه)، بحث نموده ایم
- ۲- نوشته سنگ قبر آن مرحومه، که نکته های جالبی را در بر دارد، چنین است: تربت پاک سید عابده، ذریه صدیقه طاهره، بانو حاجیه منصور؛ فقیه احمد آبادی، بنت عالم متقی، مرحوم آیه الله، آقا سید محمد تقی فقیه احمد آبادی و همسر آیه الله، حاج سید مرتضی موحد ابطحی، که سپیده دم یک شنبه سیزدهم ربیع الأول ۱۴۰۷ هجری قمری، برابر ۲۵ / ۸ / ۱۳۶۵ شمسی هنگام ندای حئی علی الفلاح پیام دعی نفسک و ازجعی الی ربک را لبیک گفت، و اذان ظهر با غسل تشرف، به حریم قدس احدث راه یافت، و با غروب آفتاب، پیکر مطهرش نقاب خاک را در برکشید، و مثال برزخی اش به حرم حسینی راه یافت

آسانی ، در دو بقعه و صحن امامزاده ، و سر در آن ، انجام دهم ، که مقدمه ای برای رونق مجدد آن دو مزار شریف گردید .

## دفن عالمی بزرگ و شایسته

در آیام فاطمیة سال ۱۴۱۳ قمری ، پدر نویسنده این سطور ، یعنی عالم مفسر و فقیه طیب ، و استاد ادیب ، مرحوم آیه الله حاج سید مرتضی موحد ابطحی قدس سره ، دار دنیا را وداع نمودند و در داخل بقعه جعفریه به خاک سپرده شدند (۱) و به دنبال آن ، تعمیرات و کوشش برای بهره برداری دینی و تبلیغی از مزار شریف امامزاده های یاد شده ، ادامه یافت ، و مردم با ایمان و ولایت ، همیشه به فیض زیارت و دعا در کنار مزار یاد شده ، نائل می شوند .

## ۷- بقعه عالم شهید ، سید علاء الدین محمد «شهشهان»

از آثار برجسته سابقه حوزه علمی شیعه در اصفهان ، بقعه شهشهان است که مدرسه و محلّ تدریس و کوششهای دینی سید علاء الدین محمد ( نقیب و عالم

ص: ۳۸۶

۱- نوشته سنگ قبر آن بزرگمرد که در برگیرنده خصوصیات علمی و معنوی و چگونگی ارتحال ملکوتی و مراحل تجهیز و تدفین جالب آن دلباخته أهل البیت علیهم السلام است، چنین می باشد: مَصْبَعُ الْعَالِمِ الرَّاهِدِ الْمُتَعَبِّدِ الْمُتَهَجِّدِ ، الْفَقِيهِ الْمُفَسِّرِ ، الرَّاسِخِ فِي وِلَاءِ أَهْلِ الْبَيْتِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ أَسْتَاذِ الْعُلُومِ الْعَقْلِيَّةِ وَ النَّقْلِيَّةِ ، الْمُرَبِّي لِنُجُومِ الْحَوَازِ الْعِلْمِيَّةِ ، طَيْبِ الْجِسْمِ وَ الْرُوحِ ، صَاحِبِ النَّفْسِ الْعَيْسَوِيَّةِ ، آيَةِ اللَّهِ ، الْحَاجِّ السَّيِّدِ مُرْتَضَى الْمُوَحِّدِ الْأَبْطَحِيِّ الْمَوْسَوِيِّ ، الَّذِي لَبِيَ بِتَدَاءٍ رَبُّهُ مُتَبَسِّمًا فِي أَوَائِلِ لَيْلِهِ الْجُمُعَةِ وَ غُسْلٍ عِنْدَ نُزُولِ الرَّحْمَةِ مِنَ السَّمَاءِ ، فِي مُنْتَصَةِ فِيهَا وَ دُفِنَ تَحْتَ هَذِهِ الْبُقْعَةِ الشَّرِيفَةِ عِنْدَ زَوَالِ الشَّمْسِ ، فِي يَوْمِ الْجُمُعَةِ الْمُطَابِقِ لِتَاسِعِ شَهْرِ جُمَادَى الثَّانِيَةِ سَنَةِ ۱۴۱۳ قَمَرِيَّةٍ . در باره شخصیت علمی و خدمات این بزرگمرد ، در بخش ( خاندانهای علمی اصفهان ) و نیز در بخش ( علم طب در حوزه علمی اصفهان ) بحث و بررسی نموده ایم

بزرگ شیعه و شهید در ، ماه رمضان ۸۵۰ هجری ) بوده، و پس از شهادت او مدفن او گردیده، و سپس بقعه و گنبدی جالب، به احترام او تأسیس گشته است

در این بقعه ، جمعی از اولاد و اُحفاد آن عالم شهید مدفونند که عموماً از نقباء و اشراف و بزرگان بوده اند ، ولی آثار قبور آنها ، از بین رفته است (۱).

سید علاء الدّین محمّد ، مشهور به شاه شاهان ( شهشهان) بوده ، و نسب او ، با بیست و دو واسطه ، به حضرت امام سجاد علیه السلام میرسد (۲) .

و شجره نامه آن بزرگمرد ، در بقعه کتیبه شده است (۳) و خاندان علمی و بزرگ شهشهانی ، و خاندان شاه علانی ، منسوب به او می باشند .

بقعه شهشهان نزدیک مسجد صفا ، و با فاصله کمی از خیابان جدید التّأسیس ابن سینا می باشد، و از آثار تاریخی و باستانی اصفهان به حساب می آید . برای آشنائی بیشتر با تاریخچه آن، به کتاب رجال اصفهان از صفحه ۱۸۸ تا ۱۹۲، و گنجینه آثار تاریخی اصفهان از صفحه ۳۳۳ تا ۳۴۱، و آثار ملی اصفهان از صفحه ۸۰۲ تا ۸۰۵، مراجعه شود .

#### ۸- مقبره یا بقعه علامه مجلسی

مدفن و مزار دو چهره نورانی و علمی عالم تشیع ، مرحوم علامه ملاّ محمّد تقی مجلسی ، و علامه ، ملاّ محمّد باقر مجلسی ، از مهم ترین مزارهای متبرّکه اصفهان می باشد، که گاهی با عنوان « مقبره علامه مجلسی » و گاهی با نام « بقعه

ص: ۳۸۷

---

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۳۳۳

۲- آثار ملی اصفهان ، صفحه ۸۰۲

۳- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۳۳۷ . عین سلسله نسب سید علاء الدّین محمّد در این کتیبه نوشته شده ، تا نام امیر

المؤمنین علیه السلام

علامه مجلسی» و گاهی نیز با عنوان «سر قبر آخوند»، نامیده می شده است .

محل این مقبره ، در جوار مسجد عظیم و برجسته و تاریخی اصفهان ، مسجد جامع (جمعه) و در ضلع شمال غربی آن است ، و دارای بقعه و صحن و رواق میباشد .

بنای بقعه ، متعلق به سال ۱۰۹۲ هجری میباشد (۱) و در سالهای اخیر تعمیرات اساسی یافته ، و به امر مرحوم آیه الله العظمی آقا سید شهاب الدین مرعشی نجفی قدس سره و با همت و کوشش هیئت اُمناء مقبره و مزار علامه مجلسی ، در سال ۱۴۱۰ قمری (۱۳۶۷ شمسی) ضریحی نقره ای مزین به طلا و نوشته های زیبا ، بر روی مرقد علامه مجلسی و پدر و فرزندشان ملا محمد رضا مجلسی ، نصب گردیده ، که بر شکوه این بقعه و مزار افزوده است .

و همچنین با همت هیئت اُمناء ، کتابخانه جالب و شکوهمندی در بیرون مقبره ، در مقابل درِ ورودی صحن بقعه ، تأسیس گشته که در سال ۱۳۶۲ شمسی اتمام یافته است، و سالن بزرگ و مخزن کتابخانه و سر در باشکوه آن ، بر اهمیت مزار علامه مجلسی ، افزوده است (۲) .

و نیز در ضمن یک طرح جامع ، با همکاری سازمان میراث فرهنگی، و اداره اوقاف و امور خیریه ، و شهرداری اصفهان ، اقدامات وسیعی برای ایجاد فضای باز ، در اطراف بقعه علامه مجلسی و آماده سازی منطقه ، برای اجتماع و توجه روز افزون زائرین و برگزاری برنامه های متنوع و گسترده علمی و مذهبی ، و نیز

ص: ۳۸۸

---

۱- علامه مجلسی بزرگمرد علم و دین ، ص ۴۷۸ و گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۱۶۰

۲- هم اکنون که مراحل چاپ کتاب در حال انجام است ( سال ۱۴۱۷ قمری ) کتابخانه علامه مجلسی در حال توسعه است ، و فعالیت ساختمانی قسمتهای الحاقی در حال انجام میباشد

إحياء بافت قدیمی محل ، در حال انجام می باشد .

و هم چنین به احترام مرقد علامه مجلسی ، خیابان هاتف شمالی ، به نام « خیابان علامه مجلسی » ، نام گذاری گردیده است .  
مرقد مطهر علامه مجلسی از ابتدا تا کنون ، همیشه مورد توجه بوده ، و مرحوم صاحب روضات ، مزار علامه مجلسی را پناهگاه مردم معرّفی کرده ، و فرموده است : « از مجرّبات و نزد تمام اهالی اصفهان مشهور است که ، دعاء در جنب مرقد او برآورده می شود . »

در زمان حاضر ، در تمامی ایام و لیالی هفته ، بالأخص شبهای جمعه و ایام مذهبی ، جمعیت بسیار زیادی متوجه زیارت علامه مجلسی می شوند ، و موج جمعیت در بقعه و رواق و صحن و اطراف ، جلب توجه می نماید ، و جالب است که زائرانی از دیگر شهرها و کشورها ، برای کسب فیض معنوی به سوی این بارگاه ملکوتی روی می آورند ، و بسیار است که علماء بزرگ ، از شهرهای مشهد مقدس ، قم ، تهران ، شیراز و ... ، به قصد زیارت و کسب فیض ، مشرف به این مهبط نور و معنویت می گردند .

در مقبره علامه مجلسی ، و نیز در مجاورت آن ، بسیاری از علماء خاندان بزرگ و علمی مجلسی ، و دیگر دانشمندان و بزرگان ( که شمار آنها به حدود پنجاه نفر می رسد ) دفن شده اند ، که در کتابهای دانشمندان و بزرگان اصفهان و تذکره القبور آخوند گزی ، و رجال اصفهان ، و آثار ملی اصفهان و ... ، از آنها یاد شده است و ذیلاً به چند نفر از آنها اشاره میشود :

۱- فقیه محدث و رجالی مفسّر و زاهد عابد ، ملا محمد تقی مجلسی ، متوفای ۱۰۷۰ ، فرزند ملا مقصود علی نطنزی ، که در علم حدیث و رجال ، از مفاخر علمی ، و در زهد و ریاضتهای شرعی ، از چهره های میّز ، و در کشف

و کرامات، از نامداران برجسته بوده، و کوششها و مجاهدات علمی او، در زمینه حدیث و رجال، و تربیتهای او در مورد شاگردان و طالبین علم، زمینه را برای تحقق حوزه علمی و عظیم الشان علامه مجلسی فراهم نموده، و آثار بزرگ و ارزشمندی همانند کتاب مفصل و عظیم الشان روضه المتقین (در شرح من لا یحضره الفقیه) و شرح صحیفه سجّادیه، و بیش از بیست کتاب و رساله دیگر، بر جای گذاشته است.

۲- فقیه محدث، رجالی مفسّر، متکلم محقق، جامع علوم عقلی و نقلی، اعجوبه روزگار و محیی دین، باب علوم الأئمه، و علم الإسلام، علامه، ملا محمد باقر مجلسی، متوفای ۱۱۱۰ قمری، که در دوران غیبت کبری، کمتر چهره ای همانند او، توانسته است در نشر دین و علوم أهل البيت عليهم السلام، و احادیث خاندان رسالت، و امر به معروف و نهی از منکر، و تشکیل حوزه علمیه، و جذب مردم به سوی دین، و نشر فرهنگ دینی در میان جامعه، و آشنا سازی توده های مردم با کتاب و نوشته های دینی و ... اقدام نماید، و موفقیت کسب کند. آری موفقیتی علمی، همانند تألیف بحار الأنوار، و دهها کتاب و رساله دیگر (۱) و نفوذ و موقعیتی اجتماعی در سطحی وسیع و کم نظیر، تشکیل حوزه درسی بزرگی که در جلسات آن، بیش از هزار نفر شرکت کنند، و قبول مسئولیتی اجتماعی در حد « شیخ الإسلام و امام جمعه » در شهر بزرگ اصفهان آن روز، مبارزهائی گسترده با افکار انحرافی، و کوششی پیگیر برای

ص: ۳۹۰

---

۱- در کتاب علامه مجلسی بزرگمرد علم و دین، از صفحه ۱۲۸ تا ۱۴۲ از یکصد و شصت کتاب و رساله از علامه مجلسی یاد کرده و در جلد دوم کتاب زندگینامه علامه مجلسی، نوشته آقای سید مصلح الدین مهدوی، از صفحه ۱۲۷ تا ۲۲۳، از یک صد و شصت و شش، کتاب و رساله، از آثار علامه مجلسی، یاد شده است



پاکسازی جامعه از گناه و منکر، و جلوگیری از فحشاء، مشروبات الکلی و ... به نحو اتم، همه و همه نشان دهنده شخصیتی بی نظیر، تأییداتی غیبی، الهام هائی برجسته، و کراماتی فوق العاده است، که در مورد این بزرگ شخصیت عالم اسلام و تشیع، تحقیق یافته است (۱).

۳- فقیه و محدث بزرگ، محقق و نویسنده عظیم الشأن ملا محمد صالح مازندرانی، متوفای ۱۰۸۶، که محقق مدقق، و جامع علوم عقلی و نقلی بوده، و در کمالات روحی و معنوی، چهره برجسته داشته است. وی، داماد ملا محمد تقی مجلسی، و همسر آمنه بیگم (بانوی مجتهده و فاصله آن عصر) بوده، و کتابهائی مهم، همانند: شرح اصول کافی و شرح روضه کافی، و شرح زبده شیخ بهائی، و شرح معالم و ...، از خود به جای گذاشته است.

۴- عالم فقیه، و محدث ادیب، و مفسر کامل، میرزا کمال الدین، محمد بن معین الدین محمد نسائی شیرازی، که داماد مجلسی اول، و معروف به میرزا کمالات بوده است.

۵- ملا محمد علی استرآبادی، که از شاگردان مجلسی اول و داماد او بوده، و دارای مقامات بلند معنوی به شمار رفته است.

۶- عالمه مجتهده، و بانوی صاحب فضل و کمال، آمنه بیگم فرزند مجلسی اول، و همسر ملا صالح مازندرانی (۲).

۷- آقا میرزا محمد تقی الماسی، متوفای ۱۱۵۹، که عالمی فاضل، و عابدی

ص: ۳۹۱

---

۱- در باره عظمت علمی و خدمات علامه مجلسی و پدرشان، در بخش (خاندان های علمی اصفهان) نیز، بحث و بررسی داریم

۲- دختران ملا محمد تقی مجلسی، که ۴ نفر بوده اند و نیز دختران مجلسی دوم که ۳ نفر بوده اند، و همسرانشان، همه از علماء بزرگ می باشند، همگی، در این بقعه و اطراف آن دفن شده اند

متهجد ، و مدرّسی زاهد بوده ، و از اُحفاد ملاً محمّد تقی مجلسی میباشد ، و مدّتی امام جمعه بوده است . مجموعاً عده ای از فرزندان و دامادهای ملاً محمّد تقی مجلسی و جمعی از اولاد و اُحفاد و منسوبین علامه مجلسی ، در این بقعه و اطراف آن مدفونند که آثار قبور بسیاری از آنها محو شده است (۱).

### قبرهای تازه در بقعه علامه مجلسی

در سالهای اخیر ، چند تن از علماء بزرگ اصفهان ، در بقعه علامه مجلسی مدفون گردیده اند ، که از سه نفر آنها ، به ترتیب زمان وفات ، یاد میکنیم :

#### ۱- مرحوم آیه الله طیب زاده

مجتهد زاهد و مدرّس عابد ، مرحوم آیه الله حاج میرزا محمّد طیب زاده احمد آبادی ، متوفای چهارم ذی القعدة ۱۳۹۰ قمری ، برابر با ۱۳۴۹ شمسی ، که از چهره های برجسته زهد و تقوی و ورغ بودند ، و پدرشان مرحوم آقا میرزا أبو القاسم طیب ، از چهره های مبرز در طب علمی و عملی ، به شمار می رفتند و خود ایشان ، به تدریس فقه و اصول و سایر دانشهای دینی و تالیف کتاب ، همانند : شرح زیارت جامعه به نام ( شمس طالعه ) در دو جلد و ( هشت بهشت ) و ( وظائف پزشکان ) و ( إفادات الفحول ) و ( كشف المرام ) و ( سراج آترعه ) و ..... (۲) و نیز امامت جماعت در مسجد کمر زرین ( فلکه سبزه میدان ) اشتغال

ص: ۳۹۲

- 
- ۱- برای آشنائی بیشتر با مدفونین یاد شده ، به تذکره القبور یا رجال اصفهان ، و زندگینامه علامه مجلسی ، مراجعه شود
  - ۲- تألیفات چاپ شده آن بزرگمرد ، ۹ عدد و چاپ نشده ، ۱۱ عدد میباشد ، که در زمینه فقه و اصول و صرف و نحو و أخلاق و عقاید و کلام میباشد ، و فهرست آنها در مقدمه شمس طالعه ، جلد اول ، چاپ سوم ، ذکر شده است

داشتند . مرحوم آیه الله العظمی، آقا سید جمال الدین گلپایگانی ( چهره برجسته علم و تقوی و معنویت ، در حوزه بزرگ نجف اشرف ) در ضمن تقریظ بر کتاب شمس طالعه ، درباره این بزرگمرد نوشته اند:

... زُبْدَةُ الْفَضْلِ الرَّاشِدِينَ وَ عُمَدَةُ الْعُلَمَاءِ الْعَامِلِينَ ، النَّاقِدُ الْبَصِيرُ، الْمُتَرَقِّي بِعُلَى هِمَّتِهِ عَنِ حَضِيضِ التَّقْلِيدِ ، السَّامِيُّ بِصِيحِ فِكْرَتِهِ وَ سَلِيمِ فِطْرَتِهِ ، إِلَى الْحَالِهِ الَّتِي لَيْسَ لَهَا مَزِيدٌ ، الْحَبْرُ التَّقِيُّ النَّقِيُّ اللَّوْزَعِيُّ الْأَلْمَعِيُّ، الْعَيْدَلُ الرَّكِيُّ، الْمَأْمُونُ فِي الدُّنْيَا وَ الدِّينِ ، آقَايِ حَاجِ مِيرْزَا مُحَمَّدِ أَحْمَدِ آبَادِي إِصْفَهَانِي ، الشَّهِيرُ ب ( طَيْبِ زَادِه ) ..... كه با عبارات و مضامین بلند یاد شده ، مقام اجتهاد و مرتباً بلند عدالت و امانت و تقوی و زهد این بزرگمرد را ، مورد تأیید قرار داده اند . و نیز مرحوم آیه الله العظمی ، آقا سید عبد الهادی شیرازی قدس سره ، در نامه ای، این بزرگمرد را با عناوین : عالم محقق متتبع ، و فیلسوف مدقق مطلع ، سراج الشیعه و مروج الشریعه ستوده اند ، و در ضمن تقریظی که بر کتاب شمس طالعه نوشته اند ، از این عالم برجسته ، با عناوین :

( أَلْشَيْخُ الْأَجَلُ الْعَلَامَةُ ، إِفْتِحَارُ الْعُلَمَاءِ الْعَامِلِينَ وَ زُبْدَةُ الْفُقَهَاءِ الْكَامِلِينَ ) یاد نموده اند .

و همچنین ، هر کدام از اعلام دین و مراجع بزرگ و زعماء شیعه و پیشوایان علم و تحقیق ، همانند آیه الله العظمی مرعشی نجفی و علامه نامدار ، حاج آقا بزرگ طهرانی ، ( صاحب الذریعه الی تصانیف الشیعه ) و حاج شیخ علی اکبر نهاوندی و ... درباره این بزرگمرد ستایشهای ارزشمندی نموده اند (۱).

ص: ۳۹۳

۱- تمامی اجازات اجتهادی و امور حسبیّه آن بزرگمرد، در مجموعه ای به نام ( آثُمرات الجَیته ) ( غیر مطبوع ) از تألیفات آن عالم ربّانی ، جمع آوری گردیده و بخشی از تقریظات بر کتاب (شمس طالعه ) ، در مقدمه جلد اول ، چاپ سوّم، منتشر گردیده است

## ۲- آیه الله میرجهانی

علامه محقق و متتبع، مرحوم آیه الله حاج سید حسن طباطبائی مشهور به میرجهانی قدس سره، متوفای سه شنبه ۲۰ جمادی الثانیة ۱۴۱۳ قمری، که در بقعه علامه مجلسی و در جوار مرقد آن بزرگمرد مدفون گردیده اند. در روی سنگ قبر آن بزرگوار، که به شکل زیبایی حجاری شده، و به صورت یک پارچه و جالب می باشد، عباراتی نوشته شده که بخشی از آن بدین قرار است:

... الْعَالِمُ الْحَسْبُ وَالسَّيِّدُ النَّسِيبُ ، الْحَاوِلُ لِمَرَاتِبِ الزُّهْدِ وَ مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ ، الْفَاضِلُ الْكَامِلُ ، الْجَامِعُ لِلْمَعْقُولِ وَالْمُنْقُولِ ، وَ الزَّاسِخُ فِي الْفُرُوعِ وَالْأَصُولِ ، الْحَائِزُ لِلْعُلُومِ الْغَرِيبَةِ ، صَاحِبُ الْمُؤَلَّفَاتِ الْكَثِيرَةِ ، الْفَانِي فِي وِلَايَةِ أَهْلِ الْبَيْتِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ ، عُمْدَةُ الْفُقَهَاءِ الرَّاشِدِينَ ، آيَةُ اللَّهِ ، الْحَاجُّ السَّيِّدُ مُحَمَّدٌ حَسَنُ الطَّبَّاطِبَائِيِّ ( الْمَيْرُجَهَانِيُّ ) ...

در عبارات بالا، به تألیفات فراوان آیه الله میرجهانی، و علوم غریبه ای که دارا بودند و شدت علاقه آن بزرگمرد به اهل البيت عليهم السلام اشاره شده است (۱).

## ۳- آیه الله صافی اصفهانی

فقیه و مجتهد مدقق، مرحوم آیه الله حاج شیخ حسن صافی اصفهانی قدس سره، متوفای سحرگاه جمعه، سوم جمادی الأولى ۱۴۱۶ قمری

این بزرگمرد، که از مفاخر بزرگ علمی و معنوی و اخلاقی شهر تاریخی اصفهان بودند، و مدت زمانی، زعامت حوزه علمیه اصفهان را بر عهده داشتند و حوزه درسی ایشان مجمع فضلاء و علماء بود، طبق وصیت خود ایشان در جوار مرقد علامه بزرگوار، ملا محمد باقر مجلسی، و پدر بزرگوارشان، علامه

ص: ۳۹۴

---

۱- درباره آیه الله میرجهانی در بخش «چهره های علمی اصفهان در دوره اخیرا نیز، بحث و بررسی داریم.

در لوحه ای از کاشی معرّق زیبا ، که به دیوار بقعه در نزدیکی قبر مطهر آن بزرگمرد نصب گردیده ، عبارات زیر جلب نظر می نماید:

قَدْ اَزَّ تَحِيْلَ عَنْ دَارِ الْغُرُوْرِ اِلَى دَارِ السُّرُوْرِ ، عَنْ بَيْتِ الظُّلْمَةِ وَ الدُّثُوْرِ اِلَى الْبَيْتِ الْمَعْمُوْرِ وَ عَالَمِ النُّوْرِ ، طَوَّدَ الْعِلْمَ وَ التَّقَى ، وَ مَعِيْدِنِ الْحِلْمِ وَ السَّخَاءِ ، مَنْ هُوَ فِي مَضْمَارِ ( مُوتُوْنَا قَبِيْلَ اَنْ تَمُوْتُوْنَا ) عَارِفُ عَوَالِمِ اللّاهُوْتِيَّةِ ، حَلَالُ الْمَشْكِيْلَاتِ ، ذَخْرُ الْفُقَهَاءِ الشَّامِيْحِيْنَ ، عَقَمِيَتِ الدُّهُوْرِ عَيْنِ عَيْدِيْلِهِ ، الَّذِي بَمَيُوْتِهِ ، تُلِمُ فِي الْاِسْلَامِ ثُلْمَهُ ، الْفَقِيْهُ الْمْتَبَحِّرُ الْجَامِعُ ، وَ زَعِيْمُ الْحِيُوْزَةِ الْعِلْمِيَّةِ وَ اَسِيْتَاذُهَا ، آيَةُ اللهِ الْعَلَامَةُ ، الْحَاجُّ الشَّيْخُ حَسَنِ الصَّافِي الْاِصْفَهَانِي ، اَعْلَى اللهُ تَعَالَى شَانَهُ ، وَ رَفَعَ فِي الْخُلْدِ مَقَامَهُ ، وَ كَانَ اِزَّ تَحَالُهُ الْمَلَكُوْتِي فِي اَفْضَلِ السَّاعَاتِ ، مُقَارِنًا لَطُلُوْعِ الْفَجْرِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ ۳/ج ۱۴۱۶/۱ ق.

سال تاریخ رحلت صافی

خواستم ، گفت عارفی سالک

شش عدد کسر کن یمین از جمع

ما عرفناک حقّ معرفتک

### مدفن خیر آندیشی آرزشمند ، در بقعه علامه مجلسی

یکی از مردان نیکوکار، که در خدمتگزاری به آستان مقدّس أهل البيت عليهم السلام و حمایت از حوزه های علمیه ، دارای مقامی ارجمند، بود ، یعنی مرحوم مغفور حاج میرزا ابوالقاسم کوپائی ، متوفای ۲۸ جمادی الثانیه ۱۴۱۱ قمری (۲۵ دیماه ۱۳۶۹ شمسی)، به پاس خدمات ممتد و طولانی ، به مظاهر دین و تشیّع و حوزه های علمیه و مرجعیت شیعه ، در بقعه علامه مجلسی و در جوار آن بزرگمرد، مدفون گردید . مرحوم کوپائی ، از طرف مراجع بزرگ تقلید شیعه ،

ص: ۳۹۵

همانند : مرحوم آیه الله العظمی ، آقا سید ابو الحسن اصفهانی، و مرحوم آیه الله العظمی ، آقای حاج آقا حسین طباطبائی بروجردی ، و مرحوم آیه الله العظمی آقا سید محسن طباطبائی حکیم ، و مرحوم آیه الله العظمی ، آقای حاج سید ابو القاسم موسوی خوئی و سایر مراجع تقلید قدس سرهم، نمایندگی در اخذ وجوهات شرعیّه ، و تأمین شهریه حوزة علمیة اصفهان ، و نیز ارسال وجوهات به حوزة های بزرگ نجف و قم ، داشت . او در دوره های خفقانی حکومت پهلوی ها ، نقش بسیار مؤثری در یاری رساندن به حوزة علمیّه و مراجع تقلید ایفاء نمود ، و هم چنین در تعمیر مدارس علمیّه ، و تعمیر و توسعه حرمهای ائمه معصومین علیهم السلام و امامزادگان (ع) ، زحمات و خدمات شایان تقدیری را بر عهده داشت ، و ما هم به پاس آن خدمات ارزشمند ، در این کتاب ، از آن بزرگمرد نیکوکار ، یاد نمودیم . یکی از شرای اصفهان متخلص به ( کیوان ) در رثای آن بزرگمرد، اشعاری سروده که بر روی سنگ قبر او ثبت شده است ، که ذیلاً برخی از آنها را ذکر می کنیم :

بزرگی رفت و صد آه از مماتش

که قدسی بود اوصاف و صفاتش

به اسلام و تشیع بود مانوس

ز روی صدق در طول حیاتش

به اُعتاب مقدس کرد خدمت

گواهان ، دجله و شطّ فراتش

أمانت با صداقت داشت توأم

چو ابرارِ زمان ، صوم و صلاتش

ص: ۳۹۶

یقین دارم که مهر آل عصمت

دهد در روز وانفسا، نجاتش

چو شد سوی جنان (کیوان) چنین گفت

(خَدُومُ الْخَلْقِ) شدسال وفاتش

## ۹- سر قبر آقا

آرامگاه خانواده امام جمعه های سابق اصفهان می باشد، که در بیرون دروازه دردشت واقع است و مشهور به سر قبر آقا می باشد، و عمارتی بلند و ساختمانی همراه با آئینه کاری و گنبد دارد و قبر عده ای از علماء بزرگ از خاندان امام جمعه اصفهان، که منصب امامت جمعه داشته اند، در آن قرار گرفته است.

مرحوم حاج میرزا حسن امام جمعه، متوفای ۱۲۴۸ قمری، که از علماء با کمال و جمال، و مدافع حقوق مردم بوده، و نماز جمعه او محل اجتماع بسیار عظیمی به شمار رفته (۱) و مرحوم آخوند گزی از او تجلیل نموده، و او را (با جمال و کمال و مرجع و پناه خلق) معرفی نموده است (۲) و نیز مرحوم آقا میر سید محمّد امام جمعه، متوفای ۱۲۹۱، که عالمی متنفذ و پیشوایی زیرک، موقر، سخی، با مهابت، شجاع و مردم دوست بوده، و در میان امام جمعه های ایران، کسی دارای تشخص او نبوده، و رافع بعضی مفاسد دولت بوده است (۳) و هم چنین عده دیگری از امام جمعه های اصفهان، و نیز جمعی دیگر از علماء و مدرّسین حوزه علمیه اصفهان، همانند مرحوم آخوند ملا محمد حسین بن ملا

ص: ۳۹۷

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۲۶۰

۲- رجال اصفهان، صفحه ۱۱۴

۳- رجال اصفهان، صفحه ۱۱۵

ولی الله ، متوفای بعد از ۱۲۹۰ قمری ، ( که در علوم حکمت و ریاضی و کلام، استادی برجسته بوده است) (۱)، در این بقعه و آرامگاه مدفونند .

خاندان امام جمعه های اصفهان ، از اولاد میر محمد صالح خاتون آبادی ، داماد و شاگرد مبرز علامه ، ملا محمد باقر مجلسی می باشند ، و از خاندان های علمی اصفهان به شمار می روند .

#### ۱۰- مقبره حاجی کلباسی

در مقابل در شرقی مسجد تاریخی و باستانی و عظیم الشانی ، که به نام مسجد حکیم معروف است و از مساجد جامع و مهم اصفهان به شمار می رود ، و از نظر معماری و کاشی کاری و نماسازی و وسعت و عظمت ساختمان ، برجستگی چشمگیری دارد ، مقبره مهم و قابل توجهی وجود دارد که فقیه نامدار و زاهد بزرگوار شیعه ، حاج محمد ابراهیم کلباسی (کرباسی)، متوفای ۱۲۶۱، هجری قمری و عده ای از علماء بزرگ از فرزندان و نوه ها و وابستگان آن بزرگمرد، در آن مدفون گشته اند .

این مقبره، عمارت و قبه و بارگاه عالی دارد و در برخی از دوره ها ، از متبرک ترین بقعه های مذهبی به شمار می رفته ، و محل توجه مؤمنین و علاقه مندان بوده ، و تا کنون ، این مزار عظیم البرکة ، باقی و مورد توجه مؤمنین می باشد .

حاجی کرباسی ، فقیهی اصولی ، و محقق مدقق ، و زاهدی عابد و مرجعی محبوب و عظیم الشان و نافذ الکلمه بوده است . پس از فوت پدر ، زیر نظر چهره نورانی عالم علم و عبادت و سیر و سلوک ، یعنی آقا محمد بید آبادی ، قرار گرفت و به آداب و اخلاق و روحیات بلند دینی تربیت شد، و به مرحله ای از

ص: ۳۹۸



مقام احتیاط و دقت در رعایت آداب دینی و احکام شرعی و زهد و بی اعتنائی به مادیات نائل گردید ، که موجب إعجاب قرار گرفت، و مقامی بلند در اجابت دعا و ظهور کرامات یافت .

مجمع درسی او محلّ توجه بزرگان علم و فقاہت بوده ، و شاگردانی همانند : آقا سید حسن مجتهد موسوی ، آقا میر سید حسن مدرّس و آقا میر سید محمّد شہشہانی ( که از مجتهدین و مراجع نامدار بوده اند ) داشته ، و در دوران تحصیل خود ، در حوزه های علمیّه اصفهان - کربلا - نجف - کاظمین - کاشان و قم از محضر بزرگانی همچون وحید بہبہانی و آقا سید مہدی بحر العلوم ، شیخ جعفر کبیر

(کاشف الغطاء) آقا سید علی (صاحب ریاض) آقا سید محسن کاظمینی ، میرزای قمی ، ملا مہدی نراقی و ... بهره مند گردیده ، و از نظر تألیف ، موفق به نوشتن کتابہائی بسیار ارزشمند و محققانہ در اصول و فقہ گردید ، کہ مورد توجه بزرگان قرار گرفته است . وی ، از نظر نسل و ذریہ ، شجرہ طیبہ ای را می ماند کہ هنوز آثار و برکاتش باقی است و علماء و مجتہدین بسیاری را برای جامعہ و اسلام بوجود آورده است .

و در یک کلام ، بہ نوشتہ صاحب روضات ، او مصدر علوم و حکم و آثار ، و مرکز دائرہ فضلاء برجستہ ، و دانشمندان بزرگ ، و قطب شریعت ، و رکن و شیخ جلیل شیعه ، و اُسّ اساس فقاہت و اجتہاد ، و استاد کل و ... است (۱)(۲)

در مقبرہ حاجی کلباسی ، قبر آقا محمّد مہدی کلباسی ، متوفای ۱۲۷۸ قرار

ص: ۳۹۹

۱- روضات الجنّات صفحه ۱۰

۲- برای آشنایی بیشتر با شخصیت حاجی کرباسی ، بہ ریحانہ الأدب ، جلد ۵ ، صفحه ۴۲ - ۴۴ و الکرام البررہ ، و أعیان الشّیعہ ، و نیز بہ بخش « خاندانہای علمی اصفهان » در ہمین کتاب ، مراجعہ شود.

گرفته است . او أعظم أولاد حاجی کلباسی بوده و در علم و تقوی مُشارِ بِالْبَنَانُ بوده است . وی ، در زمان پدر و بعد از او، مرجع در فتوی و از رؤساء علماء بوده (۱) و تألیفات بسیاری در فقه و اصول داشته ، همانند : شرح استدلالی منهاج حاجی کلباسی ( در هشت جلد ) و کتاب مصابیح در اصول ( نه جلد ) و ... ، عده ای از فرزندان و أحفاد او ، از علماء بوده اند .

و نیز در همین مقبره است ، قبر حاج میرزا محمود کلباسی ( فرزند ) آقا محمّد مهدی ، که عالمی فاضل و مورد توجه بوده ، و در جوانی وفات یافته است .

و هم چنین در همین مقبره است ، قبر حاجی آقا محمّد کلباسی ( فرزند دیگر حاجی کلباسی ) که تألیفات بسیار در فقه و اصول داشته ، و برخی از آنها در مجلّات کثیره ، بوده است (۲) .

و نیز قبر ، آقا شیخ جعفر ، متوفای ۱۲۹۲ قمری ، و حاجی میرزا محمّد رضا ، متوفای ۱۲۸۴ ، دو فرزند دیگر حاجی کلباسی ، که هر دو از علماء بوده اند در این مقبره است .

و علاوه بر یاد شدگان ، جمع دیگری از اولاد و أحفاد حاجی کلباسی ، در این مزار شریف مدفونند ، که نشان دهنده خاندان علمی حاجی کلباسی می باشد (۳) .

## ۱۱ - بقعه و مقبره سید شفتی

در ضلع شمال شرقی مسجد بسیار عظیم و شکوهمند مرحوم سید شفتی ، که

ص: ۴۰۰

---

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۵۰۷ ، رجال اصفهان ، صفحه ۱۵۹

۲- رجال اصفهان ( تذکره القبور ، مرحوم گزی ) صفحه ۱۶۱

۳- درباره حاجی کلباسی و فرزندانش در بخش « خاندانهای علمی اصفهان » نیز بررسی داریم

با نام مسجد سید، شهرت دارد و از زمان تأسیس تا کنون، از پربرکت ترین مساجد بزرگ اصفهان بوده است، مقبره و بقعه جالبی وجود دارد که به وسیله گچ بری و کاشی کاری و نقاشی، شکل جالبی به خود گرفته، و گنبد کاشی کاری شده آن، بر شکوه بقعه می افزاید.

مرقد مطهر فقیه بزرگ شیعه، آیت عظامی الهی، مرحوم آقا سید محمد باقر شفتی رشتی اصفهانی، متوفای ۱۲۶۰ هجری (بانی مسجد و مدرسه سید) در این بقعه می باشد، که ضریحی فولادی و جالب توجه دارد، و در تمام ایام هفته، زائران و علاقه مندان را به سوی خود جلب می نماید و از مزارهای مشهور و مورد توجه و با معنویت شهر مذهبی و ولایتی اصفهان، به حساب می آید.

در اصلی بقعه و رواق آن، به سوی بازارچه مجاور مسجد سید، باز می شود و در دیگری به سوی دالان مسجد سید دارد، و پنجره ای از بقعه شریفه، به سوی ایوان شمالی مسجد سید، قرار گرفته است.

مرحوم سید شفتی، در علم و تقوی، کوشش و مبارزه برای احیاء و اجرای دین، قیام و اقدام برای تدریس و تربیت طلاب علوم دینی، تلاش و پیگیری در استحکام بخشیدن به مبانی مکتب اهل البیت علیهم السلام در جامعه و... از چهره ای برجسته اصفهان و حوزه علمیه آن بوده، و از مفاخر عالم علم و روحانیت به شمار می رود.

خاندان علمی او، کتابها و تألیفات فراوان او (۱)، آثار اجتماعی و عمرانی او، حوزه درسی و شاگردان برجسته و فراوان او، همه و همه معرف شخصیتی

ص: ۴۰۱

---

۱- نویسنده متتبع آقای سید مصلح الدین مهدوی، در جلد دوم بیان المفاخر، رقم تألیفات و آثار مرحوم سید را (اعم از کتاب و رساله و...) به شصت عنوان رسانیده است.

کم نظیر ، در حوزه عظیم اصفهان می باشد (۱).

در بقعه یاد شده و مقبره مجاور آن ، عدای از علماء و دانشمندان خاندان علمی سید شفتی ، مدفون شده اند همانند : آقا میر محمد مهدی ( پسر بزرگ مرحوم سید ) و میرزا زین العابدین و حاجی سید محمد علی و آقا سید مؤمن ( که بعد از مرحوم آقا سید اسد الله شفتی ، أعلم فرزندان مرحوم سید شفتی بوده ، و جلسه تدریس داشته است ) و مرحوم حاجی سید محمد باقر ثانی ( فرزند حاج سید اسد الله و نوه مرحوم سید شفتی ) که همه از علماء بوده اند .

و نیز عدّه دیگری از علماء و بزرگان ، در مقبره مجاور این بقعه مدفونند ، که در کتاب بیان آلمفاخر ، جلد ۲ ، صفحه ۱۵۰ از دوازده نفر از آنان یاد شده است

## ۱۲- بقعه آقا سید حسن مدرّس

یکی از مساجد بزرگ و مهم و جالب توجه اصفهان ، مسجدی است که به وسیله مجتهد نامدار و عظیم الشان ، مرحوم آقا میر سید حسن مدرّس ، متوفای ۱۲۷۳ قمری ، در محله نو ، متصل به دربکوشک ( نزدیک به خیابان طالقانی ) تأسیس شده و با همت محمد رحیم خان بیگلریگی ، و برادرانش محمد کریم خان و محمد حسینخان ، ادامه و تکمیل یافته است (۲) .

ص: ۴۰۲

۱- صاحب روضات ، مرحوم سید شفتی را ، بالاتر از آن دانسته که ستایشگران بتوانند او را توصیف نمایند ، زیرا مکارم اخلاق دهگانه پیامبران ، در او جمع شده است ( اجتمع فيه مكارم اخلاق الانبياء العشرة الكاملة ) و سپس در ضمن شرح حال مفصّلی از آن بزرگمرد ، فرموده : رأيتُه في العقل أفضل جميع أهل زمانه ... و أفقه من تكلم على حقيقه شيء من بزّهانه ... و لقيته في الحلم أحلم من كظم الغيظ على الجاهلين بمنزلته ومكانه ... و الفيتّه في الجود معتزلاً كلّ موجودٍ بأنّه من رهائن إحسانه بنفسه أو بماله أو بشأنه ... ( روضات الجنّات ، صفحه ۱۲۴ )

۲- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۷۹۶ و آثار ملی اصفهان

در طرف شمالی مسجد، بقعه جالبی است که گنبدی زیبا دارد، و مرقد مطهر بانی و مؤسس مسجد، در آن قرار گرفته است.

مرحوم آقا سید حسن مدرس، از شخصیت های نامدار در حوزه علمی اصفهان بوده، و مجمع درسی او، محل حضور بزرگانی هم چون: آیه الله العظمی، میرزا محمد حسن شیرازی (صاحب فتوای تحریم تنباکو، و مجدد دین در رأس سده سیزدهم) و نیز، آقا میرزا محمد باقر (صاحب روضات) و آقا میرزا محمد هاشم چهارسوقی (چهره نامدار و بزرگ حوزه اصفهان) و آقا میرزا أبو المعالی کلباسی، و آخوند ملا محمد باقر فشارکی، و دیگر بزرگان و مجتهدان، بوده است (۱).

مرحوم مدرس، در حوزه اصفهان و کربلاء و نجف، تحصیل علم نموده، و استادانی هم چون: شریف العلماء و صاحب جواهر، داشته است، و تألیفاتی محققانه، و خاندانی علمی، از آثار باقیه آن مجتهد عظیم الشان به شمار می رود.

از فرزندان مرحوم مدرس، مرحوم آقا میر محمد تقی مدرس (که از اساتید مرحوم آیه الله العظمی بروجردی بوده) و آقا میر سید علی (که جلسه تدریس داشته) و آقا میر سید محمد، و نیز از نوه های آن بزرگمرد، مرحوم آقا میر سید حسن دوم و آقا سید محمد باقر مدرس، و جمعی دیگر از احفاد آن بزرگمرد، در بقعه یاد شده مدفونند (۲).

ص: ۴۰۳

- 
- ۱- الکرام البرره، صفحه ۳۳۵، دانشمندان و بزرگان اصفهان و صفحه ۲۶۸ - جلسات درسی مرحوم مدرس، چند صد نفر شاگرد را در بر می گرفته، و از ابتهتی چشمگیر برخوردار بوده است.
  - ۲- در باره مرحوم مدرس و چهره های دیگر از خاندان علمی او، در بخش (خاندانهای علمی اصفهان) و در مواضع دیگر در همین کتاب، بحث نموده ایم.

جنب امامزاده أحمد ( که یکی از امامزاده های معتبر و مورد توجه اصفهان می باشد ، و بنا بر مشهور با یک واسطه نسب او به امام محمد باقر علیه السلام می رسد ، و او فرزند علی بن محمد الباقر علیه السلام ، مدفون در مشهد اردهاال و مشهور به « سلطان علی » است (۱) ) و در نزدیکی دروازه حسن آباد ، بقعه جالبی وجود دارد ، با گنبد و تزئینات مناسب ، که در آن مرقد مرحوم حاج شیخ محمد تقی نجفی ، معروف به آقا نجفی اصفهانی ، متوفای ۱۳۳۲ قمری ، قرار گرفته است .

در جوار امامزاده أحمد علیه السلام و نیز در بقعه آقا نجفی عده ای از علماء و شعراء مدفون گردیده اند که مجموعاً بقعه ای علمی را تشکیل می دهد .

مرحوم آقا نجفی ، هوش و حافظه ای عجیب ، تدبیر و سیاستی شگفتی آفرین ، سخاوت و بخشندگی چشمگیر ، گذشت و سعه صدری حیرت انگیز داشته ، و با بهره گیری از مال و ثروتی که در اختیار او بوده ، خدمات فراوانی در راه نشر علم و تشویق طلاب ، و تأمین نیازمندی های مردم و طلاب علوم دینی ، می نموده است . او تألیفات بسیار داشته ، که نویسنده متتبع ، آقای سید مصلح الدین مهدوی ، در کتاب ( تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر ) از صفحه ۳۶۷ تا ۳۸۶ ، نود و پنج عدد از آنها را بر می شمرد .

ص: ۴۰۴

۱- به گفته آقای سید مصلح الدین مهدوی ، امامزاده أحمد همان است که در کتاب ( ذکر اخبار اصفهان ، از حافظ ابی نعیم ) جلد ۱ صفحه ۸۰ ، به این عبارت ذکر شده است : أَحْمَدُ بْنُ عِيسَى بْنِ زَيْدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامِ قَدِمَ إِصْفَهَانَ تُوفِّيَ بِهَا فِي خِلَافَةِ الرَّشِيدِ دُفِنَ بِمَوْضِعٍ يُقَالُ لَهُ وَادَار ... يَزُورُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ ... رَوَى عَنْهُ جَعْفَرُ بْنُ مَرْوَانَ ، و سپس احادیثی را از او نقل می نماید ، و از این کلام معلوم می شود که او از محدثین مورد توجه بوده است ، و نسب او با دو واسطه ، به امام علی بن الحسین علیه السلام می رسد .

و هم چنین از صفحه ۳۶۱ تا ۳۶۶، بسیاری از مشاهیر شاگردان آقا نجفی را ذکر می کند، که هر کدام از آنها در عالم تحقیق و تدریس و تألیف و خطابه و ارشاد و ... درخشیده اند. آقا نجفی در زمان حکومت ظلُّ السَّیطان (جبار و طاغوت مشهور) پناهگاهی برای مردم، و مدافعی برای مظلومان بوده است

علماء بزرگ، و نویسندگان مشهور، از علم و تقوی و سیاست و تدبیر مرحوم آقانجفی، ستایش های برجسته ای نموده اند مثلاً: مرحوم حاج آقا بزرگ طهرانی او را: أَحَدُ أَرْكَانِ الدِّينِ وَرُؤَسَاءِ الْمَذْهَبِ فِي عَصْرِهِ ... وَ كَانَ مَجْلِسُ دَرْسِهِ مَمْلُوءًا مِنَ الْأَفْضَالِ وَالْمُحَصِّلِينَ ... خوانده است (۱) و محدث قمی (مرحوم حاج شیخ عباس) به نقل از آقا شیخ محمد رضا مسجد شاهی، او را: الشَّيْخُ الْإِمَامُ، مُبَيَّنُّ الْأَحْكَامِ، وَ مَلَأُ الْأَنْامَ، رَئِيسُ الشَّيْعَةِ، خَامِلُ أَلْوِيَةِ الْإِسْلَامِ وَ فَقِيهُ أَهْلِ الْبَيْتِ عَلَيْهِمُ السَّلَام ... شمرده (۲)، و مدرّس تبریزی، او را: جامع معقول و منقول و حاوی فروع و اصول ... دانسته (۳)، و معلّم حبیب آبادی، او را با چنین عباراتی، توصیف نموده است: از بزرگان علماء و فقهاء اصفهان ... در عقل، به درجهٔ اعلی، و در تدابیر و کفایت و حُسن سیاست، و معاشرت با دولت و ملت، تقریباً در أقران خود بی نظیر بود. مرحوم آقا نجفی، از یک خاندان بزرگ علمی بوده، و فرزند آقا شیخ محمد باقر نجفی و نوهٔ آقا شیخ محمد تقی رازی (صاحب حاشیه بر معالم، به نام هدایه المسترشدين)، می باشد (۴).

ص: ۴۰۵

- 
- ۱- نقباء البشر، جلد ۱، صفحه ۲۴۷ و ۲۴۸
  - ۲- فوائد الرضویّه، جلد ۲، صفحه ۴۳۸
  - ۳- ریحانه الأدب، جلد ۱، صفحه ۵۷
  - ۴- در بارهٔ مرحوم آقا نجفی، و چهره های خاندان علمی او، در بخش (خاندانهای علمی اصفهان) و به مناسبت های گوناگون، در بخش (مدارس علمیّه) و (مساجد محلّ فعالیت علمی در اصفهان) نیز بحث و بررسی داریم.

در طرف شمال شهر اصفهان، امامزاده مشهور و مورد توجهی می باشد، که به نام زینیه، مشهور است و صحن بزرگ و گنبد و بارگاه و دو مناره جالب توجه دارد، و همیشه اوقات، بالأخص روزهای جمعه و ایام جشنها و عزاداریهای مذهبی، جمعیت بسیار زیادی را از راههای دور و نزدیک، بسوی خود جذب می نماید، و یکی از زیارتگاههای بسیار شکوهمند و پر اهمیت به شمار می رود

در اطاقهای صحن این امامزاده، عده ای از علماء و بزرگان دین، مدفون گشته اند، که از آن جمله است فقیه اصولی، مرحوم آیه الله آقا سید ابوالقاسم دهکردی، متوفای ۱۳۵۳، که تألیفاتی در زمینه فقه و اصول و تفسیر و ادعیه و اخلاق و حدیث داشته، و استادهايش در حوزه های اصفهان و نجف و سامراء، چهره هائی همانند: میرزای شیرازی، شیخ زین العابدین مازندرانی، حاجی نوری، آقا میرزا ابوالمعالی کلباسی و حاج شیخ محمد باقر مسجد شاهی و آقامیرزا محمد حسن نجفی و ... بوده اند، و در مدرسه صدر اصفهان، تدریس می نموده است. در بخش امامزاده های اصفهان، درباره زینیه بحث مفصل تری داریم.

#### سایر بقاع علمی اصفهان

علاوه بر بقاع یاد شده، در جوار بسیاری از امامزاده های اصفهان، علماء و پیشوایان دینی مدفون گردیده اند، همانند: امامزاده هارون ولایت علیه السلام (هاروتیه) در جوار مسجد علی و در کنار بازار بزرگ، و بقعه و مقبره درب امام، در نزدیکی قبرستان قدیمی سنبلان (چملان) که آن قبرستان، در حال حاضر تبدیل به بیمارستان امین شده است، و بقعه سنی فاطمه علیها السلام در محله چهارسوق



شیرازیها ، و امامزاده ابراهیم علیه السلام ( شاهزاده ابراهیم علیه السلام ) ، در محله مستهلک ( نزدیک خیابان شیخ بهائی ) ، و امامزاده باقر علیه السلام ، در مجاورت خیابان چهارباغ خواجه ، و نیز مزار سادات و علماء خاتون آبادی ، در روستای گورث ، و سایر بقاع و مزاراتی که ، در کتاب تذکره القبور مرحوم گزی (رجال اصفهان)، و گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، و آثار ملی اصفهان ، به بسیاری از آنها توجه شده است، و به علت اختصار ، از ذکر همه آنها پرهیز می نمایم .

### تخت فولاد، نمایانگر عظمت علمی اصفهان

در شهر اصفهان ، قبرستان های متعددی در محله های مختلف وجود داشته است، که با تفاوت هائی ، مورد استفاده برای دفن اموات قرار می گرفته ، و بعضاً از اهمیت ویژه ای برخوردار بوده است .

و به عنوان نمونه می توان از گورستان های زیر نام برد .

۱- قبرستان علی بن سهل ( قبرستان طوقچی )

۲- قبرستان آب بخشان

۳- قبرستان سنبلستان ( چملان ) نزدیک محله درب امام

۴- قبرستان شاه میرحمزه ، که با مزار علی بن سهل ، اتصال داشته است .

۵- قبرستان سنی فاطمه علیها السلام ، که متصل به قبرستان الیاداران بود .

۶- قبرستان شیخ یوسف ، که به مقابر امامزاده احمد و امامزاده باقر متصل بوده .

۷- قبرستان امامزاده ابراهیم علیه السلام ، در محله مستهلک

۸- قبرستان بید آباد

و بایستی توجه داشت که در گذشته آیام ، گاهی در صحن امامزاده ها و یا در جوار مرقد علماء بزرگ ، مرده ها به خاک سپرده می شدند و بدین جهت قبرستان های کوچک و بزرگ زیادی ، در شهر اصفهان وجود داشته است، و در

هر کدام از آنها چه بسا علماء، شعراء، گویندگان، نویسندگان، دفن می شده اند.

ولی قبرستان تخت فولاد، در میان تمام قبرستانهای اصفهان، دارای ویژگی خاصی می باشد، و از نظر وسعت مکان، و بهره برداری دراز مدّت، از اهمّیت زیادی برخوردار است، و از طرف دیگر، مشتمل بر تکیه ها و بقعه های زیادی است، که در آنها برجسته ترین شخصیت های عالم فقه و اجتهاد، حکمت و کلام، عرفان و تقوی، تألیف و تصنیف، بیان و قلم، شعر و ادب، مبارزه و جهاد، خدمت و ایثار و ...، به خاک سپرده شده اند و به خاطر همین جهات، بسیاری از کسانی که می خواسته اند به دعا و توجّه، ریاضت و خودسازی، سیر و سلوک معنوی پردازند، در این تکیه ها و بقعه ها اقامت می جستند، و چه بسا شبهای بیدار، و روزهای روزه داری را، پشت سر می گذاشته و در کنار قبور علماء بزرگ، و پرهیزکاران نامدار، به کسب فیض معنوی اشتغال می یافته اند.

### تخت فولاد، یاد آور چهره های درخشان

بنابراین، قبرستان تخت فولاد تنها گورستان شهر نیست، بلکه علاوه بر جنبه های روحی و معنوی، یادآور چهره های درخشان علم و ادب، و تقوی و جهاد می باشد و حفظ و نگهداری، آشنائی و معرفی آن، خدمتی به حفظ آثار فرهنگ دیرینه اصفهان، و تجلیلی از خدمتگذاران بزرگ و مفاخر علمی و ادبی

حوزه علمیّه عظیم الشان این شهر تاریخی می باشد، و برای آیندگان به خوبی روشن می نماید، که در شهر اصفهان، در قرون متمادی، چگونه پرچم علم و دانش و ادب، در اهتزاز بوده است، و انسانهایی بزرگ در کسب علم و دانش، و تعلیم و نشر آن، زیر لوای اهل البیت علیهم السلام و با الهام از رهبری های آنان،

کوشیده اند، و حوزه علمیّه بی نظیر یا کم نظیری را، در این شهر دوستدار علم و دین و مذهب أهل البيت عليهم السلام، بوجود آورده اند.

### تاریخچه گورستان تخت فولاد، و دفن اموات در آن

در این که زمین تخت فولاد، قبل از سلاطین صفویّه، گورستان بوده بحث و سخنی نیست، و آنچه مسلم است این که، عدّه ای از بزرگان عرفاء و از جمله آنها عارف نامدار شیعه، مسعود بن عبد الله بیضاوی أنصاری، معروف به بابا رکن الدّین، متوفای ۷۶۹ هجری، در این سرزمین مدفون گردیده اند، ولی در زمان صفویّه، تخت فولاد، به صورت بزرگترین قبرستان شهر در آمده، و به احترام بابا رکن الدّین، نام قبرستان و نیز پل خواجه، با عنوان قبرستان بابا رکن الدّین و پل بابا رکن الدّین، بر زبانها جاری می گشته است.

در دوره صفویّه، آنقدر قبرستان تخت فولاد (بابا رکن الدّین) توسعه و گسترش و اهمّیت یافت که، بنابر مشهور، چهارصد تکیه و بقعه عالی در آن ساخته شد، ولی در زمان فتنه افغان، قسمت عمده آن با خاک یکسان گردید (۱) ولی مجدداً در دوره های بعد رونق خود را بازیافت، و با دفن علماء بزرگ و شخصیت های برجسته ادبی و اجتماعی، و تأسیس یا تعمیر بقاع و تکایا، و رفت و آمد عمومی، موقعیت برجسته خود را به دست آورد، تا آنکه پس از انقلاب اسلامی، و متروکه گردیدن قبرستان تخت فولاد، و تغییر گورستان عمومی به محلّ جدید (باغ رضوان در دوازده کیلومتری شرق اصفهان)، و بی توجهی برخی از ادارات ذی ربط، و اقدامات غیر آگاهانه و یا

ص: ۴۰۹

مغرضانه برخی عناصر فاسد، خرابی هائی به بار آمد که جای بسی تأسف است، ولی در اثر همت و کوشش آگاهان، طرح هائی در دست اقدام است، برای حفظ تخت فولاد به عنوان:

نمایشگاهی بزرگ از فرهنگ و ادب، فقه و اجتهاد، شعر و حکمت در شهر تاریخی اصفهان

### اهمیت معنوی و تاریخی گورستان تخت فولاد

در میان قبرستان های بلاد شیعه، برخی دارای ویژگی خاص معنوی است و به خاطر در برگرفتن اجساد مطهر اولیاء الله، و ارتباط معنوی بندگان شایسته خدا در آن سرزمین، و اقامت خداجویان با فضیلت در بقاع و عبادتگاههای آن، موقعیت و عظمت شایسته و برجسته یافته است، که قبرستان وادی السلام در نجف اشرف، و قبرستان شیخان در قم، و گورستان تاریخی و عظیم تخت فولاد، در اصفهان، از این قبیل است.

آری سرزمینی که در آن امثال: میر معصوم و آقا محمد بیدآبادی و میرفندرسکی آرمیده اند، و عالمان و مجتهدان بزرگی، همچون: آقا حسین و آقا جمال خوانساری و آقا شیخ محمد تقی رازی و صاحب روضات، و کاشف اللثام (فاضل هندی) و میرزا رفیعی نائینی و ملا اسماعیل خواجهی مدفون گشته اند، و خداجویانی همانند: آخوند فشارکی، و آقا شیخ مرتضی ریزی، و حاج ملا حسینعلی صدیقین، و حاج میرزا رضا کلباسی، شبهای مناجات و دعا، ناله و تضرع، گریستن و گریاندن مؤمنین داشته اند، و دلهای انسانها را شستشو داده، و با آب توبه تطهیر می کرده اند، و در هر گوشه و کنار این سرزمین و بقعه و تکیه آن، عبادتی و تضرعی، توبه ای و انابه ای، عبرتی و عبرتی بوده است، جای دارد که

سرزمینی مقدس نامیده شود، و از اراضی برجسته به شمار آید.

## لسان الأرض، نشانه ای تاریخی و معنوی، در تخت فولاد

بخشی از گورستان عظیم تخت فولاد، به نام لسان الأرض نامیده می شود، که در وجه تسمیه آن، دو مطلب گفته شده است:

۱- حافظ ابونعیم اصفهانی، متوفای حدود ۴۳۰ قمری (از اجداد علامه مجلسی و صاحب کتاب «ما نزل من القرآن فی أمر المؤمنین علیه السلام» و «ذکر المهدی (عج)» و ...) در کتاب ذکر أخبار اصبهان، حدیثی نقل کرده است که، وقتی خداوند متعال به آسمان و زمین دستور داد که (إِئْتِيَا طَوْعاً أَوْ كَرْهاً) و آنها جواب دادند که: (أَتَيْنَا طَائِعِينَ)، أَجَابَهُ أَرْضِ إِصْبَهَانَ فَمُ الْأَرْضِ وَلِسَانُهَا (فرمان خدا را زمین اصفهان، که دهان و زبان زمین بود، پاسخ داد) (۱).

بنابراین نقل، لسان الأرض، سخنگوی زمین، در هنگام پاسخگویی به فرمان الهی است، و نشان می دهد که از قداست و عظمتی ویژه، برخوردار است

۲- مرحوم ملا عبدالکریم گزی (مجتهد نامدار و عظیم الشان و مدرس برجسته حوزه علمیه اصفهان) در کتاب تذکره القبور، نقل می کند که، گویند: حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام در هنگامی که در جریان فتح ایران، به اصفهان تشریف آوردند، این زمین با آن حضرت تکلم کرد، و از توطئه یهود که قصد سحر و جادو برای امام داشتند، پرده برداشت و سپس تختی از فولاد برای آن حضرت ساختند و در آن منزل کردند، که سحر ساحرین اثر ننماید، و به این

ص: ۴۱۱

---

۱- ذکر أخبار اصبهان، جلد ۱، ص ۴۱ و محاسن اصفهان، ص ۴ و ۵ و نیز روضات الجنات، جلد ۱ ص ۷ و تذکره القبور (رجال اصفهان) ص ۴۴ و کتاب سیری در تخت فولاد ص ۱۷-۱۸ و بخش «نامهای اصفهان و مزایای طبیعی و معنوی آن» در همین کتاب.

مناسبت نام تخت فولاد و نام لسان الأرض ، مطرح گردیده است (۱) (۲) .

و بنابر هر دو وجه یاد شده برای نامگذاری لسان الأرض ، اهمیت این سرزمین مقدّس ، روشن می گردد.

### قبر حضرت یوشع علیه السلام ، نشانه ای تاریخی و معنوی برای تخت فولاد و لسان الأرض

در سرزمین لسان الأرض ، قبر یکی از انبیای بزرگوار به نام یوشع علیه السلام می باشد ( که بعضاً آن را ، شعیاء گفته اند ، در حالی که حضرت شعیاء علیه السلام در محلّه گلبهار ، جنب امامزاده اسماعیل علیه السلام ، مدفون می باشد ) و در زمان آل بویه ، بر آن ساختمانی ساخته اند (۳) ، و در دوران صفویّه تجدید و تکمیل گردیده ، و اخیراً ، ساختمان قدیمی را ویران نموده ، و تنها سنگ قبر مرمی ، بر روی آن نهاده اند . قبر یوشع نبی علیه السلام که متعلّق به حدود بیست قرن قبل می باشد (۴) ، از آثار تاریخی تخت فولاد و لسان الأرض ، به شمار می رود .

### تخت فولاد ، محلّ عبادت و تحصیل علم

از ویژگیهای تخت فولاد این است که تنها محلّ دفن أموات عموماً ، و بزرگان علم و دین خصوصاً ، نبوده است ، بلکه تکیه ها و زاویه های فراوان آن (۵) ،

ص: ۴۱۲

۱- رجال اصفهان ( تذکره القبور ) ، صفحه ۴۴

۲- درباره مسافرت امام حسن مجتبی علیه السلام به اصفهان ، به بخش (فرازهائی درخشان از ریشه های تشیع در اصفهان ) در همین کتاب ، مراجعه شود.

۳- سیری در تخت فولاد، صفحه ۲۸ - ۲۹

۴- سیری در تخت فولاد اصفهان ، صفحه ۲۹

۵- گفته شده است که تعداد زوایا و تکیه های تخت فولاد، در زمان صفویّه نزدیک چهارصد عدد بوده ، که عموماً در فتنه افغان و بعد از آن خراب شده است (سیری در تخت فولاد، صفحه ۲۴)

محلّ عبادت و مناجات با خدا، و تشکیل مجالس دعای کمیل در شبهای جمعه بوده است (۱) و حُجرات هفت گانه تکیه خاتون آبادی (۲)، محلّ سکونت طلاب بوده، و مدرسه مسجد رکن الملک نیز، محلّ تحصیل علم بوده است، و در مجموع، این سرزمین مبارک جایگاه علم و عبادت، دانش و پرستش، بوده و طالبان ارزش های والای معنوی را به خود جذب می کرده است.

### تهاجمی بی رحمانه و جاهلانه، و دفاعی آگاهانه و دلسوزانه

در دوران اوج حرکت انقلاب، و بخصوص پس از آن که در اردیبهشت ۱۳۶۳ شمسی (= ۱۴۰۴ قمری) قبرستان تخت فولاد از طرف شهرداری اصفهان متروکه اعلام گردید، عناصری پلید، جاهل، مغرض و ... از داخل شهرداری، و عناصری فرصت طلب، مادی، لامذهب، دشمن علم و دین، از خارج

ص: ۴۱۳

---

۱- در قرن اخیر (قرن چهاردهم) علاوه بر جلسه های دعای خصوصی، دوازده جلسه دعای کمیل رسمی به نحو مرتّب در تخت فولاد و تکیه ها و مساجد آن تشکیل می شده که از آن جمله است: ۱- جلسه دعای مرحوم علامه، ملا محمد باقر فشارکی در مسجد مصلی ۲- جلسه دعای آیه الله، شیخ جمال الدین نجفی، در تکیه میرزا رفیعا ۳- جلسه دعای آیه الله، آخوند ملا محمد حسین فشارکی، در مسجد مصلی ۴- جلسه دعای مرحوم آیه الله، حاج ملا حسینعلی صدیقین، در تکیه کازرونی ۵- جلسه دعای فقیه زاهد و علامه محقق، آقا شیخ مرتضی ریزی، در محلی که فعلاً تکیه ریزی است و ...

۲- در کتاب وقایع السنین و الأعوام خاتون آبادی، صفحه ۵۵۵، در ضمن بیان وقایع سال ۱۱۱۶ قمری آمده است که: فوت فاضل عالم عامل مجتهد، عمّ امجد میر اسماعیل، الشّهر بخاتون آبادی، روز چهارشنبه چهارم ربیع الثانی، سنه یکهزار و یکصد و شانزده، دفن او در مقبره ای که خود ساخته بودند در قبرستان بابا رکن الدین و مشتمل بر گنبدی است، و هفت حجره و هفت نفر طالب علم، در آنجا سکنی دارند و نیز، به سیری در تخت فولاد، صفحه ۲۵ مراجعه شود

شهرداری، تهاجمی وسیع را بر علیه تکیه‌ها و بقعه‌ها، قبور علماء و بزرگان، شروع کردند، و به بهانه‌های واهی، اقدامات مفسده‌جویانه خود را (که بعضی به صورت علنی، و بعضی، شبانه و مخفیانه انجام می‌گرفت) توجیه می‌نمودند و از آن طرف، علماء و مراجع تقلید، اساتید حوزه و دانشگاه، نویسندگان و گویندگان مذهبی و اندیشمند، سازمان میراث فرهنگی اصفهان، دست به کار شدند، و دفاعی پرجوش و مقاوم را شروع نمودند، و با توجه دادن به ارزشهای دینی، فرهنگی و تاریخی تخت فولاد و بقاع و تکایای آن، و بیان نمودن این که تخت فولاد بیانگر تاریخ ارزشمند، فرهنگ و ادب دیرینه، مذهب و تفکر دینی مردم اصفهان است، به تدریج، آن تهاجم خطرناک را مهار نمودند، و هم اکنون، آن حمله وحشیانه، کنترل شده است، و به تدریج، دانش دوستان، و دین باوران، به فکر افتاده‌اند که، مراکز و بقاع مهم، و قبور چهره‌های بزرگ علمی و معنوی را، تعمیر و مرمت نمایند.

### ساماندهی تکیه‌ها و بقعه‌های تخت فولاد

پس از مهار شدن تهاجم وحشیانه، به تخت فولاد و مزار علماء و بزرگان و قبور مؤمنین، شهرداری اصفهان با تأسیس دفتری به نام (مجموعه فرهنگی - مذهبی تخت فولاد)، اقداماتی را، در حفظ آثار بقعه‌های مهم و مزار علماء و ساماندهی تخت فولاد، انجام داده است، از قبیل: ۱- احداث بقعه فاضل هندی (اصفهانی) ۲- احداث سر در ورودی به سوی بقعه فاضل هندی، از طرف خیابان فیض ۳- بازسازی قبر مرحوم آخوند کاشی ۴- احداث بنای یادبود حاج آقا رحیم ارباب، ۵- ساماندهی تکیه و بقعه آقا حسین خوانساری ۶- نصب تابلوهای راهنما، و معرفی تکیه‌ها و بقعه‌های مهم ۷- تأسیس



کتابخانه تخصصی، به منظور جمع آوری و حفظ آثار مربوط به تخت فولاد، و شرح حال و تألیفات بزرگان علمی و ادبی مدفون در این سرزمین پربرکت ۸- احداث و یا تکمیل و آماده سازی خیابانها و راههای لازم برای رسیدن به تکیه ها و بقعه های مورد توجه، و نیز برنامه های دیگری را در دست اقدام دارد که قابل توجه می باشد.

### اسناد تاریخی و به یاد ماندنی

در پایان این گفتار، به عنوان نمونه، فتوای مرجع عالیقدر جهان تشیع، حضرت آیه الله العظمی، آقای حاج سید محمد رضا گلپایگانی مدظله (۱) و متن نامه و طوماری که، مردم متدین اصفهان، با متجاوز از ده هزار امضاء، برای مسئولین کشور و رؤسای نظام جمهوری اسلامی نوشته اند، و نیز مقاله ای از مجله کیهان فرهنگی را نقل می نمایم، باشد که سندی گویا، از آگاهی رهبران دینی و بیداری ملت هوشیار و متدین شیعه اصفهان، ارائه شده باشد.

ص: ۴۱۵

---

۱- هم اکنون که مراحل چاپ کتاب در حال انجام است (۱۴۱۷ قمری) جهان تشیع در چهارمین سال فقدان و ارتحال این بزرگ مرجع تقلید، به سر می برد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تخریب قبور مؤمنین جایز نیست ، خصوصاً قبور تخت فولاد اصفهان که از قدیم الایام مورد احترام مسلمین بوده ، و در آن قبور علماء اعلام رضوان الله تعالی علیهم بوده است ، تخریب و توهین به آن قبور ، إهانت به محترمت اسلام است ، جای تعجب است که ، در جمهوری اسلامی بعضی مأمورین ، تا این اندازه نسبت به محترمت اسلام ، بی اعتنائی می کنند . لازم است در این امر به متصدیان مربوطه در مرکز مراجعه نمایند ، تا از این گونه حرکات ناشایسته جلوگیری شود .

خداوند همه را از شرّ شیطان محفوظ دارد .

۱۵ ذیقعه الحرام ۱۴۰۸ هجری قمری

محمد رضا الموسوی الگلپایگانی

محل مهر مبارک

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
تخریب قبور مؤمنین جایز نیست خصوصاً قبور تخت فولاد اصفهان که از قدیم الایام مورد احترام  
مسلمین بوده و در آن قبور علماء اعلام رضوان الله تعالی علیهم بوده است تخریب  
و توهین به آن قبور إهانت به محترمت اسلام است جای تعجب است که در  
جمهوری اسلامی بعضی مأمورین تا این اندازه نسبت به محترمت اسلام بی اعتنائی  
مکنند لازم است در این امر متصدیان مربوطه در مرکز مراجعه نمایند تا از این  
گونه حرکات ناشایسته جلوگیری شود خداوند همه را از شرّ شیطان محفوظ دارد  
و الله اعلم  
محمد رضا الموسوی الگلپایگانی

در مجله کیهان فرهنگی ، سال پنجم، شماره چهارم ، صفحه ۵۴، تاریخ تیرماه ۱۳۶۷، مقاله ای از آقای جمشید مظاهری ، به چاپ رسیده است که عیناً نقل می گردد . تخت فولاد ( فولاد ) در اصفهان ، گورستان وسیعی است که ، سابقاً در اراضی جنوبی زنده رود ، پشت کاخ مشهور سعادت آباد و هفت دست واقع بوده ، و به جهت دوری از شهر، جمعی از عرفاء و صلحاء و کُملین ، در آن بناهایی که به تکیه معروف است ، برای خویش ترتیب داده ، به اعتکاف و ریاضت و عبادت می پرداخته اند . این تکایا ، کم کم گورستان خواص و سپس « تخت فولاد » یکی از قبرستانهای عمومی اصفهان گردید ، و در این اواخر گورستان منحصر به فرد شهر بود ( برای تحقیق در تاریخ آن به کتابهای تذکره القبور جزی ، و بزرگان اصفهان مهدوی مراجعه شود) تا اخیراً با ایجاد قبرستان «باغ رضوان» تدفین در این محل ، که میان بخشی از شهر افتاده بود ، به دستور شهرداری موقوف گردید و عملی بجا بود .

مصیبت از اینجا شروع می شود:

تخت فولاد یک قبرستان معمولی نیست ، قسمت مهمی از تاریخ و فرهنگ این مملکت است، مجموعه ای حیرت آور از معرفت و حکمت و هنر و ظرافت و ذوق است، علاوه بر آنکه خاکجایِ مفاخری چون: رکن الدین شیرازی (عارف بزرگ قرن هفتم و شارح فرزانه فصوص الحکم ابن عربی) میر أبو القاسم فندرسکی فیلسوف و حکیم عصر صفوی ، میرزا رفیعای نائینی ، آقا جمال و آقا حسین خوانساری ، ملا اسماعیل خواجهائی ، سید محمد باقر روضاتی ، ملا حسن نائینی ، درویش عبد المجید شکسته نویس ، جهانگیر خان قشقائی ، آخوند کاشی ، حاج مصور الملکی استاد مینیاتور ، سردار اسعد بختیاری ، استاد جلال

الدین همائی ، میرزا تقی خان سرتیب ، حکیم باشی ، و دهها تن مانند ایشان است .

نمایشگاه مجللی است از هنر حجاری ، نقاشی ، مثبت کاری ، خط ، کاشی کاری ، معماری و مانند اینها .

آنچه باعث بر تحریر این سطور گردید که فی الواقع ( به اصطلاح قدماء ) نقشهٔ مصدور است ، و شاید آوازی باشد در شبی توفانی در بیابانی ، آن است که چندی است ، جمعی فرصت طلب بی فرهنگ ، از سیر طمع ورزی در بازار آشفته از شش جهت بدین ارض اقدس ، چنگیزوار و تیموروش ، یورش برده ، و شبی نیست و روزی که ، بخشی از این تربت مقدس را به خباثت طینت ، عرصهٔ تاخت و تاز تراکتور و بولدزر و لودر نمایند ، و خاک پاک قومی را که همهٔ آبروی ملک و ملت ما ، در گزوهٔ نام والامقام آنان است ، به باد جهالت و آز ندهند و آتشی جان سوز بر دل داغدیدهٔ دوستداران فرهنگ و هنر ملی نهند .

مخلص راقم ، و مانندگان او ، که شاید بیشتر به دیوانگان مانیم ، به هر کس و هر جا متوسل و متشبث شدیم ، که الغریق یتشبث ... و استمداد نمودیم که البته نه گوشی بدهکار یافتیم ، و نه چشمی طلبکار . سازمانی هست به نام ( حفاظت آثار تاریخی ) که شاید از عدهٔ ای قلیل صاحب نظر دلسوز نیز تهی نباشد ، منتها سازمانی است سخت علیل و ناکارآمد ، دانشکدهٔ ( پردیس ) نیز که به فحول اعظام هنرشناسان و هنردوستان مزین است ، نیز ظاهراً اجازهٔ دخالت ندارد . شهردار نیز ، که مردی پرکار و سخت دوستدار آبادانی و خدمت است ، گویا مشاوران مطلع ندارد .

باری با سهل انگاری در کار تخت فولاد و تخریب آن ، من خود به چشم خویشتن می بینم ، چیزی از دست تاریخ و فرهنگ ایران ، در دالان به هدر رفتن است ، که در آینده ، جبران آن به هیچ وجه امکان ندارد ، و کسانی که دست

آندر کار این کارند بدانند ، که جز لعنت و بدنامی ابدی ، چیزی برای خویش و دودمان خویش ذخیره نمی کنند ، و نام آنان در جریده عالم در کنار نام منحوس و مشئوم ظلّ السلطان ، ثبت خواهد شد .

بر اولیای امور است که ، پیش از آن که این عمل شوم نکبت بار ، به سرانجام نامیمون خجالت آور خود برسد، هیأتی از کارشناسان، و متخصصان خبره در زمینه های مختلف را مأمور نمایند ، تا از این گورستان ، نقشه و فیلم و اسلاید و...، و از بعضی بناها ، احياناً ماکت ، ... تهیه نمایند ، و تنی چند از فضلالی محقق ، تاریخ جامعی از زندگی رجال مهم مدفون در این مقبره را ، با تعیین مزار هریک فراهم آورند ...

### متن نامه و طومار مردم متدین اصفهان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

محضر مبارک رهبر عظیم الشان انقلاب اسلامی ، امام خمینی مدّظله العالی

محضر مبارک مراجع عظیم الشان تقلید و زعماء حوزه علمیه قم دامت برکاتهم

حضور محترم ریاست جمهوری اسلامی ایران ، جناب آقای خامنه ای

حضور محترم فقهای عالی مقام شورای نگهبان

حضور محترم فقهای شورای عالی قضائی

پس از تقدیم مراتب خالصانه ترین احترامات ، و تقاضای طول عمر آن بزرگواران ، معروض می داریم : قبرستان تاریخی تخت فولاد اصفهان ، یعنی نشانه ای بزرگ از حوزه علمیه چهارصد ساله اصفهان ، یعنی نشانه ای از زندگانی پر افتخار فقهاء ، حکماء ، عرفاء ، شعراء و ... در شهر تاریخی اصفهان ، یعنی سندی بر تاریخ پر افتخار شیعه در اصفهان ، یعنی اثری روشن از ،

« فاضل

هندیها»، « آقا حسین و آقا جمال خوانساریها»، « میرفندرسکی ها»، « آقا محمّد بید آبادیها»، و ... که در شهر مذهبی اصفهان، بزرگترین خدمتها را نسبت به علم و فقاہت، حوزه و مدارس علمیّ اسلام و مکتب تشیع، نموده اند

آری، قبرستان تخت فولاد، مورد تهاجم بی رحمانه شهردار معلوم الحال اصفهان قرار گرفته، و او با روشی خصمانه، به این نشانه فرهنگ و ایمان می تازد.

آری، در زمانی که مناره ها و عمارتهای قدیمی، کاسه ها و کوزه های گلی، آهن پاره های قدیمی و چنارهای کهن و ...، به عنوان آثار باستانی محافظت می شوند، و رقم بالائی از بودجه های کشورها، و سازمانهای بین المللی برای حفاظت آنها خرج می شود، در یک چنین زمانی قبرستان تاریخی و عظیم تخت فولاد، که نشانه بزرگی از فرهنگ و اعتقادات اصیل مردم می باشد، مورد تهاجم قرار گرفته است.

مگر انقلاب اسلامی با خون جوانان ما و فرزندان ما رشد گرفت تا شهردار اصفهان به نام شهردار انقلابی، مقدّسات دینی ما را مورد تهاجم قرار دهد؟ و فرهنگ شیعی ما را، قبور علماء ما را، قبور مؤمنین را ( که بسیاری از آنها فرزندانشان جزء شهدای انقلاب اسلامی هستند ) مورد حمله قرار دهد.

آیا برای ما، درد آور نیست که نزدیک تخت فولاد، جنب پل خواجه، قبر پروفیسور پوپ خارجی ... را بسازند، و در کنار آن، قبور علماء ما را خراب کنند. نمی دانیم آیا ناله ما تا چه اندازه اثر می کند، و سوز دل ما تا چه حد مؤثر است؟ آیا به دلیل این که آرام می گوئیم، دوستانه می گوئیم، خیرخواهانه می گوئیم، بی دسته بندی می گوئیم، برای رضای خدا می گوئیم، به نفع انقلاب اسلامی می گوئیم، سخنانمان مورد توجه قرار نمی گیرد، و توجیہات مبتذل

شهردار اصفهان قبول می شود، و همانند سایر حکومتها، به داد دل مردم رسیدگی نمی شود؟ آینده حکم فرماست. شما را به خدا، به انقلاب اسلامی رحم کنید، به «خون جوانان یا حسین گوی ما» توجه کنید. و از بی اعتقاد شدن دین باورهای متدین، نسبت به انقلاب اسلامی، جلوگیری کنید. جلوی این عمل زشت شهرداری اصفهان را بگیرید.

تیرماه ۱۳۶۷ شمسی

متن فوق، در طوماری به طول ۹ متر، و عرض هشتاد و سه سانتی متر، نوشته شد با بیش از ده هزار امضاء از مؤمنین و انسانهایی دلسوز و علاقه مند به اسلام و علماء، که در مساجد و مراکز معتبر دینی و علمی شهر اصفهان، امضاء گردید، و به محضر مبارک حضرت آیه الله العظمی، آقای خمینی، و مراجع تقلید، و مسئولین عالیرتبه جمهوری اسلامی ایران ارسال گردید.

### اشاره ای به تکیه ها و بقعه ها و مساجد و مدارس تخت فولاد

سرزمین تخت فولاد، در طول تاریخ برجسته و پر اهمیتی که داشته، تکیه ها، بقعه ها، زاویه ها، مساجد، مدارس، عبادتگاه هائی را به خود دیده، که رقم آنها گاهی، به حدود چهارصد عدد رسیده است (۱).

این بناها و آثار، برخی در دوره دیلمیان و برخی در دوره های بعدی و عمده در دوره صفوی و قاجاریه، ایجاد گشته است، که ذیلاً اشاره ای گذرا به نمونه ای از آنها می نمائیم:

از آثار دوره دیلمیان، ساختمان قبر حضرت یوشع علیه السلام، در «لسان الأرض» تخت فولاد بوده، و در قرن هشتم تا دهم، عبادتگاههایی برای اهل عبادت

ص: ۴۲۱

و راز و نیاز ساخته شده ، که همه از بین رفته است ، و تنها مسجد مصلی ، از آثار قرون قبل از صفویّه ، باقی مانده است .

در دوره صفویّه ، ساختمان قبر حضرت یوشع علیه السلام در « لسان الأرض » تکمیل و تجدید شده ، و تکیه ها و بقعه های مهمی تأسیس گردیده ، که برخی از آنها هنوز باقی است، و از آثار باستانی و تاریخی اصفهان به شمار می رود ، همانند : تکیه و بقعه بابا رکن الدین ( با گنبد ۱۲ ترک ) ، تکیه میرفندرسکی ، تکیه و بقعه میرزا رفیعی نائینی ( با گنبد بسیار جالب ) ، تکیه و بقعه آقا حسین خوانساری ( با گنبد بسیار زیبا ) ، تکیه آقا رضی ( تکیه سادات ) ، تکیه و بقعه و مدرسه خاتون آبادی ( با گنبد شکوهمند و جالب ) ، تکیه فاضل سراب ( تکیه جویباره ای )

در دوره قاجاریّه ، تکیه ها و بقعه های متعدّد، و نیز مسجد و مدرسه جالبی ، ایجاد شده ، که بعضاً از اهمّیت خاصی برخوردار است ، همانند : تکیه و بقعه صاحب روضات ، تکیه و بقعه حاج محمّد جعفر آباده ای ، تکیه و بقعه میرزا أبو المعالی ، تکیه آقا سید محمّد ترک ( تکیه جهانگیر قشقائی ) ، تکیه و بقعه آقا شیخ محمّد تقی رازی ، ( تکیه مادر شاهزاده ) ، تکیه و بقعه شهشانی ، بقعه آقا محمّد بید آبادی ، تکیه و بقعه تویسرکانی ، تکیه و بقعه آقا شیخ مرتضی ریزی ، تکیه حاج آقا باقر قزوینی ( تکیه در دشتی ، خلیلیان ) ، تکیه و بقعه کازرونی ، تکیه ملک ، تکیه و بقعه آقا مجلس ( تکیه آقا سید أبو جعفر خادم الشریعه ) ، تکیه گلزار ، تکیه و بقعه واله ( با گنبد زیبا و از آثار باستانی ) مسجد و مدرسه رکن الملک ( از آثار مهم باستانی ) و ...

در دوره پس از قاجاریّه ، تکیه بروجردی ، تکیه و بقعه میر محمّد صادقی ، تکیه و بقعه مقدّس ، بقعه شهید شمس آبادی ، مسجد حجّه بن الحسن (عج) ، بقعه



آمین و ...، تأسیس شده است .

و اینک تعدادی از تکیه ها و بقعه های مشهور تخت فولاد را ( که محلّ دفن علماء بزرگ ، فقهاء نامدار ، حکماء عالیقدر ، شعرای لطیف گوی ، نویسندگان و گویندگان عالی شأن است ) نام می بریم، و به مناسبت هر کدام از آنها ، با ذکر نام برخی از مدفونین در آن مکانهای شریف ، عظمت این سرزمین مقدّس ، و این نمایشگاه علم و ادب را مورد توجّه قرار می دهیم .

### ۱- تکیه آباده ای «حاج محمد جعفر»

در طرف غرب خیابان فیض ، در جانب جنوب مسجد رکن الملک ، تکیه جالب و ارزشمندی است ، که به نام فقیه نامدار ، و مجتهد عالیقدر ، حاج محمد جعفر آبادهای نامیده شده است (۱).

ساختمان این تکیه ، مرغوب و از نظر معماری و نمای سر در ، جلب توجّه می نماید ، ولی احتیاج به تعمیر اساسی دارد، و قبر مرحوم آباده ای ، در زیر گنبد تکیه قرار گرفته ، ولی سنگ قبر ندارد، و با آجر ساخته شده است .

مرحوم آباده ای ، مرجعی بزرگ برای مردم ، و محققی نامور در حوزه علمیه و بانی مسجدی بسیار باشکوه ، در اصفهان ، و پیشوائی زیرک و دانا (۲)، در حلّ مرافعات و اختلافات بوده ، و مقلّدهم داشته است (۳).

وی ، دارای طبعی شوخ ، و تألیفاتی گرانقدر ، و دو فرزند عالم بوده ، و در

ص: ۴۲۳

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۷۸۹ و ۸۲۱

۲- تاریخ اصفهان و ری ، صفحه ۲۹۱

۳- رجال اصفهان ، صفحه ۳۱

سال ۱۲۸۰ قمری بدروود حیات گفته است (۱).

در همین تکیه ، آخوند ملاّ عبدالله خوانساری ، متوفّای ۱۲۹۳ قمری ، از بزرگان اهل منبر ، و فرزندش ، میرزا محمود صدرالمحدّثین ، متوفّای ۱۳۳۲ قمری ( که پدر میرزا عبدالحسین صدرالمحدّثین ، خطیب نامدار ایران بوده ) وعده دیگری از علماء و زهاد، و جمع کثیری از گویندگان دینی مدفون گشته اند

## ۲- تکیه و بقعه آقا حسین خوانساری «بقعه العلماء»

تکیه خوانساری ، نزدیک تکیه آقا شیخ محمّد تقی (تکیه مادر شاهزاده) و با فاصله کمی از خیابان فرودگاه می باشد ، و ساختمان باشکوه بقعه و گنبد زیبا ، و کاشی کاری شده آن ، از دوره صفویّه و با همت شاه سلیمان صفوی می باشد ، و از آثار باستانی شهر تاریخی اصفهان به شمار رفته است .

در اثر دفن علماء بزرگ در این تکیه و بقعه ، این مکان و بقعه مقدّس را «بقعه العلماء» می خوانند . بناء و تأسیس این تکیه و بقعه ، به احترام مرقد مطهر حکیم نامدار، و محقق بی نظیر ، استاد البشر و العقل الحادی عشر ، و استاد الكلّ فی الكلّ ، آقا حسین خوانساری ، متوفّای ۱۰۹۹ هجری، انجام گرفته است

وی ، از شاگردان مجلسی اوّل و میرفندرسکی و آخوند ملاّ حیدر خوانساری بوده ، و شاگردانی همچون : آقا جمال خوانساری و ملاّ میرزای شیروانی و سیّد نعمت الله جزائری و فاضل سراب و ... ، داشته ، و از علامه مجلسی و محقق سبزواری و ... اجازه گرفته است (۲) .

ص: ۴۲۴

- ۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۱ و ۲
- ۲- به أعیان الشّیعه ، روضات الجنّات، ریاض العلماء ، ریحانه الأدب ، الذّریعه ، قصص العلماء، دانشمندان و بزرگان اصفهان ، رجال اصفهان و ... مراجعه شود.

در بقعه آقا حسین خوانساری، مرقد منور حکیم متکلم، و فقیه اصولی، و چهره نامدار حوزه علمیه اصفهان، آقا جمال خوانساری، متوفای ۱۱۲۵ قمری (جنب قبر پدر) قرار گرفته است. وی، از شاگردان پدر خود، و هم چنین محقق سبزواری بوده، و حوزه درسی بسیار مهم و عالم پروری داشته، و تألیفات پرفائده اش در علوم مختلف (همانند حاشیه بر شرح لمعه) از منابع تحقیق می باشد.

مرحوم آقا جمال خوانساری، همانند پدرش آقا حسین خوانساری، نه تنها از مفاخر حوزه علمیه اصفهان بوده، بلکه از چهره های برجسته علمی ایران و عالم تشیع به شمار می رود.

به نوشته ریحانه الأدب، قبر آقا رضی خوانساری (فرزند دیگر آقا حسین خوانساری) که عالمی فاضل بوده، پشت قبر آقا جمال، قرار گرفته است.

از مفاخر این بقعه، قبر مطهر فقیه محقق، و مرجع زاهد، حاج ملا حسینعلی تویسرکانی، متوفای ۱۲۸۶ قمری، می باشد. وی، از مفاخر علمی حوزه اصفهان، و دارای ریاست علمی بوده، و پرورش دهنده شاگردانی بزرگ به شمار رفته، و تألیفات بسیاری در زمینه فقه و اصول و عقائد و اخلاق، از خود به جای گذاشته، و مرجع تقلید جمعی از مؤمنین بوده است.

و هم چنین از نشانه های عظمت این بقعه، قبر منور آخوند ملا محمد باقر فشارکی، متوفای ۱۳۱۴ قمری می باشد. وی، مدرّس حوزه علمیه، و صاحب تألیفات بسیار، و گوینده و ارشاد کننده قوی بوده، و بیان و قلم او در میان مردم، تأثیر فراوان داشته است، تا جایی که ارادتمندان آن بزرگمرد را، از مطلعین بر اخبار، و اصول و فروع و اخلاق دینی به شمار آورده اند. او اول کسی است که برنامه احیاء شبهای جمعه و مراسم دعای کمیل را در تخت فولاد

پایه گذاری نمود (۱) و به دنبال اقدام او ، جلسات مهم و پرجمعیت و گسترده دیگری نیز ، در طول بیش از یک قرن ، تشکیل گردیده و هنوز ادامه دارد .

در تکیه و بقعه آقا حسین خوانساری ، علاوه بر یاد شدگان ، جمع زیادی از فقهاء ، متکلمین ، مفسرین ، ادباء ، شعراء ، خطباء ... مدفونند که در کتاب سیری در تخت فولاد ، از بیش از ۴۵ نفر آنان یاد شده است (۲).

### تعمیر و ساماندهی تکیه و بقعه خوانساری

تکیه و بقعه آقا حسین خوانساری ، نیاز شدید به تعمیر و مرمت داشت ، که شهرداری اصفهان ، در این زمینه دست به اقدامی ارزشمند زد ، و مرمت و ساماندهی تکیه را ، به شکلی جالب انجام داد که تاریخ آبان ماه ۱۳۷۳ شمسی ، پایان آن بوده است .

هم زمان با تعمیر و ساماندهی تکیه خوانساری ، مسجد باشکوهی در کنار تکیه ، زیر نظر یکی از روحانیون و خطباء جلیل القدر یعنی آقای حاج شیخ محمد تقی فهامی دام عمره ، ساخته شده ، که شبهای جمعه برنامه دعای کمیل ، به وسیله آن بزرگوار ، و فرزندشان ، خطیب أرجمند ، آقای حاج شیخ مهدی فهامی ، در آن اجرا می شود .

### ۳- تکیه آقارضا «تکیه سادات»

تکیه ای است در نزدیکی مسجد مصلی ، در جنوب شرقی تکیه صاحب روضات ( آقا میرزا محمد باقر ) که بقعه ای دارد ، و در آن بقعه و نیز فضای تکیه . عده ای از علماء و بزرگان عهد صفوی و پس از آن ، مدفون گردیده اند ، و در

ص: ۴۲۶

---

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۱۶۴

۲- سیری در تخت فولاد اصفهان ، صفحه ۱۰۸ - ۱۱۲ و رجال اصفهان ، صفحه ۸۱-۹۳

نتیجه، این تکیه، از تکیه‌های تاریخی و قدیمی تخت فولاد می‌باشد، و ذیلاً به برخی از برجستگان مدفون در این تکیه اشاره می‌نمائیم:

۱- عالم فاضل و محقق جلیل القدر، آقا سید رضی الدین محمد موسوی شیرازی اصفهانی، متوفای ۱۱۱۳ قمری، که از مدرسین و محدثین (۱) در حوزه اصفهان و مسجد شاه (مسجد امام) بوده، و از شاگردان مرحوم شیخ صالح بحرانی و شیخ حرّ عاملی به شمار رفته (۲)، و از آنها اجازه اجتهاد داشته، و تفسیری بزرگ بر قرآن کریم نوشته است، و در بقعه همین تکیه، که به نام او نامیده شده، مدفون گردیده است.

۲- مجتهد عالیقدر، مرحوم آقا میرزا محمد باقر پیشنماز، امام جماعت مسجد جامع عباسی (مسجد شاه) که از علامه مجلسی و آقا حسین خوانساری و شیخ حرّ عاملی اجازه داشته، و سادات عاملی رهنان و خوراسگان، از اولاد او هستند. وی، در سال ۱۱۲۳ قمری وفات یافته، و در این بقعه بخاک سپرده شده است.

۳- فقیه محقق، و عالم کامل، آقا میر محمد مهدی نائب الصّیدر، متوفای ۱۲۶۷ قمری، که بر اغلب یا تمام کتب موقوفه مرحوم جدّ خود (آقامیرزا محمد باقر پیشنماز) حاشیه نوشته، و در هر علمی و در هر کتابی که مطرح میشده، تحقیقات و فوایدی ثبت می‌کرده است.

قبر او در ایوانچه داخل بقعه تکیه آقارضی میباشد (۳).

ص: ۴۲۷

---

۱- اعیان الشّیعه، چاپ جدید، جلد ۷، صفحه ۲۹

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۳۳۹

۳- طبق گفته بعضی از علماء (از احفاد مرحوم نائب الصّیدر)، در یک جریان تعمیراتی، جنازه مرحوم نائب الصّیدر کشف گردید، در حالی که پس از گذشت سالهای متمادی از فوت و دفن آن بزرگمرد، تازه و سالم مانده بود

۴- عالم کامل ، و مدرّس عظیم الشّان ، آقا سیّد محمّد امامی ( جدّ آئین العَلَمین ، آقایان : حاج سیّد أحمد و حاج سیّد حسن فقیه امامی ) متوفّای ۱۳۵۹ قمری ، که در مدرسه نیم آور تدریس فقه و اصول مینموده ، و پس از فوت آن بزرگمرد ، با اجازه آیه الله ، حاج سیّد علی نجف آبادی قدس سره ، در قبر جدّ مادری خود ( آقا میرزا محمّد باقر پیشنماز ) در بقعه آقا رضی ، دفن گردیده است

۵- حکیم محقّق و متکلم اصولی ، میر سیّد کمال الدّین ، أحمد عاملی ، متوفّای حدود سالهای ۱۰۵۴ تا ۱۰۶۰ قمری ، که خاله زاده و داماد مرحوم میرداماد ، و از شاگردان آن بزرگمرد ، و نیز مرحوم شیخ بهائی ، و مجاز از آنها و نیز شیخ عبد العالی کی بوده ، و تألیفات بسیاری داشته است (۱).

۶- عالم فاضل محقّق ، سیّد عبدالحسیب بن سیّد أحمد عاملی ، متوفّای ۱۱۲۱ که سبط میر داماد ، و از علماء کثیر التّصنیف ، و شاعر و محقّق بوده است (۲) .

قبر این پدر و پسر ، آثارش محو گردیده است .

### کرامتی جالب

در حدود یکصد و چهل سال قبل ( در سال ۱۲۷۸ قمری ) در زمانی که قحطی شدیدی اصفهان و حومه آن را تحت فشار شکننده ای قرار میدهد ، شخص دزدی می رود در تکیه آقا رضی ، و تصمیم می گیرد که شال گران قیمتی ، که بر روی قبر مرحوم آقا رضی بوده را ، بردارد و به دزدی به برد ، و به وسیله آن ، امرار معاش نماید ، ناگاه صدائی میشنود که ، شال را نبر ، آن شخص دزد به

ص: ۴۲۸

---

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۱۲۱ - ۱۲۲ و فهرست کتب خطّی کتابخانه های اصفهان ، صفحه ۱۶۹ تا ۱۸۱

۲- سیری در تخت فولاد ، صفحه ۱۱۸

أطراف توجه میکند، و کسی را نمی بیند، بر می گردد که شال را بردارد، برای بار دوم همان صدا تکرار می شود، و آن شخص، توجه مجدد می نماید، و کسی را نمی بیند، و باز تصمیم برای دزدی می گیرد، که مجدداً صدا را می شنود که، بردار، و در هر سه نوبت، می شنود که، ( روزی تو، از جای دیگری حواله می شود، و آن شخص دزد، شقاوت میکند، و شال را بر می دارد، و در محله جلفا به مبلغ هشت تومان ( که در آن زمان، پول بسیار زیادی بوده است ) می فروشد. در هنگامی که نگهبان تکیه، متوجه مفقود شدن شال می گردد، و سر و صدای دزدی بلند می شود، در اثر تحقیقات محلی، شخص دزد شناسائی میگردد، و بعد از آن، مبتلای به تکرر ادرار می شود، و در اثر این مرض و گرفتاری، به مجازات عمل زشت خود می رسد، و از دنیا می رود.

#### ۴- تکیه آقا سید ابوجعفر

این تکیه در جنوب تخت فولاد، و مقابل تکیه بروجردی قرار دارد، و از آثار دوره قاجاریه است، و به احترام مرحوم آقا سید ابوجعفر « خادم الشریعه »، فرزند فقیه عظیم الشان، آقا سید صدر الدین عاملی، و پدر مرحوم آیه الله، حاج آقا حسین خادمی، تأسیس گشته است، و گاهی همین تکیه، به نام فرزند آن بزرگمرد، که به نام حاج آقا مجلس، نامیده می شده، « تکیه حاج آقا مجلس » خوانده می شود (۱).

مرحوم آقا سید ابوجعفر، از علماء جلیل القدر در خاندان صدر می باشد، و آثار تألیفی داشته، که مورد تجلیل استاد و پدر زن خود، مرحوم آقا سید أسد الله مجتهد بید آبادی ( فقیه نامدار و فرزند مرحوم سید شفقتی ) قرار گرفته،

ص: ۴۲۹

و وفات او در سال ۱۳۲۴ قمری، واقع شده است.

در این تکیه، علماء و دانشمندانی از خاندان مرحوم آقا سید ابوجعفر، دفن گردیده‌اند، همانند: حاج آقا حسن خادمی، متوفای ۱۳۷۹، و حاج آقا شمس‌الدین خادمی، متوفای ۱۳۹۹ قمری، که هر دو از فرزندان آقا سید ابوجعفر، و از علماء بوده‌اند. و هم چنین شخصیت‌های علمی برجسته‌ای در این تکیه مدفون گردیده‌اند همانند:

۱- حاج میرزا یحیی مستوفی، متوفای ۱۳۲۵ قمری، که از شاگردان شیخ اعظم انصاری قدس سره بوده، و خود محقق مدقق، و مدرس فقه و اصول و رجال بوده است، و چندین کتاب و رساله در فقه و اصول و رجال و کلام تألیف نموده، که رقم آنها به حدود سی عدد می‌رسد (۱).

مرحوم مستوفی، جامع کمالات صوری و معنوی بوده، و در ادبیت و اخلاق، از بیشتر معاصرین خود، مقدم بوده است (۲).

" ۲- حاج میرزا محمد باقر حکیم باشی، متوفای ۱۳۲۷ قمری، که حکیمی ادیب و طبیبی فقیه بوده، و استاد‌های بزرگی همانند: آقا سید محمد شهبهانی، و ملا حسینعلی تویسرکانی، و حاج سید اسد الله بیدآبادی داشته، و در طب و حکمت، به مراحل عالی علمی نائل گشته، و در علاج امراض، دارای نفس مسیحائی بوده، و در زمان خودش، تدریس طب منحصر به او بوده است.

مرحوم حکیم باشی، فرزند حکیم و فیلسوف نامدار، میرزا عبدالجواد

ص: ۴۳۰

---

۱- سیری در تخت فولاد اصفهان، صفحه ۵۷، و دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۶۹

۲- رجال اصفهان، صفحه ۸۶



خراسانی ، و از اُحفاد ملاً أحمد تونی خراسانی ، می باشد (۱).

۳- حاج سید اسماعیل ریزی ، متوفای ۱۳۳۸ قمری ، که از شاگردان میرزای شیرازی ، و سپس آقا سید محمد کاظم یزدی بوده ، و به نوشته علامه حاج آقا بزرگ طهرانی ، وی از فضلاء شاگردان میرزای شیرازی بوده است (۲).

#### ۵- تکیه آقا شیخ محمد تقی رازی «تکیه مادر شاهزاده»

تکیه ای است در نزدیکی تکیه بابارکن ، و متصل به تکیه آقا حسین خوانساری ، که اصل بنای آن و نیز سبک و ساختمان آن ، متعلق به دوره صفویه است ، ولی به علت آنکه با بودجه و وصیت مادر شاهزاده ، متوفای ۱۲۴۶ قمری ( که دایه سیف الدوله « محمد میرزا ، پسر فتحعلی شاه قاجار » بوده ) تعمیر و تزئین گشته ، و بقعه ای در وسط آن تأسیس شده ، به نام او شهرت یافته است (۳) ، چنانچه از هنگام دفن عالم و پیشوا ، و زعیم بزرگ حوزه علمیه اصفهان ، مرحوم آقا شیخ محمد تقی رازی ، این تکیه به نام آن بزرگمرد نیز نامیده میشود . سر در زیبا و جالب این تکیه ، و نیز بقعه وسط آن ، و چندین سنگ مرمر نفیس با خطوط بسیار زیبا و جالب توجه ، که بر روی قبور علمای بزرگ قرار گرفته ، از ویژگی های این تکیه است ، گرچه در اثر مرور زمان ،

ص: ۴۳۱

---

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۶۸

۲- نقباء البشر ، جلد ۱ ، صفحه ۱۴۷

۳- جزوه سازمان میراث فرهنگی اصفهان راجع به تخت فولاد ، صفحه ۸۳ ، ولی در کتاب رجال اصفهان یا تذکره القبور ، صفحه ۷۰ ، و نیز کتاب سیری در تخت فولاد ، صفحه ۹۱ ، بنای تکیه به مادر شاهزاده نسبت داده شده است

خرابی هائی به آن راه یافته ، که نیاز به تعمیر اساسی دارد .

در این تکیه ( و به خصوص در داخل بقعه آن ) عده ای از علماء و شخصیت های برجسته حوزه اصفهان مدفونند ، که به نام و نشانه های عظمت آنها ، اشاره می نمائیم :

۱- محقق نامدار ، و مدقق کم نظیر ، فقیه اصولی ، آقا شیخ محمد تقی رازی اصفهانی ، متوفای ۱۲۴۸ قمری ، که از مفاخر شیعه و حوزه های علمیّه بوده (۱) و سرسلسله خاندان عظیم علمی نجفی می باشد ، و استاد هائی همچون : سید بحر العلوم ، صاحب ریاض ، و شیخ جعفر کاشف الغطاء ( پدر زن او ) داشته ، و در جلسه درس او ، در مسجد شاه اصفهان ( مسجد امام فعلی ) قریب سیصد نفر ، شرکت می کرده اند ، و تألیفات بسیار مهمی داشته ، که از همه مهمتر و مشهورتر ، حاشیه بر معالم است ، که از شهرت و عظمت کم نظیری برخوردار می باشد ، و به نام « هدایه المسترشدين » نامیده شده ، و به خاطر این کتاب ، شخصیت یاد شده با عنوان ( صاحب حاشیه ) یا ( صاحب هدایه المسترشدين ) خوانده می شود ، و قبر آن بزرگمرد داخل بقعه در وسط تکیه می باشد .

در باره این بزرگمرد ، در بخش ( خاندانهای علمی اصفهان ) نیز ، بحث و بررسی داریم .

۲- همسر عالمه و فاضله آقا شیخ محمد تقی ( صاحب حاشیه ) ، که دختر

ص: ۴۳۲

---

۱- صاحب روضات الجنات ، آن بزرگمرد را چنین توصیف نموده است : أَفْضَلُ أَهْلِ عَصْرِهِ فِي الْفِقْهِ وَالْأُصُولِ ، بَلْ أَبْصَرُ أَهْلِ وَقْتِهِ بِالْمَعْقُولِ وَالْمَنْقُولِ ، وَصَارَ كَأَنَّهُ الْمُجَسَّمُ مِنَ الْأَفْكَارِ الدَّقِيقَةِ ، وَ الْمُنْتَظَمُ مِنَ الْأَنْظَارِ الْعَمِيقَةِ ، أَسْتَادًا لِلْكُلِّ فِي الْكُلِّ .. لَمْ يَرِ فِي الدُّنْيَا مِدرِسُ أَغْصُ بِأَهْلِهِ مِنْ مِدرِسِهِ الشَّرِيفِ ... كَانَ يَحْضُرُ حَلَقَةَ دَرْسِهِ لِأُصُولِ الْفِقْهِ فِي الْجَامِعِ الْأَعْظَمِ الشَّاهِيِّ بِإِصْبَهَانَ ، قَرِيبًا ( قَرِيبٌ ) مِنْ ثَلَاثِمِائِهِ مُشْتَغِلٍ مِنَ الْفُضَلَاءِ الْأَعْيَانِ .... رَوْضَاتِ الْجَنَاتِ ، صَفْحَةُ ۱۳۱

مرحوم کاشف الغطاء بوده ، و گفته میشود ، که در نوشتن حاشیه بر معالم ، به شوهر خود کمک می کرده ، و در حدود سال ۱۲۹۵ قمری وفات یافته ، و در جلوی قبر شوهر خود ، دفن گردیده است .

۳- فقیه بزرگوار ، و روحانی عالیقدر ، آخوند ملا محمد صالح جویبارهای ، متوفای ۱۲۸۵ قمری ، که از نسل ملا محمد بن عبدالفتاح تنکابنی « فاضل سراب » بوده ، و مرجع فتوی و قضاوت در میان مردم ، به شمار رفته است .

۴- همسر عالمه و فاضله ملا محمد صالح ، که حواشی بر مدارک نوشته بوده ، و آن را تدریس می کرده ، و شخصیت او مورد توجه بوده است .

۵- عالم متقی ، و مجتهد زاهد ، میرزین العابدین خوانساری ( پدر صاحب روضات ) متوفای ۱۲۷۵ قمری ، که دارای نسبی عالی و خاندانی علمی و پدران و فرزندان عالی مقام بوده ، تألیفاتش متنوع ، و قبرش مورد توجه ، و زیارت و دعای سر قبر او ، مقرون به اجابت ، بوده است .

۶- مرجع عالی مقام ، و پیشوای عظیم الشأن ، حاج شیخ جمال الدین نجفی مسجد شاهی ) ، متوفای ۱۳۵۴ قمری ، که در اصفهان و نجف ، تحصیل علم کرده ، و در تهران و اخیراً در شهر اصفهان ، اقامت و مرجعیت داشته ، و از رؤسای علماء محسوب گشته است .

۷- فقیه مدرس ، و مجتهد جامع ، و حکیم ریاضی ، آقا شیخ محمد رضا مسجد شاهی ( نجفی ) متوفای ۱۳۶۲ قمری ، که از علماء برجسته و مدرسین عالیقدر بوده ، و تألیفات زیادی در رشته های مختلف داشته ، و در حسن معاشرت و مسائل اجتماعی سرآمد بوده است . وی ، به گفته مرحوم آیه الله العظمی ، حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی ، « شیخ بهائی عصر خود » میباشد .

۸- عارف متقی ، و زاهد وارسته ، حاج محمد صادق تخت فولادی ، متوفای

۱۲۹۰ قمری ، که به دعای او شخصیت معروف ، حاج شیخ حسنعلی اصفهانی ( نخودکی ) مقیم مشهد، متولد گردید ، و تا سنین نوجوانی ، تحت تربیت او بود، و هر وقت مرحوم حاج شیخ ، از مشهد به اصفهان می آمد، به زیارت قبر حاج محمد صادق می رفت .

حاج محمد صادق ، در اثر ریاضت و سیر و مراحل معنوی ، به مقامی بلند نائل گشته ، و در دعای او تأثیر عجیبی بوده است . قبر او در طرف راست راه ورودی ، در صحن تکیه قرار گرفته ، و اخیراً ( ذی القعدة ۱۴۱۰ قمری ) ، قبر او تجدید شده ، و در حدود یک متر از زمین بلند گشته، و سنگ مرمر قدیمی او . در وسط سنگ بزرگ دیگری جاسازی شده است ، و از مشهد و تهران و دیگر بلاد ، به زیارت قبر آن بزرگمرد می آیند .

۹- فقیه اصولی و مؤلف متبحر ، آقا شیخ محمد جواد حسین آبادی، متوفای ۱۳۱۲ قمری، که از شاگردان صاحب جواهر ، و مجاز از آن بزرگمرد، و نیز شیخ انصاری بوده ، و در سردابه ای نزدیک دیوار تکیه مدفون گشته است . وی . علاوه بر آثار علمی و تألیفی ، سه فرزند عالم و بزرگوار داشته ، که از مفاخر حوزه علمیه بوده اند ، و در بخش ( خاندانهای علمی ) از آنها یاد می کنیم .

در این تکیه علاوه بر بزرگان یاد شده، عدّه دیگری از علمای بزرگ ، و صلحاء عظیم الشان ، مدفون می باشند ، که از سنگ قبر آنها معلوم می شود ، و درباره بعضی از آنها ادّعاء تخلیه روح ، و سیر ممتاز روحی شده است .

#### ۶- بقعه آقا محمد بیدآبادی

در نزدیکی تکیه آقا حسین خوانساری ، و به فاصله کمی از خیابان سعادت آباد ، بقعه حکیم عارف و فیلسوف متبحر ، آقا محمد بیدآبادی متوفای ۱۱۹۸

قمری، قرار گرفته است. وی، مجلس درس بزرگ و با اهمیت‌تی داشته (۱) و عده‌ای از بزرگان همانند: آخوند ملا علی نوری و ملا- محراب حکیم و حاجی کلباسی، از شاگردان او بوده‌اند (۲) و در ورع و تقوی و تواضع و بی‌اعتنائی به قدرتمندان، برجستگی داشته (۳) و کراماتی بزرگ از او ظاهر شده، و قبر او مورد توجه و مزار انسانهای با ایمان، و خداجویان با اخلاص می باشد.

در بقعه آقا محمد بیدآبادی، قبر پدر او، «مولی محمد رفیع بیدآبادی» قرار دارد، که عالمی محقق، و فاضلی مدقق و زاهد بوده است.

و در همین بقعه است، قبر حکیم و فقیه زاهد، و ادیب و ریاضی‌جامع، مرحوم حاج شیخ محمود مفید، متوفای ۱۳۸۲ قمری، که از شاگردان آخوند کاشی و جهانگیرخان قشقائی و نیز حاج میر محمد صادق خاتون آبادی و آقا سید محمد باقر درچه‌ای بوده، و خود، چهل سال در مدرسه صدر، به تدریس حکمت اشتغال داشته، و در اواخر، تدریس حکمت و فلسفه در اصفهان، به آن بزرگمرد منحصر گردیده بوده، و به جهت اشتها او در تدریس حکمت، فقه و ریاضی و ادبیات و سایر علوم و دانشهای او، تحت الشعاع قرار گرفته بوده است.

در نزدیکی قبر این بزرگمرد، مدفن فقیه حکیم و مدرس محقق، مرحوم آقا شیخ علی مفید برادر حاج شیخ محمود مفید، متوفای ۱۳۴۵ قمری میباشد، که از مدرسین مدرسه صدر بوده، و در عین جامع بودن، فقاقت او مشهورتر بوده است. و در نزدیکی بقعه آقا محمد بیدآبادی، قبر میر معصوم، متوفای ۱۱۵۵

ص: ۴۳۵

---

۱- أعيان الشیعه، جلد ۴۵، صفحه ۳۲۱

۲- روضات الجنّات، صفحه ۵۵۲

۳- روضات الجنّات، أعيان الشیعه، ریحانه الأدب، دانشمندان و بزرگان اصفهان، رجال اصفهان و ..

قمری است ، که ظاهراً از علماء جلیل القدر بوده، و مشهور است که ، آقا محمّد بید آبادی در عالم خواب جریان عجیبی را می بیند ، که کاشف از عظمت معنوی میر معصوم بوده ، و به همان جهت وصیت می نماید که، مدفن او را نزدیک قبر میر معصوم قرار دهند ، و در این اواخر، شخصی متوسّل به روح مقدّس آن بزرگمرد می شود، و به حاجت خود می رسد ، و لذا سنگ قبری ترتیب داده ، و اشعاری را روی او حجّاری می نماید، که حاکی از جریان توسّل و موفقیت آن است . و نیز ، در این بقعه ، و نزدیکی های آن ، عدّه دیگری از مجتهدین و بزرگان عرفان و تقوی ، مدفون می باشند .

## ۷- تکیه آقا میرزا ابوالمعالی کلباسی

در طرف شرق خیابان فیض ، در کوچه ای به طرف لسان الأرض ، تکیه میرزا ابو المعالی واقع گردیده ، و در وسط آن، بقعه ای آجری به (سبک دوره قاجاریه) و جالب توجه ، تأسیس گشته ، که قبر فقیه اصولی و محدّث رجالی و مفسّر ، و جامع معقول و منقول (۱)، میرزا محمّد کلباسی ، مکتبی و معروف به « میرزا ابوالمعالی » متوفای ۱۳۱۵ قمری ، و دو فرزند عالم او ، در آن قرار گرفته است

وی ، کوچکترین فرزند حاجی کلباسی بوده ، و در تقوی و زهد و معنویت و تلاش علمی و تحقیقی ، زبانزد بوده است ، و تألیفات بسیاری در زمینه فقه و اصول و رجال و تفسیر و حساب و تراجم، از خود به جای گذاشته است (۲) .

مرقد مطهر مرحوم آقا میرزا ابو المعالی ، مورد توجه بزرگان از علماء است ،

ص: ۴۳۶

---

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۱۰۵ ، و رجال اصفهان ، صفحه ۴۰ تا ۴۲ ، و اسیری در تخت فولاد ، صفحه ۵۸ - ۵۹

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۱۰۵ ، و ریحانه الأدب ، جلد ۷ ، صفحه ۲۶۹

و علاوه بر اصفهان، از شهرهای دیگر، برای زیارت، و توسل به روح مقدس آن بزرگمرد می آیند، و به حوائج خود می رسند.

فرزند او، حاج میرزا جمال الدین، متوفای ۱۳۵۰، از علماء بزرگ بوده، و در پشت قبر پدر مدفون است، و فرزند دیگر او، حاج میرزا أبو الهدی کلباسی متوفای ۱۳۵۶ قمری، صاحب تألیفات متعدّد بوده، همانند: «سما المقال فی علم الرّجال»، و مدفن او در جلوی قبر پدر می باشد.

قبر عالم فاضل، و حکیم متبحر، آقا شیخ نور الدین اشنی قودجانی، متوفای ۱۳۹۸ قمری، و پدر او، مجتهد زاهد، و فقیه محقق، آقا شیخ محمد حسین اشتی قودجانی، متوفای ۱۳۷۵ قمری، در همین بقعه واقع گردیده است.

و نیز، مرحوم میرزا موسی أنصاری، متوفای ۱۳۶۰ «از معاریف شعرای اصفهان» و حاج سید حسن واعظ کاشانی «از معاریف أهل منبر» علاوه بر عدّه دیگری از علماء و گویندگان، در این تکیه مدفون می باشند.

#### ۸- تکیه آقا میرزا محمد باقر «صاحب روضات»

در نزدیکی مسجد مصلی، و در مجاورت تکیه آقا رضی، قرار گرفته است، و در وسط آن، بقعه زیبا و جالبی است، که بر روی قبر صاحب روضات آلجئات، ساخته شده است، و در این تکیه و بقعه، عدّه ای از بزرگان علماء مدفون گردیده اند، که ذیلاً به برخی از آنان اشاره می نمائیم:

۱- فقیه زاهد و مدرّس کامل، مولی حسین گیلانی (جیلانی) لبنانی، متوفای ۱۱۲۹ قمری، که علاوه بر مقام علمی در فقه و حدیث، حکیمی ادیب، و مصفی محقق بوده، و آثار علمی متنوعی از خود به جای گذاشته است، که از

جمله آنها شرحی جامع و مفصل، بر «صحیفه سجّادیه» می باشد (۱).

وی، در مسجد لُبنان اصفهان، إمامت جماعت و تدریس داشته (۲)، و به همین جهت به «لُبنانی» شهرت یافته، و از قبر او کراماتی ظاهر شده است.

۲- پدر او، حکیم عارف، و مدرس فاضل، ملاً حسن جیلانی (گیلانی) متوفای ۱۰۹۴ قمری، که قبر این دو بزرگوار در داخل بقعه می باشد.

۳- حکیم معروف و عارف نامدار، ملاً محراب گیلانی، متوفای ۱۲۱۷ قمری، که از شاگردان مشهور حکیم و عارف نامی، آقا محمّد بیدآبادی بوده است، و قبرش در صحن تکیه می باشد.

۴- فقیه اصولی و محدّث رجالی، متکلم محقق و ادیب مدقق، مرجع مدبّر و پیشوای جامع، مجمع الفضائل و منبع الکمالات، آقا میرزا محمّد باقر چهارسوقی خوانساری، متوفای ۱۳۱۳ قمری، که در سلسله اجداد او، چهره های بزرگ علمی و تقوایی، و در میان ذریّه و اُحفاد او، شخصیت های ممتاز در فقه و اجتهاد، فراوان بوده اند. او نه تنها محضراً اُساتید بزرگ را درک کرده، و از محضراً آنها بهره مند گردیده بوده، بلکه خود، تربیت کننده مجتهدان و محققان بوده است، و تألیفاتی گرانبها در فقه، اصول، کلام، اخلاق، رجال، تاریخ، نحو و ...، از خود به جای گذاشته، که مشهورترین آنها، اثر نفیس و معروف او، کتاب «روضات الجنّات» می باشد، که در میان کتب تراجم، از اهمّیت ویژه ای برخوردار است (۳).

ص: ۴۳۸

---

۱- تذکره القبور (رجال اصفهان)، صفحه ۹۶

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۲۸۸، فوائد الرضویّه، جلد ۱، صفحه ۱۳۲

۳- ریحانه الأدب، ج ۳، ص ۳۶۶ و روضات الجنّات، ص ۱۲۶ - ۱۲۸ و أعیان الشّیعه و الدّریعه



به مناسبت تجلیل و ادای احترام نسبت به این بزرگمرد، بقعه جالب و ارزشمند تکیه، تأسیس گشته است.

۵- عالم محقق، و زاهد کامل، ملا حسین تفریسی، متوفای ۱۱۹۲ قمری که در زهد و تقوی و ریاضت های دینی برجستگی داشته، و بزرگانی از علماء و صلحاء به او اعتقاد کامل داشته اند، و از قبر او، و توسل به روح مقدس او، کراماتی ظاهر گردیده است. قبر او در قبرستان آب بخشان بوده، و پس از تخریب آن قبرستان، استخوانهای آن بزرگمرد، به تکیه و بقعه آقا میرزا محمد باقر (صاحب روضات) منتقل، و دفن گردیده است.

علاوه بر شخصیت های یاد شده، عده ای از فرزندان و احماد و بستگان صاحب روضات، در این بقعه مدفونند، که عموماً از علماء عالی مقام بوده، و جمعی از آنها، از مجتهدان و صاحبان تألیف بوده اند، و در کتاب «زندگانی آیه الله چهارسوقی» و نیز کتابهای «دانشمندان و بزرگان اصفهان»، و «رجال اصفهان» و «سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان»، از شخصیت و آثار آنها، یاد شده است.

#### ۹- بقعه آمین «بانوی ایرانی»

از نقاط مهم و جالب توجه، در تخت فولاد اصفهان، بقعه جالب و زیبایی است، که بر مرقد بانوی مجتهده، عالمه زاهده، حاجیه نصرت خانم آمین، معروف به «بانوی ایرانی»، متوفای ۱۴۰۳ قمری، بنا گردیده است. این بقعه، از نظر معماری و کاشی کاری و شکل سمبلیک حجاب، جلب توجه می نماید.

محل این بقعه، تکیه آمین، در جوار تکیه آقا مجلس، و مقابل تکیه بروجردی، در خیابان سعادت آباد میباشد.

مرحومه حاجیه خانم امین ، دارای مقام علمی در فقه، اصول ، کلام ، تفسیر ، أخلاق ، و ... بوده ، و اجازه اجتهاد از عده ای از اعلام دین دریافت داشته ، و شمار زیادی از آثار تألیفی ، همانند : تفسیر مخزن العرفان ( در پانزده جلد) را از خود به جای گذاشته ، و پرچمدار حرکت ( علمی - دینی بانوان ) در نیمه دوم قرن چهاردهم بوده است .

در باره شخصیت و آثار این بانوی بزرگ ، در بخش « خاندانهای علمی اصفهان » و نیز بخش « حوزه علمی اصفهان و تربیت زنهای مجتهد و عالمه » بحث و بررسی داریم .

#### ۱۰ - بقعه و تکیه بابا رکن الدین

از قسمت های مهم و برجسته تخت فولاد، که از نظر معنوی ، تاریخی ، باستانی ، معماری ، طراحی و ... ، دارای اهمیت ویژه می باشد ، بقعه و تکیه بابا رکن الدین است ، که در دوره صفویه ، در زمان شاه عباس کبیر ، به احترام بابا رکن الدین ، ساخته شده است . وی ، عارف نامدار ، مسعود بن عبدالله بیضاوی ، متوفای یکشنبه ۲۶ ربیع الأول ۷۶۹ قمری است ، که پس از وفاتش در تخت فولاد دفن گردیده ، و به علت اهمیت او ، منطقه تخت فولاد ، به نام « مزار بابا رکن الدین » خوانده می شده ، و پل خواجه نیز ، به نام او « پل بابا رکن الدین » نامیده می شده است ..

او از مفاخر شیعه است ، و تشیع او در زمان حضور مخالفین ، از نشانه های عظمت او میباشد . مرحوم ملا محمد تقی مجلسی ، و شیخ بهائی ، و حاجی کلباسی به او ارادت داشته اند ، و مرحوم شیخ بهائی ، از قبر او خبر وفات خود را

دریافت نموده ، با این عبارت ( شیخنا در فکر خود باش ) (۱).

گنبد بقعه بابا رکن الدین ، به صورت هرمی شکل با دوازده ترک ، موافق عدد ۱۲ امام معصوم علیهم السلام می باشد ، و قاعده گنبد مُمَخَّمَس است ، و پنج ایوان مشابه ، در اطراف محوطه زیر گنبد ساخته شده است . سنگ مرمر بسیار جالبی بر روی قبر بابا رکن الدین نصب شده ، که بر روی آن با خط ثلث برجسته عبارت زیبایی دیده می شود، با چنین کلماتی :

... هَذَا قَبْرُ حُجَّهِ الْأَوْلِيَاءِ الْغَارِفِينَ كَهْفِ الْمُؤَخِّدِينَ وَالْمُحَقِّقِينَ ، السَّالِكِ مَسَالِكِ الْأَيْمَةِ الْمَعْصُومِينَ ... مَهْبِطِ الْأَنْوَارِ وَمَخْزَنِ الْأَسْرَارِ ... رُكْنَ الشَّرِيعَةِ وَالطَّرِيقَةِ وَالْحَقِيقَةِ وَالْعِرْفَانِ ، بابا رُكْنَ الدِّينِ ، مَسْعُودِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ التِّيضَاوِيِّ ...

این ساختمان جالب ، که به دستور شاه عباس کبیر ساخته شده ، در سال ۱۲۰۰ قمری تعمیر گشته ، و اخیراً نیز در حال مرمت می باشد .

در ایوان بیرون ، جلوی گنبد ، کنار دیوار ، قبر حکیم زاهد ، و ریاضی عابد ، آخوند ملا حسن نائینی ، متوفای ۱۲۷۰ قمری ، قرار گرفته است .

وی ، در زهد و بی اعتنائی به زیبایی های دنیا ، از عجائب زمان خود بوده ، و عده ای از بزرگان ، ارادت شدیدی به او داشته اند ، و در مدرسه نیم آور تدریس می نموده ، و سکونت داشته است (۲).

و در این تکیه و بقعه ، قبور عدده دیگری از علماء و مدرّسین و صاحبان تألیف ، قرار گرفته ، همانند : حاج میرزا جواد نوری ، متوفای ۱۳۲۳ قمری ،

ص: ۴۴۱

---

۱- ریحانه الأدب ، جلد ۳ ، صفحه ۳۲۰ ، و تذکره القبور ( رجال اصفهان ) ، صفحه ۶۴-۶۵ و دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۱۵۳ و سیری در تخت فولاد ، صفحه ۷۱

۲- تذکره القبور ( رجال اصفهان ) ، صفحه ۶۵-۶۶ ، و سیری در تخت فولاد ، صفحه ۷۳

و فرزند او ، حاج میرزا بهاء الدین ، معروف به فاضل نوری ، متوفای ۱۳۴۲ قمری ، که هر دو ، عالم محقق ، و صاحب تألیف بوده اند ، و نیز عدای از دو خاندان علمی خاتون آبادی و نوری ، در این بقعه و تکیه مدفون گردیده اند ، که موجب گشته ، این تکیه مورد توجه اهل علم و تقوی قرار گیرد .

و نیز در بقعه یاد شده ، قبر فاضل ادیب ، و محقق مورخ ، و مفسر محدث ، مرحوم حاج میرزا حسن خان انصاری ، متوفای ۱۳۷۶ قمری ، قرار گرفته است .

وی ، تألیفات بسیاری در حدود سی عنوان کتاب داشته ، همانند «تاریخ اصفهان» و «تاریخ اصفهان و ری» و «آگهی شهان از کار جهان» (چهار جلد) و ..... ، که او را از مفاخر علمی حوزه علمیه اصفهان ، قرار داده است .

## ۱۱- تکیه بروجردی «تکیه در بکوشکیها»

تکیه ای است در جنوب خیابان سعادت آباد، و مقابل تکیه آقا مجلس ، و مقبره بانوی ایرانی ، که متعلق به دوره های اخیر می باشد ، و در وسط آن ، بقعه ای تأسیس گردیده ، و در آن بقعه و تکیه ، عده زیادی از علماء بزرگ ، اعم از فقهاء و حکماء و ادباء ، و نیز شعرای ارجمند ، مدفون گشته اند ، و به علت تأسیس آن برای مرحوم «میرزا أبو الحسن بروجردی» ، به نام «تکیه بروجردی» ، نامیده می شود ، و به خاطر وجود قبور علماء محله در بکوشک ، آن را به نام ، «تکیه در بکوشکیها» نامیده اند . و ذیلاً به نام و شخصیت عده ای از مدفونین در این تکیه اشاره می شود .

۱- مجتهد بزرگ ، و مدرس عالی مقام ، حاج میرزا أبو الحسن بروجردی ، متوفای ۱۳۴۸ قمری ، که از شاگردان آقا میرزا محمد هاشم چهارسوقی ، در

حوزهٔ عظیم و علمی اصفهان (۱) و نیز از تلاشگران علمی در حوزهٔ نجف بوده، و خود در شهر اصفهان، مدرّسی عظیم الشّان، و مرجعی مورد توجّه بوده است و چنانچه اشاره کردیم، به احترام آن بزرگمرد، تکیه و بقعهٔ بروجردی، بنا شده است (۲).

۲- مجتهد بزرگ و فقیه زاهد، مرحوم آقا شیخ أحمد بیدآبادی، متوفای ۱۳۵۷ قمری، که از مفاخر علمی و تقوائی بوده، و مدرّسی متبحّر، و محیط بر فروع فقهی، و مورد توجّه به شمار رفته، و در قدرت حافظه و ذکاوت، اَعْجوبهٔ دوران خویش، خواننده شده است. وی، در حدود سنّ بلوغ، به درجهٔ اجتهاد نائل گردیده است (۳).

۳- مدرّس نامدار و بزرگ، مرحوم آقا شیخ أبو القاسم، معروف به «حاج آخوند زفرهای»، متوفای ۱۳۵۲ قمری، که در محلهٔ بیدآباد و درب کوشک، مدرس عمده بوده، و اکثر علماء و دانش طلبان آن منطقه، شاگردی او را نموده اند، و تمام کتب درسی را از شرح أمثله تا کفایه الاصول، تدریس مینموده است (۴).

۴- مدرّس مشهور و بزرگ، مرحوم، آقا شیخ علی مدرّس یزدی، متوفای ۱۳۵۳ قمری، که در تدریس ادبیات و سطوح، چهرهٔ سرشناس حوزه علمیّه اصفهان بوده، و پدر نویسنده این سطور، مرحوم آیه الله، حاج سید مرتضی موحد ابطحی قدس سره، از شاگردان آن بزرگمرد بوده اند.

ص: ۴۴۳

---

۱- نقباء البشر، جلد ۱، صفحهٔ ۴۰

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۱۱۸

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحهٔ ۱۱۸

۴- تحقیقات شخصی

۵- حکیم فقیه ، و مفسّر ادیب ، حاج سید صدرالدین طباطبائی کوپائی ، مشهور به « حاج آقا صدر کوپائی » ، متوفای ۱۳۷۲ قمری ، و مؤلف « شروق الحکمه » .

وی ، مدرّسی عالیقدر و خوش مجلس بوده ، و در مدرسه صدر اصفهان حوزه درسی مورد توجهی داشته است .

در این بقعه و تکیه ، علاوه بر یاد شدگان ، عده ای مجتهد ، حکیم ، مدرّس ، خطیب ، واعظ ، شاعر ، ادیب و ... مدفونند . راه و یادشان گرامی باد .

## ۱۲- تکیه تویسرکانی

در طرف غرب خیابان فیض ، در اول کوچه ای که به طرف تکیه میر میرود، تکیه تویسرکانی با بقعه ای جالب ، قرار گرفته است . در این تکیه ، قبر آقا میرزا عبد الغفار تویسرکانی ، متوفای ۱۳۱۹ قمری است (۱) . وی ، از شاگردان مرحوم حاج ملا حسینعلی تویسرکانی و مجاز از او ، و نیز از مرحوم صاحب روضات بوده است ، قبر فرزندان آن بزرگمرد ، مرحوم حاج سید محمد باقر ، و مرحوم حاج سید ابوالحسن تویسرکانی ، در همین تکیه است .

و در بقعه این تکیه ، قبر حکیم متکلم ، و مجتهد محقق و نامدار ، آیه الله ، حاج میر سید علی نجف آبادی ، متوفای ۱۳۶۲ قمری می باشد .

وی از مفاخر حوزه علمی اصفهان و مدرّس مدرسه صدر بوده ، و جامع علوم عقلی و نقلی ، به شمار آمده است .

و در این بقعه است قبر خطیب نامدار اصفهان ، آقا سید محمد علی مبارکه ای ، متوفای ۱۳۶۵ قمری ، که در قدرت حافظه و نقل اخبار و نوادر مطالب ، و نیرومندی در بیان ، از عجایب شمرده شده ، و بیش از بیست و پنج تألیف در

ص: ۴۴۴

---

۱- به بخش « خاندانهای علمی اصفهان ، خاندان تویسرکانی » در همین کتاب ، مراجعه شود

زمینه تاریخ و تراجم و حدیث و اخلاق و سفرنامه و دیوان شعر و عرفان و فلسفه احکام داشته ، که نشانه تبّخر علمی او می باشد (۱).

و در این تکیه است قبر عدّه ای از ادباء و شعراء ، همانند : میرزا عبدالحسین قدسی ( اُدیب و شاعر و خوشنویس ) متوفّای ۱۳۶۶، و نیز میرزا اسمعیل متخلّص به « ثاقب » ، و همچنین مرحوم آقا شیخ محمّد باقر ، متخلّص به « واثق »، متوفّای ۱۳۳۶ قمری ، و مجموعاً در این تکیه ، بزرگانی از شعر و ادب ، فقه و اجتهاد ، حکمت و کلام ، مدفون گردیده اند .

### ۱۳ - تکیه جهانگیرخان قشقائی «تکیه آقا سید محمد ترک»

در طرف غرب خیابان فیض ، مقابل تکیه حاج محمد جعفر آبادهای ، تکیه ای است که محلّ دفن بسیاری از علماء و شعراء و نویسندگان است، و از جمله ، قبر آقا سید محمد ترک ، متوفّای ۱۲۶۶ قمری ، در این محل می باشد . وی ، در زمان حیات ، از علماء مورد توجه و احترام معنوی بوده، و پس از وفات ایشان مردم برای گرفتن حاجت ، به زیارت مرقد مطهر او می آمده ، و متوسل می شده اند .

از جمله شخصیت‌های مدفون در این تکیه ، حکیم نامدار و مدرّس عالیقدر و عظیم الشان حوزه علمیه اصفهان ، مرحوم جهانگیرخان قشقائی متوفّای ۱۳۲۸ قمری میباشد ، که به احترام شخصیت علمی آن بزرگمرد ، این تکیه ، به نام وی نیز ، خوانده می شود .

و هم چنین مرحوم آقا سید محمّد رضا خوانساری ، متوفّای ۱۳۳۹ قمری، و عدّه دیگری از علماء و دانشمندان دینی ، در این تکیه به خاک سپرده شده اند

ص: ۴۴۵

این تکیه، در کوچه ای در طرف غرب خیابان فیض، به سوی « تکیه میر »، و در نزدیکی آب انبار کازرونی، و در مجاورت تکیه سید العراقین، قرار گرفته است، و از مشهورترین تکیه‌های تخت فولاد، و دارای سابقه تاریخی می باشد

تکیه خاتون آبادی، دارای گنبد کاشی کاری شده زیبایی است، و در زمان سلطان حسین صفوی، به وسیله یکی از علماء بزرگ حوزه اصفهان، مرحوم میر محمد اسماعیل خاتون آبادی، متوفای ۱۱۱۶ قمری (۱) بنا شده، و دارای هفت حجره بوده، و چند نفر طلبه در آن ساکن بوده اند (۲)، و آن بزرگوار، در همین تکیه، مدفون گردیده است (۳).

وی، مدرّس مسجد جامع عباسی (مسجد شاه) و صاحب تفسیر بزرگی، در چهارده جلد بوده، و نیز کرامات و مقامات بلند معنوی داشته، و از مفاخر خاندان علمی خاتون آبادی، به شمار می رود.

و در همین تکیه، عده زیادی از علماء این خاندان مدفونند، همانند:

۱- میر محمد باقر خاتون آبادی، اولین مدرس مدرسه چهارباغ، که از علماء مبرز بوده است.

۲- میر محمد اسماعیل ثالث خاتون آبادی، که او نیز از مدرّسین برجسته مدرسه چهارباغ بوده است.

۳- حاج میرزا حسین نائب الصّدر، متوفای ۱۳۲۶ قمری، که از شاگردان مبرز

ص: ۴۴۶

---

۱- الذریعه جلد ۴ صفحه ۲۶۱، تذکره القبور (رجال اصفهان)، صفحه ۱۰۰

۲- وقایع آلتینین و الأعوام، صفحه ۵۵۵ - ۵۵۶

۳- سیری در تخت فولاد، صفحه ۲۵



شیخ اعظم أنصاری و حاج ملا علی کنی بوده، و خود نیز، از علماء برجسته و ادیب و مورخ به شمار رفته، و دو جلد کتاب در باره علماء و سادات خاتون آبادی نوشته است.

و نیز عدّه دیگری از علماء این خاندان، و برخی از شعراء و دانشمندان دیگر در این تکیه مدفون گردیده اند (۱).

### ۱۵- بقعه و مدرسه و مسجد رکن الملک

در طرف غرب خیابان فیض، و متصل به تکیه آفاده ای و تکیه واله، مسجد و مدرسه ای است که، به وسیله مرحوم سلیمان خان « رکن الملک »، در حدود سال ۱۳۲۱ قمری تأسیس گشته است، و از آثار تاریخی ارزشمند آن دوره میباشد (۲).

سر در بسیار شکوهمندی، با کاشیکاری جالب، در خیابان فیض دارد، و سپس حیاط مدرسه است، که حجراتی دارد، و پس از آن، صحن بزرگ مسجد است، که در طرف جنوبی آن، ایرانی جالب و گنبدی زیبا و بزرگ ساخته شده، و مجموعه « مدرسه و مسجد رکن الملک » را، که از آثار تاریخی و مهم اصفهان به شمار می رود، تشکیل داده است.

در یکی از اتاقهای جنوبی صحن اول، « مدرسه رکن الملک » قبر برخی از علماء و خطباء، از خاندان کلباسی، قرار گرفته است، که بقعهای علمی محسوب میشود (۳).

ص: ۴۴۷

---

۱- سیری در تخت فولاد، صفحه ۱۱۲-۱۱۴، رجال اصفهان، صفحه ۱۰۰-۱۰۴

۲- کتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صفحه ۸۰۵-۸۲۱

۳- سیری در تخت فولاد، صفحه ۱۲۲

تکیه ای است که در اواخر دوره قاجاریه، پس از فوت مرحوم آقا شیخ مرتضی ریزی، و به احترام او، تأسیس گشته است، و محل آن، جنوب تخت فولاد، جنب تکیه بروجردی می باشد، و در این تکیه، عده ای از علماء و مدرسین حوزه علمیه، و ادباء و دیگر دانشمندان، مدفون گشته اند، همانند:

۱- علامه فقیه، و مجتهد محقق، و مدرس مدقق، آقا شیخ مرتضی ریزی متوفای ۱۳۲۹ قمری، که از شاگردان شیخ اعظم انصاری بوده، و اولین عالم و مدرس است که، کتاب «رسائل» مرحوم شیخ را، در حوزه علمیّه اصفهان تدریس نموده است (۱).

وی علاوه بر تدریس و کوششهای علمی، جلسات احیاء و دعای کمیل را شبهای جمعه در تخت فولاد، در محل همین تکیه، برقرار می نموده، و موعظه ها و سخنان مہیج و منقلب کننده های مطرح میکرده، و آن چنان دگرگونی روحی و توجه معنوی و شور و شوق مناجات، در مردم عموماً، و اهل علم خصوصاً، ایجاد می نموده، که زبانزد همگان می باشد، و هنوز خاطره های عظیم آن، زبان به زبان نقل میشود، و گاهی صدای گریه و شیون حاضرین جلسه، در شهر اصفهان (با فاصله زیادی که آن زمان وجود داشته) شنیده می شده است.

۲- حاج شیخ أبو الفضل ریزی، که عالمی محقق، و فقیهی صاحب مجلس درس خارج، بوده است. وی، برادر مرحوم آقا شیخ مرتضی ریزی می باشد، و اجازه اجتهاد از مرحوم آخوند خراسانی، و آقا سید محمد کاظم یزدی، و حاج

ص: ۴۴۸

میرزا حبیب الله رشتی داشته است (۱).

۳- فیلسوف محقق ، و مدرس مدقق ، حاج ملا جواد آدینه ای ، متوفای ۱۳۳۹ قمری ، که از مدرّسین مدرسه صدر بازار ، بوده است .

۴- فقیه و مجتهد عظیم الشان ، و پیشوای زاهد و عابد ، آیه الله ، آقا شیخ محمد حسین فشارکی ، متوفای ۱۳۵۳ قمری ، که علاوه بر تدریس و تحقیق و تألیف ، مرجعی مورد توجه ، و صاحب فتوایی متنقد ، بوده است (۲).

#### ۱۷- مقبره سادات احمد آبادی «مزار صاحب مکیال المکارم»

در کوچه ای که از تکیه میرزا ابوالمعالی کلباسی ، به سمت لسان الأرض می رود ، در طرف دست چپ ، مقبره محصور و کوچکی میباشد که به نام «مقبره سادات احمد آبادی» ، خوانده می شود ، و در این محل ، قبر دو نفر از بزرگان علم و دین وجود دارد، که شرح حال آن دو بزرگوار را ، دانشمند مورخ متّبع ، آقای سید مصلح الدین مهدوی ، در کتاب «سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان» صفحه ۱۳۲ - ۱۳۵ آورده است که ، عیناً نقل می شود .

الف - مرحوم حاج سید محمد تقی بن عبد الرزاق بن عبد الجواد موسوی احمد آبادی ، عالم فاضل جلیل ، و مجتهد زاهد ادیب ، و شاعر کامل ، و فقیه بزرگوار ، در جمادی الأولى سال ۱۳۰۱ متولد ، و در ۲۵ رمضان المبارک سال ۱۳۴۸ (قمری) وفات یافته است . اساتید و مشایخ اجازه او عبارتند از :

۱- آقا سید ابوالقاسم دهکردی ، ۲ - آقا سید اسدالله (عمه زاده ایشان) ۳- حاج میرزا بدیع درب امامی ، ۴- آخوند ملا محمد حسین فشارکی ، ۵ - حاج میر محمد

ص: ۴۴۹

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۸۵

۲- به سیری در تخت فولاد، صفحه ۱۲۴-۱۲۷ مراجعه شود

صادق خاتون آبادی ( خالوی «دائی» بزرگوارش) ۶- مرحوم آقا میرزا عبدالرزاق ( پدر دانشمندش) ۷- آخوند ملا عبدالکریم گزی ، ۸- مرحوم آخوند ملا محمد کاشانی، ۹- آقا سید محمود کلشادی، ۱۰- حاج آقا منیر الدین برجرودی

و آقا تألیفات آن مرحوم عبارتست از :

۱- آئین جمعه ، یا آداب الجمعات و أبواب الجنان ، ( مطبوع )، ۲- أنیس المتفردین ، ۳- ایضاح الشبهات ، ۴- بساتین الجنان ( در معانی و بیان ) ۵- تحفه المتأدبین ( در نحو )، ۶- تذکره الطالبین ( در شرح آداب المتعلمین ) ، ۷- ترغیب الطلاب ( در نحو )، ۸- تعادل و تراجیح ، ۹- تفسیر قرآن ، ۱۰- توضیح الشواهد ، ۱۱- حواشی بر شرح الخیص ، ۱۲- دیوان اشعار با تخلّص ( تقی ) و ( شرعی )، ۱۳- سراج القبور ( در آداب نماز و نافله شب )، ۱۴- شرح مختصر بر کتاب تصریف ، ۱۵- شرح نصاب ( و این اولین تألیف ایشان است ، که در تاریخ ۱۶ رجب سال ۱۳۱۰ ، در سنّ ده سالگی تألیف فرموده ) ، ۱۶- ضیاء المنیر ( در علم صرف )، ۱۷- کنز الغنائم ( در فضیلت دعا و نماز ، جهت حضرت قائم علیه السلام )، ۱۸- محاسن الأداب ( در علم نحو )، ۱۹- مکیال المکارم ، فی فوائد الدعاء للقائم عجل الله تعالی فرجه ، در دو مجلد به عربی ( که دو مرتبه به چاپ رسیده ، و به فارسی نیز ترجمه شده است (۱) )، ۲۰- نور الأبصار ، در فضیلت انتظار ، ۲۱- کتابی در نماز شب ، ۲۲- وظیفه الأنام ، در زمان غیبت امام علیه السلام ( مطبوع ) .

ب - مرحوم عالم جلیل ، آقا میرزا عبدالرزاق ، والد بزرگوار مرحوم آقا سید محمد تقی سالف الترجمه ، فرزند سید عبد الجواد بن سید مهدی بن میر قاضی بن سید محمد نایب الصدر ، بن میر محمد تقی موسوی ، وزیر شاه صفی ( که

ص: ۴۵۰

---

۱- تألیف و نامگذاری و عربی بودن این کتاب ، همه به دستور حضرت بقیه الله الأعظم (عج) بوده

بعداً شاه سلیمان نامیده شد) داماد عالم فقیه نسابه، مرحوم حاج میرزا حسین نایب آلصدر حسینی خاتون آبادی. در وقایع آلسنین (صفحه ۵۵۳) در ضمن وقایع سال ۱۱۱۵ می نویسد: «در این سال میرزا محمد باقر حکیم باشی نیز رفت به زیارت و حج، و میرزا محمد تقی وزیر وقت نیز رفت ...».

و اُمّیا مرحوم آقا میرزا عبدالرزاق، عالم فاضل جلیل، امام جماعت مسجد امامزاده اسماعیل، از شاگردان مرحوم حاج شیخ محمد باقر نجفی، و ملا محمد تقی هروی اصفهانی حائری بوده، و از آثارش کتابت نسخه ای از کتاب ارث مرحوم استادش، ملا محمد تقی هروی است، که آن را با دو رساله دیگر از همین مؤلف، و چند رساله دیگر، به خط نسخ و نستعلیق کتابت نموده، و از آن، مجموعه ای فراهم ساخته، که به شماره (۳۰۳) در کتابخانه حضرت آیه الله العظمی گلپایگانی در قم، موجود است، (صفحه ۲۶۳، جلد یکم فهرست کتابخانه آیه الله گلپایگانی) تاریخ برخی از این رساله ها، تا ۲۵ ماه ربیع الثانی سال ۱۳۰۶ می باشد. مرحوم آقا میرزا عبدالرزاق، در ۲۸ محرم الحرام، سال ۱۳۱۹ قمری) وفات یافته، و در این محل مدفون گردیده است.

مرحوم آقا سید محمد تقی، از عشاق واقعی و خدمتگزاران حقیقی حضرت بقیه الله الأعظم روحی له الفداء بود. فطوبی له ثم طوبی له (۱).

برای آشنائی بیشتر با شخصیت و عظمت آیه الله، آقا سید محمد تقی موسوی فقیه احمدآبادی قدس سره، به منابع زیر می توان مراجعه نمود:

۱- مکارم الآثار، از معلّم حبیب آبادی، ذیل وقایع سال ۱۳۰۱

۲- تاریخ اصفهان، از جابری أنصاری، جلد ۳، صفحه ۵۳

ص: ۴۵۱

۱- سیری در تخت فولاد اصفهان، صفحه ۱۳۲ تا ۱۳۵

۳- الأُمالی (مخطوط) از معلّم حبیب آبادی ، صفحه ۱۲۹

۴- نعباء البشر ، از علامه حاج آقا بزرگ تهرانی ، جلد ۱ ، صفحه ۲۵۸

۵- رجال اصفهان ، صفحه ۴۶ و ۲۱۸

۶- الأعلام زرکلی ، جلد ۶ ، صفحه ۲۸۹

۷- معجم المؤلفین ، جلد ۹ ، صفحه ۱۳۱

۸- مؤلفین کتب چاپی ، جلد ۲ ، صفحه ۲۲۸

۹- آثار آلتقوی ، به قلم علامه محقق ، آقای سید محمد علی روضاتی ، که در مقدمه جلد دوم مکیال المکارم ، چاپ دوم ، به طبع رسیده است .

۱۰- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۲۱۷ - ۲۱۸

۱۱- شهدای روحانیت شیعه در یکصد سال اخیر ، جلد ۲ ، صفحه ۵۷ - ۶۴

۱۲- حوزه های علمیه شیعه (از نویسنده این سطور) جلد ۱ ، صفحه ۳۹۲

۱۳- مواضع متفرقه «الذریعه الی تصانیف الشیعه»

۱۴- بخش (خاندانهای علمی اصفهان) ، در همین کتاب (۱).

### ۱۸- تکیه سید العراقین

تکیه ای است در جوار تکیه خاتون آبادی ، و در بقعه و صحن آن ، عده ای از علماء بزرگ مدفونند ، که جمعی از آنها ، از شخصیت های برجسته و ممتاز حوزه علمیه اصفهان ، و از مراجع بزرگ دینی بوده اند ، همانند :

۱- فقیه مجتهد و اصولی محقق ، حاج میر محمد صادق مدرس خاتون آبادی ، متوفای ۱۳۴۸ قمری ، که از برجستگان حوزه علمیه اصفهان ، و از مفاخر بزرگ این شهر بوده ، و بسیاری از علماء و مراجع دینی از شاگردان آن

ص: ۴۵۲

---

۱- آیه الله موسوی فقیه احمد آبادی ، جدّ مادری نویسنده این سطور می باشند

بزرگمرد، بوده اند. او از شاگردان و نزدیکان مرحوم آخوند خراسانی بوده، و در تألیف کتاب گرانقدر کفایه الأصول، یآوری نزدیک برای استاد خویش، به شمار آمده است (۱). علامه طهرانی در نقباء البشر، این بزرگمرد را، با عنوان: عالم بارع، و فقیه فاضل، و مدرّس کبیر، توصیف نموده، و او را از چهره های برجسته دینی، و از مراجع مردم در امر دین و دنیا، معرّفی فرموده و نوشته است:

كَانَتْ لَهُ فِي الْفِقْهِ وَالْأُصُولِ قَدَمٌ رَاسِخٌ وَ بَاغٌ طَوِيلٌ، رَأْسٌ فِي إِصْفَهَانَ وَ طَارَ صَيْتُهُ وَ وَلَّى التَّدْرِيسَ، فَتَخَرَّجَ عَلَيْهِ جَمْعٌ مِنْ أَفْضَلِ الطُّلَابِ وَ خِيَرَهُ أَهْلُ الْعِلْمِ وَ كَانَ مِنْ مَشَاهِيرِ الْمُدَرِّسِينَ، وَ كِبَارِ الْعُلَمَاءِ (۲).

۲- مجتهد مدرّس، و اصولی مدقّق، آقا میر سید محمد مدرّس نجف آبادی، متوفای ۱۳۵۸ قمری، که حوزه درسی او از عظمت و شهرت زیادی برخوردار بوده، و دو جلد حاشیه اش بر کفایه الأصول، از بهترین حاشیه ها بر آن کتاب ارزشمند محسوب شده، و در مجموع، مرجعی فقیه و مدرّسی محقّق، و زعیمی مدبّر، در حوزه علمیه اصفهان، بوده است.

۳- حاج میرزا عبدالحسین سید العراقین، متوفای ۱۳۵۰ قمری، که از رؤساء علماء و از مجتهدین بزرگوار، و متولّی و مدرّس مدرسه چهارباغ (مدرسه سلطانی) بوده است.

- آقا شیخ محمد علی فتحی (مدرّس دزفولی)، متوفای ۱۳۵۸ قمری، که از مدرّسین عظیم الشان، و از محقّقین بزرگوار بوده، و در زهد و إعراض از دنیا، از چهره های کم نظیر، به شمار رفته است.

ص: ۴۵۳

---

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۳۷۹

۲- نقباء البشر، جلد ۲، صفحه ۸۷۰

۵- آقا سید محمد معروف به ، « آسید آقاجان نوریخس » ، متوفای ۱۳۶۴ قمری ، که از مدرّسین مشهور و ادباء نامدار بوده ، و علاوه بر مقام علمی و احاطه بر مطالب و اخبار ، دارای قدرت زیادی در فنّ خطابه بوده ، و از بزرگان اهل منبر ، محسوب می شده است .

وی ، در مدرسه نیم آور تدریس می کرده ، و عدّه زیادی از فضلاء ، در درس او حاضر می شده اند ، و در تدریس کتاب « مُطَوَّل » همانندی نداشته است .

۶- شیخ میرزا محمد حسن قاضی عسکر ، معروف به داورپناه ، متوفای ۱۳۸۲ قمری ، که مجتهدی محقق بوده ، و در فقه و اصول و ادبیات ، در حدّ سطح و خارج تدریس می نموده ، و سالها در مدرسه درب کوشک ، کفایه الاصول و رسائل و مکاسب درس میداده ، و در کشف مشکلات علمی ، نبوغ فراوانی داشته ، و در تکیه سید آلعراقین در بقعه ای مخصوص ، دفن گردیده است .

غیر از اینها ، عدّه ای از علماء و شعراء و ادباء و سخنوران نامی ، همانند مرحوم حسام الواعظین ، در این تکیه مدفونند ، که در کتاب « دانشمندان و بزرگان اصفهان » ، از صفحه ۳۶۱ تا ۳۶۵ ، و در کتاب « سیری در تخت فولاد » ، از صفحه ۱۴۲ تا ۱۴۹ ، به جمعی از آنها اشاره شده است .

#### ۱۹- بقعه آیه الله شهید شمس آبادی، و تکیه شهداء

پس از آن که عالم کامل ، و مدرّس زاهد ، و پیشوای فعال و خدمتگزار دینی مرحوم آیه الله ، سید ابو الحسن آل رسول « شمس آبادی » ملقب به « شهید اصفهانی » ، به دست گروهی منحرف ، در تاریخ ۷ ربیع الثانی ۱۳۹۶ قمری ، به شهادت رسیدند ، جنازه آن بزرگمرد شهید ، در محلی در نزدیکی خیابان سجّاد در طرف جنوب لسان الأرض ، مدفون گردیدند ، و سپس باهمّت دوستان



و ارادتمندان آن شهید مظلوم ، بقعه ای بسیار شکوهمند ، با گنبدی زیبا بر روی آن بنا گردید ، و با آجرنما و کاشیکاری گنبد ، تزئین یافت ، و مزاری مهم و معروف و مورد توجه گردید ، که همیشه اوقات ، محلّ اجتماع مؤمنین و مؤمنات ، و جایگاه تلاوت قرآن ، و خواندن زیارت، و توسّل و توجه به ارواح مقدّسه اولیاء الله علیهم السلام می باشد .

پس از آن که در جریان جنگ ایران و عراق ، عدّه زیادی از مردم باایمان اصفهان ، و بالخصوص جوانان رشید و فداکار ، به شهادت رسیدند، جنازه آنها در اطراف و نزدیکیهای بقعه مدفون گشت ، و به تدریج ، قسمت‌های زیادی از تکیه های اطراف ضمیمه گردید ، و منطقه وسیعی از لسان الأرض ، و سایر بخشهای تخت فولاد، تحت عنوان « گلستان شهداء » در آمد، و هزاران شهید میدان جنگ و بمبارانهای شهری ، در آن مدفون گردیدند ، که به علّت فراوانی شهداء و توجه خانواده های آنان ، و عنایت مسئولین امور کشور، از اهمّیت زیادی برخوردار گردید ، و قبرستانی مفصّل و گسترده ، مخصوص شهداء شکل گرفت . در گلستان شهداء، جمعی از علماء و طلاب شهید ، مدفون گردیده اند

در بقعه شهید شمس آبادی ، برادر آن بزرگمرد، مرحوم حجّه الإسلام ، حاج آقا رضا آل رسول ، متوفّای ۱۴۰۹ قمری ، و نیز پدر زن ایشان ، مرحوم آیه الله ، حاج شیخ علی مشکوتی سدهی ، متوفّای ۱۴۱۰ قمری ، که از علماء و مدرّسین عالیقدر حوزه علمیه اصفهان ، و مؤسس مدرسه علمیه مشکوتی ، در خمینی شهر (سیده) بودند ، مدفون گردیده اند .

## ۲۰- تکیه شهشانی

تکیه ای است در طرف شرق خیابان فیض ، مقابل مسجد رکن الملک ، که در

آن، قبر فقیه عالی مقام، و مرجع عظیم الشان، آقا میر سید محمد شهبهانی، متوفای ۱۲۸۷ قمری (۱) در بقعه وسط تکیه، قرار گرفته است.

وی، عالمی پُرکار، و مدرّسی مُجدّد، و مؤلّفی صاحب آثار، در فقه و اصول و اخلاق و مراثی بوده، و نوشته های منظوم و منثور (به شکل گوناگون، مختصر و مفصّل، استدلالی و غیر آن، عربی و فارسی) از خود به جای گذاشته و به راستی مرجعی بزرگ در جامعه، و مفخری بلند مرتبه، برای حوزه علمیّه بوده است (۲). صاحب روضات الجنّات در باره این بزرگمرد می نویسد:

... لَمْ نَرْ أَحَدًا يُدَانِيهِ فِي وَصْفِ الْإِسْتِغَالِ بِأَمْرِ الْعِلْمِ وَ التَّعْلِيمِ وَ الْإِجْتِنَابِ عَنِ تَضْيِيعِ الْعُمَرِ الْكَرِيمِ ... وَ كَتَبَ فِي الْفِقْهِ وَ الْأُصُولِ كَثِيرًا (۳).

در همین تکیه، قبر مرحوم حاج میرزا بدیع امامی، متوفای ۱۳۱۸ قمری، در نزدیکی قبر مرحوم شهبهانی، قرار گرفته است. وی، مدرّسی عظیم الشان و محقق و صاحب تصنیف در حوزه علمیّه، و امام جماعتی متواضع و مورد توجه، در میان مردم بوده، و از شاگردان آقا سید محمد شهبهانی، و حاج ملا حسینعلی تویسرکانی، و حاج شیخ محمد باقر نجفی، به شمار آمده، و شاگردان زیادی داشته است. در این تکیه، قبور عدّه دیگری از علماء و دانشمندان، که بعضی از آنها از خاندان علمی شهبهانی (میر شمسی) بوده اند دیده می شود.

ص: ۴۵۶

---

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۴۸۷، و سیری در تخت فولاد، صفحه ۱۵۶، ولی روی سنگ قبر، تاریخ ۱۲۸۹ حجّاری شده است

۲- ریحانه الأدب، ج ۳، ص ۲۷۵ و أعيان الشیعه، ج ۴۳، ص ۲۴۴ و ج ۴۵، ص ۲۲۵ و ۲۷۰

۳- روضات الجنّات (در ضمن شرح حال صاحب روضات)، صفحه ۱۲۷

بخش بزرگی از تخت فولاد، که به صورت باز می باشد، و حالت تکیه ندارد و خیابان فیض، آن را به دو قسمت شرقی و غربی تقسیم کرده، «قبرستان عمومی تخت فولاد» نامیده می شود، و در اواخر حکومت پهلوی دوم، دور آن دیوار کشی شد، و در سالهای اخیر، دیواره کوتاهی با نرده های فلزی (به جای دیوار بلند قبلی) آن را محصور کرده است.

### بخش شرقی قبرستان عمومی

در این بخش، قبور بسیاری از شخصیت های بزرگ، اعم از فقهاء، حکماء، ادباء، شعراء، خطباء، ائمه جماعت و... وجود دارد، که ذیلاً اشاره می شود.

### ۲۱- مزار ملا اسماعیل خواجهائی

(۱)

مرحوم ملا اسماعیل خواجهائی (متوفای ۱۱۷۳ قمری) که فقیهی اصولی، و حکیمی متکلم، و عالمی محقق بوده، و در عقل و فهم و زهد و تقوی و حسن خلق و تواضع، چهره برجسته علماء اصفهان به شمار می رفته، و علاوه بر تألیفات محققانه فراوان، در فقه و کلام و تفسیر و رجال و حدیث (در حدود یک صد و پنجاه کتاب و رساله) (۲) و تربیت و تعلیم شاگردانی فراوان و عظیم الشأن، همانند: ملا مهدی نراقی، و آقا محمد بیدآبادی، و آقا میرزا أبو القاسم مدرس اصفهانی، و ملا محراب حکیم و... دارای مقامات معنوی بلندی

ص: ۴۵۷

---

۱- هم اکنون که مراحل چاپ کتاب در حال انجام می باشد، (سال ۱۴۱۸ قمری) برای مزار ملا اسماعیل خواجهائی، و علماء مدفون در جوار آن بزرگمرد، بقعه مجللی در حال تأسیس می باشد

۲- تذکره القبور مرحوم گزی (رجال اصفهان) صفحه ۵۵ و ریحانه الأدب، جلد ۲، صفحه ۱۰۶

بوده، و کرامات بسیاری از او نقل گردیده، و مستجاب الدعوه به شمار آمده، و قبر او مورد توجه و زیارت مؤمنین، و محلّ گرفتن حاجات بوده است.

در اطراف و نزدیکیهای قبر ملا اسماعیل خواجهائی، عدّه ای از علماء، مدفون گردیده اند، همانند: نوّه؛ او، ملا اسماعیل دوّم، که استاد حکمت و فقه و اصول بوده، و در سال ۱۲۸۲ قمری وفات یافته، و نیز، حکیم متکلم، و فقیه جامع، ملا علی اکبر اژه‌ای (ایجیه ای) متوفای ۱۲۳۲ قمری، که تألیفات متعددی دارد، همانند: «زبدہ المعارف»، که در اصول دین تألیف کرده، و به زبان فارسی نوشته شده، و بسیار مفصل و پر فائده می باشد، و آن بزرگوار، برای رسیدن به مقامات معنوی، ریاضت های سخت کشیده، و دارای شخصیت برجسته ای بوده است (۱).

و نیز، عدّه ای از اولاد و احفاد آن بزرگمرد (که از علماء و ائمه جماعت بوده اند و در اطراف قبر آن بزرگوار، مدفون گردیده اند، همانند: ملا عبدالله بن ملا علی اکبر اژه ای، متوفای ۱۲۶۵ قمری، که عالمی برجسته بوده است.

## ۲۲- مرقد مطهر فاضل اصفهانی «هندی»

از مفاخر این بخش از تخت فولاد «بخش شرقی قبرستان عمومی» قبر فقیه بزرگ، و محقق نامدار، آقا شیخ محمد بن حسن بن محمد، ملقب به «تاج الفقهاء» و «فاضل اصفهانی» و «کاشف اللثام» و معروف به «فاضل هندی» و متوفای ۱۱۳۷ قمری می باشد. وی، پیش از سیزده سالگی فارغ از تحصیل معقول و منقول گردید، و قبل از دوازده سالگی شروع به تألیف نمود (۲)، و قبل از

ص: ۴۵۸

۱- تذکره القبور (رجال اصفهان) صفحه ۵۱

۲- ریحانه الأدب، جلد ۴، صفحه ۲۸۴

رسیدن به بلوغ شرعی به مرتبه اجتهاد نائل گردید (۱)، و در عظمت علمی به حدی رسید که اُعجوبهٔ روزگار و یگانه دوران نامیده شد، و تألیفات بسیاری (در حدود هشتاد کتاب) (۲) از خود به جای گذاشت (در زمینهٔ فقه و تفسیر و عقائد و حکمت و معانی و بیان و نحو) که مهمترین آنها کتاب «کشف اللثام» است، که مورد استفاده فراوان صاحب جواهر و صاحب ریاض، در تألیف دو کتاب گرانقدر یاد شده بوده است.

صاحب روضات، در ضمن تجلیل فراوان، فاضل هندی را چنین می ستاید:

قَدْ وَجَدَ مِنْ كُلِّ فَنٍّ مِنْ فُنُونِ الْعَرَبِيَّةِ أَسَّهُ وَ كَنْزَهُ (۳).

### قبر فاضلان

جلوی قبر فاضل هندی، قبر حاج ملا محمد نائینی (متوفای ۱۲۶۳ قمری) است، که شوهر خواهر حاجی کلباسی، و مدتی امام جماعت مسجد حکیم بوده، و از علماء جلیل القدر و با تقوی به شمار رفته، و به همین جهت، او را قرین فاضل هندی قرار داده، و عبارت (قبر فاضلان) را، در مورد مرقد آن دو بزرگوار به کار برده اند.

در اطراف و نزدیکیهای قبر فاضل هندی (به لحاظ عظمت آن بزرگمرد علم و فضیلت) عدّه ای از علماء و بزرگان دین، مدفون گشته اند، همانند:

ص: ۴۵۹

---

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۴۵۶

۲- در کتاب سیری در تخت فولاد، صفحه ۱۶۶، شمار تألیفات فاضل هندی را، قریب یکصد و پنجاه کتاب و رساله ذکر کرده است

۳- روضات الجنّات، صفحه ۵۴۸، یعنی ... فاضل هندی، از هر فنی از فنون عربیت، به اساس و گنج او دست یافته بوده است

الف : مجتهد و مؤلف گرانقدر ، آقا سید محسن میر محمد صادقی ( پسر برادر آقا سید حسن مدرّس ) و متوفای ۱۳۲۸ قمری .

اب : و نیز ، فقیه و مجتهد مبرز ، زعیم حوزه علمیّه اصفهان ، آیه الله ، آقا سید محمد رضا خراسانی ، متوفای ۲۹ رجب ۱۳۹۷ قمری ، که علاوه بر مقام علمی ، دارای متانتی چشمگیر ، و اُبّهتی در خور شأنِ یک پیشوای بزرگ دینی بودند .

و در همین قسمت ، قبر عدّه ای از علماء خاندان علمی خراسانی دیده می شود ، همانند : قبر مرحوم حاج سید یوسف خراسانی ، متوفای ۱۲۴۶ ، و نیز مرحوم حاج سید محمد جواد خراسانی ، متوفای ۱۳۵۲ ( پدر آیه الله خراسانی ) و در مجموع ، این بخش از قبرستان عمومی ، مجمعی عظیم از قبور علماء بزرگ و فقهاء نامدار ، و چهره های برجسته علم و ادب و فقه و اجتهاد میباشد

### تأسیس بقعه فاضل هندی

شهرداری اصفهان ، در سال ۱۳۷۴ شمسی ( ۱۴۱۶ قمری ) به وسیله « مجموعه فرهنگی - مذهبی تخت فولاد » بقعه شکوهمندی را ، به احترام شخصیت والای علامه فقیه ، بهاء الدین ، محمد بن حسن اصفهانی ، معروف به « فاضل هندی » ، بر روی قبر آن فقیه بزرگ و محقق تأسیس نموده ، که شایان توجه می باشد .

این بقعه ، دارای گنبد کاشیکاری شده ، و نمائی از چهار طرف با کاشیکاری زیبا ، و مزین به آیات و روایات ( در رابطه با ارزش علم و فقه ) می باشد ، و اطراف بقعه را ایرانی جالب ، احاطه نموده است .

و هم چنین ، از طرف خیابان فیض ، سردر مجللی ساخته ، که راه ورودی به سوی بقعه فاضل هندی ، و فضای اطراف آن می باشد .

مقابل تکیه واله ، در طرف شرق خیابان فیض ، تکیه ای است از دوران حکومت صفویه ، که در آن، قبر ملا محمد بن عبد الفتاح تنکابنی، ملقب به «فاضل سراب» ، متوفای ۱۱۲۴ قرار گرفته ، و به مناسبت لقب آن بزرگمرد، به نام تکیه فاضل سراب مشهور شده است .

فاضل سراب ، از علماء بزرگ ، و فقهاء برجسته ، در نیمه اول قرن دوازدهم بوده ، و از شاگردان محقق سبزواری ، و نویسنده کتابهای متعدّد، و رساله های ارزشمند بوده ، و تألیفاتش در فقه و اصول و عقائد ، از آثار ارزشمند علمی به شمار آمده است .<sup>(۱)</sup>

در همین تکیه ، قبر آخوند ملا محمد صادق ، فرزند فاضل سراب ، و نیز حاج میرزا مهدی جویباره های ، متوفای ۱۳۲۵ ، و مرحوم حاج شیخ محمد رضا صالحی جویباره های ، متوفای ۱۳۸۶ قمری ، قرار گرفته است ، که به مناسبت شخصیت آنها ، «تکیه فاضل سراب» به نام «تکیه جویباره های» هم خوانده می شود .

از شعرای نامدار ، میرزا حسن «آتش» ، متوفای ۱۳۴۹ قمری ، و میرزا أبو الحسن «حقایق» ، متوفای ۱۳۲۸ ، در این تکیه مدفونند، و از علماء بزرگوار و عظیم الشأن متأخر ، مرحوم حاج آقا عطاء الله ففیه امامی ، متوفای ۱۳۸۷ قمری ( پدر والامقام العَلَمینِ الحُجَّتینِ ، آیه الله ، آقای حاج سید احمد و آیه الله ، آقای حاج سید حسن فقیه امامی) در یکی از اطاقهای این تکیه مدفون می باشند ، و نیز مرحوم میر محمد حسین امامی ، ملقب به «قوام المحدثین» ، متوفای ۱۳۴۶

ص: ۴۶۱

قمری ، و فرزند آن بزرگمرد ، حاج سید أبو الفضل « مشکوه الواعظین » ، متوفای ۱۳۹۲ قمری ، و هم چنین محقق عالیقدر و مدرّس و مؤلف گرانقدر ، آقا شیخ علی محمد فقیه حبیب آبادی ، متوفای ۱۳۸۵ قمری ، و عدّه دیگری از علماء و خطباء و ائمه جماعت ، در همین تکیه مدفونند ، که سنگ قبر آنها نشان می دهد ، و برخی از آنها ، روی قبرشان نوشته ای ندارد .

#### ۲۴- تکیه کازرونی ودو بقعه علمی آن

در طرف غرب خیابان فیض ، و در جنب قبرستان عمومی ، تکیه ای است که به وسیله یکی از نیکوکاران ، به نام حاج محمد حسین کازرونی ، متوفای ۱۳۵۱ قمری ، تأسیس گشته است ، و عدّه ای از علماء بزرگ اصفهان ، در این تکیه و دو بقعه آن ، مدفون گشته اند ، که ذیلاً برخی از آنها را ذکر می کنیم :

#### الف : بقعه آیه الله درچه ای و آخوند گزی و...

در بقعه وسط تکیه ، قبر عدّه ای از علماء برجسته اصفهان قرار گرفته است ، بدین ترتیب:

۱- مرحوم آیه الله العظمی ، آقا سید محمد باقر درچه ای ، متوفای ۱۳۴۲ قمری ، که مرجعی بزرگ و استادی عظیم الشان بوده ، و عدّه ای از مردم ، از ایشان تقلید می کرده اند ، و حوزه درسی ایشان ، مورد توجه بوده ، و زعیم عالیقدر شیعه ، آیه الله العظمی ، آقای حاج آقا حسین طباطبائی بروجردی ، متوفای ۱۳۸۰ قمری ، در محضر و درس ایشان حاضر می شده اند ، و علاوه بر رساله عملیه ، آثار تألیفی استدلالی نیز داشته اند .

۲- استاد عظیم الشان و مشهور حوزه علمیه ، و مجتهد عالیقدر ، آقا سید مهدی درچه ای ، متوفای ۱۳۶۴ قمری ، که از چهره های مبرز علمی و درسی



حوزه علمیّه اصفهان ، در نیمه قرن چهاردهم بوده اند .

۳- فقیه فعال ، و مجتهد مدرّس ، آخوند ملا عبدالکریم گزی ، متوفای ۱۳۳۹ قمری ، که از مفاخر حوزه علمیّه اصفهان بوده ، و در تدریس و تألیف و خدمات اجتماعی ، از چهره های معروف حوزه اصفهان به شمار می رود ، و با نوشتن کتاب « تذکره القبور » ( علاوه بر سایر تألیفات ) خدمتی بزرگ ، به حفظ آثار بزرگان ، و نیز تخت فولاد نموده است .

۴- فقیه مجتهد ، و عادل کامل ، آقا سید مرتضی خراسانی ، متوفای ۱۳۵۷ قمری ، که در حوزه اصفهان به تدریس درس خارج و تربیت و تعلیم طلاب ، و هدایت و ارشاد و رهبری مردم ، اشتغال داشته است .

وی از مراجع دینی و علماء مبرز اصفهان به شمار رفته ، و عموی مرحوم آیه الله آقا سید محمد رضا خراسانی ، متوفای ۱۳۹۷ قمری ، میباشد .

۵- مجتهد عادل ، و فقیه فاضل ، مرحوم آقا شیخ اسماعیل معزی ، ( معروف به پشمی ) متوفای ۱۳۶۳ قمری ، که از شاگردان والامقام مرحوم آخوند خراسانی قدس سره بوده ، و در اصفهان به تدریس و قضاوت شرعیّه اشتغال داشته ، و بیش از بیست کتاب و رساله ، در فقه و اصول ، از خود به یادگار گذاشته است ، که از جمله آنها ، شرحی محققانه بر کفایه الأصول می باشد (۱).

۶- فقیه عادل ، و مجتهد زاهد ، مرحوم آقا شیخ محمد حسن عالم نجف آبادی ، متوفای ۱۳۸۴ قمری ، که از مدرسین مشهور حوزه علمیّه اصفهان ، و مدرسه جده بزرگ بوده ، و آثار تألیفی داشته ، و در زهد و تقوی و فعالیت تدریسی ، از مفاخر و مشاهیر اصفهان ، به شمار می رود .

ص: ۴۶۳

---

۱- رجال اصفهان ، صفحه ۶۸ و دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۱۳۶

در تکیه کازرونی، در طرف شرقی، اطای بود که قبر چند نفر از علماء جلیل القدر در آن قرار گرفته بود، و پس از فوت مرحوم آیه الله حاج شیخ محمد باقر صدیقین، تجدید بنا گردیده، و به شکلی آبرومند و بزرگ در آمده، و با کاشی کاری مذهبی، مزین گردیده است.

در حال حاضر، قبور عده ای از علماء و برخی از سایر مؤمنین، در آن قرار دارد، که با سنگ قبرهای نو و جالب، مشخص گردیده است.

۱- عالم مدرّس و محقق، مرحوم حاج شیخ هیبت (هبه) الله هرندی، متوفای ۱۳۶۶ قمری، که از مدرّسین نامدار در مدرسه صدر بازار بوده (۱) و از صبح تا شب، تمام رتبه های درسی (از مقدمات تا سطح عالی) تدریس می نموده است

۲- مرحوم آیه الله، حاج ملا حسینعلی صدیقین، متوفای شب جمعه ۲۲ صفر ۱۳۶۸ قمری، که از چهره های میز در مقامات معنوی و زهد بوده است.

وی، از شاگردان حاج محمد جواد حسین آبادی (بید آبادی) بوده، و در مدرسه در بکوشک تدریس می نموده، و در مسجد آن، امامت جماعت داشته است (۲)

۳- آیه الله حاج شیخ محمد باقر فقیه ایمانی، متوفای ذی القعدة ۱۳۷۰ قمری که از شخصیت های ارزشمند در علم و تقوی بوده، و هفتاد و شش اثر قلمی (اعم از کتاب و رساله و أرجوزه) در زمینه های گوناگون از خود به جای گذارده (به صورت نظم و نثر، به زبان عربی و فارسی) که از آن جمله است، «فوز اکبر و مطلع الأنوار»، و بیست و شش اثر از آن میان، در رابطه با وجود

ص: ۴۶۴

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۳۰۶

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۳۰۵، سیری در تخت فولاد صفحه ۱۷۲

مقدّس حضرت بقیّه الله الأعظم (عج) می باشد (۱).

۴- عالم زاهد، و محدّث متبحّر، مرحوم آقا سیّد محمود بن سیّد عبد العلی موسوی درب امامی، متوفای ۲۲ ذی الحجّه ۱۳۷۲ قمری، که از چهره های مبرز در زمینه اخبار و مواظب بوده، و کتاب ثمرات الحیوه او، در سه جلد به چاپ رسیده، و مورد توجه قرار گرفته است (۲).

مرحوم درب امامی، در قدرت حافظه و زهد و تقوی، و دقت در نقل احادیث و صحّت آنها، چهره مورد توجهی بوده است.

۵- مرحوم آیه الله حاج شیخ محمد باقر صدیقین، متوفای ایام فاطمیّه ۱۴۱۴ قمری، فرزند مرحوم آیه الله، حاج ملا حسینعلی صدیقین، (مذکور در فوق).

این بزرگمرد، همانند پدر، از چهره های مبرز در زمینه مسائل اخلاقی و معنوی، و ولایت اهل بیت علیهم السلام بودند، و به تدریس و ارشاد دینی، اشتغال داشتند، و نماز جماعتشان، مورد توجه خواص بود.

از مزایای این بزرگمرد، احاطه و قدرت بر تعبیر خواب، به شکلی عجیب و شگفت آور بود، که بسیاری از حقایق نهفته و پنهانی را، از این طریق بیان می نمودند (۳)، و لذا از شهرهای گوناگون، و از میان طبقات مختلف و سطوح متفاوت علمی و روحی، برای تعبیر خواب، از محضر ایشان بهره می گرفتند.

و هم چنین، استخاره های ایشان، مورد توجه شدید مردم بود، و بسیاری از علاقه مندان، در تنگناهای زندگی، با کمک استخاره های این بزرگمرد، راه حلّ

ص: ۴۶۵

---

۱- مطلع الأنوار (مقدمه) و فوز اکبر، چاپ دوّم (مقدمه) هر دو به قلم فرزند مؤلف، نویسنده محقق، حضرت حجّه الإسلام و المسلمین، آقای حاج شیخ مهدی فقیه ایمانی، دام توفیقه

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۳۰۵ و سیری در تخت فولاد، صفحه ۱۷۴

۳- و این نوع تعبیر خواب، سرچشمه گرفته از عنایتی الهی به شمار می رفت

مشکل خویش را می یافتند .

سنگ قبر مرحوم آیه الله صدیقین ، یکپارچه است ، و قطری در حدود ۳۵ سانتی متر دارد ، و تمام اطراف و روی سنگ ، حجاری شده ، و در ضمن نوشته های سنگ قبر ، بخشی از وصیت نامه آن بزرگمرد ، که اعتراف به نبوت و ولایت و وصایت ائمه معصومین علیهم السلام و ... میباشد ، حجاری شده است ، بدین عبارت :

إقرار و إعتراف به تمام عقائد شیعه اثنی عشریه دارم ، و تصدیق به وحدانیت خداوند متعال و تمام صفات ثبوتیه و سلبيه ، إذعان به نبوت انبیاء ، خاصه حضرت محمد بن عبد صلی الله علیه وآله ، و تصدیق به خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام و إمامت ائمه معصومین علیهم السلام ... تنها راه نجات ، ولایت و شفاعت معصومین مخصوصاً حضرت زهراء سلام الله علیها می باشد ... ، و تنها راه سعادت دنیا و آخرت ، درب خانه ائمه معصومین علیهم السلام می باشد ...

### حکیم اردستانی

در نزدیکی تکیه کازرونی ، جنب آب انبار کازرونی ، قبر حکیم و فیلسوف عارف و زاهد ، ملا محمد صادق اردستانی ، متوفای ۱۱۳۴ قمری ، قرار گرفته است (۱) ، وی شاگردانی مبرز همانند : مولی حمزه گیلانی ، شیخ محمد علی حزین لاهیجی ، آقا محمد صادق تفرشی ، محمد صالح بن سعید خلخالی داشته ، و آثار تألیفی او به صورت حاشیه بر شفاء بوعلی سینا و غیر آن ، و رساله هائی در زمینه حکمت و عرفان و تفسیر ، بوده است (۲) . ملا صادق اردستانی ،

ص: ۴۶۶

۱- سیری در تخت فولاد ، صفحه ۱۷۶

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۳۸۳ و آتشکده اردستان ، جلد ۲ ، صفحه ۲۹۱

ابتداءً در سمت جنوب شرقی پل خواجهو دفن گردیده ، و سپس در موقع تعریض خیابان ، به تخت فولاد ، جنب تکیه کازرونی منتقل گردیده است (۱).

## ۲۵- لسان الأرض

قسمتی از قبرستان وسیع تخت فولاد، به نام « لسان الأرض » نامیده می شود و همانطوری که قبلاً توضیح داده شد، در وجه تسمیه آن مطالبی بر سر زبانها جاری می باشد . محور اصلی در لسان الأرض ، قبر حضرت یوشع نبی علیه السلام میباشد (۲)، که در زمان آل بویه بر آن ساختمانی بنا کردند، و در زمان صفویّه تکمیل و تجدید گردید ، و در جریان جنگ ایران و عراق ، در سالهای اخیر ، به خاطر فراوانی شهداء، چندین تکیه و ساختمان در تخت فولاد تخریب گردید و محل دفن شهداء قرار داده شد، و از جمله ، ساختمان قبر حضرت یوشع علیه السلام ، تخریب شد، و تنها سنگ مرمری بر روی قبر آن حضرت ، نصب گردید .

از مدفونین در لسان الأرض ، علامه فقیه ، میرزا محمد حسن نجفی ، متوفای ۱۳۱۷ قمری میباشد ، که پس از چند سال، جنازه او را به اُعتاب مقدسه عراق نقل نمودند . وی ، از اُحفاد آقا باقر هزار جریبی ، و مورد اعتماد کامل میرزای شیرازی بوده ، و جمعی از او تقلید مینموده اند، و در تدریس و افتاء و قضاوت، مقامی بلند داشته است (۳) .

و هم چنین ، از مدفونین در این مکان شریف ، مرحوم استاد جلال الدین

ص: ۴۶۷

---

۱- رجال اصفهان ، صفحه ۲۲ و سیری در تخت فولاد

۲- رجال اصفهان ، صفحه ۴۴، سیری در تخت فولاد اصفهان ، صفحه ۲۸

۳- نقباء البشر ، جلد ۱، صفحه ۴۲۰ و زندگانی و شخصیت شیخ أنصاری ، چاپ اول ، صفحه ۲۴۰ و هدیه الرّازی و دانشمندان و بزرگان اصفهان و ...

همائی ، متوفای ۱۴۰۰ قمری میباشد ، که استادی ادیب ، و شاعری بلیغ ، و مؤلفی محقق بوده ، و دهها اثر علمی و ادبی از خود به جای گذارده ، و کتابهایی ، همانند : تاریخ ادبیات ایران (۵ جلد) ، تاریخ اصفهان (۱۰ جلد) ، دستور زبان فارسی (۲ جلد) و ... تألیف کرده (۱) ، که نشان دهنده قدرت تحقیق و تتبع او میباشد . استاد همائی ، در حوزه علمیّه اصفهان ، تحصیل و تدریس می نمود ، و به مقام والائی رسید ، و سپس به دانشگاه وارد شده ، و به سمت استادی نائل گردید .

#### ۲۶- تکیه مقدّس

تکیه ای است در طرف جنوب تکیه گلزار ، که در نیمه دوّم قرن چهاردهم هجری بنا شده است ، و عده ای از علماء و وعّاظ و الّمیّه جماعت ، در آن مدفون گردیده اند ، که از آن جمله است ، مرحوم حاج آقا محمّد مقدّس متوفای ۱۳۷۸ قمری ، که عالمی مجتهد و پیشوایی زاهد و پرتلال بوده (۲) و مورد توجه و عنایت مرحوم آیه الله العظمی حاج آقا حسین طباطبائی بروجردی قدس سره بوده است ، و ساختمان تکیه ، به نام آن بزرگمرد می باشد .

#### ۲۷- تکیه ملک

تکیه ای است در جنب لسان الأرض ، که به وسیله خیراندیش مشهور ، مرحوم حاج محمّد ابراهیم ملک التّجار ، متوفای ۱۳۴۱ قمری ، تأسیس گشته ، و در آن ، عده ای از علماء بزرگ ، و چهره های برجسته حوزه علمیّه ، مدفون

ص: ۴۶۸

---

۱- سیری در تخت فولاد، صفحه ۱۸۵

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۴۸۴ - ۴۸۵ و سیری در تخت فولاد ، صفحه ۲۰۰

گردیده اند ، همانند :

۱- آقا سید محمد حسن فانی ، متوفای ۱۳۳۸ قمری ، که تألیفات متعددی داشته، و به وسیله دانش و بیان و معنویت خویش ، و نیز ، با تربیت فرزندان دانشمند ، و أهل علم و اجتهاد ، خدمات شایانی ، به دین و مکتب أهل البيت عليهم السلام نموده است . آن بزرگمرد، فرزندان دانشمند و بزرگ ، از خود به یادگار گذاشته است ، همانند :

الف : مرحوم آیه الله العظمی ، آقا سید علی علامه فانی ، که فقهی اصولی ، و محقق جامع بوده ، و تألیفات بسیاری داشته است .

ب : حضرت آیه الله ، آقای حاج سید ضیاء الدین علامه فانی دامت برکاته ، که از چهره های مبرز در جامعه روحانیت اصفهان به شمار می روند ، و آثار علمی ارزشمندی دارند ، همانند : تصحیح و تحقیق و تعلیق بر کتاب « مجمع الرجال » قهپائی ، و تحقیق و تصحیح و تعلیق بر کتاب شریف « وافی » مرحوم فیض (چاپ دوم) -

۲- مجتهد عالیقدر ، و محقق گرانمایه ، مرحوم حاج آقا منیر الدین بروجردی ، متوفای ۱۳۴۲ قمری ، که از مفاخر مدرّسین و مؤلفین حوزه علمیّه اصفهان بوده ، و اندیشه ای ژرف ، و تبخّری چشمگیر داشته است .

۳- فرزند بزرگوار او ، مجتهد گرانمایه ، مرحوم حاج شیخ اسماعیل ، متوفای ۱۳۵۲ قمری

۴- حکیم نامدار و عارف ربّانی ، آخوند ملا محمد کاشی ( کاشانی ) متوفای ۱۳۳۳ قمری ، که در مدرسه صدر تدریس می نموده ، و حکایات عجیبهای دارد ، که نشانه روح بلند ، و مقام منبع او در کشف و شهود است ، و از مفاخر

ص: ۴۶۹

۵- حکیم معروف ، و مدرّس عالیقدر ، آقا شیخ محمّد حکیم خراسانی ، متوفای ۱۳۵۵ قمری ، که در زمان خود چهره برجسته تدریس علوم عقلی در اصفهان بوده ، و در زهد و ورع ، مقامی بلند داشته است .

۶- مرحوم حاج ملاّ حسن درّی ، متوفای ۱۳۳۶ قمری ، که از مدرّسین معروف و مسلّم اصفهان ، و مؤلّف کتابی استدلالی در فقه بوده ، و زندگی زاهدانه و بی اعتنائی به ظواهر ، داشته است .

۷- مرحوم آقا شیخ أسد الله حکیم قمشه ای ، که از حکماء مبرز ، و شعرای خوش طبع بوده ، و ( دیوانه ) تخلّص مینموده ، و در سال ۱۳۳۴ قمری وفات یافته است . و نیز در این تکیه و اطراف آن ، عدّه ای از شعراء و گویندگان و ائمّه جماعت ، مدفون می باشند .

### توضیح:

در حال حاضر ، تکیه ملک ، جزء گلستان شهداء ( تکیه شهداء ) قرار گرفته ، و قبور بزرگان یاد شده ، در سالن بزرگی که برای مراسم مذهبی ( از قبیل دعای کمیل ، دعای توسّل ، سخنرانیهای دینی ، بزرگداشت شهداء ) تأسیس گردیده . واقع شده است ، و به منظور تجلیل از مرحوم آخوند کاشی قدس سره ، سنگ قبری جدید ، و چهار استوانه سنگی یک متری ، در چهار طرف مرقد مطهر وی نصب گردیده ، و بر روی سنگ قبر ، عبارت زیر حجّاری شده است : وفات فقیر بحق ، آخوند ملاّ محمّد الکاشانی فی ۲۰ شهر شعبان المعظم ۱۳۳۳ هجری قمری . و قبر ملاّ محمّد حکیم ، در حال حاضر ، سنگ قبر و نشانه ندارد .

ص: ۴۷۰



از معروفترین تکیه های قبرستان تخت فولاد، تکیه ای است در شمال غربی تخت فولاد، که مدفن حکیم موحد، و عارف حقیقت جوی، و فیلسوف ریاضی، و جامع المعقول و آلمنقول، و مجمع الفروع و الأصول، میر أبو القاسم فندرسکی موسوی حسینی، متوفای ۱۰۵۰ قمری میباشد.

وی، از بزرگترین چهره های حکمت و عرفان (۱) و ریاضی بوده، و در علوم عقلیه، یگانه روزگار، و وحید زمان شمرده شده، و امور عجیبهای بدو نسبت داده اند (۲). در تدریس کتاب قانون و نیز شفای بوعلی سینا، مورد توجه بزرگان بوده، و در مسائل ریاضی و هندسی، اندیشه ژرف داشته است.

وی، شاگردانی همچون: میرزا رفیعی نائینی و آقا حسین خوانساری، پرورش داده، و تألیفات فراوان و اشعار نغز او، نشانه تفکر عمیق و ذوق لطیف و روح پاکیزه او میباشد. قبر میر فندرسکی، در صحن تکیه، در جانب غربی قرار گرفته، و با سنگ مرمر با طول و عرض و ارتفاعی بزرگ، بسته شده است.

در تکیه میر، اطاقهای متعددی وجود دارد، که محلّ دفن عده ای از بزرگان بختیاری، و برخی از شعراء است، و آثار تاریخی و هنری بسیاری، در این تکیه و اطاقهای آن وجود دارد.

در قبرستان کوچکی جلو تکیه میر، قبر درویش عبد المجید، متوفای ۱۱۸۵ قمری، دیده می شود، که از بزرگترین خطاطان، در رشته خط شکسته بوده، و آثار ارزشمندی از او به جای مانده است. او شعر می گفته، و تخلص او

ص: ۴۷۱

۱- ریاض العلماء، جلد ۵، صفحه ۴۹۹

۲- تذکره القبور گزی (رجال اصفهان)، صفحه ۱۱۲

( خموش ) و ( درویش ) بوده ، و در سنّ سی و پنج سالگی وفات یافته است .

## ۲۹- تکیه و بقعه میرزا رفیعی نائینی

در قسمت جنوبی تخت فولاد ( که در حال حاضر جزء منطقه فرودگاه « منطقه نظامی » میباشد ) تکیه ای بوده است ، مشتمل بر بقعه ای بسیار زیبا و باستانی ، از آثار ، سلطان سلیمان صفوی (۱)، که بر روی قبر حکیم نامدار ، و فقیه بزرگ ، میرزا رفیع الدّین محمد بن حیدر طباطبائی ، مشهور به « رفیعا » و « آقا رفیعا » و « میرزا رفیعا » و « میرزا رفیع الدّین » ، متوفای ۱۰۸۰ یا ۱۰۸۲ قمری ، ساخته شده است . این بقعه ، از نظر معماری و کاشی کاری و طرح و نقشه مهندسی ، از آثار هنری و باستانی و ارزشمند اصفهان به شمار می رود، که در سال ۱۳۳۷ شمسی تعمیرات اساسی یافته است (۲).

میرزا رفیعا ، فقیه اصولی ، و حکیم متکلم ، و جامع معقول و منقول بوده ، و «علامه الدّهر» و « فرید العصر » خوانده شده (۳)، و صاحب روضات ، او را از بزرگترین علماء دوره صفویّه به شمار آورده است (۴). وی ، استاد علامه مجلسی و شیخ حرّ عاملی و أمثال آنان بوده ، و استادی همچون شیخ بهائی قدس سره داشته است ، و تألیفاتی ، همانند : « شجره إلهیه » و « ثمره إلهیه » و « شرح اصول کانی » و ... داشته ، که نشانه تبخّر او در علوم مختلف می باشد ، و در مورد سال وفات او ، سید عبدالحسین خاتون آبادی ، مؤلف « وقایع آلسنین و الأعوام » رقم

ص: ۴۷۲

---

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۶۳۱

۲- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۶۳۳

۳- ریحانه الأدب ، جلد ۶ ، صفحه ۰۲۷-۱۲۸

۴- روضات الجنّات، صفحه ۵۴۱

۱۰۸۰ قمری را ذکر کرده (۱)، ولی سنگ نوشته قبر میرزا رفیعا چنین است :

بتاریخ فوتش خردمند گفت

مقام رفیع مقام رفیع

۱۰۸۲

و در نزدیکی میرزا رفیعا، قبر ادیب شاعر، و مدرّس مدرسه میرزا حسین، مرحوم میرزا یحیی مدرّس (معروف به کاشی پز) متوفای ۱۳۴۹ قمری بوده است. وی، استادی قوی در ادبیات، و شاعری مخلص نسبت به اهل البیت علیهم السلام، و دارای دیوان اشعار، و شهرتی بسزا، در تدریس و سرودن شعر بوده است (۲).

و در نزدیکی بقعه یاد شده، قبر حکیم زاهد و فیلسوف متعبد، میرزا محمد علی بن میرزا مظفر، متوفای ۱۱۹۸ قمری، قرار داشته، و او مورد احترام و ارادت شدید بزرگان زهد و تقوا بوده است (۳).

و هم چنین، قبر مرحوم آقا میر محمد صادق، (معروف به کتابفروش) متوفای ۱۳۰۳ قمری، که از فقهاء ممتاز و مدرسین عالی رتبه و زهاد و عبّاد برجسته بوده، و شاگردان بسیاری همانند مرحوم آخوند گزی داشته، در همان نزدیکیها بوده است. در حال حاضر فقط بقعه میرزا رفیعا باقی مانده، و آثار قبور این تکیه و بقعه و اطراف او، محو گردیده است.

### ۳۰- بقعه و تکیه میر محمد صادقی

تکیه میر محمد صادقی، نزدیک تکیه ملک قرار گرفته، و بقعه ای به سبک جدید (با مصالح روز از سنگ و سیمان) دارد، که در آن عده ای از «خاندان علمی سادات میر محمد صادقی» دفن شده اند.

ص: ۴۷۳

- 
- ۱- وقایع آلسنین و الأعوام، صفحه ۵۳۰ و گنجینه آثار تاریخی اصفهان صفحه ۶۳۱
  - ۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۵۴۷ - ۵۴۸ و رجال اصفهان و سیری در تخت فولاد
  - ۳- سیری در تخت فولاد، صفحه ۱۱۹

مهمترین چهره علمی این خاندان، یعنی مجتهد محقق، و فقیه متبحر، و آدیب شاعر، آقا سید عبد الله ثقه الإسلام (میر محمد صادقی) متوفای ۱۳۸۲ قمری، که از مدرّسین برجسته حوزه علمیه اصفهان، در نیمه های قرن چهاردهم بوده، و آثار تألیفی متعدّد از خود به جای گذاشته، در بقعه وسط این تکیه مدفون می باشد.

در حال حاضر، تکیه میر محمد صادقی نیز، جزء تکیه شهداء (گلستان شهداء) قرار گرفته است، و اخیراً پس از ارتحال فقیه اصولی، مرحوم آیه الله آقا سید محمد علی میر محمد صادقی، متوفای ۲۰ ربیع الثانی ۱۴۱۷ قمری، که از علماء مبرز و چهره های برجسته و مدرّسین دوره خارج فقه و اصول در حوزه علمیه بودند، ایشان را با فاصله کمی از قبر مرحوم آیه الله، آقا سید عبد الله ثقه الإسلام، در تکیه سادات میر محمد صادقی (که جزء گلستان شهداء قرار گرفته) دفن نموده اند (۱).

### ۳۱- تکیه و بقعه واله

در طرف غرب خیابان فیض، در مقابل تکیه فاضل سراب (تکیه جویبارهای) باغ بزرگی بوده است، که به نام «تکیه واله» یا «والهیته» مشهور است، و بقعه زیبا و جالبی بر روی ستونهای سنگی، در وسط آن بنا شده، و در وسط آن بقعه، قبر واله اصفهانی (آقا محمد کاظم) متوفای ۱۲۲۹ قمری (۲) قرار گرفته است. وی، شاعری دانشمند، و خطاطی هنرمند، و گوینده ای لطیفه گوی بوده، و سنگ قبر خود را در زمان حیات خویش، به دست هنرمند

ص: ۴۷۴

- 
- ۱- در باره دو چهره مذکور در متن، در بخش (خاندانهای علمی اصفهان، خاندان میر محمد صادقی) بحث و بررسی داریم
  - ۲- ریحانه الأدب، جلد ۶، صفحه ۳۰۱ - ۳۰۲

خود، با خطّ تعلیق نوشته، و سپس حجّاری نموده، و فقط جای تاریخ فوت را خالی گذاشته که پس از وفات او، تکمیل شده است (۱). این سنگ قبر، جزء آثار هنری اصفهان، از نظر خطّ و حجاری شناخته شده، و از آثار نفیسه به شمار آمده است (۲).

## پایان بخش مطالب

آنچه در این بخش، یاد نمودیم، تنها نمونه قابل توجهی از بقعه‌ها و تکیه‌های علمی بود، و آشنایی کامل با همه این مکانهای مقدّس، و نشانه‌های علم و فرهنگ و فضیلت و معنویّت، به فرصتی بیشتر و حوصله‌ای مناسب‌تر، و سیر و سیاحتی فراگیرتر، نیاز دارد، که برای علاقه‌مندان و جستجوگران، لذتی روحی، و شور و شوقی معنوی در بر دارد (۳).

تخت فولاد است بر غربت این زمان

برجنیش جای پائی زین و آن

تکیه‌ها مخروبه ویران گشته‌اند

تکیه‌گاه ما بود و بوران گشته‌اند

آب انبارش اگر خشکیده است

روز و شب چون چشم من گرییده است

ص: ۴۷۵

---

۱- سیری در تخت فولاد، صفحه ۲۱۶

۲- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صفحه ۷۵۸-۷۶۰

۳- نویسنده این سطور، که برای نوشتن این بخش، نیاز به زیارت مکرّر از این قبور، و بقعه‌های پر برکت داشتم، از فیض و برکت و لذّت زیارت این مکانهای مقدّس، بهره‌مند گردیده‌ام

تخت فولاد ای زیارگاه عشق

خاک پاک تو عبادت گاه عشق

ای زده پهلو به فردوس برین

عرش را گشته زرفعت همنشین

هر کف خاک تو دریای گهر

شعل ایوان تو تمش و قمر

ص: ۴۷۶

علم طب و چهره های آن

در

حوزه علمیة اصفهان

ص: ۴۷۶







علاوه بر علوم گوناگون اسلامی ، که در حوزه علمیه اصفهان رواج فراوان داشته ، و بزرگترین چهره های علمی در زمینه فقه ، تفسیر ، حدیث ، کلام ، حکمت ، اخلاق ، نحو ، صرف ، لغت ، تاریخ ، معانی و بیان ، شعر و ... از این مرکز علمی و دینی در جهان اسلام و عالم بشریت درخشیده اند ، علم طب نیز که یکی از مهمترین علوم بشری است ، و مورد نیاز شدید عموم انسانها می باشد ، در این حوزه علمیه کهن سال ، مورد توجه بوده ، و در طول تاریخ ، علماء بزرگی از این شهر ، در زمینه طب و حفظ الصّحه درخشیده اند ، که ذیلاً به چند نمونه از آنها ( به ترتیب تقریبی زمان حیاتشان ) اشاره می نمائیم ، و البته روشن است که معرفی همه چهره های ارزشمند در این زمینه ، از هدف این کتاب ، خارج میباشد .

#### ۱- ابن مندویه ، طبیب اصفهانی

أبوعلی ، أحمد بن مندویه اصفهانی. وی ، از چهره های میزز در علم طب بوده ، و از خاندان مشهور و علمی مندویه می باشد ، که در میان آنها ، عده ای از محدثین و ادباء و حکماء و بلغاء ، درخشیده اند (۱).

در هنگامی که عضدالدوله دیلمی ( شیعی ) ، بیمارستان عضدی را در بغداد

ص: ۴۷۹

تأسیس نمود، اطباء ممتاز را از همه شهرها جمع نمود، که شمار آنها به بیست و چهار نفر طیب رسید، و ابن مندویه، یکی از آنها بود (۱).

ابن مندویه، تالیفاتی در طب دارد، همانند: «نقض الجاحظ» و «الجامع الكبير» و «الأغذیه» و «الطیخ» و «المغیث» و «الکافی» (که به قانون صغیر شهرت داشته) و نیز رساله هائی در زمینه طب، برای مردم اصفهان نوشته، که در میان آنها رایج و متداول بوده است (۲). او همچنین کتاب «نهایه الإختصار» و «المدخل الی الطب» و کتاب «الأطعمه والأشربه»، از آثار او به شمار آمده، و بعضی از مورخین، کتابی بزرگ و جالب در زمینه شعر و شعراء، برای او ذکر نموده اند (۳).

و نیز رساله های دیگری در زمینه: ۱- ترکیب طبقات چشم، ۲- علاج بزرگ شدن عدسی چشم، ۳- علاج بیماری معده، ۴- علاج استسقاء، ۵- علاج مثانه ۶- در امراض اطفال (۴) در میان آثار او، ذکر نموده اند.

ابن مندویه، از چهره های مبرز نیمه دوم قرن چهارم می باشد، و در سال ۴۱۰ وفات یافته است (۵).

## ۲- أبو الفرج اصفهانی

علی بن حسین بن محمد اصفهانی، مکتبی و معروف به «أبو الفرج اصفهانی»

ص: ۴۸۰

- ۱- أخبار الحکماء، صفحه ۲۸۵
- ۲- أخبار الحکماء، و معجم الأدباء
- ۳- معجم ادباء الأطباء، صفحه ۳۹ - ۴۰
- ۴- لغتنامه دهخدا، عنوان ابن مندویه
- ۵- ریحانه الأدب، جلد ۸، صفحه ۲۳۳

متوفای حدود ۳۵۷ هجری .

وی ، دارای علوم گوناگون از قبیل : نحو و لغت و تاریخ و نسب و حدیث و شعر و ... بوده ، و در زمره دانشمندان علم طب به شمار آمده ، و کتابی به نام (دعوه الأطباء) داشته است (۱).

شرح حال مفصّل ابو الفرج اصفهانی را در بخش «نامدارانی بزرگ» ، از چهره های علمی و ادبی شیعه در اصفهان ، از قرن سوم تا دهم آورده ایم .

### ۳- عبد الرحیم بن علی ... اصفهانی

طیب عظیم الشان ، عبد الرحیم بن علی بن مرزبان اصفهانی ، متوفای ۳۹۶ هجری ، وی ، از اهل اصفهان و دانشمندی برجسته بوده و علم شریعت و طبیعت را با هم دارا بوده است . در زمان حکومت آل بویه ( شیعی ) به مقامی بلند دست یافت ، و مدّتی در شوشتر و خوزستان ، عهده دار منصب قضاوت بود، و زمانی به عنوان سرپرست و طیب بیمارستان بغداد ، فعالیت داشت ، و در اواخر قرن چهارم ، دار دنیا را وداع نمود (۲).

### ۴- ابن مسکویه ... رازی اصفهانی

أحمد بن محمد بن یعقوب بن مسکویه رازی اصفهانی ، متوفای ۴۲۱ قمری . وی ، از مفاخر بزرگ علمی شیعه در اصفهان می باشد ، و در دانشهای گوناگون از قبیل : حکمت ، ریاضی ، هندسه ، لغت ، أخلاق ، شعر و ادب ، نویسندگی و ... چهره ای درخشان بوده ، و جامع علوم به شمار رفته است .

ص: ۴۸۱

---

۱- معجم ادباء الأطباء ، جلد ۲، صفحه ۱۷

۲- أخبار الحکماء ، صفحه ۱۵۴

ابن مسکویه ، از شیفتگان أهل البيت عليهم السلام بوده (۱) و از مفاخر شیعه به شمار می رود ، و در میان دانشهای فراوان او ، علم طب ، جلب توجه می نماید ، و در زمره أطباء اسلامی به شمار آمده (۲) و کتابهایی در طب ، در زمینهٔ ادویهٔ مفرده ، و اصول و فروع علم طبخ غذا، نوشته است (۳) . شرح حال مفصل ابن مسکویه و عظمت کم نظیر او را ، در همین کتاب ، در بخش «نامدارانی بزرگ ، از چهره های علمی و ادبی شیعه در اصفهان ، از قرن سوم تا دهم» آورده ایم

#### ۵- أبوعلی سینا، طبیب نامدار اسلامی

أبوعلی ، حسین بن عبدالله بن سینا ، ملقب و معروف به « شیخ الرئیس » ، و «ابن سینا» ، متوفای ۴۲۸ ، از چهره های نامدار علم حکمت و طب است ، که عظمت او در این زمینه ، زبانزد خاص و عام میباشد . دربارهٔ شخصیت علمی و آثار این بزرگمرد ، در بخش « نامدارانی بزرگ ، از چهره های علمی و ادبی شیعه در اصفهان از قرن سوم تا دهم » بحث و بررسی مفصل نموده ایم .

#### ۶- حکیم أبوالقاسم ، طبیب اصفهانی

ادیب ماهر ، و حکیم متبحر ، و طبیب حاذق ، أبو القاسم ، هبه الله بن حسین بن علی اصفهانی ، که از چهره های برجسته و دارای فضیلت بسیار بوده، و در تمامی فضائل ، شخصیتی برجسته داشته است . وی ، در سال ۵۳۴ قمری ، به مرض سکنه وفات یافته ، و در سرداب منزل خود دفن گردیده است ، ولی پس از گذشت چند ماه از درگذشت او ، درب سرداب را که گشودند :  
مردۀ او را نشسته

ص: ۴۸۲

۱- روضات الجنات ، جلد ۱ ، صفحه ۲۵۶

۲- معجم ادباء . الاطباء ، جلد ۱ ، صفحه ۶۵ - ۶۸

۳- أخبار الحكماء ، صفحه ۲۱۷

در پای پله ها یافتند (۱). درباره مقام علمی او در طب گفته شده :

عِنْدَ طَبِّهِ لَا يُشْتَرَى بُقْرَاطٌ بِقَيْرَاطٍ، وَلَا يُسْتَقِيمُ سُقْرَاطٌ عَلَى الصَّرَاطِ (۲)

#### ۷- محمد بن عبد الله اصفهانی «طیب»

أبو حامد ، محمد بن عبدالله بن محمد ، متطبب اصفهانی ، معروف به « ابن الفقیه » مؤلف کتاب «هدایه الملوک» ، ( در پزشکی ) به زبان فارسی ، که در نوزده فصل تنظیم شده ، و ترجمه کتاب « محمد بن زکریای رازی » ، در بیان منافع و مضار و مقویات و مضعفات باه ، می باشد (۳) .

#### ۸- میرزا شریف حکیم اصفهانی

در محله بابا قاسم ، کوچه ای به نام ، میرزا شریف حکیم بوده ، که مدرسه خواجه صدرالدین علی طیب (۴) ، در آن واقع بوده است (۵) و به خاطر شخصیت مورد توجه او ، کوچه را به نام وی می خوانده اند .

البته باید توجه داشت که در زمان قدیم ، طیب را ، به خاطر دارا بودن علم

ص: ۴۸۳

۱- أخبار الحکماء ، صفحه ۲۲۴

۲- معجم ادباء الأطباء ، جلد ۲ ، صفحه ۱۸۲ یعنی در مقایسه با طب او ، بقراط به قیراطی خریده نمی شود ، و سقراط بر صراطی مستقیم نمی گردد

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۴۸۹ ، به نقل از فهرست کتب خطی دانشکده پزشکی تهران ، صفحه ۴۶۹

۴- خواجه صدر الدین علی ، طبیبی بزرگوار بوده ، و آثار خیریه ای همانند : سه مدرسه ، که در بخش « مدارس علمیه قبل از صفویه » از آنها یاد نموده ایم ، از خود بجای گذارده است . وی ، چید اعلای میرزا طاهر نصرآبادی « صاحب تذکره نصرآبادی » میباشد . « گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، صفحه ۳۲۹ »

۵- تاریخ مدارس ایران ، صفحه ۱۸۰

حکمت ، حکیم نیز ، می نامیده اند .

## ۹- میرزا هدایت الله طیب اصفهانی

یکی از اطباء قرن نهم اصفهان ، شخصی به نام «میرزا هدایت الله طیب» بوده ، که خانه اش در نزدیکی مسجد جامع قدیم ( عتیق ) و مدرسه خواجه صدر الدین علی طیب ، بوده است (۱).

## ۱۰- محمد سعید بن محمد صادق طیب اصفهانی

وی ، کتاب رجوع الشیخ الی الصّیّباه (۲) تألیف أحمد بن سلیمان کمال پاشا، متوفای ۹۴۰ قمری را ترجمه کرده است (۳) . نسخه اصلی کتاب و ترجمه آن، در کتابخانه آستانقدس رضوی موجود میباشد (۴) .

## ۱۱- ذو النون طیب اصفهانی

از اطباء برجسته دوره صفویه ، و ملازم سام میرزا ، فرزند شاه اسماعیل اول صفوی بوده ، و از دانشمندان نیمه اول قرن دهم به شمار می رود .

وی ، کتابی به نام «طب السّامی» ، و نیز رساله هائی ، در زمینه علم طب ،

نوشته است (۵) .

ص: ۴۸۴

---

۱- تاریخ مدارس ایران ، صفحه ۱۸۰

۲- نام کتاب بهمین شکل ضبط گردیده ، ولی ظاهراً باید به یکی از دو شکل زیر باشد : الف - الی صّیّباه ب. الی الصّبا = الصّبی

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۳۵۴

۴- فهرست الفبائی کتب خطّی کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی ، تألیف محمد آصف فکرت ، صفحه ۲۷۷

۵- الذریعه ، جلد ۱۵ ، صفحه ۱۴۲

## ۱۲- میرزا حسین طبیب

وی ، عالمی فاضل و فقیهی کامل از حکمای الهی بوده ، و در قرن دهم تا اوائل قرن یازدهم « سال ۱۰۰۴ هجری » می زیسته است (۱).

مرحوم آیه الله العظمی ، مرعشی نجفی ، قبر او را نزدیک مسجد مصلی در تخت فولاد، ذکر نموده ، و او را فقیه حکیم خوانده اند (۲). او از اطبّاء دورهٔ حکومت صفویّه بوده است (۳).

## ۱۳- شرف الدّین حسن «حکیم شفائی»

حکیم طبیب ، و متکلم اَدیب ، و شاعر نامدار ، شرف الدّین حسن اصفهانی ، مشهور و ملقب به حکیم شفائی ، متوفای ۱۰۳۷ هجری .

وی ، جامع علوم و فضائل ، و معاصر شیخ بهائی و میرداماد بوده ، و در عالم طب و شعر و ادب ، به مقامی بسیار بلند دست یافته است .

او ، مورد احترام خاصّ سلطان صفوی ، شاه عباس کبیر ، و درباریان و امراء لشکر او ، و نیز مورد تجلیل حکیم و فیلسوف نامدار میرداماد قدس سره بوده است (۴).

حکیم شفائی به شوخی می گفته : طبابت من ، تبخّر و تسلط مرا در سایر علوم پوشانیده ، و شعر من ، مقام مرا در طب ، مستور نموده ، و هجوهای که نموده ام ، عظمت شعر مرا پنهان کرده است (۵).

ص: ۴۸۵

---

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۲۷۸

۲- رجال اصفهان ، صفحه ۲۰۷

۳- سیری در تخت فولاد اصفهان ، صفحه ۱۳۶

۴- تذکره نصر آبادی ، صفحه ۲۱۲

۵- ریاض العلماء ، جلد ۱، صفحه ۱۶۱

حکیم شفائی، ملقب به «ملک الشعراء»، و «ممتاز امیران» می باشد، و نسخه ای از دیوان شعر او، مشتمل بر نه هزار شعر بوده است (۱).

از آثار او، «مثنوی مهر و محبت»، «دیدۀ بیدار»، «نمکدان حقیقت»، «مجمع البحرین» و «شکرالمذاقین»، ذکر شده (۲) و هم چنین، کتاب «بیست باب در طب»، از آثار او نقل گردیده است (۳).

حکیم شفائی، از جمله سادات و فرزندان رسول خدا صلی الله علیه وآله بوده (۴) و استاد های او، «حکیم ملای اصفهانی» (از شاگردان امیر غیاث الدین منصور دشتکی شیرازی) و برادرش، «حکیم نصیرا»، و جمعی دیگر از حکماء و ادباء و اطباء آن زمان بوده اند، و در محله نیم آور، طبابت می نموده است (۵).

#### ۱۴- میر محمد مؤمن تنکابنی اصفهانی

طیب نامدار و حکیم عظیم الشان، میر سید محمد مؤمن بن محمد زمان تنکابنی اصفهانی، که از اطبای نامدار روزگار بوده، و کتاب او به نام «تحفه المؤمنین یا التحفه فی الطب»، و بنا بر مشهور، «تحفه حکیم مؤمن»، از شهرت بسیار برخوردار می باشد، و در طب قدیم، جایگاهی بس ارزشمند داشته و دارد.

این کتاب به زبان فارسی تألیف گردیده، و بیشترین مطالب طبّی را، که در دیگر کتب این علم وجود دارد، و نیز تجربیات حکیم مؤمن و پدرش را (که او

ص: ۴۸۶

۱- الذریعه الی تصانیف الشیعه، جلد ۹، صفحه ۵۳۰

۲- الذریعه الی تصانیف الشیعه، جلد ۹، صفحه ۵۳۰

۳- ریحانه الأدب جلد ۳، صفحه ۲۲۶

۴- ریحانه الأدب جلد ۳، صفحه ۲۲۶

۵- دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۲۷۵



نیز از اَطِیَاءِ عَظِیمِ الشَّانِ بوده) در بردارد و داروهای مفرده و مرکب، و معجونها و گیاهان دارویی را، معرّفی نموده و خواصّ و آثار آن را برشمرده است. این کتاب مکرراً به چاپ رسیده، و در دسترس می باشد.

حکیم مؤمن، کتاب خود را در دوره سلطنت سلیمان صفوی (۱۰۷۷ - ۱۱۰۵) تألیف نموده، و خود، از اَطِیَاءِ و دانشمندان نیمه دوّم قرن یازدهم به شمار می رود (۱). اولاد حکیم مؤمن، در اصفهان و نجف آباد ساکن می باشند (۲).

### ۱۵- میرزا عبدالرزاق طیب اصفهانی

طیب فاضل، و ادیب شاعر، میرزا عبدالرزاق اصفهانی متخلّص به (مشرّب)، متوفّای ۱۱۲۷ قمری. او حکیمی بزرگوار، از سادات اصفهان بوده است (۳).

وی، کتابی در طب نوشته، که نسخه آن در نزد آیت الله العظمی مرعشی نجفی قدس سره موجود بوده، که به خطّ جدّایشان مرحوم، آقا سید علی (سید الاطباء)، نوشته شده بوده است (۴).

### ۱۶- ملا جلال الدین محمّد طیب

وی، طیب مخصوص سلطان حسین صفوی، و بانی مدرسه علمیّه جلالیه واقع در خیابان احمد آباد اصفهان می باشد.

ملا جلال الدین محمّد طیب، در سال ۱۱۳۱ وفات یافته (۵)، و در همان

ص: ۴۸۷

---

۱- الذریعه الی تصانیف الشیعه، ج ۳، ص ۴۰۲، - ریحانه الأدب، ج ۲، ص ۶۰

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۳۱۵

۳- الذریعه، جلد ۹، بخش ۳، صفحه ۱۰۴۶

۴- الذریعه، جلد ۱۵، صفحه ۱۳۷

۵- دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۲۳۶

مدرسه ، در سردابه‌های مدفون گردیده است (۱).

## ۱۷- سید هاشم طبیب

طیب ماهر ، و فاضل کامل ، سید میرزا هاشم خراسانی اصفهانی .

وی ، در شهر نساء آبیورد ، متولد گردیده و در اصفهان تحصیل علم نموده و ساکن گردیده ، و به طبابت اشتغال داشته است .  
او در سال ۱۱۵۴ هجری وفات یافته و در تکیه آقا حسین خوانساری در بقعه تکیه ( بقعه العلماء ) مدفون گردیده (۲) و ماده تاریخ وفاتش چنین است :

به تاریخش رقم زد کلک خادم

(وطن بادش بهشت جاودانی )

## ۱۸ تا ۲۰ - سید عبدالباقی طبیب و خاندان علمی او

طیب حکیم ، و منجم و شاعر ادیب ، سید عبدالباقی طبیب ، مشهور به میرزا عبدالباقی ، و متخلص به «طیب» ، متولد ۱۱۲۷ و متوفای ۱۱۷۱ هجری قمری وی ، از شعرای نامدار ، و ادباء بزرگ ، و از پزشکان برجسته است ، و در اکثر تذکره های مربوط به شعرای ایرانی ، نام و شرح زندگی او ، ذکر گردیده ، و مورد تجلیل قرار گرفته است . میرزا عبدالباقی ، از سادات موسوی و پدرش ، میرزا محمد رحیم حکیم باشی ، طبیب سلطان حسین صفوی بوده (۳) ، و اجدادش در حدود یکصد و پنجاه سال ، طبیب رسمی خاندان صفوی بوده اند ، و جد اعلای او میرزا سلیمان ، در زمان شاه عباس کبیر ، از فارس به اصفهان آمده ، و متوطن

ص: ۴۸۸

۱- رجال اصفهان ، صفحه ۲۲۸

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، ص ۵۳۵ و سیری در تخت فولاد اصفهان ، ص ۱۱۱

۳- آتشکده آذر، در بخش شعراء معاصر آذر

گردیده، و نسل او، یکی پس از دیگری، به شغل طبابت و سمت رسمی حکیم باشی، اشتغال داشته اند (۱). خاندان سید عبد الباقی طیب، خاندانی علمی بوده، و به مناسبت نام جدشان (میرزا سلیمان)، مشهور به سادات حکیم سلیمانی و حکیم سلمانی بوده اند (۲)(۳).

سید عبد الباقی، با این که در طب و حکمت، از چهره های معروف زمان خود بوده، و او را دارای دم عیسوی (مسیحائی) دانسته اند (۴) ولی تألیفی در زمینه طب و حکمت، از او به جای نمانده، و دلیل آن، گرفتاری های شغل رسمی «حکیم باشی» می باشد، ولی دیوان شعری از او در دست است، که (تقریباً) مشتمل بر دو هزار بیت میباشد، و به ضمیمه شرح حال جالب و مفصّلی از او (در حدود ۱۳۰ صفحه) به قلم کیوان سمیعی، به چاپ رسیده است.

درباره تاریخ وفات او اختلاف است، ولی مرحوم آیه الله مرعشی نجفی، و مرحوم صدر هاشمی، و مرحوم آقای سید مصلح الدین مهدوی، و آقای کیوان سمیعی، تاریخ ۱۱۷۱ را برگزیده اند (۵). محل دفن او، تخت فولاد اصفهان نزدیک لسان الأرض) می باشد، و نوشته سنگ قبر آن بزرگمرد، چنین است:

ص: ۴۸۹

۱- رساله شرح حال طیب اصفهانی، (ضمیمه دیوان طیب)، صفحه ۲۴

۲- رساله شرح حال طیب اصفهانی، (ضمیمه دیوان طیب)، صفحه ۲۵ و دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۳۹۸، و رجال اصفهان، صفحه ۲۱۸

۳- رساله شرح حال طیب اصفهانی، از صفحه ۶۳ به بعد، چندین چهره برجسته از این خاندان را، معرفی نموده است طالبین مراجعه نمایند

۴- لغتنامه دهخدا، جلد ۳۲، صفحه ۱۷۰، مجمع الفصحاء، جلد ۵، صفحه ۷۱۹

۵- دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۳۹۸، رجال اصفهان ۲۱۸، شرح حال طیب اصفهانی، صفحه ۸۸

هذا مَرَقَدُ السَّيِّدِ الْعَالِمِ الْفَاضِلِ الْكَامِلِ ، وَحِيدِ الْعَصْرِ وَفَرِيدِ الدَّهْرِ ، زُبْدِهِ الْفُضْلَاءُ الْعِظَامُ وَ أَسْوَهُ الْحُكَمَاءِ الْكِرَامِ وَقَدْوَهُ الْعُلَمَاءُ الْأَعْلَامُ ، ذُو الْمَنَاقِبِ الْزَاهِرَةِ وَالْمَفَاحِرِ الْبَاهِرَةِ ، مَنْ جَمَعَ فُنُونَ الْعُلُومِ أَثْقَاهَا وَ أَسْنَاهَا وَ أَكْسَبَ مِنْ صِيُنُوفِ الْأَخْلَاقِ أَحْسَنَهَا وَ أَزْكَاهَا ، فَخْرُ الْأَزْكَيَاءِ وَالْأَفَاضِلِ ، زَيْنُ الْأَمَاجِدِ وَالْأَمْتِلِ ، مَنْ فَازَ بِأَفْضَلِ السَّجَايَا ، مَنْ خَازَ آفَواضِلَ وَالْفَضَائِلَ ، وَهُوَ السَّيِّدُ النَّجِيبُ عَبْدُ الْبَاقِي الْمَوْسَوِي ، أَلْمُتَخَلِّصُ بِالطَّيِّبِ ، أَفَاضَ اللَّهُ عَلَيْهِ شَأْيِبُ الْغُفْرَانِ وَ أَسَكَّنَهُ فَرَادَيْسَ الْجِنَانِ ، تُؤَفِّي فِي إِحْدَى وَسَبْعِينَ وَ مِائَةٍ بَعْدَ الْأَلْفِ ١١٧١ (١).

## ٢١- میرزا نصیر طبیب اصفهانی شیرازی

طیب ماهر و فیلسوف جامع ، میرزا نصیر حسینی ، معروف به ( نصیر الدین ثانی ) و متوفای ۱۱۹۱ قمری (۲) که از أفاضل و اَطِّبِای ماهر دوره کریم خان زند می باشد . وی ، سالها در اصفهان نشو و نماى علمى یافته و در این شهر به تحصیل علوم عربی و ادبی و طبیعی و ریاضی و حکمت الهی ، اشتغال داشته ، تا آن که در همه کمالات علمى ، استاد مسلم و یگانه روزگار و وحید عصر گردیده و به همین جهت ، از راه تشبیه به خواجه نصیر الدین طوسی ، او را نصیر الدین ثانی ، خوانده اند (۳) . مهارت او در طب ، به جایی رسیده بوده ، که او را ( أبوعلی سینای وقت ) و ( جالینوس زمان ) خوانده اند (۴) ، و معالجات نادر و عجیبی از او ، نقل گردیده است .

ص: ۴۹۰

۱- شرح حال طبیب اصفهانی ، صفحه ۸۹-۹۰

۲- در آتشکده آذر ، فوت میرزا نصیر ، أوائل ۱۱۹۲ ذکر شده است

۳- ریحانه الادب ، جلد ۶ ، صفحه ۱۸۶

۴- مجمع الفصحاء ، بخش سوم از جلد دوم ، صفحه ۱۰۳۶

روزی، صدای کسی را (که برای فروختن جنسی صدا میزده) می شنود، به یکی از شاگردان خود می گوید که به این مرد بگو فصد نماید (و رگ بزند) و گرنه، تا یک ساعت دیگر می میرد، ولی آن شخص اعتناء نمی کند، و فردای آن روز معلوم می شود، که آن فروشنده، به دنبال یک غش و بیهوشی مرده است

و هم چنین نقل نموده اند که، روزی نبض زنی را (که برای طبابت به او رجوع نموده بوده) می گیرد، فوراً دست کشیده و می فرماید: بعد از یک هفته حاضر شو، و در جواب حاضرین، که سبب تأخیر معالجه را جویا می شوند، می فرماید: در همان وقتی که نبض آن زن در دستم بود، حائض شد، و طبابت او در حال حیض مناسب نبود، برخی از کسانی که آن زن را می شناختند، در صدد تحقیق بر آمدند، و درستی مطلب را دریافتند (۱).

میرزا نصیر، از اُحفاد میرزا سید علی حسینی «خفاف اصفهانی» بوده، و در جهرم متولد شده، و در همان شهر و نیز شیراز و اصفهان، تحصیل علم نموده، و در تمام علوم عقلی و نقلی، مخصوصاً حکمت طبیعی و الهی و ریاضیات و طب، استاد عصر خود بوده است. وی، در سرودن اشعار فارسی و عربی، دستی توانا داشته، و مثنوی بهاریّه او که به نام «پیر و جوان» شهرت دارد، بسیار تنغز و پر مغز است (۲). حَقّاً که، عیسی دم، و خضر قدم بوده، قطع نظر از نهایت مهارت، اکثر مرضها، به مجرد استفاده از خدمت ایشان، شفا می یافته است (۳).

طرح مسجد و کیل شیراز و تعیین قبله آن نیز، از او بوده است، و نقل گردیده،

ص: ۴۹۱

۱- ریحانه الأدب، جلد ۶، صفحه ۱۸۶

۲- دانشمندان و سخن سرایان فارس، جلد ۴، صفحه ۶۷۲

۳- آتشکده آذر، قسمت شعرای معاصرین

که چند نفر از نوآبان هند، به اشاره بعضی از حکمای آن کشور، به کریم خان زند عرضه داشتند که، یک کرور تومان تقدیم خزانه دولتی می نمایند، و در مقابل، میرزا نصیر حکیم باشی را به آنها واگذارد، کریم خان در پاسخ آنها می گوید: یک کرور تومان شما برای خودتان، و «حکیمک» ما هم، برای خودمان (۱).

میرزا نصیر، پس از سالها اقامت در اصفهان، به شیراز رفت و به علت مراتب علمی برجسته و اخلاق بسیار پسندیده و ممتاز، مجلس او مجمع فضلاء و علمای شیراز گردید، و در جایگاه حکیم باشی و ندیم کریم خان زند، قرار گرفت (۲).

## آثار تألیفی میرزا نصیر

- ۱- أساس الصّحه (در طب) به زبان عربی
- ۲- جام گیتی نما (در حکمت) به زبان فارسی
- ۳- حلّ التّقویم (در نجوم) به زبان فارسی
- ۴- دیوان اشعار، به زبان عربی و فارسی
- ۵- شرح مشکلات قانون بوعلی سینا
- ۶- شفاء الأسقام (در طب)
- ۷- مثنوی پیر و جوان (که مکرّر به چاپ رسیده و شدیداً مورد توجه بوده است)
- ۸- مرآت الحقیقه (در حکمت الهی) به زبان عربی
- ۹- رسالهای درباره رابطه موسیقی و طب (به زبان عربی) (۳).

## ۲۲- جلال الدین محمد طیب

وی، اصفهانی است و کتابی به نام دستور الجلالی، به زبان عربی، در زمینه

ص: ۴۹۲

- 
- ۱- ریحانه الأدب، جلد ۶، صفحه ۱۸۶
  - ۲- ریحانه الأدب، جلد ۶، صفحه ۱۸۶
  - ۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۵۲۴ و ریحانه الأدب و دانشمندان و سخن سرایان فارس

علم طب تألیف نموده ، و از دانشمندان قرن ۱۲ و ۱۳ به شمار آمده است .

نسخه ای از کتاب او به سال ۱۲۷۵ ، به خط ، محمّد حسن بن محمّد رضا نائینی نوشته شده ، و در کتابخانه دانشکده پزشکی تهران ، موجود است (۱).

### ۲۳- میرزا رضا طیب

طیب عالیقدر و مسیحا نفس ، میرزا رضا ، که از شاگردان میرزا نصیر ( طیب نامدار و مشهور ) بوده ، و علاوه بر علم طب ، شاعری ادیب بوده و دیوان شعر داشته ، و از شخصیتها و اعیان اصفهان ، به شمار رفته ، و در سال ۱۲۳۸ قمری وفات یافته است . (۲).

### ۲۴- میرزا أبو الحسن طیب

طیب دانشمند و بزرگوار میرزا أبو الحسن طیب که از اَطِیَاء معروف و ملقّب به سلطان الأَطباء بوده است . وی فرزند میرزا محمّد ملک الأَطباء ، و متوفای پنجم رجب ۱۲۶۹ قمری ، و مدفون در تکیه مادر شاهزاده می باشد (۳).

### ۲۵- میرزا محمّد طیب

طیب حاذق ، و حکیم ماهر ، و فقیه جامع ، میرزا محمّد طیب ، متوفای ۱۲۶۹ هجری و مدفون در تکیه مادر شاهزاده (۴).

ص: ۴۹۳

---

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۴۷۳ ، به نقل از فهرست کتابخانه دانشکده پزشکی تهران

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۳۰۲ . در کتاب سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان ، صفحه ۱۷۹ فوت او را در سال ۱۲۳۷ ذکر نموده است

۳- سیری در تخت فولاد اصفهان ، صفحه ۹۳ ، رجال اصفهان ، صفحه ۱۹۷

۴- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۴۷۳ ، رجال اصفهان ، صفحه ۲۲۸

## ۲۶- میرزا محمد بن احمد طیب

فرزند میرزا احمد سلطان الأطباء، متوفای ۱۲۷۰ قمری و مدفون در تکیه حاج ملا محمد جعفر آبادهای (۱).

## ۲۷- میرزا زین العابدین طیب

طیب حاذق و متبحر، و شاعر ادیب، سید زین العابدین طیب اصفهانی، که از سادات عالیقدر، و از معاصرین رضا قلیخان هدایت (صاحب کتاب مجمع الفصحاء و متوفای ۱۲۸۸ قمری) بوده است. او را (طیبی عیسوی هُش، نه طیب آدمی کُش) توصیف نموده اند، و در اوصاف نیکو و اخلاق فاضله، چهرهای برجسته و معروف داشته است (۲).

## ۲۸- میرزا مهدی طیب

طیب شاعر، و ادیب فاضل، میرزا مهدی اصفهانی، متوفای ۱۳۱۸ قمری، که در نزدیکی بقعه آقامحمد بید آبادی مدفون گردیده است. ماده تاریخ وفات او را چنین سروده اند.

گفت دانش برای تاریخش

از جهان شد ارسطوی ثانی (۳).

## ۲۹ تا ۳۱ - میرزا محمد باقر حکیم باشی و چند چهره از خاندان علمی او در طب

طیب فقیه و حکیم ادیب، حاج میرزا محمد باقر حکیم باشی، متوفای ۱۳۲۷

ص: ۴۹۴

۱- سیری در تخت فولاد اصفهان، صفحه ۵۱

۲- مجمع الفصحاء، جلد ۵، صفحه ۷۲۱، دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۳۹۹ و رساله شرح حال طیب، (ضمیمه دیوان اصفهانی)، صفحه ۲۴

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۵۰۷ و سیری در تخت فولاد اصفهان، ص ۱۹۷



قمری، و مدفون در تخت فولاد، تکیه حاج آقا مجلس (تکیه آقا سید ابو جعفر خادم الشریعه) (۱).

وی، از شاگردان پدرش، حکیم نامدار، آخوند ملا عبدالجواد مدرّس خراسانی (از مدرّسین حکمت و طب و ریاضیات و فقه و اصول در حوزه علمیه اصفهان) بوده، و نیز از محضر فقهاء بزرگ، همچون آقا سید محمد شهبهانی و ملا حسینقلی نویسرکانی و آقا میرمحمد صادق کتابفروش و حاج سید اسدالله بیدآبادی، و دیگر مدرّسین علوم اسلامی و طب و ریاضیات و ادبیات، استفاده علمی برده است.

او نه تنها در معالجه امراض، نفسی عیسوی داشته، بلکه تدریس طب قدیم در آن زمان، منحصر به وی بوده است. وی کتابی درباره وبا، نوشته و به چاپ رسیده است (۲). آن بزرگمرد، طیبی معروف بوده، و «أفلاطون زمان» خوانده شده (۳)، و چنانچه از نام و عنوان و شخصیت علمی اساتید او به دست می آید، جامع علوم عقلی و نقلی، و دارای دانشهای شرعی و نیز طب و ریاضی، بوده است. در خاندان او طب قدیم و جدید، هر دو وجود داشته، چنانچه فرزند او حاج آقا حسن حکمی، متوفای ۱۳۸۹ قمری، از اطباء معروف اصفهان بوده، و نیز برادرش، حاج میرزا عبدالجواد حکیم باشی، متوفای ۱۳۵۰ قمری، طیب مورد توجهی بوده است (۴).

ص: ۴۹۵

۱- سیری در تخت فولاد اصفهان، صفحه ۵۶

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۶۸

۳- رجال اصفهان، صفحه ۸۶

۴- سیری در تخت فولاد اصفهان، صفحه ۵۶، و همچنین دکتر مرتضی حکمی، متوفای ۱۴۰۱ قمری، فرزند حاج میرزا عبدالجواد، از اطباء مشهور و اساتید دانشگاه اصفهان در طب جدید بوده، و تألیفاتی در رشته طب جدید داشته است

### ۳۲- سید علی اکبر صدر الأطباء

عالم فاضل و طبیب ماهر، سید علی اکبر حسینی، ملقب به صدر آل‌اطباء و مؤلف کتاب فصول العلاج، و متوفای ۱۳۳۵ قمری (۱).

وی، از اطبائی بوده که دانشمندان طبّ قدیم و جدید، مقام علمی او را تأیید می نموده اند، و مرحوم جابری أنصاری (دانشمند محقق و مورّخ بزرگوار)، شرحی از کمالات آن بزرگمرد می داده است (۲).

### ۳۳- میرزا محمد حسین طبیب

طبیب فاضل و حاذق، سید محمد حسین نحوی، متوفای ۱۳۴۰ قمری (۳).

وی، فرزند مدرّس نامدار، مرحوم حاج سید مهدی نحوی (که مُدرّس مدرسه شاهزاده ها بوده، و به خاطر تخصّص در تدریس علم نحو، مشهور به نحوی، گردیده بوده است) و نوه مجتهد و فقیه اصولی، مرحوم آقا سید محمد حسن مجتهد، و از احفاد آقا سید محمد تقی مستجاب الدعوه بوده است.

خاندان او، عموماً از علماء و فضلاء بوده اند (۴).

### ۳۴- سید عبد الوهاب «معین الأطباء»

طبیب ماهر و حکیم عارف، سید عبد الوهاب أردستانی اصفهانی، ملقب به «معین الأطباء» که ساکن مدرسه نیم آور بوده، و در سال ۱۲۷۴ متولّد شده، و در

ص: ۴۹۶

---

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۴۳۸ و سیری در تخت فولاد، صفحه ۱۶۴

۲- رجال اصفهان، صفحه ۲۲۰-۲۲۱

۳- سیری در تخت فولاد، صفحه ۲۰۶

۴- دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۲۵۸ - ۲۵۶ - ۲۵۷ - ۲۱۵ - ۲۱۶

سال ۱۳۵۵ وفات یافته است (۱).

وی ، از اطباء معروف به حذاقت بوده ، و محلّ دفن او ، تخت فولاد ، نزدیک قبر فاضل هندی و ملاّ محمّد نائینی (فاضلان) می باشد (۲).

### ۳۵ و ۳۶ - سید مصطفی «مؤید الأطباء» و پدر او

مرحوم سید مصطفی مؤید الأطباء ، متوفای ۱۳۷۳ قمری ، فرزند مرحوم حاج سید محمّد تقی طیب حسینی درب امامی ، از اطباء معروف اصفهان بوده و عصرها در یکی از حجرات مدرسه ترکها (مدرسه امام هادی علیه السلام) طبابت می نموده است (۳).

او از شاگردان حاج میرزا محمّد باقر حکیم باشی بوده ، و در سنّ متجاوز از نود سال وفات یافته ، و در تکیه سید العراقین ، مدفون گردیده است (۴).

### ۳۷ - میرزا محمّد طیب اصفهانی محله نوی

وی ، معروف به زاهدی بوده ، و طبیعی حاذق ، و استادی ماهر به شمار میرفته ، و از چهره های ارزشمند «خاندان علمی مشایخ بید آباد» محسوب می گردد .

او ، در جوار مرحوم آقا محمّد بیدآبادی مدفون گردیده ، و مرحوم آقای سید مصلح الدین مهدوی ، او را از معاصرین شمرده است (۵).

ص: ۴۹۷

۱- سیری در تخت فولاد اصفهان ، صفحه ۱۶۴

۲- رجال اصفهان ، صفحه ۲۲۰ و دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۴۲۵

۳- دار العلم شرق (مخطوط) صفحه ۵۷

۴- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۳۲۴

۵- سیری در تخت فولاد اصفهان ، صفحه ۱۹۶

عالم فاضل، و حکیم جامع، و طبیب حاذق، و عابد زاهد و متقی، حاج میرزا أبو القاسم طبیب، مشهور به، «ناصر حکمت»، متوفای ۱۳۷۱ قمری.

وی، از چهره های برجسته علم طب در قرن چهاردهم بوده، و در معالجه مرض های سخت، مهارتی کم نظیر داشته، و معالجاتی عجیب و غریب و کارساز، انجام می داده است.

استادهای او، میرزا عبدالعلی هرنندی، و میرزا أبو القاسم مدرّس رشتی، و حاج میرزا محمّد باقر حکیم باشی، و میرزا أبو الحسن پاقلعه ای بوده اند، و هم چنین، از درس مرحوم آخوند کاشی، و جهانگیرخان قشقائی (دو چهره مبرز حوزه علمیه اصفهان در حکمت و عرفان) بهره گرفته است (۱).

میرزا أبو القاسم طبیب، کتب طبّ قدیم را تدریس می نموده، و پدر نویسنده کمترین (مرحوم آیه الله، حاج سیّد مرتضی موحد ابطحی قدس سره) از شاگردان جدی و پُرکار آن مرحوم به شمار می رفتند، و چهره منحصری بودند که در اواخر قرن چهاردهم، و اوائل قرن پانزدهم، در اصفهان، طبّ قدیم را با حفظ اصول آن، به کار می گرفتند.

از آثار علمی مرحوم آقامیرزا أبو القاسم (علاوه بر تدریس کتب علم طبّ قدیم) رساله اُفیوتیه میباشد، که آن را به فارسی تألیف نموده است.

آن بزرگمرد، در مدرسه حاج حسن (مقابل امامزاده هاروتیه) در یکی از حجرات آن، تدریس می نموده، و به معالجه بیماران می پرداخته است، تا این که در سال ۱۳۷۱ قمری، در سنّ نود و سه سالگی وفات یافته، و در تکیه آقا

ص: ۴۹۸

شیخ محمد تقی رازی (معروف به تکیه مادر شاهزاده) مدفون گردیده است (۱).

### ۳۹- حاج میرزا علی آقا شیرازی اصفهانی

عالم فاضل و آدیب کامل و مفسّر بارع و فقیه طیب ، مرحوم حاج میرزا علی آقا شیرازی اصفهانی • وی ، از چهره های برجسته حوزه علمیه اصفهان در زهد و تقوی و خداشناسی و خدا پرستی ، و از مفاخر علمی این شهر در زمان خود ، به شمار می رفته و می رود .

او، از محضر بزرگانی همچون : آقا شیخ عبدالحسین محلاتی ، و بزرگ مرجع جهانی شیعه ، آیه الله العظمی ، حاج آقا حسین بروجردی ، ( در زمان تحصیل و تدریس آن بزرگوار در حوزه علمیه اصفهان ) و همچنین فقهاء و حکماء نامداری ، همانند : آقا سید محمد باقر درجه ای ، و آخوند کاشی ، و نیز طیب عالی مقام ، مرحوم میرزا محمد باقر حکیم باشی ، بهره مند گردیده ، و در حوزه علمیه نجف ، از درس مراجع و زعماء بزرگی ، همانند : آخوند خراسانی ، و آقا سید محمد کاظم یزدی ، و شیخ الشریعه اصفهانی بهره مند گردیده ، و از جمله مفاخر علمی و معنوی به شمار آمده است .

آن بزرگمرد ، پس از مراجعت به اصفهان ، به تدریس در حوزه علمیه و طبابت ( با اصول طب قدیم ) و ارشاد مردم ( با استفاده از سنگر منبر ) اشتغال یافته ، و به راستی ، در درمان روح و جسم مردم ، از نفس عیسوی برخوردار بوده است . درس نهج البلاغه او ( همراه با گریه و توجه معنوی ) إلهام بخش دلها ، و مواعظ شافیة او ، شفا بخش جانها بوده ، و علماء و فضلاء ، و نیز عموم مردم ، تحت تأثیر نفس قدسی او ، قرار می گرفته اند .

ص: ۴۹۹

آن بزرگوار، در شب ۲۴ جمادی الاولی ۱۳۷۵ قمری، بدرود حیات گفتند، و جنازه ایشان با احترام فراوان، با حضور علماء و صلحاء، و بالأخص سادات و ذراری رسول خداصلی الله علیہو آله (۱) در مقبره شیخان قم دفن گردید.

#### ۴۰- طبیب جامع، آیه الله موحد ابطحی، آخرین چهره علمی طب قدیم در اصفهان

مفسر ادیب، و فقیه طبیب، و خطیب خیر، و مدرّس جامع، مرحوم آیه الله، حاج سید مرتضی موحد ابطحی اصفهانی، متوفای ۱۴۱۳ قمری.

ایشان، از چهره های نمونه، در تاریخ حوزه علمی اصفهان به شمار می روند، و با حدود هفتاد سال تدریس در حوزه علمیّه و منزل شخصی (در زمینه های فقه و اصول و حکمت و منطق و معانی و بیان و نحو و صرف و طب و هیئت و ...) و تربیت تمامی اولاد پسر خود (که هفت نفرند)، در مسیر علم و روحانیت، و ملّس نمودن تمامی آنها به لباس روحانیت (در دوره حکومت طاغوتی پهلوی اول و دوم، با تمام مخالفت هائی که در آن زمان، با روحانیت انجام می گرفته، و علماء بزرگ را به ترک لباس روحانیت وا می داشته اند)، چهره ای برجسته در نیمه دوم قرن چهاردهم، به شمار می روند.

معظم له، با تبلیغ و ارشاد مردم، در مجالس عمومی، و نیز با سخنرانی های علمی و پرشور و نافذ (تا آنجا که علماء بزرگ، در مجالس ایشان حضور می یافتند، و از سخنان علمی، و در عین حال با معنویت و نافذ و مؤثر ایشان،

ص: ۵۰۰

۱- آن بزرگمرد وصیت نموده بودند که، چهل نفر از سادات، بالای سیر جنازه آن بزرگوار، شهادت بدهند که ایشان، سادات و ذریه های حضرت رسول اه، و حضرت صدیقه طاهره علی را، دوست می داشته اند

بهره می گرفتند) و دیگر آثار و برکات وجودی، شخصیتی مورد توجه در عالم روحانیت محسوب می گردند.

آن بزرگمرد، از شاگردان درس طبیب حکیم و حاذق، مرحوم حاج میرزا أبو القاسم ناصر حکمت بوده اند، و سالها، خود ایشان به تدریس کتب طب، همانند: «شرح نفیسی»، «قانونچه» و... می پرداختند، و در معالجه و طبابت عملی، آثار عجیب و غریب، از ذوق و ابتکار و علم و دانش و تجربه خود، ظاهر می ساختند، و در تهیه داروهای مرکب و مهمی که در جانی وجود نداشت و کسی قادر به فراهم آوردن مفردات و ترکیب و آماده سازی آنها نبود، با تلاشی بی نظیر، و همتی والا، و پشتکاری خستگی ناپذیر، اقدام می نمودند، و چه بسا ماده دارویی (اعم از دانه ها یا ریشه ها یا برگهای گیاهان و مواد معدنی و حیوانی که از دیگر کشورها تهیه می نمودند، و در مهیا نمودن معجونی مؤثر، یا دارویی شفابخش، مورد بهره برداری قرار می دادند.

ایشان از طریق گرفتن نبض، و دقت در چگونگی ضربان آن، بسیاری از نکات جالب را درباره بیمار، و حالات و وضعیت جسمی و روحی مریض، تشخیص میدادند، که مطابق با واقع بود، و موجب شگفتی و حیرت می گردید.

از معالجات جالب و بسیار ارزشمند ایشان، علاج دو بیماری از مفسر بزرگ قرن چهاردهم، و فیلسوف نامدار و عظیم الشان، علامه عصر، مرحوم آیه الله، حاج سید محمد حسین طباطبائی قدس سره (صاحب تفسیر عظیم الشان المیزان) میباشد، که یکی مربوط به زبان، و دیگری مربوط به ریشه دست آن بزرگمرد بود، و اولی، خطر بزرگی برای بیان و تدریس، و دومی، موجب تعطیلی فعالیت قلمی و تألیفات آن علامه عظیم الشان گردیده بود، و در اثر معالجه مؤثر معظم له بیماری زبان، به کلی برطرف گردید، و بیماری ریشه، آنقدر بهبود یافت، که

پس از آن درمان ، مجدداً فعالیت قلمی را از سر گرفتند ، و علامه طباطبائی فرموده بودند :

آن شبی که توانستم پس از مدتی ناتوانی ، قلم به دست بگیرم و بنویسم

گویا تولدی جدید یافتم

و بدین وسیله ، آیه الله موحد ابطحی ، خدمت بزرگی به ادامه تدریس پر برکت ، و تألیفات گرانقدر علامه طباطبائی نمودند ، و مانع توقف آن همه آثار و برکات علمی و قلمی ، در زمینه علوم اسلامی ( بالأخص تفسیر قرآن کریم ) گردیدند . این طیب جسمانی و روحانی ، آخرین چهره علمی طب قدیم ، در اصفهان ، و حوزه علمیه آن ، ( در دوره اخیر ) به شمار می روند ، و درباره آثار و شخصیت علمی و اجتماعی ایشان ، در بخش ( خاندانهای علمی اصفهان ) و نیز در بخش ( بقعه های علمی اصفهان ، « بقعه جعفریه » ) بحث و بررسی داریم .

در طلوع دولت مهدی «عج» امام منتظر

تا شود عالم سرار گلستان ای اصفهان

عده یاران آن مولا به هنگام قیام

سیصد است و سینزده پاکیزه جان ای اصفهان

زان گروه حق طلب جمعی ز فرزندان او است

در رکاب حضرت صاحب زمان ای اص اصفهان

ص: ۵۰۲



اشاره

حوزه ها و مدارس علمیّه

در دیگر شهرها و روستا های

اُستان اصفهان

ص: ۵۰۳



## حوزه ها و مدارس علمیّه در دیگر شهرهای استان اصفهان

در بسیاری از شهرهای استان اصفهان ، حوزه های علمیّه و یا مدارس علمیّه ای از دیر زمان ، یا در دوره های اخیر وجود داشته و دارد ، که هر کدام ، دارای آثار و برکات علمی و دینی قابل توجه ، و أحياناً ، اصولی و حیاتی بوده و هستند، و پایه گذاری شخصیت علمی و تقوایی بسیاری از چهره های درخشان عالم تشیّع (که در حوزه های مهمّ شیعه ، همانند : نجف ، کربلاء اصفهان ، قم و ...، به مقامات عالیّه نائل گردیده اند ) در همین حوزه ها بوده است

تاریخ و سابقه حوزه علمیّه بعضی از این شهرها ، به چندین قرن می رسد ، و شمار مدارس و علماء برخاسته از آنها ، بسیار جالب و موجب سربلندی شیعه ، و پیروان مکتب أهل البیت علیهم السلام می باشد، و ما در این بخش ، به ترتیب حروف الفباء، از این شهرها و حوزه های ارزشمند آنها ، یاد مینمائیم :

### ۱- أردستان

شهری است ، بین کاشان و اصفهان ، با فاصله یکصد و ده کیلومتر از مرکز استان (۱). أردستان، شهری است بسیار قدیمی ، که قرن‌ها قبل از اسلام ساخته شده ، ولی شهر قدیمی در ۲۴ کیلومتری شمال شهر فعلی بوده است .

ص: ۵۰۵

---

۱- فاصله یادشده ، با توجه به جاده ای است که اخیراً ایجاد شده است

مذهب مردم آردستان ، تشیع ، و زبان آنها ، فارسی می باشد .

مقدسی در أحسن التّقسیم ، آردستان را شهری بزرگتر از دیگر شهرهای منطقه ، و دارای بازارهای زیبا، و جامعی آباد، و پیران و فقیهان ، معرفی نموده ، و نوشته است: در سرزمینی سفید ، همچون آرد، ساخته شده ، و نام آردستان هم ، از آن گرفته شده است (۱).

و یاقوت حموی ، أهل آردستان را با وصف ( كُلُّهُمْ أَصْحَابُ الرَّأْيِ = همه آنها صاحب نظرند) ستوده ، و نوشته است :

طائفه ای از أهل هر علم در هر فنی ، منسوب به آردستان می باشند (۲).

### مسجد إمام حسن علیه السلام در آردستان

چنانچه از « تذکره آلائمه » علامه مجلسی ، و « خزائن » نراقی بر می آید ، إمام حسن علیه السلام در موقع مراجعت از قم یا یزد، در مسجدی که به نام آن حضرت نامیده میشود ، نماز خوانده اند ، و از این رو، این مسجد به نام آن حضرت نامیده شده است ، و قدیمی ترین مسجد و مناره آردستان ، همین مسجد و مناره آن می باشد ، و محلّ این مسجد ، در بازار ، محلّه کبودان واقع شده است (۳).

### إمامزاده های متعدّد، و جلوه های علم و تشیع در آردستان

وجود إمامزاده های متعدّد ، همانند : إمامزاده اسماعیل علیه السلام در محلّه محال و إمامزاده محسن و إمامزاده قاسم علیهما السلام در محلّه راه میان ، و إمامزاده إبراهیم، در

ص: ۵۰۶

۱- أحسن التّقسیم ، جلد ۲، صفحه ۵۸۱

۲- معجم البلدان ، جلد ۱ ، صفحه ۱۴۶

۳- آشکده آردستان ، جلد ۱ ، صفحه ۲۸

محلّه باب الرّحی ، و إمامزاده موسی علیه السلام در محلّه کبودان ، همه و همه نشانه سابقه تشیع در اردستان می باشد .

وجود علماء و محدّثین بزرگی از شیعه از أهل اردستان ، زمینه تشیع را در این شهر آماده مینموده ، و اوج ظهور و تجلّی شیعه در این شهر ، در دوره آل بویه و از دوره صفویّه به بعد می باشد ، بطوری که در قرون اخیر ،

اردستان خاستگاه علماء و فقهاء و حکماء شیعه بوده است .

و مخصوصاً هم جواری اردستان و زواره (که مدینه السّادات = شهر سادات و ذراری پیامبر صلی الله علیه و آله بوده) زمینه تشیع را در این شهر ، در طول تاریخ ، فراهم مینموده است ، و مخصوصاً در قرن یازدهم ، و اوائل قرن دوازدهم ، علم و دانش و شعر و ادب و فرهنگ تشیع ، در این شهر رونق زیاد یافته ، و عدّه زیادی از علماء و بزرگان دین ، از اردستان و اطراف آن ، همانند : زواره ، مهرآباد ، ماه آباد ، سرابّه کچو ( زادگاه شهید آیه الله ، سیّد حسن مدرّس ) کچو مثقال ، ظفرقند و ... ، برخاستند ، و در شهرهای گوناگون ، درخشیدند (۱).

### مدارس علمیّه اردستان

در مدرسه قدیمی در اردستان وجود داشته ، و یک مدرسه نیز ، اخیراً إحداث شده ، که ذیلاً توضیح میدهیم:

### الف - مدرسه حاج حسین نورالدین

مدرسه ای است در شمال غربی مسجد جامع قدیمی اردستان ، که دارای

ص: ۵۰۷

---

۱- در کتاب ( حوزه های علمیّه شیعه ) ، در قسمت مربوط به اردستان و زواره ، از سابقه علمی و دینی و تشیع این دو شهر و توابع آنها ، و نیز از چهره های علمی و خاندانهای علمی منطقه ، به تفصیل بحث کرده ایم

حجراتی است به سبک قدیم ، و مرحوم حاج حسین نورالدین أردستانی ، که از مردان نیکوکار بوده ، آن را ساخته ، و موقوفاتی برای آن قرار داده است . تاریخ وقف و خاتمهٔ بناء مدرسه ( طبق وقفنامه ) ، دهم شعبان ۱۰۶۹ قمری میباشد . این مدرسه دو طبقه است ، و در زمان مرجعیت عامیهٔ مرحوم آیه الله العظمی ، آقای حاج آقا حسین بروجردی ، متوفای ۱۳۸۰ قمری ، به وسیلهٔ مرحوم حجه الاسلام ، حاج میرزا علی طباطبائی نژاد ( طبائی ) تعمیر شده ، و محل اسکان و تحصیل طلاب گردیده است . پس از آن ، در زمان مرجعیت مرحوم آیه الله العظمی ، آقای حاج سید محمد رضا گلپایگانی با ، مرحوم حاج شیخ محمد یاسینی همدانی ، که از طرف آیه الله بروجردی و آیه الله گلپایگانی ، نمایندگی داشته ، فعالیت‌های چشمگیری در مبارزهٔ با فرقه‌های گمراه ، و نیز احیاء دین انجام داده و مدرسه را فعال کرده ، و طلاب زیادی را جذب حوزهٔ علمیهٔ نموده است ، ولی در حال حاضر ، فعالیت حوزه ای در آن انجام نمی گیرد

### ب - مدرسه طاهریه

مدرسه ای است قدیمی ، که از آثار میرزا محمد طاهر أردستانی بوده ، و در حکومت پهلوی دوم تخریب گردیده ، و به صورت مدرسهٔ علوم جدید درآمده ، و به نام مدرسهٔ راهنمایی سینا می باشد ، و محل آن ، محلهٔ فهره ، جنب مقبره و بقعهٔ پیر مرتضی علی أردستانی ، عارف مشهور قرن نهم می باشد (۱) .

### ج - مدرسهٔ علمیهٔ جدید التّاسیس

در سال ۱۳۶۵ شمسی زیر نظر امام جمعهٔ شهر ، آقای حاج شیخ محمد باقر

ص: ۵۰۸

شریعتی ، سازمان اوقاف و امور خیریه ، مدرسه ای را شروع به تأسیس نموده ، که در زمان بازدید نویسنده از شهر و مدارس اردستان ( در سال ۱۳۶۷ شمسی) فعالیت ساختمانی آن ، به پایان نرسیده بود .

این مدرسه دو طبقه است و دارای ۲۰ حجره و ۲ مَیْدرس می باشد ، و ساختمان مدرسه در طرف شرقی و غربی و جنوبی قرار گرفته ، و در طرف غربی مدرسه ، در پشت حجره ها ، یک سالن بزرگ برای اجتماعات دینی و علمی ساخته شده است ، و محلّ مدرسه ، کوچه محله بازار میباشد .

### کچو منقال

از روستاهای تابع اردستان ، و در ده کیلومتری آن قرار گرفته ، و بسیار قدیمی است ، و جمعی از سادات طباطبائی و سادات حسینی ، و نیز برخی از علماء منطقه اردستان ، منسوب به این روستا ( کچو منقال ) می باشند .

### مدرسه علمیّه حاج میرزا علی

در حدود یکصد سال قبل ، یکی از علماء فعال و با تقوی ، مرحوم حاج میرزا علی طبائی ( از خاندان قدیمی و مشهور طباطبائی اردستان ) مدرسه ای تأسیس نموده ، که هنوز باقی است . در این مدرسه ، علاوه بر طلبه ها ، که اشتغال به تحصیل داشته اند در ( دروس مقدماتی حوزوی ) جلسات دینی برای عموم مردم تشکیل میشده ، که به فراگیری اصول و فروع و اخلاق دینی مشغول می گردیده اند .

در دوره حکومت پهلوی اوّل ، که اکثر حوزه های علمیّه ، به تعطیلی یا رکود ، کشیده شده بوده است ، این مدرسه به دلیل دورافتاده بودن ، و نیز به خاطر عظمت شخصیت مؤسس آن ( مرحوم حاج میرزا علی طبائی ) تعطیل

نگردیده، و در آن دوره خفقانی، نقش ارزشمندی در حفظ آثار دینی و حوزه ای، در منطقه داشته است. محلّ مدرسه، در کنار حسینیّه و مسجد محل میباشد، و کتابخانه ای داشته، که کتابهایش پراکنده گشته، و مدرسه یاد شده، فعلاً در اختیار برخی از ذرّیّه مؤسس مدرسه می باشد، و فعّالیت درسی در آن انجام نمی گیرد.

مرحوم حاج میرزا علی طبائی، از شاگردان آخوند کاشی (متوفای ۱۳۳۲ قمری) بوده، و در نماز شب، حال و روحیه و گریه عجیبی داشته، و فعّالتهای دینی او در منطقه، بسیار مؤثر بوده، و عاملی مؤثر برای حفظ و نشر احکام و آثار دینی به شمار می رفته، و تمامی پسران آن بزرگمرد، (که شش نفرند) از علماء و روحانیین میباشند(۱).

## مهر آباد

از روستاهای تابع اردستان می باشد، و جمعی از سادات و علماء منطقه اردستان، مقیم یا برخاسته از آن می باشند.

خاندانهای علمی متعدّدی، همانند: طایفه ملا علی بن ملا رفیع بن ملا ظهیر مهرآبادی (۲). و طایفه ملا علی صادق بن ملا علی مندی (که از معروفین زمان خود، و از علماء قرن سیزدهم بوده) و نیز طایفه شیخ الإسلام (طایفه ملا

ص: ۵۱۰

---

۱- مطالب فوق، در بازدید نویسنده از مدرسه، در سال ۱۳۶۷ شمسی، و در ضمن تحقیقات محلی، از علماء و ساکنین کچو مثقال و اردستان، به دست آمده است

۲- ملا ظهیر مهرآبادی، معاصر و معاشر با علامه مجلسی بوده، و از نسل او دانشمندان زیادی برخاسته اند، که از متأخرین آنها، دانشمند محقق، أبو القاسم رفیعی مهرآبادی (مؤلف کتاب آثار ملی اصفهان و آتشکده اردستان) می باشد



مرتضی) که مربوط به دوره قاجاریه بوده اند، از این روستا می باشند. گرچه مدرسه علمیه رسمی در این محل نبوده، ولی علماء آن، در خانه های شخصی، فرزندان خود و دیگر طالبین علم را، در مراحل اولیه تحصیلی، تربیت نموده، و برای تکامل علمی، به حوزه های علمیه بزرگ، اعزام می نموده اند (۱).

در اطراف اردستان و بسیاری از شهرها، همانند مهرآباد، همین وضعیت حاکم بوده است.

## ۲- پوده «فوده»

واقع در شمال غربی شهرضا، و در بیست و پنج کیلومتری آنست، و از قدمت و سابقه قابل توجهی برخوردار می باشد. مسجد جامعی دارد قدیمی، که به نام مسجد جامع بازار خوانده می شود، و منبری از سنگ سیاه یک پارچه دارد، که تاریخ ساخت منبر، به صورت شعری روی سنگ سبز حجاری شده است به این شکل:

به تاریخ او گفت صاحب دلی

«مقام رسول است، جای علی» (۲)

در نزدیکی این مسجد، مدرسه ای بوده، که فعلاً سگوهای سنگی او باقی است، و حجرات و حیاط مدرسه، تبدیل به خانه شده است (۳).

## ۳- خاتون آباد

یکی از روستاهای شرق اصفهان، و در نزدیکی خوراسگان میباشد، و علماء بسیار زیادی که خاندان علمی و بزرگ خاتون آبادی را تشکیل

ص: ۵۱۱

---

۱- به کتاب آتشکده اردستان مراجعه شود

۲- که به حروف أبجد مطابق ۱۰۶۲ میباشد

۳- اظهارات آیه الله، آقای حاج سید اسماعیل هاشمی دامت برکاته

میدهند ، منسوب به این محل می باشند .

## مدرسه علمیّه خاتون آباد

مرحوم میرزا باقر باب الدّستی ، پدر زن میر عماد الدّین محمّد حسینی(۱) (جدّ سادات خاتون آبادی ) برای داماد خود ، و به منظور فعالیت‌های علمی او ، مدرسه ای را در خاتون آباد بنیان نهاد (۲).

## ۴- خمینی شهر

شهری است که در منطقه ماربین ، و در ۱۲ کیلومتری شمال غربی اصفهان قرار گرفته ، و از سه ناحیه متصل به هم ، به نامهای وَرْئُوسفادران و فُروشان و حُوزان تشکیل گردیده است (۳). این شهر ، قبلاً به نام سِدّه و سپس به نام همایونشهر بوده ، و اخیراً ( پس از انقلاب اسلامی) توسعه یافته، و به نام خمینی شهر ، نامیده شده است، و از سابقه طولانی برخوردار میباشد ، و گفته میشود که قدمت آن به زمان ساسانیان می رسد (۴).

مردم این شهر و روستاهای اطراف آن ، از نظر دینی ، بسیار متعهد و متعصب می باشند ، و در اعتقاد و پای بندی به مکتب تشیع و مذهب أهل البیت علیهم السلام ، و حفظ و اجراء شعائر دینی مکتب ولایت ، زبانزد خاص و عام گردیده اند .

ص: ۵۱۲

---

۱- میر عماد الدّین محمّد ، اوّل کسی است ، که از خاندان خاتون آبادی ، از قم به اصفهان آمده ، و او فرزند میر سیّد حسن نقیب است ، و فرزندش میر محمد اسماعیل ، مدفون در بقعه گورت از بلوک جی و معروف به شاه مراد می باشد. ( دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۹۰)

۲- دار العلم شرق ( مخطوط ) ، صفحه ۹۰ ، ورقه ضمیمه

۳- جغرافیای کامل ایران ، جلد ۱ ، صفحه ۳۳۳

۴- جغرافیای کامل ایران ، جلد ۱ ، صفحه ۳۳۳

این منطقه، از دیر زمان، محلّ تربیت و نشو و نماى علماء دین و مردم با ایمان بوده، و بسیاری از علماء بزرگ، از این منطقه برخاسته، و در حوزه های علمیه بزرگ، همانند: اصفهان، نجف، قم و مشهد، درخشیده اند.

مرحوم آیه الله حاج شیخ عبد الجواد سیدللی (جبل عاملی)، و مرحوم آیه الله، حاج سید مصطفی مهدوی هرستانی، و مرحوم آیه الله، حاج شیخ أحمد فیاض، و مرحوم آیه الله، حاج شیخ علی مشکوه سدهی، و مرحوم آیه الله، آقا میر سید علی سدهی، (معروف به حاج آقا بزرگ سدهی) و دو فرزندشان، مرحوم آیه الله، حاج آقا امام امامی سدهی، و مرحوم آیه الله، حاج آقا نورالله امامی بدهی و فرزند ایشان، شخصیت معاصر، آیه الله، حاج سید مهدی امامی سدهی دامت برکاته، و مرحوم آیه الله، حاج سید علینقی فیض الإسلام (صاحب شرح و ترجمه مشهور نهج البلاغه، و نیز شرح و ترجمه قرآن مجید، و صحیفه سجّادیّه) از علماء مشهور و برجسته دوره؛ اخیر این شهر، می باشند.

خاندانهای علمی برجسته ای در این منطقه ظهور یافته اند، همانند: خاندان علمی میر محمد اشرف، معروف به خاندان میردامادی (که سرسلسله آنها، مرحوم میر محمد اشرف، از علماء جلیل القدر و برجسته و صاحب تألیفات زیاد، و از جمله کتاب فضائل السادات بوده است (۱)) و خاندان علمی امام سیدهی، و خاندان علمی امام جمعه سیدهی، و خاندان علمی حجازی سیدهی، و خاندان علمی حجازی سیدهی، و خاندان علمی مصطفوی، و خاندان علمی

ص: ۵۱۳

---

۱- در بخش (خاندانهای علمی اصفهان «خاندان علمی میردامادی») در باره این شخصیت بزرگ، بحث و بررسی داریم

دیباچی، و خاندان علمی احمدی، که در هر کدام، عده ای از علماء و فضلاء نشو و نما یافته، و منشاء آثار علمی و دینی ارزشمند (و در مواردی چشمگیر) بوده اند (۱).

## مدارس علمیة خمینی شهر

### الف - مدرسه علمیة مشکوه

اولین مدرسه علمیة این شهر، در زمان مرجع جهانی شیعه، آیه الله العظمی، آقا سید ابوالحسن اصفهانی قدس سره، به وسیله مرحوم آیه الله حاج شیخ علی مشکوه بدهی (۲) تأسیس گردیده، و سپس در زمان آیه الله العظمی، آقای حاج آقا حسین طباطبائی بروجردی قدس سره، توسعه و تکمیل یافته است.

این مدرسه واقع در محله خوزان میباشد، و یک طبقه است، با ده حجره، و برکات علمی و دینی این مدرسه و طلاب آن، بسیار ارزشمند می باشد.

مرحوم آیه الله مشکوه، در تعلیم و تربیت طلاب مدرسه، سعی و کوشش فراوان داشتند، و طلاب آن، در ادامه تحصیلات خود، به حوزه علمیة قم یا اصفهان هجرت می نمودند، و هنوز این مدرسه دایر میباشد.

### ب - مدرسه علمیة امامیه

این مدرسه در محله فروشان خمینی شهر می باشد، و در حدود سال ۱۳۵۰

ص: ۵۱۴

---

۱- برای آشنائی بیشتر با شخصیت‌های علمی این شهر، به گنجینه دانشمندان، جلد ۷، از صفحه ۳۴۴ تا ۳۵۵ مراجعه شود، و ما

نیز در کتاب (حوزه های علمیة شیعه) انشاء الله در بخش مربوط به این شهر، به تفصیل بحث خواهیم نمود

۲- درباره مرحوم آیه الله مشکوه، در بخش (چهره های علمی دوره اخیر اصفهان) بررسی نسبتاً مفصّلی داریم

شمسی تأسیس گردیده ، و دارای سیزده حجره در یک طبقه می باشد ، و ساختمان آن در دو طرف قرار گرفته است . در زمان بازدید از مدرسه ، ده نفر طلبه ، در آن اشتغال به تحصیل داشتند ، سرپرست مدرسه ، یکی از علماء میرز شهر ، حضرت حجّه الإسلام و المسلمین ، آیه الله ، آقای حاج سید مهدی امامی سدهی دامت برکاته می باشند .

#### ج - مدرسه حضرت حجّه «عج»

این مدرسه واقع در محله آندوان خمینی شهر می باشد ، و ۱۰ حجره دارد ، و در سال ۱۳۵۲ شمسی ، به وسیله مرحوم آیه الله ، آقای حاج آقا حسین خادمی قدس ، و با همکاری عده ای از روحانیین خمینی شهر ، آقایان : تمنائی و سلطان مهدیان و مرحوم أصغری و ... ، افتتاح گردیده است .

#### د - مدرسه باقر العلوم علیه السلام

این مدرسه در محله آدریان می باشد ، و در سال ۱۳۹۲ قمری ، تأسیس گشته است . مدرسه یاد شده ، یک طبقه است ، و دارای ۱۰ حجره و یک کتابخانه می باشد ، و زمین آن هشتصد متر ، و ساختمان آن در چهار طرف قرار گرفته ، و محلّ فعالیت در سی و سکونت طلاب می باشد .

#### ۵- خوانسار

شهری است در چهار فرسخی گلپایگان ، و مرکز شهرستان خوانسار می باشد ، و به علت کوهستانی بودن منطقه ، از آب و هوای بسیار مطلوبی برخوردار است ، و مناظر طبیعی و دیدنی آن ، جلب توجه می نماید . گلستان کوه ( در مسیر جاده اصفهان - خوانسار ) و پارک سرچشمه خوانسار ، از مناظر دیدنی این شهرستان میباشد .

سابقه تاریخی شهر خوانسار، به بیش از یک هزار سال می رسد (۱) ولی در گذشته زمان، به صورت قصبه و روستا بوده، و در سالهای اخیر، به صورت شهر در آمده است.

از زمان صفویه به بعد، یکی از مراکز فعالیت علمی و دینی، و زادگاه و محلّ طی نمودن مراحل اولیه تعلیم و تربیت، و تکامل چهره های بزرگ علمی و مرجعیت شیعه گردیده، تا آنجا که، چهره های بزرگ و نامداری از این شهر، در مراکز بزرگ علمی و اجتماعی، همانند: اصفهان، نجف، کربلاء، سامراء، مشهد مقدس، تهران و ...، درخشیده، و با عنوان مرجع تقلید، زعیم حوزه علمیه، محقق و مؤلف، استاد و مدرّس حوزه علمیه، پیشوای دینی و ...، به حفظ و ترویج دین پرداخته، و نه تنها به عالم علم و دین خدمت نموده، بلکه نام شهر خوانسار را، بر سر زبانها جاری ساخته اند.

### خاندانهای علمی خوانسار

خاندانهای علمی بزرگی در شهر خوانسار ظهور یافته اند ( اعمّ از سادات و ذراری پیامبر صلی الله علیه و آله یا غیر سادات )، که هر کدام از آنها، در برگیرنده چهره های مبرز علمی بوده است، همانند:

خاندان علمی آقا حسین خوانساری، خاندان علمی صاحب روضات الجات، خاندان علمی سید مهدی موسوی خوانساری ( جدّ آیه الله العظمی، خوانساری ) خاندان علمی علوی خوانساری، خاندان علمی ابن الرضا خوانساری، خاندان علمی غضنفری خوانساری، خاندان علمی صفائی خوانساری، خاندان علمی حاج شیخ أحمد خوانساری ( پدر آیه الله،

ص: ۵۱۶

حاج شیخ أبو الفضل خوانساری ( و ...

### چهره های بزرگ علمی برخاسته از خوانسار

در طول چهار قرن ، شخصیت‌های برجسته ای از خوانسار ، در حوزه های بزرگ علمی شیعه ، یا در شهر خوانسار ، درخشیده اند که ذیلاً به چند چهره از آنها ، اشاره می نمائیم (۱):

۱- محقق مطلق و نامدار ، استاد الکَلّ فی الکَلّ، نابغه بزرگ ، و جامع معقول و منقول ، آقا حسین خوانساری ، متوفای ۱۰۹۸ یا ۱۰۹۹ ، که علماء بسیاری در علوم عقلی و نقلی ، را تربیت نموده ، و تألیفات بسیاری را در زمینه فقه و تفسیر و فلسفه و کلام و نحو و هیئت و ... ، از خود به جای گذاشته است . صاحب حدائق درباره ایشان می گوید : حقّ وی در دین مقدّس اسلام ، بزرگترین حقوق علماء اسلام می باشد (۲) .

ص: ۵۱۷

۱- شمار علماء و مجتهدین خوانسار، و نیز طلاب خوانساری ، تا حدّی بوده که گفته می شود : در ۵۰-۶۰ سال قبل ، ۷۰ مجتهد در این شهر بوده اند، و کوجه ای است به نام چهل آخوند ، و در زمان آقا نجفی اصفهانی ، ۴۰۰ طلبه خوانساری در حوزه اصفهان اشتغال به تحصیل داشته اند اظهارات آیه الله ، آقای ابن الرضا ، مؤسس حوزه علمیه ولی عصر خوانسار ) ، و برای آشنائی بیشتر، به قسمتهای مختلف اعیان الشیعه ، طبقات حاج آقا بزرگ طهرانی ( از قرن یازدهم تا چهاردهم ) الذریعه الی تصانیف الشیعه، ریحانه الأدب ، گنجینه دانشمندان در عموم مجلّات ( بالأخص جلد پنجم ، از صفحه ۴۶ تا ۶۰ ، دانشمندان و بزرگان اصفهان ، رجال اصفهان ، مکارم الآثار ، سیری در تخت فولاد اصفهان ، بیان آلمفاخر ، تاریخ علمی - اجتماعی اصفهان و ... ، مراجعه شود، و ما نیز به خواست خداوند متعال ، در بخش مربوط به خوانسار ، از کتاب « حوزه های علمیه شیعه » به بررسی کاملتری می پردازیم

۲- آشنائی با حوزه های علمیه شیعه ، جلد ۱ ، صفحه ۳۷۸

۲- حکیم محقق و فقیه نامدار ، و متکلم مدقق و اصولی عظیم المقدمار ، مولی محمد خوانساری، معروف به ( آقا جمال خوانساری )، فرزند آقا حسین خوانساری، و ملقب به « جمال الدین و جمال المحققین و محقق خوانساری » و متوفای ۱۱۲۱ یا ۱۱۲۵ . آثار علمی و قلمی او ، همانند : حاشیه بر شرح المعه و ...، نشانه ذوق ، سلیقه ، نبوغ و تبخر او میباشد .

۳- علامه محقق ، آقا سید مهدی موسوی خوانساری ( جد مرحوم آیه الله العظمی ، حاج سید احمد خوانساری ) که از شاگردان محقق قمی بوده ، و در نجف اشرف دفن گردیده (۱) و سرسلسله یک خاندان بزرگ علمی میباشد .

۴- چهره نامدار و بزرگ علم و معنویت ، حاج میرزا ابوالقاسم ، جعفر ، معروف به ، میرکبیر موسوی ( سرسلسله خاندان علمی بزرگ موسوی خوانساری و جد بزرگوار صاحب روضات و ... ) متوفای ۱۱۵۸ ، که قبرش در قودجان گلپایگان ، مزاری معروف می باشد (۲).

۵- علامه بزرگوار ، میر سید زین العابدین خوانساری ، پدر و مربی دو چهره نامدار و بزرگ علمی ، آقا سید محمد باقر خوانساری ( صاحب روضات الجنات ) و آقا میرزا محمد هاشم چهارسوقی ( صاحب مبانی الاصول ) وی ، در سال ۱۲۷۵ قمری و به نوشته ریحانه الأدب ، در سال ۱۲۷۶ ، وفات یافته و در تخت فولاد اصفهان مدفون گردیده است .

۶- فقیه اصولی و محقق رجالی ، و ادیب جامع ، آقا سید محمد باقر موسوی خوانساری چهارسوقی ، معروف به صاحب روضات ، که از مفاخر علمی خوانسار

ص: ۵۱۸

۱- گنجینه دانشمندان ، جلد ۵، صفحه ۴۹

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۱۷۵



و اصفهان ، بلکه جهان شیعه می باشد ، و خود ، سرسلسله خاندانی بزرگ و علمی قرار گرفته است .

۷- فقیه و محقق و اصولی مدقق ، و جامع معقول و منقول ، و صاحب تألیفات فراوان ، مرحوم آقا میرزا محمد هاشم چهارسوقی خوانساری ، متوفای ۱۳۱۸ قمری . وی برادر صاحب روضات ، می باشد .

۸- فقیه و اصولی و محقق نامدار ، حاج شیخ موسی خوانساری ، صاحب تقریرات درسهای مرحوم نائینی و حاشیه بر مکاسب ، و متوفای ۱۳۶۳ ، وی ، از چهره های علمی نامدار حوزه نجف اشرف ، در نیمه قرن چهاردهم بوده است

۹- فقیه و مرجع بزرگ شیعه ، و یکی از زعمای حوزه علمیه قم ، پس از ارتحال مرحوم آیه الله العظمی ، آقای حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی ، سید آلفقهاء و المجتهدین ، علم التقوی و أسوه الزهد ، مرحوم آیه الله العظمی ، حاج سید محمد تقی خوانساری ، متوفای ۱۳۷۱ قمری ، که در سلسله نسب آن بزرگمرد ، تا امام موسی بن جعفر علیه السلام ، چهره های مبرز علم و تقوی ، متعدد بوده اند ، و شخص ایشان در علم و تقوی از مفاخر شیعه و حوزه علمیه قم ، و شهر خوانسار ، به شمار می رود .

۱۰- فقیه و مرجع عالیقدر شیعه ، آیه الله العظمی ، آقای حاج سید احمد موسوی خوانساری قدس سره ، متوفای ۱۴۰۵ قمری که ، نه تنها از مراجع بزرگ شیعه در اواخر قرن چهاردهم ، و زعیم دینی و حوزه ای ، در پایتخت کشور ( شهر تهران ) بودند ، بلکه در مقام تقوی و زهد ، تالی تلو معصوم و أسوه زهد و ورع ، به شمار می رفتند ، و یکی از مراجع بزرگ تقلید ، وقتی سخن درباره این بزرگ مرجع دینی ، به میان آمده بود ، فرموده بودند : آیا درباره مقام عصمت ایشان ، سؤال می فرمائید ؟ .

مرحوم آیه الله العظمی، آقای حاج سید احمد خوانساری قدس سره، در فقه و اجتهاد و ملکات فاضله، از مفاخر بزرگ شیعه، حوزه علمیه قم و شهر تهران و زادگاهشان (شهر خوانسار) به شمار می روند.

و این بود نمونه ای از مفاخر علمی و اجتهادی شهر خوانسار، که بحث از هر کدام از یادشدگان فوق، شرح حال مفصلی می طلبد، و چهره هائی که مورد اشاره قرار نگرفته اند، شمار بسیار زیادی هستند که فقط در گنجینه دانشمندان (در بخش مربوط به خوانسار) نزدیک به هشتاد نفر از چهره های مبرز آنان را یاد می کند، و در ریحانه الأدب نیز، در ذیل کلمه خوانساری، جمعی از آنان را زینت بخش کتاب خود قرار داده است، و در کتابهای اعیان الشیعه، روضات الجات، طبقات حاج آقا بزرگ طهرانی، بسیاری از آنان، مورد معرفی قرار گرفته اند.

### مدارس علمیه خوانسار

#### الف - مدرسه علمیه مریم بیگم

این مدرسه در سالهای اخیر، به نام مدرسه علوی نامیده می شود، و در قرن یازدهم، در زمان محقق نامدار، آقا حسین خوانساری (در دوره حکومت شاه سلیمان صفوی) ساخته شده، و در سال ۱۳۵۴ شمسی زیر نظر یکی از علماء بزرگوار خوانسار، (آقای حاج سید حسین علوی) تعمیر گردیده است.

این مدرسه، با توجه به سابقه ممتدی که دارد، محل تحصیل بسیاری از علماء و فضلاء خوانساری بوده، و چهره های برجسته ای، همانند: مرحوم آیه الله العظمی، حاج سید محمد تقی خوانساری، و مرحوم آیه الله العظمی، آقای حاج سید احمد خوانساری، و مرحوم آیه الله العظمی، آقای حاج سید محمد رضا

گلپایگانی قدس سره، و نیز حضرت آیه الله، آقای حاج شیخ أبو الفضل خوانساری، دام عمره الشریف و...، مراحل از تحصیل خود را در این مدرسه، طی نموده اند.

مدرسه یاد شده و در حال حاضر، محلّ فعالیت حوزه ای است، و مخصوصاً در تابستانها، که حوزه علمیّه قم تعطیل میباشد، عدّه زیادیتری از طلاب، به درس و بحث و فعالیت علمی، در این مدرسه می پردازند.

### ب - مدرسه علمیّه میرباقری

این مدرسه نیز، سابقه زیاد دارد، و در حدود دویست سال از تأسیس آن میگذرد، و در سال ۱۲۳۲ قمری به وسیله شخصی به نام حاج میرباقر ساخته شده است (۱).

در سال ۱۳۶۲ شمسی، زیر نظر امام جمعه محترم خوانسار، آیه الله، سید مهدی غضنفری، تعمیر و توسعه یافته، و در حال حاضر، در حدود بیست حجره دارد.

در زمان بازدید نویسنده از مدرسه (در سال ۱۳۶۶ شمسی) تعداد سی نفر از طلاب، در رتبه مقدمات و سطح (شرح لمعه و اصول الفقه)، در این مرکز علمی، اشتغال به تحصیل داشتند.

کتابخانه مدرسه، به نام شهید مجید میرباقری میباشد، و جدید التّاسیس است. این مدرسه پس از سالها تعطیل، در سال ۱۳۹۱ قمری (۱۳۵۰ شمسی) توسط آیه الله غضنفری (فوق الذّکر) محلّ فعالیت درسی و حوزوی گردیده است.

محل این مدرسه، در محله در راه می باشد.

ص: ۵۲۱

مجموعه علمی و دینی عظیمی است، که در شهر مذهبی خوانسار، به وسیله یکی از علماء مبرز و پر تلاش خوانسار، آیت حق، حجه الإسلام و المسلمین، آقای حاج سید مهدی ابن الرضا، دامت برکاته (که دارای خاندانی اصیل و علمی در شهر خوانسار میباشند) تأسیس گردیده، و به نام:

### حوزه علمی ولی عصر «عج» خوانسار

رسماً نامگذاری شده است. این مجموعه، از اهمیت ویژه ای برخوردار است، و با توجه به وضعیت و موقعیت و وسعت شهر خوانسار، مجموعه علمی و دینی بی نظیری، محسوب می گردد، و تماشا کننده را به إعجاب و امید دارد.

فعلیتهای مقدماتی تأسیس این مرکز علمی و دینی، در سال ۱۳۴۸ شمسی (۱۳۸۸ قمری) آغاز گشته، و از سال ۱۳۵۲ شمسی، شروع به ساختمان گردیده، و از سال ۱۳۵۷ شمسی، فعالیت درسی آن عملاً، شروع گردیده، و در حال حاضر (۱۳۷۵ شمسی)، قسمتهای عمده ساختمان آن، انجام شده است

این مجموعه بزرگ، در قطعه زمینی به مساحت چهل هزار متر، در خیابان شهداء شهر خوانسار قرار گرفته، و برای بخشی از ملحقات آن، متجاوز از ده هزار متر دیگر، در نزدیکی زمین اول تهیه گردیده، و مورد استفاده قرار گرفته، و مجموعاً از بخشهای گوناگون ذیل، تشکیل یافته است:

۱- بخش اداری و فعلیتهای مربوط به اداره امور گوناگون حوزه علمی.

۲- بخش مدرس ها، و محل تشکیل جلسات درسی مدرسه.

۳- خوابگاه و محل سکونت مدرسین مدرسه.

۴- خوابگاه و محل سکونت طلاب مدرسه

۵- محل سکونت طلاب معیل.

۶- کتابخانه ( مخزن و سالن مطالعه ) .

۷- اُنبارهای گوناگون ، برای تأمین نیازهای مدرسه .

۸- سالن غذاخوری برای مدرّسین و طُلاب مدرسه ، با تجهیزات کامل .

زمین مدرسه چون در دامنه کوه قرار گرفته ، و قسمتهای مختلف آن در یک سطح نیست ، بعضی از قسمتهای مدرسه ، یک طبقه ، و بعضی دو طبقه ، و قسمتی سه طبقه است ، ضمناً باغچه های مدرسه ، که در سطوح مختلف قرار گرفته ، و به شکل زیبایی درختکاری و گلکاری شده ، بر شکوه و جاذبه مدرسه افزوده است .

این مدرسه ، در حال حاضر بین ۲۰۰ تا ۲۵۰ طلبه دارد ، که در رتبه های درسی مقدمات و سطح متوسط و عالی ، ( و گاهی دوره خارج ) تحصیل علم میکنند ، و در تابستانها ، عده ای از طُلاب و فضلاء حوزه علمیه قم ، به این مرکز علمی و سایر مدارس خوانسار می پیوندند ، و به تحصیل یا تحقیق یا تألیف و دیگر فعالیت های علمی ، می پردازند . بهره گیری از سیستم های پیشرفته ، از قبیل : وسایل صوتی و تصویری و کامپیوتر ، بر جاذبه مدرسه افزوده است .

برنامه تهیه غذا و پذیرائی از مدرّسین و طُلاب ، کاملاً منطبق با ضوابط شرعی و بهداشتی ، و در حدّ کامل می باشد .

حوزه علمیه ولی عصر (عج) ، مجموعاً مدرسه ای است با مدیریت قاطع و قوی ، و امکاناتی کامل و پیشرفته ، که از نظر ساختمانی و معماری ، در حدّ بسیار بالائی قرار گرفته ، و با استفاده از نقشه کامل و استحکام بنا ، و تزئینات مناسب ، از قبیل : کاشی کاری ، آجرنماکاری ، و تأسیس گنبدها و سردرها و سالن های بزرگ ، دارای موقیت برجسته ای می باشد ( البته قسمتهای عمده ، از ساختمان این مجموعه و نماسازی ، انجام شده ، ولی هنوز کامل نشده است )

ص: ۵۲۳

از جاذبه های جالب و سالم و ارزشمند این مرکز علمی را ، آمادگی برای پذیرش محققین ، و تهیّه امکانات برای آنها ، استفاده از امکانات و وسایل پیشرفته ، نظم و انضباط کامل ( آنهم در آب و هوای مطبوع شهر کوهستانی خوانسار ، همراه با درختکاری ها و گلکاری های داخل مدرسه ) می توان به شمار آورد .

### خانه های علماء ، مدرسه های پربرکت

در شهر خوانسار ، علاوه بر مدرسه های رسمی ، بسیاری از علماء بزرگ ( مخصوصاً در دوره های حکومت های ظالمانه ) در خانه های خود حوزه درسی تشکیل می داده ، و به تعلیم و تربیت شاگردان می پرداخته اند ، و گاهی ، علاوه بر تدریس خودشان ، به علمای دیگر فرصت می داده اند که در منزل آنها حوزه درسی تشکیل دهند . ذیلاً به چند نمونه ، اشاره می نمائیم :

۱- حکیم بزرگوار مرحوم آخوند محمّد علی حکیم ایمانی ، که استاد علوم عقلی بوده ، و در منزل خود ، تدریس می نموده است .

۲- مرحوم حاج میرزا یوسف مهدویانی ، که استاد فقه و اصول و ادبیّات بوده ، و در خانه خود ، به تعلیم و تربیت طلاب می پرداخته است .

۳- مرحوم حاج سیّد علی اکبر ( همسر خواهر مرحوم آیه الله العظمی ، آقای حاج سیّد احمد خوانساری ) که خود از علماء بزرگ ، و دارای مقام اجتهاد بوده ، و در منزل خود تدریس می نموده است .

۴- مرحوم آقا میرزا محمود ابن الرضا ، که مجتهدی بزرگ و مورد توجه بوده ، و در فقه و اصول ، در منزل خود حوزه درسی داشته است .

۵- مرحوم آقا میرزا عبدالجواد موسوی ، که از بنی اعمام صاحب روضات

بوده ، و ادبیات و مخصوصاً کتاب مطّول را ، تدریس می نموده است .

و همچنین، بسیاری دیگر از علماء و مدرّسین ، که به علل گوناگون فردی یا اجتماعی ، محلّ تدریس خود را در منزل و خانه خود قرار میداده ، و به تعلیم و تربیت شاگردان می پرداخته اند .

### کتابخانه فاضل

یکی از دانشمندان و محترمین خوانسار ، آقای حاج محمّد حسن فاضلی ، فرزند مرحوم حاج ملا محمد مهدی فاضل ( که از علماء طراز اول خوانسار ، و مجتهد و دارای اجازه اجتهاد از چندین نفر از مراجع و علماء بزرگ نجف بوده ) منزل پدر خود را تبدیل به کتابخانه نموده ، و به صورت چهار طبقه ساخته است .

این کتابخانه ، دارای کتابهای خطّی و نسخه های نفیس و مجلّات متنوّع می باشد ، و دو جلد از فهرست مخطوطات این کتابخانه ، منتشر شده است .

تأسیس کتابخانه یاد شده ، از حدود سال ۱۳۶۷ شمسی به بعد بوده ، و هنوز به صورت فعال درنیامده ، و برنامه ریزی منسجم و کامل نیافته ، و امید است که به صورت یکی از مراکز تحقیق و فعالیت گسترده علمی و دینی ، در آید (۱) .

### ۶- خوراسگان

خوراسگان ، در گذشتّ زمان یکی از روستاهای تابعه اصفهان ، و در ۱۰ کیلومتری شرق آن بوده ، ولی در حال حاضر، با توجه به گسترش و توسعه

ص: ۵۲۵

---

۱- برای آشنائی با حوزه علمیّه و مدارس و علماء شهر مذهبی خوانسار ، نویسنده این سطور ، چندین سفر به شهر خوانسار نمودم، و از نزدیک ، با مدارس و مراکز دینی این شهر زیبا، آشنا گردیدم ، و از گفتار علماء و دانشمندان آن ، بهره مند گردیدم

اصفهان و خوراسگان ، تبدیل به شهری مستقل ، ولی متصل به شهر اصفهان گردیده است .

وجود امامزاده های متعدّد ، در این شهر ، مخصوصاً امامزاده لازم التّعظیم ، أبو العباس ( محمّد ) که از نسل قمرینی هاشم ، حضرت أبا الفضل العباس علیه السلام است، و دارای صحن و سرا و گنبد و بارگاه و ضریح و رواق بسیار زیبا و شکوهمند میباشد (۱) ، و نیز وجود علماء و خطباء و روحانیون بزرگوار ( اعمّ از سادات و غیر سادات )، و نیز وجود مساجد و مراکز دینی متعدّد و فراوان ، نشان دهنده روح ایمان و ولایت مردم این سامان میباشد .

### مدرسه علمیّه امام صادق علیه السلام

مدرسه ای است باشکوه و بزرگ ، که زیر نظر یکی از علماء برجسته خوراسگان ، آیه الله ، آقای حاج شیخ مرتضی مقتدائی دامت برکاته تأسیس گردیده است . از سال ۱۳۵۴ شمسی ، مقدمات تأسیس مدرسه فراهم گردیده ، و در سال ۱۳۶۱ ساختمان آن اتمام یافته است .

مدرسه امام صادق علیه السلام ، ۵۵ حجه و سه مِدرس و سه سالن بزرگ و کتابخانه دارد، و به صورت دو طبقه میباشد ، علاوه بر یک زیرزمین بزرگ، و در حال حاضر، در حدود ۹۰ نفر طلبه ، در رتبه درس مقدمات و سطح متوسط ، در آن اشتغال به تحصیل دارند . محلّ مدرسه ، خیابان اباذر می باشد، و در نماسازی آن، از آجرنما و کاشی کاری بهره گیری شده ، و دارای سر درب زیبا و کاشیکاری شده و باشکوه می باشد .

ص: ۵۲۶

---

۱- درباره امامزاده ابوالعبّاس ، به تفصیل ، در بخش ( امامزادگان اصفهان و حومه ) بحث و بررسی داریم



در جوار امامزاده أبو العباس علیه السلام ، منزلی است متعلق به امامزاده علیه السلام ، که در حال حاضر در اختیار حوزه علمیه قرار گرفته ، و دروس دینی به روش حوزوی برای طبقه نوان تدریس می شود، و جمع زیادی از بانوان و دختران ، اشتغال به تحصیل علوم دینی دارند .

### کتابخانه امامزاده أبو العباس علیه السلام

در جوار امامزاده أبو العباس علیه السلام ، کتابخانه‌های وابسته به تشکیلات وسیع امامزاده علیه السلام تأسیس گردیده ، و به صورت فعال می باشد ، و یکی از مراکز علمی - دینی شهر خوراسگان به شمار می رود، و تمامی رشد و امکانات آن ، متعلق به امامزاده أبو العباس علیه السلام میباشد .

### ۷- داران

مرکز شهرستان فریدن می باشد ، و در ۱۲۰ کیلومتری شمال غرب اصفهان واقع شده است (۱). مدرسه علمیه آن ، به نام منتظریه است ، که در سال ۱۳۵۸ شمسی به صورت منزلی بوده ، که آقای دکتر مصطفوی اهداء نموده اند، و در سال ۱۳۶۲ ، با ضمیمه شدن یک قطعه زمین ، ساختمان مدرسه علمیه ، شروع گردیده است .

در زمان بازدید نویسنده از مدرسه ، در سال ۱۳۶۵ قسمتی از ساختمان مدرسه به صورت دو طبقه انجام گرفته ، و بخشی از آن، محل سکونت طلاب مدرسه قرار گرفته بود ، و طلاب آن ( که بیست و پنج نفر بودند ) در رتبه درسی

ص: ۵۲۷

مقدمات و سطح متوسط اشتغال به تحصیل داشتند . تأسیس مدرسه ، زیر نظر حجه الإسلام و المسلمین ، آقای سید امین الله معین الدینی انجام گرفته است .

## ۸- دُرچِه

درچه ، که در قدیم آلائیام درچه پیاز نامیده میشده ، و به صورت روستائی بوده ، در حال حاضر ، توسعه یافته ، و به حالت شهر در آمده است ، و گفته میشود که با حومه نزدیک آن ، جمعیتی در حدود چهل هزار نفر دارد . محل آن با فاصله کمی ، در جنوب غربی اصفهان ، در جنوب جاده اصفهان - نجف آباد ، و در شمال اتوبان اصفهان - ذوب آهن ، قرار گرفته است .

## مدرسه علمیه امام حسین علیه السلام

مدرسه ای است که در سالهای بین ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۰ قمری ، زیر نظر آیه الله حاج سید مصطفی شریعت موسوی ، ( فرزند مرحوم آیه الله ، آقا سید مهدی درچه ای اعلی الله مقامه ) تأسیس گردیده ، و دو طبقه است و ۱۲ حجره و دو مدرس و یک کتابخانه دارد ، و محل آن ، در محله دُرّ می باشد . مدرسه یادشده ، سالهای طولانی ، محل سکونت طلاب و فعالیت درسی بوده ، ولی در حال حاضر تعطیل می باشد .

## ۹- دستجرد جرقویه

جرقویه یکی از بخشهای استان اصفهان و کویری می باشد ، و مردم آن علاقمند به مذهب و مکتب اهل البیت علیه السلام می باشند .

از روستاهای آن ، عدّه زیادی برای تحصیل علوم دینی ، وارد حوزه علمیه میشوند ، و عموماً طلبه های مؤدّب و دارای ریشه های عمیق دینی و مذهبی هستند ، و در ترویج دین ، کوشا می باشند .

یکی از روستاهای جرقویه ، دستجرد است ، که امامزاده ای دارد به نام سلطان سعید علیه السلام، که نسب او را منتهی به امام موسی بن جعفر علیه السلام می دانند .

ساختمان امامزاده ، در سال ۱۳۶۷ شمسی تجدید بناء گردیده ، و حرم و گنبد بزرگی برای آن ساخته شده است ، که در حال تکمیل می باشد .

### مدرسه علمیه دستجرد

در کنار امامزاده ، مدرسه علمیه ای ساخته شده ، که دوازده حجره ( به شکل دو طبقه ) دارد، و یک مدرس هم برای آن در نظر گرفته شده است .

### ۱۰- دولت آباد

واقع در ۱۵ کیلومتری شمال اصفهان می باشد ، و مدرسه علمیه ای دارد ، به نام مدرسه جعفریه که زیر نظر یکی از علماء بزرگوار محل، آیه الله ، آقای حاج شیخ محمد حسین نجفی دامت برکاته میباشد ، ( طبق کاشی کاری بالای سردر مدرسه ) و در سال ۱۳۷۷ قمری تأسیس گردیده است .

مدرسه یاد شده ، ۱۲ حجره دارد، و بخشی دو طبقه است ، و چهار طرف ساختمان دارد، و در جوار مسجد قرار گرفته است . در زمان بازدید نویسنده از مدرسه ، در سال ۱۳۶۷ شمسی (۱۴۰۸ قمری) در حدود ۱۵ نفر اشتغال به تحصیل داشتند ، که شش نفر آنها ساکن در مدرسه بودند ، و بقیه فقط در بعضی از درسهای مدرسه ، شرکت می نمودند .

### ۱۱- دهاقان

شهری است در ۱۸ کیلومتری غرب شهرضا(۱) و مدرسه علمیه ای دارد ، که

ص: ۵۲۹

به نام مدرسه علمیه حسینیّه نامیده می شود، و در سال ۱۳۸۴ قمری، زیر نظر یکی از علمای محل به نام آقای شیخ نعمت الله اسماعیلی تأسیس گردیده، و در کاشیکاری بالای در مدرسه، و نیز بر روی قطعه سنگی در داخل مدرسه، سال تأسیس آن، قید گردیده است.

مدرسه یاد شده، دو طبقه است، و ۱۵ حجره دارد، و محل آن در انتهای بازار دهاقان، خیابان شهید موسوی میباشد. در هنگام بازدید نویسنده از مدرسه، (در سال ۱۳۶۵ شمسی، مقارن ۱۴۰۶ قمری) ده نفر طلبه، زیر نظر آقای روح الامین و آقای بهاری، اشتغال به تحصیل داشتند.

## ۱۲- رهنان «رنان»

شهر رهنان، قبلاً به صورت روستائی بوده، و در حال حاضر، کاملاً به شهر اصفهان متصل گردیده، و دارای مسجد جامع و مدرسه علمیه ای می باشد، که سابقه آن به سیصد سال قبل میرسد، و روی سقاخانه سنگی آن، تاریخ ۱۱۱۲ هجری، حجاری شده است.

مدرسه یاد شده، متصل به مسجد می باشد، و هشت حجره دارد، که محل تحصیل و فعالیت درسی طلاب بوده است. تا سال ۱۳۱۳ شمسی طلاب علاقمند رهنانی، مراحل مقدماتی دروس حوزه ای را در این مدرسه، سپری مینموده اند، و سپس به سوی حوزه علمیه بزرگ اصفهان رهسپار گردیده، و ادامه تحصیل می داده اند. محل مسجد و مدرسه، خیابان ابوذر، نزدیک فلکه امام حسین علیه السلام (فلکه شهرداری) می باشد (۱).

ص: ۵۳۰

---

۱- تحقیقات فوق، به وسیله یکی از فضلاء عالیقدر رهنان، حجه الاسلام، آقای شیخ محمّد علی رضائی دام عزّه، انجام گردیده است

این شهر، که قبلاً به صورت روستائی بودرو به نام ( ریز ) خوانده می شد، در اثر مجاورت با کارخانه عظیم ذوب آهن، به سرعت توسعه یافته، و به صورت شهری نسبتاً بزرگ در آمده، که در منطقه لنجان، مورد توجه قرار گرفته است.

### مدرسه علمیّه زرین شهر

در سال ۱۳۲۵ شمسی، یکی از علماء فَعَال و پرتلاش، حَجه الإسلام و المسلمین، آیه الله، آقای حاج شیخ محمود شریعت ریزی، در قطعه زمین بزرگی به مساحت چهار هزار متر، مدرسه علمیّه ای را پایه گذاری، و در سال ۱۳۳۹ شمسی در قسمتی از همین زمین، کتابخانه ای تأسیس نمودند.

کوشش و پشتکار عجیب این بزرگمرد، و حمایت مراجع زمان ( آیه الله العظمی، آقا سید ابوالحسن اصفهانی، و آیه الله العظمی، آقای بروجردی و مراجع تقلید پس از آنها ) و نیز حمایت علماء بزرگ حوزه علمیّه اصفهان، موجب رشد و موفقیت برنامه های این مدرسه علمیّه گردید، تا جائی که در بعضی از دوره ها، تعداد طلاب مدرسه، به ۵۵ نفر رسیدند ( که این رقم با توجه به محدودیت روستای ریز و شرائط منطقه ) از اهمیت شایانی برخوردار می باشد

در زمان بازدید نویسنده از مدرسه ( در سال ۱۳۶۶ شمسی )، شمار طلاب مدرسه به ۳۰ نفر می رسید، که در دوره مقدمات و سطح، اشتغال به تحصیل داشتند، و جمعی از علماء زرین شهر، با همکاری یکدیگر، در تدریس و اداره امور طلاب اقدام می نمودند.

### مفاخر علمی زرین شهر

از مفاخر گذشته ریز ( زرین شهر )، یکی مرحوم آقا سید محمد، معروف به

( آقا سید آقا جان ) بوده ، که مدّرسی بزرگ در دروس سطح ، و خطیب و واعظی برجسته به شمار می رفته ، و در مقامات معنوی و روحی ، جایگاهی برجسته داشته است . وی اصلاً ریزی بوده ، و در اصفهان تحصیل و سپس تدریس می نموده ، و منبر می رفته است ، و در سال ۱۳۶۴ قمری از دنیا رفته ، و در تخت فولاد ، در تکیه سید العراقرن ، مدفون گشته است (۱) . و دیگری مرحوم آقا شیخ مرتضی ریزی ، متوفای ۱۳۲۹ قمری میباشد ، که از شاگردان شیخ أنصاری بوده ، و اول کسی است که افکار مرحوم شیخ را با تدریس کتاب رسائل ( فرائد الأصول ) در اصفهان مطرح نموده است .

مرحوم آقا شیخ مرتضی ریزی ، مجتهدی اصولی بوده ، و در زهد و تقوی ، مقامی رفیع داشته ، و شبهای جمعه در تخت فولاد ، برنامه دعای کمیلی داشته ، که در سوز و گداز و ایجاد انقلاب روحی و توبه و إنابه ، نقش عجیبی ایفاء مینموده است ، و جمعیت پای منبر او را ، متجاوز از ده هزار نفر نوشته اند (۲) . پدر آن بزرگمرد ، از علماء جلیل القدر و ساکن ریز بوده ، و در بقعه مخصوصی ، در همان روستای ریز ، مدفون گردیده است (۳) .

#### ۱۴- زواره

زواره بر وزن شراره و هزاره ، از توابع شهر أردستان ، و با فاصله ۱۷ کیلومتر ، در شمال شرقی آن قرار گرفته است (۴) .

ص: ۵۳۲

۱- رجال اصفهان ، صفحه ۱۰۸ و دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۱۳

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان ، صفحه ۴۹۸

۳- رجال اصفهان ، صفحه ۸۴

۴- فرهنگ جغرافیائی ایران ، جلد ۱۰ ، صفحه ۱۰۴

زواره در قرون اولیه اسلامی ، وقف بر سادات طباطبائی گردیده ، و لذا ، سادات زیادی از نسل امام حسن مجتبی علیه السلام ، به این محل مهاجرت نموده اند ، و در نتیجه ، به علت فراوانی سادات در این شهر کوچک ، به نام (مدینه السادات ) نامیده شده ، و ظاهراً این نامگذاری ، مربوط به اوائل قرن چهارم هجری بوده است (۱).

### سابقه تشیع در زواره

با توجه به سکونت سادات طباطبائی در این شهر ، می توان سابقه تشیع آن را به دست آورد ، و با وجود نسل پیامبر صلی الله علیه وآله در این شهر مذهبی ، می توان به خوبی دریافت که آنها حافظ و ناشر فرهنگ دینی و مذهب اهل البیت علیه السلام ، در این منطقه بوده اند ، و نیز می توان به درستی قضاوت نمود ، که از حدود زمان متوکل عباسی ( زمان مهاجرت گسترده سادات ، به زواره ) تا کنون ، مذهبی غیر از تشیع و ولای اهل البیت علیه السلام ، در این شهر وجود نداشته است .

### شهر زواره ، خاستگاه چهره های بزرگ علمی

بسیاری از علماء بزرگ و مشهور ، از این شهر برخاسته و در جهان علم و دانش ، درخشیده اند ، همانند :

۱- حکیم و مفسّر و ریاضی و منجم و دانشمند متبحر ، مولی جمشید بن مسعود بن محمود زواری ، که آثار بسیاری از خود به جای گذارده ، و از علماء بزرگ

ص: ۵۳۳

أواسط قرن نهم هجری بوده است (۱).

۲- مفسّر و محدّث و فقیه اُدیب ، مولی أبو الحسن ، علی بن حسن زواره ای که از علمای قرن دهم بوده ، و استاد ملاً فتح الله کاشانی ( مفسّر نامدار شیعه ) می باشد ، و آثار تألیفی فراوان دارد .

۳- سید سراج الدّین زواری ( میر قاسم ) ، که از شاگردان میرز شیخ بهائی بوده ، و تألیفات بسیاری داشته است، و به احترام او که در میدان سنیّه قم إقامت داشته ، آن میدان را به نام میدان میر ( میر قاسم ) نامیده اند .

۴- ملاً عبدالعظیم بیدگلی زوارهای ، که مجتهدی بزرگ و مدرّسی عالیقدر بوده ، و متوفّای بعد از ۱۲۴۸ قمری میباشد ، و از شاگردان محقّق قمی صاحب قوانین ( و از معاصرین و همدرس سید شفتی بوده است (۲) .

### بقعه های دینی زواره، سندی بر دیانت و تشیع و فرهنگ مذهبی زواره

بقعه های زیادی ( در حدود بیست عدد ) در زواره وجود دارد ، همانند بقعه سبز ، که گفته میشود متعلّق به بانی مسجد جامع زواره است ، و بقعه سید بهاء الدّین حیدر ، که جدّ اعلای أغلب سادات طباطبائی أردستان و زواره است ، و بقعه سید علاء الدّوله ، که از نیاکان سادات طباطبائی بوده ، و بقعه میرزا محمّد صادق ، که از علماء بزرگ بوده ، و بقعه میرزا محمّد طاهر طیب ( نیر آلحکماء )،

ص: ۵۳۴

۱- ریحانه الأدب ، جلد ۴ ، صفحه ۲۵۶

۲- در کتاب ( حوزه های علمیّه شیعه ) ، جمع زیادی از علما و بزرگان زواره را مورد بحث قرار داده ، و به تفصیل ، از آثار و عظمت آنها بحث کرده ایم، البته بخش زواره از آن کتاب ، هنوز به چاپ نرسیده است



و بقعه حاجی میر محمد علی و حاج میرزا علیرضا خادم الحسین ، که از مردان نیکوکار بوده اند ، و بقعه های دیگر ، که همه و همه ، نشان دهنده سابقه دینداری و ولایت و تشیع و علم و دانش و معنویت مردم زواره ، می باشد .

به طور کلی ، مردم زواره ، اکثریت قاطع آنها باسواد بوده اند ، و معمولاً ، قرآن را با تجوید می خوانده اند ، و در قدیم آیات ، علماء بزرگی در علم تجوید ، همانند : ملا حافظ زواره ای ، و ملا شاه محمّد زواره ای ، داشته اند . البته از دوره حکومت پهلوی به بعد ، وضعیت علمی و دینی زواره ، صدمه دیده ، و آن رونق قدیم را ندارد (۱) .

### مدرسه علمیّه حاج لطفعلی خان

تنها مدرسه علمیّه زواره ، مدرسه ای است که به وسیله حاج لطفعلی خان ترشیزی (کاشمیری) ، در زمان ملا عبد العظیم بن محمّد تقی بیدگلی ، که معاصر با حجه الاسلام شفتی ، ( متوفای ۱۲۶۰ قمری ) بوده ، در حدود یکصد و شصت سال قبل تأسیس گشته ، و موقوفاتی بر آن قرار داده شده است .

مدرسه یاد شده ، پس از تأسیس ، زیر نظر ملا عبد العظیم قرار گرفته ، و آن بزرگمرد ، تولیت امور مدرسه و تدریس و تربیت طلاب را بر عهده داشته ، و پس از او ، فرزندش به نام ملا محمد علی ، و پس از او ملا اسماعیل بن ملا عبد العظیم ، و پس از آن ، ملا علی اکبر بن ملا عبد العظیم و پس از آنها ، برخی از نوه های ملا عبد العظیم ، تولیت مدرسه را بر عهده داشته اند .

این مدرسه ، سالیان دراز ، محلّ فعالیت علمی و تربیت طلاب بوده ، و فعالیت حوزه ای در آن انجام می گرفته است ، تا آنکه در سال ۱۳۰۰ شمسی

ص: ۵۳۵

(۱۳۴۰ قمری) در زمان حکومت پهلوی اول غصب گردیده، و به صورت دبستان در آمده است، ولی در سال ۱۳۶۴ شمسی، برابر ۱۴۰۴ قمری، به حوزه علمیه بازگردانده شده، و محل سکونت و درس و بحث حوزوی قرار گرفته و مدرسه یاد شده، در دوره اخیر، و به نام مبارک امام باقر علیه السلام، نامگذاری شده است.

مدرسه لطفعلی خان (مدرسه امام باقر علیه السلام) دارای ۸ حجره می باشد، و ساختمان آن در سه طرف قرار گرفته، و به صورت یک طبقه میباشد، و به علت استحکام بنا، فقط گاهی تعمیراتی در آن انجام گرفته است.

محل مدرسه، در جوار امامزاده یحیی علیه السلام، در محله سر بازار میباشد (۱).

## ۱۵- سمیرم

شهری است در ۱۶۵ کیلومتری جنوب اصفهان، که راه اصلی آن از اصفهان، از طریق شهرضا میباشد.

### مدرسه علمیه امام جعفر صادق علیه السلام

در سال ۱۳۵۴ شمسی، زیر نظر یکی از مدرسین عالیقدر و بزرگوار حوزه علمیه قم، حضرت حجه الاسلام و المسلمین، آقای حاج شیخ رحمت الله فشارکی دامت برکاته، و با فعالیت مرحوم حاج حسین صابری و با کمک مردم، در شهر سمیرم، مدرسه علمیه ای به نام امام جعفر صادق علیه السلام شروع به ساختمان گردیده، و در سال ۱۳۵۸ به پایان رسیده است.

ص: ۵۳۶

---

۱- تحقیقات محلی و بررسی حضوری نویسنده، در تاریخ ۱۳۶۷ شمسی، و نیز آتشکده اردستان، جلد ۱، صفحه ۱۵۶

این مدرسه دو طبقه است ، و در زمان تهیّه گزارش و انجام تحقیق راجع به این مدرسه ( در سال ۱۳۶۷ شمسی )، بیست و پنج نفر طلبه در این مدرسه سکونت داشته ، و در رتبه های درسی مقدمات و سطح ( شرح لمعه و اصول الفقه ) ، مشغول به تحصیل بوده اند (۱).

## ۱۶- شهر فیروزان

(۲)

که مشهور به شهر فریزان است ، و نزدیک به شهر فلاورجان ، و از توابع آن شهرستان می باشد .

در اواخر قرن چهاردهم هجری قمری ، مدرسه ای به وسیله سازمان اوقاف اصفهان و نظارت رئیس آن ( در آن هنگام ) ، تأسیس گشته است .

این مدرسه یک طبقه است ، و به سبک مدارس قدیمه ساخته شده ، و دارای یک مدرّس و ۱۲ حجره میباشد ، و دری دارد که به سوی امامزاده شهر فیروزان علیه السلام ، باز می شود .

## ۱۷- شاه تور «شاهطور»

دهی است از منطقه رویدشت ، که در فاصله ۶۰ کیلومتری اصفهان می باشد

## مدرسه علمیّه شاهطور

در طرف شمال امامزاده عبد العزیز علیه السلام (که نسب او به حضرت امام موسی بن جعفر علیه السلام میرسد ) صحنی وجود داشته ، به نام صحن مدرسه ، که هنوز هم

ص: ۵۳۷

---

۱- گزارش و تحقیقات انجام شده ، توسط مدرّس مدرسه ( در تاریخ فوق ) ، آقای شیخ علی پیروزی دام عزه ، فراهم شده است

۲- فرهنگ جغرافیائی ایران ، جلد ۱۰ ، صفحه ۱۱۶

قسمتی از آن باقی است، و آن صحن، دارای پنج حجره بوده، که دو حجره آن جزء مسجد گردیده، و سه حجره هنوز باقی است، که احتیاج به مرمت و تعمیر دارد. آخوند ملا عبدالرزاق (آخوند شاه تور) متوفای حدود ۱۴۰۰ قمری، و پدر او ملا مهدی، و پدر او، ملا عبدالرزاق، و پدر او، ملا علی، همه عالم دینی محل بوده اند. در زمان آخوند ملا علی، که موقعیت علمی برجسته ای داشته، مدرسه یاد شده، محل درس و بحث بوده، و اطاقی هم در راه پشت بام وجود داشته، که کتابخانه مدرسه بوده، و مرحوم ملا علی، در آنجا به مطالعه می پرداخته است (۱) (۲).

#### ۱۸- شهرضا «قمشه»

شهری است بسیار قدیمی (۳) که به نام قشمه نامیده می شده، و به مناسبت احترام امامزاده بزرگوار که در آن شهر مدفون گردیده، و به نام شاه رضا علیه السلام مشهور می باشد، این شهر، به نام (شهرضا) معروف گردیده است.

شهرضا در ۸۰ کیلومتری جنوب اصفهان قرار گرفته، و در میان راه اصلی اصفهان - شیراز واقع شده است. مردم شهرضا، در مذهب تشیع متعصب و قاطع، و هیچ نوع اقلیت مذهبی را در خود نمی پذیرند (۴).

سابقه علمی و دینی شهرضا بسیار زیاد است، و علماء زیادی در آن زندگی

ص: ۵۳۸

---

۱- اظهارات آقای سید محمد حسین شامیری، به نقل از عالم بزرگوار، آقای حاج شیخ عبدالرسول شاه توری، فرزند مرحوم ملا عبدالرزاق رحمه الله علیه

۲- مرحوم آقای سید مصلح الدین مهدوی، در یادداشتهای خود، این مدرسه را از آثار دوره شاه عباس اول، به شمار آورده اند

۳- جغرافیای کامل ایران، جلد ۱، صفح ۳۲۶

۴- تاریخ شهرضا، صفحه ۵۴

نموده ، و یا از آن برخاسته اند ، و لذا در باره آن ، کلمه یونانیچه ( مخفف یونان کوچک ) به کار برده شده است ، و چهره های برجسته ای از آن برخاسته و درخشیده اند ، همانند :

۱- آقا شیخ محمد حسین قمشه ای اصفهانی نجفی ، که از شاگردان شیخ أنصاری و آقا سید محمد حسین کوه کمری و میرزای شیرازی و میرزا حبیب الله رشتی بوده ، و تألیفات گرانقدری در فقه و اصول از خود به جای گذارده ، و در سال ۱۳۳۶ قمری ، وفات یافته است (۱).

۲- حکیم و فیلسوف نامدار ، آقا شیخ محمد رضا قمشه ای متخلص به ( صهبا ) و متوفای ۱۳۰۶ قمری ، که مدرس فقه و اصول و فلسفه در مدرسه صدر تهران بوده ، و شاگردانی نامدار ، همانند : مرحوم حکیم جهانگیر قشقائی و حاج میرزا أبو الفضل کلانتر و ... ، تربیت نموده ، و در هنگام مرگ ، به اطرافیانش توجه کرده و گفته است: آیا دیدید اسب سفیدی را که حضرت امام مهدی (عج) برای سوار شدن من فرستاده اند ؟ (۲) .

۳- حکیم و مفسر و زاهد نامدار و با ولایت ، حاج شیخ مهدی الهی قمشه ای ، متوفای ۱۳۹۳ قمری (۳) که ترجمه و خلاصه التفسیر ایشان بر قرآن مجید ، از بهترین و مفیدترین ترجمه های قرآن به حساب می آید ، و ترجمه مفاتیح الجنان و ترجمه و شرح صحیفه سجادیّه آن بزرگمرد مفید و ارزشمند است ، و نیز دیوان بزرگ اشعار ایشان ، مورد توجه می باشد .

ص: ۵۳۹

---

۱- گنجینه دانشمندان ، جلد ۵ ، صفحه ۳۹۱ ( جمع دیگری از علمای شهرضا نیز ، در همین جلد از کتاب یاد شده ، نام برده شده اند ، و شرح حالشان ذکر گردیده است )

۲- گنجینه دانشمندان ، جلد ۵ ، صفحه ۳۹۲

۳- گنجینه دانشمندان ، جلد ۸ ، صفحه ۱۰۸

۴- مرحوم ملا مصطفی قمشه ای ، که از علماء و حکمای قرن سیزدهم بوده است .

۵- مرحوم آقا شیخ محمد باقر قمشه ای ، متوفای ۱۲۹۶، که جامع معقول و منقول، و مدرّس در حوزه علمیّه اصفهان بوده است .

۶- مرحوم آقا شیخ أسد الله حکیم ، متوفای ۱۳۳۴، که مدرّس علوم عقلی ، در مدرسه چهارباغ اصفهان بوده است (۱).

و همچنین چهره های دیگری از این شهر ، در کتب تراجم و رجال ، همانند : روضات الجنّات ، ریحانه الأیّد ، گنجینه دانشمندان ، رجال اصفهان ، و دانشمندان و بزرگان اصفهان و ...، مورد معرفی قرار گرفته اند .

### مدارس علمیّه شهرضا

#### الف - مدرسه حسینیّه سادات

این مدرسه ، در سال ۱۳۳۰ شمسی (۱۳۷۰ قمری) تأسیس گردیده ، و سرپرستی و تدریس آن را ، یکی از علماء مبرز شهرضا، حضرت حجه الإسلام و المسلمین ، آیه الله ، آقای حاج سید مهدی حجازی (۲) بر عهده دارند، و دارای کتابخانه ای می باشد ، و در طرف شرقی مدرسه ، مسجد جالبی وجود دارد ، که به نام مسجد سادات ، نامیده می شود . عدّه ای از طلاب

ص: ۵۴۰

- 
- ۱- در کتاب ( حوزه های علمیّه شیعه ) در بخش مربوط به شهرضا به نحو مفصل بحث خواهیم داشت ، انشاء الله . و به کتاب تاریخ شهرضا، از صفحه ۶۲ تا ۱۰۱، و گنجینه دانشمندان ، جلد ۵، بخش مربوط به شهرضا مراجعه شود
  - ۲- خاندان حجازی ، از خاندانهای سابقه دار و علمی شهرضا میباشند ، و علمای زیادی در این خاندان تربیت یافته و به عالم علم و دین خدمت نموده اند

و فضلالی شهرضا، در این مدرسه به تحصیل فقه و اصول و ... اشتغال دارند، و آیه الله، آقای حجازی، تدریس درس خارج فقه می نمایند. محلّ مدرسه واقع در خیابان ابوذر می باشد.

### ب - مدرسه علمیّه صاحب الزّمان علیه السلام

این مدرسه، در سال ۱۳۵۰ شمسی (۱۳۹۰ قمری) زیر نظر یکی از علماء مبرز مشهور شهرضا، حضرت حجه الإسلام و المسلمین، آقای حاج شیخ غدیر علی ممیزدات برکاته، تأسیس گشته، و کتابخانه قابل توجهی دارد، که مشتمل بر سیزده هزار جلد کتاب (در زمان بازدید نویسنده از مدرسه و کتابخانه، در سال ۱۳۶۵ شمسی) می باشد، که اخیراً بر تعداد کتابهای آن افزوده شده است.

بخشی از مدرسه صاحب الزّمان علیه السلام، دو طبقه، و بخشی دیگر، سه طبقه است، و سی حجره دارد و از نظر ساختمان و نماسازی و کاشی کاری و فعالیت درسی، (در زمان بازدید نویسنده از مدراس شهرضا، در تاریخ ۱۳۶۵ شمسی) جالب ترین مدراس علمیّه شهرضا محسوب می گردید، و در آن زمان، در حدود هفتاد نفر طلبه، در رتبه مقدمات و سطح متوسط و سطح عالی (رسائل و مکاسب و کفایه الأصول)، در این مدرسه اشتغال به تحصیل داشتند، و کتابخانه مدرسه، بسیار فعال و مورد بهره برداری بود.

محلّ مدرسه، خیابان صاحب الزّمان (عج) می باشد.

### ج - مدرسه اقدمیه

این مدرسه در سال ۱۳۳۵ شمسی (۱۳۷۵ قمری) زیر نظر یکی از علمای شهر، حجه الإسلام و المسلمین آقای حاج شیخ نصرالله زارعان در محله فضل آباد، خیابان صاحب الزّمان (عج) تأسیس گشته است. در زمان بازدید از

مدرسه ( در سال ۱۳۶۵ شمسی ) در حدود سی نفر طلبه در رتبه های درسی مقدمات و سطح متوسط و عالی ، در این مدرسه تحصیل علم می نمودند ، و کتابخانه ای هم در حد نیاز طلاب مدرسه وجود داشت ، و اخیراً نوارخانه ای نیز تأسیس گردیده است .

مدرسه یاد شده ، یک طبقه است ، و سرپرستی فعلی آن را ، حجه الاسلام و المسلمین آقای حاج شیخ غلامحسین اسماعیل پور بر عهده دارند .

در مجاورت مدرسه مقدمیه ، سقاخانه ای است که از نظر معنوی مورد توجه میباشد ، و کلا مدرسه مقدمه و مسجد آن ( در طرف شرق مدرسه ) و سقاخانه یاد شده ، از موقعیت معنوی ، برخوردار میباشد .

#### **د- مدرسه علمیه امام حسین علیه السلام**

مدرسه ای است که در سال ۱۳۵۴ شمسی ، زیر نظر یکی از علمای شهر ، حجه الاسلام آقای حاج سید علی اکبر قرشی ، در خیابان دکتر بهشتی ، تأسیس گشته است . در زمان بازدید از مدرسه ، سی نفر طلبه در این مدرسه اشتغال به تحصیل داشتند در دوره مقدمات و سطح ، و کتابخانه آن مشتمل بر شش هزار جلد کتاب بود ، که اخیراً افزایش یافته است .

مدرسه یاد شده ، دو طبقه است و مشتمل بر پانزده حجره ، و دو سالن و یک مدرّس میباشد .

#### **ه - مدرسه علمیه امام صادق علیه السلام**

مدرسه ای است که در سال ۱۳۵۵ شمسی ، زیر نظر حجه الاسلام و المسلمین ، آقای حاج شیخ نعمت الله جعفری ، تأسیس گشته ، و محلّ تحصیل علوم دینیّه برای دختران و زنان می باشد ، و محل آن در خیابان حکیم صهبا ،



کوی شعیب ، واقع گردیده است . در زمان بازدید از مدرسه ، یکصد نفر در رتبه مقدمات و سطح متوسط ( شرح لمعه و اصول الفقه ) در این مرکز علمی و دینی اشتغال به تحصیل داشتند .

در ناکارایِ مدرسه ، از کاشی استفاده شده ، و مساحت آن ۱۸۰۰ متر می باشد ، و کتابخانه ای ، در حدّ نیاز طلابِ مدرسه دارد .

### و - دار العلم «مدینه العلم صاحب الزمان (عج)»

قطعه زمین وسیعی به اندازه شصت هکتار ، در سمت راست جاده اصفهان ، شهرضا، در مدخل شهر قرار گرفته ، و مشرف بر شهرضا میباشد ، و بارگاه و آستان مقدّس شاه رضا علیه السلام و ساختمانهای شهر ، کاملاً در معرض دید می باشد، و این قطعه زمین بزرگ ، در اختیار حوزه علمیه و علمای شهرضا قرار گرفته ، به منظور تأسیس یک مجموعه علمی - بهداشتی - اجتماعی ، مشتمل بر مدرسه علمیه و مسجد و منزلهای مسکونی برای مدرّسین و طلاب معیل، و نیز بیمارستان و کتابخانه و سالن مطالعه و مرکز انتشارات و تحقیقات و ... ، و فعلاً ، بخشی از طرح یاد شده ، به اجرا در آمده است .

در حال حاضر، ساختمان مدرسه علمیه ، به نام : دار العلم صاحب الزمان (عج) در حال انجام می باشد، که دو طرف آن ساخته شده ، و دو طرف دیگر در حال تکمیل می باشد، و نماسازی یک طرف انجام شده است .

ساختمان مدرسه دو طبقه است در قطعه زمینی به مساحت دوازده هزار متر مربع ، و ۲۵۰ حجره در نقشه مدرسه ، منظور گردیده ، که یکصد حجره آن آماده شده است . کتابخانه مدرسه ، با هشت هزار جلد کتاب و سالن مطالعه ، مورد بهره برداری می باشد . هیئت امنائی مرکب از ۲۵ نفر، که چهارده نفر آنها

از علماء و مدّرسین شهرضا ، و بقیّه ، از معتمدین و مؤمنین می باشند ، بر این مجموعه ، نظارت دارند (۱) ولی عمده ، تأسیس و سرپرستی و ادامه برنامه های گوناگون مدرسه یاد شده ، بر عهده شخصیت والای روحانیت شهرضا ، حضرت حجه الاسلام و المسلمین ، آقای حاج شیخ غدیر علی ممیز دامت برکاته العالیه می باشد ، که با فعالیت گسترده و مداوم ایشان ، گامهای برجسته ای در راه اهداف یاد شده ، برداشته شده است . تاکنون ، از مجموع واحدهای مسکونی که در طرح یاد شده است ، و تعداد آنها سیصد عدد میباشد ، فقط پنج واحد ساخته شده است ، و به خاطر نیاز شدید طلاب معیل ، تعدادی از آنها در حجره های مدینه العلم ، اسکان داده شده اند . در تابستانها ، طلاب شهرضائی مقیم قم ، برنامه های درسی و تحقیقی خود را در ( مدینه العلم ) انجام میدهند .

### شمار طلاب شهرضا

شمار طلاب ساکن و محصل در شهرضا ، یکصد و پنجاه نفر ، و با محاسبه طلابی که در اصفهان و قم اشتغال به تحصیل دارند ، چهارصد نفر می باشند .

### ۱۹ - طالخونچه

قبلاً یکی از روستاهای بخش سمیرم سیفلی بوده ، و اخیراً ، جزء شهرستان النجان ، و از توابع مبارکه گردیده ، و حدود یک فرسخ با شهر مبارکه فاصله دارد

### مدرسه علمیه قائم آل محمد «عج»

مدرسه ای است ، در قطعه زمینی به مساحت پانصد متر مربع ، و دارای شش

ص: ۵۴۴

---

۱- ناظر شرعی این مجموعه ، در زمان حاضر آیه الله ، آقای حاج شیخ محمد علی اسماعیل پور ، مقیم قم می باشند

حجره میباشد و دو باب مغازه دارد، که به عنوان مَدْرَس و صندوق قرض الحسنه ، از آن استفاده میشود . طبقه دَوَم مدرسه ، که محل کتابخانه و سایر نیازمندیهای آن است ( در زمان تهیّه گزارش در سال ۱۳۷۰ شمسی) تکمیل نگردیده بوده است . شروع در تأسیس مدرسه ، سال ۱۳۹۸ قمری ، برابر ۱۳۵۷ شمسی میباشد .

## ۲۰- فریدون شهر

شهری است که در ۱۵۵ کیلومتری غرب اصفهان می باشد، و در سال ۱۳۶۴ شمسی ، به وسیله یکی از علمای منطقه ، جناب آقای نوراللّهی، منزلی تهیّه گردیده ، و به عنوان مدرسه علمیه قرار داده شده ، و در آن فعالیت حوزهای شروع گردیده ، و در چند نفر طلبه داشته است(۱).

## ۲۱- فلاورجان

شهری است در بیست کیلومتری اصفهان ، و در حاشیه زاینده رود میباشد ، که فاصله آن تا زرین شهر ( مرکز لنجانان )، سی و پنج کیلومتر است (۲) .

## مدرسه علمیه فلاورجان

مدرسه ای است، که در مرکز شهر قرار گرفته ، و دارای سه دَر ورودی است ، و سردر اصلی آن ، با کاشی معرق تزیین یافته ، و جمله :

أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَ عَلِيُّ بَابُهَا

در میان نوشته های کاشیکاری ، جلب توجه می نماید . بیست نفر طلبه زن

ص: ۵۴۵

---

۱- اظهارات امام جمعه محترم شهر داران ، در ملاقاتی در تاریخ اردیبهشت ماه ۱۳۶۵ شمسی

۲- جغرافیای کامل ایران ، جلد ۱، صفحه ۰۳۲۵

و پانزده نفر طلبهٔ مرد، در این مدرسه تحصیل علم مینمایند. البته قسمت طلاب مرد و طلاب زن، کاملاً جدا و مجزای از یکدیگر می باشد.

زمین مدرسه دو هزار متر، و ساختمان آن دو طبقه، و جمعاً دارای هجده حجره و مِدرس میباشد. این مدرسه قبلاً متعلق به یکی از پزشکان شهر بوده و طبق وصیت آن بزرگمرد، همسر و سایر ورثهٔ او، در اختیار علماء و حوزهٔ علمیه گذارده اند، و با همکاری مردم با ایمان شهر، در حال ساخته شدن است، و ساختمان مدرسه هنوز کامل نگردیده، و تأسیس آن از سال ۱۳۶۱ شمسی بوده است.

## ۲۲- قَمَصْر

در سی کیلومتری جنوب شرقی کاشان قرار گرفته، و به خاطر کوهستانی بودن، از آب و هوای بسیار مطبوعی برخوردار است، و محلّ پرورش درخت گل محمدی، و تولید بهترین گلابها و عطرهائی است که در تمام شهرها و کشورها مورد توجه است.

و برای شستشوی خانهٔ کعبه از گلاب قمصر استفاده میشود

## مدرسهٔ علمیهٔ ولی عصر علیه السلام

آیه الله، سید مهدی یثربی، در قطعه زمین بزرگی که در محلّ مرتفعی قرار گرفته، و مُشرف بر قمصر میباشد، مدرسهٔ باشکوهی در چهار طبقه با پنجاه و پنج حجره و ده مدرّس و یک کتابخانه (که در حال حاضر، در سال ۱۴۱۷ قمری، مشتمل بر پنج هزار جلد کتاب می باشد)، تأسیس نموده اند، که قسمتی از نماسازی و کاشی کاری آن، انجام شده است.

این مدرسه در حال حاضر، یکصد و بیست طلبه در دورهٔ مقدمات و سطح

متوسط دارد، و در تابستانها که هوای کاشان، گرم و سوزان می شود، جمعی از طلاب آن شهر، در این مدرسه، به فعالیت درسی و تحقیقی اشتغال پیدا میکنند، همچنان که در گذشته زمان نیز چنین بوده، و علمای بزرگ کاشان، در تابستانها، فعالیت علمی و تحقیق و تألیف خود را، در قمصر ادامه می داده اند، همانند: مرحوم فیض کاشانی، که قسمتی از کتاب شریف محجّه البیضاء را در قمصر تألیف نموده اند، و نیز مرحوم آیه الله، آقا سید محمد تقی پشت مشهدی، که تابستانها را در این محل میگذرانده، و به فعالیت علمی و دینی می پرداخته اند (۱).

## ۲۳- کاشان

یکی از شهرهای قدیمی ایران (۲) و به تعبیر دیگر، یکی از قدیمی ترین شهرهای ایران می باشد (۳).

در اولین تقسیمات کشوری، در سال ۱۳۱۶ شمسی، از شهرستانهای تابع استان مازندران، و در سال ۱۳۳۹ شمسی، جزء استان مرکزی گردید، و از سال ۱۳۵۵ شمسی تاکنون، از توابع استان اصفهان محسوب میشود (۴).

### قاطعت و پایبندی شدید مردم کاشان، نسبت به مکتب اهل البیت علیهم السلام در طول تاریخ اسلام

در تمام دوره های تاریخ اسلام، مردم کاشان مسلمان و معتقد به مکتب تشیع

ص: ۵۴۷

---

۱- اظهارات آیه الله یثربی و تحقیقات حضوری و محلی

۲- جغرافیای کامل ایران، جلد ۱، صفحه ۳۲۸

۳- لغتنامه دهخدا، جلد ۳۸، صفحه ۱۸۲

۴- سیمای کاشان، صفحه ۱۶

بوده اند، و قاطعیّت و تعهّد شدید آنها، نسبت به مکتب أهل البيت عليهم الله، آن چنان زبانزد بوده است، که در زبان دشمنان مکتب تشیّع، نام کاشان در ردیف نام قم (که عُش (۱) آل محمّد عليهم السلام، و پایگاه علم و ایمان و اعتقاد به خاندان عصمت و طهارت عليهم السلام بوده) قرار میگرفته، و دشمنان خاندان امامت، حمله های شدید و انتقادهای سرسختانه خود را متوجه این دو شهر پر برکت مینموده اند، و نویسنده متعصب و خبیث کتاب (بعض فضائح الزوافض)، در اکثر موارد، که به شهر قم و مردم آن ظالمانه حمله کرده است، نام کاشان را هم به دنبال آن آورده، و کلمات و تعبیرات زهر آگین خود را أداء نموده است.

و از آن طرف، دانشمند و محقق و متکلم بزرگ، مرحوم عبد الجلیل قزوینی، در کتاب بسیار ارزشمند (نقض)، معروف به (بعض مثالب التواصب) که در حدود سال ۵۶۰ هجری، (در دوران قدرت و تسلط أهل تسنن و مخالفین مکتب ولایت أهل البيت عليهم السلام) تألیف نموده، در جای جای کتاب نفیس خود، دفاعهای قاطعانه و مستدل و مستند خود را از شهر قم و کاشان و دیگر شهرهای شیعه نشین (همانند: ساری، ارم، آبه) در کنار هم، و یکسان قرار داده است، مثلاً در ضمن بحثی می نویسد: ... اگر غرض این بودی از خواندن مناقب، بایستی که به قم و کاشان و آبه و بلاد مازندران و سبزوار و دیگر بقاع، که إلا شیعه نباشند، نخواندندی (۲). و در جای دیگری، پس از بحثی مفصل، درباره عظمت علمی و معنوی قم و علماء و مدارس و مساجد و کتابخانه های آن، پیرامون کاشان می نویسد:

ص: ۵۴۸

۱- عُش = آشیانه

۲- کتاب نقض، صفحه ۷۷، چاپ سلسله انتشارات أنجمن آثار ملی

۴ و کاشان بحمد الله و مَنَّهُ ، منوّر و مشهور بوده است ، همیشه ، و بحمد الله هست ، به زینت اسلام و نور شریعت و قواعد آن ، از مساجد جامع و مساجد دیگر با آلت و عدّت و مدارس بزرگ ، چون مدرسه صفویّه و مجدّیه و شرفیه و عزیزیه ، با زینت و آلت و عدّت و اوقاف و مُدَرّس ( مُدَرّسین ) چون إمام ضیاء الدّین ، أبو الرّضا ، فضل الله بن علیّ الحسنی ، عدیم النّظیر در بلاد عالم به علم و زهد ، و غیر او از ائمّه و قضاه ، و کثره فقهاء و مقریان و مؤذّنان و عقود مجالس و ترتیب ( تربیت ) علمای سلف ، چون قاضی أبوعلی الطّوسی و اولادش (... ) و در وی ، مصلحان بیمرّ ، و حاجیان بی عدد ، و عمارت مشهد إمام زاده ، علیّ بن محمّد الباقر به ( بار کرز ) (۱) است که مجد الدّین فرموده است ،... ، و مانند این ، که همه دلالت است بر صفاء ایمان ، و نزهت طاعات مؤمنان کاشان ، عمرها الله بالعدل و التوحید و قبول الرّساله و إثبات العصمه (۲)

و در جای دیگر می نویسد : به قم و قاشان (کاشان) و آبه، همه فتاوی و حکومت ، بر مذهب صادق و باقر باشد ، و قاضی، علوی یا شیعی باشد (۳) .

و یاقوت حموی در معجم البلدان می نویسد : قاشان بِالشّینِ الْمُعْجَمِ ... وَ أَهْلِهَا كُلُّهُمْ شِيعَةٌ إِمَامِيَّةٌ ... وَ يُنْسَبُ إِلَيْهَا طَائِفَةٌ مِنْ أَهْلِ الْعِلْمِ ... (۴)

یعنی: قاشان (کاشان) با شین نقطه دار ... أهل آن، همه شیعه (دوازده) امامی هستند ... ، و نسبت داده می شود به این شهر، گروهی از أهل علم ....

ص: ۵۴۹

۱- منظور، مشهد أردهال می باشد

۲- کتاب نقض ، صفحه ۱۹۹-۱۹۸، توجّه شود، عبارات به سبک قدیمی است ، و دارای ویژگیهای انشاء آن زمان میباشد

۳- کتاب نقض ، صفحه ۴۵۹

۴- معجم البلدان ، جلد ۴، صفحه ۲۹۷-۲۹۶

و در کتاب تقویم البلدان تألیف أبو الفداء ، که در سال ۷۲۱، از تألیف آن فارغ شده، آمده است : قاشان (کاشان) از قم کوچکتر است ... ، شهری است نزدیک قم، مردمش شیعی هستند . جماعتی از علماء ، بدان منسوبند (۱).

و در کتاب (الأنساب) سمعانی (از علماء قرن ششم) آمده است:

... قاشان (کاشان) وَ هِيَ بَلَدُهُ عِنْدَ قُمْ، عَلَى ثَلَاثِينَ فَرَسًا مِنْ إِصْبَهَانَ، (اصفهان) دَخَلْتُهَا وَ أَقَمْتُ بِهَا يَوْمَيْنِ وَ أَهْلُهَا مِنَ الشَّيْعَةِ، وَ كَانَ بِهَا جَمَاعَةٌ مِنْ أَهْلِ الْعِلْمِ وَ الْفَضْلِ وَ أُدْرِكُ جَمَاعَةً مِنْهُمْ بِهَا، وَ أُدْرِكُ بِهَا السَّيِّدَ الْفَاضِلَ، أَبَا الرَّضَا، فَضَّلَ اللَّهُ بِنَ عَلِيٍّ (الْعَلَوِيِّ) الْحُسَيْنِيَّ الْقَاسَانِيَّ، وَ كَتَبَ عَنْهُ أَحَادِيثٌ وَ أَقْطَاعًا مِنْ شِعْرِهِ، وَ لَمَّا وَصَلْتُ إِلَى بَابِ دَارِهِ، فَزَعَتْ الْحَلْقَةَ، وَ قَعَدْتُ عَلَى الدَّكَّةِ، أَنْتَظِرُ خُرُوجَهُ فَظَرْتُ إِلَى الْبَابِ، فَرَأَيْتُ مَكْتُوبًا فَوْقَهُ بِالْجِصِّ:

إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا (۲)

یعنی: قاسان (کاشان) شهری است در نزدیکی قم، با فاصله سی فرسخ تا اصفهان (اصفهان). من وارد آن شهر شدم، و دو روز اقامت جستم، و اهل آن شیعه هستند، و در آن شهر، جماعتی از اهل علم و فضل بودند، و من جماعتی از آنها را در آن شهر ملاقات نمودم ... و در کاشان به ملاقات سید فاضل، أبو الرضا، فضل الله بن علی علوی حسینی کاشانی رسیدم، و احادیث و قطعه هائی از شعر (از سروده های خود او) از زبان او شنیدم، و نوشتم، و در هنگامی که به در خانه او رسیدم، حلقه در خانه را کوبیدم، و منتظر ماندم تا او از منزل خارج شود، پس در آن هنگام دیدم که بالای در خانه او با گچ نوشته شده

ص: ۵۵۰

۱- تقویم البلدان، صفحه ۴۸۶ - ۴۸۷

۲- الأنساب سمعانی، جلد ۱۰، صفحه ۱۸-۱۷



( و گچ بری شده ):

إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً (۱).

علامه امین ( صاحب اعیان الشیعه ، کاشان را جزء بلاد شیعه به شمار آورده ، و نظریه های یاقوت حموی در « معجم البلدان » و سمعانی در « الأنساب » و ... را نقل کرده ، و بدین طریق ، تشیع ریشه دار مردم کاشان را مورد تأیید و تأکید قرار داده است (۲).

و قاضی نور الله تستری ، در مجالس المؤمنین ، راجع به تشیع مردم کاشان شرحی می نویسد ، و نوشته های یاقوت حموی و أنساب سمعانی و عبد الجلیل قزوینی و ... را نقل نموده ، و اعمال مردم کاشان را ، در مورد روز عید الزهراء

( سالروز قتل عمر به دست ابولؤلؤ ) که به عنوان تجلیل ، او را ( بابا شجاع الدین ) مینامند ، به نقل از میر مخدوم شیرازی ، ذکر کرده (۳) ، که نشانه روشنی از قاطعیت مردم کاشان ، درباره تشیع ، و نیز ، دشمنی با دشمنان اهل البیت علیهم السلام ، می باشد .

و حاجی شیروانی ، در بستان السیاحه ، در مورد کاشان می نویسد:

کاشان بلده ای است مسرت نشان ... بطال و اهل کسالت و بیکار ، در آن دیار کم است ، و همگی به کسب و کار اشتغال دارند ، و از بطالت و بیکاری ، احتراز لازم شمارند ... مردمش از قدیم ، مذهب امامیه دارند

ص: ۵۵۱

---

۱- گچبری شدن این شعار بزرگ مکتب اهل البیت علیهم السلام ( یعنی آیه تطهیر ) بالای سردر خانه عالم بزرگی همچون سید ابوالرضا راوندی کاشانی ، در قرن ششم ، و در اوج قدرت اهل تسنن در ایران ، نشانه روشنی از قدرت و نفوذ مکتب اهل البیت علیهم السلام ، در شهر کاشان ، در آن زمان می باشد

۲- اعیان الشیعه ، چاپ جدید ، جلد ۱ ، صفحه ۲۰۶

۳- مجالس المؤمنین ، جلد ۱ ، صفحه ۸۶ - ۸۸

... آرباب فضل و کمال و ... ، از آن دیار بسیار ظهور نموده اند ... (۱).

و حمد الله مستوفی قزوینی ، دربارهٔ مردم کاشان می نویسد : مردم ، شیعه مذهب اند ، و اکثرشان حکیم وضع ، و لطیف طبع ، و در آنجا جهال و بطال ، کمتر باشد (۲).

### کاشان ، در دیدگاه سیاح فرانسوی ، از نظر دینی و مذهبی

شاردن ، جهانگرد فرانسوی ، دربارهٔ کاشان ، در زمان صفویّه می نویسد: در خود شهر و حومه آن ( که زیباتر از خود شهر است (۳) مجموعاً شش هزار و پانصد خانه و باغچه ، و چهل باب مسجد (۴) ، سه باب مدرسه ، و دویست باب إمامزاده (۵) وجود دارد ... ، بازارها و گرمابه های آن فوق العاده عالی و تمیز و خوش ساخت است (۶) (۷) .

ص: ۵۵۲

۱- بستان الشیاحه، صفحه ۴۸۷

۲- نزهه القلوب ، صفحه ۶۷-۶۸

۳- به خاطر باغهای متعدّد، که در اطراف شهر وجود داشته است

۴- در کتاب تاریخچهٔ وقف ، صفحه ۱۱۹ - ۱۲۰ ، از بیش از دویست و چهل مسجد نام برده شده است

۵- دویست إمامزاده ، در کاشان و اطراف آن ، نشانهٔ بزرگی است از حضور ذراری رسول خدا صلی الله علیه و آله ، در این منطقه ، و سندی است بر طرفداری مردم کاشان و حومه، از خاندان رسالت علیهم

۶- سیمای کاشان ، صفحه ۳۸ ، به نقل از سیاحتنامهٔ شاردن ، جلد ۳ ، صفحه ۸۳

۷- عبدالرحیم کلانتر ضرّابی نیز ، در تاریخ کاشان ، صفحه ۴۳۵ ، می نویسد : مختصر آنکه و قدر دویست گنبد و بارگاه و خرگاه از إمامزادگان ، در اصل شهر و نواحی و کوهسار کاشان . الست و هر یک موقوفاتی دارند

هم چنان که از عبارت یاقوت حموی در معجم البلدان ، و سماعانی در کتاب الأنساب، و سایر منابع تاریخی به دست می آید ، شهر کاشان ، همیشه مرکز علم و دانش ، و خاستگاه علماء و دانشمندان بزرگ و محدثین و مفسرین و فقهاء و حکماء و اُدباء و .... بوده است . و اینک به شواهد و نشانه هائی در این زمینه توجه فرمائید :

(کنت گوینو) دانشمند فرانسوی ، پس از سفر به کاشان ، درباره آن مینویسد : ..... موضوع دیگر آنکه ، شهر کاشان در عالم دانش و ادب نیز ، سابقه درخشانی دارد، و مردانی بزرگ و نامور ، از آن دیار ، برخاسته اند (۱).

راوند کاشان ، از آغاز تاریخ اسلام تا سده هفتم هجری ، از آبادیهای پر اعتبار کاشان، و یکی از مراکز مهم فرهنگ و دانش ایران ، بوده است ، و از آنجا دانشمندان و پیشوایانی نامور برخاسته اند .... (۲) .

مردم سخت کوش « آران » و « بیدگل » هم، با آنکه در حاشیه کویر واقع شده اند ، از قدیم آلائیم در پیشبرد دین و فرهنگ ، نقش مهمی را ایفاء نموده اند

وجود بقاع متبرک ، مکتب خانه ها و مدارس علمیه ، زمینه رشد و پرورش علماء ، دانشمندان و سخنوران بزرگی را در گذشته فراهم آورده است .... (۳) .

تشویق و زمینه اقدام افراد نیکوکاری ، چون صفی الدین ، و معین الدین و مجدالدین ، در ساختن مدارس علمیه مجهز ، و محل نشر معارف اسلامی ،

ص: ۵۵۳

---

۱- سیمای کاشان ، صفحه ۳۹ ، و تاریخ اجتماعی کاشان

۲- سیمای کاشان ، صفحه ۴۰

۳- سیمای کاشان ، صفحه ۴۲

و علوم عقلی و نقلی ، و ادبیات و هنر، تا جائی که کاشان از مراکز علم و ادب و سرآمد شهرها گردید ، از آثار در خور توجه این عصر ( دوره سلجوقیان و حاکمیت عمومی سنی های متعصب ) به شمار می رود . قطب راوندی ، أبوالرضا و عز الدین علی و ... ، از علمای بزرگ این دوره اند

راوندی ، مؤلف راحه الصدور ، که از مورخان آن عصر به شمار می رود، کاشان را ، منشأ فضلاء و هنرمندان دانسته ، و اغلب وزیران و دبیران و مستوفیان و ... را ، از تربیت یافتگان کاشان ، دانسته است (۱).

در دوره نفوذ خواجه طوسی در حکومت مغولها ، به موجب احترامی که خواجه نصیر الدین طوسی ، برای بابا افضل کاشانی قائل بوده ، کاشان از فتنه ها محفوظ مانده ، و در اثر فرمانروائی بهاء الدین ، محمد بن خواجه شمس الدین جوینی و پسرش در کاشان ، زمینه های بسیاری ، برای ترقی و پیشرفت فرهنگ و دانش در این شهر، فراهم گردیده است (۲).

در دوره صفویه ، شهر کاشان از نظر مذهب ، وسعت ، ثروت و زیبایی به درجه بالائی رسیده ، و از نظر مساجد و اماکن مذهبی و مراکز علمی و فرهنگی فعال بوده ، و رونق بسیار داشته است .

در اواخر قرن دوازدهم ، و نیمه اول قرن سیزدهم ، در اثر شخصیت برجسته علمی و تقوائی ملا مهدی نراقی ، و فرزند او ، ملا احمد نراقی ، و علماء بزرگ دیگر، حوزه علمیه کاشان ، از اعتباری برجسته برخوردار گردیده ، تا جائیکه بسیاری از علماء و فضلاء و طلاب ، به سوی شهر و حوزه علمیه کاشان

ص: ۵۵۴

---

۱- راحه الصدور ، صفحه ۵۱

۲- سیمای کاشان ، صفحه ۵۹

مهاجرت نموده ، و به تکامل علمی می پرداختند ، که از آن جمله ، اقامت چهار سالهٔ چهرهٔ برجستهٔ عالم فقه و اصول ، و خاتم المجتهدین ، شیخ مرتضیٰ آنصاری قدس سره ( که در مدت یاد شده، در کاشان ، به فعالیت علمی اشتغال داشته اند) سندی روشن ، برای مطلب فوق می باشد .

### **مزار امامزادگان فراوان در منطقهٔ کاشان ، نشانهٔ بارزی از فرهنگ تشیع در این سرزمین**

در شهر و ناحیه کاشان ، در حدود دویست بقعه و مزار (۱) از ذراری رسول خدا و ، امامزادگان عظیم الشان ، که عموماً دارای مقامات علمی و معنوی و چه بسا کرامات برجسته ای بوده اند ، وجود دارد که هر کدام از آنها در زمان

خود ، از طریق ارشاد مردم و اعمال و اخلاق شایسته ای که از آنها تجلی نموده ، نقش بسیار جالب و ارزشمندی ، در حفظ و گسترش فرهنگ تشیع و مکتب اهل البیت علیلا داشته اند ، و بسیاری از آنها ، در نشر علم و دانش ، و بالا بردن سطح آگاهی و دانش اجتماع ، سهم بسزائی را به خود اختصاص داده اند ، و در مجموع ، عامل برجسته ای برای رشد و ترقی فرهنگ دینی و عمومی جامعه ، بالأخص در زمینه پای بندی به مکتب اهل البیت علیلا ، به شمار می روند .

### **امامزاده علی بن محمد الباقر علیه السلام نمایندهٔ امام باقر علیه السلام ، در منطقهٔ کاشان**

یکی از معتبرترین امامزادگان عظیم الشان مدفون در بلاد ایران ، و صاحب

ص: ۵۵۵

---

۱- تاریخ کاشان ( مرآت آلقاسان ) صفحه ۴۳۵ ، سیمای کاشان ، صفحه ۳۸ ، به نقل از سیاحتنامه شاردن ، مجموعه تاریخی مذهبی مشهد اردهال ، اثر حسین فرخ یار ، صفحه ۱۴ و ...

یکی از پر عظمت‌ترین مزارات فراوان منطقه کاشان، امامزاده علی بن محمد الباقر علی مشهور به: حضرت سلطان علی بن محمد الباقر علی، می‌باشد، که فرزند بدون واسطه امام باقر علی بوده، و مقام معنوی بسیار بالایی داشته، و کرامات فراوانی (در زمان حیات و پس از شهادت) از آن حضرت ظاهر گردیده است، و بسیاری از علماء و مراجع بزرگ شیعه، ارادت و علاقه خاصی نسبت به این بزرگوار داشته و دارند.

عظمت و جلالت مقام این بزرگوار، و اهمیت مرقد و مدفن آن حضرت، در محلی که در حال حاضر، به نام مشهد اردهال نامیده می‌شود، و برکات زیارت و توسل به آن حضرت، تا به حدی رسیده است، که بسیاری از کتب أنساب و تاریخ و تراجم، درباره آن امامزاده بزرگوار، یا مدفن ایشان، یا ثواب زیارتشان، مطالب ارزشمندی مطرح ساخته‌اند.

کتابهای: النقص، جمهره أنساب العرب، نهاییه الأنساب، تذکره الأنساب، مجالس المؤمنین، منتخب التواریخ، عمدہ الطالب، ریاض العلماء، ألمجدی، مشجرات، مزارات علویین، تاریخ قم، جنات الخلود، بحار الأنوار، منتهی الامال، روضات الجنات، دیوان راوندی، امام زادگان معتبر، ستارگان فروزان و...، هر کدام به شکلی، درباره نام، یا محل دفن یا شهادت و عظمت این بزرگوار، مطالبی و یا نکته‌هایی در بردارند، و کتابهای مستقلی نیز درباره عظمت این امامزاده و بقعه و بارگاه و تاریخ درخشان مزار کثیر آلبرکات آن حضرت، تألیف گردیده است، همانند:

۱- زندگی و زیارتنامه حضرت سلطانعلی، اثر یکی از علماء بزرگوار کاشان، مرحوم حاج شیخ عبد الرسول مدنی کاشانی، که در این کتاب، شرح سفر حضرت سلطانعلی به سوی منطقه کاشان و اردهال (ور اردهار) و شهادت

و دفن آن حضرت را ، از نسخه ای خطی که یکصد و سی سال قبل از تألیف این کتاب ، نوشته شده بوده ، نقل نموده است .  
 ۲ و ۳ - دو رساله درباره حضرت سلطانعلی لا ، اثر یکی از علماء جلیل القدر و معاصر کاشان ، آقای حاج سید عزیزالله إمامت کاشانی ، دام عزه (۱) ۴- رساله ای درباره حضرت فاطمه معصومه ع و حضرت علی بن الإمام محمد الباقر لا که در مؤسسه تحقیقاتی مدرسه الإمام المهدی علاقم ، زیر نظر حضرت آیه الله العظمی ، آقای حاج سید محمد باقر موحد أبطحی ، تهیه ، و در سال ۱۴۰۹ قمری منتشر شده است .

۵- مجموعه تاریخی - مذهبی مشهد اردهال ، اثر آقای حسین فرخ یار ، که این کتاب ، دارای ۱۷۹ صفحه می باشد ، و به تفصیل درباره مطالب مربوط به إمامزاده سلطانعلی لیلا- و شهادت و دفن و مزار و بقعه و بارگاه آن حضرت ، و نیز درباره مراسم عزاداری تاریخی برای آن بزرگوار ، بحث نموده است .

#### **إعزام حضرت سلطانعلی علیه السلام ، از طرف إمام باقر علیه السلام**

جمعی از شیعیان و دوستان اهل البیت طلا از چهل حصاران (کاشان) و فین ، نامه ای به محضر امام محمد باقر ع نوشتند ، و از آن حضرت در خواست نمودند ، که یکی از فرزندان خود را به منطقه چهل حصاران (کاشان فعلی ) و اطراف آن ، برای ارشاد مردم اعزام نمایند ، و هنگامی که حضرت علی بن إمام محمد باقر علا ، وارد منطقه گردیدند ، مردم چهل حصاران و فین

ص: ۵۵۷

---

۱- مجموعه تاریخی - مذهبی مشهد اردهال ، صفحه ۳۴ ، ولی در کتاب گنجینه دانشمندان ، جلد ۶ ، صفحه ۲۶۵ ، فقط از یک کتاب درباره حضرت سلطانعلی و هلال بن علی ، از این نویسنده یاد نموده است

و بارکرز و خاوه و جاشب و ... ، با کمال احترام و تجلیل ، استقبال نمودند و مدت سه سال ، آن بزرگوار با کمال احترام در میان مردم به ترویج دین پرداختند ، و روزهای جمعه ، از راههای دور و نزدیک ، شیعیان اجتماع می نمودند ، و از اقامه نماز و برنامه های ارشادی آن حضرت ، بهره می گرفتند .

پس از این ، حاکم آن منطقه و عده ای از دشمنان اهل البیت علیا ، لشکرکشی نموده ، و پس از مدتی جنگ ، عده زیادی از طرفین کشته شدند ، و حضرت علی بن الإمام محمد الباقر علا ، با جمعی از شیعیان و یاران مخلص به شهادت رسیدند ، و در بارکرز (باریکرسف ، بارکرسف ) « مشهد اردهال فعلی »

مدفون گردیدند (۱) (۲) .

نویسنده این سطور ، شخصا ، مشمول کراماتی از آن حضرت گردیده ام ، و کرامات زیادی را نیز ، درباره دیگر متوسلین به آن حضرت شنیده ام ، و نه تنها عموم مردم ، نسبت به این بزرگوار علاقه شدید دارند ، بلکه علماء بسیاری در زمره علاقمندان و معتقدان به عظمت این بزرگوار بوده و هستند ، همانند :

مرحوم آیه الله العظمی ، مرعشی نجفی نیا و هم چنین ، حضرت آیه الله

ص: ۵۵۸

---

۱- جریان مفصل اعزام و ارشاد و شهادت را ، در کتاب مجموعه تاریخی - مذهبی مشهد اردهال ، از صفحه ۳۵ تا ۶۲ مطالعه فرمائید

۲- جنازه های آن بزرگواران ، در تابوتهائی ، در سردابهای موجود است ، و مرحوم آیه الله العظمی ، مرعشی نجفی ، در سال ۱۳۴۰ یا ۱۳۴۱ شمسی ، به آن سردابه تشریف می برند و متجاوز از یکصد تابوت می بینند ، که قسمتی از تخته های چند تابوت شکسته ، و درون هر یک ، جسدی در لباس زندگی با سر و صورت باز و موهای ژولیده نمودار بوده ، و ایشان از پوسیده نشدن بدنها و تابوتها ، اظهار تعجب می نمایند (به مجموعه تاریخی - مذهبی مشهد اردهال ، صفحه ۱۵۳ و ۱۵۴ ، و نیز به کتاب « کرامات صالحین » از نویسنده عالیقدر ، آقای شیخ محمد رازی صاحب گنجینه دانشمندان ) صفحه ۳۲۵ ، مراجعه فرمائید



العظمی ، آقای حاج سید محمد باقر موحد ابطحی مدظله العالی و ...

### خاندانهای علمی کاشان

در طول تاریخ علمی و مذهبی کاشان ، خاندانهای بزرگ علمی، در آن رشد و نمو یافته ، و در میان آنها ، چهره های برجسته ای ، درخشیده اند که این شهر را

علاوه بر « دار المؤمنین » بودن « مجمع العلماء » قرار داده اند ۱- خاندان علمی طوسی (۱) ۲- خاندان علمی قطب راوندی کاشانی ۳- خاندان علمی سید أبو الرضا راوندی کاشانی ۴- خاندان علمی غیاث الدین جمشید کاشانی ۵- خاندان علمی فیض کاشانی (۲) ۶- خاندان علمی ملا مهدی وملا أحمد نراقی کاشانی (که این خاندان ، چهره های متعدد و برجسته ای را در بر میگیرد) ۷- خاندان علمی آقا سید محمد تقی پشت مشهدی ، ( که سرسلسله این خاندان ، آقا سید ماجد حسینی ، از معاصرین شاه سلیمان صفوی می باشد )

۸- خاندان علمی میر ابوالقاسم مجتهد ، (که علماء بزرگ و مجتهدین بزرگواری در این خاندان ظهور یافته اند) ۹- خاندان علمی میرزا نصر الله ، امام جمعه کاشان ۱۰- خاندان علمی میر عبد الباقي (سرپرست مدرسه سلطانی) ۱۱- خاندان علمی ملا أحمد نظتری کاشانی ۱۲- خاندان علمی شیخ الإسلام

ص: ۵۵۹

۱- خاندان علمی طوسی، از قدیمی ترین خاندانهای علمی شیعه ، و طرق اجازات ، در کاشان میباشد ، که جمعی از قضات و فقهاء و مشایخ اجازات ، از این خاندان برخاسته اند . سرسلسله این خاندان ، عبد الجبار بن محمد طوسی است ، که از شاگردان شیخ الطائفه ( شیخ طوسی ) می باشد، و اولین شخصی است که ، بنیان علمی را در خاندان خود گذاشت، و اولین کسی است که ، کاشان را مسکن دائمی خود قرار داد ( دائره المعارف تشیع، جلد ۱، صفحه ۱۹۶ )

۲- در کتاب سیمای کاشان ، از صفحه ۱۲۷ تا ۱۴۵ ، دهها شخصیت علمی از این خاندان را معرفی نموده است

کاشان (که سرسلسله آنها، آقا سید جعفر شیخ الإسلام می باشد) ۱۳ - خاندان علمی سادات رضوی کاشان ( که از زمان صفویه مورد توجه قرار گرفته اند) ۱۴ □ خاندان علمی سادات منزوی (که سرسلسله آنها، مرحوم میر مظفر حسینی میباشد) ۱۵ - خاندان علمی آقا سید محمد رضا مجتهد کلهری (که سرسلسله آنها حاجی میر عبد الغنی مجتهد کلهری است، و عده زیادی از مجتهدین و علماء در این خاندان ظهور یافته اند)، ۱۶ - خاندان علمی حاج سید حسین مجتهد کاشانی ۱۷ خاندان علمی ملا- حبیب الله شریف کاشانی (که علماء و فضلاء بزرگی به این خاندان منسوب هستند) ۱۸ - خاندان علمی یثربی کاشانی ( که بخشی از خاندان بزرگ علمی حاج سید محمد تقی پشت مشهدی، میباشد) ۱۹ - خاندان علمی امامت کاشانی ۲۰ - خاندان علمی مصطفوی کاشانی و خاندانهای علمی دیگری که در طول تاریخ کاشان، به ظهور رسیده، و چهره های علمی ارزشمندی، به عالم علم و ادب، عرضه نموده اند (۱).

### چهره های علمی بزرگ کاشان

با یک نگاه، به تاریخ طولانی حوزه های علمیه شیعه، و مجامع بزرگ علمی

ص: ۵۶۰

---

۱- در کتاب تاریخ کاشان ( مرآه القاسان)، از صفحه ۲۷۶ تا ۳۱۶، خاندانهای علمی کاشان را با ذکر شخصیتهایی از آن خاندانها، معرفی نموده، و نیز در کتاب سیمای کاشان، از صفحه ۱۱۰ تا ۱۸۶، در ضمن معرفی علماء بزرگوار کاشان، از قرن دوم تا چهاردهم، به عده ای از خاندانهای علمی کاشان اشاره نموده، و هم چنین در کتب تراجم، همانند: أعيان الشیعه، ریحانه الأدب، روضات الجنات، گنجینه دانشمندان، طبقات مرحوم حاج آقا بزرگ طهرانی و ..... در ضمن معرفی علماء بزرگی از کاشان، به خاندانهای علمی آنان نیز اشاره شده است، و در کتاب دائرة المعارف تشیع، جلد ۱، صفحات ۱۷۲-۱۷۳-۱۹۶-۲۰۴-۲۰۶، از خاندانهای راوندی ۱ و ۲ و طوسی و فیضی و کاشانی به تفصیل نسبی، بحث و بررسی گردیده است

جهان تشیع ، و مطالعه کتب رجال و تراجم، همانند : *ألفهرست منتجب الدین رازی ، جامع الرواه ، أعیان الشیعه ، طبقات حاج آقا بزرگ طهرانی ، روضات آلجئات و ...*، ملاحظه مینمائیم که از شهر با ایمان و ولایت کاشان ، چهره های برجسته ای در عالم فقه و حدیث و تفسیر و کلام و اخلاق و ادب و ... برخاسته اند ، و علماء دیگری نیز از همین شهر ، به کوشش در راه تحصیل و تعلیم و نشر مکتب اهل البیت عال پرداخته اند ، که گرچه از نامداران بزرگ عالم علم نیستند ، ولی در دوره های سخت ، با همت بلند و ایمان استوار ، و مجاهدتهای ارزشمند ( در سنگر علم و ارشاد دینی ) نقش بسیار ارزشمندی را بر عهده گرفته ، و موفق گردیده اند ، که کاشان را در طول تاریخ درخشانش

و شهر اهل البیت علی و مهد ولایت نگاه دارند ، و نویسنده کتاب سیمای کاشان ، موفق گردیده ، که با تحقیق و تتبع در کتب رجال و تراجم، متجاوز از چهارصد تن از این بزرگان را ( از قرن دوم تا چهاردهم )، مورد ذکر و معرفی اجمالی ، قرار دهد، و در برخی موارد، به معرفی تفصیلی پردازد، و نیز در کتابهای تاریخ کاشان و گنجینه دانشمندان ( بخش مربوط به کاشان ) و دیگر کتابهایی که درباره کاشان تألیف گردیده ، هر کدام ، عده ای از مفاخر علمی و ادبی این شهر ولایت را ، معرفی نموده اند . و اینک اشاره ای به چند چهره برجسته ، از مفاخر علمی کاشان می نمائیم :

۱- ضیاء الدین ، فضل الله بن علی ، حسنی (۱) راوندی کاشانی ، متوقای بعد از ۵۴۸ (۲) . او علامه دهر و یگانه زمان ، و از مفاخر مشایخ حدیث به

ص: ۵۶۱

- 
- ۱- در بعضی از کتب تراجم، حسنی و در بعضی دیگر حسینی ضبط شده است
  - ۲- *ألثقات العیون ، فی سادس القرون (طبقات حاج آقا بزرگ طهرانی ، قرن ششم) صفحه ۲۱۸ و ریحانه الأدب ، جلد ۴ ، صفحه ۱۰ ، به نقل از آلدرجات الرفیعه سید علی خان مدنی*

شمار رفته ، و از شاگردان شیخ أبوعلی طوسی ( فرزند شیخ طوسی ) بوده ، و شاگردانی همانند : شیخ منتجب الدین رازی ، و ابن شهر آشوب مازندرانی و ... داشته ، و تألیفات بسیار و ارزشمندی از خود به جای گذاشته است .

خاندان علمی او ، از مفاخر شیعه و شخص او نه تنها جامع علوم ، بلکه دارای کرامات و مقامات معنوی بوده ، و مدرسه عظیمی در کاشان داشته است (۱) .

عموم صاحبان تراجم (۲) از این چهره برجسته تاریخ شیعه یاد نموده ، و هر کدام ، از تألیفات و حوزه درسی و خاندان علمی و اخلاق و حسب و نسب او ، به عظمت یاد کرده اند، و او را از مفاخر شیعه ، و سادات و ذراری پیامبر لوله ، و حوزه های علمیه ، و ایران ، و کاشان ، و راوند، به شمار آورده اند

۲- قطب الدین راوندی « سعید بن هبه الله راوندی کاشانی » ، که فقیهی محقق ، متکلمی مدقق ، محدثی جامع و ماهر ، مفتی متبحر ، و شاعری جلیل القدر ، و شخصیتی دارای کرامات معنوی بوده، و در سال ۵۷۳ قمری در قم وفات یافته ، و در صحن بزرگ آستان مقدس حضرت معصومه عل ، مدفون گردیده است .

او نه تنها از مفاخر بزرگ کاشان ، بلکه از چهره های برجسته شیعه و ایران می باشد . تألیفات فراوان ، خاندان علمی بزرگ و برجسته ، فرزندان نامدار او ( بالأخص شیخ حسین بن سعید ، که به مقام شهادت نیز نائل گشته ) استادان ممتاز و شاگردان برجسته ، و آثار و برکات معنوی او ، که در زمان حیات ظاهری،

ص: ۵۶۲

---

۱- الثقات العیون ، صفحه ۲۱۸

۲- همانند : صاحب روضات الجنات ، حاج آقا بزرگ طهرانی ( در الذریعه و طبقات ) صاحب أعیان الشیعه و مؤلف ریحانه الأدب و صاحب ریاض العلماء

و پس از فوت او ظاهر گردیده ، همه و همه ، نشانه بارزی از یک شخصیت ممتاز و مرتبط با مقام منبع ولایت و خاندان نبوت و رسالت و امامت علی میباشد . درباره این بزرگمرد الهی نیز ، عموم صاحبان تراجم ، به تجلیل با شرح و تفصیل بسیار ، پرداخته اند (۱).

۳- غیاث الدین جمشید کاشانی ، که حکیمی مفسر ، و منجمی ریاضی بوده ، و استعداد و نبوغی برجسته ، و کشفیاتی ارزشمند ، داشته است . در علوم ریاضی و نجوم ، از مفاخر بزرگ علمی شیعه ، در قرن نهم به شمار رفته است . در تکمیل زیج ایلخانی خواجه نصیر الدین طوسی ، کتابی نوشته ، و به نام زیج خاقانی نامیده است . تألیفات او متعدد ، و عموماً در زمینه نجوم و ریاضی می باشد . درباره متحد بودن این بزرگمرد و سید گازر ، صاحب تفسیر معروف گارز ، بحثهایی وجود دارد ، که طالبین بایستی به کتب تراجم ، مراجعه فرمایند . مراجعه فرمایند .

۴- ملا فتح الله کاشانی ، فرزند ملا شکر الله ، که فقیهی محقق ، و متکلمی مدقق ، و مفری نامدار و برجسته ، بوده است . گرچه به خاطر عظمت و شهرت فراوان تفسیر بزرگ او ، به نام منهج الصادقین ، تنها به عنوان مفسر شناخته شده ، ولی او در تمامی علوم اسلامی ، از قبیل فقه و حدیث و کلام و علوم ادبی و ... که در آن زمان رایج بوده ، مهارت و تبحر داشته است (۲) . وی ، در سال ۹۸۸ و به قولی ۹۹۷ وفات یافته است (۳) .

ص: ۵۶۳

۱- همانند : صاحب روضات الجنات و حاج آقا بزرگ طهرانی ( در الذریعه و طبقات ) و صاحب أعیان الشیعه و مؤلف ریحانه الأدب و صاحب ریاض العلماء و

۲- عموم صاحبان تراجم ، شخصیت یاد شده را با ألقاب : فقیه ، متکلم ، آدیب و ..... یاد کرده اند

۳- إحياء الدائر من القرن العاشر ( طبقات حاج آقا بزرگ طهرانی ، قرن دهم ) صفحه ۱۷۷

۸ و ریشه ها و جلوه های تشیع و حوزه علمیه اصفهان که

ج ۲)

۵- ملا- محمد بن شاه مرتضی، ملقب به محسن، و معروف به «ملا- محسن» و «فیض» و «فیض کاشانی» (کاشی) متوفای ۱۰۹۱. او فقیه، محدث مفسر، حکیم، متکلم، آدیب و شاعر میباشد، و در هر زمینه محقق، مدقق، متفطن، ماهر، متبع، مبتکر و منفرد می باشد، و جامع علوم عقلی و نقلی، ظاهری و باطنی، به شمار رفته است.

شهرت او به علم و تحقیق، عالمگیر، و عظمت آثار علمی او، مورد قبول موافق و مخالف می باشد. در کتاب ریحانه الأدب، یکصد و بیست اثر قلمی و تألیفی او نام برده شده، که برخی از آنها چندین مجلد میباشد، و در کتاب سیمای کاشان، شمار کتابها و رساله های فیض را بیش از یکصد و پنجاه عدد دانسته است (۱). کتاب وافی، و ألمحججه البیضاء، و تفسیر صافی در میان مجموع آثار مرحوم فیض، از اهمیت و شهرت ویژه ای برخوردار است.

آساتید نامدار و برجسته مرحوم فیض، خاندان علمی او، که (مشمول بر دهها چهره علمی و عالم و دانشمند دینی است) مرقد مطهر او، که از مزارات مورد توجه مردم کاشان می باشد، و کراماتی که در زمان حیات و پس از وفات آن بزرگمرد، ظاهر گردیده، همه و همه، نشانه عظمت استثنائی او می باشد (۲).

۶- حاج ملا مهدی (محمد مهدی نراقی کاشانی، متوفای ۱۲۰۹ قمری. او، فقیه، اصولی، حکیم، متکلم، أخلاقی، آدیب بوده، و جامعیت او در علوم عقلی و نقلی، به حدی رسیده، که در کلمات بعضی از بزرگان، با

ص: ۵۶۴

۱- سیمای کاشان، صفحه ۱۲۸

۲- مطالعه شرح حال این بزرگمرد، در کتابهای روضات الجنات، أعیان الشیعه، ریحانه الأدب و سایر کتب تراجم توصیه میشود

عنوان : خاتم المجتهدین ، لسان الفقهاء و المتكلمین ، ترجمان الحكماء و المتألهین و ... مورد تمجید قرار گرفته است (۱).

علاوه بر علوم رایج در حوزه های بزرگ دینی ، در حساب و هندسه و هیئت ( علوم ریاضی و علوم ادبی ، خصوصا معانی و بیان ، دستی قوی داشته ، و در تحصیل علم ، از شوق و ولعی عجیب ، برخوردار بوده است . کتابهای متعدد و متنوع او ، در فقه و اصول و کلام و اعتقادات و اخلاق و ... (۲) مورد توجه و استفاده بزرگان میباشد ، و در میان خاندان علمی او ، شمار قابل توجهی از گوهرهای درخشان علمی ، وجود داشته است .

او پس از رسیدن به مدارج بزرگ علمی ( در حوزه اصفهان و کربلا ) به کاشان مراجعت نمود و به حوزه علمیه آن چنان رونقی بخشید ، که آن شهر دار الایمان را ، با عنوان : دار العلم و دار التحصیل و مجمع العلماء ، مفتخر نمود (۳) (۴).

۷- ملا- أحمد نراقی کاشانی او فقیه ، اصولی ، محدث ، رجالی ، ریاضی ، نجومی ، معقولی و منقولی ، شاعر و ... بوده ، و از مفاخر علمی شیعه و ایران و کاشان ، به شمار می رود . در

ص: ۵۶۵

۱- ریحانه الادب، جلد ۶، صفحه ۱۶۴ و ...

۲- در کتاب سیمای کاشان ، صفحه ۱۵۴، شمار کتابها و رساله هائی که از قلم آن بزرگمرد به جای مانده ، بیش از چهل عدد ذکر گردیده است

۳- ریحانه الأدب ، جلد ۶، صفحه ۱۶۵

۴- در عموم کتب تراجم ، از این بزرگمرد و فرزند او ، ( ملا أحمد نراقی ) ، با تجلیل و تمجید فراوان و ذکر آثار و خدمات ، یاد شده و او را از مفاخر عالم علم و تقوی و معنویت ، به شمار آورده اند

.....

زهد و تقوی و اوصاف نیکو، شهرت عالمگیر دارد، و همانند پدرش ملا مهدی نراقی، در عظمت بخشیدن به حوزه علمیه کاشان، نقشی حیاتی داشته است زحمات او در اداره حوزه علمیه کاشان، و تربیت طلاب علوم دینی، بسیار بوده است، و عظمت علمی او، شخصیت برجسته عالم فقه و اصول و اجتهاد و تحقیق، یعنی شیخ اعظم انصاری (خاتم المجتهدین) را، مدت چهار سال در کاشان نگهداشت، و او را به کسب علم در حوزه درسی مرحوم نراقی، ترغیب نمود (۱).

در میان تألیفات او (که تاسی عنوان ذکر شده) کتابهای: «مستند الشیعه» و «معراج السعاده» و «عوائد الأيام»، از شهرت و ارزش بسیار والائی برخوردار می باشد. وفات آن بزرگمرد، در سال ۱۲۴۴ یا ۱۲۴۵ قمری بوده، و در حدود اوائل قرن چهاردهم، جنازه ملا مهدی نراقی و ملا احمد نراقی (که مدفون در نجف اشرف هستند) بدون هیچ گونه تغییری دیده شده است (۲).

۸- آقا سید محمد تقی پشت مشهدی

فقیه اصولی و عالم کامل، جامع بین علوم ظاهری و باطنی، مرحوم آقا سید محمد تقی پشت مشهدی، فرزند آقا سید عبد الحی بن سید ابراهیم بن سید ماجد پشت مشهدی (سر سلسله خاندان علمی پشت مشهدی و معاصر شاه سلیمان صفوی (۳)). وی از علماء ربانی و صاحب کرامات بوده، و مفتخر به ملاقات ولی العصر و الزمان، حضرت بقیه الله الأعظم (عج) گردیده است (۴).

ص: ۵۶۶

- ۱- زندگانی و شخصیت شیخ انصاری، صفحه ۶۹
- ۲- به ریحانه الأدب، جلد ۶، صفحه ۱۶۳ مراجعه شود
- ۳- تاریخ کاشان، صفحه ۲۸۷
- ۴- گنجینه دانشمندان، جلد ۶، صفحه ۲۴۹



و حوزه ها و مدارس علمیه ، در توابع اصفهان )

(۵۶۷)

برخی او را با ألقاب : سید آلفقهاء و المجتهدین و سند الأتقیاء و الزاهدین ، مورد تجلیل قرار داده ، و ملا حبیب الله شریف کاشانی ، درباره او نوشته است:

كان عالم فاضله ، فقیها ، أولیه ، جامعه بین العلم الظاهر و الباطن ، مزاجاً ضمه غایده ، زاهده موثوقه به عند الخواص و الأفاضل ، من تلامذه ضاجب الرياض (۱).

از نسل آن بزرگمرد ، علماء و مجتهدین متعدد برخاسته اند ، و مزار شریف ایشان ، در جوار حضرت حبیب بن موسی ع ، در پشت مشهد کاشان ، مورد توجه ، و زیارتگاه مؤمنین ، و دارای ضریح می باشد ، و وفات آن مجتهد بزرگوار ، در سال ۱۲۵۸ قمری بوده است .

۹- ملا حبیب الله کاشانی

او ، عالم عابد زاهد ، و صاحب تألیفات گرانقدر ، در زمینه فقه و تفسیر و عقائد و اخلاق و علوم ادبی و شعر و علوم غریبه بوده ، و پس از تحصیل مقامات علمی در حوزه های کاشان ، تهران و کربلاء ، در نزد اساتید هر رشته ، در ست هیجده سالگی ، از استادش حاج سید حسین کاشانی ، به اجازه اجتهاد مفتخر گردیده است (۲).

وی ، پس از طی مراحل علمی ، به کاشان مراجعت نموده ، و به زعامت دینی و تربیت طلاب و تدریس و تألیف پرداخته ، که شمار کتاب و رساله های او ، به یکصد و پنجاه عدد می رسد (۳) و از میان آنها ، کتاب « منتقد المنافع » ، در شرح مختصر النافع ، در چهارده جلد ، جلب توجه می نماید . وی خاندانی علمی

ص: ۵۶۷

۱- گنجینه دانشمندان ، جلد ۶ ، صفحه ۲۴۹ به نقل از لباب الالقباب

۲- ریحانه الأدب ، جلد ۵ ، صفحه ۱۸

۳- سیمای کاشان ، صفحه ۱۶۸

دارد، و در سال ۱۳۴۰ قمری وفات یافته است .

۱۰- آقا میر سید علی یثربی کاشانی

فقیه بزرگ و اصولی محقق، و استاد و مربی عظیم الشان، آیت بزرگ حق، و زاهد و متقی نامدار، آقا میر سید علی یثربی، متوفای ۱۳۷۹ قمری .

وی از مفاخر بزرگ علمی کاشان، و خاندان بزرگ علمی پشت مشهدی و یثربی می باشد، و در مدت اقامت او در نجف اشرف برای تحصیل و تدریس، و مدت اقامت او در قم برای تدریس، همانند ستاره ای درخشان، همه علماء و فضلاء را متوجه خود می ساخته است .

او در حوزه نجف، استاد های بزرگواری، همانند: آقا سید محمد کاظم یزدی و مرحوم شریعت اصفهانی و مرحوم نائینی و مرحوم آقا ضیاء الدین عراقی و آقا سید ابوالحسن اصفهانی داشته، و در همان حوزه، و نیز حوزه علمیه قم (که به امر آیه الله العظمی، حاج شیخ عبد الکریم حائری، مدت هفت سال در آن اقامت جسته) حوزه درسی ایشان، مجمع فضلاء و محل استفاده مراجع عالیقدر شیعه دوره متأخر، بوده است (۱).

مرحوم آیه الله یثربی، در زمره مبرز ترین و برجسته ترین چهره های علمی فقه و اصول در نیمه دوم قرن چهاردهم بوده اند، و در هنگام مراجعتشان از نجف اشرف، مرحوم آقا ضیاء الدین عراقی، با اشک جاری این بزرگمرد را بدرقه نموده اند، و مرحوم آیه الله العظمی، آقای بروجردی تا در مسئله بقاء بر تقلید میت، با بحثی علمی با این بزرگمرد، تغییر فتوی دادند، و در دنباله مناظرهای علمی با ایشان، پیام فرستادند که: من، شما را اصولی مبرز می دانستم،

ص: ۵۶۸

حوزه ها و مدارس علمیه ، در توابع اصفهان

(۵۶۹)

و نمی دانستم که فقیه بلند پایه ای هم هستید (۱).

### بقعه های دینی کاشان ، نشانه ای از سابقه علمی کاشان

در شهر کاشان و حومه آن ، بقعه هائی متعلق به علماء بزرگ دین، وجود دارد که هر کدام ، سندی بر تاریخ درخشان علمی و دینی کاشان میباشد ، همانند : « بقعه سید ابوالرضا راوندی » و « بقعه ملا فتح الله کاشانی » و « بقعه و مزار مرحوم ملا محسن فیض کاشانی » و « مرقم مرحوم حاج میر عبد الواسع منزوی » و « مقبره حاج سید محمد تقی پشت مشهدی » و « مزار و مقبره شیخان » و « مزار و مقبره حاج میرزا أبو القاسم مجتهد » و .. (۲) .

### مدارس علمی کاشان

با توجه به سابقه دیرینه کاشان ، در فعالیتهای گسترده علمی و پای بندی مردم آن به مکتب أهل البیت طلا ، به خوبی می توان حدس زد که ، در طول تاریخ درخشان این شهر ، مدارس علمیه متعددی ساخته شده (۳) ، و محل فعالیت علمی و تحصیل و تدریس بوده است . ما ، در این بخش ، مدارس

ص: ۵۶۹

۱- سیمای کاشان ، صفحه ۱۷۴

۲- از بقعه های بسیار ارزشمند کاشان ، بقعه محتشم کاشانی است ، که او گرچه از شعرا بوده ، و در زمره علماء به شمار نمی رود ، ولی مقام معنوی او ، و عنایت پیامبر اکرم له و حضرت زهراء ع و ائمه معصومین علی نسبت به او ، موجب شده که بقعه و مزار او ، از مفاخر دینی کاشان محسوب گردد

۳- شمار مدراس کاشان در حدی زیاد بوده ، که عبدالرحیم کلانتر ضرابی می نویسد : دیگر از جمله مساجد و مدراس در هر محله سه چهار مسجد هست ، و هم مدراس زیاد در این شهر بریاست ، ولی ذکر همه ، مورث تطویل است ( تاریخ کاشان ، صفحه ۴۲۵ )

علمیه کاشان را به دو دسته تقسیم می نمایم: | اول: مدرسه های قبل از دوره صفویه، دوم: مدرسه های دوره صفویه، تاکنون

### مدارس علمیه شیعه، قبل از دوره صفویه

محقق و دانشمند متکلم و مجاهد عظیم الشان شیعه، نصیر الدین، أبو الرشید، عبد الجلیل قزوینی رازی، در کتاب بسیار ارزشمند خود، به نام (نقض) یا (بعض مثالب التواصب)، درباره کاشان و مراکز دینی و علمی آن، توضیح می دهد و می نویسد:

... و مدارس بزرگ، چون مدرسه صفویه و مجدیه و شرفیه و عزیزیه با زینت و آلت و عدت و أوقاف و مدرس، چون إمام ضیاء الدین، أبو الرضا، فضل الله بن علی آلحسینی، عدیم النظیر در بلاد عالم، به علم و زهد، و غیر او از ائمه، و قضاة و کثرة فقهاء و مقریان و مؤذنان و عقود مجالس و ترتیب علمای سلف، چون قاضی أبوعلی طوسی و اولادش ... (۱).

در عبارت یاد شده، در شهر کاشان در نیمه قرن ششم (زمان تألیف کتاب نقض) از چهار مدرسه بزرگ که از وسایل لازم و امکانات مناسب، برخوردار بوده، و موقوفه هائی داشته، و مدرسان بزرگ در آنها تدریس می کرده اند، و مجالس درسی گوناگون تشکیل میشده، به اجمال یاد شده، که نشان دهنده فعالیت علمی و حوزوی چشم گیر، در شهر کاشان، (آن هم در دوره حاکمیت و تسلط قهری سیاست و فکر اهل تستن، در قرن ششم، در اکثر بلاد ایران) می باشد.

و اینک با تفصیل بیشتر از مدارس آن دوره، یاد می نمایم:

ص: ۵۷۰

حوزه ها و مدارس علمیه ، در توابع اصفهان که ۵۷۱۶

### الف - مدرسه صفویه

صفی الدین ، أبوطاهر ، اسماعیل ، ملقب به عزیز آلحضرت کاشی ، از دستیاران خواجه نظام الملک طوسی ، عمارات متعددی در شهرهای گوناگون انجام داد ، و از جمله ، مدرسه ای در کاشان إحداث کرد(۱).

این مدرسه ، محل تدریس و فعالیت علمی سید أبوالرضا ( فضل الله ) راوندی بوده و گفته میشود که این مدرسه ، از همه مدارس کاشان بزرگتر و عالی تر بوده است (۲).

### ب - مدرسه خواجه معین

خواجه معین الدین ، أبونصر ، أحمد بن محمود کاشی ، ( مقتول در سال ۵۲۱ به دست اسماعیلیه ) در نقاط مختلف ایران ، اقدام به ساختن مدرسه و دارالشفاء و ... نموده است .

از جمله آثار او در کاشان ، مدرسه علمیه ای بوده که تا سال ۸۷۷ دایر و برقرار بوده است ، ولی هم اکنون اثری از آن نیست (۳).

### ج - مدرسه مجددیه

مدرسه ای است که به مجد الدین عبد الله ( عبید الله ) فضل بن محمود کاشانی ( متوفای ۵۳۵ قمری ) نسبت داده شده است ، و مدرسه ای وسیع بوده ، و تولیت و سرپرستی و تدریس این مدرسه باشکوه ، با سید أبوالرضا فضل الله راوندی

ص: ۵۷۱

۱- تاریخ مدراس ایران ، صفحه ۱۴۰ ، و نیز رجوع شود به لغتنامه دهخدا ، جلد ۳ صفحه ۸۹۰. در ذیل عنوان أبونصر ، و کتاب نقض ، صفحه ۷۳۵

۲- سیمای کاشان ، صفحه ۱۰۰

۳- به تاریخ مدراس ایران ، صفحه ۱۴۱ و ۲۰۱ ، و سیمای کاشان ، صفحه ۱۰۱ مراجعه شود

بوده است (۱).

#### د- مدرسه شرفیه

آنوشیروان ، فرزند خالد کاشانی ( متوفای ۵۳۲ ) بناهای مهمی از قبیل : مدرسه ، کتابخانه ، دار الشفاء و کاروانسرا ، در نقاط مختلف کشور إحداث می نماید ، که از آن جمله ، مدرسه شرفیه و کتابخانه بزرگ آن ، در شهر کاشان بوده است (۲) . در نزدیک بازار کاشان ، محلی وجود دارد به صورت مخروطی ، که به نام شرفیه نامیده می شود ، و احتمال دارد که همان مدرسه شرفیه باشد . این مدرسه در سال ۷۲۱ هجری ، رو به خرابی گذارده بوده است (۳) .

#### ه- مدرسه عزیزیه

عزیز الدین کاشانی وزیر سلطان طغرل سلجوقی ، این مدرسه را بنا نموده است (۴) ، و ناصر الدین منشی کرمانی ، در سال ۷۲۵ از این مدرسه بانام مدرسه عزیزی ، یاد میکند و می گوید: خرابی در آن راه یافته است (۵) .

#### و- مدرسه خان

مدرسه ای بوده که بنای آن ، به دست سید لطیف خان ( از بستگان

ص: ۵۷۲

- 
- ۱- تاریخ مدارس ایران ، صفحه ۱۴۰ ، به نقل از آثار تاریخی شهرستانهای کاشان و نطنز ، صفحه ۱۰۸ ، و سیمای کاشان ، صفحه ۱۰۲ ، به نقل از تاریخ اجتماعی کاشان ، صفحه ۲۹۶
  - ۲- سیمای کاشان ، صفحه ۱۰۲ ، به نقل از تاریخ اجتماعی کاشان
  - ۳- تاریخ مدارس ایران ، ص ۱۴۰ ، به نقل از آثار تاریخی شهرستانهای کاشان و نطنز ، ص ۱۱۰
  - ۴- سیمای کاشان ، صفحه ۱۰۳ ، به نقل از آثار آلوزراء سیف الدین حاجی با تصحیح محدث ارموی ، صفحه ۲۶۵
  - ۵- تاریخ مدارس ایران ، صفحه ۱۴۰ ، به نقل از آثار تاریخی کاشان و نطنز ، صفحه ۱۱۱

و حوزه ها و مدارس علمیه ، در توابع اصفهان که

(۵۷۳)

سید ابوالرضا راوندی ( گذاشته شده ، و نوشته اند که غیاث الدین جمشید کاشانی ، در آن مدرسه ، به درس و بحث علمی اشتغال داشته است (۱).

### ز - مدرسه علی بن فضل الله

فرزند دانشمند و بزرگوار سید ابوالرضا فضل الله راوندی کاشانی ، یعنی ابوالحسن ، عز الدین ، علی بن فضل الله راوندی کاشانی ، که عالمی فقیه و مورد وثوق ، و شاعری ادیب بوده ، و با شیخ منتجب الدین رازی متوقای سال ۵۸۵ هجری معاصر بوده ، و تفسیری به نام تفسیر عز الدین نوشته است ، مدرسه ای بی نظیر در کاشان بنا نهاده است (۲).

### ح - مدرسه بابا ولی

در کتاب تاریخچه وقف در اسلام ، در ضمن معرفی مدارس کاشان ، و نیز در کتاب گنجینه دانشمندان ، از مدرسه بابا ولی یاد شده (۳).

ولی هیچ گونه توضیحی داده نشده ، که این مدرسه متعلق به چه دوره‌های است ، و با توجه به کلمه بابا ، احتمال داده می شود که متعلق به دوره های قبل از صفویه باشد . در حال حاضر ، مسجدی به نام « بابا ولی » وجود دارد ، که کتابخانه ای با هشت هزار جلد کتاب دارد (۴) ، ولی مدرسه ای به این نام ،

ص: ۵۷۳

۱- سیمای کاشان ، صفحه ۱۰۳ ، به نقل از تاریخ اجتماعی کاشان ، صفحه ۹۴

۲- ریحانه الأدب ، جلد ۴ ، صفحه ۱۱

۳- تاریخچه وقف در اسلام ، صفحه ۱۲۱ ، و گنجینه دانشمندان ، جلد ۶ ، صفحه ۲۴۵ ، و در همین کتاب ، صفحه ۲۷۰ در شرح حال آیه الله صبوری ، از تدریس ایشان در مدرسه گذر بابا ولی ، یاد شده است

۴- سیمای کاشان ، صفحه ۱۰۸

وجود ندارد . |

### ط - مدرسه خواجه تاج الدین

مدرسه و بقعه خواجه تاج الدین را برخی از باستان شناسان ، از بناهای قرن نهم هجری قمری ، و عده دیگر ، به دوران مغول نسبت می دهند . این بقعه دارای دو گنبد آجری است که در زیر هر کدام ، قبوری جای گرفته است . این مدرسه و بقعه چندین بار مرمت شده است (۱) .

### مدارس علمیّه کاشان ، از دوره صفویّه تا کنون

#### الف - مدرسه علمیّه سلطانی «مدرسه امام»

مدرسه ای است بسیار بزرگ و باشکوه ، که از آثار دوره قاجاریه می باشد ، و در انتهای بازار و زاویه شمالی میدان کمال الملک ، قرار گرفته است . این مدرسه به دستور فتحعلی شاه قاجار ، در سال ۱۲۲۱ شروع به تأسیس گردیده ، و در سال ۱۲۲۹ قمری ، پایان یافته (۲) ، و امر تولیت و تدریس و سرپرستی موقوفات مدرسه ، بر عهده فقیه نامدار ، ملا أحمد نراقی ، بوده است .

عبد الرحیم کلانتر ضرابی ، در تاریخ کاشان ، درباره این مدرسه می نویسد :

از علامات و عمارات عالیّه ، یکی مدرسه سلطانی است ، که خاقان خلد آشیان مغفور ، آنجا را بنا نمود . همه از گچ و آجر تراش ... و الحق به این استحکام بنائی در کاشان دیده نشده ، و از شالوده تا نهایت ، علی التحقیق یک خشت خام و یک گل و خاک ، در آن به کار نرفته است . در مقدمه آن مدرسه ،

ص: ۵۷۴

---

۱- فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ، از نصرت الله مشکوتی نشریه سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران ،

صفحه ۲۴۰

۲- سیمای کاشان ، صفحه ۱۰۳ ، به نقل از تاریخ اجتماعی کاشان



جلوخانی بزرگ و از دو طرف ، دو بازار عریض رفیع ، از یک طرف به وسط بازار و طرف دیگر به معبر عام می رسد ... اما وضع مدرسه ، مربع طولانی ، در حقیقت من ، در وسط فضای آن آب نمائی طولانی ، و وسط آن حوضی من بزرگ ، که به یک اطراف آن آب نما ، هر طرفی سه باغچه بزرگ ، از اشجار سرو و بید و آنجیر ، و متن آنها سبزی کاری ....

و خلاصه مطلب اینکه ، نویسنده مذکور ، بیش از سه صفحه درباره حجرات و مدرس ها و مسجد و گنبد و گلدسته و ایوانها و آب انبار عجیب مدرسه ، و هم چنین درباره مدرس مخصوص عالم علوم عقلی، و نیز ادرس دیگر ، مخصوص عالم علوم نقلی بحث نموده ، و هم چنین از کاشی کاری و آجرنماکاری مدرسه ، و دو منزل مخصوص عالم معقول و عالم منقول ، و نیز درباره لوازم مدرسه و موقوفاتی که برای طلاب و مدرسین و خادم و ناظر و متصدی قرار داده شده ، و هم چنین برنامه عزاداری ده روز دهه عاشورا ، برای سید الشهداء طلا و إطعام طلاب و ذاکرین امام حسین ع ، یاد نموده و شرح داده است ، که مطالعه آن جالب می باشد (۱).

این مدرسه بزرگ و باشکوه ، ۵۲ حجره ، با ایران و صندوقخانه ، مدرس ، کتابخانه (۲) سرداب بزرگ تابستانی ، با بادگیرهای مرتفع ، گنبد آجری ، با دو پوشش ، و در طبقه زیرین آن مسجد و محراب ، با شبستانهای مستطیل شکل و آب انبار بزرگ و مهم و ... دارا میباشد ، و تماشای زیبایی های معماری و مهندسی ، و انواع تزئینات آن، خستگی را از انسان دور می سازد ،

ص: ۵۷۵

۱- به تاریخ کاشان ، چاپ دوم، به کوشش ایرج افشار ، از انتشارات فرهنگ ایران زمین ، از صفحه ۴۲۰ تا ۴۲۴ مراجعه شود

۲- کتابخانه مدرسه ، پنج هزار جلد کتاب دارد ( سیمای کاشان ، صفحه ۱۰۸ )

ج ۲)

و به راستی از جاهای دیدنی کاشان می باشد .

در زمان بازدید نویسنده ، از حوزه علمیه کاشان و مدرسه سلطانیه ( در تاریخ مهرماه ۱۳۶۶ شمسی)، یکصد و پنجاه طلبه در دوره مقدمات و سطح متوسط و عالی و دوره خارج ، در این مدرسه اشتغال به تحصیل داشتند .

مدرسه سلطانی که بعد از انقلاب اسلامی، به نام مدرسه امام نامیده می شود، یکی از مراکز اصلی فعالیت حوزه های ، در شهر کاشان ، در حال حاضر میباشد ، و تولیت مدرسه و تدریس درس خارج آن ، بر عهده آیه الله ، آقای حاج شیخ جعفر صبوری دامت برکاته قرار گرفته است (۱).

### ب - مدرسه آقابزرگ

مسجد و مدرسه آقابزرگ ، یکی از میراثهای فرهنگی کاشان میباشد . حاج محمد تقی خانبان ، این مدرسه و مسجد را برای درس و بحث حاج ملا مهدی نراقی دوم ، ملقب به آقابزرگ ( فرزند ملا مهدی نراقی اول ) بنا نموده است (۲).

طبقه زیرزمین ، که هم کف با باغچه ها است ، اختصاص به مدرسه یافته ، و حجرات مسکونی در آن قرار دارد . گنبد دو پوش آجری این بنا ، بر روی هشت جرز قطور قرار گرفته و وضع منحصر به فردی دارد، و در مجموع، این مسجد و مدرسه ، از نظر معماری کیفیت جالب توجهی را دارا می باشد ، و از بناهای عالی کاشان محسوب می شود ، و گنبد و دو مناره دو طرف آن ، که هر یک گلدسته ای است برای آذان اعلام و مناجات شب خوانان ...، همه از گچ

ص: ۵۷۶

---

۱- سیمای کاشان ، صفحه ۱۰۴ و ۱۸۴

۲- تاریخ مدارس ایران ، صفحه ۳۴۴

حوزه ها و مدارس علمیه ، در توابع اصفهان و

(۵۷۷)

و آجر و کاشی الوان مشجر در کمال تنقیح ساخته شده ، و موقوفاتی برای مخارج طلاب و تعمیرات آن قرار داده شده است  
(۱).

نصرت الله مشکوتی ، درباره بنای این مدرسه می نویسد:

مدرسه آقا، که از مدارس مشهور دوران قاجار و قرن سیزدهم هجری قمری است ، از لحاظ شیوه معماری و ساختمانی ، بی نهایت ارزنده می باشد . گنبد عظیم و دو مناره کاشی آن ، در حال حاضر بلندترین ابنیه تاریخی کاشان است . در سر در مدرسه ، کتیبه ای است که ( حسرت ) نام شاعر ، سروده است ، و در روی کاشی به خط نستعلیق خوانده می شود ، و مورخ به سال ۱۲۶۸ هجری قمری است ... - ساختمان گنبد بزرگ آجری و شبستان های زمستانی و سرپوشیده آن ، در طبقه دوم بناء ، واقع شده است . صحن مدرسه ، زیبا و دارای حجراتی میباشد . در چهار بدنه مدرسه ، کلیه پشت بغلهای آن، مزین به کاشی کاری است ... (۲).

در زمان بازدید نویسنده از مدرسه ، سی نفر از طلاب حوزه علمیه در این مدرسه سکونت داشتند . در دوره های اخیر ، نظارت بر مدرسه آقابزرگ ، بر عهده مرحوم آیه الله ، حاج آقا رضا مدنی کاشانی ، متوفای ۱۴۱۳ قمری ، بوده است (۳) .

### ج - مدرسه میان چال

مدرسه و مسجد میان چال ، واقع در بازار بزرگ کاشان است ، و دارای

ص: ۵۷۷

۱- تاریخ کاشان ، صفحه ۴۲۴

۲- فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ، صفحه ۲۶۸

۳- سیمای کاشان ، صفحه ۱۸۱

حجره های متعدد و کتابخانه ای با پنج هزار جلد کتاب می باشد، و عده ای از طلاب حوزه علمیه، در آن اشتغال به تحصیل دارند. مرحوم آیه الله، حاج آقا رضا مدنی کاشانی، متوفای ۱۴۱۳ قمری، که از علمای میرز و صاحب تألیفات، و از مجتهدین نامدار کاشان بودند، در این مدرسه اشتغال به تدریس داشتند، و در مسجد آن، عهده دار برنامه نماز جماعت و ارشاد مردم بودند(۱).

تاریخ بنا و بانی مدرسه و مسجد میان چال که دارای حوض خانه و سرداب بزرگی می باشد، معلوم نیست، و احتمال دارد از بناهای دوره صفویه باشد (۲).

#### د- مدرسه درب پلان «مصطفویه»

در سال ۱۲۳۶ هجری، به همت حاج میر محمد علی کاشانی (۳)، بانام یاد شده، مدرسه و مسجدی تأسیس گردیده، که بخش مدرسه آن، در سمت جنوب مسجد واقع است، و به وسیله یک راهرو، به مسجد راه می یابد.

این مدرسه دارای دوازده حجره می باشد (۴) و هم اکنون به نام مدرسه مصطفویه نامیده می شود، و طلاب ساکن آن، در دوره مقدمات و سطح متوسط و عالی، اشتغال به تحصیل دارند (۵).

در زمان بازدید نویسنده از حوزه علمیه کاشان (در سال ۱۳۶۶ شمسی)، شمار طلاب مدرسه یاد شده چهل نفر بودند، و سرپرستی آنها بر عهده آیه الله،

ص: ۵۷۸

۱- سیمای کاشان، صفحه ۱۸۱، به نقل از کیهان فرهنگی، سال ۱۳۶۶، شماره ۴، صفحه ۱۲

۲- تاریخ مدارس ایران، صفحه ۲۳۹، به نقل از آثار تاریخی کاشان و نظیر، صفحه ۲۴۲

۳- زعیم مجاهد، آیه الله، امیر محمد علی کاشانی، جد اعلای آیه الله سید محمد باقر مصطفوی میباشد. (گنجینه دانشمندان، جلد ۶، صفحه ۲۷۲)

۴- تاریخ مدارس ایران، صفحه ۳۴۴

۵- سیمای کاشان، صفحه ۱۰۱، به نقل از تاریخ اجتماعی کاشان، صفحه ۲۹۶

و حوزه ها و مدارس علمیه ، در توابع اصفهان )

۵۷۹)

حاج سید محمد باقر مصطفوی کاشانی دامت برکاته قرار داشت .

#### ه- مدرسه رزاقیه

پس از زلزله شدید سال ۱۹۹۲ در کاشان ، شخصی به نام عبد الرزاق خان، اقدام به احداث بناهایی نمود، و از جمله ، مدرسه ای را تأسیس کرد که به این نام خوانده می شد (۱).

#### و - مدرسه حسینیّه

مدرسه ای بوده که تا سال ۱۰۲۸ معمور و دائر بوده است (۲) .

#### ز- مدرسه و کتابخانه اعتمادی

یکی از علماء معاصر کاشان ، آیه الله ، حاج سید عباس اعتمادی ، که از مدرسین و علماء میرز کاشان و عضو یکی از خاندانهای علمی این شهر می باشند ، مرکزی را به نام دار العلم اسلامی تأسیس نموده اند ، که مرکز مطالعه عمومی، و دارای کتابخانه معظم و مدرسه علمیه می باشد (۳) و در این مدرسه ، جمعی از طلاب حوزه علمیه اشتغال به تحصیل دارند .

#### ح- مدرسه محمد صالح بیک

شخصی به نام محمد صالح بیک ، مدرسه ای ساخت در دو طبقه ، مشتمل بر بیست حجره و سرداب ، و بازارچه ای واقع در جلوخان مدرسه ، وقف بر آن نمود . پس از زلزله ۱۱۹۲ هجری ، مرمت و تجدید بنا گردید ، و در اوائل

ص: ۵۷۹

---

۱- سیمای کاشان ، صفحه ۱۰۲، به نقل از تاریخ اجتماعی کاشان ، صفحه ۲۹۶

۲- سیمای کاشان ، صفحه ۱۰۳ ، به نقل از تاریخ اجتماعی کاشان ، صفحه ۹۴

۳- گنجینه دانشمندان ، جلد ۶، صفحه ۲۵۷

و ۵۸۰) و ریشه ها و جلوه های تشیع و حوزه علمیه اصفهان به وج ۲)

نهضت مشروطیت ، از رونق افتاد، و سپس در مسیر خیابان نراقی قرار گرفت، و ویران گردید ، و در باقیمانده آن ، دبیرستانی ساخته شد (۱).

گفته می شود که، مدتی شیخ اعظم انصاری ت ، در این مدرسه ، تدریس نموده اند .

#### ط - مدرسه حاج محمد حسین تبریزی

حاج محمد حسین ترک تبریزی ، در نزدیکی مدرسه و مسجد میان چال، مدرسه ای با گچ و آجر و کاشی بنا نمود، و موقوفاتی بر آن قرار داد (۲).

عبد الرحیم کلانتر ضرابی ، این مدرسه و مسجد را از بناهای رفیعه عالیه کاشان ، به شمار آورده است (۳).

#### ی - مدرسه حاج سید مرتضی

این مدرسه ، در زمان زندیه ساخته شده ، و خرابه آن هنوز باقی است ، و جای آن، محله گلچغانه است (۴).

#### یا □ مدرسه فاضل نراقی

در کتاب گنجینه دانشمندان ، از مدرسه ای یاد میکند ، به نام مدرسه فاضل نراقی ، که قسمت عمده آن در مسیر خیابان قرار گرفته است (۵).

ص: ۵۸۰

---

۱- تاریخ مدارس ایران ، صفحه ۳۳۹، بنقل از آثار تاریخی کاشان و نطنز، صفحه ۲۶۸

۲- تاریخ مدارس ایران صفحه ۳۴۲

۳- تاریخ کاشان صفحه ۴۲۵

۴- اظهارات یکی از شرای کاشان به نام آقای فیضی

۵- گنجینه دانشمندان ، جلد ۶، صفحه ۲۴۵

حوزه ها و مدارس علمیه ، در توابع اصفهان که

(۵۸۱۶)

### یب - مدرسه علمیه آیه الله یثربی

این مدرسه ، در سال ۱۳۸۸ قمری ، توسط آیه الله ، آقای حاج سید مهدی یثربی دامت برکاته، به یاد برادر بزرگشان ، مرحوم آیه الله العظمی، آقای حاج سید علی یثربی تا ، تأسیس گردیده است .

مدرسه ای است که محل تحصیل و فعالیت طلاب جوان می باشد ، و در حال حاضر ( سال ۱۴۱۷ قمری) از دوره درسی مقدمات ، تا سطح و خارج ، ، در آن تدریس می شود ، و از مدارس فعال کاشان ، در دوره اخیر به شمار می رود .

قبلا سی حجره در این مدرسه وجود داشته ، و اخیراً ، پنجاه حجره به آن اضافه گردیده ، و نماسازی و کاشی کاری مدرسه ، انجام نشده است .

محل مدرسه ، در خیابان امام خمینی می باشد ، و کتابخانه ای با ده هزار جلد کتاب دارد (۱). طلاب مدرسه ، در زمان بازدید نویسنده از حوزه علمیه کاشان، ( در سال ۱۳۶۶ شمسی) ۲۵۰ نفر بودند ، و اخیراً شمار آنها به سیصد نفر افزایش یافته است . مدرسه ولی عصر (عج) در قمصر کاشان ، وابسته به همین مدرسه می باشد .

### مکتب کوثر

مدرسه ای است متعلق و وابسته به مدرسه آیه الله یثربی ، و در نزدیکی آن قرار گرفته ، و طبقه نسوان در آن به دروس حوزه‌های اشتغال دارند .

در زمان بازدید نویسنده از حوزه علمیه کاشان ، یکصد نفر در این مدرسه مشغول به تحصیل بودند ، و اخیراً شمار آنها ، به یکصد و بیست نفر افزایش یافته است .

ص: ۵۸۱

۵۸۲۶) و ریشه ها و جلوه های تشیع و حوزه علمیه اصفهان که ج ۲)

در این مدرسه ، هشت مدرس و شش اطاق ، به عنوان خوابگاه وجود دارد .

## ۲۴- کچو مقال

به بخش مربوط اردستان مراجعه شود ، ضمن معرفی حوزه علمیه اردستان روستای کچو مقال و مدرسه علمیه آن ، مورد بحث قرار گرفته است .

## ۲۵- گلپایگان

این شهر ، مرکز شهرستان گلپایگان می باشد ، که از شمال ، به خمین و محلات و از جنوب ، به خوانسار و فریدن ، و از مشرق ، به میمه ، و از مغرب ، به الیگودرز محدود می گردد (۱).

گلپایگان ، یکی از شهرهای قدیمی کشور، و دارای ابنیه و عماراتی قدیمی می باشد ، که از جمله آنها ، مسجد و مناره ای از دوره سلجوقیان ، و نیز بنای بقعه هفده تن ( که هفده امامزاده بزرگوار ، در یک بقعه مدفون می باشند ، و ساختمان آن متعلق به دوره صفویه است ) را می توان نام برد (۲).

شهر گلپایگان ، از نظر دینی و اعتقادات مذهبی و پای بندی به مکتب ولایت و تشیع ، دارای نشانه های ارزشمند ، همانند : مساجد بسیار (۳) و چندین امامزاده و بقعه دینی می باشد ، که نشانه بارزی از اعتقادات پاک ، و پای بندی مردم آن به اسلام و قرآن و مکتب اهل البیت علی ، به شمار می رود .

این شهر مذهبی و حومه آن ، زادگاه فقهاء بزرگ و نامدار می باشد ،

ص: ۵۸۲

---

۱- جغرافیای کامل ایران ، جلد ۱ ، صفحه ۳۳۰

۲- لغتنامه دهخدا ، جلد ۴۰ ، صفحه ۳۵۸

۳- در کتاب گنجینه دانشمندان ، جلد ۶ ، صفحه ۴۱۸ ، ۵۶ مسجد را با نام مشخص ، ذکر میکند و سپس می نویسد : و چند مسجد دیگر



حوزه ها و مدارس علمیه ، در توابع اصفهان

که

(۵۸۳)

و چهره های برجسته ای از آن ، در حوزه های علمیه و مراکز علمی ، درخشیده اند، همانند :

۱- فقیه و مرجع عالیقدر ، آیه الله العظمی ، آقا سید جمال الدین گلپایگانی متوفای ۱۳۷۷ قمری ، که نه تنها در مقامات علمی و آثار قلمی ، از شخصیت‌های بزرگ حوزه علمی شیعه به شمار می رود ، بلکه در نیل به مقامات معنوی ، و سیر و سلوک روحی ، و انقطاع الی الله ، از چهره های نامدار و از مفاخر بزرگ قرن چهاردهم ، محسوب گردیده است (۱) (۲) .

۲- زعیم و مرجع عالیقدر جهان تشیع ، آیه الله العظمی ، آقای حاج سید محمد رضا موسوی گلپایگانی بی ، متوفای ۱۴۱۴ قمری ، که هزاران مجتهد و محقق و نویسنده و مبلغ دینی ، در حوزه درس ایشان تربیت شدند ، و زعامت و مرجعیت ایشان ، نه تنها در حفظ و رشد و تکامل حوزه علمیه بزرگ شهر مقدس قم ، نقش حیاتی داشت ، بلکه در تمامی شهرهای ایران ، و کشورهای دیگر ، آثار و برکات زعامت و رهبری آن بزرگمرد ، در رشد و توسعه دامنه فعالیت‌های علمی و دینی ، آثار و نتایج شگرفی را برجای نهاد ، و چه بسیار مساجد ، مدارس علمیه ، کتابخانه ها ، خانه های عالم (۳) که از باقیات

ص: ۵۸۳

۱- شرح حال مفصل این بزرگمرد ، و سایر مفاخر علمی گلپایگان را در کتاب « حوزه های علمیه شیعه » عرضه می داریم ، انشاء الله تعالی

۲- این بزرگمرد ، در یک خاندان علمی ارزشمندی درخشیده اند که در میان آنها از پدران و برادران و فرزندان ، علماء بزرگوار ، ظهور نموده و به مقامات علمی نائل گردیده اند

۳- منظور ، خانه هائی است که به دستور آن زعیم بزرگ ، در شهرها و روستاها ساخته می شد ، که در فصلهای تبلیغی ( همانند : ماه مبارک رمضان و محرم و صفر ) محل اقامت مبلغین دینی باشد ، و استقلال روحانیت و مبلغ دینی ، کاملاً محفوظ

بماند

الصالحات این بزرگ مرجع دینی ( در داخل و خارج ایران ) به شمار می رود .

۳- مرجع عالیقدر و معاصر ، آیه الله العظمی ، آقای حاج شیخ لطف الله صافی گلپایگانی مدظله العالی، که آثار قلمی و برکات علم و اجتهاد این بزرگمرد، از زمان مرجعیت مرحوم آیه الله العظمی ، آقای بروجردی ، و سپس دوران مرجعیت سی و چهار ساله آیه الله العظمی ، آقای گلپایگانی ، ظاهر می باشد ، و فیوض و برکات اندیشه روشن و حسن تدبیر ایشان ، در صحنه های گوناگون ، مورد توجه صاحب نظران قرار گرفته است .

و هم چنین بزرگانی ، همانند : مرحوم آیه الله ، آخوند ملا- محمد جواد صافی گلپایگانی ( پدر بزرگوار أخوان صافی گلپایگانی ) ، آیه الله ، حاج شیخ علی صافی گلپایگانی ، آیه الله ، فرید گلپایگانی ، آیه الله ، وحید گلپایگانی ، آیه الله ، حاج سید محمد حائری گلپایگانی ، آیه الله ، آخوند ملا زین العابدین گلپایگانی ، آیه الله ، قاضی زاهدی ، آیه الله ، حاج میرزا ابوالقاسم محمدی گلپایگانی . و نیز ، دهها مجتهد و عالم بزرگ دیگر ، که در شهر گلپایگان و یا در حوزه های نجف ، سامراء ، کربلاء ، مشهد و اصفهان به فعالیت علمی و دینی اشتغال داشته ، و تربیت کننده علماء بزرگ دینی بوده اند (۱) (۲) .

ص: ۵۸۴

۱- برای آشنائی بیشتر با مفاخر علمی گلپایگان ، علاوه بر نقباء البشر ، أعيان الشیعه ، ریحانه الأدب و دانشمندان و بزرگان اصفهان ، به گنجینه دانشمندان ( مخصوصا جلد ۶ از صفحه ۴۱۸ تا ۴۳۹ ) مراجعه شود ، و ما نیز در کتاب حوزه های علمیه شیعه ، بخش مربوط به گلپایگان ، بررسی مفصلی داریم ، انشاء الله

۲- در شهر گلپایگان و اطراف آن ، خاندانهای علمی ارزشمندی شکل گرفته است ، که هر کدام ، در برگیرنده چهره های علمی ، اعم از مرجع تقلید و مجتهد ، محقق ، نویسنده و گوینده می باشند، از قبیل : خاندان علمی هاشمی گلپایگانی ، موسوی گلپایگانی ، قاضی زاهدی ، صافی گلپایگانی ، محمدی گلپایگانی ، حائری گلپایگانی ، وحید گلپایگانی ، نخعی گلپایگانی و ..

**مدارس علمیه گلپایگان****الف - مدرسه ای قدیمی**

بوده ، متعلق به پیش از یکصد سال قبل ( که ابتداء تأسیس آن معلوم نیست و در حکومت جبار پهلوی ، تخریب گردیده و جزء فلکه ای قرار گرفته ، که در سالهای پس از انقلاب اسلامی، به نام فلکه ۱۷ شهریور نامیده شده است .

**ب و ج - مدرسه کوی دروازه خوانسار و مدرسه کوی علیا**

ب و ج - در کتاب گنجینه دانشمندان ، جلد ۶ صفحه ۴۱۹ ، از دو مدرسه یاد می کند یکی به نام مدرسه کوی دروازه خوانسار و دیگری به نام مدرسه کوی علیا، که هیچ کدام از آنها در حال حاضر وجود ندارد .

**د - مدرسه مسجد حجه الإسلام**

مسجد حجه الإسلام ( جد بزرگوار آقای قاضی زاهدی معاصر ) حجره هائی داشته ، که محل اقامت و تحصیل طلاب حوزه علمیه بوده ، و در دوره ایشان ، ( در حدود یک قرن و نیم قبل ) تا سالهای متمادی ، حوزه علمیه گلپایگان ، فعال بوده ، و طلاب علاقمند ، از اطراف و اکناف ، به سوی این حوزه علمیه ، روی می آورده اند .

**ه - مرکز فعالیتهای علمی و تبلیغی**

در زمان بازدید نویسنده از شهر و حوزه علمیه گلپایگان ( در سال ۱۳۶۵ شمسی ) منزلی بود سه طبقه ( با محاسبه طبقه زیر زمین ) ، که حضرت آیه الله العظمی ، آقای حاج سید محمد رضا موسوی گلپایگانی ، به عنوان منزل عالم تهیه کرده بودند ، و تمام فعالیتهای حوزه ای و تبلیغی شهرستان گلپایگان ، در آن مرکز علمی و دینی انجام می گرفت، و در آن زمان ، ۲۵ نفر طلبه در رتبه مقدمات و سطح، در آن مجمع علمی اشتغال به تحصیل داشتند .

### و- مدرسه آیه الله وحید

مدرسه ای است که در سال ۱۳۴۰ قمری ، به وسیله مرحوم آیه الله ، وحید گلپایگانی ، در گوگرد گلپایگان (۱) تأسیس گشته ، و در زمان بازدید نویسنده از شهر و حوزه علمیه گلپایگان ، در حال تجدید بنا بود .

### ز- مدرسه بزرگ آیه الله العظمی گلپایگانی

در سال ۱۳۶۲ شمسی ، آیه الله العظمی ، آقای گلپایگانی ، قطعه زمین بزرگی به مساحت دوازده هزار متر ، برای تأسیس حوزه علمیه و نیازمندیهای دیگری که جنبه دینی - اجتماعی دارد ، اختصاص دادند ، و قسمتی از آن را که به مساحت تقریبی سه هزار متر می باشد ، برای ساختن مدرسه علمیه تعیین نمودند .

ساختمان مدرسه ( با محاسبه طبقه زیرین ) سه طبقه ، و در چهار طرف ، و مطابق اصول معماری مدارس علمیه قدیم میباشد ، و ۶۰ حجره ، و ۱۰ مدرس بزرگ دارد ، و در طبقه زیرین ، نیازمندیهای مدرسه ، از قبیل : آشپزخانه ، رختشویخانه ، سالن غذاخوری ، مخزن کتابخانه ، دستگاه تهویه ، انبار ، حمام و ... ، قرار داده شده است .

در طبقه اول و دوم مدرسه ، حجره ها و مدرس ها و نیز دو سالن مطالعه ( در ضلع جنوب شرقی ) و یک نمازخانه ، با سقف بلند ( در ضلع جنوب غربی ) ، و در طرف شرقی و غربی مدرسه ، دو راهرو و سردر جالب قرار گرفته است .

ص: ۵۸۶

---

۱- گوگرد ، یکی از روستاهای تابعه گلپایگان ، و زادگاه مرحوم آیه الله العظمی ، آقای حاج سید محمد رضا موسوی گلپایگانی است ، که اخیراً در اثر توسعه گلپایگان ، متصل به شهر گردیده است

و حوزه ها و مدارس علمیه ، در توابع اصفهان )

(۵۸۷)

تزیینات و نماسازی و کاشی کاری مدرسه ( در حال حاضر ، سال ۱۳۷۵ شمسی ) مقداری انجام شده ، و در حال تکمیل می باشد ، و در مجموع ، مدرسه بسیار مجللی است ، و از مراکز دیدنی شهر گلپایگان ، به حساب می آید .

در حال حاضر ، تعداد ۴۰ نفر طلبه در رتبه های درسی مقدماتی و سطح متوسطه و عالی در این مدرسه اشتغال به تحصیل دارند ، و برنامه های آن ، زیر نظر دفتر آیه الله العظمی ، آقای گلپایگانی ( در قم ) اداره میشود ..

محل مدرسه ، خیابان گوگرد ( خیابان شهید مطهری ) میباشد(۱).

## ۲۶ - گوزت

از روستاهای شرق اصفهان و نزدیک به خوراسگان میباشد ، و مدرسه ای داشته ، که بانی آن شخصی به نام میرزا باقر بوده است (۲).

## ۲۷ - مهر آباد

به بخش مربوط به اردستان ( در همین کتاب ) مراجعه شود ، در ذیل معرفی حوزه علمیه اردستان ، مورد بحث قرار گرفته است .

## ۲۸ - نائین

شهری است در بین راه اصفهان - یزد ، در ۱۴۰ کیلومتری شرق اصفهان ، و در منطقه کویری ، قرار گرفته است . این شهر ، قدیمی می باشد ، و سابقه آن ،

ص: ۵۸۷

۱- برای آشنائی با تأسیس و خصوصیات ساختمانی مدرسه یاد شده ، این نویسنده دو نوبت ( در سالهای ۱۳۶۴ و ۱۳۶۶ شمسی ) به بازدید از مدرسه موفق گردیده ، و برای آگاهی نسبت به فعالیتهای انجام شده در سالهای اخیر ، از گفتگو با علماء و مسئولین امور حوزه علمیه شهرستان گلپایگان ، بهره گیری نموده است

۲- دار العلم شرق ، صفحه ۱۲۰۹ مخطوط ( ورقه ضمیمه

ج ۲)

به پیش از اسلام می رسد (۱)، و بسیاری از علماء و بزرگان، از آن برخاسته اند.

نائین، دو مدرسه علمیه دارد که یکی قدیمی، و دیگری جدید البناء است.

### الف - مدرسه امامزاده

مدرسه ای است با دو طبقه، در جوار امام زاده، سلطان، سید علی بن ابراهیم (مجاب) بن موسی بن جعفر علا، و دارای بیست حجره می باشد.

دو نفر از علماء بزرگ نائین، به نام های: آقا سید عباس کاشفی، و حاج شیخ جمال الدین نجفی، در این مدرسه تدریس و سرپرستی و زعامت داشته اند. مدرسه را به نام مدرسه آیه الله نائینی می نامند، و تأسیس آن، به حدود یکصد سال قبل می رسد.

از سال ۱۴۰۰ قمری، تعمیراتی در این مدرسه شروع گردیده، که تا زمان بازدید نویسنده از مدرسه (در سال ۱۳۶۵ شمسی = ۱۴۰۶ قمری) ادامه داشت، و در کاشی های نصب شده در اطراف مدرسه، تاریخ ۱۴۰۴ قمری نقش بسته بود، که تاریخ تعمیر و نصب کاشی های جدید می باشد.

در طرف جنوب شرقی مدرسه، ایوان باشکوهی وجود دارد که دو طرف آن، چهار حجره، به صورت دو طبقه ساخته شده، و در این ایوان، دری به سوی حرم امامزاده باز شده است. در زمان بازدید از مدرسه، طلبه ای در این مدرسه ساکن نبود.

### ب - مدرسه علمیه جعفری

این مدرسه در سال ۱۳۹۰ قمری، به وسیله مرحوم آیه الله، حاج شیخ جمال الدین نجفی نائینی تأسیس گشته، و محل آن واقع در خیابان امام

ص: ۵۸۸

.....

می باشد ، و ۱۰ حجره دارد، و دارای کتابخانه ای می باشد ، که بعضی از کتابهای آن خطی و ارزشمند است .

در زمان بازدید نویسنده از مدرسه ( در سال ۱۳۶۵ شمسی ) بیست نفر در رتبه دروس ادبی و مقدماتی ، اشتغال به تحصیل داشتند .

در دوره اقامت بیست ساله مرحوم آیه الله ، حاج شیخ جمال الدین نجفی ، در شهر نائین ، حوزه علمیه این شهر، از رونق خوبی برخوردار بوده است (۱).

### مفاخر علمی نائین

از شهر نائین ، علماء و بزرگان بسیاری برخاسته اند ، که از مفاخر علمی این شهر به شمار می آیند، همانند :

۱- حکیم و متکلم و فقیه و اصولی نامدار ، مرحوم میرزا رفیع الدین محمد بن حیدر طباطبائی ، معروف به « میرزا رفیعای نائینی » ، متوفای ۱۰۸۰ یا ۱۰۸۲ قمری ( مدفون در تخت فولاد اصفهان و صاحب بقعه مخصوص ) که از اساتید علامه مجلسی و شیخ حر عاملی، و از شاگردان شیخ بهائی ، و صاحب تألیفات ارزشمند بوده (۲) است .

۲- حکیم و متکلم و محدث و فقیه عظیم الشان ، بهاء الدین ، محمد بن محمد باقر حسینی نائینی اصفهانی، متوفای بعد از ۱۱۳۰ قمری ، که تألیفات گوناگونی از خود به جای گذارده (۳) ، که نشانه بلندی همت او ، و مشتمل بر

ص: ۵۸۹

۱- اظهارت و توضیحات مرحوم آقا سید عماد الدین شهرستانی ، سرپرست مدرسه علمیه نائین ، در هنگام بازدید از مدرسه ، در سال ۱۳۶۵ شمسی

۲- ریحانه الأدب ، جلد ۶ ، صفحه ۱۲۷ - ۱۲۸

۳- ریحانه الأدب ، جلد ۱ ، صفحه ۲۹۰

(۵۹۰) و ریشه ها و جلوه های تشیع و حوزه علمیه اصفهان (ج ۲)

مطالب بسیار لطیف و ارزشمند می باشد (۱).

۳- شخصیت برجسته و ممتاز حوزه علمیه نجف اشرف ، آیه الله العظمی ، آقا میرزا محمد حسین نائینی تیا ، متوفای ۱۳۵۵ قمری ، که از مراجع بزرگ شیعه ، و از زعمای عالیقدر و پرچمداران علمی حوزه نجف اشرف بوده اند .

## ۲۹- نجف آباد

شهر نجف آباد ، در ۲۷ کیلومتری غرب اصفهان ، در مسیر جاده اصفهان به خوزستان قرار گرفته ، و در سالهای اخیر ، رشد و توسعه زیادی یافته است .

### وجه نامگذاری به نام «نجف آباد»

در لغتنامه دهخدا ، شرحی درباره تاریخچه نجف آباد نوشته شده ، که خلاصه اش این است : بنا به عقیده علماء ، در زمان صفویه در حدود سال ۱۰۲۲ هجری قمری ، از طرف شاه عباس اول ، مقصداری جواهر و پول نقد برای مرقد مطهر و آستان مقدس امیرالمؤمنین علی -ا- اختصاص داده شد، و تصمیم بر ارسال آنها گرفته شد، شیخ بهائی به دیدار شاه عباس رفت و گفت : دیشب در خواب ، حضرت علی لا را زیارت کردم، فرمودند:

نجف اشرف را به جواهرات شما حاجتی نیست ، جواهرات را صرف ساختمان شهری در نزدیکی اصفهان به نام نجف آباد کنید شاه عباس سخن مرحوم شیخ بهائی را قبول کرد، و با نظارت آن بزرگمرد ، شهر نجف آباد ساخته شد (۲).

ص: ۵۹۰

۱- روضات الجنات، جلد ۷، صفحه ۱۲۱

۲- لغتنامه دهخدا ، جلد ۴۶، صفحه ۳۵۸، یزدانی نجف آبادی ، در کتاب دیباچه دیارتون ، چنین آورده است : .. چند شتر که با بارهای سنگین از سکه های نقره شاه عباس ، به راه نجف میرفت ، پنج فرسنگی پایتخت در یک دره وسیع ریگی ، میان دو رشته کوه خشک □فت و دیگر برنخاست ، تلاش شتربانان بی اثر بود . یک روز و دو روز گذشت، « بقیه در صفحه بعد »



بنابراین ، سابقه شهر نجف آباد به چهار قرن گذشته می رسد .

### مفاخر علمی نجف آباد

از شهر نجف آباد ، علماء بسیار و شخصیت‌های مبرزی برخاسته اند ، همانند :

۱- مرحوم آیه الله ، آقا سید محمد حسین ، فرزند آقا سید محمد ، متوفای ۱۳۳۱ قمری ، که از مجتهدین عالیقدر و از شاگردان آخوند خراسانی ، و آقا سید محمد کاظم یزدی بوده، و پس از أخذ اجازه اجتهاد ، به نجف آباد برگشته ، و علاوه بر إقامة جماعت در مسجد بازار ، در حجرات مسجد ، تدریس مینموده است (۱)، ۲- مرحوم آیه الله ، آقا سید محمد نجف آبادی ، متوفای ۱۳۵۸ قمری ، که از مجتهدین و مراجع بزرگ در حوزه علمیه اصفهان بوده اند ، و حوزه درسی ایشان مجمع مبزرتین چهره های علم و فضل بوده ، و شاگردان زیادی را تربیت نموده اند ، ۳- مرحوم آیه الله ، آقای حاج میر سید علی نجف آبادی ، متوفای ۱۳۶۲ قمری ، که از مفاخر بزرگ نجف آباد ، و از علماء و مدرسین و مجتهدین طراز اول اصفهان بوده اند .

و هم چنین ، عده زیادی از علماء و فضلاء از این شهر برخاسته اند ، و بعضی در حوزه های ( نجف ، قم ، مشهد ، اصفهان ) درخشیده اند، و در عالم علم

« بقیه از صفحه قبل » و اشتران هم چنان خفته بودند، کاروان سالار درمانده شد، و به پایتخت (اصفهان) خبر داد ، همان شب شیخ بهائی ، مشاور و محرم شاه ، امام خفته در نجف ( امیر المؤمنین علی یلا ) را به خواب دید که اشتران را آزاد کنید ، سکه های نقره را همانجا خرج کنید . و بنائی به نام من بسازید ، که چنین خواسته ام . اراده امام لا انجام شده ، آنجا آب نبود ، از راه دور آوردند و در آن ریگ زار ، بنا و صحن و ضریح و گنبدی ساختند و با دو باغ در دو سو ، و نام آرامگاه امام ثلثا را بر آن نهادند که از مال نجف آباد شده بود ( دیباچه دیار نون ، صفحه ۱۱ )

ص: ۵۹۱

و اجتهاد و قلم و بیان ، از مفاخر روحانیت و حوزه علمیه می باشند (۱).

### مدارس علمیه و کتابخانه های نجف آباد

#### الف - مدرسه الخُجّه

که به نام مدرسه حجتیه نیز نامیده می شود . این مدرسه اولین پایگاه رسمی حوزه علمیه ، در شهر نجف آباد میباشد ، و تأسیس آن به حدود نیم قرن قبل می رسد .

یکی از علماء پر تلاش و با همت ، یعنی مرحوم آقای شیخ ابراهیم ریاضی ، متوفای ۱۳۷۴ قمری ، که از تحصیل کرده های حوزه علمیه اصفهان و قم ، و از شاگردان مرحوم آیه الله العظمی ، حائری یزدی ( مؤسس حوزه علمیه قم) بوده ، در زمان مرحوم آیه الله ، حاج شیخ أحمد حججی تا متوفای ۱۳۶۵ قمری ، و با همکاری و کمک ایشان ، مدرسه علمیه حجتیه را تأسیس نموده است (۲) .

مدرسه یاد شده ، از یادگارهای این دو مرد بزرگ و با تقوی می باشد ، و علم و دانش و تقوای مرحوم حججی ، و همت بلند و کوششهای خستگی ناپذیر مرحوم ریاضی ، حوزه های پر بار و پر برکت ، که تاکنون باقی می باشد ، و برکاتی

ص: ۵۹۲

---

۱- در کتاب گنجینه دانشمندان ، جلد ۷ ، از صفحه ۲۹۱ تا ۳۱۸ ، و هم چنین ، در مواضع متفرقه همان کتاب ، به مناسبت شهرهای محل اقامت علمانی که از نجف آباد برخاسته ، و در آن شهرها اقامت جسته اند ، جمع زیادی مورد معرفی قرار گرفته اند ، و نیز در کتابهای طبقات حاج آقابزرگ طهرانی و دانشمندان و بزرگان اصفهان و رجال اصفهان و سیری در تخت فولاد اصفهان ، به عده های از آنان اشاره شده ، و شخصیت آنها مورد بحث و معرفی قرار گرفته است

۲- تحقیقات حضوری نویسنده در محل ، و نیز دیباچه دیار نون ، صفحه ۱۶۶ و ۱۷۶ ، در شرح حال مرحوم حججی و مرحوم ریاضی

گسترده دارد ، را ، به عالم حوزه های علمیه ، تقدیم نموده است .

مدرسه یاد شده ، دارای دو طبقه است ، و سی حجره (۱) و مدرس و کتابخانه قابل توجه ( با حدود پنج هزار جلد کتاب ) و نیز نوارخانه دارد، و در زمان بازدید نویسنده از مدرسه ، ( در سال ۱۳۶۵ شمسی ) هفتاد نفر طلبه ، در رتبه های درسی مقدمات - سطح متوسط - سطح عالی ( رسائل و مکاسب و کفایه الأصول ) در این مدرسه تحصیل علم می نمودند .

محل مدرسه ، واقع در خیابان امام می باشد ، و مسجدی هم در جوار آن قرار دارد .

#### ب - مدرسه جامعہ الإمام المنتظر «عج»

محل مدرسه واقع در خیابان منتظری شمالی می باشد ، و مساحت آن ده هزار متر است . هفت هزار متر زیر بنا دارد، و با محاسبه طبقه زیرزمین ، سه طبقه است . یکصد و هشتاد و شش حجره ، و چهار مدرس عظیم برای درسهای عمومی و اجتماعات بزرگ ، و چندین مدرس کوچک دارد، و از تمامی امکانات مناسب و جدید ، در ساختمان مدرسه ، بهره برداری شده است

بنای مدرسه ( به عللی ) هنوز به اتمام نرسیده ، و جمعی از طلاب ، به نحو رسمی و غیر رسمی ، در این مدرسه اشتغال به تحصیل دارند . کتابخانه ای برای مدرسه در نظر گرفته شده ، که هنوز فعال نیست .

شروع به ساختمان این مدرسه ، در حدود سال ۱۳۵۸ شمسی بوده ، و سلسله مسائلی در رابطه با این مدرسه ، و عموماً شهر نجف آباد و حوزه علمیه آن مطرح می باشد ، که مربوط به هدف این کتاب و این بررسی نمی باشد

### ج - مسجد مرحوم آیه الله حججی

مسجدی است واقع در خیابان منتظری شمالی، که مرحوم آیه الله، حاج شیخ أحمد حججی، در آن اقامه جماعت و تدریس داشته اند، و در حقیقت، حرکت علمی و حوزه های قبل از تأسیس مدرسه الحجه (که قبلاً ذکر گردید) در این مسجد و به وسیله آن بزرگمرد، شروع گردیده است.

### د- کتابخانه مسجد مرحوم آیه الله حججی

فرزند برومند مرحوم آیه الله حججی، جناب حجه الإسلام و المسلمین، آقای حاج شیخ رضا حججی، در سال ۱۳۶۵ شمسی، در قطعه زمینی به مساحت یک هزار متر و زیربنای سیصد متر، کتابخانه ای تأسیس نموده اند، در چهار طبقه، که طبقه زیرین، مخزن کتابخانه، و طبقه اول، سالن مطالعه آقایان، و طبقه دوم و سوم، سالن مطالعه بانوان و طبقه چهارم، سالن اجتماعات و مرکز تحقیقات علوم اسلامی می باشد.

این کتابخانه در حال حاضر، چهارده هزار جلد کتاب دارد، که مشتمل بر کتب خطی و نفیس نیز می باشد، و در مجموع، محل فعالیت علمی و مطالعات اسلامی، محسوب می گردد.

### ه- کتابخانه زهراآیه علیها السلام

واقع در خیابان فردوسی شمالی می باشد، در قطعه زمینی به مساحت ۶۳۰ متر و زیربنای ۴۳۰ متر، و در سال ۱۳۶۶ شمسی، تأسیس گشته است.

این کتابخانه سه طبقه است، که طبقه اول در اختیار خادم و نیازمندی های کتابخانه می باشد، و طبقه دوم مخزن کتابخانه، و طبقه سوم، سالن مطالعه

است، و پنجاه هزار جلد کتاب عربی و فارسی و لاتین ، در این مرکز علمی و دینی وجود دارد، و کتابخانه ای ففال به شمار می رود .

### و - حوزه علمیه زهرا<sup>تیه</sup> علیها السلام

در مجاورت کتابخانه یاد شده ، حوزه علمیه ای برای بانوان میباشد ، که عده ای از طبقه نسوان ، به تحصیل علوم حوزه ای در آن اشتغال دارند .

### ز - حوزه علمیه فاطمه علیها السلام

واقع در خیابان امام ، جنب مسجد جامع می باشد ، و دارای دو طبقه است ، و عده ای از بانوان ، در آن اشتغال به تحصیل علوم حوزه ای دارند .

### ۳۰ - نطنز

شهری است در حد فاصل بین اصفهان و کاشان ، در ۷۴ کیلومتری جنوب شرقی کاشان ، و ۳۲۶ کیلومتری تهران (۱).

شهر نطنز ، مدرسه علمیه قدیمی داشته ، در نزدیکی مسجد جامع قدیمی ، که در زمان حکومت پهلوی ، به تصرف اداره فرهنگ زمان در آمده ، و با تغییر ساختمان ، تبدیل به دبیرستان دخترانه گردیده بوده است . پس از انقلاب اسلامی ، مدرسه یاد شده ، به حوزه علمیه بازگردانده شده ، و به نام مدرسه شهید صدوقی ، نامگذاری گردیده است .

در زمان بازدید نویسنده از شهر نطنز ، و تحقیق درباره مدرسه یاد شده ( در سال ۱۳۶۶ شمسی ) بیست نفر طلبه در آن مدرسه ، در رتبه مقدمات و سطح ، تحصیل علم می نمودند .

بِسْمِهِ تَعَالَى

يَا فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءُ يَا بِنْتَ مُحَمَّدٍ يَا قُرَّةَ عَيْنِ الرَّسُولِ يَا سَيِّدَتَنَا وَمَوْلَاتِنَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ  
حَاجَاتِنَا يَا وَجِيهَةً عِنْدَ اللَّهِ إِشْفَعِي لَنَا عِنْدَ اللَّهِ

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَالِدَةَ الْحُجَجِ عَلَى النَّاسِ

أَجْمَعِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمَظْلُومَةُ الْمَمْنُوعَةُ حَقُّهَا، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى أُمَّتِكَ

وَابْنِهِ نَبِيِّكَ وَزَوْجِهِ وَصِي نَبِيِّكَ صَلَوَةً تَزُلُّهَا فَوْقَ زُلْفَى عِبَادِكَ الْمُكْرَمِينَ

مِنَ أَهْلِ السَّمَوَاتِ وَ أَهْلِ الْأَرْضِينَ

منقول از مفاتیح حاج شیخ عباس قمی

ص: ۵۹۶

اشاره

ص: ۵۹۷





از دیر زمان ، شعرای عالیقدر و نکته سنجان عالم شعر و ادب ، درباره اصفهان به سرودن اشعاری زیبا ، با مضامین بلند و معانی لطیف ، پرداخته اند و درباره هر یک از ارزشهای طبیعی و معنوی اصفهان و مردم آن ، اشعاری دلپذیر و دلنشین ، سروده اند .

در این سروده ها ، از علم و دانش ، ایمان و ولایت ، عشق و ایثار ، جهاد و شهادت ، شجاعت و شهامت ، هنر و ظرافت مردم اصفهان ، تجلیل و تمجید شده ، و از مسجدها و مدرسه ها ، مناره ها و گلدسته های این شهر بزرگ ، به عظمت یاد شده و این قطعه بزرگ از سرزمین پهناور ایران ، جایگاه تجلی ایمان به خدا و رسول صلی الله علیه و آله ، و عشق و علاقه ، به امامان معصوم علیهم السلام ، و محلّ به نمایش در آمدن ارزشهای علمی و دینی ، و اعتقادات پاک و افکار و اندیشه های متعالی ، در قالب زیباترین و پرجاذبه ترین هنرهای لطیف و ظریف ، از قبیل : شعر و خطّ و معماری و کاشی کاری و گچ بری و ... ، معرفی گردیده است . در این بخش ، از میان سروده های بسیاری از آثار شعرای قدیم و معاصر ، تنها به چند سروده ( آن هم به فرازهایی از آنها ) اکتفا نموده ، و از بستان پرطراوت شعر و ادب ، گلتهائی زیبا بر می گزینیم و شامیه جان را به عطر ذوق و ابتکار و خلاقیت و بیان نخبگان احساس و عاطفه ، نوازش می دهیم .

این قسمت را به ترتیب حرف اول عنوان و ( تخلص ) شعرای عالیقدر ، تنظیم نموده ایم .

اصفهان

اصفهان ای سرزمین عطرها و یادها

ای شمیم غنچه ها در کوله بار بادها

ای زمينت سبزتر از جای پای آسمان

یک چمن آئینه در زیر پل رنگین کمان

ای سبک پیک نسیمت قاصد پیغام گل

در کتاب عشق ، نامت همردیف نام گل

ای کبود آسمانت شیشه احساسها

خواب هر کویت پر از شعر سپید یاسها

ای فضای دلنشینت شعر ناب زندگی

ای زلال زنده رودت رشک آب زندگی

زنده رود آئینه ای از نقره پیش روی توست

غرفه غرفه آب و آرامش پل خواجهی توست

غرفه غرفه ، نقش آب و آسمان در قابها

روی طاقیها درنگ جاری مهتابها

شیر سنگی ، پاسبان پیر پستوهای خواب

پله پله رفته تا دامان موجا موج آب

گشته پنهان هر طرف در پشت هر دیوار باغ

روح صد باغ است سرگردان تو را در چارباغ

خوشه های نور از گلدسته هایت چیدنی است

در طنین کاشیِ آبی ، فروغت دیدنی است

ص: ۶۰۰

نزد من زیباتر است از بوی جوی مولیان  
چون تراود از تن گلدسته ها عطر اُذان  
تا سحر نام تو را بر تارک گلدسته گفت  
در سکوت سنگها یک باغ اسلیمی شکفت  
یاسها پیچیده بر گیسوی سبز آبها  
دست زنبقها گرفته دامن محرابها  
تا باشد هر سحر گه در شبستانها نسیم  
دامنی از عطر بسم الله الرحمن الرحیم  
أبرهای عطر و باران بر سرت چادر شدند  
خنده ای کرد آسمان ، سنگابهایت پُر شدند  
از شکوه گنبدت تشبیه ها بگریختند  
چون کبوترها به بام کاشیت پُر ریختند  
گنبد شیخ حباب پایدار آسمان  
چون حباب نور بر أمواج اسلیمی روان  
ای غرور سنگی فؤارهای چل ستون  
در میان پیچ و تاب آب ، قصر واژگون  
ای سپاهان ! ای ز شولای هنر پیراهنت  
وسعت سبز هنر پیداست در هر روزنت  
اصفهان ؛ ای عشق ، ای آئینه زار زنگها  
با تو بیرون می روم از خویشتن فرسنگها

می نشانم با نسیم عشق ، در جانم تو را

از فراز پل ، سی و سه بار می خوانم تو را

تا ابد از عطر صلح و دوستی آکنده باش

شدهنر پاینده از تو ، تا ابد پاینده باش

ص: ۶۰۱

سرود زاینده رود

ای مهد هنروران ایران

وی تاجِ سر هنر ، صفاهان

ای خاکِ پُر از عبیر و گوهر

ای مخزن سیم و توده زر

در دامن تو، گهر فزون است

و دشتِ هنر تو ، لاله گون است

چون میر عماد بس هنرمند

از بهر تو ، طرح تازه افکند

بس گنج غنی بسان درویش (۱)

داری تو نهان به تربت خویش

آن شیخ بزرگ ما، «بهائی»

آن مظهر عشق و پارسائی

بوده است به ملک تو یگانه

نامش به زمانه ، جاودانه

«صائب» که به سبک اصفهانی

گفت آن همه شعر پُر معانی

از رتبه به اوج کهکشانش شد

با دست سخن بر آسمان شد

---

١- مقصود، درویش عبد المجید، خطاط نامدار است.

از فیضِ تو گفته است مضمون  
در خاکِ تو گشته است مدفون  
تصویرِ جمالِ تو « جمال » است  
سرفصلِ فضائلت ، « کمال » است  
از لطف و صفا ، تو ای صفاهان  
تاجِ شرفی به فرقِ ایران  
از شور و « نوا » ی « آشنا » ی  
بر گنبدِ چرخ شد صدایت  
نقّاشِ زمان « مصوّر الملک »  
آورد به ساحلِ هنر فُلك  
در حکمت و فلسفه « جهانگیر »  
شد دانش و فضل او جهانگیر  
بگذاشت ز دست ، ساز و مضراب  
بنمود ز عشق ، رو به محراب  
در شعر و فنِ سخنِ سرائی  
زد سگّه به نامِ خود « همائی »  
ای شهرِ شهیرِ ملکِ ایران  
زیبید به تو ناز ، ای صفاهان  
داری تو هنروری یگانه  
خطّاطِ محقّقِ زمانه



استاد «فضائلی» که در خط

و از «میر عماد» یافت سرخط

از گنبد آیت به گردون

باشی به جهان عشق ، بی چون

ص: ۶۰۳

بر تارک آسمان درخشی

بر جسم فلک ، چو جان درخشی

بر رود تو تانگاه عشق است

پلهای تو شاهراه عشق است

هر فصل تو نقشی از بهار است

دشت و دمن تو لاله زار است

( احساس ) ز فیض زنده رود است

پیوسته تو را به لب سرود است

هنوز آراسته است از نقش ها ایوان و درگاهت

هنوز از گنبد شیخ است مُحکم پایه جاهدت

بود از صنع معماران جهانی چشم بر راهت

دل از کف میر باید کلک نقاشان آگاهت

هنوز اهل نظر هستند مفتون وهوا خواهت

مگر دست تمنا شان رسد روزی به دامانت

ص: ۶۰۴

اصفهان ، مهد شاعران و ادیبان نامدار انسان

و مرکز فقه و حدیث و کلام و حکمت

بر سپاهان گذر ای پیک نسیم سحری

کامده منظر او قبله ی مرد هنری

به هوایت چه کند ای همه زیبائی و مهر

همچو آشک من اگر گل نکند پرده دری

از «جمال» تو سخن یافت چنین لطف و جمال

وز « کمال » تو سرأفراز چنین شعر دری

در هوای لب شیرین دهنانت سازد

لاله با داغ دل و غنچه به خونین جگری

ای تو أفراشته در مُلک سخن رایت فخر

وی به دوش تو در این ره عَلم راهبری

ای به آئین سخن گستری و مذهب شعر

ختم گردیده ترا منصب پیغامبری

خطِ هر جاده کوی تو به تشریف خیال

زده بر دفتر امکان ، رقم بی خبری

از کلام و حکم و فلسفه و فقه و حدیث

از فنون عملی تا به علوم نظری

هر که در چشم خرد سرمه خاکت نکشید

نپذیرند از او دعوی صاحب نظری

و آنهمه نخل که در باغ تو پربار و برند

سرو سان خسته دلم از غم بی بار و بری

بی «صغیر» تو کهن ساله سخن گوی ، صغیر

خار ، بی «صاعد» تو، دامن گلبرگ تری

بینوا آنکه ندارد ز «نوا» ی تو نوا

بی گهر آنکه «متین» ات شناسد گهری

نی به گفتار «طلایی» تو مرغ چمنی

نی به یکتائی «یکتا» ی تو مشک تتری

گر «بصیر» ت نبود در نظر روشن بین

رهروان را چه بود فایده ، جز بی بصری

زینتِ افسر سلطان سخن « افسر » تو

به سپاهان و خراسان و سمرقند و هری

شعر « آشفته » ات از دیده صاحب نظران

مطلع روشنی و مصدر والا نگری

ز تو ای خاک ادب خیز به (مستی) رو کرد

(مهرداد) ت که بر (آذر) زند آسوده سری

بر تو ای خلق آدب پرور فرخنده درود

تافراز است ثریا و فرود است ثری

ص: ۶۰۶

به مناسبت بنای آرامگاه صائب

آن رشک جنان را که لقب نصف جهان است

زان نصف جهان است که نصفش به جنان است

خُلد است بدان نصفه که آن نصفه عیان است

ماه است بدین نیمه که این نیمه عیان است

گر کُلّ جهان نیست ولی کمتر از آن نیست

ور نصف جهان است ولی خوشتر از آن است

با عین صفا، هان سوی او بین که بینی

کز نصف جهان در وی از ألقاظ نشان است

زان نصف جهان ، کُلّ جهان زاد عجب نیست

گردون ز دخان زاد و فراتر ز دخان است

لا ، بل ، که جهانی است دگر بر زبر خاک

زین سان که جهانش به حیرت نگران است

گوئی به مَثَل عالم بالاست که در طبع

هر صورتی از جُزوی کُلّیش نهان است

چرخ زبرین است و در او خُلد برین است

مرآت زمین است و در او نقش جهان است

سلمان مسلمانش ، تاج سر اسلام  
سردار خراسانش ، سلطان زمان است  
هر کس که تماشائی این طرفه مکان است  
چون من به تحیّر سر انگشت گزان است  
آرام و حَمْس ، پُر ز صلابت ، تُهی از غم  
لب بسته ز دعوی است که بگشوده دکان است  
گوهر طلب از وی که نگوید به تو کان نیست  
دُرّی است کرامت که در این قُلم و کان است  
در هر قدمش صد اثر از دانش و علم است  
وز هر رقمش صد هنر از پیشه وران است  
از لطف إله آن همه آواز □ توحید  
از مسجد وی خاسته با بانگ اذان است  
آن مسجد شاهی نسبش از در نسبت  
گر کعبه خُرد است ولی مهد امان است  
وان گنبدش از گنبد گردنده به آواز  
لُتیک اجابت را پیغام رسان است  
در نقش و نگار در و دیوارش از آثار  
رنگی ز بهاری است که فارغ ز خزان است  
در نام و نشان بسته میان از قِبَل اوست  
هر کس که از او نام و نشانی به میان است

پا بستۀ تعلیمش «صدر» همه آفاق

شایستۀ تکریمش «میر» همگان است

ص: ۶۰۸



هر جا به میان برزده دامان کمالی است  
پروردهٔ دانای وی از خُرد و کلان است  
هر طفل که برخیزد از آن خاک هنرخیز  
در کار هنر همچو قلم بسته میان است  
دانشور نقادش افزون زقرین است  
صنعتگر استادش بیرون زقران است  
با من چه ستیزی که ستایشگرم آن را  
«خاقان» سخن بین ، که ستایشگر آن است  
دیروز به آثار و خبر نصف جهان بود  
و امروز به دیدار و نظر ، کلّ جهان است  
زان کلّ جهان است که آن جان جهان را  
سرمنزل جسم است و سراپردهٔ جان است  
آن را که به میزان لسان ، از همه بیش است  
گر بیشی هر مرد به میزان لسان است  
«صائب» که مقام سخن و فکر صوابش  
برتر ز کلام است و فراتر ز بیان است  
نیش قلمش ، تیغ جهانگیر معانی  
صوب سخنش ، کشور آندیشه ستان است  
نویافته چون معنی نوخاسته اش بین  
کاین چرخ کهن نو کند آن را که نوان است

آن طرح نو آیین ، بنگر بر سر خاکش

تا خاک بینی که به مه نور فشان است

ص: ۶۰۹

وان نو شده مثنوی کهن باتو بگوید  
کامروز نو آنست و از آن خصم نوان است  
آذر به دل دشمن آخرس فتد از رشک  
زین نور کز آن طور سخن در لمعان است  
آری که ز دیوان قضا حق طلبان را  
خطی است که سرخط امان از حدثان است  
هر شمع بر آن خاک به شکرانه زبانی است  
هر چند که آن طور سخن ، بسته دهان است  
و آن سنگ لحد آن به جنان گرم ثنا را  
دستی به دعا برشده از صدق جنان است  
یا رب که لسان خیر به بنیاد و بنان نیز  
آن را که در این خیر لسان است و بنان است  
اکنون که ( امیر ) از در خشنودی و شادی  
اتمام بنا را به طرب تهنیه خوان است  
شایسته تر از ختم سخن هیچ نداند  
زیرا همه دانند که او هیچ ندان است

## آقای شکرالله فرقدانی «بیان» «معاصر»

شهر نور و دارالعلم قرون

شهر من سرشار موج کاشی است

شهر من گنجینه نقاشی است

شهر رؤیائی ترین پروانه ها

شهر بارآورترین گلخانه ها

شهر چندین پل به روی زنده رود

شهر جاری در تبسم ، در سرود

شهر مسجد شیخ و شهر چل ستون

شهر دارالعلم أعصار و قرون

شهر گنبد ، شهر مسجد ، شهر نور

شهر قنديل دعا در کوه طور

شهر دانش ، شهر بینش ، شهر هوش

شهر صدها عالم پرچم بدوش

شهر ابداع هنر در دست ذوق

شهر ایراد سخن از روی شوق

شهر من شهر «کمال» و شهر «میر»

شهر عالی رتبان بی نظیر

شهر تبیین دعای انتظار

شهر استشمام گلهای بهار

شهر سرداران خوب انقلاب

شهر شاهد ، شهر بیزاری ز خواب

ص: ۶۱۱

شهر قالی ، شهر مخمل ، شهر خز

شهر مینا ، شهر نقره ، شهر گز

شهر ما آئینه تصویر ماست

شهر ما ، تاریخ عالمگیر ماست

شهر من شهر قشنگ اصفهان

شهر من شهر سخن ، شهر (بیان)

سُرخ رو و سرفراز و شاد کام و استوار

با شکوه و فرّ جاویدان بمان ای اصفهان

رُوح میبخشد جهان را بسکه باشد دامت

دلرُبا و دلگشا و دلستان ای اصفهان

کند از جا سد استبداد و کاخ ظلم را

خون پاکان تو چون سیل دمان ای اصفهان

دامن پاک تو را لازم که پروردی چنین

پاک جانانی دلیر و قهرمان ای اصفهان

پیشتاز لشکر حقند فرزندان تو

بهر محو و باطل و دفع خان ای اصفهان

شهره در علمند و فضل و صنعت و شعر و هنر

مردم خوب تو بین همگان ای اصفهان

اصفهان

تا پیش دیده راه صفاهان گرفته ام

پیرانه سر جوان شده ام جان گرفته ام

گر نور چشم من افزون شود گمان مدار

و در دیده ، خاک راه صفاهان گرفته ام

عمر دوباره یافتم از آب زنده رود

جامی مگر ز چشمه حیوان گرفته ام

با این هوای دلکش و ، این خاک دلنشین

دیوانه من، که دامن تهران گرفته ام

جز در هوای ملک صفاهان نبوده است

گر مهلتی ز کینه دوران گرفته ام

رؤیای روزگار فرح بخش رفته است

کش باهزار شعبده دامان گرفته ام

با نور ماه و بوی گل و شور عندلیب

بزمی عجب به روضه رضوان گرفته ام

او شاد از آنکه یار سخنگو گزیده است

من شاد از آنکه یار سخندان گرفته ام

تانگرم به روی کس از بعد روی او

بر نور دیده راه ز مژگان گرفته ام

دامان دولت از کف من رفت و مانده است

أنگشت حسرتی که به دندان گرفته ام

وا کرده زنده رود گریبان به ناز و من

از بار غصّه سر به گریبان گرفته ام

ص: ۶۱۳



## آقای محمود شاهرخی «جذبه» «معاصر»

مهد آزادگان و عالمان و هنرمندان

ألا خطّة پاک مینو سرشت

که خاکت بود رشک باغ بهشت

ألا روضه نغز و پدرام و پاک

فروزنده چون گوهر تابناک

ألا مهد پاکان و آزادگان

سرای یلان ، کوی دلدادگان

دیار دلیران و مردان مرد

سرافراز گردان دشت نبرد

کنام هژبران دشمن شکار

مقام دلیران خنجر گذار

صفاهان که خاکت عجین با صفاست

سراپرده عشق و کوی وفاست

به علم و هنر بودی از دیر باز

به تاریخ ایران زمین سرفراز

از این پیش ای مرز نام آوران

تو خود شهره بودی به نصف جهان

کنون یک جهانی تو اندر شمار

تو را باد زین مرتبت ، افتخار



تو را عزّت جاودان داده اند  
بدین خطّه نقش جهان داده اند  
اگر هشت روضه است باغ جنان  
چهار است از آن ویژه اصفهان  
چه نغز است و زیبا گلستان تو  
عجب لاله زار است دامان تو  
به باغ تو چندان شقایق دمید  
کز آن داغ گل جامه بر تن درید  
بسی سزوت از داسِ عدوان شکست  
که از سوکشان لاله در خون نشست  
ز بس در ره دوست دادی شهید  
به درگاه حق آمدی روسفید  
نوای حسینی چو شد نغمه ساز  
به بانگِ عراق و به صوت حجاز  
بر آمد چنان شور از اصفهان  
که عشاق را رفت تاب و توان  
همه جانب جبهه ها تاختند  
ز شادی سر از پای نشناختند  
به میدان نهادند رو همچو شیر  
همه حق پرستان زبُرنا و پیر

به گردی به دشمن چنان تاختند

کز آن خیره چشم جهان ساختند

ص: ۶۱۵

چنان پا فشرده در کارزار

که بر لشکر خصم شد کار ، زار

به ناورد آن سان گشادند دست

که پشت سپاه مهاجم شکست

در آن عرصه آتش و خشم و خون

بشد خصم از این شیر مردان زبون

به مردانگی در صف گیر و دار

کشیدند از جان دشمن دمار

اگر بود امروز استاد طوس

نه رستم ستودی و نه اشکبوس

به مدح کس از بر گشادی زبان

ستودی تو را ای یل اصفهان

ألا ای صفاهان دلت شاد باد

«همیشه بر و بومت آباد باد»

تو را می سزد در جهان افتخار

جزای شهیدانت با کردگار

کنون بشنو این جاودانی سرود

از قول یلان از لب زنده رود

که ما در جهان بقا زنده ایم

به تاریخ ، جاوید و پاینده ایم



اصفهان جان جهان و مظهر همّت و ایثار

از هر کران خطّه ایران زمین درود

بر لاله های رُسته ز دامان زنده رود

بر مردمی که چشم عجز زمان ندید

همزادشان به سایه نُه گنبد کبود

بر مردمی که از هنر و فضل مردمی

بر رویشان خدای در مرحمت گشود

بر مردمی که بر تنشان لطف کردگار

آراست جامه از خرد و علم تار و پود

بر مردمی که گوهر فکر بلندشان

آرزد به صد خزانه گهرهای نابسود

بر مردمی که از پی پیروزی وطن

از کار و کوشش ساخته برگستوان و خود

بر مردمی که بر صف پیکار کرده روی

تا بر کُند ز نطع زمین وصله جهود

قومی طراز قامت اقوام روزگار

در عشق و در فضیلت و آزادگی و جُود

فرزانه مردمی که زبان سخنوران  
در هر زمان به دانش و پرهیزشان ستود  
هر قوم را خدا ز رهی آزمون کند  
وین زمره را به همت و ایثار، آزمود  
نازم بر آن دیار که ایثار خلق آن  
زنگ ملال، از دل خلق وطن زدود  
نازم بر آن دیار که در آن نیافت راه  
ضعف و ضلال و جهل و تن آسائی و جمود  
چون گلشنی است مُلک سپاهان و مردمش  
أفرشتگان آمده از آسمان فرود  
چون خیمه ایست کشور ایران فراشته  
وین خیمهٔ فراشته را اصفهان عمود  
دنیا اگر چه جای بقا و خلود نیست  
بنگر به اصفهان و صفا را در آن خلود  
بشنو کنون زنای من آوای اصفهان  
تا بشکفی چو غنچه از این دلشین سرود  
وین جانفزا ترانه بر آری ز لب چو من  
جان جهان نبود اگر اصفهان نبود



اصفهان ، مهد صفا و شهرهٔ جهان  
اگر که شهر من ، این شهرهٔ جهان ، مانده است  
هزار رکن رکینش به دوشِ جان مانده است  
به دامنِ «صُفه» مهدِ صفا، صفاهان است  
که با سلامت دیرینه ، جاودان مانده است  
مگر زمرحمتِ سیرتِ صفا کیشان  
به استقامت پاینده ، اصفهان مانده است  
تَبْرُكِ نَفْسِ رَاهِيَانِ حَقِّ بُوْدِه اَسْت  
که هر بنا به پی استاده آستان مانده است  
مگر نه شهر شکوفندگیِ أخلاق است ؟  
سزد اگر که مصون از بدِ زمان مانده است  
نهاده است به باور ، هزار صورت حال  
اگر که «نقشِ جهان» ، بوم جاودان مانده است  
بخوان گشوده کتابی از اصفهان ، هر چند  
از او به دفتر آیام ، داستان مانده است

چه دستها که برآمد ز آستین تلاش

که هر رواق و هر ایوان و آستان مانده است

فروغمندی ایمان پاک، باشد نور

اگر به بستر این تیره خاکدان مانده است

هزار دست به پایین «هزاره» ها کوشاست

که سخت، بر سر هم، پایور چنان مانده است

از اعتبار مزارات «تخت فولاد» است

به تخت بخت، اگر شهر، در امان مانده است

ورق ورق همه «اسلیمی» و «معرق» ناب

که بر «کتیبه» گل منظر زمان مانده است

سواد قدس «مساجد» هزار سکه فرود

بر آنچه فاخر، از عهد باستان مانده است

هزار بوته ز «کاشی» به ذهن کاشته است

زهر «کتیبه» که بر باور زمان مانده است

ندیده زخم زمان، در بر شهور و سنین

به قاب شهرت پاینده در امان مانده است

به «خانه خانه» بسی خوان، به دامن رنگین

به «گنجه گنجه» بسی گنج شایگان مانده است

هم از نوازش رنگین راهیان هنر

بسی رواست که بر باور زمان مانده است



صفای شهر ، مصلای «قدس» را ماند

که با تجسم سبز نماز خوان مانده است

به «چل ستون» تو چه دانی چراغدان عتیق

به نبض پُر طپش و شعله ور چه سان مانده است

چو مشت‌های گره کرده ، میله های «منار»

کشیده سر به گلوگاه آسمان مانده است

هزار «گنبد فیروزه» پایور ، ستوار

هزار نقش ، چو آغوش آسمان مانده است

بخوان ز گنبد پُر نقش شیخ لطف الله

حدیث قدرت ایمان که در امان مانده است

به پاس آیهٔ یَعْمُر مَسَاجِدَ الله است

گر این خجسته بنا ، با شکوه و شان مانده است

از این تَیْمَن گلبانگ سبز روحانی است

اگر که «مأذنه» با جاری اذان مانده است

چه آسمانهٔ «گلدسته» های پایوری

چو چتر سبز ، سرافراز و سایه بان مانده است

به عرشه های مُنقَش حضورِ «کاشی» ها

همه نگار ، چو آغوش آسمان مانده است

فروغ منظر قندیل‌های نورانی

به طاق‌دیس قداست ، همیشه مان ، مانده است



به سیر پهنه میدان در آی تا بینی  
چه نقشها به رخ نقشه جهان مانده است  
سرود صولت « آله وردی » است به رود  
که هر دهان « پُل » اینک سرود خوان مانده است  
بود مُدرّس خلق و سزد اگر بینی  
وفور « مدرسه » در شهر اصفهان مانده است  
هزار چشم تحیر زهر عتیقه شناس  
به چشمه چشمه « پُلها » نگاهبان مانده است  
بدوز چشم تماشا به چشم « طاق » و بین  
چه صف ، ز « راسته بازار » اصفهان مانده است  
هزار جوشش پیر از جوار آن جاری است  
به جلوه ، گر پل « خواجو » چنین جوان مانده است  
آلا که در پی بگذشته می رسانی از راه  
بیا که با همه آغوش ، اصفهان مانده است  
بزن به بازوی « بنا » هزار برس و بین  
چه سان بنا ، به بُن جان دوستان مانده است  
بیا به مهد تماشای ایستا ماندن  
بیا به مأمّن ایمان ، که در امان مانده است  
هزار نکته زهر صاحب درایت و هوش  
که از « محدث » و « راوی » داستان مانده است



ز «فقه شیعه» حق پوی جعفری بسیار  
همه بلوغ نبوغ و فروغ جان مانده است  
اثر بسی ز «فقیه» و «حکیم» و دانشمند  
پُر از تلاوت و «تفسیر» حق بیان مانده است  
ز «خاندانِ علوم» و «خدایگان فنون»  
بسا اثر که ز آفات در امان مانده است  
«نجوم» و «فلسفه»، «تاریخ» و علم «طب» و «آدب»  
به بطن جاری دیباچهٔ زمان مانده است  
به خطّ سیر قلم، بس سخن ز «طغرائی»  
به دستمایهٔ کارائی بنان مانده است  
عروس علم، به تزویج «میرداماد» است  
رواست گر که نمیرا و جاودان مانده است  
از این که «شیخ بهائی» چراغ علم آفروخت  
سزد به نام، که سرخیل روشنان مانده است  
«کمال» را همه کارائی سخن باقی است  
«جمال» را جهش فکر جاودان مانده است  
ز کلکِ «حجّت حق، ابطحی» تکامل یافت  
هر آنچه در اثر سعی دیگران مانده است  
(سرور) مردم آینده، نغمه خوان گویند:  
سرود نغز تو، باشعر اصفهان مانده است





## رضا صغیرا «سعید»

اصفهان ، افتخار کشور ایران

اصفهان ای مهر گردون هنر

ای ضیاء دیدهٔ اهل بصر

دفتر تاریخ را عنوان توئی

افتخار کشور ایران توئی

ای که در وصف سخنها گفته اند

اهل معنی دُرّ معنا سُفته اند

بس که روح افزائی و ذوق آفرین

اهل عالم بر تو گویند آفرین

وہ چه زیبا گفته اند اهل بیان

هست شهر اصفهان نصف جهان

بلکه در اینجا گروهی اهل فن

دوستانان هنر در این سخن

رخش همت را فراتر رانده اند

اصفهان را خود جهانی خوانده اند

زین سبب تاریخ دارد افتخار

بر تو و آثار تو در روزگار

ای زما بر آب و خاک تو درود

هست زینت بخش تو « زاینده رود »



داده این آب روانت آبرو  
نهرها در نهر جاری ، جو به جو  
می رود پیوسته این آب حیات  
موج زن در شهر چون شطّ فرات  
ای ز سر سبزی فضایت چون جنان  
روح بخش مردم از پیر و جوان  
« چارباغت » همچو جنت دلگشااست  
چار فصلش خرم است و باصفاست  
صف کشیده بر لب هر جویبار  
سرو و کاج و بید و شمشاد و چنار  
هر طرف باد صبا پویان شود  
در میان سبزه ، عطر افشان شود  
نقش بسته بر در و دیوارها  
صنعت معماریِ معمارها  
سبک معماری به خوبی کرده گُل  
در « پل خواجو » و ، در « سیّ و سه پل »  
خیره گشته بر تو چشم راستان  
و از بناهای زمانِ باستان  
طرفه میدانی که داری در میان  
نام زیبایش بُود «نقش جهان»

«چل ستون» و «مسجد شیخ» و «امام»

حیرت انگیزند الحق هر کدام

ص: ۶۲۵

کز در و دیوار آنها آشکار  
هست زیبا کار استادانِ کار  
دیده حیران است از معماریش  
طرح نقاشان و کاشی کاریش  
اینهمه چون گنج پر گوهر بود  
یادگار صنعت کشور بود  
دیگر اینجا به بود دم در کشم  
رشته را در گوهر دیگر کشم  
پای خود بیرون نهم از آب و گل  
شمه ای سازم رقم توصیف دل  
دل که گویم ، مقصدم اهل دل است  
چون که دل بیرون از این آب و گل است  
اصفهان را بوده است از دیر باز  
و عارفانی اهل دانش ، اهل راز  
عالمانی به زگنجی شایگان  
هر یکی مقبول و مشهور جهان  
شاعرانی ، نکته سنجانی کهن  
مشتهر در علم و عرفان و سخن  
راهیان کعبه مهر و وفا  
سالکان مسلک صدق و صفا

راد مردانی که از خود بگذرند

مهر نوع خویش در دل پرورند

ص: ۶۲۶

جا به جا ، هر گوشه غوغائی به پاست

صحبت از ایثار در راه خداست

زین همه آثار خود در روزگار

اصفهان دارد هزاران افتخار

با چنین خوبی بود ایران زمین

همچو انگشتر ، صفاهاش نگین

بی گمان شعر صفاهان را ( سعید )

روح قدسی در وجود من دمید

اصفهان من

یا رب کدام روز مبارک بنا نهاد

معمار آفرینش وبائی کن فکان

شهری که عقل خیره شود از ره قیاس

جان جهان لقب نهادش یا جهان جان

منوچهر قدسی

ص: ۶۲۷



تخت فولاد

یاد آور ادوار درخشش علم و ادب در اصفهان

تخت فولاد ، ای زیارتگاه عشق

خاک پاک تو ، عبادتگاه عشق

ای زده پهلو به فردوس برین

عرش را گشته ز رفعت هم نشین

هر کف خاک تو دریای گهر

مشعل ایوان تو شمس و قمر

در طوافت هر شب و روز از فلک

دسته ، دسته بر زمین آید ملک

لیک ابناء وطن از گمراهی

ترک تو گفتند با این فرهی

دوش دیدم زیر سقف آسمان

کوه صفا این همیشه سرگران

آتشی از اختران در سینه داشت

سر به زانوی غمی دیرینه داشت

چیست آیا فکر این پیر خموش

این نشسته سالها بی جنب و جوش

پرسه می زد آن حوالی تا سحر  
بادِ گرد آلود ، چون من نوحه گر  
روح سرگردانِ اهل درد بود  
یا که درویشی بیابانگرد بود  
زنده رود ، آن دورها در پیچ و تاب  
رو به سوی گورها چشمی پر آب  
چهره اش از موجها پر چین شده  
یک جهان غم دیده ، خشم آگین شده  
در کنارش این همه خون دل است  
آنکه بیند خرمن گُل غافل است  
هر شکوفه از درختی می دمید  
پیش چشمانم کفن می شد پدید  
در زمین و آسمان غم بود ، غم  
صبر اُیوب آن میان کم بود ، کم  
ناگهان بانگ اذان آمد به گوش  
زد خروس عرش گوئی آن خروش  
باطلوع فجر ، فتح باب شد  
گورها بشکافته ، محراب شد  
جملهٔ احرام پوشان ، صف به صف  
چون گهرها مانده بیرون از صدف

ایستاده رو به درگاه نیاز

اقتدا کرده به «یوشع» در نماز

ص: ۶۲۹

آری اینجا خوابگاه اولیاست  
وادی أمن است ، طور انبیاست  
با «لسان الأرض» آن شو، همزبان  
تا بگوید باتو اسرار نهران  
فیضها خفته است در این سرزمین  
چشم دل بگشای جهانِ جان بین  
رحمت حق روی بر آن کرده است  
آسمانش نورباران کرده است  
از «مصلّا» خوش وزد بوی بهشت  
یارب از گردون ، که در آن پای هشت  
بوده در شبهای جمعه این مکان  
تا سحر شب زنده دارِ زاهدان  
یاربِ دل خستگان ، بشنیده است  
همره العفوها ، نالیده است  
زیر آن کهنه کلاهِ آبی اش  
بوده «بابا» شاهد بی خوابی اش  
«رکین دین» پیر خراباتی عشق  
خرقه صد چاک مناجاتی عشق  
آن که بخشید آبرو سجاده را  
ذکر دل آموخت خُم باده را

لیک اکتون رفته اند از یادها

آن دعاها ، ناله ها ، فریادها

ص: ۶۳۰

تخت فولاد است و غربت این زمان

بر جینش جای پائی زین و آن

تکیه ها مخروبه ، ویران گشته اند

تکیه گاه باد و بوران گشته اند

آب انبارش اگر خشکیده است

روز و شب چون چشم من گرییده است

چارطاقیهای زیبایش چه شد؟

آن مشبک آجریهایش چه شد؟

از «رفیعا» گنبدی گر مانده است

چون حبابی ، باد بر آن برده دست

« ریزی » اینجا با درشتی های دهر

چون تواند پنجه افکندن به قهر

« بید آبادی » اگر لرزد تنش

تیشه کین ، سوده سر بر مدفنش

« شیخ کاشی » در قعود و در قیام

شکوه دارد هر نماز از خاص و عام

گور ملای « گزی » با آن خصال

گم شده در گرد طوفان ملال

با تو ای « روضاتی » این بیداد چیست؟

روضه ات را جز خزان در راه نیست

آن که در این خاک گنجی پربهاست

گر که او را « درچه ای » خوانم خطاست

ص: ۶۳۱

زیر و رو گرگور «خواجه‌ئی» کند  
جویدش گردون که دلجوئی کند  
مرقد «خوانساری» آن مولای دین  
گشته متروک ای دریغ از مسلمین  
«فاضل هندی» که فخر عالم است  
نیز، دامن گیرش این خاک غم است  
تا ببوسد قبر بانوی «آمین»  
گشته با او روبرو، این سیل کین  
باخط برجسته، لوح گورها  
باشد از اندوهشان منشورها  
حق پرستان را ز یاری شاد کن  
کعبه ویرانشان آباد کن  
در کف این خاک سرد، اکسیرهاست  
سینه اش آرامگاه «میر» هاست  
محرم «شیخ بهائی» بوده است  
یار آن پیر خدائی بوده است  
تاشود نقش ضمیرش خط راز  
پیش رویش دفتر دل کرده باز  
خوانده او را زنده نزد مردگان  
داده بعد از مرگ را بر او نشان



آری این خاک فراموش جهان

بوده مهد عبرت پیر و جوان

ص: ۶۳۲

بس « جهانگیر » آنکه بی تاج و نگین

سوده در هر بقعه ای رخ بر زمین

از «حسام الواعظینش» یاد آر

کز سخن او داشت تیغ آبدار

أهل منبر خالی از جوش و خروش

خفته اینجا، زیر گل، یکسر خموش

کن نظر پست و بلند روزگار

تاکنی اندیشه پایان کار

هست در هر گوشه این سرزمین

چون فلاطون، صد حکیم خم نشین

جام آن خونین دلان، خورده به سنگ

بخت با بیداری آنان به جنگ

کلک « قدسی » سر بر آرزو خشت

با تو باید آیه های حق نوشت

نی همی « أنصاری » والا تبار

سر فرو برده در آغوش غبار

بس مورّخ، بس محقق، بس ادیب

خفته در هر سوی این وادی غریب

کاشکی « درویش » [\(1\)](#) باخطّ ألم

زین مصیبت، نامه ای می زد رقم

---

١- مقصود، درویش عبد المجید، خطّاط مشهور می باشد.

گشته اکنون خاک غم کاشانه اش

ره گشوده جغد بر ویرانه اش

ماهمه رهپوی این سرمنزلیم

لیک ، از این غم نصیبان ، غافلیم

تا ز تو یاد آورند، آیندگان

یاد کن از رفتگان این جهان

خفته در هر سوی این بیت الحزن

شاعری در بستر خاک مِخَن

آنکه می خواند از پی محمل سرود

خفته در این آب و گل ، بر او درود

در رَهَم « شیدا » نشسته ، سینه چاک

همچو « غمگین » خسته دل ، اُندوهناک

« واله » با آن انجمن آرائیش

خفته خامش گوشه تنهائیش

تا «فدا» پیوسته باشد در به در

فتنه خواهد تربتش زیر و زبر

از تو ای « آتش » در این ماتم سرا

خیمه ظلمت نمی سوزد چرا

چشم در راه است تا آفاق دور

در غروب غربتش «نیر» چو «هور»

تکیهٔ «گلزار» ماویران چراست

خار دامن گیر این بستان چراست

ص: ۶۳۴

از «همائی» یاد آر و خامه اش  
رونظر کن جاودانی نامه اش  
بشنو از او این نفیر دردناک  
تاکنی در ماتم او سینه چاک  
«ای خوش آن روزی که یاری داشتم  
در دل آرام و قراری داشتم»  
حالیا در خاک ، آن مرغ سخن  
پر شکسته ، خفته دور از هر چمن  
جمله این در وطن ناشادها  
همچو «عنقا» رفته اند از یادها  
گلبن عشقند ، روکن سویشان  
ده صفا ، آفاق جان از بویشان  
گم شده در خاک ، دُرّ و گوهرند  
زیر پاخفته ، ولی تاجِ سرند  
همرهی کن طبعِ درد آوای من  
تا رسد بر هر مزاری پای من  
از هنر، تن جامه هر کس دوخته  
شمع آن فانوس گشته ، سوخته  
گرچه «ذوفن» زد رقم بر لوح زر  
کلک فولادینش آیات هنر

پای بوس هر «ضریحی» ، نام اوست

نزد «آل عصمت» او را ، آبروست

ص: ۶۳۵

لیک دارد تربتِ آن زنده یاد  
سقفی از اُبر، ستون از گردباد  
« حاج عباس » آگه از دنیای عشق  
آن « علامت » ساز « عاشورا » ی عشق  
یاد گارش زیر سقف هربنا  
داده زینت ، مجلسِ « آل عبا »  
روح او ، هم صحبت اهل بهشت  
لیک جسمش مانده تنها زیر خشت  
بی « مصور » نقش پرداز بزرگ  
در دلم بنشسته اُندوهی سترگ  
آهی از گورش نمی گیرد سراغ  
تا که بر بالین او گردد چراغ  
آن که بر کاشی رقم زد نام را  
ز آتش دل پخت خشت خام را  
نقش عشق آمد پدید از فکر او  
گنبد و محراب را داد آبرو  
گرچه « ابراهیم » باشد غیر خار  
نیست آن گل آفرین را بر مزار  
بر جبین کهنه کرباس هنر  
نام « رنگ آمیز » بادا جلوه گر



قامتش خم، چهره زنگاری شده

پرده ها از او قلمکاری شده

ص: ۶۳۶

رفته اَما حرف آن مرد خدا  
بر لب خوان کرم مانده به جا  
« شکر نعمت ، نعمت افزون کند  
کفر ، نعمت از کفت بیرون کند »  
یادی از احساس آن استاد کن  
خفته در این خاک ، روحش شاد کن  
پیش چشم أهل بینش ، اصفهان  
شد ز ارباب هنر ، نصف جهان  
در دل این خاک ، سوز و سازهاست  
بر لب خاموش او ، آواهاست  
اکتفا کردم به بوئی از بهار  
دسته ای گل بستم از چندین هزار  
تا دهم شرح ، این ملال معنوی  
نیست کافی صد کتاب مثنوی  
گرچه « گلزار شهیدان » خرّم است  
گرد این خوبان ، حصاری از غم است  
گرد غربت ، بوسه داده رویشان  
اشک ماتم ، گشته شمع کویشان  
بعد از این ، بی کس در این خانه اند  
لاله های رسته در ویرانه اند

ای دریغ از مرگ « صمصام » دلیر

پیرو بهلول ، آن فرزانه پیر

ص: ۶۳۷

گشت چون بر مرکب چوبین سوار

همر هس کوچید ، عقل این دیار

چون بنای مسجدی گردد خراب

حُرمت آن هم شود نقش بر آب

اعتبار هر مکان ، ز آثار اوست

کعبه را ، از پاره سنگی آبروست

گیرم این جا پر گل و ریحان شود

بی عزیزان ، خارِ چشم جان شود

خیز از پا ، بند غفلت باز کن

بر سر این آشیان ، پرواز کن

تا ببینی آنچه را من دیده ام

بشنوی خود ، آنچه را بشنیده ام

ناخلف فرزند بودن تا به کی ؟

خصم خویشاوند بودن تا به کی ؟

جمله بیدارند در این شهر خواب

دیده بگشا ، از حقیقت رُخ متاب

خانهٔ اجداد خود ویران مخواه

خویش را نفرینی دوران مخواه

ای قلم همچون ( شفیق ) اشکی فشان

رستخیزی کن به پا در سوکشان



اصفهان مهد شعرای نامدار

اصفهان ای مهد فرهنگ و هنر

ای شده در عالم شهرت سمر

ای سراسر خاک تو چون کیمیا

پیش چشم أهل بینش توتیا

چارباغ تو بود باغ بهشت

خاصه اندر موسم اردیبهشت

زنده رودت زنده دارد روح و جان

چلستون تو بود نقش جهان

جلوه های دلکش آثار تو

می تراود از در و دیوار تو

خاک تو پرورده «سینا» و «شکیب»

«عاشق» و «مشتاق» و «آزاد» و «طیب»

موطن «شیدا» و «شوقی» و «جمال»

جایگاه «واله» و «مهد» «کمال»

«مجمر» و «دهقان» و «عمان» و «صغیر»

«آذر» و «دریا» و «ریحان» و «بصیر»

«جابر» و «الفت» «مظاهر» باصفا

«صائب» و «آتش»، «نوا» ی آشنا

« هاتف » و « قدسی » ، « طلائقی » و « متین »

« نصر » و « خسرو » ، « صاعد » ذوق آفرین

نامشان سرلوحهٔ صدها کتاب

آفتاب آمد دلیل آفتاب

ص: ۶۳۹

اصفهان ، مهد علم و دانش و حصن أهل البيت عليهم السلام

و شهر ایمان و ولایت ، و ایثار و شهادت ، و دعا و مناجات

حوزه علمیه ات ، دیرینه سال

اصفهان ای مهد فرهنگ بشر

زادگاه علم و میعاد هنر

ای به هر گامت ز دانش صد نشان

ای به هر خشتت دو صد حشمت عیان

سینه ات لبریز از حال و خبر

هر کنارت از حوادث صد اثر

موزه پست و بلند روزگار

از گذشته ، بی شمارت یادگار

گنبد و گلدسته ات خوش زرق و برق

شهره در عالم به « دار العلم شرق »

« گنبد شیخ » تو در «نقش جهان»

کاسه زرین طراز آسمان

خاک دانش پرورت خلدی حسب

زنده رودت چشمه کوثر نسب

نهر های جاریت آب حیات

بهر پویه در کف از جنت برات





ای سراسر خاک تو سبزینه زار

چار فصلت فصل دیوان بهار

بر سر هر برزن و هر کوچه باغ

بسته ای از میوه هایت چلچراغ

باغهایت از فواکه دلفریب

و پرز انگور و گلابی جوز و سیب

ای فضای جانفزایت دلنشین

ای هوای جان شکارت بی قرین

ای بهشتی منظر ای خُلدی تبار

ای به خوبی ها مثل در روزگار

در همه عالم سرآمد در هنر

پیش آهنگ تمدن بر بشر

فرّ و فرهنگت زبانه زد در جهان

از هنر، حقّت مسلم بر جهان

مردمانت سخت کوش و پایدار

عاقبت اندیش و عاقل ، هوشیار

اصفهان ! ای شهر خلق ذوفنون

شهر ایثار و شهادت ، شهر خون

شهر مردان بزرگ و نامدار

شهر کوشش ، شهر صنعت ، شهر کار

شهر جوشش ، شهر بینش ، شهر علم

شهر ایمان ، شهر تقوا، شهر حلم

اصفهان ! ای پایگاه علم و دین

مهد رشد عالمان راستین

ص: ۶۴۱

شهر عالم پرور دانش شعار

عالمانی مشتهر در روزگار

عالمانی بوذر و سلمان اثر

در پی احقاق حق ، کرده خطر

عالمانی حق گزین و حق مدار

در مصیبتها صبور و بردبار

حوزه علمیه ات دیرینه سال

مدرّس و مدرسه ات ، پر شور و حال

طالبان علم در آموختن

شمع سان ، شب تا سحر در سوختن

تا یکی مفلق کند ظاهر ، نبوغ

عالمی سازد ز دانش ، پر فروغ

تا یکی دانشوری ملاً شود

« مجلسی » یا « میر » یا « صدرا » شود

ای صفاهان ! ای بهشت روی خاک

ای ز أنوار الهی تابناک

ای بهشت نقد در روی زمین

ای تو را لطف خدا در آستین

فرّ اسلام و تشیّع ، فرّ دین

شُهره در عالم به « دارالمؤمنین »

شهر مولا، شهر یاران علی علیه السلام

شهر عشق و ، جان نثاران علی علیه السلام

سینه چاکان مزار فاطمه علیها السلام

در مصیبت ، بی قرار فاطمه علیها السلام

ص: ۶۴۲

ای حصین حصن ولای اهل بیت علیهم السلام

نخل سرسبز عزای اهل بیت علیهم السلام

سال تو هر روز تاسوعا بود

سه دهه در ماه ، عاشورا بود

مسجد و مدرسه ات ، جای عزاست

خانه خانه ، روضه و هیئت به پاست

کوی و برزن ، هر محله هر کجا

یا حسینیّه است یا دار الشفا

انس داری بازیارت ، با دعا

گریه را دانی به هر دردی دوا

در شب جمعه ، کمیلت پای عرش

صبح جمعه ، ندبه ات آوای عرش

همنوا وهم تلاوت با ملک

می رود آوای قرآن بر فلک

روز و شب بوی خوش عطر و دعا

هست ( صاعد ) از تو تا عرش علا

اصفهان ! ای شهر من ، شهر شعور

شهر دانش ، شهر زیبائی و نور

این همه از لطف یزدانی بود

پرتو اشراق ربّانی بود

این همه فیض از وجود عالمان

شد نصیب خطّه ات ، ای اصفهان

جاودان ، خزّم بمان ای اصفهان

در پناه حضرت صاحب زمان (عج)

ص: ۶۴۳

اصفهان و جلوه های زیبائی و علم و ایمان و شعر و ادب

اصفهان! ای وادی سبزینه ها

جای جای جاده آئینه ها

ای خیابانت خیابان بهار

میهمانان تو، مهمان بهار

شهر من! ای شهر زیبای هنر

ای هنرمند تو دنیای هنر

ای بهارستان بهارستان راز

ای سحر زارت همه خورشید ساز

مهر و مه ، چون سیب شیرین تواند

أختران ، انگور زرین تواند

پر شکوه از لاله ، کوهستان تو

چلچراغستان ، شکوهستان تو

لاله خرمن خرمن و ، گل موج موج

نغمه گوناگون و ، مرغان فوج فوج

صبح لبریز از بهار و شبنمت

ساخته چشم و چراغ عالمت

کرده مات أفلاک را معماریت

گنبد پر نقش و مینا کاریت





سرزمینِ روشن اندیشه ها

در بهارستان نورت ، ریشه ها

چشم عالم خیره از نقاشیت

کاش ، گرد غم نبیند کاشیت

آن که راه اوج ، در أفلاك جُست

کلک اعجاز «مصور» های تست

\*\*\*\*

گفته نام آورانته ، دُرّ ناب

شعرشان چون چشمه سارانت پر آب

از «کمالت» نغز و کامل شد کلام

وز «جمالت» جمله در حسن تمام

شعر شعری سرخطی از دفترت

زنده رود اُسطوره سطر ترت

در گلویت کرده گُل، آوازاها

«هاتفت» از غیب گوید رازها

دفتر سبزت پر از ترجیع بند

تر زبانانِ ترا، مضمون بلند

نازت از رنگین خیالانِ غزل

«صائبت» مست غزالانِ غزل

سطح فکرِ روشنان ، تاخط نور

شطح شوق عارفانت ، شطّ شور

پیش اهل فنّ «أسیر» ت را «جلال»

شوق «مشتاقت» چو «عاشق» بی زوال

ص: ۶۴۵

حَظَّ وافر می دهد شعر «حزین»

شور در شعری نشاید بیش از این

چون «شفائی» آن حکیم بی قرین

خوش سخن ، شیرین زبان ، شور آفرین

فکر رنگین «صفائی» چون «طیب»

طبع «پژمانت» گل آور چون «شکیب»

شورها در نعره «عمّان» تست

دشت گل پرورده «دهقان» تست

عشق ، در شعر دل انگیز «نشاط»

و نشئه در «گلزار» گلریز «نشاط»

قدر «زرگر» را شناسد گوهری

آنکه طبعش کرده ، گوهر پروری

در کلام «فایضت» فیض سحر

سطر رنگینش پر از عطر اثر

در سخن ، طرز «بصیرت» دلپذیر

قطعه هایش ، قطعه های بی نظیر

بی دلانت همچو «شیدا»، مست راز

چون سحر در بزم سوز ، آئینه ساز

در ضمیر «سالمت» ، ذوق سلیم

عطر تضمینش ، چو گلبوی نسیم

دُر فشان « دریا » و « موجت » چون « صغیر »

شهر من ای تر زبانانت « شهیر »

ص: ۶۴۶

لطف خاصی در غزل‌های «پناه»

دشت یاسی پرورد چون نور ماه

عشق می جوشد ز گفتار «متین»

خیزدش «مستی»، ز شعر دلنشین

بلبلانت را «نوا» پرشور باد

از «سرورت» عالمی «سرور» باد

«قدسی» روشن ضمیر، آن پیر دیر

می کند اندیشه اش در اوج، سیر

خسرو اقلیم معنی «خسروی»

شاهکارش، هم غزل هم مثنوی

«صاعدت»، برقله آزادگی

می کند تا پای جان استادگی

باغ طبع «معرفت» پر شبنم است

سینه «جمشیدیت»، جام جم است

تازه گوئی‌ها، که فنّ شاعر است

از سخنهای «مظاهر»، ظاهر است

شعر والای «پریشت» گوهر است

آنکه رای وی و رای باور است

ساختار شعر پرمغز «سخا»

گویدت از گفته نغز سخا

وادی سرسبز راه « راهی » است

آنکه شعرش یک بهار آگاهی است

ص: ۶۴۷

روشنانت چون « کیانی » نکته دان

« خاکیانته » برتر از افلاکیان

رهرو دشت سخن ، « پویای » راز

آنکه دارد پیش رو راه « فراز »

« آتشی » دارد ، زبانی آتشین

شعر او ، شیرین و گرم و دلنشین

هر که را با دل چو « آیت » خلوتی است

فکر سبزش از بهاران آیتی است

« خدمت » ، آن خادم اندیشه ها

می دواند نشئه در گلریشه ها

لاله های راز در « هامون » تُست

یک بیابان شوق در « مجنون » تُست

گفته « فرهاد » ، شیرین چون شکر

تیشه اندیشه اش ، تیغ سحر

صد چمن گل کرده فریاد « فرید »

آنکه رنگین شعر پرشور آفرید

تازگی پیداست در شعر « شفیق »

دیده اش باریک بین ، فکرش دقیق

« قدسی » آئینه دل ، چون قدسیان

ذکر حقش در سخن ، ورد زبان



« آذرخشت » خرمی از آتش است

خوشه های تازه شعرش خوش است

ص: ۶۴۸

« واصفت » سرمست از اوصاف دوست

روز و شب ، ورد زبانش ذکر اوست

« نرگست » سرمست در باغ سخن

برگ رنگینش ، بهار انجمن

« بختیاری » چشمه جوشان شعر

طبع او پرشور از طوفان شعر

نوجوانان چون « وطن خواه » و « امید »

رایشان روشن تر از صبح سپید

در تو صدها شاعر نازک خیال

بی نظیر و ، بی بدیل و ، بی مثال

\*\*\*

عقل ، محو عارفان کاملت

آسمان شرمنده آب و گلت

یک سحر اشراق در صحرای تو

« بوعلی ها » پرورد ، سینای تو

حوزه علمیه ات ، دریای علم

مردم دریادلت ، جویای علم

عالمانت ، جمله در عالم علم

همچو کوهت ، سالکان ثابت قدم

عالمانت ، هم معاصر ، هم قدیم

جمله چون « خوانساری » (۱) آن مرد حکیم

ص: ۶۴۹

---

۱- منظور، حکیم محقق و نامدار، آقا حسین خوانساری، می باشد.

« ابن عَبَّاد » آن حکیم فاضلت

عارف ربّانی صاحب دلت

« بو نُعَیم » آن حافظ صاحب فنون

عارف دریا دلِ طوفان درون

خاکت از « شیخ بهائی » پربها

صفحه ات رنگین ز خطّ «میر»<sup>(۱)</sup>ها

« تستری »<sup>(۲)</sup> ألحق ، محقق در علوم

واقف رازت ، مدقق در علوم

نام والای « رفیعیات » رفیع

صد رخت در صدر و، « صدرایت » رفیع

مرد حق علامه دین « مجلسی » است

آنکه در دانش چو او کمتر کسی است

شیخ « بحرانی »<sup>(۳)</sup> بود بحر العلوم

« فاضل هندی » است از این مرز و بوم

مجتهد « رازی »، « عریضی »، « عاملی »

پیر دیر و ، پیرو راه علی

« خان قشقائی » گل روی سبد

شد « جهانگیر » آنکه نامش تا ابد

ص: ۶۵۰

۲- مقصود ، ملاً عبد الله تستری ، استاد و سرپرست بزرگ مدرسة عبد الله می باشد.

۳- مقصود ، ملاً عبد الله بحرانی اصفهانی ، از شاگردان برجسته علامه مجلسی و صاحب کتاب عظیم الشأن عوالم العلوم ، می باشد.

آنکه آید کم، قرینش در قرون

آنکه بودش دانش و بینش، فزون

همچو دریا، پاک عنصر « درچه ای »

دُر چه گویم؟ برتر از دُر، درچه ای

« نوری » روشن ضمیر از سوز عشق

چون « مدرّس » بود درس آموز عشق

« تویسرکانی » به تاکستان راز

باده نوش نور، چون مستان راز

« کاشی » و « کلباسی » و « کرمائیت »

عارفان کامل ربّانیت

بس ز «بید آبادی» و «آباده ای»

دادِ دین و ، دادِ دانش داده ای

گل کند پیوسته در این سرزمین

اجتهاد بانوانی چون [\(۱\)](#) امین

«ابطحی» در عصر ما دانش پژوه

آسمان سبز فکرش پرشکوه

\*\*\*

پر ز گل دشت شقایق پوش تو

رازها در سینّه پر جوش تو

کوچه سارت کوچّه سرخ بهار

---

۱- مقصود ، مجتهدۀ عالی مقام ، حاجیه خانم امین ( صاحب تالیفات بسیار ) می باشد

زنده رودت سر به سر ، آذین پُل

حلقه پل ، حلقه رنگین گُل

\*\*\*

موج زن ، از صولت سیلت ، صلات

کرده گُل ، صوت قنوت ، از قنات

چشمه سارانت ، زبان ذکر حق

خط موجت ، ترجمان ذکر حق

شهر ایمان ، شهر آئین ، شهر دین

مردم حق باورت ، أهل یقین

\*\*\*

جانفزا صحرا ، ز صوت سِهره ات (۱)

یک سحر گُل ، جلوه گر از چهره ات

جلوه ات چون فرودین ، در چار فصل

چارباغت دلنشین ، در چار فصل

تا که در سیر است چرخ روزگار

تا که در گردش بود لیل و نهار

تا که باشد جلوه گر خورشید و ماه

تا ز چشم و سینه جوشد اشک و آه

ص: ۶۵۲



تا که روید سبزه و گل در چمن  
تا بهار عشق خیزد از سخن  
شهر پاکان ، عرصه آزادگان  
اصفهان ، ای اصفهان ، ای اصفهان  
دورمانی ، دور دور ، از هر گزند  
چون ستیغ کوه ، باشی سربلند  
مردمت را لطف یزدان یار باد  
ساغر پرفیضشان سرشار باد  
خاک پاکت ، تاقیامت سبز سبز  
خاطرت ، چون طبع ( صحت ) ، سبز سبز  
خوشه های نور از گلدسته هایت چیدنی است  
در طنین کاشی آبی ، فروغت دیدنی است  
نزد من زیباتر است از بوی جوی مولیان  
چون تراود از تن گلدسته ها عطر اذان  
تا سحر نام تو را بر تارک گلدسته گفت  
در سکوت سنگها یک باغ اسلیمی شکفت

اصفهان ای شهر گل

پُر گلی چون خاطر روشندان ، ای شهر گل

میزنی موج از صفا، ها، اصفهان ، ای شهر گل

چون دیار گرم مهری تا ابد ای خاک پاک

چون بهار شهر نوری جاودان ، ای شهر گل

جادو گلپوش نوری ، کهکشان گرد رخت

در دلت خورشیدها داری نمان ، ای شهر گل

شوق را آئینه داری چون زلال اشک ما

چشمها باشد به دامانت روان ای شهر گل

بی پناهان را دهی در سایه پوش گل ، پناه

بهر مرغان بهاری آشیان ، ای شهر گل

در کنارت چشمه زمزم بود یازنده رود

یا که داری شط نوری در میان ، ای شهر گل

بی سبب اهل جهان ، نصف جهان خوانده اند

بلکه دارد جلوه در نصفت ، جهان ، ای شهر گل

افکنی تا فرش گل در راه بی برگ و نوا

برگ گل ریزی به ره ، چون پرنیان ، ای شهر گل

تا دل غم دیدگان را خالی از غمها کنی  
روح بخشی ، چون بهاری بی خزان ، ای شهر گل  
سینه پر نور پاکانی ، سحر را جلوه ای  
همچو خورشیدی به زیر آسمان ، ای شهر گل  
کهکشانشانها مُشْتِ گَزْد از خاک صحرای تواند  
خاکیانت برتر از افلاکیان ، ای شهر گل  
از هنر نامت به خط نورها شد نقش عرش  
چون تو کو ، گردون نشین ، گردون نشان ، ای شهر گل  
خرّمی ، خوبی ، خوشی ، خاصی ، چو بزم أهل دل  
ای گلستان ، ای بهار ، ای بوستان ، ای شهر گل  
سبزه هایت مخمل سبزند چون فرش حریر  
برگ گلهایت چو بال طوطیان ، ای شهر گل  
منزل گلپوش مطلب ، در دیار سبز تُست  
هست در هر کوچه ات صد کاروان ، ای شهر گل  
باد را از گرد خالی ساز و ، کن لبریز عطر  
بی نصیبان را به مطلبها رسان ، ای شهر گل  
زخمها را التیام از پنبه مهتاب تُست  
نوشداروی دل ای دار الأمان ، ای شهر گل  
بر سر دیوانگانت ، جای سنگ و اینجا زنند  
یاس ، نرگس ، لاله ، نسرین ، ارغوان ، ای شهر گل

چون تو باغی نیست در آفاق ، ای باغ بهشت

چون تو شهری نیست در این خاکدان ، ای شهر گل

ص: ۶۵۵

دشتهایت چون فلک آئینه پوش از چشمه ها  
کوههای جمله چون رنگین کمان ، ای شهر گل  
رقص موج آبهایت ، لرزش بال پری  
حلقه گلهاست یا پلها عیان ، ای شهر گل  
سر به سر پوشیده صحرای وجود از موج خار  
چون تو کی بی خار و خس گردد جهان ، ای شهر گل  
بزم شور و ، بزم شوقی ، بزم عشق و بزم انس  
شهر گل ، ای شهر شعر و شاعران ، ای شهر گل  
در دل ما تا ابد مهر تو بس باشد ، چه غم  
آسمان گر نیست با ما مهربان ، ای شهر گل  
مصر یوسف سیرتانی ، ای بنایت حصن حُسن  
خواهت در اوج عزّت ، همچنان ، ای شهر گل  
نغمه رنگین مرغانت ، زداید زنگ دل  
تانگردد سینه ای گرم فغان ، ای شهر گل  
همچو فکر ما، بهارت سبز باد ای سبزه زار  
همچو طبع ما، نسیمت گل فشان ، ای شهر گل  
چون تو آیم هر نفس از شهر رنگین بهار  
چون تو دارم خرمن گل ارغوان ، ای شهر گل  
دفتر ما چون سبد تالاب ، ز نامت پر گل است  
هر دم از وصف شود پر گل ، دهان ، ای شهر گل

خاطر (صحت) ز شوقت شاخه گل گشته است

اصفهان ، ای شهر زیبا، اصفهان ، ای شهر گل

ص: ۶۵۶

اصفهان ، مهد ذوق و عقل و هنر و صفا

باشکوه و دلربائی اصفهان

یک جهان لطف و صفائی اصفهان

چار فصلت شهره باشد در جهان

شهر خوش آب و هوائی اصفهان

زنده رودت نغمه ساز زندگی است

نای هستی را نوائی اصفهان

مردمانت سخت کوش و هوشمند

ملک ذوق و عقل و رائی اصفهان

شهر شعر و شاعران شهره ای

در ادب صاحب لوائی اصفهان

با کهن تاریخ مسجد جامع

جامع تاریخ مائی اصفهان

هر بنایت یادگار دوره ایست

نقش دوران را بنائی اصفهان

با بناهایی عظیم و باشکوه

فرّ ایران را نمائی اصفهان

گر چه ایران سرزمین جلوه هاست

جلوه گاه جلوه هائی اصفهان

چون ( عطوفی ) هر که دیدت یک نظر

گفت یک دنیا صفائی اصفهان

ص: ۶۵۷



درود بر اصفهان ، سلام بر زاینده رود

فصل بهار و ساحل زیبای زنده رود

برخیز تا به شادی و همراهی سرود

گردش کنیم باز در اطراف اصفهان

لذت بریم نیز ، به گلگشت زنده رود

یادش بخیر دور جوانی ، که روز و شب

همگام ما، هماره نشاط و سرور بود

پیرانه سر، به یاد جوانی فتاده ام

خواهم زبان ، به وصف عروس جهان گشود

برخیز و عزم ساحل زاینده رود کن

گاه قیام گشت ، نباشد گه قعود

در صبحدم که نغمه جان پرور آذان

زنگار غم ز سینه صاحب‌دلان زدود

در لحظه ای که دختر گلچهر آفتاب

از کوهسار دیده بدین بوستان گشود

در هر کجا رویم ، گلستان و بوستان

از این نسیم خلد وزد ، زان شمیم عود

روضات خلد ، روی زمین گشته آشکار

تسنیم و کوثر است ، که جاریست این حدود

جَنّت وجود یافت خدا یا در اصفهان؟

یا جَنّت است بافت در آن؟ اصفهان وجود

ص: ۶۵۸

جاریست در سراسر آن آب زندگی

زین فیضِ مستدام بود مأمن خلود

فراش روزگار چه فرشی فکنده است

علم و هنر گرفته در آن ، نقشِ تار و پود

« نقش جهان » و « مسجد آدینه » را نگر

چشم بشر ندیده چنین دُرّ نابسود

بس گنبد کبود که در جای جای اوست

مانند آن نشان ندهد گنبد کبود

بس باغ و بوستان و بناهای دیدنی

مجموعه ای که حیرت بینندگان فرود

صدها اَدیب و شاعر و نقّاش نامدار

مردان باهنر ، که فلک نامشان ستود

مانند اصفهان به جهان کس ندیده است

در شأنِ نوعروس جهان ، همسری نبود

اینجا بهشت روی زمین است ( عندلیب )

« گویی بهشت آمده از آسمان فرود »

یارب نگاه دار سپاهان ، زهر گزند

از چشم زخمِ دشمن و ، بدخواهی حسود

بر زنده رود ، آب بقا ، بی عدد سلام

بر خاک پاکِ نصف جهان ، بیکران درود

در اختلاف دال ، مرا اعتقاد نیست

در این قصیده ، قافیه آمد سرود و عود

ص: ۶۵۹

اصفهان و جلوه های کمال

شهر من ای شهر صفاهان ، شهر گلها

شهر عبیر افشان ترین گلهای دنیا

چشم هنر ، مفتون کاشی کاری تُست

اعجازها در صنعت معماری تُست

از سبز فکران سخنران ، سبزه زاری

از چلچراغ روشنان ، روشن دیاری

زاینده رودت ، زمزم آرامش روح

موسیقی آبش ، بلوغ رامش روح

در چارباغت ، هشت جنت شادمانی است

گلفرش شادابش ، حریر مهربانی است

نقش جهانت ، در هنر ، نقش آفرین است

نقشی سزاوار هزاران آفرین است

مساجد زیبا با جلوات عرشی

در «مسجد شاهت» (۱) ، شهود غیب کردم

با دلستان گفت و شنود غیب کردم

ص: ۶۶۰

بر سجده چون سر در شبستانش نهادم

حاجت گرفتم ، بر کف آوردم مرادم

سنگ نگارستان چین ، معماری آن

گیتی ندارد نقش کاشی کاری آن

در « گنبد شیخت » شکوه عرش دیدم

بانگ هُوَ الْحَيُّ الْحَمِيدُ ، از آن شنیدم

معماریش ، چون کاسه گردون ، فریاست

گوئی که آن جام جهان بین جم ، آنجاست

حیران به «مسجد جامع» چشم نظاره

آنجا سری در اوجها دارد مناره

گلدسته هایش ، هودج پرواز انسان

در مشتمل محرابش کلید راز عرفان

در خاتم مسجد ، نگینی همچو پروین

رخشان مزار «مجلسی» ، علامه دین

علامه ای آئین نگهدار و محقق

باشد «بحار» او دو صد بحر از حقایق

فانوس فقه جعفری ، کنز روایات

مصدق نور محض ، مفتاح مهمات

این چلچراغ علم را ایزد بر فروخت

هر کس از او رخ تافت ، حرمان خرمنش سوخت

در گوشه ای زان بقعه ، مردی گشته مدفون

دیوان شعرش ، چشمه جوشان مضمون

ص: ۶۶۱

آن شاعر شیرین سخن ، «میر جهانی» است

«حیران» روی یار و، دریای معانی است

آن عارف فحل و فقیه باکرامت

دارد به دار القدس سبحانی ، اقامت

آنجا کمی پائین تر از آن قدس درگاه

باشد مزار «صافی» ، آن مرد دل آگاه

صافی ، فقیه و عارفی روشن روان بود

بیزار ، از آوازه و نام و نشان بود

از تربت پاکش ، شمیم عشق خیزد

عطر بهشتی ، زان حریم عشق ، خیزد

هرگاه سایم جبهه بر آن مدفن پاک

روح کند از خاک ، سیری سوی أفلاك

\*\*\*

هر گه قدم در « مسجد سید » گذارم

گیرد به کف شوق عبادت ، اختیارم

گیرم ضریح « حجّه الإسلام » در بر

زان آستان بویم ، شمیم روح پرور

آنجا بلند ایوانی از عرش کریم است

یک غرفه از گلزار جنّات النّعیم است

بر سنگ فرش مسجد از شوق عبادت



فوج ملک ، بنہادہ زانوی ارادت

ص: ۶۶۲

ای در پی خوبان روان گردیده هر سو  
از « حجت الإسلام شفتی » ، خوبتر کو ؟  
آن عارف آگاه دل ، صاحب کرامت  
عالم ، محدث ، مجتهد ، أهل درایت

\*\*\*\*

مسجد حکیم ایوانی از افلاک نور است  
آنجا عبادتگاه عشاق ظهور است  
در غرفه های این مصلاّی مناجات  
طلاب دین سرگرم تعلیم روایات  
در شرق مسجد ، بقعه ای از جوهر نور  
« کلباسی » آنجا خفته خوش در بستر نور  
آن زاهد شب زنده دار ، آن مرد تقوی  
آن اسوه پاکى ، خلوص ، آن أهل معنی  
مدرسه های علمیه ، مدرس فقه و حکمت و تفسیر و...

مدرسه هایت مَدْرَسِ دَرَسِ فِقَاهَت  
رایج در آن تدریس ، تفسیر است و حکمت  
« مدرسه صدر » و « امام صادق » (۱)

آوازه رفته ، تافراسوی ثریا

ص: ۶۶۳

آنجا اُدیبان ، عالمانی ذی فنونند

هر یک بنای کاخ حکمت را ستونند

«خواجه» و «جده» ، « ذوالفقارت » (۱) گلشن علم

زانها فروزان چلچراغ روشن علم

داری به « نیم آورد » صدها عالم دین

آئین نگهبانند و ، حق خواهند و ، حق بین

در جای جای ، مکتب تدریس قرآن

مهد هزاران قاری خوش خوان ، خوش الحان

از بس شود قرآن در اقلیمت تلاوت

جاریست موج رحمت ، آیات طراوت

حوزه علمیه و چهره های درخشان علم و معنویت

ای اصفهان ، ای شهر من ، ای شهر جاوید

ای دامت پر جلوه از انوار توحید

ای حوزه علمیه ات ، علامه پرور

صدها چو « ریزی » ، « درچه ای » پرورده در بر

أهل حدیث و فقه و تفسیر و روایت

عالم ، محقق ، مجتهد ، أهل درایت

تعداد این آئین مداران ، چون ستاره

هرگز به آسانی نباید در شماره

۱- مقصود ، مدرسه صدر خواجه ، و مدرسه جدّه ، و مدرسه ذوالفقار است.

ای اصفهان ، در خود بسی اوتاد داری  
صاحب‌دلی چون « صاحب عبّاد » داری  
در عهد صاحب منصبی ، بس رنجها برد  
در راه ترویج شریعت ، خون دل خورد  
در محفل درس ، آن ادیب نکته پرور  
می ریخت گوهر ، از دهان در مدح حیدر  
دیوان شعرش در مدیح بوتراب است  
در وصف آن مولا ، شه مالک رقاب است  
در شیشه جان ، عطر مهر مصطفی داشت  
نقش نگین دل ، ولای مرتضی داشت  
أول قدم در فتح باب حوزه ، بنهاد  
در شهر ما ، رونق به علم و دین حق داد  
از عالمان ذی فنون ، « شیخ بهائی » است  
مردی که اعجاز کمالاتش ، خدائی است  
علامه ای استاد در فقه و فقاہت  
در درس تفسیر و ریاضی ، علم هیئت  
در علم جبر و هندسه ، جفر و طلسمات  
آید به دوران مثل او ؟ هیئات ، هیئات  
در رمل و اسطرلاب هم ، کشف اسرار  
در شاعری هم ، صاحب ذوقی است سرشار

دانش ز «میر فندرسک» ، آذین و فریافت

فخری دگر ، زان نکته دان نامور یافت

ص: ۶۶۵

این عالم فحل فقیه باکرامت  
بر طالبان آموخت ، عمری درس حکمت  
فرو فروغ برج بینش زین حکیم است  
مام زمان ، ز آوردن چون او ، عقیم است  
آوازه این فیلسوف اصفهانی  
پیچیده در تالار حکمت ، جاودانی  
میر زمان ، فخر فضیلت ، « میرداماد »  
میر معاریف جهان ، در حکمت استاد  
نجم النجوم برج اختر جوش حکمت  
دیگر چو او کی پرورد آغوش حکمت  
در فیلسوفان ، بوعلی سینای ثانی  
در عارفان ، بحر گهرزای معانی  
هر جا که دوران ، از حکیمان بزم چیند  
در صدر آن ، « صدرای شیرازی » نشیند  
تفسیر او ، دروازه شهر شهود است  
مفتاح الهامات فیاض وجود است  
در کاروان فیلسوفان ، پیشوا اوست  
در بحر طوفان خیز حکمت ، ناخدا اوست  
در معرفت ، أسفار آن مرد حق آگاه  
سیر الی الله است و ، فی الله است و ، بالله

هرجا سخن از سرّ هستی در میان است

« ملاعلی نوری » آنجا راز دان است

ص: ۶۶۶



آن عالم عارف ، حکیمی فیلسوف است  
در برج حکمت ، آفتابی بی کسوف است  
بی « فاضل هندی » فضیلت ناتمام است  
تألیف او در فقه دین ، « کشف اللثام » است  
أرباب علم ، اعجوبه الدهرش بخوانند  
گنج گهر ، در علم تفسیرش بدانند  
هر جا سخن از اجتهاد و فقه و دین است  
« روضاتی » آنجا چون « جزی » مسند نشین است  
« آباده ای » کشف أسرار حقایق  
غوّاص بحر دانش ، استادی محقق  
« کاشی » حکیم باکرامت ، فحل دوران  
بحر فقاہت ، منبع تفسیر قرآن  
استاد در علم الحدیث ، أهل روایت  
تفسیر گویی بی نظیر ، أهل درایت  
« قشقائی » آن صیت کمالاتش « جهانگیر »  
گنجینه عرفان و حکمت ، فقه و تفسیر  
نام « مدرّس » آن ابر مرد سیاست  
خورشید رخشا نیست ، در برج قداست  
بیدار دل مردی ، که بی پروا چو خورشید  
در عصر بیداد رضاخانی ، درخشید

بنگر توانمندی آن مرد الهی

یکدم نشد تسلیم استبداد شاهی

ص: ۶۶۷

« بانو آمین » آن گوهر دریای عرفان

عالم به فقه و حکمت و تفسیر قرآن

در « چل حدیثش » هست اسرار سماوات

« سیر و سلوکش » می دهد سیر مقامات

چرخ ادب را اختر رخشان ، «همائی» است

در نغمه سنجان ، بلبل دستان ، «همائی» است

در شاعری ، نازک خیال و نکته پرداز

در خلوت رندان عاشق ، محرم راز

تخت فولاد ، مزار اولیاء و علماء و شهداء

شهر من ای شهر پرستوهای عاشق

شهر شهیدان ، شهر گل‌های شقایق

بر تخت فولادت نگاه افکندم از دل

رفتم چو عاشق ، هر طرف منزل به منزل

آنجا، مزار پاک مردان خدائست

گلگشت خاکش ، جلوه گاه کبریائست

از سنگفرش کهکشانش درگاه این خاک

نور حقیقت می رود تا بام أفلاک

عطر جنان دارد گلستان شهیدان

از لاله لبریز است ، این گلزار رضوان

گلزار اینار آفرینان نبرد است

آرامگاه بهترین مردان مرد است

ص: ۶۶۸

آنجا هزاران گوهر نایاب عشقند  
در ملک باور ، مهر عالمتاب عشقند  
آنجا شقایق زار مردان جنون است  
در هر قدم ، صدها شهید از نسل خون است  
بگذشته از نامان و ، غرق بی نشانی  
گلپاده نوشان از سبوی جاودانی  
ایوان « شمس آبادی » ، اورنگ سپهر است  
از گنبدش رخشان ، فروغ ماه و مهر است  
اول شهید عصر حاضر در ره حق  
مردی که عمری ، علم و دین را داد رونق  
بر گلشن سبز ولایت ، باب توحید  
با خون سرخش رنگ و آبی تازه بخشید

\*\*\*

ای دل اگر خواهان وجد و شور و حالی  
از صدق روکن ، بر مزار « بوالمعالی »  
مردی حکیم از زمرة روشن ضمیران  
در زهد و تقوا ، در شمار بی نظیران  
بوی گل از قبر « محمد صادق » (۱) آید  
دیدار آن زنگ ملال از دل زداید  
نام محمد صادق ، آن انسان واصل

در جان عشاق حقیقت ، کرده منزل

ص: ۶۶۹

---

۱- مقصود ، راهنما و مرّبی حاج شیخ حسنعلی اصفهانی است.

مردی که می از ساغر توحید نوشید  
بی ادعا، در هفت شهر عشق گردید  
در خلوت عرفانیان ، شمع شهود است  
نامش به لب ، زیباترین شعر و سرود است  
چون نام « بید آبادی » آید بر زبانم  
گویی ز شوقش پرکشد از تن روانم  
آن مقتدای اهل بیتش ، پیر کامل  
مفتاح مُعضل ها، کلید حلّ مشکل  
در گوشه ای از بقعه اش مدفون « مفید » است  
مردی که در علم و عمل ، فحلی فرید است  
بیرون بقعه ، « میرمعصوم » آرمیده  
مردی که روحش پر به علّیین کشیده  
بر مدفن « خونساری » از دل هر که رو کرد  
در بارگاه قدس ، کسب آبرو کرد  
مرحوم «خونساری» ، جمال العارفين است  
چون « خواجهائی » در زمرهٔ اهل یقین است  
اصفهان مدفن امامزادگان والامقام  
ای شهر من ، ای روضهٔ گلهای صدپر  
ای مدفن اولاد امجاد پیمبر  
تو در بغل « شهزاده ابراهیم » داری

شهاده های واجب التّعظیم داری

ص: ۶۷۰



اینها همه نوباوگان مصطفایند

از نسل زهرا علیها السلام وعلیّ علیه السلام مرتضایند

دُرّجی تو و، این حق مداران ، گوهر تو

چون جان گرامی ، چون روان در پیکر تو

شهزاده « اسحق » و « حسن » ، « سیّد محمّد »

شهزاده « باقر » ، « زینب » ، « اسماعیل » و « أحمد »

دیگر « أبو العباس » تو، از نسل عبّاس

می گردد از آن عیسوی دم ، تازه أنفاس

آنجا ، فقیه آل عصمت آریده

آنجا « امامی » ذخراّت آریده

آن رهرو راه خدا ، رهپوی مولا علیه السلام

صاحبدلی والاتبار از نسل زهرا علیها السلام

آن یگه تاز عرصه و عظم و خطابت

در حوزه بود استاد تدریس فقاہت

یک عمر پرچمدار ایمان و شرف بود

ترویج قرآن ، نشر احکامش هدف بود

اصفهان پایگاه ایمان و ولایت و شهر شور و شوق

أهل البيت عليهم السلام

شهر من ، ای اقلیم مردان سلحشور

ای خطه حق پیروان ، ای مأمن نور

با مردمانت تار و پودم خورده پیوند

همشهریانی یکدل و خوب و برومند

ص: ۶۷۱

همشهریانی حق پرستان ، حق شعاران

در راه تنظیم شعائر ، جان نثاران

همشهریانی ، رهروان راه فطرت

تا پای جان ، فرمانبر قرآن و عترت

همشهریانی شهرهٔ ایمان در آفاق

با « چارده خورشید عصمت » بسته میثاق

دل بر رسول صلی الله علیه و آله ، آن کعبهٔ آمال داده

دست تولّاً برعلی و آل علیهم السلام داده

شوق ولایت ، شور بخش سینه هاشان

جای علی علیه السلام باشد ، دل بی کینه هاشان

عهد أَلستی باعلی و آل علیهم السلام بسته

از غیر عترت ، رشتۀ الفت گسسته

یک چاه غربت ، راز دار بو ترابند

در راه عشقش ، تا به جان ، پا در رکابند

احیاگران رسم سرخ سو گواری

در سوک زهرا علیها السلام ، بی قرار از داغداری

بنیان گذاران عزای فاطمیه علیها السلام

دلهایشان ماتم سرای فاطمیه علیها السلام

در تکیه های قلبشان مأوای مولاست

غربت سرای حضرت امّ ابیهاست

دلهايشان خلوتگه نور خدائي

از جانسان سرشار ، شور كربلائي

ص: ٦٧٢

در خویش از این غم، نینواها ناله دارند

در سینه ها ، داغ هزاران ساله دارند

دشت جگرهاشان ، عطش جوش حسین علیه السلام است

محراب دلهاشان ، عزاپوش حسین علیه السلام است

گر دیگران ، ماه محرم سوگوارند

اینان شب و روز ، این علم بر دوش دارند

اینان ، مسلمانانِ سلمان دودمانند

سلمانُ منّا أهل بیتِ این زمانند

سلمان ، که پا، جا پای آل الله بگذاشت

در سینه از مولا ، نشان عاشقی داشت

این حق پرستان ، رد پای سبز اویند

در معرفت ، دُردی کشان آن سبویند

چشم انتظار مهدی علیه السلام موعود عشقند

خونین دلان هجر آن معبود عشقند

تا در جهان شور و نوای عشق جاریست

در روزگاران ، تاصفای عشق جاریست

تا آفتاب ، آئینه دار نه سپهر است

تا عالم آرائی ، به دست ماه و مهر است

تا هست سرشار از تجلی ، جام خورشید

جاوید مان ، ای شهر من ، جاوید، جاوید

چون طبع (قدسی)، گلشنی باشی شکوفا

چون زنده رودِ ذوق او، مانی گوارا

ص: ۶۷۳

## آقای محمد قهرمان ( از مشهد مقدس )

نقش جهان ، در آینه اصفهان

نقش جهان در آینه اصفهان بین

نصف جهان رها کن و نصف جهان بین

ای در وطن غریب ، سفر کن ز شهر خویش

صد آشنا به بوم و بر اصفهان بین

توفیق شد رفیق و سعادت دلیل راه

امداد بخت و ، مرحمت آسمان بین

ای مرغ خسته پر ، که سرت زیر بال ماند

در فصل گل ، شکفتگی بوستان بین

بگشای چشم دل به تماشای زنده رود

آب بقا به چشمه حیوان ، روان بین

جان تازه کن ز خنده دندان نمای پل

در ماه تیر ، جلو رنگین کمان بین

باغی که بود تکیه «صائب» نظاره کن

خالی ز مرغ نعمه سر آشیان بین

در گوشه ای نه در خور قدر بلند او

آرامگاه شاعر شیرین زبان بین

با چشم دل به تربت پاکش نظر فکن

گنجی که مانده است به گنجی نمان بین





گمنام اگرچه ماند به ایران دو‌یست سال

امروز نام او همه جا در میان بین

از شعر نغز او نتوان سرسری گذشت

رنگینی معانی و سحر بیان بین

همّت بخواه ای دل از آن طبع تابناک

شعر شکسته بسته خود را روان بین

چون گلشنی است مُلک سپاهان و مردمش

افرشتگان آمده از آسمان فرود

چون خیمه ایست کشور ایران فراشته

وین خیمه فراشته را اصفهان عمود

دنیا اگر چه جای بقا و خلود نیست

بنگر به اصفهان و صفا را در آن خلود

بشنو کنون ز نای من آوای اصفهان

تا بشکفی چو غنچه از این دلنشین سرود

وین جا نفزاترانه بر آری زلب چومن

جان جهان نبود اگر اصفهان نبود

اصفهان

گر بگذری به خطّه زیبای اصفهان  
مست کند هوای دل آرای اصفهان  
پیچیده است بوی گل و عطر یاسمن  
در کوچه باغهای مصفای اصفهان  
همچون دم مسیح ، روانهای مرده را  
احیا کند نسیم فرح زای اصفهان  
خون حیات و زنده دلی آورد به جوش  
در سیر و گشت منظر زیبای اصفهان  
در کام أهل حال نگر زنده رود را  
جاری چو شهد ناب به مینای اصفهان  
از هر طرف سرود بهاران زندگی  
بر گوش جان رسد ز مصلاّی اصفهان  
در فنّ شعر و صنعت و معماری و هنر  
هر گز کسی نیافته ، همتای اصفهان  
فرزانگان شعر و سخن ، رشک می برند  
بر طبع شاعران توانای اصفهان

بر تارک سپهر ادب ، نقش بسته است

نام « صغیر » ، گوهر والای اصفهان

ثبت است شعر « صائب » و نازک خیالیش

در سینه های مردم دانای اصفهان

« مردانی » ، آن ادیب سخن دان نکته سنج

بی جا نگشته واله و شیدای اصفهان

صفحه به صفحه ، دفتر و دیوان شعر او

جانبخش و جانفزاست چو گلهای اصفهان

« قیصر » به یادگار ، تو هم خوش نگاشتی

شور آفرین چکامه غزای اصفهان

این گلستان است یا رب یا بهشت جاودان

یا جهان جان و یا جان جهان یا اصفهان

این عجب کاندلر زمین است و بود رشک فلک

وین عجب کاندلر جهان است و بود بیش از جهان

حبذا شهری که خاکش سر بسر جان لطیف

مرحبا ملکی که آتش جملگی روح روان

محمد کاظم (واله)

اصفهان ، شهر مساجد زیبا، و مهد هنر و هنر آوران

بهشتی که حق در ازل آفرید

بر آن بندگان راست چشم امید

چو نسیه است و نتوانش امروز دید

به زودی بر آن نسیه نتوان رسید

بهشتی گزین نقد در این جهان

بهشت جهان ، خطّه اصفهان

صفاهان بهشتی است به از بهشت

بهشتی است رشک بهشت از سرشت

که در آن دمد گل ، ز هر خار کشت

هنر بارَد اینجا زهر پاره خشت

در اینجا پدید آید از خاک ، زر

زر از خاک و ، از سنگ لعل و گهر

به مژگان سزد خاک این شهر رُفت

کز اینجا هنر جلوه کرد و شکفت

به وصفش چه حاجت به گفت و شنوفت

چه نیکو سرود آنکه این نکته گفت

جهان را اگر اصفهانی نبود

جهان آفرین را جهانی نبود



ز دوران دمی را غنیمت شمار  
قدم نه در این شهر و در این دیار  
به پرداز ، اینجا به گشت و گذار  
به دست آر ، هر چیز آید به کار  
که هر چیز خواهی به دست آوری  
در این شهر ، از عمر لذت ببری  
خرامان خرامان سوی چارباغ  
روان شو که تا یابی از غم فراغ  
ز شادی بر افروز در دل چراغ  
رهی ، تا ز رنج و غم و درد و داغ  
بزن بر لب رود ، نم نم قدم  
بزن آب ، بر آتش درد و غم  
گذر کن سوی رود زاینده رود  
که بر آبروی صفاهان فرود  
از آوای آبش توانی شنود  
هزاران ترانه ، هزاران سرود  
چه موسیقی از آن طرب خیز تر  
چه از این هیاهو دل انگیز تر  
گذر کن به میدان نقش جهان  
که پیداست نقش جهانی در آن

ننازد چرا بر جهان ، اصفهان

جهان را کجا بهتر از این نشان

ص: ۶۷۹

کجا چون صفاهان زفرّ و شکوه  
جهان را به خود خوانده از هر گروه  
سوی «گنبد شیخ» افکن نظر  
ز فیروزه بین گنبدی جلوه گر  
نه تنهاست تاج ، اصفهان را به سر  
که تاجی است شایان ، به فرق هنر  
چه تاجی که چون زد به سر اصفهان  
از این تاج شد تاج فرق جهان  
سوی «مسجد شاه» [\(۱\)](#) بردار گام  
هنر را تماشا کن آنجا تمام  
در و سقف و دالان و دیوار و بام  
همه زُمردین رنگ و فیروزه فام  
چنین نقش زیبا در اینجا که بست  
چه کس را در این نقش بوده است دست  
یکی شاهکار است در آن عیان  
که آن طرح قبله است در این مکان  
نه پی بردن آسان بر آن می توان  
بر آن پی برد فکرت نکته دان  
از بینندگان از هزاران هزار  
یکی می برد پی به این شاهکار



۱- مقصود ، مسجد امام ، واقع در میدان نقش جهان ، می باشد.

به قانون هیئت ، چو در این مطاف

نبودی مَصون قبله از انحراف

همان را نه مشروع بود انعطاف

بجستند راهی درست از خلاف

که آنجا به نیروی فکر قویم

نمودِ مُصَلِّی ، بُودِ مستقیم

ز « عالی قاپو » چون برانم سخن

چه گویم من از این بنای کهن

که توصیف آن نیست در حدّ من

بُود در حدّ اوستادان فن

که آیند و گویند اوصاف آن

ز اوصاف عالی بنای جهان

چو بر « مسجد جامعش » بگذری

هزاران هنر آندر آن بنگری

به طاق مُعلّق اگر پی بری

سرانگشت حیرت به لب آوری

به جیب تفکر ببر سر فرو

ره کشف این راز پنهان بجو

چنین کارگاهی هنر آفرین

نه مسجد ، که عرشی است روی زمین

هنر موج زن از یسار ویمین

به هر سو گشا چشم عبرت ، بین

ص: ۶۸۱

که آن یک از این حیرت آمیزتر  
از این، آن یک إعجاب انگیز تر  
« دو جنبان منارش » شگفت آور است  
نه معجز ، ز معجز بسی برتر است  
کرامت مگو از کرامت بر است  
تو را جنبشش گر که ناباور است  
بگیر اولی را بجنبان ، بین  
که جنبد چه سان ، بی تکان ، دوّمین  
نظیرش توان دید افزون بنا  
همه حیرت انگیز و حیرت فرا  
همه نقش فکر بدیع و رسا  
همه در خور آفرین ، مرحبا  
که گر یک به یک آورم در شمار  
شمارش شود بیشتر از هزار  
هنرهای دستیّ آن بی کران  
که مانده است و ماند به جا جاودان  
قلمدان ، قلمکار سازیّ آن  
هم از گچبریهاش در هر مکان  
از تذهیب و ترصیع و انواع خط  
هزاران هنر ، زین رقم ، زین نمط

به جز اصفهان شهر مینو طراز

کجای جهان راست این امتیاز

ص: ۶۸۲

که هست از هنر در جهان سرفراز

دری از هنر بر جهان کرده باز

هنرمندهایی از آن خاستند

که شهر هنر را بیاراستند

اگرچه هنر نادر و کم بود

هنر آفرین کم به عالم بود

در این شهر ، افزون دمادم بود

هنر ، اصفهان ، این دو توأم بود

به هر جا سخن از هنر می رود

سخن ز اصفهان بیشتر می رود

سزد بیش از این وصف شهر هنر

ستایش فزون ، وصف بی حد و مر

ز اندازه بیرون ز حد بیشتر

که تاجی است زرین جهان را به سر

بدین شهر کان گوهر آرد به بار

سزد آنکه ایران کنر افتخار

ورای هنرهای آن ، شعر آن

که در این هنر هم عنان جهان

دلیم حضور سخن آوران

سخن آوران و سخن پروران

کجا سرزمینی جز این سرزمین

سخن پروری پرورد ، چون (متین)

ص: ۶۸۳

اصفهان ، شهر علم و فضل و هنر

و جهاد و شهادت

یک جهان جانی و ، هم جان جهان ، ای اصفهان

در جهان مانی همواره جاودان ، ای اصفهان

قرنها باشد که تاریخ وطن را زیوری

بلکه باشی زیب تاریخ جهان ، ای اصفهان

گاه گشتی شهره بر ، نصف جهان ، این جان پاک

گه زدی نقش جهان بر لوح جان ، ای اصفهان

باشد از «نقش جهان» یک جهان حسرت به دل

گر کنی افشا تو آن درد نمان ، ای اصفهان

از شرار دل ، زنی آتش دل افلاک را

گر بیاری سوز دل را بر زبان ، ای اصفهان

کی رود از خاطر آن روزی که برپاشد ز کین

از سر پاکان تو ، کوهی گران ، ای اصفهان

مدعی ، قلب عزیزان تو از هم می درید

بهر عبرت پیش چشم میهمان ، ای اصفهان

از منار و مسجد و محراب هایت می رسد

قرنها بر گوش ، آوای آذان ، ای اصفهان



« تخت فولاد » ت چو رضوانست از آیات حق

بس بهشتی آندر او دارد مکان ، ای اصفهان

مهر گردون ، مات روحانیتِ ذیشان توست

کاخترانشان هشته سر بر آستان ، ای اصفهان

خون گلرنگ « مدرّس » آن زعیم پاکدین

خطّ بطلان زد به نقش نامِ خان ، ای اصفهان

محور « زاینده رود » ت چشمه سار زندگی است

باشد از هر گوشه اش کوثر روان ، ای اصفهان

از فداکاری و جانبازیّ سربازان تو

شد زمین مبهوت و ، حیران آسمان ، ای اصفهان

تا بیبارد ابر و ، روید لاله از خاک وطن

تا زند خورشید سر از کهکشان ، ای اصفهان

سرخ رو و ، سر فراز و ، شاد کام و ، استوار

باشکوه و فرّجاویدان بمان ، ای اصفهان

روح می بخشد جهان را بسکه باشد دامت

دلربا و ، دلگشا و ، دلستان ، ای اصفهان

کند از جا سدّ استبداد و کاخ ظلم را

خون پاکان تو ، چون سیل دمان ، ای اصفهان

دامن پاک تو را نازم که پروردی چنین

پاک جانانی دلیر و قهرمان ، ای اصفهان

پیش‌تاز لشکر حقّند فرزندان تو

بهر محو باطل و دفع خَسان ، ای اصفهان

ص: ۶۸۵

شهره در علمند و ، فضل و صنعت و شعر و هنر

مردم خوب تو بین همگان ، ای اصفهان

خود نه تنها اندر این جنگ عظیم کفر و دین

گوی سبقت را ربودی زین میان ، ای اصفهان

تا ابد بر مردمان پاک ایمانت درود

از امام و امت والا نشان ، ای اصفهان

بر شهیدان سرافرازت سلام کردگار

تا به خاکت مهر باشد زرفشان ، ای اصفهان

زین و جیزت ، کلک ( مردانی ) ز کان معرفت

ریخت در پای تو یاس و أرغوان ، ای اصفهان

تا بروید لاله در دامانت از خون شهید

زیبید أر وصف تو بنگارد بنان ، ای اصفهان

مردانی آن ادیب سخندان نکته سنج

بیجا نگشته واله و شیدای اصفهان

صفحه بصفحه دفتر و دیوان شعرا و

جانبخش و جانفزاست چو گلهای اصفهان

قیصر به یادگار تو هم خوش نگاشتی

شور آفرین چکامه غزای اصفهان

## آقای عباس کی منش «مشفق کاشانی»

تجلی علم و ادب و شجاعت و شہامت در اصفہان

اصفہان ای بارہ پروازها

از تو در گوش فلک آوازها

ای کرامت را جهانی ساخته

بر چکاد حق علم افزاخته

بافروغی ہم رکاب آفتاب

همچنان ، بر پهنه گیتی بتاب

در تو بینم تابش خورشید را

جلوہ های روشن امید را

تافلک سرچشمه گلگون توست

در رگ تاریخ ، جاری خون توست

ز آستینت دست حق آمد به در

سرفرازی ، سوده بر پای تو سر

پردہ اندیشه را نقش و نگار

نقش پرداز هنر در روزگار

خاک پاکت توتیای دیدہ هاست

روشنی بخش دل مشتاق ماست

عالمانت را سریر سروری

زیبید و شاید به کار رہبری

پاس ایمان را مسیحائی دمند

در حریم حرمت حق محرمند

ص: ۶۸۷

شاعرانت ، در سخن رشک ملک

فضل را گسترده دامن تا فلک

پاسدارانت چو شیر بیشه ها

این خداجویان و پاک اندیشه ها

مردمانت مردمی را چاره جوی

آب رفته باز آورده به جوی

در ستیغ فتح، بانامرد ها

پهلوان قرن ، در ناوردها

شعله های ایزدی افروخته

خرمن اهریمنی را سوخته

آنکه گفت اینجا بود نصف جهان

خود نمی دانست این راز نهان

کاصفهان ماجهانی دیگر است

دوستان را داستانی دیگر است

تا جهان را اصفهان جان آمده

شامل اَلطاف یزدان آمده

در شهادت شهره ، در دین استوار

در شجاعت بی بدیل و نامدار

دامنت پرورده ابراهیم ها

کوفته پا بر سر دیهیم ها

آتش اینجا شعله ریحانی کند

گل کند گل، تا گل افشانی کند

ص: ۶۸۸

جویبارت رشته ای از سلسبیل

تشنگان وادی حق را دلیل

از فروغ لاله های درد و داغ

دشت در دشت تو روشن از چراغ

موجها ، در موجها زاینده رود

دارد اینک نغمه های رود رود

رود نی ، بحر خروشانست این

شطی از خون شهیدانست این

در دل او قلزمی از خون گذشت

آنچه بر آروند و بر کارون گذشت

موج ایثار از درون آبها

ریخته بر پهنه گردابها

زمزم است این رود ، رشک کوثر است

یعنی این نیل است و موسی پرور است

بحر رحمت را در اینجا ساحل است

کاروان در کاروان جان و دل است

این شهیدانی که اینجا خفته اند

در دل و جان همچو گل بشکفته اند

بیخود از خود ، با خدا بودن خوش است

از تعلق ها رها بودن خوش است



چشم ایران روشن از جان شماست

مهر و مه آئینه گردان شماست

ص: ۶۸۹

ای اصفهان

ای محیط دانش و فرهنگ و علم و حکمت و عرفان

سلام ای اصفهان! ای پرورشگاه هنرمندان

سلام ای شهر تاریخی! سواد اعظم ایران

محیط دانش و فرهنگ و علم و حکمت و عرفان

گرامی دایه برجسته استادان عالیشان

همیشه دایر و معمور باش و امن و آبادان

خوش و سرسبز و خرم ، هم تو مانی ، هم مقیمانت

تو مهد عالمان ، صنعتگران ، نقش آفرینانی

تو کانون نوابغ ، هوشمندان ، نکته سنجانی

تو بر اهل فنون و ابتکار و ذوق ، سامانی

هم ایران افتخار از نام تو دارد هم ایرانی

تو تعظیم و ستایش را سزاواری و شایانی

بناها و عمارتها و مسجدهاست بُرهانت

تو از آغاز ای شهر سپاهی ، محترم بودی

دژ جنگاوران زبده ثابت قدم بودی

عدالتخانه بودی ، ایمن از جور و ستم بودی

همیشه در تمام جنگها صاحب علم بودی

ز قدرت در مهمات جهان چندان اهم بودی

که از انبوهی لشکر ، سپاهان گشت عنوانت

تو شهر راد مردان غیور کشور آرائی

تو گنجی پر گهر ز آثار ممتاز هنرهای

ص: ۶۹۰

ز آرایش ، فرح بخشی و ، منظور نظرهای  
تو محبوبی ، تو مطلوبی ، تو مقبولی ، تو زیبایی  
تو بر نصف جهان ، ای اصفهان ، مشهور دنیائی  
شود پیوسته افزوده مقام و عزّت و شانت  
هنوز آگهدلان ، فرخنده می دانند فالت را  
هنوز از دور می آیند و می پرسند حالت را  
دل از کف دادگان دارند امید وصال را  
مگر بینند طرف زنده رود بی مثال را  
ستایش می کند گیتی ، جمالت را ، کمالت را  
هنوز آید به گوش ، آواز مردان سخندان  
هنوز آراسته است از نقشها ایران و درگاهت  
هنوز از گنبد شیخ است محکم پایه جاهت  
بود از صنع معماران ، جهانی چشم بر راهت  
دل از کف می رباید کلک نقّاشان آگاهت  
هنوز اهل نظر هستند مفتون و هواخواهت  
مگر دست تمناشان ، رسد روزی به دامانت  
همیشه سربلند ، ای اصفهان بادا ، لوای تو  
همیشه روح بخش و جانفزا بادا ، هوای تو  
تو زینت بخش ایران عزیزی ، جان فدای تو  
تو باقی باش ، چون باشد بقای ، من بقای تو

مبادای نواگردی ، که می گوید (نوا) ی تو

بود دست توانای هنرمندان نگهبان

ص: ۶۹۱

بهشتی شایگان

این گلستان است یارب، یا بهشت جاودان

یا جهان جان و، یا جان جهان، یا اصفهان

این عجب، کاندز زمین است و، بود رشک فلک

وین عجب، کاندز جهان است و، بود بیش از جهان

حبذا شهری که خاکش سر به سر، جان لطیف

مرحبا ملکی که آتش جملگی روح روان

نار و نارنج و ترنج و سیب و شفتالو و به

روز و شب اندر درختانش به باغ و بوستان

هر یکی تابنده خورشیدی است در چارم سپهر

هر یکی رخشنده شعرائی ز هشتم آسمان

این بود یارب صفاهان یا سپهر هشتمین

یا بود غیرت فزای قدس، یا رشک جنان

مُضْمَرِ اَنْدَرِ آبِ صَافِش، صَافِ تَسْنِیمِ و مَعینِ

مُدْغَمِ اَنْدَرِ خَاکِ پَاکِش، پَاکِ مَشْکِ و زَعْفَرَانِ

از نسیمش می وزد پیوسته بر جان، بوی دل

وز شمیمش می رسد همواره بر دل، بوی جان

در فضایش، زنده جوید، عیش فردوس برین

وز هوایش، مرده دریابد حیات جاودان

باغهای باصفا و خانه های پرفضاش

هر یکی باغ ارم ، هر یک بهشتی شایگان

ص: ۶۹۲

اصفهان شهر علم و عدل و حکمت و ایمان

شد ز أَلطاف کردگار جهان

غیرت خُلد، خاک اصفهان

در صفاهان بیا اگر خواهی

ره بری سوی روضهٔ رضوان

ننهی تا به خاک او قدمی

نبری ره به چشمهٔ حیوان

آب صافش برد کدورت دل

خاک پاکش زداید اُنْدِهٔ جان

سینه ای نیست اُندرو مجروح

خاطری نیست اُندرو پُژمان

گر به ظلمات هست چشمهٔ خضر

ور بهشت است در فلک پنهان

از ادیبان چو مجلس « صاحب »

وز حکیمان چو کشور یونان

این همه خرّمی در این کشور

این همه خوش دلی در این سامان



باشد از عالمان ربّانی

فلکی پر کواکب رخشان

باشد از عالمان عدل شعار

عالمی در لباس امن و امان

همه در عدل ، نوذر و کسری

همه در زهد، بوذر و سلمان

عالمش ، جمله عالم حق جو

عاملش ، جمله عامل فرمان

نقش الّکاسب حبیب الله

در رُخ خوب تاجرانس بخوان

در دیانت ، وحید فی الأدوار

در امانت ، أمين فی الايمان

گر نور چشم من افزون شود گمان مدار

در دیده خاک راه صفاهان گرفته ام

عمر دوباره یافتم از آب زنده رود

جامی مگر ز چشمه سیوان گرفته ام

ص: ۶۹۴

در این فهرست عمده کتابهایی را که در تألیف این کتاب، مورد بهره برداری قرار گرفته است، نام می‌بریم، و از ذکر بسیاری از کتابهای تاریخی و جغرافیائی و فقهی و ادبی و لغوی و ...، که به مناسبت، و برای روشن شدن یک مطلب، مورد بهره برداری و مراجعه قرار گرفته، پرهیز می‌نمائیم.

القرآن الکریم

نهج البلاغه

الصّحیفه السّجادیّه

آتشکده آذر... آذر بیگدلی

آتشکده اردستان... أبو القاسم رفیعی مهرآبادی

آثار التّقوی (شرح حال آیه الله فقیه أحمد آبادی)... سید محمّد علی روضاتی

آثار الحجّه... شیخ محمّد رازی

آثار ملّی اصفهان... أبو القاسم رفیعی مهرآبادی

آشنائی با حوزه های علمیّه شیعه... میر سید حجّه موحد أبطحی

آل بویه و اوضاع زمان ایشان... علی أصغر فقیهی

إثبات الهداه بالتّصووس و المعجزات... شیخ محمّد بن الحسن، حرّ عاملی

أجود التّقریرات (تقریرات درس مرحوم نائینی)... آیه الله العظمی خوئی

أحسن التقاسيم... محمد بن أحمد مقدسي

أحسن الوديعه... آقا سيد محمد مهدي خوانساري

إحقاق الحق (با تعليقات گسترده آيه الله مرعشي)... قاضي نورالله تستري

إحياء الدّائر (طبقات)... حاج آقا بزرگ طهراني

أخبار الحكماء... علي بن يوسف قفطي

إرشاد المسلمين (شجره نامه سادات مير محمد صادقي)... سيد عبدالله ثقه الإسلام

أرمغان اصفهان... سيد مصلح الدين مهدي

أسد الغابه... عزّ الدين بن الأثير

اصفهان... حسين نور صادقي

اصفهان... دكتور لطف الله هنرفر

اصفهان در شعر شعراء... مجموعه سروده ها ، با مقدمه استاد منوچهر قدسي

اصول كافي... محمد بن يعقوب كليني

أعلام النّساء... عمر رضا كحّاله

أعلام الوري... فضل بن حسن (أمين الإسلام طبرسي)

أعيان الشّيعه... علامه سيد محسن أمين عاملي

إقبال الأعمال... سيد رضي الدين ، بن طاووس حلّي

إكمال الدين و إتمام النّعمه... شيخ صدوق

الإرشاد... شيخ مفيد

الإستيعاب... ابن عبد البر

الإصابة... ابن حجر عسقلاني

الإصفهان... سيد علي جناب

الأعلام... خير الدين زركلي

الأنساب... سمعاني

ص: ٦٩٦

الثقات العيون (طبقات)... حاج آقا بزرگ طهرانى

الجامع الصغير... جلال الدين سيوطى

الحقائق الراهنه (طبقات)... حاج آقا بزرگ طهرانى

الخرائج و الجرائح (با تصحيح و تعليق مؤسسه الإمام المهدي قم)... قطب الدين راوندى

الخصال... شيخ صدوق

الخلاصه... علامه حلى

الذريعة ألى تصانيف الشيعه... حاج آقا بزرگ طهرانى

إلزام الناصب... شيخ على يزدي حائرى

الضياء اللامع (طبقات)... حاج آقا بزرگ طهرانى

الغدير... علامه ، شيخ عبدالحسين أمينى

الفهرست... شيخ طوسى

الفهرست... شيخ منتجب الدين رازى

الفهرست... محمد بن اسحق (ابن التديم)

الفيض القدسى... حاج ميرزا حسين نورى

الكامل فى التاريخ... ابن أثير

الكرام البرره... حاج آقا بزرگ طهرانى

الكنى والألقاب... حاج شيخ عباس (محدث قمى)

المجدى فى أنساب الطالبين... أبو الحسن ، على بن أبى الغنائم علوى عمري

المختارات من الرسائل... تهيه ايرج افشار

المنجد... لويس معلوف اليسوعى

النّابس فى القرن الخامس (طبقات)... حاج آقا بزرگ طهرانى

ألوافى بالوفيات... صلاح الدّين صفدى

أمالى مفيد... شيخ مفيد

ص: ٦٩٧

أمالی طوسی... شیخ طوسی

أمالی صدوق... شیخ صدوق

أمل الأمل... شیخ محمد بن الحسن (الحرّ العاملی)

أنساب خاندان مجلسی... میرزا حیدر علی مجلسی

أنساب خاندانهای مردم نائین... سید عبدالحجّه بلاغی

أنوار نعمایه... سید نعمت الله جزائری

ایران شهر... نشریه بزرگ شماره ۲۲ ملی یونسکو در ایران ، ۱۳۴۲ شمسی

بحار الأنوار... علامه ، ملا محمد باقر مجلسی

برنامه ریزی جامع آموزشی و پژوهشی دانشگاه اصفهان... دانشگاه اصفهان

بستان السیاحه... حاجی زین العابدین شیروانی

بُغیة الوُعاة... جلال الدین سیوطی

بیان المفآخر... سید مصلح الدین مهدوی

تأسیس الشیعه لعلوم الإسلام... آیه الله سید حسن صدر

تاریخ اجتماعی کاشان... حسن نراقی

تاریخ أردکان... علی سپهری أردکانی

تاریخ اصفهان و ری... میرزا حسن خان جابری أنصاری

تاریخ بیهق... علی بن زید بیهقی

تاریخ تشیع اصفهان... شیخ مهدی فقیه ایمانی

تاریخ جدید یزد... أحمد بن حسین بن علی کاتب

تاریخ جرجان... سهمی

تاریخ حزین... حزین لاهیجی

تاریخ شهرضا... مسیح الله جمالی

ص: ۶۹۸



تاریخ طبری... محمد بن جریر طبری

تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر... سید مصلح الدین مهدوی

تاریخ فرهنگ اصفهان... مجتبی ایمانیه

تاریخ قم... محمد حسین ناصر الشریعه

تاریخ کاشان (مرآت القاسان)... عبد الرحیم کلانتر ضرابی

تاریخ مدارس ایران... حسین سلطان زاده

تاریخ یعقوبی... أحمد بن أبی یعقوب اصفهانی

تاریخچه اُبنیه تاریخی اصفهان... نیکزاد امیر حسینی

تاریخچه اوقاف اصفهان... عبدالحسین سپنتا

تاریخچه کتابخانه های ایران و کتابخانه های عمومی... رکن الدین همایونفرخ

تاریخچه محله خواجه... سید مصلح الدین مهدوی

تاریخچه وقف در اسلام... علی اکبر شهابی

تجارب السلف... نخجوانی

تحفه الأبرار (خاتمه)... خاتمه ، به قلم سید مصلح الدین مهدوی

تحفه العالم... میر عبداللطیف خان شوشتری

تذکره الحفاظ... شمس الدین ذهبی

تذکره القبور... مرحوم آخوند گزی

تذکر □ شوشتر... سید عبد الله شوشتری

تذکر □ نصرآبادی... میرزا محمد طاهر نصرآبادی

ترجمه تقویم البلدان... عبدالمحمد آیتی

تعليقات كتاب نقض... محدث أرموى

تفسير تبيان... شيخ طوسى

تقريب التهذيب... ابن حجر عسقلانى

ص: ٦٩٩

تقویم البلدان... أبو الفداء

تلامذه العلامه المجلسی... سید أحمد حسینی

تنقیح المقال... شیخ عبدالله مامقانی

تهذیب الأحكام... شیخ طوسی

تهذیب التّهدیب... ابن حجر عسقلانی

ثواب الأعمال... شیخ صدوق

جامع الأنساب... سید محمد علی روضاتی

جامع الزّواہ... میرزا محمد بن علی أردبیلی

جامع السّعادات... ملا مهدی نراقی

جامع مفیدی... محمد مفید مستوفی بافقی

جزوه میراث فرهنگی (درباره تخت فولاد)... سازمان میراث فرهنگی اصفهان

جزوه کتابخانه ابن مسکویه... نشریه کتابخانه ابن مسکویه

جشن نامه ابن سینا... انتشارات أنجمن آثار ملی

جغرافیای اصفهان... میرزا حسین بن محمد ابراهیم خان تحویلدار اصفهان

جغرافیای کامل ایران... زیر نظر وزارت آموزش و پرورش

خلدبرین (یا تاریخ گویندگان اسلام)... شیخ أحمد بیان الواعظین

دائرة المعارف الإسلامیّه... جمعی از محققان

دائرة المعارف الإسلامیّه الشّیعیّه... زیر نظر سید حسن امین عاملی

دائرة المعارف بزرگ اسلامی... زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی

دائرة المعارف بستانی... بستانی

دائرة المعارف تشیع... گروهی از محققان و نویسندگان

ص: ۷۰۰

دائرة المعارف فارسی... غلامحسین مصاحب

دائرة المعارف فرید و جدی... محمد فرید و جدی

دار العلم شرق (مخطوط)... سید مصلح الدین مهدوی

دانشمندان و بزرگان اصفهان... سید مصلح الدین مهدوی

دانشمندان و سخن سرايان فارس... محمد حسین رکن زاده - آدمیت

دلیل المخطوطات... سید أحمد حسینی

دیباچه دیارنون... یزدانی نجف آبادی

دیوان جمال الدین عبدالرزاق... جمال الدین عبدالرزاق

دیوان طیب (رساله ای در شرح حال طیب اصفهانی)... کیوان سمعی

ذکر اخبار اصفهان... حافظ أبونعیم

راحه الصدور... محمد بن علی بن سلیمان راوندی

راهنمای اصفهان... دکتر لطف الله هنرفر

راهنمای مراکز فرهنگی اصفهان... مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی

رجال اصفهان... مرحوم آخوند گزی و سید مصلح الدین مهدوی

رجال شیخ طوسی... شیخ طوسی

رجال کشی... محمد بن عمر بن عبدالعزیز کشی

رجال نجاشی... أحمد بن علی نجاشی

روضات الجنات... آقا سید محمد باقر خوانساری اصفهانی

روضه المتقین... علامه ، ملا محمد تقی مجلسی

ریاحین الشریعه... شیخ ذبیح الله محلاتی

رياض العلماء... ملا عبدالله أفندي اصفهاني

ريحانه الأدب... ميرزا محمد علي مدرّس تبريزي

ص: ٧٠١

زندگانی آیه الله بروجردی... شیخ علی دوانی

زندگانی آیه الله چهارسوقی... آقا سید محمد علی روضاتی

زندگی و شخصیت شیخ أنصاری... آقا شیخ مرتضی أنصاری

زندگینامه آیه الله فانی... بیت آن بزرگمرد

زندگینامه علامه مجلسی... سید مصلح الدین مهدوی

سپاسگزاری از مردم... نشریه سازمان اوقاف اصفهان

سفرنامه ابن بطوطه... ابن بطوطه

سفرنامه شاردن... شاردن فرانسوی ، ترجمه حسین عریضی

سیر اعلام النبلاء... محمد بن أحمد بن عثمان ذهبی

سیری در تخت فولاد اصفهان... سید مصلح الدین مهدوی

سیمای کاشان... حبیب الله سلمانی آرانی

شجره مبارکه... سید محمد جزائری

شجره نامه سادات ورثه حاج میرباقر خوانساری... خاندان میرباقری

شرح حال آیه الله العظمی غروی کمپانی... آقا شیخ محمد رضا مظفر

شرح فارسی من لایحضره الفقیه... علامه ، ملا محمد تقی مجلسی

شرف النبی صلی الله علیه وآله... أبو سعید خرگوشی

شمس طالعه... حاج میرزا محمد طیب زاده

شهداء الفضیله (شهیدان راه فضیلت)... علامه ، شیخ عبدالحسین امینی

طبقات المحدثین بإصبهان... حافظ أبو الشیخ

عالم آرای عباسی... اسکندر بیگ ترکمان

علامه مجلسی ، بزرگمرد علم و دین... شیخ علی دوانی

ص: ۷۰۲



علل الشرائع... شیخ صدوق

علماء معاصرین... ملا علی واعظ خیابانی تبریزی

عمده الطالب، فی أنساب آل أیطالب... أحمد بن علی حسنی (ابن عنبه)

عوالم العلوم (با استدراکات مؤسسه الإمام المهدی)... ملا عبدالله بحرانی اصفهانی

عیون أخبار الرضا (ع)... شیخ صدوق

غروب خورشید... یادواره آیه الله اردکانی

فتوح البلدان... محمد بن اسحاق (ابن الندیم)

فروع کافی... محمد بن یعقوب کلینی

فرهنگ جغرافیائی ایران... دائرة جغرافیائی ستاد ارتش

فرهنگ معین... دکتر محمد معین

فوائد الأصول... آقا شیخ محمد علی کاظمینی

فوائد الرضویة... حاج شیخ عباس (محدث قمی)

فهرست کتب خطی کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی... محمد آصف فکرت

فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران... نصرت الله مشکوتی

فهرست کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی... سید احمد حسینی

فهرست کتابخانه آستان قدس رضوی... زیر نظر آستان قدس رضوی

فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی... نویسندگان متعدد

فهرست کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار... با همکاری جمعی از محققان

فهرست کتابخانه مدرسه فیضیه... حاج آقا مجتبی عراقی

فهرست کتابخانه مدرسه فیضیه قم... رضا استادی

فهرست کتابهای چاپی... خان بابا مشار

فهرست کتابهای خطی کتابخانه ملی ملک... جمعی از نویسندگان

ص: ۷۰۳

فهرست کتب خطی کتابخانه های اصفهان... سید محمد علی روضاتی

فهرست نسخه های خطی کتابخانه آیه الله گلپایگانی... سید احمد حسینی

فهرست نسخه های خطی کتابخانه آیه الله گلپایگانی... رضا استادی

فهرست نسخه های خطی کتابخانه عمومی اصفهان... جواد مقصود همدانی

قصص العلماء... میرزا محمد تنکابنی

قواعد الأحكام... علامه حلّی

کرامات صالحین... شیخ محمد رازی

کشف الخیبه عن مقبره الزینیه... شیخ محمد علی ، معلّم حبیب آبادی

کشف الغمه... علی بن عیسیٰ اربلی

کشف الیقین... سید رضی الدین ، علی بن طاووس حلّی

کلیات أشعار و آثار شیخ بهائی (مقدمه)... از استاد سعید نفیسی

گنجینه دانشمندان... شیخ محمد رازی

گنجینه آثار تاریخی اصفهان... دکتر لطف الله هنرفر

لسان المیزان... ابن حجر عسقلانی

لغتنامه دهخدا... علی اکبر دهخدا

لیست بقاع و زیارتگاههای مذهبی ایران... سازمان اوقاف و امور خیریه ایران

مآثر و آثار... محمد حسن خان اعتماد السلطنه

مجالس مفید... شیخ مفید

مجالس المؤمنین... قاضی نورالله تستری (شهید)

مجله حوزه... مقالات گوناگون



مجله هنر و مردم (مقالات کتابخانه های ایران)... شماره های گوناگون

مجله یادگار... شماره های گوناگون

مجمع البحرين... شیخ فخر الدین طریحی

مجمع الرجال... شیخ عنایت الله قهپائی

مجمع الفصحاء... رضا قلیخان هدایت

مجمّل التّواریخ و القصص... علی بن محمود رودباری

مجموعه تاریخی مذهبی مشهد آردهال... حسین فرّخ یار

محاسن اصفهان... مفضل بن سعد مافروخی اصفهانی

محیط أدب (مجموعه سی مقاله)... یادبود استاد محیط طباطبائی

مرآت الجنان... یافعی

مرآت الأحوال جهان نما... آقا أحمد بهبهانی

مستدرک الوسائل... حاج میرزا حسین نوری

معالم العلماء... ابن شهر آشوب مازندرانی

معجم أدباء الأطباء... محمد خلیلی

معجم الأدباء... یاقوت حموی

معجم البلدان... یاقوت حموی

معجم رجال الحدیث... آیه الله ، سید أبو القاسم خوئی

مقدمه تاریخ یعقوبی... دکتر ابراهیم آیتی

مقدمه تفسیر مجد البیان... حاج آقا نورالله نجفی

مقدمه فوز أكبر و مطلع الأنوار... حاج شیخ مهدی فقیه ایمانی

مقدمه كتاب التّفحات الرّحمانيّه... عبد الله السّيّتي

مقدمه محاسن اصفهان... سيّد جلال الدّين حسيني طهراني

مقدمه مفصّل طبقات المحدثين يا صبهان... عبد الغفور بلوشي

ص: ٧٠٥

مقدمه منتقله الطالبیه... سید محمد مهدی خراسان

مکارم الآثار... شیخ محمد علی ، معلّم حبيب آبادی

مکیال المکارم... آقا سید محمد تقی موسوی أحمد آبادی

مناقب آل أبی طالب... ابن شهر آشوب مازندرانی

منتقله الطالبیه... ابراهیم بن ناصر علوی (ابن طباطبا)

منتهی الأمال... حاج شیخ عباس (محدث قمی)

منتهی المقال... أبو علی حائری

منیه الطالب... آقا شیخ موسی خوانساری

میرزای شیرازی... حاج آقا بزرگ طهرانی ، ترجمه اداره پژوهش و نگارش

میزان الاعتدال... محمد بن أحمد بن عثمان ذهبی

میزان الأنساب... آقا میرزا محمد هاشم چهارسوقی

نابغه فقه و حدیث... سید محمد جزائری

ناسخ التّواریخ... میرزا تقی خان سپهر

نزهة القلوب... حمد الله مستوفی قزوینی

نشریه اداره اوقاف اصفهان ۱۳۴۵ شمسی... سازمان اوقاف اصفهان

نصف جهان فی تعریف الإصفهان... محمد مهدی اصفهانی

نقباء البشر... حاج شیخ آقا بزرگ طهرانی

نقد الرجال... میر مصطفی تفرشی

نقض... عبد الجلیل قزوینی

نوابغ الرّواہ فی رابعه المآت (طبقات)... حاج شیخ آقا بزرگ طهرانی

نور الأَبصار... شبلنجی

نور الأنوار (فی کشف أحوال زینب بنت موسی بن جعفر علیه السلام)... سید محمّد علی مبارکه ای

ص: ۷۰۶



وحید بهبهانی... علی دوانی

وسائل الشیعه... شیخ محمد بن الحسن الحرّ العاملی

وفیات الأعیان... ابن خلّکان

وقایع السنین و الأعوام... میر عبدالحسین خاتون آبادی

وقعه صفتین... نصر بن مزاحم

وقفنامه مدرسه صدر

هدیه الرّازی الی الإمام المجدّد الشّیرازی... حاج آقا بزرگ طهرانی

هدیه العباد... حاج شیخ عباسعلی أذیب

یادنامه بانوی مجتهدة أمين... وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

یادنامه حاجیه خانم أمين... مصطفی هادوی (شهیر)

یادواره آیه الله فقیه امامی... سیّد حجّه موحد أبطحی

یادواره چهاردهمین قرن شهادت فاطمة زهراء علیها السلام... سیّد حجّه موحد أبطحی

یتیمه الدّهر... ثعالبی نیشابوری



در این فهرست، تنها به نام و عنوان شخصیت‌هایی اشاره می‌نمائیم، که شرح حالی از آنها در این کتاب بیان شده است، و از ذکر نام شخصیت‌هایی که به مناسبت شرح حال مساجد، مدارس، کتابخانه‌ها، بقعه‌های علمی، و اعلام معرفی گردیده، و سایر مباحث کتاب، فقط نامی از آنها برده شده است، (به جهت اختصار) خودداری نموده ایم.

چند تذکر مهم:

الف - مبنای تنظیم فهرست، ترتیب الفبائی نامها می باشد.

ب - نامهای مرکب، همانند محمد علی، محمد حسین، محمد باقر، محمد رضا محمد مهدی، علی محمد، علینقی، به ترتیب حروف اولین کلمه، ذکر می گردد

ج - در فرهنگ اجتماعی شیعیان در قرنهای اخیر، در نامگذاری فرزندانشان، از کُنیه‌ها (همانند أبو القاسم، أبو الفضل) بهره می‌گیرند، بنابراین در نام بردن از این شخصیت‌ها، از همین کُنیه‌ها استفاده نموده ایم.

د- در مورد بعضی از شخصیت‌ها، که از نام آنها اطلاعی به دست ما نرسیده، از یک عنوان وصفی، یا یک کُنیه استفاده نموده ایم، و به ترتیب حروف الفباء، از آنها یاد کرده ایم، مانند بنت المجلسی، دختر صاحب بن عبّاد، خواهر ملا رحیم، أبوشیبه اصفهانی و ...

آغا سلطان (عالمه فاضله)... ج ۱، ص ۶۴۷

آمنه بنت عباد علوی طباطبائی (محدثه)... ج ۱، ص ۲۱۵ و ۳۶۱ و ۴۶۲

آمنه بنت عبد الکریم (محدثه)... ج ۱، ص ۶۴۲

آمنه بیگم (فرزند ملا محمد تقی مجلسی)... ج ۱، ص ۵۰۰ و ۶۴۳ و ج ۲، ص ۳۹۱

امامزاده ابراهیم علیه السلام (خیابان کهن دژ)... ج ۱، ص ۲۰۳

امامزاده ابراهیم علیه السلام (در روستای نرمی دولت آباد)... ج ۱، ص ۱۶۱

امامزاده ابراهیم علیه السلام (در محله شاهزاده ابراهیم)... ج ۱، ص ۱۶۰

امامزاده ابراهیم علیه السلام (روستای ردان)... ج ۱، ص ۲۰۲

امامزاده ابراهیم علیه السلام (محله دارالبطیخ)... ج ۱، ص ۲۰۳

امامزاده ابراهیم علیه السلام (نزدیک فرودگاه اصفهان)... ج ۱، ص ۲۰۳

امامزاده ابراهیم علیه السلام (نزدیک میدان طوقچی - قدس)... ج ۱، ص ۲۰۲

ابراهیم بن شیبۀ اصفهانی (محدث)... ج ۱، ص ۲۱۶

شیخ ابراهیم بن علی خوانساری اصفهانی... ج ۱، ص ۳۸۶

ابراهیم بن قتیبه اصفهانی (محدث)... ج ۱، ص ۲۱۶

ابراهیم بن محمد بن سعید ثقفی اصفهانی... ج ۱، ص ۲۱۶ و ۲۶۱ - ۲۶۴

ابراهیم بن ناصر بن ... طباطبا (صاحب منتقله الطالیه)... ج ۱، ص ۴۶۶

شیخ ابراهیم زاهدی گیلانی... ج ۱، ص ۵۱۳

ابراهیم طباطبایه علیه السلام (سرسلله خاندان بزرگ سادات طباطبائی)... ج ۱، ص ۲۱۶ و ۴۶۲

آقا سید ابراهیم کابلی... ج ۱، ص ۵۶۳

ابن بادشاله اصفهانی (از ملاقات کنندگان با امام زمان)... ج ۱، ص ۱۰۱

ابن سينا «حسين بن عبد الله بن سينا»... ج ۱، ص ۳۰۳-۳۰۹ و ج ۲، ص ۴۸۲

أبو اسحق بن بحير اصفهانی (محدث) ... ج ۱، ص ۲۵۵

امامزاده أبوالحسن عليه السلام (محلّة عطشاران جی) ... ج ۱، ص ۲۰۳

ص: ۷۱۰

أبو الحسن اصفهانی (محدث)... ج ۱، ص ۲۵۵

آقا سید أبو الحسن اصفهانی (زعیم شیعه)... ج ۱، ص ۶۰۰ - ۶۰۳ و ج ۲ ص ۱۱۱ و ۲۰۲

میرزا أبو الحسن بروجردی... ج ۱، ص ۴۷۰ و ج ۲، ص ۴۴۲

حاج میرزا أبو الحسن تویسرکانی... ج ۱، ص ۴۰۶ و ج ۲، ص ۱۵۹

میرزا أبو الحسن جلوه (حکیم نامدار)... ج ۱، ص ۴۶۸ و ج ۲، ص ۱۸۳

آقا سید أبو الحسن شمس آبادی... ج ۱، ص ۴۴۵ و ۶۱۳ و ج ۲، ص ۳۱۲ و ۴۵۴

میرزا أبو الحسن طیب (سلطان الأطباء)... ج ۲، ص ۴۹۳

امامزاده أبو العباس علیه السلام (محمّد)... ج ۱، ص ۱۹۱ - ۱۹۸

حاج میرزا أبو الفضل خاتون آبادی... ج ۲، ص ۱۹۸

آقا شیخ أبو الفضل ریزی (مجتهد و مدرّس)... ج ۲، ص ۴۴۸

حاج شیخ أبو القاسم (حاج آخوند زفره ای)... ج ۲، ص ۵۴ و ۴۴۳

حاج میر أبو القاسم «جعفر» (میر کبیر خوانساری)... ج ۱، ص ۴۳۱ و ج ۲، ص ۵۱۸

أبو القاسم بن محمّد بن حیدر اصفهانی... ج ۱، ص ۳۸۶

مولی أبو القاسم جرفادقانی (گلپایگانی)... ج ۲، ص ۷۴

میر سید أبو القاسم خاتون آبادی... ج ۱، ص ۴۱۹ و ج ۲، ص ۱۴۳

آقا سید أبو القاسم دهکردی (مجتهد و مرجع بزرگوار)... ج ۲، ص ۳۰۵

میرزا أبو القاسم رشتی... ج ۲، ص ۲۱۳

حاج میرزا أبو القاسم زنجانى... ج ۱، ص ۵۳۰

آقا سید أبو القاسم سدهی اصفهانی... ج ۱، ص ۳۹۶

آقا میرزا أبو القاسم طیب (ناصر حکمت)... ج ۲، ص ۶۸ و ۴۹۸

میرزا ابوالقاسم قمی (میرزای قمی ، محقق قمی)... ج ۲، ص ۱۸۱

میر ابوالقاسم موسوی حسینی (میر فندرسکی)... ج ۲، ص ۴۷۱

آقا سید ابوالقاسم موسوی خواجهائی... ج ۱، ص ۵۳۰

ص: ۷۱۱

آقا شیخ أبو القاسم نورانی... ج ۲، ص ۱۴۴

أبو اللطيف بن أحمد اصفهانی (محدث)... ج ۱، ص ۲۵۷

میر أبو المحسن خاتون آبادی (شهید)... ج ۱، ص ۴۲۱

آقا میرزا أبو المعالی (محمد) کلباسی... ج ۱، ص ۴۸۰ و ج ۲، ص ۴۳۶

آقا میرزا أبو الهدی کلباسی... ج ۱، ص ۴۸۱ و ج ۲، ص ۴۳۷

سید أبو تراب گلستانه... ج ۱، ص ۴۸۴

آقا سید أبو جعفر «خادم الشریعه»... ج ۱، ص ۴۲۲ و ج ۲، ص ۴۲۹

أبو شیبۀ اصفهانی (محدث)... ج ۱، ص ۲۵۶

شیخ أبو طالب زاهدی... ج ۱، ص ۵۱۲

أبو محمد بن عبد الله اصفهانی (عالم نسابه)... ج ۱، ص ۳۵۳

أبو نصر بن أبي مسعود اصفهانی (محدث)... ج ۱، ص ۲۵۸

امامزاده أحمد علیه السلام... ج ۱، ص ۱۶۳ - ۱۶۷

امامزاده سید أحمد علیه السلام (محلّه جروکان)... ج ۱، ص ۲۰۳

أحمد بن ابراهيم «أبو العباس ضبي» (أديب و وزير نامدار)... ج ۱، ص ۲۹۶ - ۲۹۹

أحمد بن أبي السرى (محدث)... ج ۱، ص ۲۱۸

أحمد بن أبي يعقوب اصفهانی «يعقوبی» (مورّخ نامدار)... ج ۱، ص ۲۶۴ - ۲۶۷

أحمد بن أحمد بن فضل (محدث)... ج ۱، ص ۲۱۸

أحمد بن عبد الله بن مهران (حافظ أبو نعیم اصفهانی)... ج ۱، ص ۳۰۹ - ۳۱۲ و ۴۱۱

أحمد بن عبد الرحمن... بن قدامه السعدی (محدث)... ج ۱، ص ۲۱۸

أحمد بن علویة اصفهانی «ابن علویة» (از چهره های نامدار)... ج ۱، ص ۲۶۷ - ۲۶۹



أحمد بن علي اصفهاني (محدث)... ج ١، ص ٢١٩

أحمد بن فرات رازي (شيخ أبو مسعود)... ج ١، ص ١٠٥ - ١٠٩ و ج ٢، ص ٩٠

أحمد بن محمد (ابن فاذشاه) (محدث)... ج ١، ص ٢٢٣

ص: ٧١٢

أحمد بن محمّد «ابن مسكويه»... ج ١، ص ٢٩٩ - ٣٠٣ و ج ٢، ص ٤٨١

أحمد بن محمّد بن بطّة اصفهانی (محدّث)... ج ١، ص ٢٢٣

أحمد بن محمّد بن أسيد اصفهانی (محدّث)... ج ١، ص ٢٢٢

أحمد بن محمّد بن حسن اصفهانی (امام مرزوقی)... ج ١، ص ٣٥٧ - ٣٥٨

أحمد بن محمّد بن ذرّ اصفهانی... ج ١، ص ٣٥٨

أحمد بن محمّد سیّاری اصفهانی (محدّث)... ج ١، ص ٢٢١

أحمد بن مفضل ، أبوسلمة اصفهانی (محدّث)... ج ١، ص ٢٢٤

أحمد بن مندويه (طبيب اصفهانی)... ج ٢، ص ٤٧٩

أحمد بن يعقوب اصفهانی (محدّث)... ج ١، ص ٢٢٥

آقا شيخ أحمد بيد آبادی... ج ١، ص ٤١٢ و ج ٢، ص ٣٢٢ و ٤٤٣

حاج شيخ أحمد حججی... ج ٢، ص ٥٩٢ و ٥٩٤

حاج سيّد أحمد خوانساری (آيه الله العظمى)... ج ١، ص ٦٠٨ - ٦٠٦ و ج ٢، ص ١٤٧ و ٥١٩

مير سيّد أحمد عاملی... ج ١، ص ٥٣٦، ج ٢، ص ٤٢٨

سيّد أحمد فقيه امامی (آيه الله)... ج ١، ص ١٩٦ - ١٩٨ و ٤٠١ و ٦٢٩ و ج ٢، ص ٢١٦ و ٣٦١

حاج شيخ أحمد فياض (آيه الله)... ج ١، ص ٦١٧ و ج ٢، ص ١٤٧ و ٣١٣ و ٣١٨

آقا شيخ أحمد مدرّس زنجانی اصفهانی... ج ٢، ص ٢٠٤

ملاّ أحمد نراقی (چهره نامدار شيعه)... ج ٢، ص ٥٦٥

ادريس بن عبد الله اصفهانی (محدّث)... ج ١، ص ٢٢٦

امامزاده اسحاق عليه السلام... ج ١، ص ١٦٧

اسحاق بن سعد قطربلی (فرماندار اصفهان و دلباخته امام زمان)... ج ١، ص ١٠٣

امامزاده اسحق عليه السلام (خوراسگان)... ج ۱، ص ۲۰۳

آقا سید أسد الله شفتی... ج ۱، ص ۴۴۲

آقا شیخ أسد الله قمشه ای... ج ۲، ص ۱۴۵ و ۴۷۰ و ۵۴۰

ص: ۷۱۳

أسعد بن عبد القاهر اصفهانی... ج ۱، ص ۲۲۶ و ۳۲۹ - ۳۳۱ و ۴۴۴ و ج ۲، ص ۶۳

امامزاده اسماعیل علیه السلام... ج ۱، ص ۱۶۹ - ۱۷۲ و ج ۲، ص ۳۷۵

اسماعیل «صاحب» بن عبّاد (چهره نامدار شیعه)... ج ۱، ص ۲۷۶ - ۲۹۶ و ج ۲، ص ۳۷۸

اسماعیل بن محمّد بن عبد الرزاق «کمال اسماعیل»... ج ۱، ص ۳۲۸ - ۳۲۹

حاج شیخ اسماعیل بن منیر الدّین بروجردی... ج ۲، ص ۴۶۹

حاج اسماعیل خاتون آبادی (حکیم و مدرّس محقّق)... ج ۲، ص ۱۴

حاج ملا اسماعیل خواجهی (فقیه و اصولی و حکیم نامدار)... ج ۲، ص ۴۵۷

ملا اسماعیل خواجهی دوّم... ج ۲، ص ۴۵۸

حاج سیّد اسماعیل ریزی... ج ۲۰، ص ۴۳۱

آقا سیّد اسماعیل صدر (مرجع بزرگ شیعه)... ج ۱، ص ۴۵۷

آقا شیخ اسماعیل معزی (مجتهد زاهد)... ج ۲، ص ۱۵۹ و ۲۰۷ و ۴۶۳

حاج ملا اسماعیل نقنه ای... ج ۲، ص ۲۰۵ و ۲۴۷

آقای حاج سیّد اسماعیل هاشمی... ج ۲، ص ۱۵۲

آقا شیخ امان الله گینکانی... ج ۲، ص ۱۷۷

امامزاده باقر علیه السلام (محلّه خواجه)... ج ۱، ص ۲۰۳

بانوی اصفهانیّه (أولین زن مسلمان ایرانی)... ج ۱، ص ۸۳

بدران بن شریف اصفهانی (محدّث و چهره علمی)... ج ۱، ص ۲۲۷ و ۳۶۰

حاج میرزا بدیع موسوی درب امامی... ج ۱، ص ۵۲۵ و ج ۲، ص ۲۱۳ و ۴۵۶

براقه اصفهانی... ج ۱، ص ۲۲۷

بنت المجلسی (دختر ملا عزیز الله مجلسی)... ج ۱، ص ۴۹۹ و ۶۴۴

بندار بن عبدالحمید کرخی اصفهانی (شاعر و ادیب نامدار)... ج ۱، ص ۳۴۸ - ۳۵۰

حاج میرزا بهاء الدین نوری... ج ۲، ص ۴۴۲

ص: ۷۱۴

میرزا تاج الدین گلستانہ... ج ۱، ص ۴۸۵

امامزادہ جعفر علیہ السلام (جعفریہ)... ج ۱، ص ۲۰۴ و ج ۲، ص ۵۸ و ۵۹ و ۳۸۱ - ۳۸۴

امامزادہ جعفر بن الرضا علیہ السلام... ج ۱، ص ۲۰۴ - ۲۰۵

جعفر بن سلمہ اصفہانی (محدث)... ج ۱، ص ۲۲۷

جعفر بن محمد بن سعید ثقفی... ج ۱، ص ۲۲۸

میرزا جعفر سبزواری (شیخ الإسلام)... ج ۱، ص ۴۵۱

آقا سید جعفر شفتی... ج ۱، ص ۴۴۳

میرزا جعفر شیخ الإسلام... ج ۱، ص ۴۵۱ و ج ۲، ص ۱۹۷

استاد جلال الدین ہمائی... ج ۲، ص ۴۶۸

حاج آقا جمال الدین خوانساری... ج ۱، ص ۲۰۳

حاج میرزا جمال الدین کلباسی... ج ۱، ص ۴۸۱ و ج ۲، ص ۴۳۷

آقا سید جمال الدین گلیایگانی (آیہ اللہ العظمی)... ج ۲، ص ۵۸۳

حاج شیخ جمال الدین نجفی مسجد شاہی... ج ۱، ص ۵۰۸ و ج ۲، ص ۴۳۳

آقا جمال خوانساری (فقیہ و محقق نامدار)... ج ۲، ص ۱۱۳ و ۱۱۵ و ۴۲۵ و ۵۱۸

مولی جمشید زواری (حکیم و ریاضی مفسر)... ج ۲، ص ۵۳۳

غیاث الدین، جمشید کاشانی (مفسر حکیم)... ج ۲، ص ۵۶۳

حاج میرزا جواد نوری... ج ۱، ص ۴۴۱

جہانگیر خان قشقائی... ج ۲، ص ۳۰۴ و ۴۴۵

حارث بن أبی الحارث (نماینده والی اصفهان از طرف امام علی علیہ السلام)... ج ۱، ص ۸۸

ملا حبیب اللہ کاشانی... ج ۲، ص ۵۶۷

حاج سید حجّہ موحد ابطحی... ج ۱، ص ۵۲۳ و ج ۲، ص ۱۲۵ و ۱۶۲ و ۱۶۵

میرزا حسن (حکیم شفائی، شاعر نامدار)... ج ۲، ص ۴۸۵

ص: ۷۱۵

امامزاده حسن علیه السلام (روستای زمان آباد)... ج ۱، ص ۲۰۶

حاج ملا حسن آرنندی نائینی (صاحب مقام کشف و شهود)... ج ۲، ص ۲۱۲ و ۴۴۱

حاج شیخ حسن صافی اصفهانی (آیه الله)... ج ۱، ص ۶۳۰ و ج ۲، ص ۱۴۸ و ۳۱۵ و ۳۹۴

حسن اصفهانی (میر قوام الدین)... ج ۱، ص ۳۷۵

حسن بن عباس رستمی اصفهانی... ج ۱، ص ۳۶۱

حسن بن عطاء بن... شاذویه (محدث)... ج ۱، ص ۲۲۸

حسن بن علویّه اصفهانی... ج ۱، ص ۲۲۸

ملا حسن بن محمد لنجانی (ملا تاجا، پدر فاضل هندی)... ج ۲، ص ۳۱۸

حاج آقا حسن حکمی طیب... ج ۲، ص ۴۹۵

حاج میرزا حسن خان أنصاری (مورخ و اديب بزرگ)... ج ۲، ص ۴۴۲

حاج ملا حسن درّی... ج ۲، ص ۲۱۴ و ۴۷۰

آقا میر سید حسن روضاتی (مجتهد متنفذ)... ج ۱، ص ۴۳۶

آقا سید حسن صدر (فقیه و مرجع بزرگوار)... ج ۱، ص ۴۵۹

حاج سید حسن فقیه امامی... ج ۱، ص ۴۰۱ و ۶۳۷ و ج ۲، ص ۱۶۲ و ۱۶۵

آقا میرزا حسن کاشانی... ج ۲، ص ۱۵۹

مولی حسن گیلانی... ج ۲، ص ۴۳۸

آقا میر سید حسن مدرّس (مجتهد و مرجع نامدار)... ج ۱، ص ۵۴۰ و ج ۲، ص ۴۰۲ و ۴۰۳

آقا سید حسن مدرّس (مجاهد و شهید نامدار)... ج ۲، ص ۱۲۲

آقا سید حسن مدرّس (معاصر)... ج ۱، ص ۵۴۳

ملا حسنعلی تستری (فقیه و اصولی محقق)... ج ۲، ص ۱۹۴ - ۱۹۷



آقا حسنعلی مازندرانی... ج ۱، ص ۴۸۹

امامزاده حسین علیه السلام (نزدیک جاڈہ قہجاورستان)... ج ۱، ص ۲۰۶

قاضی امیر حسین اصفہانی... ج ۱، ص ۵۶۰

ص: ۷۱۶

حسین اصفهانی (ضمیری اصفهانی ، شاعر نامدار)... ج ۱، ص ۳۹۰

حسین بن عبد الله بن سینا (ابن سینا)... ج ۱، ص ۳۰۳ - ۳۰۹ و ج ۲ ص ۴۸۲

حسین بن علی... بن عبد الصّمد «طغرائی»... ج ۱، ص ۳۱۷ - ۳۲۲

حسین بن محمّد بن... طباطبا (ابن طباطبا، علوی اصفهانی)... ج ۱، ص ۴۶۵

حسین بن محمّد بن مفضل «راغب اصفهانی»... ج ۱، ص ۳۱۳ - ۳۱۶

ملا حسین تفریسی... ج ۱، ص ۴۳۹

حاج آقا حسین خادمی... ج ۱ ص ۴۲۳-۴۲۵ و ۴۶۰ و ۶۱۵ و ج ۲ ص ۱۷۴ و ۲۱۷ و ۳۰۰ و ۳۱۴

ملا حسین خوانساری... ج ۱، ص ۴۲۸

آقا حسین خوانساری (محقق نامدار)... ج ۲، ص ۱۱۳ و ۱۱۵ و ۴۲۴ و ۵۱۷

حسین صاعدی اصفهانی (از چهره های صاعدیان ، که تشیع را پذیرفته)... ج ۱، ص ۱۲۶

حاج آقا حسین طباطبائی بروجردی... ج ۱ ص ۶۰۳ - ۶۰۶ و ج ۲ ص ۲۶۴ و ۳۱۰ و ۳۱۸

میرزا حسین طیب... ج ۲، ص ۴۸۵

مولی حسین لُبّانی گیلانی (فقیه زاهد)... ج ۲، ص ۲۵ و ۴۳۶

آقا سید حسین مرعشی حسینی (سلطان العلماء)... ج ۱، ص ۴۳۸ و ج ۲، ص ۲۳۹ و ۲۴۰

آقا سید حسین موسوی خوانساری... ج ۱، ص ۴۳۱

حاج میرزا حسین نائب الصدر... ج ۲، ص ۴۴۶

حاج ملا حسینعلی تویسرکانی (فقیه و مرجع زاهد)... ج ۲، ص ۴۲۵

حاج ملا حسینعلی صدیقین... ج ۲، ص ۴۶۴

امامزاده حمزه علیه السلام (خیابان سروش)... ج ۱، ص ۱۷۳

حمزه اصفهانی (مورخ و ادیب نامدار)... ج ۱، ص ۲۶۹

حمیدہ رویدشتی... ج ۱، ص ۶۴۵

سید حیدر بن محمد بن... شرفشاہ... ج ۱، ص ۳۶۹

میرزا حیدر علی مجلسی... ج ۱، ص ۵۰۲

ص: ۷۱۷

- حاج شیخ حیدر علی محقق (معاصر)... ج ۲، ص ۲۱۷
- سید حیدر گلستانه (شرف الدین حیدر)... ج ۱، ص ۴۸۲
- خواهرملا رحیم اصفهانی (عالمه فاضله)... ج ۱، ص ۶۴۶
- دختر آقا بزرگ مازندرانی (از خاندان علامه مجلسی)... ج ۱، ص ۶۴۵
- دختر صاحب بن عباد... ج ۱، ص ۶۴۱
- درویش محمد اصفهانی (اولین ناشر حدیث أهل البیت در اصفهان)... ج ۱، ص ۳۷۷ و ۴۹۳
- ذو الثون طیب... ج ۲، ص ۴۸۴
- مولی رجبعلی تبریزی... ج ۲، ص ۲۵۶
- حاج شیخ رحمت الله فشارکی... ج ۲، ص ۵۳۶
- رشید الدین بن ابراهیم اصفهانی... ج ۱، ص ۳۸۷
- میرزا رضا (طیب و شاعر اَدیب)... ج ۲، ص ۴۹۳
- آقا میرزا رضا الهی... ج ۲، ص ۱۵۹
- حاج میرزا رضا کلباسی... ج ۱، ص ۴۸۲ و ج ۲، ص ۳۱۱
- میرزا رضی (اعجوبه در ریاضی و صنعت)... ج ۲، ص ۲۷۸
- آقا سید رضی الدین (محمد شیرازی اصفهانی)... ج ۲، ص ۴۲۷
- زکی (دختر ملا صالح مازندرانی)... ج ۱، ص ۴۹۰
- امامزاده زید علیه السلام... ج ۱، ص ۱۷۴ - ۱۷۷
- زید بن علی حسینی (أبویعلی)... ج ۱، ص ۳۵۹
- آقا سید زین العابدین (طیب و شاعر و اَدیب)... ج ۲، ص ۴۹۴
- آقا سید زین العابدین ابرقوئی... ج ۲، ص ۱۰۷

آقا میر زین العابدین خوانساری... ج ۱، ص ۴۳۲ و ج ۲، ص ۴۳۳ و ۵۱۸

ص: ۷۱۸

آقا سید زین العابدین رضوی... ج ۱، ص ۴۲۹

ملا زین العابدین مجلسی... ج ۱، ص ۵۰۲

امامزاده زینب علیها السلام (زینبیه)... ج ۱، ص ۱۷۷ - ۱۸۵ و ج ۲، ص ۴۰۶

زینب بیگم (دختر مولی محمد سعید اشرف مازندرانی)... ج ۱، ص ۶۴۴

سید سراج الدین زواری (معروف به میر قاسم)... ج ۲، ص ۵۳۴

سری بن سلامه اصفهانی... ج ۱، ص ۲۲۹

سعید بن ابی الرجاء، صبرفی اصفهانی (محدث)... ج ۱، ص ۲۳۰

سعید بن جبیر (مفسر و چهره نامدار و شهید شیعه)... ج ۱، ص ۹۵ - ۹۷

سعید بن هبه الله (قطب الدین راوندی، چهره نامدار شیعه)... ج ۲، ص ۵۶۲

سلطان بیگم (عالمه شاعره)... ج ۱، ص ۶۴۷ و ج ۲، ص ۳۷۷

سلمان فارسی (افتخار اسلام و شیعه، و ایران و اصفهان)... ج ۱، ص ۷۴ - ۸۳

سلیمان بن أحمد طبرانی اصفهانی... ج ۱، ص ۱۱۰

سلیمان بن داود منقری اصفهانی (محدث نامدار)... ج ۱، ص ۲۳۰

سلیمان خان شیرازی (رکن الملک)... ج ۲، ص ۲۹۴

شتردار اصفهانی (که در سفر خراسان شتردار امام رضا علیه السلام بوده)... ج ۱، ص ۹۸

شرفشاه بن عبدالمطلب اصفهانی... ج ۱، ص ۳۶۳

میرزا شریف طیب... ج ۲، ص ۴۸۳

ملا شعبیا خوانساری... ج ۲، ص ۱۱۶

سید شهاب الدین نحوی... ج ۲، ص ۲۴۹

شهربانو (عالمه شاعره)... ج ۱، ص ۶۴۶

صاحب «اسماعیل» بن عبّاد (چهره نامدار شیعه و ایران)... ج ۱، ص ۲۷۶ - ۲۹۶

آقا سید صدر الدین صدر (مرجع عالیقدر)... ج ۱، ص ۴۵۸

ص: ۷۱۹

- آقا سیّد صدر الدّین عاملی ... ج ۱، ص ۴۵۵
- حاج آقا صدر الدّین کوپائی... ج ۲، ص ۳۰۹ و ۴۴۴
- حاج سیّد ضیاء الدّین علامه فانی... ج ۲، ص ۴۶۹
- طاهر بن عرب اصفهانی (حافظ اصفهانی ، سلطان القراء)... ج ۱، ص ۳۷۱ - ۳۷۳
- سیّد عباد بن أحمد بن... شرفشاه... ج ۱، ص ۳۶۸
- سیّد عباد گلستانه... ج ۱، ص ۴۸۳
- سیّد عباد بن سیّد یحیی گلستانه... ج ۱، ص ۴۸۳
- عباد بن عباس طالقانی اصفهانی (محدّث و چهره علمی)... ج ۱، ص ۲۳۱ و ۳۵۴
- عباد بن یحیی بن... شرفشاه... ج ۱، ص ۳۷۰
- حاج شیخ عباسعلی اذیب... ج ۱، ۶۲۳ - ۶۲۵ و ج ۲، ص ۱۰۸ و ۱۱۹ و ۱۸۴
- میر عبدالباقی خاتون آبادی... ج ۱، ص ۴۱۹
- میرزا عبدالباقی طیب (حکیم و منجم و شاعر)... ج ۲، ص ۴۸۸
- آقا عبدالباقی مازندرانی... ج ۱، ص ۴۸۹
- حاج میرزا عبدالجواد حکیم باشی (طیب)... ج ۲، ص ۴۹۵
- آخوند ملا عبد الجواد مدرّس خراسانی... ج ۲، ص ۱۸۳ و ۲۴۹
- آقا سیّد عبدالحسب عاملی... ج ۱، ص ۵۳۷ و ج ۲، ص ۴۲۸
- میر عبدالحسین خاتون آبادی... ج ۱، ص ۴۱۶
- حاج میرزا عبدالحسین خاتون آبادی... ج ۱، ص ۴۴۱ و ج ۲، ص ۱۴۵ و ۲۹۲ و ۴۵۳
- آقا سیّد عبدالحسین طیب (آیه الله)... ج ۱، ص ۵۴۲ و ۶۲۱ و ۶۲۳ و ج ۲، ص ۳۰۰ و ۳۱۴
- آقا شیخ عبدالحسین محلاتی... ج ۲، ص ۳۰۳



عبد الرحمن اصفهانی (محدث) ... ج ۱، ص ۲۳۲

عبد الرحمن اصفهانی (هدایت یافته و شیعه شده به دست امام هادی علیه السلام) ... ج ۱، ص ۹۹

ص: ۷۲۰

عبد الرحيم بن أحمد «ابن الإخوه»... ج ١، ص ٣٢٣ - ٣٢٦

عبد الرحيم بن علي بن مرزبان (طبيب اصفهاني)... ج ٢، ص ٤٨١

ميرزا عبدالرحيم شيخ الإسلام... ج ١، ص ٤٥١

ميرزا عبدالرزاق طبيب... ج ٢، ص ٤٨٧

آقا سيد عبدالرزاق موسى أحمد آبادي... ج ١، ص ٤٧٥ و ج ٢، ص ١١١ و ٤٥١

عبد السلام اصفهاني (محدث)... ج ١، ص ٢٣٢

عبد العالي كركي اصفهاني (چهره نامدار شيعه و حوزة هاي علميه)... ج ١، ص ٣٤٢ - ٣٤٣

ملا عبدالعظيم بيدگلي زواره اي... ج ٢، ص ٥٣٤ و ٥٣٥

حاج ميرزا عبدالغفار تويسركاني... ج ١، ص ٤٠٥ و ج ٢، ص ٤٤٤

آقا شيخ عبدالكريم گزي (مجتهد و فقيه نامدار)... ج ٢، ص ٢١٤ و ٤٦٣

امامزاده عبدالله عليه السلام (امامزاده شوري)... ج ١، ص ٢٠٨

مولي عبدالله افندي (صاحب رياض العلماء)... ج ٢، ص ٢٧٩ و ٣٤٦

عبد الله بن أحمد... بن خشنام اصفهاني (محدث)... ج ١، ص ٢٣٢

عبد الله بن جعفر طيار عليه السلام... ج ١، ص ٢٠٧

عبد الله بن راشد اصفهاني (محدث)... ج ١، ص ٢٣٣

عبد الله بن محمد اصفهاني (ابن خازن ، نديم صاحب بن عبّاد)... ج ١، ص ٣٥٥ - ٣٥٧

عبد الله بن محمد اصفهاني (محدث)... ج ١، ص ٢٣٣

عبد الله بن محمد بن عبد الوهاب اصفهاني (محدث)... ج ١، ص ٢٣٤

عبد الله بن محمد كناني (شكنجه ديدة راه تشيع)... ج ١، ص ١٠٢

ملا عبد الله تستري (فقيه زاهد ، و مؤسس نامدار)... ج ٢، ص ١٨٨ - ١٩٤

آقا سيّد عبد الله ثقّه الإسلام (آيه الله)... ج ١، ص ٥٤٢ و ج ٢، ص ٤٧٤

عبدالله حاسب... ج ١، ص ٣٦٦

ملاً عبد الله مجلسى... ج ١، ص ٤٩٩

ص: ٧٢١

میرزا عبداللہ مجلسی... ج ۱، ص ۵۰۱

عبد الواحد اصفہانی (محدث) ... ج ۱، ص ۲۳۵

سید عبدالوہاب «معین الأطباء» (طیب حکیم) ... ج ۲، ص ۴۹۶

عثمان اصفہانی (محدث) ... ج ۱، ص ۲۳۵

ملا عزیز اللہ مجلسی... ج ۱، ص ۴۹۸

حاج آقا عطاء اللہ فقیہ امامی (آیہ اللہ) ... ج ۱، ص ۴۰۰ و ج ۲، ص ۲۱۵ و ۴۶۱

عفت الزمان امین (عالمة فاضله) ... ج ۱، ص ۶۴۸

سید علاء الدین گلستانہ (چہرہ نامدار و بزرگ خاندان گلستانہ) ... ج ۱، ص ۴۸۴

سید علاء الدین محمد (شہسہان) ... ج ۱، ص ۲۰۹ و ۴۴۷ و ج ۲، ص ۳۸۶

امامزادہ علی علیہ السلام (درب امام) ... ج ۱، ص ۱۸۵ - ۱۸۸

امامزادہ سید علی علیہ السلام (شاہ سید علی) ... ج ۱، ص ۱۸۸

آقا میر سید علی (مدرس) ... ج ۱، ص ۵۴۰

حاج میرزا علی آقا شیرازی (چہرہ نامدار علم و تقوی و معنویت) ... ج ۲، ص ۳۰۹ و ۴۹۹

علی امران اصفہانی... ج ۱، ص ۳۷۴

حاج میرزا علی اصغر شریف... ج ۲، ص ۵۵ و ۳۲۳

آقا سید علی اصغر مدرس برزانی... ج ۲، ص ۱۴۶ و ۳۱۲

ملا علی اکبر اڑہ ای اصفہانی (فقیہ متکلم) ... ج ۱، ص ۳۹۷ و ج ۲، ص ۲۸ و ۴۵۸

ملا علی اکبر خوانساری... ج ۱، ص ۴۲۸

سید علی اکبر طیب (صدر الأطباء) ... ج ۲، ص ۴۹۶

آقا شیخ علی اکبر فقیہ (معاصر) ... ج ۲، ص ۱۶۲ و ۱۶۵

آقای حاج سید علی اکبر هاشمی طالخونچه ای... ج ۲، ص ۱۵۲

آقا سید علی امامی العریضی اصفهانی (فقیه حکیم)... ج ۱، ص ۳۹۹

علی بن أحمد بن عبد الله اصفهانی اسواری (محدث)... ج ۱، ص ۲۳۶

ص: ۷۲۲

علی بن حسن بن محمد بن منده اصفهانی (محدث)... ج ۱، ص ۲۳۶

علی بن حسن زواره ای (محدث و مفسر نامدار)... ج ۱، ص ۳۸۸ - ۳۹۰ و ج ۲ ص ۵۳۴

علی بن الحسین (أبو الفرج اصفهانی)... ج ۱، ص ۲۷۰ - ۲۷۵ و ج ۲، ص ۴۸۰

علی بن حسین بن علی باقولی (ضریر نحوی ، جامع باقولی)... ج ۱، ص ۳۶۲

علی بن حمزه اصفهانی... ج ۱، ص ۳۵۳

علی بن عبد العالی کرکی (محقق ثانی ، چهره نامدار حوزه های علمیه) ج ۱، ص ۳۳۵ - ۳۴۱

علی بن عبد الله بن کوشید اصفهانی (محدث)... ج ۱، ص ۲۳۹

علی بن عبد الله بن أحمد، أبو الحسن اصفهانی اسواری (محدث)... ج ۱، ص ۲۳۷

علی بن عبد الله بن أسد اصفهانی (محدث)... ج ۱، ص ۲۳۷

علی بن فرات اصفهانی (محدث)... ج ۱، ص ۲۴۰

امامزاده علی بن محمد الباقر علیه السلام (مشهد أردهال)... ج ۲، ص ۵۵۵ - ۵۵۹

علی بن محمد بن... ثقفی اصفهانی (محدث)... ج ۱، ص ۲۴۰

علی بن محمد بن شیره اصفهانی (محدث)... ج ۱، ص ۲۴۰

علی بن محمد تُرکه اصفهانی (صائن الدین)... ج ۱، ص ۳۳۱ - ۳۳۵ و ۴۰۳

میر سید علی بن میر محمد رفیع طباطبائی... ج ۱، ص ۴۶۸

حاج سید علی بهبهانی (آیه الله العظمی)... ج ۱، ص ۶۱۱ - ۶۱۳ و ج ۲، ص ۳۱۲

علی ترکه (ضیاء الدین)... ج ۱، ص ۴۰۴

آخوند ملا علی شاهپوری... ج ۲، ص ۵۳۸

میر علی شهید... ج ۱، ص ۱۱۹

حاج سید علی طباطبائی بروجردی... ج ۱، ص ۴۶۹

حاج میرزا علی طباطبائی نژاد... ج ۲، ص ۵۰۸ و ۵۰۹ - ۵۱۰

خواجہ صدرالدین ، علی طیب... ج ۲، ص ۴۸۳

حاج سید علی علامہ فانی (آیہ اللہ)... ج ۱، ص ۶۱۸ - ۶۲۰ و ج ۲، ص ۱۱۸ و ۴۶۹

ص: ۷۲۳

- حاج شیخ علی قدیری کفرانی... ج ۲، ص ۳۱۸
- آقا شیخ علی محمد الشریف... ج ۱، ص ۴۱۴
- آقا میرزا علی محمد حسین آبادی... ج ۲، ص ۳۲۲
- آقا شیخ علی محمد فقیه حبیب آبادی... ج ۲، ص ۴۶۲
- میرزا علی محمد نائینی... ج ۲، ص ۱۲۱
- آقا شیخ علی مشکوه سدهی... ج ۲، ص ۱۴۷ و ۳۱۴ و ۴۵۵ و ۵۱۴
- آقا شیخ علی مفید... ج ۱، ص ۵۱۵ و ج ۲، ص ۳۱۱ و ۴۳۵
- شیخ علی منشار عاملی اصفهانی... ج ۱، ص ۳۸۰
- آقا میر سید علی موحد أبطحی... ج ۱، ص ۵۲۱
- حاج میر سید علی نجف آبادی (فقیه اصولی)... ج ۲، ص ۳۰۷ و ۳۵۶ و ۴۴۴ و ۵۹۱
- حاج میرزا علی نقی زنجانی... ج ۱، ص ۵۲۹
- آخوند ملا علی نوری اصفهانی (فقیه حکیم و مدرّس محقق)... ج ۲، ص ۱۸۲
- آقا میر سید علی یثربی کاشانی (آیه الله)... ج ۲، ص ۵۶۸
- آقا شیخ علی یزدی (مدرّس نامدار)... ج ۲، ص ۳۰۶ و ۴۴۳
- عماد بن محمد اصفهانی (منجم)... ج ۱، ص ۳۷۳
- عمر الإصفهانی (محدّث)... ج ۱، ص ۲۴۰
- عمرو بن سلمه (والی اصفهان از طرف حضرت علی علیه السلام)... ج ۱، ص ۸۹
- شیخ عنایت الله اصفهانی... ج ۱، ص ۳۸۸
- فاطمه بیگم (خلیفه سلطانی)... ج ۱، ص ۶۴۸
- فاطمه رویدشتی... ج ۱، ص ۶۴۶



ملاً فتح الله كاشانی (مفسّر جامع و نامدار)... ج ۲، ص ۵۶۳

حاج میرزا فتح الله موسوی درب امامی... ج ۱، ص ۵۲۶

ملاً فتح الله نمازی شیرازی (شیخ الشریعة اصفهانی)... ج ۱، ص ۵۹۵ و ج ۲، ص ۲۴۷

ص: ۷۲۴

فتح بن علی بن محمد بنداری اصفہانی... ج ۱، ص ۳۶۵

حاج شیخ فرج اللہ ڈری... ج ۲، ص ۱۵۲ و ۱۷۶

سید فضل اللہ بن علی راوندی کاشانی (چہرہ نامدار شیعہ)... ج ۲، ص ۵۶۱

حاج سید فضل اللہ سجادی... ج ۲، ص ۳۱۹

قاسم بن ابی ایوب اصفہانی (پناہ دہندہ سعید بن جبیر)... ج ۱، ص ۹۸

قاسم بن محمد اصفہانی (محدث)... ج ۱، ص ۲۴۱

امامزادہ کزار علیہ السلام (خیابان جی - محلہ بوزان)... ج ۱، ص ۲۰۹

کمال الدین بن محمد اصفہانی... ج ۱، ص ۳۷۶

حاج شیخ لطف اللہ صافی گلپایگانی (آیہ اللہ العظمی)... ج ۲، ص ۵۸۴

شیخ لطف اللہ میسی عاملی... ج ۲، ص ۲۳ و ۲۵۶

مالک اشتر نخعی (وارد بر اصفہان)... ج ۱، ص ۹۰

حاج شیخ مجتبیٰ لنکرانی (آیہ اللہ)... ج ۱، ص ۶۱۶ و ج ۲، ص ۳۱۳

حاج سید مجتبیٰ میر محمد صادقی... ج ۱، ص ۵۴۳

آقا شیخ مجدالدین نجفی... ج ۱، ص ۵۱۰ و ج ۲، ص ۱۵۲

ملا محراب گیلانی... ج ۲، ص ۴۳۸

امامزادہ محسن علیہ السلام... ج ۱، ص ۱۸۹

آقا سید میر محسن میر محمد صادقی... ج ۱، ص ۵۴۱ و ج ۲، ص ۴۶۰

آقا سید محمد (آقا سید آقا جان نوربخش)... ج ۲، ص ۴۵۴ و ۵۳۱

امامزادہ محمد علیہ السلام (أبو العباس)... ج ۱، ص ۱۹۱ - ۱۹۸

امامزادہ سید محمد علیہ السلام (شاه قاضی)... ج ۱، ص ۲۱۰

شیخ محمد (شیخ بهائی ، نابغہ تاریخ) ... ج ۲ ، ص ۲۵۵

ص: ۷۲۵

آقا میر سید محمد (مدرس) ... ج ۱، ص ۵۴۱

میرزا محمد (ملک الأطباء) ... ج ۲، ص ۴۹۳

امامزاده سید محمد علیه السلام (تزدیک خمینی شهر و کوه سید محمد) ... ج ۱، ص ۲۰۹

امامزاده محمد علیه السلام (خیابان وحید) ... ج ۱، ص ۱۹۰

ملا محمد، معروف به (فیض کاشانی) ... ج ۲، ص ۵۶۴

حاج محمد ابراهیم قزوینی اصفهانی ... ج ۱، ص ۴۷۶

حاج محمد ابراهیم کرباسی (کلباسی) ... ج ۱، ص ۴۷۹ و ج ۲، ص ۳۹۸

آقا میرزا محمد ابراهیم نواب ... ج ۱، ص ۵۴۷

میر محمد اسماعیل أعرجی (سبزواری) ... ج ۱، ص ۵۳۹

میر محمد اسماعیل خاتون آبادی ... ج ۱، ص ۴۱۷ و ج ۲، ص ۱۴ و ۱۰۶

میر سید محمد اشرف (صاحب کتاب فضائل السادات) ... ج ۱، ص ۵۳۷

محمد اصفهانی (شمس الدین محمد، از مشایخ مجلسی اول) ... ج ۱، ص ۳۷۶

محمد اصفهانی (محدث) ... ج ۱، ص ۲۴۲

میر محمد اصفهانی (معز الدین) ... ج ۱، ص ۳۸۱

محمد اصفهانی عاملی (درویش محمد، جد مادری ملا محمد تقی مجلسی) ... ج ۱، ص ۳۷۷

امامزاده محمد باقر علیه السلام (خوراسگان، محله خیادان) ... ج ۱، ص ۲۱۰

آقا سید محمد باقر ابطحی سدهی اصفهانی ... ج ۱، ص ۳۹۶ و ج ۲، ص ۱۸۴ و ۳۰۹

مولی محمد باقر اصفهانی (وحید بهبهانی، آقا باقر بهبهانی) ... ج ۱، ص ۵۶۸ - ۵۸۰

مولی محمد باقر بن محمد مؤمن (محقق سبزواری) ... ج ۱، ص ۴۵۰ و ج ۲، ص ۱۹۷ و ۲۵۴

آقا میرزا محمد باقر پیشنماز ... ج ۲، ص ۴۲۷

حاج میرزا محمد باقر تویسرکانی... ج ۲، ص ۱۵۹

حاج میرزا محمد باقر حکیم باشی... ج ۲، ص ۲۴۹ و ۴۳۰ و ۴۹۴ و ۴۹۵

آقا سید محمد باقر خاتون آبادی... ج ۲، ص ۱۴۱

ص: ۷۲۶

آقا سید محمد باقر خوانساری (صاحب روضات)... ج ۱ ص ۴۳۳ و ج ۲، ص ۴۳۸ و ۵۱۸

میر محمد باقر داماد (میر داماد، حکیم نامدار)... ج ۱، ص ۵۳۴ - ۵۳۶

آقا سید محمد باقر درچه ای (آیه الله)... ج ۱، ص ۵۲۶ و ج ۲، ص ۲۱۵ و ۴۶۲

آقا میرزا محمد باقر زنجانی... ج ۱، ص ۵۲۹

آقا سید محمد باقر شفتی... ج ۱، ص ۴۴۲ و ج ۲، ص ۱۴۳ و ۲۰۱ و ۳۵۱ و ۴۰۰ - ۴۰۲

آقا سید محمد باقر شفتی (دوم)... ج ۱، ص ۴۴۳

حاج شیخ محمد باقر صدیقین... ج ۲، ص ۴۶۵

حاج میرزا محمد باقر طباطبائی... ج ۱، ص ۴۷۰

آخوند ملا محمد باقر فشارکی... ج ۲، ص ۴۲۵

حاج شیخ محمد باقر فقیه ایمانی... ج ۲، ص ۴۶۴

آقا شیخ محمد باقر قمشه ای... ج ۲، ص ۵۴۰

حاج شیخ محمد باقر کرمانی... ج ۲، ص ۱۶۴

میرزا محمد باقر گلستانه... ج ۱، ص ۴۸۵

آقا میرزا محمد باقر لاهیجی (صاحب تفسیر تحفه الخاقان)... ج ۱، ص ۵۴۶

ملا محمد باقر مجلسی (علامه)... ج ۱، ص ۴۹۶ - ۴۹۸ و ج ۲، ص ۳۴۴ و ۳۸۷ و ۳۹۱

آقا سید محمد باقر موحد أبطحی (آیه الله)... ج ۱، ص ۵۱۹

آقا شیخ محمد باقر نجفی مسجد شاهی... ج ۱، ص ۵۰۵ و ج ۲، ص ۱۵

محمد بن أحمد بن... ابراهیم طباطبا (ابن طباطبا، علوی اصفهانی)... ج ۱، ص ۴۶۴

محمد بن أحمد بن... طباطبا علوی (ابن طباطبا علوی)... ج ۱، ص ۳۵۱

محمد بن أحمد بن بشر اصفهانی (محدث)... ج ۱، ص ۲۴۳

میرزا محمّد بن أحمد طیب... ج ۲، ص ۴۹۴

محمّد بن أحمد معصومی (أبو عبدالله معصومی)... ج ۱، ص ۳۵۹

محمّد بن اسحاق بن مطهر اصفهانی... ج ۱، ص ۳۴۶

ص: ۷۲۷

محمد بن الحسن الأسدي ، القاضي الإصفهاني... ج ١، ص ٢٤٣

محمد بن الحسين بن عبد الرحمن الإصفهاني... ج ١، ص ٢٤٣

محمد بن بحر اصفهاني... ج ١، ص ٣٥٢

محمد بن حبيب الله (از چهره های بزرگ علمی آل ترکه)... ج ١، ص ٣٦٧

آقا شيخ محمد بن حسن اصفهاني (فاضل هندی ، كاشف اللثام)... ج ٢، ص ٤٥٨

ميرزا محمد بن حسن شيرواني (ملاً ميرزای شيرواني)... ج ١، ص ٥٠٣

محمد بن حيدر اصفهاني (ميركي)... ج ١، ص ٣٨٥

ميرزا محمد بن حيدر (ميرزا رفيعا نائيني)... ج ١، ص ٤٦٧ و ج ٢، ص ٤٧٢ و ٥٨٩

محمد بن سعيد اصفهاني... ج ١، ص ٢٤٤

محمد بن سليمان اصفهاني (از اصحاب امام صادق عليه السلام)... ج ١، ص ٢٤٥

محمد بن صدر (خواجه أفضل الدين)... ج ١، ص ٣٧١ و ٤٠٣

محمد بن صدر الدين اصفهاني... ج ١، ص ٣٨٧

محمد بن عبد الرشيد اصفهاني (محدث)... ج ١، ص ٢٤٦

محمد بن عبد الرشيد اصفهاني (امام محدث)... ج ١، ص ٣٦٦

آقا سيد محمد بن عبد الصمد شهبهاني (مجتهد نامدار)... ج ١، ص ٤٤٨ و ج ٢، ص ٤٥٦

مولی محمد بن عبد الفتاح تنكابنی (فاضل سراب)... ج ١، ص ٤٧١ و ج ٢، ص ٤٦١

محمد بن عبد الله «ابن مملك اصفهاني» (محدث و متكلم نامدار)... ج ١، ص ٢٤٧

محمد بن عبد الله طيب اصفهاني (ابن الفقيه)... ج ٢، ص ٤٨٣

محمد بن عبد الزقاق اصفهاني (جمال الدين)... ج ١، ص ٣٢٦ - ٣٢٨

حاج محمد بن علي أردبیلی (صاحب جامع الرواه)... ج ٢، ص ٢٢٨



محمّد بن علی ترکه... ج ۱، ص ۳۷۳

محمّد بن علی کاتب اصفهانی (محدّث)... ج ۱، ص ۲۴۸

محمّد بن علی نحوی اصفهانی... ج ۱، ص ۳۶۰

ص: ۷۲۸

محمد بن غالب اصفهانی (راوی زیارت شهداء کربلاء از ناحیه مقدسه)... ج ۱، ص ۲۴۹

مولی محمد بن محمد باقر حسینی نائینی (فقیه، حکیم و متکلم)... ج ۲، ص ۵۸۹

محمد بن ملا علی زواری (قاضی صفی الدین)... ج ۲، ص ۳۷۶

محمد بن منده (از أصحاب امام جواد علیه السلام)... ج ۱، ص ۲۵۰

محمد بن مهران اصفهانی (محدث)... ج ۱، ص ۲۵۱

میر محمد بن میرلوحی... ج ۲، ص ۳۷۷

آقا محمد بیدآبادی (حکیم و عارف حقیقی و نامدار)... ج ۲، ص ۴۳۴

آقا سید محمد ترک (خوئی)... ج ۲، ص ۲۴۷ و ۴۴۵

محمد ترکه (صدرالدین)... ج ۱، ص ۴۰۴

محمد ترکه اصفهانی (أفضل الدین)... ج ۱، ص ۳۷۸ - ۳۷۹

آقا میر محمد تقی (مدرس)... ج ۱، ص ۵۴۰

ملا محمد تقی الماسی... ج ۱، ص ۵۰۱ و ج ۲، ص ۳۹۱

ملا محمد تقی بن ملا عبدالله مجلسی... ج ۱، ص ۵۰۱

آقا سید محمد تقی پشت مشهدی... ج ۲، ص ۵۶۶

حاج سید محمد تقی حسینی درب امامی (طیب)... ج ۲، ص ۴۹۷

حاج سید محمد تقی خوانساری (آیه الله العظمی)... ج ۲، ص ۵۱۹

آقا شیخ محمد تقی رازی (مجتهد نامدار)... ج ۱، ص ۵۰۵ و ج ۲، ص ۱۵ و ۴۳۲

حاج شیخ محمد تقی فشارکی... ج ۲، ص ۳۱۹

حاج شیخ محمد تقی فهامی... ج ۲، ص ۴۲۶

حاج شیخ محمد تقی مجلسی (آیه الله)... ج ۱، ص ۶۳۶

ملاً محمّد تقى مجلسى (علامة نامدار)... ج ١، ص ٤٩٤ - ٤٩٦ و ج ٢، ص ٣٨٧ - ٣٩٠

آقا سيّد محمّد تقى مستجاب الدعوه... ج ١، ص ٥٣١

مير محمّد تقى موسوى (وزير)... ج ١، ص ٤٧٥ و ج ٢، ص ١١١

ص: ٧٢٩

آقا سید محمد تقی موسوی احمد آبادی... ج ۱، ص ۴۷۳ و ج ۲، ص ۱۱۱ و ۴۴۹ - ۴۵۲

آقا شیخ محمد تقی نجفی مسجد شاهی... ج ۱، ص ۵۰۶ و ج ۲، ص ۱۵ و ۴۰۴ - ۴۰۵

آقا سید محمد جزائری... ج ۱، ص ۴۱۰

حاج محمد جعفر آباده ای... ج ۲، ص ۴۲۳

حاج ملا محمد جواد آدینه... ج ۲، ص ۳۰۵ و ۴۴۹

آقا میرزا محمد جواد حسین آبادی... ج ۱، ص ۴۱۱ و ج ۲، ص ۴۳۴

آقا سید محمد جواد خراسانی... ج ۱، ص ۴۲۷ و ج ۲، ص ۴۶۰

آقا شیخ محمد جواد فریدنی... ج ۲، ص ۱۷۶

آقا سید محمد جواد مسائلی... ج ۲، ص ۲۴۷

آقا سید محمد جواد مسجد شاهی... ج ۲، ص ۱۹۸

محمد حافظ (مخترع اصفهانی)... ج ۱، ص ۳۷۴

حاج محمد حسن خراسانی (عالم زاهد)... ج ۱، ص ۴۷۹

شیخ میرزا محمد حسن داورپناه... ج ۲، ص ۴۵۴

میرزا محمد حسن شیرازی (امام مجدد، میرزای شیرازی)... ج ۱، ص ۵۸۵ - ۵۹۱

آقا سید محمد حسن فانی... ج ۲، ص ۴۶۹

آقا شیخ محمد حسن لاری بیضاوی... ج ۲، ص ۱۰۷

آقا سید محمد حسن مجتهد اصفهانی (فقیه بزرگ)... ج ۱، ص ۵۳۱ و ج ۲، ص ۲۶۴

آقا سید محمد حسن میرجهانی (آیه الله)... ج ۱، ص ۶۲۴ - ۶۲۹ و ج ۲، ص ۳۹۴

میرزا محمد حسن میردامادی... ج ۱، ص ۵۳۸

آقا شیخ محمد حسن نجف آبادی (مجتهد زاهد)... ج ۲، ص ۱۱۸ و ۴۶۳

آقا میرزا محمد حسن نجفی (فقیه نامدار)... ج ۱، ص ۵۴۸ و ج ۲، ص ۱۶۴ و ۴۶۷

آقا شیخ محمد حسن نجفی (صاحب جواهر الکلام)... ج ۱، ص ۵۸۲ - ۵۸۵

آقا شیخ محمد حسین آشنی (مجتهد مدرّس)... ج ۲، ص ۵۵ و ۴۳۷

ص: ۷۳۰

آقا شیخ محمد حسین اصفهانی (صاحب فصول)... ج ۱، ص ۵۸۰ - ۵۸۲

میرزا محمد حسین بن رفیع الدین محمد... بن میرزا رفیعا... ج ۱، ص ۴۶۷

ملاً محمد حسین بن ملاً ولی الله... ج ۲، ص ۳۹۷

شیخ محمد حسین جویباره ای... ج ۱، ص ۴۷۱

محمد حسین خان (صدر اصفهانی)... ج ۲، ص ۲۹۶

میر محمد حسین طباطبائی نائینی... ج ۱، ص ۴۶۸

میرزا محمد حسین طیب... ج ۲، ص ۴۹۴

آقا شیخ محمد حسین غروی اصفهانی (محقق نامدار)... ج ۱، ص ۵۹۸ - ۶۰۰

میرزا محمد حسین غروی نائینی (میرزای نائینی)... ج ۱، ص ۵۹۶ - ۵۹۸ و ج ۲، ص ۵۹۰

آخوند ملاً محمد حسین فشارکی (آخوند فشارکی)... ج ۲، ص ۳۰۵ و ۴۴۹

آقا شیخ محمد حسین فقیه نظری... ج ۲، ص ۱۵۲

آقا شیخ محمد حسین قزوینی... ج ۱، ص ۴۷۶

آقا شیخ محمد حسین قمشه ای اصفهانی... ج ۲، ص ۵۳۹

میر محمد حسین کتابفروش... ج ۱، ص ۴۷۸

ملاً محمد حسین کرمانی... ج ۲، ص ۱۱۶

آقا محمد حسین مازندرانی... ج ۱، ص ۴۸۹

میرزا محمد حسین نائب الصدر خاتون آبادی... ج ۱، ص ۴۲۰

آقا سید محمد حسین نجف آبادی... ج ۲، ص ۲۰۱ و ۵۹۱

آقا شیخ محمد حسین نجفی مسجد شاهی (صاحب مجد البیان)... ج ۱، ص ۵۰۶ - ۵۰۸

آقا شیخ محمد حسین هزار جریبی... ج ۱، ص ۵۴۹

آقا شیخ محمد حکیم خراسانی... ج ۲، ص ۳۰۶ و ۴۷۰

آقا میر محمد خاتون آبادی... ج ۲، ص ۱۴۱

آقا سید محمد خراسانی... ج ۱، ص ۴۲۷ و ج ۲، ص ۴۶۰

ص: ۷۳۱

آقا سیّد محمّد درب امامی... ج ۱، ص ۴۰۰ و ج ۲، ص ۴۲۸

مولی محمّد رضا (بن فاضل سراب)... ج ۱، ص ۴۷۱

میر محمّد رضا خاتون آبادی... ج ۲، ص ۱۵

آقا سیّد محمّد رضا خراسانی... ج ۱، ص ۴۲۶

آقا سیّد محمّد رضا خراسانی... ج ۱ ص ۴۲۸، ۶۱۵ و ج ۲ ص ۱۴۶، ۱۷۴، ۲۹۹، ۳۱۲، ۴۶۰

آقا سیّد محمّد رضا خوانساری... ج ۲، ص ۴۴۵

آقا شیخ محمّد رضا حکیم قمشه ای (صهبا)... ج ۲، ص ۱۴۴ و ۵۳۹

آقا محمّد رضا مازندرانی... ج ۱، ص ۴۹۰

ملا محمّد رضا مجلسی... ج ۱، ص ۵۰۱

آقا شیخ محمّد رضا مسجد شاهی... ج ۱، ص ۵۰۹ و ج ۲، ص ۳۰۸ و ۴۳۳

آقا سیّد محمّد رضا موحد ابطحی... ج ۱، ص ۵۲۰

آقا سیّد محمّد رضا موسوی گلپایگانی (مرجع عالیقدر جهان تشیع)... ج ۲، ص ۵۸۳

آقا سیّد محمّد رضوی... ج ۱، ص ۴۲۹

مولی محمّد رفیع بیدآبادی... ج ۲، ص ۴۳۵

حاج شیخ محمّد رفیع گیلانی (گیلانی)... ج ۲، ص ۲۱۲

آقا محمّد سعید اشرف مازندرانی... ج ۱، ص ۴۸۹

محمّد سعید طیب اصفهانی... ج ۲، ص ۴۸۴

سیّد محمّد شفیع جزائری... ج ۱، ص ۴۰۹

مولی محمّد صادق (بن فاضل سراب)... ج ۱، ص ۴۷۱ و ج ۲، ص ۴۶۱

میر محمّد صادق (سرسلسله خاندان میر محمّد صادقی)... ج ۱، ص ۵۳۹



ملاً محمد صادق أردستانی... ج ۲، ص ۴۶۶

حاج محمد صادق تخت فولادی... ج ۲، ص ۴۳۳

میرزا محمد صادق حسینی بهشتی... ج ۲، ص ۲۶

ص: ۷۳۲

میر محمد صادق خاتون آبادی... ج ۲، ص ۱۵

میر محمد صادق خاتون آبادی (شهید)... ج ۱، ص ۴۱۸

حاج میر محمد صادق خاتون آبادی (فقیه و مرجع نامدار)... ج ۲، ص ۱۱۷ و ۴۵۲

آقا میر محمد صادق کتابفروش (فقیه محقق)... ج ۱، ص ۴۷۷ و ج ۲، ص ۴۷۳

میر محمد صالح خاتون آبادی... ج ۱، ص ۴۱۷

ملاً محمد صالح مازندرانی... ج ۱، ص ۴۸۶ - ۴۸۷ و ج ۲، ص ۳۹۱

شیخ محمد صالح مازندرانی (جویبارہ ای)... ج ۱، ص ۴۷۱ و ج ۲، ص ۴۳۳

میرزا محمد طیب... ج ۲، ص ۴۹۳

ملاً جلال الدین، محمد طیب... ج ۲، ص ۴۸۷

جلال الدین، محمد طیب... ج ۲، ص ۴۹۲

حاج میرزا محمد طیب زاده (مجتهد زاهد)... ج ۲، ص ۳۹۲

میرزا محمد طیب محلّه نوی... ج ۲، ص ۴۹۷

آقا شیخ محمد علی (معلم حبیب آبادی)... ج ۲، ص ۱۸۴

آقا شیخ محمد علی ابراهیمی (معاصر)... ج ۲، ص ۱۶۲ و ۱۶۵

آقا سید محمد علی ابطحی سیدھی اصفهانی... ج ۱، ص ۳۹۷

ملاً محمد علی آسترآبادی... ج ۱، ص ۵۰۳ و ج ۲، ص ۳۹۱

میرزا محمد علی بن میرزا مظفر... ج ۲، ص ۴۷۳

آقا شیخ محمد علی حزین (حزین لاهیجی)... ج ۱، ص ۵۱۳

آقا میرزا محمد علی شاه آبادی... ج ۱، ص ۴۱۳

آقا سید محمد علی عاملی اصفهانی (آقا مجتهد)... ج ۱، ص ۴۵۶

آقا سید محمد علی مبارکه ای (خطیب نامدار و نویسنده متبّع) ... ج ۲، ص ۴۴۴

ملا محمد علی مجلسی ... ج ۱، ص ۵۰۱

آقا شیخ محمد علی مدرّس فتحی ... ج ۲، ص ۱۲۲ و ۴۵۳

ص: ۷۳۳

حاج شیخ محمد علی مسجد شاهی (ثقه الإسلام)... ج ۱، ص ۵۰۸ و ج ۲، ص ۱۵۱

آقا سید محمد علی موحد أبطحی... ج ۱، ص ۵۲۰ و ۶۳۵ و ج ۲، ص ۱۴۸ و ۳۱۵

آقا سید محمد علی میر محمد صادقی... ج ۱، ص ۵۴۴ و ۶۳۱ و ج ۲، ص ۳۱۵ و ۴۷۴

آقا محمد علی هزار جریبی... ج ۱، ص ۵۴۷

میرزا محمد فسائی (کمال الدین ، میرزا کمالا)... ج ۱، ص ۵۰۴ و ج ۲، ص ۳۹۱

آقا سید محمد فشارکی (فقیه محقق)... ج ۱، ص ۵۹۱

حاج آقا محمد قزوینی... ج ۱، ص ۴۷۶

آخوند ملا محمد کاشانی (آخوند کاشی ، حکیم نامدار)... ج ۲، ص ۱۲۱ و ۳۰۴ و ۴۶۹

آقا سید محمد کاظم حسینی... ج ۲، ص ۵۶

آقا محمد کاظم واله... ج ۲، ص ۴۷۴

آقا سید محمد کاظم یزدی (فقیه نامدار شیعه)... ج ۱، ص ۵۹۲ - ۵۹۵ و ج ۲، ص ۲۴۶

آقا سید محمد کتابفروش (فقیه زاهد)... ج ۱، ص ۴۷۷

حاج آقا محمد کلباسی (فرزند حاجی کلباسی)... ج ۲، ص ۴۰۰

حاج شیخ محمد کلباسی (معاصر)... ج ۱، ص ۴۸۲

آقا سید محمد گلستانه (مورخ الإسلام)... ج ۱، ص ۴۸۵

آقا محمد مازندرانی (نورالدین محمد)... ج ۱، ص ۴۸۹

سید محمد مظهر طباطبائی... ج ۱، ص ۴۶۸

حاج آقا محمد مقدس... ج ۲، ص ۳۲۲ و ۳۵۸ و ۴۶۸

میر محمد مؤمن تنکابنی (حکیم مؤمن)... ج ۲، ص ۴۸۶

آقا سید محمد مهدی خوانساری اصفهانی (صاحب أحسن الودیعہ)... ج ۱، ص ۴۳۵

آقا میرزا محمّد مهدی روضاتی... ج ۱، ص ۴۳۴

آقا محمّد مهدی کلباسی... ج ۱، ص ۴۸۰ و ج ۲، ص ۳۹۹

آقا میر محمّد مهدی نائب الصّدر... ج ۱، ص ۵۴۵ و ج ۲، ص ۴۲۷

ص: ۷۳۴

آقا سید محمد نائب الصدر... ج ۱، ص ۴۷۵

حاج ملا محمد نائینی... ج ۲، ص ۴۵۹

آقا سید محمد نجف آبادی (مجتهد بزرگوار)... ج ۲، ص ۱۱۷ و ۳۰۷ و ۴۵۳ و ۵۹۱

ملا محمد نصیر مجلسی... ج ۱، ص ۵۰۱

حاج میرزا محمد نواب لاهیجی... ج ۱، ص ۵۴۷

محمد هادی بن میرلوحی... ج ۲، ص ۳۷۷

آقا میرزا محمد هاشم چهارسوقی... ج ۱، ص ۴۳۴ و ج ۲، ص ۳۵۳ و ۵۱۹

حاج شیخ محمد یاسینی همدانی... ج ۲، ص ۵۰۸

سید محمد یزدی (سید رکن الدین یزدی)... ج ۲، ص ۸۵ - ۸۶

آقا سید محمود درب امامی... ج ۲، ص ۴۶۵

حاج شیخ محمود شریعت ریزی... ج ۲، ص ۳۲۹ و ۵۳۱

آقا شیخ محمود کاشانی (سالک)... ج ۲، ص ۱۵۲ و ۳۱۹

آقا سید محمود کلشادی (سید مغنی گو)... ج ۲، ص ۱۱۲ و ۲۴۹

آقا شیخ محمود مفید (حکیم بزرگ)... ج ۱، ص ۵۱۴ و ج ۲، ص ۳۱۱ و ۴۳۵

امامزاده مختار علیه السلام (خوراسگان)... ج ۱، ص ۲۱۰

ملا مختار اعمی (قاری اصفهانی)... ج ۱، ص ۳۸۴

مخنف بن سلیم (والی اصفهان از طرف امام علی علیه السلام)... ج ۱، ص ۸۷

امامزاده مرتضی علیه السلام (نزدیک جعفریه)... ج ۱، ص ۲۱۰ و ج ۲، ص ۳۸۴

حاج شیخ مرتضی أردکانی (آیه الله)... ج ۱، ص ۶۳۳

آقا سید مرتضی خراسانی... ج ۱، ص ۴۲۷ و ج ۲، ص ۴۶۳

آقا شیخ مرتضی ریزی (مجتهد مدرّس و واعظ نامدار)... ج ۲، ص ۴۴۵ و ۵۳۲

آقا شیخ مرتضی مظاهری (آیه الله)... ج ۲، ص ۲۱۶

حاج سید مرتضی موحد أبطحی ج ۱ ص ۵۱۵-۵۱۸، ۶۲۵ و ج ۲ ص ۱۲۴، ۳۸۶، ۵۰۰-۵۰۲

ص: ۷۳۵

مریم بیگم (نوه ملا محمد تقی مجلسی)... ج ۱، ص ۶۴۴

مریم بیگم صفوی... ج ۱، ص ۶۴۶

مسعود بن عبد الله بیضاوی (بابا رکن الدین)... ج ۲، ص ۴۴۰

آقا میرزا مسیح روضاتی... ج ۱، ص ۴۳۵

ملا مصطفی قمشه ای... ج ۲، ص ۵۴۰

حاج سید مصطفی موحد محمدی... ج ۲، ص ۱۲۴

سید مصطفی مؤید الأطباء... ج ۲، ص ۴۹۷

حاج سید مصطفی مهدوی هرستانی... ج ۱، ص ۶۲۰ و ج ۲، ص ۱۰۷ و ۱۱۹

آقا سید مصلح الدین مهدوی (نویسنده معاصر)... ج ۲، ص ۵۳۲

ملا مظفر ترکه... ج ۱، ص ۴۰۵

میر معصوم خاتون آبادی (چهره بزرگ معنویت)... ج ۱، ص ۴۱۹ و ج ۲، ص ۱۲۴ و ۴۳۵

مفضل بن سعد «مافزوخی اصفهانی» (ادیب و مورخ نامدار)... ج ۱، ص ۳۱۲ - ۳۱۳

ملا مقصود علی مجلسی... ج ۱، ص ۴۹۴

ملک محمد اصفهانی... ج ۱، ص ۳۸۳

منصور بن عبد الله اصفهانی (محدث)... ج ۱، ص ۲۵۲

حاج آقا منیرالدین بروجردی (مجتهد محقق)... ج ۲، ص ۳۵۵ و ۴۶۹

امامزاده موسی علیه السلام (خیابان کاشانی)... ج ۱، ص ۲۱۱

موسی بن عبد الملک اصفهانی... ج ۱، ص ۳۵۰

آقا شیخ موسی خوانساری (محقق جلیل القدر)... ج ۲، ص ۵۱۹

آقا سید مؤمن شفتی... ج ۱، ص ۴۴۳



حاج شیخ مهدی الهی قمشه ای... ج ۲، ص ۵۳۹

حاج سید مهدی امامی سیدهی... ج ۲، ص ۵۱۳ و ۵۱۵

حاج میرزا مهدی جویباره ای... ج ۱، ص ۴۷۲ و ج ۲، ص ۴۶۱

ص: ۷۳۶

آقا سیّد مهدی خوانساری... ج ۲، ص ۵۱۸

آقا سیّد مهدی درچه ای (آیه الله)... ج ۱، ص ۵۲۷ و ج ۲، ص ۲۱۵ و ۲۶۲

میرزا مهدی طیب... ج ۲، ص ۴۹۴

آقا شیخ مهدی فقیه ایمانی (نویسنده معاصر)... ج ۲، ص ۱۲۵

حاج سیّد مهدی گلستانه... ج ۱، ص ۴۸۶

آقا مهدی مازندرانی (شهید)... ج ۱، ص ۴۸۹

آقا شیخ مهدی مسجد شاهی (حاج آقا نورالله)... ج ۱، ص ۵۰۶

آقا شیخ مهدی نجفی مسجد شاهی... ج ۱، ص ۵۱۰ و ج ۲، ص ۱۵۱

آقا سیّد مهدی نحوی... ج ۱، ص ۵۳۲

حاج ملاّ مهدی نراقی (چهره نامدار شیعه)... ج ۲، ص ۵۶۴

نابغه جعدی (شاعر نامدار اسلامی و تبعیدی معاویه به اصفهان)... ج ۱، ص ۹۲-۹۵

امامزاده سیّد نجم الدّین علیه السلام (خیابان کهندژ - جوی آباد)... ج ۱، ص ۲۱۱

نسمه خاتون (عالمه فاضله، دختر مرحوم کاشف الغطاء)... ج ۱، ص ۶۴۷ و ج ۲، ص ۴۳۲

حاجیه نصرت خانم امین (مجتهدة ایرانی)... ج ۱، ص ۴۲۱ و ۶۴۹ و ۶۷۱ و ج ۲، ص ۴۴۰

میرزا نصیر (طیب حکیم شاعر)... ج ۲، ص ۴۹۰ و ۴۹۲

نظام الشرف اصفهانی... ج ۱، ص ۳۶۵

سیّد نعمت الله جزائری (محدّث محقق و نامدار)... ج ۱، ص ۴۰۷ و ج ۲، ص ۱۵۶

حاج شیخ نورالدّین اشنی... ج ۲، ص ۴۳۷

حاج سیّد نورالدّین جعفریان... ج ۲، ص ۲۹۰

حاج آقا نورالله (مهدی) مسجد شاهی... ج ۱، ص ۵۰۶

حاج ملا هادی سبزواری (حکیم نامدار)... ج ۲، ص ۱۸۳

ملا هادی مازندرانی (آقا هادی مترجم)... ج ۱، ص ۴۸۷

ص: ۷۳۷

امامزاده هارون ولایت علیه السلام (هاروئیّه)... ج ۱، ص ۱۹۸ - ۲۰۱

سید هاشم طیب... ج ۲، ص ۴۸۸

هبه الله اصفهانی (حکیم ابوالقاسم طیب)... ج ۲، ص ۴۸۲

هبه الله بن أحمد... أسدی اصفهانی... ج ۱، ص ۳۶۳

هبه الله بن داود اصفهانی (محدث)... ج ۱، ص ۲۵۴

آقا شیخ هبه الله هرنندی... ج ۲، ص ۱۲۲ و ۳۰۸ و ۴۶۴

میرزا هدایت الله طیب... ج ۲، ص ۴۸۴

همسر شیخ بهائی... ج ۱، ص ۶۴۳

همسر ملا محمد صالح جویباره ای... ج ۲، ص ۴۳۳

میرزا یحیی مدرس (أدیب و مدرّس و شاعر نامدار)... ج ۲، ص ۲۰۲ و ۴۷۳

حاج میرزا یحیی مستوفی... ج ۲، ص ۴۳۰

حاج شیخ یحیی هدایت... ج ۲، ص ۳۱۹

یزید بن قیس أرحبی (نماینده امام علی علیه السلام در اصفهان)... ج ۱، ص ۸۵

یوسف بن یحیی اصفهانی (محدث)... ج ۱، ص ۲۵۵

آقا سید یوسف خراسانی... ج ۱، ص ۴۲۶ و ج ۲، ص ۴۶۰

یونس اصفهانی (از أصحاب امام زمان (عج) در هنگام ظهور)... ج ۱، ص ۱۲۸

شیخ یونس مفتی... ج ۱، ص ۳۸۶

ص: ۷۳۸





































































بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com)

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می  
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه  
اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

